UNIVERSAL
LIBRARY
OU_228521
UNIVERSAL
LIBRARY

سنه ۱۲۹۶

تبارک و تعالی شانه

جلد سیم کتاب منتظم

ناصری تاریخ قاجاریه از مؤلفات

جناب صنیع الدوله محمد حسن خان وزیر

انطباعات دار الطباعه همایونی از سال

هزار و صد نود و چهار الی سال

هزار و سیصد و هجری

دولتی

قیمت هفت تومان

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نثقتی

بار خدایا از بیان حمد و ثنا یکه سزای درگاه کبریای تو باشد درمانده و قاصریم و از ادای شکر نعما و آلای بی منتها که عطا فرموده ناکرده و مفصر جائیکه نزد بکان و مقربان حضرت را بعجز و ناتوانی اقرار است و ضعف بشریت مانع تحمیل و مانع استکمال اطوار از ما نیاید نه پرستشی که شاید کمال عبادت و عبودیت ما اینست که رسولان کریم و پیمبران با تکریم را از روی قلب و لسان بمهر و امتنان پیروی کنیم و بدین دست در دست و سینه و بند کی زنیم آل و اولاد ایشانرا اکرامی داریم و وسایل و وسایط دستکاری شماریم پس دست آویز ما در بن عالم جهولی و نادانی و شدت خمولی و توانی ذیل کرامت و ظل حمایت و شفاعت پیغمبر برگزیده و رسول مرسل مختار است و ولای عترت طاهره بزرگوار علیهم صلوات الله و سلامه ما دامت الشمس شارقة فی رابعة النهار **اما بعد** بر رکنین مطلب و مراد نگارنده که بتوفیق قادر متعال عز اسمه صورت حصول می پذیرد و امید وار است که بعز قبول و لی نعمت قدس سرها یعنی شاهنشاه جمجاه خسرو عادل کارا کاه السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان **ناصر الدین شاه** قاجار ایده الله تعالی بنصره العزیز نیز مقرون شود نگارش تاریخ سلسلهٔ جلیلهٔ قاجار و این طبقه از سلاطین با تمکین قاجار است چه جملهٔ مولفاتیکه بتحریر آن پرداخته ورد سنوات خاصه مرتب و مدون ساخته نسبت باین تالیف منیف در حکم مقدمات است و این مجلد که نام نبیل و مآثر معظم اردوغ با فروغ مشار الیهم خلد الله ملکهم را شامل میباشد بمنزلهٔ پنجم میباشد چونکه چنین است فایده ترتیب آن صغری و کبری این متوالی گفتگو بمشقتهای آرزو و ما مول خود نایل آمده و مسئول و مقصود خویش را حاصل کرده لهذا از بحث شکر دارم و از دو ذکار هم و اکرا این تاریخ قاجار تبرکه جلد بیستم منتظم ناصری است بوضع مجلدات سابقه بسال و بی مفصل و مبسوط چنانکه شروع نموده بعون الله تعالی بپایان رسد عنایتی است که از الطاف خفیهٔ خداوندی شامل حال و موروث از دیار خوش بخت و اقبال او بمقدار کشته و بنحو اختصاص و اجمال دینی که از سلاطین بزرگوار قاجار بواسطهٔ بذل نعم وافره و عواطف متکاثره بر ذمت و رقبهٔ این بنده و آبا و اجداد اسناد شده و او را باجر دانند که پدران و نیاکان مولف نیز چون خود در این دودمان خلافت نشان همواره باعز و شان بخدمت مشغول و باحسان و اکرام مشمول بوده اند و در مقابل آن نعمت بی قیاس این خدمت قلیل عرض تشکر و سپاس است

پوشیده نیست که جلد دویم منتظم ناصری بشرح وقایع سنه هزار وصد ونود وسه که سال اشتغال کریمخان زند است خاتم شد و این مجلد میباید بحوادث سنه هزار وصد ونود وچهار ابتدا شود اما اگر قبل از شروع بآن وقایع تمهید مقدمه نماید چنانکه باید وشاید کتاب جامع تمام باشد و مرام کامل نکرد چه ذکر نسب جلیل فرخنده ایل قاجار و بیان سیر و آثار معظم اسلاف و آبای ملوک کامکار این سلسله علیه با تمکین و وقار در این محل و مقام از رؤس مسائل و معظمات مطالب و مهمات نا اهمالی در این باب نشود و اغفالی در رفع ابواب و بسط اسباب بکار نرود بدوا ایراد مقدمه میپردازد تا کار را بر مطالعه کنندگان سهل و آسان سازد این تالیف بدرستی و درستی وافی گردد و فقط همین مجلد برای استدراک کلیه منظور و مقصد کافی باشد انتها

همچنین مخفی نماند که در این کتاب نیز فرمان سبک و طریقه را که در مجلدات سابقه منتظم ناصری اختیار کرده ایم ملحوظ و مرعی خواهیم داشت یعنی پس از اتمام و تحریر وقایع داخله ممالک محروسه نگارش سیر ملوک معظم هر سال حوادث مهمه واقعه در تمام ربوع زمین و اقطار کره ارض را مسطور خواهیم نمود و صاحب نظران که تتبع و تصفح صحایف و کتب اخبار یکی از شئون و افکار پسندیده ایشان شده اند که اتفاقات و سوانح عظیمه مائه نوزدهم مسیحی یا قرن سیزدهم هجری چندان اهمیت دارد و جاذب نظر دقت و اطلاع است که شاید آن نیز در جمله حسن و محسنات این کتاب بشمارند و بمثل چون پاره وقایع آن سابقا شاهدان بدیع الجمال باشد و من الله التوفیق فی کل الاحوال

مقدمه

مورخین معتبر و مصنفین محترم مائه سیزدهم هجری در اصل اصیل و نسب جلیل ایل جلیل قاجار و امرای این سلسله باشوکت و اقتدار هر یک بقدر و مساعدت کتب و اسباب جمع آوری و فائز و اسناد و بذل جهد و اجتهاد استقصا نموده اند و شرحی نوشته بنا بر این پسندیده و بهتر آنست که ما اولا بعضی مسطورات ایشان را عینا و برخی را بطور خلاصه و تلخیص عبارت ذکر و ایراد کنیم بعد از آن هر جا براه تحقیق و تدقیق پوئیم و آنچه را صواب و موثق تصدیق اولی الالباب است و مطابق با واقع دانسته و سنجیده ایم بر بیان قلم آورده و گوئیم پس شروح مزبوره از قرار ذیل است

در کتاب ملوک الکلام که مرحوم آقای میرزا تقی علی آبادی از رجال معظم از قول خاقان خلد آشیان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه نوشته چنین مسطور است

نخست گوهر پاکی بیش از آلایش آب و خاک از صلب پاک ترک بن یافث بن نوح تا زمانیکه مقتضی ظهور کشت شاه بشان حالا بجال تکمیل ترتیب پذیرفت تفصیل این اجمال آنکه ایل جلیل قاجار از اروغ مبمون آق قونیلوی ترکمانند و آن قبیله نبیله از اولاد ترک بن یافث بن نوح که یافث اغلان مذکور و بکثرت اولاد و احفاد مشهور قبایل و عشایر نبیجه بلک هنسل و فرع بلیغ اصل از منشعب گشته پس از تشخص مما للشرق و شمال در ترکستان و چین و صقلاب و خطا و ختن جای گرفتند و طایفه از آن ملقب به آق قونیلو و قراقونیلو اکثری از بلاد روم و شامات و دیار بکر را بحیطه تصرف در آورده بعزیمت ایران مصمم و در اندک زمان ایران را مسخر و آنرا بسته تمکن کردند که متون تواریخ و بطون اخبار از آثار و کردار سلاطین با اقتدار آن دو طایفه حاکی و حاوی است جمعی در کجه داغ و تبریز و ایروان ساکن و رایت سلطنت در ممالک آذربایجان و کرج و عراق و فارس افراخته آبای کرام و اجداد عالی مقام را شعار و دثار کردکان بعد از استیلا بر ترکمانان دشت قبچاق تمکن و بهره در مرو شاهجهان نوطن جسته بر اکثر بلاد خراسان حکمران و فرمان روا شدند شاهقلیخان پدر پنجم کرسر خیل آن انجم بود پس از انقضای مدت حکمرانی از این جهان فانی درگذشت و زمام اختیار آنخود و پسر ارشد خود فتحعلی خان را کذاشت

او امیری بود پادشاه نشان بمعاضدت شمشیر و مساعدت تدبیر شد و دولت علیه صفویه را استقامت و استحکام تمام حاصل بود پس از شهادت او مظهر جلال خداوند قهار نادرشاه افشار چندی بملک و ملک و حرق و خرق ممالک ایران و ترکستان و هندوستان را بر آشوفته ایران را ویران گذاشته در گذشت بر حسب فاعتبروا یا اولی الابصار و ذکر کرده (نوبت باندملوک اند رین سپنج سرای) نوبت سلطنت مورث محمد حسنخان فرزند رشیدخان سعید رسید و او پادشاهی مؤدب نفس مجرب عقل بود خصایل ملکی با کمال انسانی جمع داشت بطب خلق و زیب خلق و عقل کافی و عدل وافی در اندک مدت ممالک عراق و فارس و آذربایجان چون قلوب جمهور ناس مسخر و مغلوب ساخت پس از انصراف مهلت و انصرام مدت بر عادت زمانه ناپایدار زمانش بسر آمد و زمانه پدر بضمان پسر آمد و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند هریک در انتخام و اصطلام مقابل لشکری و مقابل کشوری پدر نامدارم حسینقلیخان ملقب بجهانسوز شاه و عم ناجدارم محمد شاه که در روضهٔ رضوان قرار و دم بدم رحمت یزدان بر روح پاکشان نثار باد اخر یک برج و کوهر یک درج در عرصهٔ ممالک شایان تخت و تاج و از سلاطین زمان ستانده رخت ماند یوسف و ابن یامین از یعقوبیان محسود برادران اگر کشتند زنا ظلم و عنا زندواری و چهره عدل و انصاف در پردهٔ منواری ماند عم ناجدارم در شهر شیراز چون بزین اسپ رجا و پد رشمشیر کدارم نا از چاه بجاهش نشاند مغفر سر بر تاج زرکان و کمند بر حایل کهر بطاق شمشیر برکبانی کرمند بین بر خسروانی بستر برکزیده دستان وار داستانهای مردی و مردانگی در روزکار بیادکار گذاشت

برای اخلاف چنگا و سلطنت و استیلای بر ممالک ممدوکا دولت و ملکت نخل ماند آخر ابراشان تبره شمشا چیره

بروز و شب بی رزمش نه روز بود و نه شب و نه ماه و خور بی بزمش نه خواب بود و نه خور
بجا بکی و دلیری چو سوار ند پد اگر چه پور پشنک و اگر چه رستم زد
همیشه تیزش پیش از خیال در دل خصم بفرق تیغش پیش از نهادن مغفر

عاقبت بهمان اخلاف بشهادت سعادت یافت پس از بتدبیل چندی از تبدیل و نهار و تحویل این دو شبانهٔ بیمدار (اقبال را بوعده وفا کرد روزکار) کریخان زند که با عشان کار نا پسند آزادمان شراب ایمان خراب چون نقش بر آب و موج سراب از هستی نا چیز ماند از تخت بخته رفت و از کاه بخاک سیاه خفت

از محاق قضا برون شد ماه وز عری خطر برون شد شاه

عم نامدارم از شهر بند شیراز چون شاهنجا بساشیان بیرون آمد و امید و اه مازندران کرفت انهی مرحوم میرزا ابو القاسم قایم مقام از وزرا و ارکان دولت خاقان علیین مکان فتحعلی شاه طاب ثراه در کتاب تتمایل خاقان کوید یاجلیل فاجار را نسب بترک بن یافث و اغوزخان میرسد و شرح مبسوطی در این باب مینکارد که خلاصهٔ آن از قرار ذیل است

و افدی کوید ترک بن یافث با کبومرث بن جهان ایران معاصر بوده و هر دو در یک عصر واضع رسم سلطنت شده اند بعد از آن بعضی از اولاد شام و حام در ممالک یمن و هند و حبشه و شام دارای دایرهٔ اقتدار و اهلشام کردیدند بنا بر مسطورات تواریخ ترک بن یافث اول خاقانان ملک مشرق است و از نسل او چهار فرزند بوجود آمد بزرکتر از همه تولا بود که در کودکی در ساحل رود سنلوک صیدماهی نمود لقمهٔ چند تناول فرمود ناقفا پاره کوشت بر ناز دستش در قطعهٔ زمینی شور افتاد چون آنرا بر کرفته آورده نمک شده بود ذائقهٔ او را از طعم نمک خوش آمد و قت شام صورت حال را بعرض پدر رسانید و خاص و عام را بعد از آن میلی تمام باستعمال نمک حاصل شد و معدن نمک از ترکان پدید آمد بالجمله رایت اقبال ترک در تمامی ممالک پدر و املاک برادران چنان افراخته کشت که با آنکه ایشان مانند غز و خلج و چین و سقلاب بطمالک

بودند وحدود وسنوشان با یورت مخصوص نزد آشکار و معلوم باز اکنون در تمام ربع مسکون جلکی را در حکم
یک ملک دانند و بنام ترک خوانند و او مهتر فرزندان خویش را برای ولایت عهد نمیزد بدلا جرم مفاتیح ملک را باو عطا
کرده ایلیسنجه خان لقب داد تا کارهای خطیر کند و برحسب امر باشد و خود شهریاری قادر قاهر بود که بر عموم ایلات و
احشام و اقارب و بنی اعمام از فرط کیاست مهتری و ریاست یافت و بسفر خویش در محل موسوم بیورسوق و قارقوم و جبال
اورناق و کورناق ییلاق و قشلاق میکرد و آن دو کوهی است شامخ و عظیم که از منتزهات عالم است خواجه رشید فضل الله
طیب نام آنشهریار را در جامع رشیدی ابولخیر خان ضبط کرده است بعضی این لقب را مخصوص منگلک بن یاقوتا دانسته و
دیگر بر آنند که این خود بواسطه فرزند نوح بوده است و علی ای حال اختلافی در این نیست که حضرتش واسطه طلوع انوار
حسن از ناصیه جمال دیپ یاقوی خان بوده و این اسم علم مرکب منقول است چه در اصطلاح اتراک دیپ مقام و جاه و وقعت
باشد و یاقوی خود پیروزبخت و در اشتقال جمال حسن از مظهر وجود او به پیکر شهود فراخان اختلاف روا داشت
بنابر مسطورات تاریخ رشیدی فراخان بی واسطه غیر از صلب دیپ یاقوی خان بوجود آمده لیکن در تواریخ مشهور چنین
مسطور است که بعد از دیپ یاقوی فرزندش وکیوک مهتر ترکان بود و ولایت عهد ملک را بفرزند خود الچی خان
تفویض نمود مغول و تاتار او بوجود آمدند و هر دو را وارث تخت و دیهیم کرد و ممالک خویش بدیشان تقسیم نمود از صلب
مغول نیز چهار فرزند مذکور موجود گردیدند هر چهار کافر و نابکار بودند از جمله فراخان بود که در عهد او احدی را مجال
اقرار بتوحید و خیال تقدیس و تمجید ممکن نمیشد و از فراخان اغوزخان بوجود آمد و ترکان را در ولادت او اعتقادی
چند است که اسناد آن جز بانبیا و اولیا شایان نیست از جمله گویند پیران تولد ناسزوکام و دهان بشیر مادر بنا لود و
هر چند رعنا مادر خواب خطاب میکرد که شیر تو وقتی خواهم خورد که مؤمن و حق شناس باشی و بعد از آنکه مادر را و داخل دین حنیف
گردید اغوز لب به پستان او گذاشت شیر نوشید و آن دین داری پنهان بود تا عمر کودک بپنجسال رسید فراخان برسم ترکان جشن
تشخیص اسم پسر آراست جمیع حضار از آن پسر و بال در آن سن و سال تعجب کردند و در تعیین اسم پسر مشورت میکردند که طفل
رضیع خود بزبان فصیح گفت اسم من اغوز است خلاصه اغوز روز بروز در چشم پدر گرامی تر میشد تا بسن بلوغ رسید بحکم پدر
دختر عم خویش کورخان را در حبالهٔ نکاح در آورد و عرض ایمان باو کرد و او را نهایت منکر بود برای اینکه عم و پدر و قوم
و خویش را از باطن خبر نبود ترک او و قطع گفتگو کرده دختر عم دیگر را که اوزخان نام داشت بخواست او را نیز همان
عقیدهٔ پسر چشم از وصال او پوشید بعقیدهٔ او ترک لفظ الله را بخواندن در دین لغت عرب اغوز وردزبان کرده و شهر گاه
معنی آنرا نمیدانستند حل نصر چون اغوز مؤمن بود و قوم را مشرک میدید لهذا از خدمت پدر مفارق بود و با اقوام موافق نمیشد
وقتی از شکار بشهر باز میگشت از حوالی سرای عم خود گذشته اتفاقا بجوئی از جواری برخورد که بر لب جوی جامه میشستند
و دختر عم او پوزخان بر لب جوی ایستاده مشاهدهٔ جمال او اغوز را مفتون ساخت بی اختیار از اسب فرود آمد و با آن محبوب
در گوشهٔ ابواب گفتگو باز کرد و گفتار ما جرای من و دختر از عم باخبر بود و میدانی که اکنون جمال تو را عاشقم ولی آنگاه تو را دوست
خواهم داشت که دوست خدا شوی دختر نیز چون دل باغوز داده بود زبان باقرار گشود اغوز او را بزنی بگرفت و زنان پیشین
حسد برده وقتی که فراخان جشنی عظیم داشت او را از برای اغوز از دین آبا خبر دادند آتش خشم فراخان مشتعل شده فورا اغوز را
قتل میرکشته چون موکب اغوز در صحرا بود با کره وهی از ترکان بی باک از شهر بیرون شدند خاتون اغوز نیز بیکی از ایجاب او
روان کرده ما جرای اسلام خود اغوز چون راه گریز بدست نیز گشوده آن روز تا شام با پدر نبرد کرد و در اثنا بتیری بر
مقتل فراخان رسید و در حال درگذشت بعد ما فوجی از خیل مغول بجنگ اغوز پیوسته مدت هفتاد و پنجسال با اعمام و بنی

اعمام وسایر طوایف واقوام جنك میکرد تا برایشان غالب آمد وتاتار ومغول چاکری او را قبول کردند لذا شهر اینانج بحر خلوك تا حدّ خوارزم وبرود جیحون در قبضهٔ تصرّف او آمد وعقیدهٔ ترکان اینست که از آب جیحون نیز گذشته اکثر ربع مسکون را بضرب شمشیر عرصهٔ تسخیر ساخت ودر مرز توران وایران وخطّهٔ هند وسند ودوم وفرنك هیچ جا مقام نکرده بطرف مسقط الرّاس هفت نموده حدود اورتاق وکرتاق را که بورث آبا واجداد او بود مقرّ خلافت نمود وباختصار وسالوس ومعارف طوایف فرمان داد تا خلقی کثیر از ترك وتاجیك جمع شده باتفاق آغا وابنی بر تخت خانی نشست وجشنی عظیم بگرفتند وهر کس از اقارب وخویشان که در روم فراخان بموکب او پیوسته بود ایغوز لقب دار اقوام قفلق وقارلوق وقپچاق واتاجری از نسل ایشانند

بالجمله در تواریخ مغول مسطور است که اغوزخان را شش پسر بود واز هر پسر چهار فرزند بوجود آمد که از نسل هریك در قلیل زمانی جمعی کثیر پدید گشته جمل ایشان از نام پدر نشان یافتند که اکنون بهمان اسم معروف ومشهورند وگویند پسران اغوز در شکار کرده کمانی زرّین با سر چوبه تیر در شکارگاه یافتند ونزد پدر بردند اغوزخان کمان را سه پاره کرده به پسرها بزرك داد وسهام ثلاثه نیز حصّهٔ پسران کوچك شد پس پسران بزرك را یوزوق لقب داد وپسرهای کوچك را اوچوق خواند واشکرد ستد را بمهتران سپرده ودست چپ را بکهتران وفرمود که چون پدر در حکم سفر است وکمان بمنزلهٔ امیر تخت پادشاهی از یوزوق خواهد بود وبر وفق این وصیّت بعد از وفات او گون خان که مهتر یوزوق بود بر تخت پادشاهی نشست وهفتاد سال سلطنت کرد واو را بایکه نام را از قبیلهٔ جورجه منصب وزارت داد وخواجهٔ عاقل وهوشیار بود در بدایت جلوس گون خان عرضه داشت که اغوز پادشاهی بزرك بود وممالك مستخر نمود خزاین واموال گذاشت دریغ است که آن مال بیقیاس بامال روزگار گردد وآن نام نیك بزشتی گوید باشد صواب آنست که این بیست وچهار پسر را جمع وحشر ومالدود وآب وبورث ومقام مفروز باشد وهریك را تمغائی علیحده وانقوئی جداگانه مخصوص گردد تا هیچوقت بخلاف نیفتند گون خان این رای را پسندیده قسمت هریك از احفاد اغوز را معلوم ومفروز کرد ومهر ونشان ایشان را که تمغا وانقون گویند معیّن فرمود وچون وقت انتقال رسید برادر خود آی خان را قایم مقام نمود وزان پس بر تخت نشسته فرزند خویش منکلی خان را ولیعهد ساخت چون او در گذشت تخت پادشاهی از نسل یوزوق بقوم اوچوق رسید وتنکیز خان که فرزند ششم اغوز بود وارث ملك پدر گشته یکصد ودو سال بر تخت خسروی بود بعد از آن عابد ومنزوی شد واکبر اولاد خود را قایم مقام کرده ایلخان لقب داد وچون نام ونشان اولاد اغوز وطوایف اغوز بر وجه تفصیل در تواریخ مشهور نیست وهر جا که هست بتدریج ایام تصحیف شده لازم آمد که در اینجا مذکور ودرج شود

ذکر فرزندان اغوزخان

فرزندان اغوزخان بیست وچهار نفرند واقوام یوزوق سه طایفه وطایفهٔ گون خان چهار شعبه پس شعبهٔ اول از طایفهٔ گون خان قای است که فرزند مهین گون خان بود واز بس در فصل امور سختی میمود او را قای گفتند که در اصل لغت بمعنی سختی وشدّت است واکنون بالمجاز کرههای کوه وسنگهای سخت را بدان نامند بورث او واولاد او تا عهد ایلخان در دریای محیط وکنار سیحون بوده وپس از تسلّط نوراز بورث ووطن دور ماندند ودر عهد محمود با آل سلجوق متفق گشته واز آب جیحون گذشته در حدود شبرغان ومرغاب مقام کردند اکنون نیز ساکن حدود دشت وداخل طوایف ترکمان ودر چل جان نثاران دولت ابد نشان میباشند شعبهٔ دوم بای آق که فرزند دوم گون خان است اتابکی او با وربا بیکی مفوّض بوده ودر دار وزارت نشو ونما نموده بسعی ودبیر مهتر

برادران و سرورها دران کردید و بر ساحل فرامورزان پورت کرفت که با موطن اصلی و زیر فرب جوار داشت و چون
در و فور نعمت و علو همت بر همکنان تقدم یافت و نام نیکو بفضل وجود بر آورد او را بای آت کفتند که آت بمعنی
اسم است و اکنون آدکوبند و بای بمعنی بزرکی و شکوه و مال و نعمت نبوده است و معلوم نیست که احفاد او در چه
عهد باین آمده اند چه تا عهد تیمور همچو جد نام و نشانی از ایشان مروی و مشهود نکردیده همین قدر
مسموع و مشهور است که طایفه از این قوم بر حسب حکم تیمور بغزو شامات مامور کشته چندی در آنجا بودند و چون باز معاودت
نمودند در حدود دشت و کرکان نشسته با ایل جلیل قاجار پیوستند که اکنون بشام بیاتی موسوم اند و در جمع طوایف
قاجار محسوب و لیکن از عهد دولت صفویه تا زمان این دولت علیه سران سپاه و پلان کاه از این قوم در رکاب
پادشاهان بوده و در سفر و حضر خدمتهای نیکو نموده اند از زمان چند پنامیر بزرک از بیات مطلق و بیات شام در معسکر
شاهنشاه اسلام موجود است یکی از آنجمله امیر کبیر محمد علیخان کرد در حدود عراق عرب سالار سپاه است و برادرش اسمعیل خان
عاکف حریم درکاه دیکر امیر دلیر پیر قلیخان که اکنون در جرک پیران است و با چند سپران و فرزندان رحمندش محمد باقرخان
که در حضرت نیابت و سلطنت و ولیعهد دولت چاکر جان نثار است و فوج نظام را سالار بود و این چهار از قوم بیات شام اند و در
سلک خوانین و ام ای قاجار و از قوم بیات مطلق نیز در ممالک عراق و فارس و آذربایجان و خراسان امرا و خوانین نامدار
و منجند و بشمار موکب اقدس را در ظل رایات و حضرت اعلی را مشغول خدمات اند قدم ایشان امیر عظیم الشان ابراهیم خان
که در عهد پیش عم خودش در بندکی خاقان مغفور (آقا محمد شاه) و چاکری دارای منصور صرف کرده و اکنون باقی عمر را
بخدمت درکاه و لیعهدی وقف و برادرش اسمعیل خان کرامیر هزاره الوار است و دیکر معارک پیکار و دیکر مقرب الحضره
علیخان که چندی ثغر اردبیل را مانند زنده پیل حراست میکرد و بر آنجا را آن غفور و ابلات آنجا و در ایاستیاق و برادرش
رحمن خان که چاکر خاص شهریار است و صاحب عز و اعتبار دیکر از این طایفه بزرکان بسیار در سلک خدام درباز سپهر
غلام است که ذکر ایشان موجب اطناب خواهد بود و تخصیص این چند نفر از آنست که ذکر ایشان در وقایع دولت روز
افزون که من بعد بتوفیق خدای بیچون در ذیل این کتاب مسطور خواهد کشت بیشتر ارد خواهد شد و بهتر آن بود که نام
و نسب ایشان پیشتر معلوم و باجمال مرقوم کردد شعبه سیم افغر اولی نام این شعبه در هیچ تاریخ نیست مکر جامع التواریخ
او را فرزند سیم کون خان نوشته اند و بورثا او در سرحدات شمالی شرقی بوده و در سلطنت اروغ چنکیز و سایر
سلاطین اتراک امیری معتبر و بزرکی نامور از این قوم در وجود بنامده اکنون نیز نشانی در ایلات
ممالک محروسه نیست و اکر هست خامل و مطموس است شعبه چهارم قراولی که بر چهارم کون خانست بورث او
در حدود کوکانا بود که آنسوی شهر اینانج و چندین مرحله از فراقرم بالاتر است هوایش نشئت سرد و جبالش بغایت
سخت خلق آموضع در عهد قدیم ایلات دشت بوده اند و در خیمه سیاهی نشسته این پسر را قراولی نام کردند یعنی صاحب
خیمه سیاه و چون در موکب هلاکو لشکری تمام مامور شد که بر سامی طوایف و اقوام حوالت دشت فوجی از این قوم نیز
با نوکلایت بسیده در کوهستانات جغتو که اکنون داخل محال سنا و جبال اوغ است مسکن کرفتند و چون از دحامی چندان در
احشام آنها نبود رفته رفته بطوایف افشار پیوستند که بالفعل جز و طایفه افشار اند و فوجی از مردان کار در
سواران نظام و سربازان خون آشام دارند در عشایر ترکمان نیز از این شعبه چندی هست که در خیل سایر شعب داخل
کشته و ذکرشان خامل مانده بالجمله از این قوم شخص معروفی که نامش قابل ذکر و حالش در خور شرح باشد مسموع
نکردیده بلی هر چه هستند هر جا نشستند در جرک رعیت ایل و خدام این حضرت جلیل میباشند

فرزندان آی خان کہ دویم پسر اغوز خانست چہار نفر اند اول یار زکہ ناسش مشتق از یار شماق و بمعنے بوز ازند
بورتہ اود رحدود بلاس و قاری صیر بود در تاریخ مغول نوشتہ اند کہ قاری صیر شہر عظیم قدیم است کہ چہار دروازہ
داشتہ و از بدایت تا نہایت آن یکروزہ راہ بودہ در عہد قبلا فا آن تعلق باولاد اوکتای یافتہ و مسکن الوس قایدو و قونجی
کشتہ اتراک مسلمان در آنجا می نشستہ اند و از نسل یار زامیر ہے جلیل و بزرگی برازندہ کہ نام او در تواریخ ماندہ باشد
نسبت دویم دوکسا آرکہ بمعنے کرد آورندہ است یعنی جامع اشتات یورت الوس او در بیابان ناوور بودہ و تا عہد
منکوقا آن نام و نشان ایشان در افواج هزارہ و صدہ هست و فوجی بر حسب قسمت در جرگ سپاہ لاکو با ایران آمدہ اند
و در نواحی اردبیل مسکن گرفتہ ستک در عایت صانت تمام نمودند و ناووز کولی نام کردہ بمرور ایام خراب و ویران ماندہ
بود تا در این عہد سعید بامر و فرمان حضرت ولیعہد دولت قاہرہ تجدید عمارت یافت و مزرع آن بہتر جیش نظام
ابراہیمخان سرتیپ تفویض گردید و بخلیل آباد موسوم گشت سیم دودور عرکہ بمعنے ملک گیرندہ است یورت قدیم او
معلوم نگشتہ از نسل او خیلے عظیم در دشت قزاقستان هست و اسمای ایشان را جنسے جداگانہ است کہ اغلب جایک و توانا
باشند نہ چندان نازک و زیبا چہارم باہرلے کہ در بادبیر باشغر یورت و مقام داشتہ معنے نام او صحرا نشین است و اولاد
او تا عہد ایلخان در همان حدود ییلاق و قشلاق مینمودہ اند و اکنون از اعقاب ایشان جمعی فراوان داخل چل ترکان
است و حکام استراباد را بندۂ فرمان

فرزندان یلدوز خان چہار نفر اند اول او شرکہ در اصل اشتقاق ما خوذ از او شماق است یعنی برید و لیکن در اینجا کنایہ
از چستے و چالاکی و جلدی و بی باکی است آی و اولاد او در موضع اوین راحت گزین بودند کہ نزد یلنکلو انست و کلورن
آنجاست کہ یورت چنگیز خان بود و چون کار دولت او در آنمقام بالا گرفت قوم مغول را بقال بنکو آمد و بعد از آن هر کرا
بخت سلطانی بود و بر تخت قاآنی مینشست بالضرورہ در همان مقام قوریلتای عام میشد چنانکہ بعد از مرگ کیوک با توکہ مهتر
شاهزادگان بود و عارضۂ درد پای داشت لاجرم برای محفل کنکاج باسندعای سایر شاهزادگان و استحضار
سایر امرا و نوئینان ایلچی فرستادہ فرزندان جغتای و اوکتای را بمودند کہ یورت میمنون و تختگاہ چنگیز خان اوین و
کلورانست و تمهیدات قوریلتای در دشت قپچاق خلاف پوسون و پاساق پس منکوقا آن با برادران جانب دشت شتافتہ
حضرت باتو را دریافت و چون خواستند بر تخت نشیند باز جانب کلوران رفت و چندے آنجا بماندتا اجتماع شاهزادگان
دست داد و در همان یورت میمون بسعی باتو قا آن شد پس بوقتیکہ برادر خود هلاکو خان را امیر ایران میفرستاد اقوام اوزبک
قسمت خود را از هزارہ و صدہ بیرون کردند و جمعی عفیر از اینقوم بدین ملک رسیدہ در ممالک آذربایجان کہ تختگاہ
هلاکو خان بود توطن گرفتند و رفتہ رفتہ بزرگان نامدار و امیران باوقار از ایشان پیدا شد و خیل ایشان را چندان
ازدیاد و انتشار پیدا آمد کہ در فارس و عراق و خراسان جای جستند هر جا تمکن گرفتند و پایۂ تمکین یافتند
و چون بحضرت ملوک بصدق نیت سلوک میکردند کرده ها از ایشان در زمان صفویہ و سایر ازمان
بپایۂ امارت رسیدہ بعضے از اوقات در تمامت آذربایجان صاحب امر و فرمان بودہ اند و سالها ست کہ ولایت
ارومی و سلدوس مسکن ایل و الوس ایشانست و همواره بیکلربیکیان جلیل الشان داشتہ و رایت جلال
می افراشتہ اند تا در این عہد فرخندہ مهد لوای اعتلای این قوم باوج کمال رسیدہ بعزت قرب دولت پیوندبارگاہ
طنبد و آستان ارجمند خسروانی ممتاز گشتند و سمت شاهزادہ باوقار کہ باغ دولت را بهارند و کاخ شوکت را
نگارند از بطن بنات افشار در وجود آمدند اکنون از سراۃ این خیل سران بافر و جاہ چاکر درگاہ همایون اند کہ

چندین

چندین مثل اغوز ویلدوز را بنده جا و چاکر درگاه خویش دانسته مهتر پشان امیر الامراء حسینقلیخان که حال
ولیاد شهزادگانست و راس رئیس آزادگان و فخر الکبراء فرج الله خان که یکچند در حضرت خلد بوجهان سالار نسقچیان
بود و چند سردار سپاهیان شد و برادرش علیخان که در حضرت شهزاده ولیعهد دولت قاهره صاحب بال اعتنا
است و صاحب یاساق بارد یکراز کاه اینقوم قایدان سپاه و غازیان کین خواه در ظل لوای منصور است که حصن کردون
را کشایند و تاج کیوان دار بابند از انجمله عالیجاه محمد ولیخان که در تپخانه همایون داخل امرای هزاره است و قایدان قوا
سواره و عبد الصمدخان که سرهنگ سواران نظام است و ضرغام معارک اقشام قومی دیگر نیز در سلک سربازان خونریز
منسلک هیباشند و چون نام این ایل از کثرت استعمال مشهور با فشار است هرجا ذکری از ایشان شود باین نام مسطور
خواهد گشت و دیم بیکدلی و این لفظ از اعلام مرکبه منقوله است اصل آن بیوک دیل بوده بیوک بمعنی بزرگ و دیل
بمعنی زبان و دل از دوات نسبت پیدا شد اکنون بحذف و تخفیف از وضع اصلی تحریف یافته بیکدلی مشهور است چنانکه
تازیان عبد شمس را عبشمی خوانند و پارسیان شاهان شاه را شهنشاه گویند الغرض در اوایل حال بوزنا اینقوم در حیا
اولنای روم که آسیای صغرا مقر و موطن است در عهد چنگیز تا زمان غازان منسوب با قوام نامبردار نگشته بوقت عبور بیشه‌ها
سبز و چشمه‌ها لبریز دارد و در فصل شتا چندان باد سرد و برف سخت آید که از جنس شجر و نوع ثمر هیچ نماند و چون این
مقام بموقف جلال ایلخان نزدیک لشکر بوزنا پایمال ستوران آمد و آتش قتل و نهب در قوم بیکدلی افتاد هرکه از تیغ بیداد
رستی بقوم تاتار پیوست و چندی بدینوا سطه بنام و نشان در جرگه ایشان بودند تا لشکر معاودت جهانگیر شد و اکثر
اقوام ترک داخل سپاه و خادم درگاه ایشان گشته در عهد اوکتای قوجی از اینقوم نیز در جزو هزاره نامبردار بودند
تا بچو پیوست و مصحوب لشکر جورماغون بممالک ایران رسیده و شعبه از آن در طی اوقات بممالک شامات افتاد که مشهور
بشاملو شد و از روی تحقیق معلوم نیست که در چه هنگام از ایران بشام رفته اند و چه وقت باز معاودت نموده
مجملا در دولت صفوی و نادری اعیان امرا و اشراف و کبرای اینقوم مشهور و معروف بوده و هریک در نوبتی خویش
کسب کمالی نموده اند از انجمله مصطفی خان که از جانب نادرشاه بسفارت روم مامور شد و حاجی لطفعلی بیک که در
عهد خویش بیمثل و بیمانند بود و در فن شعر استاد زمانه کتابی جامع در ذکر شعرا نگاشته چون از زخم تلخ داشت آشفته
نام نهاد یکرخلف الصدق او حسینعلی بیک مانند شهرزاده آزاد است و تخلص بشری دارد اکنون در سلک عادیان دربار
و چاکران سرکار شاهنشاهی در تبه انحراط دارد و پایه شعر بیارک شعری کمتر دارد دیگر از اربابمناصب اینقوم احمد
خان نایب است که در همین سال از موقف جلال همایون مامور نفلیس بود و خدمت بنکو نمود و افواج بسیار از
پیاده و سوار در ظل جنود مسعود دارند که بعضی داخل جدیشرع افتاند و اکثر حافظ ثغر آذربایجان و اکنون ایل
و الوس ایشان بدره و جام رحل و مقام است یکی ناحیه مزدقان که نزدیک دار الخلافه طهران است دیگری در نواحی
مراغه که از ممالک آذربایجانست و چون راحت عام در اینعهد مقدر بود اینقوم نیز نام کوکشته خود را باز جسته
از هر جهة در خصب بماندند و امن و استراحت خصوصا از رهگذر پورت و مقام که کوی در ازای آن تنگ عیش و سختی
جال که اجداد و آبای ایشان زاد در شعاب اولنای بود. رود بار حقتو و کوهستان مزدقان قسمت و نصیب ایشان شد
که از باغ و کلشن و آب روشن غله و کشت غیرت هشت است و چندانکه در پورت قدیم بی غله و میوه دره و هر
گریوه میکشتند اکنون تمار الوان در وتاق و ایوان چیده بناز و عزت میل و رغبت مینمایند سیم قرق بکسر اول
و تانی و سکون ثالث یعنی قوچال بود تا در موضع قالدرون بود که در عهد چنگیز داخل مغول ستان شد

علف زار و منبع رود خانه عظیمی است و لا دقرق از سایر فرق بیشتر بوده و در عهد ایلخان کثرت بقیاس داشته اند
و چندی با لشکر یورو تاتار در این جنگ و پیکار افراشته بعد ها که لشکر تور بر بلاد ترک تسلط یافت از بیم جان تفرقه پاشند
و بهر جانب متشانفته بعضی داخل او یغور شده اند که هم حال داخل ترکمانان اند و هر سال فوجی از سواران جرار
بموکب منصور میرسند بعضی که آب چون کدشت ساکن سنجاب کشته در اواخر خراسان افتادند و بقوم او شهر
پیوسته اکنون از شعب افشار محسوب اند و بقر خلو مشهور و تا عهد شاه طهماسب ثانی نام و نشانی از معارف این قوم
در سیر و تواریخ نیست و لیکن در آخر دولت صفوی که خزان باغ خسروی بود فهرمانی قادر مانند نادر از این شعبه
پیدا شد که از حد موصل تا رود جیحون مسخر کرد و بر هند و سند و روم و روس مظفر کشته احفاد او را ملک و
دولت برقرار بود تا طلیعه دولت پایدار پدید شد و باغ خسروی را فصل بهار آمد پس امیر الامرا حسینخان سردار کل آن
وقت خار رس خراسان بود بیک رکضت خیل و نهضت میل جملگی را مقهور و مغلوب کرد و ملک مغصوب باز گرفت و جمعی
از معارف احفاد و شایخ اولاد او را ببند که حضرت نشستاد که هر یک چاکر یکتن از ابنای ملوک کشته فخر اینکونه چاکری
در نسل احفاد نادری ماند چهارم قاز قین یعنی دهنده آش شیلان و خواجه خوان الوان بورت او در حد و اسپرین
بود و بعد از تسلط تور معلوم و مذکور نیست که قوم او را چه پیش آمده و در کدام زمین متزل گزین کشته اند
فرزندان کوک خان که چهارم پسر اغوز است اول قوم او چون چهار نفر بوده اند اول یا بندر که در اصل یای اندر
بوده یای بمعنی برک با شکوه است و اندر مکان مرتفع مانند پشته و کوه یعنی برزک بلند قدر جای او در حوالی بورت
قای بوده و احوال فرزندان او در فتنه تور فرید و دون مشخص نکشته و معلوم نیست که در چه عهد با ایران رسیده
لیکن بورتاشان در این ملک معلوم است و تا اکنون به بایندر بوزی مشهور در نواحی سهند مقامی دلپسند است
که مرغزار بدیع و کوهسار رفیعش از خضرت ظلال و رفعت قلل با کلشن خضرای چرخ و جنت علیای خلد برابری است و از
تارک کردون پرو طارم برجیس و تیر فراتر شعابش لاله زار است و سحابش ژاله بار نسیمش عطر بیز و زمینش مشک
خیز هنگام تموز که از تاب سورت هوا و سند تکرها در سایر اماکن براحت ساکن نشاید بود در و دهای ژرف از کوههای
برف روان دارد که آب زلالش چون شهد و صال دوان آرد و بالجمله در عهد دولت مغول قضای این بورت مقام این
ایل بوده در آن جنت عدن نشو و نما مینموده اند تا بصر و فا یام در حد و فر اباغ و نخجوان منتشر گشته در و زکاری
دراز است که ملک بر ع بورت و مرابع گرفته اند و بعضی جانب مرز گروس رفته بالفعل در آن سرزمین ساکن
قرار و باغ اند و مالک عقار و ضیاع و در ذکر فخر ایفوم و شرح مدح این ایل همین بس تا شد که فاضل عهد فاضل
خان و خواجه خلد مکان محمد علی بیلیان از ایشان برخاسته یکی در عهد خاقان مغفور (آقا محمد شاه) منصب کلانتری
داشت و این ایل بنیک در حضرت خدیو جهان پایه قرب و رتبه اختصاصی دارد که محسود دور و زمان و مغبوط
اوج آسمان است و یم پچنه که از ایم و رسمی از دود رمالک ایران نیست و در تاریخ معول پترنامی از خیل و شیاوایل
والوس او بنظر نیامد همینقدر از جامع التواریخ مستفاد کرد بدکه این لعب بر کسی نهند که ساعی در مهمات امور
باشد و انجام مهام تزدیک و دور دها نهی
اینست انتقاد یکه از کتاب شمایل خاقان دیده شده و عقیده بعضی اینست که این کتاب از مرحوم قایم مقام باختتام
و انجام نرسانیده است
میرزا صادق وقایع نگار مروی از اعاظم نویسندگان عهد خاقان خلد آشیان (فتحعلی شاه) طاب ثراه در تاریخ

جهان آرا گوید
جماعت اتراک عموماً و سلسله سلاطین و خوانین ترکستان خصوصاً منسوب باغوز خان پسر ششم ترک بن یافث بن
نوح علیه السلام اند که در میان اتراک بحشمت ترک اشتهار داشته است و بعضی دیگر از مورخین اتراک را منسوب
بقالی خان که پسر ستیم عیص بن اسحق علیه السلام است دانسته اند و برخی را بنزاعفاد اینکه قالی خان همان عیص بن اسحق
است قائلین قول اول را دلیل اینکه بعد از وقوع طوفان نوح علی نبینا و علیه السلام سه پسر که حام و سام و یافث
باشد باقی ماندند هر یک از ایشان بتعمیر رکنی از ارکان اربع مسکون مامور آمدند سام بتعمیر اقلیم ثالث و رابع که مملکت ایران
عبارتست از آن است همت بر کاشتن حام روی بولایت سودان و هندوستان آورد و یافث عزیمت بلاد شرقی و شمالی
را کرد بنا و اولاد و احفاد یافث بمناسبت اسمی ترک بن یافث مسمی بترک آمدند و اول کسیکه در آن سلسله صاحب رایت
برتری و عارج معارج سروری آمد اغوز خان بود که سلاطین و خوانین ترک منسوب بوی میباشند و او ابوالملوک
سلاطین اتراک است چنانکه در سلاطین عجم کیومرث ابوالملوک بود جمعی دیگر از مورخین که انتظامه را منسوب بقالی
خان دانسته اند چنین گفته اند که اسحق نبی علی نبینا و علیه السلام را از یک بطن دو پسر توام متولد گردید اول عیص و
ثانی یعقوب و چون میان یعقوب و عیص نیست که در بین ولادت پاشنه عیص را گرفته قدم در عرصه وجود نهاد بعد از چندی
که برادران بمرتبه کمال و در عنفوان جلال رسیدند نظر بکثرت اولاد و احفاد و عشایر و قبایل عیص بن اسحق روی بدیار
مشرق و نواحی شمال آورد و حضرت یعقوب نبی در بلاد عرب توقف نمود و در آن سلسله اول کسیکه رایت حکمرانی
برافراشت قالی خان بود که بزعم بعضی پسر ستیم عیص بن اسحق است بقول جمعی دیگر همان عیص بن اسحق است که در
میان اتراک بقالی خان اشتهار یافت علی ای تقدیر بعد از تتبع در اقوال خلاصه مطلب اینست که علم ازلی تعلق
براین گرفت که نبوت و سلطنت در آل ابراهیم علیه السلام باشد بنابراین انبیا و رسل سوای حضرت خاتم انبیا صلی الله علیه
و آله که از نسل حضرت اسمعیل علیه السلام مبعوث شدند کلاً از آل یعقوب علیه السلام اند که نسلاً بعد نسل رایت رسالت
افراشتند و خوانین از سلسله عیص بن اسحق اند انبیا را ظهور رسالت در دیار عرب و ام القری بود و سلاطین را طلوع
نیر سلطنت از بلاد مشرق و ترکستان عرب را بر عجم تسلطی و ترک را بر عرب استیلائی نبود تا بمرور دهور و اقتضای
کرور شهور و هور سلاطین عجم را دولت قدیم سپری شده در عهد خلفا عرب را بر ولایت عجم و برخی از بلاد ترکستان
سمت سروری و برتری داد عرب با عجم مختلط آمدند و از اختلاط ایشان و توطن عرب در خاک ایران شد بعضی
از طوایف دیگر مثل افاغنه که منسوب بر بنی خالد اند و اکراد که مجتمع از پراکنده و متفرقه عرب و عجم اند نام برآوردند آخر
سلطنت سلطان محمود غزنوی طایفه سلاجقه که منسوب اند بسلجوق بیک که وی بقولی از احفاد افراسیاب ترکست
بجهة اختلاف سلاطین ترکستان از آب جیحون عبور نموده در ولایت خراسان بادعای سروری سر برآورد و نظر بتشتت
فطری بر مجموع ایران و دوم مسلط آمدند چندیکه براین منوال گذشت کاخ دولت آنطایفه جلیله متزلزل گشت و
ارکان سلطنت بی قوام گردید هر کس در قطری از اقطار عالم علم حکمرانی برافراخت مجموع سلاطین خوارزمشاهی و اتابکان
عراق و شام و فارس و یزد و کرمان و دیار بکر و آذربایجان و این اتابکان غلام ترک سلاجقه اند که بمنصب اتابکی
سرافراز گردیده و هر یک در مملکتی بخدمتی مامور بوده اند و بعد از انقراض آن سلسله خود بنای سروری نهادند
در خلال این احوال فتنه چنگیزی آشکار شد و زمانه را شیوه دیگر پدید آورد و اوانی که هلاکو خان بدیار عراق
وحدود روم رو آورد از آنجا که این نواحی باصطلاح معقول علف خوار سپاه او را معین بود موازی بیست هزار

خانه‌ی خود پیش‌تر از ایلات ترک و طوایف خود همراه آورده در آنجا سکنی داد و چون زمان دولت چنگیز خان در رسید و اوضاع روزگار از اختلاف و پریشانی بوضعی دیگر و اهیت بی‌منت زمام سلطنت را بکف کفایت امیر تیمور گورکان داد و آن سلطان کامکار از قرار یکه در تواریخ مسطور است بر اطراف عالم مستولی آمد هنگامیکه بر ولایت روم ترکتاز آورده بود و ایلدرم بایزید خان را گرفتار کرده ساکنین دیار شام و حلب و سایر بلاد عرب و آذربایجان را نظر بر عایت اهلیت و ملاحظه آبادی بلاد ترکستان خواست بخطه مشرق کوچانیده از رود جیحون عبور دهد چون ساکنان آنها بود که انطایفه را در ولایات مزبوره توطن و استقرار دست داده و بنای تمدن در آن مداین نهاده از تحرک بر ایشان شاق مینمود و از هر جهت تکلیف مالایطاق لهذا بعضی از ایشان را بترکستان روانه آمدند و پاره بهانه چند متوقف در آن دیار و بعد از چندی که اسباب آسایش خود را مهیا دیدند روزگار را فتنه جوئی پیش گرفت برادر برادر کشته آمد و پدر بخنجر پسر بخون آغشته فلک قانون ستم ساز کرد و آسمان ترانه جفا بلند آواز هر کشوری را لشکری زیر و زبر نمود و هر بومی را قومی مسخر طایفه ترکمان آق قویونلو و قراقویونلو در حدود دیار بکر و خلاط و آذربایجان حکمران آمدند و اوزبکیه ماوراء النهر در ممالک خراسان و بعضی از عراق جهانبان حاکم علی الاطلاق را بر عباد پرتشا روزگار را فت آمد و بر بندگان عاجز رحمت برای رواج اسلام و آرام انام شاه اسمعیل بر سریر سلطنت بر آمد و زمان آشوب بر آب حسام آتش فتنه فرو نشاند نواحی آذربایجان را از رومیه و حدود خراسان را از اوزبکیه پرداخته حوزه مملکت را امن ساخت بعد از چندی او نیز در گذشت و سلطنت را بحکم وراثت بارشد اولاد واگذاشت و در نوبت سلطنت شاه عباس ماضی که صفحه ایران کلیه از وجود اشرار پاک آمد با قتضای تدبیر صایب جمعی از مشخصین طایفه قاجار را با برخی دیگر از ایلات نامور مامور بتوقف بثغور و سرحدات ایران کرد عبارتند از ایروان و استراباد و مرو و شاهجهان باشد تمود که حوزه آن ولایات از دستبرد مخالفین مصئون ماند و اما نسب سلسله علیه قاجاریه آنچه از تتبع سیر و اخبار معلوم و مستفاد است و دانشوران ترکمانیه ساکن دشت قپچاق را نیز خلفاً عن سلف در یاد است که در نواحی ترکستان قصبه بود مسمی بزکستان این طایفه جلیله با اتباع خود در آنجا سکنی داشته اند و ایشان پنج برادر بوده و بمقتضای شهامت پیوسته زبان بمضمون این منظوم میکشاده اند

ما پنج برادریم که از یک پشتیم — در پنجه روزگار پنج انگشتیم
چون فرد شویم در نظرها علمیم — چون جمع شویم در دلها مشتیم

برادر مهتر ایشان را که در میان آن قوم رتبه سالاری و سروری بود قاجار خان نام داشته و این طایفه در افواه اتراک مشهور بطایفه قاجار خانی شده و این رسم در طایفه اتراک شایع و مطرد است که طایفه خود را باسم بزرگ سلسله مسمی سازند و برای بقای نام جملگی را بآن اسم بر خوانند چنانکه طایفه سلاجقه باسم سلجوق و یک از اتراک اغوز خان و قلج خان باسم قلج خان و جغتای باسم جغتای خان پسر چنگیز خان و بیکدلی باسم بیکدلی خان و افشار باسم افشار خان پسران یلدوز خان که او پسر چهارم اغوز خان است مسمی و مشهور گردیده اند در اوانی که اغوز خان برای تسخیر ولایات ایران از ترکستان بسیک عنان آمد این طایفه جلیله آن سلطان کامکار را در موکب ظفر کوکب بی‌سپار آمدند و در دفع مخالفین پنجه کذار یلاق و قشلاق ایشان در دیار بکر و خلاط و حدود بدرع و آران بود بعد از چندی که اغوز خان عازم مراجعت ترکستان گردید نظر بعلاقه که در آنجا و دیعه سپرده بودند در همان نواحی متوقف گردیدند و از خیال معاودت بوطن مالوف منصرف نسلاً بعد نسل در ولایات مزبوره بشهامت

ودلاوری قراری داشتند و با مارت و استیلا استقراری در زمان سلطنت سلطانمراد خان پادشاه ممالک دوم
حسنخان ترکمان آق قوینلو که طایفه قلیل بیعبارت از ایشانند لب بادعای سروری گشاد و قدم بر سریر حکمرانی
نهاد از قرار یکه در کتب مسطور و مذکور است حضرتش را با سلطانمراد خان منازعات و مجادلات بسیار روی نموده
بالاخره حسنخان را بخت یاری کرده و ما حصلوای بختیاری در سر شهریاری آمد تا اواخر دولت تیموری و اوایل
سلطنت شاه اسمعیل صفوی این سلسله جلیله در ولایات خلاط و دیاربکر و آذربایجان و عراق و فارس باستقلال
سلطنت مینمودند با قتضای انقلاب دوران دولتشان نیز سپری گردید و سلطنت بشاه اسمعیل صفوی که
هم از جانب مادر بآن سلسله جلیله متصل بود رسید بعد از آنکه چندی رایت اجلال این پادشاه بلند رو استقلال افراخته
میبود او نیز بحکم اجل در گذشت و سریر سلطنت بارشد اولاد بگذاشت در عهد دولت شاه عباس صفوی با قتضای
تدبیر و امضای احکام تقدیر هر فرقه از این طایفه جلیله در یکی از ثغور مملکت ایران حکمران آمد چنانکه قبل اشاره شد
جمعی باستراباد و کردهای پاروان و فرقه بیرو و شاهسیجان و سلسله سلطنت نهاد خاقان کیهنی شان (فتحعلی شاه)
منتهی استبقا جاریه قوانلو که در خطه استراباد از بادیه سروری خرم و دلشاد می بوده اند و در اواخر عهد سلطنت
شاه سلطان حسین صفوی که افاغنه قندهار بخراب باشرف و محمود افغان بحاصره اصفهان پرداخته و عرصه را بر شاه
و سپاهش تنگ ساخته بودند نواب فتحعلی خان قاجار که اعلی جد این خدیو عدالت شعار است باعانت شاه ذی جاه بوجهی از
دلیران قاجاریه در دیار السلطنه اصفهان نهاده بقدار و دو بآنجا رود و بآنجا رود حملات مردانه بافاغنه برده سرو زنده دستبرد
از ایشان بدست آورد چون امنای آن دولت را که در حقیقت خانمان آنخاندان سلطنت بنیان بودند از این قضیه
آگاهی حاصل کرد بناز سوء تدبیر با قتضای تقدیر بصورت ماجری را بکلک بی فکری بدینگونه برروی قاظهار مرهم نمودند
که طایفه قاجار دلیران خونخوارند و شیران بیشه پیکار و نواب فتحعلی خان نیز دعوی شهریاری در میدان ادعا نهاده
و بحسب استعداد پایه سروری و مرتبه خسروی را مهیا و آماده است هرگاه درازای این خدمات که نمایان مورد تحسین و اعتماد گردند
دیگر ضبط عنان ایشان در قبضه اقتدار و سریر اختیار ما نخواهد بود خلاصه شاه سلطان حسین تا کی روز دولت ما شد
شام نکبت ما بود و کوکب اقبال در عین وبال افول و بالطبع آن عوایق پیشه کانش کالنقش فی الحجر در صفحه ضمیر جای گیرآید
آنطایفه جلادت شعار را که وجود هریک در رفع چنان حادثه عظمی بمنزله وجود غیبی و امداد آسمانی بود باحسانی راضی نشاخت
و تحسینی نواخته همان باجای مراسم نکبت شعاری که مقتضای حالش بود در خورد و لایق پرداخته نواب فتحعلی خان چون
فعال اعانت را ثمر این دید و تدبیر اعیان دولت را فایده چنین با چنین جبین از دیار السلطنه اصفهان روی بولایت استراباد
نهاده باستظام مهام خود کوشیدانتهی

عبدالرزاق بیک دنبلی که از مورخین عهد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) اللهم الله جلال النور بوده در کتاب مآثر سلطانیه
که باسم حضرت نایب السلطنه زمانرا جا بگاه (عباس میرزا) طاب ثراه نوشته گوید

ایل جلیل خمسه نبیل از اعزه و اجله ایل جلایر و جلایر از نیرون و سایانوپان از جلایر است و سرتاق پسر سایانو قاجار نیز
سرتاق نویان است و در میان طوایف ترک قاجار سه طایفه بوده است یکی از سلدوس و یکی از شکفوت و یکی از جلایر
آنکه از سلدوس است بایران نیامده است و آنکه از شکفوت است طایفه مزبور بوده بقدر سی چهل خانه و بسایر طوایف مخلوط
پیوسته در میان آنها بی نام و نشان شده و آنکه از جلایر است صاحب دولت و سوکت شده اند از کنار رود جیحون تا حدود
رشی در زیر حکم و فرمان سرتاق بوده و او بفرمان ایلخانان با تابکی ارغونخان معزز و ارغونخان مربیت شده او است

وملک سرتاق که مخصص او بوده از قرل آغاج مغان تا حدود بنشابور است و در جرجان می نشست و نسلش در جرجان
ومازندران زیاد شدند در عهد غازان خان وسابق بر آن از هزاره خاصان تومان تایجو بوده بعد از آنکه غازان خان
در تایجو را بیاسا رسانیدند تومان تایجو را بقاجار مفوض کرد و لهذا بعزت و اعتبار را پیدا نمود و ولایات پدرش در دست
او بود و در قدیم فرزندان جلایر را کوبانک میگفتند و کوبانک بلغت خاتایان بمعنی خان بزرگ و پادشاه باشد و طرف
دست چپ لشکر قیامت اثر چنگیز خان را ایشان داشتند در ملحمه کشائی و خصم افگنی معروف و مشهور بوده اند و در عهد
چنگیز خان بزرگ ایشان موقلی کوبانک و در زمان اوکتای قاآن پسر او بوغول کوبانک برجای پدر بود و آثار شهامت
ظاهر مینمود و در مدت دولت قبلای قاآن هشتون نویان از ایشان امیر بزرگ بوده و ابلوکه پسر بزرگ قدان از قوم جلایر
بالتکریکران که در ظل رایشان بود بفرمان چنگیز خان بر تبه اتابکی اوکتای قاآن نایل گشته و اتابک بمعنی اللهٔ باشد و
امیر ارغون را که از امرای بزرگ بود براه نوکری و خدمت با بلوکه داد که تابع امر و نهی وی باشد چون امیر ارغون مردی
فصیح و غافل و دلاور بود کار او بالا گرفت و از مرتبه اقران بگذشت و در عهد منکوقاآن منکسار نویان از جلایر بزرگ
یارغوچیان که بمعنی امیر دیوان باشد بود و حکم یاسا و سیاست مقصرین بفرمان او میگذشت و اروق و بوقا پسران
کلای یا هلاکو خان با ایران آمدند و ملازم خدمت اباقاخان بودند و بنزهت آن پادشاه هر یک امیری بزرگ گشتند و سرتاق
نویان پسر سابانویان که در رکاب ارغون خان در خراسان و مازندران امیر الامراء بود پسری داشت قاجار نام نسل
قاجار از او است و ابتدای توالد و تناسل این سلسله علیه در مازندران و استراباد و خراسان از فرزندان قاجار
شده و قبیله مرکب و صعب الوصف و خانه چنگیز خان را غارت کرد خاتون چنگیز خان را که بجوجی آقا بیگی بود پیش اونک
خان فرستاد چون اونک خان با بیسکولیها در پدر چنگیز خان از قدیم رابطه دوستی داشت و آنرا فرزند میخواند آن
خاتون را چون عروسان پسر خود بنظر مهربانی دیده احترام او را منظور داشته مشمول تفقد کرد امرا گفتند خاتون را
مبایست بزنی گرفت او جواب داد که عروس من است نشاید بچشم خیانت باو نظر کرد چنگیز خان چون این مردمی از و دید و
ملاحظه حقوق بزرگ منشی از اونک خان مشاهده کرد سابانویان پدر سرتاق جد قاجار تبه را نزد اونک خان بطلب
خاتون فرستاد اونک خان سابانویان را بنظر اجلالت و احترام دیده مقدمش را گرامی شمرد و خاتون چنگیز خان را
باو سپرد و او عازم بندگی شد از اتفاقات خاتون را در راه درد زادن بگرفت و جوجی خان بوجود آمد چون را محوف
بود بحال توقف و ترتیب کاهواره و لباس نیافتند قدری آرد خمیر کردند و طفل نورسیده را در خمیر گرفتند و در بغل
تمام نزد پدر بردند تا اعضای او بدرد نیاید و متالم نشود و نام او را بدان سبب جوجی نهادند یعنی ناگاه در وجود آمده
چون دولت چنگیز خان و شوکت معول بسر آمد شیخ حسن نویان و پسرش سلطان او یکی از قوم جلایر که نسبت خویشی
با سلطان عازان و سلطان محمد خدابنده داشتند مدتی در ایران سلطنت کردند و مآثر ایشان در تواریخ مسطور است
القصه طایفه قاجار بشهامت و صرامت مشهور شدند و در ایام سلطنت شاه اسمعیل صفوی و شاه طهماسب
بجلو داری امور سپهسالاری و سرحدداری مشغول و در عرصه جهانبانی همت و شوکت اشتهار یافتند چون نوبت سلطنت
بشاه عباس ماضی صفوی رسید از کثرت و عدت آنجماعت اندیشه بر او غالب گشته جمعیت ایشان را متفرق ساخت
جمعی را بمرو کوچانیده در بر ابر اوزبکیه باز داشت و بعضی را بکنجه و ایروان مامور کرد و برخی را در استراباد که
موطن اصلی آنها بود در مقابل ترکمانان متوطن نموده که آن ثغر محروس ماند فتحعلی خان جد اعلای خاقان سلیمان مکان
جماعتی از طایفه بیوت را بر داشته بر سر قلعه مبارکآباد رفت و از دروازه اصلمس یک قاجار پرناک سرکشیکچی باشی که

بافتحعلی خان

بافتحعلی خان آشنائی تمام داشت و اهل قلعهٔ مبارک آباد شده بر سر محمد خان ترکمان و میرزا احمد وزیر او تاخته
هر دو را با چند عدد فرستادند بعد از آن کار آن بلند اقبال بالا گرفته شهر استراباد را جایگاه امارت خود قرار داد
در آن اوان شکر بیک نام کرد جهان بیگلو که بفندرسک و رامیان استعلا داشت و تعدی و اجحاف بی منتها
و مرتکب اتلاف جمعی از اشراف میشد سران قاجار از مشاهدهٔ این حالات بخدمت آنحضرت شتافته استدعا بقبول
ایالت و امارت از ایشان نمودند آنحضرت از این امر تحاشی کردند بالاخره فضلعلی بیک شاملو و محمد حسینخان
قرامورسانلو و محمد تقی بیک سرکشیک باسایر عظما و وسا آنحضرت را بر مسند امارت نشانیدند و در رکاب نواب
فتحعلی خان بدفع شکر کرد راه سپار مراحل نصرت و اقتدار گشته و بعد از مقاتله و محاربه شبیانی او را کشته پس از
آن فضلعلی بیک و محمد تقی بیک در حق نواب فتحعلی خان بدانديشيده سزای خود را یافتند و رخت بدیار عدم کشیدند
نواب فتحعلی خان بعد از دفع دشمن و استیصال بدخواه متوجه ساختن مهمات استراباد و حوالی و حواشی آن
خطهٔ ارم بنیاد گردید انتهی

میرزا حسن فسوی خوئی از معارف اهل سلوک و عرفان و دانشمندان اعهد خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه
در کتاب عباض الجنة گوید

اصل ایل جلیل قاجار از طایفهٔ مغول و از ترکستان است در زمنهٔ استیلای تیمور بنا بر پاره تقریبات از آنولایت
کوچ کرده بمملکت روم رفتند و مدتها در آن دیار سر میبردند بعد از چندی چون زیاده از حد عتو و باجلادت و
رشادت و صاحب حمیت بوده و با آسانی نمیبایست اطاعت کسی نموده از روم کوچیده بولایت گنجه که گنجهٔ آذربایجان
بود ساکن شدند و بسبب شناعتی بر روم به قاچار موسوم گردیدند و همیشه با جماعت گرجیه در آن دیار جنگ و
جدل میکردند و از آنها بسیار میکشتند و اسیر میکردند چون نوبت سلطنت بسلاطین صفویه رسید و آن
طایفهٔ جلیله را صاحب شد و زور دیدند متوهم گشتند چه ایشان زیاده از چهل هزار خانوار و همه صاحب
جرأت و جرار بودند بنابراین قصد کردند که آنها را چند دسته کرده هر دسته را بثغری و سرحدی مامور کنند که
سرحدات را از حملهٔ خارجه محفوظ باشند و آنجماعت و سلسلهٔ علیه هم یکجا و در یک محل ساکن نباشند پس بعضی
آنها را بپای تخت احضار کرده کمال مهربانی و ملاطفت را نسبت بایشان مبذول داشته محافظت ثغور و سرحدات
را با ایشان تکلیف کردند جمعی از ایشان بسرحد گرکان و بعضی بمرو شاهجان و برخی بابروان مامور گشتند و قلاع
و حصون آنجاها را بتصرف ایشان داده مشغول محافظت شدند و پادشاه بنزخانه کوچ هر سه دسته را از گنجه نزد
ایشان فرستاد که مادام العمر در آن سرحدات متوطن و ساکن باشند اعیان و اشراف آنقوم که از گنجه بدربار شاهی
نرفته بودند را بنولایت بحکم پادشاه بفرمانفرمائی نشستند خلاصه از آنوقت تقریبا میان آنطوایف افتاد
و نتوانستند یکجا جمع شوند ولی از عنایت شادت و جلادت هر یک دسته سرحد و ثغر سپرده بخود را در کمال جرأت
حراست کردند و بدینوسیله نزد سلاطین نهایت عزت و اعتبار را داشتند و حکومت و ولایات سرحدات بدوشه
با امرای قاجار بود و از هر یک از طوایف امرای نامدار و حکام با اقتدار پدیدار آمدند ولی امرای استراباد زیاده تر از
سایر طوایف صاحب حشمت و شوکت و بر تری بوده اند داود سرحدکران سکنی داشت اللهیار صفوی
ماضی در آن اراضی قلعه برای ایشان ساخته مبارک آباد نام نهاد و باقی قلعه شهرت کرد مدتها در آن قلعه بودند
و باز با هم همیشه جنگ و جدل میکردند و چون فیما بین خودشان نزاعی اتفاق افتاد در سنهٔ هزار و صد و چهل

هجری مکی از آن قلعه کوچیده باسترآباد آمده در این شهر ساکن شدند و آن قلعه رو بخرابی نهاد و از آنطرف زیاده از
بیست سال است که این سلسله جلیله زمام سلطنت ایران را بدست اختیار و اقتدار خود آورده اند و با استقلال هرچه
تمام تر در تمام ولایات و ایالات ایران فرمانفرمائی و حکمرانی میکنند و اول کسیکه از این سلسله جلیله پا بر سریر حکمرانی
نهاده شهریار ناجدار محمد حسنخان بن فتحعلیخان قاجار است که بعد از قتل نادرشاه چندی با شاهرخ شاه نادری بسر برد
چون در وی آثار رشد و سلطنت ندید از وی جدائی نموده باسترآباد آمده بنای فرمانفرمائی گذاشت و نواب فتحعلی
خان پدر شهریار مبرور بعد از استیلاء افغان باصفهان در نزد شاه طهماسب ثانی در کمال عزت و اعتبار بلکه صاحب
اختیار و مدار امور سلطنت بود و با شاه طهماسب بخراسان رفت و در اراضی قدس بجوار پادشاه در ماه صفر هزار و صد و
هشت هجری شهید شد و در خواجه ربیع مدفون شد خلاصه نواب محمد حسنخان در سمت آذربایجان با آزادخان افغان
جنگ کرده او را شکست داد ولی آنحضرت نیز بدست یکی از غلامان خود بدرجه شهادت رسید و کریمخان زند بر ایران
مستولی شد و اولاد نواب معظم طاب ثراه را بعراق و فارس کوچانید و حضرت آقا محمدخان اکبر اولاد نواب محمد حسنخان
را در شیراز نزد خود نگاهداشت اما شهریار خلد مکان حسینقلیخان خلف دیگر نواب محمد حسنخان در استرآباد بنای
طغیان را گذاشته بفرمانفرمائی مشغول شد و از بلندی همت سر باطاعت ننهاد فرود نیاورد و در آن سرزمین بود تا
بدست نزکامیه شهید شد پس از چندی در ماه صفر سنه هزار و صد و نود و سه کریمخان در شیراز درگذشت و حضرت آقا
محمدخان از شیراز بطرف طهران رانده و خود را باسترآباد رسانیدند و سرکشان آنولایت را مطیع ساخته و علم کشود
کشائی برافراشته اکثر بلاد دارالمرز و کیلانات را بتصرف درآورده از آنجا عازم عراق گردیده مدتی با امرای زند کرد و دار
نمودند چون علیمرادخان زند که از سایر زندیه بمزید شوکت اختصاص داشت در سال هزار و صد و نود و نه درگذشت بر
تسلط و اقتدار حضرت آقا محمدخان افزود و مختصر در سال هزار و دویست و شش جمیع ممالک عراق و فارس و کرمان و
یزد و بنادر بحضور حضرت پادشاهی گردید الحق

سپهر دون ملکم در ظرف پانزده سال سه مرتبه از جانب حکومت هندوستان بسفارت بایران آمده سفر اول او در هزار و هشتصد و سی بوده که ظاهرا است با هزار و دویست و پانزده هجری

سپهر دون ملکم که از جانب حکومت هندوستان بسمت سفارت بدربار خاقان مغفور فتحعلیشاه ظاب ثراه آمده در
تاریخ ایران که تالیف نموده گوید

طایفه ترک قاجار که مدتی متمادی در شاهات سکنی داشتند و امیر تیمور گورکان آنها را از شاهات با ایران آورد
یکی از هفت طایفه میباشند که باهم متفق شده شاه اسمعیل اول پادشاه صفوی را بتخت سلطنت ایران جلوس دادند
و از آنجا که با وجود کثرت عدد بوصف شجاعت و جلادت موصوف بودند شاه عباس بزرگ آنها را بسه شعبه منشعب نمود
شعبه اول را در گنجه سکنی داد تا جلو تاخت و تاز لکزیها را بگیرند شعبه دوم را در مرو ساکن ساخت که مانع بخارا و ترکمنی
اوزبکها بر حدات خراسان باشند شعبه سوم را در استرآباد مقیم کرد تا ترکمنها بکرد دامنه ساحل دشت طرف مشرق
دریای خزر مسکن دارند بواسطه جلوگیری اینجماعت اسباب خسارت و اضرار رعای ایران نشوند چه تر الکه مزبوره
بواسطه جلادت ذاتی و بواسطه صحراهای کویر که در اوان تاخت و تاز آنها پناه میجستند و کسی نمیتوانست آنها را
تعاقب کند همواره نواحی گرگان و استرآباد و آن حدود را غارت مینمودند خلاصه شعبه اولی که در گنجه سکنی داشت
بنادر شاه پیوسته بدینواسطه آنها را تجرافشار نامیدند و بعد از فوت نادرشاه این شعبه رو بتنزل و هبوط گذاشت
شعبه دوم که از هر طرف دشمن آنها را احاطه کرده بود همواره در کار بودند که ولایت مرو را از حمله محرومین دور دارند
داشته باشند شعبه سیم مایل و مستعد بود تا که تخت سلطنت ایران را تصاحب نمایند چیزیکه مانع نیل این مرام میشد

نفاق بوکه رؤسای آنها با یکدیگر داشتند این شعبه از فجار به نیزید و طایفه منقسم شد طایفه موسوم به بوخاری باش
و طایفه دیگر معروف باشاقه باش گردیدند و رؤسای بوخاری باش رئیس کل بودند تا زمان نواب فتحعلیخان که از رؤسای
طایفه اشاقه باش بود نواب فتحعلیخان چون سردار قشون شاه طهماسب شد اقتدار کلی بهم رسانیده ریاست بوخاری
باش و اشاقه باش هر دو برا و مقرر آمد نادرشاه نواب فتحعلیخان را بکشت و چون میخواست نفاق و تفرقه میان این دو طایفه
اندازد یکی از بزرگان طایفه اشاقه باش را که زمان بیک نام داشت حکومت استراباد داد نواب محمد حسنخان برای حفظ
جان خود در میان ترکمنها یکه در حوالی استراباد گله های خود را میچرانیدند رفت و بامداد این طایفه و بعضی دیگر از
هواخواهان خود در ایام حیات نادرشاه بعضی اوقات حمله ببلاد متصرفی نادرشاه مینمود ابتدا چند فقره فتح کرده ولی آخر
مغلوب گردیده میان طوایف ترکمان رفت و در آنجا میزیست

خلاصه نواب محمد حسنخان تقریبا مدت بیست سال در میان ترکمانها بسر بردند تا نادرشاه درگذشت چون از فوت نادرشاه
خبردار شدند از میان ترکمانها معاودت فرموده و چند ماهی نگذشت که قشون معتبری بریاست خود جمع کردند و لشکر عظیم
شاه افغان را که بمازندران آمده بودند شکست دادند مقارن سال هزار و هفتاد که کریمخان شیراز را مالک شده بود
نواب محمد حسنخان در آذربایجان مشغول جنگ با آزاد خان افغان بودند بدینواسطه کریمخان وقت و موقع بدست آورده
تمام فارس را مسخر کرد و اصفهان را نیز بگرفت و قسمت عمده ایالت عراق را نیز متصرف شد و لی بعدها مجبور گشت که بیشتر
از این متصرفات را واگذارد زیرا که نواب محمد حسنخان پس از آنکه آزاد خان را شکست دادند و مازندران را ضمیمه بلاد متصرفی
خود نمودند لشکری عظیم بطرف اصفهان کشیده و فی الحقیقه بعد از فوت نادرشاه چنین لشکر کشی در ایران نشده بود کریمخان
هفت یا شش ماه عمل آورد که جلو استیلای نواب محمد حسنخان را بگیرد اما تمام کوشش او بیفایده شد و معاودت بشیراز
نمود و نواب محمد حسنخان مصمم شدند که برا ثر او رانده شیراز را محاصره نمایند

نواب محمد حسنخان بعد از آنکه در اصفهان هیئه و تدارک خود را دیدند هشتهزار نفر از لشکریان خود را در اصفهان گذاشته
باسی هزار نفر بطرف شیراز رانده اینشهر را محاصره کردند و این در سال هزار و صد و هفتاد و یک بود اسباب دفاع
اینشهر اختصاص داشت بیک بارو خاکی و چند برج مدور که جلو آن برجها خندق عمیق بی آبی بود اما در ایران در اینزمان
علم حمله و یورش بحدی درجه ناقص میباشد که علم مدافعه بنابراین مختصر تزین استحکامات بنظر محاصرین که عده لشکر سوار او
بودند خیلی مستحکم میآمد و توپهائیکه هیچ مهارتی در توپ اندازی نداشتند هر دو ذرع خندقتر از توپهای بسیار سنگین
خود میانداختند مع ذلک هیئت مجموعه اسباب اطمینان محاصرین بود و حمله در فصلی شروع شد که صحرای اطراف شیراز با صفا
و خرم و دشتها پر از جوبات و اراضی پر حاصل بود و محاصرین چنین وانمود مینمود که از آذوقه دست تنگی نخواهند کشید و
میتوانند بسهولت ذیل محاصره را امتداد دهند اما این امید واری بزودی مبدل بیاس گردید محاصرین بمحض اینکه شروع
بکار کردند و چار حمله محصورین شدند دسته های قشون متوالیا از قلعه بیرون آمده ناپره قتال را اشتعال میدادند
عساکر نواب محمد حسنخان با این دستجات قشون کریمخان مشغول زد و خورد بودند که یکدسته سواره عمده بسرداری فتحعلی
خان سردار رسید زند بار و آنها تاخته و بنهب اموال آنها پرداخته سکنه نواحی مجاور نیز مزارع و حاصل خود را آتش
زده اهل و عیال و اموال خود را برداشته بکوههای ان حوالی و قلعه قلاجال رامیلاذ و مامن خود ساختند لهذا آذوقه
در اردوی نواب محمد حسنخان کمیاب شد و لشکریان شکایت و خودسری را گذاشته خستگی و طول محاصره غالبا
عساکر منظمه را شاکی مینماید بطغیان و نافرمانی وامیدارد تا چه رسد بلشکری که تمام نظم و اسباب پیوستگی

آن بهم زد و یکفر از شاهزادگان آسیائی باشد بدتر از همه آنکه بسیاری از این فشون را تازه کرفته و از فنون نظامی و جنک بکباره بیخبر بودند و عیب دیکر آنکه ما بقی که جنک دیده بودند تا زمان فرار آزاد خان مدتها با همین شاهزاده بجدال اشتغال داشتند و پس از فرار مشارالیه در زیر لوای این شاهزاده در آمده و مقبل خدمت کردیده خلاصه کریمخان که عساکر او پیوسته محاصرین را عقب مینشانیدند شهر شیراز را کاملا خوب نکاهداری کرده بعلاوه کامل الجهد امیر کرد که بی نظمی و تفرقه در لشکر نواب محمد حسنخان انداز د چنانکه آخر الامر باین مقصود نایل آمد و هر روز یکدسته از عساکر نواب محمد حسنخان راه فرار را پیش کرفته و اینفقره بر نواب معظم معلوم مینمود که باید دست از محاصره کشیده معاودت کنند بنابراین ترک محاصره کفته باصفهان بازکشتند و قشونیکه در اصفهان کذاشته بودند از عدم پیشرفت کار شاهزاده باخبر کشته و متفرق کردیده ناچار راه مازندران پیش کرفتند و در همکام ورود بمازندران مجموع عساکر نواب محمد حسنخان دوازده هزار نفر بود کریمخان بعد از انکه براستعداد خود افزود و ایالت فارس را آرام کرد متوجه اصفهان شد و اهالی اصفهان با کمال شعف او را پذیرفتند بیشتر از شهرهای عراق نیز افتاده با هالی اصفهان کرده مقدم کریمخان را کرامی شمردند و کریمخان که این مساعدت مردم را دید بنای حسن سلوک را با ایشان کذاشت

پوشیده نباشد که حالت نظامی و عسکری کریمخان چندان تعریفی نداشت و فقیکه سودای سلطنت بسر او افتاده چندان بفتوحات نایل نکردیده بلکه اغلب طوری شکست میخورد که حالت یاس باو دست میداد اما چون اهالی ایران همواره او را بر رقبائی که داشت ترجیح میدادند از یک فتح مختصر منفعت کثیره عاید او میشد و تلافی شکستها را مینمود و این از بابت خوشرفتاری او بود که از روی کمال بزرکمنشی با مردم مینمود و از آنجا که از اوایل حسن سلوک موجب فتوحات عظیم و سبب ازدیاد شوکت و اقتدار خود دید بر خود حتم کرد که همواره براه عدل و انصاف رود و از این مسلک عدول ننماید

همان وقتیکه کریمخان در ایالات بتکه تازه تصرف کرده بود ببرقرار کردن نظم اشتغال داشت شیخعلیخان را با بهترین دسته از قشون خود بمازندران فرستاد که نواب محمد حسنخان را کاملا منقاد نمایند و اکر طوایف قاجاریه با هم اتفاق داشتند ظن غالب اینکه این مقصود کریمخان بعمل نمی آمد پیش از این مذکور شد که قاجاریه منقسم بدو طایفه شدند یوخاری باش و اشاقه باش پس سلسله یوخاری باش که محمد حسنخان نام داشت با نواب محمد حسنخان که سالها بود ریاست هر دو طایفه را داشتند بنای مخالفت و معاندت را کذاشت و بعقیده بعضی این خلاف و عناد بتحریک کریمخان و بسبب وعده هائی او بود و شاید که بواسطه کینه قدیمی که نواب محمد حسنخان سبب شده که در پس سلسله یوخاری باش از ریاست خود محروم ماند این منافقت حاصل شده بهر حال چون حالتی مشارالیه و سایرین نواب محمد حسنخان را کذاشته بلشکر شیخعلیخان پیوستند نواب معظم بواسطه این خیانت جمعی از طایفه یوخاری باش را براه عدم فرستادند و اینفقره کینه دیرینه فیما بین یوخاری باش و اشاقه باش را تجدید نمود و بشیرازه اتفاق قاجاریه از نو کسسته کشت و نواب محمد حسنخان بدین جهت از غلبه و ظفر مایوس کردیده مع ذلک بمقاتله و مقاتلت دشمن پرداختند شیخعلیخان و عساکر او میدانستند که نواب محمد حسنخان دلیر از جنک خواهند کرد اما چه ثمر که بعضی از سنخات قشون تازه کار جنک آمده و از رسوم و آداب حرب بیخبر بودند و بمحض شروع بقتال راه هزیمت پیش کرفتند باقی عساکر نیز آنها را پیروی کرده کریختند و نواب محمد حسنخان شربت شهادت نوشیدند

کویند اکر اسب نواب صفدر ان ماءبز مین نخورده بود جان خود را بسلامت از میدان جنک بدر میبردند چون اسب افتاد دشمن فرصت یافت و اول کسیکه بآن بزرکوار رسید دیس سلسله قاجاریه یوخاری باش بود که بواسطه عداوت زیاد

و شیخی سابق الذکر دیگر ایشانرا امان نداد و چون روح نواب معظم راه عزقات بهشت کرفت قائل فتح کریجان و غلبه و را
بر شهر یاری کرد اسباب تزلزل و مانع آرامش او بود اعلام نمود

سیورغال ملکم در جای دیگر از همین کتاب کوید و قبیله یک شعبه از قاجار بدرار منستان سکنی داشتند مساکن آنها در کنار
یکی از رودخانه های این ایالت بود بعضی در طرف بالا مرتع داشتند و برخی در طرف پائین آنها که در طرف بالا مرتع
داشتند موسوم بوخاری باش شدند و آنها که مرتعشان در سمت پائین بود اشاقر باش نامیده شدند و اینمعنی سبب
انقسام آنها شد و علاوه بر این باز هر طایفه بچندین شعبه منشعب و منقسم کشتند بعضی از خانواده ها باسم یکنفر رئیس
یا بنام یکدهکده که در حوالی آن مرتع داشتند موسوم شدند مثلا طایفه دولو چون در اطراف مدتها در حوالی قریه دولو که
نزدیک پشتهر ابرد اقامت داشتند معروف بدولو کردیدند

مؤلف کوید قریه دولو هنوز بحال خود برقرار است چنانکه بندکان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه در سفر نامه مبارکه سفر
دوم فرنکستان در سال هزار و دویست و نود و پنج میفرمایند (جمعه هفتم جمادی الاولی باید رفت بابروان همجا رانده تا
رسیدیم بدولو دهکده معتبر نشین طایفه قاجار قدیم دولو اینجا ها می نشستند آب اینرود خانه از کوه دشت داشت میآید
دهات بسیار خوب و باغات و اشجار زیاد دارد)

بعد از انکه ایلچی قاجار بمالک ایران آمده و بپادشاه صفوی آنها را در اماکن مختلفه جای داد شعبه عمده آنها که اشاقر باش
و بوخاری باش بودند راستر آباد سکنی کزیدند تا زمان نواب فتحعلیخان رئیس سلسله بوخاری باش بریاست هر دو طایفه
رداشت نواب فتحعلیخان که از سلسله اشاقر باش بود منصب سرداری لشکر شاه طهماسب یافته بدینواسطه برافتدار
او افزود و در میان قاجاریه اول شخص و رئیس کل کشت اما از آنجا که طایفه بوخاری باش قلبا بریاست نواب معظم راضی نبودند
بعد از آنکه آن بزرکوار بدست نادرشاه شهید شد در خرابی کار پسر واحد او نواب محمد حسنخان همدست شدند تا چار
نواب معظم بمبانه رفت که در طرف مشرق دریای خزر سکنی داشتند فشد و قسمتی از خانواده و اقارب ایشانرا همراهی کردند
که از انجمله یکی علی پرد بخان (اللهوردیخان) پدر نوروزخان ایشیک آقاسی باشی خاقان خلد آشیان فتحعلیشاه طاب ثراه بود
خلاصه نواب محمد حسنخان فی الفور استعداد بهم رسانیده که بتواند با دشمن خود یعنی سلسله بوخاری باش مجادله بپردازند
و ممکن بود که بر آنها غلبه کنند اکر نادرشاه و سلاطین بعد از او حمایت از سلسله مزبوره نمیکردند

عادلشاه برادرزاده نادرشاه و جانشین او وقتیکه حکومت را زندان را داشت و طفل نواب محمد حسنخان را کرفته
حبس کرد و پسر بزرکتر ایعنی نواب آقا محمدخان را که آن وقت صیانه پنجسالکی بودند مقطوع النسل نمود و مقصود
که از اینکار داشت حاصل نشده بلکه برعکس بنجدادپادشاه آینده ایران که از بسیاری از تمتعات خود بی بهره ماند آنچنان
تمتعاتیکه در مشرق زمین برای بزرکان بی هیچ مانع حاصل میباشد یعنی میتواند زوجات عدیده در حبالهٔ نکاح خود
درآورند و مباشرت با آنها اسباب و هنر و فنون حواس و قوای آنها کرد خلاصه این حرمان از تمتعات اینشاهزاده را
برآن داشت که حظ و لذایذ خود را از راه دیکر حاصل و تحصیل نماید این بود که نواب آقا محمدخان از طفولیت بخیال
سروری و عظمت و شوکت افتادند و در تمام مدت عمر خود در این اندیشه و قصد بودند و با رسوخ تمام همین منظور
را پیروی مینمودند و از همان وقت یعنی از ابتدا معلوم بود که چه قدر استبداد رای دارند

بعد از مردن عادلشاه نواب آقا محمدخان از حبس آزاد شده بپدر بزرکوار خود پیوستند و در تمام انقلابات دوره کار
با ایشان همراهی داشتند بعد از آنکه نواب محمد حسنخان مغلوب عساکر کریجان و شهید شدند نواب آقا محمدخان

بخیل کریمخانیان افتادند و لی کریمخان با ایشان بنحو خوبی رفتار کرده سر موئی از حرمت و احترام فرو گذار نمیکرد و در تمام مدتیکه در شیراز با کریمخان بودند بتحصیل معارف میپرداختند از عقلا کسب دانش میکردند و از مطالعه کتب بر بینش خود میافزودند تا توانستند شغل خطیری را که بایدیکروزی متقلد گردند بدست آیند بنابراین حسن تدبیر و اصابت رای ایشان بدرجه رسید که کریمخان در مهام معظمه و لینعما با ایشان مشورت مینمود و ایشانرا بر ابراهیم و پسر مناسب میدید زیرا که بیرانویسر و زیر افراسیاب اول وزیر دانشمند قابل ترک بوده است خلاصه نواب آقا محمدخان با کمال عداوت یکه با تمام زندیه داشتند در مشورتیکه کریمخان با ایشان مینمود چنانچه میدانست نمیکردند و رای صائب خود را با و اظهار میداشتند زمانیکه اول نواب آقا محمدخان با ایشان حالت تحمل داد چنانکه در همان زمان که کریمخان بودند توانستند شمه خود را با او و باز ندیه در دل نگاهدارند و طرف اعتماد آن پادشاه کردند و از این راه که کریمخان پول زیاد بنواب معظم میداد که بمصارف خود برسانند و ایشانرا مرخص کرده بود که در هر جای شهر شیراز میخواهند بگردش بروند بلکه اذن داده که بهترین اسبهای او سوار شده روانه شکار شوند و در صحراهای حوالی شیراز مشغول صید باشند گویند طوری نواب آقا محمدخان طرف اعتماد کریمخان شده بودند که وقتیکه حسینقلیخان برادر ایشان در مازندران رایت شورش برافراشته بود کریمخان میخواست نواب معظم را مامور دفع این فتنه کند و بمازندران فرستد میرزا جعفر وزیر کریمخان او را از اینکار مانع آمد و وقتیکه نواب آقا محمدخان پادشاه ایران شد ندانست از روی کرامت نفس یا کسان میرزا جعفر بیگ نمودند و فرمودند تکلیف میرزا جعفر این بود که با آقای خود خدمت کند بلاوه مرا هم ضمنا از مهلکه نجات داده چه اگر من بمازندران میرفتم وضع طوری بود که می باید علم سرکشی برافرازم و شوکت کریمخان زیاده از آن بود که من بتوانم او را مغلوب سازم

پیش از این ذکر شد که پس از فوت کریمخان چگونه حضرت آقا محمدخان خود را از شیراز با صفهان رسانیدند و با چه عجله بمازندران آمدند در اینوقت سن مبارک ایشان سی و یک سال بود و اگرچه ضعیف اندام بودند اما بواسطه کم خوردن و پرکار کردن قوه ایشان زیاد بود و در کمال خوبی تحمل امور شاقه را میتوانستند نمود چه از بس در مشیراز مداومت در سواری و شکار کرده معتاد شده و جوارح و اعضا حالت سختی بهم رسانیده هیچ چیز ایشان را خسته نمیکرد و از بس در شیراز در مواقع فرصت مداومت در صید و رکوب فرموده میتوان گفت ندکانی ایشان برپشت اسب بوده در مدت هجده سال جنگ که برای تحصیل استیلای کامل نمودند قدری از سختی مایل نرمی کردند و اینفقره لازم بود زیرا که در این هنگام میبایست بدوستان خود مهربانی و ملاطفت نمایند نیز صدماتی را که سابق متحمل شده فراموش کنند و دشمنان خیلی قدیمی خود را مشمول عفو و احسان نمایند هیچ چیز در جبلت عقل حضرت آقا محمدخان اثبات نمینماید که در وقت قدرت و اقتدار از روسای سلسله قاجار که با ایشان دشمن بودند انتقام نکشیدند و از جرایم آنها در گذشتند مخصوصا کسانیکه در خون پدر و اقارب ایشان شرکت داشتند بلکه آنهائیکه ایشانرا در طفولیت بعبادلشاه تسلیم کرده و مبتلا بعضی بلیات نموده بودند مورد عفو و احسان شدند و این پالیسی کریمانه حضرت اختلاف و کینه دیرینه را از میان طوایف قاجار که با یکدیگر خونی بودند مرتفع ساخت تاج و تخت سلطنت ایران را با ایشان تسلیم و مخصوص نمود و چون بدرستی بر فواید اتفاق و اتحاد واقف شدند همان اشخاص را که پیش از این بجهت صدمات آنها مبغوض داشتند بنوازش و الطاف خود امیدوار ساخته طرف اعتماد نمودند خلاصه وقتیکه حضرت آقا محمدخان از شیراز حرکت کردند هفده نفر با ایشان بودند و با وجود میل همراهان [illegible]

درنك نمودند فقط يكشب در طهران ماندند واز جانب حكمران طهران از ايشان پذيرائي خوبي شد پس از آن راه مازندران را پيش گرفته ودر راه يك مبلغي از مالياتي كه بشهر از مي‌بردند تصاحب نموده در مازندران بسياري از طوايف ايلات دور آنحضرت جمع شده ويا شايد كه از اسباب بيكنخي خود دانسته اما في الفور حضرت آقا محمدخان از جانب طوايف قاجار بلكه از طرف خانواده خود اشكالات در جلو راه خود ديدند يكي از برادران ايشان برضد آنحضرت برخاست مرتضي قليخان از اخوان ايشان قشوني براي خود جمع كرده وخود را پادشاه ناميده جنك محضري فيما بين حضرت آقا محمدخان وبرادر در مدت چهار سال در كار بود كاهي بخت با اين را يار وگاهي طالع آنرا مدد كار انتهي

ميستر مارخام انكليسي در كتاب تاريخ ايران كه تاليف نموده گويد

سلسله عليه قاجار يكي از طوايف ترك توران زمين مي‌باشند كه برخي از آنها بهمراهي عساكر چنگيزخان بايران آمده ودر اين مملكت سكني كردند امير تيمور كوركان چون بر مملكت ايران استيلا يافت آنچه از اين طايفه جليله را كه در اين مملكت ساكن بودند بجلاي وطن داده بسوريه فرستاد (سوريه عبارت از مملكت شام است سوريه كه اسم كلي است بسوري كه كل سرخ است چون در شام زياد مي‌رويد اين مملكت را سوريه ناميده اند) پس از مدتي باستدعاي مقتداي اردبيلي كه از اكابر امامية بوده امير تيمور اين طايفه جليله را رخصت معاودت بايران داد واين طايفه يكي از طوايف سبعه قزلباش بودند كه اتفاق كرده اولين پادشاه سلسله صفويه يعني شاه اسمعيل را بتخت سلطنت ايران نايل نمودند

مقصود از مقتداي اردبيلي مير سلطانعلي صفوي ثاني است كه از معارف بوده

اررويسا ايل جليل قاجار اول كسيكه اسم او در تواريخ ثبت ومسطور است پيربداق خان قاجار است كه در زمان سلطنت شاه طهماسب اول بحكومت قندهار يافت چون سلطنت ايران بشاه عباس بزرك رسيد چنان صلاح ديد كه بعضي از قاجاريه را در مرو وبرخي را در ايروان وقسمتي را در قزوين وبقيه را در استراباد مكان دهد ايالات وشهر استراباد در سمت جنوب شرقي بحر خزر واقع است ايل جليل قاجار به پنج طايفه منقسم بوده اند اول يوخاري باش دويم اشاقه باش سيم دولو چهارم شاهسيوني پنجم قره‌باغي در ايام قديم رئيس طايفه يوخاري باش رئيس تمام ايل جليل معظم بوده تا وقتيكه نواب فتحعلي خان رئيس طايفه اشاقه باش كه سردار قشون شاه طهماسب ثاني بود رئيس سلسله عليه گرديد واز آن ببعد تا شتام طوايف قاجار خوخ خانواده نواب فتحعلي خان گرديد نادرشاه نواب فتحعلي خان را شربت شهادت چشانيد ونواب محمد حسن خان بعد از آنكه متواري بودند در زمان سلطنت نادرشاه نواب معظم با چند هزار سوار تركمان بشهر استراباد حمله كردند وآنجا را مسخر نمودند لكن در ثاني قشون نادرشاه اين شهر را مفتوح ساخت ونواب محمد حسن خان بتركستان رفتند بعد از قتل نادرشاه نواب معظم با ايران معاودت فرموده ودر جنك با قشون كريمخان زند شربت شهادت چشيدند

نواب آقا محمدخان ولد ارشد نواب غفران مآب معظم در زمانيكه پدر بزرگوار ايشان شهر استراباد را محاصره كرده بودند بدست لشكر نادرشاه گرفتار گشتند پس از آنكه نادرشاه را يكي از خدمتكاران او در حوالي مشهد مقدس بقتل رسانيد علي‌قليخان برادرزاده نادرشاه كه در هرات بود بر تخت سلطنت جلوس كرده وملقب بعادلشاه گشت بحكم وحشيانه او نواب آقا محمدخان مقطوع النسل كردند بعد از قليل مدتي نواب معظم از حبس عادلشاه بدر رفته بخدمت پدر بزرگوار خود شتافتند وقتيكه نواب محمد حسن خان در جنك با قشون كريمخان زند شهيد شدند نواب آقا محمدخان تمكين عساكر كريمخان نموده وآنحضرت معظم را بشيراز برند كريمخان آنحضرت را زايد الوصف محترم ميداشت از آنجاكه ايشان شخص بسيار زيرك قابل باكفايت ودرايتي بودند كريمخان ايشانرا بايران وبسمت ايلچيگري فرستاد

وزیر صاحب تدبیر افراسیاب ثانی) بعد از فوت کریمخان حضرت آقا محمدخان مجلاً بما زندران تشریف فرما شدند و در آنجا قشونی جمع و تجهیز کرده پس از مدت ده سال جنگ و جدال آخر الامر شهر کرمانرا مستخر کردند ولطفعلیخان زند را که دعوی نیابت با آنحضرت داشت براه عدم فرستادند و در سنه هزار و دویست و ده هجری مستقلا شاهنشاه ایران گردیدند و چون حاجی ابراهیم کلانتر شهر شیراز خدمت نمایان با آنحضرت کرده و اسباب استقلال و استیلای ایشان شده یعنی دروازه شیراز را در زمان غیبت لطفعلیخان برروی عساکر حضرت آقا محمدخان باز نموده او را بپاداش این خدمت منصب وزارت دادند

نیز همین مؤلف گوید نواب آقا محمدخان قبل از آنکه اقتدار کامل در ایران بهم رسانند بر دوسها غلبه نمودند و شرح این گفته در محل خود بیاید

نیز گوید راوانیکه حضرت معظم برای حصول استیلای کامل شمشیر میزدند چند سال در شیراز اقامت داشتند و در آنجا قصری برای خود بنا فرمودند که عبارت از حیاطهای حوضدار و چندین اطاق عالی فشنگ و معابر باریک بود و دیوانخانه آن قصر را از پرده هائی که بتصویر فتوحات شاه اسمعیل و نادرشاه در آنها نقش شده بود مزین ساخته بودند مردم اهالی ولایات بامکنت کیلان و مازندران و استراباد مخصوصا مایل بتبعیت حضرت آقا محمدخان و تفویت ایشان بودند و بعد از آنکه لطفعلیخان زند مقتول شد و حضرت معظم اقتدار کامل حاصل نمودند طهران را پای تخت خود قرار دادند و جهة اینکه این شهر را بدار الملک اختیار کردند نزدیک بودن آن بمازندران و استراباد بود و بعد از آنکه دشمنان خود را که از طایفه زند بودند مقهور و نابود ساختند بعضی اقارب خود را که براه سرکشی و طغیان میرفتند و چندان میلی بانقیاد و اطاعت پادشاهی نداشتند بسزای خود رسانیدند و کلیه قصد و منظور این پادشاه این بود که تخت و تاج سلطنت ایران مسلم برای اولاد و زاده آنحضرت (خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه) باشد

حاجی ابراهیم وزیر حضرت آقا محمدشاه در ضمن محاورات و مفاوضه با سیر جان ملکم گفته بود در وقتی حضرت پادشاهی مرا مخاطب ساخته فرمودند یا شخصی بکفایت و درایت تو میتواند صحبت بر این بگذارد که من عساکر و لشکریان خود را با توپها و سپاهیان منظم دولت روس برابر و مقابل نمایم و آنها را در معرض خطر در آورده اسباب خرابی عساکر خود را فراهم آورد البته اینکار بر وفق درایت و دانش نیست من آنها را در میان بیابان محاصره خواهم کرد انتهی

نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله ابن مرحوم ولیعهد دولت اجایکاه نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه در کتاب جام جم میفرمایند

طایفه قاجار از نسل قراجار نویانست این سلسله از کنجه باستراباد آمده اند و اول کسیکه از کنجه آمد شاهقلیخان بود که در اواخر دولت شاه سلیمان صفوی باستراباد آمد و در استراباد دختر یکی از اعیان را گرفت و بدان واسطه در آنجا رحل اقامت افکند و از اوده پسر شد یکی مسمی بفتحعلیخان که جد سلاطین قاجار است و دیگری فضلعلی آقا که جد خوانین کبار است و پس از وفات شاهقلیخان پسر بزرگ او فتحعلیخان رئیس قوم و بزرگ طایفه گشت و در فتنه افغان هزار نفر سوار از اعیان قاجاریه باغات شاه سلطانحسین برد و در اصفهان بخدمت شاه سلطانحسین مشرف شد و زحمات و بواسطه اینکه او را در خدمت شاه متهم کردند که خود داعیه سلطنت دارد مقبول نیفتاد و ملاباشی و حکیمباشی که در قلب شاه رسوخی داشتند پیوسته از او سعایت داشته میگفتند افغان دشمن خارجی و غریب است میتوان چاره او نمود ولی فتحعلیخان که از خود هزار سوار دارد و با ذن شاه باصفهان آمده اطمینان حاصل نمیتوان کرد تا شاه ساده لوح را آن کلمات واهی مقبول افتاده شمشیر جهانکشا را

باوعنایت

ویسنده صفحه اول طریقه جرم را هنوز بدانم و بر مصالح اینکار بدقت واقف نیستم ولی بقول قشون روس هر دو برابر همه اهل سپاه باو حمله آنها عملی کار خود خواهد دانست بهر حال اینکه میل دارد نمی تواند

باو عنایت کرده اذن انصراف داد و آن شمشیر در سلسلهٔ قاجاریه بشکون و میمنت معروف و مأنوس الفصه
رفتن چنان لشکر را افغان از نتایج اقبال خود دانستند و الحق چنان بود و آخر الامر فتحعلی خان باز از راه اخلاص
که بدودمان صفویه داشت و چنگر شاه طهماسب ثانی بطهران آمد بخدمت او شتافت و خدمتها کرد و در رکاب او بخراسان
رفت و در خراسان وجود او را نادر شاه مخل خود میدانست و در نزد شاه طهماسب وسوسه کرد و از آن ملواح حکم قتل او را
صادر نمود و در چهاردهم صفر سال هزار و صد و سی و نه هجری در دوره مشهد مقدس بدست مهدیبک قاجار دولو بتحریک
نادر شاه و اجازهٔ شاه طهماسب کشته شد و در مقبره خواجه ربیع مدفون است و چهل و دو سال از عمر او گذشته بود و از
فتحعلی خان یک پسر باقی ماند مسمی بمحمد حسنخان و در اسیلای نادر شاه در دشت ترکمان فرار و متواری بود و هر قدر
نادر شاه خواست که او را بدست آورد ممکن نشد و پس از کشته شدن نادر شاه از دشت ترکمان باستراباد آمده بخیال سلطنت
افتاد و اکراد و لایات عراق و آذربایجان و اصفهان را مسخر کرد و آزاد خان افغان را که او نیز دعوی سروری داشت از دروازه
بیرون نمود و بحاصرهٔ شیراز شتافت و کریمخان را محصور نمود و در آنحاصره قاجار تیره بوخاری باش و غیره از حدود قدیم و
کنه دیرینه خیانت کرده اردو را شکسته فرار کردند محمد حسنخان را بخیال توقف نماند باستراباد آمد و اکر چنانچه قاجار تیره
بوخاری باش و غیره بود هر آینه قلعه شیراز بزودی مفتوح میشد چرا که قلعه کیان بجهة آذوقه و علوفه کمال تنگی داشت
و کریمخان متعاقب او لشکر کشیده روان شد و خود در طهران ماند و شیخعلیخان زند را بمازندران فرستاد و در مابین استراباد
و اشرف جنگی فیمابین آن دو سردار واقع گشت محمد حسنخان شکست خورد و در جرکلیاد در شهر جمادی الاخره هزار و صد و
هفتاد و دو هجری بدست سبز علیبک نوکر خود شربتی تحریک قاجار تیره بوخاری باش بدرجهٔ شهادت رسید و سر او را در طهران
بخدمت کریمخان آوردند و در تاریخ زندیه نوشته است که سر او را با مشک و کلاب شسته سه روز در نزد کریمخان بود
بعد او را با حرمت باستراباد فرستاد که بجسد او ملحق ساختند و قاجار تیره کوشیدند سر آن امیر نامدار در بقعهٔ شریفهٔ حضرت
عبد العظیم مدفون است و از محمد حسنخان نه پسر باقی بود اکبر اولاد آقا محمد خان است و دیگران حسینقلیخان و جعفر
قلیخان و مصطفی قلیخان و مرتضی قلیخان و علیقلیخان و رضا قلیخان و مهدیقلیخان و عباسقلیخان است که در سال
در گذشت و کریمخان زند پس از شهادت محمد حسنخان که مملکت ایران بیمانع او را مسلم شد آقا محمد خان و حسینقلیخان
والد خاقان را که از یک مادر بودند بشیراز برسم نوابرد و برادران دیگر را بقزوین فرستاد (والده شاه شهید آقا
محمد خان و حسینقلیخان دختر اسکندر خان قاجار قوانلو بوده است که خواهر محمد خان و عمهٔ سلیمانخان است) کریمخان
آقا محمد خان را حرمت زیاد میکرد و او را پسر میگفت و در کلیات امور از او مشورت مینمود و در سال هزار و صد
و هشتاد و چهار هجری حسینقلیخان برادر را می آقا محمد خان را حکومت استرآباد داده فرستاد و حسینقلیخان
بمازندران رفت و در سال هزار و صد و هشتاد و پنج هجری خاقان مغفور از آن امیر نامدار بعرصه ظهور آمد چون
سمی جدا امجد بود لهذا در عهد آقا محمد خان ایشان را باباخان میگفتند (والده خاقان خلد مکان و نواب حسینقلیخان
دختر محمد خان عز الدین لواسی) و حسینقلیخان از دامغان بمازندران شتافت و محمد خان داد و حاکم مازندران را
بازهٔ کمان خود خفه کرد و در آن ولایت بنای آشوب گذاشت و کریمخان بدفع او لشکر فرستاد تا سال هزار و صد و هشتاد و
هشت هجری در حوالی فندرسک سه نفر از طایفهٔ ایکدر یموت از طوایف ترکمان بتحریک کریمخان او را کشتند
و در تاریخ میرزا فضل الله شیرازی متخلص بخاوری شهادت حسینقلیخان را در بیستم صفر سال هزار و صد و نود
و یک هجری ضبط کرده است و در تاریخ محمدی که ملا محمد شاره وی نوشته است در دوازدهم صفر هزار و صد و نود و دو
هجری نوشته است و ما تاریخ شهادت را از تاریخ زندیه نقل کرده ایم و اعتبار را بقول او نزدیک من زیادتر است و بآن

همه انقلاب و اختلال که از حسینقلی خان در امور ولایت ظاهر شد کریمخان از سجایای خلق هیچ از آقا محمد خان مؤاخذه نکرد و در وقت شهادت تلو حسینقلیخان پسر شش در بطن مادر بود که پس از ولادت باسم او خواندند و کریمخان سالها سال بناخوشی سل مبتلا بود و در ماه صفر هزار و صد و نود و سه هجری شدت کرد و عمه آقا محمد خان که زن کریمخان بود برادرزاده را از ناخوشی او اعلام کرد و بعضی نوشته اند که خاله آقا محمد خان زن کریمخان بود و آقا محمد خان بعزم شکار مهارلو بیرون رفته روز سیزدهم صفر هزار و صد و نود و سه هجری که بشهر برگشت دروازه را بسته دید دانست که کریمخان درگذشته است و زنده از تفریق کلمه که در میان خود داشتند بجنبانید و بنهاد تا که صیتی از فیلداشتن رها شده است و آقا محمد خان از همانجا باز گردید و باز دولت را بپرواز آورد و اسب باد و نفرتا طهران تاخت و در کاشان خزانه کریمخان را که از رشت میبردند و پانزده هزار تومان نقد و جنس میشد غارت نمود و روز هفدهم صفر بوزاپین وارد شد و در آنجا سران قاجاریه و خوانین ایلات بخلقه اطاعتش درآمدند با زندان رفت و در زندان را مدتی بابراد در آن خود کاوش و سازش داشت و علیمراد خان زند که پس از کریمخان بسلطنت نشسته بخیال دفع او افتاده بطهران آمد و لشکر بمازندران با پسر خود و پسر مراد خان و سرداری محمد ظاهر خان فرستاد و ایشان شکست خورده نه انهی

نیز نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله در کتاب خود نامه سفر مدینة السلام و بیت الله الحرام موسوم بهدایة السبیل و کفایة الدلیل نسب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی را چنین مسطور فرموده اند

السلطان ناصر الدین شاه ابن السلطان محمد شاه ابن المولی المعهد الاعظم عباس میرزا ابن السلطان فتحعلی شاه ابن حسینقلیخان الشهیر بجهانسوز شاه ابن السلطان محمد حسنخان ابن الامیر فتحعلیخان ابن الامیر شاهقلی خان ابن محمد ولیخان بن مهدیخان بن محمد قلی آقای قاجار از طایفه استاجلو از تیره قوانلو و در دولت صفویه از همه امرای بزرگ از طوایف استاجلو و شاملو و تکلو و ذوالقدر و غیره جنابت ظاهر شده و مورد سخط سلاطین شده اند از طایفه قاجاریه که مصدر خدمات بزرگ بوده اند و چند بار بسفارت روم و هند و ستان رفته اند هیچ خلافی بسر نزده است انتهی

مرحوم رضا قلیخان امیر الشعرا متخلص بهدایت روح الله روحه که از معارف فضلا و اکابر مصنفین و نویسندگان این زمان مرتبا قرآن است در کتاب روضة الصفای ناصری مینویسد

اصل اصیل ایل جلیل قاجار ترک بن یافث بن نوح علیه السلام میباشند و قاجار طایفه از طوایف ترک اند و گفته اند چون این ایل جلیل از اولاد قاجار نویان بن سرتاق نویان بن سابا نویان بن جلایر بن نیرون بوده اند باسم جد اعلی مشهور نموده و قاجار منقسم بسه طایفه شده سلدوس و تنکقوت و جلایر طایفه سلدوس اصلا با ایران نیامده اند و طایفه تنکقوت بسی چهل خانوار بوده بطوایف مغول پیوسته اند و جلایر در اکثر بلاد توران و ایران مکث و حشمت یافته اند و مانند قاجار و سایر طوایف معروف شده اند اما سرتاق نویان پدر قاجار نویان بفرمان اباخاقان مغول باتابیکی ارغون خان معزز و منصوص و مکرم و مخصوص میبوده و بوکالت و نیابت آن پادشاه دنیاگاه از کنار نهر جیحون تا حدود دریای حکمرانی و فرمان گذاری مینموده و از قزل آقاج مغان تا حدود نیشابور مملکت خاصه او بوده و کسی در آن تصرف و شرکت نداشته و غالبا سرتاق نویان در ولایت کرمان میزیسته و اولادش در استرآباد و مازندران زیاد شده بعد از فوت سرتاق نویان در زمان غازان خان ولایت سرتاق به پسرش قاجار نویان مفوض شد و قاجار نویان امیری با حشمت و شجاعت و لشکر کشی با شهامت و مناعت بوده و این قبیله بقبیله بنیاد

قاجار نویان معروف شده واولاد نامدار واحفاد کامکار ش در کرکان وابران ملجا بزرگان وامیران شده اند
وروز بروز بر تعداد وزایش وعدت وفرایش بوده اند تا بساط دولت آل چنگیز پیچیده وبرچیده گشت وبعضی از اولاد او
درماوراء النهر بر مسند خانی بخارا متمکن بودند وبعد از ضعف دولت کورکانیه وقوت سلاطین ترکمانیه قراقونلو ابو
النصر حسن بیک آق قونلو که در نسب با سلسله جلیله قاجاریه مشارکت داشتند لوای کشورستانی برافراشت وباصفویه
بارادت وقرابت اختصاص جست وشاه اسمعیل صفوی که از طرف پدر موسوی واز جانب مادر آنچه قونلو بود با قاجاریه
بطریق یگانگی وامنیت سلوک مینمود لهذا بزرگان قاجار در موافقت دولت صفویه کاملا مساعد بودند وولایات بزرگ و
مناصب عالیه میافتند ودر سنه نهصد وشصت ونه شاه قلی بیک قاجار جد اعلای نواب فتحعلی خان قاجار ابن شاه قلی
خان از جانب شاه طهماسب صفوی بسفارت دوم رفته با سلطان سلیمان خان قرار عهد مودت وصلح داده مراجعت کرد
بالجمله در تمام دولت صفویه غالبا امیر الامرای قراباغ وگنجه وحکومت خراسان ومرو واستراباد باطایفه قاجاریه
زیاد لو وقونلو بود همینکه نوبت سلطنت بشاه عباس ماضی رسید چون مادر او از آن طایفه بوده از کثرت شوکت و
حشمت قاجاریه توهم نموده آنها را سه فرقه کرده قسمتی را بمرو وخراسان بحکومت فرستاد وجمعی را در قراباغ
گذاشته فرقه را بکرکان واسترابادروانه نمود وبارها این طایفه شجاعت آثار در شور وسرحدات ثلاثه ایران جنگها کردند
تا زمان غلبه افاغنه بر شاه سلطان حسین نواب فتحعلی خان بن شاه قلیخان بن مهدیخان بن محمد ولیخان بن شاه قلیخان
قاجار قونلو حاکم کرکان واستراباد ومازندران بحمایت شاه طهماسب با افاغنه رزمها کرد وبنیابت سلطنت وکالت
دولت مخصوص گشته شاهرا بمشهد ارض اقدس ومحاصره مشهد مقدس برد وبعد نادر وقضای صادر شهادت یافت
ونادر بملاحظه مآل مهدی نام قاجاررا که دخیل در خون نواب عفران مآب بود وپدر شریدست خان والاشان کشته شد بکشت
همچنین شاه طهماسب را بدست محمد حسینخان قاجار مقتول ساخت تا خود بر یکه تاز باشد وسلسله قاجاریه صفویه
با یکدیگر خونخواهی کنند بعضی از ارباب سیر بر این اند که اصل این طایفه جلیله از ترکستان بروم افتاده اند ودر آن ولایت
نیز پیشه در سال ششصد وپنجاه وسه که هلاکوخان از جانب برادر خود منکوقاآن بروم رفت با مرادر از هرده
خانوار معقول دوخانوار با او برفتند وبر این قرار صد وبیست هزار کس از ایلات ترکستان در رکاب او ماموز آمدند
که از سرحدات ترکستان الی اقصای مصر وشام بحافظت ثغور پردازند از آنجمله ایل جلیل قاجار بسرحدات شام متوقف ومامور
شدند ودر آیامیکه امیر تیمور گورکان بشام رفت وآن بلاد را مسخر کرد ایلات ترکستان را که قریب بصد هزار نفر بودند
مصلحت ندید که در روم باشند ایشان را کوچانیده ماموز ترکستان کرد بعضی از آنها بترکستان شتافتند وجمعی در
آذربایجان بماندند ایل جلیل قاجار نیز در گنجه وابروان ساکن گشتند وبرخی گفته اند چون بتوسط وشفیع جناب میر
سلطانعلی صفوی امیر باطلاق اسرای روم فرمان داد این طایفه جلیله وجمعی از ایلات روم ما نند بیکدلی ملقب بشاملو در
آذربایجان ودیاربکر متوقف شدند واز ادغ طوایف شاملو وروملو ونکلو وقاجار وغیرهم بسلسله صفویه و
اجتماع ایشان از دیاربکر بدرگاه شاه اسمعیل صفوی بجهة این منت بود در هر حال ایل قاجار از ایلات ترکستان ودر
ایران متوقف بوده اند وشاه عباس صفوی جمعی را در قراباغ وکروهی را در کرکان وخراسان ومرو حکومت و
الکای داد ودر سال یکهزار وهشت هجری که شاه عباس باسترابادرفت وقلعه مبارک آباد بر ساحل کرکان را که
از بناهای شاه طهماسب ماضی بود وتراکمه خراب کرده بودند تعمیر کرد حسینخان قاجار زیاد اغلی را از گنجه کوچانیده
با قاجاریه در آن قلعه سکنی داد که ترکمانان صاین خانی بتاخت وتاراج استراباد نیایند وتطاول نتوانند وطایفه

مذکوره قاجار علی التناوب در آن ولایت بحکومت و سالاری میپرداختند تا در عهد دولت شاه سلطان حسین صفوی نوبت سرداری قاجار در عهد پرداری استراباد بنواب فتحعلی خان قونبلو رسید انتهی

میرزا محمد تقی متخلص بسپهر ملقب بلسان الملک از مورخین معتبر اینعهد ایضا در کتاب ناسخ التواریخ یعنی در جلد متعلق بسلسله جلیله قاجار گوید

در سال ششصد و پنجاه و سه هجری سلطنت ایران بفرمان منکوقاآن بن تولی خان بن چنگیز خان مخصوص هلاکو خان شد و منکامکه عازم عراق و برانداختن دودمان خلفای بنی عباس از جانب منکوقاآن حکم شد از هر ده خانوار مغول دو خانوار برای حراست و حفظ حدود و ثغور از مکان خود بیرون شده از سرحد ترکستان تا اقصای مصر و شام در اماکن مختلفه اقامت کنند بنابراین حکم صد هزار خانوار حرکت کردند و در امکنه منظوره جای گرفتند سرتاق نوبان بن ساباتوبان بن جلایر بن بیرون یکی از نوئینان و سرداران هلاکو خان و ملازم رکاب او بود چون در سال ششصد و شصت و سه هلاکو خان درگذشت و پسرش اباقا خان بجای او نشست سرتاق نوبان را مورد مرحمت خود ساخت تا بیکی پسرش ارغون خان برقرار کرد و از کنار جیحون تا قرا آغاج مغان را بحکومت او واگذار و مفوض داشت اباقا خان نیز بعد از هفده سال پادشاهی بمرد و بعد از او نکودار خان برادرش دو سال سلطنت نمود و ارغون خان فرزندش هفت سال و گیخاتو خان برادر دیگرش سه سال و بایدو خان هشت ماه و در سال ششصد و نود و چهار هجری غازان خان بن ارغون خان بر تخت پادشاهی جلوس کرد و سرتاق نوبان نیز درگذشته بود و پسرش قاجار نوبان که سلسله جلیله قاجاریه بدو منتسب میشوند کمال رشد داشت غازان خان بنابر حقوق ثابته بدید قاجار نوبان را در حجره اختصاص داده آنچه در تخت حکمرانی سرتاق نوبان بود باو واگذاشت و قاجار نوبان اولاد زیاد بهم رسانید و عشیره او رو بفزونی نهاد و آنجماعت را بنام جد و پدر قاجار خواندند و در قدیم الایام رسم و قانون ترکان این بود که هر طایفه بجلالت و جلادت مشهور میشدند سایر طوایف مردمان خود را بان طایفه ملحق ساخته بنام آنطایفه معروف میگشتند بالجمله قبیله قاجار شوکت و عدت حاصل کرده بشهامت و شجاعت معروف گشتند و چون سلطنت چنگیزیه در ایران منقرض شد و حکومت سلطان بوسعید بن الجایتو در سال هفتصد و سی و شش هجری بسر رسید سلسله قاجاریه بمقتضای خویشاوندی و اهلیت اندك اندك بقبایل کرد در حدود شام سکنی داشته بوسند و آن اراضی را موطن خود دانستند تا امیر تیمور گورکان در سنه هشتصد و سه هجری که سال دوازدهم پادشاهی او بود بسفر مصر و شام رفت حکم کرد طایفه مغول از حدود شام که اراضی بیگانه است کوچ کنند و بایران آیند و از اینجا بترکستان که وطن اصلی ایشانست عزیمت نمایند بنابراین آن قبایل بایران آمده اکثری راه ترکستان پیش گرفتند و بعضی خاصه طایفه قاجار در آذربایجان و حدود گنجه و ایروان رحل اقامت افکندند چون دولت گورکانیه ضعیف شد حسن بیك بن علی بن عثمان اول سلطان از طایفه آق قونبلو که نسب بقاجار میرساند در سنه هشتصد و هفتاد و یك بتخت سلطنت نشست و چهل و سه سال پادشاهی نموده او بنا در سال نهصد و نود و پنج که شاه عباس اول بسلطنت رسید حکم کرد قبیله قاجار از گنجه و ایروان بارا‌ضی استراباد روند و در قلعه مبارك آباد در کنار گرگان که تازه بحکم پادشاه ایران ساخته شده بود ساکن شوند ایشان بلا تامل رفته آنها که بر بالای قلعه جای گرفتند معروف بقاجار بالاش شدند طایفه که در پایین قلعه بود قاجار پایین نام یافتند جماعت دیگر از قاجار نیز بحکم شاه عباس بمازندران رفته در آنجا منزل نمودند و مفتوح شاه عباس از این فرمان محفوظ ماندند نواحی استراباد و مازندران از تاخت و تاز ترکمان و محروس بودن اراضی خراسان از مزاحمت قبایل اوزبك بود نیز میخواست سلسله جلیله قاجاریه که بجلادت و جلالت موصوف و معروف اند در یکجا جمع باشند خلاصه این طایفه با اینکه از حیثیت شماره

وعدد قلیل بودند بواسطهٔ شجاعت و مبارزت بر تمامی ایران غلبه کردند و حکایات در رشادت و دلیری ایشان شنیده و دیده شده و بعد از زور و باستراباد پوسته با ترکمانان جنگ میکردند و پدران فتحعلی خان قوانلو همیشه بزرگ این سلسله بودند و با کمال اقتدار هرگز با سلاطین صفویه براه مخالفت نرفته و حال بر اینمنوال میگذشت تا نوبت فرمانگذاری قاجار بفتحعلی خان رسید انتهی

مؤلف گوید از جملهٔ این منقولات و مسطورات مصنفین مذکورین نعمد هم الله بغفرانه و رضوانه چنین مستفاد و محقق میگردد که نسب سلسلهٔ علیهٔ قاجاریه منتهی بقاجار نویان بن سرتاق نویان از امرای بزرگ غازان خان مغول میگردد و نسب قاجار نویان باغوزخان پادشاه خذاپرست بزرگوار ترک میپیوندد و آخر الامر بترک بن یافث بن نوح علیه السلام پیوسته میباید و کلیه قبایل منشعبهٔ از این اصل در اقطار عالم خاصه در صفحات ترکستان ربتهٔ خانی و خاقانی داشته و قدم برگاه و مسند حکمرانی گذاشته اقل شوکت ایشان آنکه ایلخان چندین ایل و امیر و حکمران چندین قبیله بوده اند و از این سوانح آنچه تعلق بزمانهای سابق پیدا کند چون در طی اقوال مولفین مزبورین ذکر شده تکرار آن را غیر لازم دانستیم اما آنچه متعلق بازمنهٔ آخره است بعضی را بطور اشاره ایراد مینمائیم تا ادعا و مدعا ثابت و مدلل باشد

از سوانح سال هفصد و چهل و سه هجری یکی اینست که شاه طهماسب بعد از انقضای فصل زمستان بقصد تسخیر قندهار و زمین داور از هرات حرکت کرده بکنار آب هیرمند و از آنجا بقندهار آمده ایالت را تصرف نمود و حکمرانی آنرا بعهدهٔ بداقخان قاجار موکول داشت

از حوادث سال هفصد و پنجاه و سه آنکه شاه طهماسب که عزم گرجستان انتهاض نموده بود کوچ بر سر کوچ بگنجه آمد و از گنجه حرکت کرده بموضع پولاقاردوزد و از اینجا کوکجه سلطان قاجار و ابراهیم خان ذوالقدر و حسینخان سلطان روملو و شاهوردی سلطان زیاد اوغلی با پنجهزار سوار جرار بطور ایلغار بطرف سماخی که القاس میرزا در آنجا بود روانه کرد و یکسال بعد از آن که شیروان در تحت تبعیت شاه طهماسب در آمد حکمرانی آنرا بپسر خود اسمعیل میرزا داده و کوکجه سلطان قاجار را بپیشکاری او برقرار داشت

در سال نهصد و پنجاه و نه چند نفر از سرکردهگان شاه طهماسب مامور جنگ با عساکر عثمانی شده و همه فایق آمدند و از آن جمله بیرام بیک قاجار و طوپقوون بیک قاجار بودند

در سال هفصد و شصت و دو که ابای ترکمان بخیال طغیان افتاده چند نفر از سرداران شاه طهماسب با طغای نابرده این فتنه مامور شدند از جمله کوکجه سلطان قاجار بود که پیراز حسم مادهٔ فساد در همین سال در گذشت

در سال هفصد و شصت و هفت سارو قورغان با جمعی اوزبک بفرمان علی سلطان والی خوارزم بهرنشا بورآمدند که ایالت را غارت کنند بیاق سلطان قاجار و ملکن اوغلی ذوالقدر با جمعی بدفع اوزبکان از شهر بیرون آمدند و با ایشان جنگ کردند و سارو قورغان و بسیاری از همراهان او را کشته بقیة السیف فرار کردند

در سال هفصد و نود و شش الله قلی بیک قاجار منصب قوچی باشکری شاه عباس اول یافت

در سال هزار و یازده هجری شاه عباس قلعهٔ اروان را محاصره و فتح کرد و حکومت آنرا بامیر گونه خان قاجار داد

در سال هزار و پانزده هجری شاه عباس قلعهٔ گنجه را که بتصرف دولت عثمانی بود بقهر و غلبه فتح و حکومت گنجه را بمحمد خان زیاد اوغلی قاجار داد

در سال هزار و صد و بیست و شش هجری که امیر گونه خان قاجار بیکلربیکی و حکمران ایروان بود محمد پاشا وزیر اعظم

سلطان احمدخان اول سلطان عثمانی با لشکر زیادی از دیاربکر بار زن الروم آمده عازم فتح ایروان گشت و امیرگونه خان طوری عمدا فعه و محارست قلعه ایروان پرداخت که محمد پاشا بعد از کوشش بسیار و کشته شدن چهل هزار نفر از عساکر عثمانی از فتح ایروان مایوس شده باز گشت

در سال هزار و سی و یک هجری شاه عباس چلبی سپهسالار قورچی باشی را بسفارت بدربار دولت عثمانی فرستاده و در ضمن نامه مفصل سلطان عثمانی را از فتح قندهار و جزیره هرمز خبر داد

در سال هزار و سی و امیرگونه خان قاجار بیکلربیکی خجور سعد بتسخیر احسقه و ندمیر کرجیه رفت

در سال هزار و سی و پنج امیرگونه خان قاجار بیکلربیکی خجور سعد بکرجستان رفته جنگ سختی کرده چند زخم برداشت بعد ازان با یروان مراجعت کرده مشغول معالجه شد ولی چون زخمها کاری بود در گذشت

در سال هزار و چهل و دو هجری شاه صفی حکمرانی مرو را بمرتضی قلیخان قاجار ابن محرابخان قاجار داد و محمد قلیخان زیاد اوغلی قاجار بامیرالامرائی فراباغ و حکمرانی آن نواحی برقرار گشت

در سال هزار و چهل و سه اکراد محمودی و کردستان و قارص و دیاربکر باهم اتفاق کرده بتاخت چخور سعد آمدند طهماسبقلیخان قاجار امیرالامراء و حکمران چخور سعد و ایروان بسپاهی از اکراد مزبور را مکبت و بانی را متفرق ساخت

و در همین سال شاه صفی کلبعلیخان قاجار دوات دار را با خان احمد اردلانی و سپاه قلر و علیشکر بجانب موصل و جزیره عمادیه فرستاد و آنحدود را بتاخت نیز در اینسال مرتضی قلی پاشا بیکلربیکی دیاربکر که داعیه و زارت داشت و قلیل زمانی سپاهی از دیاربکر و کفه و مرعش و آبلستان و اناطولی و قرامان جمع کرده بکمک خاکم وان رفت خلیل پاشا بیکلربیکی ارزن الروم نیز با و پیوست و با پنجاه هزار نفر حرکت کردند شاه صفی مطلع شده طهماسبقلیخان قاجار بیکلربیکی را با چند نفر سردار دیگر و جمعی بامداد سپهسالار خود که ماموریت فتح وان بود روانه نمود

در سال هزار و پنجاه و هفت هجری شاه عباس ثانی مرتضی قلیخان قاجار ولد محرابخان خاکم مرو را رضا قدس را منصب سپهسالاری داد

در سال هزار و پنجاه و هشت شاه عباس ثانی قصد زیارت مشهد مقدس و تسخیر قندهار نمود و مرتضی قلیخان قاجار سپهسالار از پیش بصوب قندهار روانه گشت

در سال هزار و شصت مرتضی قلیخان قاجار سپهسالار قورچی باشی شد

در سال هزار و هفتاد و پنج کدا علیخان بن محرابخان قاجار که حکومت ولایت دورق داشت در گذشت

در سال هزار و صد و چهارده کرکین خان والی کرجستان از اطاعت شاه سلطان حسین سر پیچیده شاه سلطان حسین کلبعلیخان قاجار خاکم گنجه را با لشکر گران بتادیب او فرستاد کلبعلیخان بر کرکین خان غالب آمده وارد تفلیس شد و بزرگان و رعایای آنجا را با نعام و حسن سلوک مستمال و رام نمود

در سال هزار و صد و بیست و چهار که امرای قزلباش صلاح در این دیدند که شاهزاده طهماسب میرزا را برای چاره کار افغان از اصفهان بیرون رود طهماسب میرزا با هشت نفر سوار گزیده از طایفه قاجار از اصفهان بطرف قزوین حرکت کرد بالجمله برانیموال امرای معظم قاجار در هر دوره و عهد ساعد دولت و مساعد سلطنت بوده و سلاطین با تمکین آنها را مستقل اشغال عمده و مهام بزرگ و مناصب عالیه مینموده اند چنانکه در دولت صفویه چند بار بسمت سفارت کبری بدربار دولت عثمانی و سلاطین هندوستان رفته و خدمات بزرگ و نمایان کرده و از آنجاکه هرگز منشا خلف و خلاف

بنوده اند و جز طریق صداقت و درستکاری راهی نپیموده همیشه کما اعتماد و اطمینان پادشاهان را جالب و تقلد
و تکفل معظمات مهام و جلایل امور را شایان و لایق گشته تا مجدد اسلطنتی که در اصل ایشان را بود روی توجه باین
دودمان نمود و فی الحقیقه ابتدای این شروق و طلوع و ضیاء و روغ از سال هزار و صد و چهار هجری است که در بنسال
نواب فتحعلی خان قاجار قوینلو جد سلاطین بزرگوار قاجاریه در استراباد متولد شد و بعد از بلوغ و رشد در آن نواحی
استقلالی بکمال یافت و کوکب اقبال و رایات جلال نواب معظم میل باوج و اعتلا کرد بر جلالت رونق و فروغ دودمان و
سلسله جلیله قاجار افزود و ابواب حکمرانی و کشورستانی بمفاتیح بخت سعید و تایید آسمانی او گشود

کم من اب قد علا بابن له شرف کما علا برسول الله عدنان

در سال هزار و صد و بیست و چهار که افاغنه شاه سلطان حسین را در اصفهان محصور کردند نواب فتحعلی خان با
هزار سوار جرار از طایفه قاجار از استراباد بامداد شاه سلطان حسین شتافت و جنگهای سخت با لشکر افغان
کرد و هر روز سر و غیرت بیشتر از آنها کرفته بنظر شاه میرسانید اما شاه سلطان حسین ساده لوح و امرا و نزدیکان او
خاین و بی عقل و تدبیر که مبشر ایشان امر را از تایید آسمانی دانستند از فرط نادانی بر خلاف دانسته و فرض کرده
و نزد شاه بنای سعایت را کذا شتند و بجای تحسین و ترجیب و آفرین افساد و تفتین نمودند و کفتند طایفه قاجار
بجلادت و شجاعت موصوف و بدلیری و رشادت معروف اند و نواب فتحعلی خان خود داعیه سروری و مملکت داری دارد
اکرچه او افاغنه را دفع میکند ولی بعد از آن دفع خود او خارج از چنبر امکان است آخر الامر مهلا باشی و حکیما شی که زیاده
از دیکران در قلب شاه رسوخ داشتند چندان وسوسه کردند که شاه سلطان حسین را بوسواس انداختند ناچار او
شمشیر معروف بجهان کشا را بنواب فتحعلی خان عنایت کرده رخصت مراجعت داد بنا بر مسطورات عبد الرزاق بیک در
کتاب مآثر سلطانیه نواب معظم نیز بواسطه اینکه اقوال امرای شاه سلطان حسین را در حق خود شنیده بود آزرده خاطر
شده سواران خود را برداشت و راه استراباد پیش کرفت افاغنه بر اصفهان استیلا یافتند و کار بآنجا کشید که جمعی کثیر
باشاره اشرف افغان بطهران و تسخیر این سامان شتافته این بلد را ویران کردند نواب فتحعلی خان با زبا سواران قاجار
در ابراهیم آباد و وارمین کروذ از ظهر تا شام با شیا افغان جنک کرده شام دو لشکر بآرامکاه خود رفتند در همان شب
نواب خلد مکان خبر دادند که شاه طهماسب را که پیش از تسخیر اصفهان برای چاره کار این شهر بطرف قزوین فرستاده اند
بمازندران آمده و در بلده اشرف است نواب فتحعلی خان که ارادتی بجا نواده صفویه داشت از ابراهیم آباد راه مازندران
پیش کرفت این در هزار و صد و سی و هفت بود از آنجا که کوکب اقبال صفویه رو بهبوط بود در این راه مسموع نواب
فتحعلی خان شد که امرای شاه طهماسب او را نسبت بنواب معظم بد دل کرده اند لهذا عنان مرکب را از جانب اشرف
منعطف و بطرف استراباد راند و امرای مشار الیهم براغوا و تحریک او فرصت نیافته تا فیما بین جنک در کرفت و شاه
طهماسب کرفتار شد نواب فتحعلی خان باز براه ارادت رفته شاه طهماسب را از اشرف باستراباد برد و تجهیز لشکر
عظیم نمود و در رکاب شاه طهماسب عازم خراسان کردید و در سال هزار و صد و سی و هشت در دامغان شاه
طهماسب بنیابت سلطنت و امیر الامرائی ایران را بنواب فتحعلی خان داد و عازم مشهد مقدس شدند در سال هزار
و صد و سی و نه ندر قلی بیک افشار حاکم نسا و ابیورد بخدمت شاه طهماسب آمده ملقب بطهماسب قلیخان کردید و
منصب فوق چی باشی یافت و مامور جنک ملک محمود سیستانی و تسخیر ارض اقدس کشت و در همین اوان ندر قلی بیک
وجود نواب غفران مآب را اسباب عدم پیشرفت کار خود دانسته در پیش شاه طهماسب با غوا و تحریک مبالغات

نمود و او را بقتل نواب فتحعلی خان راه نمی کرد شب سیزدهم شاه صفر در منزل خواجه ربیع ندر قلی بیک همدانی شاه طهماسب موافق مهد یحان نام قاجار دوالو بطور خدعه و تزویر نواب فتحعلی خان را شربت شهادت چشانیدند و در بقعهٔ خواجه ربیع بخاک سپردند

از صلب نواب غفران مآب فتحعلی خان دو پسر بعرصهٔ وجود آمدند یکی نواب محمد حسنخان که در سال هزار و صد و بیست و هفت هجری متولد شد و دیگری محمد حسینخان که در طفولیت بدرود زندگانی گفت نواب محمد حسنخان که خلف همین و فرزند ارشد با تمکین بود بعضی اوقات در استراباد و کاهی در میان طوایف ترکمان میزیستند بموجب مسطورات مورخین در ایام جوانی و اوقات کامرانی روی با محمد زمان بیک ولد محمد حسینخان قرامو سالو بر سر ایدوانی منازعه کرده آزرده خاطر و مکدر کشته روی باحشام تراکمه نهادند و جمعی از ایلات و ترکمانان زاد و رخود جمع کرده بر سر استراباد رفتند و شهر را بگرفتند محمد زمان بیک که از جانب پدر در این شهر حکمرانی میکرد بگریخت و خود را ببهبود خان که در آن اوان از جانب نادرشاه سردار و سرحددار استراباد و مازندران بود رسانید بهبود خان با شش هفت هزار نفر که با خود داشت بعزم رزم و جدال از کنار رود اترک حرکت کرد ولی صرفه از جنگ و قتال نبرده منهزم و فراری شد این خبر در موصل بنادرشاه رسید محمد حسینخان قاجار را مامور باستراباد نمود و او با فشون ابوابجمعی بهبود خان و مردم استراباد بشهر رفته این بلده را خراب و جمع کثیری را بقتل رسانیدند و عدهٔ از قاجاریه نیز در این هنکامه مقتول شدند نواب محمد حسنخان مجال و امکان بلاد و تلافی بنا فته باز عنان بطرف دشت معطف ساختند نادرشاه نهایت ساعی بود که نواب معظم را دستگیر کند چنانکه بجسنعلی خان معز الممالک میکفته است یا قوت چهارده مثقالی بدهٔ او در جواب کفته ندیده ام نادرشاه کفته یا قوت چهارده مثقالی محمد حسنخان است که از چنك ما بیرون رفته و بر او دست نیافته ایم خلاصه چون نادرشاه سردار در سودای قهر و خشونت بر باد داد نواب محمد حسنخان از دشت ترکمان باستراباد تشریف فرما شد و این بلده را مقر دولت و حکمرانی خود قرار دادند و مازندران و کیلان را نیز مسخر ساخته و تقریبًا بیست هزار لشکر منظم ترتیب داده و کاد ایشان در کمال قوام و قرین نسق و انتظام بود تا کریمخان زند با چهل هزار پیاده و سواره از جماعت بختیاری و الوار عزیمت استراباد نمود نواب محمد حسنخان در نیمحل قدرت و شوکت خداداد را ظاهر ساخته چنانکه هر دو فوجی جمعی از لشکریان را بر سر فشون کریمخان فرستاده فوجی از آنها را اسیر کرده می آوردند و در عرض چهل و دو تقریبًا بیست و پنج هزار نفر از سپاهیان وکیل مقتول و دستگیر عساکر فیروزی مآثر حکمران قاجار بل ناحدار فرخنده آثار کردید بشجاع الدین خان زند طعمهٔ شمشیر غازیان شد و کریمخان قرین یاس و حرمان ناچار بنه و اغراق و توپخانه و زنبورکخانه و تمام اسباب سلطنت را وها کرده از ساحت استراباد بجانب اصفهان عطف عنان کرد و غنایم کثیره بدست ملازمان و لشکریان نواب محمد حسنخان افتاد و نواب معظم مصمم سفر عراق کشته از استراباد باشرف مازندران توجه فرمودند و فا بیتکه جماعت کریمخان لشکر باستراباد کشیده بود چه کلاریجانی با ظهار خدمتکذاری بسپاهیان الوار پیوسته بعد از مراجعت کریمخان نیز سر از اطاعت پیچیده طبل یاغیکری میکوفتند نواب محمد حسنخان محمد ولیخان و مقیم خان سارو را مامور بتنبیه کلاریجانیها کردند و فوجی از عساکر منصوره بر سر آمل رفت ولی پیش از آنکه با کلاریجانیها نزاعی اتفاق افتد محمد ولیخان بواسطهٔ شرارت فطری بنای بدسلوکی را نهاده دست بطرف ناموس و عیال اهالی آمل دراز کرد اهالی مازندران از حرکات محمد ولیخان منزجر کشته او را کرفته حبس کردند و جمعیتی فراهم آورده نزد مقیم خان رفتند و او را بر خود امیر کرده راه طغیان پیش کرفتند و در ساری رحل اقامت انداختند و بخود نمائی پرداختند نواب محمد حسنخان

بدون بنه و احمال از اشرف حرکت کرده بر سر مقیم خان و اهالی مازندران تاختند مقیم خان بزخم زنبورک از پا در آمد
دستگیر و نابود شد و اهل مازندران متفرق گشتند و چند نفر از معارف اهل این ولایت مورد مواخذه و مصادره
گردیدند بعد از آن احمد شاه ابدالی که در قندهار رایت اقتدار برافراشته بود با رض اقدس آمده این ولایت را مسخر
کرد و پانزده هزار نفر از افاغنه را بسرداری شاه پسند خان افغان مامور فتح استراباد کرد و آنجماعت سبزوار
آمدند ابراهیم خان بناپری و عیسی خان کرد و علیخان قلیچی و جمعی دیگر از خوانین خراسان با اهل و عشیرت خود کوچ کرده
بلا مغان رسیدند نواب محمد حسنخان محمد حسینخان قاجار را که از اعاظم امرا بود با خوانین خراسان و چهار
هزار نفر لشکری بدفع شاه پسند خان مامور فرمودند و بعد از تلاقی فریقین افاغنه شکست خورده راه هزیمت پیش
گرفتند بعد از این فتح نمایان نواب محمد حسنخان با فشون نصرت نمون بقصد جنگ باکر یخان از مازندران حرکت کرده
محمد خان بیگلربیگی زند را که بعد از کریخان در این سلسله کسی از دشجاع تر نبود با هفتاد نفر از امرای زند کرفته بشهر ساری
فرستادند و محمد خان را از آن بیگلربیگی مکفوشد که مقدار کف دستی از کله او را تمشیر بریده بود آخر الامر نواب محمد
حسنخان اصفهان را متصرف شده در کلون آباد باکر یخان مصاف داده او را نیز منهزم ساخت پس از آن بعزم
تسخیر آذربایجان راه استانها ضن برافراخته از آذرخان افغان که این مملکت را مسخر کرده و در ارومیه سکنی داشت
با بیست هزار نفر از افاغنه در دی میدان کارزار و عرصه پیکار نهاد و از آنجا که اهل و عیال این بیست هزار نفر در ارومیه
بودند برای حفظ ناموس خود آنها سخت میجنگیدند و از روی غیرت مردانه میکوشیدند مع ذلک عساکر نصرت مآثر
نواب محمد حسنخان ایشان را مقهور و مغلوب نمودند آذرخان با اهل و عیال و معدودی بصوب تفلیس رفت نواب
معظم مجمع آوری افاغنه پرداخته هزار خانوار از افاغنه و اوزبک کوچانیده آنها را از راه کیلان بمازندران فرستادند
و با لشکری وافر و شوکتی زیاد از عراق بفارس آمده کریخان زند را در شیراز محاصره کردند در این هنگام قاجار
بوخاری باش و غیره بواسطه کینه دیرینه راه طغیان و خیانت پیش گرفته و او را با عظمت معتبری را شکسته
فرار کردند و از آنجا که آذوقه محصور بن رو بتمامی نهاده بود اکر این طغیان و خیانت از طایفه مزبوره بظهور
نمیرسید بزودی بشیراز مسخر عساکر نواب محمد حسنخان میکردید بالجمله چون نواب معظم حال را بر این منوال دیدند روان
استراباد شدند و کریخان از عقب ایشان لشکر کشیده روان شد و خود در طهران مانده شیخعلیخان زند را با زند
فرستاد و فیما بین استراباد و اشرف جنکی بین فیئین واقع شده در اینجا نیز کاری از لشکریان نواب محمد حسنخان ساخته
نشد بالاخره در ماه جمادی الاخره هزار و صد و هفتاد و دو هجری در جرکلباد بتحریک قاجار تپه بوخاری باش
آنحضرت معظم بدست یکی از ملازمان خود که موسوم بسبز علی بیات بود بدرجه رفیعه شهادت رسید بعد از آن
کریخان استقلالی بهم رسانیده بمازندران و طبرستان راند و بر استراباد استیلا یافت و از پسران حضرت غفران
مآب معظم که نه نفر بودند و پیش ذکر ایشان شده حضرت آقا محمد خان (شاه شهید طاب ثراه) و اکبر و ارشد اولاد
بودند با حسینقلی خان (جهانسوز شاه) والد فاخان مغفور (فتحعلی شاه طیب الله مضجعه) دشمن از بردند و این
دو برادر معظم برادر صلبی و بطنی بودند سایر برادران را بقزوین فرستاد و احترامات وکیل بنسبت بحضرت
آقا محمد خان معروف است و فی الحقیقه قدر آن کوهر پاک را میدانست و در مشکلات امور و معضلات مهام از رای
رزین ایشان استمداد و استعانت بهمود و کمال اطمینان را بوفور عقل و راستی و امانت آنحضرت در مشورت داشت
در سال هزار و صد و هشتاد و چهار هجری نواب حسینقلی خان معروف بجهانسوز شاه بحکمرانی دامغان رفتند

واز آنجا بازندران شتافته بتعقیب و متابعت کریمخان را برکنار گذاشته محمدخان داد و حاکم مازندران را بازه کمان خود خفه کردند و باین از آن بود که ملک خود را در تحت مالک دیگر نمیتوانستند بدخلاصه کریمخان لشکر بدفع نوئب جهانسوز شاه فرستاد ولی حالت احترام او نسبت بحضرت آقا محمدخان مطلقاً بتغیری نکرد و هیچ این فقره را بروی ایشان نیاورد و نواب حسینقلیخان جهانسوز شاه دست وکیل را گوناه میکرد ندا کرد رحوالی فندرسک از دست نفر غدار از طایفه ایکدر همو شاز طوایف ترکمان شربت شهادت نمیوشیدند و رخت از سرای فانی بجهان جاودانی نمیبردند در سال شهادت نواب جهانسوز شاه اختلاف کرده گویا سال هزار و صد و هشتاد و هشت هجری را بیا اختیار کرد و صحیح دانست هر حال چندان از شهادت حضرت جهانسوز شاه نگذشت که حق بحق رحلت فرمود و نوشت اعلای لوای دولت جاوید شوکت قاجار در رسید و اگرچند کاهی ظهور این و آنکه مصون از زوال باد بقول مشهور تا خیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد خلاصه کلام حضرت آقا محمدخان با کمال عزت و شان در شیراز انیس و جلیس وکیل بودند تا در ماه صفر هزار و صد و نود و سه کریمخان بناخوشی سل درگذشت و حضرت معظم الیه با سه طرف طهران شتافته روز هفدهم ماه صفر بوادمین وارد شدند و در اینجا سران قاجار و خوانین ایلات بر کاب پیروزی انتساب پیوسته عزیمت مازندران کردند

سنه ۱۱۹۳ هجری — سنه ۱۷۷۹ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال قبل در آخر جلد دوم منتظم ناصری از احوال کریمخان وکیل و تشریف فرمائی حضرت آقا محمدشاه را از شیراز بمازندران اجمالا ذکر نموده ایم ولی بسبب کمال پیوستگی حوادث سال قبل با این سال کلام را ضروری دانسته اعادت داده گوئیم حضرت معظم که مدت شانزده سال در شیراز بمصاحبت وکیل اشتغال داشتند در اوان ناخوشی وکیل خاصه اوقاتی که علایم انتقال ظاهر شده بود براه حزم رفته غالبا در بیرون شهر شیراز بتماشا و شکار گردش مینمودند و مستعد بودند که بمجرد فوت وکیل راه مازندران و استرآباد را که دارالملک پاکان بزرگوارشان بود پیش گیرند و سلیمانخان قاجار ابن محمدخان خالوی خود را که در آنزمان ده ساله بود دایما بمحرم وکیل فرستاده پنهانی از عمه خود که در حباله نکاح کریمخان بود از حال پادشاه زند و ضعف و شدت بیماری او استعلام میفرمودند بعقیده بعضی حالة حضرت آقا محمدشاه با وکیل سمت ازدواج داشته و از او جویای حالات بوده اند سپهر ژن ملکم در تاریخ خود گوید همیشه حضرت آقا محمدشاه در سرای سلطنتی بوده و ساعت بساعت برادر زن خود را از حالات وکیل مستحضر میساخت تا وقتیکه خبر انتقال پادشاه زند را بآنحضرت دادند در حال شب سیزدهم ماه صفر سال هزار و صد و نود و سه حضرت آقا محمدشاه در بیرون شهر شیراز بسر بردند با نیمعنی که همگام غروب نزدیک دروازه آمده که بشهر رود کنند اما محمدحسنخان زنگنه و عبدالله خان دماوند که در سلک هواخواهان آنحضرت بودند باشاره بایشان معلوم کردند که وکیل مختضر است لهذا آن شهریار معظم بازی را که در دست داشتند عمدا از دست رها کرده و بهانه اینکه آن را بچنگ آرند از دروازه دور شده و در محله شاه میر علی ابن حمزه که از محلات بیرون شهر شیراز است در خانه رضاخان قاجار شب را صبح کردند و انتظار داشتند که نواب علیقلیخان برادر آنحضرت و محمدامین آقا و لدحاج فضلعلی سبک برادر نواب عفران مآب شهید فتحعلیخان و سایر اقارب بدیشان پیوندند و از آنطرف زندیه ملتفت شدند که امرای قاجار در جناح حرکتاند بنابر این موسی خان و علیقلی خان برادرزاده گان حضرت آقا محمد

شاه را در میان دروازه کرفته باز کردانیدند سلیمانخان را بواسطهٔ صغر سن نکشتند و موسی خان و عیسی خان محکم
ابو الفتح خان بن وکیل حاکم شیراز بدست محمد طاهر خان زند مقتول شدند خلاصه چون صبح چهاردهم صفر
شد و امرای مزبور بخدمت حضرت آقا محمد شاه پیوستند حضرت معظم صلاح در توقف ندیده با چهارده نفر از
خویشان خود روی براه نهادند و مرکب آنحضرت در اینسفر اسبی بود کر نواب جهانبانوز شاه پیش از این برای برادر
والاکهر هدیه ارسال داشته و ظاهرا خاص اینسفر بوده چنانکه در روز با این اسب خود را باصفهان
رسانیدند و در منازل خوانین قلیچی مترل کزین کشتند و خوانین مزبور با برکشاطی و بغایری تعهد کردند
که از دنبال آن شهریار روانه استراباد و مازندران شوند جهانکیر خان و رشید بیک پسران فتحعلیخان افشار
اظهار موافقت نمودند ولی از التزام رکاب حضرت انتساب تخلف جستند و رضا قلیخان برادر آنحضرت که
در اصفهان بود ایشانرا همراهی نمود روز سه شنبه بیستم شهر صفر که شب عید نوروز بود بزاویه مقدسه
حضرت عبد العظیم رسیده بزیارت این امامزاده لازم التعظیم فایز آمدند و در عرض راه آنچه مالیات بشیراز
میبردند بتصرف ملازمان حضرت درآمد و حاجی صمد علی آبادی آنچه فراهم آورده بود بمیل بخویل کرده و
مژده قدوم شهریاری را بمازندران رسانیدند و عموم اهالی از این بشارت قرین مسرت فوق العاده کردیدند
روز چهارشنبه بیست و یکم صفر را که عید نوروز بود در صحبت برادران و هواخواهان بسر بردند و خان
ابدال خان و نقد علیخان و سایر خوانین مدانلو و جهان بیکلو جبهه اطاعت و عبودیت بر آنحضرت بر زمین
نهادند در این اثنا تقیخان زند سردار طهران و مازندران از فوت کریمخان باخبر شده جمعیت او متفرق و
خود روانه شیراز شد حضرت آقا محمد شاه مهد بقلیخان را با یکصد سوار از سواران اکراد و قاجار از عقب او
روانه فرموده آنها تقیخان و همراهان او را دستکیر کرده بحضور مبارک آوردند و تقیخان پس از تنبیه و مواخذه مرخص
شد و موکب شهریاری بدعوت مجنون خان بوزامین و خوار آمد و خوانین دولوی قاجار بتقدیم هدایا
پرداخته مشمول عنایت کردیده بسواطف حضرت پادشاهی مستظهر کشتند و بتوسط جعفر قلیخان برادر
آنحضرت داخل در دایرهٔ هواخواهان شدند موکب منصور و روز در دولاب طهران توقف کرده و خویشان
و بستکان شهریاری که در قزوین اقامت داشتند راه استراباد پیش کرفتند و از حوادث غیر مترقبه آنکه مرتضی
قلیخان برادر حضرت شهریاری پس از استماع فوت وکیل با سپاهی از استراباد ببازار فروش آمد و اکرچه از
استخلاص برادر زکوار اظهار شعف مینمود ولی میکفت مازندران را من بشمشیر خود مصفی نموده ام
و این مملکت خاص منست و اکر دیکری طمع در آن نماید کار بپیکار خواهد کشید و جمعی را با مصطفی قلیخان
برادر خود بسواد کوه فرستاد که مانع عبور حضرت آقا محمد شاه شوند مقارن این حال رضا قلیخان برادر
دیکر آنحضرت از دولاب طهران بمازندران رفته بمرتضی قلیخان پیوست حضرت آقا محمد شاه پس از بذل
نصایح کر سودمند یامد جعفر قلیخان را مامور دفع آنها کرده پس از مبادرت بجنک ابتدا رضا قلیخان
مغلوب و مقهور کردیده ببازار فروش راند و مرتضی قلیخان عزیمت استراباد نمود و مصطفی قلیخان بموکب
معلی ملحق شد حضرت آقا محمد شاه بعلی آبادساری و بارفروش تشریف فرما کردیده خاقان صاحبقران فتحعلی
شاه که در آنوقت با عم خود مرتضی قلیخان در مازندران بودند بحضور مبارک آمده مصطفی قلیخان باشمامت
مرتضی قلیخان مامور استراباد شدو والده خاقان معظم را که در آن وقت سی ماه از ولادت فرزند کرامیش

حسینقلیخان ثانی ابن جهانسوز که شنه بود نیز همراه بود و خان ابدالخان کرد جهان بیکلو بحکومت شهرستان منصوب گشت و رضاخان قاجار قوانلو بحراست آمل و لاریجان محکوم شد

نیز از وقایع اینسال آنکه زکیخان زند برادر امی کریمخان که بدست آویز ابوالفتح خان بن وکیل با سایر خوانین زند مخالفت نموده و بر آنها غلبه کرده همه را مقتول ساخته بود علیمرادخان خواهرزاده خود را بحراست اصفهان فرستاد و از آنجا مامور بنظم امور ری و قزوین و دارالمرز گردد و ابن اثناء ذوالفقارخان حمسه بدعوی سروری از حمسه بقزوین آمد و پس از مقاتله با علیمرادخان شکست فاحش یافته منهزما معاودت نمود و علیمرادخان مظفر و منصور بطهران بازگشت و محمدقلیخان سپاه و محمدقلیخان سیفند از خوانین لاریجان نزد وی آمدند و علیمرادخان آنها را با محمودخان افغان تبسچی مازندران روانه کرد مشارالیهم به تنکه عباس آباد آمده مهیای قتال و مستعد جدال شدند حضرت آقا محمدشاه برادر خود جعفرقلیخان را با لطفعلی بیک سرکرده لشکر سوادکوهی بدفع ایشان فرمان داده پس از جنگ سخت در آن کوهستان بر درخت زندتیر منهزم و سپاه از آنها مقتول شدند علیمرادخان زند غفورخان نامی را در طهران گذاشته خود روانه اصفهان شد و حضرت آقا محمدشاه عزیمت طهران فرمودند و مجددا رضاقلیخان و مرتضی قلیخان بنای مخالفت را گذاشته خواستند با خوانین دولوی و زامین همدست شوند حضرت شهریار جعفرقلیخان را از پیش روانه نموده بنه و آغروق را بمهدیقلیخان سپرده بعد از آن نهضت فرما گردیده بسعدآباد و زامین بخانه محمدخان ولد رفیعخان که با آن حضرت قبلی داشته نزول اجلال فرمودند و میرزا محمدخان و مصطفیخان و رحیمخان و محمدخان و سایر بزرگان دولو مجددا بر خدمت و سلطنت حضرت پادشاهی اتفاق کرده و عذر رضاقلیخان را خواسته او را روانه نمودند ناچار سایر خوانین و بزرگان دولو از در معذرت و انقیاد در آمدند و موکب شاهانه بفیروزآباد طهران توجه فرمود هم در این اوان ذوالفقارخان افشار خمسه بتسخیر طهران شتافت و جعفرقلیخان قاجار در قریه قشلاق او را جلو گیر شده بجنگ پرداختند آخر الامر ذوالفقارخان مغلوب شده بقزوین فرار کرد و جمعی از لشکریانش اسیر و مقتول شدند و ذوالفقارخان بعدها با هدایت الله خان کیلانی در اندخود و بجدال پرداخته اینبار مقهور شده و عافیت بحکم علیمرادخان مقتول و روانه دیار عدم گشت و موکب پادشاهی در ری توقف داشت و محمدقلی خان بیات و سفید لاریجانی اظهار عبودیت میکردند ولی رضاقلیخان باغوای آنها کوشیده بر مخالفت ترغیب نمود و در هزار جریب بتهیه سرو ری پرداخت لهذا موکب منصور بعزم مازندران از ری انهاض فرمود و در بین راه دسته قشون جعفرقلیخان با سپاهیان مرتضی قلیخان قتال نمودند و جعفرقلیخان بعباس آباد رفت و مرتضی قلیخان در یکی از قراء فیروزکوه بماند و اسرای طرفین را مرخص کردند بعد از آن جعفرقلیخان در علی آباد بموکب معلی پیوست و مهدیقلیخان ناچار بامر تضی قلیخان روانه استرآباد شدند ولی در ضمن فرصتی بدست آورده فرار نموده و بملازمان حضرت سلطنت پیوست و عید نوروز سال هزار و صد و نود و چهار را شهریار تاجدار در ساری گرفتند و مهدیقلیخان و محمدقلیخان قوانلو از بند شیراز مخلص شده بحضور مبارک مشرف شدند و رضاقلیخان با جمعی بمازندران عزیمت حضرت ملازمان آمد جعفرقلیخان بمدافعه او مامور شد و طایفه مدانلو با پیوستند رضاقلیخان بصفحات نور و کجور رفته بر سپاهیان خود بیفزود و در محال موسوم بخواجیک با جعفرقلیخان مصاف داده شکست خورده دستگیر شد و جعفرقلیخان

اورا با آقا سیخان و اسمعیل خان قوانلو بحضور پادشاهی فرستاد و بنا بر شفاعت علیقلی خان او را عفو فرمودند
ونوروکجور نزد در تخت بتعیین ملازمان حضرت در آمد و محمد قلیخان ایین سپهسالار ایچانی با رد بکرد رحمن دریاوک
وآن نواحی جنگ سختی کرده از جعفر قلیخان منهزم شدند وجمعی مقتول وگرفتار کشتند چون جعفر قلیخان با فتح و نصرت
بحضور حضرت آقا محمد شاه آمد آنحضرت معظم ایلچی شاهنامه را در توصیف او بخواندند (نجسته بروبوم کرکان گذشت
همی بر و راند بجای دلبر) همدر بینسال در بیست و هشتم رمضان موکب حضرت آقا محمد شاه از ساری عزیمت استراباد
نمود و ابتدا با لکای چاپارده هزار جریب زراعی اجلال فرمود اما از آنجا که اینا وقات هزار جریب از اعمال استراباد
وتعلق بمرتضی قلیخان داشت و از جانب مشارالیه پذیرائی نشد آنحضرت از او رنجیده و رضا قلیخان و خان ابدالخان
را که مامور توقف مازندران فرموده بودند احضار کرده که به پیکار مرتضی قلیخان پردازند ولی باز کار باصلاح
گذشت و رضا قلیخان باستراباد رفته از رنجش خاطر مبارک پادشاهی شرحی برای مرتضی قلیخان تقریر نمود مرتضی
قلیخان برادر اعیانی خود مصطفی قلیخان را بمعذرت فرستاد و موکب منصور از رفتن باستراباد عطف عنان کرده
از اشرف حرکت نموده روز هجدهم ذیقعدة الحرام ببارفروش تشریف فرما شدند و در عمارات سناه عباسی
مشهور بحرارم نزول اجلال فرمودند اروپا (روس) اتحاد دولتین روس و اطریش بر ضد پروس (اطریش)
مصالحه فیمابین دولتین اطریش و پروس بعد از وقوع منازعه (ایطالیا) طغیان و آتشفشانی کوه وزوو
وجریان مواد محترقه از آن امریکا (اناتونی) امداد دولتین اسپانیول و هلاند باناتونی بنکی دینا

سنه ۱۱۹۵ هجری — سنه ۱۷۸۰ مسیحی

آسیا (ایران) از وقایع اینسال آنکه حاجی جمال فومنی با آنکه خدمات نمایان بحضرت آقا محمد شاه کرده بود پیرش
هدایت الله خان متوسل بزندیه شده و بدینواسطه از خدمت حضرت شهریاری و کرمان بود و رتقه انقیاد را
بر رقبه عبودیت ننهاد لهذا جعفر قلیخان و مصطفی قلیخان مامور تسخیر گیلان شدند و مهدیخان سنکابنی
مامور امداد ایشان و رضا قلیخان باستمالت محمد قلیخان سپهسالار و محمد قلیخان سفید و سایر ایچانی امر کردید
اما بعد از ورود به بیشه با مخالفان موافق شده و با هزار نفر بطرف بارفروش راندند و حضرت پادشاهی را محصور
نمودخان ابدالخان نیز با آنجماعت پیوسته بواسطه عدت و کثرت آنحضرت معظم را بکرفتند و قصد جان آن یگانه
دوران نمودند حاجی جان خان بندپی معروف بجلال خورتدبیر اندیشیده آن قصد را مانع آمد یعنی درخواست
کرده گفتار او را بمن سپارید تا مخارستن نکاهداری نمایم آنها قبول کردند و شهریار معظم را مقیداً با مهد علیا
ونواب جهانبانی (فتحعلی شاه) و برادر کهتر ایشان حسینقلی خان به بندپی روانه نمودند و رضا قلیخان استقبال
یافت نواب جعفر قلیخان که در لاهیجان بود از این مقدمه مطلع کردیده بر جناح استعجال مراجعت نموده مصطفی قلیخان
را باستراباد فرستاد و بمرتضی قلیخان واقعه را خبر داد و خود بکجور رفت مرتضی قلیخان بمازندران آمده با خان
ابدالخان کرد سردار رشید رضا قلیخان مصاف کرده و برو غالب آمد و محمد قلیخان ایین را بکرفت رضا قلیخان چشم از
شهریاری برداشته بارفروش پوشیده از بیم تیغ مرتضی قلیخان به بندپی در ظل عاطفت حضرت شهریاری کریخت
وقبل از ورود او با بنجل میرزا فریدون مشهور بحاجی خانخان و آقاسی خان برادرش که حضرت معظم را حارس و
نکاهبان بودند اقدام بتکلیف حقیقی خود نموده آنحضرت را از بندپی بات داده برادر یکه جلالت نشانده کمر خدمت
وملازمت این آستانه را بر میان بستند حضرت شهریاری رضا قلیخان را بحضور خوانده و او چون دو رمانده قصد

خدمت علیمراد خان کرده روانه اصفهان شد و در آنجا نیز مقامی ندیده بمشهد مقدس مسافرت کرد و در آنجا بزودی در گذشت
خلاصه بزرگان بندر بحضرت سالمنث را با جمعی روانه بارفروش نمودند و رضاخان قاجار بنواب جعفرقلیخان که
در کجور بودند مژده فرستاد و خود با برادران و تمامی خوانین مدانلو بآستان معظم پیوست و مرتضی قلیخان محض
استرضای خاطر مبارکخان ابدالخان طاغی را بکشت و مصطفی قلیخان را بمعذرت و تشکر خلاصی و سلامت مزاج همایون
بدربار شهریاری روانه نمود و آنحضرت برای استیناس مرتضی قلیخان تشریف فرمای ساری گردیدند و با او ملاقات
فرمودند ولی رفع خیال مرتضی قلیخان نشد علیقلیخان و مهدیقلیخان ملتزم رکاب ظفرانتساب شهریار با اقتدار
گردیده و مرتضی قلیخان تخلف جسته و بعدها براه مخالفت رفته لکن کاری از پیش نبرد
روز شنبه پانزدهم ماه ربیع الاول اینسال عید نوروز سلطانی در رسید هم در این اوان کلیعلیخان دامغانی از
قادرخان عرب بسطامی شکایتی بدربار شهریاری عرض و انفاذ داشت حضرت معظم نواب جهانبانی را بتنبیه قادرخان
مامور فرمودند نواب شوکت مآب با اسمعیلخان قاجار قوانلو و جمعی از سواران جرار بایلغار بر سر قادرخان عرب
تاختند و وقتی رسیدند که قادرخان بر کلبعلیخان غالب شده و دامغان را کرفته تاخت و تاراج مینمود عساکر نواب
جهانبانی لشکر قادرخان را شکستی فاحش داده و او را مقهور ساخته صورت حال را بآستان مبارک معروض داشتند
و دامغان بتصرف عمال نواب جهانبانی مقرر آمد نیز از وقایع اینسال آنکه پس از جنگ و جدال با مرتضی قلیخان و طول
محاصره شهرهای این بلاد عساکر منصوره شهریاری فتح کردند و مرتضی قلیخان بمصالحه و حکومت استرابادو
هزارجریب کرکان راضی شده بدان ساحت شتافت و فتحعلی بیک آذربیکدلی صاحبتذکره موسوم بآتشکده

اروپا (المان) فوت ماری ترز امپراطرین المان و اطریش بعد از چهل سال سلطنت باستقلال پسرش ژوزف دویم
در امپراطوری المان و اطریش (انکلیس) معابد و کلیساهای کاتولیک که در لندن و سایر شهرها معتبر انکلیس بود
باغوای لرد گردن رئیس متعصبین پرتستان غارت شد آخر الامر اول چرخ بخار در این هنگام از شهرهای انکلیس ایجاد
روزنامه مرنگ هرالد اعلان جنگ مابین اسپانیول و هلاند (فرانسه) فوت ژان ژاک از شعرای معروف (روس) در ممالک روسی
در ظرف اینسال تقریبا یکصد و سی هزار نفر بناخوشی و باهلاک شدند

سنه ۱۱۹۵ هجری — سنه ۱۷۸۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال امیرکونه خان افشار طارمی که علیمراد خان رند هنکام عزیمت فارس او را مامور نظم
مازندران کرده بود باغوا و امداد محمدقلیخان سیسار و محمدقلیخان سفیدلار بجانب عازم مازندران و مصمم قتال با
عساکر منصوره حضرت آقا محمدشاه کردید و با ششهزار نفر بجلالت تامل آمد علیقلیخان قاجار که در آن حدود بود
چون دید از عهده جمعیت امیرکونه خان برنمیآید مراتب را بعرض آستان شهریاری رسانید حضرت آقا محمدشاه بنفس
مبارک مصمم مقاتله با امیرکونه خان شده روز دوشنبه دوازدهم جمادی الثانیه در جنب باغ شاه آمل جنگ درکرفت
سپاه دارالمرز و لشکریان قاجار بر همراهان امیر افشار حمله کردند ابتدا محمدقلیخان سفید مقتول و بعد محمدقلیخان سیسار
اسیر شد و پسر امیرکونه خان بزخمی کاری از اسب افتاد امیرکونه خان افشار فرار بر قرار اختیار کرد و در این جنگ سخت
بسی سرها بر سر دار فنا رفت محمدقلیخان سپاه را بنواز بالای عمارت باغ شاه برد خانه آمل انداخت و همان دم جان
بداد و پسر امیرکونه خان که زخمی شده بود بمرد و لاریجان را ملازمان حضرت شهریاری متصرف شدند و هزار نفر
لاریجانی بشرف التزام رکاب مبارک سرافراز آمدند و امیرکونه خان در حوالی کیلان در کذشت همدر این اوان امیرمحمد

حسنخان ارجنکی و عبدالله خان دماوندی که در شیراز بودند برکاب همایون پیوستند و در دهم ماه رجب موکب معلی عزیمت یمنان فرموده حاجی فاضل یمنانی و سایر معارف این بلد بحضور مبارک تشرف جستند پس از آن بطرف بسطام توجه فرموده نواب مستطاب جهانبانی (خاقان مغفور) و کلبعلیخان دامغانی بفیض حضور شهریار کامکار مستعد کشتند بعد بجانب چمن نکه انتهاض نموده جانمحمدخان قاجار دولو متعهد خدمات شد فادرخان عرب بمعاونت تراکمه و بعضی از اهالی سرحدات خراسان بجنال سرکشی افتاد ولی علیقلیخان قاجار جمعیت او را متفرق ساخت و او را محصور نمود آخر الامر مصحف کریم را شفیع نموده باضراعت بعتبه علیه آمد و مقرر شد که با اهل و عیال بمازندران رود همدراین ایام خوانین قلیجی و برکشاطی و افشار با پانصد سوار از عراق آمده بار دوی مبارک پیوستند و حضرت شهریاری حکومت یمنان را بعلیقلی خان و حکمرانی بسطام را بجعفرقلیخان مفوض داشته در ربیع شعبان بمازندران عطف عنان فرمودند مرتضی قلیخان نیز بخدمت آمده بحکومت استراباد منصوب شد و بکیلان مامور گردید و هدایت الله خان چون خود را مغضوب دید بادن مالیات تمکین کرده لهذا ایالت کیلان را باو واگذار فرمودند همدراین اوان علیقلیخان بخوار و ورامین دست تعرض باین ناحیه دراز نمود و غفورخان حاکم طهران را نیز محاصره کرد ولی کاری از پیش نرفت و حضرت شهریاری امر بمراجعت فرمودند و در استراباد بحضور آنحضرت مشرف شده برادران نامدار شهریار کامکار از اطراف در استراباد مجتمع آمدند و در مضجع خلد آشیان محمدحسنخان و رضوان جایگاه جهانسوز شاه انارالله برهانهما بمراسم تعزیت قیام نمودند و عمارتی در آنجا بنا کردند نیز دراین اوقات بزرگان و اعیان کیلان و بیوتات و افندرسل و کبود جامه کتول در سلک خدام آستان حضرت سلطنت منسلک گردیدند پس از انتظام امور آن سامان موکب شاهانه بسمت معاودت فرمود و هدایت الله خان از دریا و خشکی استعداد فراهم نموده بجنال سرکشی افتاد حضرت شهریاری نواب جهانبانی را برسم نیابت در مازندران گذاشته با تمامی برادران متوجه کیلان شدند و هدایت الله خان را مقهور ساختند و کیلان مفتوح شد پس از فتح کیلان جعفرقلیخان را بمقاتله رمضان خان زند که بامداد غفورخان حاکم طهران آمده بود مامور فرمودند و او رمضان خان را مهزم و جمعی از همراهان او را مقتول نموده بقزوین آمد مولا ویردیخان را کرفته مقید کرد ولی بحکم همایون او را مرخص کرده پسرش را حکومت قزوین داد و بکوران دشت موکب ظفرکوکب پیوست همدراین اوان مصطفی خان دولوی قاجار مامور بتنبیه علی خان جمشید افشار کشت علیخان باذربایجان کریخت و مصطفی خان مظفر و منصور بقزوین آمد نیز دراین ایام فرخ سلیمانخان قاجار خانوزاده شهریار کامکار از شیراز بآستان مبارک آمده مشمول عواطف ملوکانه کردید

همدراینسال صادقخان زند برادر وکیل که بعد از مراجعت از بصره بواسطه استیلای زکیخان در شیراز راهی باین بلد نداشت و از انجا که علیمرادخان زند را اصفهان را اینا مستقلا لبرافراشته بود زکیخان ابوالفتح خان پسر وکیل را با لشکری جرار بطرف اصفهان حرکت داده در منزل ابزدخواست خانعلیخان ماقی زکیخان را در جاجرم خواب بکشت سپهر تن ملکم در تاریخ خود کوید زکیخان چون بمنزل ابزدخواست شنوای معادل هفتهزار و دویست فزالنا از سکنه اینمحل مطالبه نمود باین عنوان که شما این مبلغ را از وجوه خزانه دزدیده اید سکنه انکار کردند و بعلاوه اظهار داشتند که ادای این مبلغ وسع و استطاعت ما نیست زکیخان حکم کرد هجده نفر از اعیان محل را از بالای قلعه ابزدخواست بزیر انداختند بعلاوه یکی از سادات محترم معتمد را کرفته که تو از این تخواه باخبری و قسمتی از آن

بتوسید و سید بچاره آنچه در برابر شد متوجه ابرام و الحاح کرد ثمری نبخشید عاقبت چند بن مخم کارد بسینه او زد با همچل نفر سابق الذکر از بالای قلعه بزیر انداختند بدین هم قناعت نکرده زن و دختر سید مقتول را گرفته بدست بعضی از قزاولهای خود که ما فی بود داد تا دست انداری بعصمت آنها ننمایند قزاولان با وجود حالت وحشیگری که داشتند از تحرکت زنگیان برآشفته و منقلب گردیدند و با یکدیگر مواضعه نموده زنگیان را بکشتند و سر او را از بدن جدا نمودند انتهی

پس از کشته شدن زنگیان ابو الفتح خان مستقلاً بشیراز مراجعت کرد و صادق خان پسر از کرمان با پیوست و لی ابو الفتح خان بواسطه افراط و ادمان در شرب خمر از رسیدگی باموور ملکی غافل ماند و هر چه عتبر صادق خان او را نصیحت کرد سودمند نیفتاد ناچار او را خلع کرده خود بر مسند حکمرانی متمکن گردید و فیما بین او و علیمراد خان کرد راصفهان بود جنگ درگرفت و صید مراد خان زند که سردار علیمراد خان بود در خارج شیراز با علینقی خان پسر صادق خان بمقاتله پرداخته شکستی فاحش خورد و صاحبمنصبان او در راه اصفهان گرفتار شدند علیمراد خان بقلم و علیشکر کرمانشهان رفته قریب سی هزار جمعیت جمع کرده باصفهان آمده از اینجا راه شیراز را پیش گرفته صادق خان را در این بلد محصور نمود جعفر خان پسر صادق خان که برادر مادری علیمراد خان بود و اکبر خان پسر زنگیان زند بعلیمراد خان پیوستند و علینقی خان هر روز از شهر بیرون می آمد و با آنها مصاف میداد آخر الامر پس از نه ماه محاصره چون قلعه کنیان گرفتار قحط و غلا شده بودند دروازه شهر را باز کردند و علیمراد خان در دوم محرم وارد شهر شیراز شد صادق خان و پسران او را مجروح و مقتول ساخته ابو الفتح خان و پسران وکیل را مکحول نموده در حکمرانی استقلالی بهم رسانیدند و صید مراد خان بنی عم خود را که بنیابت اصفهان داده بود بشیراز خواستیا بالتاین دلایت را بتفویض کرد و خود راه اصفهان پیش گرفت و جعفر خان زند را بحکومت کردستان فرستاد **اورپا** (المان) هرشل منجم معروف هانوری سیاره اورانوس را که یکی از سیارات نیست که دور این آفتاب حرکت مینماید اکتشاف نمود (اطریش) بواسطه مداخله امپراطور ژوزف دوم در امور دینیه پی ششم پاپ با او در منازعه میباشد مسافرتبنا امپراطور بناپارس (فرانسه) نکرد زیرا مالیه دخل و خرج دولت را بطبع رسانیده منتشر ساخت و بدینواسطه معزول گردید و فلری نام بجای او منصوب شد استقلال ملکه فرانسه خواهر امپراطور اطریش در این مملکت و عدم رضایت مردم از این استقلال **امریکا** (اتاونی) منازعه مخت اهالی اتاونی با عساکر انکلیس و فتوحات آنها

سنه ۱۱۹۷ هجری **سنه ۱۷۸۳ مسیحی**

آسیا (ایران) در اول فصل تابستان این سال وانویچ نام روسی با چند فروند کشتی از حاجی طرخان باسترآباد آمد حضرت آقا محمد شاه آنوقت در نواحی استراباد تشریف داشتند وانویچ از ملازمان آنحضرت درخواست نموده رخصت طلبید که روسها در سواحل استراباد در محل مناسبی دار المعامله بنا نمایند که تجار روس در آنجا ببهولت مشغول امور تجارتی باشند حضرت شهریاری قبول فرموده اذن ساختن دار المعامله دادند روسها در عوض دار المعامله در دوازده فرسنگی شهر استراباد قلعه بسیار محکمی بنا کردند و هیجده عراده توپ و قورخانه در آنجا گذارند بعد از اتمام قلعه حضرت شهریاری بتماشای قلعه روسها تشریف بردند و از وضع باجر کشتند چون از قلعه مراجعت فرمودند وانویچ و صاحبمنصبان روس را بشام دعوت کردند وقت شب که صاحبمنصبان و وانویچ بمجلس دعوت رسیدند حضرت شهریاری کما مکار حکم بگرفتن آنها کردند و فرمودند که اگر قلعه که ساخته اید

فوراً خراب نکنند و توپهای خود را با آنچه در ساحل استراباد دارید بدریا بیندازید و مال شما در خطر خواهد بود
و او هیچ چون میدانست فرمایشی که حضرت شهریاری میفرمایند هرگز تخلف از آن را هی نیست آنها بجا بکار
گذاران خود دستور العملی نوشت که توپخانه و لوازمیکه دارند بکشتی حمل کنند و قلعه را خراب و منهدم سازند خلاصه
حضرت آقا محمد شاه چون تهدید زیادی بآنجماعت فرمودند آنها از استراباد خارج شده بمملکت خود باز گشتند
برخی این واقعه را بسال قبل نسبت داده اند هم در این سال حضرت شهریاری صبیه فتحعلیخان قاجار دولو را که
سابقا خواستگاری شده بود در عقد ازدواج نواب جهانبانی (فتحعلی شاه) در آوردند و او را در هودج
نشانیده بسایه رسانیدند و مراسم جشن و شادی کامل بعمل آمد پس از آن موکب منصور بعزم تسخیر طهران بقزوین فرمانفرما
شهران شد و غفور خان طهرانی بقلعه داری پرداخت و محصور شد در این اوان علیخان افشار خمسه از آذربایجان
مراجعت کرده بموکب معلی پیوست و بحکمرانی خمسه منصوب گشت و مراد خان زند از جناب علیمراد خان سرداری یافته در
صفحات همدان استقلالی بهم رسانیدند حضرت شهریاری نواب جعفرقلیخان و میرزا محمد خان قاجار دولو و علیخان افشار
خمسه را بجنگ مراد خان فرستادند و در حینی که علیخان مقدمة الجیش بود جنگ در گرفت مراد خان کرزی بر سر علیخان
زد و نزدیک شد که علیخان از اسب بیفتد که نواب جعفرقلیخان رسیدند و بضرب شمشیر مراد خان را دو پاره کرد تمام لشکر
الوار که این بدیدند فرار را بر قرار اختیار کردند و غنایم و اسیر بسیار بدست عساکر منصوره افتاد بعد از این فتح بطهران
مراجعت نموده در محاصره کوشیدند بواسطه طول محاصره و ظهور غلا و قحط در طهران غفور خان کرسنه جان بداد
و برادرزاده اش محمد خان بجای او علم دعوی برافراشت و از آنجا که هوای دی مستعد عفونت شده بود وبائی شدید
بروز نموده و جمعی از محاصرین و محصورین را تلف کرد و این بلای وخیم مستعقب بطاعون عظیم شد ناچار موکب همایون بطرف
چشمه علی دامغان نهضت فرما گردید همدرین سال در ساری خانه آتش گرفت و در اطفای آن تعلل کرده با مداد باد
آتش با ماکن مجاور رسیده کار بجائی کشید که یک ثلث شهر بسوخت و هفتاد و دو نفر در این حریق در دریای هلاکت غریق
شدند حضرت شهریاری حکم بتجدید بنیان آن ابنیه فرمودند و بر عمارات این بلد افزودند و فات میرزا اخوند شاعر نوری ما زندانی
(هندوستان) فوت پادشاه میسوحیه علیخان بهادر و جلوس پسرش بتیو صاحب بجای او و این پادشاه بعد از
جلوس اعلان جنگ با انگلیس نمود امرو پا (انگلیس) غزل کرد نزت و نصیب مارکی در کنکام بصدارت کمپانی بعد از چندی
بمیرد و پیت بجای او صدر اعظم میشود انتزاع نمودن اسپانیولیها جزیره مینرک را از انگلیس (فرانسه) انعقاد
مجلس کنفرانس در پاریس برای استقرار مصالحه در تمام دنیا برعهده امپراطور اطریش و امپراطور روس (اطریش)
مسافرت پاپ به وینه و مراجعت کردن او بی نیل مقصود (روس) پل از شاهزاده های روس که بعد با امپراطوری
خواهد رسید بفرانسه سفر میکند شورش تاتارهای قرم بخان خود که دوست داشتند و سنها بود

سنه ۱۱۹۸ هجری — سنه ۱۷۸۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال علیمراد خان زند که شیراز را مسخر کرده و با صفهان آمده بود با چهل هزار نفر عزیمت
طهران نمود که برما زندران و استراباد استیلا نماید و شیخ و پسخان ولدار شد خود را با معدودی از پیش روانه
ساخت بنابراین بعرض حضرت شهریاری آقا محمد شاه رسید که محمد علیخان جوانی و بعضی از دماوندها و فیروزکوهیها
و نوریها و لاریجانیها شیخ و پسرخان را بتسخیر مازندران نزغیب کرده اند و او تا صحارک آمده و چراغعلیخان
زندآباد و هزار سوار بلاریجان فرستاده است حضرت شهریاری صاحبخان قاجار را بمقابلت و مقاتلت بیشا

زند مامور فرمودند و او جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کرد در این اثنا علیمراد خان زند نزدیک شده و پانزده هزار سوار
با پسر خود از راه فیروزکوه و دو پسر مراد خان زند را با محمد رضا خان نوری از راه نور و اسمعیل خان بن شجاع الدین
خان را با محمد علیخان خواری از راه خوار و دامغان روانه مازندران نمود حضرت شهریاری نیز جعفرقلیخان و مهدیقلی
خان را با لشکری موفور روانه نور و کجور فرموده و علیقلیخان را با محمود خان و علینقی خان و لطفعلی بیک داودی
سوادکوهی به دو آب سوادکوه فرستاده سرداران مذکور با غوای مهدیخان سوادکوهی بزندیه میل کرده حضرت
شهریاری چون از این واقعه خبردار گردیدند حرم جلالت را روانه استراباد کردند و خود در ساری اقامت فرموده
بعد از ورود برادران خود نیز بدانسان و دارالملک آبای عالیشان و شان هفت فرما گردیدند شیخ و بیخان و سرداران
زندیه ساری آمده دست تطاول بطرف اهالی دراز کردند و شیخ و پسرخان محمدظاهرخان بختیاری را با ده هزار لشکر
مازندرانی مامور استراباد نمود و او بصحرای وسیع کراودین رسید حضرت شهریاری جعفرقلیخان را با حمزه سلطان
انزانی بدفع زندیه فرستاده و در این حین و بین مرتضی قلیخان و رضاقلیخان برادران حضرت معظم از راه صواب
منحرف شده بزندیه پیوستند و نزد شیخ و پسرخان پسر علیمراد خان رفتند و علیمراد خان حکم کرد شیخ و بیخان در ساری
توقف نمایند و محمدظاهرخان با عساکر فراوان بفسخیر استراباد در وی محمدظاهرخان با لشکری جرار راه استراباد پیش
گرفت و از جرکلباد گذشته بظاهر استراباد نزول کرد جرکلباد عبارت از خندقی عمیق است یعنی جر بمعنی حفره است
و چون این خندق در حوالی قریه کلباد است معروف بجرکلباد شده این خندق را برای قطع راه تراکمه بامر شاه عباس
ماضی در مازندران حفر کرده اند و از حوالی کوه منصل باشرف است تا ساحل دریای خزر که طولا چهار فرسنگ میباشد
و دو طرف خندق را درختهای قوی گرفته و عبور از آن متعذر و راه مازندران باستراباد منحصر بعبور آن است و چون
آن معبر را بگیرند بگیرند راه مازندران باستراباد مقطوع است خلاصه محمدظاهرخان استراباد را محاصره کرد اما از این
طرف حمزه سلطان انزانی و مازندرانیان کردلتخواه حضرت شهریاری بودند با سپاهی جرار راه جرکلباد را مسدود
کردند و آذوقه بارد وی محمدظاهرخان نرسیده کار بقحطی انجامید و تراکمه و فاجار و اهالی دارالمرز از اطراف دشت
بهبارد وی الوار و اسرآنها مشغول شدند و حضرت شهریاری نیز با فشون نصرت نمون از شهر بیرون آمده حملها
سخت بر آن سپاه بدبخت مینمودند در هر حمله جمعی مقتول و جماعتی دستگیر میشدند و قتل و غارت تراکمه نیز بر بدبختی
اهالی اردوی الوار میافزود تا محمدظاهرخان اسیر شد و چون در شیراز باعث قتل موسیخان و علیبیگ خان قاجار قوانلو
ابن اسکندرخان خالوزادگان شهریار عظیم الاقتدار شده بود بحکم حضرت شهریاری براه عدم روانه شد و شیخ و بیخان
بعد از اطلاع از این واقعه دیگر نتوانست در ساری زیست نماید لهذا با کمال رعب بطرف طهران گریخت و مطرود و مردود
پدر گردید علیمراد خان زند رستمخان زند را مامور مازندران کرد اما لشکر او نیز بعضی از عرض راه فرار کردند و
بر حسب مازندران رسیده شکست خوردند و منهزما نزد علیمراد خان آمدند او خود نیز جماعتی از آنها را گشت و حاصل
آنکه کار او بپریشانی و اختلال کشید با قرخان خراسکانی اصفهانی که از جانب علیمراد خان حاکم اصفهان بود نیز بر
این پریشانی افزود بعضی فراریان لشکر علیمراد خان را با صفها راه ندادند و خود طبل یاغیگری زد علیمراد خان با
شیرازه کسسته راه اصفهان پیش گرفت و بواسطه اکثار و مداومت در شرب جمر مبرض استسقا مبتلا شد همچنین جعفر
خان زند پسر صادقخان برادر امی علیمراد خان که از جانب او حاکم خمسه زنجان بود رایت خودسری برافراشت و با استعداد
کامل از طرف همدان متوجه اصفهان شد چون علیمراد خان بمورچه خورت اصفهان رسید بدرود زندگانی گفت و جعفرخان

بهمانزعم وارد شهر اصفهان شده بلا عبه شهریاری برخاست و شیخ و بیخان را دستگیر و کور کرد و مرتضی قلیخان و رضا قلیخان برادران حضرت شهریاری که از برادر تا جدار خود در کردان و بزندیه متوسل شده بودند کار را زار دیده یأس بر آنها غالب آمد مرتضی قلیخان بفزوین و کیلان و طالش و قبیه و باکو به دربار روس فرار آمدند و جهانگیر را وداع نمود و رضا قلیخان بصفحات خراسان رفته در آن سامان در گذشت تولد حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی ولد مرحوم حاجی میرزا مسلم ایروانی و وفات آقا سید احمد هاتف اصفهانی صاحب جنگ مشهور

امریکا (انگلیس) جنگهای عساکر انگلیس با پیوصاحب در هند (فرانسه) ایجاد و روانکی یکدسته کشتی مخصوص از سواحل فرانسه با ناتوی بنیکدیا اختراع بالن بدست منگل فیه ابداع کشتی بخار در فرانسه (روس) کاترین دویم امپراطریس روس قرم را گویا را متصرف میشود (هلاند) اغتشاش داخله در این مملکت (ایطالیا) زلزله سخت در مسین و خرابی بجا (اطریش) ژوزف دویم امپراطور اطریش به رم رفته با پی ششم پاپ ملاقات میکند (عثمانی) ابتدای تنزل شوکت دولت عثمانی در ممالک خود

امریکا (اناتوفی) سیزده ایالت از اناتوفی از انگلیس جدا و مفروز شده و موسوم به ایالات متحده گردیده بموجب عهدنامه که در ورسایل منعقد شد جمیع دول این سیزده ایالت را از انگلیس موضوع و مستقل شناختند

سنه ۱۱۹۹ هجری — سنه ۱۷۸۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال جعفرخان زند که بعد از علیمرادخان زند داعیه سروری داشت بخفخان زند دار دائی داده بالشکری مامور طهران نمود که با عساکر منصوره حضرت شهریاری که طهران را محاصره کرده بودند مصاف دهد حضرت شهریار کامکار مجنون خان پازکی را در طهران گذاشته بطرف زرند ساوه راندند و از آنجا بجانب قم انهاض فرموده با لشکریان بخفخان تلاقی رویداد پس از کشش و کوشش بخفخان در قلعه قم محصور شد لشکر نصرت اثر قلعه را مسخر نمودند و بخفخان با صفهان کریخت و موکب منصور عازم کاشان گردید جعفرخان احمدخان ولد آزادخان افغان را با فتحخان زند و ده هزار سوار باستقبال عساکر شهریار کامکار فرستاد و دو لشکر در حوالی نصرآباد کاشان باشتعال نایره قتال پرداختند بعد از جنگ سختی احمدخان شکست خورده فرار کرد و فتحخان گرفتار و مقتول شد چون بقیة السیف لشکر جعفرخان منهزما با صفهان رسیدند و از واقعه با خبر شدند چاره از اصفهان بشیراز کریخت و عساکر نصرت مآثر شهریاری بسیاری از اموال آنجماعت را متصرف شدند و موکب ظفر کوکب حضرت آقا محمدشاه با جنود شوکت و جلال با صفهان نزول اجلال فرمود و علما و اعیان و اعاظم و اشراف بلد باستقبال شتافتند و کرعبودیت بمیان انقیاد و اطاعت بستند و اموال جعفرخان بتصرف ملازمان حضرت درآمد و فتحخان را بطراف فرستادند و چهل روز موکب معلی در اصفهان اقامت نمود و در این اوان معروض داشتند که ابدالخان و حبیب الله خان بختیاری و بزرگان فراهانی و کلیایکانی با دوازده هزار جزایری چی از توابع زندیه در چمن قمشه جمع و مهیای کارزار شده اند حضرت شهریاری با فرخان خراسکانی را با یالت اصفهان منصوب فرموده از اصفهان انهاض کرده بمنزل آتشگاه تشریف فرما شدند و از آنجا با عساکر منصوره بقریه عسگران آمده انجمل معسکر سپاه ظفر همراه شده با معاندین مشغول جنگ و جدال شدند تا بعین زندیه بسنگر گرفته ولی سنگر را بزودی از دست دادند و ابدالخان گرفتار و مقتول گردید و حبیب الله خان و سایر سرکردگان بختیاری بشفاعت چراغ خان بختیاری نجات یافتند و متعاقب چند منکشف پس از آن اردوی همایون بچمن سنگباران آمد و در اینجا معروض شد که مجنون خان پازکی طهران را فتح کرده است و مهدیخان سواد کوهی و محمدخان حاکم طهران و علیقلیخان سواد کوهی گرفتار شدند

وبنا سار سیدند حضرت شهریاری امر بمرمت ابنیه طهران وبنیاد عمارات عالیه در اینشهر فرمودند موکب معلی بطرف قلمرو علیشکر و بقصد تسخیر لرستان و کردستان انهاض نمود اسمعیل خان وخسرو خان ولات این ولایات از در اطاعت درآمده مخلع شدند و حضرت شهریاری در بیست و هفتم شوال اینسال بقصر سلطنتی یعنی طهران مراجعت کرده مجنون خان فاتح طهران را مورد مراحم خاصه نمودند و مهدیخان سوادکوهی و محمودخان و علینقیخان سوادکوهی چشم خود را در راه هواخواهی الوار بباد دادند و محمدخان طهرانی کشته شد و برخی از اعیان طهران که براه خلاف رفته بودند تنبیه شدند و برحسب امر اعلی نواب جهانبانی (فتحعلیشاه) و مهدعلیا و رضاخان و حاجی رضاخان قاجار و تمامی عیال ایشان را باشعف فراوان بحضور حضرت شهریار کامکار تشریف حبستند و مصطفی قلیخان که بخیال مخالفت بالکلک سر از ربقه اطاعت بیرون و دیگران سر باز زده و در حدود استراباد بفتنه و فساد پرداخته اظهار پشیمانی کرده بشفاعت برادر کاردان خود نواب جعفرقلیخان معفو شده بموجب امر اعلی با اهل و عیال در بارفروش ساکن گردید همدر اینسال جعفرخان زند بیست هزار سوار جمع کرده از فارس در باصفهان نهاد و باقرخان اصفهانی در قلعه طبرک متحصن و آخر الامر مقتول شد و جعفرخان بر اصفهان استیلا یافت و حاجی علیقلیخان کازرونی را با سه هزار نفر بقم و کاشان فرستاده خود روانه قلمرو و کلیبا کان گردید شهریار ایران برای رزم جعفرخان احکام قضا نظام بخسروخان والی کردستان و محمدحسینخان قراگوزلو و خوانین کرمانشاهان و علیخان افشار خمسه صادر فرموده سرکردگان خلج و بیات بدفع حاجی علیقلیخان کازرونی مامور شدند و خسروخان والی و سرکردگان در همدان اجتماع کرده از اینجا بمقاتله جعفرخان شتافته و جنگ سختی در گرفت و در روز دویم قتال ابتدا و هنوز بسپاه ابوالجمعی محمدحسینخان قراگوزلو و علیخان خمسه نرسیده ولی صفوف خسروخان والی و خوانین کرمانشاهان غالب آمدند و لشکر جعفرخان را شکست داده تا آنها پناه بسنگر برده سه روز محصور بودند روز چهارم سنگر را خالی کرده بطرف اصفهان گریختند و صورت این فتح را بآستان مبارک ارسال داشتند خسروخان والی کردستان مخلع و مفتخر گردیده استقلالی بهمرسانیده خلاصه جعفرخان بفارس رفته در ایلات قشقائی و الوار ممسنی شورشها نائره فتنه را فرو نشانده و حاجی علیقلیخان کازرونی که از قضیه فرار جعفرخان باخبر شده او نیز هزیمت را غنیمت شمرده و عبدالرزاقخان از جانب حضرت شهریار اعظم الشان در حکومت کاشان مستقل گردید

اروپا (انگلیس) هفتاد و یک بستر از پنبه امریکا در این سال وارد بندر انگلیس شد و این اول پنبه ایست که از نیکدنیا با انگلیس حمل شده است معاهده دولت انگلیس با تیپو صاحب که بعد از این معاهده بتیپو صاحب پادشاه مستقل میسور میکردد همدر اینسال رخ بخار در اوان نام در انگلیس تکمیل میکند (اطریش) منازعه ایندولت با هلاند کمکمعنوی فرانسه بهلاند (فرانسه) در اینسال زمستان در فرانسه خیلی سخت شد و جمعیت فرانسه در اینسال چهل و هشت کرور بود (سوئد) مسافرت گوستاو سیم پادشاه سوئد بفرا

سنه ۱۲۰۰ هجری

سنه ۱۷۸۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال در روز عید نوروز فیروزکه روز یکشنبه یازدهم جمادی الاولی بود حضرت آقا محمدشاه در دارالخلافه طهران رسما جلوس بر تخت شهریاری ایران فرموده شاهزادگان و امراء و بزرگان و اعیان همه در پایه سریر سلطنت آنحضرت را بتبریک و تهنیت گفتند و بکرهای زرین و شمشیرهای مرصع و عطیات لایقه مفتخر و نایل گردیدند سکه و خطبه و نقش تازه یافت رضاخان قاجار قوانلو را بایالت استراباد و کرکان و حفظ ثغور خراسان مامور و منصوب گردید محمدحسینخان قوانلو بحکومت مازندران سرافراز شد و قاسمخان دولوی قاجار با هزار نفر مازندرانی بکوتوالی طهران برقرار گشت و میرزا محمدخان قاجار را حکومت قزوین دادند همدر اینسان جعفرخان زند که هنوز طمع از

مملکت داری نرسیده بود باجمعی پریشان بطرف قصبه فشته و سمیرم آمد حضرت شهریاری نواب جهانبانی فتحعلیشاه
راکه نیابت سلطنت داشتند در طهران بجای شخص همایون خود گذاشته خود نیض مبارک با لشکری جرار در روز هفدهم
ماه رجب از راه فراهان روانه اصفهان شدند قلعه میغان را خراب کرده ببردهق شتافتند در اینجا معلوم شد که
جعفرخان زند بمحض اطلاع از توجه موکب منصور از حوالی عراق بفارس کرخته است حضرت سلطنت وارد اصفهان شدند
بازماندگان بافرخان خراسکانی را بعواطف و تفقدات سلطانی مستظهر داشتند در این اثنا خبر رسید که یکلک مزاز ترکمه
بموت یکبوسر هزار جریب تاخته بعضی هجب و قتل در آنجا نموده جانمحمدخان قاجار و کاظمخان هزار جریبی در صدد منع و دفع بر
آمده ولی از عهده آن خبر سر برنیامده اند و طوایف کلان مطلع شده با پنجهزار سوار راه بر سر دار موت بستند یکلک
وجمعی را مقتول ساخته و بعضی از چنگ آن طوایف رستند حکم محکم پادشاهی صادر شد که حکام استراباد و مازندران
وهزار جریب تادیب طایفه موت پردازند و بعد از انقضای ماه روزه نواب جعفرقلیخان را در اصفهان مانده موکب بالشکر فراوان م
ظفر کوکب شهریاری بقصد چمن سنگباران انتهاض فرمود و اسمعیلخان زند که از جانب جعفرخان زند بر وجرد و
آنصفحات بعضی دست اندازیها نموده بمحض اینکه داستان عساکر منصوره متوجه و عازم تدمیر او میباشند راه فرار پیش گرفت
ولی در حوالی اصفهان او را دستگیر کرده بحضور همایون آوردند و چشم خود را بر سر خود سری گذاشت پس از آن او را روانه
طهران کردند و از آنجا راه دیار عدم پیش گرفت همدرین اوان نواب سلیمانخان قاجار بر تنبیه طوایف بختیاری و فتنه پیدا
از سرکشان و طاغیان آن طوایف را بکشت و جمعی را اسیر کرده باستان مبارک آورد همدرین اوقات علیخان افشار
خمسه را خیال و داعیه سرکشی و دعوی سروری در دماغ جای کرفته موکب منصور برای دفع هوای او راه خمسه و زنجان پیش گرفت
او از استماع این خبر خایف و هراسان شده وسایل و وسایط برانگیخت و خدمات کرد تا از جرایم خود معفو شد نیز در
اینسال در چمن کوران در شب ۱۵ شعبان هدایت الله خان کیلانی حکمی صادر شده او بموجب تسویلات نفسانی اطاعت نکرده
نواب مصطفی قلیخان را بدفع او تعیین فرمودند هدایت الله خان ابوانی خان نام کرجی را در منزل رستم آباد باستقبال
لشکر با استعداد مصطفی قلیخان فرستاده آنها در حلوان سپل هایل زیست نتوانستند کرد لهذا بگریختند و مصطفی قلیخان
خان شهردار المرز را بگرفت هدایت الله خان بر سر بازار که عمده استعداد جنگی او در آنجا بود برفت و ده شبانه روز
در سر بازار میان هواخواهان او و عساکر شهریار قاجار جنگ و پیکار در کار بود آخر الامر هدایت الله خان مغلوب
شده بقلعه عالی که در ساحل انزلی داشت فتد با چند فروند کشتی و جمعی سپاه در آنجا پناه جست مصطفی قلیخان با سفاین
خود را بدانجا رسانیده باز نایره قتال بنای اشتعال را گذاشت هدایت الله خان در ثانی مقهور گردید و بوسایل زوارق
فرار نمود اتفاقا دریا متموج بود و باران میبارید سفینه که خزینه نفایس و جواهر او بود غرق شد و هدایت الله خان
نیز بزخم گلوله از پا در آمده در آب افتاد ملاجان حبشی او را از آب بیرون آوردند و در ساحل انزلی بخاکش سپردند
و تفصیل این فتوحات را بعرض آستان شهریار عظیم الشان رسانیدند همدرین اوان نواب علیقلیخان قاجار و علیخان خمسه
افشار بتدمیر سرکشان لرستان و اهواز و خوزستان و نظم و تصفیه آنحدود و سامان روانه شدند و موکب همایون
بعد از آنکه نواب مصطفی قلیخان راه کیلان پیش گرفت و نواب علیقلیخان و علیخان خمسه افشار روانه محال مأموریت
خود شدند بمقر سلطنت معاودت فرمود و سلیمانخان قوانلو بعد از تصفیه کیلان بحکومت این ایالت منصوب گشت
و نواب علیقلیخان نیز منظفر و منصور از لرستان و خوزستان باز گشت و فات آقاجانی منخلص بسایل و فات فتحعلیشاه
اصفهانی پدر نورعلیشاه از عرفای معروف اروپا (انگلیس) فرمانفرمای هندوستان بجهة بعضا بتکه در این

مملکت

مملکت نموده مغضوب دولت بیشود جمعیت مملکت انکلیس در اینسال بیست و چهار کرور و سی صد و شصت هزار و نهصد و سی و دو نفر است (هلاند) شورش مردم بر ضد والی میانجیگری دولت فرانسه مابین دولت هلاند و اطریش (ایطالیا) سفاهن جنگی و بزرگ بسواحل تورن حمله میبرند

سنه ۱۲۰۱ هجری — سنه ۱۷۸۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید سعید نوروز موکب فیروزی کوکب حضرت شهریاری از مقر سلطنت بجانب اصفهان انهاض فرمود و در روز عرض لشکر علیخان خمسه بنا بر جرایم و خلافی که از او بظهور رسیده بود از حلیه نصب عاطل گردید و شئون ابوالجمعی او را بعبدالله خان اوصانلو محول و مفوض فرمودند و پس از یکماه توقف در حدود عراق نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را مامور خراسان فرموده نواب معظم با سه هزار نفر شئون بهروزکوه آمدند وارد دوی همایون بقیه ایام نهار را در چمن کندمان رحل اقامت افکنده حضرت شهریاری کامکار غالبا بتفرج شکار اشتغال داشتند همدر این اوان زکریا بیک نام کرجی که از اشراف و نام آوران ایطایفه بود و در دربار اکلی خان والی کرجستان بوکالت اشتغال داشت با دوی همایون آمده عرض بندگی و خدمتگزاری نموده مشمول مراحم ملوکانه گردید بجواب او صادر شد و رخصت انصراف یافت هم در این ایام نواب جعفرقلیخان مامور بانتظام امور بختیاری شدند وارد دوی همایون شهریاری از راه بروجرد بطرف همدان حرکت کرد و خسروخان والی کردستان مالیات دو سال ایالت را با آستان مبارک ارسال داشت و یکی از پسرهای جوان خود را بحضور همایون فرستاده که ملتزم رکاب اعلی باشد و لطفعلی خان عم او که مالیات مزبوره و بعضی هدایا و این پسر را آورده بود مورد عواطف گردیده اجازت معاودت یافت در روز بیست و پنجم ماه ذیقعده اینسال دار الخلافه طهران بنزول اجلال شهریاری فرخنده و روز و نوزدهم اندازه گرفت همدر این اوقات بعرض آستان مبارک رسانیدند که باقرسلطان نوری که از اردوی کیوان شکوه تخلف جسته و بازندران رفته در بلده آمل بفتنه و فساد و خودسری و عناد میپردازد حکم همایون صادر شد که نواب جهانبانی که در حدود فیروزکوه بودند در صدد دفع او برآیند نواب معظم با پنصد سوار برای معاونت محمد حسینخان قاجار بیکلربیکی مازندران روانه کردند و محمد حسینخان بعد از زد و خورد با باقرسلطان نوری بر او غالب آمده مشارالیه بدست عساکر منصوره اسیر و دستگیر شده مغلولا او را بطهران آورده از اینجا براه عدل فرستادند همدر اینسال جعفرخان زند بکازرون و بهبهان رفته و از آنجا مراجعت نموده بر سر بنادر پنجعلی ثانی بنادر بنجعلی محصور شده از میرمحمدخان عربی نگونی استمداد جست میرمحمدخان با هزار نفر بامداد بنادر آمده با جعفرخان زند مصاف داده او را منهزم کرد و توپ و توپخانه و متعلقات جعفرخان بتصرف میرمحمدخان طبسی درآمد و خان زند بفارس گریخت میرمحمدخان بعد از این فتح بهوای سروری و خیال فرمان روائی افتاده و هوس تسخیر اصفهان کرد محمد حسینخان و اسمعیل خان عرب عامری که از جانب حضرت شهریار عظیم الشان حاکم نطنز و اردستان بودند خیال میرمحمدخان طبسی را تشویق و تایید کردند و اطاعت او نمودند و او سلوک رود شت آمد و در اینوقت عدد سپاه میرمحمدخان هفت هزار رسید نواب جعفرقلیخان اگرچه در این ایام در شکار از اسب افتاده و درد پا داشت ناچار بابرادر خود مصطفی قلیخان بدفع وحرب میرمحمدخان شتافته چهارده روز علی التوالی نایره قتال فیمابین گرم اشتعال بود آخر الامر میرمحمدخان مغلوب شده بطبس گریخت و پس از قلیل زمانی هوای تسخیر خراسان در سر او جای گرفته سبزوار را تندوالله یارخان سبزواری را محاصره نمود ولی در این جنگ و پورش روزی از اسب افتاد

وجان

وجان بداد همدراین سال مرتضی قلیخان که بصفحات قفقاز وطالش رفته بود با مصطفی قلیخان طالش و فتحعلی خان حاکم قبه و شیخعلی خان سیکلر بیکی باکو بیرسازش نموده غفلة بکیلان تاخت و چیاول در انداخت نوابسلیمانخان قاجار کس فرستاده واقعه را بعرض نواب جهانبانی که در فیروزکوه بودند رسانیدند نواب حشمت نصاب معظم مهد یخان تنکابنی و بعضی از اهالی خلخال و حسنه طارم را بمعاونت و امداد سلیمانخان مامور فرمودند ولی قبل از وصول آنها بکیلان مرتضی قلیخان مراجعت نمود همدراین سال جعفرخان زند پسر خود لطفعلیخان را با لشکری بسر عبدالله خان و محمدخان ولدان نصیرخان لاری که از قدیم باز ندیه سری نداشتند بلکه از هواخواهان نواب غفران مآب شهید محمدحسنخان طابثراه بودند فرستاده آن دو برادر کار را بمهرعلیخان نامی سپرده بیرون رفتند و جمعیتی فراهم آورده بجنگ لطفعلیخان مبادرت نمودند اما کاری از پیش ایشان نرفته و قلعه لار را زندیه مسخر ساختند و لطفعلیخان نزد پدر خود جعفرخان آمد اروپا (فرانسه) لوی شانزدهم پادشاه فرانسه به بندر شربورگ میرود معاهده بخارطی بندرلت با انگلیس صورت میدهد ولت انگلیس استلین نام اختراع چراغ گاز مینماید (پروس) فوت فردریک کبیر پادشاه پروس جلوس فردریک گیلیوم برادرزادهٔ او در سن چهل و دو سالگی

سنه ۱۲۰۲ هجری — سنه ۱۷۸۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بعد از عید نوروز فیروزه در روز بیست و پنجم ماه رجب موکب ظفر کوکب حضرت شهریاری از دارالخلافه طهران نهضت فرمای اصفهان گردید و نواب جهانبانی را با پنجهزار سوار جرار مامور و تنبیه نقیخان یزدی و نظم و انتظام آنصفحات فرمودند بعد از آن اردوی معلی متوجه فارس شد ولی جعفرخان زند حصن شیراز را حصین دانسته از مقابلی پادشاه منصور نقاعد نمود عساکر ظفر مآثر پادشاه ایران مدت یکهفته در مشهد معروف بامامزاده ابراهیم اقامت نموده چون از جعفرخان جرات و جسارتی بظهور نرسیده نواب جعفرقلیخان و علیقلیخان بعضی از بلوکات شیراز را غارت کردند و با غنیمت وافر بارد وی معلی پیوستند و موکب همایون حسب المصلحة بعراق معاودت فرمود و نواب جهانبانی بجانب یزد راندند نقیخان چون خود را مرد میدان ندید از در عجز و انکسار درآمده متقبل دادن خراج گردید و بر وفق تقبل خود رفتار نمود لهذا نواب شوکت مآب معظم مراجعت کرده باعمال یزدی بحضور مبارک مشرف شدند و منشور حکمرانی یزد باسم نقیخان یزدی شرف صدور یافت نواب علیقلی خان با دوهزار نفر از سپاه منصور بتوقف اصفهان مامور شده موکب شهریار تاجدار بدارالخلافه طهران بازگشت همدراین سال در اوایل ربیع الثانی مرتضی قلیخان با هفتهزار نفر بکیلان رانده در کسکران فرود آمده سلیمانخان قاجار حاکم کیلان تاب مقاومت نیاورده بقزوین آمد و مرتضی قلیخان بر کیلان استیلا یافت حضرت شهریار کامکار چون از واقعه خبردار گردیدند سلیمانخان را احضار فرموده تفصیل ماجری را استفسار فرمودند پس از تحقیق با حضار شورای همایون شرف صدور یافت و کوچ بنه مرتضی قلیخان را از بارفروش بطهران بردند و محمدحسنخان قاجار قوانلوی ظهیر با دوهزار سوار مامور کیلان و مقرر شد که بعضی سرجات بکرشون با و بپیوندد محمدحسنخان ملاحظه آخر کار را نکرده منتظر سایر دستجات قشون نشده سبقت بجنگ نموده و شکست یافت پس از آن سلیمانخان قاجار و امیر محمدحسنخان فیروزکوهی و میرزا محمدخان لاریجانی با ده هزار نفر در رسیدند و در جهار فرسخی کیلان قدم در میدان محاربت گذاشتند مصطفی خان طالش ابتدا پای جلادت پیش گذاشت ولی زمانی نپایید نشست و زمستم سلیمانخان با افواج باطراف شهر رفته و مرتضی قلیخان نیز با نه هزار نفر بمقابله او شتافته

که آنرا مرغاب نیز میگویند

اندابرادر مصطفی خان طالش با صفوف مهر محمد حسینخان فیروز کوهی مصاف داده امیر بزخم گلوله از پا در آمد و فیروز
که بی سردار ماندند کاری از پیش نتوانستند برد و این فقره اسباب شد شیبانی سابرین نیز گردیده میرزا محمد خان لاریجانی و
بخفقلیخان نوری بعد از مجادله و مقاتله بطور جنگ گریز باز گشتند و مصطفی خان و لشکر شیروان بسیاری از این سپاه را
بکشتند و نواب سلیمانخان عاجلا مراجعت کرد و نواب علیقلیخان قاجار نیز از جلو جعفرخان زند عقب نشسته با صفهان
و از آنجا بکاشان آمد حضرت شهریار با اقتدار چون مطلع گشتند نواب جعفرقلیخان را با فشون استراباد و بسطام
بکیلان فرستادند و دیده برادر خود مصطفی خان را میل کشیدند و نواب جهانبانی را مجراست فرضه و معابر دار المرز
بمازندران ماموز فرمودند و خود بنفس نفیس با سیصد سوار نامدار بطرف اصفهان حرکت کردند که سی هزار نفر
سپاه الوار را دفع نمایند در عرض راه بعضی سپاهیان بلشکر نصرت اثر پیوسته این فئه قلیل کثیر شد جعفرخان که طریق
معتاد بود و با سرعت باد از رود موکب منصور بکمتر از اصفهان خبردار شد بجانب شیراز کرخت و مصطفی خان
دولوی قاجار با دو هزار سوار او را تعاقب کرده چون بیزدخواست رسید جعفرخان نرسیده باز گشتند اما نواب جعفرقلیخان
چون بمنزل رستم آباد کیلان رسیدند مرتضی قلیخان به بندر انزلی فرار کرده در آنجا قرار گرفت و از جانبین پیغامها
داده شد و در ساحل دریای خزر دو برادر ملاقات و گفتگوها کردند آخر الامر مرتضی قلیخان در کشتی نشسته راه
سار و پشته و سالیان پیش گرفت و جعفرقلیخان وارد شهر رشت شدند و مراتب را مخبرا بعرض حضرت شهریار
رسانیدند حضرت قوی شوکت معظم الیه جواب ایشان را بمراجعت امر فرمودند و نواب سلیمانخان در کیلان مستقل گردید
همدر این اوان موکب همایون بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و پس از ده روز توقف عزیمت سفر طبرستان نمودند
و نواب جهانبانی بمراسم پیشرائی مقدم مبارک قیام و اقدام کردند و نواب جعفرقلیخان بحضور مهر ظهور مشرف گشته
مورد مرحمت و مخلع گشتند چندی در بلدهٔ ساری بشکار و سواری گذشت و چند گاهی در اشرف بعیش و تنعم بسر بملکت
داری و در این اوان رضاخان قاجار بیکلربیکی استراباد باز بزکان بموت و کلان خراج و هدایا لایقه گذرانیدند و موکب
اعلی بساری باز گشته پل مشهور به بنجن را که خان خلد آشیانه محمد حسنخان طیب الله مضجعه بنا ساخته آن اقدام کرده و بسبب
شهادت ایشان ناتمام مانده بود حکم بساختن فرمودند و حاجی اسمعیل قوللر آقاسی بسرکاری این کار خیر برقرار
شده باد و ازده هزار تومان مخارج آنرا صورت انجام و اتمام داد همدرین سال بعضی از امرای زند پیش از قبل صید مرادخان
و پسر مرادخان و شاهمرادخان و دیگران که در حلیس نزد جعفرخان زند بودند یکی از خدمهٔ حرم او را فریفته بواسطهٔ
او سمی بجعفرخان چشانیدند و او بدینواسطه مریض شده روز بروز قوت او بضعف مبدل گردید شبی محبوسین مزبور
بدستیاری بعضی از حلیس مستخلص شده بر سر جعفرخان تاختند جعفرخان نمدافعه برخاسته یکدو نفر را بضرب
شمشیر زخمی کرد آنها هجوم آورده کار او را با چماق و تیغ و تیر و چوب و سنگ و خشت و جارو و پارو و شاخه
و با همان شمشیری که او در دست داشت سر او را از بدن جدا کردند و بمیدان ارک انداختند و صید مرادخان بحکمرانی
بحکم لطفعلیخان فرزند ارشد جعفرخان که بطرف بنادر و عمان رفته بود از استماع این خبر در دو سه
روز از راه همینکه باین بلده نزدیک شد شهر از بها صید مرادخان را دست بسته و دروازه را بروی لطفعلیخان
بکشادند و او فورا بقتل قاتلین پدر کمر همت بر بست و بر تخت سروری نشسته و علم استقلال برافراشت امنای حضرت
شهریاری چون از واقعه آگاه شدند موکب فیروزی اثر از مازندران انصراف فرموده در پنجم جمادی الثانیه
بدار الخلافه طهران نزول اجلال فرمود امروز یا (انگلیس) در پارلمنت انگلیس گفتگو از بیع و شرای برده شد

مبالغه و تاکید زیاد در موقوف نمودن این رسم مینمایند فرستادن مفسرین اینولت را بسمت استرالی و این اول آبادی است که انگلیسها در استرالی مینمایند (فرانسه) ایجاد مالیات جدید بعضی اراضی خاصه املاک کشیشها نفاق و کلای ملت با پادشاه و اخراج نمودن آنها را از ورسای (اطریش) تزوزف دویم امپراطور اطریش با کاترین دویم امپراطریس روس در قرم ملاقات میکنند (روس) مسافرت کاترین دویم امپراطریس روس بجوالی ولگا و خرسن اعلان جنگ فیمابین عثمانی و روس و بست هزار فشون از عساکر اطریش بکمک روس وارد سرحدات عثمانی میشوند معاهده دولتی فیمابین دولتین روس و چین (هلاند) جنگ داخلی و شورش اهالی آمستردام معاونت پروسها بوالی امریکا (اتاتونی) واشنگتن برپاست جمهوری اتاتونی منصوب میشود

سنه ۱۲۰۳ هجری — سنه ۱۷۸۸ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل اینسال حضرت شهریار کامکار نواب جهانبانی را با پنجهزار نفر از لشکر بصرف تاثر شوقف فیروزکوه و انتظام امور مازندران و خراسان مامور فرموده خود بنفس همایون با جمعی از عساکر ظفرمقرون از ری بعراق و از عراق بفارس ایلغار نمودند و مترل بیضا مضرب خیام سپهر احتشام معلی گردیده ایجاد را محل بنه و آغروق ملقن رکاب اعلی قرار دادند و علیقلیخان را امر بتوقف نیمل فرمودند و با تمامی لشکریان بظاهر شیراز نزول اجلال کردند لطفعلیخان با بیست هزار سوار کاری و فارسی قدم جلادت در میدان مجادله نهاد مصطفیخان قاجار که نگاهدار میمنه سپاه فیروزی شعار بود با فوجی از دلیران شیرشکار دیوار باغی را که بمنگاه قرار داده جمعی از لشکریان لطفعلیخان را بخاک هلاک انداخت لطفعلیخان از فرط غرور متعرض آنها نگردیده باد و هزار سوار زبده خود را بر قلب دو چندان را از پای درآورده متوجه میسره که در حراست نواب جعفرقلیخان بود شدند نواب جعفرقلیخان قصد او کرده از قضا در وقت عبور در میانه بود نواب معظم رکاب بر اسب کشیده از آن رودکذ شد و بعضی از دلیران نیز با دیشان پیوستند و جنگ در گرفت بعد از کشش و کوشش و هنر دست لطفعلیخان پدیدار آمد در این اثنا جماعتی بکمک سپاه لطفعلیخان آمدند و دیگر باره نایره قتال اشتعال یافت و کار جنگ سخت شد شهریار کامکار محمدولیخان قاجار را با فوجی بمعاونت و امداد نواب جعفرقلیخان فرستاده ولی قبل از وصول محمدولیخان نواب جعفرقلیخان جمعیت دشمن را متفرق و آنجماعت را منهزم کردند لطفعلیخان نیز از قضای خود بقلعه دشمن شتافت و هزار نفر از لشکریان او مقتول و هشتهزار نفر اسیر دست گیر شدند علی الصباح رایت ظفرآیت وارد دیوان شکوه بیکفر یعنی شهر شیراز آمد و دو ماه این بلده را در بند محاصره داشتند و بلوکات حوالی عرصه نهب و غارت بود و عرصه بر مردم تنگ حضرت شهریار نصفت آثار صواب دیدار جهت بدینمنوال هر روز پنجشنبه بیستم شهر ذیحجه عنان بکران دولت را بطرف اصفهان منعطف فرمودند و مصطفیخان قاجار دولوی را با سه هزار نفر در آنجا کذاشتند و زمام حکمرانی اصفهان را در دست محمدحسینخان پسر با قرخان خراسانی اصفهانی کذاشته موکب معلی از اصفهان بدار الخلافه طهران تشریف فرما شدند محمد رئیسال هنال آمال شهریار را بران یار و رو با ثمر گردیده یعنی حضرت قادر متعال نواب جهانبانی (خاقان خلدآشیان فتحعلیشاه) را بهم پیوسته الاکرام امتیاز فرمود اول نواب محمدعلی میرزا که از بطن کریمه تفلیسیه متولد شده در هفتم ماه ربیع الثانی دویم نواب محمدتقی میرزا در بیست و یکم شهر رمضان متولد شده از بطن صبیه محمدخان قاجار پدر سلیمانخان قاجار فواد لوی سیم نواب محمدولی میرزا که روز غره شوال از بطن مستوره اصفهانیه متولد شدند چهارم حضرت نایب السلطنه عباس میرزا که روز جمعه از شنبه

دختر از بطن صبیه مخدره‌ما میرکبیر فتحعلیخان دولوی قاجار متولد کردیده جهان را از یمن قدوم خود فروغی تازه بخشیدند پنجم نواب حسینعلی میرزا که در روز عید اضحی از بطن صبیه محمد جعفرخان عرب حاکم بسطام متولد کردیده و مولد این سه شاهزاده آزاده قصبه نوای از توابع دماوند بود که در آنجا به ییلاق رفته بودند حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه قاجار از طلوع این ستارگان سعادت آثار زایدالوصف مبتهج و مسرور کردیده یکهفته در دارالخلافه طهران امر بانبساط سور و سرور فرمودند پس از آن سه نفر از این پنج فر مولود مسعود را بفرزندی خود قبول فرمودند و آنها نواب عباس میرزا و نواب محمدقلی میرزا و نواب حسینعلی میرزا بودند که در ساعتی سعد آنها را بحرم سرای اختصاص بردند و ببالکان بالا اختصاص سپردند و بتربیت ایشان پرداختند و هر یک را مشمول مرحمت ساختند هم در اینسال خسروخان والی گرجستان عزیمت شرفیابی و ورود بحضور حضرت شهریار را نموده ولی در رجوع الی قزوین شنیدکه دو هزار نفر از طایفه بلباس که غالبا بنهب و غارت و سرقت میپرداختند فرزند ارشد او مهدقلیخان با آنها جنگ درانداخته و بدست آنجماعت مقتول کردیده است استماع این خبر وحشت اثر اسباب اختلال دماغ او کردیده و این ناخوشی معالجه پذیر نشده تا آنکه خسروخان رحمه شد پس از او لطفعلیخان در کرجستان بنیابت داشته تا امان الله خان بولایت کرجستان منصوب و برقرار کردید

اروپا (انکلیس) ایجاد در روزنامه طیمس (فرانسه) اعتشاش دربار پاریس و بهیجان عموم مردم نسبت بپادشاه تقسیم مجلس بار لمنت بسه فرقه بجاوروسای پنج کسه فوت بوفن از علمای معروف مفقود شدن لاپروز سیاح معروف که بدریاهای جنوب رفته جمعیت فرانسه در اینسال بپنجاه کرور (روس) در جنگ که دولت درش مشغول جنگ با عثمانی است قشون سوئد غفلة بمملکت روس حمله نمودند و اگر اختلاف و شورشی در میان صاحبمنصبان قشون سوئد بهم نمیرسید و برپا نمیشد و او را محبور بمراجعت نمیکردند بقینا پادشاه سوئد بسیاری از بلاد روس را متصرف میشد پادشاه دانمارک برای امداد روس بعساکر سوئد حمله نمود و میانجیکری انکلیس و پروس مانع این مدعا نگردید شکست سفاین جنگی روس در سواستاپول (اطریش) عساکر اطریش که از رودخانه ساو عبور کرده بودند و داخل خاک عثمانی شده مغلوب کردیده عقب نشستند ژوزف دویم امپراطور اطریش وحشت از برپا شدن شورش در ممالک خود دارد شکست سخت عساکر اطریش از عثمانی در میسوار (اسپانیا) فوت شارل سیم پادشاه اسپانیا و جلوس شارل چهارم پسر بجای او (هلاند) معاهده اینده ولت با انکلیس و پروس

سنه ۱۲۰۴ هجری — سنه ۱۷۸۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل بهار اینسال حضرت شهریار ناجدار آقا محمد شاه قاجار نواب جهانبانی (خاقان مغفور) را باانتظام بلاد قزوین و سرحدات همسر زنجان مامور فرمودند و مقرر شد که حاجی رضاخان دولوی قاجار با پنجهزار سوار جرار ملتزم رکاب ظفرانتساب نواب معظم باشد و پس از روانکی ایشان از طهران در بیستم ماه رمضان موکب بضرب اقران شهریاری بقصد تسخیر فارس و تدمیر لطفعلیخان زند از دارالخلافه انتهاض فرمود و در منزل کناره کرد معلوم شد که در حوض سلطان کم آبی از باران است آب وجود ندارد لهذا مقرر فرمودند که در حوض سلطانیه اردوی معلی توقف ننمایند و دو منزل را یکمنزل کرده تا باآب برسند شبانهکام حرکت کردند و بواسطه تاریکی شب جمعیت از دحام عساکر منصوره راه قم را گم کردند و تا طلوع صبح در شوره زار و کویر راه پیمودند و تحمل زحمت عطش نمودند علی الصباح تشنه در آن سراب ماندند بحکم شهریار مرحمت شعار سقایان تشنگان را آب دادند و بعضی روزه داران برای حفظ جان روزه کشادند و افطار کردند اما نفس نفیس شهریاری برای پاس اوامر مقدسه حضرت باری جل ذکره

تا شام افطار نفرمود در روز را بر سایلان بخلاصه در روز در ظاهر بلده قم توقف افتاد بعد از آنجا روانه اصفهان و تشریف فرمای چمن کندهان شدند در اینجا خبر رسید که لطفعلیخان زند بحض اطلاع از حرکت اردوی کیوان شکوه بهانه استمداد از مشایخ بلاد و انتظام بلاد کرمسیر بجانب دشتی و دشتستان رفته و فی الحقیقه باین بهانه کریزی هنگام کرده مقارن باین حال امراء و رؤسا شیراز پیشکشهای تحف و هدایای لایقه بآستان همایون انفاذ داشته بزبان عجز و نیاز عرضه داشتند که ما مطیع فرمان و در ربقهٔ اطاعت حضرت شهریار عظیم الشانیم ولی محض مصلحت تسخیر بلاد را بوقت دیگر باید گذاشت فرستاده اهالی شیراز هم شامل و خلعت شاهانه مشمول و باجوبه شافیه نایل و از مراجعت یافت و نواب علیقلیخان با محمد قلیخان قاجار و اولو و هفت هزار نفر از قشون ظفر پیون مامور و روانه تسخیر کوهگیلویه شدند اهل آنحدود از راه اطاعت و تمکین در آمده خود را در سلک رعایا منسلک داشتند و علیقلیخان با منال دیوانی باردوی سلطانی معاودت نمود همدر این سال در اوایل نواب جهانبانی در چمن کوران دشت توقف بودند محمد حسینخان حاکم خلخال و سران کرد و احمدخان مراغه و حسینخان دنبلی بیکدیگر پیکهای خود بقبهٔ اطاعت عتبهٔ پناه بکردن گرفته پیشکشهای شایان فرستادند موکب حضرت شهریاری از چمن کندهان بطرف قزوین حرکت کرد و نواب مستطاب جهانبانی و سلیمانخان قاجار حکمران گیلان با عمال اینولایت بحضور مکرر مشطهور پادشاهی مشرف گشتند و نواب سلیمانخان بلقب اعتضاد الدوله ملقب و مفتخر گشت و با اردوی معلی بعزم خلافت عظمی آمد همدر اینسال نواب حسنعلی میرزا برادر کهتر نواب حسینعلی میرزا از بطن صبیهٔ جعفرخان عرب عامری مصطلی متولد گردید بنا بر مسطورات تاریخ جهان آرا در این سال حضرت فاتح محمد شاه نواب مستطاب جهانبانی (فتحعلی شاه) را بولایتعهدی برقرار فرمودند همدر اینسال ضریح زرین اندود برای مرقد مطهر حضرت امیر المؤمنین و یعسوب الدین علیه السلام بامر همایون ساخته و بدان ساحت خلد بنیان ارسال داشتند امر وقوع پاره (انکلیس) منازعهٔ عساکر انکلیس با پتو صاحب الطرش (شورش اهالی بلژیک بر ضد اهالی اطریش که مملکت بلژیک سلطنت داشت (رؤس و سوئد) منازعهٔ قشون سوئد با روس شکست یافتن سفاین جنگی سوئد از عساکر روس شوارد سر دار روس در والاشی جنگ سختی با عثمانیها میکند و از آنطرف عساکر اطریش معاونت روس بگراد را در خاک عثمانی فتح نمایان تا مکن سردار بکر روس بندر را از عثمانی منتزع میسازد (سوئد) گوستاو سیم پادشاه قدرت و اقتدار خود را از عرب طلب مینماید (فرانسه) شورش سخت در پاریس اهالی شهر دکاکین معتبر را غارت میکنند مارسیل نیز در شورش است ایجاد و کلای ملت و هتم پادکردن آنها بر ضد سلطنت که از سلطنت قانون آزادی میطلبند تشکیل مجلس پارلمنتی در روسایل بتوسط پادشاه مستقل که اجزای آن دو دسته یکی از علمای دینی و دویست و هفتاد نفر از اعیان مملکت و پانصد و هشتاد و چهار نفر از سایر طبقات رعیت بودند معاهدهٔ شورشیان در تالار یکه موسوم بتالار کوبازی میباشد خطبه‌ها شورشیان انگیز میراب عزل نکرو زبر مصروف با سنبل را که از قلعه جات وسط شهر پاریس و محبس دولت بود اهالی پاریس بغلبه گرفته محبوسین را آزاد کرده قلعه را منهدم و ویران مینمایند بخصوص بر اردو پادشاه ببلاد خارجه فرار میکنند اهالی پاریس بافتند سه رنگ که سفید و آبی و سرخ باشد بکلاه خود میدوزند انقلابات و شورش مجدد سخت در پاریس ایجاد کرده بخیال و خانواده سلطنت افتاده از آنها سلب میشود آزادی مطبعه هر روز محفلی و غلاد در شهر پاریس و شورش نسوان از دحام مردم بدور مجلس و شکایت آنجا نثانی شاکیان بقصر سلطنتی و رسایل داخل شده جمعی از قراولان این عمارت را بقتل میرسانند پادشاه مجبور از ورسایل بشهر پاریس معاودت میکند کرشورشیان را ساکت نماید مجبور شد پادشاه ببرقرار کردن نکرو را بوزارت جمهوری طلبان املاک موقوفه معابد را از دست علمای دین منتزع ساخته خود متصرف میشوند ایجاد روزنامه مینمودند که روزنامه رسمیست (عثمانی) فوت سلطان عبدالحمید خان اول جلوس

سلطان سلیمخان ستم بنای او در سن بیست و هشت سالگی امریکا (اتاتوی) جمعیتا نا توفی در اینسال هفتاد کرور و چهارصد و سی هزار نفر است

سنه ۱۲۰۵ هجری — سنه ۱۷۹۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال نواب جعفرقلیخان کرباد در وسپهسالار حضرت شهریار کامکار بود درخواست ایالت اصفهان از آنحضرت معظم نموده بنابر مصلحت استدعا او بدرجه قبول نرسید لهذا بمخالفت و خلاف برخاست و چندی در بسطام ماند معتمدی مبارک بنیامد آخر الامر با محمد خان و محمد رضا خان عزالدین لوی قاجار پسران خال خود بدربار شهریاری رو نموده آنها در خلوت از او سعایتی کرده چنین بعرض رسانیدند که داعیه خود سری دارد و با خوانین خراسان معاهده و مواضعه نموده است خال اصد حضرت شهریاری را با برادر رشید خود بدل نموده شبی در هنگام مراجعت از حضور همایون چند نفر از خدام خاص آن سردار با اختصاص را از او بر معبر بیرای دیگر اشتغال دادند ولی بعد از قضای صادر ملازمان حضرت پادشاهی قرین ندامت و افسوس کامل کردیدند و سودی نداشت همدر اینسال مرتضی قلیخان از عمای مراد رخود مصطفی قلیخان باخبر گشت چه مدت یکسال که مصطفی قلیخان محبوس بود اینوا قعه نیز مستور بود اینوقا که از حبس خلاص شد این خبر مشهور گردید مرتضی قلیخان کرد ربا کرمیه و ساالش و شیروان با استعداد تمام میز پست نیز بشنید و بار دیگر بهمان آمده بطرف کیلان راند و میرزا بابای نایب کیلان هراسان شده ماجوی را بعرض عاکفان حضور شهریار منصور رسانید حاجی رضاخان دولوی قاجار خال مرتضی قلیخان و عباسخان و محمد خان دولو که هم از منسوبان او بودند با عبدالله خان اوصانلوی چهسد و میرزا محمد خان لاریجانی و چهار هزار تفر از سپاظفر همراه مامور کیلان شدند و هر چه مرتضی قلیخان را نصیحت کردند سود مند نیفتاد ناچار بنای جنگ و خونریزی شد شبی شاه پلنگ نام طالش بر لشکریان حاجی رضاخان شبیخون زده در اینمقدمه سردار با سپاه بر خوانین کرفتار شدند و نفر فرد در میان سپاه افتاد و مرتضی قلیخان غلبه کرد ولی بعد از چندی همه کرفتاران را رها و روانه دربار معلی نمود سوای خال خود را که با سوء احوال نکاهداشته باکلاب و ذباب دیف و حریف میفرمود میرزا بابای نایب کیلان مراتب را معروض آستان مبارک داشته حضرت شهریاری مصطفی خان دولوی قاجار را مقدمة الجیش قرار داده از پیش روانه کردند و موکب همایون مستعد انتهاض کردید مرتضی قلیخان و مصطفی خان طالش از عزیمت شهریار کامکار خبردار کردیده دانستند که در جلوسپل ها پل مقام توان نمود ناچار بیالوبره شتافته در آنجا نیز چون کاری نتوانستند کرد مرتضی قلیخان خایف و هاپوس پناه بخاک روس برد و حاجی رضا خان و عباسخان را با مادر خود بطهران فرستاد همدر اینسال لطفعلیخان نیز استعدادی فراهم کرده فصل تابستان اصفهان نمود حضرت شهریار تا جلدار از عزیمت او مستحضر کردیده نواب مستطاب جهانبانی را بدفع او مامور فرمودند نواب معظم با بعضی از دستجات قشون نصرت مقرون بجمن کندمان تشریف فرما شدند و موکب همایون بکوران دشت نزول اجلال نموده مصطفی خان قاجار شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات شده مقرر فرمودند با پنجهزار نفر بخدمت نواب جهانبانی روانه شود و او رد کیوان شکوه بعزم تسخیر آذربایجان حرکت کرد و نواب اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار را با ده هزار سوار در منزل طارم مامور تسخیر ماسوله و تنبیه طایفه طالش کردند و او بوجه احسن این خدمت را انجام داد و محمد حسینخان حاکم خلخال و محمد حسینخان حاکم کروس از در اطاعت و انقیاد در آمدند و صادقخان شقاقی در حوالی قلعه سراب اقدام بجنگ کرده شکست خورده و پناه بابراهیم خلیلخان ابن پناه خان جوانشیر برد عساکر منصوره قلعه سراب را خراب کرده بار در پل شتافتند و اینشهر را نیز مسخر نمودند و یکهفته در آنجا اقامت کردند احمد خان حاکم مراغه

باحسینعلیخان افشار برادر محمدقلیخان بیکلربیکی اروومی و جمعی بآستان مبارک آمدند ولی محمدقلیخان را غدغه و جبا
کرفته در قلعه اشنو محصن شد و محمدخان عزالدینلو و حسینقلیخان افشار بادسته قشونی اروومی را بکرفته و اموال محمد
قلیخان را متصرف شدند همدراین ایام مصطفیخان قراجه داغی بتقبیل عتبهٔ علیه آمده و جانمحمدخان قاجار ماموریت بتنبیه مصطفی
خان طالش کردید و نواب اعتضادالدوله با پیشخانه اردوی معلی بساحت قراجه داغ توجه نمود و قلعهٔ اهر (اهار) را
مستخر ساخته بمحل کلبر رفت و از آنجا بالنك سبزه آمده رحل اقامت افکندند در اینجا حسینخان دنبلی بیکلربیکی خوی بحضور
مبارک آمده مخلع و محکومت اردبیل و تبریز را با و تفویض داشتند و او روانه تبریز شد و حضرت شهریاری کامکار چند
روزه در اینمحل بصید و شکار کذرانیدند همدراین اوان محمدخان عزالدینلو که بعد از جعفرقلیخان داخل در امرا بود و برادر
محمدزمانخان حکومت دشت بطام میمود با محمدولی آقا و جمعی دیکر اتفاق کرده اندیشه مخالفت با حضرت شهریاری نمودند و محمدقلیخان
شامبیاتی پسرزادهٔ محمدعلیخان جوجوق نیز با آنها همدست شده ملازمان آستان همایون از این مواضعه مستحضر کردیده محمدخان
و محمدزمانخان و محمدولی آقا چشم در راه بی بصر کذاشتند و محمدتقیخان و محمدعلیخان جوجوق نیز امرا علم درکذشتند و محمدقلیخان
بیکلربیکی اروومی بشفاعت امرا معفو شده کرعبور بتبریز میان بست و بحکومت اروومی منصوب کردید همدراین ایام موکب همایون عزیمت
تبریز فرموده حسینخان بیکلربیکی و اعاظم و اشراف بلد باستقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند اما لطفعلیخان رند با بست
هزار سوار سپر بسر علما آمده و نواب مستطاب جهانبانی بطرف قشله رانده و جنك درکرفت لطفعلیخان پناه بسنکر برد و عبدالرحیم
خان شیرازی برادر مهرجاجی ابراهیمخان کروزارت و امارت جمع داشت بجهة اراذت نواب مستطاب جهانبانی شبی در اردوی
لطفعلیخان آشوب درانداخته او را متفرق ساخت فرار لطفعلیخان فرار کرده و مصطفیخان قاجار دولو او را تعاقب
نموده اما بوی نرسیدند نواب مستطاب جهانبانی با صفهان آمدند از آنطرف حاجی ابراهیمخان شیرازی دروازه شهر شیراز را
بروی لطفعلیخان بست و او کرفتار سرکردانی شده و مراتب اطاعت مسموع نواب مستطاب جهانبانی و معروض آستان پادشاهی
داشتند حضرت همایون شمشیر مرصع و خنجری مکلل برای نواب مستطاب معظم اعطا و ارسال داشتند و میرزا رضا قلی
نوائی منشی الممالك مخلص بسلطانی مامور بتصرف اموال لطفعلیخان و نظم آنسامان شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی
در ازای خدمتی که کرده بود مخلع کردیده حفظ و حراست شیراز بعهدهٔ او موکول کشت و مصطفیخان قاجار برای اهدا
او روانه شیراز شد همدراین اوان ابراهیم خلیل خان جوانشیر از صادقخان شفاعتی شفاعت کرده جرایم او را معفو
داشتند و موکب اعلی در پنجم ذیحجه بمقر سلطنت معاودت فرمود و میرزا رضا قلی منشی الممالك مصطفیخان قاجار را
باسه هزار سوار در آباده کذاشته خود بشیراز شتافت و حاجی ابراهیمخان بخوبی او را پذیرائی و استقبال نمود
در ایناثنا لطفعلیخان بازالخان خشتی معاهده نموده با هزار نفر متوجه شیراز شد و در محل موسوم بکوم جای
کرفت حاجی ابراهیمخان مصطفیخان قاجار را از آباده بشهر شیراز بخواند و باغ جهان نما را جایکاه معسکر حضرت ماآثر
قرار داد لطفعلیخان بحوالی شیراز آمده در پشته که متصل بشارع بود کمین کرد و جمعی را بکاروان فرستاده آنها آن
محل را غارت کرده باز کشتند مصطفیخان قاجار با فوجی از مردان کارزار بخفر سنج راه طی کرده با لشکر انبوه کرد از کاروان
میآمدند ناکاه نموده بر پیکار پرداخت با بعضی که جمعی را بدفع آنها فرستاده خود در پناه کوهی با یستاد ابدالخان عبد
الملکی از سرکردهای لطفعلیخان مقتول کردید در اینحال لطفعلیخان با پانصد سوار از کمین بیرون آمده بر سپاه ظفر
همراه حمله کرد مصطفیخان قاجار نیز فورا از کوه بزیر آمده متوجه قتال و اشتعال نایره جدال کردید لطفعلیخان تاب
مقاومت نیاورده راه کریز پیش کرفت ولی دست از کار نکشیده کاه کاه از طرفی و اراهی روی بشیراز میآورد و فتنه

فساد برپا میکرد برای اینکه مواد شرارت و بکلی مضمحل کرده حاجی محمد خان قاجار نیز با پنجهزار سوار معاونت و امداد مصطفی خان مامور شده و در همکاهیکه لطفعلی خان استعداد بهم بسته در مسجد بزرگ قریب بشهر شیراز بود حاجی محمد خان مصطفی خان پیوست یکهفته تمام مشغول جنگ و جدل بودند و در این جنگ و گریز با برجله و خدعه رضا قلیخان دولو از لشکر دور افتاده گرفتار گردید بالاخره الامر لطفعلی خان مغلوب شده بطرف کرمان رفت همدر اینسال حضرت همایون را سکته عارض شده بسعی میرزا سمیع طهرانی و میرزا احمد طبیب اندکی بعد از سه روز صحت یافت و بعضی این واقعه را بسال بعد نسبت داده اند نیز در اینسال قصد تجدید قبه منوره حضرت خامس آل عبا علیه التحیة والثنا فرمودند و عبد الرزاق خان حاکم کاشان را جمعی بتعمیر و توسیع قبه مبارکه آنحضرت و تذهیب آن مامور کردند و حاجی سلیمان صباحی ماده تاریخ آنرا چنین گوید

(کلک صباحی از پی تاریخ آن نوشت در گنبد حسین علی زیب یافت زر)

همدر این سال میرزا رضا قلی نوائی منشی الممالک با اموال لطفعلیخان بحضور شهریار عظیم الشان مشرف شد و از آنجمله مبلغی جواهر و هزار اسر مادیان بود همدر اینسال مصطفی آقای عثمانی از جانب سلیمان پاشا والی بغداد بدربار همایون آمد و از بلاد آذربایجان و عراق و فارس انواع هدایا و تحف حتی چرغها و شنفارها پیشکش دربار سپهر آثار کردند و وفات آقا محمد باقر بهبهانی از اجله علمای امامیه اعلی الله مقامه در سنین بود و سر سال که انگریز (اطریش) بلژیک را از خود را از تخت سلطنت اطریش اعلان میکند دولتا طریش از پاپ و دول انگلیس و فرانسه و پروس استعانت برای امن کردن بلژیک میطلبد فوت ژوزف دویم امپراطور اطریش که این کلمات از انشای خود او بر سنگ قبرش نوشته میشود (اینجاست مقبره ژوزف دویم که در تمام ارادات و مقاصد یکه داشته بدبخت بوده است) برقرار شدن برادرش لئوپلد دویم بجای او در سنه چهل و سه سال که (پروس دوس و سوئد و عثمانی) سوطن پروس بر ضد اطریش و روس و دانمارک مجبور باتحاد با عثمانی مینماید فتوحات عساکر اطریش در سواحل دانوب بضرر عثمانی که در آنسوا بودند چون زلزله در آنجا شد و آن زلزله را از قضاهای آسمانی دانستند قلعه را تخلیه کرده فرار نمودند فتوحات و غلبه سفاین جنگی سوئد بر کشتیهای روس در دریای سوئد چون انگلیس و روس بدولت اطریش وعده میدهند که اگر ترک منازعه با عثمانی ننماید در امن کردن بلژیک او را کمک ننمایند ناچار بین اطریش و عثمانی متارکه میشود و سوئد با روس صلح مینماید منازعه روس و عثمانی فیخ کردن سوار ارفسرار در روس شهر اسمعیل عثمانی را و قتل نمودن اینشهر را (فرانسه) شورش و انقلاب در اکثر بلاد میزان و مقاد بر در تمام فرانسه بلیک وزن میشود مواجب پادشاه بپنج کرور تومان ایران مقرر میشود و زیاده بر این حق نصرف در وجوه دولتی ندارد اجرای قانونیکه شاه و گلداد در تحت آن قانون مساوی اند سلطنت مستقله در فرانسه متروک و سلطنت مشروطه برقرار میگردد خطابات شاهزادگی و خانی و بیگی از اعیان و بجا سلب برداشته میشود علمای دین از تمامی مداخله کارهای دولتی ممنوع میگردند نظیر از وزارت استعفا مینماید امریکا (اتاتوف) فوت فرانکلن و عزای عمومی مینمایند و ماه

سنه ۱۲۰۱ هجری سنه ۱۷۵۱ عیسی

آسیا (ایران) در اینسال حضرت شهریار بمهمال نواب مستطاب جهانبانی را مامور بتوقف طهران فرموده و برادر کهتر و الاگهر ایشان حسینقلی خان را با پنجهزار نفر از عساکر نصرت مآثر بحراست اصفهان معین و امر کردند و موکب همایون بقصد تدمیر لطفعلیخان نهضت و حرکت و انتهاض نموده ابراهیمخان سرکرده دامغانی را مقدمة الجیش قرار دادند و چون اردوی معلی بحمص (ابرج) رسید معروض شد که لطفعلی خان از زرقان بعزم

شبیخون حرکت کرده و بحوالی اردو آمده است حضرت شهریاری نفرت فرمودند که اگر علاجم شبیخون بظهور رسد مشوش
ظفرنمون بلوای هما یون حرکتی نکنند هنگام شب لطفعلیخان در تنگ ابرج با ابراهیمخان دامغانی تلاقی نموده جنگ درگرفت
وابراهیمخان بعد از اظهار جلادت مقتول شد لطفعلیخان عبدالله خان و محمدخان اعمام خود را با طراف اردو فرستاد
وخود با هزار سوار در مقابل اردو آمد و اقدام بیورش و حمله نمود عبدالله خان زند نیز قصد سر ایرده و خیام
گردون احتشام سلطنتی کرده آقاخان کتول قوللر آقاسی و میرزا محمدخان لاریجانی جلو او را گرفتند و میرزا فتح الله صفا
اردلانی مژده فتح بلطفعلیخان داد لطفعلیخان در خارج اردو قرار گرفت و قت صبح یا بسبب استماع صدای اذان
یا بواسطه طبل جنگ دانست که فتح دوشینه محض وهم و خیال بوده و اردوی شهریاری با کمال نظم برای قتال حاضر
پشت سنگاسف کزیده و یقین حاصل نمود که مقاومت با عساکر پادشاهی امری محال است لهذا راه گریز پیش گرفت
ودویست نفر از همراهان او اسیر شدند و موکب ظفر کوکب شهریاری متوجه شیراز گردیده حاجی ابراهیمخان شیراز
وسرداران و اعیان فارس باستقبال و پذیرائی مقدم مبارک شتافتند حضرت همایون در عمارات وکیل نزول
اجلال فرمودند و نواب حسینقلیخان را از اصفهان بشیراز طلبیده و نیابت فارس را بحاجی ابراهیمخان دادند و اهل
عیال لطفعلیخان را با دوازده هزار خانوار از کلهر و مافی و خواجوند و عبدالملکی کوچانیده باشیراباد فرستادند و
موکب معلی بطهران معاودت فرمود و میرزا فتح الله سابق الذکر گرفتار شده زبانش مقطوع گردید محمد آیسال دختر
دوده حسینخان دولوی قاجار در حباله نکاح نواب حسینقلیخان درآمد و ابراهیمخان بن مهدیقلیخان دشتی نازدانه
پریکتر بن دختران نواب مستطاب جهانبانی نابل گشت و والده ابراهیمخان را نیز سابقا بعقد نواب مستطاب معظم
درآورده بودند اما لطفعلیخان بعد از فرار بطرف کرمان رانده میرزا ابوالحسنخان حاکم کرمان او را از ورود بشهر مانع
آمد ناچار براور آمد میرزا محمدخان راوی نیز بمنازعه و پرداخت و چندتن از همراهان او را دستگیر ساخت لطفعلیخان
از روی اضطرار و از راه چهل پایه لوط بطبس آمد امیرحسینخان حاکم طبس سیصد نفر سوار بکمک و مامور کرده و او با
این لشکر قلیل باز بسودای سلطنت از راه یزد عزیمت فارس نمود و با تیغخان یزدی مصاف داده از آنجا با بروه شتافت
حاجی ابراهیمخان مراتب را بعرض حضرت شهریاری رسانده محمدحسینخان قوانلوی کشیکچی باشی خالوزاده حضرت
شهریاری با هشتهزار سوار مامور دفع لطفعلیخان شد و محمدآقای قاجار نیز با سه هزار کس از عقب او روان گردید
لطفعلیخان چون از مامور بیت حرکت محمدحسینخان خبردار شد بطرف بوانات شتافت همینکه محمدحسینخان بشیراز رسید
لطفعلیخان راه دارابجرد پیش گرفت و این ناحیه را مسخر کرد محمدحسینخان بطرف او دانداو براه نیریز رفت محمدحسینخان
بنیریز آمد لطفعلیخان از نیریز حرکت کرده و محمدحسینخان او را عقب نموده در پای خرمن کوه بدو رسیده پانزده
روز یا پانزده روز در اینجا نابرد قتال بسختی اشتغال داشتند با وجود کمال اجلاد سعی لطفعلیخان منهزم شده
بطبس رفت و محمدحسینخان مظفر و منصور بشیراز باز گشت همدا یسال نواب محمدتقی میرزا ابن نواب مستطاب
جهانبانی از بطن مسطوره بحبنا ریز متولد گردید و مشتاقعلیشاه از عزم او در کرمان مقتول شد اروپا (المان)
فوت مون از موسیقیدان معروف (انگلیس) ایجاد مجلس پارلمنت در کانادای بینکه دنیا (طریش و عثمانی) انعقاد
عهدنامه صلح مابین دولتین عثمانی و طریش در زمین نو (فرانسه) شاهزاده ها خانواده سلطنت فرانسه که
بجان امان فرار کرده بودند در شهر کلاترفتون بر ضد شورشیان تشکیل مینمایند هجوم و حمله اهالی پاریس بقلعه
وتخریب و خراب نمودن آن موقوف نمودن کرک دروازه ها پاریس فوت میرآب معروف حبس نظری پادشاه موقوف

شدن منصب صدارتی و وزارت دربار گیتی ستان طیب چرخی اختراع میکند که بواسطه آن سرانسان بمهولت از بدن جدا میشود فرار پادشاه و ملکه و اولاد آنها از شهریار بدین و گرفتار شدن آنها در بین راه و مراجعت دادن آنها را بپاریس و حبس کردن در قصر سلطنتی پادشاه پروس با مراطور اطریش وعده میدهد که کمک بپادشاه فرانسه و شاهزاده هائی که فرار نموده اند بنماید لقب اعلیحضرتی از القاب پادشاه در مملکت فرانسه محو و معدوم میشود گوستاو سوئم پادشاه سوئد بر ضد شورشیان فرانسه تصمیم عزم میدهد

سنه ۱۲۰۷ هجری — سنه ۱۷۹۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال موکب حضرت شهریار کامکار مصمم سفر کرمان و فارس گردیده روز هشتم ماه رمضان از وی معلی حرکت و انتهاض فرموده در چمن آسیاس حاجی ابراهیمخان و عمال فارس بحضور مبارک مشرف شدند و چون هدم قلعه شیراز مکنون خاطر همایون بود جانمحمدخان قاجار را بانجام این قصد روانه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را بتسخیر قلعه کرمان امر نمودند و مصطفیخان دولو با ده هزار نفر از عساکر ظفرمآثر و عبدالرحیمخان و جمعی از سپاهیان فارس ملتزم رکاب فیروزی انتساب نواب مستطاب معظم گردیدند و در این وان میرزا ابوالحسنخان حاکم کرمان در گذشت وارد وی نواب جهانبانی بشهر بابک رسیده و قلعه کران واقع در سیرجان را فتح کردند و مصطفیخان و عبدالرحیمخان بتسخیر قلعه بم و نرماشیر مامور گشتند و این دو ناحیه را مسخر نمودند نواب مستطاب جهانبانی ملا عبدالله قفیه را با مرتضیقلیخان ولد شاهرخخان افشار بدربار همایون فرستادند و مرتضیقلیخان بحکومت کرمان برقرار گردید پس از آن حضرت جهانبانی نیز در چمن کوشک زرد بارد وی کیوان شکوه پادشاهی پیوستند و از آنطرف جانمحمدخان قاجار نیز قلعه شیراز را خراب کرده و خندق آنرا نیز انباشته معاودت نمود و موکب منصور شهریاری باصفهان بازگشت و محمدرضاخان که فرار کرده بود گرفتار شده بپاسارسید همدر این سال نواب اسپهبد سلیمانخان قاجار مامور نظم آذربایجان گردید وارد وی همایون از اصفهان ببارالخلافه طهران آمد همدر این وان رضاخان قاجار که بحکومت استراباد و داروغگی بموت وککلان برقرار بود درگذشت و طوایف ترکمان باهم اتفاق کرده بنای مخالفت و خودسری را گذاشتند محمدعلیخان داشلوی قاجار بآن نواحی مامور شده تا لکه تمکین و اطاعت ننمودند مهدقلیخان دولو و محمدولیخان و محمدحسینخان قاجار با ده هزار نفر از سپاه ظفرمهر را بتنبیه آنجماعت روانه شده ترکمانان را مقهور و مطیع نموده باستان معلی باز گشتند و اما مقلیخان پسر رضاخان قاجار بحکمرانی استراباد و داروغگی بموت وککلان برقرار شد همدر این وان چون نواب سلیمانخان قاجار بتبریز رسید صادقخان شقاقی و احمدخان مراغه و حسینخان دنبلی و کلبعلیخان نخجوانی و نصیرخان شاهسون و محمدقلیخان ارومیه و عسکرخان افشار از در اطاعت درآمدند و جوادخان و محمدخان قاجار ببکلربیکی گنجه و ایروان و اسحق پاشای حاکم بایزید ربقه انقیاد بگردن کرفتند و نواب امیرکبیر سلیمانخان فرستاده بشوشی فرستاده بابراهیم خلیلخان نوشته نوشتند و او را باطاعت و خدمت عوت کردند مشارالیه پسران مشاورت با خویشان خود عبدالصمد بیک بن عم خود را با هدایا و تحف بتبریز فرستاد و نواب سلیمانخان عبدالصمد بیک را با خود بطهران آورد همدر این سال والده نواب مستطاب جهانبانی عازم زیارت نجف اشرف گردیدند و عظام سلطان سعید شهید و نواب جهانبانی شوشه انا لله برهانها را از قلعه کاه خضر که در استراباد است جدا جدا در صندوقها گذارده بنجف اشرف بردند و در جوار حضرت امام همام امیرالمؤمنین علی علیه السلام مدفون نمودند و در اینمود سلیمان پاشای وزیر بغداد بعضی حرکات کرده بتوجهات پادشاهی مباهی گشت همدر اینسال نواب علینقی میرزا ابن نواب مستطاب جهانبانی

متولد گردید و وفات حاجی سلیمان صباحی کاشانی اروپا (المان) اتحاد پروس و اطریش بر ضد جمهوری فرانسه فوت ثیودیلید
دوم امپراطور اطریش و جلوس فرانسوای دوم بر تخت بیست و چهار پادشاه انگلیس (انگلیس) منازعه شدید عساکر انگلیس در
هند با بیتو صاحب غلبه نمودن بر او و فوت ژنرال سر نفاش معروف (فرانسه) قوت شورشیان عزل وزرا مجبور شدن پادشاه
بتعیین وزرا از شورشیان مذعن نمودن شورشیان علمای دینی را از ملبس بودن بلباس مذهبی اعلان جنگ شورشیان
بپادشاه اطریش ژنرال پیر و دان تن و مارات رئیس شورشیان میشوند هجوم و حمله مردم بقصر سلطنتی و هدف گلوله پادشاه
نمودن تخطی کردن عساکر پروس از کمک پادشاه فرانسه حرکت کرده بودند از سرحد فرانسه حاضر کردن شورشیان چهارصد
پنجاه هزار نفر قشون برای مدافعه انشاد تصنیف مارسیلز که از این پس شورشیان و بعد جمهوری طلبان آنرا ورد زبان خود ساختند
در وقت جنگ و اوان صدمت و خصومت با وضع سلطنت میخواندند امپراطور اطریش و پادشاه پروس بشهر مایانس آمده دوک
دبرونسویک را سردار کل قشون دو دولت نموده بدفع شورشیان فرانسه مامور میکنند دوک مشارالیه با عساکر خود
تا ساحل رود مزل میرانند و بدانجا ورود مینمایند اهالی پاریس بقصد کشتن پادشاه بقصر سلطنتی حمله میبرند فوج سویس که از اول
خاصه پادشاه بودند تا اما مقتول میشوند پادشاه اضطرارا خود را بمجلس شورشیان میاندازد لوی شانزدهم و زوجه او را
در تاپل حبس مینمایند پادشاه پروس با عساکر خود بطرف پاریس حرکت میکند قتل جمعی از هواخواهان سلطنت در پاریس
قنادیل طلا و نقره و صلیبها مرصع و تجملات و نفایس معابد را شورشیان بدار الضرب فرستاده آنچه فلز بود مسکوک نمودند
بقشون تهیه مینمایند عساکر پادشاه پروس بایالت شامپانی ورود کرده در والمی دو مورد نیز سردار شورشیان با بیست
و چهار هزار قشون هشتاد هزار تن از عساکر پروس را شکست میدهد مجلس وضع سلطنت را محذوف و مملوک مینامند
و اعلان جمهوری دولت فرانسه را نموده مسکوکات و مهر دولتی بلفظ جمهوری منقوش میکردد اعلان جنگ جمهوری فرانسه پادشاه
ساردین که بر ضد جمهوری بود و منازع ساحتن نیس و ساوا را از پادشاه ساردین مراجعت نمودن عساکر پروس
مغلوبا از خاک فرانسه و متصرف شدن سردار فرانسه کوستین تا مبانس و فرانکفورت را که از شهرهای المان میباشد و تسخیر
عساکر دولت جمهوری فرانسه در بلژیک و مسخر نمودن بروکسل پایتخت این مملکت را خطاب بآقا و خانم بر جال و نسوان
فرانسه داده نمیشود برای انکه مساوات کامل معمول شود و در مخاطبات و عنوانات همشهری بکدیگر میگویند و مینویسند
مجلس شورای جمهوری لوی پادشاه فرانسه را بجهة استنطاق بمجلس احضار مینماید (پرتوغال) ماری ملکه مملکت پرتوغال
دیوانه شده پسرش بنیابت او سلطنت میکند (روس) فرانسه و انکلیس و پروس و اسطه مصالحه مینمایند دولتین روس و عثمانی
عهدنامه موسوم بعهد یاسی بین الطرفین منعقد میکردد و در این معاهده اوچاکوف و کوبان متعلق بروس
میشود (سوئد) قتل گوستاو سیم پادشاه سوئد در یکی از مجالس جشن بدست یکی از اعیان جلوس پسرش گوستاو
چهارم بجای او در سن طفولیت

سنه ۱۲۰۸ هجری — سنه ۱۷۹۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حضرت شهریار کامکار آقا محمد شاه قاجار عزیمت خراسان فرمودند ولی بعضی اتفاقات
مانع تصمیم این عزم شد بنابین آنکه اهالی کرمان بر حاکم خود مرتضی قلیخان و محمد ابراهیم آقای قاجار بشوریدند و حاکم
را از شهر بیرون کردند و با لطفعلی خان زند که در فارس بود عهد متابعت بستند لطفعلیخان که قلوب اهالی این ایالت
را بخود مایل دید با جمعی از افاغنه بزرمانشیر آمده و از آنجا بشهر کرمان رانده مرتضی قلیخان در ارک بحصن حصین
ولی در اینجا نیز نتوانست پایداری کند بنابراین لطفعلیخان شهر کرمان را متصرف شد و چون آنکه خان سیستانی نیز با هزار

سوار باو پیوست حضرت شهریاری چون از اینواقعه آگاه گردیدند فسخ عزیمت سفر خراسان فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی را با پنجهزار سوار از پیش روانه کرمان نموده موکب همایون نیز روز چهارم شوال برای دفع لطفعلیخان زند انتهاض کرد نواب مستطاب جهانبانی چون بحدود دارالجبر رسیدند شنیدند که اهالی جیرفت طغیان کرده اند لهذا دسته لشکری بآن ناحیه مامور نموده آنها پس از زد و خورد جیرفت را مسخر کردند بعد از آن نواب مستطاب جهانبانی بتسخیر قلعه هرمود توجه فرمودند محمد تقی بیک ولد آقاسی باجمعی جلو بقلعه نمود از آنطرف دویهزار سوار هرمودی از قلعه خارج شده بمدافعه کوشیدند و در این زد و خورد محمد تقی بیک بضرب گلوله مقتول شد و همراهانش شکست خوردند نواب مستطاب جهانبانی خود با عساکر ملتزم رکاب ظفر انتصاب اقدام بپورش نموده قلعه هرمود را کرفته منهدم نمودند و جمعی را براه عدم فرستادند در این اوان موکب مضبوط شهریاری از راه بوانات بطرف کرمان راندند و در یکفرسخی شهر بابک اتراق نمود و نواب علیقلیخان برادر آنحضرت با چند عراده توپ بتسخیر شهر بابک مامور شد شهر بابک مفتوح شد پس از آن علیقلیخان و همراهان او بتسخیر قلاع سیرجان پرداختند و حضرت همایون بسر قلعه مشیز تاختند و آن قلعه را بغلبه کرفته اتباع لطفعلیخان را اسیری دیکر روان کردند و راه کرمان را پیش کرفتند چون نزدیک بشهر رسیدند لطفعلیخان بمقاتله عساکر نصرت نشان آمد و جنک سختی در کرفت ولی بعد از کشش و کوشش زیاد مقهور و منهزم شده پناه بقلعه برد و قشون ظفر مضمون شهر کرمان را محاصره کردند در اینوقت عرضحضور حضرت پادشاهی رسانیدند که مقصود لطفعلیخان رسیدن فصل زمستان و تا بنیاوردن لشکر فتح توان در سر امری باشد امر همایون شرف صدور یافت که در خارج کرمان شهری بنا کنند دارای دروازه و برج و بیوتات و از اطراف آذوقه و لوازم معاش در آن جمع آورند مامورین مباشر و مشغول کار شدند و در اینوقت نواب علیقلیخان از تسخیر سیرجان فراغت یافته بزیارت معلی پیوست دیکرباره بنظم کوهکیلویه و اوارد انه فرمودند و نواب مستطاب جهانبانی نیز بلر اعلی بیم و نرماشیر و راه برو بنواحی لار و بنادر تشریف فرما شدند و بعضی قلاع مسخر کرده و آن صفحات را منظم ساخته و بلاد را بندعبدالله خان لاری نیز کرچه متکذاری بر میان بست اما کار محاصره کرمان بطول انجامید و بعضی تدابیر قلعه کیری از حفر نقب و غیره بظهور پیوست و کار بر محصورین تنک شده دو چهار محظ و غلا کردیدند ناچار ده هزار نفر از فقرا و کسبه و عجزه را از شهر بیرون کردند و پنجماه دیکر پای ثبات افشردند پس از آن بحکم قضا و فرمان قدر افتضا نوبت غلبه و فتح در رسید خان احمد خان سواد کوهی با عساکر ابوابجمعی خود نزد بانها برد بوار حصار کذاشتند و بالا صعود نمودند سایر امرا نیز با وافقا کرده تمامی بروج را کرفتند لطفعلیخان چون علایم خذلان را مشاهده نمود براسب فرار سوار شده از روی هلهوز راه را باز کرده از شهر بیرون آمد و اسب خود را از خندق جهانده راه بم را پیش کرفت و در یکشبانه روز سی فرسنک راه طی کرده بدین شتاب خود را بم رسانید و از آنجا که اهالی کرمان خود براه خلاف و فتنه و میل بمتابعت لطفعلیخان کرده بودند بعد از ورود جنود نامعدود بشهر بقتل عام اشارت رفت خلاصه چون لطفعلیخان بم رسید و محمد علیخان برادر جهانکیرخان سیستانی او را مشوش و بد و برادر خود را بالوند بدکمان کرد که جهانکیرخان دستکیر و در بند ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان است قصد کرد لطفعلیخان را کرفته بآستان همایون فرستاد بدینوسیله برادر او مستخلص شود لطفعلیخان انیمعنی را دریافته تسلیم کرده خواست از دروازه بم بیرون رود و فرار بر قرار اختیار کند سیستانیها دور او را کرفتند و اسب او را پی نمودند و دو زخم بر دست او زدند ناچار او را تسلیم و مقید کرده مراتب را بعرض حضور مبارک رسانیدند حضرت پادشاهی محمد ولیخان قاجار را

باحضار

باخصاء او دستور فرموده مشارالیه لطفعلیخان را بدربار سپهر اقتدار آورد و چشمی که بتخت و تاج ایران دوخته بود
از او دور نمود و قطعه الماس مشهور و معروف بتاج ماه و دریای نور از جواهرات نواب عفران مآب محمد حسنخان
طباطبای که نزد لطفعلیخان بود بدست آورد حقیقت آن یعنی حضرت آقا محمد شاه رسید پوشیده نباشد که اکثر مورخین
فتح کرمان و ورود سپاه نصرت توامان را بایشهر و کرفتاری لطفعلیخان را از وقایع اوایل سال هزار و دویست و نه
دانسته اند و نگارنده نیز این عقیده را مرجح میشمارد و اینکه در خاتمه اینسال نوشته بواسطه پیوستگی حوادث است
خلاصه لطفعلیخان دستور طهران و از اینجا بسرای آخرت روان شد و جسد او را در امامزاده زید دفن کردند و
موکب منصور شهریار از کرمان بشیراز عطف عنان نمود و نواب مستطاب جهانبانی و علیقلیخان را بکارهای معاودت
کردند و بنایب حضرت سلطنت عموما و حکمرانی فارس و یزد و کرمان خصوصا بکف کفایت نواب مستطاب محمد
جهانبانی (اعلیحضرت فتحعلیشاه) مفوض شد و حاجی ابراهیمخان شیرازی بر شیر و وزارت حضرت همایون سرافراز
و از شیراز ملتزم رکاب ظفر انتساب کردید ملقب باعتمادالدوله شد و عبدالصمد بیک برادرزاده ابراهیم خلیل
خان چون از سفر کرمان فرار کرده بود در حدود طهران دستگیر شده بپاسارسید و بهمنغنی محمد از اسباب
خوف و خشیت ابراهیم خلیلخان کردیده از شرفیابی آستان مبارک تقاعد و ورزیده با امرای آذربایجان در
تقبیل عتبه علیه موافقت و همراهی ننمود همدرین سفر خبر بتاراج اعلی شرف صدور یافت که دو قطعه بشمون
عمارت و کیل را که از نفایس اعداد استانبول شیراز بطهران نقل و در دیوانخانه دارالخلافه نصب کنند مخفی نماند که سلسله
زندیه چهل و سه سال در فارس و عراقین و آذربایجان و کرمان حکمرانی کرده اند اول محمد کریمخان وکیل که سی سال در
هشتقاع سلطنت کرده و ساپرین یعنی ابوالفتح و صادخان و علیمرادخان و جعفرخان ولدصادخان و لطفعلیخان
ابن جعفرخان در ظرف سیزده سال در بعضی از ایالات و ممالک مزبوره حکومتی مستزلزل داشته اند و این حکومت
باسال هزار و دویست و هشت چنانکه ذکر شد بسر رسید اروپا (المان) ایجاد صنعت چاپ بتوسط سنفلدر
در مونیخ (انکلیس) انکشاف اراضی جدیده در شمال آمریک بتوسط وانکوور سیاح انکلیس (فرانسه)
در مجلس استنطاق پادشاه چهار نفره سوال مینماید اولا میپرسند آیا لوی نام معروف بلوی شانزدهم نسبت
بقاطبه اهالی فرانسه محل راحت بوده و برضد آسایش و رفاهیت رعیت اسباب فتنه و فساد بوده است یا نه تمام
و کلا بدون استثنا جواب میدهند بلی بوده است ثانیا میکویند کسیکه نسبت بدولت و رعیت منشا چنین خطا و
خیانتی شود حد تنبیه و جزای او چیست جمیعا جواب میدهند جزای چنین شخصی قتل است ثالثا اظهار میدارند که
در باب قتل این شخص آیا باید با عموم رعیت مشورت کرد یا نه بالاجماع جواب میدهند که نه رابعا سوال میکنند که آیا
باید با او مهلت داد یا نه همکی میکویند نباید بعد از بیست و چهار ساعت کشته شود بنابراین در بیست و یکم ماه
ژانویه لوی شانزدهم مقتول شد اگرچه مجلس استنطاق مزبور لوی شانزدهم را مسبب شورش و اختلال کار فرانسه
قرار داد ولی حق اینست که او سبب شورش نبود چیزی که هست اینست که بعد از بروز شورش لوی شانزدهم بواسطه
ضعف نفس نتوانست اسباب دفع شورش را فراهم آورد و پس از آنکه وضع سلطنت مستقله مختل و بنای جمهوری
شد نیز شخصا قابلیت نداشت که برپاست جمهوری برقرار کرد خلاصه در اینوقت پیر پادشاه با مادر شش در حبس
بود و عمش که با سایر سلطنت طلبان از خاک فرانسه فرار و بممالک المان مهاجرت نموده بود ندانست پیر را لوی
هفدهم نامیده و شاهزاده محبوس در فرانسه را در خارج پادشاه فرانسه خواندند و در بلاد ممالک اروپا بسبب خاطر

کلی برای دولت جمهوری فرانسه فراهم آمد و ایلچی دولت جمهوری فرانسه را از لندن بیرون کردند اعلان جنگ دولت جمهوری فرانسه با انگلیس و هلاند و اسپانیول سیصد هزار نفر قشون داوطلب برای جمهوری فرانسه حاضر میشود اعلان جنگ اطریش با فرانسه روس و پروس اگرچه در باطن با دول متحده برضد فرانسه مشارکت دارند لکن در ظاهر بواسطه تقسیم نمودن لهستان اندرمیان خود اعلان جنگ علنی با جمهوری فرانسه ندارند انگلیسها جزیره تابانک در بنگی دنا و بندر پندیشری را در هندوستان از تصرف فرانسه منتزع مینمایند در ایالت واندیه که از ایالات داخله فرانسه است سلطنت طلبان برضد جمهوری جنگند ترنزال دموریز سردار فرانسه از دولت جمهوری منفرد شده با اردوی پروسها پناه میبرد در شهر بارد پس مابین خود جمهوری طلبان نزاع سخت میشود ماراث که یکی از رؤسای جمهوریست مقتول میگردد قشون اسپانیول بخاک فرانسه رو میدهند پادشاه ناپل با سلاطین متحده برضد جمهوری فرانسه اتفاق مینماید عدد مشتون جمهوری بدو کرور میرسد فتوحات و غلبه عساکر فرانسه بر پروس و انگلیس اجداد سلاطین قدیم فرانسه را که در سر دین بودند از فکر پیروی آورده دوری اندازی آنوانیت ملکه فرانسه را بقتل میرسانند دین و ایمان و حذاریشی متزلزل و در معابد بتالنوع راسا پیش میکنند هوتیم معمول منسوخ شده سال را بسیصد شصت روز و ماه را بسی روز قرار میدهند و روز بیست و سیم ماه سپتامبر را که روز نهم دولت شروع جمهوری مینماید روز اول سال مینامند ناپلیون بناپارت که یکی از صاحبمنصبان جزو توپخانه است در بندر تولن با انگلیسهای جنگند قابلیتی بظهور میرساند (لهستان) تقسیم شدن مملکت لهستان مابین روس و پروس بنگی دنا (اتانوتی) واشنگتن مجدداً بریاست جمهوری منتخب میشود

سنه ۱۲۰۹ هجری — سنه ۱۷۹۴ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت شهریار کامکار میرزا محمد خان دولوی قاجار حاکم قزوین را بدربار کردون اقتدار احضار فرموده منصب امیرالامرائی و بیکلربیکی کری طهران را با و مفوض و مخصوص داشتند و مهدقلیخان قوانلوی قاجار بحکومت قزوین منصوب شد نیز در ماه شوال اینسال موکب همایون پادشاهی تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و چندی در اینساحت خلدنزهت بتفرج و شکار پرداخته بعد بطرف اردبیل توجه فرمودند و محمد حسینخان قوانلوی قاجار را امر فرمودند که پل خدا آفرین واقع در شش فرسخی شوشی را که بر روی رود ارس است خراب نکنند و نگهبانی کنند و فتحعلیخان شقاقی مشارالیه باین محل رسیده که آن پل را بگفته ابراهیم خلیل خان جوانشیر حاکم شوشی خراب کرده بودند لهذا بنواب اعتضادالدوله عباسقلیخان قاجار قوانلو بامر اعلی بمرمت و ساختن پل مزبور پرداخته و سنگری محکم بنیان برای مستحفظین پل در آنحوالی ساخته و نواب علیقلیخان بنظم و حراست حدود و نواحی ایروان مامور گردید و مصطفیخان قاجار دنبلی برادر مصطفیخان طالش محکوم کشت پس از آن موکب نصرت اقتران از رود فراسو اردبیل عبور کرده در آدینه بازار اقامت خیمه و نواب امیرکبیر سلیمانخان و محمد حسینخان قوانلو با لشکری جرار بمعاونت مصطفیخان قاجار رفته جماعت طوالش احمال و اثقال خود را بسفاین کناشته بسالیان فرستادند اهل سالیان آنها را داده ندادند لهذا آن احمال بتصرف عساکر فیروزی مآل درآمد و پس از غلبه بر طوالش و مغلوب شدن مصطفیخان و شاه پلنگ خان اهل و کوچ جماعت از آنطایفه را بمازندران کوچانیدند و مصطفیخان پس از انکه حصون محکمه آن سامانرا با خاک یکسان نمود مظفر و منصور بار دوی همایون معاودت کرده شاه نواز پسر شاه پلنگ خان طالش را که جزو سایر اسرا بدربار معلی آورده بود بتقبیل عتبه پادشاهی فایز ساخته او مورد عنایت گردیده شاه نواز خان لقب یافتهم در اینسال در غره ذیحجه

موکب

موکب شهریار منصور از پل خدا آفرین که مجدداً ساخته و مرمت شده بود عبور نموده وارد امنهٔ فراباغ بحوالی شوشی دشت
محمد ولیخان قوانلو و مصطفی خان قاجار بر سر آنها تاخته جمعی را مقتول و برخی را اسیر کرده بحضور همایون آوردند
بعد از آن موکب اعلی از پل ملا نصر الدین واقع در سه فرسنگی شوشی عبور کرده قلعهٔ شوشی را در کمال سختی محاصره نمودند
مهدیقلیخان برادر حسینقلیخان با کوئیر و جمعی از بزرگان آنسامان از در عبودیت در آمده بآستان مبارک نشتافتند
اما ابراهیم خلیل خان باده هزار سوار از قلعه بیرون آمده بمجادله و مقاتله پرداخت و بعد از جد و جهد زیاد منهزم
شده باز بقلعه پناه برد پس از انهزام ملازمان سپهر احتشام نامهٔ با ابراهیم خلیل خان نوشته او را باطاعت دعوت
کردند و ضمناً با و نگاشتند (زمنجنیق فلک سنگ فتنه مبارد تو ابلهانه کریزی در آبگینه حصار) ابراهیم خلیل خان
که هنوز غرور در سر داشت در جواب نوشت (کز نکهدار من آنست که من میدانم شیشه را در بغل سنگ نگه میدارد)
بالجمله محمد بیک و اسد بیک برادرزاده های ابراهیم خلیل خان که در بیرون قلعه مامن داشتند بدستبرد قلیچخان و
عبد الله خان از ملازمان حضرت شهریار عظیم الشان اسیر شدند و اینفقره عرض و ابراهیم خلیل خان را بکاست و عرضه
داشت عتبهٔ بارگاه رفعت پناه عرض نموده متقبل عبودیت و خراج شد و تحف و پیشکشی تقدیم نمود و ضعف و پیری را علت تقاعد
از شرفیابی قرار داده مستدعی شد که اینک از اینمطلب معاف باشد و وقت دیگر بانکار قیام نماید این مسئول او مقبول
گردید و در این ایام موکب منصور عزیمت تفلیس نمود و فرمانی بوالی گرجستان ارکلی خان مرقوم فرمود او را باطاعت و انقیاد
دعوت فرموده ولی او بزاه خود سری مایل شده با سپاهی بمقابله لشکر نصرت اثر شتافته پس از اشتعال نایره جدال و تحمل
مقاساة قتال تاب مقاومت نیاورده راه گریز پیش گرفت و تفلیس آمده خواهر و زوجهٔ خود را بر داشته بکار تیل رفت
و عساکر منصوره تفلیس را متصرف شدند و پانزده هزار نفر را در اینجا اسیر کردند و از تفلیس الی تاسنقاض بطرف کخیر
افراشتند و از کخیر بمغان آمدند همدران اوقات مصطفی خان دولوکه مامور دفع مصطفی خان شیروانی بود شیروان را
مسخر نموده و باو امر فرمودند که بمحمد حسنخان حاکم شکی که با برادرش سلیمخان کدورت و نزاعی کرده و پناه بحضرت همایون
آورده اعانت و امداد نماید و او را در حکومت خود مستقل سازد و مقارن ورود مصطفی خان باقی باش حاجی سعید
و جمعی از اعیان آن نواحی بدربار همایون از دست مصطفی خان قاجار شاکی شدند که بکدخدایان شیروان تعدی نموده
و بدون جرم اموال آنها را گرفته لهذا مصطفی خان را معزول و احضار فرمودند و علیقلیخان را بجای او مامور نمودند
و مصطفی خان زاده مراجعت در عرض راه سواران خان چوپان بکشند حضرت شهریاری در دفع فساد شیروانیان
بعلیقلیخان تاکید فرمودند و مصطفی خان شیروانی چون چاره جز اطاعت ندید ربقهٔ بندگی را بگردن کرفته منقبل
خراج و مالیات گردید و علیقلیخان پس از انتظام امور شیروان بار دوی همایون معاودت نمود و موکب ظفر کوکب
حضرت شهریاری نیز عزیمت بازگشت بطهران فرمود (افغانستان) در اینسال تیموز شاه ابن احمد شاه افغان بعد از
سی سال سلطنت وفات یافت و شاه زمان پسرش بجای او بامارت نشسته استقلال بهم رسانید (روپیا) (الان)
هاهنیمان طبیب ماکسی معالجهٔ امراض را بمثل فرار و رواج داد و فرنکیها این قسم معالجه را هوم پاتی مینامند این
قسم معالجه شبیه است بدفع فاسد بفاسد (سایر ممالک اروپ) انکلیسها جزایر مارتینیک را از تصرف فرانسه ها
خارج میسازند جزیره کرس متعلق بفرانسه را پنز پاولی نام برضد فرانسه ها شورانده میخواهد از تصرف آنها
منتزع کردد سفاین انکلیس بعضی بنادر این جزیره را متصرف شدند عساکر اسپانیول که بخاک فرانسه رود و تخطی
نموده بودند آنها را مدد دادند و از خاک خود بیرون میکنند ژنرال هش سردار فرانسه معسکر خود را در کنار

همدران اوان عرضه داشتن پاشا والی بغداد را باطاعت بحضور و مشرف شدن پادشاهی آوردند

رود در سمت المان فرار میدهد پیشگرد و سردار دیگر فرانسه بلژیک را مقصوف میشود عساکر فرانسه بسرداری ما
بخاک ایطالیا ورود میکنند قشون فرانسه هلاند را میگیرند در جزایر متعلقه بفرانسه جنس سیاپوستان که در بند
رقیت بودند آزاد میشوند در ایالت واندیه فرانسه فیما بین جمهوری طلبان و هواخواهان سلطنت جنگ سخت در گرفته
دان تن کر یکی اند و سای جمهوریت متهم و مقتول میشود در مدت سه ماه بر سبیل استمرار در فرانسه از بجا بلا استثنا
هر کس را بچنگ می آورند میکشند در صغیر و کبیر و اناث و ذکور و شیخ و شاب بجا ابقا نمیکنند الا اینکه خواهر لوی
شانزدهم در پاریس مقتول میشود بین پیرنیز از رؤسای جمهوری بقتل میرسد و بعد از کشته شدن او قتل بجا و
اعیان و هواخواهان سلطنت بشدت اول نیست وضع جمهوری تغییر کرده از شدت و حدتیکه در خون ریزی داشت
افتاده قدری ملایمت مابین پیدا میشود بخط و علاوه سخت در فرانسه ایجاد مدرسه پلیتکنیک را آفرده است
طبیعی درس علم طبیعی حیوانات بمتعلمین میدهد اختراع تلگراف در مملکت فرانسه بواسطه علایم نه بواسطه نسیم
معمول حالیه (ایطالیا) و لنا نام اختراع چرخ الماس میکند طغیان کوه آتش فشان وزوو شهر نو را معدوم مینماید
(لهستان) شورش اهالی لهستان و منازعه آنها در چند نقطه با عساکر روس کشته شدن جمعی از عساکر روس در
و مشوفتوحات عساکر پروس در لهستان و تصرف نمودن کراکوی را که از شهرهای لهستان است و وارث سردار روس
قتل و نهب زیادی در لهستان مینماید شهر ورشو مجددا متصرف میشود اسنا بنسلاس از خانواده سلطنت لهستان
کدا عیه سلطنت لهستان را دارد بحکم کاترین امپراطور روس از حقوق سلطنت استعفا مینماید بیکسال در باب تقسیم لهستان
در میان دول روس و پروس و اطریش گفتگو در کار خواهد بود

سنه ۱۲۱۰ هجری — سنه ۱۷۹۵ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال فرخنده فال حضرت همایون شهریار بهمال با شکوه سران و بزرگان قاجار و علما و
اعیان و حکمرانان ارادت شعار قبول تاج گذاری فرمودند و در دار الخلافه طهران تاج کیانی از فرق مبارک سلطانی
فریدونی فرو و فرو عنی تازه یافت باز و بندها یکسر مرصع و مکلل بالماسهای دریای نور و تاج ماه شده بود از باروی با
نیروی پادشاهی بر قدر و قیمت خود فزود شرایط و لوازم این جشن سعید را ملازمان حضرت و هواخواهان
وجود مسعود مبارک بلکه عموم رعایای ایران کاملا مرعی و منظور نمودند و در جمیع بلاد و ممالک محروسه بر منابر
بنام همایون خطبه را مطرز و سکه را مزین داشتند عالی و دانی بعرض تهنیت و تبریک پرداختند و عیش و شادمانی
را بجامع و محافل ساختند و بعضی از مورخین تاج گذاری اعلیحضرت شهریاری آقا محمد شاه را در آخر سال هزار و دویست
و نیز نوشته اند هر چند سال بعد از تاج گذاری چندی عساکر منصوره را آسوده و راحت گذاشتند از مشقت و خستگی
اسفار بیرون آیند چون چند گاهی بر اینمنوال گذشت منای حضرت علیه را مسموع شد که نادر سلطان افشار و بعضی
از اهالی مشهد مقدس اموال و نفایس از خزینه حضرت رضوی سلام الله علیه بیرون آورده تصاحب میکنند فیروز
معروض داشتند که اوزبکهای بخارا بر خراسان استیلا یافته و مرو را قتل و غارت نموده اند لهذا موکب همایون در هفتم
دیقعدهٔ امسال از طهران انتهاض فرموده ابتدا ترکمانیه استرابادرا تنبیهی نیز نموده پس از آن بطرف جاجرم
رانند و از آنجا مصمم مشهد مقدس گردیدند بزرگان خراسان از قبل اللهیار خان قلیچی حاکم سبزوار و ابراهیم خان
کرشادلو حاکم اسفراین و امیر کونه خان زعفرانلو حاکم خبوشان و محمد خان زعفرانلو حاکم چناران و لطفعلیخان
حاکم انک و جعفر خان بیات حاکم نیشابور و صفر علیخان بناپری هریک با فوجی برکاب اعلی پیوستند جعفر خان نیشابوری

با اهل و عیال مامور طهران شد میرزا مهدی مشهدی از اجله علما بهراهی شاهرخ میرزای افشار و مهار قلیچ میرزا پسر
شاهرخ میرزا بحضور مبارک مشرف و بحسن مشمول عنایت و احترام موفور گردیدند و شاهرخ میرزا از ذکر جلوس پدر و
مادر میرزا ولد شاهرخ میرزا عریضه عرض کرده استدعا نمود که او را مرخص فرمایند با متعلقان بهرات رود و مسئول او
مقبول افتاده رخصت یافت و همچنان شادلو مورد مواخذه گشته تا کوچ روانه طهران شد آنگاه اعلیحضرت شهریاری
با خضوع و انکسار تمام از دروازه خیابان پیاده بروضه مقدسه رضوی علی ساکنها الف سلام و تحیه آمده
بزیارت و ضراعت و مراسم عبادت قیام نمودند پس از آن باموور و مهام ملکی پرداختند و تمامی خزینه و جواهر ثمینه
و لآلی آبدار و درای شاهوار مادر شاه افشار که در تصرف شاهرخ میرزا پسر نادر بود چون تعلق بسلطنت
داشت بملازمان آستان همایون رسید بعد از بیست و نه توقف در مشهد مقدس شاهرخ میرزا را با اولاد و
احفاد امر برفتن مازندران فرمودند و شاهرخ میرزا در راه در گذشت شاهزاده بکجان او زیک که در مرو بود
صیت شوکت و توجه ملازمان حضرت شهریاری را بساحت خراسان استماع نموده از مرو راه بخارا پیش گرفت خوانین
خراسان نیز بعد از اظهار عبودیت هریک بحکومتها یالات و اوطان خود منصوب و مرخص شدند و بعضی از کسان آنها
مامور طهران گردیدند و محمد حسنخان قراگوزلو را نزد شاه زمان پسر تیمور شاه افغان امیر کابل فرستادند که بلخ را
که ملکی از بلاد خراسانست و در تصرف کاشتکان او میباشد واگذار و تفویض بملازمان حضرت شهریار عظیم الاقتدار نماید
و اسمعیل آقای مکری را برسالت نزد شاهزاده محمود برادر شاه زمان رفت همچنین رسولی نزد خان بخارا فرستادند حاکم هرات
که شهر مرو را خراب کردی و اسیر برده و ابراهیم علیخان زاکه با قاجار به نسبت داشت هلاک کردی یا اسرا را بفرست یا مهیا
جنگ باش و امهای فرستادن اسرا و هدایا بود که حرکت لشکر و بطرف آذربایجان و انتهاض اعلیحضرت همایون
از خراسان او را از خیال انداخت همدرین اوان خبر دادند که قشون روس بر بندر مغان آمده و قصد تسخیر
آذربایجان دارند و اهالی باکو بر و طالش و سالیان اطاعت آنها نموده بنابراین محمد ولیخان قاجار سپهداری
خراسان مامور شده با ده هزار سوار در این مملکت اقامت کرد و فتحعلیخان کنول را بحراست قلعه مشهد مقدس و تعمیر روضه
مقدسه در یافت مالیات فرمان دادند و موکب ظفر اقتران از خراسان عزیمت طهران فرمود عساکر روس نیز
از میان ولایت اعتسان گذشته قلعه دربند را محاصره نمودند و چون در این ایام حکمران دربند پیرمردی صد و بیست
ساله بود داری و نگهداری قلعه نتوانست نمود لهذا قلعه دربند را قشون روس متصرف شدند در این اوان کانزین
امپراطور روس سر کار سلطنت داشت در گذشت و چون سپاه روس خبر فوت او را شنیدند تمالک شیروان و دربند
آن نواحی را تخلیه کرده بمملکت خود باز گشتند نگارنده گوید مورخین ایران این واقعه را از حوادث سال هزار و دویست
و ده دانسته اما چون مورخین فرنگ فوت کانزین امپراطور روس را در سال هزار و دویست و یازده نوشته اند
باید اینسال را بعد نسبت داد همدرین اوان یعنی در اواخر سال هزار و دویست و ده محمد حسنخان قراگوزلو
که نزد شاه زمان برسالت رفته بود از افغانستان مراجعت کرده سفیر گدوخان نام از جانب شاه زمان با او همراه و
عریضه داشت مبنی بر تشیید مبانی ارادت و تفویض بلخ از روی کمال میل همدر اینسال حضرت مستطاب جهانبانی را که
بحکومت فارس مشغول بودند پسری از بطن صبیه شیخعلیخان بوجود آمد و موسوم بشیخعلی میرزا گردید (چنین)
استعفای خانان لونگ خانان چین از سلطنت بعد از پنجاه و نه سال پادشاهی بر قرار شدن پسرش کیاکن بجای او
که بیست و پنج سال سلطنت خواهد کرد ضبط مملکت خانان لونگ فاسرحدات ایران و ساحل چیچون بوده و تمام ترکستان

وناتارستان مستخر نموده این پادشاه از دانشمندان بزرگ و مروج جمیع علوم و صنایع شمرده میشود و تالیفات عدیده از او باقیمانده است سرو پا پیشکر و سردار فرانسه مملکت هلاند را کلیة متصرف میشود و والی هلاند بخاک انگلیس پناه میجوید اسپانیول با فرانسه در صدد مصالحه میباشد مابین پروس و فرانسه در شهر بال عهد مصالحه منعقد میشود اما منازعه اطریش با فرانسه کماکان بحال خود برقرار است کاترین دویم امپراطریس روس سفاین جنگی خود را با انگلیس بر ضد فرانسه متحد میسازد انگلیس در صدد مخاصمه با مملکت هولاند که دوست فرانسه در زیر حمایت او است میباشد و در راس امپراطریس و سلطان هند و سایر جاها محمله متصرفات هلاند میبرد عساکر اطریش با لشکر جمهوری فرانسه در المان مشغول جنگ میباشند در اواخر ایسال مابین اطریش و فرانسه متارکه میشود لهستان را روس و پروس و اطریش بالسویه بقسمت میکنند و سلطنت لهستان را از نوشتجات رسمی و نقشه جغرافیا بوضع استقلال حذف مینمایند و بعدها این مملکت مجزی شده دولت منفرده سلطنت مستقله نخواهد بود اسنا پنسلاس پنیاتوسکی که آخر پادشاه لهستان بود کوشه کبری را انزوا اختیار کرده موظف بوظایف دول ثلاثه روس و پروس و اطریش خواهد بود (فرانسه) مونث لوی هفدهم پسر لوی شانزدهم در سن ده سالگی در محبس تامپل کوبیده بزجر او را مقتول نمودند بهرحال این مونث او عم او کرد رخاک المان بود خود را لوی هجدهم نامیده بسلطنت فرانسه و حقیت خود در این دعوی معرفی مینماید زیرا که هشت سردار جمهوری در بریتانی با بعضی از سلطنت طلبان فرانسه که انگلیس آنها را مسلح نموده و محرک شده و از خاک انگلیس بخاک فرانسه در ورود داده جنگ کرده سلطنت طلبان مذکور را شکست میدهد وضع دولت فرانسه بدست بخنفرد بس خواهد بود که اینوضع را دیرک نوار مبنا مند شورش سخت در پاریس با پلیون بنا پارت که توپخانه پاریس در تحت ریاست او بود این شورش را رفع مینماید ایجاد مدرسه مخصوص علم طب که عاوم دیگر در آنجا تدریس و تحصیل نمیشود همچنین مدرسه بیطاری تعیین مقادیر بوضعی مخصوص که در صحت آن تردیدی نمیباشد باینمعنی که از قطب تا خط استوا مسافتیکه بخط مستقیم مابین نقطتین است سه بیست کرد قسمت مساوی تقسیم میشود و هریک قسمت را متر قرار میدهند همینطور اوزان را بر مبنای معین مینمایند که بصحت کامل مفرد و نسبت ایجاد و زیر احتساب در پاریس خزانه دار کل که در حبس بود با ارای جمهوری که در المان بود مبادله میشود

سنه ۱۲۱۱ هجری — سنه ۱۷۹۶ مسیحی

آسیا (ایران) در ایسال اعلیحضرت شهریار تاجدار آقا محمد شاه قاجار عزم تسخیر ارمنستان و تدمیر ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ که تقاعد از خدمت داشت فرمودند و قبل از انهاض موکب اعلی نواب مستطاب جهانبانی را از شیراز ببار الخلافه طهران احضار فرموده بیش از پیش بتفقدات کامله در حق او اختصاص داده آنحضرت را در مجلس خاص خواندند و در حضور مبارک نشاندند و بکمال عقل و وفور حزم و لیاقت مملکت داری و رعیت پروری و سایر خصایص شهریاری ستودند و فرمودند در تصفیه ممالک و بلاد و کشور ستانی و لشکر کشی رنج بسیار دیده و زحمت بیشمار کشیده ام و تو را برای تخت و تاج سلطنت ایران برگزیده ایم سفری سخت در پیش دارم چنین میپندارم که این آخرین ملاقات من با تو باشد بدینواسطه تو را نصایح کردم که هم دیده بیدار تو روشن کنم و هم بعضی وصایای خود را بتو اظهار نمایم حضرت مستطاب جهانبانی از استماع اینکلمات منقلب گردیده بگریستند و وجود مسعود همایون را دعا و ثنا گفتند شنیدنها شنیدند و عمر احبت عمرت گفتند و مملکت فارس را مامور شدند نگارنده گوید بنا بر این مقالات ثانیه که بعضی از محققین گویند حضرت مستطاب جهانبانی در همین سال بولایت عهد برقرار کرده بودند اگرچه بزعم بعضی در هزار و دویست و نود و بعقیده برخی در هزار و دویست

وچهار با بیمقام رهنیل شده اند خلاصه موکب همایون در اوایل بهار بطرف چمن سلطانیه نهضت فرما شده و از شاهزادگان
نواب عباس میرزا و محمد تقی میرزا و حسینقلی خان برادر حضرت مستطاب جهانبانی ملتزم رکاب اعلی
بودند میرزا شفیع صدر اعظم با میرزا محمد خان قاجار دولو بحراست دار الخلافه طهران مامور گشتند و حاجی ابراهیم
اعتماد الدوله میرزا اردوی همایون همراه شده راه کنار رود ارس پیش گرفتند و در سلطانیه بشکار جرگه پرداختند اما
از آنطرف ابراهیم خلیل خان بعزم اینکه راه عبور موکب منصور ببندد پل ارس را شکسته بود و آب بر صحاری ریخته
اعلیحضرت همایون اردوی گیتی نورد را در آذینه بازار گذاشته و نواب امیر کبیر سلیمانخان و حسینقلی خان و حاجی
ابراهیمخان را بحفظ اطراف و گماشتن خود بنفس مبارک با صادقخان شقاقی و جمعی از سپاه ظفر همراه از آب عبور فرمودند
ابراهیم خلیل خان اگرچه بعضی از سفاین شکسته و برخی از لشکریان غرق شدند از وضع عبور لشکر منصور هراسان شده قلعه محکم پناه آباد را
گذاشته با عشایر اکریخت و قلعه را عساکر نصرت مآثر پادشاهی متصرف شدند و اموال و اثقال و خزاین و دفاین
زیاد از این قلعه بدست آمد و بعد از این فتح و غلبه کوکب حیات شهریار عظیم الاقتدار ایران میل بافول و غروب نمود
تبیین اینمقال آنکه سر نفراز ملازمان حضرت و چاکران خلوت مصدر جرم و جنایتی شده اعلیحضرت همایون آنها را
بوعید قتل تهدید فرمودند و چون بنجربه بر آنها معلوم شده بود که آنچه را شهریار تاج دار بیان و اظهار فرمایند لابد
بعمل خواهد آمد شفاعت و ضراعت ثمری نخواهد بخشید بنابراین زندگانی خود را منحصر بشهادت پادشاه پناه
ایران دانستند لهذا در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه هنگام سحر بر سر بالین آنشهریار تاجور آمدند و روان دادار بزرگ را
جهان نمکنجید روانه عرصات جنان نمودند و تاج و کمر و باز و بندهای مشهور و صندوقچه جواهر را برداشته نزد
صادقخان شقاقی بردند مدت سلطنت شاه شهید آقا محمد شاه طاب ثراه از قوت کریمخان و کیل هجده سال و دو ماه
بود که نفر بیباد در ظرف پانزده سال کمال استقلال را داشتند نگارنده گوید که جمیع مورخین ایران و فرنگستان
شاه شهید سعید را در سال هزار و دویست و پانزده نوشته اند مگر لسان الملک که در شب شنبه بیست و یکم ذیحجه
هزار و دویست و دوازده نگاشته است بهر حال از مآثر مشهوره ملوکانه این پادشاه تعمیر بلده طهران و تذهیب
قبه حضرت سید الشهدا علیه آلاف التحیة و الثنا و ضریح نقره مطلای نجف اشرف و مرمت و وضع مقبره رضویه علیه
و مسجد جامع قزوین است مدت عمر شریفش پنجاه و هفت سال و الحق از سلاطین با عزم و حزم و اهبت و مهابت
بود و در مدت سلطنت و کشورستانی اقدامات بزرگ فرموده است

پس از آنکه شهریار معظم آثار بسعادت شهادت فایز گشت و آفتاب بر آمد علی الصباح انقلابی در اردو پدیدار شد
محمد حسینخان قاجار سر کشیکچی باشی و میرزا رضاقلی نوائی منشی الممالک سر اسیمه بخوابگاه پادشاه ذیجاه شتافتند و
پیکر مبارکش را غرقه بخون یافتند آنچه از اسباب سلطنت باقی بود برداشتند و از راه نخجوان روانه طهران شدند
و اهل اردو را غارت کردند و چون اینخبر وحشت اثر باردوی بزرگ رسید لشکر متفرق شدند حسینقلیخان
و نواب سلیمانخان در رکاب شاهزادگان عظام روانه دشت گردیدند و از راه دار الخلافه پیش گرفتند حاجی
ابراهیمخان اعتماد الدوله با جمعی از نفنگچیان ماندرانی از راه اردبیل و زنجان بطرف طهران روان گشت و
بخفقلیخان شاهسون در راه با اینسان همراهی نمود نواب علیقلیخان از راه خوی و مراغه و تبریز بدار الخلافه آمده
در چهار فرسخی طهران افامشکر دامراد قزوین بیکدیگر رسیدند و باتفاق بقریه دولاب طهران شتافته در اینمحل
بماندند نواب حسینقلی خان ثانی برادر کهتر حضرت مستطاب جهانبانی خواست بشهر طهران ورود نماید میرزا محمد خان

دولوی قاجار بکلر بیکی طهران بنا و وصیت شهریار مغفور نورالله مضجعه احمدی را بشهزاده نداد و منتظر وصول وارث بالاستحقاق تخت و تاج سلطنت ایران گردید و میرزا محمد شفیع صدر اعظم که چندی وزارت اعظم حضرت آقا محمد شاه طاب ثراه را داشت و بعد از آنکه حاجی ابراهیم خان با مقام رسید و از این رتبه عاطل و باطل و فات در دار الخلافه بود در این باب با امیر معظم همراهی کرد و برج و باره قلعه طهران را بتفنگچیهای مازندرانی سپرده در بروی تمامی امرا بستند و بر مرصد انتظار نشستند محمد این سال نواب عبدالله میرزا و نواب محمد رضا میرزا و نواب امامویردی میرزا فرزندان حضرت مستطاب جهانبانی متولد شدند نیز در اینسال قبل از شهادت شاه سعید شهید انار الله برهانه فرستاده که نزد شاهزاده محمود حاکم هرات فرستاده بودند از کشت و شاهزاده مشار الیه اظهار خلوص و ارادت نموده و معروض داشته بود که اگر بتوانند من نیز یکی از حکام پادشاه فلک خرگاه ایرانم اگر احکام و فرامین شهریاری شرف صدور یابد میان تجدت خواهم بست و ملازمان حضرت خواهم پیوست و بعضی انواعه را بسال قبل نسبت داده اند

نواب مستطاب والاحاجی معتمد الدوله در جمادی الحرام میفرمایند که در شوال المکرم هزار و دویست و ده هجری حضرت آقا محمد شاه بسمت استراباد و کرکان روان شدند طوایف ترکمان را تاخت و تاراج کرده از دهنه فراشیخ بخراسان روان گردیدند کل سران خراسان بر تلتم عتبه همایون شتافتند و شاهرخ شاه اعمی را جناب میرزا مهدی مشهدی بحضور آورد و در خراسان تشریف داشتند که خبر قزل ایاغ و فتنه کرجستان بسمع شریف ایشان رسید دفع و رفع آن طایفه را مهم دانسته مراجعت کردند و فصل زمستان در طهران بر هبه لشکر پرداخته در واسط ذیقعده الحرام هزار و دویست و یازده هجری بجانب کرجستان راپات همایون بحرکت آمد پس از فتح آخذ و رد در قلعه شوشی در شب شنبه بیست و یکم شهر ذیحجه الحرام هزار و دویست و یازده هجری بدست صادق نام فراش خلوت شهید شدند و لفظ تاریخ تاریخ او است و حاکم قراباغ ابراهیم خلیل خان جوانشیر که از اکابر آنولایت است از آن پادشاه روگردان شد و پس از شهادت ایشان خاقان مغفور عنایت کرده وحشت او را براحت و اطمینان مبدل ساخته و صبیه او را بعقد ازدواج خود در آوردند، القصه ولادت شاه پادشاه فهارد در روز یکشنبه بیست و هفتم محرم الحرام هزار و صد و پنجاه و پنج در قصبه استراباد اتفاق افتاد و از عمر شان پنجاه و شش سال گذشته بود انتهی

(ترکستان) همدانیسال ابلندبن عوض اباق بن محمد امین اوزبک قفقازات در خوارزم خروج کرده با تراکمه بموت و غیره جنگ و جدل را انداخت و بر آنها غالب آمد پوشیده نباشد که در این اوان میر معصوم مکنی بشاهراد ملقب بلقب اجداد در بخارا حکمران بود و میان علی قلیت شهر سبز سمرقند داشت و امیر عالم بی در خوقند و دار الملک فرغانه حکمرانی میکرد و ولید و خان در اندخود حکومت مینمود (هندوستان) پتپوصاحب بر ضد انکلیسها با فرانسه متحد میکرد و امرو پا بر انداخته وضع جمهوری فرانسه را دیده و پسندیده میخواهد از انکلیس مجزی شود و بوضع فرانسه جمهوری باشد عساکر جمهوری فرانسه سرداری ناپلیون بناپارت که در اینوقت بیست و هفت ساله میباشد در ایطالیا بر ضد عساکر اطریش فتوحات مینمایند ژنرال ماسینا نقاط دیگر ایطالیا را متصرف میشود مرشد سردار دیگر فرانسه در سواحل رین قشون اطریش را که بسرداری آرشیدوک شارل بودند شکست میدهد ژنرال بناپارت در ایطالیا بیست هزار اسیر و پنجاه عراده توپ از اطریش میگیرد و شکستهای سخت بر او و سر سردار اطریش میدهد و باسان را مسخر کرده فتوحات دیگر بر نهاید غالب ایالات ایطالیا که جزو اطریش بودند و والی و سلطنت مستقل داشتند همچنین بعضی از ممالک امان یا بعنف فرانسه را قبول میکنند با دولت جمهوری عهد و سنی میبندند (اسپانیول) اتحاد این دولت با جمهو

فرانسه

فرانسه که بواسطهٔ این اتحاد اعلان جنگ با انگلیس مینماید (فرانسه) ناپلیون بناپارت را که سردار عساکر فرانسه مامور جنگ
ایطالیا برقرار شده بود ژوزفین نام زاکه ثیبه بود در هشتم ماه مارس در حالهٔ نکاح خود درمی آورد شوهر اول
ژوزفین بهادر نیز بوده و دو فرزند از او داشته یکی پسر موسوم براوژن و یکی دختر مسماة بهرتانس لاپلاس منجم
کتاب نجوم تصنیف کرده که هیئت عالم را بوضع غیر از وضع بطلیموس دانسته و سبک جدید هیئت را انتشار میدهد
(هلاند) دولت هلاند من بعد موسو و معروف بجمهوری باتاو خواهد بود و دولت انگلیس متصرفات هلاند را در
هندوستان و افریقا بغلبه میگیرد (ایطالیا) و بکنور آمدهٔ ستم بعد از بیست و سه سال سلطنت وفات نمود و
پسرش امانوئل چهارم بجای او بتخت سلطنت جلوس کرد (روس) هراکلیوس پادشاه گرجستان در تخت حمایت روس
درمی آید کاترین دوم امپراطور روس در سن شصت و هفت سالگی بمرض سکته وفات میکند مدت سلطنت
کاترین سی و پنجسال بوده است و پس از فوت او پسرش پل اول بجای مادر در سن چهل و دو سالگی بامپراطوری
روس برقرار میگردد

سنه ۱۲۱۲ هجری — سنه ۱۷۹۷ مسیحی

آسیا (ایران) روز دوم محرم امسال خبر شهادت شاه شهید سعید آقا محمد شاه طاب ثراه در شیراز بحضرت
مستطاب جهانبانی رسید و حامل خبر بابا یوسف شاطر بود که در پیاده رو بابا دعوی همقدمی داشت جلوس حضرت
اجداعظم بر تخت خاقانی و اریکه سلطنت در روز عید رمضان امسال خبر حال است چنانکه ذکر خواهد شد ولی بزعم
بعضی از مورخین در هجدهم محرم در شیراز سلطنت خود را اعلام و جلوسی نیز با تمام تشریفات تاج گذاری فرمودند
و احکام و فرامین بحکام و ولایات و ایالات مرقوم و صادر کردید بلکه در وقت معین بدار الخلافه طهران حاضر شوند
بعد از آن نواب شاهزاده محمد علیمیرزا را بنیابت شیراز داده در اواخر ماه محرم موکب مسعود خاقانی از شیراز انتهاض نمود
روز بیستم ماه صفر بدار الخلافه طهران نزول اجلال فرمودند بعضی حرکت موکب خاقانی را از شیراز روز بیستم محرم
و ورود بدار الخلافه را در چهارم صفر نوشته اند ولی روایت اول طرف اعتماد است چنانکه نواب والاحاجی معتمد
الدوله در کتاب جام جم همینطور مرقوم و ضبط فرموده اند خلاصه در کناره کرد نواب حسینقلیخان و حاجی ابراهیمخان
و سایر امرا بار حضور همایون یافتند و نواب حسینقلیخان با آوردن علیقلیخان عموکه سودای سلطنت در سر داشت مامور
شد و علیقلیخان در روز بعد از ورود بدار الخلافه از حلیهٔ بصر عاری گردیده او را در باد فروش موقوف
بداشتند نیز از اشخاصی که بعد از شهادت شاه سعید شهید بخیال خود سری و سربلندی افتاد صادقخان
شقاقی بود بنابین که قاتلین شاه جنت جایگاه پس از ارتکاب این شناعت اول کسی را که از این غایله ها را خبر
کردند صادقخان شقاقی بود و او چون این واقعه را باور نمود قاتلان با این شهریار در رضوان مکان شافته
جواهر گرانبها و آلات و داری ثمینهٔ مخصوص شخص سلطنت را برداشته نزد صادقخان آورده با و تسلیم کردند
و او بقین برها جری نموده و تشعشع جواهر شاهوار و آلات بدار در دماغ او سودای سلطنت تولید کرد لهذا
بی تامل از قلعهٔ نیاه آباد بیرون آمد و مصمم عراق شد یعنی ابتدا بسراب آمده برادر خود جعفرقلیخان را بحکومت
قراجه داغ مامور و برادر دیگر را که محمد علی سلطان نام داشت بادوغلی تبریز فرستاد و خود بقزوین رانده این
بلاد را محاصره نمود چون ابتدا محمد علیخان معروض آستان حضرت خاقان شد ابتدا حسینخان قاجار قزوینی ذوالفقاری را مامور
قزوین کردند در این اوان محمد علیخان قاجار که مامور حراست مشهد مقدس بود بدار الخلافه آمد و موکب

منصوبه شهریار عظیم الشان حضرت خاقان با عساکر غراوان متوجه قزوین شد صادقخان شقاقی نیز با بیست و پنجهزار مشئوم آذربایجان در محل موسوم بخاك علی از حومه قزوین مهیای جدال شد پس از تلاقی دو لشکر جنك سخت صادقخان شکستی فاحش یافت و ده هزار نفر از همراهان او مقتول و مجروح و دستگیر شدند و خود بطرف سراب گریخت و این در اواسط ماه ربیع الاول بود پس از غلبهٔ عساکر منصوره حضرت خاقان شهر قزوین را بورود مسعود مزین فرمودند و در اینجا چند تن از غلامان و دو نفر را که در قتل شاه شهید بخالقی داشتند براه عدم روانه نمودند و چون نواب حسینقلیخان در جنك با صادقخان جلادتی بکار برده بودند بحکمرانی ایالت فارس نایل گردیدند و ایالت ظفرآیات همایون متعاقب صادقخان روانه آذربایجان گردید بعد از ورود بزنجان معلوم شد که در آنحدود و سامان طاعون بروز کرده اینواضعه اسباب مقاومت ندید و معلی بدار الخلافه گردید و در ماه جمادی الاخره اینسال موکب همایون بطهران معاودت فرمود همدانیان و محمدخان قوانلوی قاجار را با روانی را که چندی مغضوب بود بایروان مامور فرمودند و اسمعیلخان قاجار شامبیاتی را بکوتوالی قلعهٔ مزبور فرستادند و جعفرقلیخان دنبلی حکومت خوی و تبریز یافت و صادقخان شقاقی بقیه اغتشاش را بکردن کرفته جواهر اثاثه سلطنت را بحضور موهبت ظهور خاقانی انفاذ داشت و بحکومت سراب گرمرود نایل گردید و ابراهیم خلیلخان بزنگ اطاعت بمیان بست و حسینقلیخان عزالدین لو قاجار بمجلل نعش شاه شهید سعید نورالله مضجعه که در شوشی امانتگذاشته شده بود مامور گردیده جسد مطهر آن شهریار عظیم الاقتدار را بدار الخلافه آوردند هنگام ورود حضرت خاقان و جمیع شاهزادگان و امراء اعیان و علما و معارف با لباس سیاه با یکمنزلی دار الخلافه نعش را استقبال کردند و در حضرت بعد العظیم امانتگذاشته و شرایط فاتحه خوانی و خیرات مبرات کامل بعمل آمد بعد از آن طهماسقلیخان محمدعلیخان قوانلوی قاجار و ابراهیمخان عزالدین لو و ملا مصطفی قشقه و میرزا موسی منجم باشی کیلانی و جمعی قرا و سایر لوازم و بقیه تمام آن نعش شریف را بطرف عتبات عرش درجات حرکت دادند و ولاة و حکام عجم و عرب باستقبال شتافته احترامات و تعظیمات لایقه نمودند خلاصه روز بیستم شهر رجب جسد مطهر شاه شهید در نجف اشرف در محلی خاص مدفون شد همدانیان با تصدیع هزار تومان از بقایای ولایات ممالك محروسه را بتخفیف دادند و در روز عید رمضان اینسال که خورشید افتاب از برج حوت بحمل نیز در آید روز اتفاق میمنت افتاد حضرت خاقان بساعت سعد و سما بر تخت کیانی و سریر جهانبانی جلوس فرمودند و تشریفات تاج گذاری بوجه اکمل بعمل آمد و آنروز را تحقیقه برای عموم اهالی ایران سر عید سعید بود عید رمضان و روز نوروز و جلوس خاقان کیتی ستان و فتحعلیخان ملك الشعراء متخلص بصبا از اعاظم اهالی کاشان و فحول شعرای زمان قصیده غرا در تهنیت جلوس همایون بعرض آستان مبارك رسانیدند که ماده تاریخ جلوس خاقانی را در آخر آن قصیده بدین نحو انشاد کرده (زتخت آقا محمدخان شد و بند شست با خان) و نواب والا حاجی معتمد الدوله نیز لفظ با با را بطور یکه خود نواب معظم الیه اختراع فرموده اند تاریخ قرار داده اند باین نحو که کلمه با با عبارتست از دو بای موحده و دو الف و چون هر یکی بترتیب باینشکل (ب ا ب ا) با ارقام هندسی مطابق شود عدد هزار و دویست و دوازده میشود که سال جلوس حضرت خاقان کشور ستانست همدانیان فتحعلیخان بزدی بدرجه منزلت نائل گردیده محمد حسینخان برادر کهتر حاجی ابراهیمخان شیرازی بسرداری اینولایت سرافراز شده مبالغ هنگفت و وجوه مالیات و سالیانه را با بوالهادیخان ولد فتحعلیخان گرفته بدار الخلافه آوردند پس از چندی حکومت کرمان نیز بفتحعلیخان مفوض گردید همدانیان در سال محمدخان زند که پس از استیصال و انقراض زندیه در اطراف دربدر بود مقارن فتنهٔ صادقخان شقاقی موقعی بدست آورده با جمعی از الوار باصفهان آمد

واز آنجا که حاجی محمد حسینخان بسکر بیکی اصفهان در دربار همایون بود رضا قلیخان از عهده دفع کردن محمد خان برنیامد
واو بر اصفهان استیلا یافت و میرزا عبد الوهاب مستوفی اصفهانی را خجل در امور ولایتی خود علیحضرت خاقان فیخفور شاه
قاجار حسینقلی خان دولو و مهر علیخان دامانلو و لهور دیخان عزالدینلو و حسینخان قاجار قزوینی را بالشکری بر سر محمد
خان زند فرستادند و عساکر منصوره محمد خان را مقهور و منهزم ساخته میرزا عبد الوهاب مستوفی را نیز از نور بصر
محروم و معجور ساخت و مقرر بود محمد علیخان قاجار اصفهان را بحرم اطاعت محمد خان قتل کند ولی شفاعت علما و سادات
اهالی معفو گردیدند و یوسفخان بختیاری بختیارخان زند را گرفته بآستان مبارک فرستاد و او را بسزا رسانید
روانه دیار عدم گردید همدر اینسال جعفر قلیخان دنبلی و صادقخان شقاقی با یکدیگر مخالفت کرده صادقخان بمغان
و شروان گریخت و آخر الامر با هم دست موافقت داده محمد قلیخان افشار حاکم اردوبی را نیز فریفته برای خود سر را
گذاشتند حسینقلی خان افشار برادرزاده محمد قلیخان از پیش عم خود گریخته بدربار گردون آثار آمد و واقعه را
بعرض رسانید و خود او با محمد علیخان عرب بسطامی که بوزباشی غلامان بود باطفای نایره این فساد مامور گردید
و محمد ولیخان قاجار بدفع محمد خان زند سپهسالار خود و بر وجه درفت و نواب امیر کبیر سلیمان خان قاجار مامور آذربایجان
شد همدر اینسال محمود میرزا و فیروز میرزا پسران تیمور شاه بن احمد شاه افغان بدعای حکمران کابل و قندهار از آن
در افغانستان هراسان شده بآستان اعلیحضرت خاقان آمدند و سبب وحشت آنها این بود که شاه زمان برادر
کهتر شاهزاده همایون که ولیعهد تیمور شاه بود خروج نموده او را برگرفت و کور کرد و در بالاحصار کابل بند نهاد
این معنی سبب خوف و هراس محمود میرزا و فیروز میرزا شده بدربار اعلی روی نهادند اسمعیل آقای مکری نایب اسپیک
آقاسی باشی همانداری آنها مامور و روانه یزد شد و آنها را بطهران آورد چراغعلیخان نوائی که امیری سنجیده
و دبیری فهمیده بود بمصاحبت ایشان و امیرزاده وکامران میرزا ولد محمود میرزا مقرر و محکوم شد و بعد ها
بتوقف آنها در کاشان اشارت رفت و اسدالله خان ولد ابراهیمخان اعتمادالدوله بهمانداری آنها پرداخت
و شمول عنایت خاقانی گردیدند همدر اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کیهانستان متوجه سلطانیه شد و روز هجدهم
ذیحجه باین ناحیه نزول اجلال فرمود و صادقخان شقاقی نواب امیر کبیر سلیمان خان قاجار را شفیع جرایم خود
قرار داده و جعفر قلیخان باکراد بایزیدی پناه برد و محمد قلیخان افشار اردوبی پس از قلعه داری دستگیر گشت
همدر اینسال محمد هادیخان والد رضا قلیخان امیر الشعراء متخلص بهدایت صاحب مؤلفات جلیله که بواسطه
هدیه شاه شهید سعید انار الله برهانه بعتبات عالیات رفته بود بحکم اعلیحضرت خاقان کشور ستان با اهل و
عیال بدار الخلافه مراجعت کرد و در پیش سفینهٔ عمل خلوت پادشاهی بر عهده او موکول شد و فات آقا سید
مهدی طباطبائی برجردی مشهور ببحر العلوم از اجلهٔ فضلا و مجتهدین در سن پنجاه و هفت سالگی گذشته شد
سید معصوم علیشاه دکنی از مشاهیر عرفا رحلت نمود علیشاه اصفهانی از عرفای معروف در موصل وفات یافت
حسین دقوق شاعر اصفهانی اروپا را سیاحتها کرده بفرانسه متخدمیاشند با انگلیسها مشغول جنگ
هستند عساکر اطریش با فشون جمهوری فرانسه در ساحل رود خانه رین زده و خورد میکنند فتوحات
ناپلیون بناپارت با جمعیت قلیل در ایطالیا که از آنجمله فتح ریولی و مانتو بود عساکر اطریش کلیه از ایطالیا
خارج میشوند در صفحه ماه نبرداری ناپلیون بناپارت پنجاه هزار نفر فشون فرانسه علاوه بر غلبه بر
عساکر ایطالیا سه اردوی بزرگ معتبر اطریش را شکست دادند و ناپلیون با کمال رشادت [illegible]

اطریش حرکت کرده و تا پانزده فرسخی اینشهر تاخته و مقدمات صلح را مابین جمهوری فرانسه و دولت اطریش ترتیب داد بنابراین بلژیک را دولت اطریش بفرانسه واگذار میکند و ایالت لمبارد ی را دولت اطریش بایطالیا تخلیه مینماید جزایر یونین که از جمهوری و نیز بود جزء فرانسه میشود مراجعت ناپلیون بناپارت مظفر و منصور بفرانسه (انگلیس) با تمام انگلیس بقدری بی اعتبار میشود که مدت بیست و دو سال وجه مسکوک برات ندارد فقط اسکناس میدهد (فرانسه) اغتشاش در وضع دولت تفتین سلطنت طلبان با تمام کار ایجاد طریقه کونیست کرده بحکم دولت مقتول میگردد فوت هشت از سرداران معروف در سن بیست و نه سالگی (پروس) فوت فردریک گیلیوم دویم پادشاه در سن پنجاه و سه سالگی و جلوس فردریک گیلیوم سیم پسرش بجای او (عثمانی) عساکر عثمانی بوضع و طرز قشون فرانسه ملبس شده مشق میکنند ایجاد مطبعه در اسلامبول حاکم سرستان بدولت یاغی شده شکست سختی بعساکر عثمانی میدهد و باشرایط مفیده برای سرستان مجددا اطاعت مینماید

امریکا (اتاونی) واشنگتن از ریاست جمهوری خلع و ژن آدامس بجای او منصوب و برقرار میگردد

سنه ۱۲۱۳ هجری — سنه ۱۷۹۸ مسیحی

آسیا (ایران) در ششم محرم اینسال موکب همایون خاقان کشورستان بظاهر شهر اردوی نزول اجلال فرموده بنظم انصفحات پرداختند و در هفدهم محرم رایت عزیمت بجانب خوی و سلماس افراشتند و حسینخان برادر جعفرقلیخان دنبلی خدمات عوده مورد مرحمت گردید همدا ابنسال حسینقلیخان برادر اعلیحضرت خاقان با وجود رعایت مخصوص که از او فرموده بودند یعنی حکومت فارس را که بشاهزاده محمدعلی میرزا تفویض شده بود با وعنایت کردند باز براه نفاق میرفت و سودای سلطنت در سر داشت و بدین جهت میرزا نصرالله علی آبادی ماز ندانی را که در عهد شاه شهید سعید بوزارت حضرت خاقانی برقرار بود و در اینوقت از جانب اعلیحضرت همایون وزارت و پیشکاری فارس را داشت با آقا محمد زمان که کلانتر فارس و برادر حاجی ابراهیمخان اعتمادالدوله بود و میرزا اسمعیل کوتوال قلعه شیراز را کرهنه کور کرد و جمعی را بکرفتن جان محمدخان قاجار سردار کلار فرستاد و او بطرف کاشان کریخت و حسینقلیخان بر اثر او شتافته اما باو نرسید لهذا در آباده توقف کرده رشتخان بیات را بمحافظت شیراز روانه نمود و بنده را میرزا علی کرایلی سپرد که باین خواستبرد و خود با صفهان رانده حاجی محمدحسینخان بیکلربیکی اصفهان قبل از ورود او عیال و پسر بزرگش عبدالله خانرا بیزد روانه کرد و خود با محمدعلیخان قاجار در خارج اصفهان نشست و باخبر وقتی بملازمان حضرت همایون رسید که از ظاهر خوی حرکت کرده عازم شیروان و گرجستان بودند بنابراین بنواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضادالدوله را مامور آذربایجان نموده و موکب معلی بطرف عراق عطف عنان فرمود و در منزل اردوئی پسر بزرگ محمدخان زند را مفیدا بحضور مبارک آوردند و بموجب امر اعلی از جلیه بصره عاطل نموده و او بجانب کوی و کدائی بصره رفت و در آنجا درگذشت و در منزل میانج ابوالفتح خان ولد ابراهیم خلیلخان شرفیاب آستان همایون شد و از نواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضادالدوله سعایتی نمود در حق سلطانیه بملا علی اصغر هزار جریبی ملا باشی حکم فرمودند شاهزادگان عظام نواب عباس میرزا و محمدقلی میرزا و حسینقلی میرزا در هر منزل از منازل عراق که باشد باستقبال حضور مبارک نایل شوند بنابراین در منزل درجزین شاهزادگان معظم شرفیاب حضور حضرت خاقان اعظم گردیدند و پس از توجهات شاهانه راه دارالخلافه پیش گرفتند اما حسینقلیخان بکراز و فراهان آمده و لیخان قاجار که در توقف بعراق معتمد دلنکی شده بود بوی پیوست و موکب

چهارشنبه

معلی روزی دو در منزل ساروق و فراهان اقامت فرمود و در اینوقت محمد علیا والده خاقان کشورستان باصلاح
ذات البین در رسیدند اما احاصله نبخشید و در بیست و هشتم شهر صفر در صحرای کره مستعد مقاتله شدند ملازمان
حضرت خاقان محض ملاحظه و رعایت برادری میرزا موسی نجبا شی را نزد حسینقلیخان فرستادند که او را نصیحت نماید
حسینقلیخان از نصایح میرزا موسی که فرمایشهای خاقان کشورستان بود شرمنده شده برکاب اعلی آمد و میران
ندیم با یوان بزم مبدل کردید و ولیخان قاجار که محرک او بود سیاست شد لشکر حسینقلیخان بمعسکر همایون آمدند
و محمد علیخان قوانلو سرداری فارس یافت نورعلیخان عزالدینلو ایشیک آقاسی باشی با لاری کوهکیلویه سرافراز و
حسینقلیخان دولو بسپهداری کرمان مفتخر کشت و موکب مسعود خاقانی در ماه ربیع الاول بدارالخلافه باهره نزول
اجلال فرمود و نواب امیرکبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله که بعضی از نزدیکان او محرک وی شده که اکر در عراق فتنه برپا
شود او نیز بتسخیر دارالخلافه آید چون دانست که موکب خاقانی با تأیید آسمانی وارد دارالخلافه شده ترک هوا و
سودا نمود و علیقلیخان کلیائی و پسرش حسینخان با بای نا نکلی که او را تحریک میکردند نواب معظم آنها را کرفته
مقیدا باستان مبارک فرستاد و خود از راه باصطبل پادشاهی پناه برده معفو کردید و علیقلیخان کلیائی و پسرش براه
عدم رفتند و خانبابای نا نکلی و عبدالله خان اوصانلو در راه دیوبرکدشتند همدرین سال محمود میرزای افغان
که پناه باستان مبارک آورده و در کاشان میزیست دانست که عراق بی پادشاه و کابل بی پادشاه است و حکم همایون شرف صدور یافت که امیر حسینخان
عرب جاکرطبس و میرعلیخان حاکم قاینات بمساعدت و همراهی او مامور شوند همدرین سال امیر حسینخان عرب و میرعلیخان
که از احفاد خلیفه سلطان مازندرانی و از پادشاه عباسثانی کرد و سالها در مازندران حکومت میکردند و بتوسط اشرفخان
دامغانی مستخلص شده باصفهان رفته و اسحق میرزا ان کسی است که کریمخان زند با سم او مملکت مازندران مسخر و در غائله
هایله شاه شهید سعید الوار بختیاری بدار او دست آویز کرده باین بهانه راه زنی و تاخت و تاراج میکردند و بدین
منوال ملعبه خیال بود لهذا او را حبس کرده بودند همدرین سال جعفرقلیخان دنبالاکرد و مین آباد بزیدی بود جمعی را
با خود متفق ساخته بخوی و سلماس آمده برادر خود حسینخان را مجبور بمتابعت همایون ابراهیمخان قاجار
دولو را بدفع او مامور فرموده پس از زد و خورد جعفرقلیخان مغلوب لشکریان او برخی دستکیر و بعضی مقتول کردیدند
و ابراهیمخان بتوقف تبریز مامور شد و چند نکذشته که حسینخان درکذشت و جعفرقلیخان بخوی آمده با ولیای دولت
علیه متوسل شده حکومت خوی و آن نواحی یافت همدرین سال زیاده از صد هزار تومان زر و اسباب حضرت خاقانی بنیاد
عالیات یعنی جف اشرف و کربلای معلی و کاظمین علیهم السلام و حضرت معصومه و میراحمد زاده و سایر مشاهد پادشاه چراغ
اهدی وارسال داشتند همدرایسال بامر اعلی شروع در بنا خانه حضرت معصومه در حوالی طهران نمودند و حسینقلیخان
بایالت و لایت تمنان برقرار کشت و چون با یولایت قناعت نداشت بحکومت کاشان منصوب کردید و شاهزاده
محمدتقی میرزا بحضانت و تربیت والده آنولایت شد و حکومت سمنان بنیابت شاهزاده محمد ولی میرزا مفوض آمد و حکمران
قزوین را نواب شاهزاده محمد علی میرزا مرحمت فرمودند و از آنجا که حضرت شاهزاده معظم عباسقلی میرزا بموجب وصایت
والد شاه شهید سعید نورالله مضجعه بایدیولایت عهد نایل و لشکریان جانباز و بیعانت برقرار کردند بخشش و خنجر و شمشیر
مرصع و خلعت آفتابطلعت همایون مخلع و بار تبه ولیعهدی و نیابت سلطنت بحکمرانی آذربایجان منصوب کردیدند
و با بایکه نواب امیرکبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار و با پانزده هزار سوار جرار و رو بمرکز حکمرانی نهادند
و میرزا عیسی قزاهانی مشهور بمیرزا بزرک از سادات کرام که آبا و اجداد مشار الیه وزارت داشته اند بوزارت مخاصه

حضرت ولیعهد اب سلطنت اختصاص یافت و ملازم خدمت ایشان کردید و ابراهیمخان قاجار سردار کرد در
بغربین بود بمتابعت و اطاعت حضرت شاهزاده مامور آمد و بعضی ولایت عهد حضرت شاهزاده معظم
و تشریف فرما شدن بآذربایجان از حوادث اوایل سال هزار و دویست و چهارده دانسته اند خلاصه مقارن
این احوال نواب ابراهیمخان بن مهدیقلیخان بنجم و داماد اعلیحضرت خاقان کشورستان با جمعی از عساکر ظفرمآثر
مامور بتوقف چمن کندمان و حراست عراق و فارس کردید همدر این اوان محمد آقای دیوان افندی از جانب سلیمان
پاشا والی بغداد با هدایا و عرایض بآستان اعلی آمد همدر اینسال موکب همایون بقصد قلع و قمع نادرمیرزا ابن
شاهرخ میرزا و تصفیه خراسان متوجه آنسامان کردید و مقرر شد حسینقلیخان که در رکاب میمنت انتساب
بکاب مبارک پیوندد پس از آن در چمن فیروزکوه اعلیحضرت خاقان سپاه منصور را سان دیدند و حسینقلیخان
[illegible] همدر اینسال [illegible] و جانمحمدخان دولو بریاست منقلای بطرف خراسان روان شد و او در
[illegible] و اسفراین بطریق مقصد انتهاض فرمود و صادقخان شقاقی و حسینخان ذوالقرآقاسی
[illegible] مشیرخان مامور و روانه کشتند و موکب معلی بناحیه بنشاپور ورود کرد و علیقلیخان
[illegible] بیات همراه بنشاپور که پدرش ملتزم رکاب مبارک بود بحضور همایون مشرف شد و بجهة انجام خدمات
بشهر رفته و چون حکم شد جزایرچیان ببرج و باره شهر جای گیرند این فقره اسباب توهم علیقلیخان شده بنای مخالفت را گذاشت
حسینقلیخان بیک از بنی اعمام جعفرخان باردوی پادشاهی آمده مشمول مرحمت کردید جعفرخان باستمالت پیر خود بشهر رفته ولی
او نیز عصیان ورزید بنابراین پیر بکر جعفرخان که در اردو بود بسیاست رسید و چاره آمد و حکم بپورش و محاصره قلعه دادند آخرالامر
بتوسط شفعا اهالی معفو کردیدند و جعفرخان نیز مجددا منقلی خدمت کردید و حسینقلیخان عمزاده او بنیابت بنشاپور
یافت همدر این اوان صادقخان شقاقی و حسینخان قاجار قزوینی که مامور تدمیر باستمالت میرزا شکرخان شده بودند صادقخان
بر حسینخان سبقت کرفته با میرزا شکرخان ملاقات نمود و او را باطاعت نادرمیرزا تحریص کرد چنانکه از مضمون عریضه او این فقره
مفهوم میشد اعلیحضرت خاقان این نکته را نفهمیده ولی قلب مبارک پنهان داشتند و حکم شد صادقخان بجان محمدخان
ملحق شود و بمحاصره مشهد مقدس پردازند نکارنده کوید بعضی از مورخین توجه موکب خاقانی بخراسان نیز از وقایع سال
هزار و دویست و چهارده شمرده ولی بعد از تصفح مسطورات مختلفه معلوم میشود که در اواخر اینسال این ظفرآیت
پادشاهی بعزم تصفیه خراسان باهتزاز درآمده اما سوانح عمده اینسفر و محاصره مشهد مقدس از حوادث سال
هزار و دویست و چهارده میباشد انتهی

وفات میرزا ابوالقاسم جابلقی مشهور بقمی اعلی الله مقامه از اجله علما و وفات آقا سید علی طباطبائی مجتهد و عالم معروف
(ترکستان) در این سال ایلنذرخان خوارزمی ابن محمدامین اینانا ابن فاضل اینانا ابن ابوالغازی یهلتان ابن اسفندیار ابن
عربمحمد سلطان ابن حاجم خان بخارا بورش برد و جمعی را اسیر و دستگیر کرد اما در هنکام عبور از رود آمویه یعنی
جیحون غرق و هلاک شد مدت ملکش در خوارزم تقریبا دو سال بوده بعد از آن پسرش محمدرحیمخان نوه بجای او
برقرار کشتار رو پاد در شهر رم پای تخت بطالیا مردم بر ضد پاپ شوریده اعلان جمهوری مینمایند پنج ششم پاپ
که هشت سال داشت از شهر رم اخراج میشود شورش در سویس و اعلان جمهوری سویس مصمم شدن دولت فرانسه
برای فرستادن قشون بمصر بقصد خلل رسانیدن بتجارت انکلیس تا ایران و نزدیک رجعه جمهوری بسفارت باسلامبول
روانه میشود عساکر فرانسه بسرداری ژنرال ناپلیون بناپارت عزیمت مصر مینمایند ناپلیون جمعی از علما و حکما و فضلا شان

فرنگ را

فرنك را با خود بمصر میبرد و بعد از حرکت از بندر تولن بطرف مصر جزیره مالت متصرف میشود و ناپلیون بر بندر اسکندریه وحرکت کردن او بسمت قاهره جنگ معروف بخلیج کبیر همان غلبه ناپلیون بر قشون مصر که در تحت سرداری مراد بیك بودند و فتح قاهره نلسن امیر البحر انکلیس سفاین فرانسه را در بندر ابوقیر میشکند دولت عثمانی بتحریك انکلیس بفرانسه اعلان جنك مینماید ژنرال بناپارت تمام مصر را متصرف میشود اتحاد و اتفاق دول مجدد بر ضد فرانسه باغوای انکلیس و دولت عساکر فرانسه در ثانی بخاك ایطالیا اتحاد روس و عثمانی بر ضد فرانسه و آمدن یك اردو از عساکر روس بامداد معاندین فرانسه بایطالیا (انکلیس) شورش در اروپا و اعلان جمهوری در آنجا (فرانسه) ایجاد مدرسه حرف و صنایع مستظرفه از قبیل نقاشی و موسیقی و غیره ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس (روس) جلوس آخرین پادشاه کرجستان هراکلیوس در زیر حمایت روس امریکا (هایتی) در جزیره هایتی در دریای محیط پاسفیك تونسنام برسیاپوشان ریاست کرده تمام مهاجرین فرانسه را که در آنجا بودند بیرون میکنند

سنه ۱۲۱۴ هجری — سنه ۱۷۹۹ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل امسال اردوی کیوان شکوه خاقانی بدور مشهد مقدس بود و عساکر منصوره شهر را در بند محاصره داشتند و بملاحظه احترام مشهد و مرقد مطهر امام ثامن سامن علیه السلام چندان تخریبی نمیکوشیدند و مع ذلك کار بر محصورین سخت شده و چار غلا گردیدند نادر میرزا اظهار ضراعت و اطاعت نموده و فرزاد یکی از دختران خود را در حبالهٔ نکاح یکی از شاهزادگان اولاد امجاد خاقان درآورده و مسافرت بلد بموافقت کرده بنابراین ضراعت و رعایت حرمتی که ذکر نمودیم در پانزدهم ماه ربیع الاول امسال موکب منصور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه از محاصره شهر مشهد مست کشیده بمنزل چناران آمده و امر کونه خان کرد زعفرانلو حاکم جنوبشان رخصت معاودت بمحل حکمرانی خود یافته و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر با او همراه شد کریم بیك اردلان نامزد شاهزاده جمشید میرزا بود بار معلی آورده و جعفر خان بیات حاکم بیشابور نیز مخلع و روانه نیشابور شده و در چمن سبطام نواب حسینقلیخان که بسبب نقاهت از التزام رکاب معاف شده بود صحیح و سالم بحضور همایون مشرف جست بعد از آن عزیمت دامغان فرمودند و بعد از عزوج و اهالی جرم جلالت را با مهدیقلیخان قاجار و میرزا محمد شفیع مازندرانی وزیر روانه داراالخلافه نمود موکب معلی در چمن علی بولاغی شکارها پایل کردید و راه ارجمند و نوا پیش گرفت و در فیروزکوه نیز شکاری شایسته اتفاق افتاد و در اواسط ربیع الثانی دارالخلافه بقدوم مبارك خاقانی مزین آمد همدر این سال در ماه محرم حضرت ولیعهد نایب السلطنه عباس میرزا وارد تبریز شدند و بعد از ورود جعفرقلیخان دنبلی حاکم خوی را احضار کردند مشارالیه باطاعت صادرت ننموده لهذا حضرت والا بقصد تنبیه او بسلماس توجه فرمودند و بطرف قارص و باینزید رفته و پناه باکراد برده و پانزده هزار نفر فراهم آورده و عزم رزم حضرت شاهزاده معظم کرده ولی ملازمان حضرت قبل از وصول او بقلعه هودر که جایگاه نفایس و اخایر جعفرقلیخان بود یورش برده قلعه را مسخر و اموال او را کلیةً متصرف کردیدند مردان قلعه مقتول و نسوان و صبیان دستگیر عساکر نصرت اقتران کردیدند جعفرقلیخان این خبر را شنیده دیوانه وار بمقابله لشکر شاهزاده کامکار با اقتدار شتافت و در قریه سوغانجوق در هفتم ربیع الثانی فریقین تلاقی نمودند پس از کوشش بسیار جعفرقلیخان چاره جز فرار ندید و آخر الامر با تاسف و پریشانی بخاك عثمانی رفت و قلعه ماکو لاکه از تلاع چنود سعد است پناه باکراد بایزیدی برد و حضرت اسعد والا ولیعهد بخوی و رود فرمودند و بر حسب امر اعلی و حکم والا محمود خان دنبلی نواده شهباز خان دنبلی بحکمرانی خوی و سلماس برقرار شد و سرداری این صفحات را

بیربلیخان شایسته داشتند و بتبریز مراجعت فرمودند و صبیه ابراهیم خلیل خان حاکم قراباغ را که حسب الفرمودی با
داخل در حرم سلطنت کرده از شوشی روانه دارالخلافه گردند محمد رامیسال محمود میرزای افغان که با میر
حسنخان طبیب سرعلم خان قاینی متوجه هرات گردیده بود و قصد مقاتله شاه زمان و تسخیر کابل و قندهار داشت
قبیر میرزا انور را شکست داده منهزم هرات بازگشت و در دو هرات میرزا فاغنه اندخوی را غارت کردند تا چاربلاق
آمده عرض حال داخر بفیه بدربار خاقان بهمال انفاذ داشته مقرر شد با صفهان آمده معزز در اینشهر اقامت نماید
تا موضع تموت سورسد محمد رامیسال صبیه امیرکونه خان در حبالهٔ نکاح نواب شاهزاده حسینعلی میرزا درآمد و در
بانزدهم ماه جمادی الآخره باین صوب پرداخته و زیاده از صد هزار تومان خارج این علیش شد محمد امیسال محمد علی
خان ملقب بهادر جنبان خانه حکومت هند و ستان انگلیس با تحف و هدایا بدربار معلی آمده سلطنت اعلیحضرت
خاقان کشور ستان را تهنیت و بتبریک بکفت پرفرستاده بتپو صاحب پادشاه دکن با سه فخر فیل و چند نفس اسبهای
عربی مطبوع و کجلهٔ مکلل بجواهر بدارالخلافه نامزه آمده هدایای خود را بشدیم حضور مبارک نموده موفق بتقدیم بوسگاه
گردیده باجوابهای لایق و انعامهای شایان مراجعت کرد محمد امیسال حکمرانی مازندران بنواب شاهزاده محمد قلی میرزا مفوض
شد و فرمانفرمائی فارس را بنواب شاهزاده حسینعلی میرزا دادند و میرزا نصرالله علی آبادی که نواب حسینعلیخان
را از نور بسیر محروم مناخته بود بوزارت شاهزاده مشارالیه برقرار گردید و چراغعلی
خان نوائی هم بدرانی نیز بپیشکاری فارس مفتخر گشت محمد رامیسال حضرت اعلیحضرت را بجانب السلطنه و بعهد از آذربایجان
بدارالخلافه آمده شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان کشورستان گردیدند و پس از چندی باز از آذربایجان معاودت
فرمودند و نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضادالدوله و رضاقلیخان و ابراهیمخان فاسجادهم اهی اتحضرت مامور گردیدند
محمد رامیسال اللهیارخان قلیجی که براه خودسری میرفت عریضه مشتمل بر اظهار اطاعت و انقیاد بدربار معلی انفاذ
داشته و مصمم گردیده که صبیه خود را بحبالهٔ خدام حضرت جلالت فرستند و میرزا اسدالله مستوفی نوری باتمام این مهمت
منتخب گشته محمد رامیسال عساکر منصوره از اطراف رکاب همایون احضار شدند و همدزاه اطاعت پیوسته مکرر بشفاعت
شفاعة که بشیوه اسلاف صادقخان شقاقی تقاعد و تخلف کردند و چون پیش از این خلاف و نفاق صادقخان معلوم شده
بود مغضوبیت مورد سخط اعلیحضرت خاقانی گردیده و او را در خانه تنگ موقوف و محبوس داشتند تا از کرمنشاه راه دیار
عدم پیش گرفت و محمد علیخان برادرش لشکر کرد کی شقاقی برقرار آمد و برادر دیگرش سادوخان بر پیش سپک طایفه زرکی
سراز انکشید و پیرو دستور اسلاف خویش گردید محمد رامیسال کرد بدد محمد رامیسال نواب جیدرقلی میرزا از بطن صبیهٔ
نواب مرتضی قلیخان تجار عم اعلیحضرت خاقان کشورستان متولد گردید محمد رامیسال نواب محمود میرزا قدم بعرصهٔ
عالم نهاد و وفات جلبی عبدالوهاب نامه از مشایخ و کملین عرفا در سنه بود و شش سالگی و وفات آقا محمد علی اصفهانی
متخلص بشدا و وفات مهدی بیک شاعر شقاقی (هندوستان) بتپو صاحب بواسطه نرسیدن امداد فرانسه او مغلوب
انگلیس شد و بعد از هفده سال سلطنت مقتول میگردد و مملکت میسور هند را انگلیس بتصرف میآید امرای عساکر
محمدیه دوس و عثمان جزیره کرفو از جزایر یونین را از فرانسه منتزع میسازند اعلان حرب فرانسه باطریش بعد از یکسال
و نیم صلح دول انگلیس و اطریش را لمان و ناپل و پرتوغال و روس و عثمانی بر ضد جمهوری فرانسه متحد میباشند
شکست عساکر فرانسه در دو سه معرکه از قشون اطریش سوار قسمرار دوس در ایطالیا فرمانده عساکر متحده
روس و اطریش است که بر ضد فرانسه میباشند قشون فرانسه چندین مرتبه از لشکر دوس شکست بجور مند

با سپاه سردار دیگر فرانسه در سوئیس فتوحات میکند و با سوارف سردار روس تلاقی نموده او را نیز شکست میدهد
بعد از این شکست امپراطور روس عساکر خود را احضار مینماید در هولاند کشتیهای جنگی روس و انگلیس از سفاین جنگی
فرانسه شکست خورده نه هزار نفر از قشون روس بلا سپه سردار فرانسه اسیر میشوند ناپلیون از مصر شام حرکت
میکند و بندر یافا (یافه) را متصرف میشود و عکه را محاصره نموده بدون نیل مقصود بمصر مراجعت مینماید و از آنجائکه
اخبار یکپارچه از فرانسه باو میرسد مساعد باحیالات و ترقیاتیست که در خاطر دارد در پاریس عساکر فرانسه را در مصر بر کلیر
واگذاشته خود بسمت فرانسه روانه میشود (فرانسه) انقلاب و اغتشاش شدیده در پاریس و سایر بلاد فرانسه
و دولت ناپلیون بنا پارت بخاک فرانسه و پیرهن او را بانهایت شعف و بهجت رود بنا پارت بپاریس رئیس قشون
پاریس باو تفویض میشود و از یک اندک در جنال و صدر ریاست کل است مجلس و کلا بر ضد ناپلیون بنا پارت میباشد
ولی بنا پارت با قشون مسلح در آنجا مجلس میکند و باوجود اینکه او را معزول مینمایند غلبه بر وکلا میکند و
وضع دولت را تغییر میدهد تا از این ببعد دولت فرانسه بوضع کنسولا میباشد و ناپلیون بنا پارت رئیس دولت است
بنابین انکه ریاست دولت بسه نفر کنسول مقرر است ناپلیون کنسول اول است کامبا سرس و لبرون دو کنسول
دیگر او را معاون خواهند بود و در قصر سلطنتی تویلری منزل خواهند کرد ایجاد روزنامه در پاریس (ایطالیا) فوت پاپ
ششم پاپ (روس) فوت ژوزف یازدهم پادشاه کرجستان که بعد از فوت او کرجستان مستقلا در تحت تصرف
روس در آمد امام بیکا (اتاوتی) فوت و استکتن معروف

سنه ۱۲۱۵ هجری — سنه ۱۸۰۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال موکب اعلیحضرت خاقان گیتی ستان فتحعلی شاه مظفر متوجه تسخیر سبزوار و نیشابور گردید
بنابین انکه اللهیار خان سبزواری قلیچی که پیش از این عریضه ضراعتی بدربار گردون مدار عرض کرده و بعرض رسانیده
بود که صبیه خود را بخدمت خدام حرم جلالت خواهد فرستاد و میرزا اسدالله مستوفی نوری باتمام این خدمت مامور گردید
بعد از رسیدن میرزا اسدالله بسبزوار اللهیار خان پشیمان شده بنای مساعده را گذاشت بنابراین ابراهیم خان قاجار
عمزاده خاقان کامکار با مهدیقلیخان دولو و حسینخان قاجار قزوینی ده هزار سوار و پیاده بمحاصره آنقلعه
روانه شدند و بامیر کونه خان زعفرانلو حاکم جوشان و ابراهیم خان شادلو حکمران اسفراین نیز حکم شد که با ابراهیم خان
پیوسته و موکب منصور خاقانی را در انتهاش فروگذارده در حین عبور از بیابان سپاه ظفر همراه پرداخته و در پنجم محرم بنواحی
خارج قلعه مزبور حضرت جم سپاه احتشام کرده بنواب حسینقلی خان برادر کهتر خاقان بمحاصره قلعه سبزوار و ملحقات
آنها و الی بلکی قلعه گراز مستحکمات اللهیار خان قلیچی بود خود داری نموده لشکر منصور اطراف و بورش بردند حصاریان
مقهور و اموالشان مغلوب شده از در استیمان در آمدند آقاخان و لد مصطفی خان عمزاده خاقان گیتی ستان حسب الامر
بحراست قلعه محکوم گردیده موکب همایون خاقانی بشریف فرمای حوالی سبزوار شده و از آنجا که جعفرخان بیات از
براه خلاف رفته بحکم همایون شرف صدور یافت که نواب حسینقلی خان بمحاصره نیشابور و تنبیه جعفرخان قیام نماید
اما اللهیار خان قلیچی که موکب ظفر کوکب را نزدیک و درهای حاره را بسته دید میرزا اسدالله مستوفی را واسطه
قرار داده و صبیه خود را با او بازدوی معلی فرستاد جعفرخان نیز اظهار نداشت نموده ولی عساکر همایون بهیچ
نحو بنواحی سبزوار و نیشابور مشغول شدند مقارن اینحال طرهباز خان فرستاده شاه زمان افغان با آنکه
وهدایای بیکران باستان مبارک آمده شاه زمان بشفاعت جعفرخان و اللهیار خان پرداخته و معاودت

موکب ظفر قرین خاقانی را درخواست کرده و اظهار داشتند که بعد از بازگشت فشون نصرت نمون جعفرخان و اللهیارخان بحضور همایون مشرف خواهند شد ملازمان آستان پادشاهی حسب المصلحة تمنیان و مسئولان شاه زمان را قبول فرمودند و محمود میرزا ولد تیمور شاه که در این سفر ملتزم رکاب اعلی بود با برادر و پسر خود فیروز و کامران عازم قندهار و کابل شد و احکام بامراء و حکام خراسان شرف صدور یافت که رعایت جانب او را منظور دارند و موکب خاقانی بطرف دارالخلافه عطف عنان فرموده نواب حسینقلی خان در اسفراین و ابراهیمخان عمو اوغلی در نزدیکی آق قلعه باردوی معلی پیوستند آقا خان قاجار از بنکی قلعه مزبان احضار شد و ابراهیمخان عرب باد شتر عرب و عجم ماموره محافظت آن نواحی و حدود گردیدند و موکب اعلی بچمن کالپوش نزول اجلال فرموده مدت پانزده روز در آنجا اقامت کردند پس از آن آنجا ببسطام و دامغان و علی بولاغ توجه فرموده فشون فارس و عراق مرخص شدند و موکب همایون از راه چشمه علی دامغان بسمنان نشریف فرما گردیدند مدت پنج شبانه روز در اینجا بعیش و سرور و عروسی نواب محمد ولیمیرزا والی سمنان مشغول بودند آنگاه بطرف دارالخلافه نهضت فرموده در چهارم ماه ربیع الثانی شهر طهران از مقدم مبارک اعلیحضرت خاقان کشور ستان رشک و رضوان گردید بعد از انتظام امور ممالک محروسه عزیمت تسخیر کیلان فرمودند و در قزوین صبیه احمدخان مراغه را در سلک ازدواج نواب شاهزاده محمد علیمیرزا حاکم قزوین درآوردند نواب ابراهیمخان عمزاده خاقان کشور ستان بنظم ولایت کیلان رفته لهذا موکب همایون بدارالخلافه معاودت فرمود همدانیان نواب شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه بحضور مبارک آمده مورد توجهات کامله گردیدند این سال سیر ژن ملکم از جانب حکومت هند و ستان انگلیس با نامه مودت ختامه و هدایای لایقه وارد بندر بوشهر گردید و فتحعلیخان نوری بسمت نیابت اوری رفت بعد از ورود بدارالخلافه در سرای حاجی ابراهیمخان منزل یافت و لوازم احترامات او بعمل آمد و قرارداد اتحاد دولتین ایران و انگلیس بشرط معین با او داده شد و حاجی خلیلخان قزوینی با جواب نامه مهر علامر که سیر ژن ملکم حامل بود باتفاق او ماموریت سفارت یافت اما اللهیارخان قلیچی و جعفرخان بیات چون بعد از شفاعت شاه زمان باز خلاف قرارداد کردند و بقتل عتبه علیه مبادرت نمودند نواب ظهیر الدوله ابراهیمخان عمزاده خاقان کشور ستان با بیست هزار نفر بمحاصره سبزوار ماموور و مقرر شد محمدخان و ابراهیمخان دو لوو پسر قلیچخان شامبیاتی و حسینخان قاجار قزوینی با آن سردار با اقتدار همراهی کنند و نواب مهر کیهر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار با پانزده هزار سوار مامور نیشابور گردید و بجوانین خراسان احکام قضا نظام شرف صدور یافت که بمعاونت و معاضدت نواب ظهیر الدوله و نواب اعتضاد الدوله کمر خدمت بر میان بندند و مهدیقلیخان دولوی قاجار دیسر دژ آذربایجان و توقف در قلعه خوی محکوم گشته و محمدصادقخان دنبلی ایالت خوی یافت و محمودخان دنبلی بآستان اعلی آمده بامارت نخجوان و ولایت حضور برقرار آمد همدایشان چون برادران و پسران حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله هریک در ناحیه حکمرانی داشتند و ملازمان حضرت گردون بسطت همایون نفرتن خلاف از آنها فرموده مقرر شد همه را در روز معین کرفته تنبیه نمایند و چنین کردند و خود حاجی ابراهیمخان متعزول و چندی در قزوین و طالقان میبود تا در گذشت و میرزا محمد شفیع بندپی مازندرانی اصفهانی الاصل بوزارت اعظم نایل آمد و والدت رضاقلیخان معروف بلله باشی که متخلص بهدایت و امیر الشعرا و صاحب مصنفات جلیله مشهوره و از امرای بزرگ میگردد و وفات میرزا محمدتقی کرمانی ملقب بظفر علیشاه و از [illegible] مشهور و علمای معروف صاحب دیوان مشتاقیه و بحر الاسرار و خلاصة العلوم و کبریت احمر و [illegible] در اصفهان مدفون اوست در بیرون دروازه مشرقی این شهر که موسوم بدروازه اصفهان است

اروپا

اروپا بعد از مراجعت ناپلیون از مصر بفرانسه وضع قشون فرانسه در مصر مختل میکرد جنگهای کلبر سردار فرانسه
در مصر با عساکر عثمانی و تعاقب نمودن آنها تا سرحد شام اهالی شهر قاهره که در عقب کلبر بر فرانسه شوریده
بودند پس از مراجعت این سردار بانشهر را متصرف میشود یکی از مسلمانان متعصب کلبر را در قاهره مقتول میسازد و مرگ
سردار قشون فرانسه از رودخانه رن عبور کرده با قشون اطریش برابر میشود و آنها را شکست میدهد ملاس سردار
اطریش که با صد و سی هزار نفر از ایطالیا گذشته و بر پیش آمده که با قشون فرانسه مقابلی کند ناپلیون با چهل هزار لشکر
در طرف چهل و دو با او برابر نموده از کوه آلپ گذشته ملاس را شکست داده تمام ایطالیا را مسخر میسازد و در مارانگ
نیز شکست سختی بعساکر اطریش میدهد مراجعت ناپلیون بفرانسه مظفر و منصور انگلیس بر ضد فرانسه با اطریش تجدید عهد
کرده الآن دوازده سال پول با و میدهد مرور از طرف ناپلیون مامور بصلح و بنیه میباشد و جنگ سختی با قشون اطریش کرده
تا حوالی وینه میرود اطریش استیصالا از جمهوری فرانسه طلب صلح مینماید انگلیسها جزیره مالت را از فرانسه ها میطلبند
ناپلیون این جزیره را به پل اول امپراطور روس میبخشد انگلیس این بخشش را مقبول ندانسته و خود میخواهد مالت را متصرف
شود امپراطور روس چشم از دوستی انگلیس پوشیده دول سوئد و دانمارک و پروس را با خود متفق ساخته بر ضد انگلیس
بافرانسه متحد میشود و ایلچی کبیری ببارلین میفرستد (انگلیس) ارلنپارلمنت حضور نمیدهد و وکلای خود را ببارلمنت لندن میفرستد
بلاد عربی میشود رهند بتصرف انگلیس در میآید (فرانسه) دولت جمهوری برپاستاپلیون بر ضد متفقه انگلیس است یکی از
خواهرهای ناپلیون در حباله نکاح مورات است که از سرداره ای معتبر ناپلیون است در میآید ایجاد بانک در فرانسه عهد دوستی
و تجارتی فرانسه با اتاوی در طرف اینسال در فرانسه دوسه ربته قصد قتل ناپلیون مینمایند (ایطالیا) پی هفتم بعد از پی
ششم پاپ میشود (عثمانی) جزایر سبعه یونین که فرانسه ها از ونیز گرفته اند سفاین روس و عثمانی معا آنها را از فرانسه
منتزع میسازند و بوساطت روس این جزایر وضع جمهوری پیدا کرده از تحت سلطنت عثمانی خارج میشود ولکن در سال
یک مبلغی خراج باسلامبول میفرستد علی پاشا که هیجده سال بود از طرف دولت عثمانی حکومتالبانی را داشت و مرکز
حکمرانی خود شهر یانینا را قرار داده بالتمام اطراف البانی را حکمرانی و سلطنت بوضع استقلال قرار میدهد امریکا
(جزیره هایتی) توسن رئیس یا عیسای هایتی میشود

سنه ۱۲۱۶ هجری — سنه ۱۸۰۱ مسیحی

آصفیا (ایران) در ششم ماه صفر اینسال موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه قشریف فرما
قصر قاجار گردیده یکشب در اینجا اقامت کردند بعد روانه شکارگاه جاجرود گردیدند و از آنجا بچمن مشائی ماوند
سایر اماکن متنزهه آستاحت خلد مانند رانده چندی تفرج مینمودند و در اواخر ماه مزبور شرحی از خیالات حسینقلیخان
برادر حضور موهبت ظهور خاقان رسانیدند و معلوم شد که مشارالیه از کاشان با صفهان و از اصفهان بعراق رفته
بهمه جمعیت و لشکر مینماید و سودای سلطنت در سر دارد بنابراین بموجب امر اعلی جانمحمدخان دولوی قاجار و آقا
قم و کاشان گردید و حسینقلیخان برادرزاده او بحوالی اصفهان رانده و آقاخان قوانلو بسیلاخور
رفت و فرمان همایون عز نفاذ یافت که هرجا حسینقلیخان را بدست آرند ماخوذ دارند و بآستان مبارک روانه
سازند همدانی اوان ابراهیمخان عمزاده خاقان مبرور با رجالات آثار و سپهر نشان آمده و نواب میرزا سلیمانخان عضد
الدوله از سبزوار و پیشابو با عباسمیرزا برادر نادرمیرزا ابن شاهرخ بن رضاقلیمیرزا بحضور همایون مشرف
جستند و عباسمیرزا نادرمیرزا برسم گروگان فرستاده بود نیز در اینوان اعلیحضرت خاقان کشورستان حضرت

نایب السلطنه و ایلچی عباس میرزا و با میرزا محمد شفیع صدر اعظم در دار الخلافه طهران شقاوت مهام ملکی فرمود صورت
اعلی در دوم ربیع الثانی از طهران عزیمت اصفهان فرمود و حاجی محمد حسینخان بیکار بیکی از نایبین بجا پاری بر نطنز
آمده در اینجا بتفصیل رکاب معلی فایز گردید حسینقلیخان چون از حرکت اردوی همایون خبردار شد بجانب کرمانشاهان
شتافت و اختلالی در امور و اوضاع او بهم رسید محمد قاسم نام که محرک حسینقلی خان بود ببغداد فرار نمود و حسینقلی خان
که راه عراق عرب را برابر بسته بود ندادم و پشیمان در قم بقعه مبارکه حضرت معصومه سلام الله علیها پناه برد اعلیحضرت
خاقان کشور ستان بجانب قم عطف عنان فرمودند حسینقلیخان شمشیر بگردن گریان در صحن مقدس بخشوده مهر
ظهور خاقان آمد و پیرانه اظهار ندامت و طلب عفو و استکانت نمود های اقامت و توقف در قم نمود اعلیحضرت همایون
اورا مرخص و ماذون فرمودند و موکب منصور بقصد معاودت دار الخلافه نهضت فرمود کشت محمد امین و ان اعوان
و انصار حسینقلیخان را از هر ناحیه و مکان گرفته بآستان جلالت بنیان فرستادند و هر یک بقدر جرم و جنایت
دو چار عقوبت و سیاست شدند پس از چندی بشفاعت میرزا ابو القاسم مجتهد گیلانی از علمای معروف حسینقلیخان
بدر آستوب شهران آمده در اینجا متوقف گشت و آخر الامر بواسطه خود سری جهان بین خود را بدر و نمود و در دز آستوب
بعبادت مشغول بود تا دست اجل نقد حیاتش را در ربود همدر این ایام اللهیارخان قلیچی حاکم سبزوار بملازمان حضرت
نایب السلطنه و لیعهد دولت علیه عباس میرزا متوسل شده و با اهل و عیال دار الخلافه آمده اطمینان یافت و میرزا
محمدخان قیاقلوی قاجار بحکومت سبزوار رفت اما نادر میرزا با وجود فرستادن عباس میرزا برادر خود را بگرو گان
در شرفیابی آستان مبارک تعلل و تقاعد نمود لهذا ابراهیمخان عمزاده خاقان کشور ستان باده هزار نفر مامور
خراسان گردید و اعلیحضرت همایون بنفس نفیس مصمم انتصمیم شدند و چون در اوایل سال بعد انتظام فرمودند
در محل خود شرح آن بیاید ولادت نواب شاهزاده همایون میرزا و فات میرزا عبد الله مختصر شهاب شاهزاده شیرازی و فات
میرزا مهدی شهرستانی از فضلای معروف و امر وز پا معاهده بین طرفین و فرانسه که موجب این معاهده کلیتر برای فرانسه بود
اسپانیولها بتحریک فرانسه بر پرتوغالها که با انگلیس متحد بودند اعلان جنگ نمودند پادشاه ناپل مجبورا با فرانسه متحد گردید
انگلیس بمخالفین فرانسه اعلان جنگ میکند و سفاین جنگی او تا پای تخت دانمارک میرود پل اول امپراطور روس که با فرانسه
متحد شده بود باغوای انگلیس معقول میگردد و جانشین او الکساندر اول برخلاف سبک پدر با انگلیس متحد میشود
هیجده هزار نفر از عساکر انگلیس بمصر ورود کرده قشون فرانسه را بعد از آنکه سه سال این مملکت را متصرف بودند از
مصر میرانند عهد صلح ما بین فرانسه و عثمانی و روس و کفتکوی مصالحه فرانسه و انگلیس (انگلیس) اغتشاش
داخله و قلت نفوذ بواسطه جنگ هشت ساله با فرانسه فرخ دولت انگلیس را بنیسال از دوازده میلیارد فرانک
زیاد تر است که هر میلیارد معادل دو بیست کرور تومان پول ایران است تحطی سخت و شورش مردم کریلاد و فرار او
غارت همنایند شورش مردم بر ضد پاپ ضد اعظم و این صدر اعظم با هالی دادند وعده وفا هیچ میدهد اما از آنجا
که اهالی ایرلند کاتولیکی مذهب هستند و پادشاه پرستانی مذهب نهایت عصبیت را در اینطریقه دارد از دادن رخصت
پارلمنت بوامضایقه مینماید بپاپ دیپلماتیک بعد از هفده سال وزارت از شغل خود استعفا مینماید و آدنگتن نامی صدر
اعظم میشود در سخت پادشاه مبایعه نمودن کمپانی انگلیس تا هیچ ارکان دولت مغرب مدرس واقع است در مجلس
پارلمنت گفتکوی ساختن راه آهنی در میان میباشد تعداد نفوس جزیره انگلیس شهای در اینسال هفده کرور و
سیصد هفتاد و دو هزار نفر و کسری میباشد و جمعیت آکس بیست و دو کرور داشت (فرانسه) مردم فصیح فضل

جون

ناپلیون

ناپلیون را کرده و صد و سی نفر از جمهوری طلبان بجزیرهٔ آمده اخراج بلد میشوند و حکم قتل بعضی صادر میکردد
چنانچه مالک از بالاتفاق محروسه در سواحل جزو سایر ایالات فرانسه شده و حکام برای آنها تعیین میشود آداب و
رسوم دینی که جمهوریان حذف نموده بودند مجددًا ناپلیون آن آداب و رسوم را برقرار مینماید دولت فرانسه با والی
الجزایر معاهدهٔ تازه منعقد مینماید ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس اول اختراع چرخ بخار در فرانسه
تعداد نفوس تمام فرانسه در اینسال پنجاه و چهار کرور و سیصد و چهل و نه هزار نفر است (روس) بجا
از قانونیکه امپراطور پل برای نظام ترتیب داده بود رنجیده و منغیر اند امپراطور پل نهایت دوستی را با ناپلیون
دارد با بنواسطهٔ ایلچی انکلیس مقیم دربار دولت و سرکنت دوپالن سردار عساکر موقعه در پطرزبورغ را محرک
است و بنابراین بحریک شب بیست و سیم ماه مارس روسای قشون امپراطور پل را هلاک نموده پسر ارشد والکساندر
اول را بجای او جلوس میدهند کتب فرانسه و ورود آن بخاک روس ممنوع بود امپراطور جدید آوردن آنرا باین مملکت
اجازه میدهد و مطبعه شاد روس را بالنسبه آزاد مینماید که جسته جسته کلیهٔ ضمیمهٔ مملکت روس میشود در داغستان جنگ در
کار است (سوئد) دولت سوئد که بتحریک ناپلیون جمهوری شده سایر دول اینوضع جمهوری را میشناسند امریکا
(اتاونی) ژفرسن بریاست جمهوری معین و برقرار میکردد

سنهٔ ۱۲۱۷ هجری — سنهٔ ۱۸۰۲ مسیحی

آسیا (ایران) در اول اینسال یعنی روز دوشنبه هفدهم ماه محرم موکب منصور اعلیحضرت خاقان کشورستان
فتحعلی شاه بقصد خراسان انتهاض فرمود و تشریف فرمای جمن رادکان کردید اسحق خان قرائی که تاکنون با غی
روی داشت این دانست که جز اطاعت و خدمت خاقان کشورستان هرچه کند زیانست روی دل بجانب این آستان
نموده برای اظهار عبودیت و استرضای رای اعلی حضرت به نیشابور آمده باستمالت جعفرخان بیات پرداخت و او را
با خود بحضور موهبت ظهور خاقانی مشرف ساخت و سایر خوانین آخند و دنبز در بقیهٔ اطاعت و انقیاد حضرت کردون
بسطت سلطنت را یکردن کرفتند و نواب امیرکبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قاجار و حسینخان قاجار قزوینی
قوللر آقاسی (تبعیر) چنارانماموریشدند و نواب شاهزاده محمد علی میرزا و اسحق خان کرد قرائی مقدمة الجیش موکب منصور
شده بحاصرهٔ مشهد مقدس روانه شدند روز نهم ربیع الاول رایات ظفرآیات خاقانی از جمن رادکان متوجه مشهد
مقدس کردید و در اینشهر را سپاه نصرت همراه احاطه کرده و مدت محاصره بطول انجامید و قراوبادیها حوالی بغارت
رفت و در شهر مشهد آتش قحط و غلا بالا کرفت میرزا محمد مهدی مشهدی از اجلهٔ علما بارد و معلی آمده بشفاعت پرداخت
معاودت موکب اعلی را استدعا نمود و امرای خراسان متعهد شدند که پس از عود اردو همایون شهر را مستخلص کنند
و نادر میرزا را کرفته بعتبهٔ علیه آورند لهذا حسینخان قاجار قزوینی حاکم نیشابور و سردار خراسان بتوقف و تسخیر
ارض اقدس مامور شد و موکب ظفر کوکب خاقان کشورستان معاودت را انتهاض فرمود پس از رسیدن منزل علی بولاغ
دامغان بصید و شکار مشغول شده بدینمنوال بسمعان که مقر حکمرانی شاهزاده والا تبار محمد ولی میرزا بود نزول
اجلال فرمودند همدران اوان فیصر میرزا پسر شاه زمان افغان با یک زنجیر فیل با سندان حضور مبارک شتافت
و در هفتم ماه جمادی الاولی موکب منصور ببارالخلافه بازکشت همدانیسال صبیهٔ مرضیهٔ امیرنامدار میرزا محمد خان
بیکلربیکی قاجار در سلک ازدواج حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا منسلک کردید و
شاهزادکان و امرا و اشراف اناطراف و اکناف مملکت در موقع این جشن بزرک و سور لازم السرور ببارالخلافه

حضرت پیر سایند و تا یکهفته بهجت و حبور کذرانیدند اما محمود میرزای افغان که با مداد ملازمان آستان خاقان کشور ستان بقندهار و کابل تاخت آیند و ولایت را مستخر ساخته و شاه زمان را از حلیهٔ بصر عاری نموده و فیروز میرزا برادر خود را بهرات فرستاد پس از آمدن قیصر میرزا بپیشگاه زمان بدربار مکرمت آثار خاقان حقوق این آستان را از یاد برده براه عقوق رفت افاغنه نیز از وی شاکی و بقیصر میرزا راضی شدند اعلیحضرت همایون قیصر میرزا را بمخبر مرصع مخلع و بهر بند شمشیر مکلل مباهی فرموده بتسخیر ملک مورثی خود روانه داشتند همدانیسال پس از جشن نوروز فیروز و عید سعید خاقان کشورستان بمهمانی حضرت مستطاب نایب السلطنه و لیعهد دولت علیه عباس میرزا تشریف فرما شده حضرت معظم یکهزار قطعه جواهر الوان و چند اسب و استر و مبلغ وجه نقد و مقداری امتعه و اقمشه بر سم پیشکشی و شکرانه قدوم بهجت لزوم پادشاهی تقدیم حضور مبارک نمودند همدانسال بتوسط خواجه داود نام از آن و بغداد نامه از ناپلیون بناپارت کنسول اول فرانسه بحضرت خاقانی موصول کردید خواجه داود لقب خانی یافته حامل جواب آن نامه کردیده بفرانسه روان شد همدانسال عبدالعزیز نامی از مشایخ نجد که پیر و طریقه وهابی بود و داعی اینطایفه میشود در رعیه قلعهٔ محکم بناخت و چند بار بحرمین شریفین زادهما الله شرفا و تعظیما بنجف اشرف آمده بغارت پرداخت و از آنجا که بسیرش نیز در عید غدیر در آخر سال کذشته بکربلای معلی تاخته و چندین هزار از نفوس زکیه و جمعی کثیر از علما و سادات و فضلا و عرفا و محققین را در ظرف هفت ساعت بشربت شهادت چشانیده که از آن جمله عارف کامل و عالم فاضل ملا عبدالصمد همدانی صاحب بحر المعارف بود که چهل و چهار سال در آن ارض خلد نشان مجاور و بریاضت اشتغال داشت خلاصه بعد از سفك دماء آنقوم شقاوت انتما باوطان خود باز کشتند و این خبر مسموع ملازمان حضرت خاقان کشورستان کردیده اسمعیل بیك بیات را نزد سلیمان پاشا والی بغداد فرستادند و امر فرمودند که بطرد و دفع ایشان عشیره از دسلیمان پاشا قبول کرده ولی چندی نکذشت که در کذشت و این امر بر عهدهٔ تاخیر ماند ولی شخصی از عجم عبدالعزیز را براه عدن روانه نمود و لادت نواب اسمعیل میرزا و فات ابراهیمخان مخلص با نو فرزند کریمخان زند امر و پا انعقاد عهد مصالحه مابین فرانسه و انکلیس و امین در این مصالحه انکلیس آنچه را از فرانسه در خاك فرنك کرفته و متصرف شده حق او میداند و جزایر فرانسه را که در دریاها متصرف شده بود با و مسترد میدارد و از آنطرف فرانسه جزیرهٔ سیلان را که مال هلاندیها بود حق انکلیس میداند معاهده مابین فرانسه و عثمانی (فرانسه) بواسطهٔ صلح عمومی تجارت و صناعت رواج دارد و طرق و شوارع و سایر لوازم و اسباب سهولت مهیا و آماده میشود ناپلیون هرناشر ببیه خود را در سلك مزاوجت برادر خود لوئی بناپارت منسلك میسازد کد ناپلیون یعنی قانون فقهی فرانسه که ناپلیون ترتیب داده بود رواج میکیرد نشان لژیون دنور ایجاد میشود تمام مهاجرین فرانسه که در ایام فترت و جمهور از خاك فرانسه رفته بودند اذن و حکم معاودت میدهند اهالی فرانسه کنسول اول بودن ناپلیون را در تمام مدت حیات او امضا میکنند بلکه کنسول اول حق تعیین جانشین خود را نیز دارد و قصر تویلری در سن کلو را بجهت منزل ناپلیون تعیین مینمایند مملکت پیمونت ایطالیا جزو انضمام فرانسه میشود (ایطالیا) شارل اماتوئل چهارم پادشاه سارد نیا از سلطنت استعفا کرده و بکتور امانوئل اول برادر شرجای او منصوب و برقرار میکردد (روس) تعیین داده ولت که هر دایره بدست زیر دست صورت استقلال ایجاد و وزارت داخله و وزارت علوم طغانرق در ساحل دریای آزف قرار یابد معهد ایجاد میشود امر بکا (اتاونی) ایجاد مدرسه نظامی موئلت نام از شعبه اتاونی در پاریس ایجاد کشته

بخارا بفرستاد (هیچ) سردار فرانسه لکلرک که با بیست هزار نفر وارد انجزیره شده بود توسن رئیس ناپغها را مغلوبا بفرانسه فرستاده و توسن در اینمملکت میپرتب زرد و هوای نامساعد درهای اسباب خسارت و زحمت قشون فرانسه شده و لکلرک وفات مینماید و مجدد اشورش در انجزیره در میگیرد

سنه ۱۲۱۸ هجری — سنه ۱۸۰۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال بیکلربیکی استرابا از شرارت و فساد نزاکه صابن خانی بدربار حضرت خاقانی شرحی شکایتی معروض داشت لهذا در هفتم شهر صفر المظفر موکب منصور اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلی شاه از دار الخلافه طهران بطرف ساوه و قراچه حرکت کرد و در موقف قراشیخ متوقف گردید و عساکر منصوره بهیاموال و اسرطوایف مزبوره دست دراز کرده تترکمانان چون کار را سخت دیدند از در استیمان و استکانت درآمدند بنابراین موکب همایون از قراشیخ بمجز کالپوش راند و مشغول تفرج و شکار شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا در علی بولاغ بشرف حضور همایون مشرف گردیدند و بعد از بیست روز موکب اعلی ببار الخلافه طهران معاودت فرمود همدا بنیسال در عشر آخر شعبان والدهٔ معظم حضرت خاقان کشور ستان راه عزم جنان کرفت و در نجف اشرف مدفون گردید همدا بنیسال حسینخان قاجار سردار عساکر خراسان بمعاونت نواب محمد ولیمیرزا صاحب اختیار سمنان و موافقت خوانین خراسان یعنی اسحق خان قرائی و محمد خان همزاره و امیر قلیچ خان بیموری و امیر کونه خان زعفرانلو و لطفعلی خان درجزی و هفت هزار سوار رکابی قلعهٔ مشهد مقدس را محاصره کردند نادرمیرزا بجهت فقدان مسکوک و مال تجار این و اموال حضرت رضوی سلام الله علیه پرداخت و خود را هدف سهام ملامت ساخت هر حال کار بر محصورین سخت شد و در شب غرهٔ رمضان شهر مشهد بتصرف عساکر قضا توان درآمد نادرمیرزا کمان کرد که قلعه داران باشارهٔ میرزا محمد مهدی مجتهد مشهد تقصیر و کوتاهی در قلعه داری کرده و اینمعنی اسباب غلبهٔ سپاه ظفر همراه کردیده لهذا بر در روضهٔ مقدسه شتافته بر خلاف حرمت در را با تبر زین شکسته چند زخم کاری بر آن سید عزیز زده و بیرون آمده از شهر خارج شد و فرار کرد پس از خروج او نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بشهر رود نمودند و نادرمیرزا را در چهار فرسخی شهر طایفهٔ ازابلات کرد بکر فتند و خدمت شاهزاده معظم آوردند و در همین ایام میرزا محمد مهدی مشهدی از اثر زخمهای نادرمیرزا بجوار رحمت الهی پیوست و نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان شدند و نادرمیرزا را مغلوبا ببار الخلافه طهران فرستادند و بقصاص ریسیدن بدر کوار میرزا محمد مهدی مشهدی مقتول کردید

نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله در کتاب جام جم مینویسند در رمضان هزار و دویست و هجده شهر مشهد مقدس نیز مفتوح کشت و نادرمیرزا پسر شاهرخ شاه کرفتار کردید و او را با جمعی از احفاد نادر در اواخر ذی قعدة الحرام اینسال بطهران آورده بسیاست رسیدند و خاقان بلفظ کهربار فرمودند حمد خداوند را که قصاص باسم کرد نادر شاه فتحعلی خان را کشت و فتحعلی شاه نادرمیرزا را سیاست نمود انتهی

خلاصه پسران و کسان نادرمیرزا بعضی از حلیه بصر عاطل و برخی بصدمات عاجل و آجل کرفتار کشتند چند تن بتوقف ماندند ان مامور و چند نفر با قامت فارس محکوم کردیدند همدا بنیسال قشون روی بطرف برسعه و قراباغ آمدند و جواد خان زیاد لوی قاجار حاکم کنجه مراتب را بدربار سپهر اقتدار همایون معروض داشت و سعید خان دامغانی مامور بتحقیق و تبیین مطلب کردیده دو انر کنجه شد همدا بنیسال چون حسن خان

پسر نجفخان بزدی در حکومت کرمان استقلالی نداشت و اب ابراهیمخان داماد و عمزادهٔ اعلیحضرت خاقانی
حکومت آنجا مان برقرار کردید و نواب شاهزاده حسینعلی میرزا ایالت و حکمران دارالخلافه یافت و حضرت
مستطاب نایب السلطنه و لیعهد دولت علیه بحکمرانی و انتظام مهام آذربایجان تشریف فرما شدند و میرزا
عیسی فراهانی مشهور بمیرزا بزرگ در وزارت قایم مقام صدارت عظمی کردید همه ساله ایلچی بروس میفرستاد
سیسیانوف متوجه قفقاز شده بودند بعد از استیلا بر تفلیس یکسره تاختند و آنشهر را مسخر ساختند و پس از
تسخیر سه روز بقتل عام پرداختند و جواد خان گنجه نیز با یک پسر خود مقتول شد و اهل قراباغ و ایروان نیز خائف
شده باسم اردوس بطریق مدارا حرکت میکردند (سیسیانوف سردار اردوس همان است که عوام انزاک او را
ایشخد میکفتند) اما محمد خان قوانلوی قاجار والی ایروان باغوای جعفرقلیخان دنبلی و کلبعلی خان نخجوانی
باسم اردوس بساخت چون اینوقایع بعرض آستان خاقان عظیم الشان رسید حضرت مستطاب نایب السلطنه
ولیعهد دولت علیه را بآنحدود مامور فرمودند و کسانیکه بالتزام رکاب مبارک مقرر و معین کردیدند از انفرادند
میرزا شفیع صدر اعظم مازندرانی نواب امیرکبیر اعتضاد الدوله سلیمانخان قوانلوی قاجار و مهدیقلیخان قوانلو
و رضاقلیخان و مهدیقلیخان دولو و ابراهیمخان دولو و پیرقلیخان شامبیاتی قاجار و از سرکردکان پیاده و لایتی
اشخاص مسطوره در ذیل ملتزم اردوی حضرت شاهزاده معظم کردیدند

میرزا محمدخان لاریجانی نائب نخجوان دماوندی عبدالله خان ارجمندی صادقخان سنکابنی احمدخان سوادکوهی علی
اصغرخان بندپی آقا اسمعیل و آقا مهدی بالارستاقی حسن سلطان کلبادی قاسم سلطان انزانی با بعضی سرکردکان
دیکر و سی هزار نفر پیاده و سوار جرار

چون این اردو در خارج شهر دارالخلافه تشکیل یافت اعلیحضرت خاقان کشورستان بوداع فرزند دلبند و سپاه
سپاه و سرداران کارآکاه از شهر خارج شده بعد از بازدید معسکر حضرت شاهزادهٔ معظم والقای فرمایشهای
اوامر مخصوصه بدارالخلافه معاودت فرمودند روز دوشنبه بیست و هفتم ذیحجه اردو بحضرت شاهزاده آزاده بطرف
آذربایجان روان کردید و ولادت نواب احمد علیمیرزا و نواب علیرضامیرزا

پوشیده نباشد که بعد از نادرشاه افشار که نفرین امت شانزده سال در بلاد و ممالک ایران سلطنت داشت
پنجنفر از امیرزادکان نادری در خراسان تا انیسال حکمرانی[۲] این سلسله کلیه منقرض کردید فسبحان الذی لا یبدو
الا ملکه امروز با (انکلیس) بموجب عهد صلح با فرانسه انکلیس باید جزیرهٔ مالت را تخلیه کند ولی تعلل و تسامح میکنند
بنابراین فرانسه نقض عهد کرده عساکر خود را اهلاند و هانوور و رود میدهد و مصمم منازعه با انکلیس میشود
و در بندر بولنی تدارکات دیده میشود اسپانیولیها و پرتغالیها با فرانسه در ضدیت انکلیس مشارکت دارند
شورش دارند (پروس) دولت پروس در منازعه انکلیس و فرانسه بطرفست (روس) عساکر بری
و بحری روس در بنادر استانبول دارد روس در ممالک روس برای تعلیم و تعلم (عثمانی) طایفه و تعابی بعد از
آنکه مکه معظمه را فتح کردند بمصر و قاهره میروند و در مصر کاری از پیش نبرده مراجعت میکنند و بغلبه مدینه
طیبه دامیکیرند امریکا (اتازونی) ایالتی است که متعلق بفرانسه بود بوجب معاهده دوازده کرور
تومان پول ایران ابتیاع شده خود را اتازونی میکوید (هایتی) بقبضه فرانسه از شورشیان اینجزیره
شکست خورده فرار میکنند

سنه ۱۲۱۶ هجری

[۲] متزلزل داشتند و اسامی آنها از انفراد اسم علیشاه که خود را عادلشاه مینامید برادرزادهٔ نادر بنواب ابراهیم شاه شاهرخ شاه سلیمان ثانی نادرمیرزا و در انیسال حکمرانی

سنه ۱۲۱۹ هجری سنه ۱۸۰۴ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال هزار و دویست و پانزده نگاشته شد که حاجی خلیل خان قزوینی سفارت هند و شا
مامور و روانه شد ایلچی مشارالیه تا سال گذشته در بمبئی با کمال اعزاز اقامت داشت سال گذشته درمیان
فراولان هند و ملازمان ایرانی حاجی خلیل خان نزاعی درگرفت سفیر ایران باصلاح آمد و کلوا سهوا باو رسیده
کار او را بشناخت لهذا فرمانفرمای هند چهار نفر کابلی تن و دو بیشه بنزد سربازی را که منشا این فتنه بودند گرفته حبس
کرد و نامه مبنی بر معذرت و افسوس بدربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه نگاشته با لهوز بصره و بعضی از
اعیان انگلیس را حامل نامه و مامور بعذرخواهی کامل از این فعل غیر عمد نمود و چون در اوائل امسال موکب خاقانی
تشریف فرمای چمن سلطانیه گردیده بود مامور بن حکومت هندوستان در اینمحل بحضور موهبت ظهور پادشا
مشرف شدند و مراتب را معروض داشتند و از آنجا که معین و ثابت بود که این فعل عمدا نبوده عذر مامورین
پذیرفته شد و برهانی محبوب سخن اشارت فرمودند و محمد نبی خان خواهرزاده سفیر مقتول را بجای او مامور
کردند و مبالغی خونبها بمحمد اسمعیل خان پسر حاجی خلیل خان داده شد و محمد نبی خان بعد از معاودت از سفارت
هندوستان بوزارت نواب جنعلی میرزا فرمانفرمای فارس مباهی گردید همدر این سال محمد خان قوانلوی قاجا
ببکلربیکی ایروان که باغوای جعفرقلیخان دنبلی و کلبعلیخان بخوانی با سیسیانف سردار روس ساز مخالفت داشت
از حرکت و توجه اردوی حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه بطرف ایروان خبردار شده سردار
روس را بایروان خواند و ایلات حوالی ایروان را کوچانیده بعضی را بقلعه آورد و برخی را در ارومی و قارص و وان و
بایزید کرد حضرت معظم الیه اعلام کرده در کنار رود زنگی واقع در نیمفرسنگی ایروان نزول فرمودند مهدیقلیخان
دولو را با ششهزار سوار بجانب عثمانی فرستاده که ایلات کوچیده را باز آرد و مشارالیه ایل کنکرلو و قاچار را باز
آورد و سردار روس که بر وفق دعوت محمد خان با بیستهزار سوار و سی عراده توپ بایروان میرفت در عرض راه
بمهدیقلیخان و ایلات مزبوره برخورد و در این تلاقی زد و خوردی کرده مهدیقلیخان بار دوی حضرت نایب
السلطنه پیوست و سردار روس نیز در چهارشنبه هجدهم ربیع الاول بحوالی اوچ کلیسا سرفرسنگی ایروان
رسیده جمعی از لشکریان روس عزم ورود بشهر نمودند جز ایرچیان قلعه آنها را دفع کردند روز بعد حضرت مستطاب
نایب السلطنه محافظت اردو و لشکر را بعهده میرزا محمد شفیع صدر اعظم و احمدخان مقدم موکول داشته و دستجات
لشکر با توپخانه روانه اوچ کلیسا شدند سردار روس در اینجا نایره قتال بین فیمابین اشتعال داشت سردار روس مصمم
تسخیر ایروان گردید و در اینحال محمد خان ببکلربیکی از معاهده و سازش با سردار روس پشیمان شده بتوسط میرزا صادق
مروزی (وقایع نگار) از میرزا محمد شفیع صدر اعظم اطمینان حاصل نمود و حسینعلی خان پسر خود را با پیشکشی فراوان
بار دوی خاقانی فرستاد و در این اوان سردار روس جلبتی بکار برده غفلتا با افواج و توپخانه خود بجانب اردوی
حضرت مستطاب نایب السلطنه راند و با بنوضع خود را بمسجد جامع شهر رسانیده بمحاصره قلعه پرداخت همدر این ایام
موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان از چمن سلطانیه انتهاض فرموده و در دارالسلطنه تبریز مسموع ملازمان حضرت
سلطنت گردید که سردار روس قلعه ایروان را محاصره نموده لهذا اسمعیل خان دامغانی بطور مقدمه الجیش روانه
شده وارد ارومی همایون نیز بکنار رود ارس آمد و از آب عبور نمود و روز نوزدهم ربیع الثانی بکفرسنگی ایروان
مضرب خیام گردون احتشام معلی گردید سردار روس سنگرهای معتده در محاصره ایروان داشته بود و خود در

شهر نشسته صبحگاهی از معسکر همایون توپها بشلیک پرداخته و دسته جات قشون پورش برده بسنگرها ریختند و بکدیگر
آویختند جمعی مقتول و سنگرها خالی شد سردار روس توپخانه را بر سر تلی بلند برده بجانب عساکر منصوره بنای شلیک را
گذاشتند آنها سنگرها را رها کرده باردوی مسلی بازگشتند سردار روس انواج خود را مجددا بسنگرها جای داد وقت شب
جعفر قلیخان دنبلی با ده هزار پیاده و سوار مصمم شبیخون باردوی همایون شده حسنخان قاجار قزوینی که آنشب شغول قراولی
اردو بود از قصد جعفر قلیخان آگاه شده مراتب را بعرض رسانید از زمان حضور حضرت پادشاهی رسانیدند لهذا مقرر فرمودند
لشکریان از اردو بیرون رفته در دامنه کوهی مترقب و مترصد باشند که اگر لشکر روس شبیخون آورند از خارج اردو و
دامنه کوه بر ایشان حمله نمایند قشون روس راه را گم کرده وقت صبح بارد و رسیدند و جای را خالی یافتند بجانب عساکر
منصوره و دامنه کوه شتافتند چون قدری صعود کردند حرارت آفتاب و تشنگی بر آنها غالب شد ناچار راه معاودت
پیش گرفتند سپاهیان آنها را تعاقب نموده جمعی را از پای در آوردند همچنین کسانیکه از جانب سردار روس بطلب آنها
بامداد آمده بودند اغلب بدست سردار ایران گرفتار و روانه دربار معدلت میگشتند ناچار سیصد نفر سردار روس از دو اردو
کوچ کرده عازم نقلیس شده و حسینخان قاجار سرکشیکچی باشی او را دنبال نمود و بعضی از همراهان او را مقتول ساخت
پس از بازگشت سردار روس محمدخان ایروانی که در قلعه بود دیگر باره بحکمرانی ایروان منصوب گردید هم در این او ان
ابو الفتح خان جوانشیر بنظم قراباغ مامور و روانه شده الکساندر مپردازی که حسبتا رخصت نموده بود بتخوان بلغت
و در اول زمستان موکب خاقان کشورستان بدار الخلافه بازگشت همدر اینسال امیر ناصر الدین نوه حاکم مرو بعد از زمان حضرت
خاقانی نوسل جسته پوشیده نباشد که میر معصوم معروف بشاهمراد ملقب بربک جان ولد اینال اتابک ابن جهانشاه
اتابک بن حکیم اتابک که در بخارا ابو الفتح خان چنگیزی را مقهور کرده و خود سلطنت مینمود در عهد شاه شهید سعید
آقا محمد شاه طاب ثراه بر بیرامعلی خان قاجار عز الدینلو که از زمان صفویه تا آن عهد حکومت مرو با آباء و اجداد او بود
غالب شده او را بکشت و مرو را خراب کرد شاه شهید سعید او را هدیه کردند و بچال تلافی و دفع او بودند که غائله
هائله شوشی آن مرام را عایق آید غلامعلی بعد از فوت بکجان دو پسر از او ماند امیر حیدر توره که حکمرانی بخارا داشت و
امیر ناصر الدین توره که در مرو حکومت میکرد در اینسال امیر حیدر توره قضا سینما را دریافته لهذا امیر ناصر الدین
توره بواسطه کامشکان نواب شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان بعتبه علیه متوسل گردید از اعلیحضرت همایون او را
فرزند خود خوانده افسری مکلل برای او فرستاده و بنواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکم شد او را تقویت و اعانت
نمایند و فرستاده امیر ناصر الدین توره با کاله فرستاده بمرو معاودت نمود همدر اینسال محمدخان غلجائی افغان ولد
اعظم خان که سالها پدرانش در یزد و نرماشیر کرمان بودند و بعد از حکومت نواب ظهیر الدوله ابراهیمخان عمزاده
خاقان بکرمان از روی اضطرار بدربار مکرمت آثار آمد و دیگر باره بحکومت یزد و نرماشیر و آنحدود برقرار گشت پس از
استقلال بنای خودسری را گذاشت نوروزخان قاجار عز الدینلو که حاجب بزرگ و امیر بار بود بقلع و قمع وی مامور
و روانه آن دیار گردید و فتحعلیشاه جعفرقلی خان را در اصفهان با اروپا (انگلیس) پیشتر مجددا بصدارت برقرار میکرد و نیشر
نام الملک و شمائی چراغ گاز را رواج میدهد (فرانسه) کادوال از معاندین ناپلیون بناپارت با پیشکرو
و مرو که هر دو از سرداران فرانسه میباشند بر ضد ناپلیون متحد شده و هر دو محبوس میکردند دوک دانگن از
شاهزاده های خانواده سلطنت قدیم بچنگ ناپلیون افتاده مقتول میکرد پیشگرو در حبس خفه میشود ناپلیون مخاطب
بخطاب ناپلیون اول شده و در قصر سن کلو با امپراطوری فرانسه برقرار میکرد در علایم سلطنتی عقاب قیاصره روم

قدیم

قدیم را نقش میکنند هیجده نفر مارشال یعنی سپهسالار تعیین میشوند که اسامی آنها از اینقرار است
(برتیه) (مورات) (منسینیه) (ژوردان) (ماسنا) (اژرو) (برنادوت) (سولت) (برون) (لان)
(مرتیه) (نی) (داووست) (بسیر) (کلرمان) (لفبور) (پرینیون) (سرودیر) مرد از خاک فرانسه
اخراج شده با ناپولی میرود پی هفتم پاپ از رم بپاریس آمده تاج سلطنت بسر ناپلیون میگذارد خرج فرانسه در
امسال هفتصد ملیون فرانک و دخل پانصد و شصت ملیون بوده است (سایر ممالک فرنگ) امپراطور روس
جداشدن بلاد المان را که در تصرف فرانسه بود نیز مفروز بودن بعضی از ممالک ایطالیا را که در تصرف این دولت
بود از فرانسه مطالبه مینماید بعد از آنکه خطاب امپراطوری بناپلیون دادند امپراطور المان که سلاطین طریق خود را
باین لقب ملقب میداشتند لقب امپراطوری اطریش را تنها برای خود اختیار میکند ناپلیون در بولنی مستعد حرکت
بطرف مملکت انگلیس است قطع مراوده دوستی مابین فرانسه و روس اتحاد سوئد با انگلیس دولت انگلیس سه فروند
کشتی اسپانیولی که مملو از شمش نقره میباشد و از امریک برای اسپانیولها میآورند ضبط میکند اعلان جنگ
اسپانیول با انگلیس اخطار نمودن دولت عثمانی سفیر خود را از پاریس (عثمانی) شورشهای سریستان بر عثمانی امریکا
در هاپتی ژاک نام خود را امپراطور لقب میدهد

سنه ۱۲۲۰ هجری — سنه ۱۸۰۵ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال نوروز خان قاجار عزالدینلو که پسر محمد خان افغان ولد اعظم خان بیم و نزماشیر رفته بعد از
رسیدن بآنجا و بدفع محمد خان مبادرت نمود محمد خان بم را رها کرده ببزماشیر رفت عساکر منصوره در اینجا او را
محاصره کردند محمد خان ناچار بجادله پرداخته در اثنای جنگ و زخم باو زدند چون بیش از این مقاومت نتوانست کرد
بسیستان و بلوچستان گریخت و آنچه در تخت حکمرانی او بود ضمیمه کرمان شد همدانیسال حضرت مستطاب نایب السلطنه
ولیعهد دولت علیه عباس میرزا با میرزا بزرگ قائم مقام متوجه آذربایجان گردیدند و موکب همایون خاقانی کشور ستان
فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و اسمعیل خان دامغانی با جمعی سوار برکاب شاهزاده جلالت آثار پیوسته
و نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان که برادر کهتر صلبی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه بود در زنجان توقف
نمود و حضرت معظم در منزل میانج مهد علیخان و اسمعیل خان قاجار را با پروان ماموریت کردند و اسمعیل خان
شامبیاتی قاجار حاکم خوی را نیز همراهی او فرمان دادند در پنجشنبه شانزدهم ربیع الاول از چمن سلطانیه حرکت کرده موکب خاقانی
بچمن اوجان نزول اجلال فرمود ابراهیم خلیل خان جوانشیر از توجه عساکر منصوره باین حدود وحشت نموده جعفر
قلیخان برادر خود را نزد سیسیانف سردار روسکر که در کیخه بود فرستاد و استمداد نمود سیسیانف محمد حسنخان
ابن ابراهیم خلیل خان را که پدر جعفر قلیخان مذکور بود با جمعی از سواران قراباغ و سیصد نفر سرباز روسی بمحافظت
پل خدا آفرین فرستاد که راه عبور لشکر منصور را مسدود نمایند از اینطرف اسمعیل خان دامغانی بدفع اینجماعت
مامور گشته بعد از کشش و کوشش سواران قراباغی و پیاده ها روسی مغلوب شده محمد حسنخان بجنگل فرار
کرد و قبل از آنکه براو دست یابند خود را بقلعه شوشی رسانیدند پس از آن موکب خاقانی از چمن اوجان اتهاض
فرموده از رودارس عبور کردند و در منزل معروف بتخت طاوس که در هشت فرسنگی شوشی است اقامت نمودند و
حضرت مستطاب نایب السلطنه بخفقلی خان کروسی را با جمعی بحراست آقا اغلان گذاشته خود از راه چنانچی بطرف
شوشی راندند ابراهیم خلیل خان دوچار رعب و هراس شده بسردار روس پیغام داد که من در پناه آبا تحصن و عساکر

منصوره را مقهور کرده سیسیانف یکی از پولکونیکهای روسی را با توپ و سردار و غیره بمدد حاکم شوشی فرستاد
(پولکونیک بزبان روسی بمعنی سرهنگ است) پولکونیک و همراهان شش منزل عسکران آمدند حضرت مستطاب
نایب السلطنه نیز بدیشان شتافتند و فیمابین دو عسکر در عسکران جنگ درگرفت و جمعی از طرفین مجروح و مقتول
شدند و لشکر روس بمقره که در آن حوالی بود دفعه قلعه را باختند و بشلیک توپ پرداختند در این اثنا حسینقلی
خان دولو با ذوالفقارخان دامغانی و چهار عراده توپ از اردوی بزرگ خاقانی بامداد لشکر با حضرت شاهزاده
معظم آمدند پس از شش روز جنگ عساکر ایران غلبه کردند و سرکرده روسی دو زخم برداشته خود را بقلعه نرناوت
سه منزلی گنجه رسانید حضرت مستطاب نایب السلطنه او را محاصره کردند مشارالیه عریضه نوشته شش روز مهلت
خواست و نیم شبی بکوه چمرق که سفناق ارامنه قراباغ است گریخته مهدیقلیخان قاجار بقلعه ایروان رفته آنقلعه را
گرفته تصرف نمود پس از اینقضیه سیسیانف بگیفر سرکرده روسی را باچند فروند کشتی جنگی روانه کیلان نمود و
خاقان کشورستان میرزا یوسف ماژندرانی را که اصلا کرجی بود بمعاونت کیلانیان مامور فرمودند سرکرده روسی
انزلی را گرفت میرزا موسی مخبرباشی کیلانی جمعی را بپیره بازار برده در کمین نشستند سردار روسی بجانب پیره بازار
روانه شد ناگاه تفنگچیهای کیلانی از جنگلها شلیک کردند و جمعی را مجروح و مقتول نمودند بقیة السیف بکشتیها
نشسته بجانب بادکوبه گریختند همدران اوان موکب خاقانی از منزل تخت طاوس انتهاض فرموده باصلان دوز
آمد و اسمعیل خان دامغانی حسب الامر از رود ارس عبور کرد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بمقابله سیسیانف
از منزل عسکران بگنجه شتافتند و این بلده را متصرف شده جمعی را که چاپیده بشمکور فرستادند پس از آن متوجه منزل
زگم شدند و در این راه با فوجی از قشون روس تلاقی کرده آنها را مقهور ساختند و از منزل زگم بعضی از اهالی گنجه را
با پیرقلیخان قاجار روانه تبریز فرمودند و حضرت معظم با خسته و از اینجا با پروان شتافتند از اخسقه تا ایروان که
هیجده فرسخ است همه جا سواران قزاق بقصد ستیز با رد و خبرگ میکردند تا در حوالی بیشه در وقتیکه حضرت
مستطاب نایب السلطنه مشغول نماز بودند از درون جنگل تفنگی بطرف ایشان خالی کردند گلوله آن تفنگ موزه
حضرت شاهزاده را خراشید و بنا بر حفظ خداوندی گزندی بوجود مبارکشان نرسید خلاصه بعد از ورود
بایروان شرح زحمات حضرت مستطاب نایب السلطنه بتوسط حاجی محمدخان قراگوزلوی همدانی که مردی دلیر و دانا بود
معروض ملازمان آستان همایون گردید علیحضرت خاقان کشورستان از حدود قپلان کوه تا در بند را در تحت فرمانفرمائی
حضرت شاهزاده معظم نایب السلطنه قرار دادند و موکب خاقانی از اصلان دوز بچمن اوجان تشریف فرما گردیده
راه دارالخلافه را پیش گرفتند بعد از مراجعت موکب معلی سیسیانف بقلعه شوشی رفت و ابراهیم خلیل خان
جوانشیر حاکم شوشی در قلعه را بروی او بکشاد سردار روس را نامأوری در شوشی گذاشته روانه گنجه شد پس از وقایع
ایران و آنکه شیخعلی خان بیکلربیکی قبه و دربند و حسینقلیخان حاکم بادکوبه و سرخای خان لکزی باحتیاط آنکه مبادا
سرکرده روسی که در کیلان شکست خورده قصد محاصره بادکوبه کند از ملازمان آستان خاقانی استمداد نمودند
و عسکرخان افشار ارومی با امداد آنها رفت سرکرده مزبور برای محاربه در برابر بادکوبه لنگر انداخت حسینقلی
خان و عسکرخان با او جنگهای سخت کردند و چون چند فروند کشتی روس در ساحل دریا از توپهای بادکوبه
شکست سرکرده روس اندر پا بخشکی آمده در برابر قلعه بادکوبه بنای شلیک را گذاشت در اینحال شیخعلیخان
قبه و نوح بیک لدسرخای خان لکزی با لشکریان خود بمعاونت حسینقلیخان آمدند و سرکرده روس را منهزم

ساخته و به پشت ساری طالش رفت و سیسیانف بجهة استمالت مصطفی خان شیروانی از گنجه با نوکر آمد از
اینطرف پیر قلیخان شامبیاتی با مداد مصطفی خان شیروانی مامور شده و در کنار رود کر معلوم نمود که مصطفی
خان و سیسیانف فریفته و مطمئن نموده و او با مداد سر کرده روس بطرف پشت ساری رفته سر کرده مزبور قوت
قلبی بهم رسانیده و آماده کار زار گردیده است بالجمله مصطفی خان ایلات و احشام شیروان را کوچانیده بجال
شاخه فرستاده خود در قلعه موسوم به کله سن کره سن نشست حضرت مستطاب نایب السلطنه حسینقلیخان
قاجار دولو را بحمایت مصطفی خان و حفظ باد کوبه روان فرمودند و احمد خان مقدم بیکلربیکی شیروان با توپخانه
و بعضی دستجات پیاده از عقب او فرستادند و خود از تیرنز بار دبیل تشریف بردند اعلیحضرت خاقان کشور
ستان نیز جمعی را از دار الخلافه با مداد روانه آذربایجان فرمودند سیسیانف چون خود را از هر جهة محاط و
محصور سپاه ایران دید با حسینقلیخان باد کوبه برای مراوده و مماشات گذاشت حسینقلی خان بظاهر
اظهار سازش با او نموده و برای مشورتی سیسیانف را در حوالی قلعه طلبیده و مشغول مکالمه شدند
در اینحال ابراهیمخان برادر عم حسینقلیخان از پشت سر سیسیانف را هدف گلوله ساخته بعالم دیگر روانه
ساخت و عساکر منصوره باردوی روس تاختند بقیة لشکر بی سردار در سفاین نشسته براه پشت ساری رفتند
از قرار معروف حاجی میرزا محمد اخباری نیشابوری از علمای بزرگ اخباری پیش از وقت از کشته شدن سیسیانف
خبر داده بود خلاصه بعد از کشته شدن سیسیانف سر کرده دیگر روسی با فشون روس به پشت ساری رفته
با میدموافقت مصطفی خان طالش چیزی در آن ناحیه نماند بعد ما یوس شده بروسیه باز گشت همدر اینسال چون
تراکمه سرخس و طرز و آخال برحسب عادت بشرارت و فساد و راه زنی سر برداشتند نواب شاهزاده محمد ولی میرزا
بشهر مرو تنبیه آنجا عنها مور و بعضی از سرکردگان سپاه منصور نیز بملازمی شاهزاده معظم محکوم گردیدند و در
حوالی رود طرز در ماه ربیع الثانی امسال با نکه ثلاثة دستداد بسپاهی از آنها را بکشتند و اموال زیاد بدست
قشون ظفر نمون افتاد همدر اینسال احمد چلبی باعرضیه علی پاشا والی بغداد بحضور آمد بیان انکه قلعه
سلیمانیه در خاک ولایت شهرزور که تقریبا یکصد سال قبل سلیمان پاشا وزیر بغداد بنا کرده و اکراد در آن سکنی دارند
و چون بر وفق تعیین حدود که در قدیم شده آن ولایت داخل کردستان و ضمیمه ایران بوده و کاهی دولت عثمانی آن را
تصرف مینموده و اینمعنی اسباب حدوث خلاف فیما بین دولتین میگردید و بالجمله این اوقات عبد الرحمن پاشا ساکن
سلیمانیه که بعد از مخالفت و منازعه با علی پاشا والی بغداد بستنبج آمده و پناه یافته علی پاشا احمد چلبی را با
عرضیه بدربار معلی فرستاده و استرداد عبد الرحمن پاشا را استدعا نمود بنابراین میرزا محمد صادق وقایع نگار
مروزی با جواب علی پاشا مامور بغداد گردید و مقرر فرمودند که عبد الرحمن پاشا را بحکومت شهرزور برقرار دارند
همدر اینسال حضرت مستطاب نایب السلطنه مهد علیا حسینقلیخان دولو بیکلربیکی ایروان را بدفع جعفر خان دنبلی مامور
فرمودند و کلبعلی خان نخجوانی را بمدد میرزا ابراهیم پاشا حاکم بایزید روانه کردند و حسینقلی خان افشار و اسمعیل
قاجار با خت و تاراج میانه کجور و تفلیس رفتند و همکی با یتلزام مراجعت کردند همدر اینسال میرزا رضا قلی نوائی
منشی الممالک و ناظم امور دربار سرای سلطنتی گردیده و اختیار مهر مهر آثار و مقالید انتظام مهام خزانه عامره
را بکف کفایت او واگذار فرمودند وفات نواب امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله فاجار امروز پادشاه (انکلیس)
استیلای غالب سنه در این مملکت رواج دارد (روس) دولت روس از دولت عثمانی آزادی کشتی رانی

در رودخانه فازر اکه در حوالی پنی مصب دارد میطلبد (سایر ممالک فرانک) ناپلیون علاوه بر امپراطوری فرانسه لقب پادشاهی ایطالیا را ضمیمه القاب خود مینماید و در میلان تاج آهنین سلاطین ایطالیا را بسر میگذارد و بجای خود اژن را نایب السلطنهٔ ایطالیا میخواند مراجعت ناپلیون به بولنی و در اینجا با صد و دو هزار پیاده و پانزده هزار سوار و دو هزار کشتی مصمم ورود بخاک انگلیس است و متصل میکوشد و از ده ساعت آب دریا بامن موافقت کند جزیرهٔ انگلیس را معدوم مینماید اطریش با انگلیس در صدد تبه فرانسه مشارکت دارد و بانواسطه ناپلیون از بندر بولنی مراجعت میکند که بمنازعه با اطریش بپردازد دولت روس قشون خود را با عساکر اطریش همراه و متفق مینماید ناپلیون لشکری را که در بولنی برای جنگ با انگلیس حاضر کرده بود بجهة مقابلی با عساکر متحدهٔ اطریش و روس بداخل آلمان میآورد فتوحات قشون فرانسه در خاک المان شکست سفاین فرانسه در ترافالگار بدست نلسن امیر البحر انگلیس که مقتول میشود ولی فتح میکند ناپلیون بعد از فتح مشهور اولم بسمت پنه پای تخت اطریش حرکت میکند و با عساکر متحدهٔ روس و اطریش در استرلیتز جنگ کرده آنها را شکست میدهد اطریش با فرانسه عهد صلح موسوم بعهد پرسبورگ را مینمایند ولایت باویر و وورتمبرگ بملاحظه خصوصیت با ناپلیون ملقب بپادشاه باویر و پادشاه وورتمبرگ میشوند پادشاه ناپل فرار مینماید چهارم بحکم ناپلیون از سلطنت خلع میشود تقویم جمهوری طلبان فرانسه محو و تقویم قدیم برقرار و روز اول ژانویه روز اول سال میگردد

سنهٔ ۱۲۲۱ هجری — سنهٔ ۱۸۰۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه زمام مهام و امور معظم دولتی مملکت ایران را بکف کفایت چهار نفر وزیر دادند یکی میرزا محمد شفیع که بمنصب صدارت عظمی نایل بود دیگری حاجی محمد حسینخان بیکلربیکی اصفهان که از امرای زمان بود ملقب بامین الدوله شده و منصب استیفای ممالک محروسه بر عهدهٔ او مفوض گردید و میرزا رضا قلی نوائی مخلص بسلطانی منشی الممالک بوزارت رسائل برقرار گشت و میرزا هدایت الله نفرشی وزارت لشکر یافت محمد ابتسال بعبد الله خان ولد حاجی محمد حسینخان امین الدوله بحکومت اصفهان منصوب گردید و حسینخان قاجار قزوینی که سرداری خراسان و حکومت نیشابور داشت بدربار معلی احضار شد برتبهٔ سرداری و سپهسالاری فایز آمد و محمد خان قاجار دولو حاکم سابق کرات و ملایر بسرداری خراسان و نیابت آستانقا مباهی گشته بخدمت شاهزاده محمد ولی میرزا والی خراسان رفت موکب همایون خاقانی از دار الخلافه طهران انتهاض فرمود روز جمعه بیست و پنجم ماه ربیع الاول بچمن سلطانیه نزول اجلال فرمودند محمد ابتسال سفیری از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه مامور دربار دولت علیه کردیده پاشای حاکم بایزید و حاکم وان بجهة اتحاد دولتین عثمانی و روس برضد فرانسه سفیر مزبور را که فعلا حبس کردند و اموالش را ضبط و دو نفر از ملازمانش را مقتول نمودند حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد دولت علیه عباس میرزا از واقعه خبر دار کردیده مامور بطلب سفیر فرستادند سفیر مستخلص شده با پذیرائی و احترام شایان در چمن سلطانیه بحضور همایون تشرف جسته و عرض ناپلیون از فرستادن این سفیر دو چیز بود یکی اتحاد و عهد مودت با دولت ایران و دیگر بضد بقوعودن با امپراطوری او خلاصه جواب نامهٔ امپراطوری را میرزا رضا قزوینی منشی دیوان اعلی حامل و بسفارت مامور فرانسه شد همدر این سال ابراهیم خلیل خان که بعد از کشته شدن سیسیانف از خود سری و سازش با سردار روس پشیمان شده بود عریضه بحضرت مستطاب نایب السلطنه عرض کرده معذرت خواست برای دفع ماژر دوسی که در شوشی

موسو بر مسیو تویر

اقامت داشت استمداد نمود لهذا حسینخان سردار و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار هاکر خمسه با لشکری بغداد
اومامور شدند و قبل از مشارالیهم فرج الله خان شاهسیون و ابو الفتح خان جوانشیر سر ابراهیم خلیل خان عزیمت ان
صفحات نموده بودند جعفرقلیخان بن محمد حسینخان که باعم خود عداوتی داشت وجود اورا اسباب اخلال کار خود ابو الفتح خان
می پنداشت شبی ماژر روسی را با سیصد نفر سرباز روس از قلعهٔ شوشی بر سر جد خود ابراهیم خلیل خان کرد خارج
قلعه بود برد و آنها بخبر بر سر ابراهیم خلیل خان ریختند و اورا با سی و یکنفر از اهل و عیال و نسوان او بکشتند و باز نابود
فتنه در قراباغ میل باشتعال نمود خلاصه بعد از قتل ابراهیم خلیل خان ماژر روسی ضبط و امن کردن قراباغ را
بعهده قلیخان و لدا براهیم خلیل خان محول کرده خود مشغول احراست قلعهٔ شوشی شد حضرت مستطاب نایب
السلطنه چون از اختلال کار قراباغ خبردار شدند از تبریز حرکت فرمودند در منزل آق اغلان معروض ملازمان
حضرت معظم داشتند که یکی از سردارهای روس از تفلیس حرکت کرده و با سپاه کنجه بطرف قراباغ رانده و در منزل
عسکران مانده و مهیای جنگ است نیز در عرض راه عریضهٔ سلیم خان شکی رسید که از سازش با سپاه روس معذرت
خواسته و استمدادها استمداد و قبول خدمت و ولت علیه را نموده حضرت مستطاب نایب السلطنه فرج الله خان
شاهسیون را مامور بامداد سلیمخان شکی نمودند و چون اکثری از ایالات قراباغ این اوقات استدعا نموده بودند
که از این ناحیه کوچیده در قراجه داغ متوقف شوند عطاء الله خان شاهسیون با انجام انخدمت فت و حضرت معظم
نایب السلطنه از آق اغلان بمنزل خانشین تشریف فرما شدند در انجا دو لشکر با هم تلاقی کرده چند روز جنگ
و کارزار سخت در کار بود آخر الامر از کمی هوا و فقدان آب عساکر روس درمانده دست از جنگ کشیدند و بمنازل
خود شتافتند و از آنجا که در اردوی حضرت نایب السلطنه نیز آذوقه و جو نداشت از پل عبور کرده بچشمهٔ حسن و حسین نزول
نمودند و در انوقت حسن خان و حسینخان قاجار قزوینی و اسمعیل خان دامغانی و امان الله خان افشار که از دربار
همایون بخدمت حضرت نایب السلطنه مامور بودند برکاب حضرت معظم پیوستند و چون مصطفی خان شیروانی با روسیه
ساخته بود اسمعیل خان سردار و امان الله خان افشار بتدمیر او روانه شده آنحدود را هنگامه کرده و تمام ایلات انجا را
کوچانیده بقراجه داغ و موغان آوردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بتبریز معاودت فرمودند همدر اینسال چون
علی پاشا والی بغداد منصب عبد الرحمن پاشا در شهرزور و از مرزا صادق وقایع نگار فرستاده اعلیحضرت خاقان
کشورستان نیز فرمانهای حضرت کردون بسطت علیه عبد الرحمن پاشا را بدار الخلافه احضار کرده خلعت و منشور
ایالت شهرزور را با و مرحمت فرمودند و با مان الله خان والی کردستان حکم شد عبد الرحمن پاشا را تقویت نمایند لهذا
خالد پاشا که در شهرزور بود ببغداد کریخت و عبد الرحمن پاشا در شهرزور را استقلالا یافت علی پاشا بدون
استیذان از دولت عثمانی بخیال جنگ با عساکر ایران افتاد و از اینطرف نواب شاهزاده محمد علی میرزا مامور حدود
و ایالات مجاور خاک عثمانی شده از حدود بصره الی خرم آباد و از کرمانشهان تا خاک بغداد بحکمرانی نواب شاهزاده
معظم مقرر گشت و از امرای دربار ری ابراهیمخان دولو قاجار و محمد علیخان شامبیاتی و جمعی دیگر ملتزم رکاب
نواب شاهزاده شدند و در دهم جمادی الاولی از چمن سلطانیه حرکت کرده علی پاشا با سی هزار سوار و پیاده بمنزل
زهاب آمد و سلیمان پاشای کهیا همشیره زاده خود را بدفع عبد الرحمن پاشا فرستاد عبد الرحمن پاشا نابمقاومت
نیاورده بکردستان رفت و این معنی بر جسارت علی پاشا افزود و از زهاب با علیحضرت همایون نورورزخان قاجار
امیر بار و اباخت بغداد فرمان دادند عساکر منصوره روانه شده بمنزل کوند رسیدند علی پاشا بکاردوسیروان

رفت

رفت نورزخان و محمد علیخان با دو هزار سوار از زهاب تا مندلیج را تاختند تا پاشا بمقابله لشکر ایران آمده شکست
خورد و علی پاشا پیوست فرج الله خان افشار نسقچی باشی و محمد ولیخان افشار قاسملو و صفی یارخان کرد بجبر از دار
الخلافه مامور و نصیب عبد الرحمن پاشا در شهرزور شدند سلیمان پاشا و خالد پاشا از جانب علی پاشا بکنار دریاچه مریوان
آمده بمقابله و مقاتله پرداختند و بعد از جنگی سخت و کشته شدن سه هزار نفر از عساکر عثمانی منهزم گردیدند و علی
پاشا ببغداد گریخت و شیخ جعفر نجفی را که از اجله علما بود واسطه و شفیع قرار داد و اسرای لشکر علی پاشا بتوسط شیخ
اجل همه مستخلص شدند مگر سلیمان پاشای کهیا که او را مغلوبا ببدبار خاقانی آوردند پس از آن او نیز بتوسط جناب
شیخ جعفر معفو و مرخص شد و موکب همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان از سلطانیه ببدار الخلافه طهران معاودت
فرمود همدانین سال دوسیه اهالی بادکوبه را برحسینقلیخان بادکوبه نشین راندند و او با اهل و عیال بتبریز آمد
و شیخعلیخان قبه در عالم مستی با یکی از سرکرده های روس بنای دوستی را نهاده و او را بقلعه دربند راه داد آخر الامر
سوء سلوک آنجماعت او را مثار فتنه و اغتشاش رفت و سردار روس بشکی راند و سلیمخان بنا بر مخالفت اهالی
شکی بتبریز آمد و مصطفی خان شیروانی دانسته شیروان را بروسیه تسلیم نمود که علیخان سالیانی را که با او عداوت
داشت از میانه بردارند و بدینوتیره سالیان هم بتصرف عساکر روس درآمد و مصطفی خان نمری از این جهانها
ندیده رفت داعی رفت همدانین او ان حسینخان قاجار قزوینی پسر داری او را مامور کردند و لادت نواب کیقباد
میرزا و بهرام میرزا امروزیا (انگلیس) فوت پیتر دوم چهل و هفت سالگی صداقت گرانوپل (فرانسه) ابتسال
بجزیره سنوات سلطنت ناپلیون اسفراوجت خر پادشاه با وبر با پرس اژن دیپ ناپلیون بعد از مراجعت ناپلیون
بافتح و نصرت بپاریس لقب اعظم بر القاب افزوده میشود از بلاد مفتوحه کسر عمل خزانه فرانسه جابجا مبشوی ایجاد
بانک در فرانسه در میدان واندوم در پاریس منار ی از توپهائیکه از دشمن گرفته شده و ذوب نموده انتا میکنند
جمعیت فرانسه امسال پنجاه و هشت کرور و صد و هفتهزار نفر و کسری میباشد (سایر ممالک فرنگ) بتصرف مملکت
ناپل بدست ژوزف برادر بزرگ ناپلیون سلاطین و ولات و دوکهای المان و ایطالیا در عداد ملزمین رکاب ناپلیون
اسامی خود را ثبت میکنند ژوزف بناپارت برادر ناپلیون بپادشاهی ناپل برقرار میکرد لوئی بناپارت برادر
دیگر ناپلیون پادشاه هلاند میشود امپراطوری المان بعد از هزار و ششصد سال استدامت و بقا بدست ناپلیون
نابود میگردد منازعه فرانسه با پروس شکست خوردن پروس فتح معروف بناپ بدست ناپلیون و ورود ناپلیون ببرلن
و تصرف نمودن او این شهر را و ورود عساکر فرانسه بلهستان مؤدیات سردار فرانسه در شوروا میکرد والی ساکس
که با فرانسه متحد بود بحکم ناپلیون بپادشاهی ساکس برقرار میشود ناپلیون بود شو مبرود مغایرتها بین روس
و عثمانی در باب ایالات افلاق بغدان ژاسی و بوخارست افشون روس از عثمانی منتزع میکند شورشیان سرستان
بلگراد را از تصرف عثمانی خارج مینمایند افریقا محمد علی پاشا در مصر اقتداری حاصل مینماید پوشیده نباشد
که اصل محمد علی پاشا از دوملی خاک عثمانی بوده امانه از نژاد اعاظم بلکه از اهالی سوق وکسبه در طفولیت کسب علم
نموده در سن رشد داخل دردزدان دریائی شده بعد بیکطایفه راه زنی کرده بالاخره الامر بسبب عزم و
جرأت و جلادتی که داشت بولایت مصر رسید

سنه ۱۲۲۲ هجری — سنه ۱۸۰۷ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال بنا بر اینکه خلل بار و س با نتها نرسیده بر حسب امر اعلی عساکر منصوره از اطراف و جوانب

حرکت کرده راه دارالخلافه را پیش گرفتند و موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه عزیمت سلطانیه
فرمود در اوایل امسال نواب علیشاه میرزا بحکمرانی قزوین منصوب شد همدر این سال چون دولت روس خیال
جنگ با عثمانی داشت غراف کداویچ سردار روس که ماموریت قفقاز بود اسیانف نامی را با نامه که امپراطور روس بمیرزا
محمد شفیع صدر اعظم نوشته بود نزد دربار دولت علیه فرستاده طلب مصالحه نمود امنای دولت ایران مصالحه را
منوط باسترداد بلاد جزو ایروان و آذربایجان که عساکر روس متصرف شده بودند نمودند فرستاده در اخر صدد معاودت
دادند و حسنخان قوللر آقاسی بهادر حسنخان قاجار قزوینی را که حاکم آذربایجان و ایروان بود ماموریت دادند که
بمعاضدت برادر رخود پرداخته و اشرفخان دماوندی و جمعی را بمحاربت حصار ایروان محکوم ساختند همدر این سال
چون یوسف پاشا صدر اعظم دولت عثمانی فیضی محمود افندی نامی را بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد
عباس میرزا فرستاده مودت و اتحاد دولت عثمانی را با دولت علیه اظهار داشته و ضمنا استخلاص سلیمان پاشا
کهیا را خواهش نموده حضرت مستطاب معظم نیز فتحعلیخان رشتی ولد هدایت الله خان را نزد یوسف پاشا فرستاده
موافقت دولت علیه را با دولت عثمانی ابلاغ کردند همدر این سال فیما بین نواب شاهزاده محمد ولی میرزا و فیروزالدین والی خراسان رم
میرزای افغان والی هرات جنگ درگرفت بتفصیل آنکه در زمانیکه حسنخان قاجار قزوینی در خراسان بود و ولایت غوریان را
که در هشت فرسنگی هرات است متصرف گردید و ولایت مزبوره با سحق خان قرائی سپرده شد اسحق خان حکومت مشارالیه را
با یوسف علیخان برادرزاده خود واگذار کرده و خود در ملازمت رکاب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بسر میبرد یوسف علی
خان بنابر هوا و هوس فیروزالدین میرزا متابعتا و را اختیار کرد و فیروزالدین میرزا حقوق اعلیحضرت خاقان کشورستان
را فراموش کرده صوفی اسلام نامی از صوفیه بخارا را که در کرخ من توابع هرات جمعی مرید و دعوه جمع کرده بود با
پنجاه هزار سوار بر داشته بطرف شکیبان که شش فرسخی هرات است حرکت کرد از انطرف نیز یارمحمد خان نواب
شاهزاده محمد ولی میرزا و محمد خان نایب خراسان و خوانین و عساکر ایران با لشکر شاه ده یکفرسخی شکیبان آمدند و در
بیست و دویم ربیع الاول در صحرای شکیبان فریقین تلاقی نمودند صوفی اسلام که در هودج جنگ در هودج نشسته با حشمتی تمام
حرکت میکرد در هودج مقتول شد و قشون فیروزالدین میرزا شکست خورده بسیاری از خوانین و آحاد و افراد
لشکریان براه عدم رفتند چندین از سرکردگان و سه هزار از سپاهیان اسیر شده بقیة السیف هراتی گریختند
و اموال آنها بتصرف عساکر منصوره درآمد و فیروزالدین میرزا خراج دو ساله را داده و مالیات سنواتی را مقبل
گردید و یوسف علیخان قرائی را دست بسته بار دوی والی خراسان فرستاد و خراج مزبور با بعضی هدایا و پیشکش ها
در همین سلطانیه بار دوی خاقانی موصول گردید و موکب نواب شاهزاده محمد ولی میرزا بارض اقدس معاودت نمود هم
در امسال میرزا محمد رضای قزوینی که با ایلچی گری بفرانسه رفته بود در نمسه بحضور ناپلیون اول امپراطور فرانسه رسیده
مورد التفات زیاد گردیده و ناپلیون ژنرال غاردان را که سردار دوازده هزار قشون فرانسه بود با هفتاد نفر معلم
و مهندس نظامی و ارباب صنایع بدربار دولت علیه مامور نموده فتحعلیخان نوری فتورسیاولباشی حضرت مستطاب نایب
السلطنه بهمانداری آنها رفت و ژنرال مشارالیه و همراهان او با میرزا محمد رضای قزوینی بدارالخلافه آمدند و در خانه
میرزا محمد شفیع صدر اعظم منزل برای آنها معین شد و ژنرال غاردان بحضور اعلیحضرت خاقان مشرف شده نامه
مودت علامه ناپلیون را با هدایا تقدیم نمود و بعواطف خاقانی اختصاص یافته بلقب خانی مباهی گردید و عهد مودت
ما بین دولت ایران و دولت فرانسه منعقد گردید و عسکرخان افشار ارومی بسفارت بفرانسه رفت و حکم همایون

بشرف صدور یافت که حضرت مستطاب نایب السلطنه بتشکیل سپاه نظام پرداخته و افواج پیاده استرآباد و مازندران و عراق وضع نظامی بهم رسانیده مشغول مشق شدند حتی شاهزادگان بتعلیم معلمین فرانسه بمشق کردن پرداختند و چیزی نگذشت که پنجاه هزار نفر از عساکر آذربایجان و مازندران و عراق و سمنان و دامغان داخل در نظام گردیدند همدر اینسال نواب امام وردی میرزا ملقب بالخانی شده و بمنصب سرکشیکچی باشی و ریاست سفید سپاه ظفر همراه نایل آمد

سفان کرجی منصب سپهداری یافت و بخلوت خراسان منصوب شد

همدر اینسال چون علماء و بزرگان از سلطان سلیمخان سیم سلطان عثمانی راضی نبودند و او را خلع کرده ابن عم او سلطان مصطفیخان بن سلطان عبدالحمیدخان را بتخت سلطنت عثمانی جلوس دادند اعلیحضرت خاقان آقا ابراهیم شیخ الاسلام خوی را که مردی دانا و خبیر بود بتهنیت جلوس سلطان مصطفیخان مامور دربار دولت عثمانی فرمودند همدر اینسال میرزا محمدعلی و میرزا اسمعیل از جانب پدرها سمسد و میرغلامعلی و میرکرمعلی از ولایت حیدرآباد هندوستان با هدایا و تحف بدربار خاقان عظیم الاقتدار آمدند و فتحعلیخان خواجه ندبا خلعت خسروانه بدان ولایات مامور شد همدر اینسال غراف کداویچ سردار روسی که در تفلیس بود فرستاده باعریضه بدارالخلافه فرستاد و نامه برئزال غاردان خان سفیر فرانسه که در دربار معلی بود نوشته او را واسطه صلح بین دولتین ایران و روس قرارداد ولی اینکار صورت پذیر نشد و بعضی اینوقعه را از وقایع سال بعد دانسته اند تولد شاپور میرزا و ملک قاسم میرزا و منوچهر میرزا و ابوجعفر میرزا و یکاوس میرزا فرزندان اعلیحضرت خاقان کشور ستان و از سعادتهای بزرگ آخر این سال آنکه در روز ششم ماه ذیقعده حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد را از بطن صبیه محترمه امیرکبیر میرزا محمدخان بیکلربیکی فاجار دولو فرزندی ارجمند متولد شد و باذن اعلیحضرت خاقان گیتی ستان آن مولود مسعود موسوم بمحمد میرزا گردید و این شاهزاده است که بعد از خاقان معظم بر سریر سلطنت ایران جلوس مینماید

ناپلیون در سیلزی فتح بر سلو و دانزیک جنگ ناپلیون با قشون روس در ایلو و شکست فاحش روسها و در این جنگ عساکر ناپلیون پنجاه و چهار هزار نفر و لشکر روس هفتاد و دو هزار نفر بودند و این جنگ یکی از جنگهای خونریز دنیا بوده است جنگ دیگر ناپلیون با سپاه روس در فریشلاند ساحل رود نیمن معسکر ناپلیون میشود و در تیلسیت با پادشاه پروس و امپراطور روس ملاقات میکند ملاقات امپراطور روس با امپراطور فرانسه در میان یک قایق در وسط رود خانه نیمن و انعقاد معاهده موسوم بتیلسیت میشود در این معاهده شهر دانزیک شهر آزاد و سیطره میکرد در ایالات متعدده از پروس منتزع گردیده و سلطنت وستفالی از این ایالات تشکیل یافته به ژروم بناپارت برادر ناپلیون تفویض میشود لهستان از تصرف روس خارج شده بایالت وارشو موسوم و بپادشاه ساکسن مفوض میگردد آنچه را که ناپلیون در بلاد فرنگ تصرف کرده است الکساندر اول امپراطور روس در این معاهده تصدیق مینماید از طرف روس واسطه صلح ما بین فرانسه و انگلیس میگردد و فرانسه واسطه مصالحه روس و عثمانی میشود مملکت هانوور جزو سلطنت جدید وستفالی میگردد معاهده مخفی ما بین عثمانی و انگلیس بر ضد ناپلیون نفاذ و کدورت باطنی اهالی فرانسه با ناپلیون دانمارک با ناپلیون بر ضد انگلیس مشارکت دارد سفاین جنگی فرانسه سببا با قوتش منازعه سخت انگلیس با دانمارک و رود سفاین جنگی آبدیای سوئد عساکر انگلیس سه روز شهر کپنهاک را کلوله باران میکنند بیشتر از دو لک فرنگ از اهالی انگلیس نارامی میباشند و با ناپلیون در ضدیت با انگلیس مشارکت دارند ولت روس بتحریک ناپلیون فنلاند را از سوئد منتزع مینماید و وعده ایالات دانوبی عثمانی را ناپلیون بروس میدهد

ژنرال ژونو با بیست و سه هزار نفوس مملکت پرتوغال را برای ناپلیون فتح میکند خانواده براگانس که سالها در پرتوغال سلطنت داشتند فرار را بر زیل که در بنکی دنیای جنوبی و متعلق بآنها بود مرور و اعلان جنگ انگلیس و روس بحکم ناپلیون بتجارت انگلیس در ممالک وسیعه که مستقیما تصرف او میباشد یا متحدین و دوستان ناپلیون متصرف اند ممنوع میکردد (انگلیس) کانینگ بصدارت منصوب میشود (اسپانیول) پادشاه این مملکت ابله و ملکه زانیده صدراعظم نا قابل و خائن در فتنه بلوا میدولت با نیوضع با ناپلیون عهد مخفی بندد که مملکت پرتوغال را با فرانسه تقسیم کنند پادشاه ابله و لیعهد خود را محبوس میسازد و شئونات سلطنتی از این خانواده سلب میکردد (فرانسه) ایجاد قانون تجارت و برقرار شدن القابی که در هنکام جمهوری حذف شده بود ناپلیون مشوق علما و ارباب صنایع است تشریفات دربار قدیم سلطنتی فرانسه مجددا معمول میکردد سفر ناپلیون بایطالیا و دادن برات زن بپیب خود لغت شاهزادکی و پنز را (عثمانی و انگلیس و روس) رومرد انگلیس بر ضد عثمانی متحد میکردند سر اردوی روس از دنی استر عبور کرده بخاک عثمانی و رود میکنند امرای انگلیس دولک وورث باسفاین جنگی بدار دانل میآیند دربار عثمانی متزلزل است ایلچی فرانسه سلطان سلیمخان سیم را محارست مینماید شئون انگلیس در مصر اسکندریه را میکرد یا غیان سر بدار و رسن محمد میشوند سلطان سلیمخان سیم را اعلام و تکچریان که از او راضی نبودند خلع و حبس میکنند و این عم او سلطان مصطفی خان را بجای او نصب میکنند مصریها شئون انگلیس را از اسکندریه مبدد و اند امریکا رواج سفاین بخاری در لرد و در تنوایدان آن

سنه ۱۲۲۳ هجری — سنه ۱۸۰۸ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل امسال نیز موکب اعلیحضرت خاقان مملکت ستان فتحعلی شاه تشریف فرمای چمن سلطانیه کردیده و عساکر منصوره نیز از هر طرف متوجه آن سمت کردیدند همدر امسال امیرزا صرالدین توره ابن امیر معصوم بکجان با یکهزار خانوار مروی با ارض اقدس آمد نبیین انکه امیر حیدر توره برادر امیرزا صرالدین توره حکمران بخارا ابن اوان بجهة اظهار توسلی که امیرزا صرالدین توره حکمران مرو بملازمان حضرت خاقان کشور ستان کرده بود از او متوهم شده لشکر بمرو کشید و بنده مرو را خراب نموده و زبیتن در مرو صعب شد امیرزا صرالدین مراجعت با نواب شاهزاده محمد ولی میرزا حکمران خراسان عرضه داشت و نواب معظم با آستان همایون و حکم شد محمد خان تا خراسان بمرو رود و امیرزا صرالدین توره را با محمد شریف خان مروزی قاجار برادرزاده حاجی محمد حسینخان غزالدینلو با هزار سوار بارض اقدس آورد و امیرزا صرالدین توره بعد از انکه در خراسان سکنی کرفت با نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا وصلت کرد و بعد از مدتی بسیاحت عثمانی و روس رفت و در ممالک روس درکذشت همدر امسال بینما بین سلیمان پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور خلاف در کرفت و عبدالرحمن پاشا مغلوبا بکرمانشاهان آمده با ولیای دولت علیه متوسل کردید لهذا فرج الله خان افشار بنصب عبدالرحمن پاشا و تهدید سلیمان پاشا مامور شده باتمام مدا بانجام رسانیده باز کشت همدر امسال نوشتجات بینما بین عزاف کداویچ و ژنرال غاردان خان سفیر فرانسه ارسال و مرهول شده کداویچ متعهد شد که امسال عساکر روس را باسپا ایران بنا رهنا رکه نباشد بلکه صلح بانجام رسد و ژنرال غاردان اظهار داشت که چون ناپلیون با امپراطور روس در کار انعقاد عهد صلح میباشد من در عریضه خود بناپلیون نوشته ام که قرار تخلیه و لا بشکر جشتاوقرا باغ و اران را بنویسد و لند و سر بدهند همدر امسال سیزدهم ملکم که سابقا از جانب حکومت هندوستان انکلیس بدربار همایون بسفارت آمده بود مجددا بایلچی کری از جانب

حکومت

حکومت مشار الیها به بندر بوشهر آمد و چون ژنرال غاردان خان با مدن سفیر انکلیس بدربار همایون مایل نبود و تن بتعهدات کرده اسمعیل خان بپیشخدمت خاصه بشیراز رفت و بوضع خویش بر سیر ژن ملکم پیغام فرستاد که تا زمان ظهور بتعهدات سفیر فرانسه بنا را بتوقف در آنجائی که هست گذارد مقارن اینحال حکمی از فرمانفرمای هندوستان بر سیر ژن ملکم رسید که سیر هرفرد ژونس از جانب پادشاه انکلستان مامور سفارت ایران و وارد بمبئی شده بنابراین مراجعت تو اولی است لهذا سیر ژن ملکم بکلکته مراجعت کرد همدرایسال حضرت مستطاب نایب السلطنه بکنار رود ارس آمده بعضی از سرداران سپاه را مامور دفع عساکر روس فرمودند و در شبنم شوال امسال لشکر روس بقلعه ایروان یورش بردند مستحفظین قلعه یعنی حسنخان برادر حسینخان سردار و کلبعلیخان سپانلوی قاجار و اشرفخان دماوندی و میرزا علینقی خان فندرسکی ممانعه پرداختند و جنگ سخت در گرفت و بسیاری از صاحبمنصبان و عساکر روس مجروح و مقتول شدند ناچار دکاویچ با بقیه السیف صرف نظر از یورش و حمله نموده بطرف سنگرهای خود راندند و در بیست و دویم شوال راه گرجستان پیش گرفتند هم در این اوان علیخان فوانلو و امامقلیخان افشار بادوست از سپاه روس مقاتله نموده بر آنها غلبه کردند و شیخعلیخان قبه بزرد رحوالی دربند باد ستبرد جات روس که در آنجا بودند زد و خورد کرده بر آنها غالب آمد و علیخان قاجار بعلت زخمی که در دریاداشت در گذشت و این اخبار در زرند و ساوه بسمع مبارک اعلیحضرت خاقان رسید و موکب همایون بعد از شکار در زرند و ساوه بدار الخلافه طهران مراجعت کرد همدراین اوان سیر هرفرد ژونس سفیر انکلیس وارد بندر بوشهر شده محمدخان حاجیلر استرابادی یوزباشی همانداری او بشیراز رفت و با سفیر مشار الیه باصفهان آمد و چون اثری از تعهدات ژنرال غاردان خان ایلچی فرانسه بظهور نرسید باذن امنای دولت و حکم ناپلیون از راه بنادر و خلیج فارس بپاریس شتافت و سفیر دولت انکلیس از اصفهان عزیمت دار الخلافه نموده روز بیست و هشتم ماه ذیحجه این سال وارد طهران شد و در خانه حاجی محمد حسینخان امین الدوله منزل برای او معین کردند نواب شاهقلی میرزا و محمد مهدی میرزا و فات میرزا محمد رضی پدر بزرگوار صاحب ناسخ التواریخ امر و پاشا رل چهارم پادشاه اسپانیول بنا بر تحریکات باطنی ناپلیون مصمم فرار به امریکا شد سورانت سردار فرانسه با عساکر زیاد وارد اسپانیول میشود در فرار پادشاه اسپانیول مردم با و میشورند لهذا پادشاه از سلطنت استعفا کرده پسرش فردیناند هفتم بجای او بتخت سلطنت جلوس مینماید سورانت سردار پادشاه تازه را نمیشناسد و وارد پای تخت اسپانیول میشود ناپلیون پدر و پسر را در شهر بایون احضار مینماید که بین الطرفین ثالث و حکم کرده و فیمابین را اصلاح نماید ولی بجای اصلاح تفتین نموده و تزویر فتبراه در خود را بسلطنت اسپانیول معین و مامور میکند اهالی اسپانیا از این رفتار ناپلیون متغیر شده با فرانسه ها بنای ضدیت میگذارند و پنهان و آشکار از عساکر فرانسه میکشند انکلیس با اسپانیولها در ضدیت با فرانسه شریک میشود و چون پی هفتم پاپ ناپلیون را لعنت کرده بود عساکر فرانسه شهر رم را تصرف مینمایند بمورات سردار فرانسه تاج سلطنت ناپل داده میشود و تسلی سردار انکلیس سردار فرانسه را در ایرون پای تخت پرتوغال شکست میدهد ملاقات مجدد ناپلیون با امپراطور روس که معاهده مخفی با یکدیگر بستند که فرنک را با اسوئید تقسیم کنند حرکت ناپلیون بطرف اسپانیول فسخون فرستادن امپراطور روس بسمت سود فتوحات ناپلیون در خاک اسپانیا و ورود ناپلیون بشهر مادرید پای تخت اسپانیول و رفاهیت آزادی دادن در اسپانیا برعیت و با وجود

رفاهیت بسیار کرد ناپلیون با سپاه نو لیها داد باز آنها بر ضد فرانسه میباشند (ایطالیا) مورات بوضع سلطنت
وارد ناپل میشود (اطریش) دولت اطریش جمعیت زیادی از عساکر خود را مسلح مینماید (دانمارک) فوت کرد پسرش هفتم
پادشاه در سن شصت سالگی بعد از چهل و دو سال سلطنت جلوس بجای او (فرانسه) دولت
القاب نهاد بر دارها و وزراء عساکر فرانسه را بنوعت بدو کرد و میرسد (پروس) تنظیمات جدید در قشون این
دولت (روس) قلانداکلیه از سود منتزع شده بتصرف امپراطور روس در میآید (عثمانی) سوریش مردم بر ضد
سلطان مصطفی خان چهارم سلطان عثمانی و طلب نمودن سلطان سلیمخان سیم را که در محابس بود اما اشخاصی که
از سلطان سلیمخان ناراضی و شاکی بودند او را در محابس بقتل رسانیدند و سلطان محمود خان دویم بتخت سلطنت
عثمانی جلوس نمود طایفه ینکیچری قتل و غارت زیادی در اسلامبول مینمایند و بسیاری از مواضع اسلامبول را آتش
میزنند و سلطان مصطفی خان را نیز بقتل میرسانند

سنه ۱۲۲۴ هجری — سنه ۱۸۰۹ مسیحی

آسیا (ایران) در وقایع سال قبل مذکور شد که سیر هرفرد ژونس ایلچی انگلیس در بیست و هشتم ذیحجه وارد
دار الخلافه طهران شد ایلچی مشارالیه در روز سیم محرم اینسال بحضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه
مشرف شده نامه مهر علامه پادشاه انگلستان را با یکقطعه الماس کرانبها که بر سم هدیه پادشاه انگلستان برای
شهریار ایران انفاذ داشته بودند بحضور مکرمت ظهور خاقانی تقدیم نمود و آن قطعه الماس با کوهریان بمبلغها خطیرها
نموده قیمت کذا شتند خلاصه سفیر انگلیس مشمول تفقدات شاهانه گردیده پس از چندی بآذربایجان رفت و در حضرت
مستطاب نایب السلطنه و لیعهد دولت علیه مقامی منیع مهر سانیدند و بواسطه او عهدنامه بین دولتین ایران و
انگلیس منعقد گردید و زنزال غاردان خان کرجی از آن ناپلیون بفرانسه باز گشته مورد مواخذه شده و عسکرخان
افشار سفیر ایران که مدتی در فرانسه بود ناپلیون او را بحضور خود طلبیده از طول مدت اقامتش و مماطله در جواب
عذر خواست و با نامه دوستی و مسبوقه نام او را با یران معاودت داد همدر این اوان سیر ژن ملکم نیز از جانب
حکومت هندوستان انگلیس بایران آمده چندی توقف کرد و باز گشت همدر این اوقات علمای اسلام فتوی دادند که
جنگ با روس دفاع واجبها است و اعلیحضرت خاقان کشورستان مجاهدت سبیل الله پیدا شد همدر این اوان فتحعلیخان
خواجه مذاز سفارت سند مراجعت کرده میرثابت علی نام فرستاده و لاهسند نیز با هدایا بهمراهی او ببندر بارها بوشهر آمد و
میرزا مهدی نام اصفهانی با تفاق میرثابت علی مامور و روانه سند گردید در زمستان این سال زلزله عظیم در مازندران
شد و ابتدای ظهور آن در عصر روز جمعه اواخر شوال بود و تا یکماه زلازل شدیده مردم را متوحش داشت و چندین ماه
بعد نیز زلزله های خفیفه در کار بود خلاصه این زلازل عمارات عالیه را منهدم ساخت و زمین را منشق کرده کل سیاه
از آن بیرون آمد و بعضی این زلازل را بسال قبل نسبت داده اند در این سال نواب شاهزاده عبدالله میرزا مخلص
بداراکه در بیست و چهارم ماه جمادی الاولی سنه هزار و دویست و یازده متولد شده بود بحکمرانی خمسه منصوب
گردید و میرزا محمد علی آبادی ولد میرزا محمد زکی مستوفی الممالک شاه شهید سعید طاب ثراه ملقب بصاحبدیوان
بدرجه وزارت رسید و نواب حسام السلطنه محمد تقی میرزا بحکومت بروجرد و سیلاخور و جاپلق برقرار
گشت و میرزا علی گرایلی بوزارت این شاهزاده نایل آمد و نواب شیخعلی میرزا بحکمرانی ملایر و اسحاق زنده منصوب
گردید و حاجی میرزا اسمعیل اشرفی ناظر سابق بوزارت شیخعلی میرزا مباهی شد همدر این سال عزاف کذا در ج

بسبب

بسبب شکست سپاهیان مغضوب و بدربار امپراطور روس احضار شد و نروسوف بجای او بسرداری گرجستان آمد همدرا بنسال نواب شاهزاده محمد علی میرزا بجهت سلطانیه مامور شد و حاجی میرزا ابوالحسنخان شیرازی همشیره زاده مرحوم حاجی ابراهیمخان وزیر شاه شهید سعیدا نارالله برهانه بواسطه انتساب باحاجی محمد حسنخان امین الدوله و لیاقت شخصی بسفارت انگلیس منتخب و روانه گردید و چون از راه اسلامبول میرفت نامه نیز باهدایا بدربار سلطان عثمانی محبوب او ارسال شد و از آنجا که مصطفی قلیخان عرب جاکم ترشیز هفت سال بود بواسطه توهم و وحشتی که عارض او شده از قبیل عمنه علیه بخاشی داشت نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان بمحاصره ترشیز آمدند و مصطفی قلیخان را مقهور کرده با امیر قلیخان بتبوی بدربار معلی روانه کردند و موکب همایون عزیمت چمن سلطانیه فرمود و نواب شاهزاده محمد علیمیرزا با سپاهی آراسته بتعقیب رکاب عالی آمد و میرزا ابزرك وزیر از آذربایجان نیز از تبریز در رسید و چون دانست که موکب خاقانی عازم اذربایجان و توقف در اوجانست بجهت هیئة و انجام بعضی خدمات و خصت انصراف یافت نواب شاهزاده محمد علیمیرزا دو روز پیشتر حرکت کرد و موکب خاقانی نیز از سلطانیه تشریف فرمای چمن اوجان گردید و هنگام ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه و لیعهد بیست هزار نفر پیاده نظام جدید آذربایجان را با بیست عراده توپ از سان نظر مبارك گذرانیده زیاده از حد مورد تحسین و تمجید گردیدند همدرا بنسال چون نروسوف سردار روس در بکفرسنگی تفلیس اقامت کرده و صاحبمنصبان و قشون ابواجمعی خود را باطراف مامور و روانه میکرد اعلیحضرت خاقان کشورستان محمد علیمیرزا را با بیست هزار سوار داد المرزی و قاجار بطرف تفلیس مامور فرمودند و موکب حضرت نایب السلطنه روانه کجور گردید و فرج الله خان دنبلی باشی بامر اعلی روانه اردبیل شد و موکب خاقانی بجانب سراب توجه فرمود و نواب شاهزاده محمد علیمیرزا در محال حماملو در سه فرسخی ایروان با قشون روس تلاقی نموده بر ایشان غالب آمد و بعضی اسرا از آنها گرفته بارد وی معلی فرستاد و خود بجانب تفلیس رانده ایلات آنصفحات را نهب کردند حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از راه کوکجه بیلاق بکجه شنافته ایلات آنجارا کوچانیده روانه ایروان کردند و پولکونیك دوسی که بجارستان آن محل و ایلات آمده بود فرار نمود و امیرخان دولوی قاجار تا حوالی کجه او را تعاقب کرد و بعضی از همراهان او را مقتول و برخی را دستگیر ساخته و مسوف سردار روس چون از اینوقایع خبردار گردید بعرضه خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه نوشته اظهار داشت که بعد از حرکت رایات نصرت آیات از این نواحی کجه را خالی خواهد نمود و تفلیس خواهد رفت از آن راه که آذوقه کمیاب بود حضرت مستطاب معظم بایروان توجه فرمودند و در چمن کوکجه بابرادر والاگهر خود شاهزاده محمد علیمیرزا ملاقات نمودند و نواب محمد علی میرزا بموکب اعلی پیوست و فرج الله خان افشار که روانه اردبیل و آخدد شده بود با مصطفی خان طالش مقاتله نموده بر او غلبه کرد و قلعه لنکران را متصرف شد مصطفی خان در قلعه جامیش وان محصور گردید و ناچار از در عجز درآمد میرزا ابزرك وزیر آذربایجان باستمالت او رفته وی را اطمینان داد و فرج الله خان از محاصره باز گشت همدرا بنسال نایب سرتیپ ترا لکه نکه نواب محمد ولیمیرزا والی خراسان در ماه جمادی الثانیه با سرکردگان خراسان بدشت خاوران یعنی بطرف نساو ابیورد و دره نرو مهنه و آنصفحات رانده ترکمانان شرور را تنبیه و مقهور نمودند و بعضی غنایم نصیب عساکر نواب شاهزاده گردید همدرا بنسال میرزا رضا قلی نوائی متخلص بسلطانی صاحب دیوان انشا بوزارت خراسان رفت و منشی الممالکی مخصوص میرزا عبدالوهاب اصفهانی متخلص بنشاط صاحب گنجینه

که شاپان این منصب بود شد و محمد حسینخان امین الدوله مامور محاسبه فارس گردید و ولات خمسه و پاشا جق القاصر بهلنامی که جهی را بدربار همایون فرستاده اظهار عبودیت کردند و تقویت و حمایت آنها بر عهده حضرت مستطاب نایب السلطنه موکول آمد همدران اوان فیمابین عبدالله خان بکلربیکی لارستان و احمد خان بستکی نزاع درگرفت و عبدالله خان از نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس استمداد نمود نواب معظم صادقخان دولو پسر رضاقلیخان قاجار را با سپاهی بکمک او مامور کردند اهالی بستک و جهانگیریه بجماعت دهابی کنیا بر متوسل شدند صادقخان با هشتون ابوابجمعی خود در حوالی بحرین و قطیف با آنها اقدام بمقابلت و مقاتلت کرد و در اول کار پس نشست آنها گمان کردند که شکست خورده و فرار کرده است بنابراین اعراب بمحل تبه وارد آمده مشغول بغارت شدند و در سر تقسیم اموال نزاع فیمابین آنها درگرفت صادقخان غفلة از کمین برآمده بر سر آنها تاخت و همه را دوانید و بار عدد ساخت قلعه بستک و جهانگیریه را مصفی نموده بمحاکمه را تفویض کرده بشیراز آمد

امروز پانزدهم جمادی الثانی سنه ۱۲۲۵ هجری مطابق بیست و پنجم جولای سنه ۱۸۱۰ مسیحی عبدالوهاب نشاط ملقب بمعتمد الدوله گردید

جنگ بسیار سخت عساکر فرانسه را با اسپانیا اتحاد اسپانیولیها و پرتوغالیها بر ضد فرانسه بروز کلی دولت فیمابین اطریش و فرانسه اتحاد دول و ملل بتحریک انگلیس بر ضد فرانسه حرکت هشتون اطریش بر ضد فرانسه و تصرف نمودن مونیخ پای تخت باویر را که با فرانسه مختار بود منازعه فرانسه با عساکر اطریش و فتوحات هشتون فرانسه در جنگ رابتیسبن پای ناپلیون مجروح میشود ناپلیون بسمت وینه پای تخت اطریش رانده بعد از تصرف این شهر بطرف مراوی میرود و در آسپرن و اسلنگ با عساکر اطریش جنگیده و در این جنگ مارشال لان مقتول میگردد جنگ سخت ناپلیون در واگرام که بعد از این فتح اطریش طالب صلح میشود شورش اسپانیول بر ضد فرانسه در کمال سختی است و تسلی سردار انگلیس که در پرتوغال فتوحات کرده بود ملقب بوی کنت ولنگتن میگردد مابین سردارهای فرانسه در پرتوغال و اسپانیول نفار حاصل میشود ناپلیون از اطریش عزیمت اسپانیول مینماید عهد و سنتی با اطریش در قصر شونبرون حوالی وینه منعقد میگردد (اسپانیول) احکام ژوزف بناپارت برادر ناپلیون پادشاه اسپانیول برخلاف میل اهالی است (فرانسه) ناپلیون زوجه خود ژوزفین را که از او اولاد نمیشود طلاق میدهد (روس) اعلان جنگ روس بعثمانی عبور عساکر روس از دانوب قلعه بوچاکه بتصرف عثمانی بود روسها مسخر مینمایند (سوید) شورش در این مملکت باینمعنی که گوستاو چهارم پادشاه چون خیال سازش با انگلیس داشت مردم باو شوریده او را گرفته حبس کردند و او را مجبور باستعفا از سلطنت نمودند و شارل عموی گوستاو بجای او بسلطنت برقرار میگردد (عثمانی) شورش سربستان کرفتن طایفه وهابی دمشق را امریکا برای اثبات بیطرفی مابین فرانسه و انگلیس اتانوفی بنگدیا سفاین فرانسه و انگلیس را در بنادر خود راه نمیدهد مادیسن بریاست جمهوری اتانوفی برقرار میگردد

سنه ۱۲۲۵ هجری — سنه ۱۸۱۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال موکب خاقان مملکت ستان تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده علیخان برادر رضاعی و بطنی حضرت مستطاب نایب السلطنه از چمن سلطانیه بدفع دسته پنبک و آباران مامور شد و اسمعیلخان دامغانی و برادرانش ذوالفقارخان و مطلبخان با لشکریان سمنانی و سواران مافی و خوانین و عبدالملکی ملتزم رکاب نواب شاهزاده گردیدند و در محال پنبک و آباران با هشتون روس تلاقی و کارزار کرده بر آنها غالب آمدند و تا نزدیکی قراباغ و محال کجور تاختند بسیاری از املاک آن نواحی را کوچ داده با خود آوردند

بازآمدند و هنگامیکه چراغ و جان مغرب خانم کردون احتشام معطی بود بشرف حضور همایون مشرف گردیدند همدر
این سال سیر ژن ملکم از جانب حکومت هند وستان انگلیس بندر بوشهر آمد و محرابخان بکشلوی افشار بهمانداری
او وفقه سفیر مشارالیه را در چمن سلطانیه بحضور مبارک خاقانی مشرف ساخت بعضی هدایا و تحف لایقه را که حامل
بود تقدیم ملازمان حضرت نمود پس از آن عریضه میرزا ابوالحسنخان شیرازی سفیر ایران مقیم لندن بدربار دولت علیه
رسید که اعنای دولت انگلیس مقرر داشته اند سیر هنری ژوهنس سفارت مقیم دربار دولت ایران باشد و سیر ژن ملکم
هند وستان معاودت نماید لهذا سیر ژن ملکم از راه مراجعه بغداد و از بغداد بهند وستان بازگشت همدر اینسال
ابراهیمخان قاجار بغارت و تاراج ایلات قراباغ که از فرمان همایون سر پیچیده بودند رفته و با غنایم بازگشت همدر
این ایام اعراب اکراد بغداد و حوالی پاشاره اعنای دولت عثمانی سلیمان پاشای والی بغداد را که در آستان
همایون داشت مقتول نمودند و عبداللطیف پاشا نامی کرجی پالت بغداد برقرار کرده به احمد چلبی را با عریضه و پیشکش
بحضور مبارک فرستاد و ایالتنامه مرحمت شد همدر این سال در اول ماه شوال موکب همایون از چمن اوجان انتهاض فرمود
در اواخر ماه مزبور بشرف فرمای دارالخلافه گردید همدر اینسال مژده مسرور داردوس بمبانه تفلیس و پاشاچق
رفته قصد کرفتن سلیمانخان حاکم پاشاچق نمود سلیمانخان از اعنای دولت علیه کمک خواسته حسینخان سردار ایروان
بامداد او رفت و ابتدا بپیشرفت کامل بهم رسانیده شبی غفلتا کرده روسها در اردوی او ریخته و بغارت
پرداختند سردار از اردو خارج شد و میرزا علیقلیخان فندرسکی جنگ سختی با روسها کرده آنها را مغلوب نمود
و سردار ایروان بتبریز آمده حضرت مستطاب نایب السلطنه جمعی را بامداد و همراهی او مامور فرمودند و او بطرف کلیشا
پنبک شتافت و از همراهان او محمدبیک قاجار افشار و قاسمخان سرکرده غلام تفنگچیان در اینسفر دلیریها نمودند
و در یکشبانه روز بیست و هشت فرسنگ راه پیاده در میان برف و یخ و سرما طی کردند و در هشت فرسنگی پنبک
بر روسها حمله نمودند و جنگ عظیمی در گرفت عساکر منصوره از اطراف بسنگرهای قشون روس یورش برده داخل سنگر
شدند و در این یورش و حمله بسیاری از لشکر روس مقتول گشتند نیز بر سر روسها ریخته در قلعه شیخ آویز بودند تا
جمعی از آنها را بکشتند همدر اینسال میرزا محمدصادق مروزی که در سال هزار و دویست و پانزده رشته وقایع نگار
یافته تاریخ جهان آرا را بنظر همایون رسانیده و دار و غذ فترت معلی کردید همدر اینسال موکب خاقان کشورستان
بطرف کاشان و اصفهان انتهاض فرمود و مبلغ یکصد هزار تومان نقد از اصل مالیات برعایا تخفیف داده شد
اخبار دولت سوئد بر ضد انگلیس بناپلیون مشارکت دارد فتوحات فرانسه در اسپانیول پایه از سلطنت جنابی
و ظاهرا خلع شده باید همان سلطنت روحانی بعضی دیانت دین قناعت نماید شهر روم پای تخت ثانوی فرانسه
میکردد مزاوجت ناپلیون با ماری لوئیز دختر امپراطور اطریش واینده فتر ثانی است که ناپلیون متاهل میکردد
لوئی برادر ناپلیون که سلطنت هلاند داشت چون پادشاهی خود را غیر مستقل می پندارد از سلطنت استعفا میکند
و شهر آمستردام پای تخت بسیم مملکت فرانسه میشود بلاد بنکی دیانتی که متعلق باسپانیا میباشد از قبیل مکزیک و
شیلی و بوئنز آرس و پاراگائی بجز پیرو خود را از اسپانیا اعلام مینمایند (فرانسه) مسافرت ناپلیون با امپراطریس
تازه بیلژیک مملکت فرانسه در این سال مشتمل بر صد و سی ایالت میباشد و جمعیتان هشتاد و چهار کرور کس
این هشتاد و چهار کرور بیست و چهار زبان تکلم میکنند زبان فرانسه زبان هلاند زبان المان زبان ایطالیا (پرروس)
فوت ملکه لوئیز اعلی در ستن سه و چهار سالکی (روس) ایجاد دارالشورای دولتی امپراطور روس با ناپلیون

اظهار مخالفت نموده از دایرهٔ دوستی او خارج گردیده بنادر خود را برای سفاین انگلیس مفتوح و برای کشتیها
فرانسه مسدود میسازد و عساکر فاتح روس قلعهٔ سیلستری را در بلغارستان مفتوح مینمایند (سوئد) پادشاه
تازه که شارل هشتم باشد چون اولاد ندارد یکی از بنی اعمام خود را ولیعهد مینماید و بعد از چند روز غفلةً
میمیرد این مرد ناکهانی مردم را بخیال انداخته تصور میکنند که او را مسموم کرده اند جمعی از اهالی سوئد سر داد
فرانسه برناوت را بولیعهدی مطلبیدند برناوت بر رضایت ناپلیون قبول ولیعهدی مینماید و از مذهب کاتولیکی خارج شده
قبول طریقهٔ پرتستان میکند اعلان جنگ سوئد با انگلیس

سنهٔ ۱۲۲۶ هجری — سنهٔ ۱۸۱۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ماه صفر اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه که تشریف فرمای اصفهان
شده بدار الخلافه طهران معاودت فرمود و عسکرخان افشار اردوئی که بسفارت بدربار ناپلیون اول امپراطور فرانسه رفته
بود مراجعت کرده هدایای ناپلیون برای پادشاه ایران مصحوب او ارسال داشته تقدیم نمود همدراینسال محمد صادق
خان قاجار که بحکم نواب شاهزاده حسینعلی میرزا باعانت و امداد امام مسقط رفته بود طایفهٔ وهابی را در بحرین کوشمال
نیز داده جمعی کثیر از آنها بقتل رسانید همدراینسال سلطان محمود خان سلطان عثمانی عبد الوهاب افندی
وشاکر افندی را بسفارت بدربار دولت علیه فرستاده اظهار اتحاد کامل از جانب سلطان معظم با خاقان
مملکت ستان نمودند و در ضمن از عبد الرحمن پاشا حاکم شهرزور شکایت کردند در جواب عرایض آنها مقرر شد که
حکمران شهرزور و بصره ابدا بامنای دولت علیهٔ ایران معین کرده نیز والی بغداد شخصی بی غرض باشد که ملاحظهٔ مسافرین
وزوار ایرانی را در بغداد و اماکن مشرفه بنماید و پس از این نفرات فرستادگان مشارالیهم بتبریز و خدمت حضرت
مستطاب نایب السلطنه مامور شدند و موکب همایون بجانب سلطانیه نهضت فرمود همدراینوان صبیهٔ محترمهٔ
میرزا محمد خان دولوی قاجار را بنواب شاهزاده شجاعلی میرزا و دختر آمیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله مرحوم را
بنواب شاهزاده عبد الله میرزای متخلص بیادگار عقد بستند و در جشن سلطانیه شرایط جشن این دو سوی لازم السرور بعمل
همدراین ایام چون فیروز الدین میرزا والی هرات درای خراج مقرره براه تهاون و مسامحه میرفت نواب شاهزاده
محمد ولیمیرزا والی خراسان برحسب امر اعلی از مشهد مقدس لشکر بهرات کشیدند و در محل پل نقره سه فرسخی هرات نزول
کردند و دستجات قشون ظهیر همون را بتاخت اطراف هرات فرستادند فیروز الدین میرزا چون استعداد مقابلت و مقاتلت
نداشت خواهش خراسان را کرده التزام رکاب نواب شاهزاده بود شفیع قرار داده بادای پیشکش خراج پرداخت و
ملک حسین میرزا پسر خود را برسم گروی بخدمت نواب معظم فرستاده وارد وی شاهزاده از حوالی هرات معاودت
نمود همدراین سال چون عبد الرحمن پاشای بابان که بحمایت و ملازمان حضرت خاقانی حکمرانی شهرزور را یافته بود پس
از استقلال در قتل سلیمان پاشا ساعی گردیده این اوقات با امنای اینولت امان الله خان والی کردستان نیز طریق
مخالفت می پیمود نواب شاهزاده محمد علی میرزا والی کرمانشهان و لرستان و خوزستان و عربستان ملقب بدولتشاه
لشکر خاقان کشورستان باجمعی از امرا بدیمیرا و حرکت کردند و در غرهٔ ماه شعبان اینسال وارد زهاب گردیده خالد پاشا
بنی عم عبد الرحمن پاشا از در اطاعت درآمد وارد وی شاهزاده معظم بکنار رود سیروان جای گرفتند نوروز خان قاجار
در مرد شت بر احمد پاشا برادر عبد الرحمن پاشا حمله کرد احمد پاشا شکست یافت و عبد الرحمن پاشا بتر فرار را بولایات کوی
و حریر رفت نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه سلیمانیه و شهرزور را تصرف کرده بر سر عبد الرحمن پاشا رفتند و او را

دو ثلثه

در قلعه کوی محصور فرمودند عبدالرحمن پاشا چاره جز اطاعت ندیده از قلعه بزیر آمده بخدمت حضرت شاهزاده مشرف شد
و بضراعت و استکانت پرداخت و فرزندان خود را بسمت نوابعی گروی ملتزم رکاب شاهزاده نمود و پیشکشهای لایق بداد و بحکم
دولتشاه مجدداً بحکومت شهرزور و کوی و حریر منصوب و برقرار گردید و نواب شاهزاده بکرمانشاهان معاودت فرمودند
محمد امین سال مبرزا ابوالحسن خان سفیر ایران مامور دولت انگلیس بدربار دولت علیه مراجعت کرد و سرکور اوزلی
نام از اعاظم انگلیس بهمراهی و مامور سفارت ایران وارد و انیسامان شده و از اتفاقات غریبه آنکه سفینه که دو سفیر
مشارالیهما در آن بودند در دریا دوچار طوفان شده و بی اختیار آنها را بطرف بنکی دپنا برده بساحل برزیل رسیدند
پادشاه برتوغال که این مملکت را متصرف بود و از خوف ناپلیون خود بزیر بدینجا آمده از حال دو سفیر آگاه شده ایشانرا
مهمان و اکرام زیاد نمود و در آن ایام در آنجا ماریی صید کردند که سیزده ذرع طول آن بود و فریب بکذرع پشت
کردن آن عرض داشت از فرط غرابت ماری را بنظر پادشاه رسانیدند و پوست آنرا که بضخامت جلد گاو بود کنده با دو سفیر
با ایران فرستادند خلاصه سفیر انگلیس با اتفاق ایلچی ایران بدربار همایون آمد و لوازم پذیرائی را در باره او معمول داشتند
و در خانه حاجی محمد حسینخان امین الدوله برای او منزل تعیین نمودند و در عمارت گلستان بحضور خاقان کشورستان
مشرف شده نامه پادشاه انگلستان را با تحفه لایقه یعنی یکقطعه الماس بزیبائی که بیست و پنج قراط وزن داشت
تقدیم نمود و بعنایات پادشاهی مستظهر گردیده مبالغ وجه نقد و سی هزار قبضه تفنگ انگلیسی و بیست عراده
توپ و مقداری فوجخانه و سی نفر معلم مهندس که همراه داشت تسلیم کرد در زمستان این سال با آنکه مزاج
حضرت مستطاب نایب السلطنه خالی از علتی نبود و در نخجوان و ارروان و قراباغ خود را مشغول بسفر مودند
ایلات قراباغ را کوچانیده بقراجه داغ آوردند و جعفرقلیخان برادر ابراهیم خلیلخان که اسیر روسها بود و
او را بتفلیس میبردند که روانه سیبری کنند هنگام عبور از رود ترتر زمام اسب را که در دست سربازی بود
بریده بیالا سب ممشک شد و خود را بمیان یکی از ایلات مزبوره که در کار کوچ بودند رسانیدند والحق جلادتی بکار برد حضرت
مستطاب نایب السلطنه حکومت قراجه داغ را با چهار هزار تومان مواجب با و مرحمت فرمودند همدا امین سال سرداری
تازه از روس بجای مرحوم مصطفی مامور شده با سه هزار باز و توپخانه وارد و قره باغ شد لهذا حضرت مستطاب
نایب السلطنه از سه فرسخی بر سراو تاخته امر بهجوم و حمله فرمودند مستر لنسین توپچی باشی انگلیسی که در خدمت دولت
علیه بود توپها را باطراف سنگر سلطان بود بست و اکثر عراده ها توپهای روسها را بشکست افواج آذربایجانی نیز
بر سر سنگر تاختند و جمعی سرباز و یکنفر صاحب منصب روسی را مقتول ساختند باقی بر ق سپید که علامت امان است
برافراشتند و امان یافتند و هشتصد و بیست نفر باز و توپ اسلحه و قورخانه آنها بچنگ سپاه ظفر همراه افتاده
بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه آوردند و حضرت معظم آنجمله را بدربار همایون ارسال داشتند اعلیحضرت خاقان
کشورستان مبلغ دویست هزار تومان بانعام حضرت مستطاب نایب السلطنه مقرر فرموده و با اسرا نزد حضرت معظم
ارسال داشتند و آنفوج قبول اسلام نموده بفوج بنکی مسلمان کشتند از غرایب اتفاقات اینسال آنکه در ایالت نواب شاهزاده
عبدالله میرزا در خمسه چوپانی در دامنه کوه سجاس رود موشی بلکه مهره های سفید بیرون میآورد آنجمله داشکافتند حقیقه
وکوی مرصع و دسته خنجری و جام طلائی با چند دانه مروارید بدست آوردند و بعضی چنین حدس زدند که اینجا میرزا رغوث خان
مقول است و لادت نواب سلیمان میرزا و فتح الله میرزا و ملک منصور میرزا افزرندان خاقان مملکت ستان و فات نظیر زنگنه
شاعر اروپا انگلیس جنون پادشاه و بانبواسطه اجرای پارلمنت لیعهد را بنیابت سلطنت اختیار میکنند و لکشمی

وان للاسرا آن در موزه موجود است

موسوم

وهمین میرزا

بخار انگلیس در رود کلید بقوت سه اسب بکشتی رانی مشغول میشود مملکت اسپانیول تنها میدان جنگ فرانسه و انگلیس است
(فرانسه) تولد پیری از ملکه فرانسه زوجه ناپلیون و ملقب شدن او بپادشاه رم مسافرت ناپلیون بسمت شمال فرانسه
و هلاند در هشتاد شهر از بلاد فرانسه مقرر شد و زنامه هر روزه منطبع کردد (هلاند) جزایر بتاویه از مملکت
هلاند را انگلیس متصرف میشود (روس) عساکر روس شهر بلگراد را در سر بستان متصرف میشوند کوتوسف سردار
روس از سردار عثمانی شکست خورده و قپتکر عقب نشینند تمام قلعجات عثمانی را کرد در سمت جنوب دانوب بود
خراب مینمایند لما در سلونیک یا صدر اعظم عثمانی که سردار قشون بود اسیر روسها میکردد طلوع دنوذب در انیسا
کر از ماه سپتامبر تا اکتبر طالع و مشهود بود افریقا (مصر) محمد علی پاشا اعیان قدیم مصری را کر از طایفه مملوک
بودند در قاهره احضار کرده همه را بقتل میرساند و املاک آنها را متصرف میشود امریکا (سنکی دنیای جنوبی) پارلمان
از ایالات متصرفی اسپانیول در آمریکا اعلان جمهوری میکنند

سنه ۱۲۲۷ هجری — سنه ۱۸۱۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال برحسب مرهمایون قلعه سلیمانیه را در حوالی رود کرج باسم سلیمان میرزا بنا نمودند
حاجی محمد حسینخان امین الدوله که مامور باین خدمت شده بود میرزا ابوالقاسم اصفهانی نایب کلشان را منصب
استیفا کرد و سرکوه اوزلی سفیر انکلیس باتفاق میرزا ابوالحسن خان شیرازی بتبریز رفت که باحضرت مستطاب نایب
السلطنه عباس میرزا ملاقات نماید و بعضی قرارومدارها داده شود پس از آن موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان
فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه کردید و در دوازدهم جمادی الثانیه این ساحت خلد نزهت مضرب خیام کردید
احتشام سلطنت کردید و در این اوان معروض داشتند که مصطفی خان طالش بار دیکر بسر بار روس توسل جسته
لهذا اسمعیل خان قاجار شامبیاتی و عبدالله خان ارجمندی سرکرده هزاره نیروز کوهی در اواخر رجب مامور و روانه
کیلان شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه در پهلوی قلعه لنکران طالش سنکر محکمی بستند و صادقخان قاجار
عزالدینلو و محمدخان سرهنک ابروانی و جعفرقلیخان ولد میرزا محمدخان لاریجانی با سه عراده توپ و دسته لشکری
بجزایر آن سنکر محکوم کردیدند و میرقلیخان شامبیاتی و عسکرخان افشار ارومی و علیخان شاطر باشی نوری و میرزا
احمد سرهنک کاشانی برادرزاده فتحعلیخان ملک الشعراء با دسته از قشون آذربایجان بحفظ قلعه ارکوان مقرر کشتند
همه در این اوان چون در سرمنزلی شهر زور فیما بین عبدالله پاشا والی بغداد و عبدالرحمن پاشا حاکم شهرزور و ناپره
قتال اشتعال یافته بود و عبدالرحمن پاشا مقهور و بکرماشانها کرپخته و والی بغداد ایالت شهرزور را بخالد
پاشا داده ظهیرالدوله محمدقاسمخان قوانلو و فرج الله خان افشار و یوسفخان سپهدار بتدمیر والی بغداد مامور
کشتند و نواب شاهزاده محمد علیمیرزا ولیعهد پادشاه نیز همین عزم را تصمیم دادند و قشون نصرت مقرون بزهاب آمد
و پس از اتمام حجت بقتال و غارت بعضی اماکن متعلقه بغداد پرداختند والی بغداد مشوش شده جناب شیخ جعفر
نجفی را شفیع قرار داد و عبدالرحمن پاشا در حکومت شهرزور استقرار یافت و عساکر ظفرمآثر معاودت کردند و
در ماه رمضان موکب همایون اعلیحضرت خاقان بدارالخلافه طهران مراجعت فرمود و نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا
والی خراسان و ناصرالدین نوده و اسحقخان قرائی بتقبیل عتبه علیه آمدند نیز از وقایع ایسال آنکه چون الکساندر
میرزا والی کرجستان که در ایروان بود بملاقات سلیم پاشای والی اخسقه رفته و از آنجا بتفلیس شتافته بنای اشوب را
کذاشت و دیدیشچوف سردار روس انهوا قعه را از تدابیر حضرت مستطاب نایب السلطنه دانسته کنار و سکی را کرده

مشهور بود در آن اغلان کذا شنه خود بتفلیس رفت و حضرت معظم نایب السلطنه در کنار رود ارس در محل موسوم
بر اصلان دوز بودند کنار و سکی در پنج پنجه بدلالت مراد خان دلاغارده باسرباز و توپخانه مصمم شبیخون باردوی حضرت
نایب السلطنه گردیدند و از معبری عبور کرده بقراولان اردوی حضرت شاهزاده رسیده قراولان را بگرفت و کسی از خبر دار
بارد و نرسانیدند تا قشون روس نزدیک شدند آنوقت عساکر ایران خبردار گردیده حضرت مستطاب نایب السلطنه
فوراً سوار شدند و بشلیک توپ حکم دادند اما چون توپخانه سردار روس بر بلندی و مشرف باردو بود و اردو
را متفرق ساخت و آنچه نواب معظم در آن شب تار کوشش کردند که آن تفرقه را بجمعیت مبدل کنند ثمری نبخشید
مخصوصاً چون در هنگام تاخت و تاز اسب حضرت شاهزاده در حفره بزمین خورده اگرچه بزودی رکابداری اسب
دیگر بحضرت معظم رسانید و سوار شدند ولی لشکر بیشتر هراسان گشته ناچار اردو متفرق شده و حضرت مستطاب
شاهزاده بمنزل حاجی حمزه لو آمدند و افواج روس بقراباغ رفتند حضرت نایب السلطنه روزی بجهة دفن مقتولین
در آن ناحیه اقامت فرموده بعد راه مشکین پیش گرفتند و بتبریز راندند و کثرت و سکی که قوت قلبی بهم رسانیده بود
بجانب ارکوان روان شد و مستحفظین که واقعه اصلان دوز را شنیده بودند بدون جنگ قلعه را از دست دادند
و کسی در صدد مقاومت و مدافعه برنیامد مگر میرزا احمد سرهنگ کاشانی که سرکرده فوج پنکه مسلمان بود این سرهنگ
باغیرت در رشادت چندان پایداری نمود که مقتول و فی الحقیقه شهید شد بعد از این واقعه قشون روس از
ارکوان روانه لنکران شدند همدر اینسال نواب سلطان محمد میرزا و سلطان سلیم میرزا و سلطان مصطفی میرزا و
سلطان ابراهیم میرزا و سیف الله میرزا پسران خاقان کشورستان متولد شدند امروز پا جنگ عساکر فرانسه و
انگلیس در اسپانیا غالب بلاد اسپانیول پادشاه خود را می طلبند پادشاه سیسیل فرد بناند بتحریک انگلیس از
سلطنت استعفا میکند فتوحات و لنگتن سردار انگلیس در اسپانیا و ورود او بشهر مادرید و بجلاء خالی کردن
مادرید او رفتن بسمت پرتوغال دویست و هفتاد هزار قشون فرانسه بجهة در اسپانیول معطل اند (فرانسه
ناپلیون مصمم جنگ با روس میباشد و پروس وعده بیشهزار قشون کمک با و میدهد امپراطور اطریش هم قشونی
بکمک ناپلیون خواهد فرستاد خیال ناپلیون اینست که سلطنت لهستان را مستقل ساز د اتحاد روس و انگلیس بر
ضد فرانسه و اطریش و پروس حرکت ناپلیون بخاک آلمان و ورود او بدرزد در اینشهر چند بن نفر از سلاطین بسمت
چاکری و سرداری بخدمت ناپلیون کمر می بندند فیمابین روس و عثمانی عهد صلح در بوخارست بسته میشود قشون
ناپلیون که مصمم ورود بخاک روس است عبارتست از پانصد و هفتاد هزار نفر میباشد بعلاوه هفتاد هزار اسب
و صد و هشتاد عراده توپ این جمعیت بده اردو قسمت شده است عبور عساکر ناپلیون از رودخانه نیمن
(نیمن رودخانه ایست در سرحد روس و المان) شهر ویلنا را ناپلیون متصرف شده هفده روز در اینجا توقف
مینماید جنگهای متوالی عساکر فرانسه با سرداران روس در سواحل دینپر فتح دو نابوزگ و اسمولنسک بدست
قشون فرانسه روسها که از جلو لشکر فرانسه فرار میکنند بلاد و قرا را آتش میزنند عساکر فرانسه بمسکو او رود
مینمایند و در اینجا کوتوسف سردار روس جنگ سختی با فرانسه ها میکند و پنجاه هزار نفر از لشکریان کوتوسف
مقتول میگردد مورات سردار فرانسه دو ز چهاردهم سپتامبر وارد مسکو میشود و روز بعد از آن که روز
پانزدهم باشد خود ناپلیون بمسکو رود مینماید در شب شانزدهم حاکم مسکو شهر را آتش میزند ناپلیون بجهة یکماه
در مسکو توقف میکند زمستان شروع میشود و عساکر فرانسه مجبوراً عقب نشینند سرمای سخت صدمه زیادی

بلشکریان

جلوس میرزا ابن العباس ابن طهماسب
حضور همایون ع

بلشکریان ناپلیون وارد میاورد تمام قشون فرانسه را اسملنسک جمع میشوند لکن آذوقه بلکه قشون آن مزبور زحمت سرما کرده بجمعیت زیادی از عساکر ناپلیون را هلاک میکند برودت و شدت سرما شانزده درجه زیر صفر است و فوج فوج مردم از سردی مفرط هوا تلف میشوند عقب مانده و فراری لشکر فرانسه بدست قزاقها کشته میشوند ناپلیون از دریای اضطراب عساکر را بسمت فرانسه حرکت کرده و سرداری قشون را بر عهده موراث موکول مینماید بعد از رفتن ناپلیون لشکریان او دو چار کمال سختی میشوند درجه سرما بیست و هشت درجه تحت صفر میرسد چهل هزار نفر از عساکر فرانسه وارد ویلنا میکردند عساکر پروس و اطریش چندان وفاداری با فرانسه ندارند پاپ چون بتعقیب و متابعت ناپلیون را نمینماید با ناپلیون بر قن تن بلوا حضار میشود هنگام عقب نشینی ناپلیون و نزال مالیه جمعی را در پاریس برا و میشوراند ناپلیون بعد از ورود دوازده نفر از هدستهای نزال مالیه را بقتل میرساند خلاصه شکست ناپلیون از روس مقدمه و ابتدای خرابی و بدبختی او میباشد و از آنجا که جوانهای مردم مقتول و بسیار عزادار و بجهة وجه اعانتی که برای مصارف و مخارج جنگ از ملت خود قوی العاده گرفته میشود خاصه در موقع نا رواجی تجارت و صناعت عموم ناس شاکی و مستعد شورش میباشند (روس و عثمانی) متارکه موقتی بین روس و عثمانی مبدل بصلح نهائی شده روسها مجددا از رود دانوب عبور مینمایند پس از آن عهدنامه صلحی فیمابین و لتین منعقد میشود بیرآبی از خاک عثمانی جزو روس میکرد حاکم مستبقی مستقیما از اسلامبول بسربستان مامور میشود یعنی از اهالی سربستان حاکمی معین مینمایند که مطیع عثمانی باشد امریکا (اتاتونی) اعلان جنگ با تاتونی با انگلیس

سنه ۱۲۲۸ هجری — سنه ۱۸۱۳ مسیحی

آسیا (ایران) در شرح سال گذشته مبسوط شد که قشون روس از ارکوان روانه لنکران شدند در شب نهم محرم این سال آنجماعت بقلعه لنکران یورش بردند و سرکرده تفنگچیان لاهیجانی مقتول و قلعه لنکران بتصرف عساکر روس در آمد و جمعی از لشکریان ایران مقتول شدند و کنلر و سیکی سه زخم منکر برداشت و بقیه سپاه روس بهمت جامبش وان و معاونت مصطفی خان طالش رفتند همدر این سال چهار نفر از رامنه جلفای اصفهان که در عمارت سلطنتی شیشه بری میکردند از راه بام داخل خزانه شده تقریبا سی هزار اشرفی ببرقت بردند ولی سارقین بدست آمدند همدر اینسال بعد از عید نوروز موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مصمم سفر آذربایجان گردیده بباغ نگارستان نقل مکان فرمودند همدر این سال یوسف خواجه کاشغری از اولاد خواجگان ترکستان که سالها در اقطار و بلدان سیاحت کرده بود باغوای فرمان فرمای بلخ خان ترکمان میان طوایف ککلان و یموت رفته بتقرب عوام پرداخت و مشیر ایلهارا مرید و دور خود جمع کرد و بخیال مملکت ستانی افتاد و قلعه نیریز را فتد رسک را محاصره نمود و میرزا علینقی خان فندرسکی با روغه ککلان را مزدور نه بکار داشت دعوت کرده بدست ایران با غی ککلان مقتول گردید و یوسف خواجه کاشغری بی مانعی قلعه نیریز را متصرف شد چون این خبر بعرض ملازمان حضور همایون رسید بنواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی خراسان و نواب شاهزاده محمد قلیمیرزا حکمران مازندران اشارت فرمودند که بر سر طایفه یموت رفته بلکه میرزا نادیب آنها پردازند شاهزاده محمد ولیمیرزا حرکت کردند و یوسف خواجه هزیمت یافت و موکب شاهزاده تا اترک رانده غنایم و اسیر بسیار بدست آوردند و در قراشیخ کوشمالی بتراکمه داده همدر اینوقات ابراهیمخان قاجار و اسمعیل خان شامبیاتی و ذوالفقار خان سمنانی بحمایت کالپوش مامور شدند

وموکب همایون از نگارستان روانه چمن سلطانیه گردید و نواب شاهزاده محمد تقی میرزای حسام السلطنه از برو جرد بحضور مبارک احضار شد محمد آبن اوان اسعد پاشا پسر سلیمان پاشای بزرک وزیر والی سابق بغداد با اعراب شفیع ساخته بغداد تاخته با عبدالله پاشا مصاف داد عبدالله پاشا مقتول شد و اسعد پاشا بر بغداد استیلا یافت و از جانب دولت عثمانی بخلعت ایالت نوازش یافت و چون پدرش باد دولت ایران سابقه ارادتی داشت عریضه و فرستاده بآستان خاقان مملکت ستان فرستاد و نصرالله خان نوری اندرباره همایون تشریف برای اسعد پاشا ببغداد برد محمد آبن پاشا جلال الدین افندی نام از جانب دولت عثمانی مامور درباره دولت علیه گردید و نواب شاهزاده محمد تقی میرزا و یوسف خان سپهدار از راه سرچم و بنک بی روانه آذربایجان شدند پس از آن نواب شاهزاده محمود میرزا و فرج الله خان افشار روانه آنساحت گشتند بعد شاهزاده علیخان با مهر علیخان قوانلو و رضا قلیخان روی براه نهادند و موکب همایون در یازدهم رجب با سپاه از قشون نصرت نمون روانه چمن اوجان شد و حضرت مستطاب باب السلطنه با افواج آذربایجانی موکب اعلی را استقبال کردند و دو روز بیستم رجب چمن اوجان مضرب خیام خاقان کشور ستان گردید و روستچوف سردار روس بعد از آنکه از انهزام جنود غاقانی و توجه باوجان خبردار شد داستان جنک ناپلیون را باسپاه روس بشنید معتمد خود نزد سر کور اوزلی ایلچی انکلیس فرستاد و طالب صلح با دولت ایران شد و بتوسط و صوابدید میرزا شفیع صدر اعظم قرار دادند و میرزا ابوالحسنخان شیرازی مامور فراباغ گردید در چمن کلستان اجتماع و ملاقات دست داد و عهدنامه و سوگند کلستان را منعقد نمودند و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است

صورت عهدنامه که در میانه دولتین ایران و روس بصلاح و صوابدید میرزا ابوالحسنخان وسپهدار روسیه مرقوم شده

اعلیحضرت امپراطور ممالک روسیه با لقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران با وصافه بملاحظه کمال مهربانی و اشفاق دولتین علیتین که در ماده و اهالی رعایای جانبین دارند بدفع و رفع امور عداوت و دشمنی که برعکس رای شوکت آرای نیستطالب استقرار مصالحه میمونه و دوستی جوار بت سابقه سوکده را راغب میباشند بعالیجاه نیکولای ردستچوف با لقابه اختیار کلی عطا شده و اعلیحضرت شاهنشاه ایران هم امیر الامراء العظام میرزا ابوالحسنخان با وصافه را در این کار مختار بالکل نموده اند حال در معسکر روسیه مزبحال کلستان قلعه بولایات قراباغ یعنی رودخانه زیوه ملاقات واقع و جمعیت نموده بعد از ابراز و مبادله متمسک مامور یت و اختیار کلی خود بیکدیگر و ملاحظه و تحقیق امور متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب اختیار نامجات طرفین بنود و فصول و شروط مرقومه ذیل را الی ابد مقبول و مستصوب و استوار میداریم

فصل اول بعد از این امور جنک و عداوت و دشمنی که تا بحال در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بود موقوف و بموجب این عهدنامه الی ابد متروک و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدیده فیما بین امپراطور و اعلیحضرت شاهنشاهی و وراث و لیعهدان عظام میانه دولتین علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود

فصل دویم چون بیستم موجب اظهار و کفتکوی طرفین مقبول رضا در میان دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای او سط طوسکوه او پریزدیم باشد یعنی در هر موضع و جا یکه الی قرارداد مصالحه الحال بوده است آن قرار باقی و تمامی او لکاء و لایت خوانین شیرین که تا حال در تحت تصرف و ضبط هریک از دولتین بوده کما

اصل این لفظ استاولو و ماخوذ از لابین و بمعنی حالت حالیه است

ان در تحت ضبط و اختیار ایشان بماند لهذا در بین دولتین علیتین روسیه و ایران بر حسب خط مرقومهٔ ذیل
سنور و سرحدات مستقر و تعیین گردیده از ابتدای اراضی آدینه بازار بخط در ساز راه صحرای مغان تا معبر
بدی بلوک رود ارس از بالای کنار رود ارس تا اتصال و الحاق رود خانهٔ کپنک جای به پشت کوه مقری و از آنجا
خط حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان و ایروان و نیز رسک از سنور کنجه جمع و متصل گردیده و بعد از آن حدود
مزبور که بولایات ایروان و کنجه و هم حدود قراق و شمس الدینلو و تا مکان ایشک میدان مشخص و مفصل میباشد
از ایشک میدان تا بالای سر کوههای طرف راست طرق و رود خانه های حمزه چمن و از سر کوههای پنبک الی کوشه
محال شوره کل و از کوشه شوره کل از بالای کوه برف آلدا کوز گذشته از سر حد محال شوره کل و میانه حدود
مزبور سد ره برود خانه ارپه چای ملحق و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خانشین طالش
در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست شده لهذا بجهة زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبور
از انجانب انزلی وارد بیل بعد از تصدیق این صلح نامه از پادشاهان عظام معتمدان و مهندسان مامور که بموجب
مقبول و وفاق یکدیگر و معرفت سرداران جانبین جبال و رود خانه ها و دریاچه و امکنه و مزارع طرفین تفصیلاً
تحریر و تمیز و تشخیص میباشد آن نیز معلوم و معین ساخته آنچه در حال تحریر این صلحنامه در سنه در تحت
تصرف جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایات طالش نیز در بنای اوسطا طو سکوه او پریزندیم
مستقر و معین ساخته هریك از طرفین آنچه در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین از سرحدات مزبوره
فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان مامورهٔ طرفین هریك موافق اوسطا سطو سکوه
او پریزندیم رضا خواهد داد

فصل سیم اعلیحضرت شاهنشاه ممالك ایران بجهة ثبوت دوستی و وفائی که با علیحضرت امپراطور ممالك روسیه
دارند با این صلحنامه و ولیعهدان عظام تخت شاهانهٔ ایران ولایات قراباغ و گنجه که الآن مستقیماً بایلی سابط بول و
اولکاء خوانین شکی و شیروان و قبه و دربند و باکو بر و هرجا از ولایات طالش را که الآن در تحت تصرف
دولت روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره کل و اچوق باش و کورینه و منکریل و انجار و تمامی
الکاء و اراضی که در میانه قفقاز لینده سرحدات معینة الحاله بود و نیز آنچه از اراضی و اهالی قفقاز لینه الی کنار
دریای خزر متصل است مخصوص و متعلق دولت امپراطوری روسیه میدانند

فصل چهارم اعلیحضرت امپراطور روسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود با علیحضرت شاهنشاه ایران و بجهة
اثبات اینمعنی نیابرهم جوارتی طالب و راغب است که در ممالك شاهانهٔ ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی
را در بنای اکیده مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار مینمایند که هریك
از فرزندان عظام ایشان که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج باعانت و امدادی از دولت
علیهٔ روسیه باشند مضایقه ننمایند تا از خارج نتواند کسی دخل و تصرف در مملکت ایران نماید و با امداد و
اعانت دولت روسیه دولت ایران محکم و مستقر گردد و اگر در سر امور داخلهٔ مملکت فیما بین شاهزادگان
منافقتی رخ نماید دولت علیهٔ روسیه را در آن مداخله کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش ننماید

فصل پنجم کشتیهای دولت روسیه که بر دوی دریای خزر برای معاملات تردد مینمایند بدستور سابق
ماذون خواهند بود که بسواحل و بنادر جانبین ایران عازم و نزدیك شوند و زمان طوفان و شکست کشتی

ازطرفین ایران یاری واعانت دوستانه نسبت بآنها شود وکشتیهای جانبین هم بدستور سابق ماذون خواهند
بود که برای معامله روانه سواحل دوستی شده بهمین نحو درهنگام طوفان وشکست کشتی ازجانب دوستیه اعانت وکمک
دوستانه درباره ایشان معمول کردد ودرخصوص کشتیهای جنکی دوستیه بطریقی که درزمان دوستی وکمک درهر وقت
کشتیهای جنکی دولت دوستیه باعلم دریای خزر بوده اندحال نیز محض دوستی اذن داده میشود که بدستور سابق معمول
کردد واحدی ازدولتهای دیکر سوای دولت دوستیه کشتی جنکی نداشته باشد

فصل ششم تمام اسرائیکه درجنکاه کرفتار شده ازاهالی طرفین اسیر شده ازکرجستان وهرمذهب دیکر باشند میباید الی
وعده سه ماه هلالی بعد از تصدیق وخط کذاردن دراین عهدنامه ازطرفین مرخص ورد کردیده هریک ازجانبین
خرج واحتیاج باسرای مزبوره داده بفراکلیسیا رسانند وکلاء سرحدات طرفین بموجب پیشتر اعلامی که درخصوص
فرستادن آنها بجای معین بکدیکر مینمایند اسرای جانبین را بازیافت خواهند کرد وآنانکه بسبب تقصیر یا بخواهش خود
ازمملکتین فرار نموده اند اذن بآن کسانیکه برضا ورغبت خود اراده آمدن داشته باشند داده شود که بوطن اصلی خود
مراجعت کنند وهریک ازهرجنس وهرچه ازاسراچه فرار یکه بخواسته باشند ببایند کسی را با او کاری نیست وعفو وتقصیر
ازطرفین منجر بفراریان داده خواهد شد

فصل هفتم علاوه ازاظهار وافرار مزبوره بالاراى اعلیحضرت اسپراطور ممالک روسیه واعلیحضرت شاهنشاه ایران
قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنکام لزوم مامور ودر دارالسلطنه جانبین مقیم شوند بروفق لیاقت دوستیه
وامور کلیه مرجوعه ایشان را برداشته وحاصل ومحبت بدستور سابق وکلاء یکدیکر ازدولتین بخصوص جانبین درباب معاملات
دربلاد مناسبه طرفین تعیین وتمکین کردیده زیاده ازده نفر عملجات نخواهند داشت ایشان بااعزاز شایسته مورد
مراعات کردیده باحوال ایشان بهمکونه رخصت رسیده بل زحمتی که برعایای طرفین عاید کردد بموجب عرض واظهار وکلاء
رعایای مزبوره رضائی بستم دیدکان جانبین داده شود

فصل هشتم دربابت آمد وشد تواقل وارباب معاملات درمیان ممالک دولتین علیتین اذن داده میشود که هرکس از
اهالی بتجار بخصوص بشوند بکه درست عابا وارباب معاملات متعلق دولت علیه روسیه وبا تجار متعلقه دولت
بهیه ایران مبیا شند ازدولت خود یا ازسرحدداران جانبین تذکره وکاغذ راه دردست داشته باشند ازطریق
معتبره بجانب ممالک ایران این دو دولت بدون تشویش آیند وهرکس هرقدر خواهد متوقف کشته با موی تجارت
ومعامله اشتغال نمایند وزمان مراجعت آنها باوطان خود ازدولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال وتنخواه از
امکنه ممالک روسیه بولایات ایران وبالعکس ازطرفین بممالک دوستیه برند تنخواه بعون بیع رسانیده یا معاوضه بمال
واشیاء دیکر نمایند کرد رمیانه ارباب معاملات طرفین بخصوص طلب وغیره شکوه وادعائی نباشد بموجب عادت مالوفه نزد
وکلاء طرفین یا اکر وکیل نباشد نزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض واظهار سازند تا ایشان از روی صداقت
مراتب ادعای ایشان را تحقیق ومعلوم کرده خود یا بمعرفت دیکران قطع وفصل کار را ساخته نکذارند که تعرض و
زحمتی بارباب معاملات عاید وواصل شود وارباب تجار طرفین ممالک دوستیه که وارد ممالک ایران میشوند ماذون
خواهند بود که اکر خواهند با اموال وتنخواه خودشان بجانب ممالک پادشاهانه دیکر کرد دوست دولت ایران
باشند بروند طرف دولت ایران بلامضایقه تذکرات راه بایشان بدهند وهمچنین ازطرف دولت علیه دوستیه نیز
درمادة اهالی تجار دولت ایران که ازخاک ممالک روسیه بجانب سایر ممالک پادشاهانه که دوست دوستیه باشند

میرند معمول خواهد شد و فیتکه یکی از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک ایران فوت شد
و اموال املاک او در ایران بماند چون ما یعرف او از مال رعایای متعلقه بدولت است لهذا مبنا باید اموال مفوت بموجب
قبض الوصول شرعی بدو تسلیم یا بزمانندگان اقوام مفوت کرده و بنزاذن خواهند داد که اموال مفوت را اقوام او
ببرند شد چنانکه اینمعنی در میان ممالک روسیه نیز در ممالک پادشاهانه دیگر دستور و عادت بوده متعلق
هر دولت که باشد مصایقه نمینمایند

فصل هفتم باج و گمرک اموال تجار طرفین دولت دوستیه بر بنادر و بلاد ایران بیاورند از مکومان مبلغ پانصد تومان
در یک بلده گرفته از تجار با اموال مذکور دیگر هیچ و لا بتجار ایران که ببرند چیزی مطالبه نکرده و همچنین از اموالیکه از
ممالک ایران بیرون بیاورند نقد زیاده بعنوان خرج و توجیه تحمیل و اختراعات چیزی از تجار روسیه باشر
و شناق مطالبه نشود و بهمین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که ببنادر و بلاد ممالک دوستیه میبرند یا بیرون
بیاورند بدستور گرفته اختلافی بهیچوجه نداشته نباشد

فصل دهم بعد از نقل اموال تجار ببنادر کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی ببلاد سرحدات طرفین اذن و اختیار
بار یاب تجار و معاملات طرفین داده شد که اموال و تخواه خودشان را داده اموال دیگر خریده یا معاوضه
کرده دیگر از امنای گمرک از مستاجرین طرفین اذن و دستوری نخواسته نباشند پس اگر بر ذمه امنای گمرک و
مستاجرین لازم آنست که ملاحظه نمایند که معطلی و تاخیر در کار تجار و بار یاب معاملات وقوع نیابد باج خزانه را
از بایع یا از مبیع هر نحو در میانه خودشان سازش مینمایند حاصل و باز یافت نمایند

فصل یازدهم از تصدیق و خط گذاشتن در این شرط نامچه بوکلای مختار دولتین بلا تاخیر با طراف جانبین اعلام
و اخبار و امر اکید بخصوص بالمره ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد این شرط نامه
الحالیکه بخصوص استدامت مصالحه دائمی طرفین مستقر و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم
و محرر و از وکلای مختار مامورین دولتین مزبورتین بالا تصدیق و مهر مختوم گردیده و مبادله بیکدیگر شده آنچه
مبنا بلزم رضا علیحضرت امپراطور روسیه از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بامضای خط شریف
ایشان تصدیق گردد چون این صلحنامچه مشروحه مصدقه مبادله از هر دو دولت پایدار بوکلای مختار برسد
لهذا بدولتین علیتین در مدت سه ماه هلالی وصول کرده تحریرا فی معسکر روسیه در رودخانه زیوه من عمال
کلستان متعلقه بولایات قراباغ بتاریخ بیست و نهم ماه شوال سنه یکهزار و دویست و بیست و هشت
هجری و تاریخ دوازدهم ماه اکدمبر سنه یکهزار و هشتصد و سیزده عیسوی

پس از عهدنامه مسطوره مامورین معاودت کردند محمد رانیسال مجدد ابو سعد خواجه کاشغری با بیست
هزار سوار ترکمان بطرف استراباد آمده و بر لب رود کرکان با نواب شاهزاده محمد قلیمرزا بقتال پرداخت و در
اول حمله لشکریان شاهزاده را عقب نشانیدند ناگاه مرده از کرایلی یوسف خواجه را کرد رجاویز اکه بود بشتاب
و سینه او را هدف تکاوله ساخت لهذا ترکمان متفرق شده راه فرار پیش گرفتند محمد آیسال خوانین خراسان
در مخالفت با نواب شاهزاده محمد ولیمرزا متفق و معاهد شدند و ایلخانان شاهزاده را کرد رچناران بود
بغارت بردند و قصد هجوم حوالی طوس کردند شاهزاده معظم اسحق خان قرائی را صدیق خود پنداشته
بمشهد مقدس احضار فرمودند اما اسحق خان بر خلاف خوانین را بشهر درود داد و خود اظهار یاغی و سرکشی

کرد

کرد ولی تمکین ننموده ناچار با عذار کوشید و ایالت شاهزاده را با کوس شادیانه اعلام نمود محمد را بسال
خوانین خراسان رجحان ارکیجی را با خشار رضا قدس طلبیدند و او بطرف خراسان رانده دره جز را غارت کرد و
بازگشت محمد را بسال حاجی محمد حسینخان امین الدوله بنظم فارس رفت و شیرش عبدالله خان بیگلربیگی اصفهان
بدار الخلافه آمده بمنصب وزارت استیفای ممالک و لقب امین الدوله مفتخر گشت و حاجی محمد حسینخان نظام الدوله
لقب یافت محمد را بسال سی هزار تومان قرض میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله باز مرحمایون از خزانه عامره دادند
و عمارت نوین کاشان را شروع بساختن کردند و موکب معلی پس از تفرج در کاشان و زیارت حضرت معصومه
سلام الله علیها در ۱۶ بدار الخلافه باز گشت

سنه ۱۲۲۹ هجری — سنه ۱۸۱۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز بدربار همایون آمدند
و اسمعیل خان سردار دامغانی و مطلب خان و ذوالفقار خان برادران او به تنبیه خوانین خراسان که با نواب
محمد ولیمیرزا والی آنولایت مخالفت کرده بودند مامور شدند و در دوازدهم ربیع الاول روانه خراسان گردیدند
و در هفدهم ربیع الآخر در حوالی طوس اردو زدند خوانین خراسان هریک از ولایت خود با طوایف اکراد و
ازبک بطرف طوس رانده بعد از جنگ سخت مغلوب و مقهور گردیدند محمد را بسال میرزا ابوالحسنخان شیرازی
مامور دربار دولت روس شد که عهدنامه گلستان را بامضای امپراطور روس رساند و بعضی هدایا از
قبیل دو زنجیر فیل و ده راس اسب و یکصد طاقه شال کشمیری و چند شنه تسبیح مروارید و بعضی جواهر
گرانبها و شمشیرهای خراسانی و زره‌های مفتول بافت اصفهانی و قوطیهای مرصع پادزهر و قالیهای
ابریشمی هرائی و غیره مصحوب میرزا ابوالحسن خان برای امپراطور روس ارسال فرمودند و سر کودازولی
سفیر انگلیس نیز با جواب نامه پادشاه انگلستان از راه بطرزبورغ مراجعت کرد و موکب همایون بقصر
قاجار تشریف فرما شده از آنجا عزیمت چمن کالپوش نمود و در اینوان جز طغیان محمد زمان خان قاجار عز
الدینلو حاکم استراباد مسموع امنای حضرت پادشاهی گردیده معلوم شد که با سی هزار سوار ترکمان مصمم
حرکت و عازم طهران است لهذا فرمان همایون خطاب بسادات و اعاظم استراباد شرف نصدور یافت و آنها
محمد زمان خان و امیرخان برادر او را دستگیر فرستاده و مغلوبا در چمن نمکه بحضور مبارک آورده سیاست شدند
و حکمرانی استراباد در عهده نواب شاهزاده محمد قلیمیرزای ملقب بملک آرا موکول گردید محمد امین او ان ابراهیمخان
هزاره با حاجی فیروز الدین میرزا والی هرات بنای مراوده را گذاشته او را بتسخیر غوریان تحریض نمود حاجی فیروز
الدین میرزا پسر خود را با سپاهی بسر غوریان فرستاد و محمد خان ولد اسحق خان در قلعه غوریان محصور شده
صلاح در آن دید که یکی را بفندهار فرستد و کامران میرزا ولد شاه محمود افغان را با رضا قدس خواند کامران
میرزا بطمع شهر مشهد مقدس بمحاصره هرات مصمم شد و حاجی فیروز الدین میرزا چون این پیشنهاد را کرده خود پیشمان
گردید ملک قاسم میرزا پسر خود را از دو رغوریان برداشته و معتمدی نزد اسمعیل خان سردار فرستاده و متوسل
بدولت علیه گردیده متقبل پنجاه هزار تومان نقد و خراج هر ساله و سکه و خطبه بنام اعلیحضرت خاقان گردید
و استمداد نمود اسمعیل خان بامداد او مامور شده بطرف هرات رفت و در پل نقره شنید که کامران میرزا در
منزل روضه باغ سه منزلی آنطرف هرات اقامت دارد سردار بنبرد آغوق خود را در پل نقره گذاشته بجانب کامران میرزا

را بکام ران خود رامد میدان مقاومت ندیده بقندهار رفت و نصیرخان هزاره را بعذرت نزد سردار فرستاد خلاصه حاجی فیروزالدین میرزا چون بمعاونت سردار ایران آسوده شد پیشکشی را که تعیین نموده بتوسط دوالفقارخان ارسال داشت و اسمعیل خان سردار بارض اقدس معاودت کرد همدراین اوان شاهزاده محمد ولیمیرزا را از خراسان احضار کردند و بنا بود نواب حسنعلی میرزا بحکمرانی خراسان منصوب شود ولی اینفقره در نظر هایون منافی با مصالح ملکی آمد لهذا نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا را با میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و فرج الله خان افشار بارض اقدس مامور فرمودند و با مالت یزد و بسطام و بنایت دار الخلافه نواب حسنعلی میرزا مفوض شد همدراین سال تدبیر طوایف ترکمن را که سابقا با یوسف خواجه کاشغری موافقت نموده بودند از مهمات دانسته اللهیارخان دولوی سالار و حاجی رضاقلیخان قاجار و عیسی خان امیرآخور را با جمعی از پیاده و سوار مامور بدشت کرکان فرمودند و محمدقاسمخان قاجار و فرج الله خان افشار و یوسفخان سپهدار کرد کالپوش بودند با آنها ملحق شده در اینخال تراکمه از توجه عساکر منصوره خبردار گردیده احمال و اثقال خود را بسفسافات صعب المسلک برده خود فرار بر قرار اختیار کردند و در اینسال حسین عروسی و سورشاهزادگان معظم امامویرد میرزای ایلخانی ایل جلیل قاجار و نواب محمدرضا میرزا مخلص با خواهر نواب حیدرقلی میرزا مخلص بخاور و محمود میرزا گردیده شد همدراین سال ها نری الس سفیر انگلیس با عهدنامه که سرکور اوزلی سفیر سابق انگلیس بلندن برده بود بدربار دولت علیه آمده بعد از تغییر یکدو فصل از فصول عهدنامه مزبوره امضا شد و صورت آن عهدنامه از قرار ذیل است

صورت عهدنامه دولت علیه ایران با دولت سنیه انگلیس در شهر ذیحجه سنه ۱۲۲۹

فصل اول اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشتند که از تاریخ این عهدنامه فیروز هر شرط و عهد هر یک از دولتهای فرنگ که با دولت بهیه انگلیز در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته باطل و ساقط دانند و لشکر بسایر طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه بخاک ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هندوستان و احدی از این طوایف را که قصد هندوستان و دشمنی با دولت سنیه انگلیز داشته باشند نگذارند که داخل مملکت ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان و بخارا و سمرقند و غیره عبور بملک هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور با پادشاهان و والیان و اعیان آنممالک مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف خواه از راه رفق و مدارا

فصل دوم چون این عهد بخشنه بصدق و راستی بسته آمده امید چنانست که انشاء الله تعالی بتغییر و تبدیل مضمون و بنود بر وفق مقتضیات بکانگی در میانه افزون گردد و پیوند موافقت میان این دو پادشاه جمجاه فلک دستگاه و لیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد ایشان و وزرا و امرا و حکام و ولایات و سرحدات مملکتین ابدالآباد برقرار و استوار باشد پادشاه والاجاه انگلیس قرار داد مینماید که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان با امرا و سرداران منافقی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و اجانا اگر احدی از مشارالیهم ولایتی و جایی از خاک متعلقه بایران را بآن دولت بهیه بدهند که بازاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز امنای دولت بهیه انگلیس باین امر اقدام نکرده بر امور آن نخواهند کوشید و دخل و تصرفی در ممالک متعلقه بایران ابدا نخواهند کرد

فصل سیم مقصود کلی از این عهدنامه آنست که دو دولت قویشوکت انجا بنیه امداد و کمک بکدیگر نمایند بشرطی که

دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور اینست که از امداد جانبین بکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم
گردند این عهدنامه محض از برای دفع تقدم و سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیرفته است و مراد
از سبقت نجاوز نمودن از خاک متعلقه بخود و قصد خارج از ملک خود کردن است و خاک متعلقه هریک از دولتین
ایران و روس قرار دیست که باطلاع وکلای دولتین ایران و انکلتره و دولت روس بعد از این مشخص و معین گردد
فصل چهارم چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیمابین دولتین علیتین بسته شده قرار داد چنین است که اگر
طایفه از طوایف فرنگیان بممالک ایران بعزم دشمنی بیایند و دولت علیه ایران از دولت بهیه انکلیس خواهش
امداد نمایند فرمانفرمای هندوستان از جانب دولت بهیهٔ انکلیس خواهش مذکوره را بعمل بیاورند و لشکر بقدر خواهش
باسردار و اساس حرب از سمت هندوستان بایران بفرستند و اگر فرستادن لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن
از جانب دولت بهیهٔ انکلیس مبلغی نقد که قدر آن در عهدنامه مفصله که من بعد فیمابین دولتین قویمتین بسته میشود
و معین خواهد شد الحال مقرر است که مبلغ و مقدار آن دویست هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه
ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نموده در نزاع و جنگ با طایفه از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور
از جانب دولت بهیهٔ انکلیس داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور را برای نگاهداشتن فرستاده ایلچی دولت بهیهٔ
انکلیس لازم است که از رسیدن آن بقشون مستحضر و خاطر جمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف میشود
فصل پنجم هرگاه امنای دولت علیهٔ ایران خواهند که برای تعلیم و تعلم نظام فرنگ بایران بیاورند نخواهند که از ممالک
از ممالک فرنگ که با دولت بهیهٔ انکلتره نزاع و جدال نداشته باشند معلم بگیرند
فصل ششم اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت بهیهٔ انکلیس میباشند نزاع و جدال با دولت علیهٔ
ایران نمایند پادشاه والاجاه انکلستان کمال سعی و دقت مینماید که فیمابین دولت علیهٔ ایران و آنطایفه صلح واقع
گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه ذیجاه انکلستان بطریقیکه مرقوم شده از ممالک هند عسکر و سپاه بکمک
ایران مامور کند یا آنکه دویست هزار تومان مقرره را بجهة خرج عساکر و سپاه و غیره کارسازی دولت علیه ایران
نمایند باین اعانت و امداد را مادام که جنگ فیمابین دولت علیهٔ ایران و آنطایفه باشد و اولیای دولت علیهٔ ایران
صلح ننمایند مضایقه ننمایند
فصل هفتم چون قرار داد مملکت ایران اینست که مواجب قشون ششماهه بششماهه داده میشود قرار داد نخواهد کرد بعوض
عساکر دولت بهیهٔ انکلیس داده میشود چنین شد که نخواه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه هرچه ممکن شود زودتر و بیشتر
کارسازی کنند
فصل هشتم هرگاه طایفهٔ افاغنه را با دولت بهیهٔ انکلیس نزاع و جدالی باشد اولیای دولت ایران از اینطرف لشکر
تعیین کرده بهستیم که مصالحه فیمابین دولتین باشد بدولت بهیهٔ انکلیس امداد و اعانت نمایند و وجه اخراجات آنرا از دولت
بهیهٔ انکلیس بگیرند از قرار یکه اولیای دولتین قطع و فصل نمایند
فصل نهم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیهٔ ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیهٔ انکلیس در آن میان
کاری نیست و بهیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد مگر اینکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح شوند
فصل دهم اگر از رؤسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انکلیس نماید بدون بمحض اشارت
اولیای دولت ایران انکس را از ولایات مزبوره بیرون نمایند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانهٔ ایران کنند و اگر خبر

دهند قبل از رود او را بولایت خود راه ندهند والا گرفته بفرستند و شرایط این فصل از طرفین استفسار پذیرفته
فصل یازدهم اگر در بحر البحر دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود از دولت بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغ بال
در آن گشتی جنگی و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آن وقت قطع و فصل کنند و باز یافت نمایند و کشتیهای
مذکور بر آن خورها و لنگرگاهها عبور کنند که امنای دولت علیه ایران قشون دهند و از جای دیگر بی رخصت ضرورت
عبور ننمایند و این عهدنامه بتوسط میرزا شفیع صدر اعظم و نایب الوزاره قایم مقام و معتمد الدوله میرزا عبد الوهاب
منشی الممالک وکلای دولت علیه ایران با مستر موریه نایب سر کودا وزیر پارو ت سفیر دولت بهیه انگلیس که
در این اوقات بلچی جدید بود نوشته و مقرر و از طرفین تصحیح برداشته و در خاتمه نوشتند ما که وکلای حضرتین
علیتین میباشیم این عهدنامه مفصله را که سابقا فیمابین وکلای دولتین بفصول دوازده گانه نگارش یافته حال
بتغییرات چند که منافی دوستی و یکجهتی دولتین علیتین نبود و بصلاح حضرتین انسب مینمود در فصول پانزده گانه تبدیل
و تغییر پذیرفته دستخط و مهر کذاشتیم بتاریخ بیست و پنجم ماه نوپیژ سنه یکهزار و هشتصد و چهارده عیسوی
مطابق دوازدهم ذیحجه الحرام سنه یکهزار و دویست و بیست و نه هجریه مصطفوی بر علی هاجرها الف السلام والتحیه
تحریرا فی دار الخلافه طهران صانها الله عن الطوارق والحدثان

پس از اتمام عهدنامه مزبور السر سفیر انگلیس بمراحم شاهانه مستظهر گردیده معاودت نمود محمد امین الاغبیوف
نامی که از جانب نیکولای دیشچوف سردار روس بهمراهی میرزا ابو الحسنخان سفیر ایران برای هشت صلح ایران
و روس بدربار دولت علیه آمد و نصر الله خان نوری با فرستاده مزبور بتفلیس رفت و حامل خلعت و نشان مرصع
شیر و خورشید که خاصه دولت علیه است برای سردار روس گردید و فانا فا محمد کاظم والد اصفهانی امروزیا مؤدا نکه
در مملکت روس بود از سرداری قشون فرانسه استعفا کرده آنرا بجای او منصوب میشود ناپلیون مجددا سیصد
پنجاه هزار قشون در فرانسه حاضر میکند و صیت مینماید که اگر در جنگها کشته شود پسرش پادشاه باشد و زوجه اش
بنیابت او سلطنت کند پادشاه پروس حکما باحضار قشون زیاد میدهد ها الی المان بر ضد ناپلیون حرکت میکنند
اطریش در خفا با روس و انکلیس متحد است سوئد نیز با آنها مشارکت دارد ناپلیون مجبور اداد و بیست هزار قشون در اسپانیا
گذاشته خود با یک لشکر تازه بخاک المان ورود مینماید عساکر ناپلیون تماما جوانهای بی تجربه جنگ ندیده اند
واسب و سوار و توپخانه کم دارا شتند در لوتزن شصت هزار نفر از عساکر روس و چهل و پنجهزار نفر از قشون پروس
بتدبیر ناپلیون شکست خورده منهزم میشوند اما ناپلیون سوار ندارد که آنها را تعاقب کند مدار که چهل روز
فیمابین دول رسیدن اخبار موحش از اسپانیول ناپلیون را مجبور میکند که او و با پادشاهی اسپانیول برقرار
کرده آنرا از شهرها در بدر فرار میکند مملکت و رشو که ناپلیون میخواست در آن سلطنت مستقلی تشکیل دهد مجددا
مابین روس و پروس و اطریش تقسیم میشود مدار که چهل و دو زه باختام رسیده فیمابین اطریش و فرانسه مستقیما
اعلان جنگ میشود دول روس و پروس و اطریش در مقابل ناپلیون با پانصد هزار نفر حاضر کرده و عساکر مختلفه خود را
بسه اردو تقسیم مینمایند اردوی اول در بهم بسرداری شوارتز نبرگ سردار اطریش اردوی دوم در سیلزی
بسرداری بلوخر سردار پروس اردوی سیم بسرداری بارتلت از ناپلیون که و بعهد سوئد شده و با معاهدین او متفق
است ناپلیون در مقابل این جمعیت سیصد هزار قشون دارد جنگ سخت ناپلیون با شوارتز نبرگ در درزد
واز آنجا که ناپلیون لشکر سواره نداشت شوارتز نبرگ را تعاقب کند شکست نخورد لاکن سردار فرانسه از

صاحبمنصبهای

بلوخر

بلوخر در پلیتز عهد اتحاد دول ثلاثه اطریش و پروس و روس با مضای سلاطین دول مشارالیهم میرسد ناپلیون بسمت لیپزیک
میرود و بلوخر و شوارتز زنبرگ در بکر و زسه مرتبه باو صدمه میبندند در این جنگ توپخانه طرفین کشتار زیاد
میکند از عساکر المان آنهائیکه با فرانسه متحد بودند در این جنگ از اتحاد فرانسه بیزار کرده بقشون روس و پروس
ملحق میشوند ناپلیون شکست خورده مجبور بفرار شده بسمت رین میآید بلوخر با سواره زیاد ناپلیون را تعاقب
میکند ناپلیون فرارا به ماینس میرسد بولو سردار پروس وارد آمستردام پای تخت هلاند شده مملکت هلاند را
از طرف سلاطین متفقه از تصرف فرانسه خارج و مستقل در تحت سلطنت خانواده اورانژ که سابقا در این مملکت سلطنت
داشتند اعلام مینماید شوارتز زنبرگ سردار اطریش وارد خاک فرانسه میشود ممالک متصرفه فرانسه در ایطالیا
باو میشوند عساکر فرانسه که در اسپانیا بودند عقب مینشینند ناپلیون مجبورا اسپانیول را بفردیناند
هفتم واگذار میکند در داخله فرانسه جمعی بوضع سلطنت خانواده سلاطین قدیم فرانسه مایل میشوند ناپلیون
برای مدافعه عساکر خارجه که مستعد حمله بمملکت فرانسه میباشند قشونی حاضر میکند (هلاند) گیلیوم
فرد ریک از خانواده اورانژ در سن چهل و یکسالگی بسلطنت هلاند منصوب میشود (عثمانی) سربها مجددا در
تدارک سوریش اند و بعد از شکست خوردن از قشون عثمانی اکریزی ذرزر پیش آنها بخاک روس فرار میکند

سنه ۱۲۳۰ هجری — سنه ۱۸۱۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حاجی آقاخان وزیر حاجی فیروز الدین میرزا حکمران هرات و ابراهیمخان هرزه
بحضور همایون اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه مشرف شده از تعدی شاهزاده محمود خان افغان شاکی
شد و استمداد کرد بنا آین خلعتی بجهة فیروز الدین میرزا والی هرات معین فرموده میرزا محمد صادق
وقایع نگار مروزی دار و غه دفتر خانه مبارکه را مامور هرات کردند و ابراهیمخان هرزه بواسطه افسادی که در امر
غوریان کرده بود محکوم بتوقف دار الخلافه گردید و امارت طایفه بازادخان پسر محمدخان هرزه مرحمت شد همدراین
سال ملا محمد زنجانی که از علمای دسته دار الخلافه بود بجهة قبول عامه تخریب معابد و اماکن عیسویان و شکستن
خمهای شراب ایشان پرداخت نواب جنت علیا مهرزا حکمران طهران اورا از اینشهر اخراج کردند و محمد مهدیخان
مازندرانی متخلص بشیخه از امرا و شعرای اینسلسله در این باب گفته است

زاهد بشکست از سر خامی خم می — اسباب نشاط می گساران شد طی
گر بهر خدا شکستی ای وای بما — ور بهر ریا شکست پس وای بوی

همدراین سال اهالی ولف آباد فراهان از اعمال قم بر امانی خان حاکم فراهان شوریده باغی شدند و براهز نی پرداختند
عبدالله خان کرجی پوزباشی غلامان بر تنبیه آنها مامور و آنها مقهور نمود همدراین سال در ماه رجب موکب اعلیحضرت
خاقان مملکت ستان متوجه چمن خوش ییلاق و ساحت کبود جامه گردیده در شهر شوال بدار الخلافه معاودت فرمود
همدراینسال اسمعیل خان سردار دامغانی بار دیگر بقلع و قمع ازاک و اکراد خراسان روان شد و خوانین انجا عصیان
در جنوبشان محصور کردیدند آخر الامر جنوبشان مفتوح و خوانین مطیع گردیدند همدراین سال میرزا صادق وقایع
نگار بار شید خان افغان از هرات باز آمد و مهدیقلیخان دولو بیکلربیکی استرابادحسین قربان نام کرد پیران
یکی از قاتلین نواب جهانسوز شاه طاب ثراه بودند کرفته و آنها بقصاص رسیدند اروپا ورود عساکر متحده
بخاک فرانسه آمدن شوارتز زنبرگ بطرف لزابن و عبور او از رود خانه رین و ورود عساکر پروس بسرداری بلوخر

بایالت لُرن حرکت نپولیون از پاریس بسمت هلاند ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش در روز اول جلوس آمدن و لنگتن سردار انگلیس از سمت اسپانیا در اینوقت تمام قشون ناپلیون زیاده از شصت هزار نیست مرخص کردن ناپلیون پی هفده پاپ را که به رُم معاودت نماید ناپلیون و بتری را که مابین اردوی بلوخر و شوارتز زنبرگ است معسکر خود قرار میدهد و بهر نحو اراده حمله میبرد و شکستی بقشون بلوخر میدهد بلوخر اردوی خود را جمع آوری کرده بسمت پاریس حرکت میکند ناپلیون در شان ایز شکست سختی باو میدهد بلوخر مجبوراً بشالن بر میگردد شوارتز زنبرگ بطرف پاریس میراند ناپلیون با او جنگ کرده او را عقب مینشاند مارشال سولت از اسپانیا عقب نشسته به تولوز می آید اردوی برنادت به بلوخر ملحق شده عزیمت پاریس مینماید دول متحده ثلاثه بناپلیون تکلیف میکنند که اگر چه دوی را که فرانسه در هزار و هفتصد و هشتاد و نه داشته قبول میکند با او مصالحه کنند چون این تکلیف را قبول نکرد با او مشغول جنگ میشوند جنگهای سخت ناپلیون با بلوخر سردار پروس صورت میگیرد که بصرف و سها در آمده بود ناپلیون آنرا منتزع مینماید شوارتز زنبرگ که بسمت پاریس حرکت میکند ناپلیون پیشرو او را گرفته اما تمام قشون دول متحده در شالن جمع شده بسمت پاریس عزیمت مینمایند خانواده بوربن سلاطین سابق فرانسه به الکساندر اول امپراطور روس ملجی میشوند شهر پرده و خود را در تحت سلاطین خانواده بوربن قرار میدهد قشون دول متحده که نزدیک پاریس میشوند امپراطریس فرانسه و ولیعهد به بلوا میروند و شهر پاریس تسلیم میشود ناپلیون با قلیل قشونی به فن تن بلو میرود در سلخ ماه مارس عساکر دول متحده وارد پاریس میشوند مجلس پارلمنت فرانسه خلع ناپلیون را اعلام میکند ناپلیون کم از فن تن بلو مصمم حرکت بپاریس است سرداران بعنایت او را نمیپذیرند بنابراین ناپلیون باسم پسرش استعفا میکند چون سلاطین متحده قبول نمیکنند کلیه خود و پسر و خانواده اش از سلطنت فرانسه استعفا میکند ملت فرانسه لوی هیجدهم برادر لوی شانزدهم را بسلطنت قبول مینمایند بناپلیون جزیره الب عطا میشود و بزوجه اش ایالت پارم و پلزانس در ایطالیا در اینمیان ناپلیون مصمم مسموم کردن خود میشود و روز دوازدهم ماه آوریل ناپلیون با سرداران خود وداع کرده بجزیره الب میرود و همان روز لوی هیجدهم از حوالی لندن بسمت سلطنت بطرف پاریس حرکت میکند تالرانند وزیر اعظم فرانسه با دول متحده مصالحه میکند و حدود فرانسه را همان حدود سال هزار و هفتصد و هشتاد قرار میدهد پنجاه و سه قلعه و هزار و دویست عراده توپ و سی و یک فروند کشتی کوچک و دوازده کشتی بزرگ بشرف قشون دول متحده در میآید ژوزفین زوجه اول بناپارت امپراطریس سابق فرانسه در پاریس وفات مینماید لوی هیجدهم پادشاه تازه فرانسه در کنگره این با سلاطین ثلاثه ملاقات میکند و در سیم ماه مه بسمت سلطنت پاریس وارد میشود همه شاهزادها و اعیان دارای القاب قدیم خود شان میگردند از سرداران ناپلیون برنیه و مارمون جزو قشون پادشاه تازه میشوند عهدنامه موسوم بپاریس مابین پادشاه جدید سلاطین فرنگ منعقد میگردد نشان لژیون دونور برقرار است لیکن بجای صورت ناپلیون صورت هانری چهارم در آن نقش میشود کنگره وینه برای بقای صلح عمومی فرنگ برپاست مرتبج وزیر اعظم اطریش منعقد میگردد پادشاه پروس مملکت ساکس را مطلبد نروژ ضمیمه سوید میشود هلاند تعلق بانگلیس مییابد انگلیس خرید و فروش سیاه پوستان را ممنوع میسازد مملکت هانوور بپادشاه انگلیس سلطنت مستقل کرده واز تحت تصرف پروس خارج میگردد (انگلیس) اختراع لکمتیو یعنی اسب آهنین کرده کالسکه های راه آهن بسمت ژرژ استفان سن (ایطالیا) ایالت لمبارد ضمیمه اطریش میشود پاپ وارد رُم میگردد و تمام

بلاد او کرفتون فرانسه آنها را مسخر کرده بود تند باورد میشود (اسپانیول) فرد بنا ند هفتم کرنا پلیون باو آزادی داده
و تاج سلطنت اسپانیول را عطا کرده در سلطنت مستقل میکرد و نسبت باشخاصی که سبب شورش شده بودند ظلم و
تعدی میکند مکر بان تمکین نمیکند که جز و اسپانیا باشد و آزادی طلب میکنند شیلی نیز با وجود ملکی که سردار اسپانیول در
این مملکت میکند ربقه بیعت را کردن نمیکرد ولکن ویزوه لا و نوئل کرناد بعد بیعت اسپانیول مینماید (فرانسه)
لوی هجدهم پادشاه مستقل است امانه باستقلال احدادی بلکه سلطنت مشروطه و پارلمنت دارد مارشال سولت
وزیر جنک میشود آیل دورمونزا تاریخ چین را بفرانسه ترجمه میکند امریکا (اتاونی) شهر واشنکتن پای تخت
اتاونی را انکلیسها متصرف میشوند و آنجا را خراب میکنند و آتش میزنند اما بعد اتاونی انکلیس را شکست داده و
مصالحه میکنند

سنه ۱۲۳۰ هجری — سنه ۱۸۱۵ مسیحی

امسیا (ایران) در اوایل امسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه بشکار مسیله قم تشریف فرما
کردید همدر امسال میرزا فضل الله شیرازی مؤلف تاریخ صاحبقرانی در سلک منشیان حضرت پادشاهی
منسلک کردید همدر این سال چون خوانین خراسان با نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا والی ایروایت مخالفتی داشتند
نواب معظم فرج الله خان افشار شقاقی باشی را از دربار همایون باستعانت خود طلبید و مشارالیه باده هزار پیاده
و سوار روانه مشهد مقدس امحال محمد رحیمخان خوارزمی با عنوای قربان قلیج بموت با سی هزار سوار بطرف دشت خراسان
کرکان و استرابادآمد و این خبر معروض حضرآسمان معلی کردید حکم همایون شد که فرج الله خان افشار که مامور
خراسان و در بسطام بود با ذوالفقارخان و مطلبخان دامغانی بدفع محمد رحیمخان روانه شوند مشارالیهم
با نصوب شتافته در حدود سرخس از اعمال فندرسک با محمد رحیمخان مصاف دادند محمد رحیمخان بعد از مقاتله
شکست خورده بطرف جنوه فرار کرد و اردوی او را غارت نمودند نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا
بعد از مقهور شدن محمد رحیمخان بخیال تنبیه اکراد افتاده محمد خان قاجار نایب با امیر قلیچ خان تیموری و عبد
الکریم خان عرب بسطامی و جمعی بجاصره را دکان فرستادند و خود نیز بدره جز رفتند و بکلرخان چاپشلو حاکم
دره جز را منهزم ساخته بطرف را دکان شتافتند خوانین خراسان عریضه بحضور اعلیحضرت خاقان ارسال داشته
از قوچان کرد که در را دکان محصور بود شفاعت کردند و حسب المصلحه این شفاعت پذیرفته شد و حکم همایون
بر ارتحاصره شرف صدور یافت لهذا نواب شاهزاده محمد ولیمیرزا با رضقدس و خوانین با ماکن خود معاودت
کردند همدر امسال اسحق خان قرائی که ظاهرا با شاهزاده والی خراسان موافق و در معنی نفاق داشت
حسنعلیخان پسر خود را بدربار همایون فرستاده در باطن عزل شاهزاده را مستدعی شد و در ظاهر حکومت
ترشیز را و اکرچه ابتدا باو نداده نشد ولی در ثانی حکومت ترشیز را با و مرحمت فرمودند و او بمجرد حکمرانی رفته
بنواب شاهزاده محمد ولیمیرزا اعتنائی ننمود شاهزاده او و پدرش اسحق خان را احضار کرده بسزای خود رسانید
و محمد خان پسر دیکر اسحق خان که در ترشیز بود ضبط ایروایت را بحسینعلیخان واکذار کرده بقلعه دولت آباد برادر خودم
رفت و در آنجا متحصن شد و بفتنه و فساد پرداخت و واقعه اسحق خان و حسنعلیخان محمد را خیال خوانین خراسان را
مشوش ساخت حاجی فیروزالدین میرزا حاکم هرات بخیال تصرف غوریان افتاد و ملک قاسم میرزا پسر حاجی فیروز
الدین میرزا این ناحیه را مسخر نمود و بنیادخان هزاره بتحریک محمود خان بغارت بعضی ولایات مشغول شد

محمدخان قاجار نایب و فرج الله خان افشار بجهت عبور بایان و کوسویه باجزر و هزاره رفته پس از تاخت و تاز بسیار
مراجعت کردند و در اینجا فشونی که با محمدخان نایب بودند متفرق شدند و افاغنه و هزاره و قرائی دانستند که محمدخان
لشکر عمده ندارد بمنازعهٔ او آمدند و او چون از عهدهٔ جنگ با آنها بر نمیآمد بمشهد مقدس شتافت و مصطفی خان سدزئی
رسنائی استرابادی بدست محمدخان قرائی گرفتار شد بالجمله خوانین خراسان اختلالی در کار مملکت انداخته و حاجی
فیروزالدین میرزا را بتسخیر ارض اقدس تحریک منمودند و اینمقدمات سبب شد که اعلیحضرت همایون نواب شاهزاده حسنعلی
میرزا شجاع السلطنه لقب داده بایالت خراسان منصوب فرمودند محمد در این سال عبدالرشیدخان فرستاده حاجی فیروز
الدین میرزا اذن معاودت بجرات یافت و میرزا محمدصادق وقایع نگار و داروغهٔ دفترخانهٔ مبارکه با او ماموریت شد
امروز پاکنکره و بنه هنوز بانتها نرسیده است اینقرار عهد مخفی مابین فرانسه و اطریش و انکلیس بر ضد روس حرکت کرد
ناپلیون از جزیرهٔ الب با هفتصد نفر سر باز بپر کرباو بودند بقصد سلطنت فرانسه ناپلیون در حوالی کان از کشتی
بیرون می آید لوی هیجدهم متزلزل شده فشونی جلو ناپلیون میفرستد ناپلیون بسمت لیون حرکت مینماید و فشونی که جلو
او آمده او را امپراطور خطاب میکنند مارشالی که کال صداقت را با پادشاه تازه دارد وقتیکه بناپلیون برمیخورد
خودداری نکرده خود را بپای او میاندازد لوی هیجدهم متوحش شده از پاریس فرار میکند و ناپلیون در بیستم ماه
مارس وارد تویلری میشود و مجددا بسلطنت برقرار میگردد و مدت سلطنت دوبارهٔ ناپلیون یکصد روز است
که از دهم ماه مارس تا بیست و دوم ژوئن باشد لوی هیجدهم در هلاند در شهر گاند پناه میجوید آنچه را از قواعد
آزادی لوی هیجدهم از فرانسه سلب کرده بود ناپلیون باز عطا مینماید اقوام سلطنت از پاریس و فرانسه فرار میکنند
اجزای کنکره و بنه ناپلیون را دشمن عالم میخوانند و انکلیس و پروس و اطریش و دوس مصمم میشوند که هریک صد و
پنجاه هزار فشون جمع کرده بجنگ ناپلیون روند سه اردو تشکیل مینمایند اردوی اول بسرداری شوارتزنبرگ از سوی
دوم بسرداری بلوخر سردار پروس و ولنگتن سردار انکلیس و پاست اردوی سیم را الکساندر امپراطور دوس خود قبول میکند
با انکه ناپلیون طلب صلح میکند هیچکس نزد او نمیآید عساکر انکلیس بسرداری ولنگتن در بلژیک جمع میشوند ناپلیون
سیصد هزار فشون جمع میکند کنکره و بنه معاهدهٔ خود را با مضای دول اطریش و انکلیس و دوس و پروس و ملل فرانسه
اسپانیول و پرتوغال و سوئد میرساند این معاهده مشتمل بر صد و بیست فصل است ناپلیون با صد و بیست هزار فشون
بطرف بلژیک حرکت میکند پروس و انکلیس در بلژیک میخواندند در لینی جنگ خونریز سختی بین الطرفین در میگیرد
در واتراو ناپلیون خود جلو انکلیسها را گرفته به کروشی سردار خود حکم میدهد که جلو بلوخر سردار پروس را بگیرد که
دو دسته فشون معاندین بگیرند شب جنگ در واتراو از جهت بد آبو هوائی و سرما و باران و فقدان آتش برای
عساکر فرانسه بدترین شبها بود در هیجدهم ژوئن ناپلیون با ولنگتن سردار انکلیس مقابل میشود کروشی سردار ناپلیون
خبط یا خیانت کرده جلو سردار پروس را نمیگیرد و لشکریان پروس و انکلیس هم ملحق میگردند ناپلیون نزدیک بود
فشون انکلیس را شکست دهد که عساکر پروس بکمک انکلیسها رسیدند چون اینها رسیدند لشکر هم پیوستند شکست سختی
بناپلیون دادند فشون فرانسه و ناپلیون فرار کردند و هرج و مرج غریبی در اردوی آنها افتاد ناپلیون بپاریس
بقصر الیزه ورود نمود و از امپراطوری استعفا کرده پسر خود را ناپلیون دوم و امپراطور خواند و کلای ملت
اعتنا بحرف و حکم ناپلیون نکردند عزیمت لوی هیجدهم بپاریس فشون انکلیس و پروس از واتراو بطرف پاریس
راندند و ناپلیون به بندر روشفرت رفت بقصد عبور نمودن عساکر متحده پاریس را ورود لوی هیجدهم با پیرس سپند

کرمشعار

که شعار سلطنت آنجا نوازده بود در هشتم ماه ژوییه بپاریس فوشته و تالیران دونفر وزیر و پرورده نعمت ناپلیون
در انمود باو خیانت میکنند و سبب خلع آخری او این نفر میشوند سلاطین و سران اطرافش و پرویس دردهم ژوییه
وارد پاریس میشوند دوکرو رفشون خارجه هات و بلاد فرانسه غارت مینمایند ناپلیون در کشتی موسوم بسا آل
فشسته بسمت انکلیس میرفت که یک فروند کشتی انکلیسی که کاپی تن آن مثلا لند نام داشت برخورد ناپلیون از کاپی تن
مشار الیه خواهش کرد او را بانکلیس و نزد نایب السلطنه برد کاپی تن این تکلیف را قبول کرده او را در کشتی موسوم
بهلروفن نشانید و ناپلیون کاغذی بخط خود بنایب السلطنه انکلیس نوشته مضمون آن اینکه من بشما پناه آورده ام
و در خاک تو اینجا میخواهم اما دول فرنک ناپلیون را محبوس خود دانسته و حراستا و را بانکلیس رجوع میکنند بنابراین
دولت انکلیس جزیره سنت هلن را که در دریای محیط اتلانتیک واقع و یکپارچه سنگ خشک و دارای هوای غیر سالمی
محل حبس ناپلیون قرار میدهد اشخاصی که در این مسافرت و اعزاز تا تهراهی میکنند برتراند و منتلن و گورگد و لاسکاس
از رجال و سرداران او بودند دولت فرانسه هفتصد ملیون فرانک بطور وجه خسارت بفشون متحده میدهد صد
هزار
پنجاه نفر از فشون متحده مدت پنجسال در بعضی از قطعات فرانسه مقیم خواهند بود در این صلح با دول فرنک و خلع
ناپلیون معاد لچهار صد کرور تومان خسارت فرانسه شد اما در بیست و سه سال مجادله که با دول فرنک کرده بود
بمد جهة خسارت فرانسه بهشتصد کرور تومان میرسید (فرانسه) لوی هیجدهم پادشاه فرانسه بعد از انکه در ثانی بمملکت
فرانسه ورود نمود بنای تعدی را نسبت بهواخواهان ناپلیون گذاشت از جمله مارشالهرون بتحریک او کشته شد و
مارشال نی محبوس و ژنرال راپل نیز مقتول گردید مارشال نی در مجلس قضاتی حاضر شده بعد از گفتگوی زیاد حکم
قتل او صادر شد شورش مردم در اغلب ایالات ضد پادشاه جدید (روس) الکساندر اول لقب پادشاهی
از جزیره الب هم
ملت شارا بالقاب سلطنتی خود الحاق میکنند (ایطالیا) مورات پادشاه نایل که بعد از مراجعت ناپلیون اظهار خدمت
باو کرده بود دول متحده او را از سلطنت خلع میکنند و فشون اطریش با او جنگ کرده مورات بدست آمده مقتول
میشود (المان) مملکت المان از این ببعد موسوم بکنفدراسیون ژرمانیک میشود و بعدها امور بین دول در فرانکفورت
جمع خواهند شد و ریاست امور بین مزبوره با مختصاص است که از طرف دولت اطریش معین میگردد امریکا (اتاتونی)
ژنرال ژاکسن بر عساکر انکلیس غلبه مینماید

سنه ۱۲۳۲ هجری — سنه ۱۸۱۶ مسیحی

آسیا (ایران) در هفدهم محرم این سال نواب شاهزاده حسنعلی میرزای شجاع السلطنه والی خراسان وارد مشهد
مقدس گردید و خوانین خراسان که بفتنه و فساد میپرداختند بجای خود آرام گرفتند حاجی فیروز الدین میرزا حاکم
هرات عبدالرشیدخان افغان را با نامه و هدایا بمشهد و رود نواب شجاع السلطنه بخراسان فرستاد و از
گذشته معذرت خواست و میرزا محمد صادق وقایع نگار را که نه ماه در هرات محبوس داشته ها نموده مشار الیه
مجدد نواب شجاع السلطنه آمد و ملک قاسم میرزا پسر فیروز الدین میرزا غوریان را تخلیه نمود همه ساله چون
طایفه اکراد بلباس تجار اروی دشمنی و بعضی بی اعتدالیها نموده بودند و پیش از این حضرت مستطاب نایب السلطنه
امیرخان خال خود را با یوسفخان کرجی سرهنگ فوج بهادران بینک مسلمان بتادیب آنها مامور فرموده بودند این اوقات
مجددا امیرخان قاجار با جمعیت بود الخان مکری و سرداران جمعی ابراهیم بیک سرتیپ و جعفرقلیخان مراغه و غیره تنبیه
آنجماعت شتافته در محل کرمیان در نزدیکی شهرزور بر آنها حمله نموده قریب یکهزار نفر از لباسها را مقتول نمودند

وسردار پیران تاخت و تاز و مفهود نمودن آنجماعت معاودت نمود محمد اینسال چون نظم طایفهٔ بختیاری بر عهدهٔ
نواب شاهزاده محمد علیمیرزای دولتشاه موکول شده بود و اسدخان بختیاری هفت لنك بحضانت دزمیران مغرور
کرده از خدمت نواب شاهزاده محمد نبی میرزا حکمران بروجرد تفاعد داشت موکب دولتشاه بطرف دزمیران روانه
شد وچون نزدیك بدزمیران رسیدند میرزا محمد لواسانی دزیره پیشکار خود را باستمالت اسدخان فرستادند وعرضه
نواب شاهزاده اطراف دزرا احاطه نمود اسدخان چون دید مفرّی وچاره جز آمدن بحضور شاهزاده نیست نصایح
میرزا محمد لواسانی را پذیرفته از قلعه بزیر آمد و باضراعت و استکانت عذر تفاعد از خدمت را بخواست و معذرت او
قبول ومعفو گردید و اطمینان کامل حاصل نموده براه انقیاد و اطاعت رفت و ترك خودسری و راهزنی نمود محمد اینسال
نواب شاهزاده علیخان ملقب بظلّ السلطان شده ایالت دارالخلافهٔ طهران را بشاهزاده معزی الیه تفویض فرمودند
ونواب اسمعیل میرزا بحکومت ترشیز منصوب شد ومیرزا موسی دشتی که از جانب نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه
نایب بزد داشتا حضار کرده بود زارت خراسان برقرار و روانه شد وحکومت یزد را بمحمد زمان خان پسر نظام
الدوله اصفهانی مرحمت فرمودند محمد اینسال حاجی میرزا ابوالحسنخان شیرازی که بسفارت بدربار دولت روس
رفته بود و بواسطهٔ جنك روس و فرانسه امپراطور روس الکساندر بفرانسه و همسفر رفته بودند و سفیر مشارالیه
در خارج شهر پطرزبورغ توقف کرده منتظر قدوم امپراطور معظم بود بحضور ایشان مشرف و مورد الطاف کامله
گردیده عهدنامه منعقده بین دولتین ایران و روس بامضای امپراطور روس رسیده الکساندر هرملون سردار کرجستان
بسمت سفیر مختاری از جانب دولت خود بایران شده مقرر گردید که وزیر مختار مشارالیه در موعد معین در حضور سلطان
شرفیاب حضور اعلیحضرت خاقان گشته دستان فتحعلیشاه گردد و عسکرخان افشار اروومی بهمانداری سفیر رفته و حکم
شد میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله بولایت همسنه رود و پس از ورود سفیر مزبور او را در حین سامان ارخی یکفرسخی
سلطانیه نزول دهد و میرزا فضل الله علی آبادی با معتمدالدوله همراهی کرده مواظب لوازم و مخارج سفیر باشند
محمد اینسال نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه از راه قزوین عزیمت حضرت فرموده در اوایل ماه جمادی الاولی بخجوشان
رسیدند و رضاقلیخان ولد امیرگونه خان طوعاً کرهاً بخدمت شاهزاده آمد و روز دیگر خوانین خراسان یعنی نجفقلی خان
شادلو حاکم بزنجرد و بیکارخان چاپشلو حکمران دره جز و سعادتقلیخان بغایرلو حاکم جهان ارغیان و فوجیرخان
کهوانلو حاکم رادکان نیز بحضور شاهزاده معظم مشرف شدند و ملتزم خدمت گردیدند و دو هزار سوار برای
التزام رکاب والا معین کردند پس از چندی او دوی شجاع السلطنه بمنزل سنگ بست جام نزول نمود و محمدخان
قراچه تپه ای در اینمحل بحضور شاهزاده شرفیاب گردید و هنگام عبور از حوالی محمود آباد که در تصرف بنیادخان هزاره
بود قلعه کیان تفنگی بطرف اردو خالی کردند شجاع السلطنه بتسخیر قلعه حکم دادند عبدالله خان ارجمند فیروزکوهی
و رستمخان قراگوزلو و مطلبخان دامغانی و اسمعیل خان سرباز بقلعه یورش بردند و قلعه را مسخر کردند
وجمعی کثیر از هزاره مقتول و دستگیر و اموال زیادی از آنها بغارت رفت در روز دوم بترتیب پیشخوان جام عطا
محمدخان افغان از جانب والی هرات بتسلیم قلعهٔ غوریان و اطاعت بدولت ایران آمد نواب شجاع السلطنه
چون اطمینان بأقوال مشارالیه نداشتند از جام بکوسویه راندند و میرحسنخان عرب نگوئی حاکم نون و لیس
در آنمنزل بخدمت ملازمان نواب شاهزاده شتافت و روز دیگر بغوریان رفتند و از آنجا روانه شکبان شدند
بعد از ورود بپل نفره معلوم شد شیخان حاجی فیروزالدین میرزا در مصلی هرات و تل بنکیان مستعد دفاع

میباشند

مبا شند و والی هرات خود در شهر آسوده است لشکر بضرب اثر بر شیخا لجیان مزبور حمله کرده بسیاری از آنها را
براه عدم فرستادند و نواب شاهزاده در کنار رود ابخیل بسه سران سپاه را بانا حناطراف هران حکم دادند
حاجی فیروز الدین میرزا کلید خود بان را با پنجاه هزار تومان تسلیم کرد و متقبل شد که خطبه و سکه کما کان باسم
اعلیحضرت خاقان باشد لهذا موکب الاعازم بادغیسات و بشه هزاره گردید و اسمعیل خان سردار در دره بام
با بنیاد خان هزاره مصاف داد و شکستی فاحش خورد و لشکر او متفرق شدند پس از ناپنواقعه نواب شجاع السلطنه
مراجعت کردند همدرا بینسال در دار الخلافه بحضور عرض و سوء نواب شاهزاده علیخان ظل السلطان و نواب اللهویردی
میرزا پرداخته و الکساندر بر ملوف و زیر مختار دولت روس کرخود را از بنا بر جوع خان بن چنگیز خان مبدا نشت از
تفلیس بطرف ایران حرکت کرد و عسکر خان افشار مهماندار او در اوچ کلیسا بوزیر مختار رسید و در انزلی بروان
شدند و حسنخان برادر حسینخان سردار با پنجهزار سوار او را استقبال کرد و سردار خود در خارج ایروان در خرگاه
وسیع با ذخیرهات لایقه ایلچی روس را پذیرفت و هنگام ورود بشهر پنجپ از جانب حضرت مستطاب نایب السلطنه
پذیرائی کامل از مشارالیه بعمل آمد و آخر الامر در چمن سامان ارخی نزول کرد تا روز ورود موکب اعلیحضرت همایون
بسلطانیه و زیر مختار روس با شرایط اعزاز در رکاب حضور مکرمت ظهور خاقانی بوده تحف و هدایای خود را تقدیم کرد و از
جمله هدایا فیل و هودجی از زر سرخ بود که با کلیدآنرا کوک میکردند و بحرکت درمی آمد و سه قطعه آینه بود که هریک
دو ذرع و نیم طول داشت و زیاده از یکذرع عرض و کمتر از یک چهاریک ذراع ثخن و آن آینه مخصوص عمارات سلطنتی دارالخلافه
شد همدرا بنزاوان مجعلیخان خلج بسفارت ببدبار عثمانی مامور و نامه منیعی بر موودت بسلطان محمود خان سلطان
عثمانی مرقوم شد همدرا بینسال میرزا خلیل الله (شاه خلیل الله) ابن میرزا ابو الحسن مرشد طایفه اسمعیلی در یزد
مقتول شد میرزا خلیل الله مزبور چندگاه حاکم کرمان و بعد ساکن محلات قم و یزد بود در این سال میان ملازمان او
و اهالی یزد نزاعی در گرفت و او در آن نزاع کشته شد و از آنجا که از سادات حسینی بود و بواسطه ریاست بر اسماعیلیه
در ایران و هندوستان اعتباری داشت بحکم اعلیحضرت همایون اهالی یزد را سیاستی نمودند و آقاخان ولد اکبر میرزا
خلیل الله بشرف مصاهرت پادشاهی و حکومت قم و محلات نایل آمد همدرا بینسال نواب شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما
فارس محمدزکیخان نوری سردار فارس را مامور بتادیب اعراب جواسمی ساکن بندر معونه فرمودند و سردار مزبور بمحل
مامورین خود رفته بقتل و نهب پرداخت همدرا بینسال موکب همایون عزیمت مازندران فرموده چندی در عمارت بحر الاشرف
بار فروش بسر بردند پس از آن بدار الخلافه باهره معاودت فرمودند همدرا بینسال محمود شاه حکمران کابل
و قندهار فتح خان افغان را که وزارت آنجا را داشت مردی بیباک بود بعنوان معاونت فیروز الدین میرزا بهرات مامور
نمود و او بظاهر هرات نزول کرده پس از ملاقات هنگام وداع حاجی فیروز الدین میرزا را بگرفت و بقندهار فرستاد و امرای
او را معزول و اهل و اموال او را ضبط و تصرف نمود و حاجی آقاخان وزیر و عبدالرشیدخان افغان را بقتل رسانید
و خود بحکومت هرات پرداخت و برادر خود کهندلخان را بتسخیر غوریان فرستاد و امرا و خوانین خراسان را باخود
متفق ساخت و رحیم خان خوارزمی را نیز محرک شده رحیم خان بر سر سرخس آمد مقتول شد حاجی میرزا محمد اخباری
معروف که ظاهرا در وقوعهای عوام و کرامات زیاد نسبت باین عالم داده اند امروز (المان) بعد از کنکره وینه
مجلس شورائی برپا ساخت و لشکر دیرن برای تمام دول المان در شهر فرانکفورت منعقد نمودند و این شورای موسوم به
شورای دیت ژرمانیک گردید قوت فرد ریک پادشاه وود تمبرگ و جلوس پیرنس گیلیوم اول بجای او (انگلیس)

منازعه عساکر انکلیس با والی الجزایر و محکم کردن والی مشار الیه الجزایر را (فرانسه) ایجاد کمپانی بجهة سفاین بخاری
(پرتوغال) فوت ماری ملکه پرتوغال پسر این ملکه که پادشاه برزیل بود و موسو برزان ششم پادشاهی پرتوغال را
ضمیمه لقب سلطنتی برزیل مینماید ولی از این مملکت پرتوغال بنا مده و فی الواقع پرتوغال در تحت حکمرانی انکلیسها میباشد
(روس) شهر مسکو را که آتش زده بودند تعمیر میکنند (عثمانی) در سر بستان عثمانیها قراولها را آتش میزنند و برجان
و ناموس احدی ابقا نمینمایند چوپان زاده ابرنوبج نام ریاست شورشیان را که بر ضد عثمانی هستند مینماید امریکا
(بنکی دنیای جنوبی) بلیوار نام در مملکت ونزوئلا بنای یاغیگری را با دولتا سپانیا گذاشته با عساکر اینده دولت جنك
میکند مملکت پلاتا نیز آزادی خود را از اسپانیول طلب مینماید

سنه ۱۲۳۳ هجری — سنه ۱۸۱۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه معتمد الدوله میرزا عبد الوهاب اصفهانی
را باستمالت خوانین خراسان مامور فرمودند و ذوالفقار خان و مطلب خان را بمدافعه لشکر خوارزم و افغان
مثال دادند و حاجی میرزا ابو الحسنخان شیرازی بسفارت انکلیس رفت و هدایا بصحابتش و برای امپراطور نمسه و لوی
هیجدهم پادشاه فرانسه و بجهة پادشاه انکلستان ارسال نمودند و میرزا عبد الحسینخان بسفارت نمسه معین و
با مشار الیه بجهة مامورین خود رفت و موکب همایون تشریف فرمای چمن نگه و ساورکرد بدهمدانیسال فتحخان افغان
با لشکر فراوان عزیمت ارض اقدس نمود و محمد خان قزائی و ابراهیمخان هزاره بدو کمک دادند نواب حسنعلی میرزای
شجاع السلطنه با لشکر جرار از ارض اقدس برای دفع فتحخان حرکت کرد و در کال یاقوتی معتمد الدوله و خوانین سمنان
و دامغان بنواب معظم پیوستند و فتحخان با سی هزار نفر سوار افغان و هزاره در کوسویه مستعد جنك شد
نواب شجاع السلطنه بنبرد آغاز و قزاق را در کافر قلعه گذاشته در میان رباط کافر و کوسویه با فتحخان بمقاتله پرداخت
پس از جنگی سخت لشکر افغان منهزم شد و کلوله بر دهان فتحخان آمده راه فرار پیش گرفت و در این حین و بین معتمد
الدوله حبیب بیناردخان را کمان اردوی شاهزاده کرده بمیان آنها فرستاد و دستگیر شد نواب شجاع السلطنه رزم حکومت
باخزر و کوسویه و غوریان را برای بیناردخان فرستادند و او نیز معتمد الدوله را با تارکی شایسته بحضور شاهزاده فرستاد
همدانیان و ان موکب همایون با لشکری جرار بسام ورود نمود و بمحاصره قلعه بام اشارت فرمودند و بعد از ورود
قلعه بتصرف عساکر منصوره درآمد مرتضی قلیخان برادر سعادتقلیخان بغاوری که در قلعه بام بود با قران و بشمشیر
بحضور مبارك آمد و او و برادرش هر دو معفو شدند و از اتفاقات آنکه خاقان کشورستان روزی در قلعه بام گردش
میکردند کلوله از قلعه بطرف اعلیحضرت پادشاهی انداختند آن کلوله بیکنفر از غلامان که در نزدیکی بود خورد و او از
اسب بزمین غلطید و با اینکه مرتکب بدبختی شد او را عفو فرمودند همدانیان و ان رحیمخان خوارزمی که از حرکت و انتهاض موکب
خاقانی خبردار گردیده راه فرار پیش گرفته بجوه شتافت و خوانین خراسان طوعا و کرها مطیع شدند و حکم همایون
بمحاصره جوشان شرف صدور یافت و رضا قلیخان بقلعه شیروان گریخت و میرزا محمد شفیع صدر اعظم متوسل شد
صدر اعظم با میرزا رضای فرزند بینی منشی و میرزا فضل الله علی آبادی ماژندرانی و مستوفی میرزا فضل الله خاوری شیرازی برای
اطمینان او بشیروان رفتند ولی رضا قلیخان مطمئن نگردیده صدر اعظم مراجعت نمود و نواب شجاع السلطنه با خوانین
و اکابر و امرای خراسان باردوی همایون پیوستند و میرزا بنی خوانین و امرا را که یکهزار و یا پنصد نفر بودند حاجی
محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی برعهده گرفت و طوری اینکار را با نجام رسانید که محل تعجب بزرگان گردید

گویند

مشیرزاده میرزا ابو الحسنخان

کوبند در این اوان درویش نام یک درکودالی عمیق که فاضل آب مطبخ نظام الدوله بود و نفر ترکمان افتاده غرق شدند
بالجمله چون کار خوشان و رضا قلیخان یکسره نشده بود فرمان همایون بمحاصره این بلده و تاراج ایلات و احشامات
و توابع و لواحق قلعه جات رضا قلیخان زعفران لوصادر گردید و پیرانه تاخت و تاز و غلبه رضا قلیخان و سایل و شفقا
برانگیخت که حذایان و زنان و پیران ایل خود را با توپ و جمپاره و زنبورک و جزایر و شتخال و تفنگ و کرو کان باردو
معلی فرستاده و مورد بخشش و عاطفت خاقانی گردید و شاه محمود والی قندهار و کابل حکم شد فتیح خان را گرفته
مقیدا بحضور مبارک فرستند یا از خلیه بصر عاری سازند شاه محمود شق آخری را اختیار و اطاعت نمود و از
پیشگاه همایون خلعت فاخره و خنجر مرصع بجهة حاکم هرات مرحمت شد و امیر حسنخان عرب تگوئی وکیل خراسان لقب
یافته امرای ایالت مرخص شده باوطان خود باز گشتند و اعلیحضرت خاقان کشور ستان بزیارت حضرت علی بن
موسی الرضا علیه آلاف التحیة و الثنا فایز گردیدند و پس از شش روز توقف در ظاهر مشهد مقدس بدار الخلافه معاودت
فرمودند ولادت نواب سلطانزاده میرزا (حسام السلطنه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه در ماه ربیع الثانی این
سال ولادت نواب الافرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد در ماه جمادی الاولی
این سال محمد ابنیسال چاپ معروف که بفرانسه میگرانی کوبند بتوجهات حضرت نایب السلطنه در ایران رواج یافت
و بعضی شروع و رواج این صنعت را در ایران از وقایع سال قبل دانسته ولادت نواب شاهزاده یحیی میرزا

امریکا (انکلیس) فتوحات انکلیس در هندوستیلای انکلیس بر این اوقات تا سواحل رود پنجاب امتداد دارد
(فرانسه) در این سال که خطی بر وی ذکر کرده است دولت فرانسه بمبلغ گزاف از دولت روس کندم ابتیاع میکند
شهریار بر بواسطه چراغ گاز روشن میشود مادام اسنایل نویسنده معروف وفات میکند (روس) مزاوجت
گراندوک نیکلا برادر امپراطور روس با دختر پادشاه پروس

سنه ۱۲۳۳ هجری **سنه ۱۸۱۸ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال خالق داد خان درانی بایلغار بتخیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و مبلغی زر نقد
از جانب شاهزاده کامران بدربار خاقان کشور ستان فتحعلیشاه آمده معروض داشت که بعد از فتیح خان و مقید
نمودن برادرش شیر دلخان شاه محمود از فراه بقندهار رفت و بفکر کار افتاد و پیر دلخان برادر دیگر فتیح خان
جمعی را در قلعه نادعلی در خود جمع کرد و بمخالفت با شاهزاده کامران برخاست و برادران محبوس خود فتیح خان
و شیر دلخان را خواست شاهزاده کامران ناچار آنها را بپیر دلخان تسلیم نمود و در اینحال برادران دیگر فتیح خان که
هریک در صوبه صوبه دار و حاکم با اقتدار بودند از واقعه آگاه گشته بنای طغیان را گذاشتند محمد عظیم خان که
صوبه دار کشمیر بود در سمحمد خان و یار محمد خان برادران خود را به پیشاور فرستاد و شاهزاده ایوب را بتخت
نشانیدند و پادشاه محمود جنگ سختی کرده او را منهزم ساختند و شاهزاده ایوب الکای پیشاور را تا حدود جلال آباد
بتصرف در آورد و دیگر باره محمد عظیم خان برادر دیگر خود عبد الجبار خان را با استعداد شایان همراهی
دوسمحمد خان بتسخیر کابل روانه کرد و محمد زمان خان برادرش را بهندوستان فرستاده شجاع الملک ولد
تیمور شاه را که بدولت انکلیس پناه برده بود طلبیده بیاوردند و بتسخیر کابل و سیستان عزیمت کردند و کار
افغانستان پریشان شده و جز هرات و قندهار حصاری در دست محمود و کامران نمانده اعلیحضرت خاقان فرستاده
کامران میرزا را مطمئن فرموده معاودت دادند همدانیسال نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بدار الخلافه

اخصا شده و با برادر کهتر خود حسنعلی میرزای ملقب بشجاع السلطنه ملاقات کردند و امیر کبیر حاجی محمد حسینخان
مروزی فاجار عزالدینلو که ملقب بنظم الدوله بود در طهران وفات یافت و از مآثر خیر حاجی محمد حسینخان مروزی مدرسه
مشهور بمدرسه مروی است در دار الخلافه که الی الآن باحسن وضع و نظام دایر است همدر امسال پولکوونیک میرزا وبج کدر
نفلیس و بوکالت ایندولت منصوب بود با اظهار الکساندر ملوف مراوکر جستان باستان ملایك پاسبان همایون آمد
و پیران چندی با اتفاق میرزا محمد علی مستوفی آشتیانی مامور خدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه گردیده در تبریز متوقف شد
و نواب شجاع السلطنه حکمران خراسان با رضا قلیخان بارزکش و اسمعیل خان دامغانی ملازمت خدمت شاهزاده مامور
شد همدر امسال موکب همایون تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید و داود پاشا والی بغداد که باعانت نواب شاهزاده
محمد علیمیرزای دولتشاه والی کرمانشاهان در حکومت بغداد مستقل شده بود در این ایام براه خلاف رفت نواب
شاهزاده دولت شاه از کرمانشاهان بکرند رفتند و سپاهی بتاخت و تاز حوالی و اطراف بغداد فرستادند و عیسی
خان امیر آخور با ده هزار نفر از قشون نصرت نمون برکاب دولتشاه پیوست داود پاشا کار را سخت دیده آقا احمد
کرمانشاهانی را که از اجله علما بود شفیع فرستاد و اخد چلبی را با پیشکشی لایق بحضور حضرت شاهزاده معظم فرستاد
و از خطرها آسوده گردید همدر این سال رعایای کیلان از جور و خان کرجی حاکم خود شاکی شدند نواب شاهزاده محمد رضا
میرزا بحکمرانی خود مستدعی شدند و مسئول ایشان مقبول شد همدر این سال حضرت مستطاب شاهزاده معظم نایب
السلطنه بتقبیل عتبهٔ علیه خاقانی آمده پس از ادراک حضور موهبت ظهور پادشاهی و دریافت مکارم موفوره با
میرزا بزرگ قایم مقام بتبریز مراجعت فرمودند وارد وی کیوان شکوه خاقانی از سلطانیه ببدار الخلافه بازگشت همدر
امسال میرزا محمد شفیع صدر اعظم در قزوین وفات یافت و حاجی محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی که ثانی حاتم و آنا سینای
عالم بود بمنصب صدارت عظمی نایل آمد و وزیر اعظم تاریخ این مراست همدر این سال خوانین خراسان دیقه اطاعت
نواب شجاع السلطنه را بر دیقه انقیاد خود نهادند و اسمعیل خان سربازرا از خدمت شاهزاده معظم بدربار معلی مراجعت
کرد و ولایت نواب گرتا میرزا و محمد امین میرزا و سلطان حمزه میرزا و سلطان احمد میرزا فرزندان قاجار خان کشور ستان
اروپا (المان) پسر ناپلیون با مادر شکر دختر پادشاه اطریش است پیش از این بخاك اطریش پناه برده در این
سال امپراطور اطریش به پسر ناپلیون که نوه دختری او است لقب دوك ریشستاد میدهد (انکلیس) سنگاپور را
در هند انکلیسها در این سال ابتیاع نمودند (دانمارك) ایجاد بانك در این مملکت (فرانسه) قشون دول متحده
که هنوز در خاك فرانسه بودند مملکت فرانسه را تخلیه کرده خارج میشوند ملاقات امپراطور روس و امپراطور
پروس با لوی هجدهم پادشاه فرانسه نقشه مملکت فرانسه امسال رسم میشود (ایطالیا) زلزله سخت در سیسیل
و در بلاد مجاور کوه اتنا (روس) در این سال اول تاریخ این مملکت را کارامسن تالیف مینماید (سوئد)
نوت شارل سیزدهم پادشاه سوئد و جلوس برنادوت سردار فرانسه که ولیعهد ایندولت را داشت و موسوم بجای او
نمودن خود را بشارل چهاردهم **افریقا** (مصر) محمد علی پاشا و پسرش ابراهیم پاشا که مدت شش سال
با جماعت وهابی میجنگیدند بالاخره انجماعت را مقهور و مضمحل نموده رئیس آنها عبد الدین نام را محمد علی پاشا
مغلولا باسلامبول فرستاد و عبد الدین در اسلامبول مقتول شد محمد علی پاشا قشون خود را بوضع عساکر اروپائی
تربیت میکند **امریکا** (نیکه دنیای جنوبی) مملکت شیلی خود را از تحت سلطنت اسپانیول خارج کرده دم از
استقلال میزند

اختتام کار عبد الدین را بعضی از مورخین از وقایع سال هزار و دویست و سی و شش دانسته چنانکه در صواعق ان سال ذکر شده خواهد آمد

سنه ۱۲۳۵ هجری — سنه ۱۸۱۹ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال با مرحافان کشور ستان اعلیحضرت فتحعلی شاه عقد مزاوجت و ازدواج فیمابین نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (اعلیحضرت محمد شاه) ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا و صبیه مخدره نواب امیر کبیر محمد قاسمخان بن امیر کبیر سلیمانخان اعتضاد الدوله قاجار بمیمنت و مبارکی منعقد گردید و جشنی شایان در دار الخلافه باهره گرفته شد و در این ضمن صبیه مرحوم میرزا شفیع صدر اعظم در حباله نکاح همایون میرزا در آمد نیز صبیه نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا حکمران مازندران در سلک مزاوجت امیر سلیمانخان فرزند نواب امیر کبیر محمد قاسمخان منسلک گردید و پس از انجام این امور خیریت منظور موکب منصور خاقانی بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تفرج فین کاشان انتهاض فرمود و پس از مراجعت سلیمان افندی سفیر سلطان محمود خان سلطان عثمانی بحضور مبارک مشرف شده و بعد از چندی اقامت در دربار همایون بخلاف خوه مخلع گردید و اذن معاودت حاصل نمود همدا این سال عبد الصمدخان با رکزائی افغان از جانب شاه محمود و کامران میرزای افغان با هدایا و تحف بدربار خاقان مملکت ستان آمده از تطاول برادران فتح خان شکایت و تظلم نمود و حکم همایون بنواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا والی خراسان در امداد شاه محمود و کامران میرزا شرفصدور یافت و عبد الصمدخان با مسرت خاطر معاودت نمود همدا این سال سفیری از جانب امپراطور روس الکساندر اول بدربار همایون آمده از جمله هدایا که امپراطور معظم برای اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشته حوض بلور معروف و مشهوری است که در عمارت بلور نصب شد همدا این سال چون بعد از معاودت عبد الصمدخان افغان شاه محمود با غوای بنیادخان شاهزاده و اوباشان جسته پرداخت نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه عزیمت هرات فرمود و بتربت حیدریه متوجه شده و لایت باخرز و آن حدود را که بنیادخان متصرف بود مسخر نمود و با میرقلیچ خان تیموری سپرد و امیر حسنخان طبسی و محمدخان قرائی در این سفر در رکاب شاهزاده معظم بودند و امیر حسنخان شاهزاده را از کرمنش محمدخان قرائی مانع بود از قضایای اتفاقیه امیر حسنخان طبسی این ایام در کدشت و ملازمان نواب شاهزاده محمدخان را کرفته بند نهادند و بتربت حیدریه رفته برادران محمدخان و مادرش از در اطاعت و ضراعت در آمده قلعه تربت با تصرف ملازمان نواب شجاع السلطنه دادند و این وقایع را بعرض آستان همایون رسانیده فرمان همایون صادر شد که اگر نواب شاهزاده صلاح میداند تربت را مجددا بمحمد خان واگذار کند نواب شاهزاده چنین کردند یعنی محمدخان را مخلع و رها نموده بقلعه او تشریف بردند و او نیز خدمتهای شایان نمود و خواهر خود را در حباله نکاح شاهزاده در آورد شاه محمود که از این وقایع مستحضر گردید منوحش و پشیمان شد و از اغوا و تحریک دست کشیده هدایا و پیشکشی برای نواب شجاع السلطنه فرستاده بنابراین شاهزاده معظم با رضا اقدس آمدند و وکالت طبس حسب الوالده با میر علینقی خان بن امیر حسنخان تفویض شد همدا این سال چون نواب شاهزاده محمد رضا میرزا والی کیلان حسن ظنی بصوفیه سلسله نعمت اللهی بهم رسانیده و جمعی شبه بانیطایفه حسبه دور شاهزاده را کرفته بودند اینفقره بوجهی شنیع بعرض آستان همایون رسید برای آنکه این از دحام موجب غائله نکردد موکب خاقانی بشکار و لایتطارم انتهاض فرمود و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور مبارک تشریف جستند و پس از تفرج و شکار مراجعت به تبریز نمودند و در قریه لوشان نواب محمد رضا میرزا و اهالی کیلان حسب الامر شرفیاب آستان پادشاهی کردیدند و بعضی سیاست و تنبیه شده و جمع صوفیه بتفرقه مبدل کشت بعلاوه فاضلخان کروسی جارچی باشی را مامور فرمودند که بهمدان رفته از حاجی محمد جعفر فراکوزلو از مشاهیر عرفا و اقاسید حسن همدانی که او نیز از اعاظم سلسله مزبوره بود دو هزار تومان برسم مصادره دریافت نماید و همانا این عمل بسعایت اصحاب اغراض

بوده

بوده والاجلالت قدر حاجی محمد جعفر آقا سید حسن معلوم و معین است همدر اینسال سرخای خان لکزی و مصطفی خان
شیروانی و مهدقلیخان جوانشیر از نظاره کاشتکان دولت روس بشتو آمده روی توسل ببارخاقان عظیم الاقتدار
هادند و بالطاف شاهانه نایل گردیدند همدر اینسال عبدالله خان امین الدوله بجهة تفریغ محاسبات کیلان مامور
رشت شد و وفات میرزا معصوم محیط ولد میرزا بزرگ قایم مقام فراهانی و وفات میرزا صادق ناطق شاعر اصفهانی

اروپا (انکلیس) شورش سخت در شهر منچستر نیز شورش در لندن مسافرت فرانکلن بقطب شمال

سنه ۱۲۳۳ هجری **سنه ۱۸۱۸ مسیحی**

آسیا (ایران) در اینسال فیمابین ایلات بختیاری و ایلات ترک قشقائی ساکن فارس نزاعی در گرفت علیحضرت
خاقان کشورستان فتحعلی شاه نواب امیر محمد قاسمخان قاجار را باصلاح امر آنها مامور فرمودند و حاجی میرزا ابوالحسنخان
شیرازی که مدت سه سال بود بسفارت فرنگ و ممالک عثمانی و نمسه و فرانسه و انکلیس رفته با امضای انکلیس در
ولایت عهد حضرت مستطاب نایب السلطنه بدربار دولت علیه باز گشت و پادشاه انکلستان نایل حلقه انگشتری الماس گرانبها
بمبارکی و تهنیت ولیعهد حضرت مستطاب معظم برای ایشان ارسال داشت همدر اینسال بجهة تخطی ایلات و بدسلوکی
کاشتکان دولت عثمانی باحجاج ایرانی کدورتی فیمابین دولتین ایران و عثمانی در گرفت و چون طایفه وهابی سال گذشته
نیز بدفتاری باحاج میکردند حاجی سید علیخان برادرزاده حاجی ابراهیمخان شیرازی بر حسب امر اعلی با محمد علی پاشا
والی مصر ملاقات کرده از سوء سلوک طایفه وهابی در نجد شرحی اظهار داشت محمد علی پاشا فرزند خود ابراهیم پاشا را
بنجد فرستاد شهر درعیه را خراب کرد و عبدالله بن مسعود را گرفته روانه اسلامبول نمود و عبدالله بن مسعود در اسلامبول
مقتول شد همدر اینسال خوانین خراسان مجددا در خیانت و نفاق اتفاق کردند و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب
اصفهانی بخراسان مامور شد و نواب شجاع السلطنه بموجب احضار بحضور مکرمت ظهور مبارک آمد و با نور محمدخان قاجار
دولو بخراسان معاودت نمود و موکب همایون بعزم خراسان روانه چمن خوشرو ییلاق گردید خوانین خراسان چون از اتهاض
موکب اعلی خبردار شدند هراسان کشته بارد وی معلی آمدند و روانه طهران گردیدند ولی بنیادخان هزاره با ده هزار
پیاده و سواره در قلعه کاریز من اعمال باخزر با عساکر نواب شجاع السلطنه مصاف داده مغلوب و منهزم شد و
احمال و اثقال او بتصرف سپاه نصرت همراه در آمد و نواب شاهزاده تا حوالی هرات رانده میرزا موسی وزیر شاهزاده
هرات وجود نمود و با پیشکشی حاکم هرات باز گشت و از آنجا که مزکانان تکه ساکن بام و بورمد در سال قبل در حوالی
جوین تاخت و تاز و شرارت کرده بودند در اینسال بر حسب امر قضا مثال خاقانی نواب محمد ولیمیرزای ملک آرا حکمران
مازندران لشکری بتدمیر آنجماعت فرستاده در اوبه آنها ریختند و بقتل و غارت پرداختند همدر اینسال خاقان
بیمثال در ری مرضع که بقیمت ده هزار تومان تمام شده بود مصحوب امین الدوله بروضه مقدسه رضویه علی ساکنها
الف سلام و تحیه ارسال داشت و امین الدوله آن در را نصب کرده مراجعت نمود همدر اینسال در شیراز
زلزله شدید شد و بسیاری از عمارات و ابنیه را منهدم کرد و جمعی هلاک شدند همدر اینسال ایلات جلیر و انلو و بسیکی
بخاک عثمانی رفتند و حسنخان سردار بکوچانیدن و معاودت دادن آنها مامور شد سلیمان پاشا والی بایزید و اخذ و مبادلت
و مضایقه پرداخت بعد از آن چون حسن محمد پاشا بسر عسکری منصوب شد بر سوء سلوک افزود و ایلات را رد نکرده
دعوی چهرق من توابع سلماس را نمود و حاجی علی بیک کدخدای تبریز را گرفته بستر دار ایلات رفته گردنه جلیس کرد لهذا
موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه بامر همایون متوجه حدود ارزنة الروم گردید و حسنخان سردار فاجار فرمود تا

از پیش

از پیش دوانید فرمودند حسنخان در حوالی تپراق قلعه با خسرو محمد پاشای سرعسکر مصاف داده سرعسکر بحصار تپراق قلعه گریخت سردار بقلعه یورش برده چهار هزار نفر از عساکر عثمانی را با براه عدم فرستاد سرعسکر فرار کرد و تپراق قلعه را سردار ایران مصرف شد حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز از چالدران بجانب بایزید حرکت فرموده قلعه زنک رو در قلعه اوسرای را مسخر فرمودند و هلول پاشا مطیع شد حسنخان سرباز در جامع بایزید فتنه و خطبه بنام خاقان کشورستان خواندند و شانزده عراده توپ از این قلعه جات بچنگ عساکر منصوره افتاد و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه عزیمت ارزنة الروم فرمود حاجی حسن پاشای چخن اقلی سرعسکر بایزید بقلعه سنک رفت و از آنجا بارزنة الروم گریخت محمد زمانخان دولوی قاجار و حسنخان قاجار فرزند بنی فرار بان را تعاقب کردند در این حبص و بیص عرض حضرت مستطاب نایب السلطنه رسانیدند که سلیم پاشا والی ارمنیه دو محمد خان دولوی قاجار را کرفته لهذا موکب والا بطرف محمد خان راندند عساکر عثمانی از جلو فشون و سپاه حضرت مستطاب معظم فرار کردند و محمد زمانخان باوردن ابل حیدرانلو رفت و از آنجا که آنها فرار کرده بودند فراوانی قصبات عرض راه را غارت کرد و پنجهزار نفر اسیر و هفده عراده توپ و دویست هزار رأس دواب و اغنام از آن نواحی گرفته مراجعت نمود و اسمعیل خان بیات قلعه ملاذکرد را مسخر ساخت و حسنخان بفتح قلعه شیر که معروف بموش است پرداخت و با آنکه جنک سختی کرد فتح قلعه میسر نشد حضرت مستطاب نایب السلطنه از حیال شاهنخ و جنکل انبوه بر سر قلعه شیر آمده بحاصره مشغول شدند اهل قلعه مصالحه کرده امان خواستند محمد حسنخان زنکنه نایب ایشیک آقاسی باشی سلیم پاشا را مطمئن کرده بحضور حضرت معظم آورد و در ازای این خدمت ایشیک آقاسی باشی شد و میرزا ابوالقاسم فراهانی (قایم مقام) بشهر تپلیس رفته خطبه بنام نامی پادشاهی خواندند و قلعه جات خوس وار جیش نیز بسعی محمد زمانخان و حسنخان مفتوح کردید و سلیم پاشا را خلعت حکومت ارمنیه دادند و ده هزار نفر از ایلات آخذ و ملازم رکاب بحضرت انتساب حضرت مستطاب نایب السلطنه کردیدند و در بن رکضت قلاع بایزید و ابشکرد و بادین و ملاذکرد و تپلیس و موش و خلاط و عادلجواز و ارجیش و خوس سوای تپراق قلعه که حسنخان مفتوح کرده ضمیمه ممالک محروسه کردید و چهل و هشت عراده توپ از توپهای عثمانی ماخوذ شد و موکب حضرت مستطاب معظم مظفر و منصور مراجعت نمود و وفات عالی شاه رشیرازی امروز پا (انکلیس) ژوژ سیم پادشاه انکلیس وفات نموده و ژوژ چهارم پسرش بجای او منصوب میشود و جلوس مینماید و ملکه زوجه خود را که از شاهزاده خانمهای المان است متهم برنا کرده محاکمه را بمجلس پارلمنت رجوع مینماید بعد از شش ماه ملکه را بی کناه میدانند (اسپانیول) شورش در داخله اسپانیول و در مملکت پرتکال بنای منعلقه با سپانیول (فرانسه) دوک دبری برادرزاده پادشاه دالوول نام مقتول میسازد تولد ولیعهد دولت فرانسه که پسر دوک دبری مقتول باشد و این پسر را موسیو بهانری کرده دوک دوبرد و لقب میدهند ایجاد ملکراف برقی در فرانسه (هلاند) منازعه اینه دولت در جزیره سومانترا با یاغیان (عثمانی) علی پاشا حاکم پاپنبا یاغی میشود و بنای شورش میکذارد بونا پها با علی پاشا محد میشوند

سنه ۱۲۳۷ هجری — سنه ۱۸۲۱ مسیحی

آسیا (ایران) در ماه صفر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه وارد تبریز شدند و بنا بر فتوحاتیکه حضرت معظم نموده و شرح آن در سال کذشته مذکور شد یکقبضه شمشیر مرصع که مکلل بجواهر ثمینه بود اعلیحضرت همایون برای ایشان ارسال فرمودند همدا اینسال چون محمود پاشای ولد عبدالرحمن پاشای بابان حاکم شهرزور فیمابین دولتین ایران و عثمانی نفیتن میکرد و از آنطرف اطاعتی هم بداود پاشای والی بغداد نداشت

جمعی از عساکر عثمانی باده عراده توپ بامداد داود پاشا آمدند که شهرزور را متصرف شوند و محمود آقای کهیا نیز
باده هزار نفر با آنها پیوسته بطرف شهرزور راندند در اینموقع محمود پاشا نیز بجانب عثمانی مایل و مصمم خلاف بادولت
علیه گردید و عساکر عثمانی در کنار آب سیروان مقام نمودند لهذا نواب شاهزاده محمد علیمیرزای ولیعهد با پانزده هزار
پیاده و سوار و ده عراده توپ از کرمانشهان حرکت کردند و حسنخان فیلپز با جمعی از الوار لرستان ملحق باردوی شاهزاده
معظم شد و جنگ سختی فیما بین عساکر عثمانی و لشکر ایران در گرفت آخر الامر قشون عثمانی شکست خورده راه فرار
پیش گرفتند و محمود پاشا نیز از عقب کهیا بجانب عثمانی گریخت و توپخانه و قورخانه و غیره پاشا و کهیا متصرف میرزا ظفر
همراه آمد و نواب شاهزاده دولتشاه بسلیمانیه نزول فرمودند و کهیا شمشیر خود را بگردن انداخته باصطبل شاهزاده
پناه جست و معفو شد پس از آن نواب شاهزاده بزیارت سرمن رای رفتند و عزیمت تسخیر بغداد نمودند ولی در منزل
دلوعباس بمرض اسهال مبتلا شده مع هذا عساکر منصوره بتاخت حوالی بغداد میپرداختند تا ضراعت داود پاشا
والی و شفاعت شیخ موسوی بخفی اسباب مراجعت نواب شاهزاده گردید و در طاق گری بجهة غلبه ضعف توقف فرمود
طبیب انگلیسی از بغداد بمعالجه آمد و مفید نیفتاد در این حال اسدخان بختیاری و حسنخان فیلپز را مرخص کردند
در شب پنجشنبه بیست و ششم شهر صفر وقت سحر راه عرفات بهشت گرفتند و نعش مرحوم شاهزاده را در تخت روان
گذاشته بکرمانشهان آوردند و در ششم ربیع الاول این خبر محنت اثر بدار الخلافه رسید و میرزا تقی علی آبادی صاحب
دیوان قصیده در رثیه مرحوم شاهزاده انشاد کرده که فرد منتخب آن اینست

پس از دوران دولتشه بکی بکرمانشه چنان پینم مدان را که بی بوشهر وانستی

عمر مرحوم شاهزاده سی و چهار سال و ده نفر اولاد داشتند نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله نواب طهماسب
میرزای مؤید الدوله نواب نصرالله میرزا نواب اسدالله میرزا نواب فتح الله میرزا نواب امامقلی میرزای عماد الدوله نواب
جهانگیر میرزا و نورالله میرزا و محمد رحیم میرزا و ابوالحسن میرزا خلاصه ولایت شاهزاده مرحوم بنواب محمد حسین
میرزا مفوض شد و عیسی خان دامغانی امیر آخور در بر پرستی اهل و عیال شاهزاده بکرمانشهان رفت همدر این
سال وبائی شدید از سمت هندوستان بسواحل عمان و کرمسیر اثر فارس سرایت کرد و قریب بیست هزار نفر
تلف شدند و این ناخوشی وبا کرد نیکستان و سایر اقالیم نیز سرایت کرد و بفرانسه آن را کلرا میگویند عنقریب از
ناخوشی وبا بیشتر که پیش از این در ممالک بلاد ظهور و بروز نموده و در کتب مینوشتند پس این اول دفعه است
که این درد با کره در معنی هیضه دیتر باشد در این ممالک دیده شده و پیش از این بر فرنگان مخصر هندوستان بوده است
همدر این سال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلیشاه تشریف فرمای چمن سلطانیه گردید همدر این
سال محمد امین رؤف پاشا و جلال الدین محمد پاشای جیبان و غلی که از سرداران معتبر عثمانی بودند با هفتاد هزار
لشکر و توپخانه و چند نفر پاشایان دیگر از قبیل حافظ علی پاشا و ابراهیم پاشا بسرعسکری اردنة الروم و جنگ
با ایران مامور شدند و بحضور رود بار زنة الروم با ستر داد قلاعی که پارسال از آنها منتزع شده بود میپرداختند
محمد امین رؤف پاشا در ارزنة الروم توقف کرد و جلال الدین محمد پاشا با سایرین بولایات وان و بایزید راند
حضرت مستطاب نایب السلطنه را واخر شعبان با افواج و توپخانه از تبریز بخوی آمدند و سعید آقا نام سپهداری را
بنصیحت نزد رؤف پاشا فرستادند ولی ثمری نکرد از انطرف اعلیحضرت همایون اللهیارخان دولوی قاجار را با
ده هزار پیاده و سوار بامداد حضرت مستطاب نایب السلطنه از سلطانیه روانه فرمودند و حضرت معظم الیه وسط

ماه رمضان از خوی بچالدران رفتند و معلوم شد جلال الدین محمد پاشا و سایر پاشایان بطرف تبراق قلعه را بنده حافظ
علی پاشا بفتح قلعه مشغول و جلال الدین محمد پاشا سنگری محکم بسته و در آن سنگر نشسته و ابراهیم پاشا از خارج آورا
محاربت مینماید خلاصه در سنه ۱۲۱۲ عساکر منصوره بحرکت آمده و در بعضی مواضع با هم تلاقی و زد و خورد مینمودند
تا اردوی حضرت شاهزاده بحوالی تبراق قلعه رسیده جنگ سختی فیمابین در گرفت و پس از کشش و کوشش سپاه
ظفر همراه غلبه کرده ابراهیم پاشای مستحفظ سنگر بگریخت و جلال الدین محمد پاشای چپان اوغلی نیز از تسخیر
تبراق قلعه صرف نظر کرده بارزنة الروم فرار کرد سایر پاشایان نیز هریک بطرفی متشا فشدند و توپخانه و قورخانه
و سایر اعمال و اثقال سالم رد و بتصرف عساکر منصوره درآمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه مظفر و منصور
بمنزل خالبار نزول کردند و میرزا محمد تقی آشپانی را بارزنة الروم نزد محمد امین پاشا فرستادند پاشای مشارالیه
اظهار خلوص کرده و قرار مصالحه و مراجعت لشکر را با ول بهار داد و موکب الابتهاج باز گشت و حسنخان قاجار قزوینی
که در این جنگ شادت و جلادتی ظاهر ساخته ملقب بسالار اصلان (سالار و اصلان) گردید همدر این سال میرزا عبد
الوهاب معتمد الدوله ماموریت خراسان شد و اعلیحضرت خاقان قدسی آشیانی را بارزنة الروم نزد محمد امین پاشا فرستادند پاشای مشارالیه
اظهار خلوص کرده و قرار مصالحه و مراجعت لشکر را با ول بهاردا

(عثمانی) ابتدای شورش یونان اکساندر اپسیلانتی که از روس آمده است مهیج فتنه میباشد و ناوده‌ها و شیها
در بنادر ایالت شورش خود جمع میکنند یونانیها که در ناحیه مره هستند عثمانیها را بیرون کرده یا بقتل میرسانند و در مورة
یونس نامی را رئیس بر خود قرار میدهند انتقام عثمانی بر ضد شورشیان کشتیهای بزرگ یونانیها که در اسلامبول بود
باچهار نفر کشتیهای دیگر بحکم سلطان مقتول میشوند رحمی دیگر از عیسویان نیز در سایر نقاط بتهمت موافقت با
یونانیها بقتل میرسند علی پاشا که در ابتدا بعثمانی باغی شده خورشید پاشای سردار او را محاصره میکند تولد سلطان
عبدالمجید خان ابن سلطان محمود خان امریکا (نیکه دنیای جنوب) مملکتیست که جزو سلطنت اسپانیول بود آزاد میشود
و اعلان جمهوری مینماید (اتاتونی) مابین ایالات اتاتونی در قسمت شمالی و جنوبی همین مملکت در باب نگاهداشتن برده
و آزاد کردن آنها در مجلس پارلمنت گفتگو میشود و این گفتگوئی است که در آتیه نتیجه آن خونریزیهای سخت خواهد بود

سنه ۱۲۳۸ هجری — سنه ۱۸۲۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال جمعی از اشرار وان با اکراد همدست شده بسلماس آمدند و قلعه برسرها را که بقصد
هجوم داشتند حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا یوسفخان کرجی را با دسته از دلاوران و فوج نیکه مسلمان
بدفع آنها مامور فرموده روانه شدند از آنطرف عثمان بیک و نصیر بیک و ولد مصطفی قلیخان حکاری با سه هزار نفر
بمقاتله مامورین مزبور بن آمده پس از اشتعال نایره قتال شکست خوردند و یوسفخان قلعه باشقلان را فتح کرده
اهالی قلعه را عرضه شمشیر نمود و ابراهیمخان حاکم باشقلان را بهمراهی عسکرخان افشار حاکم ارومی بحضور
حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و مصطفی قلیخان حکاری که از اولاد بنی عباس بود بتبریز آمده ایالت
حکاری را با و مفوض فرمودند و پسرش نصیر بیک که با پدر مخالفت داشت در گذشت و حکمرانی خوی و سرداری
آنحدود و اختیار قلعه باشقلان و حکاری و کردستان را با میرگ امیرخان دولوی قاجار خالوی حضرت مستطاب
نایب السلطنه دامت شوکته دادند همدر این سال میرزا عیسی فراهانی معروف بمیرزا بزرگ ملقب بقایم مقام در تبریز بناخوشی بادرکذشت
و پسرش میرزا ابوالقاسم بمنصب و مقام او نایل گشت و سواد فرمان قایم مقامی میرزا ابوالقاسم از قرار ذیل است

که از آنجا که دستاقتدار این دولت ابد آثار در کفایت مهام جهانداری قایم مقام مقرر است
قدر و قوام قدر توام این شوکت پایدار در مناظم اسباب دولتیاری نایب مناب دستگاه قضایای مقدر آمده بحسن
کفالت کارگذاران دیوان نائیدا سباب تابیدا این همایون سلطنت جاوید ار هر جهت ممهد و از وفور فواید فضلات
پروردگار مجید توفیق و فیض خلافت ابد مقرون مشحون طغرای عزای دامت ابدا ستمرار در حذای این مواهب عظمی و ازای
شکر نعمای بی منتها ملزوم همت گردون اساس و پیشنهاد مبارک خاطر حق شناس افتاده که از چاکران درگاه و فدوی
زادگان دولت جاوید دستگاه آنانکه جوایدا ستعدادشان مشحون معدات کفالت و کفایت و کفایت در اینشان
معد مناظم چاکری و خدمت نمایند بارتقای مدارج اعتبارشان انتظار عنایت گمارم و باظهار قبول مساعی مکنونات
التفات کونا کون درباره ایشان ظاهر دارم و خلاصه این اجمال تفصیل احوال عالیجاه رفیع جایگاه سیادت و سعادت
همراه فخامت و مناعت اکتناه بهامت و نبالت دستگاه اخلاص و ارادت آگاه مقرب الخاقان فدوی زاده دولت جاوید
بنیان سید الوزرا میرزا ابوالقاسم فراهانی است که از خواص خانه زادان دولت بمزید کمالات آگاهی و در اینباب از جمله
ممکنات ممتاز و طوما را ستعداد کاملش بتصحیح تربیت شاهنشاهی از نسخ مفاخر امثال و اقران قرین صحه اختصاص و امتیاز
آمده از بدو فطرت خط حلود خدمت را بختام خلوص ارادت محتوم داشته با متثال اوامر فضا امتثال پیوسته قلم و ار سر بر

خطا فرمان برداری گذاشته و بدین موجبات استناد استعداد ش در اجرای مخارج ارادت بصیغه صحت مقرون و افراد فضایل
خدمتش در مطابقه قابلیت فطرت بجایزه قبول مشحون آمده و لهذا در هذه السنه پونت پیل خجسته دلیل و ما بعد همایون
مفاخرش را باضافه منصب قایم مقامی دیوان اعلی افزودیم و منشور مناظم اعتبارش را بتوقیع تفویض این منصب جلیل اعتبار
استقرار و استقلال مقرون فرمودیم تا در یافت این عارفه را سرد فتر مفاخر کامل داشته در تحصیل رسوخ خدمتکاری
جدی جدید افزاید و در ملازمان خدمت مزبور را قدامی سزاوار کمال کاردانی نماید مقرر آنکه صدور انجمن وزارت و امناء
دستگاه دولت معتمدان دیوان در ایت و مستوفیان ایوان امانت شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود مرقوم و ملازمان
منصب مزبور را بعالیجاه مشار الیه مخصوص و موکول دارند و انحراف از حکم قضا مثال اقدس جایز ندانسته در عهده
شناسند بتحریر آنی شهر ربیع الاول ۱۲۳۸

همدانبن سالمیرزا موسی خان برادر میرزا ابو القاسم قایم مقام بوزارت حضرت مستطاب نایب السلطنه برقرار کردیدهم
در این اوان دو هزار نفر از تراکمه ساکن مرو بسالاری مراد سردار بحوالی ارض اقدس آمده بنهب و چپاول پرداختند و چند
نفر از اهالی آن نواحی را اسیر ساختند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه با هفتصد نفر سوار در چهار فرسخی مشهد مقدس
با آنجماعت رسیده آنها را مقهور نمودند ترکمانان اسرا و اموال را گذاشته و گریختند همدانبن ایام میرزا عبد الوهاب معتمد
الدوله سید محمد خان جلایر حاکم کلات را بحضور اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه آورد و شیخ موسی نجفی از علمای
اعلام ببدبار هما یون آمده واسطه و شفیع والی بغداد شد که ولایت منصرفی باو واگذار شود همدانبن سال نواب حسنعلی
میرزا ان فارس و نواب حسنعلی میرزا از خراسان ببدار الخلافه آمدند و حسنعلی میرزا از ولایت خراسان معزول شد و نواب
شاهزاده محمد ولیمیرزا حکومت یزد یافت همدانبن سال سلطان محمود خان سلطان عثمانی محمد امین رؤف پاشا سر عسکر
ارزنة الروم را وکیل کرد که قرار صلح باد ولت علیه گذارد لهذا میرزا محمد علی آشتیانی مستوفی از جانب حضرت مستطاب
نایب السلطنه بارزنة الروم رفت و کار مصالحه بتوسط میرزا ابو القاسم قایم مقام و نجیب افندی ایلچی عثمانی بانجام رسید
و شهر زور متعلق بکارگذاران حضرت مستطاب نایب السلطنه گردید ابراهیم خان باکویه بنظم اتو لایت ماموگشت
و قلعه کوی را نیز مصفی نمود همدانبن سال داود پاشا قبل از آنکه از دربار هما یون جوابی بشیخ موسی شفیع او داده شود
منداییج را متصرف شد و ایمان خان فراهانی که مستحفظ قلعه بود فرار کرده محمد علیخان کلهر گرفتار شد چون اینخبر بعرض آستان
هما یون رسید نواب محمد حسین میرزا را باستر داد منداییج فرمان دادند نواب معزی الیه با جلادتی تمام منداییج را بگرفتند و خسرو
خان کرجی بتوقف در ایمحل ماموریت شد و محمد حسین میرزا در ازای اینخدمت حشمة الدوله لقب یافت داود پاشا عریضه
معذرتی ببدبار هما یون فرستاد و شیخ موسی نیز مجددا بشفاعت پرداخت لهذا شرایط چندی برای استقرار صلح نگاشته شد
و میرزا محمد صادق وقایع نگار فرمانی را که حاوی این شرایط بود حامل شده ببغداد رفت و آن شرایط بذیرفته شده داود
پاشا وقایع نگار را با یکی از معتمدان خود ببدبار هما یون معاودت داد همدانبن سال نواب علی نقی میرزا بحکمرانی خراسان
منصوب و با همراهی میرزا عبد الوهاب معتمد الدوله روانه خراسان شد و ولایت بسطام را بعطیه پدری میرزا تفویض نمودند
و نواب امام وردی میرزا برادر بطنی علی نقی میرزا حکومت قزوین یافت و میرزا اسد الله نوری رئیس لشکر کشیکچی باشی
شد و میرزا هدایت پسر ش نیابت او برقرار گشت و نواب حسنعلی میرزا را اذن معاودت بفارس دادند همدانبن سال
موکب خاقان شریف فرمای قلمرو شد و از آنجا که در تابستان طور آنجا سرد بود که لوازم زمستانی بایدیا آنجا حمل
نمود پس از یکشنبه روز معاودت فرمودند همدانبن سال فخر علیخان کاشانی ملک الشعرا متخلص بصبا از اجله فصحا

و شعرای

برز کخاقان مغفور ذکر فرمودند
اند و قابل ذکر در تواریخ است
طه عثمان سطلنی بیلاق که در
رستاق بنا شده در این اوان با
بعضی مسلک چنان تمرد آن
شده که اکنون بجز چند روزی
مستقلان بواسطه برف و سرمای
باقی سال و فصول چنان سهل
لان است که معبر امان تدا ینان شد

وشعرای این عهد وفات نمود و از عزرائیل کار این شاعر نژاد رخداوندنامه و شاهنشاه نامه و دیوان قصاید بی‌انتها که
باجواهر زواهر همسنگ و برابر میباشد **امریکا** (انکلیس) بواسطه بروز تخطی و مداخله دولت در امور مذهبی
اهالی ارلند شورش مینمایند (اسپانیول) شورش فراوان خاصه در شهر مادرید بتغییر و تبدیل وزرا از آزادی طلبیدن
اهالی اسپانیول (فرانسه) مجالس مخفی برضد سلطنت منعقد است در بعضی از ولایات دیگر فرانسه نیز مردم علی
الخصوص قشون برضد سلطنت اند بسیل و شورش و سایر ایجاد مدرسه السنه شرقیه مینماید شاتوبریاند نویسنده
معروف بوزارت امور خارجه منصوب میشود فرانسه در امورات داخله اسپانیول خیال مداخله دارد (روس) کرانذوک
قسطنطین برادر امپراطور روس بواسطه مزاوجت با زوجه که کونوخانواده سلطنت نیست از حق و تعهدی
استعفا کرده ولایت عهد حق برادر دیگرش نیکلا میشود (عثمانی) غلبه عساکر عثمانی بر علی پاشا حاکم یانینا
خورشید پاشا علی پاشا را برای کشتکو در امر مصالحه بخارج شهر میطلبد او را بقتل میرساند شورش و انقلاب
سخت در تمام یونان و فرستادن محمد علی پاشای مصر سفاین زیاد بامداد عثمانی که طوفان دریا این سفاین را در بندر
یونان میشکند امپراطور روس غیر مستقیم بیونانیها اعانت میکند انکلیس و اطریش هم بدولت عثمانی از آزادی یونان را
تکلیف مینمایند **امریکا** (برزیل) دن پدرو که از طرف پدر خود ماموریتوقف در برزیل بود بیرق استقلال احضار
میشود لکن اهالی برزیل او را نگاهداشته مملکت برزیل را مجزی از پرتغال معرفی مینمایند و پارلمنت برزیل دن پدرو را امپراطور
برزیل میخوانند و تاج سلطنت بر سر او میگذارند دن میگل پسر دویم پادشاه پرتغال مادرش که خواهر پادشاه اسپانیول
است قصد خلع پدر را از سلطنت نموده میخواهد خود پادشاه شود (مکزیک) اهالی مجزی بودن خود را از اسپانیول بکلی
طلب مینمایند و ایتوربید نامی را بامپراطوری خود منتخب میکنند و از این بعد مکزیک از تحت سلطنت اسپانیول
خارج میباشد

سنه ۱۲۳۹ هجری — سنه ۱۸۲۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حاجی محمد حسینخان صدر اعظم اصفهانی از اصفهان ببدارالخلافه آمده در اینجا مریض شده
بجوار رحمت الهی پیوست و مآثر کریمه این وزیر نبیل محضر از بنای مدارس و ابنیه خیریه بسیار است که از آنجمله قلعه دوز
بخفا شریف میباشد خلاصه بعد از فوت حاجی محمد حسینخان منصب او را بپسرش عبدالله خان امین الدوله تفویض فرمودند
همدر این سال بجنب افندی سفیر سلطان بخود خان سلطان عثمانی بدربار اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه
آمده صورت عهد صلحی آورد که بعضی فقرات آن مرضی خاطر همایون نبود لهذا قاسمخان هزارجریبی سرهنگ با بجنب
افندی عهدنامه بر وفق رضای اعلیحضرت خاقان با مضای سلطان محمود رسانیده معاودت نمود و صورت آن عهدنامه
از قرار ذیل است

بدربار دولت عثمانی

صورت عهدنامه دولتین ایران و عثمانی

غرض از تحریر این کتاب مستطاب آنکه در این چند سال بسبب وقوع بعضی از حوادث میان دولتین علیتین اسلام روابط
صلح و صفوت و ضوابط دوستی و الفت قدیمه مبدل بنفار و خصومت و مودتی بحرب و کدورت شده بود بمقتضای
جهة جامعیه اسلامیه و عدم رضای طرفین سفک دماء و وقوع اینگونه حوادث و اوضاع و اعادت سلم
و مودت و تجدید وسنی و محبت ان جانبین دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده و بموجب فرمان همایون
اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران بالقابه فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و اقباله و حکم ماموریتنامه نواب ولیعهد

دوران عباس میرزا باوصافراین عبد مملوک وچاکر جان نثار بوکالتنامه مباهی ومخصوص گشته ازجانب دولت علیه عثمانی
نیز بامور فرمان اعلیحضرت سلطان غازی سلطان محمودخان بتجدده وکالتنامه بجناب والی ولایتارزن الروم محمدامین رؤف
پاشای سرعسکر جانب شرق عنایت شده بود این عبد مملوک درمدینه ارزن الروم باجناب سرعسکر مشارالیه ملاقات و
بعداز مبادله وکالتنامه ها مبارکه عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه باین ترتیب وتعیین یافت

اساس آنقرار یکه درتاریخ یکهزار ویکصد وپنجاه ونه بموجب مصالحه وعهدنامه واقعه گشته حدود وسنوری قدیمه و
شرایط سابقه ازامر حجاج وتجار ودرد فراری وتخلیه سبیل اسراوا قامت شخص معتمد دردولتین علیتین تماماً وکمالاً بین
الدولتین باقی ومرعی ومعتبر بوده باركان آن وجهاً من الوجوه خللی عارض نشده درمابین دولتین علیتین شرایط
مسنونه مقتضیست الفت ومحبت ابداً درکار باشد بعداز این شمشیر خلاف درغلاف بوده درمیانه دودولت معامله
که مؤدی بکدورت وبرودت ومنافی سلم وصفوت باشد وقوع نیابد وآنچه داخل حدود قدیمه دولت علیه عثمانیه شده
ودراثنای حرب وقتال بدست دولت فخیمه ایران آمده ازجمله قری واراضی وقلاع وفضا وقصبه جالنخر ازتاریخ این تمسک
معتبر الی مدت شصت روز بطرف دولت عثمانی تماماً تسلیم شود ومراعات حرمت این مصالحه جزئیه کرفتاران طرفین را
بلاکیم واخفا تخلیه سبیل کرده آنچه دراثنای راه محتاج الیه انها باشد از ماکولات وغیرها عطا شود وشیرازه طرفین
ابصال نمایند

مادهٔ اولی دولتین علیتین را درامور داخله یکدیگر مداخله نیست فیما بعد ازجانبین بغداد وکردستان مداخله جایز نداشته
ازجمله محالی که ازتوجیهات وسجافات وکردستان داخل درحدود باشد من الاسباب ووجهاً من الوجوه ازطرف دولت
علیه ایران مداخله وتجاوز وتعرض درمصرفین سابق ولاحق تصاحب نشود ودرحوالی مذکوره اکراد اهالی طرفین بر یلاق
وقشلاق عبور نمایند درباب مرهومان عاد بر یلاق وقشلاق وسایر دعاوی که وقوع یابد مابین وکلای نواب ومعهد
ایران ووالی بغداد مخابره شده رفع نمایند که باعث کدورت درمیان دولتین نگردد

مادهٔ ثانیه ازاهالی ایران کسانیکه بطبیعهٔ معظمه ومدینه مکرمه وسایر بلاد اسلامیه آمد وشد مینمایند مثل حجاج وزوار و
تجار ومتردد بین اهالی بلاد اسلام رومیه با آنجاعت مثل اهالی خودشان معامله نمایند وازایشان دورمه وسایر
وجوه خلاف قانون شرعیه اصلا چیزی مطالبه نشود وکذلک اززوار عتبات عالیات مادامیکه مال التجاره داشته باشند
برقوه حساب کمرک مطالبه نشود وزیاده طلب ننمایند وازطرف دولت علیه ایران نیز بانجار طرف جهیه عثمانی واهالی ایشان
براین وجه معامله نمایند وبمقتضای شرایط سابقه فیما بعد درحق حجاج وتجار دولت علیه ایران نفیذ واجرای شرایط
قدیم ازجانب وزرای عظام وامیرحاج ومیرمیران کرام وسایر ضابطان وحکام دولت علیه عثمانی کمال دقت ورعایت شود
وازشام شریف الی حرمین محترمین وازانجا الی شام شریف ازجانب همایون همرفته معتمد معتبر که درمیان انها
نظارت نماید وازمخدرات حرم شاهنشاهی وحرمهای شاهزادکان عظام وسایر اکابر دولت بهیهٔ ایران که بمکه معظمه و
عتبات عالیات میروند فراخور مرتبهٔ ایشان حرمت واعزاز شود وکذلک درخصوص سوماکرک تجار واهالی دولت
جهیهٔ ایران ماندند دولت علیه عثمانی معامله شود وازمال التجارتشان یکدهه بقرار یکصد قروش چهار قروش
کمرک کرفته وبدست ایشان تذکره داده مادامیکه ازدست ایشان بدست دیکری منتقل نشده مکرر ازایشان کمرک نکیرند
بخارا براین لاجل التجاره چوپو قی شیرازکه بلدارا لسعاده می آورند درمبیع شرای آن انحصار نباشد وبهرکس که خواهند
بیع نمایند وبانجار وشیعه واهالی دولتین علیتین که بممالک جانبین آمد وشد مینمایند بمقتضای جهت جامعهٔ اسلامیه

معامله

معامله رد و ستانه شده از هر ایذا و اضرار محفوظ باشند

مادهٔ ثالثه آنچه از عشیرهٔ حیدرانلو و سیسکی منازع فیها بوده و امروز در خاک دولت علیهٔ عثمانی ساکن میباشند مادامیکه در ممالک آنها است اگر بخاک ایران تجاوز کرده خسارت رسانند سرحدداران در منع و تربیت ایشان دقت نمایند و اگر از تجاوز و خسارت دست برندارند و از جانب سرحدداران منع ایشان نشود از قصاص ایشان دولت علیهٔ عثمانی کف ید ننماید و اگر ایشان برضا و اختیار خود بجانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشانرا منع و قصاص نکنند بعد از آنکه بطرف دولت بهیهٔ ایران گذرند بعد اگر بخاک عثمانی بیایند قطعا قصاص قبول ایشان نشود و در صورتیکه ایشان بطرف ایران نگذرند و آنوقت از حدود دولت عثمانیه تجاوز کرده خسارت بزنند سرحد نشینان دولت علیهٔ ایران در منع و تجاوز ایشان دقت نمایند

مادهٔ رابعه بموجب شرط قدیم فراری دولتین از طرفین قصاص نشود و کذلک از جملهٔ عشایر و ایلات هر کسیکه بعد از این تاریخ از دولت علیهٔ عثمانی بدولت فخیمهٔ ایران و از دولت بهیهٔ ایران بدولت علیهٔ عثمانی بگذرد باید آن گذشتگان قصاص نشوند

مادهٔ خامسه آنچه از دارائی سلطنه و سایر ممالک دولت علیهٔ عثمانی اموال ایرانیان بتجار موافق شرع و دفتر محفوظ نگاه داشته شده است از تاریخ این نمسک در ظرف شصت روز در هر محلی که باشد بموجب فاتورهٔ قومسر فت شرع و معتمد دولت ایران بصاحبان آنها تسلیم شود و سوای اموال محفوظه آنچه در اثنای وقوع عداوت از حجاج و تجار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی بعضی ضابطان جبرا از بعضی گرفته باشند بعد از افاده و اظهار دولت علیهٔ ایران از دولت عثمانی فرمان بر طبق همان افاده بعهدهٔ وکیل آنها در هر محل صادر شود و بعد از اثبات شرعی گرفته تسلیم نمایند

مادهٔ سادسه در ممالک دولت علیهٔ عثمانی از اهالی ممالک طرفین کسانیکه فوت میشود اگر وارث و وصی شرعی نداشته باشند مامور بیت المال ترکه همان متوفی را بمعرفت شرع دفتری کرده بثبت و سجل شرعی رسانند و آن مال را بعینه در محل امن تا مدت یکسال حفظ نمایند تا وارث و وکیل شرعی آن آمده بموجب ثبت و سجل شرعیه اشیا متروکه تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایهٔ حمل آن اشیا را گرفته باشد و آن اشیا اگر در مدت مذکوره حریق و تلف شود ادعای آن نشود و اگر در مدت مزبوره وارث و وصی نرسد ترکه محفوظ را مامور بیت المال با طلاع معتمد دولت علیهٔ ایران فروخته ثمن آن را حفظ نمایند

مادهٔ سابعه بموجب شرط سابقه برای تابیدن و تابیدن دوستی و مودت در هر سال یکنفر از دولتین در طرفین علیتین معتکف و مقیم باشند و از تبعهٔ دولتین علیتین که در اثنای حرب بطرفین گذشته اند در حق ایشان بنا بمجرد مصالحه خبر تبدیل است این اسائت نشود

خاتمه آنچه از اساس و شرایط و مواد که در فوق مذکور شد بر منوال محرره مکرر بالمذاکره قرار داده شد و از طرفین قبول گشته ادعای اموال منهوبة الضبعات و تضمین مصادف جزئیه از جانبین مضی ما مضی گفته صرف نظر شود و از جانبین دولتین علیتین بر فوق عادت تصدیق نامه ها مبادله شده بواسطهٔ سفرا از تاریخ این نمسک الی مدت شصت روز در اسرحدود دولتین بکدیگر ملاقات کرده باستانهٔ دولتین ایصال و تسلیم شود و باین وجه عقد و تجدید این مصالحه خبر تبدیل حقیقتا از تاریخ نمسک معتبره مرعی و معتبر گشته و از هر جهت ناپرهٔ کدورت و خصومت مطفی بوده و منافی دوستی و خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله جایز ندانند و از جانب خلاف شار الیه

نظر بر حضرت کامله از جانب دولت عثمانی در این تاریخ یکهزار و دویست و سی و هشت یوم یکشنبه نوزدهم شهر ذیقعدة الحرام این مسئله مهم و مرضی شد الخاتمة بالخیر و السعادة و الحمد لله اولا و آخرا و باطنا و ظاهرا بخیر و رفاهی او اخر شهر ربیع الثانی سنه یکهزار و دویست و سی و نه

همدانیسال نواب محمد میرزا با ایالت کبلان رفت و منوچهر خان گرجی برای استقرار نواب معزی الیه با ایشان همراه شد و نواب علینقی میرزا از ایالت خراسان استعفا کرده نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه مجددا حکمرانی خراسان یافت هم در اینسال نواب علینقی میرزا ملقب بر کن الدوله شده بحکمرانی قزوین منصوب گردید و حضرت مستطاب نایب السلطنه راسو مزاجی عارض شده میرزا محمد احمد آبادی اصفهانی طبیب ایشان را معالجه نمود همدر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه با نواب میرزاده اعظم ولد اکبر خود شاهزاده محمد میرزا (محمد شاه) در چمن سلطانیه بحضور همایون مشرف شده ایالت محالات طوایف قراگوزلو بشاهزاده معظم محمد میرزا مفوض شد زلزله سخت در شیراز کرنا هیجده ماه امتداد داشت یعنی تا ششماه از زلزله های سخت مبشد و بعد از آن زلازل خفیفه تا هیجده ماه در کار بود و فات میرزا ابو القاسم معروف بسیکوت از اجلهٔ عرفای از خلفای حاجی عبد الوهاب تائبی بود و در شیراز وفات کرده در بقعهٔ میر احمد مشهور بشاه چراغ مدفون گردید و فات حاجی محمد جعفر قراگوزلو همدانی از مشاهیر و اجلهٔ عرفا

امریکا (انگلیس) در کانادا کرانیکه دنیا برای انگلیس مانده نهصد هزار نفر فرنگی از ملل مختلفه سکنی دارند (اسپانیول) اطریش و دوس و پروس و پلچیکا خود را از مادر پدا خصما میکنند فرانسه اعلان جنگ با اسپانیول مینماید صد هزار نفر سرباز دولت دانگولمه ما موبجنگ با اسپانیول میشوند و مدت هفتم پادشاه اسپانیول مطیع و منقاد شوریشیان میباشد سردار فرانسه بمادرید و رود مینماید مجلس پارلمنت پادشاه اسپانیول را طور حبس با خود میکردانند و آخر الامر اجبارا او را رها کرده و او نزد سردار فرانسه میآید بعد از آنکه سردار فرانسه پادشاه اسپانیول را در سلطنت مستقل کرد بفرانسه مراجعت مینماید (ایطالیا) فوت پاپ ششم و جلوس لیون دوازدهم بپاپی و (روس) منع نمودن امپراطور تمام کشتی را که راجع بر پلتیک است و از خارجه بداخلهٔ روس میآورند (عثمانی) با نفس سخت چندین هزار خانه را در اسلامبول سوزانیده و خراب میکند

امریکا در سنهٔ ۱۸۲۴ عیسوی

در سنهٔ ۱۲۴۰ هجری

آسیا (ایران) در اینسال موکب اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه تشریف فرمای اصفهان گردیده روز ورود حاجی هاشخان ولد حاجی رجبعلی بختیاری ساکن محلهٔ لنبان اصفهان را که بشرارت معروف بود سیاست و تنبیه فرمودند و امین الدوله از حکومت اصفهان معزول و نواب شاهزاده سلطان محمد میرزا را حکمرانی اصفهان داده و ملقب بسیف الدوله نمودند و یوسفخان سپهدار عراق بورارت شاهزاده معزی الیه برقرار گردید و دویست هزار تومان بقایای اصفهان را برعایا تخفیف دادند پس از مراجعت از اصفهان اللهیارخان قاجار دولو که سالار بارو داماد اعلیحضرت شهریار کامکار بود بمنصب وزارت عظمی نایل و آصف الدوله لقب یافت و محمد حسنخان پسر آصف الدوله سالار بارو شد همدر اینسال کارکذاران دولت روس اصرار نمودند که محل مشهور بیالغود کوبی و کوکجه دنکز من توابع ایروان داخل در حد تفتیم متعلق بدولت روس است حسنخان سردار ایروان مراتب را معروض داشته ژنرال پرملوف

سردار کرجستان نیز پولکونیک مرزا وچ وکیل دوس را باشاهپرخان ارمنی ترجمان بدربار خاقان کشورستان فرستاد
وحضرت مستطاب نایب السلطنه بجهت تحقیق این امر بحضور همایون احضار شدند وحسینخان سایر اصلان از اینمعنا
مبارک آمده برخلاف ادعای کارگذاران دوس تصدیق نمودند اما وکیل دوس این تصدیق را قبول ننمود ومیرزا صادق وقایع
نگار با پولکونیک مامور تفلیس شد همدانیسال میرزا ابوالحسنخان شیرازی بوزارت امور خارجه دولت علیه برقرار گردید
وشصت هزار تومان برعایای وکیلان تخفیف داده شد ومرزا وچ وکیل دوس بعد از ورود بتفلیس از میرزا صادق تفلیس
شنافت وذرات پرهلوف را برنقض عهد با دولت علیه محرک شد مشارالیه کیناز مستحفظ اوچ کلیسا را بتصرف قلعه
بالغلو حکم داد وخود بهمانه نظم داغستان سفر کرد کیناز قلعه مزبوره را متصرف شد وصد نفر ماژور ودویست نفر سرباز
در آنجا گذاشته با وچ کلیسا بازگشت ومیرزا صادق وقایع نگار بتفلیس رفته در آنجا معطل ماند همدانیسال
ابراهیمخان ظهیرالدوله حاکم کرمان ودامادوعزاده خاقان کشورستان وفات نمود وخلعتیانی کرمان را بعباقلیخان
ولد اکبر ابراهیمخان که بطنا بنبره خاقان کشورستان بود دادند ومیرزا جعفر حمزه کلانی مازندرانی وزیر
ملک آرا حامل ان خلعت ونظم امور کرمان شد همدانیسال امان الله خان والی کردستان درگذشت وخسروخان
ولد اوکه بمصاهرت پادشاهی اختصاص داشت والی کردستان یافت ومحمدحسینخان قراگوزلو حاکم همدان وفات
کرده سرکردگی طایفه برسنخان پسرش مقرر شد وبخدمت نواب امیرزاده اعظم که حکمران همدان ومحال قراگوزلو بودند همدم مرزا نایم
رفته مورد التفات شاهزاده معظم شد همدانیسال یوسفخان کرجی سپهدار عراق ودوزیر اصفهان درگذشت و
فرزندش غلامحسینخان در هفده سالگی بشرف مصاهرت علیحضرت خاقان ممتنصب پدر سرافراز گشت ووزارت نواب
سیف الدوله حاکم اصفهان برعهده منوچهرخان کرجی غلام پیشخدمت مخاصه مقرر گردید همدانیسال اللهقلیخان
توره ابن محمدرحیمخان حکمران خوارزم که تازه بجای پدر حکومت خوارزم یافته با سپاهی فراوان عزم تسخیر خراسان نمود
در حومه شهر مشهد مقدس برف وباد شدید بادوی او را متفرق ساخت اللهقلیخان توره بسرحد خراسان گریخت اردوی
او بتاراج رفت در سرخس جمعی از ترکمانان سالور وساروق را بتاخت حدود وجام وسرجام فرستاد دسته از تراکمه در منزل
شرفخانه بآردوچار سواران ارغون میرزا پسر نواب حسنعلی میرزا گردیده منهزم ومقتول شدند ودسته دیگر در
حدود ولایت جام نیز بدست سرنصیرخان تیموری مقهور ونابود گشتند اللهقلیخان توره سه هزار نفر دیگر از اوزبکیه
قفقاز وطایفه قراقلپاق وسواران ساروق وسالور را بتاراج ارض اقدس روانه نمود وآنها خارج شهر مشهد
مقدس را تاخت نواب حسنعلی میرزا با لشکر خراسانی از شهر مشهد خارج شده در دامنه ارتدرکوه براوزبکها و
ترکمنها حمله کرده جمعی را مقتول نموده بقیه السیف منهزم شدند همدانیسال نواب علیقلیخان عم خاقان مملکت نشان
دربار فردوس مآرندران وفات نمود اروپا (انگلیس) در اینسال انگلیسها قصد کردند که اراضی متعلقه در افریقا
بطایفه آشانتی را که معادن زیاد دارد متصرف شوند ولی طایفه آشانتی عنفا آنها را از سواحل خود دور
کردند جنگهای سخت انگلیس در هندوستان ودر برمان در مشرق بنگاله یکی از مهندسین فرانسه که برونل نام دارد
از زیر رودخانه تامیز تا لاین میسازد که دو ساحل تامیز را از زیر رودخانه بهم وصل میکند (فرانسه) فوت لوی هجدهم پادشاه
وجلوس برادرش شارل دهم بجای او در سن شصت وهفت سالگی (پرتوغال) دن میگل پسر پادشاه شورش تازه
برضد پدر خود برپا مینماید دولت فرنگ شاهزاده پاعی را مجبوسا بوینه منفرستند (روسیه) ایجاد راه شوسه تا لسکرد
مابین بطرزبورغ ومسکو ودخالت نواطغیان صحنی کرده خرابی زیاد بشهر بطرزبورغ وارد میاورد (عثمانی) مسئله

شورش

شورش یونان اهمیت بهم رسانیده انگلیس و روس آشکارا از یاغیان یونان حمایت میکنند عساکر عثمانی قتل و غارت زیاد در بلاد یونان مینمایند امریکا (برزیل) انکشاف چهار معدن طلای خیلی معتبر در این مملکت

سنه ۱۲۴۱ هجری — سنه ۱۸۲۵ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال چون سنین سلطنت اعلیحضرت خاقان کشورستان فتحعلی شاه بسی میرسید سکه صاحبقرانی زدند و بر روی قران که سی و شش نخود نقره بود این مصرع را نقش کردند (سکه فتحعلی شه خسرو صاحبقران) و بر روی اشرفی که هیجده نخود طلای خالص داشت این مصرع را رسم کردند (سکه فتحعلی شه خسرو کشورستان) و مقارن این ایام مسکوکات در بلوک و رامین و حدود سمنان و دامغان در زیر خاک پیدا شد که از قرار تشخیص دانایان بعضی سکه شاپور ذوالاکتاف بود و برخی سکه خلفا و ملوک و سلاطین چنگیزی و تیموری و صفوی و از آنجمله بحسینعلیخان معزالممالک سپرده شد همدا اینسال علمای اعلام از سوء سلوک کارگذاران روس نسبت بمسلمانان گنجه و قراباغ خبردار شده بموجب جهاد فتوی نوشتند و آقا سید محمد مجتهد اصفهانی از عتبات عالیات بحضور خاقان صاحبقران آمده در این باب ابرام نمود همدا این اوان ایلچی کبیر هند دستان ژنرال مکدانلد کنیر به بندر بوشهر رسید و فاسیخان هزاره جریبی سرهنگ فوج بنارس که بجهت آوردن ایلچی به بمبئی رفته بود در رود او را اعلام نمود و میرزا ابوالقاسم مشتهر باصفهانی به مهمانداری ایلچی مشارالیه مامور گشت همدا در این ایام نواب محمود میرزا با یالت لرستان فیلی و نواب همایون میرزا با یالت لفاوند منصوب گردیدند و امین الدوله بمهمانداری آقا سید محمد مجتهد محکوم و معین گشت و موکب همایون از دارالخلافه تسلیمانیه کرج و از آنجا بسلطانیه تشریف فرما شدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور خاقان صاحبقران مشرف گردیدند همدا در این سال ایلچی روس کنیاز بختکوف بدربار همایون آمد و چون الکساندر امپراطور روس در اینسال وفات کرده و قبل از وفات تختی از بلور برای هدیه خاقان صاحبقران بفرمان او ساخته بودند امپراطور بنکلا که بجای او جلوس کرده بود آن تخت را محبوب ایلچی مشارالیه بحضور حضرت صاحبقرانی اهدا و ارسال داشت و بعد از وصول ایلچی علمای اعلام و مجتهدین با احترام باردوی معلی ورود کردند و آنچه از صلح و مصالحه ایلچی سخن راندند علما را مقبول نیفتاد و اعلیحضرت همایون بر جهاد تحریض کرده از وجوب آن سخن راندند و اصرار کردند ایلچی ما یوس باز گشت و عساکر ایران باطراف مامور شدند و با مشورت روس بزد و خورد مشغول گشتند و موکب همایون باردبیل آمد و حاجی محمدخان بجالا و جاروداق و حسینخان بر سنگر آبادان و سجاقلیخان بر سنگر بالغلو و حسنخان بر سر قراکلیسا رفت و تفنگچیان بطرف ناسبانوچ خانه کنیاز کمر دشمن چنین بودند اند مصطفی خان شیروانی والکساندر میرزا بگرجستان و شیروان و شکی رفتند و امیرگونه خان سردار از راه برکشاط روانه شد نواب اسمعیل میرزا در راه بسالیان محال کرمرود خزر برک و چنانچی برخورده جنگ در پیوست و موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه نیز در سیده از آن روز از ظهر تا غروب با یرهٔ قتال اشتغال داشت و آخر الامر سالدات روس منهزم و مفتول گردیدند و لنکران مفتوح و سالیان مسخر شد همدا این اوان اغوزلوخان پسر جوادخان گنجه بار و سها جنگیده غالب آمده و در گنجه استقلال یافت امرو یاد (باور) لوی اول بجای بدرش ماکسیملین ژوزف بسلطنت جلوس نمایید (فرانسه) سفاین جنگی این دولت در این سال عبارت از صد و پنجاه و هشت فروند و بارده هزار نفر مشون بحری است (ایطالیا) فردیناند اول پادشاه سبسیل بعد از شصت و پنج سال سلطنت و جلوس پسرش فرانسوای اول بجای او در چهل و شش سالگی (روس) فوت الکساندر امپراطور روس در طغانرغ قسطنطین که از ولایت عهد خلع شده بود سلطنت را برادر کهتر خود نیکلا واگذار میکند شورش و انقلاب سخت

در پطرزبورغ علی الخصوص در میان قشون (عثمانی) بقای شورش پوناسیان و آمدن ابراهیم پاشا پسر محمد علی پاشای مصر با عساکر بری و بحری بکمک سلطان عثمانی امریکا رئیس جمهوری اتاتوفی نیک دیپا آدامس نامی است که پدرش نیز یکوفی رئیس جمهوری بوده است

سنه ۱۲۴۲ هجری — سنه ۱۸۲۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بنا بر میل و تکلیف علما بین دولتین ایران و روس جنگ بسختی در گرفت و بنای لشکر کشی شد و عبدالله خان دماوندی و نوروزعلیخان سرکرده دسته قشون سمنانی بحراست و توقف کنجه مامور شدند و امیر کبیر امیرخان سردار نیز همین ماموریت روانه کنجه گردید و مصطفی خان شیروانی تا حوالی شیروان تاخت و ابراهیم خان برادر جان محمد خان دولو و حاجی محمد خان قاجار بامداد او رفتند و محمد حسینخان شکی تا منزل جواد راندروسها چون کار را سخت دیدند شیروان و شکی را تخلیه کرده بسفناق محال برملک پناه بردند کنیاز قراکلیسا با نزد قلعه لری محصور حسنخان سالار اصلان کردید و تقریبا چهار هزار سالدات روس مقتول و دستگیر شدند و تمامی آلحذود مستحکمات نواب شجاععلی میرزا بقبضه و باد کوبه مامور شدند و موکب خاقان صاحبقران فتحعلی شاه بعزم فتح شوشی از اردبیل بکنار رود خانه طویله شامی آمد و اللهیارخان آصف الدوله با بیست هزار نفر قشون و ده عراده توپ بالتزام رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شد که بعد از فتح شوشی بگرجستان و تفلیس رانند آصف الدوله در دهم ماه صفر در خارج قلعه شوشی بعسکر حضرت معظم پیوست همدان اوان ژون مکدان الکیز سفیر کبیر انگلیس هندوستان باردوی معلی آمد و حضرت مستطاب نایب السلطنه قلعه شوشی را محاصره کردند ولی مستحفظین قلعه که منتظر کمک قشون روس بودند از دخیله و عده تسلیم نمودن قلعه را داده بنا بر این محاصره بی از سخت کرفتن در کذشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) ولد اکبر افخم خود را با محمد قلیخان قاجار دولو دسته جات خواجه وند و عبدالملکی و نظرعلیخان مرندی مامور حراست شهر و قلعه کنجه فرمودند از آنطرف مدد وف از ژنرالهای معتبر روس با جمعی پیاده و سوارهٔ قزاق و بیست عراده توپ بتسخیر کنجه آمد امیر کبیر امیرخان سردار حراست کنجه را بنظرعلیخان مرندی کذاشته در رکاب امیرزاده اعظم محمد میرزا بطرف شمکور راند و در خرابه ها شمکور با مدد وف تلاقی دست داده باشتعال نایره قتال پرداختند امیر کبیر امیرخان سردار عرشها دنبال رفت و پس از شهادت او لشکر دست از جنک کشیدند مدد وف بجانب کنجه راند و این شهر را متصرف شد حضرت مستطاب نایب السلطنه مشغول محاصره شوشی بودند که این خبر را شنیدند فی الفور مهدقلیخان جوانشیر را بکوچانیدن ایلات قراباغ و آوردن بقراجه داغ مامور فرمودند و خود از محاصره دست کشیده بدفع مدد وف و حفظ کنجه روانه شدند و فوق بجوالی کنجه رسیدند که مدد وف این شهر را مسخر کرده بود حضرت معظم مستعد جنک مدد وف شدند و در اینحال ژنرال لسکویچ با چهار هزار سالدات از تفلیس بامداد مدد وف آمد و جنک در کرفت ابتدا قشون ظفرمون بر عساکر روس غالب آمدند و آنها که امیرزادکان در محل بتر رس بودند حضرت مستطاب نایب السلطنه حکم کردند آنها را بجای دوری بردند چون آنها را بی فایده حرکت دادند نظم قشون بهم خورد و مغلوب کشتند حضرت معظم ناچار با ملالت بکنار رود ارس آمدند علیحضرت همایون ایشان را طلبیده برای دفع ملالت فرمایشهای لطف آمیز فرمودند و چون در غره ربیع الاول با نزده شدید در طویله شامی با ردبیل موکب همایون عزیمت تبریز نمود نواب شجاععلی میرزا و حاجی محمد خان دولو و ابراهیم خان قاجار دنبال از قبله مراجعت کردند و مهدقلیخان شش هزار خانوار از ایلات قراباغ کوچانیده

حضرت

حضرت مستطاب نایب السلطنه آنها را مجدد مرخص و فراجه داغ روانه فرمودند و بعضی از دستجات قشون را باخت و فراباغ
فراباغ حکم دادند حسنخان ساری اصلان و مصطفی خان شیروانی و محمد حسنخان شکی بنا را طراف پرداختند و باد و
فرسخی نقلبس را تاختند دو هزار نفر پیاده هزار جزایری و انزالی با هزار نفر سوار کوهی بجا فقط امر و ان مامور شدند و موکب
همایون در شب بیست و ششم ربیع الاول از راه مراغه روانه دار الخلافه شد مدد وف بجهة برگرداندن ایلات فراباغ
از آباد سر عبور کرده بجدود کرها و آمد حضرت مستطاب نایب السلطنه قاسمخان و حسین پاشای بوزباشی و رحمت الله
خان سرتیپ با باد و فوج فراجه داغی و محمد رضاخان سرهنگ فوج دویم تبریز بمقابله او روانه کردند نواب عبد الله
میرزا این با سپاه خمسه روانه اردبیل شد و مدد وف را در آن میانه محصور و مستاصل داشتند و چون او تاب مقاومت
نیاورده مراجعت کرد و اسبان توپخانه و عراده ها آذوقه او بتصرف قشون ظفر مون در آمد و آقا سید محمد مجاهد
مجتهد که معتصم جها بود در تبریز مریض شده در راه رحلت نمود همدانیسال شاه محمود افغان از پسر خود کامران
خایف شده از هرات بیرون آمده با افاغنه فراه و سبزوار دو دفع پسر اتفاق کرد کامران بنواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا
متوسل شد شاهزاده معظم محمد امین خان پازکی را با پانصد سوار بهرات فرستاده کامران مطمئن شد و محمود با طراف
رفته چهار هزار لشکر تربیت داده بجانب پسر راندکامران میرزا جها نگیر میرزا پسر خود را بدفع پدر مامور ساخت محمود از سر چشمه
باد غیس بخارج هرات تاخت و ابتدا بمحمد امین خان کرد باغ شاه خارج هرات بود حمله کرده کاری از پیش نبرد بعد بر سر
جها نگیر رفته بر او فایق گشت کامران در قلعه محصور شد و از بیم شورش اهل هرات مراتب را بنواب حسنعلی میرزا عریضه
عرض کرده نواب معظم حرکت کرده بغور بان آمدند و کامران پدر را شکست و فرار داده نواب شجاع السلطنه در سنگ بست
هرات منزل کرده کامران میرزا بخدمت شاهزاده آمده ایشان از هرات برد و کلید خزاین بدیشان سپرد نواب شاهزاده از
فرط صناعت جز بکلیفه انکشتری هیچ قبول نفرمودند و نواب ارغون میرزا فرزند خود را با پنجهزار سوار و سه عراده توپ در
هرات گذاشته خود با رضا قلیمرزا معاودت نمودند همدانیسال اللهقلیخان توده برادر رحمز قلیخان توده پسر محمد حسنخان
اورکیجی بولایت جام رانده بنای غارت را گذاشت ولی یکشب در اواخر شب چند اسب دارد وی اورها شده بیکدیگر افتادند
وغوغا و هیاهوئی در گرفت خوارزمیها گمان شبیخون کرده متفرق شدند اللهقلیخان تیر حسن رفت وارد وی او بدست
جابیان افتاد همدانیسال دو سها از طرف دریای خزر در سرحدات مازندران و استراباد بنای آشوب را گذاشت و
دو فروند کشتی جنگی بفرضه ها این دو ولایت آوردند و قرآنرا بنقود تطمیع کردند قیاتای از ترکمن جعفربای فرب
خورده ایل را بفساد واداشت نواب محمد تقلیمرزای ملک آرا در دربار همایون بود و پسر ش بدیع الزمان میرزا در استراباد
بحکمرانی اشتغال داشت پس از استماع این خبر مهدیقلیخان و محمد تقیخان هزار جزایری و میرزا اسمعیل خان فندرسکی
و نقدعلیخان کوتول را با خود همراه نموده با سواران و پیادگان استراباد و مازندران و ککلان شب بر سر او و تبر جعفر
بای بخفته ریخته بسیاری از آن جماعت بقتل رسانیدند چون ترکمن مقهور شدند سفاین روس هم که بساحل استراباد آمده بودند
باز گشتند همدانیسال و ان منوچهرخان گرجی بحراست بندر انزلی و فرضه کیلان روانه شد و امین الدوله عبد الله خان
اصفهانی بوزارت نواب شاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا باصفهان رفت همدانیسال ایام الکسادی بر ملوف سردار
کرجستان در دولت روس بجانبت منسوب شده معزول گردید و ژنرال بسکویچ بجای او سرداری یافت کنیاز مدتی
حاکم فراباغ و شیروان و شکی عزل و ایخسوفی نام بجای او منصوب شد و بسکویچ ژنرال دویچ نام را با ده هزار سالدات و بیست
عراده توپ بشیخ ایروان فرستاد و ایخسوفی نیز با شش هزار سرباز و ده عراده توپ بطرف فراجه داغ راند ژنرال

دویچ وارد اوچ کلیسا شد و با بخشوف در کنار پل خدا آفرین قامتکرد حسینخان سردار در قلعه ایروان و برادرش حسینخان
ساری اصلان با پنجهزار سوار و یکفوج سرباز در خارج قلعه ماندند از طرف قراجه داغ نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا
(محمد شاه) با ششهزار سوار و چهار فوج سرباز و پنج عراده توپ در کنار رود ارس وارد دو زندند و ژنرال دویچ با
سه باطالیان سرباز و یکهزار نفر سوارهٔ قزاق و چهار عراده توپ از اوچ کلیسا بعزم قلعهٔ سردار آباد ایروان حرکت
کرد حسینخان سردار در کنار قراسو که میانهٔ سردار آباد و اوچ کلیسا است با ژنرال دویچ مصاف داده چون کاری از قشون
روس ساخته نشد رو بقلعهٔ طالین که در شش فرسخی ایروان است نهادند از آنطرف روسها که در کنار پل خدا
آفرین بودند خواستند از آب ارس عبور کرده بقراجه داغ رانند نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر آنها حمله کرده آنها را
شکستی فاحش دادند در این اوان موکب همایون از دار الخلافه متوجه آذربایجان شد و روسها اوچ کلیسا بعزم چشمون
بار تو حسینخان ساری اصلان ریختند مشار الیه که باخبر بود بسیاری را مقتول و بعضی را اسیر کرد بنیز با پنصد عراده
آذوقه که بقلعهٔ ایروان میبردند بتصرف حسینخان درآمد موکب همایون در حین قبلهٔ بنیز نزول اجلال فرمود و
قشون روس از محاصرهٔ ایروان گذشته عزم نخجوان کردند و حضرت مستطاب نایب السلطنه از خوی حرکت فرموده
بچورس آمدند و احسان خان ولد کلبعلی خان نخجوانی را بحراست قلعهٔ عباس آباد که از مستحدثات حضرت معظم است
امر فرمودند و محمد امین خان قاجار و عباسقلیخان سرکردهٔ بختیاری بمعاضدت احسانخان محکوم شدند احسانخان
با بسکویچ سازش کرده او را بمحاصرهٔ عباس آباد آورد نواب علینقی میرزای رکن الدوله با پنجهزار پیاده و سوار
بچورس آمد اللهیارخان آصف الدوله نیز با پنجهزار سوار و پیاده برکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه آمده
حسینخان ساری اصلان نیز با فوجی از سواران در رسید و با روسها که از ارس عبور کرده بودند شروع
بجنگ نمودند چهار نفر از لاوران روس قصد حضرت مستطاب نایب السلطنه کرده هر چهار براه عدم رفتند
فضلعلیخان قوانلو و لدحاجی مهدیقلیخان در آنروز جلادتها نموده چون اسبش زخمی شد پیاده بجنگ پرداخت
و چند زخم برداشت او را از معرکه بیرون بردند و پس از آنکه زخمهای او التیام یافت جان نثار دولت بود و
لقب یاور یافت عساکر ایران کلا ببچورس برگشتند و بسکویچ علمی را که نشانهٔ دولتیان بود برافراشت و
باین حیله از رودارس گذشته بتسخیر عباس آباد شتافت احسانخان مستحفظین قلعه را حبس کرده در بروی
بسکویچ گشود بسکویچ محمد امین خان قاجار و عباسقلیخان سرکردهٔ بختیاری و بعضی خوانین اینطایفه را گرفته
بتفلیس فرستاد و احسانخان در ازای این خدمت بحکومت نخجوان رسید حاجی محمدخان دولو و اسفندیارخان کرجی با مادر
سپهدار و طوایف خلج بحراست خوی مامور شدند و عبدالله خان ارجمندی فیروزکوهی با دستهٔ خود بحراست
بنیز رفت و موکب همایون بمرند آمد و نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بتاخت قراباغ روانه شدند و نواب رکن الدوله
بتوقف محال چورس و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجانب ایروان مامور گشتند بسکویچ چند روزی در عباس آباد
مانده بعد با ردوی خود باز گشت و باز قشون روس افتاده جمعی را هلاک نمود و بسکویچ از تلافی عباس آباد
توهم داشت میرزا کرمایدوف همشیرهزادهٔ خود را بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بطلب مصالحه فرستاد
و مقبول نیفتاد شجاعلیخان کنکرلو برادر احسانخان نیز قلعهٔ نظاره اردوباد را بتصرف قشون روس داد
و ابراهیمخان قاجار دولو باد دسته لشکر قراکوزلو بجانب اردوباد شتافت و قلعهٔ نظاره را بغلبه گرفته و نواب
شاهزادهٔ اعظم محمد میرزا نیز ولایت قراباغ را زیر و زبر کردند و باز گشتند و نواب جهانگیر میرزا مستحفظ [illegible]

اسپر

اسپرد و بخانه آنها را بدریای خزر انداختند (ترکستان) در اینسال امیر حیدر توره ابن امیر معصوم شاهزاده ملقب به بکجان که بیست و دو سال در بخارا امارت داشت در ماه ربیع الاول درگذشت و بعد از او امیر حسین پسرش سه ماه امارت بخارا نموده در جمادی الاولی وفات یافت و بعد از او عمر خان بن امیر حیدر بر مسند امارت نشست و او نیز بعد از شش ماه راه آخرت پیش گرفت و امیر نصر الدین بن امیر حیدر بن بکجان امارت بخارا یافت و استقلالی بهم رسانید امروز پا (انگلیس و روس و عثمانی) در مسئله یونان مابین انگلیس و روس بواسطه و لنگتن از جانب انگلیس و نسلرد از جانب روس اتحادی حاصل شده بنای سخت کبری را بعثمانی میگذارند شورش یونانیها سخت تر و تعدیات عثمانی خاصه اعجافات ابراهیم پاشای مصر که سردار کل قشون عثمانی در یونانست یونانیها بیشتر از پیشتر است جنگهای سخت یونانیها با ابراهیم پاشا اتفاق افتاده است با انگلیس و روس در باب یونان روس گرفتار است بسکویچ در مجادله است مخالف قشون فرستادن بیونان ندارد و بواسطه جنگ با ایران با عثمانی مصالحه مینماید بنا بر این معاهده جزو در قلاع سرحدات عساکر عثمانی در سایر بلاد سرب بخواهند بود و سفاین روس نیز در دریای سیاه آزاد خواهند بود در تمام فرنگستان برای یاغیهای یونان توجهات میشود دولت انا توی پنکه دریا یکفروند کشتی جنگی بیونانیها میبخشد (انگلیس) اینده کرفتار بی پولی و مخلصی و عدم رواج تجارت بحر با انگلیس مملکت آسام از بهر ماه منتزع میشود (فرانسه) تعلیم و تعلم زبان پهلوی در این مملکت (ایطالیا) شورش و انقلاب بر ضد پاپ در بلاد متصرفه او (پرتوغال) فوت ژان ششم پادشاه آمالی پرتوغال دون پدرو پسر ارشد ژان را که امپراطور برزیل است بسلطنت منتخب میکنند پادشاه برزیل از سلطنت پرتوغال استعفا کرده سلطنت را بماری دختر هفت ساله خود تفویض میکند شورش انکری دون میگل برادر پادشاه روس تاج گذاری امپراطور نیکلای اول در مسکو (عثمانی) قتل طایفه ینکیچری و معدوم ساختن اینطایفه را کلیتاً امریکا (انا توی) فوت ژفرسن معروف

سنه ۱۲۴۳ هجری — سنه ۱۸۲۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال در ماه صفر شرح فتوحاتی را که در اواخر سال قبل نگاشتیم بعرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران محمد شاه رسانیدند و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا رکن الدوله علینقی میرزا را در چورس گذاشته خود با بروان تشریف بردند و قاسمخان سرهنگ و جعفرقلیخان مقدم و محمود خان مقصود لوی استرابادی را بر سایر مستحفظین آن قلعه افزودند و حسینخان سردار ملتزم رکاب و الا گردیده متوجه محاصره اوچ کلیسا شدند مستحفظین اوچ کلیسا از روسها ساکن آباران استمداد نمودند و آنها نیز با استعداد قصد امداد کردند حضرت مستطاب نایب السلطنه از اینمعنی خبردار گشته یوسفخان کرجی سرهنگ توپخانه و سهرابخان غلام پیشخدمت باشی را با چهار هزار نفر بمحاصره اوچ کلیسا گذاشته خود براه آباران رفته در اشترلد ابروان با قشون روس مصاف دادند روسها مغلوب شده اسلحه خود را ریخته فصلفرار کردند عساکر منصوره بسیاری از آنها را دستگیر نموده و موکب والا بطرف ابروان عطف عنان فرمود بسکویچ سردار روس چون از واقعه آگاه شد ترک نزال ارستوف کرجی را بجانب عباس آباد گذاشت خود راه ابروان پیش گرفت رکن الدوله و حسنخان سالار اصلان نیز بجانب ابروان راندند حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از ملاقات رکن الدوله حرکت فرموده در دامنه آغری داغ اقامت نمودند بسکویچ با اوچ کلیسا رفته پس از چند روز توقف بمحاصره سردار آباد آمد حضرت معظم حسنخان سردار را روانه سردار آباد نموده خود بتاخت حوالی عباس آباد پرداخت در نزال ارستوف با استعداد تمام از عباس آباد بیرون آمده در حوالی

ن مغلوب عساکر حضرت والا گردید و بعد ما مراجعت بازگشته موکب والا بمنزل چشمه شاهی خوی نزول
مهربان این فتوحات بعرض حضور همایون رسیده عبدالله خان را جهت دفع و طرد اسبتعلیخان لاریجانی
و حاجی حسنخان دامغانی و علینقیخان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی و عبدالله خان دماوندی
تها و مبلغی وجه نقد بهمراهی اللهیارخان آصف الدوله نزد حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند
در ماه ربیع الاول تشریف فرمای دار الخلافه گردید و حضرت معظم والا از آباد سرعبور کرده بحال
آصف الدوله دستخط مازندرانی را دوانه تبریز نمود و با اتفاق میرزا ابوالقاسم قایم مقام از رود ارس
ت پرداخت حضرت مستطاب نایب السلطنه بخوی تشریف آورده آصف الدوله و قایم مقام را بحضور
و با اطمینان تمام سردار آباد را محاصره کرد حسنخان سالار اصلان بنم شبی از شکاف دیوار قلعه بیرون آمده
ار امنه در قلعه سردار آباد را باز کرده بسکویچ وارد قلعه شد و پس از دو ساعت وقت باروان شافت
ه شبانه روز جنگ باروان را بگرفت و حسنخان گرفتار گردید و او را و میرزا محمدخان معصوم لو را و حمزه
بلیس فن نشاد و حضرت معظم نایب السلطنه در خوی از ماجری خبردار شدند رکن الدوله و آصف الدوله
حمت الله خان فراهانی که بحفظ راه مذکر گمرک معبر و وسها مامور بود پنزه به تبریز شتافت و موکب حضرت
سردار آمده و در اینجا معلوم شد که مستحفظین در ذکر غفلت و رزیده وارستوف گرجی با سالدات و توپخانه
شتر و عزیمت تبریز نموده حضرت مستطاب نایب السلطنه فتحعلیخان رشتی را نزد بسکویچ فرستاده شرحی
و بلده خوی آمده انتظام این نواحی را بر عهده نواب امیرزاده بهرام میرزا و حاجی محمدخان قاجار واسفندیار
ار محول فرموده خود روانه تبریز شدند و در منزل طسوج بعرض رسید که ژنرال ارستوف بجهت اطمینان
و جنب تلوبا های تبریز در قریه صوفیان متوقف است فی در همین دو روز تنبخیر شهر میپردازد
عاجلاً بدو فرسنگی تبریز آمده معلوم شد که از خارج و داخل روسها را گرفتن تبریز بحرتیک میکنند
سر فتاح ابن حاجی میرزا یوسف تبریزی بود که مردم را باطاعت وسها اغوا نموده ناچار قایم مقام
نوده خود عزیمت سلماس فرمودند خلاصه نواب کن الدوله از تبریز بیرون رفته آصف الدوله
ت مستطاب نایب السلطنه را از شهر روانه کرده در قریه باسمج برکن الدوله رسیدند و الواط
شون روسن بشهر تبریز وارد شده و آصف الدوله را در ارک حبس کردند و ژنرال بسکویچ را خبر
نمودند و او بتعجیل بتبریز آمده ایالت را کما کان بعهده فتحعلیخان پسر هدایت الله خان کیلانی و آقا
آصف الدوله از صلح سخن میگفت جمعی را بتسخیر ولایت خوی فرستاد حضرت مستطاب نایب السلطنه
لحت بجنگ ندیده مستحفظین خوی را با توپخانه و آلات حرب بسلماس احضار فرمودند و آنولایت را با
رحفا با روسها مواضعه داشت سپردند و لشکر روس بی مانعی خوی را تصرف کردند پیرخان کرمی
ا از جانب حضرت معظم نایب السلطنه برای بسکویچ پیغام برد و جواب ملایمت و مبنی بر صلح آورد و مقرر
نا رفتن ملاقات و گفتگو نمایند حضرت مستطاب والا بنده و آقا رزق را با نواب امیرزاده بهرام میرزا و امرا
روسی سلدوز بمیان دو آب مراغه که برحمت آباد معروف است فرستادند و خود با رد روی وسها
کن الدوله خدام حرم حضرت معظم را محافظت کرده بزنجان رسانیدند و از آنجا با اتفاق حاجی علی اصغر
واجه باشی و عبدالله خان دماوندی نواب همدان شدند اعلیحضرت خاقان صاحبقران نیز از واقعه

آگاه شده با حضار شاهزادگان احکام صادر فرمودند و از آنجا گرزنزال رازن از صاحبمنصبان روس بفریب بلاات کرده و خسته و شقاقی آمده بود میرزا محمد تقی علی آبادی صاحبدیوان که مدتها بوزارت خمسه مامور و اهالی آن بلاد را بحسن سلوک خود ممنون داشت محکوم بمجازات آن حدود گردید و نواب شجاعلی میرزا حسبالامر در زنجان اقامت کزید و غلام حسینخان سپهدار عراق باده هزار پیاده و دو عراده توپ در رسید و نواب محمد قلیمیرزا باده هزار قشون مازندران حرکت کرد و نواب محمد تقی میرزا با شش هزار سوار و پنج عراده توپ حاضر شد و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا باسپاه خراسان ورود نمود اما روز ورود حضرت مستطاب نایب السلطنه بدهخارقان بسکویچ و همه صاحبمنصبان روس با احترام تمام حضرت معظم را استقبال کرده آصف الدوله را پیاز از تبریز آوردند پس از کفتکو بسکویچ گفت دولت روس در این کشمکش معادل بیست کرور تومان ضرر متحمل شده هرگاه داده شود خلاف مرتفع گردد فتحعلی گیلانی بطهران آمده مراتب را بعرض حضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران رسانیدند و این مطلب مقبول نیفتاد بعد از آمد و شد و سوال و جواب بیست پاره کرور قرار گرفت که هشت کرور داده شود و بعدها نیز دو کرور دیگر بعد از او مهلتها داده شود سرتن مکدان الدین و زیر مختار انکلیس با بسکویچ قرار مصالحه را داده و حکیم مکنیل صاحب انکلیس را بدار الخلافه فرستاده خاقان صاحبقران را راضی نمود و منوچهرخان حامل وجه خسارت جنگ کشت و حضرت مستطاب نایب السلطنه از حدود کروس و میرزا ابوالحسنخان وزیر امور خارجه از قصبه زنجان و آصف الدوله و بسکویچ از تبریز وقایم مقام از طهران حرکت کرده همه در قریه ترکمان چای من اعمال تبریز جمع شدند و عهد مصالحه مابین دولتین روس و ایران را که موسوم بعهدنامه ترکمان چای میباشد منعقد نمودند و شب پنجشنبه پنجم ماه شعبان این سال عهدنامه مزبوره بانجام رسیده یک نسخه بمهر مبارک حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا ابوالحسنخان شیرازی وزیر امور خارجه مختوم شد و باز نزال را زن سردار سواره نظام روس و حاجی میرزا ابوالحسنخان آن عهدنامه بحضور همایون خاقان صاحبقران فرستاده شد و صورت عهدنامه ترکمان چای از قرار ذیل است

صورت عهدنامه ترکمان چای

اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه با لقابه و اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران با وصافه علی السویه اراده دارند که بنوایب حینکه نهایتی بکنارند و بسبب همجواریت صلحی بی نفاق بعمل آرند لهذا امپراطور اعظم جناب ایوان بسکاویچ جنرال انوفار را و پادشاه والاجاه مملکت ایران نواب نایب السلطنه عباس میرزا را و کلای مختار خود تعیین کردند و ایشان در محل ترکمان چای اختیارنامه ها خود را بهم سپردند و فصول آتیه را بتعین و قرارداد کردند

فصل اول بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه مودت و وفاق کامل ابدالآباد واقع خواهد بود

فصل دویم از تاریخ حال هردو پادشاه با اجلال عهدنامه واقعه در محال گلستان قراباغ را متروک و این عهدنامه جدیده میمونه را با عهود و شروط مسلوک داشتند

فصل سیم پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهدان کل الکای نخجوان و ایروان را خواه از طرف روس خواه از طرف بدولت روسیه واگذار میکند و تعهد مینماید که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفاتر و دستورالعملی که متعلق بادارات اینها باشد بتصرف فرمانفرمای روسیه بدهد

فصل

فصل چهارم در باب سرحدات دولتین ایران و روس بنیوجب خطوط وضع شده از نقطهٔ سرحد ممالک عثمانی که در خط مستقیم بقلهٔ کوه آغری کوچك اقرب است ابتدا کرده و از آنجا تا بر چشمهٔ رود خانه قراسو یا بین که از سراشیب جنوبی آغری کوچك جاریست فرود آمده بمتابعت مجری اینرود خانه تا بالتقای آن برود ارس در مقابل بشرود ممتد میشود چون این خط بانجا رسید بمتابعت مجری ارس تا بقلعهٔ عباس آباد می آید و در دور تعمیرات و ابنیهٔ خارجهٔ آن که در کنار راست ارس واقع است بنصف قطری بقدر نیم فرسخ رسم میشود و با این نصف قطر در همه اطراف امتداد می یابد همه اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود بالانفراد تعلق بروسیه خواهد داشت و در مدت دو ماه مشخص خواهد شد و بعد از آن از جائیکه طرف شرقی این نصف قطر منفصل با ارس میشود خط سرحد شروع و متابعت مجری ارس میکند تا بمعبر بدی بلوك و از انجا خاك ایران بطول مجری ارس امتداد می یابد تا بفاصله و مسافت سه فرسخ بعد از وصول با ین نقطه سرحد باستقامت از صحرای مغان میگذرد و تا بمجری رود خانه بالها رود بحلی که در سه فرسخی واقع است پائین تر از ملتقای رود رود خانه کوچك موسوم بآدینه بازار و ساری قمش و از انجا این خط بکنار چپ بالها رود تا بملتقای رود خانه مذکور صعود کرده بطول کنار راست رود خانه آدینه بازار شرقی تا بمنبع رود خانه و از آنجا تا باوج بلندیها جاکه امتداد می یابد بنوعیکه جمله آبهائیکه جاری بحر خزر میشود متعلق بروسیه خواهد بود و همه آبهائیکه سراشیب و مجری آنها بجانب ایران است متعلق بایران خواهد داشت چون سرحد و مملکت اینجا بواسطهٔ قلل جبال تعیین میباید لهذا قرار داد شد که پشتهائیکه از اینکوهها بسمت بحر خزر است بروسیه و طرف دیگران بایران متعلق باشد از قلهٔ بلندیها جاکه خط سرحد تا بقلهٔ کمر قوی بمتابعت کوههائی میرود کرطالش را از محال ارس منفصل میکند که در فوق در باب مسافت واقعه ما بین آدینه بازار و قلل جاکه گفته شد بعد از آن خط سرحد از قلهٔ کمر قوی بلندی کوههائیکه محال زوندرا از محال ارس فرق میدهد متابعت میکند تا بر حد محال ولکیج هموار ه بطریق همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف قلل جبال مذکوره واقع است از اینقرار حصهٔ دوسیه خواهد بود و از ابتدای سرحد محال ولکیج خط سرحد ما بین دو دولت بقلل جبال کلوتوبی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج میگذرد بی متابعت میکند تا بمنبع شمالی رود خانه موسوم باستارا پیوسته بمراد خطه همان ضابطه در باب مجرای میاه خط سرحد متابعت مجرای این رود خانه خواهد کرد تا بملتقای دهنهٔ آن بحر خزر و خط سرحد اگر بعد از این متصرفات دوسیه ایران را از هم فرق خواهد کرد و میل خواهد نمود

چون قلل جبال از جانبین مجرای میاه را فرق میدهند در اینجا نیز خط سرحد اینطور قسم تقسیم میکنند؟

فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و ولیعهد ائمای الکاه و اراضی و جزایر و جمیع متابعین خیمه نشین و خانه دار را که در میانهٔ خط حدود معینه و قلل برف دار کوه قفقاز و دریای خزر اسنا لی الابد متعلق بدولت دوسیه میدانند

فصل ششم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی خسارت دولت و رعیت دوسیه مبلغ ده کرور نقد که عبارت از بیست طومان مناط سفید دوسی است قرار داد و موعد رهاین وصول اینوجه در قرار داد علیحده که لفظ بلفظ کوپا در این عهدنامه مندرج است معین خواهد شد

فصل هفتم چون پادشاه ممالک ایران نواب عباس میرزا را ولیعهد دولت قرار داده امپراطور روسیه نیز تصدیق بر این مطلب نموده تعهد کرد که نواب معزی الیه را از نتایج جلوس بر تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق آن ملك دانند

فصل

فصل هشتم کشتیهای تجارت دولتین روس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند که در بحر خزر و طول سواحل آن بطریق سابق سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی از هر دو طرف امداد و اعانت خواهد شد در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه در دو سه تا دارند مثل سابق اذن تردد در بحر خزر دارند و بغیر از دولت روس دولتهای دیگر آن اذن را ندارند

فصل نهم وکلا و سفرای طرفین اعم از متوقفین و عابرین باید از دو طرف مورد کمال اعزاز و احترام گردند و در این باب دستور العمل مخصوص از طرفین مرعی و ملحوظ گردد

فصل دهم در باب امر تجارت هر دو پادشاه والاجاه موافق معاهدهٔ حدالکانه که باین عهدنامه ملحق میگردد تصدیق نمودند و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران در باب کونسلها و حامیان تجارتی که از دولت روس کما فی السابق در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند معین شود تعهد میکند که این کونسلها و حامیان را که زیاده از ده نفر اتباع نخواهند داشت حمایت و احترام نمایند امپراطور روسیه نیز در باب کونسلها و حامیان تجارت ایران وعده میکند که همین نحو مساوات منظور دارد و هر گاه از دولت ایران محققا شکایتی از کونسلها و حامیان تجارت روس واقع شود وکیل باکار گذار دولت روس که در دربار دولت ایران متوقف است و اختیار کونسلها و حامیان تجارت با او است اذن دارد که امر مزبور را بعنوان جاریه بلا تاخیر رجوع نماید

فصل یازدهم همهٔ امور و ادعای طرفین که بسبب جنگ بتاخیر افتاده بعد از انقضاء مصالحه موافق عدالت باتمام خواهد رسید و مطالباتیکه رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند بتعجیل و تکمیل وصول خواهد شد

فصل دوازدهم دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک در منفعت بقعهٔ جابنین قرارداد میکنند که برای آنهائیکه مابین خود بسهام واحد در دو جابنین دو دار سر املاک دارند موعد سه ساله مقرر نمایند تا باز آدی در بیع و معاوضهٔ آنها قدرت داشته باشند لکن امپراطور ممالک روسیه از منفعت نیمی را داد در هر آن مقداریکه با و متعلق و واگذار میشود سردار سابق ایروان حسین خان و برادر او حسنخان و حاکم سابق نخجوان کریمخان را مستثنی بسازد

فصل سیزدهم اسرائیکه در جنگ آخر و قبل از آن و بقعه که از هر دو نهایت افتاده اند از هر دو طرف قرارداد شد که در مدت چهار ماه با اخراجات راه بعباس آباد فرستاده شوند که وکلای طرفین در آنجا مامور باینکار میباشند آنها را گرفته بوطن خود برسانند و هر گاه در مدت مذکوره بتعویق واقع شود هر وقت از هر طرف مطالبه کنند با اسراخود استرداد نمایند بلا مضایقه رد کرده آید

فصل چهاردهم از دو طرف قرین الشرف تعهد میشود که رعایای جابنین اعم از فراری یا غیر فراری که در حالت جنگ و قبل از آن بمملکت طرفین رفته اند یا بعد از این بروند در صورتیکه وجود ایشان منشاء ضرر و فسادی نباشد مطالبه نشود ولکن اشخاص صاحب منصب و شان اعم از حکام و خوانین یا رؤسا و ملاهای نزدیک و غیر آنرا که وجود ایشان در ممالک دو طرف بسبب مکاتبات و مخابرات خفیه منشاء ضرر و مزاحمت در ممالک طرفین نگاه ندارند و از حدود معینه در فصل چهارم اخراج سازند

فصل پانزدهم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باید از تقصیرهای اهالی آذربایجان از خاصه و عامه که در مدت جنگ و تصرف عساکر دو سه تا در ولایات مسترداد یکه مباشر جنایتی شده اند درگذرند و هر یک خواسته باشند با عیال از آن ولایت بیرون روند تا مدت یکسال بایشان مهلت داده شود که اموال و اثقال خود را با بیع یا نقل بممالک دو سه تا نمایند و احدی از حکام بهیچوجه متعرض جنایات آنها نشود و در باب بیع املاک پنجساله مهلت داده شود هر گاه در

مدت یکسال مذکوره از احدی خیانتی تازه بظهور رسد داخل در عفو و گذشت نیستند
فصل شانزدهم بعد از امضای این عهد نامه میمونه فی الفور وکلای مختار جانبین دستور العملهای لازمه بخود و دیگر دانه
سازند که برای حضور و تعدی پردازند این مصالحه نامچه در دو نسخه بلسان مضمون ترتیب یافته و بدستخط وکلای طرفین
رسیده و مابین ایشان مبادله کرده است بعد امضای آن بتصدیق و پادشاه در مدت چهار ماه و اگر ممکن شود
زودتر مابین وکلای مختار ایشان مبادله شود تحریر در قریه ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فوروال سنه یکهزار و
هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجری
بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسیده بامضای وزیر امور داخله میرزا ابوالحسن خان رسید
نیز عهد نامه تجارتی مشتمل بر نه فصل مابین دولتین منعقد گردیده که صورت آن از قرار ذیل است
فصل اول چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع فوائد یکه از آزادی و رخصت تجارت
حاصل میشود بهره مند دارند لهذا باین فصل قرار داد کردند که رعایا و اتباع دو سرکار متعاقدین در دست داشته
باشند در هر ممالک ایران میتوانند تجارت کرد و کذلک بممالک مجاوره دولت مذکوره میتوانند رفت و بهمین نسبت اهالی
ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین دو سر ایران بممالک دو سر میتوانند برد و معاوضه و
بیع نمود و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده از هر گونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری با اتباع
کاملة الوداد دولتهای اداده میشود و بهره مند خواهند شد در حالتیکه یکی از اتباع دولت دو سر در مملکت
ایران وفات یابد اموال منقوله و غیر منقوله او چون متعلق بدولت دو سر است بدون معارضه با قوام یا شرکای او
تسلیم خواهد شد که باختیار تمام بخویشان او که شایسته دانند معامله نمایند و در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود
نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال بوکیل یا کارگذار یا کونسلهای دولت دو سر واگذار میشود بدون اینکه هیچگونه
مانعی از جانب حکام و ولایات ظاهر شود
فصل دوم حجج و براءات و ضمانت نامه ها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوبها میکنند
نزد کونسل دولت دو سر و حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه بین الطرفین برای قطع دعوی بر طبق عدالت لحقات
لازمه بتواند کرد و اگر یکی از طرفین خواهد بدون اینکه بنحو مذکور فوق تمسکات معتبره متصدیانه کلا یقبول هر محکمه
عدالت استدراک داشته باشد از دیگری ادعا نماید و جز اقامه بشهود دلیل دیگر نیاورد این قبیل ادعاها و اینکه مدعی
علیه خود تصدیق بحقیقت آن نماید مقبول نخواهند شد هر معاملات منعقده که بصورت مذکوره مابین اهالی جانبین
واقع شده باشد باید تمام مرعی و ملحوظ شده هر گونه مجانبت که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین
گردد مورث تلافی خسارت تمام متناسبه از طرف دیگر خواهد شد و صورتیکه یکی از تجار دو سر در ایران مفلس و شکست
شود حق ارباب طلب از امتعه و اموال او داده میشود اما اگر از وکیل یا کارگذار یا کونسل استعلام نمایند که مفلس
مذکور مال ممکن الصرف که بکار استرضای همان ارباب طلب بیاید در ولایت دو سر گذاشته است یا نه برای تحقیق کردن این
مطلب مساعی جمیله خود را مضایقه نخواهند داشت بنقرار دادها که در این فصل معین گشته همچنین درباره اهالی
ایران که در ولایت دو سر موافق قوانین مملکت بتجارت میکنند مرعی خواهد شد
فصل چهارم برای اینکه بتجارت متعلقه جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابقة الذکر گشته اند محقق و مستحکم نماید
قرار داد شد که از هر گونه متاعی که بتوسط تبعه دو سر یا برای آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذلک از

امتعهٔ محصوله ایران که بتوسط تبعهٔ آن دولت که بلد یای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بولایات روس برده میشود و همچنین از امتعهٔ روس که برعایای ایران باسمان راهها بیرون میبرند کما فی السابق در وقت بیرون رفتن و داخل شدن هر دو یکدفعه پنج از صد گمرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و سرحدها ی مجدد قرار داد کند متعهد میشود که در این حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه ننماید

فصل چهارم اگر دولت روس با ایران یا دولت دیگر در جنگ باشد تبعهٔ جانبین ممنوع نخواهد شد از اینکه با امتعهٔ خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور کرده بممالک دولت مزبوره بروند

فصل پنجم چون موافق عادتیکه در ایران موجود است برای اهالی یکانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعهٔ تجارتی هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران بآن خانه ها و مکانها و انبارها عفتاً داخل نمیتوانند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل و کارگذار و یا کونسل دولت روسیه استرخاص میتوانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمان تعیین کنند که در وقت ملاحظهٔ خانه یا امتعه حضور داشته باشد

خود باجاره پیدا کنند لهذا بتبعهٔ روس اذن داده میشود که خانه برای مکنا و انبار و مکان برای وضع امتعهٔ هم

فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحبمنصبان ماموره ایشان و کونسلها و ترجمانها در ایران امتعه که بکار ملبوس ایشان باید و اکثر اشیاء ضروریهٔ معیشت برای ابتیاع پیدا نمیکنند لهذا میتوانند بدون باج و خراج هر گونه امتعه و اشیاء که خاصه بمصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورند و کذلک این امتیازات بتمامه در باره وکیل و کارگذار دولت ایران که مقیم در دربار دولت روسیه باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسانیکه از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامیکه نزد ایشان باشند مانند تبعهٔ روس از حمایت ایشان بهرمند خواهد بود و لکن اگر شخصی از آنها مرتکب جرمی شود که موافق بقوانین مملکتیه مستحق تنبیه باشد در آنصورت وزیر دولت ایران یا حاکم در جائیکه آنها نباشند بزدله و لایت مجرم را بواسطهٔ ایلچی یا وکیل یا کونسل در نزد هرکدام باشد مطالبه میکند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی بر باشد بر دلایلی که جرم و تقصیر متهم را ثابت کنند ایلچی یا کونسل یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهد کرد

فصل هفتم هر ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعهٔ روسیه باشد بالاتخصاص بملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کونسلها اعلیحضرت امپراطوری برطبق قوانین و عادت دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهائیکه مابین تبعهٔ روس و تبعهٔ دولت دیگر اتفاق بیفتد در جائیکه طرفین بآن راضی شوند و منازعات و ادعائیکه مابین تبعهٔ روس و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف معروض و محول میگردد و ملحوظ و طی میشود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کونسلها چون اینگونه ادعاها که یکدفعه موافق قانون طی شده باشد و باره استعلام نمیتوانند شد مگر اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظهٔ ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگذار یا کونسل دولت روسیه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمیتوانند شد و در اینحالت آن امر استعلام و محکوم علیه نمیتوانند کردید مگر در دفتر خانهٔ اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد کذلک در حضور یکنفر ترجمان وکیل یا کونسل دولت روسیه

فصل هشتم کار قتل و امثال آن کناهای بزرگ که در میان خود رعایای دولت روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسل دولت روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که با ایشان در باب اهل ملت خود داده شده است اگر یکی از تبعهٔ روسیه بدعوی جرمی مستلزم السیاسه با دیگران متهم باشد بهیچوجه او را تعاقب

بنا بایکرد مکرد رصورتیکه شرکا و بجرم ثابت و مدلل شود در اینجا لشنیز مانند حالتیکه یکی از شعبه دوسیه متعدده بجرمی متهم میشد حکام ولایت نمیتوانند که بتشخیص حکم پرداز ند مکرد رصورتیکه شده از طرف وکیل یا کونسل دوسیه اگر در اماکن صدور جرم از کونسلها یا وکیل کسی نباشد حکام ولایت مجرم را بجائیکه کونسل یا صاحبمنصبی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه میکنند و اسنشهانامه که در باب برائت شغل ذمه متهم بواسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و بمهر ایشان رسیده باشد و باین کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینکونه اسنشهانامه ها بسند معتبر و مقبول ادعا خواهد شد مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید و در صورتیکه متهم چنانکه باید ملتزم کشته فتوی صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسل دوسیه تسلیم میسازند که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است بمملکت روسیه ببرند

فصل نهم دولتین علیتین معاهده تین اهتمام تمام در باب غایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام و ولاة و دیوان بیکیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مؤاخذه شدیده داشته باشند در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد بلکه در حالتیکه تکرار تخلف چنانکه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود خلاصه ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته ایم شروطی را که در این معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه است که همان دوز ترکمان چای اختتام یافته است چنان اعتبار و قوت خواهد داشت که کویا بلفظ بلفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق کشته است منتظم و مقرر داشتیم لهذا این معاهده جداکانه که مشتمل بر دو نسخه است بتوسط ما دستخط کذا شته بمهر ما رسیده و مبادله شد بتحریر آدر قریه ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فیروال سنه یکهزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحیه که عبارت از پنجم شهر شعبان المعظم سنه یکهزار و دویست و چهل و سه هجریه باشد

پس از انعقاد عهدنامه مابین دولتین ایران و روس بسکویچ بتبریز آمده و حضرت مستطاب نایب السلطنه بانیشهر معاودت فرمودند و لشکرها از سرحدات برخاستند محمد را بیسال باغوای محمد خان دامغانی پیشکار عباسقلیخان کرمانی که خیال سروری داشت اشرار کرمان بنای شرارت و خودسری را کذا شتند و خانلرخان غلام پیشخدمت را که ولد علیمراد خان زند بود با نبیره نواب غفران مآب شهید محمد حسنخان طابثراه و مادر انتظام کرمان بود همکام مراجعت در منزل باغین مقتول نمودند نیز احمد خان برادر محمد مهدیخان متخلص بتشخیص را که همشیره او در سلک خدام حرم سلطنت بود بهمانجا در کرمان بکشتند و محمد خان با عباسقلیخان بعنوان اینکه تبدیل عبدالرضا خان بزدی که در اوان جنک روس و ایران براه خلاف فتنه مصمم شده ایم و قریب به دوازده هزار جمعیت از حدود کرمان و یم وغیره فراهم آورده عزم تسخیر یزد کردند شاهزاده محمد ولیمیرزا والی یزد از واقعه خبردار شده بدار الخلافه طهران آمد که مراتب را بعرض حضور خاقان صاحبقران رسانند عبدالرضا خان خلف فتحیخان بیکلربیکی قدیم یزد که کارکذار شاهزاده بود اموال متعلقین شاهزاده را متصرف شده آنها را روانه طهران کرد و اهالی کرمان و مازندران در منزل شمس و ضاع عباسقلیخان حاکم کرمان را بهم زدند و او بفارس رفته بحال خود نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس متوسل شد و بعد از چندی با مازندران بخدمت نواب ملک آرا رفت و محمد خان دامغانی بسیستان کریخت و نواب شجاع السلطنه بحکومت کرمان و استرداد اموال محمد ولیمیرزا از عبدالرضا خان مامور شد عبدالرضا خان از بیم بقلعه داری پرداخت نواب شجاع السلطنه بکرمان رفته اهالی کرمان از خوف

براه عصیان رفتند و در حصار ابرده شاهزاده نکشودند بعد از ده دوازده شبانه روز جنگ نواب شجاع السلطنه
شهر کرمان را بگرفتند و با انتظام امور آنسامان پرداختند تا بعد از چندی رفع آشوب شد و امنیت حاصل آمد
و محمد اسمخان با مغانی با لطایف الحیل بکرمان خواندند و مغلولا بطهران فرستادند و در اینجا بسزای خود رسید
و عبد الرضاخان را بجای خود واگذاشتند و نظم امور بزد بنواب ظل السلطان محول شد همدانیسال عبد الله خان
امین الدوله را از اصفهان طلبیده صدارت دادند و اللهیارخان آصف الدوله بریاست سابق سالار بار شد همدانیسال
بسکویچ در دربار لنکران و ابروان کار را منوط بحکم امپراطور روس نمود و مقرر شد حضرت مستطاب نایب السلطنه بحضور
امپراطور رفته اینکار را فیصل دهند همدانیسال چون ایالت خراسان بر عهدهٔ نواب هلاکو میرزا ولد نواب شجاع السلطنه
موکول بود و ایالت سبزوار بر عهدهٔ نواب ارغون میرزا برادر نواب هلاکو میرزا خواهر خراسان تفتین کرده برادران
برضد یکدیگر بحرب پرداختند و فتنه برخاست هذا اعلیحضرت همایون حسنخان و حسینخان سردار ابروانی را بخراسان
مامور فرمودند و وفات عبد الرزاق بیک دنبلی متخلص بمفتون صاحب تاریخ مآثر سلطانیه و عبد الرزاق بیک ولد
بخفه لیخان بیکلربیکی تبریز بود ارو پا (المان) فوت پادشاه ساکس و جلوس برادرش آنتوان بجای او
(انکلیس و فرانسه و روس و عثمانی) صاحبمنصبان بر ضد عثمانی در باب اعانت یونانی را مینمایند بعد از کفتکوی
بی فایده زیاد که روس و انکلیس و فرانسه با عثمانی در باب اصلاح با یونان نمودند دول ثلاثه مزبوره متفق میشوند که یونان
آزاد باشد ولی باید مبلغی خراج بدولت عثمانی بدهد عثمانی قبول این تکلیف را نمینماید بنابراین سفاین جنگی دول
ثلاثه با کشتیهای جنگی عثمانی در ناوارن جنگ سختی کرده در ظرف سه ساعت تمام سفاین عثمانی و مصری را شکسته
و غرق مینمایند سلطان عثمانی در مملکت خود اعلان جهاد مینماید (انکلیس) فوت ولیعهد دو پورک برادر کوچک
پادشاه که ولیعهد او بود و بسبب ولایت عهد بودن دو کلارنس برادر دیگر پادشاه و لنکستر علاوه بر سپهسالاری
قشون بصدارت نایل میشود (اسپانیا) شورش مردم بر ضد فرد ینانند پادشاه دن کارلس برادر پادشاه را جمعی
بسلطنت میطلبند (فرانسه) شورش سخت در پاریس و سیه بندی کردن در غالب کوچه ها ابتدای منازعهٔ
فرانسه با حسین پاشا والی الجزایر ایجاد شد آخر در سنت این بن شهر فرانسه (پرتوغال) عساکر انکلیس برای نظم پرتوغال
به لیزبن وارد میشوند دن میگل بالاخره بسلطنت پرتوغال منصوب میشود

سنهٔ ۱۲۴۴ هجری — سنهٔ ۱۸۲۹ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال قزلباشیه کابل از تعدی افاغنه غلیه بجنبد سپنکه هندو در کشمیر بستوه آمده حسنعلی
خان جوانشیر را از راه بیابان بلوچستان بکرمان فرستادند و مشارالیه از کرمان بطهران آمده از اجحافات برادران
فتحخان شکایت کرده و شرحی از اظهار ارادت اهالی کابل و قندهار و پیشاور بعرض آستان اعلیحضرت خاقان
صاحبقران فتحعلیشاه رسانیده و مستدعی شد که یکی از شاهزادگان عظام را بدانسامان روانه نمایند اعلیحضرت
همایون بنابر موافقت دولتین انکلیس و فراهم نیامدن موجبات آشوب بر حدات هندوستان قبول ننمودند و حسنعلیخان
جوانشیر از راه فارس و کرمان بسند رفته همدانیسال در اواسط جمادی الاولی موکب همایون بزیارت حضرت معصومه
سلام الله علیها توجه فرموده پس از زیارت از قم بسلطان آباد کرّاز رفتند و سپهدار در اینمورد خدمات نموده بمراجعت
پادشاهی نایل آمد و در بیست و هفتم جمادی الثانیه ببار الخلافه ورود فرمودند همدانیسال ژنرال کریبابدوف
خواهرزادهٔ مارشال سکویچ که در هنگام انعقاد صلح مابین دولتین ایران و روس حاضر و در اتمام و اصلاح

امور مصر بود بدربار امپراطور روس رفته وبوکالت وسفارت مامور ایران شد که باتمام شرایط عهدنامه پرازد
مشارالیه بارعایت لوازم ورسوم احترامات بدربار معلی آمده ولی بنای بدسلوکی را گذاشت وابتداء باسترداد
اسرای قدیم وجدید کرجستان وغیره وسخت گیری در اینخطا لیه پرداخت ودو نفر کرجیه مسلمان را که سالها بود
درخانه اللهیارخان آصف الدوله بودند بابرام باتپر خواست ودرخانه خود برده نگاهداشت وآغا یعقوب ارمنی از
خواجه سرایان که مبلغی خطیر از مال دیوان برذمه او بود چون دراصل ازاد امنه ایروان واسرای پسیاظفرهراه
شمرده میشد متمسک بفصل سیزدهم عهدنامه ترکمانچای که مبنی براسترداد اسرا میباشد شده بژنرال کرپابیدوف
پناه برده وخود را آزاد ساخت وبفشار انگیزی پرداخته بعضی از نسوان کرجیه را که مسلمان شده ودرحبالهٔ نکاح
اشخاص وصاحب اولاد بودند اسیر نام برده کرپابیدوف را بخواستن آنها محرک آمد وحرکات مشارالیه اسباب
رنجش مردم وکدورت علما گردید وچندانکه اورا نصیحت کردند پند نپذیرفت وبرخشونت ولجاج افزود ویعقوب
ارمنی وبعضی مفسدین دیگر نیز در تحریک واغوای کرپابیدوف ساعی بودند علما چون دیدند که پای عرض وناموس
مسلمین درمیان است کرپابیدوف هم در بدکوئی وبدسلوکی مصر است وبقول نصیحت نمیکند درجامع طهران اجتماع
کرده حاجی میرزا مسیح مجتهد را باخود متحد ساخته برضد ایلچی همداستان شدند بسیاری از اهالی شهر نیز چون مرید
علما بودند دکاکین را بسته ودر آنها جمع آمدند مقصود علما تخویف ایلچی روس وردکردن زنان مردم بود ولی بعد از
آنکه نفر پیاصد هزار نفر جمعیت اجتماع کرد کار از دست منای دولت وعلما بیرون رفت وآن ازدحام راه منزل
کرپابیدوف را گرفتند وبخانه او که در خارج ارک سلطانی ونزدیک قورخانه بود هجوم آوردند ومانعتاً لیای
دولت وشاهزادگان را قبول نکردند همراهان ایلچی که نفر بیست ویست نفر بودند چون حال را بر این منوال دیدند در
سرای را بستند وباتفنگ وحربه بالای بام آمدند وجوانی چهارده ساله را باگلوله بقتل مقتول نمودند عوام که
این جسارت دیدند بیورش پرداختند ایلچی یعقوب ارمنی را که نسبت بفرستاده مجتهدین سخنهای کفرآمیز گفته
بود از خانه بیرون کرد وعوام فوراً او را براه عدم فرستادند ودو نفر کرجیه مسلمه را از خانه بیرون نموده کاشتکار
علما آنها را بمحلی که باید رسانیدند الحاصل قریب هشتاد نفر از سکنه دارالخلافه در این هنگامه مقتول شدند وجمعیت
برنگشته بخانه ایلچی ریختند واورا با سی نفر از همراهان بقتل رسانیدند واموالی که در آنخانه بود بیغما برده خانه را
خراب کرده متفرق گشتند وهیچ معلوم نشد که قاتل ومجرم کیست وملسوف نام که نایب اول ایلچی بود چون در گوشهٔ
مخفی شده بنجات یافت واورا بارک آورده محافظت کردند واو تقصیرات ایلچی را تصدیق نموده بامنای دربار امپراطور
روس معروض داشت وخود نیز بتفلیس رفته مراتب را بپرنس سکوویچ معلوم کرد واز آنجا به پطرزبورغ روانه شده
برفع اشتباه پرداخت وبرای استرضای خاطر امنای دولتین امپراطوری نواب امیرزاده خسرو میرزا فرزند ارشد
مستطاب نایب السلطنه با محمدخان زنگنه امیر نظام وچند نفر دیگر بصوابدید حضرت معظم مامور پطرزبورغ شدند
همدر اینسال میرزا عبدالوهاب معتمد الدوله منحل بنشاط از افاضل واکابر رجال ایندولت در طهران مرحوم شد
امروز پاپا (انکلیس ودوس وعثمانی) پونا بنها بحمایت دوس وضع دولتی برای خود شان تشکیل میدهند
دولت روس که از جنگ با ایران فراغت حاصل نموده اعلان جنگ بعثمانی مینماید عساکر روس از دو سو بانوب
عبور کرده وارنا را محاصره نموده ومیکرد از سمت دیگر بسکوویچ بطرف قارص وپوطی رانده بایزید را فتح میکنند
آنها یکه از ینکیچریان باقی مانده بودند بار دیگر محرک میشوند بوساطت دولتین انکلیس وفرانسه عساکر

مصر بحکم سلطان از یالت مربونان خارج میشوند پانزده هزار قشون فرانسه بطرف یونان حرکت میکنند (انگلیس) اکثیل از اهالی ارلند مردم این یالت را برضد دولت انگلیس مشورانند

سنه ۱۲۴۵ هجری — سنه ۱۸۲۹ مسیحی

آسیا (ایران) در سال قبل شرح مقتول شدن کریبایدوف ایلچی روس مسطور شد در این سال ژنرال دالغورکی از جانب دولت روس بسفارت ایران و تحقیق عمل و علت قتل کریبایدوف مامور شده بتبریز آمد نواب علینقی میرزا رکن الدوله از مطالب دالغورکی آگاهی حاصل نموده از تبریز بدارالخلافه آمده بحضور اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه مشرف شد و مطالب دالغورکی را معروض داشت معلوم شد که باید بعضی اعمال که اسباب استرضای دولت روس شود پردازند لهذا حاجی میرزا مسیح استرابادی را که در امر اجماع دخالت داشت و از عتبات عالیات فرهودند و رضاقلی بیک نام پسر سپاه بیک طالش را که در روز قتل ایلچی با تیغ خون آلود دیده بودند و مصدر قتل دیگر نیز گردیده در مبدأ دارالخلافه بقتل رسانیدند و دولت روس بواسطه امید و عمل رضایت حاصل نمود همدانی بسال نواب احمد علیمیرزا بحکمرانی خراسان مامور گردید بتسبیب آنکه حسینخان سردار ابروان که سرداری خراسان رفته بود خواهر خراسان خاصه رضاقلیخان ایلخانی زعفرانلو حاکم خبوشان که در نشابور و چناران و دادکان تسلط بهم رسانیده بود از او تمکین ننموده و سردار با محمدخان قرائی سازش کرده او را با حسینخان سالار اصلان برادر خود و ششهزار نفر بر سر نیشابور فرستاد ولی کاری از آنها ساخته نشده بمشهد مقدس باز گشتند و مستحفظین ابدال که از اکراد بودند تغییر داده از طایفه قرائی مستحفظ گذاشتند صید محمدخان کلاتی نیز با محمدخان قرائی ساخته بخالفت سردار مصمم شدند و فی الحقیقه سردار در دارالمشهد محصور شد اهالی مشهد مقدس مراتب را بحضور همایون معروض داشتند و رضاقلیخان نیز عریضه عرض کرده خود را خدمتگذار و محمدخان را خیانتکار قلمداد و استدعا نمود که یکی از شاهزادگان بحکمرانی خراسان منصوب گردد لهذا نواب احمد علیمیرزا با یالت و لایت مزبوره برقرار و میرزا موسی نایب شیخ بوزارت شاهزاده مامور گشت و مصطفی قلیخان عرب میش مست حاکم سابق تربت را که بیست سال در طهران اقامت داشت شاهزاده با خود همراه نموده حکومت تربت یافت و بچناران رفته رضاقلیخان زعفرانلو و فتحعلی خان شادلو بحضور آمدند و نیشابور را تخلیه کردند و با بیست هزار نفر و هشت عراده توپ عزم استخلاص مشهد مقدس نمودند خواهر اعراب بتمودی در مزار خواجه ربیع بخدمت شتافته و صید محمدخان کلاتی نیز دست از همدستی محمدخان قرائی برداشته از شهر خارج شده بخدمت شاهزاده آمد بهرام خان ولد بنیادخان هزاره بیکلربیکی جام و باخزر بتاخت تربت حیدریه رفت محمدخان کار را سخت دیده شهر را خالی کرده عازم تربت شد و شاهزاده احمد علیمیرزا در هفتم رجب بمشهد مقدس ورود نمود اما مصطفی قلیخان عرب میش مست که بحکومت تربت رفته بود چون سابقه عداوتی با بعضی از اهالی داشت بنای بدسلوکی را گذاشت لهذا مردم شوریده او را گرفته حبس کردند و برادرش محمد تقی خان را بر خود حاکم نمودند و حسینخان سردار و حسینخان بدارالخلافه احضار شدند حسینخان از عرض راه از بیم مواخذه بعتبات عالیات رفت و حسینخان در سن نود سالگی بحکومت فریمان و چاردانگه و سردار اپل بختیاری مامور شده پس از چندی در گذشت همدانی در این سال موکب همایون به ییلاق شمیران رفته قریه سوهانک مضرب خیام معلی گردید و ناخوشی وبا در طهران شیوع بهم رسانیده و ده هزار نفر در عرض چهل و روز باین ناخوشی در گذشتند که از جمله میرزا فریدون ابن حاجی خانجان حلال خور بندپی مازندرانی بود مشهور بمیرزا خانلر و مخلص الممالک و لیاقت علیه و چون او وفات کرد میرزا محمد تقی علی آبادی مازندرانی صاحبدیوان ولد میرزا محمد زکی وزیر سابق مخلص الممالکی برقرار گردید و در ما

ربیع الثانی اینسال موکب خاقان بهمال از ییلاق شیران بطهران معاودت فرمود نیز از وقایع اینسال رسیدن نواب
خسرو میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه است بحضور امپراطور روس بجهة معذرت از قتل سفیر روس و در اینسفر
کارگذاران دولت روس شرایط احترامات این شاهزاده را بوجه اکمل منظور داشته و امپراطور نیز خود کمال الطاف را
نسبت بشاهزاده مبذول داشته همیشه معزی الیه را در طرف راست خود نشانیده و باخود همغذا مینمودند و بحضرت ولیعهد
ملاطفت از دو کرور حسار تومان که باقیمانده بود یک کرور را بخشیدند و کرور دیگر را بچهار سال مهلت دادند و امیرزاده
محترما مراجعت کرده در ستم رمضان ببندر رسیدند و مدت سفر و سفارت او ده ماه و پانزده روز بود همدر اینسال
موکب همایون خاقانی عزیمت فارس و خوزستان و انتظام آن نواحی و سامان کرمانی از اختلال نبود نمود و میرزا عبد العظیم
خان قزوینی باحضار عبد الرضا خان بزدی مامور شد و میرزا یوسف کاهیجی باحضار نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه به
کرمان و نواب اللهویردی میرزا بادسته تفنگچی خراسانی بسرکردگی عبد المجید خان بقشه و سمیرم روانه و علیمحسن خان سپهدار
باتوپخانه بتوقف اصفهان محکوم گشت و موکب همایون بعد از زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها از قم بکاشان تشریف
فرما شدند و در دوازدهم جمادی الثانیه عمارت و سرچشمه فین که در یکفرسنگی کاشان است مضرب خیام سلطنتی گردید و
میرزا محمد تقی صاحبدیوان و منشی الممالک از کاشان روانه اصفهان شدند پس از آن اردوی همایون بجانب اصفهان انتهاض
فرموده در قریه برکوسه نزدیکی شهر نواب سیف الدوله سلطان محمد میرزا و ملا علی نوری از جمله حکما با اعیان اصفهان
بحضور همایون مشرف شدند و باغ سعادت آباد بورود مسعود مزین آمد و پس از شش روز توقف بجانب فارس حرکت
کردند و نواب حسنعلی میرزا از فرقه های فارس تا منزل شولکستان باستقبال اردوی معلی آمد و از اقلید رخصت معاودت
یافت و نواب رکن الدوله علینقی میرزا و سهراب خان کرجی روانه شیراز شدند که بتهیه ورود موکب مسعود پادشاهی
پردازند روز بیستم رجب موکب همایون بظاهر شیراز رسیده در باغ فرمانفرما نزول اجلال فرموده و دسته جات پیاده
و سواره بلوکات بقشلاقیشی رفتند و کل شاهزادگان و امرا و اعیان کرام التزام رکاب اعلی داشتند روز سیم نواب
حسنعلی میرزا بودند نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه نیز از کرمان در رسید و محمد زکیخان نوری بوزارت او
بکرمان رفت و اهالی فارس عموما مورد الطاف خاقانی گردیدند از جمله میرزا محمد علی شیرازی وزیر فرمانفرما مشیر الملک
لقب یافت و میرزا علی اکبر کلانتر ولد حاجی ابراهیمخان اعتماد الدوله ملقب بقوام الملک شد و رضا قلیخان مخلص بهدایت
صاحب مصنفات جلیله که در فارس در خدمت فرمانفرما بود بلقب خانی و خلعت امیر الشعرائی مخلع گردید باجمله بعد از
نظم فارس و چهل روز توقف در شیراز روز پانزدهم شعبان موکب خاقان صاحبقران بعزم خوزستان انتهاض فرموده
از راه فهلیان و بهبهان بکعبه و شوشتر روانه گردیدند و در نهم رمضان بانشهر ورود نموده بملاحظه بند شاپوری پرداختند
و روز جمعه شانزدهم عازم حوالی دزفول و رود خانه بلاورود گشتند نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله در منزل
حسینیه بحضور مبارک مشرف شده از آنجا بخرم آباد تشریف فرما گردیدند و جشن نوروز سلطانی در اینجا گرفته شد
بعد از آن حرکت کرده در عشر اول شوال بشهر همدان نزول اجلال فرمودند و زمان دا نغور کی سفیر دولت روس در این بلده
بحضور همایون تشرف جسته مورد مراحم کامله گردید و نواب امیرزاده خسرو میرزا نیز در اینجا بموکب همایون پیوسته عتبه علیه فایز آمد
حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهة نظم ولایت شهرزور در همدان توقف فرموده موکب همایون در هشتم ماه ذیقعده
وارد دار الخلافه گردید همدر اینسال اللهقلیخان نوره اوزبک از خوارزم با غوای خوانین خراسان تا حوالی طرز آمده
نواب احمد علیمیرزا بصحرای لاین دشت قبچاق خان خوارزم خایف گشته مراجعت نمود و صید محمد خان کلائی در حوالی قلعه

محمد آباد بزخم کلوله درگذشت محمد ابن سال محمد حسنخان قاجار نسقچی باشی بناخوشی و با وفات نمود و محمد امین خان ولد او نسقچی باشی شد امروز (انگلیس) تدابیر و لشکرکشی مانع ترقیات روس در مشرق زمین میباشد اگر ایران در رفتن هرات ارلند طلب مینماید ولی قبول نمیشود (انگلیس و روس و عثمانی) اشتداد طغیان یاغیان یونانی بر ضد عثمانی و فتوحات یاغیان مابین دولتین انگلیس و فرانسه و روس در باب تغییر حدود یونان معاهدات بسته میشود شهر آتن را یاغیان یونانی محاصره مینمایند عثمانیها که مشغول جنگ با روس هستند چندان التفاتی بشورش یونان ندارند رشید پاشا صدر اعظم عثمانی سردار قشون روی عثمانی است که با دیپیچ سردار روس در منازعه میباشد بسکویچ در آسیا با عساکر عثمانی مصاف داده ایلچی روس را اسیر مقتول شده بسکویچ از وحشت اینکه مبادا ایران محمدا با روس شروع بجنگ کند کمال تزلزل را دارد شکست رشید پاشای صدر اعظم از دیپیچ در سیلستره ملاقات امپراطور روس و پادشاه پروس در برلن دیپیچ از کوه بالخان عبور کرده بسمت اسلامبول میراند و با در نوروز مینماید بسکویچ ارزن الروم را فتح میکند و بطرابوزان میشتابد مداخله دول فرنگ در کار عثمانی و روس و ممانعت کردن روس از پیش آمدن بطرف اسلامبول و سها از فتوحات خود چندان فایده نبرده مگر مصب دانوب را متصرف میشوند و ملداوی و والاشی (افلاق بغدان) بعد از این از خود حاکم خواهند داشت و در سر بستان والی از خود تعیین میکنند و در زیر حمایت روس میباشند آزادی یونان را عثمانی میشناسد (فرانسه) مقدمات منازعه فرانسه با الجزایر (ایطالیا) فوت لوئی دوازدهم پاپ جلوس پیوس هشتم بپای او (هلاند) بلژیک که در تخت سلطنت هلاند است بنای شورش و مخالفت را با هلاند میگذارد (پرتوغال) دن میگل پادشاه تازه بنای تعدی را میگذارد و هزار و صد نفر را پنهان و آشکارا بقتل میرساند و پنجاه هزار نفر را جلای وطن میدهد و بیست و نه هزار نفر را حبس میکند

محمد امین خان ولد امیر اسد الله خان نسقچی باشی بمنصب لشکر نویسی باشی و حکومت نور برقرار کردید

سنه ۱۲۴۶ هجری — سنه ۱۸۳۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال فیما بین نواب محمد حسین میرزای حشمة الدوله و نواب محمد تقی میرزای حسام السلطنه جنگ درگرفت بعد از آنکه حشمة الدوله چندی از حکومت کرمانشاهان معزول بود اهالی آنولایت از او بیزار از دربار همایون استدعا نمودند و حشمة الدوله بحکومت کرمانشاهان رفت و از آنجا که ملازمان حسام السلطنه بر رعایا تعدی مینمودند اهالی خونسار و لرستان بحشمة الدوله گرویدند و حشمة الدوله بخرم آباد آمد و تمامی اهالی لرستان از پشتکوه و پیشکوه و حسنوند و بوسفند و نداوند را متابعت نمودند حسام السلطنه با جمعی قصد تسخیر کرمانشاهان کرد و نواب شجاعلی میرزا حاکم ملایر و نوه پسران بجهة خصوصیتی که با حشمة الدوله داشت بفتح برو جرد آمد ولی شکست خورده فرار نمود و حسام السلطنه در خارج شهر خرم آباد با حشمة الدوله مصاف داده منهزم شد و بیرو جرد رفت و حشمة الدوله در آنصفحات کما لاستقلال الیه رسانیدند چون این اخبار معروض حضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه شد غلامحسین خان سپهدار را روانه برو جرد فرمودند و او با صلاح ذات البین کوشید همدا ابن سال جماعتی از ترکمنکه باغوای اللهقلیخان خوارزمی در عرض راه ارضاقدس جمعی را مقتول و جماعتی را اسیر کردند از جمله اسیران مهدیقلیخان جلال الدوله ولد سعادتقلیخان برادر آصف الدوله وزیر لکهنو بود که بزیارت میرفت چون این واقعه بعرض اولیای دولت علیه رسید حاجی اسمعیلخان شقاقی بندر ترکمه مامور و از نواب احمد علیمیرزا مواخذه کردند و حکمی بر ضا قلیخان زعفرانلو صادر شد که مهدیقلیخان را از ترکمه خریده روانه دارد رضا قلیخان مهدیقلیخان را بده هزار تومان خریداری کرده ولی بسیاری از جواهر او بغارت رفته و از اینطرف اعلیحضرت همایون لشکرها بر سر ترکمانان فرستاده فوجها از آنها برا

عدم روانه نمودند همدا اینسال شاهزاده امامقلیخان ولد نایب السلطنه حاکم جام و باخرز بود لشکر فتنه در دست شاهزاده مقتول و محمدخان قرائی جام و باخرز را متصرف شدند از وقایع اینسال آنکه حسنعلیخان جوانشیر که سه سال قبل از جانب قرلباشیه کابل عریضه بحضور همایون آورده بود و از راه سند مراجعت نموده بعد از معاودت او مبرمراد علیخان حاکم سند سه زنجیر فیل و سی طاقه شال کشمیری و عریضه مصحوب میرزا محمدعلی نامی بدربار همایون فرستاد و نظر علیخان نایب ایشیک آقاسی ماموریت سند و حامل خلعت برای مرادعلیخان شد همدا اینسال عبدالرضاخان یزدی با شفیعخان داروغه وصلت نمود و شفیعخان با نواب شجاع السلطنه حاکم کرمان بنای مخالفت را گذاشت نواب شجاع السلطنه لشکر بیزد کشید و نواب حسام الدوله تیمور میرزا فرزند نواب حسینعلی میرزا که ماموریت سرحدات فارس و در آباده بود بامداد عم خود آمده اعلیحضرت خاقان صاحبقران نواب سیف الدوله میرزا و لد نواب ظل السلطان را بحکومت یزد روانه فرمودند با وجود این شجاع السلطنه دست از محاصره نکشید و بمنازعه پرداخت و محمدکاظمخان سوادکوهی از سران سپاه شجاع السلطنه مقتول شد و محمدزکیخان نوری وزیر شاهزاده در گذشت و مدت محاصره به نه ماه رسید در این حین و بین حضرت مستطاب نایب السلطنه از آذربایجان بطهران آمده بحضور همایون مشرف و بنظم یزد و کرمان مامور شدند و حضرت معظم سابقا نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمدشاه) را از راه ساوه روانه قم فرموده بودند در این هنگام با وجود شدت سرمای زمستان امرا علی را امتثال نموده بطرف یزد شتافت عبدالرضاخان یزدی با جمیع برادران و برادرزادگان و اعیان در منزل بعقدا با مصحف و شمشیر بحضور نایب السلطنه آمده اطمینان یافت و مورد التفات گشت روز عید نوروز حضرت مستطاب معظم وارد یزد گردید و نواب شجاع السلطنه قبل از ورود موکب الا دست از محاصره کشیده روانه کرمان شده بود حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب سیف الدوله میرزا را با کاکان بحکومت یزد گذاشته بکرمان راندند نواب شجاع السلطنه فرزند اکبر خود هلاکو میرزا را نادر منزلی باستقبال فرستاد و چون موکب والا نزدیک شد خود نیز بحضور آمد حضرت مستطاب معظم در خارج شهر کرمان توقف فرموده بانتظام امور پرداخت و شجاع السلطنه را در معنی معزول ساخت اعلیحضرت همایون نواب شجاع السلطنه را احضار فرموده و حضرت مستطاب نایب السلطنه بجهة اینکه احتمال میرفت شجاع السلطنه بواسطه محاصره یزد خائف باشد باختیار بدارالخلافه نزد یکفوج قراول با محمدزمانخان دولوی قاجار و دویست سوار همراه شجاع السلطنه روانه کرده شاهزاده را باحترام وارد دارالخلافه نمودند همدا اینسال میرحسنخان طالش که سابقا متوسل بروس بود و بر حسب شرایط عهدنامه او را رد کردند در هنگام فرصت دارکوان و لنکران را تسلط بهم رسانیده لهذا بدفع او پرداخت حسنخان فرارا بطهران آمده و در اینجا بمرض استسقا درگذشت همدا اینسال پلنک توشمخان برادر صمدخان کلایی بعد از برادر با اللهقلیخان توره خود زدوخورد بسیار نموده و بعضی نقاط خراسان را تاخته عساکر نواب احمدعلیمیرزا او را گرفتار کردند و او از راه استکانت و صداقت درآمد و بخدمت پرداخت همدا اینسال موکب خاقان صاحبقران در قم بزیارت حضرت معصومه سلام الله علیها پرداخته پس از آن بمحمره تشریف فرما شدند و شاهزادگان از اطراف بحضور مبارک آمدند بعد از انتظام امور عراق همگی مرخص شده بولایت خود بازگشتند وفات ملا آقاعلی نوری از اجله حکما در اصفهان امروز (انگلیس) فقر و ناتوانی مردم و فرط زیادت دولت و کسر عمل در جمیع و خرج مملکت فرنگ چهارم پادشاه و جلوس برادرش گیلیوم چهارم بجای او در سن شصت و پنجسالگی داخل شدن پاپ پیوس در خدمت یوان کشیدن راه آهن مابین لیورپول و منچستر (اسپانیا) تولد حزنی از پادشاه کرمستاه با پزابل میکرد و در چین تولد بولیعهدی منصوب میشود و کارلیستها با پنجهزار شورش مینمایند (مراد سه زمستان بسیار سخت طولانی گرانی ماکولات

معاون

معاندت وکلا با وزرای دولت شورش مردم بر ضد پادشاه ابتدای فتوحات در الجزایر فتح سیدی فروش از بنادر الجزایر
فتح شهر الجزایر مارشال شدن بورمنت سردار فرانسه بجهت این فتح قرار کردن حسین پاشا والی الجزایر بسمت ایطالیا
شورش سخت در بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم ماه ژوییه در پاریس منازعه شهریها بر ضد پادشاه
میل مردم بجمهوری زنرال لافایت پس فشون شورشیان است استعفای شارل دهم پادشاه و فرار کردن او بطرف
بندر شربورک معین و منصوب شدن دوک دارلیان موسوم بلوی فلیپ اقوام پادشاه بسلطنت فرانسه در سنه پنجاه
و هفت سال قبل فرار کردن شارل دهم از شربورک با نکلیس (یونان) دولت انگلیس از آزادی یونان را میشناسد لرد بلد
از شاهزادگان ساکسن بسلطنت یونان معین میشود شهر سامس از عثمانی خود را منتزع ساخته جزو یونان میشود
(ایطالیا) فوت فرانسوای اول پادشاه و جلوس فردیناند و پم بجای او فوت پی هشتم پاپ که مدتی طول میکشد
تا پاپ تازه منتخب گردد (هلاند) شورش در بروکسل از شهرهای بلژیک بیرون کردن فشون پادشاه هلاند را از این
شهر گیلیوم پسر پادشاه هلاند با عساکر زیاد بجهت دفع شورشیان بلژیک بروکسل میآید اجماع اهالی بلژیک
بر ضد هلاند پنجاه هزار نفر فشون فرانسه که در سرحد بلژیک است از شورشیان حمایت میکنند و سلطنت مشروطه
در بلژیک برقرار میکردد بدون تعیین پادشاه (روس) بروز وبای سخت در این مملکت که از ایران باینجا سرایت کرده است
یعنی از قفقاز از راه قفقاز و حاجی ترخان و سارا تو بمسکو آمده و جمعیت زیادی را هلاک میسازد شورش در
لهستان و خارج شدن کرانیدوک قسطنطین مجبوراً از این مملکت کلیسکی نام که از صاحبمنصبان ناپلیون بوده و پس
شورشیان میشود صد و پنجاه هزار نفر فشون لهستان بر ضد او سر حاضر میکردند (عثمانی) میلش نام در سر بستان
از طرف اهالی بوالیکری منصوب میشود

سنه ۱۲۴۷ هجری — سنه ۱۸۳۱ مسیحی

آسیا (ایران) موکب اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه در غره محرم امسال بحمین تشریف فرمود و عبدالله خان
امین الدوله بتفریغ محاسبهٔ فارس دوانه شد ولی در قشر بنواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس رسیده لهذا باز گشت
و حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا را بازای خدماتیکه کرده بودند باعطای یکقطعه شمشیر جواهر نشان مباهی و
از کرمان احضار فرمودند و موکب همایون بحمین سنگباران تشریف فرما شد و این حمین را کلباران نام دادند و ارغون میرزا ولد
نواب حسینعلی میرزای شجاع السلطنه که در سبزوار بحکومت سری حکومت میکرد و از نواب احمدعلیمیرزا تمکین ننمود چون اهالی
سبزوار در شورش بپندازراه بیابانان جندق بارد و همایون آمده بتوسط عم خود شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما معفو
کرده بدهمدان این سال در شب ششم شهر صفر المظفر حضرت بخشنده بیمنت نواب مستطاب شاهزاده اعظم محمد میرزا
(محمد شاه) دارفرندی ارجمند عنایت فرموده نام نامی آنحضرت را ناصر الدین میرزا نهادند (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه
خلد الله ملکه و سلطانه) همدان این اوان موکب خاقانی بر چشمه آب دانبنده رود و آب کرج تشریف بردند و از آنجا بقریه ده کرد
چار محال نزول اجلال فرمودند و از آنجا که مقصود از احضار حضرت مستطاب نایب السلطنه ولیعهد از کرمان نظم خراسان
بود حضرت معظم خسرو میرزا فرزند خود را با پوستخان کرجی امر بتوقف کرمان ماموریت و سلیمانخان سرهنگ را با فوج
شقاقی بمزد فرستادند که نزد امیرزاده سیف الدوله میرزا اقامت نماید و خود با شش عراده توپ و سه فوج نظام راه اردبیل
همایون را پیش گرفتند و در منزل قشر محمد حسنخان دولو سالار بار بحضور حضرت مستطاب معظم مشرف شده شمشیر جواهر
نشان مرصع مطلا در فوق را تقدیم نمود و در غره ربیع الثانی در قریه ده کرد بحضور همایون تشرف جستند و پس از بذل

عواطف و مکارم شاهانه کرا از جمله حامی از زنان بود فرمان اخیار ممالک شرق متعلقه بدولت ایران را طوعاً و رجوعاً و عرضاً اتاآب ترک باسم حضرت مستطاب نایب السلطنه و لیعهد نوشته شد و مقرر گردید که از راه سمنان و دامغان و آن خراسان شوند و بقبه انقیاد کامل بر رقبه خوانین آنسامان نهند و کلیه آن نواحی را تظمی شایان دهند و پنجاه هزار تومان مخارج سفر حضرت مستطاب معظم مبذول شد و چون نواب امیرزاده فریدون میرزا ابن حضرت مستطاب نایب السلطنه از جانب پدر والا گهر نیابت آذربایجان داشت محمد خان زنگنه امیر نظام بخدمت نواب امیرزاده معزی الیه و امارت آذربایجان مامور شد و میرزا اسحق نبیره میرزا بزرگ قایم مقام بوزارت آذربایجان برقرار گردید و ولایت کرمان بسیف الملوک میرزا فرزند نواب ظل السلطان مفوض گشت و قرار دادند امیرزاده خسرو میرزا با یوسفخان امیر توپخانه از راه بیابان بشون و طبس و قاینات رفته از آنجا بارد و حضرت مستطاب نایب السلطنه ملحق شوند و علیخان پسر عبدالرضا خان یزدی که برسم گروگان در رکاب حضرت مستطاب معظم بود بآذربایجان فرستاده شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه با حصول اجازه از آستان مبارک با صفهان تشریف آورده بعد از سه روز توقف از راه کاشان بورامین طهران آمده راه خراسان پیش گرفتند و شرح آن بیاید همدراین اوان موکب همایون تشریف فرمای اصفهان شد و عبدالرضا خان یزدی و شفیع خان را در هنگام حرکت امیرزاده خسرو میرزا بیافق و اردکین همدست یوسفخان کرجی و سلیمانخان کیلانی بحکم حضرت مستطاب نایب السلطنه بافق را گرفتند و شفیع خان دستگیر شده او را بارد بیل بردند ولی عبدالرضا خان از بافق بجانب طبس فرار کرد همدراینسال دویست هزار تومان برعایای فارس تخفیف دادند و موکب همایون از راه نطنز و جوشقان و زواره عازم طهران فرمود همدراینسال طاعون شدید در مازندران و کیلان بروز کرده خلقی را بکشت اما موکب حضرت مستطاب نایب السلطنه کرة بطرف خراسان انتهاض نموده بود در راه عساکر سمنانی و دامغانی و اوصانلو و مازندرانی برکاب والا پیوستند و بعد از ورود بسبزوار نواب قهرمان میرزا فرزند خود را حکمرانی بنولایت دادند و محمدرضا خان فراهانی بوزارت او برقرار گردید چون موکب والا بحوالی سلطان میدان رسید نا چاریضا قلیخان زعفرانلو حاکم خبوشان سلطان میدان را بتصرف داد و قلعه میان ولایت را هم خالی کرده حضرت مستطاب والا حکومت میان ولایت را بر عهده امیرزا موسی نایب کیلانی موکول داشتند و بجانب ارض اقدس حرکت کردند و محمدزمانخان قاجار دولو را بنیابت در نیشابور گذاشتند بلنگ نوشرخان کلاتی جلایر برکاب والا آمده بسفارت خوارزم مامور شد و نواب احمدعلیمیرزا دوانزدهم الخلافه گردید و امیرزاده خسرو میرزا از راه بیابان بطبس آمده با امیرعلیشیخان وکیل طبس مامور تربت شیخ و تصرف قلعه سلطان آباد گردید و آن قلعه را بضرب توپ مسخر کرد و جعفر قلیخان تربت شیخی امان یافته و علی اصغرخان بسطامی بحراست قلعه رفته و حاجی فیروزالدین افغان که بعد از اغتشاش کار خود بتربت شیخ آمده بود در این ایام مقتول شد و امیرزاده خسرو میرزا مصطفی قلیخان تربت شیخی و برادران او را با رض اقدس آورده بالتفات حضرت مستطاب نایب السلطنه نایل گشتند همدراین اوان بدیع الزمان میرزا ولد نواب محمدقلیمیرزای ملک آرا بخدمت حضرت مستطاب نایب السلطنه مامور شد و جان مکدان الدکیز سفیر انگلیس در تبریز درگذشت و مستر کیل صاحب بجای او مامور تبریز شد همدراین اوان شاه مراد بیک مشهور بمیرزا وند دزد اکراد کردستان که حکومت کوی و حریر داشت بملوک ساوجبلاغ مکری دست اندازی کرده لهذا اشکر بنیل میرزا مامور شد و او را مقهور و منهزم نمودند همدراینسال باز در میان محمدحسین میرزای حشمت الدوله و محمدتقی میرزای حسام السلطنه خلاف و جنگ درگرفت و حسام السلطنه بمبارزت عمه مبادرت نموده با شتعال نایره قتال پرداختند و لشکر کرمانشاهان حسام السلطنه را شکست داده بیرو جرد رفت و حشمت الدوله بروجرد را محاصره نمود و غلامحسینخان سپهدار از

دربار همایون برفع اینغا بلر مامور گردیده حشمة الدوله یکرمانشاهان بازگشت و بروجرد را سپهدار ضبط کرده حسام السلطنه با فرزندان خود بحضور همایون آمده چهارماه الفاتی ندیده بعد از آن معفو و روانه بروجرد گردید همدر این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه نواب امیرزاده طهماسب میرزا ابن دولتشاه را با چهار هزار پیاده و سوار آذربایجان بخراسان اخضار فرمودند همدر اینسال امیر اسدالله خان عرب خزیمه حاکم فاینات در حضرت مستطاب نایب السلطنه از عبدالرضا خان یزدی که از بافق گریخته بود شفاعت کرده و حضرت معظم او را معفو فرمودند و محمد خان قرائی نیز بخدمت حضرت والا آمده مورد التفات شد و موکب والا عزیمت جنوبشان فرمود و رضا قلیخان زعفرانلو حاکم جنوبشان میرزا ابوالقاسم قایم مقام را در حضرت والا شفیع قرار داد ولی این شفاعتان عزیمت را مانع نیامد و وفات حاجی محمد حسن نایبی از مشایخ عرفا در نوشش سالکی و وفات محمد محمد خان مازندرانی متخلص بشخصه که در چهارباغ جدید اصفهان در مقبره ملا محمد سراب که از اجداد امی او بود مدفون گردید

اروپا بروز وبا در انگلیس و المان (بلژیک) در این مملکت سه نفر را برای سلطنت انتخاب مینمایند یکی دوک دنمور پسر پادشاه فرانسه دیگری دوک دلشتن برگ پسر اژن دبیب ناپلیون سیم لئوپلد والی ساکس از این سه نفر سیم قبول می شود و موسو به لئوپلد اول میگردد هلاندیها حمله بیلژیک مینمایند ولی پنجاه هزار نفر قشون فرانسه بکمک اهالی بلژیک هلاندیها را عقب مینشاند (ایطالیا) انتخاب گریگوار شانزدهم بپاپی شورش و انقلاب در بعضی از شهرهای ایطالیا جلوس شارل البرت در پیمون (پرتوغال) منازعه پرتوغال با فرانسه و انگلیس امپراتور فرانسه سفاین پرتوغال را در دهنه رودخانه تاژ که از پای تخت یعنی لیزبن میگذرد حبس میکند دن پدرو پادشاه برزیل برادر پادشاه پرتوغال سلطنت برزیل را باسم پسرش دن پدرو دوم نموده خود بداعیه سلطنت پرتوغال بخاک فرنگ می آید فرانسه و انگلیس با دن پدرو مساعدت مینمایند (فرانسه) شورش سخت در لیون انقلاب و آشوب در پاریس جمعیت فرانسه در اینسال شصت و پنج کرور میباشد (یونان) بواسطه عدم تعیین پادشاه رؤسای جمهور با یکدیگر مخالفت دارند (روس) منازعه سخت لهستان با روس مامور شدن دیبیچ سردار روس بلهستان بروز وبا در لهستان دیبیچ که نزدیک بود بفتح و نصرت نایل گردد از ناخوشی و با میمیرد کوادوک قسطنطین هم از همین ناخوشی در لیتوانی وفات مینماید بسکویچ بحکومت و سرداری لهستان مامور و برقرار میگردد و این مملکت را فتح مینماید فراریان لهستان بخاک دوس پناه میبرند (عثمانی) قوانین جدیده که سلطانمحمود خان ایجاد میکند پسندیده اهالی نیست و بدینواسطه خانه های اسلامبول را در خفا آتش میزنند در بغداد طاعون و وبا یکمرتبه بروز میکند محمد علی پاشای مصر مصمم تصرف شام است

سنه ۱۲۴۸ هجری **سنه ۱۸۳۲ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا نواب خسرو میرزا را بنیابت ارض اقدس داده بعزم هرات براولنک باقوتی آمده و از آنجا بچناران تشریف برده و امیر آباد را که حصنی حصین بود و سیصد نفر تفنگچی زعفرانلو آن را حراست مینمود بحکم حضرت معظم عساکر منصوره بقهر و غلبه گرفته و یوسفخان امیر توپخانه که مردی دلیر بود در این واقعه مقتول شد و گریجان زعفرانلو برادر زاده ممش خان کرد چنانی حکومت امیر آباد یافت و چون این فتح بعرض اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلی شاه رسید پانزده هزار تومان و پنجاه دست خلعت مصحوب حسنخان سالار بار برای حضرت مستطاب نایب السلطنه فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا که از آذربایجان بطهران آمده بود نیز بخدمت حضرت مستطاب معظم روانه شد و پنجهزار نفر قشون نیز روانه شدند که ممد تسخیر جنوبشان باشند رضا قلیخان الیخانی زعفرانلو مشوش شده اهالی قلاع را در شهر جنوبشان جمع کرد و حسینقلیخان پسر خود را با هزار سوار و تفنگچی

در قلعهٔ شیروان ده فرسنگی خبوشان جای داد بخفقلیخان شادلو در ظاهر موافقتا ایلخانی و در باطن بقصد خدمت
دولت جعفرقلیخان پسر خود را که داماد ایلخانی بود با هزار نفر شمخالچی از شادلو بخبوشان آورد و برج و باره و دروازه‌های
شهر را بایشان سپرد حضرت مستطاب نایب السلطنه از امیرآباد حرکت کرده با امیرزادگان وارد طاس پتپه دو فرسنگی خبوشان
گردیدند و بخفقلیخان حسب الوعده برکاب والا آمد همدراین اوان عریضهٔ کامران میرزا و یار محمدخان افغان بحضور حضرت
مستطاب نایب السلطنه رسیده مضمون اینکه اگر منظور اتلاف رضاقلیخان ایلخانی است ما از او امداد خواهیم کرد و اگر
مقصود اصلاح است بدان اقدام نمائیم حضرت مستطاب معظم جوابی بمقتضای اصلاح حال بفرستاده داده و او باز گشت هم
دراین اوان پلنگ توش خان جلایر کلاتی و درویش سفیدان ساوه از سرخس برکاب والا آمده آنها را بمشهد مقدس روانه نمودند از کلات خ
وحکمی در نکاهداری آنها با میرزاده حسن و میرزا صادق رشد بالجمله رضاقلیخان بقلعه داری پرداخت و حضرت مستطاب نایب
السلطنه بعد از ترتیب سپاه و تمهید مقدمات قلعه کپری بعساکر منصوره حکم بورش فرمودند تو بچیان مشغول
شلیک گشته هنگامه سختی درگرفت و کار بر رضاقلیخان تنگ شد ناچار وسایط برانگیخت و آخر الامر اطمینان یافته شمشیر
بگردن باردی والا آمد و قرار اول برای محافظتا و معین شد و خبوشان بتصرف عساکر نصرت نشان درآمد و ذخایر حربیهٔ
رضاقلیخان را نصاحب نمودند و سام خان پسر رضاقلیخان ایلخانی شد و نور محمدخان برادر اللهیارخان آصف الدوله بحکومت
آخلمد برقرار گردید و صادقخان نام برادر یکه رخان که در اردوی بود و کاغذی بر رضاقلیخان نوشته او را بشبیخون
باردو تحریک کرده پس از بروز نوشته مقتول شد و حبیدا و را بدبخیمهٔ رضاقلیخان انداختند و چون حضرت مستطاب
نایب السلطنه باطنا قصد بتصرف سرخس را داشتند فشون رکابی و افواج آذربایجانی را ظاهرا مرخص فرموده حکم شد از
راه نیشابور بولایت جام رفته در آنجا در بند جمع باشند و موکب والا در دوم جمادی الاولی بارض اقدس ورود نمودند و
رضاقلیخان در دارالمشهد مقدس محبوس شد و موکب والا در دوازدهم ماه مزبور حرکت کرده در شانزدهم بآخر در بند
رسیدند و سنجران لشکر از اطراف باردو والا پیوستند و در بیست و دوم جمادی الاولی در سرخس نزول فرمودند و قلعهٔ
سرخس را نیز بقهر بگرفتند و بسیاری مقتول شده هزار خانوار از ترکمه را بارض اقدس بردند و غلات قلعهٔ سرخس را بارض اقدس
حمل نمودند و چندین هزار نفر اسرای شیعه مستخلص گردیدند پس از آن موکب والا در اواخر ماه رجب بمحمود آباد جام که در تصرف
محمدخان قرائی بود آمد و فورا این ناحیه را مسخر گردند و حکومت جام و باخرز را بابراهیمخان حاکم سابق هزاره دادند پس از آن
سایر قلاع محمدخان را متصرف شده محمدخان مقید و برادران او دستگیر آمدند و حکومت دلاپان ترشیز و برشور و کدکن
محولات و سرجام بر عهدهٔ سهراب خان کرجی موکول شد و زمام اختیار کارها را بابراهیمخان هزاره را بنزاجیناطا بدست او دادند
مصطفی خان سمنانی و حسنخان سالار باردوانه دارالخلافه شدند و موکب والا عزیمت بارض اقدس نمود و محمدخان قرائی
با رضاقلیخان رعفرانلو در یک محبس محبوس شدند همدراین اوان حضرت مستطاب نایب السلطنه با یار محمدخان امین الدوله
وزیر کامران میرزای افغان حاکم هرات در باب تبعیت کامران میرزا بدولت علیه و الحاق ایالت هرات بممالک محروسه گفتگوها
فرمودند و فرستاده محمدعلیخان خوافی که برکاشغر و ختا استیلا یافته بحضور حضرت معظم آمده مورد تفقدات گردید
همدراین اوان بر حسب استدعای حضرت مستطاب نایب السلطنه اعلیحضرت همایون خلعتهای ایالت خراسان را برای نواب
شاهزاده اعظم محمدمیرزا (محمدشاه) فرستادند و میرزا موسی نایب شنبه بوزارت شاهزاده معظم برقرار و میرزا صادق
بنبیرهٔ میرزا بزرگ قایم مقام بوزارت جزئیات و معاملات مقرر گردید و شش فوج سرباز از مشهد و سبزوار و نیشابور
و ترشیز گرفته و خانزاده گان خراسان بصاحب منصبی آنها منصوب شدند و چهار هزار سوار ایلات کرد و ترک خراسان

بلا لفظ

بلا فاصله معین گشتند و میرزا موسی خان برادر کهتر میرزا ابوالقاسم قایم مقام ناظم کل معاملات سرکار فیض آثار حضرت
رضوی سلام الله علیه گردید و بدینوضع کل امور خراسان را حضرت مستطاب نایب السلطنه منظم فرمودند پس از وقایع این
سال آنکه محمد علیخان ایلخانی ایلات فارس بواسطهٔ سعایتی که میرزا محمد علی مشیر الملک وزیر فارس از او در حضور نواب
حسینعلی میرزای فرمانفرما نموده بود خایف گردیده در هنگامیکه نواب شاهزاده به بندر بوشهر رفته بودند ایلخانی
ایلات خود را که پنجاه هزار خانوار بودند بجانب کرمان حرکت داد و میرزا محمد حسین وکیل حاکم فسا و دارابجرد پیش از آنها
موافقت نمود نواب فرمانفرما شیخ عبد الرسولخان دریابیگی را برداشته بشیراز آمدند که با صلاح اینکار پردازند و از
آنطرف امیرزاده سیف الملوک میرزا ابن ظل السلطان حاکم کرمان ایلات را بحوالی کرمان منزل و مرتع داد و میرزا محمد حسین
وکیل و میرزا قاسمخان خلج داماد ایلخانی عریضه از ایلخانی بخراسان بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه بردند و نواب
فرمانفرما شیخ عبد الرسولخان را مرخص و روانه بندر بوشهر کردند که خود بجهة برگردانیدن ایلات بجانب کرمان
روند و شیخ عبد الرسولخان چون سالم خان حاکم برازجان را در سنوات قبل بقتل رسانیده بود و اهالی دشتستان
کمال عداوت را با او داشتند و از خوف فرمانفرما اقدام بخلاف نمیکردند در اینوقع که نواب فرمانفرما عزیمت کرمان
کرده و مآل سفر معلوم نبود وقت بدست آمده شیخ عبد الرسولخان که بدالکی رسیده و او را اکرام نموده بجنگ و زد و خورد
مشغول کشتند و او را بضرب گلوله کشتند و اموال او را غارت کردند بالجمله نواب فرمانفرما با جمعیتی بطرف کرمان راندند
و در ورود بشهر بابک همشیره ایشان که زوجهٔ مرحوم ابراهیمخان عمزاده حاکم سابق کرمان بود و در شهر بابک توقف داشت
نواب فرمانفرما را بشهر دعوت کرد و باینشهر را متصرف شدند و شیخ الاسلام فارس را بطلب ایلخانی فرستادند ایلخانی بجذب
فرمانفرما آمد و لی ایلات را سیف الملوک میرزا نگاهداری نموده نفرستاد و از آنجا که اهالی کرمان نیز از سوء سلوک سیف الملوک میرزا
شاکی بودند بکرو ذکر بشکار رفته بود با تفویت باطنی نواب فرمانفرما عصر که مراجعت نمود او را بشهر کرمان راه ندادند و کار
سیف الملوک میرزا منجر بر فتن بزد شد و ایلات فارس متابعت کرده باین مملکت رفتند و نواب فرمانفرما باستخلاص قلعه کرمان یعنی بفارس
رفتند علینقی خان قراگوزلو سرهنگ فوج همدانی از تصرف دادن شهر ابا نمود نواب قلعه را محاصره کرده بگرفتند و
ارغون میرزا ابن نواب شجاع السلطنه که شاهزاده دلیر بود با مصطفی قلیخان برادر ایلخانی فارس در اینواقعه مقتول گشتند
و پس از آنکه نواب فرمانفرما قلعهٔ کرمان را مفتوح ساختند اصلا از علینقی خان مؤاخذه ننموده او را و عیال سیف الملوک میرزا
را که صبیهٔ مخدومه حضرت مستطاب نایب السلطنه بود با کمال احترام روانهٔ بزد فرمودند و نواب هلاکو میرزا فرزند اکبر نواب
شجاع السلطنه را با پیشکاری میرزا حسن نظام العلماء بحکمرانی کرمان گذاشته معاودت بفارس نمودند و حضرت مستطاب
نایب السلطنه سیف الملوک میرزا و سیف الدوله میرزا را از بزد و کرمان بطهران مأمور نمودند و نواب فرمان میرزا
فرزند خود را به پیشکاری محمد رضاخان فراهانی بحکومت بزد فرستادند همدانی اوان میرزا ابراهیم مسیحی برادر مهتر
منوچهرخان گرجی از جانب تزار دون داز نزد حکمران گرجستان بدربار هما یون آمده و در مراجعت او میرزا محمد مهدی
ابن محمد زکیخان سردار نوری بسفارت بقفقاز مأمور شد نیز گراف سیمانا ویچ وزیر مختار روس بدربار معلی آمده بعد از
تبلیغ مطالب با اعزاز تمام مراجعت کرد و میرزا الکساندر مترجم او بخراسان رفته که بحضور حضرت مستطاب نایب السلطنه
مشرف شود و هدیه و نامهٔ امپراطور را برساند همدانی اوان اسرای سرخس را که پنجهزار نفر بودند بتوسط اللهقلیخان
توره خوارزمی حضرت مستطاب نایب السلطنه مرخص فرمودند و در موقعیکه موکب والا عازم هرات بود بدار الخلافه
احضار شدند همدانی اینسال اغلب بلاد ایران باسباب مشقت اهالی بود امروز با دول فرانسه و انگلیس دوس

اُلهن پسر پادشاه با و برادر سلطنت پونان بنشین میکنند (بلژیک) مزاوجت با دشاه نازه بلژیک با دختر لوی فلیپ
پادشاه فرانسه (انکلیس) عزل و لنگتن از صدارت و نصب لرد گرنی بجای او (اسپانیا) ناخوشی سخت پادشاه و
واگذار کردن سلطنت با برزوجه خود (فرانسه) طغیان و بلوا در این مملکت فوت دوک دریشتاد پسر ناپلیون اول در شونبرون
نزدیکی وینه فتح بعضی بلاد در الجزایر (پرتوغال) غلبه دن پدرو بر برادر خود و هماپت کردن انکلیس از دن پدرو با بخت
در پرتوغال (روس) غلبه کلی روس در شرو ملحقات شدن بسکوچ بلغیه پرتو در شور (عثمانی) ابراهیم پاشا ابن
محمد علی پاشای مصر شام را فتح کرده عکا را میگیرد و حمص و انطاکیه را نیز متصرف میشود و بقونیه تاخته رشید پاشای صدر اعظم
را شکست داده او را اسیر میکند و بطرف اسلامبول میراند امریکا (اناتوئی) و بای سخت که از روپا بامریکا رفته بود

سنه ۱۲۴۹ هجری — سنه ۱۸۳۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حضرت مستطاب نایب السلطنه و ولیعهد عباس میرزا که بدربار همایون احضار شده بودند
نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) والی خراسان را در این مملکت گذاشته میرزا موسی نایب شش را با پانزده هزار سوار
و پیاده بخدمات و اوامر ایشان مامور و محکوم نموده خود راه دار الخلافه پیش گرفتند میرزا ابو القاسم قایم مقام و رضا
قلیخان کرد زعفرانلو و محمد خان قرائی و عبد الرضا خان یزدی و محمد تقیخان حاکم ترشیز و مهدیقلیخان برادر محمد خان
قرائی و جعفر قلیخان ولد بخفقلی خان شادلو ملتزم رکاب والا بودند در روز بیست و پنجم محرم بدار الخلافه ورود نمودند
و بر حسب امر اعلیحضرت صاحبقران فتحعلی شاه جمیع وزرا و شاهزادگان با توپخانه و زنبورکخانه و غیره تا دو فرسخی
حضرت معظم را استقبال کردند پس از ادراک حضور خاقانی مرحمتی زیاده از حد درباره حضرت مستطاب نایب السلطنه
مبذول شد و چون اعلیحضرت همایون در باغ نگارستان اقامت داشتند برج نوش برای منزل حضرت معظم مقرر
گردید و رضا قلیخان و محمد خان را در ارک محفوظ داشتند و عبد الرضا خان یزدی را در فراشخانه خارج ارک متوقف
ساختند و چون نسبت بشاهزاده محمد ولیعهد والی سابق بد خلافی کرده بود بدستکسان شاهزاده بسزای خود رسید
و در این اوان بازیالتش برد با سیف الدوله میرزا شد و نواب فرمان میرزا و محمد رضا خان فراهانی بامور خراسان شتافتند
محمد تقیخان عرب ملیش مستمرخص و ملتزم رکاب حضرت مستطاب نایب السلطنه شد و رضا قلیخان نکرد و محمد خان قرائی
را روانه تبریز کردند رضا قلیخان در میانج درکذشت و محمد خان در تبریز محبوس شد نواب خسرو میرزا از تبریز آمده
و با بعضی از افواج بخراسان رفت محمد حسینخان زنگنه ایشیک آقاسی باشی حضرت مستطاب نایب السلطنه و میرزا بابای
طبیب تبریزی حکیمباشی خاصه بسفارت روس و انکلیس مامور و روانه تبریز شده که در آنجا هیئت خود را دیده مجلل
مامور بیت خود روی نمایند همدر این اوان نواب محمد قلیمیرزای ملک آرا و محمد تقی میرزای حسام السلطنه بواسطه بروز خطا
از ولایات خود بدار الخلافه آمدند و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحبدیوان از انشاء ممالک معزول و میرزا محمد تقی نوائی این
میرزا رضا قلی نوائی وزیر سابق منشی الممالک شد همدر این ایام حضرت مستطاب نایب السلطنه با اجازه همایون عزم باز
کشت خراسان فرموده در نوزدهم ربیع الاول حرکت کردند و خاقان صاحبقران را تب نوبه عارض شده و باستعمال کنه کنه
رفع شد همدر این اوان نواب حسنعلی میرزای شجاع السلطنه بکرمان باز کشت حضرت مستطاب نایب السلطنه روز
در حین کابوش توقف کرده بعضی از عساکر و ملتزمین رکاب والا بار دوی معلی پیوستند آنکاه اشتهاص فرمودند و در
بسطام مجددا شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) را مامور بهرات نمودند و نواب خسرو میرزا با افواج و توپخانه
ملتزم رکاب نواب معظم گردید و بخفقلی خان شادلو و امیر علیشیخ خان عرب و امیر اسد الله خان در عرض راه هرات

و محمد حسین میرزا حشمة الدوله ره

باردوی شاهزاده اعظم پیوستند و میرزا موسی نایب شیخی بزرگ با پانزده هزار قشون در خدمت نواب مستطاب شاهزاده روانه هرات شد و حضرت مستطاب نایب السلطنه بعد از حرکت فرزند اکرم بزرگوار از ارض فیض آثار در اوایل جمادی الاولی از خجوشان بمشهد مقدس آمدند و سواره و پیاده که ملتزم رکاب آنحضرت بودند همراه قایم مقام مامور شدند که از دنبال نواب شاهزاده با احتشام روانه هرات شوند و سویه و غوریان که در دست گاشتگان یار محمد خان وزیر کامران افغان بود و یار محمد خان در ارض اقدس ستکیر چون اردوی شاهزاده معظم بدین نواحی رسید کوسویه را بورش کرده و متوجه غوریان شدند کامران میرزا والی هرات با پنجهزار نفر با استقبال عساکر منصوره آمد و در پل نفره سه فرسخی هرات نزول نمود و قایم مقام در همین عبور دو هزار نفر جاصره غوریان گذاشته و خود بحضور نواب شاهزاده اعظم آمد و کامران میرزا باردوی لشکری جرار بمقاتله و مقابله پیشتر منصور فرستاده اینها نیز مغلوب و منکوب شده فرار کردند همان این احوال قلوب اهل مملکت کهنار فزع و اهوال گردید تبیین آنکه سابقا حضرت مستطاب نایب السلطنه داورم کلیه ارض رفع شده بود در هنگام حرکت و معاودت بخراسان آن ناخوشی عود کرده و اطبای مخصوص که همیشه ملتزم رکاب آنحضرت بودند در اینوقت عقب مانده بنابراین بیماری اشتداد بهم رسانیده و مخبر باسهال کبد شد حضرت مستطاب شاهزاده مملکت ستان نایب السلطنه و ولیعهد دولت علیه ایران عباس میرزا که از بزرگی عرصه جهان بر او تنگ بود پس از وصایا و بیانات منقنه شب پنجشنبه دهم ماه جمادی الثانیه راه عزفات جنان پیش گرفت و در روضه مقدسه حضرت رضا علیه آلاف التحیه والثناء مدفون گردید

در دل خاکش نهان کردند و میگفت آسمان از سر رشک و حسد با لیتنی کنت تراب

مدت عمر شریف حضرت شاهزاده مرحوم مغفور بتراب چهل و هفت سال و اولاد ذکور ایشان بیست و شش نفر و اناث بیست و یکنفر و اسامی پسران با عز و شان حضرت شاهزاده از اینقرار است

نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) نواب بهرام میرزا (معز الدوله) نواب جهانگیر میرزا نواب بهمن میرزا نواب فریدون میرزا نواب اسکندر میرزا نواب خسرو میرزا نواب قهرمان میرزا نواب اردشیر میرزا (ویر الدوله) نواب احمد میرزا نواب سلطانمراد میرزا (حاجی حسام السلطنه) نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) نواب فیروز میرزا (فرمانفرما) نواب منوچهر میرزا نواب لطف الله میرزا نواب جعفرقلیمیرزا نواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) نواب مصطفی قلی میرزا نواب خانلر میرزا (احتشام الدوله) نواب عبد الله میرزا نواب مهدیقلی میرزا نواب ایلدرم بایزید میرزا نواب محمد رحیم میرزا (ضیاء الدوله) نواب بهادر میرزا نواب محمد کریم میرزا نواب جعفرخان

مآثر معظم حضرت ولیعهد رضوان جایگاه از بنیه معتبره مثل قلعه عباس آباد در کنار رود ارس و خاک نخجوان و قلعه اردبیل و قلعه تبریز و قلعه خوی و قلعه کوردشت در کنار ارس و کنار قراجه داغ و غیرها و عزم و حزم و بشر عدل و انصاف و لشکر کشی و مملکت ستانی و قوانین کشورداری و بزرگی و بزرگواری و ملاطفت با رعایا و برایا و مخصوصا ترتیب نظام جدید و اشاعه صنایع خاصه صنعت انطباع و غیره چندان است که فی الحقیقه کتابی جداگانه باید تا وفا بشکار شرح آن نماید و نعم ما قال

ماثر عطفیه بین البیض والاسل مثل الخلیفة عباس بن فتحعلی

بالجمله این خبر وحشت اثر را میرزا علینقی رکن ملازم اللهیار خان آصف الدوله ببادر الخلافه رساند و کسی را یارا نبود که

بعرض حضور همایون رسانند تا دون از شاهزادگان خورد سال لب بانیمقال محنت اشتمال گشودند و انتشار این واقعه نه تنها خاقان گشورستان و خانواده سلطنت را سوگوار کرد بلکه عموم اهل ایران قرین تحسر و ملال و دوچار تاسف و کلال گردیدند و بتعزیت و فاتحه خوانی پرداختند و از آنطرف نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا بر حسب مصلحت وقت با کامران میرزای افغان که شکوی صلحی کرده با قلبی محزون و خاطری اندوهگین از دوهرات حرکت نمودند و در منزل کوسویه دو بست خانوار سکنه آنجا را کوچانیده بامر اسدالله خان عرب جاگرلو ایشان سپردند و خوانین عرب را مرخص فرموده در رباط کافر قلعه نیز دسته جات سواره رکابی را رخصت دادند و در اواخر جمادی الثانیه وارد مشهد مقدس شدند و بعزاداری پرداختند و پس از چندی یحیقلی خان شادلو با فرستاده کامران میرزای افغان بحضور والا مشرف شده پانزده هزار تومان و پنجاه بسته شال کشمیری پیشکش کامران میرزا را تقدیم نمود اما اعلیحضرت صاحبقران نظر بپاس خدمات و لیعهد جنت مهد طاب ثراه و لیاقت و نیروکواری نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا ولایت خراسان و ولایت آذربایجان را بنواب مستطاب معظم دادند و یکصد دست خلعت مصحوب محمد خان قاجار دولو خال حضرت شاهزاده اعظم بخراسان ارسال داشتند و میرزا محمد خان بیکلربیکی و لدآصف الدوله نیز با یکصد دست خلعت بآذربایجان رفته عزاماراند و ولایت را از لباس سیاه برون آوردند همدرا بینسال نواب جنت علیین میرزا فرمانفرمای فارس آقا باباخان مازندرانی را بگرفتن مرتضی خان ایل بیکی فارس مامور نموده او را در قلاع فیروزآباد کرفته و چون ایل بیکی خم کلوله برداشته بود بعد از رسیدن بشیراز در کذشت و محمد علیخان ایلخانی برادر مهتر او را با میرزا علی اکبر قوام الدوله حاکم اصفهان و جشن عروسی شاهزاده فرخ سیر میرزا و نواب صاحبقران کرفته رشد و حسینعلی خان معیرالممالک ابن دوستعلی خان بسطامی و سلیمانخان افشار بشرف مصاهرت حضرت خاقان مشرف کشتند همدرا بینسال نواب جنت علیین میرزا در آق دربند با ترکمانان نبرد پرداخته و غالب آمد و غروری بهم رسانیده باغوای بعضی بی اذن نواب شاهزاده اعظم والی خراسان بدارالخلافه آمد و مورد قهر اعلیحضرت خاقان کردیده در خانه عم خود نواب ظل السلطان اقامت کزید همدرا بینسال از ستوه نامی از جانب دولت روس بتعزیت و لیعهد خلد مکان اسکنه الله فی رضوانه الجنان مامور شد و در اوایل سال بعد بدارالخلافه آمد

اروپا (المان) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش (انکلیس) اکنیل ارلند با برضد انکلیس میشورانند (اسپانیول) دنکارلس برادر پادشاه خود را بسلطنت اسپانیول برقرار میسازد فردیناند هفتم پادشاه اسپانیول در حالت مرض خترچهار ساله خود ایزابل را بسلطنت جلوس میدهد و زوجه خود را نایب السلطنه او قرار داده فرانسه و انکلیس ملکه چهارساله را بسلطنت میشناسند جمعیت اسپانیا در اینسال بیست و چهار کرور و صد هزار نفر است (فرانسه) پادشاه مصمم است که بجهة حفظ شهر و لعه جات نظامی مجرد در شهر پاریس بسازد در الجزایر امیر عبدالقادر امیر مسلمین اعراب را برضد فرانسه میشوراند و پانزده سال مدت شورش الجزایر است (یونان) ورود اتهن پادشاه بنیان وضع سلطنت این پای تخت ولنه بشود ایجاد فشان شورشون فرانسه بعد از پنجسال توقف در یونان آنجا را تخلیه میکنند (ایطالیا) مازینی نام جوانان ایطالیا را بشورش اغوا میکند (پرتوغال) منازعه میان دو برادر کردن پدرودن میگل باشد کمک انکلیس بدن پدرودن پدرودن لیبرین پای تخت پرتوغال را میکیرد و دنا ماریا دختر

چهارده سال از خود را ملکه پرتوغال میکند (روس و عثمانی) در دین سلطان عثمانی بر ضد ابراهیم پاشا کمک میکنند
سفاین روس را بسفر بکمک سلطان می آیند قشون زیاد روس براه اسلامبول را کرا براهیم پاشا با نظر میآیند حفظ
معاهده دوستی مابین دولتین روس و عثمانی فرانسه و انگلیس که از این مصالحه مکدر اند با محمد علی پاشا اظهار دوستی
میکنند و او را بر ضد سلطان محرک میشوند امریکا (مکزیک) بروز و باد در این مملکت

سنه ۱۲۵۰ هجری — سنه ۱۸۳۴ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال نواب شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) از خراسان بدار الخلافه آمده روز
دوازدهم ماه صفر جشنی ملوکانه در نگارستان آراسته بنا بخدمات و زحمات و لیعهد فردوس مهد انار الله برهانه
و از استعداد ذات پسندیده صفات شاهزاده معظم محمد میرزا ولایت عهد دولت علیه را اعلیحضرت خاقان صاحبقران
فتحعلیشاه بایشان مخصوص داشتند و با وجود اولاد کبار این رتبت و شرافت را خاص حضرت شاهزاده اعظم دانستند
و مقرر شد که سپهر پیشی و نظم آذربایجان روانه تبریز شوند و پس از انتظام این مملکت متوجه خراسان گردند نواب
خسرو میرزا باقامت بخدمت والده و میرزا محمد پسر میرزا ابو القاسم قایم مقام بوزارت آذربایجان معین شد و روز
شانزدهم صفر موکب حضرت شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه) بعزم تبریز انتهاض فرمود و نواب سلطانمراد میرزا
که با یالت قراجه داغ و مضافات اختصاص داشت باستقبال موکب والا بر اوجان آمده مورد تفقدات گردید
همچنین نواب اردشیر میرزا که مامور بنظم کروس و صاین قلعه بود در قزوین بار یوی حضرت معظم پیوستند و بعد از التفات
زیاد از زنجان رخصت انصراف یافتند و میرزا ابو القاسم قایم مقام نیز در بیست و یکم صفر از دیوال اردو والا راه
تبریز پیش گرفت و بنا بر خلاف جهانگیر میرزا و خسرو میرزا آنها را باردبیل روانه و مقید نمودند همدان این سال در نهم
جمادی الاولی موکب خاقان کشورستان بعزم اصفهان انتهاض فرموده در چهارم جمادی الثانیه در باغ سعادت آباد
اصفهان نزول اجلال فرمودند و نواب سلطان محمد میرزا سیف الدوله با متونی سپهرداری اللهیار خان آصف الدوله
بر تنبیه بختیاری مامور شدند و نواب حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس بحضور همایون مشرف آمده و مقرر شد نواب
محمد تقی میرزا با نواب فرهانفرما بشیراز رفته محمد ولی میرزا بحکومت فارس باشد و عبد الله امین الدوله نیز با
هفتهزار سواره و پیاده بعد از دو سه روز از قفای آنها روانه شده حساب فارس را بطور دقت رسیدگی و تفریغ
نماید مقارن اینحال مراجع مبارک از طریق استفامت منحرف گردید و عصر پنجشنبه نوزدهم ماه جمادی الاخره این سال
در عمارت هفت دست خارج شهر اصفهان بهشت جاودان روان شدند و از سنوح این حادثه غم افزا اشک تحسر از دیده
پیر و برنا چون رود زنده رود جاری گشت شاهزادگان نعش مطهر حضرت خاقان را پس از تعمیر و تکفین در تخت
روان گذاشته بقم حمل نمودند و در بقعه که یکسال قبل بامر خود خاقان مغفور ساخته شده بود دفن کردند مدت عمر
خاقان مغفور طاب ثراه بروایت اصح شصت و شش سال است پسر و اولاد ذکور از نواب سنطاب الاحاجی معتمد الدوله
در جام جم در هزار و صد و هشتاد و پنج نوشته اند و مدت سلطنت وی هشت سال و پنجاه و ماتر کرده آثار معظم
خاقان مغفور انسبه الله تعالی حلل النور از قبیل تذهیب ایوان و قبه حضرت سید الشهداء علیه السلام که مبلغ پنجاه
هزار تومان خرج آن شد و نصب ضریح نقره در آن حرم محترم که بر بیست هزار تومان تمام شد و بنای قبه و بارگاه حضرت
عباس علیه السلام که چهل هزار تومان صرف آن شده و پنج عدد قندیل طلا که بوزن چهارده من تبریز میباشد برای حرم
حضرت رضا علیه السلام و دو ضریح نقره که هر یک ده هزار تومان تمام شده یکی برای حضرت عبد العظیم و دیگری برای

اعلیحضرت خاقان صاحبقران فتحعلیشاه

امامزاده

امامزاده سید میر احمد ابن امام موسی کاظم علیه السلام و بنای قبه حضرت معصومه سلام الله علیها و صحن مقدسه و اتمام در
مینا و ضریح آنحضرت و بنای مدرسه دارالشفا و تعمیر سد قم که مخارج جمله بیکصد هزار تومان رسید و بنای صحن جدید
در جنب روضه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثناء و اهدای قندیل مرصع و فرش طلا بآن روضه منوره
که اینها نیز بچهل هزار تومان تمام شد و بنای جامع دارالخلافه و جامع سمنان و غیرها و بذل عطایای وافره که از جمله عطایا می
هزار تومان قرض میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله و بذل ششهزار تومان صله شش قصیده است بمرحوم فتحعلی خان
ملک الشعرا و غیر از اینها بسیار است و از خصایص آن پادشاه رضوان جایگاه کثرت اولاد است که ذکور را اناثا دویست و
شصت نفر از صلب آن شهریار تاجور بعرصه عالم قدم نهادند و یکصد و پنجاه و نفر از ایشان در زمان حیات پدر راه
عالم دیگر گرفتند

اسامی اولاد ذکور مغفور اسکنه الله فی ریاض السرور

حضرت عباس میرزا نایب السلطنه که روز چهارشنبه چهاردهم ذیحجه در سال یکهزار و دویست و سه هجری در محال نوای مازندران
از بطن دختر فتحعلیخان دولوی قاجار متولد شد محمد علیمیرزا که متخلص بدولت بود و دولت شاه لقب داشت شب هفتم
ربیع الثانی سال یکهزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد محمد قلیمیرزا که ملک آرا لقب داشت و در
اشعار خسروی تخلص مینمود چهارشنبه بیست و دوم رمضان سال هزار و دویست و سه هجری در قصبه نوا متولد شد
محمد ولیمیرزا روز جمعه غره شهر شوال در سال یکهزار و دویست و سه هجری متولد شد حسینعلی میرزای فرمانفرما
در سال یکهزار و دویست و سه هجری روز اضحی در قصبه نوا متولد شد حسنعلی میرزای شجاع السلطنه برادر اعیانی
فرهادمیرزا جمعه غره ذیحجه سنه یکهزار و دویست و چهار هجری متولد شد و در اشعار شکسته تخلص مینمود محمدتقی
میرزای حسام السلطنه روز شنبه ششم شهر صفر سال هزار و دویست و شش هجری متولد شد و در اشعار شوکت
تخلص میکرد علینقی میرزای رکن الدوله پنجشنبه نوزدهم شهر شوال در سال یکهزار و دویست و هفت هجری متولد شد
شیخعلی میرزا ملقب بشیخ الملوک شب چهارشنبه دهم رجب سال یکهزار و دویست و ده هجری متولد شد علیشاه
ملقب بظل السلطان سه شنبه شهر شعبان سنه یکهزار و دویست و ده هجری متولد شد و او برادر اعیانی نایب
السلطنه است عبدالله میرزا که در اتخلص مینمود جمعه بیست و چهارم جمادی الاولی سال یکهزار و دویست و یازده
هجری متولد شد امام وردی میرزا ملقب بلیخانی برادر اعیانی رکن الدوله شب چهارشنبه چهاردهم شوال
سال هزار و دویست و یازده هجری متولد شد محمد رضا میرزا در اشعار افسر تخلص کرده روز دوشنبه سیم ذیقعده سال
هزار و دویست و یازده هجری متولد شد حیدرقلیمیرزا جمعه پانزدهم صفر سال هزار و دویست و چهارده هجری
متولد شد و در اشعار رخا و رتخلص نمود محمود میرزا دوشنبه دوازدهم صفر سنه هزار و دویست و چهارده متولد شد
و در اشعار تخلص باسم مینمود همایون میرزا شب جمعه بیست و هشتم جمادی الاخره سال هزار و دویست و شانزده
هجری متولد شد و در اشعار حشمت تخلص مینمود الله وردی میرزا شب سه شنبه بیست و سیم شهر رمضان از مادر بزاد
و سال هجری هزار و دویست و شانزده بود و در اشعار بیضا تخلص دارد اسمعیل میرزا شب جمعه چهاردهم شعبان
سال هزار و دویست و هفده متولد شد احمدعلیمیرزا روز جمعه ششم شوال سال هزار و دویست و هیجده متولد شد و او
برادر اعیانی شاهزاده محمود است و در اشعار بنام خود تخلص کند علیرضا میرزا برادر اعیانی شاهزاده محمدرضا میرزا
شب سه شنبه ششم ذیقعده هزار و دویست و هیجده متولد شد کیقباد میرزا شب جمعه نوزدهم صفر سنه هزار

ودویست وبیست ویک هجری متولد شد بهرام میرزا شب پنجشنبه پنجم ربیع الاول هزار ودویست وبیست ویک هجری
متولد شد شاپور میرزا شب چهارشنبه سیزدهم صفر هزار ودویست وبیست ودو هجری متولد شد ملک قاسم میرزا روز
چهارشنبه دویم جمادی الآخره سال یکهزار ودویست وبیست ودو هجری متولد شد منوچهر میرزا شب جمعه چهارم
جمادی الآخره متولد شد در سال هزار ودویست وبیست ودو هجری هرمز میرزا شب دوشنبه چهاردهم جمادی الاولی سنه
هزار ودویست وبیست ودو هجری متولد شد ابرج میرزا پنجشنبه غره جمادی الآخره سال هزار ودویست وبیست ودو
هجری متولد شد کیکاوس میرزا روز جمعه هیجدهم شوال سنه هزار ودویست وبیست ودو متولد شد شاهقلی میرزا
چهارشنبه یازدهم محرم سال هزار ودویست وبیست وسه هجری متولد شد محمد مهدی میرزا شب یکشنبه غره شوال سنه
هزار ودویست وسی وسه هجری متولد شد کیخسرو میرزا برادر اعیانی کیکاوس میرزا است کیومرث میرزا ایلخانی ملقب به
ابوالملوک روز سه شنبه بیست وپنجم جمادی الآخره سال هزار ودویست وبیست وچهار هجری متولد شد جهانشاه میرزا
او نیز برادر اعیانی شاهزاده محمود است یکشنبه بیست وپنجم رمضان سال یکهزار ودویست وبیست وچهار هجری
متولد شد سلیمان میرزا سه شنبه چهاردهم محرم سال هزار ودویست وبیست وپنج هجری متولد شد فتح الله میرزا چهار
شنبه نهم رجب سال هزار ودویست وبیست وشش هجری متولد شد وملقب بشجاع السلطنه بوده است ملک منصور میرزا برادر
اعیانی ملک قاسم میرزا است سه شنبه بیست ودویم رجب سال یکهزار ودویست وبیست وشش هجری متولد شد
همزه میرزا ملقب ببهاء الدوله شب یکشنبه بیست وستم شوال سال هزار ودویست وبیست وشش هجری متولد شد
سلطان محمد میرزا ملقب بسیف الدوله است میلادش روز پنجشنبه بیست وششم جمادی الاولی سال هزار ودویست و
بیست وهشت هجری سلطان سلیم میرزا شب پنجشنبه بیست وششم شوال هزار ودویست وبیست وهشت هجری متولد شد
سلطان مصطفی میرزا جمعه یازدهم ذیقعده هزار ودویست وبیست وهشت هجری متولد شد سلطان ابراهیم میرزا
شنبه نوزدهم جمادی الآخره سال هزار ودویست وبیست وهشت هجری متولد شد سیف الله میرزا برادر اعیانی بهاء الدوله
است سه شنبه چهاردهم رجب سنه یکهزار ودویست وبیست ونه متولد شد یحیی میرزا شب سه شنبه غره محرم
سنه هزار ودویست وسی وسه هجری متولد شد ذکریا میرزا شب شنبه بیست وششم ربیع الاول سنه هزار ودویست و
سی وچهار هجری متولد شد برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد امین میرزا روز دوشنبه دهم ربیع الثانی هزار ودویست و
سی وچهار متولد شد سلطان حمزه میرزا شب چهارشنبه بیست ویکم رمضان سال هزار ودویست وسی وچهار متولد شد
فرخ میرزا برادر اعیانی سلطان محمد میرزا وملقب بمنیر الدوله است سلطان احمد میرزا ملقب بعضد الدوله است
جمعه نوزدهم ذیقعده هزار ودویست وسی ونه متولد شد صاحبقران میرزا طهمورث میرزا جمعه هفدهم جمادی
الاولی سنه هزار ودویست وبیست وپنج متولد شد حسینقلیخان ملقب بجهانسوز شاه برادر اعیانی یحیی میرزا است محمد هادی
میرزا برادر اعیانی محمد امین میرزا است پرویز میرزا علیقلی میرزا عباسقلی میرزا واو برادر اعیانی علیقلی میرزا است
کامران میرزا اورنگ زیب میرزا سلطان جلال الدین میرزا امان الله میرزا سلطان حسین میرزا

اسامی بنات خاقان مغفور البسه الله حلل النور

همایون سلطان مشهور بخانم خانمان ازمادر شاهزاده حسینقلی میرزا است واو ضجیع ظهیر الدوله ابراهیمخان فاجار
حکمران کرمان بود شاهزاده بیکم جان هم ازمادر فرمانفرما است درسرای امیر محمد خان سیخان قوانلو بود سید بیکم که محمد
سلطان لقب دارد هم ازمادر فرمانفرما است بحباله نکاح محمد زکیخان نوری سردار فارس درآمد ام سلمه مشهور بکلین

خانم

خانم ازمادر شاهزاده محمد علیمیرزا است خط نسخ را نیکو نوشت و چند مجلد قرآن مجید را نگاشته در عتبات عالیات علیهم السلام موقوفه است ضجیع برادرزاده شهریار زین العابدین خان کشت مرضع خانم ازمادر رضا السلطنه زن اللهیار خان آصف الدوله بتواست فخر جهان خانم مشهور بفخر الدوله ازمادر شاهزاده شعاع السلطنه است و دیگر چند در سرای میرزا محمد خان برادر شهریار بود و از وی جدائی جست شاه بیگم مشهور برضیا السلطنه بعد از پدر ضجیع میرزا مسعود وزیر دولت قاهره شد سلطان بیگم هم ازمادر رضا السلطنه است و دیگر چند با پسر مهد قلیخان دولو هم سر هم بستر بود و در جوانی وداع جهان کفت کوهر ملک خانم با ولیعهد و نائب السلطنه از یک مادر است نخست در سرای محمد امین خان قاجار بستی باشی بود و از پس ضجیع میرزا ابو القاسم قایم مقام کشت زینب خانم ازمادر محمد قلیمیرزای ملک آرا است و ملقب بحاجی شاه ضجیع اسمعیل خان پسر عشقا الدوله سلیمانخان قوانلو است خدیجه خانم هم ازمادر ملک آرا است ضجیع محمد باقر خان پسر حسینقلی خان برادر شهریار آست طبعان خانم بجاله نکاح موسی خان قوانلو درآمد عزت نساخانم با برادرزاده شهریار موسی خان پسر حسینقلی خان هم بستر کشت شمس بانو خانم ضجیع میرزا موسی خان برادر میرزا ابو القاسم قایم مقام شد خدیجه سلطان مشهور ببعضه الدوله ضجیع ابراهیمخان ناظر پسر حاجی محمد حسینخان صدر اعظم اصفهانی آست درخشنده کوهر خانم ضجیع میرزا اسمعیل خان پسر میرزا خانلر حلال خور مازندرانی منشی الممالک باشاهزاده اسمعیل میرزا از یک بطن است کوهر شاه بیگم در سرای علی محمد خان قاجار دولو بود آست شاه سلطان خانم ضجیع محمد صادق خان قوانلو پسر مهر علیخان نوه مرتضی قلیخان عم شهریار آست کوهر خانم ضجیع رستمخان پسر ابراهیمخان عمزاده شهریار آست ناجلی بیگم خانم ازمادر شعاع السلطنه و زوجه نصر الله خان پسر ظهیر الدوله ابراهیمخان قوانلو آست حسن جهان خانم مشهور بوالیه وی نیز ازمادر شعاع السلطنه آست ضجیع خسرو خان والی کردستان شد ماه بیگم خانم بجاله نکاح غلامحسینخان سپهدار عراقی درآمد سرو جهان خانم زوجه آقا خان حاکم محلات آست خورشید خانم زوجه عباسقلی خان سرکرده جماعت افشار حمسه بود آست مولود سلطان خانم زوجه رضا قلیخان پسر اسمعیل خان سردار دامغانی بود از او جدائی جست و بسرای حاجی حسینخان پسر ذوالفقار خان پسر عم شوهر نخستین رفت عالیه سلطان خانم زوجه علیخان دامغانی میرآخور شهریار شد زبیده خانم زوجه علیخان قراگوزلو آست خورشید کلاه ازمادر سیف الدوله است ضجیع میرزا علی محمد خان نظام الدوله پسر عبد الله خان امین الدوله کشت شیرین جان خانم او نیز ازمادر سیف الدوله است و در سرای مهد قلیخان پسر حسین خان سردار بوده است قیصر خانم ازمادر یحیی میرزا است زوجه سلیمانخان افشار قاسملو آست سلطانخانم هم ازمادر یحیی میرزا و زوجه جهانگیر خان افشار اردوئی بود آست آقا بیگم زوجه میرزا علی هزار جریبی ملا باشی بود آست شاه جهان خانم مشهور بجان بی بی زوجه میرزا عبد الباقی منجم باشی کلانی بود آست فرخ سلطان خانم ازمادر شاپور میرزا و زوجه میرزا غلام شاه پیشخدمت باشی آست ماه نوش لب خانم زوجه امیر دیوان میرزا نبی خان قزوینی بود آست جهت بنات خانم ازمادر محمد مهدی میرزا است برادرزاده شهریار میرزا محمد خان بعد از جدائی از فخر الدوله او را بجاله نکاح درآورد پاشا خانم هم ازمادر محمد مهدی میرزا است و بنکاح سهراب خان کرجی درآمد فرزانه بیگم هم ازمادر محمد مهدی میرزا و زوجه حسینقلی خان معیر الممالک بود آست مهر جهان خانم هم ازمادر محمد مهدی میرزا است و بعد از فوت شاهنشاه زوجه زین العابدین خان پسر قاسمخان هزار جریبی قوللر آقاسی شد سلطان خانم ازمادر ملک ارج میرزا و زوجه محمد باقر خان دولو بیکلربیکی آست خاور سلطان بیگم ازمادر علیقلی میرزا است و بعد از فوت شهریار بجاله نکاح میرزا نظر علی حکیمباشی قزوینی درآمد رخساره بیگم بعد از فوت پدر زوجه محمد خان ایروانی امیر توپخانه

ازمادر شاهزاده محمود است

ملک زاده زن محمود رشتی است

وزن صاحبدیوانم ۸ شد خرم بهار خانم از مادر کامران میرزا است بزم آرا خانم او نیز از مادر کامران میرزا است شاه نابان خانم ظل السلطنه بازوجه نبود ماکوئی
عروس حسینعلیخان شاهزاده میرزا نوخان از یکمادر و است ملکزاده خانم بدر جهان خانم ملقب بماه باجی و او نیز از مادر یحیی میرزا است و زن مجملی خان
وزن میرزا حسنخان سپهسالار مرحوم ۹ خلاصه پس از انتقال وارتحال خاقان بهشت آشیان بتهیه اسباب سلطنت و تشهیر امر ملکوتی خصال اعلیحضرت محمد شاه رسید نواب مستطاب الاحباجی معتمد الدوله در کتاب جام جم میفرماید خبر فوت خاقان مغفور در بیست و هشتم جمادی الاخره بتبریز رسید اعلیحضرت همایون محمد شاه که ولایتعهد داشتند در شب پنجشنبه هفتم رجب در تبریز جلوس فرمودند و روز چهارده هم رجب از اینشهر حرکت نمودند و کمال صاحب ایلچی دولت انگلیس و غراف سمنو و پیچ و زیر مختار دوس نیز در رکاب اعلی بودند و لنزی صاحب با اشکر انبوه و توپخانه سبار کرد و مقدمه دوان شد و در نوزدهم ماه شعبان بدار الخلافه بهره ورود و نزول اجلال فرمودند و باغ نگارستان از قدوم همایون رشک نگارستان چین شد و در مدت چهار ماه کل شاهزادگان اطراف طوعاً و کرهاً بخاکپای همایون آمدند و نواب ظل السلطان که در ایام فترت بر تخت جلوس کرده بود و بناشسته ها را آکنده و کناشته ها را پراکنده ناچار دنان را شفیع نموده بمراهی فخر الدوله عمه مکرمه شاهنشاه و همشیرگان سرکار اقدس که عروسان او بودند در نگارستان بحضور مشرف شد و مشمول مراحم شاهنشاهی گردید و میرزا ابو القاسم قایم مقام بعرض رسانید رحم من راسماله الرجا و سلاحه النشا و آنچه که بتحقیق پیوست در ظرف چهل روز حکمرانی هفتصد هزار تومان نقد سوای جنس از خزانه عامره در آورده به بهبوده صرف شده بود و سرکار اقدس اعلی شب جمعه دویم رمضان المبارک بمساعت بطلوع آفتاب مانده از دروازه قزوین بدار الخلافه مهین نزول اجلال فرمودند بیشتر مایه تحریض اینکار مرحوم میرزا ابو الحسنخان و زیر امور خارجه و نواب بکن الدوله بود و الا خودشان خلاف وصیت خاقان خلدمکان نمیکردند اسهی ظل السلطان بمرحوم

از حوادث شایسته چنانکه ذکر شد جلوس شاهزاده علیخان است که خود را عادلشاه نامید و بعضی از شاهزادگان و امرای دربار طوعاً و کرهاً اطاعت او نمودند و او نواب علیقلی میرزای دکن الدوله را برای مصالحه و اماموردی میرزای ایلخانی را برای محاربه بآذربایجان نزده هزار نفر پیاده و سواره و توپخانه مامور آذربایجان کرد تبریز شاهزاده حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس بتخریب برادران و اعیان مملکت دیگر از جلوس کرد و میخواست حسینعلی میرزای شجاع السلطنه را بتسخیر عراق فرستد اما اعلیحضرت اقدس همایون محمد شاه بعد از جلوس در تبریز جهانگیر میرزا و خسرو میرزا و احمد میرزا و مصطفی قلی آثار خلاف و جنات حالشان پدیدار بود بقلعه اردبیل فرستاده موقوف داشتند و محمد خان امیر نظام که در سرحد ولایت ایران وارزنة الروم با محمد اسعد پاشا کفتکوی استرداد اموال مهوبه بتجار متعلقه بدولت علیه ایران را در میان داشت در اینوقت بامر همایون بتبریز باز گشت و با نواب فرزند میرزا نبی الاله آذربایجان در اینشهر و کمکام حرکت موکب اعلی از تبریز جهانگیر میرزا و خسرو میرزا از طریق خلاف براه بصری نهضت و موکب همایون با ششهزار لشکر پیاده نظام و چهار عراده توپ و سه هزار سوار جرار از تبریز عزیمت دار الخلافه فرمودند و نواب بهمن میرزا که در اردبیل حکومت داشت با فوج بهادران در منزل میانج بقبیل رکاب اعلی فائز گشت و نواب بکن الدوله در بنک پی و سرچم باردوی اعلی بهوسته اظهار داشتکر اعلیحضرت پادشاه آذربایجان فتاحت کرده باقی ممالک ایران بعاد لشاه تفویض شود بنابراین عرض سخیف از حضور اعلی محروم و در مکان خود موقوف آمد نیز در عرض راه نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا با سبورشا و پیشکشی بحضور آمد و حکومت خمسه یافت و در خرم دره منوچهرخان معتمد الدوله با دو هزار سوار و جمعی تفنگچی و چهل هزار تومان پیشکشی برکاب

اعلی

اعلی پیوسته مورد الطاف ملوکانه گشت و فضلعلیخان قراباغی باد و هزار سوار و پانصد غلام خاصه و پنج عراده
توپ از زنجان بطور مقدمة الجیش گسیل شد و در منزل سیاه دهن مقدمه سپاه اماموردی میرزای
ایلخانی رسیده آنها را مقهور کرد پس از آن سران سپاه هر یک با علی بیوستند و اماموردی میرزا نیز ناچار روی
بنازبد را همایون آورده ملتزم خدمت گردید و آصف الدوله اللهیار خان که در رکاب بود با میرزا محمدتقی علی آبادی
صاحبدیوان بحضور افدس شرفیاب شد و از بیطرفی محمدباقرخان خال اعلیحضرت شهریار که در طهران متوقف بود (در قزوین)
باشاره امنای دولت و رؤسای عساکر مازندران را با خود متفق ساخت و عادلشاه را از نزدیک شدن موکب
همایون اعلیحضرت محمدشاه آگاه کرده از جلوس ممنوع داشت و محمدجعفرخان کاشانی و زیراور را ماخوذ و اموال او را
ضبط کرده مراتب را بعرض رسانید لیکن رأی اعلی بکارستان نزول اجلال فرمودند و خسروخان کرجی جواهر
آلات خاصه پادشاهی را از باز و بند و شمشیر و تمامی اثاثه سلطنت از شهر بکارستان آورده تقدیم نمود و عادلشاه
چنانکه ذکر شد بحضور مبارک مشرف شده مشمول مراحم گردید و میرزا فضل الله علی آبادی و عباسخان قاجار باوردن
نواب محمدقلیمیرزای ملک آرا از مازندران مامور شده اینخدمت را بانجام رسانیدند روز چهاردهم رمضان ذات ملکوتی
صفات پادشاهی یعنی اعلیحضرت همایون محمدشاه در دیوانخانه بزرگ بر سریر سلطنت جلوس فرموده عموم
شاهزادگان و امرا و طبقات خدم بارحضور مبارک یافتند بعد از آن نواب فیروز میرزا و معتمدالدوله منوچهرخان
با جمعی از صاحبمنصبان بفارس و عراق مامور گشتند و نواب شهرمان میرزا را احضار فرموده با آصف الدوله
اللهیارخان و حسنخان سالار بحکومت خراسان معین شدند و غلامحسینخان سپهدار عراق باستان همایون آمد
و نواب طهماسب میرزا مؤیدالدوله بحکمرانی کاشان رفت و چون کریم میرزا برادر نواب معزی الیه حکومت یزد یافت
و هلاکو میرزا ابن شجاع السلطنه که در زمان فترت در یزد اظهار شوکت میکرد بکرمان بازگشت و نواب بهرام میرزا
که از عرض راه دارالخلافه مامور کردستان و انتزاع کرمانشهان از حشمة الدوله محمدحسین میرزا شده بود
بکرمانشهان ورود نمود و حشمة الدوله کردم از استقلال میرزد ناچار بآستان مبارک آمد و محمدقلیمیرزای ملک آرا
بتوقف همدان مامور شد و چون جمعی از تراکمه و اکراد خراسان دور شاهزاده اسمعیل میرزا حاکم بسطام را
گرفته و او بخیال استقلال افتاده بود نواب اردشیر میرزا با اسکندرخان قاجار ابن فتحعلیخان حاکم مراغه و
ابراهیم خلیلخان و بعضی دیگر باستیصال او مامور شده او را مقهور کردند و بآستان مبارک فرستادند
و نواب اردشیر میرزا بنظم ترکمان و دشت گرکان رفته آنجا را منظم کرده معاودت نمود و نواب فیروز میرزا با منوچهرخان
معتمدالدوله و میرزا محمدخان قاجار دولو خالوزاده حضرت نایب السلطنه مغفور و مستر لنزی انگلیس
وشیل صاحب و چند نفر صاحبمنصب دیگر انگلیس و چند نفر سرتیپ و سرهنگ و بعضی از دستجات قشون
ظفرمقرون و چند عراده توپ از راه اردستان قصد فارس کردند و شجاع السلطنه با پنجهزار سوار و پیاده
قصد تسخیر اصفهان نموده بمنزل شولکستان رسید و شنید که عساکر پادشاهی باینرد خواهند رسید
روز دیگر فیشین تلاقی کرده بمجاربه پرداختند شجاع السلطنه با همراهان منهزم شده بفارس بازگشت
و معتمدالدوله و همراهان او بتدبیر خود را بشیراز رسانیده بجنگ و جدال ارگ را تصرف کردند و بعد از
دو سه روز فرمانفرما و شجاع السلطنه را با فوج منصورخان فراهانی و شش عراده توپ از شیراز بطهران
آوردند و در روز ورود عساکر منصوره بشیراز رضاقلیمیرزا و بخفقلی میرزا و تیمور میرزا از شهر خارج شده

بقیه دارد

بحدود مملکت عثمانی رفتند و نواب شجاع السلطنه حسنعلی میرزا در طهران تلبیه شده در برج نوش موقوف کردید
و نواب حسنعلی میرزای فرمانفرما در ماه ربیع الاول در چهل و هفت سالگی بناخوشی وبا کرد در طهران شیوع
بهم رسانیده بود در گذشت همدرا نیسال نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) بحکمرانی عربستان و لرستان منصوب
کردیدند امروفیا (لژد هلبورن) بسفارت منصوب میشود (اسپانیا) دون کارلس بر ضد ملکه جدید با نهایت
سختی در شورش است فرمانفرما بین اسپانیول و دون میگل پادشاه سابق پرتوغال که بدون کارلس اسپانیولی
پناه داده بود بر روز و بای سخت در مادرید فوت دون پدرو بعد از استقرار دادن دختر خود را بسلطنت پرتوغال
مراجعت ملکه پرتوغال بادوک دلشتن برگ پسر اژن ربیبنا پلیون اول (فرانسه) فوت ژنرال لافایت
معروف شورش در بعضی بلاد (روس) امپراطور روس مانع است که جوانان روسی بجهة تحصیل یا تجارت بفرنگ سفر
نمایند شورش شامیل در داغستان (روس) بروز و با در این مملکت (عثمانی) شامات که بتصرف محمد علی پاشا بود
براو میشورند و از آنطرف بمن بعثمانی میشود در اغلب نقاط دیگر عثمانی نیز شورش برپا میشود یکنوع قشون نظامی
موسوم بردیف منصوره در عثمانی تشکیل می یابد

سنه ۱۲۵۱ هجری — سنه ۱۸۳۵ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال چون میرزا ابو القاسم قائم مقام باصابت رای مملکت را نظمی داده بود عزم در طبع او
مستولی کردید و بی استیذان از اعلیحضرت همایون بعضی تصرفات در امور کرد نواب جهانگیر میرزا در تاریخی که نوشته
چنین مسطور میدارد که قایم مقام چون مملکت ایران را از هم کرد نکشان خالی دید و جمیع اولاد خاقان را در قبضه اختیار
و اقتدار خود یافت بانجام خیال محالی که داشت پرداخت از جمله خواست قوج خاصه را که بسر نیزه قاسمخان الان براغوشی
از نوکرهای قدیم حضرت نایب السلطنه مرحوم بود و بکشیک در بخانه و سرای سلطنتی مقرر شده بود تغییر داده کشیک
در بخانه را بر عهدهٔ سرهنگی از دست پرورد کان خود موکول دارد و بعضی چیزهای دیگر نیز از او بظهور رسید لهذا
قبل از تغییر فراول خاصه و اقدام بعضی اعمال او را از باغ لاله زار که منزل او بود بنکاردستان احضار کرده سه روز
در انجا محبوس نمود تا در گذشت در بقعهٔ حضرت عبد العظیم علیه السلام مدفون کشت و اینواقعه در شب سلخ
صفر اتفاق افتاد و چون اللهیار خان آصف الدوله از ماجری آگاه شد از خراسان بی حکم احضار بجانب اصفهان
بدربار معدلت مدار شاهانه آمد و این خیال پسند نیفتاده پس از نهضت او را بخراسان معاودت دادند همدرا بن او
محمد خان لشکر نظام را برای انتظام افواج بدار الخلافه احضار فرمودند و با چند فوج از آذربایجان بطهران آمد و
مردم چنین پنداشتند که او را بوزارت خواسته اند ولی کافی خطا بود چه پس از تجدید افواج محمد خان برای پیشکاری
نواب قهرمان میرزا بآذربایجان باز گشت و نواب فریدون میرزا از آذربایجان بطهران آمد و در این ایام میرزا نصر الله
اردبیلی (صدر الممالک) و محمد حسین خان ایشیک آقاسی صدر و صدور فراهین و احکام دخالت داشتند ولی بزودی
حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی بمیرزا مسیح ایروانی که از آغاز شباب بحسن ظن کاملی یاور داشت
بوزارت اختیار فرموده منصب صدارت عظمی دادند همدرا بن او و وبای سخت در طهران و سایر بلاد ایران شیوع
یافت و پنجاه هزار نفر در ممالک محروسه تلف شدند و چون در جبر کرمای دار الخلافه بالا رفت و اشتداد بهم رسانید
موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه عزیمت اصفهان فرمود و میرزا مسعود آذربایجانی بوزارت ملتزم رکاب شد
برفرار کشت و شاهزاده ضیاء السلطنه را با او مزاوجت حاصل آمد و میرزا حسن را مستوفی الممالک ایران فرمودند

و میرزا

ومیرزا آقاخان نوری وزارت لشکر یافت و میرزا نصرالله اردبیلی وزارت وظایف دادند و میرزا محمد حسین غریب شد
شد و بعد میرزا بحکومت بروجرد و سپلاخور و نواب منوچهر میرزا بحکومت کلیایکان و خوانسار منصوب شدند و فضلعلی
خان قراباغی که بجلادت معروف بود حکمرانی مازندران یافت و عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کاشان رفت و نواب
خانلر میرزا بحکمرانی یزد برقرار گردید و اللهیارخان آصف الدوله پس از رفتن بخراسان بخفقلیخان کرد شاملو ابدست
آورده اطمینان داده باخوانین خراسان بدارالخلافه فرستاد و منوچهرخان معتمد الدوله به پیشکاری نواب فیروز
میرزا در فارس مستقل گردید و نواب بهرام میرزا با یالت کرمانشاهان روان شد و محمدباقرخان قاجار بیکلربیکی
دارالخلافه شد و علیشاه ولد مشارالیه بنیابت او یافت و محمدقلیخان بن آصف الدوله ایشیک آقاسی باشی خاصه شد
و بعضی شاهزادگان را که خیال فاسد داشتند بار دبیل و آذربایجان حرکت دادند همدرا بنیسال نواب شاهزاده اعظم
ناصرالدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصرالدین شاه خلدالله ملکه) برحسب ارداده ستنه پادشاهی بولیعهدی
دولت علیه ایران اختصاص یافته و منشور ولایت عهد آنحضرت مرقوم گردید علایم این رتبه و مقام مینع از قبیل
افسر و خنجر مرصع و قبای کیانی مکلل بجواهر شاهوار و کلاه آبدار و بازوبند و نشان شیر و خورشید خاصه و غیرها
بایشان تفویض شد و در طهران و تبریز جشنی بزرگ در اینموقع سعید که فرخنده عید این ملت و مملکت بود در
کمال آراستگی گرفته و عموم مردم شادیها نمودند و ابواب نشاط و انبساط از هر جهت گشودند و وزرای مختار دول
متحابه این امر خجسته را تبریک گفته و تهنیت نمودند و سلاطین دول متبوعه خود مطلب را اعلام و اعلان نمودند و چون محمدخان
امیرنظام بامارت آذربایجان مامور و مقیم شد و آصف الدوله بحکومت خراسان رفت وزارت حاجی میرزا آقاسی
استقرار و استحکام یافت همدرا بنیسال کامل افندی و اسعدافندی از جانب سلطان محمود خان سلطان عثمانی
بدارالدولت علیه مامور شدند که بتهنیت و تبریک جلوس علیحضرت پادشاهی پردازند و مشارالیهما نامه محبت خاتمه
خود را با تبریکات لایقه تبلیغ نموده بعد از تجدید عهد مودت و اتحاد و استدراک مکارم ملوکانه معاودت کردند
همدرا بنیسال میرزا رضا ولد حاجی فرج الله تبریزی منصب کلانتری تبریز و مضافات یافت و حاجی فرج الله نیز در سال
هزار و دویست و سی و نه بموجب رقم حضرت نایب السلطنه مغفور بهمین منصب نایل شده بود همدرا بنیسال نواب
ظل السلطان را از دارالخلافه بهمدان و از همدان بمراغه و از مراغه بار دبیل بردند سیف الملوک میرزا پسر نواب
معزی الیه را در قزوین ملاقات دادند و نواب فریدون میرزا که از آذربایجان آمده بود بطرف استراباد و کرکان مامور
شد و حسنخان سالار اصلان و جماعتی از عساکر نصرت مآثر با التزام رکاب نواب معزی الیه مامور شدند و این
جمله مقدمة الجیش لشکر پادشاهی بودند چه موکب همایون در سال آینده عزیمت تبریز را که کرکان خواهد نمود
و بنابراین قصد و نیت مقرر شد که در اول فصل بهار افواج پیاده و سوار برکاب اعلیحضرت حاضر و مستعد پیکار باشند
همدرا بنیسال آقاخان محلاتی رئیس اسمعیلیه بحکمرانی کرمان منصوب و روانه مقصد گردید و فات نواب جهانشاه
ابن خاقان مغفور و حلت میرزا مسلم خوئی از مشاهیر عرفا اهل و (المان) فوت فرانسوا دوم امپراطور
اطریش و جلوس فرد یناند اول بسریر سلطنت بجای او (فرانسه) ایجاد سفاین بخاری بجهت حمل و نقل مال التجاره و مسافر
مابین مارسیل و اسلامبول و اسکندریه (پرتوغال) فوت شوهر ملکه و مزاوجت ملکه با برادرزاده پادشاه
بلژیک (روس) ملاقات سلاطین روس و پروس و اطریش (عثمانی) ایجاد طرق و شوارع و ثبت و تماشاخانه
و تنظیمات عسکریه فرستادن سفرای مقیم باطریش و انکلیس و فرانسه بروز طاعون و وبا در مصر طلوع

ستاره

ستارهٔ ذوذنب موسوم بهالی که هر هفتاد و شش سال طلوع میکند و اینک فقره بیست و پنجم است که طلوع نموده

سنهٔ ۱۲۵۲ هجری سنهٔ ۱۸۳۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه چنانکه در ذیل سال قبل اشاره نمودیم مصمم تنبیه تراکمه کرکان گردید و در سه شنبه بیست و دویم ماه صفر بباغ نگارستان نقل مکان فرمودند و در اینسفر نواب فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) همراه با دو فوج سرباز و هزار سوار چند اولوس موکب همایون بودند نواب فریدون میرزا و حسنخان سارای اصلان با پنج فوج سرباز و توپخانه و قورخانه در دهم ربیع الاول از راه سمنان قصد بسطام و کالپوش کردند و روز نوزدهم ماه مزبور وارد دامغان شهر باری از نگارستان بطرف فیروزکوه حرکت کرد و چهل روز در چمن فیروزکوه اقامت فرمودند منوچهرخان معتمد الدوله که از قارن احضار شده بود در این چمن برکاب اعلی پیوست و فرامین بزرگان ایلات تراکمه صادر شده بمحمد صالح خان کرد سمالر اسفراینی داده او را بکرکان فرستادند و در سیم جمادی الاولی از فیروزکوه اقتضا فرموده پس از طی منازل بشاه کوه رسیدند بزرگان تراکمه بتقبیل عتبهٔ علیه آمده حکم همایون شد که نواب فریدون میرزا با پنجهزار سوار جوانان قارن قلعه (قاری قلعه) کرکان رفته ترکمانان بیباک کرد را که مصدر خلاف شده بودند کوشمالی بسزا دهد پس از آن موکب معلی بخرقان شبطام نزول اجلال نمود و روز پنجم جمادی الثانیه چمن کالپوش مضرب خیام باحتشام مبارک گردید از آنجا فرستادند نواب فریدون میرزا نزدیک شده ده هزار سوار در قارن قلعه مستعد پیکار گشتند و بمحض وصول نواب معظم بآن محال نائره حرب اشتعال یافت تراکمه بواسطه شلیکهای توپ صفرت گشته راه هزیمت پیش گرفتند و بطرف اوکنج و چنوولاندز قارن قلعه را نواب فریدون میرزا متصرف شده مراتب را بحضور همایون عرضه داشت و حکم شد آن قلعه را با خاک برابر کنند و بازدهم روز از ورود نواب معظم بر کرکان بارد وی پادشاهی پیوستند نواب معظم بر حسب فرموده حرکت کرده وارد وی همایون از قراتپنج و کلاته آبکرکان بگذشتند با بوسرد در میان طوایف کلان آمده بموجب امر اقدس عباسقلیخان قاجار بیکلربیکی استراباد با پانصد نفر از معارف تراکمه کلان را برسم گروگان بمیرسیدالله خان فندرسکی سپرده آنها را ابدار الخلافه آوردند آنگاه موکب منصور بمراتع قیاليموت توجه فرمود تراکمه یموت راه جبل ابوالخان را گرفته و گریختند لکن در عراض راه دو چار نواب فریدون میرزا گردیده از قارن قلعه بارد وی همایون میآمدند و جمعی مقتول و برخی اسیر گشته بقیة السیف خود را بابوالخان رسانیدند وارد وی پادشاهی بصحرای معروف به بی بی شروان توقف نمود پس از نظم این صفحات شهریار عالی بدولتآباد دامغان تشریف فرما گردیده در اینجا معروض شد که فیمابین فضلعلیخان قراباغی و اهالی مازندران وحشتی حاصل شده و کار بکارزار کشیده مازندرانیها فضلعلیخان را در اردوی سارای محصور کرده اند اعلیحضرت همایون فرخ خان کاشی غفاری را که مردی کاردان بود باصلاح این فساد مامور فرمودند و او موفق رسید که کار بجدال نکشیده و از اصلاح نگذشته لهذا فضلعلیخان را ابدار الخلافه فرستاد و اهالی مازندران را استمالت نموده حاکم دیگر برای ایشولا بنا ستدعا نمود لهذا حکم همایون صادر شد که او خود چندی بر تق و فتق امور مازندران پردازد تا بعد از وصول موکب همایون بدار الخلافه حکم مجدد در این باب شرف صدور یابد پس از وقایع عرض این راه آنکه حاجی از امنای حضرت باهم همداستان بسته عریضه مشتمل بر سهو و خطای حاجی میرزا آقاسی بحضور مبارک دادند اعلیحضرت پادشاه کارآگاه بر آشفته آن عریضه را بحاجی دادند حاجی بزرگواری کرده برای اینکه باکسی دل بد نکند عریضه را نخوانده سوزانید و مطلقا چیزی از این مقوله بروی

خود بناورد هم در اینسال نواب بهرام میرزا ایالتین ارمستان و عربستان را منظم نموده بمتوی محمد تقیخان بختیاری را
که از خدمت دیوان دوکردان و در معاقل جبال متواری بود اسمالک کرده اطمینان داده و او علینقی خان برادر خود را
با جمعی بر سم گروی ملتزم رکاب الا نمود و نواب معظم بنظم صفحات خوزستان رانده شیخ مذکور شیخ اعراب بنی لام را
که براه شرارت و خودسری رفته بود معزول و شیخ نعمه را بجای او منصوب نموده بکرمانشاهان مراجعت کردند و در هفدهم
شوال حسب الامر از کرمانشاهان حرکت کرده بدار الخلافه آمدند و منوچهر خان معتمد الدوله بحکومت آنصفحات
منصوب شد و نظمی کامل در آن نواحی داد همدر اینسال اعلیحضرت همایون میرزا حسن طبیب شیئی را بتذهیب و تمیر روضه
کاظمین علیهما السلام مامور و روانه داشت و او بخدمت با انجام رسانید و در اینسال نواب شاهزاده محمد قلیمیرزا
ملک آرا بموقف همدان مامور گردید و نواب اردشیر میرزا بحکومت ملایر و نهاوند رفت و میرزا اسدالله خان نوائی بوزارت
او برقرار گشت و عباسقلیخان جوانشیر حاکم کاشان باستانبوس مبارک احضار شد و شاهزاده بهمن میرزای بهاء الدوله
بجای او بحکومت کاشان یافت سیف الله میرزا بحکومت سمنان و فتح الله میرزا بحکومت همدان و محمد خان ناصر الدوله
کرد بیه بحکومت عراق منصوب شد و سیف الملوک میرزا بتوقف قزوین مجبور گردید همدر اینسال میرزا جعفرخان
مشیر الدوله بسفارت اسلامبول و اقامت در دربار دولت عثمانی مامور و روانه شد همدر اینسال نواب فریدون
میرزا بفرمانفرمائی فارس برقرار و میرزا محمد تقی آشتیانی ملقب بقوام الدوله بوزارت این مملکت تایید و نواب فیروز میرزا
بحکومت کرمان منصوب گشت همدر اینسال میرزا آقاخان نوری بوزارت کل عساکر منصوره نظام و غیر نظام و نشان
سرپیچ اول نایل آمد امروز پاریس (المان) بروز و باد راطریش (فرانسه) آلیذنام قصد قتل ناپلیون شاه نموده ولی گرفتار
شده و مقتول گردید بطاق نصرت پاریس کمر اول بنای آن ناپلیون اول کرده باتمام رسید لوی ناپلیون برادرزاده
ناپلیون اول دوایشتر از بوزگ فتنه برپا کرده گرفتار میشود ولی او را بدون تحقیق آزاد نموده با ناپلیون جلا میدهند
جمعیت فرانسه در اینسال شصت و هفت کرور است (عثمانی) برای آنکه طاعون بلاد عثمانی سرایت نکند ایجاد
قرانتین مینمایند و این اول ایجاد قرانتین است در این مملکت

سنه ۱۲۵۳ هجری سنه ۱۸۳۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال موکب همایون اعلیحضرت محمد شاه عازم هرات شد و نواب مستطاب الافخر هاد میرزا
(حاجی معتمد الدوله) را نایب الایاله و مامور توقف دار الخلافه فرمودند نواب مستطاب معظم در کنار جام جم
میفرماید پنج روز یکشنبه نوزدهم ربیع الثانی سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری اعلیحضرت شهریار غازی
بجانب هرات و ممالک مشرق زمین لشکر کشیده از طهران روانه شدند و در چهاردهم شعبان همین سال
عودتا فتح شد و در بیست و پنجم شعبان بدو رهرات وارد شدند و ده ماه محاصره طول کشید و بچند علت که عمده
اختلاف سران سپاه بود نیز سر جان مکینل و زیر مختار دولت انگلیس بجهت مداخله و زیر مختار روس غرافسر ممنوع هیچ
در امور افغانستان راضی بر انکار نبود بتحریک آن شهر ممکن نشد و در نوزدهم جمادی الآخره سال هزار و دویست پنجاه
و چهار هجری از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان سنه مذکوره بمقر خلافت وارد شدند و مدت
شانزده ماه سفر طول کشید انتهی

توضیح آنکه کامران میرزا حکمران هرات که پیوسته خود را بسته بدولت ایران میدانست و در اغلب موارد با مامورین
خراسان امور خود را منظم میساخت این اوقات بر خلاف راه مخالفت پیش گرفت و قصد تسخیر سیستان کرد و حاکم

سیستان اینفقره را بعرض آستان همایون رسانیدند چون سرداران افاغنه که دور و دل بدین حضرت داشتند انتهاض موکب اعلی را
بجانب خراسان استدعا کردند هر یک بتشریف و منشوری سرافراز شدند و قنبر علیخان مامور شد که قبضهٔ آن مکلل
بالماس بود بافتخار کهندل خان برد و موکب همایون بباغ نگارستان نقل مکان فرمود و حاجی میرزا آقاسی و تمامی امرا و
ارکان دولت نیز در خارج شهر خیام کوناکون افراشتند و عساکر ایران از اطراف دور و بدار الخلافه نهادند مقارن
اینحال فتح محمد خان فرستاده کامران میرزای افغان با پنجاه طاقه شال کشمیری و پانزده راس اسب تکه و عریضهٔ بحضور
همایون آمد و اظهار متابعت نمود ولی در نیت سفر بندیلی در و نیافت نواب امیرزاده حمزه میرزا و حسنخان سالار
اصلان و سی هزار سواره و پیاده از پیش حرکت کردند که در نیشابور بدو ملحق شوند و حبیب الله خان شاهسون
امیر توپخانه را حکم دادند که با شصت عراده توپ و خوار را پیش کرفته مقدمة الجیش باشد و روز یکشنبه نوزدهم
ربیع الثانی از نگارستان انتهاض فرمود و بشرف آباد نزول اجلال شد در اینجا نواب سلطانزاده میرزا را با شش هزار
نفر بچمن کندهان عراق مامور فرمودند که بنظم آن صفحات پردازد و نواب بهرام میرزا را بحکمرانی قزوین منصوب نمودند
وطهماسقلیخان قزوینی وزارت نواب معزی الیه یافت روز بیست و ششم ربیع الثانی موکب اعلی وارد سمنان شد
و سیف الله میرزا حاکم اینولایت بجهة ماتم پدر احتفال پس از یکهفته از سمنان حرکت کرده در دهم جمادی الاولی
بچمن بسطام رسیدند و چهل و دو در اینجا توقف شد و شنیدند که امپراطور روس بنگلای بطرف تفلیس و ایچ کلیسا
عزیمت نموده و نامه بشهریار غازی نوشته که اگر ما بل باشند بدینجا توجه فرمود ملاقات نمایند چون سفر هرات
مانع مرام بود حضرت شاهنشاهزادهٔ اعظم ولیعهد دولت علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون شاهنشاه
ناصر الدین شاه) را بملاقات اعلیحضرت امپراطور روس مامور فرمودند و حضرت ولیعهد در اینوقت قریب بهفت
سال از عمر مبارکشان کذشته بود بخدا ناصر محمد طاهرخان وکیل قزوینی از چمن بسطام بدار الخلافه مامور شده
از نواب الاقرهاد میرزای نایب الایالة بکر و ج شال رضائی کشمیری و پنج رشته شیشه مروارید و چهارده راس اسب
ترکمانی بجهة هدیهٔ امپراطور کرفته بحضرت ولیعهد کردون مهد بتبریز برده که در رکاب والا متوجه تفلیس
کردد و محمد خان زنکنه امیر نظام و حاجی ملا محمود نظام العلماء و میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام و عیسی خان
قاجار خال حضرت ولیعهد بیهمال و میرزا محمد حکیمباشی در رکاب حضرت مستطاب معظم بکنار رود ارس آمدند
و هفت تن از صاحبمنصبان روس با کشتی مخصوص بخدمت حضرت مستطاب ولیعهد بدیمهد آمده ایشانرا با همراهان
از رود ارس عبور دادند و بلوازم تعظیمات و مهمانداری پرداخته در ماه رجب باهروان رسیدند و یکروز بعد از
ورود حضرت معظم با پروان اعلیحضرت امپراطور با هفت نفر از خواص خود با بنشهر رود کردند و باروت روز
را نزد حضرت ولیعهد فرستاده اظهار مودت و اتحاد و مهربانی کامل نمودند و پس از مقالات مفرحه شاهزاده سه
ساعت از روز کذشته باروت مشارالیه بخدمت حضرت ولیعهد آمد که بحضور امپراطور معظم روند روز
دیکر کالسکهٔ مخصوصی آورده حضرت ولیعهد را در آن نشانیده خود با امیر نظام و سایر همراهان بحضور اعلیحضرت
امپراطور رفتند و اعلیحضرت معظم زیاده از حد با حضرت ولیعهد مهربانی و ملاطفت نموده و انکشتری الماس
کرانبها بنکه صورت امپراطور در آن نقش بود بدست خود بانکشت مبارک حضرت معظم نمودند و امیر نظام همراهان
حضرت را معرفی کرد پس از محاورات لایقه و سئوالات اعلیحضرت امپراطور و اجوبهٔ متینهٔ حضرت ولیعهد که همه
مستوجب تحسین و موجب تکمیل کردید مراجعت فرمودند و هدایا و نامهٔ مودت علامه اعلیحضرت شهریاری ایران را

تقدیم نمودند و از رود و رود باروان تا روز خروج و بازگشت هشت روز طول کشید و اعلیحضرت امیر با
هریک از همراهان حضرت معظم و لیعهد را بعطیهٔ شایان درجهٔ اختصاص دادند پس از رود بتبریز جبهٔ مکلل با الماس
بریلیان و نشان عقاب یکه مخصوص سلاطین است برای حضرت و لیعهد ارسال داشتند و پس از وصول این اخبار موکب
همایون شهریار غازی راه هرات پیش گرفتند و اللهیار خان آصف الدوله را از ارض اقدس برکاب اعلی احضار فرمودند
همدانیان و ان اللهقلیخان توره جمعی از ترکمنهٔ کلان را بوعده و عید بخوارزم طلبید و بعضی را بکوچانیدن آنها
فرستاد یخعفلی خان شادلو با دسته از سواران جرار با سرداد ترکمنهٔ مزبوره رفته خوارزمیها را شکست داده پانصد
خانوار از کلان را گرفته به بوزنجرد برده سکنی داد و آصف الدوله برکاب مبارک پیوست و بتجهیز لشکر خراسان
مامور شده بارض اقدس باز گشت و اردوی همایون در بیستم جمادی الثانیه از چمن بسطام حرکت کرده بخیرآباد و مزینان
و سبزوار رانده و حبیب الله خان شاهسون امیر توپخانه در اینجا برکاب اعلی پیوست و نیجان تنکابنی نیز با فوج خمسه
و قزوین و تنکابن در رسید و کلیهٔ لشکر جرام آمدند آصف الدوله با چهار عراده توپ چهارده هزار نفر بنظم
با دغیسات مامور شد و در منزل قدمگاه حاجی میرزا آقاسی جمعی از اعیان رخصت یارت یافتند و پس از نیل این
شرف بار دو معلی پیوستند و موکب اعلی در روز بیست و هشتم رجب بتربت شیخ جام رسید و از محمود آباد و کوسویه
و کنار هری رود بغوریان راندند دو روز در بغوریان سواران شیر محمد خان برادر یار محمد خان که در آنجا سرحد دار
بود از غوریان بیرون آمده با محمد خان امیر تومان تلاقی کرده شکست خوردند روز هفتم شعبان حوالی غوریان معسکر
شهریار فضا نوان گردید و حکم بتسخیر قلعه دادند و روز چهاردهم ماه مزبور غوریان مفتوح شده شیر محمد خان
با اکابر افاغنه بحضور مبارک آمدند و میرزا اسد الله خان قاینی بحراست این قلعه و ناحیه مامور شد و موکب اعلی
در بیست و دوم شعبان بظاهر هرات نزول فرمود و شروع بمحاصره کردند شمس الدین خان افغان برکاب مبارک آمده
در سلک ملازمان منسلک گردید و در پانزدهم رمضان یار محمد خان افغان بر فراز برج آمده اظهار اطاعت کرد
و عزیز خان سرهنگ مکری داخل هرات شده با کامران میرزا گفتگو نمود و عریضه از او بحضور همایون آورد ولی
مبنای سخن بر دروغ و نزویر بود و اینمعنی معلوم شده باز نایرهٔ قتال اشتعال یافت کامران میرزا پسر خود نادر میرزا
را نزد اللهقلیخان خوارزمی فرستاده از او و خوانین یمینه هزاره استمداد کرد اللهقلیخان هزار و پانصد سوار
بخلیفه عبد الرحمن کرمدم آن صفحات با او ارادت داشتند ابوا بجمع کرده و او نیز مضرابخان والی میمنه رفته
ششهزار سوار از میمنه و اندخود و شبرغان فراهم کرده فصلا امداد کامران میرزا نمود شیر محمد خان هزاره نیز
چهار هزار نفر نزد عبد الرحمن فرستاد و او مهیای جنگ شد آصف الدوله که بطرف با دغیسات رفته بود
در آخرود جنگها کرده در هر یک غلبه نمود و ملا عبد الحق پشتکی در هرات بمسجد رفته پس از وعظ باسم جهاد مردم را
مهیج شد و جمعی جمع شده از دروازهٔ خوشن بیرون آمده که بار دوی همایون حمله نمایند فراولان محمد خان امیر تومان
با آنها برخورده بجدال پرداختند و علیمحمد خان کرد بچه در اینواقعه مقتول شد و محمد خان پسر شن بجای او برقرار
گردید بالجمله همدوزه در خارج و داخل هرات جنگ در کار بود و ذیل قضیه طولانی گردیده و چیزیکه پیشرفت عایق
پیشرام شدن این بود که باطنا امرا با هم مخالفت همرسانیدند و علی رغم یکدیگر کار میکردند همدرا پسالار خسرو
خان گرجی حاکم اصفهان چون چند فقره شفاعت علمای شهر را قبول ننمود مردم بر او بشوریدند و او راه عمارت
هفت دست محصور کردند فرخ خان کاشی غفاری بتحقیق ماجری مامور اصفهان شد و معلوم کرد که فیمابین

اهالی وخسروخان اصلاح نمیشود لهذا خسروخان ببدربار همایون احضار شد و فرخ خان چهار ماه بامور ولایتی
رسیدگی میکرد تا فضلعلیخان قراباغی بحکومت اصفهان منصوب شد و فرخ خان حسب الامر بعضی ظروف و اوان
مرصع تمام نموده روانه هران شد و در ظاهر هران بحضور همایون مشرف گشت و میرزا جواد که در وزارت
اصفهان و منال دیوان دخلی داشت بر ضد حکومت بود فضلعلیخان او را نابود کرد و نواب همایون از طمأ
میرزا احاکم همدان احضار شده بهران رفت همدر این سال فضان آقا با دو توپخانه بسرهنگی توپخانه نابل آمد
همدر اینسال شاهزادگان که در قلعه اردبیل مامور بتوقف بودند نفیتی از قلعه اردبیل بخندق خارج شهر
بواسطه حفاری احداث کرده رکن الدوله علیقلی میرزا و پسرش نصرالله میرزا و ظل السلطان و اما مویردی میرزا
از آن نقب خارج شده خود را بخانه روسها رسانیدند ولی از حمایت امپراطور ما پوس گشته با سلامبول رفتند و
از آنجا بعتبات عالیات آمده رحل اقامت افکندند همدر اینسال حسینخان مقدم اجود ابا منی مامور با سلامبول و مأمور
شد و نواب ولیعهد میرزای حکمران مازندران برحسب امر اعلی بنا دیب قپات نام ترکمان از طوایف جعفربای کرد
جزیره چرکن در دریای خزر محاذی بادکوبه بفساد و شرارت اشتغال داشته و امنه شد همدر اینسال سبند
محمره را بحکم علیرضا پاشا والی بغداد خراب کردند و بدینواسطه میرزا تقیخان روانه ارزنة الروم شد و شرح
آن بیاید برفرطاعون در آذربایجان اسم پا (انگلیس) فوت گیلیوم چهارم پادشاه انگلیس و جلوس برادر
زاده اش ویکتوریای اول در سن نوزده سالگی (للان) بعد از فوت گیلیوم چهارم پادشاه انگلیس که سلطنت
هانوور را در المان نگاشت دو گومبرلاند پسر ارشد سیم موسوم بارنست گوستاکوس شکه اول پادشاهی هانوور را
میکرد بسلطنت مستقله هانوور شناخته شد (بلژیک) ایجاد چند شعبه راه آهن (دانمارک) شکنجه کردن
طرف دولت بمقصرین میشد موقوف و متروک گشت (اسپانیول) شورش دون کارلس که ادعای سلطنت داد
وفشون کشی او تا حوالی پای تخت و شکست خوردن او (فرانسه) فتح شهر قسطنطین در الجزایر مسافرت دومنت
داوویل بقطب جنوب ایجاد تلگراف و قوه برقیه بوضع حالیه (ایطالیا) بروز وبای خیلی سخت در سیسیل
(روس) فوت پوشکین شاعر معروف (عثمانی) سیاحت سلطان محمود خان سلطان عثمانی در ایالت داخله
خود امریکا (اتاتوفی) مارتن وان بورن بریاست جمهوری برقرار میکردد

سنه ۱۲۵۴ هجری — سنه ۱۸۳۸ مسیحی

آسیا (ایران) در اول اینسال هران در بند محاصره بود و مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس که از فتور کار هرات
خبردار شده و از دار الخلافه حرکت کرده بارد وی همایون رسید و اجازت خواسته داخل هرات شد که کامران
میرزا را اطمینان داده بحضور مبارک آورد ولی برعکس نمود و تعهد کرد که اردوی همایون را از ظاهر هران حرکت دهد
وزیر مختار روس غراف سمنو ویچ نیز ده روز بعد از وزیر مختار انگلیس از دار الخلافه حرکت کرده بارد وی معلی
پیوست در این ایام چند توپ قلعه کوب از مس دارد و ریختند و بر بالای باستیا نها بردند و کار محاصره
سخت تر شد و قحط و غلا در هرات مزید بر سایر صدمات گردید و خلقی از شهر خارج شده بارد و آمدند
و بامر اعلی آنها را غذا و لباس دادند همدر این اوان میرزا علیقلی منشی فراهانی که با سرار چون بعضی رازهای مخفی را
آشکار کرده بود سیاست شد و عریضه از کامران میرزا بحضور همایون رسید که در افتتاح آن این بیت نوشته
شده بود (ای باغبان چو باغ زمرغان تهی کنی کاری بیلبلان کهن آشیان مدار) و در ضمن عریضه اطمینان

ومیرمحمد صادق خان در بیک بشان مکاتبات با الماسرا نموده و او سرهنگی نابل آمد

خواسته حاجی عبدالمحمد محلاتی باستمالت و بهرات رفته او وزیر مختار انگلیس علیه برهرات را اسباب اختلال کار
هندوستان دانسته در معاودت موکب منصور بدارالخلافه ابراز داشت همدانیسال در پنجم ماه صفر فرستادگان
مودودخان و ابراهیمخان فیروزکوهی با عریضه و پیشکشی بحضور مبارک آمده اظهار عبودیت کردند و مورد مراحم
پادشاهی گردیدند همدر این اوان قنبر علیخان که بقندهار مامور شده بود بازگشت و شاه پسندخان از طوایف
افغان اسحقزائی در قلعه لاش جوین و شاه پسندخان سپستانی برادر علیخان بدو پیوستند و بارد وی همایون
آمده مورد الطاف پادشاهی گردیدند و خلادادخان نیز از جانب کهندلخان با دو زنجیر فیل و عریضه ببارگاه معلی
آمده عرضه داشت که استدعای کهندل خان این است که بامر اعلی لشکر قندهار را کوچ داده بحضور همایون آید اعلیحضرت
اقدس محمد شاه در جواب فرمودند اکنون بلشکر قندهار حاجتی نیست اگر کهندل خان مهمات خدمتی است با لشکر
بر سر جلال الدین میرزا پسر کامران میرزا که در فراه و اسفزار حکومت دارد برود و او را مقهور ساز د نزد او آخر صفر
امسال محمد عمرخان ابن کهندلخان با چهار هزار سوار ببارگاه اعلی آمد و بعد از مراجعت از هرات بدارالخلافه آمده
سالی بیست هزار تومان مقرری یافت بالجمله محمد عمرخان حسب الامر بفراه و اسفزار رفته جلال الدین میرزا را مقهور
ساخت و کار محاصره هرات سخت شد و لشکریان نیز از طول مدت بستوه آمدند و اطراف شهر را تا بیست فرسنگی
خراب کردند و وزیر مختار انگلیس در فراهم آوردن موجبات تعلل ساعی بود تا خاطر مبارک از او مکدر شده و بدین
واسطه راه دارالخلافه را پیش گرفت و در عرض راه حکم باو رسید که نایب خود را در هرات گذارد و خود بلندن حاضر شود
و وزیر مختار را سفارت ثانیه خود را بهرات فرستاد و خود روانه لندن شد و عساکر منصوره بشهر درآ کلوله باران کردند
همدر این اوان اسکندرخان از سران سپاه زخمی برداشته بعد از دو روز در گذشت و در پورش روز هشتم جمادی
الاولی که بنیم از دیوار حصار هرات را کلوله توپ خراب کرد و لیخان تکابنی که در این پورش پیشرو بود و علم خود را
بشرجاجی رستم رسانیده نصب کرد بجهنم رسانیدند امداد لشکر خود بازگشت چون از خندق بگذشت کلوله توپی
سر او را برد و در رتبه شهادت یافت و برو سکی صاحب از امیرزادگان لهستان که در خدمت دولت علیه بود بزخم کلوله
هلاک شد و سرخوش خان نیز زخم کلوله یافت و اگر بعضی دستجات مساهله ننمودند در این پورش شهر مسخر
شده بود عساکر ظفر مآثر باشارهٔ علیهٔ مهمات پورش دیگر شدند و متقبل گردیدند که در این حمله شهر را مسخر نمایند اما
ابرام امنا و کارگذاران دولت انگلیس در معاودت موکب اعلی زیاد شد بلکه سفاین جنگی آن دولت بسواحل و بنادر عمان
آمد و بالصراحه اظهار نمودند که چون فتح و ظفر ایران هرات را اسباب اختلال حکومت انگلیس در هندوستان دانسته
اگر از آن در نگذرند موجب ملال بخصوصت میگردد اعلیحضرت همایون شهریار غازی بنابر رعایت دوستی دولت انگلیس
حکم ببازگشت رایات معلی فرمودند و در نوزدهم جمادی الاخره از خارج هرات حرکت کرده در نوزدهم شعبان وارد
دارالخلافه شدند محمد علیخان ابن آصف الدوله و جعفرقلیخان شادلو با ششهزار نفر بضبط غوریان بماندند و
امیر اسدالله خان بقائن و تون و طبس رفت محمد عمرخان و شمس الدین خان افغان در رکاب اعلی بدارالخلافه آمدند
و نواب سلطانمراد میرزا که بتوقف عراق مامور بود و پس از نظم آنجا و داز بختیاری و عراق و عربستان بشوشتر
و کوهگیلویه و فارس آمده با برادر والاگهر خود فریدون میرزای فرمانفرما ملاقات کرده و از آنجا راه دارالخلافه را
پیش گرفته قبل از وصول موکب همایون بدارالخلافه در راه سمنان بار دوی معلی پیوست و عزاف سمنو و پیچ ایلچی
روس مقیم دارالخلافه بمملکت خود بازگشت و خامل صاحب با هدایا بجای او آمد و موکب پادشاهی بزیارت حضرت

معصومه

معصومه سلام الله علیها انتهاض فرمود و شاهزادگان از اطراف بتقبیل عتبهٔ علیه آمدند و قنبر علیخان مأمور
بغداد شد که حسارت محمره را از پاشای بغداد مطالبه نماید همدر اینسال چون فیمابین ها لی شیراز و توپچیان که در این سفر
بودند نزاع در گرفته و مادهٔ فساد غلظت یافت میرزا بنی خان بفارس و رفع آنغائله مأمور شد و رضا قلیخان امیر الشعراء متخلص بهدایت از شیراز بدربار معلی آمده تربیت شاهزاده عباس میرزا بر عهدهٔ کفایت و درایت او موکول شد همدر اینسال نواب منوچهر میرزا وفات نمود و میرزا رضای میرزان آقاسی ماموخواروزم شد و میرزا مسعود وزیر امور خارجه بفیروزکوه رفت و نواب بهمن میرزای بهاء الدوله بحکومت هرد منصوب شد و فرخ سیر میرزا بکلیایکان رخوانشا روانه گشت همدر اینسال چون عبد الله پاشای بابان احکام حکام کردستان را پیروی نمیکرد و کسان او در آن نواحی فتنه و فساد میکردند بر ضا قلیخان والی کردستان حکم شد او را کوشمالی دهد و محمود پاشا را که بستگی با بندو ابدایت داشت تقویت نموده بجای عبد الله پاشا متمکن سازد رضا قلیخان با لشکر کردستان بجانب شهرزور حرکت کرد اما از آنجائیکه او جوانی طرب و عیاش بود در هر جمنی انجمنی آراست و جای خواست از آنطرف عبد الله پاشا که از کار حریف خبردار بود با سپاهی جرار و هشت عراده توپ بسرعت والی را استقبال کرد و بخبر در دره کمین نمود شبانه هنگامیکه والی سرخوش بود و سران سپاهش هر یک بخود در گوشهٔ غنوده از کمینگاه بیرون تاخت و جنگ در انداخت و جمعی را با کلوله توپ هلاک نمود والی و سپاهش را دوار اکذا شته برفتند و اموال آنها را عبد الله پاشا تصاحب کرده بشهرزور باز گشت همدر اینسال استرار و الواط اصفهان بنای شرارت را گذا شته شبها بخانهٔ متمولین و بتجار رفته تهدید بقتل از آنها دریافت وجوه و نقود کرده بمصارف لهو و لعب خود میرسانیدند بنابر این منوچهر خان معتمد الدوله بحکومت اصفهان منصوب شد که دفع شر اشرار نماید همدر اینسال سلطان عثمانی برای اینکه مسئلهٔ محمره اسباب نفاق دولتین ایران و عثمانی نگردد از امپراطور روس خواهش نمود که باصلاح ذات البین پردازند امپراطور معظم نامه با علیحضرت شهریار غازی نگاشته در این باب توسط کردند و قورت صاحب و خامل صاحب آن نامه را بحضور مبارک ایصال داشته مقرر شد وزرای مختار و سفرای مقیم دار الخلافه مجلسی منعقد ساخته با تمام این مسئله پردازند همدر اینولان عریضهٔ امام مسقط با پیشکشی بدربار معلی موصول شد همدر اینسال میرزا ابو القاسم ابن میرزا محمد تقی منشی الممالک کردید **امریکا** (المان) کلیسای شهر کلنی که در هزار و چهل و هشت مسیحی بنا شده و ناتمام مانده در اینسال مجددا شروع بساختن آن مینمایند ایجاد چند شعبه راه آهن (انکلیس) کاناد از متصرفات انکلیس در بنکی دنیای شمالی شورش مینمایند تاج گذاری ملکه انکلیس در بیست و هشتم ژوئن انکلیس در آسیا با روس رقابت دیرینه دارد (اسپانیا) منازعه مابین عساکر دولت و دون کارلس بر قرار است (فرانسه) فوت ناپلئون اعاظم رجال تولد کنت دپاریس پسر دوم دوک دورلئان عهد منازعه فرانسه با مکزیک (پرتوغال) تولد پسری که ولیعهد دولت خواهد شد (روس) ایجاد راه آهن از بطرزبورغ بمسکو مسافرت امپراطور روس بالمان (عثمانی) محمد علی پاشای مصر ولایت مصر را بطور وارث نسلاً بعد نسل مطلبد همچنین شامات را چون سلطان عثمانی قبول نمیکند مصمم جنگ میشود ولی عساکر انکلیس و فرانسه جنگ واقع نشده بتبعیت سلطان راضی میکند مسافرت رشید پاشا بلندن امریکا (بنکی دنیای جنوبی) جنگ فیمابین شیلی و پرو

سنهٔ ۱۲۵۵ هجری **سنهٔ ۱۸۳۹ مسیحی**

آسیا (ایران) بعضی از مورخین در ذیل شرح سال قبل نوشته اند موکب همایون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شا

باجماعتی از خواص و لشکریان عزیمت اصفهان فرمودند تا ملازمان حضرت بندگی را شتاب داده و آن نواحی را مصفی سازند و پس از وصول بکاشان الواط اینشهر را گرفته باستراباد فرستادند و روز بیست و پنجم ذیحجه وارد اصفهان شده نصرالله خان کشکچی باشی را گرفتن اشرار امر فرمودند و یکصد و پنجاه نفر از مردم شریر گرفتار شده تنبیه شدند و بعضی از آنها را بار دبل بردند و اهالی اصفهان آسوده شدند نگارنده گوید در مسافرت اعلیحضرت شهریار باصفهان باینقصد حرفی نیست فی نفسه در سال قبل بلکه سفرهایون در اینسال بوده چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا در جام جم میفرمایند (در چهاردهم شوال هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری باصفهان تشریف فرما شدند و در روز جمعه هشتم رجب المرجب سنه هزار و دویست و پنجاه و شش هجری مراجعت فرمودند بالجمله در این سفر پنج نواب مستطاب والا فرهاد میرزا حاجی معتمد الدوله نایب الایاله در دربار خلافت طهران بمهام ملکی اشتغال داشتند همدانیسال نصرالله خان کشکچی باشی بحکمرانی فارس منصوب و برادرش میرزا محمدخان کشکچی باشی شد و میرزا بنی خان را از فارس احضار فرمودند همدانیسال حسینخان اجودانباشی که بسفارت پاریس رفته بود با چند نفر از صاحبمنصبان فرانسه بحضور مبارک مشرف شد و نامبرده قرار اکه مشعر بر اظهار مودت و اتحاد بود تقدیم نمود همدانیسال در بیست و هشتم رجب نصرالله خان حکمران فارس در کنشت نواب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا بحکمرانی فارس منصوب شدند و میرزا فضل الله علی آبادی نصیر الملک لقب یافت بوزارت نواب معظم برقرار گشت نگارنده گوید انواع مقدرات امور چنین در سوانح اینسال ثبت بوده اند ولی حق اینست فوت نصرالله خان و حکمرانی نواب والا حاجی معتمد الدوله بفارس از وقایع سال هزار و دویست و پنجاه و شش هجری است خلاصه بعد از آنکه نواب مستطاب معظم بفارس رفتند آنصفحات را نظمی کامل دادند و از آنجا که میرزا انوام الدین برادر میرزا منصورخان حاکم کوهکیلویه در حاضر شدن بدربار همایون و ادای منال دیوانی تهاون داشت منصورخان سرتیپ فراهانی را با ده عراده توپ و دو فوج سرباز بنظم بهبهان فرستادند میرزا انوام الدین فرار کرده نزد منوچهرخان معتمد الدوله رفت و او را شفیع حامی خود ساخت همدانیسال نواب خانلر میرزا از کرمان احضار شده و فضلعلیخان حکومت ایلات یافت همدانیسال آقاخان محلاتی ابن شاه خلیل الله رئیس طایفه اسمعیلیه که سابقا بیم محصن شده بود اطمینانی یافته بدارالخلافه آمد و در حضرت عبدالعظیم اعتکاف جست و بنابر سیادت عمامه سبز بر سر نهاده حاجی میرزا آقاسی حاجی عبدالمحمد محلاتی را بزاویه مقدسه فرستاده که آقاخان را کاملا اطمینان داده بدارالخلافه آورد اگرچه آقاخان بجهة اینکه حاجی عبدالمحمد سابقا از دعایاو اجزای او بوده از اینمعنی استنکاف داشت که بواسطه او بدارالخلافه آید ولی ناچار تمکین نموده با عمامه سبز بحضور حاجی میرزا آقاسی آمد و بشفاعتها و معفو و مرخص شد بخانه خود رفت پس از چندی از خاکپای مبارک اجازت خواست که با اهل و عیال بزیارت مکه معظمه زادها الله تعالی شرفا مشرف شود و پس از حصول اجازه اهل و عیال و احمال و اثقال خود را از راه بغداد بعتبات عالیات روانه داشت و بابتیاع اسبهای عربی و غیره پرداخت و در مدت دو سه ماه تقریبا پانصد راس اسب عربی تحصیل کرد و در هر جا سواد دلپری مراغ داشت او را ببذل وجوه فریفته و در خود جمع نمود و در اوایل رجب با ملازمان و برادران خود بجانب کرمان روان شد چه هوا خواهان و مریدهای او که از جمله عطاء اللهی بودند کرارا در طریقه اسمعیلیه شده در صفحات شهر بابک و آنحدود بودند خلاصه برای تسهیل مرام آقاخان فرمانی بخطوط تمام کرده باینمضمون که ما آقاخان را حکومت کرمان دادیم اهل کرمان باید اطاعت او کنند و نوشتجاتی برطبق آن فرمان با اهالی کرمان نوشته اظهار داشت

که من رخصت یارت مکه خواسته بودم در بین راه حکم حکومت کرمان بمن رسید از آنطرف چون خبر حرکت آقاخان محلاتی
بجانب کرمان بامنای دولت علیه معروض شد احکام بهاء الدوله بهمن میرزا حکمران یزد در دفع و رد او صادر شد همچنین
تفصیل را بفضلعلیخان قراباغی حاکم کرمان مرقوم داشتند اما آقاخان چون بخارج شهر یزد رسید میرزا حبیب الله نوه سیده
خود را با احکام مجعوله نزد نواب بهاء الدوله فرستاد نواب معزی الیه چون هنوز بخبر نبود فرمان داد منزلی در شهر برای آقاخان
مهیا نمایند و چند نفر را معین کرد که روز بازدهم رجب باستقبال او روند ولی آقاخان وارد شهر نشد و معتذر شد
بانیکه مشغول اخذ زکوة جماعت عطاء اللهی هستم و راه کرمان پیش گرفت و احکام دفع و منع او بهاء الدوله رسید
نواب معزی الیه با جماعتی آقاخان را تعاقب نمود ولی باو نرسید چند روز بازگشت آقاخان بنواحی کرمان رسید و نوشجان
مجعوله خود را بر هم نمود و روز دیگر اخبار صحیحه شیوع یافت و کارکنان دولت بفکر اخذ و قتل آقاخان افتادند چنانکه
شرح آن باید همه را بنیسال کهندلخان افغان و مهردلخان برادرش که بطهران آمده و بحکم اعلیحضرت شهریار غازی
در شهر بابک متوقف بودند و حکومت آن بلده در اختیار آنها بود بنا بر نزاعی که فیما بین آنها و اهالی شهر بابک در گرفته حاج
محمد علی کدخدای شهر بابک و سه چهار هزار نفر از طایفه عطاء اللهی و مردم شهر و قرا افاغنه را محصور نمودند مقارن این
حال آقاخان در رسید و اینوافقره را از نتایج اقبال خود دانست و چنان پنداشت که بعد از تسخیر ارک شهر بابک بتصرف
اموال و اثقال کهندلخان و الی فندهار و کسان او فتح کرمان و جذب قلبها الی آسانتر خواهد بود بنا براین در محاصره
افاغنه تاکید ات نمود و برادر خود محمد باقرخان را بسیرجان فرستاد و در قلعه زیدآباد جای گرفت و در این اوان اجناد
دارالخلافه بفضلعلیخان رسید و باجماعتی قضد آقاخان کرد و ابتدا بر سر محمد باقرخان تاخت محمد باقرخان از آقاخان
استمداد نمود و او باجماعتی بزیدآباد آمد ولدی الوصول بجنگ پرداخت و شکست خورد و باحمدی ولارکر بفضلعلی
خان بشهر بابک آمده آنجا را منظم ساخت و شنیدند که آقاخان بطرف اسفندقه و جیرفت تاخته و در آنجا مجمع آذوقه
اصراری کامل دارد بمحض استحضار فضلعلیخان سواران خود را برداشته بدانطرف شتافت و سر فوج سرباز و دو
عراده توپ بزرگ از کرمان بخواست و باینوقت معلوم شد که آقاخان از اسفندقه بکرمسیر رفته فضلعلیخان مصلحت
ندید که شهر را رها و او را تعاقب کند لهذا بکرمان آمد همدر اینوقات میرزا رضای مهران آقاسی که بخواندن رضا بیو
باو فرستاده اللهقلیخان اوزبک خیوقی که اتابیان محرم نام داشت و چند اسب پیشکشی بدربار اعلی آمد و موکب شهریار
منصور غازی از دره خوانسار و کلپایگان بنها و ندشتر یف فرما گشته از آنجا همدان نزول اجلال فرمودند و مردم
کلپایگان از حکومت نیرالدوله فرخ سیر میرزا شکایتی داشتند باو تهمت بسر کفتن و قصد مخالفت دارد بنابراین بخشعلی
خان باحضار او رفته و او در قزوین بر کاب اعلی پیوست و معلوم شد که آنچه باو نسبت داده اند محض تهمت بوده است
پیرامون مطلب نیرالدوله مشمول الطاف پادشاهی گردید همدر اینوان فرخ خان غفاری که از منازل عرض راه اصفهان
بتحقیق حال امان الله خان افشار و زبر کیلان رفته بود معلوم نمود که مشارالیه بجهة اظهار قدرت و تقوی حرکاتی
میکنند که اسباب تحریک مردم و عدم پیشرفت عمل و زادت و خدمت دولت ابد مدت را بوا سطه عریضه معروض
آستان مبارک داشتند علیحضرت همایون پسر میرزا حاکم کیلان را با امان الله خان وزیر بحضور مبارک احضار فرمودند
و مقرر شد فرخ خان برتق و فتق امور کیلان و رسید که بعمالیات پرداز د و یحیی میرزا بوزارت محمد امین خان
نسقچی باشی بکیلان رفت و فرخ خان پیران رسید که با مور آنولایت دستور العمل محمد امین خان داده بعد از هشت
ماه بر کاب اعلی پیوست و بعد از ورود موکب همایون بدارالخلافه بامره جهانگیر میرزا و جلال الدین میرزا پسران کامران

میرزا

میرزا حکمران هرات بقصد ملازمت آستان اقدس بحضور مبارک آمدند و مورد الطاف کامله گردیده منزل و رابته
و انعام لایقه درباره آنها مبذول شد همدرین اوان سلیمانخان امیر تومان کبلانی که حکومت جمنه داشت معزول
و نواب حمزه میرزا بجای او منصوب گشت و چون سابقا از جانب دولت عثمانی عبدالرزاق افندی با ملا عبدالعزیز
کاشانی بجهت کندن رابندن امور سرحدات متصله خاصه قصبه محمره برکاب همایون آمده بودند درین اوان اذن
مراجعت یافته بجانب بغداد رفتند و در باب آمد و شد تجار و بجار و رفع اجحاف عساکر و ماموری عثمانی با آنها
تاکیدات شد نیز از وقایع امسال آنکه دولت انگلیس شجاع الملک بن تیمور شاه را تقویت کرده با بیست هزار کس از
راه پنجاب و پشاور بطرف جنوب قندهار فرستادند و لرد سر ولیم مکناتن را وزیر او قرار دادند و کهندلخان و
برادرانش مهردلخان و رحمدلخان چون دانستند که در قندهار محصور خواهند شد چنانکه پیش اشاره کردیم
اهل و عیال خود را با پانصد سوار برداشته بدربار شهریار غازی آمدند و در ماه رمضان امسال وارد طهران شدند
شهریار ایلکرمان و هرات و مرو و سرخس و فارس که متصل بکدیگر میباشند بتصرف اولیای آنها مرحمت شده سه سال در آنجا بودند
تا لشکر انگلیس در افغانستان شکست خورده برگشتند و کهندلخان مرخص شده در ماه ذیقعده هزار و دویست
و پنجاه و هشت هجری قندهار را متصرف شدند وفات نواب قهرمان میرزا در تبریز ۱۲۵۸ هجری (انگلیس) بهانه کمک والی
افغانستان قشون انگلیس مملکت سند را متصرف شده و بعد قندهار و کابل و غزنی را مستخر مینماید بنحاصمه با چین که
بیست هزار صندوق تریاک را بدریا میریزند شهر عدن در عربستان بهانه غیر موجهی بتصرف انگلیس درمیآید
(دانمارک) فوت فردریک ششم پادشاه و جلوس کریستیان هشتم بجای او (فرانسه) زلزله سخت در جزایر
مارتینیک فتوحات در الجزایر مصالحه با مکزیک اختراع عکس انداختن در صفحه نقره که مخترع موسو میباشد
(روس) قشون کشی اینولت در قفقاز بر سر شورشیان اعلان جنگ بجنوه (عثمانی) منازعه عثمانی با مصر
ابراهیم پاشا در قصبه بیرجا فظ پاشا سردار عثمانی را شکست میدهد وفات سلطان محمود خان و جلوس پسرش
سلطان عبدالمجید خان در شانزده سالگی بجای او

سنه ۱۲۵۵ هجری — سنه ۱۸۴۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اوایل این سال فضلعلیخان حاکم کرمان عریضه بدربار معلی فرستاده لشکری برای تقویت
خود در دفع آقاخان محلاتی استدعا نمود امنای دولت علیه حبیب الله خان امیر توپخانه را با پیاده و سواره و توپ
خانه روانه کرمان نمودند و قبل از ورود او بکرمان آقاخان استعداد بهم بسته قصد تسخیر کرمان کرد فضلعلی
خان عبدالله خان سرتیپ را با دو فوج ملازم و توپسر کانی و دو عراده توپ بجلو آقاخان فرستاد و ولیمحمد خان سرتیپ و تفنگچیان
کرمانی نیز از قفای او حرکت کردند اسفندیارخان برادر فضلعلیخان در دشت آب با آقاخان تلاقی کرده مشغول
جنگ شدند اسفندیارخان مقتول کشته جمعیت او متفرق گردیدند و فورا آقاخان حمله بر عبدالله خان نمود عبدالله
خان در قلعه بزنجان محصن شد آقاخان از او درگذشته بطرف ولیمحمد خان تاخت و در حمله اول همراهان او را
شکسته داده خود او را دستگیر کرد و در قلعه مشهور هفت فرسنگی کرمان فرود آمد و هفت روزه کاغذ و پیغام او
باعیان شهر میرسید و در اغوای آنها جهد داشت و اصرار میکرد که فضلعلیخان را اگر فته نزد من فرستید مقارن
ایحال امیر توپخانه در رسید و بر سر آقاخان رفت و جنگ فیمابین در گرفت و بعد از کشش و کوشش لشکر آقاخان منهزم
گشته بان قلعه مشهور آمد امیر توپخانه وارد شهر کرمان شده با فضلعلیخان مصمم شدند که بقلع ماده فساد آقاخان

پرداز ندا آقا خان داشت که از عهدهٔ آنها برنمیآید و در قلعه مشیر محصور خواهد شد از قلعه بیرون آمده راه بم و نرماشیر پیش گرفت فضلعلی خان او را تعاقب کرده در سرحد بلوچستان در منزل هوسم بدیشان باو رسیده با او قتال بازاشتغال یافت و لشکر آقا خان هزیمت یافته خود او از راه بیابان بقندهار و از آنجا بهندوستان رفت و در آنجا متمکن شد همدر اینسال فیمابین ایلات قشقائی و قبایل الوار و ممسنی در فارس نزاع و آشوب درگرفت نواب والا فرهاد میرزا (حاجی معتمد الدوله) میرزا فضل الله نصیر الملک را در شیراز گذاشته بطرف قبایل ممسنی رفت و معاودت و اماکن آنها را با خاک یکسان کردند و قلعهٔ طوس و قلعهٔ نوذر را خراب نمودند و از قبایل الوار کرمکان و علی خان برادر رضا قلیخان رستم را که در فهلیان مرتع و مسکن داشت و مرد مفسدی بود با چند نفر دیگر که آنها نیز از اشرار بودند سیاست کردند رضا قلی خان رستم بزرگ طایفه خانیه یاغی شده با هود مهلائی که منصوب بهبود و دشمن هکیلویه و جائی صعب المسلک است رفت نواب معظم شکر الله خان نوری را که در آنصفحات معرفت بود برای نظم آنجا و دیگر امور شهر کوه هکیلویه موقوف نساخته از تمام رؤسای ایلات کرمکان کرفته باو سپردند که روانه شیراز دارد و میرزا کوچک باورتوبخانه را با توپ و سرباز در ممسنی گذاشته حکومت دادند و خود با جمعیتی از راه خشت و کمارج بطرف بوشهر رفته آنصفحات را منظم فرموده در ماه ربیع الاول سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و هفت وارد شهر شیراز گردیدند و در ازای خدماتیکه در این مملکت نمودند اعطای نشان نمثال اعلیحضرت همایون محمد شاه مفتخر گشتند همدر اینسال (بشیر محمد خان برادر رباز محمد خان وزیر هرات از جانب کامران میرزا با پیشکش و هدایا بدار الخلافه آمد و معلوم شد که افاغنه از سلوک انکلیس کمال کراهت را بهم رسانیده و پشیمان کشته اند که چرا اطاعت شهریار را پیرانه نموده لهذا سکه بنام همایون زده اند و خطبه را نیز باسم مبارک میخوانند و برخود محتم نموده که در طریقه انقیاد راسخ و ثابت قدم باشند همدر این سال فیمابین حاجی خان شکی حاکم کرمانشهان و ایلات انولایت خلاف درگرفت و منشا مخالفت امر مذهبی بود باینمعنی که حاجی خان بر طریقه اهل سنت و جماعت بود و ایلات توابع کرمانشهان غالبا از غلاة میباشند حاجی خان میخواست رعایای ولایت محکومهٔ خود را بر طریقهٔ خود آرد و دارد و معلوم است غالی محکوم نمیتواند شد بدینواسطه کدورت در کار بود و کم کم ایلات بجان یاغیکری افتادند حاجی خان شکی بگرند رفته که ایلات یاغی را مطیع کند مردم کرند از دراطاعت درآمدند و قبول خدمت کردند و مستدعی شدند که کسی را باد بن و آئین آنها کاری نباشد حاجی خان نهضت کرده و کار باصلاح انجامید ولی بعد از اصلاح میان یکی از اهالی کرند و ملازمان از ملازمان حاجی خان بر سر دریافت آذوقه نزاع درگرفت و ملازم حاجی خان مقتول شد حاجی خان متغیر شده حکم کرد تمامی اهل کرند را مقید کرده بدار الخلافه برند مردم باشارهٔ حیا قلی خان بشوریدند و حاجی خان شکی را محصور نمودند او با پانزده نفر تفنگچی را بکشتن دادند پانزده نفر از پائین و بالا بمنزل حاکم درآمدند و او را بکشتند و بعضی جهة مقتول شدن حاجی خان شکی را چنین دیگر گفته اند در هر حال پس از شیوع این سانحه اهالی از بیم مؤاخذه و سیاست بخاک عثمانی داخل شدند و حکمی بعلی رضا پاشا والی بغداد صادر شد که آنجماعت را راه نداده و نگاهداری نکرده معاودت دهد پاشای مشارالیه اطاعت نمود و آنها باز گشته بندریج امن گشتند و عبد الحسین خان جوانشیر بحکومت آنسامان روانه شد همدر اینسال میرزا محمد تقی علی آبادی صاحبدیوان که در دانش و بینش و خلق و خوی مثل و مانندی نداشت در جمعهٔ هفدهم ماه ربیع الثانی در دار الخلافه درگذشت و شاهزاده فتحعلی میرزا پسر شهریار غازی که چهار ساله بود وفات نمود و مستر باخ حکیم انکلیسی برای استمزاج عقیده مصالحه مابین دولتین ایران و انکلیس بدار الخلافه آمده چون مانعی و اکراهی در امنای دولت علیه ندید برای اعلام

بلندن

بلند بازگشت و مکنل صاحب مامور شده بدار الخلافه آمد و عهدنامه مابین دولتین مجدد شد اروپا مزاوحت ملکه با
پرنس البرتان شاهزاده گاساکس کبورگ کتا بخات با فتن ملکه از یک فصل نامه ای فرستادن چند فروند کشتی جنگی
بدریای چین مسئله شرقیه در اینسال عنوان میشود و از آن وقت تا کنون این مسئله فیما بین ممالک مغرب و مشرق مطرح است
توضیح انکه انگلیس و فرانسه و اطریش و پروس و روس و عثمانی مطالبی را که راجع بملکت عثمانی است مسئله شرقیه مینامند
و دول مشار الیهم از اینسال تا کنون در مسئله مزبوره مداخله مینمایند لرد پالمرستن وزیر انگلیس با دولت روس
اتفاق کرده بر ضد فرانسه در حمایت محمد علی پاشای مصر اقدامات مینمایند و انگلیس و روس و پروس و اطریش در لندن مجلس
کرده در این مجلس محمد علی پاشا را والی با الاستقلال مصر میشناسند و والیکری را برای اولاد او وارث میدانند و عثمانی چون
قبول اینمطلب را مینماید ناپیه سردار بحری انگلیس شهر بیروت را کلوله باران میکند (فرانسه) مسیو تیر بوزارت اعظم بر
قرار میکرد لوئی ناپلیون برادرزاده ناپلیون اول در بندر بولنی خروج کرده بحکم دولت کرفتار و محبس ابدی میکردد
پادشاه از قتلی بخان میبابد سفاین جنگی فرانسه در اینسال مرکب از دویست و بیست و هشت فروند و سی و پنجهزار
عساکر بحری میباشند جسد ناپلیون اول که در سنت هلن بود در ان ویل سپر پادشاه فرانسه انرا نقل کرده بپاریس
میاورد و در انوالید دفن میشود (هلاند) استعفای پادشاه و جلوس گیلیوم دیم بجای او (پروس) فوت فردریک
گیلیوم ستیم پادشاه پروس و جلوس فردریک گیلیوم چهارم بجای او

۱۲۵۷ هجری ۱۸۴۱ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال حبیب الله خان امیر تومانیکه بعد از فرار آقا خان محلاتی مامور نظم بلوچستان بود
روانه قلعه بمپور شده قلعه بمپور را محاصره و مسخر نمود ولی فیما بین عساکر او و اهالی بمپور لجاجی پیدا شده آشوب
در کرفت و بسیاری از اهالی آن صفحات کشته شدند و امیر تومانیکه با پنج هزار فند هار براند و در اینجا حکم معاودت
باو رسیده باز کشت و طپانچه مرصع با فتخار او مرحمت شد و چون بدار الخلافه رسید فضلعلیخان قرا باغی حاکم
کرمان معزول شده عباسقلیخان جوانشیر بحکومت کرمان منصوب کشت و از آنجا که حبیب الله خان اسباب خونریزی
و هلاکت نفوس و پریشانی زیاد در بمپور و آن نواحی شده بود در هنکام اراده مسیو و مسیو عبث او مبدل بتلاش
شده بدرود زندکانی کفت محمد اینسال فتحعلیخان مهنی کرمان بود با اهتمام عباسقلیخان جوانشیر
والی کرمان ربقه اطاعت و خدمت بر کردن کرفت محمد اینسال هشتصد نفر سوار ترکمان فضل تاخته شهر مقدس
کرده محمد ولیخان برادرزاده اللهیارخان آصف الدوله را که بشکار رفته بود کرفته با خود ببرد ند عساکر نواب
که تراکمه را تعاقب نموده با آنها نرسیدند امنای دولت علیه چون از ماجری خبردار شدند محمد علیخان غفور را بجوانرود
نزد اللهقلیخان او زبک بفرستادند و استرداد محمد ولیخان فرستادند محمد اینسال مخدم مقبلیخان ترکمان بیکی از
نقشبندیه که دعوی تصوف و کرامت میکرد و بزبان ترکی ترکمانی مناجات و اشعار بنظم در میاورد ارادت و زیده
و اطاعت نموده و جمعی دیکر از ترکمانان کلان و بیوت باو کرویده محضا للتفخیم او را ایشان خواندند و پیرو مرشد دانستند
استرابادیه بشدت پرداختند محمد ناصرخان قاجار دولو مرابت را بر حزن دولت تقویت کفت رسانیده محمد حسنخان سردار استرابادی
و محمد خان امیر تومان که بشرف مصاهرت پادشاهی مفتخر بود باده هزار سوار و پیاده در تو چانه باسترابادرفته و تواب
اردشیر میرزا حکمران مازندران و جعفرقلیخان شادلوی بوزنجردی با سواران کرد و خراسانی نیز با نظر چون را ندند
مخدم و مقبلیخان چون دید چاره جز اطاعت نیست بسر خود محمد خان را با مرشد مصروف با ایشان صلح نموده و با

رئیس سفیدان تراکمه نیز پسر و برادر خود را بنواوکر و کان بارود فرستادند و اظهار داشتند که اگر حکم شود تا خود خواهند تاخت نواب اردشیر میرزا مطلب را بعرض آستان مبارک رسانند و سای تراکمه مخلعت و التفات نایل گردیده مقرر شد که توقف کنند تا محمد علیخان مامور خود مراجعت کند اگر محمد ولیخان را خان جنوه فرستاد کسی را با او کاری نباشد والا راه خوارزم پیش گیرند مقارن اینحال اللهقلیخان خوارزمی محمد ولیخان را با اعزاز فراوان بآستان همایون فرستاد و از خطر لشکرکشی بخوارزم آسوده شد همدانیسال چون محمد تقیخان بختیاری ده هزار سوار از اشرار دور خود جمع کرده و معاقل جبال پناه جسته دست اندازی بمال تجار و عابرین مینمود سنوچهرخان معتمد الدوله بنظم آنصفحات و اراضی مرحدات ایران و عثمانی مامور شد و باشش فوج سرباز و جمعی سوار ابوالجمعی سلیمانخان ارمنی و شش عراده توپ بخوزستان رفت علینقی خان برادر محمد تقیخان بختیاری که همراه معتمد الدوله بود برادر را خبردار کرد محمد تقیخان برادر دیگر خود کریمخان را با عریضه و هدایا نزد معتمد الدوله فرستاد و خود نیز در مال میر با اشراف قبیله بخدمت معتمد الدوله آمده مخلع و مورد التفات شد و شبی معتمد الدوله را در قلعه تل مهمانی نمود و درخواست کرد که با قبیله و عشیره در قلعه مزبوره متمکن باشد و بعد از نوروز بخدمت آید اما چون زمان میعاد در رسید تخلف کرد علینقی خان و محمد حسینخان فراکوز لو رفته او را اطمینان دادند و او نا پنجفرسنگی شوشتر بیامد و بان توهم نموده برگشت معتمد الدوله امر کرد از طوایف چهارلنگ و هفتلنگ سواران جنگی جمع شدند کلبعلی خان و جعفرقلیخان پسرهای اسدخان بختیاری با جماعتی حاضر گشتند و علیرضا خان که پدر زن محمد تقیخان کشته بود نیز با سواران خود مهیای کارزار گردیدند و معتمد الدوله از شوشتر و صد قلعه تل کرده سلیمانخان سرتیپ برادرزاده خود را از پیش روانه نمود محمد تقیخان عیال و اموال و بستگان خود را برداشته بشیخ سامرخان حکمران چعب و فلاحیه پناه برد شیخ مشارالیه چون با خاک سرحد عثمانی قرب جوار داشت و همیشه پانزده هزار سوار جنگی با او بودند درجه اطاعتش همین بود که گاهی بفرمانهای فارس چیزی میداد معتمد الدوله قلعه تل را بعلیرضا خان سپرده روانه فلاحیه شد و بشیخ سامر پیغام داد که محمد تقیخان را نگاهدارد نکند شیخ سامر گفت او بمن پناه آورده و در عرب تنگ است که از او حمایت نکنم شخص معتبری را با اطمینان او بفرستد تا او را بخدمت معتمد الدوله سلیمانخان را فرستاده محمد تقیخان و شیخ سامر را مطمئن کرده بارد و آورد و مورد نوازش شدند و شیخ سامر مصمم مراجعت گردیده معتمد الدوله بشیخ گفت علینقی خان و کسان محمد تقیخان را بفرستد شیخ در اینکار تعلل نمود و علینقی خان در خفا بجمع کردن سواره و پیاده بختیاری مشغول شد محمد شفیعخان سامانی درخواست کرد که بفلاحیه رود و علینقی خان را بیاورد و چون برفت باز نیامد و علینقی خان و محمد شفیعخان با شیخ سامر اتفاق کرده بفکر استخلاص محمد تقیخان افتادند و شبهنگامی بارد وی معتمد الدوله شبیخون زدند و جنگ درگرفت درین هنگامه محمد تقیخان خواست فرار کند میرزا محمد خان دبوسی بر سر او زده حکم کرد او را گرفتند و بخیمه معتمد الدوله بردند معتقد بودند تا وقت صبح تقریبا هشتصد نفر از عرب و بختیاری مقتول گشتند و باقی هزیمت شده و از لشکر معتمد الدوله سی چهل نفر مقتول و مجروح شدند در اینحال جماعتی از مشایخ اعراب که از شیخ سامر شاکی بودند بمعتمد الدوله شکایت نمودند و شیخ عبدالرضا از اقارب شیخ سامر که فراری و در بغداد بود احضار شده بارد و آمده قبیله باو پیوستند شیخ عجیل و شیخ عقیل و بعضی از مشایخ دیگر مخلع شدند و منصور خان فراهانی که از جانب حکومت فارس باخذ منال چعب مقرر بود و شیخ سامر او را دخالتی نمیداد نیز با فوج خود نزد معتمد الدوله آمد و حکم شد بعضی از نخیلات را قطع کرده بر نهر خزاین پل ببندند شیخ سامر پشیمان شده جمعی از علما و سادات را شفیع قرار داد و قبول تکالیف

نموده کرو کان معتبر داد و مهلت خواست و معتمد الدوله مراجعت کرد و محمد تقیخان را مقید با خود برد و باز ای این جمله
یکقطعه نمثال شهریاری و یکقبضه شمشیر و یکرشته حمایل سبز و سرخ از درجه امیر نومانی با کل مرصع محبوب آقا اسماعیل
پیشخدمت خاصه در عرض راه شوشتر بمعتمد الدوله رسید و مجعلیخان ساکوئی سرتیپ با شش عراده توپ و شش
فوج سرباز و جمعی سوار بروجردی و کرمانشاهانی بمعتمد الدوله پیوستند شیخ سامرخان زیاده خایف کشت و علینقی
خان اظهار کرد که مرا قدرت نگاهداری نوینست علینقی خان با اهل و عیال محمد تقیخان بخانه خلیل خان بلهمرکه
با او منسوب بود رفتن خلیل خان نیز عذر آورد و خواسته نا چار بکوهستان رفتند که معقلی پنهان شوند در عرض راه
بلشکر منصور خان دوچار و تمامی کرفتار شدند مکر علینقی خان که فرار کرده بغار رفت و بعدها بحکم نواب والا او را
میرزا (معتمد الدوله) او را بکرفتند و بدار الخلافه آورده بابرادرش محمد تقیخان محبوس نمودند همدر این اوان
حکومت چعب را نیز بر عهدهٔ معتمد الدوله موکول فرمودند و چون اثری از تعهدات شیخ سامر بظهور نرسید معتمد
الدوله میرزا محسنخان را بحکومت شوشتر برقرار کرده خود روانهٔ فلاحیه شد و شیخ سامر با عیال و اموال بقلعهٔ
کوت شیخ که حصین تر از قلعه فلاحیه بود رفت و شیخ عبد الرضا را حکومت فلاحیه داد و مجعلیخان را بحکومت بختیاری
فرستاد که دو فوج سرباز از آنطوایف کرفته و معامله پنجساله بختیاری را بپردازد و صد خانوار از اعاظم این طوایف بکرمان
بدار الخلافه بفرستد و کلبعلی خان و جعفرقلیخان چهارلنك و محمد مهدیخان و علیرضا خان هفت لنك را با مجعلیخان همراه
کرده و شیخ سامرخان تصور نمود که چون نابسامان شود معتمد الدوله عساکر او در چعب توقف نتوانند کرد و
چون مراجعت کنند او میتواند بر فلاحیه بتازد چون بر خلاف تصور او معتمد الدوله در کرمادر چعب بماند شیخ بکوت
کرا را راضی بخداستکر بخت و از عزا بیانکه شیخ عبد الرضا سالها طالب چعب بود و با این آرزو نایل کردیده بکریخت
و برادرش نیز از ترس فرار کرد فدعم و مریدکه شیخ سامر آنها را بکرمان داده بود نیز از شوشتر بکریختند معتمد الدوله
حکومت چعب را نیز بمولی فرج الله والی خوزستان داد و حکم کرد محمره را آباد کنند و حاجی محمد علی حمصی از اعاظم تجار را نزد
مشلم بصره فرستاد که با محمره را چنانکه خراب کرده ابدا باد کنید یا بصره را مثل محمره خراب میکنم و بعلی پاشا والی
بغداد نیز همین پیغام داد و در این اوان معتمد الدوله محمد تقیخان بختیاری را مغلولا روانهٔ دار الخلافه نمود و آنها
عربی بسیار خوب نیز بدربار معلی انفاذ داشت و حکومت دزفول را بحاجی ملا احمد کرمانشاهانی داد و احمد خان پسر
حسن خان والی فیلی را مرخص کرد که بپشتکوه رود و حکومت لرستان را بر عهدهٔ محمد حسنخان خرقانی واکذار نمود
و مولی فرج الله را بجراست فلاحیه تاکید کرد و مجعلیخان نزد معتمد الدوله آمده حساب بختیاری را پرداخت
بعد از آن معتمد الدوله مجعلی خان را بکرمانشاهان فرستاد که در نظم اینولایت تقویتی از عبد الحسین خان جوانشیر
کند ولی عبد الحسین خان از راه سوء ظن مایل بورود و وصول مجعلی خان بکرمانشاهان نشده و چون حکمی نیز از
دار الخلافه در تسخیر مجعلی خان بود که قاتلان حاجی خان شکی را فورا در کرمانشاهان کرفته دار الخلافه فرستند و این حکم بنام
عبد الحسینخان افتاده بخواهین کرمانشاهان نمود و آنها را بر ضد مجعلی خان تحریك کرد و میخواست با اتفاق آنها
با مجعلی خان جنك نماید عبد الحسینخان معزول و مجعلیخان بحکومت کرمانشاهان منصوب شد و قاتلین حاجی خان
شکی را کرفته بدار الخلافه فرستاد همدر این اوان عبد الله پاشای بابان فتنه سنندج کرد و مجعلی خان با
پانزده هزار نفر روانه کردستان کردید عبد الله پاشا چون خبر حرکت مجعلی خان را بشنید خایف شده باز کشت
مجعلیخان نیز بکرمانشاهان معاودت نمود و در حکومت مستقل شد و بدزفول و خرم آباد رفته آن صفحات را

منظم کردد وان بروجرد باصفهان رفت و با منوچهرخان معتمد الدوله ملاقات نمود همدانیسال در ماه رمضان محمد خان امیر تومان در کذشت همدانیسال میرزا جعفرخان مشیر الدوله مامور اسلامبول باجازه امنای دولت علیه باو کیل دولت بلژیك منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

صورت عهدنامه دولتین ایران و بلژیك

برخردمندان نیز هوش و نیز هوشان سخن پوشیده نماناد که جناب ب عباد امور معاش و معاد عباد را بقبضه ارادت و اختیار سلاطین باعدل و داد نهاد تا کافه برایاد بتحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و اسعاف مآرب طریق مهربانی و وداد پویند و بر امون نعاند و خلاف نکردند بتبیان اینمقال آنکه اعلیحضرت کیوان رفعت مشتری سیرت بهرام سطوت خورشید شوکت ناهید بهجت عطارد فطنت مرتفعت عالك ممالك محروسه ایران وارث تخت و تاج سلاطین کیان ظل الله فی الارضین کهف الاسلام والمسلمین محمد شاه قاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الاوان و اعلیحضرت فلك رفعت فضادرایت قدر رتبت پادشاه تمامی بلجیق لئوپولد ادام الله ایام سلطنته الی آخر الزمان هردو علی السویه چنین مناسب بیند که بجهة تاسیس قواعد دوستی و محبت و تمهید مراسم یکانکی و مودت و ترفیه حال رعیت و کشایش ابواب منافع تجارت بر دو عامه برایا مابین دولتین علیتین معاهده دوستی و تجارت منعقد شود لهذا دولت علیه ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندسباشی عساکر منصوره ایلچی مختار دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید پر تلیه و صاحب و حامل افتخار سبز و سرخ و نشان افتخار دولت علیه عثمانیه را از قرار درج سنخط اعلیحضرت همایون و امضای جناب جلالتمآب اجلافخم حاجی میرزا آقاسی دراین خصوص وکیل و مختار نموده و اعلیحضرت پادشاه بلجیقا از قرار درج سنخط همایون و امضا نامه جلالتمآب جناب برون فرانو و اجان وزیر مختار و وزیر مختار دولت بهیه بلجیقا مقیم اسلامبول صاحب منصب نشان اعلیحضرت پادشاه تمامی مملکت بلجیق و صاحب نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانیه را در این باب ماذون و مختار ساخته لهذا مامورین مذکورین بعد از تبدیل اختیار نامه طرفین قرار معاهده را در ضمن هفت ماده بنهج آتیه داده اند

ایران و عثمانیه و دولت نمچه فرانسه و صاحب نشان میشوند

ماده اول فیمابین دولتین علیتین ایران و دولت بهیه بلجیقا و تبعه ایشان اساس دوستی مؤبد پایدار و برقرار شود

ماده دویم تبعه دولتین علیتین آمنا و سالما بمملکت یکدیگر تردد و کشت و کذار نمایند و هرکدام خواهند باکرایه بر تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و اسباب را حاضر کنند ماذون باشند و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیتی دولتین رعایت و حرمت ملحوظ شود از اجحاف و ستم محروس و مصئون باشند و اگر یکی از دولتین با دشمن کیش باد دولتی دیگر جنك و محاربه داشته باشد اصلا بدوستی ابدی ایندولت بلجیق چه خلل نخواهد رسید

ماده سیم اشخاصی که از تبعه دولتین بهیتین بعنوان تجارت باسیاحت بممالك یکدیگر میروند تا توقف مینمایند در حوالی آنها لاحترام مرعی شود از عوارض و تقسیم معاف باشند و در وقت دخول و خروج تجارد دولت بلجیقا از امتعه آنها در یکجا یکدفعه از صدیکی کمرك زیاده مطالبه نشود و از امتعه تجار دولت علیه ایران مثل تبعه دولتین متحابتین فرانسه و انکلیس موافق تعرفه رفتار کرده

ماده چهارم از تبعه دولت بهیه بلجیقا اگر بطریق سیاحت بتجارت بممالك دولت علیه ایران نزد نمایند

ماده پنجم دولت علیه ایران ماذون نمایند هر دو نفر بیش تجار از دولت بلجیقا در تبریز و دارالخلافه طهران مقیم شوند که باموریت خود داری کنند و همچنین اگر دولت علیه ایران بخواهند که در شهرهای بوکسل و اسوروش مملکت دولت علیه ایران کارکنان و تجار بلجیقا را بگمارند ماذون خواهند بود

ماده ششم

ماده ششم اگر مابین تبعهٔ جانبین از باب معامله نزاع و دعوائی اتفاق افتد باشخصی از رئیس تجار یا ترجمان دولت متفق شریعت و عادت مملکت قطع و فصل آن دعوی شود و در صورتیکه یکی از تبعهٔ دولتین مفلس شود بعد از تشخیص و تحقیق اموال و اسباب او را فیمابین ارباب طلب بطور عرفا سویت و تقسیم نمایند و همچنین در وقت فوت یکی از تبعهٔ طرفین اموال و متروکات او بر طبق تجار آن دولت تسلیم شود

ماده هفتم ایشانرا این عهدنامهٔ دوستی و تجارت تا ابدالدهر با کمال صداقت و دقت از طرفین ملحوظ و مرعی خواهد شد و بهیچوجه خلل و نقصی باجزای آن راه نخواهد یافت این عهدنامهٔ دوستی و تجارت بسیاق واحد در دو نسخه تحریر و املا شد و از جانبین مرخصین دولتین علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله کردیده انشاء الله تعالی نسخه مزبوره از طرفین دولتین بهمین تصدیق گشته در مدت چهار ماه یا کمتر این تصدیق نامه ها باسلامبول آمده بین المأمورین از سر نو مبادله کردد بتاریخ روز چهارشنبه بیست و پنجم جمادی الاولی مطابق سال اودبل یکهزار و دویست و پنجاه و هفت مطابق چهاردهم شهر جولای هزار و هشتصد و چهل و یک عیسوی در دار الخلافه اسلامبول سمت انجام پذیرفت

همدر اینسال یار محمد خان وزیر هرات کامران میرزا را که تقریبا یکسال بود در یکی از قلاع محبوس داشت کامران دوتمان احمد خان ابدالی را در افغانستان منقرض شد پوشیده نباشد که از سلسلهٔ مزبوره پنجنفر در افغانستان سلطنت کرده اند اول احمد خان ابدالی دویم تیمور شاه بن احمد خان سیم شاه زمان بن تیمور شاه چهارم شاه محمود پنجم کامران میرزا و ابتدای امارت این سلسله سال هزار و صد و هفتاد هجری بوده است و پایتخت ایشان شهر هرات در ذیع راه آهن در این مملکت ساخته شده است (مسئله شرقیه) باهتمام دولت انکلیس و فرانسه و اطریش و پروس مابین محمد علی پاشای مصر و سلطان عثمانی مصالحه میشود و سلطان عثمانی والی کری مصر را برای اولاد محمد علی پاشا نسلا بعد نسل میشناسد و ولایت مصر از این تاریخ ببعد در دربار عثمانی باریته و نشان صدر اعظم میباشند (انکلیس) تولد پرنس دکال ولیعهد دولت انکلیس نیخ کانتن بندر چین و چند قلعهٔ دیکر از قلاع این مملکت بواسطهٔ شکست این انکلیسیه همدر اینسال در افغانستان دوست محمد خان مغلوب انکلیس میشود اما بعد از چندی افغانها شوریده در قلعهٔ کابل جمعیتی کثیر از انکلیسیها را بقتل میرسانند فرار عساکر انکلیس از افاغنه و تعاقب کردن افاغنه آنها را که از پانزده هزار نفر فشون انکلیس بجز سیصد نفر محبوس بقیه کشته میشوند جمعیت انکلیس در اینسال پنجاه و چهار کرور است (فرانسه) فتنه‌ای که از چقدر ساخته میشود امتیازش محسوس است جمعیت فرانسه در اینسال شصت و هفت کرور است (عثمانی) عزل رشید پاشا و وزرا مورخا در جهت شورش عیسویان بشام و معدن و بنه در بلغارستان که در حق آنها ظلم میشود در لبنان طوایف دروز و مارونیت با یکدیکر در نزاع میباشند امریکا (اتاونی) نام برپاست جمهوری برقرار و منصوب میکردد

سنه ۱۲۵۸ هجری — سنه ۱۸۴۲ عیسوی

آسیا (ایران) در اینسال کهندلخان و برادران او مهردلخان و رحمدلخان از افغان باجازهٔ امنای دولت انکریزیا روانه قندهار شدند و عبدالقدوس خان جوانشیر والی کرمان آنها را بطور شایسته‌ای روانه نمود و بعضی را با آنها همراه کرد همدر اینسال حسینخان اجودانباشی حکومت یزد یافت و برحسب امر شهریار غازی اعلیحضرت همایون محمد شاه از نایین تا عقدا (اعذا) که بیست فرسنک مسافت بی آبست در شش قنات که از هریک یکسنک آب جاری میشد احداث کرده و در منزلهای کنند قلعه بساخت و در میانه نه کبند و عقدا نیز قناتی باسم خود جاری کرده و املاکی

برای توافل بنا نمود همدرآنسال میرزا جعفرخان مشیرالدوله در اسلامبول نیز عهدی با وکیل دولت اسپانیا منعقد نمود که صورت آن از قرار ذیل است

صورت عهدنامهٔ دولتین ایران و اسپانیا

الحمدلله رب العالمین دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول بجهة ملاحظهٔ صرفه و صلاح تجار و عموم رعیت مملکتین و ترفیه و رونق دادن بصنف تجار و تشویق این امر مهم که از مصالح معظم دولتاست چنین یافتند که هیچ مقدمه مانند انعقاد عهدنامه باین مهم جسیم معین و مفید نخواهد شد لهذا هر دو علی السویه مناسب دیدند که بعد از این ما بین دولتین ذی شوکتین و تبعهٔ آنها اساس دوستی و اخذ و نقد موافق عهدنامهٔ مبارکه دوستی و تجارتی که بین دو حقانیت و عدالتمآب استوار شده است برقرار و پایدار باشد برای انجام این مرام اعلیحضرت فلک رفعت شمس برج جلالت مخدم سلاطین زمان وارث تخت و تاج کیان صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران ظل الله فی الارضین کهف الاسلام و المسلمین السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه قاجار ابدالله ایام سلطنته از طرف فرخنده شرف خود عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مهندس باشی عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان مهر مثال صورت همایون و نشان اول شیر و خورشید سر تیپی و صاحب دو همایل افتخار سبز و مرصع و نشان درجهٔ اول افتخار دولت علیهٔ عثمانی در ضمن اختیارنامهٔ جلالتمآب کاندرا بخصوص وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین بدرمنیر اهبت و آفتاب درخشان سلطنت شکوه فرخفال نیشان جلالتمآب ونایب اول ثانی که بنام نامی ایشان در ایام صغر سن امور سلطنت بلعبث و لیعهد بحضرت بالد و مراصیر تر و صاحب اختیار ممالک دیلک تواردم مرحوم است از طرف خود موسیو آن طولی لوبیض دوکاردو با صاحب نشان بسپانیا مشهور و ممتاز چار لزسیم پادشاه اسپانیول و صاحب نشان امیرقان سلطان ایزابل کاتالیک و صاحب نشان علیشوی دولت پرتوغال و صاحب نشان صوری دولت یونان و صاحب نشان صین کرمقدس بیت المقدس و صاحب نشان اول افتخار دولت علیهٔ عثمانیه اجزای مشورتخانهٔ حضرت سلطان ایزابل کاتالیک نوینده خالص پادشاهی و ذی مختار دولت مشار الیها در آستانه علیه را از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد از نشان دادن و ملاحظه نمودن اختیارنامهٔ یکدیگر همرا موافق رسم و ضابطه یافته قرار عهدنامه مبارکه را در ضمن هفت مادهٔ آتیه بدین نهج دادند

مادهٔ اول بعد الیوم ما بین دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول و تبعهٔ طرفین الی ما شاء الله تعالی اساس دوستی صادق و محبت و موالات دائمه باقی و برقرار باشد

مادهٔ دویم تبعهٔ دولتین علیتین مأذون باشند که بازادی و امنیت تمام بمملکت یکدیگر آمد و شد و نمایند و معامله تجارت و سیاحت کنند خانه و دکان و حجره و انبار بقدر ضرورت امور خود کرایه سازند و از طرف مباشرین دولتین بهیچوجه ممانعت نرود بلکه پیوسته احوال ایشان مراعات نموده دقت کنند که بسیاحان و تجار طرفین خوش رفتاری شود و بقدر مقدور باستراحت و آرام آنها بیفزایند و در وقت ضرورت احکام و باشبردعبور بآنها مرحمت شود که کسی مانع نشده ممانعت از آنها نکند

مادهٔ سیم در حق تبعهٔ دولتین ذیشوکتین که بعنوان معامله و تجارت و یا بطریق سیاحت بمملکت یکدیگر تردد مینمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمهٔ احترام مرعی شود و از آنها بهیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نکرده

مگر اینکه از امتعه آنها در حین ورود و خروج در مملکت یکدیگر مثال بتعهد دولت متحابه گرفته شود

ماده چهارم دولتین علیتین بجهة آسایش و اطمینان تبعهٔ خود شان که بخاک یکدیگر آمد و شد خواهند کرد ماذون خواهند نمود که در دو محل مناسب وکیل تجارتی اقامت کنند دولت علیه ایران ماذون خواهد ساخت که یکنفر وکیل تجارتی از طرف دولت بهیهٔ اسپانیول در دار الخلافه طهران و یکنفر دیگر در دار السلطنه تبریز مقیم شود و همچنین دولت بهیهٔ اسپانیول راضی خواهند گشت که یکنفر وکیل از طرف دولت علیه ایران در مادرید پای تخت دولت مزبوره و یکنفر دیگر در بندر برصلون و یا بعوض محل ثانی در بندر دیگر که دولت علیه ایران مناسب دانند وکیل تجارت نصب نمایند

ماده پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره مابین تبعهٔ دولتین متعاهدتین کفتگو و نزاعی اتفاق افتد آن نزاع را باید که با شخصها و اطلاع وکیل تجارت و یا ترجمان آن دولت موافق عادت و شریعت مملکت قطع و فصل شود و اگر کار بکیفر تاجر از تبعهٔ دولتین ذیشوکتین علیتین معیوب شود و یا آنشخص ادعای افلاس نماید باید بعد از ملاحظه دفتر و ارسال مرسول و اموال و مطالبات او با اطلاع وکیل تجار و یا ترجمانان آن دولت متممت غرما شود و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی ماند ارباب طلب او باید ذمهٔ او را بری نموده ممسکات او را رد نمایند و همچنین و قتیکه یکنفر از تبعهٔ دولتین وفات کند باید جمیع متروکات و دفاتر او بوکیل تجار آن دولت تسلیم شود و قرض و طلب او را باشخصها و وکیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود

ماده ششم اگر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد باید از این دهکده بدوستی ابدی دولت علیهٔ ایران و دولت بهیهٔ اسپانیول بهیچوجه خلل و فتوری نرسد

ماده هفتم این عهدنامهٔ دوستی و تجارت که مابین دولتین بنهج کذشته در ضمن هفت ماده قرار داده شده است ببرکت خداوند یکانه امنای دولتین متعاهدتین جمیع مواد آنرا دایم مرعی داشته بهیچوجه بارکان آن خلل نخواهد شد و انشاء الله در مدت پنجاه سال یا کمتر عهدنامهٔ مزبوره بامضاء و مهر امنای دولتین علیتین برسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد و خاتمهٔ این هفت ماده که بتصدیق وکلای طرفین در دو نسخه بطریق واحد انجام پذیرفته بعد از مهر و امضای طرفین در دار الخلافه اسلامبول بتاریخ سیم مرج مطابق بیستم محرم الحرام هزار و دویست و پنجاه و هشت هجری و سنه هزار و هشتصد و چهل و دو عیسوی عوض و مبادله کردید

محمد ابن سید صالح حاجی سید محمد باقر رشتی مجتهد ساکن اصفهان از اجلهٔ علما بعد وفات جنان رفیعا علی الله مقام و آقا سید اسد الله فرزند ارجمند مرحوم از عتبات عالیات با اصفهان آمده بر مسند پیشوائی نشست و محمود ابن شهباز خان دنبلی قورچی باشی و لباشی کرد در اصفهان نایب منوچهر خان معتمد الدوله بود و صاحب کمال و اخلاق و نظم و نثر در کذشت و پسرش شهباز خان منصب پدر یافت و وفات سید صدر الدین در قول از اکابر علما (ترکستان) فوت اللهقلیخان خوارزمی که هیجده سال در خوارزم حکمرانی داشت و مدفون شدن او در مقبرهٔ پهلوان محمود قتالی و برقرار شدن رحیم قلیخان پسرش بجای او و بحکمرانی (افغانستان) محمد اکبر خان پسر امیر دوست محمد خان والی کابل در کال اجلال بکابل آمده بحکمرانی بپردازد و امیر دوست محمد خان که در هندوستان محبوس بود رها شده بکابل می آید کهندلخان فتح جنك بن شجاع الملك را شکست داده در قندهار بحکمرانی مشغول میشود شجاع الملك در کنار جمن دروازه لاهوری مقتول شده و اموال او را هب مینمایند امرو پا (الماس) یافتن سخت در شهرها مشهور کرد که چندی نامداد

دارد (انگلیس) بر دن محفظ و غلاو کمی پول نجات یافتن ملکه در ثانی از کشته شدن بجهة انتظام کشیدن از افاغنه
ژنرال پلاک با عساکر زیاد وارد کابل میشود بعد از معاهده با افاغنه سردار انگلیس بهند معاودت میکند شهر
کابل و جلال آباد در او بران میباشد قنسول انگلیس در بتوز مقیم خواهد بود (فرانسه) ولیعهد دولت از کاسکه افتاده
میمیرد و پسر چهار ساله اش در کنت دُپاریس ولیعهد میشود (روس) شامیل در قفقاز غلبه بر عساکر روس مینماید

سنه ۱۲۵۹ هجری — سنه ۱۸۴۳ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال ناخوشی نفرس که مزاج مبارک اعلیحضرت هایون شهریاری محمد شاه را از طریق اعتدال منحرف
داشته اشتداد نمود اگرچه شدت اینمرض بعد از سفر اصفهان بود چنانکه نواب مستطاب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد
میرزا در کتاب جام جم میفرماید پس از سفر اصفهان ناخوشی نفرس که از قدیم بنزاین ناخوشی راداشت غلبه کرد پس از
آن بسلام عام بدیوانخانه مبارکه تا مدت حیات نتوانستند آمد و سلام اعیاد در عمارت باغ که نشیمن سلطانی بود
منعقد میشد خلاصه بواسطه اشتداد نفرس و بخوبی اطبا موکب اعلی بطرف چشمه آب کرم که در حوالی فرزین است
هضت فرما گردیده و بعد از انکه چند گاهی در آن منتزهات بسر بردند بچمن دریاولک تشریف فرما شدند و از
چمن دریاولک بولایان نزول اجلال فرمودند و خدام حرم سلطنت و شاهزادگان عظام را باین ییلاق احضار
نمودند و پس از انقضای فصل گرما و ییلاق بدار الخلافه باهره معاودت کردند در این سال حاجی سید کاظم
رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی در گذشت و سید علی محمد شیرازی شاگرد حاجی سید کاظم رشتی دعوی بابیت نمود
و اینمعنی رفته رفته اسباب فتنه عظیم گشت بنحویکه سید علی محمد شیرازی پسر میرزا نام بزاز در بدایت
عمر بتحصیل علوم پرداخته و هنوز بهره از آن حاصل نکرده بریاضت شاقه مشغول شد و در شدت گرما در
بندر بوشهر بالای بام سر برهنه دعوات برای تسخیر آفتاب میخواند و این خیالات باطله او را خشکی مغز که از
تابش آفتاب بگرم بوشهر حاصل شده بود تکمیل نمود و بعتبات عالیات رفته سالی دو در حوزه درس حاجی سید
کاظم حاضر شد چون حاجی سید کاظم در گذشت سید علیمحمد با بعضی از شاگردان حاجی سید کاظم بمسجد کوفه رفته
چهل روز ریاضت کشیدند و یکمرتبه سودا بسرش زده گفت من باب و بابیان از ابواب داخل بهوت شد و هر کس
این کند گمراه است چیزی نگذشت که بر ادعای خود افزوده دعوی مهدویت نمود و گفت سال دیگر دعوی
خود را در مکه ظاهر و خروج خواهم کرد و خونها خواهم ریخت و شما نامه که بمن مینویسید با مرکب و مداد ننویسید
بلکه با سر خنی بنویسید که این نیز علامتی حاضر است و در اذان و اقامه نماز بگویند اشهد ان علی محمدا بقیة الله و
اکنونکه من پدیدار گشته ظهور حق تمام گشته چه محمد و علی و من بودند و اکنون هر دو منم که نام من علیمحمد است و این هر دو
بامن بیعت کرده اند و کمال معجزه من اینست که روزی هزار بیت کتاب کنم و گاه باشد که هزار بیت بمناجات سخن گویم و استیلای
من بر تمام دنیا خواهد بود و تمام ادیان را امت واحده خواهم نمود بالجمله خرافات بهم میبافت و اسامی انبیا و ائمه
را بر هر دوان خود مینهاد و برای بکرزن بیشتر از یکشوی تجویز میکرد و بمکه رفت که دعوت خود را ظاهر کند بعضی او را
تخویف نمودند لهذا بیوشهر آمد و جمعی از مریدان خود را بشیراز فرستاد که مردم را باو بخوانند و این در وقتی بود
که چنیخان امیر دیوان شده و حکومت فارس استقلال داشت پس از انکه چنیخان از واقعه آگاه شد چند تن از
پیروان او را بدست آورده پیاتها را بریدو کس بهوشهر فرستاده سید علیمحمد را در نوزدهم رمضان بشیراز آوردند
و بدو معنی بلوا اظهار ارادت نمود و گفت که من تو بچاکر فارس را با تو حرکت دهم و با منکران تو جنگ کنم سید علیمحمد گفت

چون

چون دینار امسخر کردم مملکت روم را بتو خواهم داد حسینخان جواب داد شاه صاحب اختیار گفت بهتر آنست که جنت خود را بر
علمای عصر تمام کنی تا تابع تو گردند آنوقت کار عامه سهل است و مجلسی از علما و فقها منعقد نمود و سید یحیی پسر سید جعفر
دارابی معروف بکشفی که پیروی باب اختیار کرده بود نیز در آن مجلس حاضر شد سید علیمحمد باو گفت شما چگونه از متابعت من
سر پیچید و حال آنکه از پیغمبری که بدین او هستید جز قرآنی در میان نیست و قرآن من افصح از آنست و دین من ناسخ دین آن
پیغمبر میباشد علما بنا بر مواضعه که با حسینخان داشتند ساکت شدند حسینخان گفت بهتر آنست که احکام خود را در
صفحه بنویسید تا همه بخوانند و پیروی کنند سید علیمحمد چند سطری نوشت چون علما بدیدند همه لحن و غلط بود حسینخان
صاحب اختیار گفت تو با این پایه و مایه چگونه دعوی برتری بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نمائی پس فرمان داد تا
او را از مجلس بیرون کشیدند و چوب بپا زدند او کلمات عامیانه در اظهار پشیمانی گفت و اظهار توبه نمود بعد از
آن روی او را سیاه کردند و بمسجد شیخ ابوتراب امام جمعه بردند او پای شیخ را بوسید خود را لعن کرد و مدت شش ماه
حبس بود تا خبر او در عراق منتشر شد و بر منوچهر خان معتمد الدوله مشتبه کردند که او از بنیکان است معتمد الدوله چند
نفر را بشیراز فرستاد سید علیمحمد را باصفهان آوردند و صاحب اختیار سید یحیی را از توقف در شیراز منع کرد
و او بیزد رفت و معتمد الدوله شیخ علما و حکما را جمع کرد و سید علیمحمد در آنمجلس از عهدهٔ سئوال و جواب بر نیامد و بطلان
اقوال او ظاهر گشت پس از آن باز معتمد الدوله وی را در منزلی مخفی داشت و شهرت داد که او از اینشهر رفته است
در سال هزار و دویست و شصت و سه معتمد الدوله وفات کرد سید علیمحمد فتنه خود را ظاهر و منتشر ساخت و کار را از
دولتیان بجهریق آورده در قلعه متوقف ساختند و پس از چندی در تبریز مقتول شد چنانکه بعضی از
تفصیلات آن در محل خود مذکور میگردد همه اینسال که سال هزار و دویست و پنجاه و نه باشد فاضل خان گروسی
صاحب تذکرهٔ انجمن خاقان در گذشت و شهر چوی از زلزله خراب شد امروپا (انگلیس) شورش در ایالتها امور
تصرف کردن انگلیس تمام پنجاب را (فرانسه) مسافرت ملکه انگلیس بپاریس مجادله امیر عبدالقادر با عساکر فرانسه
در الجزایر (یونان) شورش در اینمملکت باغوای روس

سنهٔ ۱۲۶۴ هجری — سنهٔ ۱۸۴۸ مسیحی

آسیا (ایران) پوشیده نباشد که در سال هزار و دویست و پنجاه و هشت عساکر بغداد بحکم بجنب پاشا کرد ایالت مطلع
را قتل و نهب کردند و در اینوقع چون اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه در بستر بیماری بودند امنای دولت علیه
واقعه را مستور داشته بعرض حضور مبارک نرسانیدند پس از آنکه واقعه معروض و مسموع جاکران حضرت سپهر بسطت
معلی گردید بخشی که از کار محمره در خاطر مهر مظاهر اقدس بود اینگاه صد برابر بر آن افزود و چون چندی بگذشت
سفراء و وزرای خارجه باصلاح ذات البین پرداختند و مقرر شد از دول اربعه روس و عثمانی و ایران و انگلیس چهار نفر
وکیل تعیین شود و وکلای مزبوره در مجلسی جمع شده گفتگو نمایند و بموجبات استرضای خاطر امنای دولت علیه
ایران پردازند بنابراین باشارهٔ حاجی میرزا آقاسی میرزا جعفرخان مشیر الدوله که از سفارت اسلامبول مراجعت کرده
بود بانجمن مامور شد و قرار دادند مشارالیه با اتفاق وکلای دیگر در ارزنة الروم توقف کنند و در باب
امر خوضی نمایند و قراری دهند چون میرزا جعفرخان مشیر الدوله از طهران ببتبریز رسید مریض شد و در بستر
ناتوانی افتاد حاجی میرزا آقاسی میرزا تقیخان فراهانی وزیر نظام را از تبریز بجای مشیر الدوله تعیین نمود و او نیز
دویست نفر از معارف اهل نظام را لوازم حرکت و سفر داده با آنها بارزنة الروم رفت و در عرض راه سرحدداران

اراده استقبال و پذیرائی شایان کردند و از جانب دولت عثمانی انوار افندی نیز بوکالت بارزنة الروم آمد و مقرر شد
هر روز در منزل یکی از وکلای اربعه حاضر شده گفتگو نمایند و حاصل مقالات خود را بنویسند تا مسئله بانجام
رسد صبحدم مجلس برای این محاوره منعقد شد و انجام آن سه سال طول کشید همدر اینسال موکب همایون پادشاه
بشکارگاه کرج و سلیمانیه تشریف فرما گردید و در اوان توقف در این ناحیه روزی که از رود کرج عبور فرمودند
و آب بزرد خانه بدقت ملحوظ کردید معلوم شد که بیشتر آن بامکنه و اودیه میرود که قابل زرع و کشت نیست و فایده
از آن حاصل نمیشود و آب زیاد عبث تلف میکرد لهذا بخاطر موهبت مظاهر اقدس خطور کرد که اگر نهری از این رود بدار
الخلافه طهران جاری کنند اسباب آبادانی و آسایش اهالی شهر خواهد شد و مکنون ضمیر منیر همایون را بحاجی میرزا
آقاسی اظهار فرمودند حاجی میرزا آقاسی چون از روی طبع و فطرت شوقی بحفر قنوات و جاری ساختن انهار و آبادان
کردن اراضی بایره و صحاری عزیز مزروع داشت جمعی را بسر چشمه رود خانه فرستاد و در مقام تحقیق و تدقیق اینکار
برآمدند و قرار دادند از رود کرج تا شهر طهران که هفت فرسنگ مسافت و راه استطهری بریده قسمتی از آب کرج را
بواسطه آن بدار الخلافه رسانند بنابراین قرارداد مشغول کار شدند و شانزده هزار تومان خرج کردند و منظور
و مقصود حاصل نشد پس از آن بخیال افتادند که از نهر فرنیه و سمنارد که اصل آن از رود کرج استطهری بریده بشهر
آورند و چنین کردند اما چون این نهر چندان وسعتی نداشت آب آن کافی نبود لهذا باردیگر بر وفق قرارداد حاجی میرزا
آقاسی معمار باشی و جمعی مامور شد که از اصل رود خانه کرج نهری جدا کرده از خاک و سنگ و معابر تنگ گذرانیده
بشهر طهران برسانند و جمعی باجرای این مقصد پرداختند و این بار بر قصد یکه داشتند فایز گشتند و در سال
کار بودند و دوازده هزار تومان خرج شد همدر اینسال زلزله با غلبه های سراب کرمرود آذربایجان خرابی وارد
آورد اروپا (عثمانی) احداث خبر جدید چوبی در اسلامبول

سنه ۱۲۶۰ هجری — سنه ۱۸۴۴ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال بامر اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه بشهید حشن سوق و عروسی حضرت مستطاب لیعهد
گردون مهد دولت قویشوکت علیه ناصر الدین میرزا (اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه وسلطانه) پرداخت
و صبیه مرضیه نواب شاهزاده احمد علیمیرزا را برای ازدواج حضرت مستطاب معظم انتخاب فرمودند و میرزا بنی خان امیر
دیوان که از حکمرانی فارس معاودت کرده و مردی کافی و کاردان بود طوی بپای این سور و سرور کردید و برای اینکه
آتشبازی و شلیک توپ خمپاره بقصور خانه و ابنیه باروطه ضرری نرساند مقرر شد بر خارج شهر در بالای عمارت باغ
نگارستان محلی را مسطح ساخته بنیانهای مستحکم از سنگ و آجر و چوب بسازند و آنجا را جشن گاه قرار دادند و در
موقع این جشن همواره طهران کرم و موکب همایون بر بیلاق شمیران بود از اتفاقات حسنه انکه در عرض یکهفته که
موکب همایون از شمیران با تمامی خدام حرم جلالت و حشمت بین درکاب اقدس بجهت این جشن همایون تشریف فرمای نگارستان
شدند باد های خنک و وزیدن گرفت و ذات اقدس پادشاهی و سایرین از حدت و شدت گرما محفوظ ماندند چون
بشمیران باز گشتند باز هوا کمال حرارت را بهمرسانید بالجمله روز شنبه هشتم ماه جمادی الثانیه صبیه مخدره نواب
شاهزاده احمد علیمیرزا را برای حضرت شاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه عقد بستند و در شب سیزدهم و
هفتم همین ماه شروع بلوازم جشن و سور و شبلان نمودند و شب جمعه پنجم رجب شب عروسی بود و آنچه در خور این جشن
بزرگ و سور لازم الشرح بود بوجه اکمل بعمل آمد خلقی شادی کردند و بسیاری به نیل مکارم و مواهب سنیه همت

کوشیدند

کردیدند همدانیسال در ماه مبارک رمضان مزاج مبارک پادشاهی باز از طریق اعتدال خارج گشت و ضعف قوت کرفت و وجع نقرس شدت یافت امنای دولت و کارکذاران منزلزل و بکباره بخیال ذات همایون بودند لهذا فتنه جویان و قطاع الطریق موقعی بدست آوردند و راهها مخوف کردید و اطبای ایرانی و روسی و فرنکی بمعالجه اعلحضرت شهریاری آمدند و مزاج مبارک روی بهبودی نهاد و در عید صیام سلام عام منعقد و فاطبهٔ خدام آستان مبارک بن یارت جمال شهریار غازی فایز و بر مراد کار عالمیانرا حامد و شاکر کردیدند همدانیسال ژنرال در انسوف جانشین قفقاز بحکمرانی کرجستان آمد و میرزا جعفرخان مشیرالدوله برای تهنیت ورود او با یکقطعه نشان مثال همایون و یکرشته تسبیح مروارید روانه تفلیس شد و از جانب نواب بهمن میرزا حکمران آذربایجان محمدخان بیکلربیکی ابن فتحعلیخان بن هدایت الله خان رشتی با هدایا بهمین قصد حرکت کرد و پس از ایام مامور بت هردو فرستاده بازکشت همدانیسال از این وان بسبب ناخوشی و ضعف بنیه اعلحضرت شهریار غازی خیالات منشت شد بعضی هواخواهی حضرت مستطاب ولیعهد دولت علیه و برخی بخیال همراهی نواب همین میرزا رجماعتی دور اللهقلی میرزا ابن موسی خان بن حسینقلی خان کردختزاده خاقان مغفور و ربیب جم میرزا آقاسی بود جمع شدند و همه بطور نفاق با هم اختلاط داشتند چون مزاج همایون رو بهبودی نهاد اللهقلی میرزای ایلخانی را بحکومت برجرد و کلپایکان فرستادند و شاهزاده ملک قاسم میرزا ابن خاقان مغفور را بسلام حلال النور کرسابقا حکومت برجرد داشت از دارالخلافه بآذربایجان مامور شد که یکهزار تومان از میرزا نظر علیخان حکیمباشی قرض و بمصادره کرفته ارسال دارد و حکیمباشی مشارالیه بقم رفته در آنجا اقامت کرد و میرزا آقاخان وزیر لشکر را احضار فرموده در خصوص مبارک چند چوب باساق بر پای او زدند و میرزا رحیم پیشخدمت را برای کاشته تا ده هزار تومان از او بطور مصادره دریافت نماید و برادر بزرکتر میرزا آقاخان میرزا فضل امیر دیوان را بتوقف کاشان محکوم ساخت و شعلهٔ خیالات فتنه انکیز جماعت دوباره نهاد ولی مقدمهٔ فتنه خراسان که آن نیز از نتایج خیالات منشئه بزرکان دارالخلافه بود شروع کردید همدانیسال مردم زنجان بر علی اشرفخان ماکوئی بشوریدند و احمدخان نوائی با حضار او روانه شده چون علی اشرفخان بدارالخلافه آمد معزول کشت همدانیسال محمد کاظمخان پسر امیر محمدحسینخان کاشانی شیبانی الاصل بمنصب استیفا برقرار کردید و مشارالیه پیش از این در کاشان و همدان در حکومت مرحوم شعاع السلطنه وزارت و پیشکاری داشته و پدر محمد کاظمخان امیر محمدحسینخان در دولت شاه شهید سعید آقا محمدشاه طاب ثراه خدمات لایقه نموده و بحکومت کاشان و نائم و نطنز و جوشقان برقرار کشته و پسر ارشد محمد کاظمخان فتح الله خان شیبانی تخلص صاحب مراتب فضل و هنر و دارای فواید سیاحت و سفر است در نظم و نثر ماهر و استاد و از بدو دولت و مقدمهٔ فتح هرات تاکنون مشغول خدمات دولت ابد بنیاد است همدانیسال رجعلی بیک پسر خان آقا بمنصب یاوری توپخانه و خطاب خانی سرافراز شد و مقرر کردید با ابوالجمعی خود ملتزم رکاب حضرت مستطاب ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران باشد اروپا (المان) ایجاد اکسپوزیسیون در برلن (فرانسه) مولوی عبدالرحمن سلطان مارک متصرفات فرانسه را در الجزایر بتصرف میباید منازعه فرانسه با مارک و مصالحه با آن دولت مسافرت پادشاه فرانسه بلندن ایجاد اکسپوزیسیون صنایع در پاریس (سوئد) فوت برنادوت پادشاه و جلوس پسرش اسکار اول بجای او

همدانیسال میرزا محمدحسن آشتیانی مستوفی الممالک درسن شصت و هفت سالکی دردار الخلافه درکذشت و میرزا یوسف پسرش بمنصب پدر نایل و مستوفی الممالک کشت

سنهٔ ۱۲۶۰ هجری — سنهٔ ۱۸۴۱ مسیحی

آسیا (ایران) از وقایع عمدهٔ امسال فتنهٔ خراسانست و تبیین این مقال انکه اللهیارخان آصف الدوله خال

اعلحضرت

اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه را با حاجی میرزا آقاسی صفائی بنود وجهت این کدورت انکه اختیار کل امور دولتی
باحاجی میرزا آقاسی و زمام اختیار خراسان را آصف الدوله بدست داشت ومحمد قلیخان پسر آصف الدوله که حاجب اعظم بود
ومقرب بحرم کاهی مطالب عرایض پدر را دخفا بعرض حضور مبارک میرسانید واز انطرف اللهقلی میرزا ابن موسی
خان بن حسینقلی خان کرانطرف مادر نبیرهٔ خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه ومادرش در جلالت از ازواج حاجی میرزا
آقاسی بود وپیش از این ایلخانی ایل جلیل قاجار کردیده ودر مناصب واشغال دولتی فیمابین اعلیحضرت همایون وحاج
میرزا آقاسی وسائط داشت ودوست ودشمنی او برای هرکس نهایت مؤثر بود کاهکاه از محمد قلیخان ومنتسبان او در
حضرت سلطنت یک میکفت اینفقره اندك اندك اسباب نفار کلی فیمابین آصف الدوله وحاجی میرزا آقاسی کردید وچون
برحاجی ظفر نیافت رویدل از آستان مبارك برتافت واندیشه کرد که اکر نوبت سلطنت بحضرت مستطاب ولیعهد دولت
علیه مسد سلسله دولو عزتی نخواهند داشت واکر کار بهمن میرزا بالا کیرد برای ما اولی خواهد بود لهذا با بهمن میرزا
برسایل ووسایل بنای مواضعه را کذاشت واین مطالب در عتبه علیه معروض شد ودر مقام تحقیق بودند وحسنخان
سالار با ولد آصف الدوله که نبیرهٔ خاقان خلد آشیان بود بخیالهای خام افتاد وتصور کرد که با قوتیکه در خراسان
دارد اکر با بهمن میرزا اتفاق کند ووقتی بطهران رانند استیلا بهم رساند وبهمن میرزا را بسریر حکمرانی وشاهی
بنشاند (مرا عار آید از این زندکی که سالار باشم کهتر بندکی) بنابراین خیالات فاسده اینا وقت در اجرای اوامر
علیه مبانی مماطله را کذاشت وبعذرهای ناموجه متشبث کشت وباجعفر قلیخان شادلوی ایلخانی وصلت کرد وچون
جعفر قلیخان ببار الخلافه احضار شد او در فتن مشار الیه را امضا نمود وحاضر نشد جعفر قلیخان معصوم را ظاهر ساخت
برای مزید استحضار سلیمانخان دنبلی را بهانهٔ حکومت بسطام بآن سرحدها مامور فرمودند واو وقایع خراسان را بواسطه
عرایض بدربار پادشاهی ایصال داشت وچون در همین نزدیکی جعفر قلیخان بر سر محمد حسینخان نزدیکی که از حق قلکذاران
صدیق دیوان بود رفته ولایت واموال او را تصرف نمود واهل وعیال او را اسیر کرد ومحمد حسینخان خود از میان
بدر رفته ببار الخلافه آمد ومعلوم شد مصالح حسینخان اینست که از اکابر ایلات کردی کرفته بکلات فرستاد پس از
ترتیب مقدمات فی الضمیر خود را اظهار کند همدر اینسال حاجی میرزا موسی خان برادر مرحوم قایم مقام که متولیباشی و
رضویه بود در چهل ودو سالکی در کذشت آصف الدوله باجازهٔ همایون خود متقلد این خدمت کشت وصورتیکه
حاجی میرزا عبد الله حوئی از منتسبهای خاص این دربار پادشاهی منصب متولیباشی کری یافت خلاصه وزبردست آثار
خلاف ظاهر کردید همدر این ایام اللهقلی میرزای ایلخانی که بر وجود بحکومت دخته بود بامر حکومت ونظم ولایت چندان
اعتنائی نکرده قدری بهوا وهوای نفس شد ومحمود خان ملك الشعراء که مردی کامل وعاقل بود هرچه صلاح او نمود فایده
نکرد دخترا او را باجاره بردند وخرج زیاد بکردنش ماند وبنا بر تحریض او باش راه دار الخلافه پیش کرفتند حاجی فرامرز
بیك مشعلی از شهریار غازی برای او برده در منزل حوض سلطان باو رسانید وحسب الامر اللهقلی میرزای ایلخانی
روانهٔ عتبات عالیات شد ونواب معدلتقلی میرزا بحکومت بروجرد رفت همدر این سال اهالی دزنه الروم بمنزل
میرزا تقیخان وزیر نظام مامور دولت علیه ایران حمله نمودند در شرح سال هزار ودویست وشصت نکاشته شد
که میرزا تقیخان وزیر نظام بجهت کشتکوی قتل کربلای معلی وخرابی محمره بار دزنه الروم مامور شد که با نفاق
وکلای روس وانکلیس وعثمانی قرار داد اینکاره شد که بعد ها چنین حوادث ساخ نشود وبر ضبه واشرهای دولت
علیه اقدام رود وچون اینها بطول انجامید وبعد از چهده مجلس اجلاس مسئله با نجام نرسیده ها الی اردنه الزوم

فصل کردند این اجماع را از شهر خود متفرق و دور سازند و چون سفیر ایران را ما بین میدانستند جمعیت کرده بخانه و
خیمه که نسبت بیکی از ملازمان میرزا تقیخان بسته بود ند منزل او را احاطه نمودند و اسعد پاشا والی ولایت نیز در باطن
با عوام همراهی داشت خلاصه کار و قاحت را نموده یکدو نفر از ملازمان سفیر ایران را بکشتند و چند تن دیگر مجروح شدند
و میرزا تقیخان وزیر نظام با وجود کمال خطر بوقار میکذرانید بحری پاشا که منصب فریقی یعنی امیر بحری داشت مضطرب
شده از وخامت انعمل اندیشید و با افواج و توپخانه بدرسرای سفیر ایران آمده بزحمت مردم را متفرق کرد و از سفیر
ایران عذر خواست و اسعد پاشا را از نتایج ناکوار اینکار و بدنامی دولت حذر داد نمود اسعد پاشا و قاضی و وکلای دول
انکلیس و روس و عثمانی بمعذرت بمنزل میرزا تقیخان آمدند و بحری پاشا سفیر ایران و همراهان او را باردوی
نظامی برد و سفیر معزی الیه خواست بتوپ زمراجعت کند وکلای دول مانع شدند و نوشته سپردند که تا بیست و دو
دیگر اگر کار بخوبی نکذشت سفیر در مراجعت و غیره مختار باشد و از آنجا که دسپاچی از اموال سفیر ایران را بغارت برده بودند
صورت حسارت را مصحوب چاپار باسلامبول فرستادند در روز بیست و دویم یوزباشی مهتر باورجی (اجودان سلطان)
با پانزده هزار تومان غرامت باستر ضای سفیر ایران آمد و اسعد پاشا معزول شد و عارف پاشای حاجب باربزرك نیز
بعذر خواهی در رسید و حکومت ارزنة الروم بحری پاشا و اکذاشتند بعد از چندی یکنفر پاشا و دو فوج از افواج بکرفتن مقصرین
آمد و سیصد نفر از آنها را با قاضی و کهیای و زیر بکرفتند و باسلامبول برده سیاست کردند ولی مقارن این حال
بحری پاشا با تیر تفنکی مقتول شد و قاتل معلوم نکشت خلاصه عهدنامه مودتی از اسلامبول آوردند و احترامات فوق
العاده بسفیر ایران کردند و سفیر از ارزنة الروم بتبریز و از تبریز بدار الخلافه آمده عهدنامه را بحضور همایون موصول
داشت و صورت عهدنامه مزبوره از قرار ذیل است

صورت عهدنامه منعقده فیما بین دولتین ایران و عثمانی

غرض از ترقیم و نکارش این کلمات خجسته دلالات آنکه از مدتی با اینطرف چون فیما بین سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت
دوران مدت علیه ابدی الدوام باد دولت علیه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود بر حسب مقتضای
الیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهة جامعه اسلامیه که میان دولتین علیتین در کار و افکار سلیمه
که طرفین علیتین بدان منصف میباشند باسوء تفاهم نوادر نزاعیه را بر وجه موافق و مناسب فیما بین دولتین
علیتین بتجدید تاکید بنیان صلح و مسالمه و تشیید ارکان موالات و مودت از جانبین دولتین علیتین اظهار رغبت
و موافقت شده برای تنظیم و مذاکره موادعارضه و تحریر دستور اسناد مقتضیه برحسب فرمان همایون اعلیحضرت
قدر قدرت کیوان حشمت مملکت مدار ملك کیر آرایش تاج و سریر جمال الاسلام و المسلمین جلال الدنیا و الدین غیاث
الحق و الیقین مقهر بیان الماء و الطین ظل الله الممدود فی الارضین حافظ حوزه مسلمانی داور جمشید جاه دارا بارث سنکا
انجم سپاه اسلام پناه ذیبخش تخت کیان افتخار ملوك جهان خدیو دریادل کامران شاهنشاه ممالك ایران السلطان
بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان محمد شاه ادام الله تعالی ذمام سلطنته فی ظلك الاجلال
و زین ظلك قدره بمصابیح کواکب الاقبال سنده درکاه آسمان جاه میرزا محمد تقیخان وزیر عساکر منصوره نظام کر
حامل نشان شیر و خورشید مرتبه اولسر تیپ و حمایل افتخار سبز است بوکالت مخصوص روانه کشته و نیز از
طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلك تاجداری بدرافق شهریاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرین و خاقان
البحرین خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکة و الشهامة السلطان بن السلطان بن السلطان عبد المجید خان جناب

عجبت مآب عزت نصاب انوری زاده السید محمد انوری سعدالله افندی که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صفات اولا زرتبه اولی و حامل نشان مخصوص مزین آن رتبه است مرخص و تعیین شده بروجه اصول عادیه بعد از نشان مادون ملاحظه و مبادله وکالت نامه ها مبارکه انعقاد معاهده مبارکه در ضمن نه فقره آتیه قرار داده شده که در این کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقده ارزنة الروم مبادله میشود

فقره اول دولتین اسلام قرار دهند که مطلوبات نقدیه طرفین را که تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلها ترک کنند ولکن با استقرار بمقاولات مشروحه محضوصه مندرجه در فقره چهارم خللی راه نیابد

فقره دویم دولت ایران تعهد میکنند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را بدولت عثمانی ترک کند

و دولت عثمانی نیز تعهد میکنند که جانب شرقی ولایت یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کرند بدولت ایران ترک کند و دولت ایران قویا تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد و قتا من الاوقات بکطور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانی نیز قویا تعهد میکنند که شهر و بندر بحره و جزیره الخضر و لنکرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است بملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتیهای ایران بآزادی تمام از محلی که بحر منصب میشود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند

زهاب ۲

فقره سیم طرفین معاهدتین تعاهد میکنند که باین معاهده حاضره سایر ادعاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تاخیر و مهندسین و مامورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند

فقره چهارم طرفین قرار داده اند که حسارا تیکه بعد از قبول اخطار اند و ستانه دو دولت بزرك واسطه که در شهر جمادی الاولی سنه هزار و دویست و شصت و یك تبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شده و هم رسوماتی را که از سالی که تاخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت و صول و احقاق حق شود از دو جانب بلا تاخیر مامورین را تعیین نمایند

فقره پنجم دولت عثمانی وعده میکند که شاهزادگان فراری ایرانرا در برسا اقامت داده غیبتشان آنها را از محل مذکور و مراوده مخفیه آنها را با ایران رخصت ندهد و از طرف علیشین تعهد میشود که سایر فراری بموجب معاهده سابقه ارزنة الروم عموما رد شوند

فقره ششم تجار ایران رسم گمرك اموال تجارتی خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره نقدا یا جنسا بوجهی که در عهدنامه منعقده ارزنة الروم در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ماده ششم که در باب تجار مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود

فقره هفتم دولت عثمانی وعده میکند که بموجب عهدنامه های سابقه امتیازاتیکه لازم باشد در حق زوار ایرانی جاری دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال امنیت محلهای مبارکه زاکه کائن در ممالك دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد میکنند که بمزاد استحکام و تاکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است بین دولتین اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسبترین مسائل را استخصاص نمایند تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالك دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نایل میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور

بوده خواه در تجارت خواه در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بجرمی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزها
از طرف دولتین ایران برای منافع تجارت و حمایت شعبه و تجار ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب
تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول مینمایند و وعده میکنند که کافه امتیازاتیکه
شایسته منصب مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد در حق قونسولهای سایره دولتهای دیگر جاری میشود در حق آنها
نیز جاری بشود و نیز دولتین ایران تعهد میکنند که بالیوزهائیکه از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای ممالک ایرانیه که
لازم بیابند نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق شعبه و تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد میکنند معامله
متقابله را کاملا اجری دارند

فقره هشتم دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند
تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد دولتین علیتین تعهد میکنند که
از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت که در اراضی یکدیگر وقوع مییابد برآیند قرار دادند عشایریکه متشارع
نیباشد و صاحب آنها معلوم نیست مخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت خواهند کرد یکدفعه
باراده اختیار خودشان حواله شود و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است چیرا باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند

فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصا معاهده که در سنه هزار و دویست و سی و هشت در ارزنة الروم
منعقد شده که بخصوصه باین معاهده حاضره القا و تغییر نشده مثل انکه کلمه بکلمه در این صفحه مندرج شده باشد کافه
احکام و قوت آن ابقا شده است و بنابراین دو دولت علیه قرار داد شده است که بعد از مبادله این معاهده بدو طرف
دوما یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و امضا شده بتصدیق نامه‌ها آنرا مبادله خواهند کرد و کاندلك فی یوم
سادس عشر جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و شصت و دو

هم در اینسال ناخوشی وبا در دار الخلافه بروز کرد و اردوی همایون و خدام حرم جلالت و حاجی میرزا آقاسی و بعضی از
امنای دولت بییلاق لواسان رفتند پس از چندی در اردو نیز وبا افتاد و جمعی از معارف باین ناخوشی درگذشتند
و موکب همایون بلواسان نزدیك رفته و پس از چندی توقف در اواخر ماه شعبان بر نیاوران معاودت کردند همدر این
اوقات خبر رسید که رحیم قلیخان بن اللهقلیخان خوارزمی بعد از پنجسال احکمرانی درگذشته است و چون رحمن قلی
تورە یعنی خانزاده منصب ایناقی داشته و بقانون اوزبك بجای پسر سید محمد امین خان برادر کهتر رحیم قلیخان خان
خیوه شده است بنابراین از دربار پادشاهی میرزا رضا بتهنیت و تعزیت بخوارزم رفت همدر اینسال کنیاز
داالغورکی از جانب دولتین و سن یوزیر مختاری بدربار دولت علیه آمده مقیم شد و وزیر مختار سابق معاودت
نمود همدر اینسال آب رود کرج که پیش بدان اشاره نمودیم بخارج شهر طهران جاری شد و موکب همایون از
مقر قاجار بتماشای این نهر تشریف فرما شده بعضی تشریفات بعمل آمد همدر اینسال محمد حسین میرزای حشمة الدوله
که در تبریز اقامت داشت درگذشت و میرزا محمد شفیع شیرازی مشهور بمیرزا کوچك متخلص بوصال از فحول
شعرا و خوشنویسها و ارباب کمال و حال در شیراز وفات کرد و نشاطی خان هزار جریبی شاعر نیز در اینسال
بدرود زندگانی گفت همدر پاراگلیس (حرکت فرانکلن بطرف قطب شمال (فرانسه) شورش سخت در مملکت
الجزایر باغوای امیر عبد القادر مخاصمه فرانسه با مکزیك معاهده با امام مسقط (عثمانی) شورش طایفه ارناؤوت
طایفه دروز در لبنان نسبت بطایفه مارونیك که مسلمان صدمات زیاد میزنند

سنه ۱۲۶۳ هجری — سنه ۱۸۴۶ مسیحی

آسیا (ایران) دراین سال حسنخان سالار ولد اللهیارخان آصف الدوله خالوزادهٔ اعلیحضرت شهریار غازی محمد شاه عصیان او خودسری خود را آشکار کرده و آخر آصف الدوله او را تنبیه کرد سودی نبخشید آخر الامر آصف الدوله شبانه گفت من صد هزار تومان برداشته بطهران میروم اگر دارم سلطنت اختلالی است من نیز مردم را برانگیخته همین میرزا را از آذربایجان تحریض مینمایم و تو را خبر میدهم که راه دارالخلافه را پیش گیری و مقصود حاصل شود و اگر اختلالی در کار نباشد باجاجی میرزا آقاسی دوستی کنم و این صد هزار تومان را بملازمان حضرت سلطنت پیشکش نموده حکومت قوچان واستراباد و سمنان و دامغان را ضمیمه حکمرانی خراسان مینمایم آن وقت بهتر میتوانیم حال خود را بانجام رسانیم خلاصه آصف الدوله بطهران آمد و با آنکه چندان محل اعتنا نشد فرمانی صادر کرد که سالار متولی باشی باشد و میرزا محمد خان پسر دیگر آصف الدوله بخراسان رفته بنیابت آصف الدوله حکومت کند و سلیمانخان حاکم بسطام پانصد نفر تفنگچی و یکصد سوار و دو عراده توپ با میرزا محمد خان تا مزینان نفرستند بدینمنوال میرزا محمد خان از بسطام گذشت و بسالار پیغام داد که توپ و سوار بسطام را ببهانه همراه آورده ام اگر اذن میدهی تصرف کنم سالار در جواب گفت هنوز زود است میرزا محمد خان توپ و سواره و پیاده بسطام را باز پس فرستاد و نزد سالار رفت سالار و جعفرقلیخان ایلخانی شادلو بنجال افتادند که کلات را تصرف کنند و معقلی در دست داشته باشند و چنین کردند بعد از آن جمعیت کثیری فراهم آورده عازم تسخیر دارالخلافه شدند چون آصف الدوله از واقعه باخبر شد اجازه سفر مکهٔ معظمه حاصل نموده روانه گردید و مخارج کزافی در اینسفر نمود و اغتشاش و افزه بداد و ابراهیم خلیل خان سرتیپ ابن حاجی اسمعیل خان با جمعی از پیاده و سوار از دارالخلافه بدفع سالار روانه شد و در غرهٔ رمضان ببسطام رسید و از آنطرف سالار با لشکری جرار تا سبزوار آمد و جعفرقلیخان شادلو را با دوازده هزار نفر مقدمة الجیش ساخته از راه کلاته خیج بقریهٔ فیهج آمده اتراق کرد و فیما بین دو لشکر کمتر از دو فرسنگ بود سلیمانخان حاکم بسطام و ابراهیم خلیل خان مشورت کرده قرار دادند که ابراهیم خلیل خان با جعفرقلیخان دوبرو شود اگر غلبه کرد منهما المطلوب و الا ببسطام آید بنابراین قرار داد ابراهیم خلیل خان با لشکر جعفرقلیخان دوسر فقره مصاف داده آنها را شکست دادند بعد از آن حسنخان سالار با بیست و پنجهزار سوار و پیاده خراسانی بمزینان رسید و محمد خان بنابری و جهانگیرخان کرجی را با هزار سوار بامداد جعفرقلیخان فرستاد و در این اوان محمد علیخان از سرداران آن ظفرهمرا با ده عراده توپ و چهار فوج سرباز از دارالخلافه بدامغان و از اینجا ببیارآمد و دوازده هزار سوار خراسانی قصد شبیخون و حمله بر اردوی محمد علیخان نموده ولی مغلوب و منهزم گشتند و ابراهیم خلیل خان در ده ملا محمد علیخان پیوست دیگر روز بعد بنواب حمزه میرزا (حشمة الدوله) برادر والاگهر شهریار با چهار ده عراده توپ و پنجهزار نفر در رسیدند و ابراهیم خلیل خان و محمد علیخان با اردوی شاهزاده ملحق گشتند و معلوم شد که سالار با بیست و پنجهزار نفر در میامی اتراق داشته و دوازده هزار سوار منهزم نیز بدو پیوسته مستعد قتال میباشند نواب حمزه میرزا بطرف میامی راندند و سالار باخبر شده آمادهٔ جنگ شد و چون احتمال قوه میداد که مقهور گردد چهارده راس اسب بجواهر خود سپرده آنچه میسر بود و چیز نفیس بر ترک اسبها بسته که اگر بنای فرار شد دست خالی نماند پس از این تمهید نایرهٔ قتال اشتعال یافته دست جلادت سواره و عساکر خراسانی بعضی سبقت شدند و برجی بر کاب والا آمده از سالار برتری نمودند سالار پسران خود را با جعفرقلیخان و سلیمانخان در مجری و شاهرخ خان قاجار کرمانی برداشته بجوین کریخت سلیمانخان در مجری

نزد نواب حمزه میرزا آمده اظهار عبودیت کرد و معروض داشت که سالار میخواهد در قلعه کلات متحصن شود نواب معظم
او را مامور نموده جزو دفع سالار نمودند سالار امیر اصلانخان پسر خود را با نفوذ و جواهر بکلات فرستاد که اگر بکلی
مقهور کرد خود نیز بدانجا رود و مردم کلات امیر اصلانخان را راه ندادند و او در خارج کلات بماند سالار نیز از جوین
به بوژنجرد آمده بوژنجردیان او را پذیرفتند لهذا با جعفرقلیخان بطرف آخال راند و چون چهل هزار تومان وجه نقد
همراه داشت ترکمانان بطمع زر سالار و همراهان او را پذیرائی کرده قرا اوغلان آن بیکی آنها پورت و آلاچیق خود جای
داده و طایفه توقمش را که تابع وی بودند نزد سالار آورد و اظهار خضوع و سجدت نمود از آنطرف نواب حمزه میرزا که سالار را
تعاقب میکردند ببوژنجرد رسیدند و چون شهر مشهد را نظمی نبود ابراهیم خلیل خان را روانه آنجا فرا قدس کردند و میرزا
محمد علیخان را بحکومت بوژنجرد و آن نواحی برقرار کرده خود نیز بمشهد مقدس رفتند محمد علیخان چون در بوژنجرد بدستور
کرد مردم بسالار و جعفرقلیخان ایلخانی متوسل شدند سالار و ایلخانی با مرا اوغلان و دو هزار سوار بوژنجرد آمده
اینشهر را متصرف شدند و محمد علیخان متواری شد و قشون ابوابجمعی او دارائی محصور کشته در مدافعه میکوشیدند
نواب حمزه میرزا از ماجری خبردار شده تعلیقه بزدان ویردیخان بن رضا قلیخان زعفرانلو نوشته او را مامور بوژنجرد
نمودند و محمد ولیخان قاجار نایب را نیز با لشکری بدانصاحب فرستادند و خود نیز عازم بوژنجرد گردید ایلخانی و سالار
چون دانستند که مرد میدان مقاومت نیستند بعضی از طوایف شادلو را کوچ داده و تراکمه واکراد اسپر بسپار را از سرزان
خاصه از طایفه بیات برداشته روانه آخال شدند و نواب حمزه میرزا ببوژنجرد آمدند و با انکه برف باریده و مسالک را
صعب نموده قصد تعاقب سالار و ایلخانی کردند و بمرانه که محل سکنای ایلخانی و طوایف شادلو بود راندند و چهل
دو روز در انجا رحل اقامت انداختند همدانیسال عبدالله خان امین الدوله اصفهانی در ماه شعبان در نجف
اشرف درگذشت و نواب شیخعلی میرزا ابن خاقان مغفور وفات نمود همدانیسال خسروخان کرجی بکردستان
مامور شد و بعضی بهمن میرزا نوشتند که خسروخان بگرفتن تو می آید لهذا بهمن میرزا بطهران آمد و اطمینان یافت
و چون خسروخان بکردستان رسید متقلد امور حکومتی گشته رضاقلیخان والی کردستان را که معزول شده بود
بدارالخلافه فرستاد همدانیسال میرزا جواد غلام پیشخدمت همشیرزاده میرزا محمد علیخان شیرازی وزیر امور
خارجه مامور باسلامبول شد که عهدنامه مرد لکه میرزا تقیخان وزیر نظام در ارزنة الروم بسته بود مبادله نماید
همدانیسال همین میرزا مجتهد را توهم کرده بسفارتخانه دولت روس رفت و بموجب شد تمام وزیر مختار دولت
روس معفو و دوانه تفلیس شده در خاک روس سکنی گرفت همدانیسال حاجی ملا محمد تقی برغانی که در شش ماهه مقرر بود در
هشتاد سالگی بجوار رحمت ایزدی پیوست همدانیسال هزار چهار صد و سی و
هشت قمری حاجی میرزا آقاسی خود آباد کرده بود و تقریبا در دو فقیه داشت بشخص همایون شهریار غازی
هبه و پیشکش نمود ارو پا (انگلیس) ژیرت پل بصدارت سوق میشود بعد از چندی دون زوئیل بصدارت
برقرار میگردد شورش در افغانستان کهنه ملک لاهور در هندوستان که بعد از فتح دوکرد دلیره از املاک لاهور
جریمه گرفته میشود (دوس) شورش در لهستان که بزودی دفع میشود (اسپانیول) مزاوجت ملکه با ابن عم خود

فرانسوا

فرانسه (فرانسه) بفات یافتن پادشاه در ثانی از کشته شدن فرار لوی ناپلیون از قلعه هام بروز محظ وغلا
در این مملکت طغیان آبها وخرابی شهرها انقلاب در الجزایر بواسطه امیر عبدالقادر لوی دیه منجم معروف ستاره
مطلوب را اکتشاف نمایدا اختراع پنبه بارو طی جمعیت فرانسه در اینسال هفتاد و یکم رواست (ایطالیا) فوت گریگوار
شانزدهم پاپ جلوس پی نهم بجای او (روس) برون و باد در بطرزبورغ که سه سال متداد میابد (عثمانی)
ایجاد مدرسه دارالفنون

سنه ۱۲۶۱ هجری سنه ۱۸۴۲ عیسوی

آسیا (ایران) در پنجم محرم اینسال جعفرقلیخان ایلخانی قصد تسخیر دشتبیخون باردوی نواب حمزه میرزا (حشمة
الدوله) کرد در ماندنی بود نمود ولی کاری از پیش نبرده جز انکه لطفعلیخان بغایری را که مامور بقلعه خان بود دستگیر
کرده بآخال برند وچون در میان قبایل توقعتش واو تمش در توقف سالار در آخال خلاف در گرفت سالار عازم
کلات گردید وپس از انکه دانست کلات بتصرف پیرش امیر اصلانخان در نیامده بسرخس رفته مهمان اراضخان رئیس سفید
تا انکه سرخس گردید وامیر اصلانخان پسرش با اهل وعیال بدو پیوست وپس از چندی معلوم شد جعفرقلیخان در محلی
از کردکان کمین کرده نواب حمزه میرزا عبدالله خان افشار صاین قلعه را باسواران افشار وخراسانی بر سراو فرستاده اورا
منهزم کردند وجعفرقلیخان بطرف هرات رانده بیارمحمدخان پیوست ونواب الاشی هفت فرسنگ راه طی کرده بسرخس تا انکه
تاخته جمعی را مقتول ودستگیر نموده آخر الامر بشفاعت میرسعدالله خان فندرسکی سیصد خانوار کردکان از ترکمانان گرفته
آنها را بسلقان پورت دادند وجمعی از سواره آنها ملتزم رکاب الاشتند پس از آن خبر رسید که سالار با هشتهزار نفر
قصد شهر مشهد کرده ابراهیم خلیل خان با جمعی بمدافعه او مامور شد ودر کال یا قوتی جنبک در گرفت عبدالله خان
افشار صاین قلعه ودو برادرش مقتول گشتند ولی سالار منهزم شد وجمعی از ترکمه اسیر گشتند ونواب حمزه میرزا
بشهر مشهد رفته بنظم امور پرداخته وفراول بجراست میرزا محمدخان ببکلربیکی برادر سالار ومتعلقین ایلخانی گذارده
مطهره حضرت رضا سلام الله علیه نشسته بودند کذا شته مصطفی قلیخان قراگوزلو سربنیه همدانی را بحفظ شهر مامور
کرده سام خان ایلخانی ابن رضاقلیخان زعفرانلو را برکاب الاطلبیده بعزم دفع سالار بقرابقعه حوالی سرخس راندند
رئیس سفیدان سرخس پیشکشی فرستاده از سالار توسط نمودند مقارن این حال نواب حمزه میرزا مریض شده بیمار عارض شد
وسالار وبرادران او موقع را مساعد دیده مواضعه در تسخیر مشهد کردند با ینمعنی که برادران سالار اثر اروا هالی شهر را
بطغیان تحریک کرده وسالار را بتصرف شهر خواندند چون شهر بشورید نواب حمزه میرزا با وجود ناخوشی بطرف شهر مشهد
رانده اهالی که باعی بودند بمدافعه برخاستند ودر این اوان سالار نیز با لشکر زیاد بمشهد آمده ناده فرسنگ مسافت از
اطراف شهر مشهد مردم بجایتا هالی شهر متفق وبا سالار مساعد شده کار سالار قوتی گرفت وهمه روزه فیما بین عساکر
نواب حمزه میرزا واهالی شهر وسالار جنگ در کار بود وجمعی از طرفین مقتول میشدند مقارن همین اوقات ناخوشی و
ضعف بمزاج مبارک اعلیحضرت شهریار غازی محمدشاه غالب آمد وآفتاب عمر این پادشاه که در جود وسخا وعلم وحیا
وعزم وحزم ولشکرکشی وملکت ستانی عدیل ومانندی نداشت میل افول نمود نواب مستطاب الاحاجی معتمد الدوله
فرهاد میرزا در کتاب جام جم شرحی از اینواقعه غم افزا نگاشته وتاریخ ارتحال شهریار مبرور مغفور محمدشاه غازی را
چنین نظم فرموده اند

بسال شصت وچهار از پی هزار ودویست شب سه شنبه ششم هم از مه شوال

بقیه

بقصر نوشه ایران زمین محمد شاه اجل بیاورد از عمر شش نمود مها لا مال

و مقصود از قصر نو قصر جدید محمدی است که در غرب بحر پیش در مدت سه ماه بامر شهریار مبرور اسکنه الله فی ریاض السرور ساخته شد نیز نواب مستطاب معظم در کتاب مذکور گویند ولادت شهریار غازی محمد شاه روز سه شنبه ششم ذیقعده هزار و دویست و بیست و نود و مدت عمر مبارکش چهل و یکسال و یازده ماه تمام قمری و نعش مطهرشان را در باغ لاله زار که خارج شهر طهران است بامانت گذاشتند و پس از رود شاهنشاه جمجاه اعلیحضرت همایون ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه بدار الخلافه طهران آن جسد مبارک را بقم فرستادند و در شب عید غدیر همین سال در صحن مقدس حضرت معصومه سلام الله علیها مدفون کردیدند و این قصر جدید شباهت کلی بقصر سبکتکین داشت که قبل از وفات خود بنا نهاده چنانکه کلیا بکانی در ترجمه عتبی گوید در اواخر ایام و خواتم عمر سبکتکین سرائی فرموده بود او را سهل آباد نام کرده و مالی بسیار در عمارت آن انفاق افتاده و اوستادان چوب دست در تحسین و تزیین اساس و وضع قواعد آن صنعتها بدیع و تا نقشهای عزیز نموده بسبب حادثه کار ثمر او ناتمام بماند و فرزندان او از آن اعراض کردند و بدان فال بد زدند تا خراب شد و سعیی کرد تا سپس عمارتش آن رفته بود ضایع ماند خلاصه شهریار مبرور البسه الله حلل النور جامع اوصاف حمیده بودند خط نستعلیق را خوش مینوشتند در صنعت نقاشی مهارت داشتند و مدت ملکشان چهارده سال و سه ماه بوده است انتهی

نگارنده گوید بعد از انکه دست این مصیبت بر اهن صبر و شکیب اهل مملکت خاصه خانواده سلطنت و رجال و ارکان دولت فتاد خونها از دیدگان اشکها جاری و دلها قرین سوکواری کردید مرهم اینزخم جانسوز و درمان این غم اندوز جلوس ابهانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاه جمجاه ناصر الدین شاه ایده الله تعالی بود بر سریر کردون مسیر خلافت و اریکه سلطنت که این مسرت اجران محنت کردید و دهنها پس از آن همه خون جگر خوردن بخندید (اقبال را بوعده وفا کرد روزکار) جسم مملکت جانی تازه کرفت و انجمن مکرمت و جود اندازه یافت جمال ملک و کامرانی شاهان حاصل کشت و دست معدلت اوراق تطاول ایام را در نوشت و از آنجا که ماشرح سلطنت و شهریاری اینشهریار عادل باذل منعنا الله تعالی ببقائه را در کتاب مآثر السلطان در ضمن دو جلد مفصلا نکاشته ایم در این کتاب محتاج ببسط نیستیم و محض انکه ترتیب از دست نرود خلاصه آنمطالب را خواهیم نوشت بعون الله تعالی

همدر این سال چون شهریار ماضی انار الله تعالی برهانه از قصر محمد تپه شهران بر باض قدس در پیوست نوبت حشمت و بای اعلیحضرت همایون خسرو صاحبقران شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران شهریار عادل باذل ظل الله الممدود السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان ناصر الدین شاه قاجار ادام الله تعالی ایام ملکه رسید ذات ملکوتی صفات مقدس که تا آنوقت بولایت عهد سلطنت در دار السلطنه تبریز تشریف فرما و در انتظام امور مملکت آذربایجان مجتهد میفرمودند بعد از وقوع غائله هایله شهریار ماضی طاب الله ثراه مسرعی از طرف نواب مهد علیا طیب الله تربتها و امنا دولت اعلام را بآذربایجان شتافت (نواب مهد علیا دختر زاده خاقان مغفور فتحعلی شاه و فرزند ارجمند محمد قاسم خان بن سلیمانخان قاجار قوانلو والده اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه بودند) و نواب معظم لها بنظم شهر و توابع دار الخلافه و تمهید مقدمات جلوس پادشاهی دام ملکه رای و تدابیر صایبه فرموده شاهزاده علیقلی میرزا که بزیور فضل و دانش آراسته بود بوزارت خود اختیار و طرف مشورت در امور قرار دادند خلاصه پس از ورود خبر و وصول خبر بآذربایجان و اقدام کارکذاران بانجام شرایط و لوازم کار و جمع آوری افواج و سوار شب چهاردهم شوال المکرم امهد

کامکار در تبریز بمبارکی جلوس فرمودند و علمای آن بلد و امرا حاضر شده جلوس مبارک را تهنیت گفتند و از شاهزادگان
بزرگ حسنعلی میرزای شجاع السلطنه و محمدتقی میرزای حسام السلطنه بتقبیل عتبه علیه سربلند گردیدند و میرزا یحیی خان
قراگهانی وزیر نظام و میرزا جعفرخان مشیر الدوله بتجهیز لشکر و تهیه سفر دوانکی موکب همایون بدار الخلافه پرداختند
و فرمان صادر شد که میرزا جعفرخان متوقف تبریز و ماموراموردولخارجه باشد و موکب اعلی روز نوزدهم شوال از شهر
تبریز نهضت فرمود و چون مردم تبریز و طهران از طایفه ماکوئی و حاجی میرزا آقاسی رنجیدگی داشتند علیخان ماکوئی را
که سردار آذربایجان معروف بود داخلی ندانستند و میرزا فضل الله وضیر الملک به پیشکاری مشغول بود و میرزا
یحیی خان وزیر نظام بر تیق و فتق امور لشکر میپرداخت و چون محمدخان زنگنه امیر نظام در اینوقت در کنشت میرزا یحیی خان
منصب امیر نظامی یافت

و از اینطرف حاجی میرزا آقاسی که بزرگان ایران را از خود رنجیده خاطر میدید و از همراهان موس بود بحضرت امامزاده
عبد العظیم علیه السلام پناه برده بستی شد و امرا و بزرگان همه منتظر مقدم فرخنده شیم مبارک بودند و احیانا اگر فسادی
در داخل و خارج میدیدند بقدر قوه در اصلاح آن میکوشیدند و قطع و فصل احکام برای صاحب نواب مهد علیا
طاب ثراها بود منشور دهام رقوم فرمودند و ملاحظات منظور شد حاجی علیخان والد مولف را که در اینوقت از زیارت
بیت الله الحرام مراجعت کرده بحکومت دستجرد کیلان فرستادند و عباسقلیخان جوانشیر بضبط قرای خالصه پرداخت
جعفرقلیخان قراجه داغی با صد و پنجاه سوار بحفظ خزانه اصفهان مامور شد که بسلامت بطهران برسانند بالجمله موکب همایون
کوچ بر کوچ بسلطانیه رسید نواب عبد الله میرزا عم شاهنشاه ایران بزیارت میرزا شفیع نوه برکاتی حکومت منصب یافت
و در این ایام میرزا نصرالله اردلانی صدر الممالک خود را صدر اعظم میشمرد و چنان میپنداشت که بمجرد وصول اردو معلی
این منصب بدو تفویض خواهد شد سیف الملک میرزا ولد اکبر ظل السلطان که در قزوین متوقف بود بوساوس نفسانی بمیان
قبایل نواحی قزوین رفته بنای سرکشی گذارده هوس پادشاهی افتاد و ارقام باطراف فرستاد ولی سلیمانخان افشار
او را در بقعه امامزاده معروف بکاندسنگ دریافت و دستگیر نموده بدار الخلافه آورد همدر این ایام میرزا محمدعلیخان
شیرازی از سفارت پاریس مراجعت کرده در دار الخلافه بود تا اردوی همایون در قریه پرهاباد که قریب دار الخلافه است
قرار گرفت شاهزادگان و بزرگان درگاه بخاکبوس آستان مبارک سرافراز شدند در این محل پیشکاری میرزا یحیی خان امیر نظام
معلوم همگی گردید و میرزا محمد سعید انصاری (جناب وزیر دول خارجه) کاتب اسرار مکتوبه و منشی رسایل خاصه شد

روز جمعه بیست و یکم شهر ذیقعدة الحرام اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک محروسه ایران بافر و شکوهی فراوان دار الخلافه
طهران را بقدوم سعادت لزوم مبارک مزین فرمودند و در شب شنبه بیست و دوم در سرای سلطنتی پیش روی کاه فرنگی
هفت ساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته جلوس بزرگ روی داد و در این جلوس میرزا یحیی خان بلقب اتابکی و منصب
صدارت عظمی نایل گردید و بخلعتی فاخر تخلع آمد

روز شنبه بیست و دوم سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد یافت و هم از آن روز میرزا یحیی خان اتابک اعظم به
تدابیر امور ممالک محروسه پرداخت و با میرزا آقاخان وزیر لشکر که در امور عراق و بعضی ممالک دیگر بصیرتی داشت
راه اتحاد گرفته سکندر میرزا بوزارت میرزا موسی نفرشی مستوفی بحکومت قزوین رفت شاهرخ میرزا ولد فرمانفرما
مرحوم حاکم کاشان شد و محمد کاظم خان کاشانی وزارت او یافت در دوازدهم ذیحجه نعش شهریار میرزا را طاب ثراه را
بزیارت ایمان قم نقل و بخویلدار ندحاجی نورمحمدخان سردار و سلیمانخان افشار با مداد نواب حمزه میرزا و نظم

واصلاح امور خراسان وقلع وقمع حسنخان سالار وجعفرقلیخان روانه خراسان شدند نواب شاهزاده سلطانمراد
میرزا که بلقب حسام السلطنه اختصاص یافته نیز از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی مامور خراسان ومصمم تسخیر بوزجرد
وتخریب اساس فتنه شد نورمحمدخان وسلیمانخان هم باردوی نواب الاحسام السلطنه آمده وجعفرقلیخان که منفرق با
سالار بود باستمالت سلیمانخان بربقه اطاعت وانقیاد دولت درآمده روانه طهران شد وپس از ورود معفو و
مورد مرحمت شاهانه گردید ونواب حسام السلطنه با لشکر راه خراسان کرفته سبزوار رسید ولشکر را بحاضر شهر
فرمانداد ودراینوقت بسیاری از خوانین خراسان سر اطاعت پیش آورده بارد وی شاهزاده پیوستند وپیوسته نقاط
وبلاد دیگر عرض راه خراسان مسخر سپاه منصور گردید نواب حسام السلطنه پیش میرفتند رحوالی جوین للاقی فریقین
شده جنگی سخت مابین سپاه منصور ولشکر سالار اتفاق افتاده دو بیست نفر از قشون سالار مقتول وخود او فراری
شده پس نشست ومحمد ابراهیمخان قاجار از جانب نواب والاحسام السلطنه حکومت جوین یافت وشاهزاده قصد تسخیر سبزوار
کرد دراینوقت یحیی خان تبریزی از دارالخلافه با استعداد مجدد وخزانه در خور ونشانهای الفات برای سامخان و
دیگران در رسید شاهزاده حسام السلطنه اسکندرخان سرپنگ قاجار را با استعداد وافی بر سر تربت وترشیز فرستاده
تربت وترشیز نیز مسخر سپاه منصور گردید شهر وحصار سبزوار هم که چندی در محاصره بود مفتوح شد وشاهزاده از
آنجا عزیمت نیشابور کرد واما مورد پخان بیاناتکه از جانب نواب والاحشمة الدوله حکومت نیشابور داشت در این
مدت بسالار موافقتی نکرده بود در این موقع باستقبال آمده استدعا نمود که جمعی را معین فرمایند تا به نیشابور
درآمده شهر را بایشان سپارم در این ایام که عید نوروز نزدیک بود نیشابور را نیز بتصرف کردند

هم از وقایع اینسال ماموریت میرزا محمد صادق وقایع نگار در اوایل سال بوکالت رعایای آذربایجان ورسیدن
بجاسبان تمالک ومامورین میرزا جعفرخان مشیرالدوله بسرحد بغداد بود که باتفاق وکلای دولت روس وانکلیس
وعثمانی از آنجا بحجره رفته سرحدات را با رضای دولتین واشخاص نواب معین الدوله ونواب والاحشمة الدوله طهماسب میرزا مامور بحکومت کرمان و
فضلعلیخان از آنجا احضار شد وستعلیخان حاکم یزد بدارالخلافه آمد وحاجی یزدان خان کرجی که در پیش سفید علم
خلوت بود بحکومت یزد رفته بزودی نیز معزول شد نواب معزالدوله بهرام میرزا با ایالت فارس ونواب رکن الدوله
اردشیر میرزا بلرستان وخوزستان وخانخانان سلیمانخان قاجار حاکم اصفهان شد نواب خانلر میرزا از مازندران
خواسته ومازندران را ببرادرش نواب معین الدوله بهدیه قلی میرزا سپردند ودر زمان او نشئه طایفه بابیه موجب هلاکت جمعی کثیر
شد ومیرزا ابوالقاسم امامجمعه خوئی را با جمعی از بابیه بوجود فرستادند
میرزا یفرخان صدراعظم بمصاهرت اعلیحضرت شاهنشاه سرافراز گردید بعضی افواج بتسخیر برخی
نواحی وسوق بر میرزا یفرخان شوریده دوباره انها را آرام کردند حاجی علیخان والد مؤلف منصب فراشباشیگری یافت
بین علمای تبریز اختلافی پدید آمد ونواب مکرم قاسم میرزا حکمران تبریز با صلاح پرداخت میرزا احمد شاملوی
خوشنویس درگذشت حاجی میرزا آقاسی مرخص شده بعتبات عالیات رفت ومیرزا یفرالله صدرالممالک اردبیلی
را بعد از شورش افواج معزول متهم نموده بقم رفت واز آنجا او را روانه کرمانشاه کردند وآغا بهرام قراباغی را
نیز مخذول وکلبرمانشاه برده وسپردند وجمعی از امرا که مورث فتنه وشورش وبرضد میرزا یفرخان بودند بتبریز شتافتند
آقاسید میرزای کاشی بمنصب پیشخدمتی حضور نایل گردید حاجی رجعلی سبلها ورتوپخانه سرهنگ توپخانه شد
مادام کلسار فرانسوی زوجه حاجی عباس شیرازی که بتبریز سلام مشرف شده بشغل مترجمی خادمان حرم جلالت
برقرار گردید

بقیه شرح فتنه بابیه

همدر این سال سید یحیی پسر آقا سید جعفر معروف بکشفی اصطهباناتی که از خواص مریدهای باب بود بیزد رفت و معتقدین او در بلاد و ممالک محروسه متفرق و بنای دعوت و عوام فریبی نهادند از جمله ملا حسین بشروئیه که از علماء و با مید پاشتابع او شده بود در مشهد مقدس رمضان فتنه سالاری مشغول فریب جمعی بود او را گرفته بار دو بنواب حشمة الدوله آورده حبس کردند بعد از چندی در حرکت اردو فرار کرده بمازندران رفت و سیصد چهار صد نفر از فریب خوردگان باو وصل شدند که با آنها در بابجان بیاری سید علی محمد روند و سید علیمحمد که از سال قبل در حضور حضرت اقدس ولیعهد جمعی از علمای دار السلطنه تبریز بمعرض امتحان و اختبار در آمده و بطلان دعاوی او مشهود خاص و عام گردیده بود بامر اقدس حضرت ولیعهد و منوای علما تا این زمان در چهریق محبوس بود و تا بعین او در همه جا دریرده بنای فساد و عوام فریبی گذارده ند حاجی محمد علی نام بارفروشی که او نیز یکی از مشاهیر اینطایفه گردیده بود با ملا حسین بشروئیه و جمعی دیگر در خارج شهر بارفروش اقامت کرده در پرده بنای عوام فریبی گذاشتند سعید العلما خبر شده امر باخراج آنها نمود و کار بمنازعه و مقاتله کشید و دوازده نفر از بابیه بقتل رسیدند و بعد از چندی ملا حسین و حاجی محمد علی با اتباع خود عزم عراق کردند ولی در محوطه مقبره شیخ طبرسی که از معارف فضلای محله شهر و مشایخ طبرستانست قلعه بنا کرده متحصن جستند و دست بغارت ماکولات و محصولات رعیت گشودند و جمعیت متابعان بدو هزار نفر رسید بنواب معهد بقلی میرزا باخوانین و سرکردگان مازندران بدفع اینغایله مامور شده و در خارج قلعه مزبوره با بابیه محاربتی سخت کردند و ملا حسین بشروئیه در مقام عصیان ثبات قدم بخرج میداد و مکرر خونها بناحق ریخته شد تا عاقبت سلیمانخان افشار قاسم لو از دربار معدلت مامور مازندران شده قلعه را گرفته و آنطایفه مطرده را قلع و قمع کردند نیز از فتنه های اینقوم مطرود یکی خروج ملا محمد علی زنجانی در زنجان بود که سبب مزید تحصن در زنجان و کرد آمدن جمعیتی زیاد بر او و محاربات سخت با مستحفظین دولت آخر بدست محمد خان بیکلربیکی پسر فتحعلیخان کبیر کلانی در زنجان مسیحی و ملا محمد علی مقتول و سایرین نیز مقتول و متواری گردیدند و معارم ایلیای دولت شد که اصل شعبه نهاد و جزو سید علی محمد است لهذا بفتوای علمای اعلام او را با دو نفر از مریدها از چهریق بتبریز آوردند و یکهفته از عروج بهادران دشمنان سپرده او را تبریز باران کرده بکشتند و اینواقعه در هزار و دویست و شصت و شش رخ نمود فتنه دیگر خروج سید یحیی پسر آقا سید جعفر اصطهباناتی در تبریز فارس بود و چون همراز اهالی کرده بندیان بیکی محمد علیخان بن حاجی شکر الله خان نوری و مصطفی قلیخان قراگوزلو سرتیپ بحکم نواب حشمة الدوله فیروز میرزا حکمران فارس بدفع سید یحیی و اتباع او مامور شدند و بعد از مقاتله غلبه کرده سید یحیی را دستگیر نموده بشیراز آورده بحکم قضا صادر بکشتند و زن ثانی ابن بدین خان حاکم تبریز که در ضمن بواسطه طغیان بنگ
درکار حکومت بهمرسانیده بود دوباره مستقل شده و پس از چندی او را درکرمانشاه بکشتند امروز پا (اسپانیول) در اینسال در داخله اسپانیول اغتشاش و بی نظمی بروز کرده و در میان رجال آن دولت عداوت افتاد (اطریش) مجلس دولت اطریش در اینسال سیصد و سی و پنج کرور و دویست و سی و هشت هزار فلورن و خرج سیصد و سی و هفت کرور و دویست و نود و هشت فلورن بود (فلورن معادل دو هزار و پانصد دینار پول ایران است) (المان) در اینسال اشرار قشونی از لهستان که در تصرف پروس است بواسطه شورشی که در سال قبل نموده بودند بتبعیت (انگلیس) در اینسال از جزیره انگلیس شعبه هم رسانیدند بعد از بنکدیبا نیامد چون که شناکنل که از معارف الند

بود

بود وفات نمود اقتدار انگلیس در افغانستان ولاهور و برقی نهاد میانه دولت چین و انگلیس مجادله در گرفت و این دولت چین را بتصرف کانتن که بندر چین است مجبور کرد و بعضی امتیازات از دولت چین بجهة دخول مال التجارة خود حاصل نمود (ایطالیا) ورود اول سفیر دولت عثمانی بدربار پاپ در این سال بود و همچنین بطبع رسانیدن خرج دخل دولت پاپ اول دفعه (پرتوغال) عجز دولت پرتوغال از نظم و دفع شورش داخله مملکت و استعانت نمودن از دولت انگلیس در این سال بود (روس) در این سال قحط و غلاء در فرنکستان نمودار شده غلات و حبوبات دولت روس در ممالک بقیمت مبالغ گزاف بفروش رسید و این فقره موجب عمارت و آبادی روس شد طلای زیادی نیز از معادن کوهها او الی عاید روس گردید (سویس) در این سال هفت ایالت سویس که مذهب کاتولیکی دارند در بعضی مسائل که راجع بمذهب است با وکلای تمام ایالت سویس که در برن پای تخت مجتمع شده مخالفت نمودند دول اطریش و فرانسه هم در باطن اهالی این چند ایالت کاتولیکی مذهب را محرک و تقویت میکنند لیکن دولت جمهور سویس ثانی دفعه با پنجاه هزار نفر بجنگ اهالی آن هفت ایالت مامور ساخت و در ظرف نوزده روز آن هفت ایالت را منظم نمود (فرانسه) در این سال در فرانسه محصولی حبوبات و غلات و شورش در بعضی ایالات آن روی داد اما کندم روسی که از بندر اودسا حمل بکشتیهای فرانسه شده فاقه کلی بحال اهالی مملکت فرانسه نمود مارشال سولت از خدمت دولت استعفا نمود مسیو کنر و منصب صدارت یافت پرنس لائدوهر لوی فلیپ پادشاه فرانسه وفات کرد امیر عبد القادر در مارک فرار نمود و دوک دومال پسر پادشاه فرانسه حاکم الجزایر گردید در مارک امیر عبد القادر را بحکم سلطان مارک گرفته بدربار فرانسه تسلیم نمودند دخل دولت فرانسه در این سال دویست و هفتاد و هفت کرور و بیست و پنجهزار و شصت و هشت تومان و پنجهزار رایج ایران و خرج سیصد و بیست و یکرور و سی هزار و دویست و شصت و هشت تومان و پنجهزار بوده افتتاح راه آهن از ایسن بر بولن هم در این سال شد امریکا (اتاونی) در این سال ما بین اتاونی و مکزیک جنگی سخت روی داد و قشون اتاونی مکزیکه پای تخت مکزیک را فتح کرد (هایتی) در این سال ریشه ریس جمهور وفات یافت و سلوک که از جنس سیاهان بود بر ریاست برقرار گردید

سنه ۱۲۶۵ هجری — سنه ۱۸۴۸ مسیحی

آسیا (ایران) شب چهارشنبه بیست و پنجم شهر ربیع الثانی بیمارکی تحویل شمس بیرج حمل شد و شرایط سلام خاص و عام و جشن نوروز در شب و روز بعمل آمد مطلب اهم این سال باز رفع فتنه خراسان و دفع محمد حسنخان سالار است نواب حشمة الدوله با اردوی خود متوجه هرات گردیده در دو فرسخی غوریان لشکرگاهی اختیار و از نیمه محرم تا آخر ربیع الثانی در آنجا اتراق نمودند و یار محمدخان از بابت مالیات هرات نقداً جنساً اخذ مینمود پس از اطلاع نواب حشمة الدوله از مامور بودن نواب حسام السلطنه عزیمت نیشابور و در آنجا دو شاهزاده و برادر یکدیگر را ملاقات کرده و در آن اثنا فرمان احضار نواب حشمة الدوله و ولایت نواب حسام السلطنه شرف وصول یافت و نواب حشمة الدوله پس از ورود بدار الخلافه و شرفیابی حضور همایون بحکومت آذربایجان منصوب و میرزا محمد مستوفی ولد میرزا نبی قوام الدوله بوزارت ایشان مخصوص گردید و در این ایام چراغعلیخان زنگنه را برای کشف امور خراسان و استمالت سالار بدانساحت روانه نمودند و او پس از چند روز توقف در مشهد و چند مجلس ملاقات و مقالات با سالار و علمای مشهد آخر بی پل مرام مراجعت کرد و بلطایف الحیل جان خود را از شر او باش و جهال مشهد بسلامت برده بار دوی نواب حسام السلطنه پیوست و از آنجا روانه دار الخلافه شد بالجمله نواب حسام السلطنه

سلیمانخان در وجزی را فرمان داد تا کلات را تصرف نماید وخود از راه سرولایت نیشابور رو بمشهد مقدس کرد
وچون بقلعه شاهادزکه در چمن کوباغ واقع ودر تصرف توابع سالار بود رسید فرمان بمحاصره وتسخیر داد پس از
قدری مقاتله وکشتی خون ریزی از طرفین سکنه قلعه منهزم وقلعه مفتوح شد وقلعه کبان از دراسیمانی درآمدند
وارد بیگ شاهزاده انآنجا بچین قهقهه وازچین قهقهه بخارج مشهد مقدس رود نمود ودر زمان ده هزار نفر
از شهر بیرون آمده از طرفین جنگ درپیوست وپس از چهار ساعت محاربه فشون شهری پس نشست ونواب شاهزاده
مکرم داده محاذی هر دروازه سنگر بحکم بستند وهمه روزه کار محاربه بشدت وزیاده قتال از طرفین اشتعال داشت
ولی شکست وهزیمت ادبار همه از طرف لشکر سالار بود وچندی بدینمنوال گذشت سالار داد بکرنا بمحاذیه
وقنادیل وضو علیه السلام افتاد وباجرأت وجسارت تمام هرچه در خزانه مبارکه قبه مطهره آنحضرت از
طلا ونقره وسایر آلات زرینه وسیمینه واشیا نفیسه بود بغارت برد که بیست ودو هزار تومان زر مسکوک از اشیا
طلا ونقره بدست وی آمد وحبوبات ابنار مقاصر حضرت را بجای علوفه بلشکریان بخشش کرد واز امام جمعه وعلمای
مشهد بدل شده آنها که فتنه محبوس داشت وعجب آنکه از علمای محبوس بمسك یا بمهر اثاث واسباب منهوبه حضرت
را که فتنه بخدام آستانه مقدسه میسپرد خلاصه باز در اینایام از دارالخلافه طهران لشکری عمده اردوی نواب شاهزاده
السلطنه روانه خراسان داشتند که معاون اردو ومتابع صمصام خان سرتیپ باشند وان لشکر عبارت بود از
عباسقلیخان بن ابراهیمخان بادکوبه وفوج خوئ وعلیخان قراگوزلو وفوج همدانی وحسنعلیخان سرتیپ که الحال
سالار لشکر است با فوج کرد سی وچهی از سواران کرد وترك آذربایجان وعبدالعلیخان مراغه سرهنك توپخانه با
چهار عراده توپ وبرخی دیگر از فشون ظفرنمون سالار هم از اموال آستانه مقدسه بازیزید وقوچان که فته دوباره از
طرفین ساز جنگ کردند واینبار چند بدینمنوال بود تا باز لشکر سالار منهزم ودر حصار شهر محصن شدند بطوریکه در
قدری بیرون آمدن از شهر وبالشکر حسام السلطنه رزم کردن برای آنها نماند ولی از بالای باره وبرج بواسطه توپ
وتفنك معارضتی میکردند وگاهی انتهاز فرصتی نموده بر سنگرها یورش میآوردند وحاصلی جز انهزام نمییافتند
هم از دارالخلافه حاجی یوسفخان سرتیپ فوج قراداغی وتوکلخان با فوج خمسه وچهارصد نفر سوار کلیائی وپانصد بار
قورخانه وسه عراده توپ بارد وملحق شد وبحکم والا برعده واستحکام سنگرها افزودند واز آنطرف باز ساز جری
بجنك شده همه روزه با پیرشی امیر اصلانخان بیرون آمده با لشکر فیروزی اثر محاربه مینمودند وزیاده از دویست
نویت با سپاه منصور کارزار شده بود که امتداد آن از وقت صبح تا هنگام شام میبود در اینایام اسکندرخان
قاجار از اردوی خراسان بدارالخلافه احضار ومحمدناصرخان دولو (ظهیرالدوله) بسرداری سپاه خراسان مامور شد
بالجمله در تمام امسال سپاه نصرت پناه وغازیان دولت مشغول محاربه با سالار ومحاصره شهر مشهد مقدس
بودند تا عرصه بر اهالی شهر تنك ودلها از طول مدت محاربه ومحاصره ملول کردید وعمده سبب این تراخی وطول
زمان این بود که غازیان دولت میخواستند بواسطه یکنفس شر بر سالار واتباع مخصوص او که از درطغیان وعصیان
درآمده وباعث این همه شر وفساد وتباهی حال عباد شده اند بی باکانه در تخریب شهر ومملکت واتلاف نفوس
محترمه واموالی وسعی کنند که در هر حال باز هر دو مملوك پادشاه ومتعلق بدولت بودند بکوشند
همدر اینسال میرزا آقاخان نوری بلقب اعتمادالدوله ملقب کردید ومیرزا کاظمخان ولد معزی الیه بمنصب

استیفا نایل امد میرزا محمد حسین ولد میرزا محمد حسین عرب باشی بهمین منصب نیز سرافراز شد همدر اینسال شهر
تبریز شورشی در میان عوام سکنه واهالی برخاست و محمد رضاخان فراهانی که در اینوقت وزارت آذربایجان
داشت بدستیاری چند نفر از علمای شهر آن غوغا را فرو نشاندند نیز از وقایع اینسال دفتن عزیزخان اجودان
باشی استبار وان برای تهنیت ورود حضرت ولیعهد دولت دوم انکساند دوم پسر مرحوم امپراطور نیکلا
(امپراطور ماضی مرحوم که مقتول شدند پدر همین اعلیحضرت امپراطور الکساند دوم) که برای نظم حدود قفقاز
و مملکت گرجستان باروان میامدند وفاته موقت خنامه با تمثالی مهر مثال مرصع ومکلل بالماسهای قیمتی با پرشته
حمایل آسمان رنگ بلهراهی معزالیه برای حضرت ولیعهد انفاذ فرمودند واسمعیل خان خزانه دار نظام نایب
اول سفیر دولت شده حامل هدیه وتحف امپر نظام برای فرمانفرمای گرجستان گردید
هم از سوانح این سال طغیان بعضی از اشرار اصفهان شد چون خان خانان را از حکومت اصفهان بلد با اختصاص
وحکومت اصفهان را بغلامحسین خان سپهدار تفویض داشتند ومحمد حسینخان خلج بنیابت سپهدار از پیش با اصفهان
آمد روزی سربازی با یکی از بستکان مرحوم میرزا سید محمد امام جمعه نزاعی کرده حرمت امام جمعه را منظور نداشت
امام جمعه برآمد اشرار فتنه جو اصفهان که سرمنشا آنها احمد میرزا که از طرف مادر بسلاطین صفویه می
پیوست و میرزا عبدالحسین مستوفی و محمد علیخان و میرزا ابوالقاسم وغیره بودند بی رضای امام جمعه فتنه را برپا
کردند و محمد حسینخان خلج نایب الحکومه سپهدار را در مسجد جامع بکشتند ما بین اشرار بلد و سرباز و بستکان
حکومت جدال وقتال سخت شد جمعی از دارالخلافه ماموور دفع غایله شدند آخر اشرار فراری و متواری و جمعی
از آنها مقتول و دستگیر شده احمد میرزا بقم فرار کرد پسرهای محمد حسینخان خلج دست یاوه یافته بخون پدر
او را بکشتند و میرزا عبدالحسین مستوفی سه روز در بیرون شهر در قصر کاشان متواری بود و آخر الامر در قریه نوغ
اصفهان در خانه علی نام ملازم خود شرکسان سپهدار او را گرفته بشهر برده بقتل رسانیدند و بعد از رفع
این غایله چراغعلیخان بحکومت اصفهان مامور شد
همدر اینسال نواب اشتشام الدوله خانلر میرزا سکمران عربستان ولرستان و برروجرد خسروخان لک را گرفته
مغلوباً بدارالخلافه فرستاد و عباقلیخان جوانشیر بحکومت دربیل و مشکین مامور شد و از حادثات این سال
وفات شاهنشاهزاده سلطانمحمود میرزا بود که بولیعهدی منصوب میبود و در صغر سن رحلت کرد و حاجی میرزا
آقاسی که در عتبات عالیات اقامت داشت بعالم باقی رواند شد و محمد حسینخان سردار ایروانی حکومت تبریز یافت
و آقاخان ایروانی از اقارب او نایب الحکومه او شده بتبریز رفت و محمد عبدالله کرد در اینوقت باز دم از خودسری
میزد و اشرار دور او جمع آمده تمکین از نایب الحکومه نمیکردند پس از چندی آقاخان از نیابت معزول و شیخعلیخان
عمزاده محمد حسینخان سردار بجای او منصوب شد و محمد عبدالله را باستمالت و احتیال بدست آورده مقتول داشت
و شهر تبریز آسوده و منظم شد و هم بصوابدید امیر نظام ابراهیم خلیل خانرا از دارالخلافه با هزار سوار دیبل کوچ دادند
امروز پا (اسپانیول) در اینسال شورشی در مادرید پای تخت اسپانیول برپا شد دولت انگلیس با دولت اسپانیول و دولت
(طریش) در اینسال تعیین وزرای مجار رسانیدند و معین کردند که از وزرای مملکت طریش مجری باشند

در وین پای تخت اطریش شورشی برپا و مسبوط مترنیخ وزیر اعظم معزول شد امپراطور اطریش سبب شورش اهالی
وین و بعضی ولایات دیگر توقف نمودن در شهر انسبروک را غیر لازم دانسته از آنجا مهاجرت کرد عساکر اطریش که در خاک
ایطالیا بودند شهر فرارا که جزو دوم و در تصرف پاپ بود بغلبه متصرف شدند امپراطور اطریش بعد از چندی وارد وین
شد مملکت مجارستان که یکی از ممالک اطریش است بدولت شوریده کونت لامبرگ سپهسالار خود را که از طرف دولت اطریش
مامور بود بقتل رسانیدند و نیز در وین کونت لاتور وزیر جنگ را شورشیان کشتند امپراطور مجبورا از وین باولوتز
فرار کرد و سمدوزیر سپهسالار فشون دولتی بشهر وین کلوله توپ و نارنجک می انداختند روز سیم شهر تسلیم شد
امپراطور فردیناند اول از سلطنت استعفا نموده اعلیحضرت فرانسوا ژوزف برادرزادهٔ خود را که در وقت صعود
سالمه بود بجای خود منصوب نمودند (انگلیس) در این سال در بعضی از شهرها ارلند شورشی پیدا آمد لورد پالمرستن
که از معارف رجال دولت بود درگذشت (ایطالیا) در اینسال در جزیره سیسیل همچنین در ولایت ناپل شورشی برپا
شد فیما بین دولتا طریش و ساردین و لمبارديه نزاع در گرفت ایالتین ساردین و لمبارديه یکی شده سلطنت ایتالیا
البرپادشاه پیمن را اختیار کردند شهر میلان که بتصرف شارل البر درآمده بود و از تصرف اطریش خارج گردیده بواسطه
نفاق جمهوریطلبان برپا ستمانی بنی از تصرف شارل البر بیرون شد و مجددا بتصرف اطریش درآمد شهر ونیز و
توابع اعلان جمهوری نمودند پاپ بعد از قتل مسبوروسی صدراعظم از خود اهالی رومسوظن حاصل کرده بناپل رفت
(باویر) در اینسال لوی پادشاه باویر از سلطنت استعفا کرده ولدخود ماکسیمیلین دوم را بجای خود نصب کرد
(پروس) در این سال در برلن پای تخت پروس مختصر شورشی بظهور رسید (دانمارک) در اینسال کریستیان هشتم
پادشاه دانمارک درگذشت و سلطنت بفردریک هفتم ولدارشد او رسیدایالات اسلسویک و هولستن شورش نمودند
فشون پروس بانها یالات وارد و وارنژل سردار پروس چند شهر از این دو ایالت را تصرف کرد دولتا فرانسه و انگلیس و
روس در این جنگ مداخله نموده حمایتا از دولت دانمارک کردند (روس) در این سال در اغلب بلاد ممالک روس وبای
شدیدی ظاهر شد و در بعضی نقاط خشک سالی سبب مشقتها اهالی گردید (سوئد) در اینسال سلاطین سوئد و دانمارک
باهم دیگر ملاقات کردند و پادشاه دانمارک را در نظم ایالات یاغیه سلطان سوئد امداد نمود (سوئیس) در اینسال
شهر برن پای تخت دولت و مرکز جمهوری گردید و مقرر شد هر وقوفات کلیسا با طلاع رجال دولت جمهوری بخارج مقرر
برسد (عثمانی) در این سال رشید پاشا صدراعظم عثمانی بی مقدمه از صدارت عظمی عزل و صادم پاشا نصب
گردید مجددا بعد از پنجاه نصب شد پاشا در افلاق بغدان شورش نمودند و فشون روس بهانه نظم این ولایات
آمده تا بوکارست پای تخت رفت (فرانسه) در این سال لوی فلیپ پادشاه فرانسه بواسطه شورش مردم خود را
از سلطنت خلع نموده پسرزادهٔ خود را بجای خود پادشاه نمود اهالی پاریس تمکین اینمطلب نکرده بشورش افزودند
لوی فلیپ غفلة فرار بمملکت انگلیس نمود اهالی شهر بهمرتبه خونریزی شدیدی درحوالی عمارت سلطنتی شد و عمارت
سلطنتی که موسوم بتویلری بود غارت کردند ناگاه اهالی فرانسه چندی دولت موقتی وضع نمودند بعد تمام اهل
مملکت جمهوری طلب شدند لوی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون اول که در مملکت انگلیس فراری بود وارد پاریس
شده دوسه ایالت را بسمت وکالت خود در مجلس شوری منتخب نمودند آن شورش پایان گرفته اعظم قسیسین
آنشهر بود با چند نفر دیگر از جنگهای که اهالی شهر باهم میکردند کشته شدند آخر الامر لوی ناپلیون بر پاست
چهارسالهٔ جمهوری برقرار شد راه آهن از پاریس الی بندر دیپ در این سال کشیده شد شاتوبریان که شاعر

سفا بن جنگی پادشاهان ناپل وساردین بهم بسته طریق اذیتها در اطریش وارد شدند

معروف

معروف و نویسنده مشهور فرانسه بود بسن هشتاد سالگی در اینسال درگذشت (هلاند) در این سال در مملکت هلاند قرار آزادی ادیان شد بایعنی هر کس در هر مذهبی باشد بکمال آسودگی و رفاهیت میتواند در این مملکت زیست و زندگی نماید **افریقا** (مصر) در اینسال مرض محمد علی پاشای مصر اشتداد یافت و ابراهیم پاشا ولد محمد علی پاشا والی شد و چیزی نگذشت که درگذشت و عباس پاشا برادرزادهٔ محمد علی پاشا بوالیگری و سپهسالاری (اناتولی) در این سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری که مطابق است با هزار و هشتصد و چهل و هشت مسیحی مهندسی از اهالی بنگی در بنا معدن طلائی در سواحل رودخانه های سالرما نتو و سان ژوانیک در ایالت کالیفرنی انکشاف نمود ژنرال پلور بریاست جمهوری منتخب و برقرار گردید فیما بین اناتولی و مکزیک عهد صلح منعقد گشت نول کالیفرنی را مکزیک بمبلغ شانزده کرور و یکصد هزار تومان وجه رایج ایران واگذار کرد باناتولی

سنهٔ ۱۲۶۴ هجری **سنهٔ ۱۸۴۸ مسیحی**

آسیا (ایران) تحویل نیر اعظم بجلد در اینسال هشت ساعت و یکدقیقه از شب پنجشنبه ششم شهر جمادی الاولی گذشته بود و مراسم جشن تحویل و سلام عید بوجهی شایان بعمل آمد نظم ممالک در این سال بدرجه کمال رسید عمده اختلالی که در کار کشور بنظر میآمد فتنه سالار اغتشاش کار خراسان بود که از توجه اولیای دولت جاوید بنظام مبدل بانتظام شده صورت اختتام یافت بدین شرح که موافقان سالار را آخر الامر عجز و بیچارگی کار شد و رعب غالب آمد و قصد اطاعت و منابعت نواب حسام السلطنه کردند و در نهم جمادی الاولی اینسال شهر مشهد را بشرط اینکه و سلامت جان و مال خودشان بتصرف عساکر منصوره دادند سالار از این قضیه خبردار شده ناچار با برادر و پسر بدرون صحن مقدس پناه برد و هواخواهان او متفرق شده هریک بطرفی رفتند و چون سالار خود همچو میدان روضه مقدسه و بقعهٔ مبارکه را نگاه نداشته بود امروزه بنتیجه سوء اعمال و وخامت عاقبه خیانتهای خود گرفتار شده بحکم نواب حسام السلطنه او را با دو پسرش امیر اصلان خان و میرزا یحیی و محمد علیخان برادرش دستگیر کرده بلشکرگاه بردند و پس از شورای عسکری و ثبوت جرایم و تقصیرات سالار آنها را بسیاست قتل رسانیدند بعد از انجام این خدمت نواب حسام السلطنه بفرزندان نمثال بیمثال همایون و شمشیر مرصع و همین لقب مفتخر و نایل گردید و محمد ناصرخان سردار نشان الماس یافت و هریک از چاکران خدمتگذار بمقدار لیاقت و خدمت مورد مرحمت شده دارای خلعت و نشان گردیدند و بعضی از فتوحات و فواتح را در دارالخلافه نمودند و چراغعلیخان بعد از ورود تولرآوا سی کشت و نواب حسام السلطنه در خراسان مستقل شد نیز در اینسال فتنه سید یحیی رفع و باتمام رسید و شرح آن در ذیل وقایع اول نگاشته شد نواب نصرة الدوله حکمران فارس شیخ [illegible] پسر شیخ عبدالرسولخان بوشهری را از حکومت بندر بوشهر و میرزا احسنعلیخان ولد حاجی قوام الملک را بجای او حکومت دادند شیخ حسینخان عم شیخ نصرخان بتر سید که این حکومت مجدد از این سلسله بیرون رود با مداد اعراب راه حاکم جدید را بشتاب در بندر بوشهر نشست مصطفی قلیخان قراگوزلو مرتب با افواج خود بمعاونت میرزا احسنعلیخان و مدافعت شیخ حسینخان برفت و او را دفع داد و بازای این خدمت بمنصب میرپنجه کی نایل و میرزا احسنعلیخان سالها در آن ولایت با سبکی پسندیده بماند هم از وقایع اینسال ماعنیان میرزا قوام الدین بهبهانی برادر میرزا منصورخان طباطبائی است که سالها در کوهکیلویه بحکومت داشته و وی را حکومت بهبهان بجهة بعضی اعمال ناصافی نگذشت و زکاری نزد منوچهرخان معتمد الدوله و پیش از آن در خدمت امین الدوله عبدالله خان بسر میبرد چون حکمرانی فارس بنواب ابوالابهرام میرزا (معز الدوله) رسید

محمد کریمخان قاجار ایالت کوهکیلویه یافت امور آنحضرت نظمی نگرفت و اوزار سکنه آن بلاد خود سری گزیدند میرزا اقوام
بلا بخارفته بمعاونت اعراب بعضی دیگر دست تصرف دراموال و اثقال خلایق دراز کرده و قلعه محمره محکم کل و کلاب را
تعمیر کرده راه خود سری پیش گرفت و بقطع طرق قوافل پرداخت و بر قراریتاعراب افزود و در دفع او کوششها رفت
تا آخر الامر در حکومت نواب فیروز میرزای نصرة الدوله بدست عباسقلیخان سردار لاریجانی گرفتار شد و او را بشیراز
وان شیراز بدار الخلافه آوردند و حسب الامر محبوس گردید و محمد باقرخان نوری نیز بدست سردار مزبور افتاده مغلول
شد و نیز در این وان نواب مؤید الدوله طهماسب میرزا حکمران امور و ثغور بلوچستان را منظم کرد و ساسخان ایلخانی
و عباسقلیخان میرپنج و میرزا عبد الباقی متولیباشی حضرت رضوی علیه السلام از دار الخلافه رخصت یافته بمشهد
مقدس مراجعت کردند و برحسب امر همایون شاهنشاهی در آن بلد سمی جاقراولخانه ها ساختند و بتسخیر سوحسن تصمیم
نبشته اند سلیمانخان دنبلی حکومت شربیت رفت و محمد تقیخان جوانشیر حاکم شاهرود بطام گردید و محمد رضاخان
قاجار حکومت اردبیل و محمد حسینخان نوری بکادپرداز مشکین نایل شد و قاسمخان قاجار جارچیباشی حکومت
قراجه داغ یافت و حکومت ارومی بنواب مصطفی قلیمیرزا مفوض شد و مجیدعلیخان ماکوئی منصب میرپنجگی یافت
محمد علی بیک ناظر شاهنشاه مبرور بسیر بتپی ایلات قزوین رفت و لی اجل او را مهلت نداد نظارت اعلیحضرت اقدس
همایون بنصرالله خان ولد امیر کبیر قاسمخان خال شاهنشاه مفوض شد فوج مصطفی قلیخان بپاشاخان مکری
(مظفر الدوله) سپرده آمد موکب فیروزی کوکب اقدس اعلی عزیمت قم و بعضی از نواحی عراق فرمودند امرو پای
(طریش) در اینسال اهالی مجارستان بدولت طریش یاغی شدند سردار طریش از طرف امپراطور این مملکت واندکسکر از
ماتو بنظم مجارستان و تنبیه اشرار و یاغیان شد و در وسط زمستان قشون بمجارستان کشیده وارد شهر بود
پایتخت آن مملکت گردید عساکر دوسکر در والاشی بودند بملک امپراطور طریش وارد مجارستان شدند اهالی
مجارستان بعضی شهرها را که بتصرف قشون دولت بود متصرف شده کوسوث نام را رئیس جمهور قرارداده اتفاق کرده
مجارستان را خارج از مملکت طریش اعلان نمودند و شهر پست که در حوالی شهر بود پایتخت مینا شد بتصرف یاغیان
درآمد اعلیحضرت امپراطور طریش بشخصه سرداری عساکر خود را متقبل وارد و خود را در شهر پسبورک قرارداد
عساکر دوسکر در اقلاق بغدان بودند ملاحظه اینکه مبادا شورش اهالی مجارستان امدادی یافته بسمت لهستان
روس سرایت نماید مجددا مصمم حمایت امپراطور طریش شده قشون بملک امپراطور طریش از مجارستان فرستادند
نیز در اینسال لشکر طریش در البانیا فتح نمودند و قلعه مدین را متصرف شدند سردار بزرگ طریش را تزکی نام
در دونوار پاشا سردار بن را مغلوب کرد و پاشا سردار بن از سلطنت استعفا نموده ارشد اولاد خود را
بسلطنت انتخاب و برقرار و اشت سردار مذکور اغلب شهرهای البانیا حتی قلورانس و غیره را متصرف شد و مملکت
نومبارد یه را که از ممالک ایطالیا است تجاوز و نیز کلیه بتصرف طریش درآورد یکدسته از قشون فرانسه وارد بندر
سیونا و پیشا بندر ایالت دوم شد بعد از فتوحات مذکوره در ایطالیا جراح عساکر اطریش در مجارستان زیاد شد
در دفع اشرار آنجا ظن قریب بیقین حاصل نمودند یکصد هزار قشون از روس مجددا وارد مجارستان شده بملک امپراطور
اطریش آمدند سردار ابن قشون بسکاویچ بود اعلیحضرت امپراطور روس بنکلای مرحوم بشخصه بگراکوی بملک
امپراطور اطریش آمد با عنبهای مجارستان متصل شده قرار برقرار اختیار کردند و بپناه بخاک عثمانی بردند بالاخره
بعد از یکسال یاغیگری و شورش در مجارستان نظم و آرامی در آن ایالت حاصل شد (المان) همه اینسال اجزاء

پارلمنت که در شهر فرانکفور جلوس مینمودند ریاست دول متعاهده المان را که آن زمان با اطریش بود مسترد ساخته وکلای پارلمنت متفق القول امپراطور اطریش را از ریاست دول متعاهده المان خلع نمودند این ریاست را بپادشاه پروس که در آن وقت فرد دیگر بود تسلیم کردند پادشاه پروس جواب صریح در رد یا قبول این شغل نداده اما از طرف امپراطور اطریش بمجلس وکلای پارلمنت المان اطلاع داد که ایشان از حدود معینه خودشان تجاوز نموده اند و وکلای مملکت اطریش را که جزو سایر وکلا در این پارلمنت بودند احضار بوین نمود دولتین دیگر بوباریه از دول معظمه المان مبا شدند تمکین و قبول نکردند که ریاست ایشان با پادشاه پروس باشد پادشاه پروس هم بالطبع مایل باینکار نبود و قبول نفرمود بواسطه عدم قبول پادشاه پروس ریاست دول المان را که خلاف با احکام مجلس فرانکفور وارد آمد بود در مملکت هانوور که نیز از دول المان است و در بعضی ممالک دیگر المان بنای شورش شد علی الخصوص در مملکت ساکس از دول المان شورش سختی کردند مردم برضد خانواده سلطنت شدند فشون پروس تا درزدن پای تخت آن دولت حمله برده شورشیانرا متفرق ساخته پادشاه ساکس را در سلطنت خود مستقل نمود در ایالت بادن نیز بنای شورش شد بعد از چندی پادشاه پروس بریاست دول المان راضی شد مشروط که بواسطه عهدنامه سلاطین ساکس و هانوور قبول اینفقره نمایند و بر عهده گرفت که داخله مملکت المان را منتظم سازد و دست شمن خارجی را از ممالک المان کوتاه نماید سردار پروس تزال پوکر با کمال رشادت و سختی در مملکت بادن با شورشیان جنگ دارد در پائیز اینسال سلاطین اطریش و پروس و ساکس با هم ملاقات کردند و مابین سلطان اطریش و پادشاه پروس چنین معاهده شد که از هر طرف دو نفر بجهة ریاست ممالک المان تعیین شود که در اوقاتیکه ریاست لازم آن بعد میان دولت اطریش و پروس مشترک باشد (انکلیس) همه اینسال بندر عدن در عربستان که متعلق بدولت انکلیس است بجهة تجارتخانه روی زمین باز شد یالت گینه را که در افریقا است انکلیس از پرتوغال ابتیاع نمود نیز جنگ انکلیس با افاغنه و هندیها لاهور مستقیم بسیلک و فتح ملتان و حمله افاغنه بپنجاب و فتح پنجاب بدست عساکر انکلیس و تصرف آنجا از وقایع اینسال است همه در اینسال بجهة عبور کالسکه راه آهن بر روی دریا در پرتوغال مشغول بکار شدند که جزیره انکلیز را وصل بکار تا درون شد جمعیت انکلیس در اینسال پنجاه و هشت کرور بوده (ایطالیا) در این سال اعلام جمهوری در شهر روم و ضبط موقوفات کلیسا بدست جمهوریان اتفاق افتاد حلوس دیکتور امانوئل بر سریر سلطنت ساردین و شورش اهالی دن بپادشاه تازه از وقایع اینسال است و الی سابق در پارم باعانت اطریش مستقل گردید دولت اطریش و فرانسه و اسپانیول تا پل پاپ را اعانت نمودند که از شر جمهوریان دوم محروس باشد چهار هزار فشون اسپانیول بسرداری ژنرال کورد وایکه پاپ آمدند و اهالی روم بنای مخاصمه با فشون فرانسه گذاردند دوم محاصره و در اواسط تابستان مفتوح شد ریاست جمهوریان باکاری بالدی و مازینی بود سلطنت ظاهری پاپ در مملکت دوم بتوسط فرانسه استقلال یافت شارل البرت پادشاه سابق ساردین در یکی از شهرهای پرتوغال در گذشت مابین پادشاه ساردین و دیکتور امانوئل و امپراطور اطریش در میلان انعقاد مصالحه شد پاپ از کائیکه آنجارا امامن خود قرار داده بود بروم مراجعت کرد (دانمارک) همه اینسال مابین دانمارک و عساکر المان که بکمک شورشیان اسلشویک هولستین آمده بودند شروع بمنازعه شد و دو کشتی جنگی دانمارک را غرق کردند فشون دانمارک عساکر پروس را که بکمک باغیها آمده بودند شکست دادند و ششماهه مابین باغیان و دولت دانمارک متارکه اتفاق افتاد نیز در اینسال بوساطت دولت انکلیس مابین دانمارک و پروس و سایر دول المان انعقاد مصالحه شد (روس) در اینسال دولت روس با طریش در شورش مجارستان

کمک نمود و خرج این امداد شصت کرور منات شد اعلیحضرت امپراطور روس فرمان دادند که طایفه دوکه در ممالک روس متوقف اند باید بلباس روس ملبس شوند یا ملبوس جدید فرانسه را اختیار کنند یا هر سال مبلغی مالیات بدهند جمعیت چهل و نه ایالت مملکت و سیصد و سی و دو را امسال یکصد و هشتاد و دو هزار و سیصد نفر بودند از وقایع این سال اینست که جمعی که در صدد قتل اعلیحضرت امپراطور روس بودند بدست میآیند و بیست و یک نفر آنها را که از عدالتخانه حکم قتل آنها صادر شده بود امپراطور از قتل آنها درگذشته حبس مؤبد میکنند (سوئیس) همه این سال در مملکت سوئیس اوزان و مقادیر بطرز فرانسه قبول میشود (عثمانی) در این سال دولت عثمانی با دولت روس در خصوص اقلاق بغدان معاهده می بندد در این معاهده قید شده که حکام اقلاق بغدان را عثمانی معین خواهد کرد مشروط که حاکم عیسوی باشد و مدت حکومت هفت سال پرنس شیکا والی اقلاق بغدان گردید نیز در این سال دولت اطریش و روس با دولت عثمانی کدورت حاصل نموده که چرا افرادیها لهستانی در مجارستان را که پناه بخاک او برده بودند پس نمیدهد دولتین انگلیس و فرانسه رفع این کدورت را توسط نمودند امپراطور انگلیس با کرباکشیهای جنگی انگلیس بکمک عثمانی وارد داردانل شد (فرانسه) در اوایل این سال لویی ناپلیون برادرزادهٔ ناپلیون بزرگ که در چهارده کرور منتخبین بازده کرور و یکصد هزار نفر او را برپاست جمهوری منتخب نمودند این شغل قرار شد و عمارت التیزه را مسکن او قرار دادند همه این سال در فرانسه مدت دو ماه وبای شدید بروز کرد مارشال بوژو داز این مرض در گذشت سرداران فرانسه ژنرال اودینو ژنرال والیان دوم را مسخر نمودند فوت مارشال مولیتو که از سرداران رشید بزرگ فرانسه بود نیز در این سال اتفاق افتاد (هلاند) در این سال گیلیوم دویم پادشاه هلاند درگذشت و پسر او گیلیوم سیم در اوایل بهار بجای او جلوس نمود اوریفیا (مصر) در این سال محمد علی پاشای مصر درگذشت امریکا (اتاونی) در این سال در ممالک اتاونی کنفدریا باز آزادی سیاهان که در بعضی از ایالات این ممالک برده بودند نمودند و صیت انکشاف معادن طلا در کالیفرنی باطراف رسیده از هر طرف جمعیت در وبکالیفرنی آوردند اول وهلهٔ متکاثر متعاقبین مستقیماً علی الخصوص چای پیدا نما وارد شد این سال بود آیالت کارولین اتاونی شروع بزراعت چای نمودند (سنگاپور بنای جنوبی) در این سال ژنرال روزاد در پاست جمهوری ایالت نیوزراستقلال تام و تمام بهم رسانیدند و این ایالت با انگلیس بهمان قرار که با فرانسه عهد تجارت و دوستی بسته است معاهده نمود

سنه ۱۲۷۰ هجری — سنه ۱۸۵۰ مسیحی

آسیا (ایران) تحویل آفتاب بحمل در روز جمعه هفدهم جمادی الاولی یکساعت و پنجاه دقیقه از طلوع آفتاب گذشته بود نواب حسام السلطنه والی خراسان مسافرت بسرخس و دفع شر ترکمن آن حدود و تامین و تضعیف آن نواحی را نموده مراجعت بارض اقدس کردند چراغعلیخان زنگنه قوللر آقاسی که بعد لقب سراج الملکی یافت) بحکومت اصفهان نایل شد محمد امین خان والی خیوق که بعد از برادر خود را خوارزمشاه میخواندند تا بنا بر محرم را که از نزد یکان او بود با هدایای لایقه بسفارت ایران و تهنیت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه مامور کرده در ماه ربیع الثانی وارد دارالخلافه شد و شرفیاب حضور مبارک گردید و مقرر شد که شخصی از چاکران کافی آستان سپهر نشان بهمراهی او بخوارزم سفارت کند و بعضی مطالب را انجام دهد بر حسب امر همایون مرحوم رضا قلیخان لله باشی را که یکی از اعیان کاردان خدام دربار معدلت مدار و مردی خبیر و بصیر و نکاردنده فاضل و بی نظیر بود انتخاب

محرم باصطلاح اهل خوارزم پیشخدمت است

نمودند و او عازم اینسفر شده و تابع مسافرت خود را من البدو الی الختم نگاشته و شرح اینمسافرت در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگاشته شده است و در اینجا حاجت باعاده نیست همدر اینسال در این دولت جاوید عدت بعنوان دار الخلافه باهره روزنامه دولتی حاوی اخبار داخله و خارجه و بعضی اعلانات تجارتی و غیره ایجاد شد و اول نمره اینروزنامه که از طبع خارج کردید مورخ بتاریخ ربیع الثانی سنه هزار و دویست و شصت و هفت بود نیز در اینسال بواسطه فراوانخانه که در هر نقطه شهر دار الخلافه ساخته شده بود بنظم شهر افزود و مقرر شد که در سایر بلاد نیز فراوانخانه ها بسازند مصطفی قلیخان قراکوزلو منصب میرپنجی یافت آقاخان ماکوئی سرتیپ سواره قزوین کردید پاشاخان مکری (حالا مظفر الدوله است) سرتیپ افواج سمنان و دامغان شد سلیمانخان دنبلی حکومت تربت یافت یوسفخان افشار را منصب سرهنکی فوج جدید افشار اردو میدادند رضاقلیخان ولد سلیمانخان افشار صاحب قلعه بنیاب حکومت صاحب قلعه برقرار آمد همدر اینسال مقرر شد که ماهی دو مرتبه یکی دوزغره و مرتبه دیکر در پانزدهم ماه چاپار با در باجان و فارس و کیلان و مازندران و کرمان و خراسان و استراباد و کرمانشاهان رفته مراجعت کند محمد بقتخان جوانشیر حاکم شاهرود و شبطام کردید شفیع خان نایب اول اجودانباشی مامور مصلحت کذاری و اقامت لندن شد میرزا حسنخان (مشیر الدوله سپهسالار اعظم مرحوم) ولد میرزا نبی خان امیر تومان مامور بکار پردازی بمبئی شد بنای کارخانه چینی سازی در دار الخلافه طهران و کارخانه بلورسازی در قم شد مفتول دوزی در لباس اهل نظام کرفتا آن وقت در ایران معمول نبود زنی طهرانیه مسماة بخورشید خانم نمونه از آن دوخته بنظر اولیای دولت رسانیدند و حکم شد سردست بقدر صاحب منصبان را مفتول دوزی کنند سالها چوخای مازندران طوری تکمیل شد که برای لباس سرباز دیکر بکار نمیخورد حکومت اردبیل بمحمد رضاخان قاجار تفویض آمد محمد حسنخان نوری بحکومت مشکین و ایلات آنجا رفت فاسمخان قاجار جارچی باشی حکومت قراجه داغ یافت میرزا زین العابدین بنزینی مامور تعدیل مالیات کیلان و فومن من اعمال کیلان شد میرزا هدایت الله مستوفی (جناب وزیر دفتر) بتعدیل مالیات صاحبقلعه و دسته کی بمواجب سوار آنجا رفت میرزا حسنخان وزیر نظام برادر جناب میرزا تقیخان اتابک اعظم حکمرانی عراق یافت مجعلیخان ماکوئی را منصب میرپنجی دادند و حسنخان پوزباشی ولد مشار الیه سرهنک و مامور شد که از اردبیل و مشکین یکفوج سرباز جدید بکیرد حسنعلیخان سرهنک (جناب سالار لشکر) از کروس یکفوج سرباز کرفته از قراهان و کزازد و فوج جدید و از مراغه نیز یکفوج ببرد یکی جعفرقلیخان قاجار و از خلخال یکفوج ببرهنکی محمد علیخان و از کرمان یکفوج ببرکردکی اما معلیخان کرفتند اصلان سلطان از طایفه افشار خرقان منصب یاوری یافت مصطفی میرزا بحکومت اروميه رفت نواب شاهزاده مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان شد حکومت یزد بمحمد حسنخان سردار بنایب حکومت معزی الیه بشیخعلیخان ابروانی مقرر شد کلب حسنخان اجودانباشی مامور سرپرستی قشون آذربایجان کردید علیقلیخان شقاقی سرهنک فوج دامغان شد و نیز مقرر شد چهار فوج از عساکر منصوره همیشه متوقف دار الخلافه باشند سوررسان کردن مامورین از رعیت چنانکه رسم بود متروک شد بلکه کوبیدن اطفال معمول کردید در بعضی از منازل راه خراسان مثل الهاك و زید بنای قلعه کذاشته تفنکچی و مستحفظ قرار دادند ایجاد بندکره عبور و مرور در جمیع بلاد ایران کردید کاروانسرای معروف بکاروانسرای امیر در دار الخلافه بنا شد محمد رحیمخان نشیمی باشی (علاء الدوله امیر نظام مرحوم) بحکومت خوی مامور شد امر معدن مس قراجه داغ نظم کرفت

محمد باقر

محمدخان نوئ را که از خوانین متمرد پشتکوه فارس بود و در قلعه صعبی متحصن عباسقلیخان سردار لاریجانی حاکم
بیهبهان او را بچنگ آورده بسزای خود رسانید شال کرمانی بطوری تزئین کرده و خوب بسته که مشتبه بشال کشمیر
کردید شکرمانندان را بطوری تصفیه نمودند که مثل شکر هندوستان شد نواب ایلدرمیرزا برادر کوچک
نواب خانلرمیرزا از جانب ایشان نایب الحکومه لرستان شد عبداللهخان صارم الدوله مامور بمیمون و آخور و دا
نظم کلی دا طایفه بلوچ سیستان که شرارت مینمودند باردمحمدخان ظهیر الدوله بامراولهای دولت علیه جمعیتی از
هرات بسر آنها فرستاده آنها را تنبیه کرد آقا اسمعیل سرهنگ بخوبلدار جبره و ملبوس و غیره نظام شد مطلب بباب
تفنکدار سرکرده صدنفر سوار و صدنفر پیاده شده بجراست راه خراسان مامور شد هفتاد خانه در لنکرود
آتش کرفته بسوخت قطران که بجهة مصارف توپخانه از روس میآوردند در رحمت آباد کیلان بقدر کفایت بخوبی
ساخته یکفوج سرباز جدید از نیشابور بسرهنگی محمدخان کرکری کرفته شد دهم جمادی الاولی در تبریز نازله
سخت شد جوادخان باد کوبه سرهنگ فوج جدید بر وجود شد نصرالله خان (نصر الملک سرتیپ اول) سرهنگ فوج
کلپاکان کردیدها شیخان قرا باغی سرهنگ فوج کمره شد جبرئیلخان پسر صمصاخان سرهنگی فوج جدید نصارا
اردمی و سلماس یافت حسنعلیخان سرهنگ کردسی ابدار الخلافه احضار فرموده منصب سرتیپی دادند محمدتقیخان
جوانشیر حاکم شاهرود و بسطام مرحوم و حسنعلیخان منسوب او بجای او حکومت یافت کوچکها شهریزرا بحکم
نواب حشمة الدوله ستك فرش و تنظیف کردند حکومت کلپاکان و خوانسار از عربشان و لرستان مجزی و محول بنواب
احمدمیرزا شد هرایخان برادر کهتر حسنعلیخان سرتیپ سرهنگ فوج کردسی شد سیصد چهارصد خانوار مشهدی و هراتی که
که در ایام انقلاب آنشهر هجرات رفته بواسطه امنیت این بلد عود نمودند و کار زراعت خراسان نیز منسوق شد پسر
اما موریخان نیشابوری که دم از خود سری میزدند بدست الهقلیخان دستکیر و قلاع آنها کوبیده شد صدنفر دیش حاکم نیشابور
سفیدان و کدخدایان معتبر سرحدی خراسان آمده متعهد اطاعت شدند ظهیر الدوله میرزا محمدعلی برادر میرزا ابوالحسن را
از هرات باعریضه بدربار همایون فرستاد اهالی لارستان فارس که بواسطه قلاع مستحکمه و جبال شامخه راه طغیان
میسپردند بدست نواب الاعضره الدوله حکمران فارس مقهور و مطیع و قلاع آنها کوبیده شد
همدر اینسال موکب همایون اعلی روز سه شنبه نوزدهم جمادی الثانیه بقصر قاجار نقل مکان کردند که در ماه رجب
تشریف فرمای صفحات اصفهان شوند میرزا حسنخان وزیر نظام که حاکم عراق بود باستظام امور قشون آذربایجان
رفت و بعد از انجام این خدمت مقرر شد که در اصفهان برکاب اعلی بپیوندد قلعه ارک تازه بمعماری عبداللهخان معمار
باشی بنا کردند عمارات دیوانی اصفهان را برای ورود موکب همایون تعمیر نمودند محمدتقیخان برادر محمدحسنخان
سرتیپ فراهانی سرهنگ فوج جدید فراهان شد مجدولیخان حاکم بنها وند معزول و مهدیقلیخان نایب اجودانباشی
بجای او حکومت یافت قلعه ابرند کانرا عبداللهخان صارم الدوله از تصرف محمدعلیخان بلوچ خارج کرده بمبلغ
سیصد تومان نه کبند و حسین آباد در راه یزد چون دزدکاه و خراب بود شیخعلیخان نایب الحکومه آب انجارا بیرون
آورده بیست خانوار در آنجا سکنی داد که عابرین از آنجا بسلامت بکذرند
روز شنبه غره شهر رجب موکب همایون با شوکت و شکوهی تمام از مقر خلافت عظمی وارد پایتخت شده که
تشریف فرمای قزوین و از آنجا از راه سلطان آباد و بروجرد بسمت اصفهان هفت فرمایند جمیع شاهزادکان
عظام و وزرای کرام و امرا و ارباب مناصب قدر معتدی پیشا پیش سواره و پیاده ملتزم رکاب اعلی بودند

عزیزخان اجودانباشی مامور توقف دارالخلافه وارد و نظم قشون شد سیم رجب منزل سلیمانیه کرج اطراق علوکا
نموده روز چهارم بمنزل قاسم آباد نزول اجلال فرموده واز اینجا منزل بمنزل عازم قزوین شدند میرعلینقی خان دپه
میرسعدالله خان قندرسکی را منصب سرهنگی دادند هادیخان حاکم ساوجبلاغ و مکری معزول و عباقلیخان کردبی
بجای او حکومت یافت عباقلیخان بادکوبه سرتیپ فوج دهم خوئی بمیرپنجگی فوج مزبور و چهار فوج کرمانشاهان
تابل کردید سوار و پاپروندما مور خراسان شدند قشون معتمدباجعفرقلیخان میرپنجه مامور کرمان کردید روز نهم
رجب ذبیحالله مختار انکلیس و سفیر روم از دارالخلافه روانه اصفهان کردیدند روز یازدهم ذبیحالله مختار روس نیز همان
صوب عزم کرد فرج الله خان سرهنگ یکفوج سرباز از تبریز گرفت روز هشتم رجب موکب همایون وارد قزوین شد
کتاب نظام ناصری از مولفات نواب بهرام میرزا (معزالدوله) در دارالخلافه طبع و منتشر شد برج و باره دارالخلافه
تعمیر شد موکب همایون هیجدهم رجب از قزوین تشریف فرمای صفحات عراق شد حاجی علیخان فراشباشی والا مولف
اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه دادند سبک عراقی صفحه از آهن ساخت کلوله بر آن کار نمیکرد و مانع
بود که باهمین آهن زره میساختند که کلوله را در آن اثری نیست نسبت صنایع عزیزه بنی باو میدادند در قزوین بجهة منع
سبل سنگ سدید بامر دولت بستند سربازان فوج سوادکوهی را که نواب مهدیقلی میرزا فرستاده بود در دارالخلافه
سان دادند محمدولیخان بیکلربیکی استراباد بقصد تدمیر تراکمه با سه هزار نفر از سواره و پیاده از شهر حرکت کرد
موکب همایون دوازدهم شعبان تشریف فرمای سلطان آباد شد و در اینسفر در منزل آشتیان مولود ذکور
از صلب مبارک شاهنشاهی روشنی بخش ایشان کردید جباخانه در همه بلاد ایران خاصه در دارالخلافه طهران
دایر و انواع اسلحه ممتاز ساخته شد همچنین مهتابچه آتش دادن توپ موکب همایون روز نهم شعبان وارد
بروجرد شده باغ شاه بود و مشکوه مزین کردید حاجی محمدحسین کاشانی پارچه از پنبه و کج در کاشان
ترتیب داده و بافته بضخامت ها هون نمی لطیفتر و بادوام تر و دو هزار ثوب کلیجه از آن برای اهل نظام برسم علی الحساب
بشوی چهار هزار دیناری بتباع شد افواج و سواره زیاد در این سال از غالب بلاد وایلات کرمانشاهان
و در غالب ولایات قزاق ساخلو و مشق افواج شد و امر قشون ایران خیلی ترقی کرده و منظم شد
قشونی کابوی بجهة نظم حدود کرمان و استراباد و خراسان و دفع تراکمه بهمه آنحدود فرستاده شد و تمام حدود
شرقی و غربی ایران منظم و امن و مصفا کردید از اتفاقات غریبه اینسال انکه کاوی در رشت حامله بوده و
وضع حملش نمیشده صاحبکاو بتوهم اینکه مبادا بمیرد آنرا ذبح نموده شکمش را شکافته کوساله بیرون آمده کردو
سر داشته یکی بزرگتر و دیگری نی الجمله کوچکتر تا کردن که چسبیده بشانه است و تا بوده و دست و پا و سینه و
شکم موافق قاعده یکی و دم آن بازده و تا بود دکتر شلیمر آن کوساله را کرفته تشریح نماید
موکب همایون روز شنبه بیست و یکم شعبان از بروجرد بعزم اصفهان انتهاض فرمود در مشهد مقدس و قوچان
و تربت زلزله شدید شد آقا باباخان بوزباشی حکومت صاینقلعه یافت موکب همایون اوایل رمضان را تشریف فرما
چمن قهپز بود دوازده هزار تومان بکرها نشاه و چهار هزار تومان بملاپر تخفیف مرحمت شد اشرار فوج قهرمانیه
که چندی قبل همراهی فوج دیگر طغیانی نموده بودند در تبریز هریك باندازه تقصیر خود تنبیه شدند سرهنگی فوج
جدید کرد ستان را بامان الله خان والی کرد ستان مرحمت فرمودند سرکردکی سواره سنجابی و حکومت طایفه
مزبوره را علاوه منصب سرهنگی باسدالله خان کوران دادند

موکب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روز پانزدهم ماه رمضان شهر اصفهان را بقدوم مبارک مزین فرمودند این
سفر خیر تأثیر زاید الوصف منضمن صلاح حال رعیت بود زیرا که بر نظم بلاد افزود و در هر جا حسب الاستحقاق بقدر
لزوم تخفیف مرحمت فرمودند و منزل ذات همایون در عمارت سلطنتی شهر اصفهان و ارکان و اعیان حضرت در
ابنیه نزدیکی دربار همایون و سایر اهل اردو از نظام و غیره در عمارت هفت دست و در کنار رودخانه زاینده رود
چادر زده بودند میرزا احمد علیخان بمنصب وزارت دولخار جهر نایل گردید سلام عام روز عید صیام در اصفهان
باشکوهی تمام انعقاد یافت عمارات سلطنتی دار الخلافه را برای معاودت موکب اعلی تعمیر و بعضی ابنیه تازه بنا کردند
محمد ولیخان بیکلربیکی استراباد قلعه خواجه نفس را تمام و حمزه خان نوائی را بمستحفظی آنجا گذاشت و بند
کرکانرا نیز ساخته و بانجام آورد و نواحی کرکان و استراباد نظمی کامل یافت میرزا احمد کار پدر را از زمان الزوم
برکاب اعلی آمده بنیابت و تیمور وزارت دولخار جهر یافت مقرر شد سه فوج سرباز از توابع اصفهان بگیرند و جبه
خانه در اصفهان بنا نمودند که در هر ماهی سیصد قبضه تفنگ و هزار دست فالشفه و اسباب سربازی در آن تمام شود
و تقریر عایت حال اصناف اصفهان امر شد سالی پنجاه هزار دست ملبوس نظامی در اصفهان دوخته شود میرزا احمد
وکیل دیوانخانه مبارکه را بمنصب ناظم دیوانی و لطفعلیخانی سرافراز فرمودند جانمحمدخان قاجار بجای نواب مهدی
قلیمیرزا حاکم مازندران شد بنای نوباک کاری در حدود دار الخلافه شد با رمحمدخان ظهیر الدوله در سبزوار
درگذشت و پسرش صمد محمدخان بجای او متمکن شد سیف الدینخان بلوچ از رؤسا و حکام طایفه بلوچ با
طایفه خود خدمت نواب مؤید الدوله حکمران کرمان و بلوچستان متعهد خدمتگذاری گردید موکب همایون از
اصفهان بعزم خلافت عظمی معاودت فرموده روز هشتم ماه ذی حجه بدار الخلافه باهره نزول اجلال فرمودند
و در همین روز در تالار تخت مرمر سلام عام منعقد گردید اهل دار الخلافه بزیارت جمال مهر مثال مقدس شاد بها
نمودند باذن بندگان همایونی مردم رخصت سواری گاسکه یافته و در دار الخلافه و دار السلطنه اصفهان
گاسکه ها ساختند که بخوبی گاسکه های ممالک فرنگ بود مصطفی قلیمیرزا که سابقا حاکم ارومی بود بحکومت مازندران
مامور شد میرزا احمد حسین صمد در دیوانخانه بایلچی گری برو سر دفتر حاجی میرزا علیخان خوئی بمنصب سرهنگی نایل شد
در اندرونی خانه میرزا غفارخان اجودان توپخانه که در پشت توپخانه بوده آتش گرفته و باشش خانه دیگر در جنب و تمام
سوخت بنا بلد برای توپخانه موهم خطر بود ولی توپچیان و توپخانه چیان آتش را خاموش کرده بتوپخانه
آسیبی نرسید کوچه های ارک پادشاهی دار الخلافه را شروع بهموار کردن و سنگفرش نمودن نمودند کرزا
گاسکه دوصاف باشد میرزا تقی وزیر سابق عراق بمنصب سپیفا و مباشری کل وظایف ممالک محروسه برقرار
گردید ابراهیم آقا سرهنگ فوج نهم خوئی بمنصب سرتیپی فوج مزبور و فوج جدیدا فشار بکشلوی قزوین نایل
گشت محمودخان کلانتر تهران از مرتبه اول سرهنگی و خلعت مرحمت شده و اخیرا بقعده طوایف ترکمان دشت
گرکان متفوق شده با فشون دولتی بنای مجادله گذارده جعفرقلیخان میرپنجه آنها را شکسته فاحش داده متفرق نمود
محض اشاعه خیر و نفع اهالی مملکت امر همایون شرف نفاذ یافت که بند کمارپل شوشتر را بسنگ و ساروج بندند و سدی هم در هر
مشهور بهاشم بسته شود آن بند و سد و این اوان باتمام رسید و عربستان با هتمام نواب حاجی ظل میرزا حاجی
منتظم همدان سال دار الملک همایون مدرسه مبارکه دار الفنون ساخته شد اگرچه شروع بساختن و اقدام به
بنای این محل منیف و مکان رفیع فی الحقیقه در سال قبل شد ولی در این سال بخشنده مآل ساخته آمد طرح این بنا را

میرزا

میرزا رضای مهندس باشی کرد و بمعماری محمد تقیخان معمار باشی بنا نمودند و سمت شرقی آنرا با تمام رسانیدند و معلمین
از برای تعلیم علوم جدیده و انکشافات تازه و السنه مختلفه دول اروپا از فرنکستان طلبیدند لنزی صاحب که خدمات
جلیله بدولت علیه کرده بود و در دولت شهریار مبرور مجلل شاه طاب الله ثراه منصب امیر تومانی یافته درگذشته
او را بعزت و احترام تمام برداشتند امپراطور (اسپانیول) مراوده و دوستی این دولت با دولت انکلیس بعد از انکه چندی
بود مقطوع شده مجددا برقرار شد ژنرال لوپز نام جمعی بجالره و اوباش پنکه دنیا را با خود متفق نموده که جزیره
کوبای پنکی دنیا را که در تصرف اسپانیول است تصرف نمایند لی کوشش او بیفایده شده و منتشر نگشت (المان)
در مملکت اطریش ایجاد قانون جدید شد پادشاه پروس مخالفت امپراطور اطریش را در بعضی مسائل داخله با المان
آشکارا جرات اظهار نمود و از آنطرف دولت اطریش از عظمت دولت پروس وحشت داشت بسبب اینکه از ایالات
نمره دویم المان با پروس متحد شدند در شهر فرانکفورد در مجلس پارلمنت تمام ممالک المان بواسطه کونت دنونها
اطریش مفتوح شد در شهر ورشو طهستان مجلس کنفکوئی منعقد شد که امپراطور نیکلای مرحوم پادشاه ممالک روس
و پرنس شوارتسن برگ وزیر اعظم اطریش و چند نفر از شاهزادگان پروس قراری در اتحاد المان و دوستی بین الدولین
این مملکت بدهند دولت پروس چنان قرار دادن وکیل در مجلس پارلمنت که در شهر فرانکفورد منعقد است ندارد نزاع
مابین دولتین پروس و اطریش نزدیک شد که در یکدیگر مسبوراد و پنزبوذارت خارجه پروس بقرار شد ملاقات
امپراطور اطریش و پرنس شوارتسن برگ وزیر اول پروس و مرحوم امپراطور نیکلای در پائیز امسال بود
استعفای مسبوراد و پنز پولیتیک پروس را تغییر داده از صرافت مخاصمه با اطریش افتاد و وزرای اعظم پروس و اطریش
بجهة انعقاد مصالحه در اولموتز ملاقات کردند بواسطه نزاع مابین دانمارک و ایالت هولستن در پارلمنت مجلس کنفدراسیون
بخواهش دولت انکلیس منعقد شد باعنان هولستن از عساکر دانمارک شکست خوردند دولت انکلیس و فرانسه و اطریش
واسطه اصلاح مابین دولت دانمارک و باعنان هولستن شدند دولت پروس قبول میانجیگری و اصلاح نمیکند جمعیت
مملکت پروس در امسال بسی و دو کرور و دویست هزار و یکصد و هشتاد و شش نفر رسید محض قناعت در مخارج
دولت در اطریش هشتاد هزار نفر از قشون خود کسر نمودند (انکلیس) لورد پالمرستون که در این سال وزارت جنگ
اینده دولت را داشت در بعضی مسائل جزئیه بدولت یونان ایراد وارد آورد و یکدسته کشتی جنگی انکلیس تا پیره بندر
یونان رفت و آنجا لنگر انداخته دولت یونان را تهدید بجنگ نمود دولت فرانسه میانجی شده انکلیس قبول و ساطت
او را نمود دولت فرانسه سفیر خود را از لندن احضار کرد ولی نیاده از یکماه نشده همان فرانسه و انکلیس اصلاح شد
سیسرو پرتیل که از معارف انکلیس بود از اسب بزمین خورده هلاک شد سیم تلگراف بحری که فرانسه و انکلیس را
از کالیه بدوور بهم اتصال میدهد ایجاد شد بنای عمارت بلور بجهة اکسپوزیسیون آینده در انکلیس نیز در امسال شد
(ایطالیا) در مجلس شورای ملتی تودن قرار گذارند که در ممالک ایطالیا که متعلق بپیکتور اما نوئل است علمای دین
بهیچوجه نباید مداخله باجزای قانون و صدور احکام نمایند قانون همان قانون دولتی است و هم مطیع آن هستند
نیز نسبت بمعابد و کلیساها موقوف باشد کاردینال آن نوبی صدر اعظم برضد انقرار داد احکام از طرف پاپ
بکشیشان صادر نمود کشیش اعظم چون اطاعت اینا احکام نکرد مغلوه در قلعه انیشهر حبس شد کونت کاوور از
روزنامه نویسها بود جزو وزراء شد ششهزار نفر از عساکر اطریش در ایالت لمبارد بجهة حفظ خانواده والی
متوقف هستند پاپ که فرارا از روم مهاجرت کرده بود در اوایل بهار وارد روم شد (پرتوغال) دو کشتی جنگی

(چین) امپراطور چین
طا او کوانگ در جیلدید
کذشت و پسر چهارم او
ایشنک که نوزده سال دارد
بجای پدر بسریر سلطنت
چین جلوس نمود

وارد دهند و دخانر تاج کراز وسط لیز بن پای تخت میکذرد شده دولت را تهدید کرد که فراری و هر چند مسئله
کاز قدیم درمیان اتاتوئی و پرتوغال مابه النزاع بود بکذارد پادشاه سوئد و نروژ بین دولتین حکم شد (داعمارک)
باوجود و ساطت فرانسه و انکلیس و اطریش و سوئد و نروژ و حضور سفاین جنکی دوسن در سواحل داعمارک بجهت کمک
اینده دولت و اثبات حقوق او در دوایالت اسلشویک و هولستن کرباو و باعی مستند باز باعی کری برجا و اهالی المان
علی الخصوص پروس محرک باعیانست از فرستادن قشون و آنچه لازمه تقویت باست برای باغیان کوتاهی ندارد (روس)
دولت روس با طایفه چرکس و لکزی که رئیس ایشان شامیل است منازعه سختی نمود و اول و هله شامیل بر عساکر
روس غلبه کرد اما بعد مغلوب کوههای داغستان فراری شد شورش رعایا با ارباب خود در بعضی ایالات (سوئیس)
بعضی آزادی طلبان المان و فرانسه در این مملکت پناه و پاشنه اول صعوبت بکوه بن بنان که چهار هزار و پنجاه دو ذرع از
سطح دریا ارتفاع دارد در این سال بود تمام جمعیت سوئیس در اینسال چهار کرور و سیصد نود و سه هزار و هفصد
و سی یک نفر است (عثمانی) وبای شدید در قوش و طرابلس بروز کرد (فرانسه) ایجاد قانون در تعلیم و تعلم کرده
هر ایالت باید یک مجمع العلوم باشد پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهور فرانسه با ایالات شرقی و لورماندی مسافرت کرد
لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه در سن هفتاد و هفت سالکی در قصر کلارمونت در انکلیس در کذشت بالراک کراز
نویسندکان معروف بود وفات نمود ژردم بناپارت که عموی پرنس لوی ناپلیون بود بمنصب مارشالی فرانسه مامور
آمده واجب رئیس جمهور در سال بمبلغ دویست و شانزده هزار تومان معین کردید و در اول کشتی بخار مستقیما
از نیویرک بینکی دنیا به بندرهاور فرانسه در پانزده ایسال بود افریقا (مصر) بروز وبای شدید در این مملکت
(سوئز) اول بروز و باد در این مملکت در این سال بود امریکا (مکزیک) ژنرال اریسنا بر پاست جمهوری تعیین و منتخب
شد وبای شدید در مکزیک بروز کرد (اتاتوئی) اینده دولت باد دولت انکلیس بجهت ساختن هر بری در پاما تا نقطه
مرکزی بنکی دنیا کرد و محیط را بهم وصل مینماید معاهده نمود مسیو تیلو رئیس جمهوری در واسطه تا بستان در کذشت
و مسیو فیلمور بجای او در پاست یافت کلدری نام کریکی از وکلای مملکت بود بمجلس اظهار داشت که نکاهداشتن سیاهان بطور
بنده و خرید و فروش آنها که در بعضی ایالات اتاتوئی رسم و معمول است در همان ایالات محدود باشد و اینظلم نسبا برایالات
سرایت نکند دولت مانع باشد مجلس وکلای دولت بقبول این تکلیف ننمودند و لهذا پرو دش نکاهدار غلام و برده نیاید
در اتاتوئی رواج کرفت و شیوع اینعمل در ایالات جنوبی اتاتوئی مثل ایالت دیرپرش و کارولین بدرجه رسید که
تجار بزرک از خرید و فروش سیاهان دایر کردید بقوت دولت در رواج و انتشار اینعمل منتج بحدی بود که احکام
اکیده صادر نمودند که اکر از بردکان و سیاهان که بنده بودند از سوء سلوک و ظلم مالکین خود فرار کرده بایالتی
که این رسم شنیع در آن مرسوم نیست و نمه پناه بجویند حتما باید آن ایالت آنها را مسترد نمایند
در ایالات شمالی اشخاص که بر ضد این رسم و منکر خرید و فروش برده بودند بنای شورش کذارده بودند جمعیت اتاتوئی
در اینسال بچهل و ششکرور و دویست و چهل و ششهزار و سی و یکنفر رسیده که در ظرف ده سال دوازده کرور
بواسطه مهاجرین فرنک بر جمعیت اضافه شده و علاوه شده بود قوای ارتیستاد در مکزیک بریاست مرخاز مشد
بعضی از مطالعه کنندکان نه چندان خبر و بصیر در وقایع و حوادث عالم نیستند و تفصیل را که ما در باب سیاهان که
در بنکی دنیا برده بودند نوشتیم درست ملتفت نشده شاید از وی عدم بصیرت و اطلاع بما ایراد کنند که مقصود
چیه بود با اینکه طالبان علم را اطلاع از وقایع و اقعا بخواهند بصیرت حاصل نمایند لازم بود که قدری ایجاد ه

وتابع نکاری تمام عالم در ضمن این سال که هزار و دویست و شصت و هفت هجری است قدم بیرون گذاشته تاریخ بنده کرمش
وخویش فروش آنرا که در تمام عالم رحیم و قدیم شد و چه شد که در اثنای نیکی دنیا در سنه هزار و هشتصد و شصت و
پنج مسیحی مطابق هزار و دویست و هشتاد و دو هجری بعد از خونریزی باد این عمل شنیع را موقوف نمودند بکار دیم اما
چون این تفصیل را موقعی بهتر از این هست در آن موقع ذکر خواهد شد

سنه ۱۲۶۷ هجری — سنه ۱۸۵۱ مسیحی

آسیا (ایران) ذات ملکوتی صفات مقدس دام ملکه از بدو این سال خیر مآل مزید آسایش رعیت ممالک محروسه
ونظم بلاد و ترتیب و تزئین عمومی او وجهه همت ملوکانه فرموده بعدل و نصفت مسلک و متقلد اعمال سلطنتی بودند
شفیع خان چرچیباشی التزام داد که مکتوبات بلاد بنظم بصاحبان برسد و چاپاران زیاده از حق خود مطالبه نکنند
میرزا مصطفی مستوفی ملقب بامین الملک شد خبر تنبیه و مخذول کردن سپاه منصور طوایف ترکمانیه را در صحرای
گرکان و استراباد بدار الخلافه رسید در سمنان زنی مولود ذکور آورد که دو دهان و دو دماغ و دو گوش و سه
چشم داشت تا آن مولود نماند در گرمانشاه ناخوشی و بارز کرد و بعد از چندی باران آمده نزول رحمت رفع
ناخوشی را یکلی نمود میرزا اعفار خان بنیابت دیوانی و وزارت جلیله خارجه برقرار شد میرزا سعید خان بلقب مؤتمن
الملک نایب و مبراجم مخصوصه سربلند شد فوج زنگنه کرمانشاه که تازه گرفته شده وارد دار الخلافه شد نور الله
خان شاطر انلو نایب جوانبانی را سر هنگ فوج خواجه وند عبد الملک فرمودند صمد محمد خان حاکم هرات پسر ظهیر
الدوله که میرزا بزرگ را با پیشکش بدربار معدلتمدار فرستاده بود محض بذل عاطفت و سلطنتی او در فوت
ظهیر الدوله میرزا احمد ناظم دیوان را روانه هرات و اسبی براق طلا و کاردی مکلل بالماس و خلعتی فاخر برای صمد
محمد خان عنایت و ارسال فرمودند از خراسان خبر رسید که پنج شش هزار سوار ترکمان سرخسی بهجت بت حیدر آمده
نواب حسام السلطنه جمعی را بر سر آنها فرستاده جنگ عظیم در گرفته ترکمانرا مقهور و بسیاری از ایشانرا مقتول و
زیاده از دویست و پنجاه نفر اسیر و سر بدست قشون ظفر مقرون افتاده باقی فرار کردند نواب نصرة الدوله حکمران فارس
با محمد قلیخان ایل بیکی برای نظم و سرکشی بطرف کوهکیلویه و بهبهان رفته میرزا یار خان امیر طومان بیزد آمد یکی از
کشیشهای پنکی دنیائی ساکن اردومی تخم پنبه پنکی دنیائی در اردو می کاشته حاصل آن بسیار خوب شده لهذا قرار دادند
که از این تخم بسیار بکارند و این زراعت را رواج دهند برای اینکه مردم بیشتر شده خود را طبیب قلم ندهند و بطبابت
فوج داخل نشوند مقرر شد اطبای فوج در اداره دکتر کار و لانی حکیمباشی نظام باشند و بتصدیق مشار الیه طبیب
هر فوج مشخص شود محمد خان نایب الحکومه مازندران بحکومت اردومی برقرار گردید در پیش سفیدتر آنکه سرخس در
خدمت نواب حسام السلطنه متقبل انقیاد و حد متکداری شده با عباسقلیخان یکدیکی مشهد که مامور حکومت سرخس
گردیده بود روانه آنجا گردیدند شب چهارشنبه چهارم محرم دو ساعت از شب گذشته در تبریز زلزله شدید شد
نزدیک صبح نیز مجددا زلزله میشود قبل از زلزله سرچهار و زبرف آمده و بعد باران بسیار بارید روز بیست و
پنجم ماه محرم بانقضای رای صواب نمای همایون و نظر بصالح ملکی میرزا فتحخان اتابک اعظم از منصب صدارت نظام
و وزارت عظمی و لقب اتابکی و سایر مشاغل و مناصب یکلی خلع و معزول شد و میرزا آقاخان اعتماد الدوله
بجای او بتفویض منصب صدارت عظمی انتخاب و مفتخر گردید مساعی جمیله برای نظم راه خراسان و آسایش زوار نمودند
این اوقات یکشب سیلی عظیم در تبریز آمد و خرابی بشهر وارد نیاورد و چون اکثر اوقات فیما بین جدید السلام

الوامنه

ارامنه و یهود و کبر مادر باب اموال متوفی گفتگو بود حکم شد رسیدگی با نیز افضه مخصوص دارالخلافه و دیوانخانه
بزرگ پادشاهی باشد و احدی از حکام شرع و عرف و ولایات مداخله در انکار ننمایند سیصد نفر از اهل اشرف و
توابع مامور و مستحفظ دروازه های شهر دارالخلافه شدند اعتماد الدوله صدر اعظم بعضی امکنه مالک بالماس و
یکقبضه شمشیر مرصع و بنکاغذ شرابه مروارید نشان صدارت عظمی نایل گردید محمد حسن خان سردار با عطای
یکقطعه نشان نمثال همایون سرافراز گشت حاجی یحیی خان را بمنصب پیشخدمتباشیگری و ریش سفیدی عملجات و
نفنگداران باشیگری مفتخر فرمودند نواب خانلر میرزا ملقب باحتشام الدوله عزیز خان اجودانباشی درخدمات
مرجوعه مستقل و یکقبضه شمشیر با و عطا فرمودند خانه نزول که در لرستان رسم بود حسب الامر منسوخ و حکم
شد برای حاکم و نوکر عمارت دیوانی بسازند و نهر آبی از سمت بالای شهر بشهر بیاورند و بجهت آسایش نوافل از
دزفول تا خالد بر و جرد در هر منزل قلعه بسازند برای نظیف شهر دارالخلافه قرار داد مجددا گذاردند ساختن تفنگ
و چقماق در اصفهان ترقی کرد تا دین قلعه را حسب الامر در شیراز بنا نمودند اسدالله خان امیر اخور بیکقبضه شمشیر نایل
شد میرزا فتح الله برادرزاده جناب صدر اعظم را لشکر نویسباشی فرمودند و حاجی علیخان والد مؤلف که از اول
دولت بمنصب فراشباشیگری برقرار و بعد مهام خیامخانه و تعمیر و بنائی باغات و عمارات دیوانی دارالخلافه و سایر
ممالک محروسه و عزل و نصب فراشباشیان عموم ولایات و انتظام امر مهمانخانه دولتی بعهده مشارالیه محول شده
بود ملقب بحاجب الدوله شد و بیکقبضه قمه مرصع با مرحمت فرمودند لبسباشی از افواج و سواره مامور خراسان
احضار بدارالخلافه شده بهمه مواجب داده و بذل مراحم نموده مرخص شدند که چندی آسوده باشند رودخانه کرخه
قدیما بولایت حویزه میرفت و چند سال شده بود که بمرور بکرانه افتاده مقرر فرمودند آنرا بواسطه سدی در مجرای اول
جاری کنند عمارت ملکی محمد خان مصلحی کنار اسلامبول واقع در شهر مزبور را مشارالیه بدولت بده هزار تومان فروخته
و قرار دادند سفارتخانه برای سفرای ایران که مامور آن پایتخت میشوند باشد سرتیپی فوج جدید اصفهان را به
مصطفی قلیخان قاجار تفویض فرمودند بعضی قلاع صعبالعبور دستان و کرمسیر از افاغره که مسکن طاغیان بود باهتمام
نواب نصرة الدوله مفتوح و خراب شد شیخ حسن عرب که با میرزا حسنعلیخان حاکم بندر بوشهر از در مرد برآمد و
بجزیره خارک رفته بود میرزا حسنعلیخان جزیره را متصرف و شیخ حسن فرار بکنبا که جزو محمره است نمود اشتباه
حسن نام تبریزی در سند قوخزینه دار بسیار خوب ساخت که مثل صندوقهای بسیار خوب فرنگ بود و یکی بکخزانه دار دولت
داشت بعد از انکه معلمین فرنگ که از دولت آسترید خواسته بودند بدارالخلافه رسیدند و طرح مدرسه مبارکه
دارالفنون نیز تمام شد روز یکشنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال یکصد نفر از اولاد شاهزادگان عظام و امرا
و اعیان و رجال دولت که برای تحصیل در اینمدرسه منتخب شده بودند بتوسط میرزا محمد علیخان وزیر دولخانه بحضور شرف
اندوز خاکپای مبارک شده بعد از آن بمدرسه آمده بهمت شروع بتحصیل کردند و در اینروز دارالفنون افتتاح یافت
و حسب الرسم تشریفات معموله بعمل آمد و ابتدا علمی که شروع شد مشق پیاده نظام و مشق توپخانه و مشق سواره نظام
و هندسه و طب و جراحی و علم دواسازی و علم معدن بود و مقرر شد هر دسته لباسی علیحده بپوشند که فقط از
وضع لباس شغل هر یک معلوم شود و قرار دادند مترجمین از برای مدرسه تعیین کنند و از آن روز علوم جدیده
و انکشافات نافعه ملل فرنگ که در چندین سال بزحمت بسیار و مشقت بیشمار معلوم شده بود در اینمملکت شروع
بانتشار نمود و شرح احوال واسامی دروس و معلمین و متعلمین این مدرسه مبارکه و شرح ترقیات و مراتب و

شئونات و امتیازات و تحصیلات و ماموریتهای هریک از شاگردان از ابتدای افتتاح مدرسه تا سنه هزار و دویست
و نود و پنج مفصلا و مشروحا در جلد دویم مرآت البلدان ناصری مومی بمآثر السلطان نگارش یافته است و در
اینجا حاجت بتکرار نیست محمد تقی میرزا احمدخان نایب دویم وزارت بخارجه بلقب خانی و نشان شیر و خورشید از
مرتبه اول سرهنگی با حمایل سفید نایل گردید میرزا فضل الله برادر جناب صدر اعظم بمنصب جلیل وزارت کل نظام
سرافراز و روانه آذربایجان شدند دسته غلام چلبسیانلو ابوالجمعی جوادخان و محمودخان ماموز نظم طرق شاهرود
و شلم شدند عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین و سایر سرکردگان که در خراسان خدمت کرده بودند هریک بانعام
و خلعتهای بوقلمون مفتخر گردیدند اسکندرخان قراپاپاق بنیابت اول اجودانباشی برقرار آمد عبدالحسینخان و میرزا
محمدخان و آقا رضاخان و نیز بهمانخان و لطفعلیخان که مدتی مشغول مشق نظام بودند هریک بمنصب نایب اجودان
باشیگری نایل شدند کاظمخان قراپاپاق بسرتیپی سواره قراپاپاق و سیصد تومان اضافه مواجب سرافراز شد
حسنخان قراپاپاق نیز سرکردگی سواره قراپاپاق یافت بحکم نواب نصرة الدوله حکمران فارس پانزده باب چاپارخانه
در عرض راه این مملکت ساخته میرزا نصرالله باشکرنویسی آذربایجان و میرزا عبدالله برای ضبط و ربط حساب
کمرک آنجا و فتحعلیبک بنیابت اجودانباشیگری رفتند حکیم کازرونی بحکمباشیگری کل افواج قاهره سرافراز شد
حکیم داودخان مسیحی که خدمات بدولت کرده بود در ماه ربیع الاول امسال وفات نموده باحترام او را بانجا سپردند نواب
نصرة الدوله حکمران فارس بیکتوبچیتبر مرصع شمسة الماس مفتخر گردید نظم سرخس باهتمام عباسقلیخان بیکلربیکی دره جزی در رتبه
کمال یافت در بلوک نایج مازندران تصفیه آهن را بدرجه کمال رسانیدند که از آهن حاجی ترخان نرمتر و باستعمال
نزدیکتر و مثل آهن حاجی ترخان تخته کرده ببلاد الخان فرستادند و امر بتشویق و تکمیل این عمل و عاملین شد راه اسرابا
بواسطه قراولخانه ها جدیدا بنا و مواظبت مستحفظین کامل امنیت یافت مصطفی قلیمیرزا حکمران مازندران باعطای یکتوب
جیغه مفتخر گردید نجفقلیخان پسر محمد طاهرخان وکیل چون خطور ربطی داشت رسالت ارباب قلم منسلک آمد مسیوجان
داود مسیحی مترجم اول دولت علیه جزو اجزای سفارت پطرزبورغ شد علیقلیخان ولد محمد طاهرخان وکیل نایب
اجودانباشی شد راه زنان ایلات لرستان و پشتکوه باهتمام نواب خانلرمیرزا تنبیه شدند و مخصوصا نصیرخان جوکی
که متعرض قوافل و عابرین در فول و عرضتان میشد لبزای خود در سیدان در فول تا خرم آباد را طاق ساختند
یکتوب جیغه مرصع مشعشع مرصع منصوب نواب شاهزاده ملک قاسم میرزا با فتخار حشمة الدوله حکمران آذربایجان اتفاق
نیفتاد حکومت سمنان و دامغان بامیرزا محمدخان کشیکچی باشی واگذار فرمودند و اما مقلیخان از جانب صفری البیه
نیابت یافت و علیخان قراطرا حکومت جوین دادند و محمد ولیخان قاجار بحکومت هرات و ندبر قرار شد میرزا کوچک
دماوندی پاورلیقت خانی و منصب سرهنگی نایل آمد این اوقات هاشم هزار قبضه تفنگ در چیغه خانه دارالخلافه مهیا
پنبه بینکی بنا کرده دار و می کاشته بودند خوب بعمل آمد کلوصاحب حکمباشی جمعی را در خانه خود در سن حاجی داده و
مقدمه تکمیل این علم مهیا شد میرزا تقیخان که سابقا امیرنظام و شخص اول دولت بود در فرشفین کاشان وفات کرد
میرزاها شیخان حاکم ملایر و نویسرکان بجیغه ترصع مخلع گردید محمد تقیخان قاجار که سابقا سرکرده سواره خزل بود بحکومت
بانه منصوب برقرار آمد در خبوشان برق زده چند باب مکان را سوزانیده بعد زلزله شدید شده خرابی زیاد کرد
جناب اعتماد الدوله صدر اعظم را بیکتوبچیتبر مرصع مفاخرت فرمودند میرزا محمد علیخان وزیر دولخانه نیز
باعطای یکتوبچیتبر کرمانی مفتخر گردید جناب صدر اعظم بنای مدرسه مبارکه دارالفنون را نهاده بعد از

امتحان

امتحان متعلمین و حصول اطمینان بترقی آنها هریك را بشویق نمودند بکیوب جیبه ترمه خلعت همایونی برای نواب جمشا
السلطنه حکمران خراسان فرستادند عزیزخان اجودانباشی بیکیوب بخانی نظامی زرد و وزارملا بر خاصه مخلع گردید
نصرالله خان پسر میرزا اسمعیل خان بندپیی سرهنگ فوج بندپیی سرافراز شد جوادخان ولد اسکندرخان قاجا
حاکم کرمانشاهان را سرهنگ فوج سیم مراغه فرمودند چرخ منکنه که اقتشار ابریشمی را موج میدهد در یزد بنوعی مثل کاشان
متداول شد من الغرایب این بلوك رفسنجان کرمان خبر رسید که جوانی است نوزده ساله که بر دوشکم و سینه او
بشکل آدم طفلی مستوی الخلقه آفریده شده که دو پای آن در شکم آن جوان و سایر اعضای او بر دوشکم جوان
میباشد در هفدهم ربیع الثانی این سال ولدی ذکور از صلب مقدس شاهنشاهی فروغ بخش ابصار گردیده موسوم
بمعین الدین میرزا شد میرزا محمدخان کشیکچی باشی باعطای یکقبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید هیجدهم ربیع الثانی
میرزا محمد علیخان وزیر دولخارجه مرحوم شد محمد یوسفخان بمنصب سرتیپی و بکیوب جیبه ترمه اعلی سرافراز گردید
تا نکلی کرمانشاهان داخل مشوون ظفرمضمون شدند قلیچ خان سرتیپ سواره مافی که از خراسان برگشته بود بکیوب
جیبه ترمه باو مرحمت فرمودند فضلعلیخان سرکرده سواره شاهسوان هزاره از خراسان معاودت کرده باعطای
یکطاقه شال سرافراز شد حسب الحکم فراشد معدن آهن ماسوله که آهنش بسیار و خوب بسنگ کنند را آنجا باز
چند باب فرا و لخانه علاوه بر فرا و لخانه های سابق ساخته محض رعایت صحت کرمان تقریبا شصت هزار تومان نقد و
سه هزار خروار جنس بانها تخفیف مرحمت فرمودند عبدالغفار خان بیکی بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع گردید
رحمت الله خان نایب اجودانباشی سرهنگ فوج شانزدهم و مخلع ماموریت آذربایجان شد که عمل فوج مزبور را صورت دهد
استاد علی نفنگساز که حسب الامر بخراسان رفته بود که نفنگ بر بازی بسازد این اوقات پانصد و شصت قبضه
نفنگ ممتاز ساخته که هر کس پسند کرده و تشویق او نمودند در غره جمادی الاولی بندگان سرکار اعلیحضرت
شاهنشاهی بمدرسه مبارکه دارالفنون تشریف فرما شده متعلمین باکره در آنمکان وقت بادتری کرده بودند
سرکشیک و تشویق فرمودند میرزا کاظمخان مستوفی ولدجناب صدراعظم بلقب جلیل نظام الملکی و خلعتی خاص مفتخر
اختصاص فرمودند محمد ناصرخان (ظهیر الدوله) را بمنصب پیشخدمتباشی آقاسی باشکری دربار همایون و بکیوب قبضه عصا
مرصع مفتخر فرمودند میرزا محمد سعید مؤتمن الملك بلقب خانی و منصب بیرقی مهام خارجه قایم مقام و وزارت
دولخارجه استعسراز و مخلع گردید حاجی میرزا حبار رئیس تذکره بلقب ناظم المهامی ملقب و منصب سیدگی
امور معادن و کارخانه های بلورسازی دارالخلافه و غیرها را با و محول و بخلعت همایون سرافراز شد جعلی بیك
باورچی خانه بمنصب سرهنگی و لقب خانی و خلعت همایون نایل شد این اوقات ماهی یکدستگاه کالسکه باهنما
معتبر الممالك ساخته میشود که کمال امتیاز را دارد آقا مهدی ملك التجار بکیوب جیبه ترمه مخلع گردید اسدالله خان
امیرقاین بکیوب جیبه ترمه مفتخر و روانه خراسان شد جعفرقلیخان میرپنجه کرد راستراباد و کرکان بود طایفه
مزبوره را براه انقیاد در آورده و باجازه امنای دولت آنها را با خود بدربار همایون آورد بعطای یکیوب جیبه
ترمه مفتخر شد رضی قلیخان حاکم شاهرود و بسطام مجددا بحکومت بسطام و بکیوب جیبه ترمه مخلع شد همدراین
ماه جمادی الاولی محض اظهار خیرخواهی و اشخاص مسطوره در ذیل با عریضه پیشکش بتقبیل عتبه علیه سرافراز
گردیدند (محمد حسینخان برادر شهیدادخان بیکلربیکی هزاره با عریضه کریمدادخان) (سید علی خواجه فرستاده
حکومتخان والی مهمنیه رضیه والی) (محمد ولیخان پسر مرحوم ابراهیمخان بیکلربیکی سابق هزاره) (اللهیارخان

برادرزاده

مراد زاده او) (عبد الحمید بهادر فرستاده حسن سردار هزاره دیسا کوهی با عریضه او) (عبد الکریم بیک فرستاده
ابراهیمخان سردار تایمنی با عریضه) (خان میرزا بیک فرستاده ابراهیمخان و اکرم خان فیروز کوهی با عریضه) (شادان
بیک فرستاده نصیرخان جمشیدی با عریضه) (رضا بهادر بریمرچی) (اربابخالق دیش سفید طایفه ایجکی) (علی
بهادر دیش سفید طایفه چهرسیتان) (عظیم بیک دیش سفید طایفه قهقهه) (ملا حسین دیش سفید طایفه هزارنکی)
حکیم کاذولانی حکیمباشی نظام وفات کرد آن قوت صعید محمدخان حاکم هرات کاسنه امیر افضل خان پیر کهندلخان
قندهاری با جمعی افاغنه بر سر هراه آمده اند و شهر را گرفتند و در حوالی هرات امنیتی نیست در عقلی بلوک شوشتر
تکرار بقدر کلوله توپ آمده چرخهائی که در صحرا برای تفنیه و مرمت قنوات بوده بکلی خورد کرده است نواب شاهزاده
بهرام میرزا کرد راه وفات سفرهما یونی باصفهان از جانب مینی الجوانب در دار الخلافه نیابت داشتند بنشان تمثال بی
مثال مبارک فرین افتخار کردیدند میرزا عبد الوهاب خان پسر مرحوم میرزا محمد علیخان وزیر دولخار جه عنبیب نیابت دیوم
وزارت دولخار جه و بکتوب جبته نرمه مخلع و نایل کردیدند از اصفهان تا منزل مقصود بیک در راه فارس همچنین از
اصفهان الی کاشان فراولخانه ها در راه ساخته شد بطایفه ککلان در استراباد که بفشونی ماموران نواحی خدمت
کرده بودند دو هزار تومان تخفیف مرحمت شد میرزا محمد ولی طبیب حکیمباشی کل افواج قاهره کردید اسمعیل میرزا
ولد نواب شاهزاده بهرام میرزا منصب سرهنکی یافت نواب الا نصره الدوله حکمران فارس کرمسیر آن مملکت را
نظمی کامل دادند عبد الله خان صارم الدوله بیکلربیکی شمشیر مرصع سرافراز کردیده و نیز مامور شد که کسری فوج ملایر و
تویسرکان و فراکوزلو را بکیرد این اوقات مبلغی از وجوهی که در هرات باسم همایون سکه زده بودند و عریضه صمد
محمدخان باجمعی از معارف هرات بدربار همایون رسید فوج جدید مراغه را با جمعی اسکندرخان سرهنک و فوج خلج ساوه جهرود
علیتوکرفته با هزار نفر سواره شاهسون افشار و ایلات قزوین ماموخراسان شدند و هزار و پانصد دست
فالسنکه و دو هزار قبضه تفنک طرح انکلیسی که در توپخانه وجبه خانه دار الخلافه ساخته اند بخراسان حمل دادند
نواب جهانبانی السلطنه والی خراسان عباقلیخان سرپنجه را با سه فوج سرباز و سواره و توپخانه روانه تربت جام
نمودند که مشغول حراست ثغور و نظم انصفحات باشند فتحعلی بیک نایب اجودانباشی را نواب الاحشمة الدوله
حکمران آذربایجان مامور نظم امور مراغه نمودند روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی هفت ساعت و سی و شش
دقیقه از روز کذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود و سلام عام در تالار تخت مرمر باشکوهی وافر منعقد
کردید و قریب سی نفر از اعیان و دیش سفیدان هزاره و تیمنی و جمشیدی در این سلام مخلع کردیدند شب عید جناب
صدر اعظم بکفطعه نشان تمثال بمثال همایون مکلل بالماس برلیان مفتخر شدند و بکتوب جبته نرمه دوره
مروارید روز بکرذات معدلت صفات همایون بعمارت جدید بشریف فرما میشدند جناب معظم الیه مرحمت فرمودند
در این ایام نواب شاهزاده امامقلی میرزا بحکومت کرمانشهان و خلعت سرافراز کردید بخسروخان والی را خلعت
و حکومت قزوین دادند از عزایم انفافیه کرمان اینکه در اردوبه بزی چهل و دو دیوانه شده و سه پسر زائیده
که یکی از آنها شباهت بیک داشته بخصوص دست و پای او که خیلی شبیه بیک بوده است حکومت ساوجبلاغ
آذربایجان را بکربیکان مکری محول فرمودند نواب حشمة الدوله باجازه اولیای دولت بخسقلیخان پسر مهدیقلیخان
قراپاپاق را مامور سرپرستی ایل قراپاپاق نمودند حکم شد هر کس معدنی در ممالک محروسه پیدا کند بواسطه حاجی
میرزا حبیبالله ناظم المهام بعرض اولیای دولت برساند اذن کار کردن در آن معدن را باو خواهند داد و تا پنجسال

هرچه ازان منفعت حاصل نماید مال خود او است و هر کس بی اذن در معدنی کار کند منافع آن ضبط دیوان میشود
چون جمعیت دارالخلافه زیاد شده حکم شد هر که بخواهد بیرون دروازه خانه بنا نماید بنا برین دو بست باب خانه
تاکنون بنا نموده اند کرسی مارمانند در شکم مرغها در صفحات شکرمانشهان و عربستان پیدا شده مرغ دیوانه
میشود و خوردن گوشت او مضر است خوانین و اعیان بلوچستان در خدمت نواب هوبدالدوله حکمران کرمان
مطیع و منقاد و خدمتگذار شدند میرزا محمد علیخان ناظم الملک از جانب نواب بضره الدوله حکمران فارس بکرمستان
رفته سه قلعه محکم بلوک اهرم را که یکی در صحرا و دو در کوه بوده کرفته و خراب کرده حاجی ابوالحسن اهرمی را نیز که بواسطه
استظهار بر قلاع مزبوره شرارت مینمود بسزای خود رسانید نصرالله خان بیکلربیکی سابق لار و فتاد خان شفائی
و احمد خان بهارلو که از حکام سابق و کرمان بودند استمالت یافته بخدمت کردند حکومت خوی را بشاهزاده محمد رحیم
میرزا و حکومت خلخال را بنواب شاهرخ میرزا مرحمت فرمودند اخیرا حکومت عراق بجناب مستوفی الممالک واگذار و
لطفعلیخان نایب اجودانباشی از جانب معظم الیه بنیابت حکومت عراق معین و روانه کردید عباسقلیخان سرتیپ نوری
که در خراسان خدمات کرده بود بکرمانشاهان رسیده از مرتبه سرتیپی اول نایل کردید سکه قدیم در شوش مسکوک
نقش کلمه طیبه لا اله الا الله و آیات شریفه قرانی پیدا کرده بدارالخلافه آوردند شرحی میرزا جعفرخان مشیر
الدوله همراه مسکوکات نکارش و ارسال داشته که از قرار ذیل است
در شهر قدیم شوش واقع در چهار فرسخی شوشتر آثار عمارات عالیه از زیر خاک نمودار شده از جمله عمارات در شهر
دراز دست است که آن عبارتست از سی و شش ستون سنک یکپارچه فاصله هر ستون هفت ذرع و بلندی ستونها بعلت افتادن
و شکستن معلوم نیست لکن از زیر هر ستون و سر ستون که اکثر صورت کو ساله و غیره دارد معلوم میشود که ستونها بسیار
بلند بوده با وجود اینکه در صحرای عریستان یکپارچه سنک پیدا نمیشود سی و شش ستون هم در پیش و همین عمارت
رو بشمال آشپیدا شده و دلیل است که اینجا جای سلام بوده اینعمارت در طرح و وضع مثل تخت جمشید است و بعضی
از ستونها عبارات بخط سریانی و کلدانی منقور است اجرها بوزن هفت هشت من در اینجا کار کرده اند در بالای
یکعمارت قدری پول سفید مسکوک بخط کوفی بیرون آمده معلوم میشود بعد از غلبه عرب این پولها را دفن کرده اند
و این پولها سکه بصره و دمشق و واسط و مرو و هرات و نیشابور دارابجرد و اصطخر بوده تاریخ سکه پول یکصد و پنج
هجری است و تعجب است که چگونه در اینمدت پولها با این صفا و تازکی مانده
شهر خرم آباد که آب جاری نداشت نواب حشام الدوله دارای آب جاری کردند نواب بهادر میرزا مرحوم شد میرزا
محمد مستوفی بلقب نظام الدوله ملقب کردید از دربار دولت دوستان سنندا از مرتبه دوم دوره الماس بحکم
کلوکه حکمبانی مرحمت شد قلعه تسکن و قلعه سرباز بلوچستان مفتوح و مسخر کردید لطفعلیخان که لشکر بهرات کشیده
بود منهزم شده رفته کمتاز کابل و قندهار طلبیده است در چمن قهقهه سه فرسخی مشهد مقدس شش مرغ
بهم رسیده که هریکی از کوسفند بزرکتر میباشند عمارات جدید سلطانی در دارالخلافه ساخته مزید بر عمارات قدیم
نموده اند و حکم شد در بیخانه ما بین قراولخانه ها دروازه دولت و دروازه قزوین که جای چهارصد نفر مردم
و منزل اطبا و مطبخ و غیره داشته باشد بسازند وعده توپها چون زیاد شده انباری جدید نیز پهلوی انبار
قدیم ساخته شد و باغات و عمارات بیرون شهر را از قبیل لاله زار و نگارستان و قصر قاجار در کمال خوبی تعمیر کرده اند
و نیز مقرر شد عمارت جدید سلطانی در قصبه سنا و دران بنا نمایند و بازاری مشتمل بر یکصد باب دکان در بنا و دران نیز بسازند نواب

شاهزاده نصرة الدوله حکمران فارس بنشان مرتبه اول سرپنجه و حمایل سرخ و سفید مخصوص این رشته مفتخر گردید
بعضی افواج که کسر نفری داشتند بسرتیپان و سرهنگان آنها مقرر شد معجلا بکنند و تکمیل نمایند خانبابا خان پسر
عباسقلیخان سرتیپ افواج قزوین بمنصب سرهنگی فوج قدیم قزوین و خلعت همایون سرافراز شد برعایای اصفهان
یازده هزار تومان تخفیف مرحمت فرمودند زلزله شدیدی در شاهرود شد ابراهیمخان پسر عبدالرضا خان برادر
حکومت کاشان و خلعت همایون سرافراز گردید خسروخان کرمانی حکومت قراجه داغ یافته مخلع شد میرزا عبدالرحیم
پسر مرحوم میرزا محمد بزرگ امور اجودان و مذارف امور خارجه شد درویش سفیدان ترکمان خلعت مبدول و انفاذ شد و حکم همایون شد که کلاجمنصبان افشون کلهچه
نظامی و شلوار تنگ بپوشند که در وقت مشق چابک باشند در شیراز تگرگ غریبی بارید که دانه های آن بدرشتی نارنج بود
و یکدانه از آنها بسر یکنفر خورد و چشمهای او از حدقه بیرون افتاده و معتبرهای او از هم پاشیده کوسفند و مال و مواشی زیاد
در صحراها تلف کرده است و در شیراز قنات دیم و نرماشیر احداث کرده اند که باغات بعمل آرند بعضی ایلات و دیار
و غیره کرمان که متفرق شده بودند استمالت شده قرار دادند باماکن خود باز گردند و تا چهار سال از مالیات معاف
باشند یکقطعه نشان مرتبه اول سرپنجه و یکدست حمایل سرخ مخصوص آن بافتخار میرزا فضل الله وزیر نظام انفاذ یافت
شد هشت فوج از افواج قاهره را بواجمع محمد حسنخان سردار فرمودند و عبدالله خان ولد مشارالیه بمنصب سرپنجگی سر
افراز شد بعباسقلیخان پسر بیکلربیکی خان بزچلو منصب سرهنگی مرحمت شد جناب میرزا آقاخان صدر اعظم بنشان متثال
همایون مفتخر گردید و نشان امیر تومانی که شاه مرحوم محمد شاه) باو عطا کرده بودند اجازه استعمال آن یافتند
در بلده دزفول بسنگی از بیوت را سیل خراب کرد بندشهر قزوین ساخته شد کارخانه بلورسازی در دارالخلافه
ترتیب کرد نواب اما مقلی میرزا حکمران کرمانشهان پنجاه سوار بحراستطرق و شوارع انصفهات برقرار نمود در بندر
جز استراباد باد اغلب خانه ها را خراب کرد تخم پنبه بنکی دنبای بزار عین دارالخلافه و تبریز داده شد که امتحان در
زراعت نمایند فضلعلیخان سرپنجه و بیکلربیکی را بمنصب امیر تومانی سرافراز فرمودند عبدالله خان جوانشیر سرهنگی
فوج اول خاصه منصوب شد زفت در خراسان طفلی زائیده بعینه سیمون ولی دم نداشت خواجه سیستانی مستفاد شد
علیقلیخان سرپنجه و عسکرخان سرتیپ دو فوج افشار و هزار نفر سوار خمسه بانظام صفحات خراسان مامور شدند امیر
علینقی خان وکیل طبرستان بحکومت طبرستان و خلعت همایون سرافراز شد اسکندرخان زند حکومت مرند و کرکر یافت میرزا محمدعلی
سررشته دار فوج اول خاصه سررشته دار کل توپخانه ممالک محروسه شد اما مقلیخان مافیه بهبود خان برادر عسکرخان
سرتیپ بمنصب سرهنگی فوج هفتم افشار سرافراز و با فوج مزبور در وانه خراسان شد هرات که چندی بود از تصرف
سلاطین ایران خارج شده بمیل خاطر منقاد و در تحت تصرف آمد هزار و دویست تومان برمواجب نواب نصرة الدوله
افزودند درویش سفید خلوت و منصب نفنگدار باشکری دربار همایون را مجددا بآقا محمد حسن مهردار مرحمت فرمودند
نواب مسعود میرزا حاکم بارفروش شد کارخانه شکرسازی ساری در میدان ارک ساری تمام شده در اوایل شعبان
فتحعلیشاه از شکر سرخ آبخوار بخشد حکومت کلیایکان و خواسار را بجودا بناشی واگذار فرمودند دو قلعه
عنایت آباد و میامی که در سرحد ترکمانست قلعه خندق و شیرحاجی بنا کردند و در حنظل آباد از دهات پشتکوه بلوک
بنادکان را نیز قلعه ساختند

روز غره شوال که عید فطر بود در عمارت جدید بیرونی سلام عام منعقد و طبقات خدام بجا کپای مبارک مشرف

ولد
شدند و در این سلام بکفیضه شمشیر مرصع و یکتوب جبه شمسه مرصع بجناب بهمدا اعظم مرحمت فرمودند ساسان میرزا
بقا الدوله بلکه نواب شاهزاده معین الدین میرزا اختصاص یافت محمد قلیخان ولد مرحوم حسینخان سردار که غلام
پیشخدمت بود با شیکری غلامان مامور کرمان برقرار شد خان چنوق که بعزم کرفتن زکات بمرو آمده مرو بها
تمکین نکرده کار بمدافعه کشید برفع آن و در بند و قرا و لخانه های مزدوران وغیره مرمت شد در سرجام تکرکی
بارید بوزن چهارده سیر میرزا رفیعخان فورکی نظر بحصانت قلعه فورک که از قلاع محکمه خراسانست دم از خودسری
میزد نواب حسام السلطنه والی خراسان قشون بدفع او فرستاده قلعه مزبور را کرفته ساخلود ولی کذا شتند
و میرزا رفیعخان بهرات رفته صید محمد خان سردار حاکم هرات را شفیع خود ساخت و در دربار همایون مقبول افتاد
معفو شد اهالی قلعه کزیک و طاقان از قلاع خراسان نیز از دد اطاعت در آمدند محمد حسینخان سردار بحکومت کرمان
و بلوچستان و یزد سرافراز و بیکتوب جبه مرصع مرصع مخلع کردید قاسمخان غلام پیشخدمت خاصه بجای احمد خان
نوائی بکار پردازی تفلیس رفت نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنکی و یکرشته
حمایل سفید نایل کردید خدمات جراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در امور حکومتی و تمام کردن ملبوس نظام مقبول
و مورد مرحمت کردید بدبیر بیخه کی پنج فوج از افواج قاهره را بعبد الله خان ولد محمد حسینخان سردار مرحمت فرمودند محمد باقر
خان ولد محمد خان امیر نویان بمنصب سرهنکی فوج ششم امتیاز پذیرفت سرافراز شد سی نفر زن از قلعه برف از قلاع
خراسان اسیر ترکمان شدند و بلا فاصله هوارد و لشان عقب آنها تاخته اسرا را مستخلص و ترکمانان را دستکیر کردند صید محمد خان
حاکم هرات قشون بفراه که قلعه های متصرفی نموده بودند فرستاده قلعه کاه را که هشت فرسخی فراه است بورش کرفتند
خان خوارزم بحدود سرخس آمده و در این اوان خلیفه عبد الرحمن وفات کرده طوایف ساروق سپهر او را بجای او
خلیفه ساخته با خوارزمیها دله پرداخته آنها را از حوالی قلعه مرو عقب نشانده اند
واز وقایع معظمه امسال آنکه جمعی از اتباع سید علیمحمد باب علیهم اللعنة والعذاب برپاست ملا شیخعلی نام ترشیزی که خود را
ملقب بعظیم نموده باب باب صداست بنای فساد نهاده جمعی در خانه حاجی سلیمانخان تبریزی که خود از معتقدین فرقه ضاله
بود جمع و فصد آسیب وجود مسعود مبارک شاهنشاهی را که بقای آن موجب امن و اشاعه عدل و انصاف در بلاد حسن
رسم ظلم و اعتساف است نمودند و دوازده نفر دلاور طلب شدند هریک سلاحی مسلح کردیده بمنزل و ان آمده در کمین و منتظر
وقت شدند و باقی در خانه سلیمانخان مهیا بودند که اکر موقع فساد شود بیرون تازند و بنهب اموال و سفک دماء
اضلال مسلمین پردازند روز یکشنبه بیست و هشتم شوال هنکامی که سنبکان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد
الله تعالی ملکه از قصر بیرون و ان شکار سوار شده بودند سه نفر از فرقه مطرود که در زیر جامه خود بمغفر و طپانچه مسلح
شده بودند در میان مظلومین و عارضین در محلی که هنوز ملتزمین رکاب اعلی تماما بهم نه پیوسته جلو اسب سواری همایون
در آمده چند طپانچه خالی کردند ولی تیرها خطا کرده مکرر یکی از آنها که ساچمه داشت چند ساچمه آن بعضی از قطعات
بدن مبارک را خراشیده چاکران از قبیل اسد الله خان میرآخور و نظام الملک و کشیکچی باشی و سایر اعاظم و معارف
دو نفر از آن سه نفر را کرفته و یکی را در میان هنکامه مضروب بتیغ و سنک و چوب و لکد جهنم نمودند بعد از آن سرکار
اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه عزیمت شکار را موقوف داشتند و حسب الامر عزیزخان امیر آخور باشی و حاجب الدوله
والد مؤلف و کلانتر و کدخدایان بمفحص و جستجوی دشمنای فرقه ضاله پرداختند و اول بخانه حاجی سلیمانخان شتافته
او را با دوازده نفر از اشرار دستکیر کردند و از این دوازده نفر سابر رفقای اشیان را معلوم نمودند و آنها را نیز

بکرفتند

بگرفتند و همه را بفتوای شرع تقتل رسانیدند و از خدمات نزدیک کرد را بنوفت والد مؤلف نمود بدست آوردن ملا
شیخعلی بود که سر همشیره مؤلف بود و مژده سلامتی وجود مسعود مبارک را عاجلاً چاپاران باصقاع بلاد ممالک محروسه
رسانیدند و همه جا بشکرانه جشنها کرفتند و شهر را آئین بسته چراغان نمودند

بریا المشرکون لیطفؤها و یابی الله الا ان یتمه

بسپاهی از سواره و افواج براهی سان و رسید که اسب و اسلحه آنها حکم شد حاضر رکاب اعلی شوند محمد ولی خان بیکلربکی
و حکمران استرآباد بیکشوب جبه ترمه مخلع و حمزه خان انزانی باعطای یکقبضه شمشیر مرصع طلا سرافراز شدند مهدیخان
صاحبجمع و جوهاردجه عراده کالسکه چهار اسبه خوب تجهیز کرایه بانمام رسانیده ساعتی بکفران کرایه مبلغ محمود
خان کلانتر بعطای یکشوب جبه سرافراز کردید ذقن در زیر زنخدان در سر و مولودی هشت ماهه آورد که چشمهایش در
پیشانی بود و ابرو نداشت دندان در زیر و دو شاخ در پشت کوش و زبانش مثل زبان کاو و موی سرش مثل موی سکان
و انکر پایش سفید و از سر تا کمر سیاه و دهان بسیار کوچک کرده بود شباعت بعد از تولد مرده است میرزا احمد خان
ناظم دیوان که در ماموریت همراه خدمت کرده بود بیکشوب جبه ترمه مخلع شد میرزا محمد خان کارپرداز حاجی ترخان بیکشوب
جبه ترمه مخلع شد میرزا عبدالوهاب کیلانی باستیفای محاسبه کیلان و خلعتها بون نابل کردید همدانیسالار
شانزدهم رمضان المبارک در محمره عباری ظاهر و دو زبر و ذو در نزاید بود و چنان غلیظ شد که اکثر دوزها از صبح
تا شام آفتاب پیدا نمیشد و بعضی روزها طوری روشنی کم بود که در ده قدم آدم را ممکن نبود تشخیص بدهد همدانی مادر
ساعتها از شبکذشته عبار برطرف و در هوا جوهر واعتدالی نمودار میشد بجهة اطفال ارامنه تبریز در حیاط کلیسا
حکم شد مدرسه بسازند میرزا فضل الله وزیر نظام کره و عراده توپ سه پوند بلند قد بسیار خوب و تبریز پیشکش
کرد بیکشوب جبه ترمه مخلع کردید حسب الامر مقرر شد تومان بنک کل افواج قاهره را نمایند روی سکه ها اسم و عدد
تومان و افواج نقش شود در کازرون مولودی متولد شده که سر آن بشکل کربه و بدنش تمام مثل پلنک نقش و انکشتان
هم با منه یکپای و بلند و پای دیکر کوتاه و قدا و یکوجب و نیم دندان هم داشته کاهی کربه میکرده بعد از یکروز مرده است
انجام امور قورخانه و جبه خانه و مدرسه دارالفنون و ملبوس را بعهده محمد خان بیکلربکی و میرپنجه محول و موکول فرمودند
حاجی مبارک بلفت خانی و منصب سرتیپی سواره نائل و هداوند و کنکر لو نابل کردید یادری یحی بپیشوای مذهب کاتولیک
علیشوی در جلفای اصفهان درکذشت و چون نهایت آدم خوب بود ارامنه و مسلمانان همه متاسف شدند امروز پا
(اسپانیول) وکلای ملت عزل شدند نامزد از صدر اعظم استعفا نموده موریل بجای او نصب شد ژنرال پلیز که بقصد
تسخیر جزیره کوبا از مستعمرات بنکی دنیای اسپانیول با بخار رفته بود کرفتار شده در هاوان پای تخت جزیره کوبا
مقتول شد شاهزاده خانمی از ملکه اسپانیول متولد شد (المان) مجسمه فردریک اعظم پادشاه پروس را در برلن برپا کردند
ایالات هانزه ملک پروس الحاق شد طایفه یهود با عیسویان در باور و در حقوق و در رجوع مساوا بهم رسانیدند
و حال آنکه تا آن زمان دارای این امتیاز نبود ناپلئون اکوست پادشاه هانوور هشتاد و یکسالکی درکذشت و ژرژ پسرش
با انکه کور مادرزاد بود بسن سیه ود و سالکی بجای او جلوس نمود (انکلیس) قبول کردن انطایفه یهود را بسمت
وکالت رعیت مجلس پارلمنت تصدیق کرده بود ولی مجلس لردها قبول نکرده رد نمودند اکسفورد بسیون عمومی در لندن
در عمارت بلوردها پارلمنت که از باغات تبریز عمومی شهر لندن است افتتاح یافت و مدت پنجاه اینن اکسفورد بسیون
برقرار بود لردها پارلمنتان وزیر امور خارجه استعفا نموده در شمال ایالت امریقا کرار متصرفات انکلیس است جنکی

محفوظ

سخت بنمایند خاکر آنجا و طایفه کافر اتفاقا افتاد عهدنامه تجارتی با جزایر سندویچ بسته شد معدن طلا در کوهستان
شرقی استرالی منکشف گردید تلگراف بحری از انکلیس بفرانسه از زیر دریای مانش که بندر دوور و کاله را بهم وصل میکند امتداد
یافت از اهالی رئیسه مهاجرین زیاد بسمت بنگی بنا رفتند چنانکه در این سال شصت و پنج هزار خانه آنجا بی سکنه بود و تمام
اهالی خانه ها مهاجر بوده به بنگی بنا رفته بودند لنکاردو موتخ فوت شد جمعیت تمام جزایر انکلیس در اینسال پنجاه و پنج کرد
و دویست و سی و هشت هزار و نهصد و چهار نفر و جمعیت شهر لندن چهار کرور و سیصد و پنجاه و نه هزار و شصد
و چهل نفر است (پرتوغال) مارشال سالدانا که بر ضد دزدای پرتوغال میبود بزور اسلحه دولت را مجبور کرد که کرن تمام
صدر اعظم را معزول کند و خود بجای او بصدارت منصوب شد (دانمارک) ایجاد وکلای رعیت و بنیان قانون
جدید از لنکه متعلق بدانمارک است اداره سنت معلم علم طبیعی در کنشت مابین دولت دانمارک و ایالتین اسلیشویک و
هلستن صلح شد (روس) دولت روس مصمم است که از دشت قرقیز بسمت خیوه قشون کشی کند (سوید و نروج)
در پارلمان نروج طایفه هیوره را قبول نمودند (عثمانی) نفاری مابین دولت عثمانی و اطریش بجهة آزاد کردن کسوت
که از اشرار مجارستان بود و بپناه بخاک عثمانی برده حاصل شد امر لشبن از روساى لیبن فوت شد در اینسال
کسوف آفتاب در اعتمانها بفال بد گرفتند و هرچه پیچین خواستند ثابت کنند که آنرا اثری نیست مردم اعتقاد نکردند
(فرانسه) ژنرال شانگارنیه از سرداری قشون پاریس معزول شده در پاریس و بعضی بلاد دیگر فرانسه شورشی برپا کردند دو شهر
پاریس ایجاد راه آهن نمودند برای صاحبمنصبان و سربازان که در جنگ ناپلیون اول زخمی شده و از کار افتاده بودند ولی
در حال حیات اندر سوت ناپلیون نمودند برای تنبیه طایفه فیلی که از اعراب الجزایر اند قشون فرستادند مارشال
سباستیانی و مارشال سولت که از سرداران ناپلیون اول بودند فوت شدند راه آهن پاریس و روانه برقرار و دایر شد
بنای بازار فروش ماکولات در پاریس نمودند یکصد و هشتاد هزار تومان لوی ناپلیون رئیس جمهور علاوه بر انچه معمول
بود مطالبه کرده وکلای ملت قبول ننموده رد کردند وکلای ملت عزل و انتخاب وکلای تازه و تعیین وضع جدید در دولت
بمیل عامه نمودند پانزده کرور و دویست و هشتاد و دو فرانسه مدت ریاست لوی ناپلیون رئیس جمهور را ده سال قرار دادند جمعیت فرانسه در اینسال
هفتاد و یک کرور و دویست و هشتاد و یکنفر بود افریقا (مصر) ایالت مصر قبول تنظیمات جدیده را نمایندگان بتوسط
کمپانی انکلیس راه آهن از اسکندریه بقاهره ایجاد شد امریکا (اتاونی) ایجاد راه آهن مابین کانادا و بستن شد
کنا بخانه دولت در اینسال آتش گرفت (مکزیک) شورش و انقلاب در اکثر بلاد این مملکت پدیدار آمد دولت انکلیس
باکمال شدت مطالبه طلب خود را مینماید (بنگی دنیای جنوبی) ژنرال اشنیک سرپرد ریاست یافت عهدنامه مابین منتویدیو
و برزیل برقرار کردید

سنه ۱۲۶۹ هجری — سنه ۱۸۵۲ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال اراضخان ترکمان با شصت نفر از روساء و دیش بسفارت آنکه سرحدی برای تعهد
خلع تکداری بمشهد مقدس آمدند که همیشه مقیم مشهد و غیره و نوکر دولت و مشغول خدمت باشند عمارات مرحوم
عبدالله میرزا و دروازه های نیخان که در مقدمه طایفه صالته بابیه خراب شده بود حسب الامر بتعمیر شد در کارخانه
بلورسازی و چینی سازی دارالخلافه خوب کار میکنند محمد کریم میرزا از جانب علیخان سیستانی عریضه جنت مآب
حسام السلطنه نوشته که او را بخدمتکذاری دولت علیه قبول و یک برق نشان مشیر و حق رشید برای سواره او
مرحمت کنند که معلوم باشد از عساکر منصوره اند و مقبل و متعهد نظم و امنیت هفتاد و دو راه که محل عبور بلوچ است

کردید

کردید همچنین کریمدادخان بیکلربیکی هزاره دو فرزند خانواده هزاره و باخوزان را بپیر خلیفه مرو و کدخدایان ساوجبلاغ و ساوه را
بطرف راضر افدس نمود در ششم صفر حشمت و لادت همایون را در تمام ممالک محروسه ملاکر فشد نواب احمدمیرزا بجوار رحمت
الهی پیوست افواج که تازه از هرجا کرفته شده بود مشغول بمشق شدند از غرایب آنکه در مزرعه بروجرد آباد از نواب هروز آباد
مزاعمال کرمانشهان خرمنی کرپنجاه خروار کندم پاک کرده داشت صاحبان آن حاضر شده که حمل نمایند یکدفعه مانند یک
آسیا بچرخ افتاده بزمین فرو رفته بطوریکه روز دیکر چند درع زمین را کندند آثاری از آن الجمله از کندم بود بعد آن آثارهم
بکلی محو و معدوم شد و اشخاصی که حاضر بودند و اینواقعه را دیدند طوری وحشت و دهشت بر آنها غالب شد که یکفراز آنها
بمرد و باقی مدهوش شدند بنای چاپارخانه درساری و اشرف پنج سرنخم پنبه دانه پنکی دینای را در بلوک خوار کاشتند
و یکخروار و پنجاه من جوز و بیرداشته و دانه های جوز فوق را که در بعضی از بته ها آن شمرده بودند و بست و پنجاه و دو بست و
هشتاد بلکه سیصد دانه جوز فوق داشته میرزا سعیدخان مؤتمن الملک در بر مهام خارجه بجاپل و نشان سرپیچی اولیکل
بالماسر سرافراز شد نواب پلدرم میرزا بپاداش تنبیه اشرار طایفه کاکاوند و خالدوند و ستانی بعطای یکجبه ترمه خلعت
همایون سرافراز کردید امیرزاده ابراهیم میرزا در ازای خدمات انتظام امور عربستان و ساختن هرمانشهر و بستن بند
وغیره بیکتوب جبه ترمه مخلع کشت حاجی قوام الملک بعصای مرصع مفتخر کردید متعلمین دارالفنون را سالی سه مرتبه در
حضور همایون امتحان میکنند نواب اسفندیار میرزا حکمران کرمانشهان را ملقب بعماد الدوله فرمودند چراغعلیخان ماکو
الکو مراصفهان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرپیچی با کمر شته جاپل سرخ نایل کردید محمدتقی فرهادین باهتمام چراغعلیخان
انتظام یافته و قلعه علیمحمدخان از اکراد حصانتان موجب بشارت همسایه شد کویند چند نفر از خوانین بلوچ کر
انقیادی نداشتند بوسایط نزد محمدحسنخان سردار حکمران کرمان و بلوچستان متقبل خدمت و اطاعت شدند میرزا فتح
الله خان لبودان توپخانه حسب الامر بیرجند را بنا کرده و میرزاده توپهای همانرا نزد محمدناصرخان ایشیک
آقاسی باشی (ظهیر الدوله) بیکتوب جبه ترمه مخلع کردید میرزا زکی سررشته دار اصفهان بیکتوب جبه ترمه کرمانی نایل کردید
چهارصد نفر سرباز فوج بهادران باتفاق اصلان بیک اوردمامور بندر بوشهر شدند نقاره خانه سردر ارک جدید
البنای شیراز را در کمال شکوه ساختند چند نفر از ریش سفیدان طایفه آخال ترکمن در اردوی اقدس در خدمت نواب حسام
السلطنه رفته از جانب کل آنکه مزبوره متعهد خدمت و مستدعی شدند که داخل در عساکر منصوره باشند میرزا سعید
خان مؤتمن الملک بمنصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابی و خلعت همایون سرافراز شد محمدخان مصلحی کذار مهتم
اسلامبول مرحوم و حاجی میرزا احمدخان نایب دیوانی وزارت خارجه بجای او منصوب شد میرزا بزرک قزوینی بمنصب کار
پردازی ادرنه الروم برقرار کردید حاجی محمدخان حاکم ارومی بخلعت همایون سربلند آمد جناب نظام الملک باعطای یکتوب
لباده ترمه بطانه خز فرین اعزاز کردید نواب احتشام الدوله باعطای یکقطعه نشان مرتبه اول مرپیچکی و یکرشته
جاپل سرخ مفتخر کردید احمدخان نوائی بیکتوب جبه ترمه درجه افتخار یافت صاحبمنصبان بزرک نظام حسب الامر روزها
بعد از فراغ از مشق بمدرسه دارالفنون آمده علم جبک میخوانند شیرخان (اعتضاد الدوله) ولدخانخانان بمنصب
سرتیپی سواره استرآباد و خلعت همایون سرافراز شد سرکرده سواره شاهسون مشکین زاده بیولیخان ولدقاسمخان
مرحوم فرمودند میرعزیزخان بلقب ریاپیکی ملقب و مخلع شد چون ایل شاهسون از طهماسبقلیخان ایل بیکی شاکی شدند
او معزول و یوسفخان بخلعت همایون نایل و بجای او منصوب شد نصرالله خان پسر مرحوم حاتم خان شهاب الملک بمنصب
سرهنکی خارج از فوج سرافراز شد رحمتی سرکرمان مقرر شد که سه سر داشت و پاهای او کج و کف پای او پاشنه پا

شاهم و یکساعت زنده بود در کرمانشاهان کره الاغی متولد شد که یکسر و دو تن داشت و تمام اعضای دو تن از هم منفصل بود و دای چهار دست و پا و دو دم ولکن زنده نمانده است محمود خان قراگوزلو (جناب ناصر الملک) نایب اول سفیر مخصوص دولت علیه عثمانی بود سنت بطرز بورغ با عطای یکقطعه نشان سرتیپی از درجه اول با حمایل سرخ سرافراز گردید محمد صدیق خان پیشخدمان حاکم هرات و جمعی از خوانین افغان وغیره که بدربار همایون آمده بودند بخلاع فاخره مفتخر گردیدند سلیمانخان سهام الدوله مسیحی مرحوم شد در کیلان ناخوشی و بابروز نمود هفتاد نفر روسای تراکمه مرو نوکری و خدمت دولت علیه را بمیل خود اختیار نمودند میرزا فتحعلیخان مستوفی بیکشوب جبه ترمه مخلع گردید بارتی کومنس صاحبمنصب دولت آسترید که دو سال بخدمت اینجا دولت آمده و قبل از انقضای مدت مستدعی مرخصی و معاودت بشلطه را با صد تومان انعام و شصت تومان قیمت یکطاقه شال علاوه بر سایر مراحم درخواست و مبذول و او را مرخص فرمودند سوار بخیار و باجلان را با جمع نورمحمدخان سرتیپ نمودند بیکشوب بقبای نظامی مرصع و یکقطعه نشان نقره از مرتبه اول اینمنصب با حمایل آن بنواب احتشام الدوله خانلرمیرزا احمدان برو جرد و عرب شاه ولرستان و بختیاری مرحمت شد حاجی علی خان حاجب الدوله والد مؤلف با عطای یکشوب خز قرابه ترمه بطانر پوست مفتخر گردید محمد تقیخان معمار باشی بیکشوب جبه ترمه مباهی گشت فوج جدید قراگوزلو ابوابجمعی احمدخان ولد محمود خان (ناصر الملک) و سواره نظام تسبر گردکی امان الله خان (بهاء الملک) برادر محمود خان معزی الیه سپردند نورمحمدخان فاجار بمنصب سرتیپی سرافراز و مخلع شد زین العابدین خان پیرانوند بسرهنگی و یکطاقه شال خلعت نایل گردید عبدالحسین خان اشرفی نایب اول آقاسی باشی شده مخلع گردید مسیو سنا بنو طبیب فرنگی بپنجاه تومان اضافه مواجب صد تومان بود و اکنون قرار شد هر ساله با و مرحمت شود و بیکطاقه شال ترمه نایل و مخلع گردید یک جعبه نفیس انگلیسی بسیاحمان از بسا خان ایلخانی خراسان مرحمت کردند افراسیابخان نزد بنی باسواره ترکمان که بتاخت و تاراج آنصفحات آمده بودند محاربه کرده بعضی را مقتول و برخی را زنده دستگیر و بقیه را منهزم کرد ماموریت مزبور بوکالت موقوف و مقرر شد ارسال و مرسول احکام بتوسط چاپاران باشد میرزا فضل الله وزیر نظام از آذربایجان بدربار همایون آمده بمراحم مخصوصه و اعطای بیکشوب جبه ترمه اعلی سرافراز شده دوباره سربجا حسب الامر معاودت بآذربایجان کرد ملک الکتاب با عطای بیکشوب جبه ترمه نایل و مفتخر گردید چون در ایامیکه در اردوی ناخوشی و بابروز نکرده اهالی آنجا مورد بعضی خسارات شدند چهار هزار تومان نقد و دویست هزار جنس تخفیف بآنها مرحمت شد ماهی هزار من شکر سفید بسیاخوبازماندران حمل بدارالخلافه تیشود محمد آبنسا حاجب الدوله والد مؤلف ماموریت ساختن عمارت دوشان تپه گردیده در دوشان تپه مزبوره عمارات بسیار عالی با شکوه و خوش منظر بنا نمود و روز تشریف فرمائی موکب همایون بآنجا بیکشوب کلیجه ترنبوش معزی الیه مرحمت فرمودند و از آن اوان الی الآن نیز بر عمارات دوشان تپه افزوده شده است محمد آبنسا روز موکب همایون از دوشان تپه تشریف فرمای قصر قاجار شده قشون حاضر رکاب مشق کا ملی کردند بیکشوب کلیجه ترنبوش با جودا باشی و معلمین مشق فرنگی را نیز بهمه شالهای ترمه کشمیری و غیره خلعت مرحمت فرمودند ابراهیم وقاص بکر وزیر جناب صدر اعظم و جناب نظام الملک واجودا باشی و جمعی از امراء و صاحبمنصبان بزرگ نظام بمجمع الصنایع که حسب الامر حسینعلیخان معیر الممالک دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفته از ابریشم و حریر و اقمشه دیگر زیاد نموده و خواجه احمد ساعت ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب صنعتان ایران است یکصد تومان اضافه مواجب دادند شب دهم جمادی الثانیه یکساعت و بیست و پنج دقیقه از شب گذشته آفتاب بدرجه حوت بحمل تحویل

نمود و سلام خاص و عام در حضور همایون منعقد گردید اسکندرخان سردار را بحکومت خوی و میرزا هاشمخان را بحکومت نهاوند منصوب نمودند و سرکردگی سواره خزل بمیر مطلب خان پسر هاشمخان مفوض شد مرتضی خان قاجار بمنصب فوللر آقاسی گری غلامان سرکاری نایل شد چون در سنه ماضیه در آذربایجان رعایا بواسطه بروز ناخوشی و بامتلاف محصول خسارت شده بودند محض تفضل در باره آنها ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس از مالیات سال گذشته و ده هزار تومان نقد و هزار خروار جنس نیز در هذه السنه تخفیف مرحمت شد نیز یکهزار تومان باسکندرخان سردار مرحمت و مقرر گردید که عمارت دیوانی خوی را که قریب الانهدام بود تعمیر نمایند خلیفه عبدالرحمن خلیفه مرو پسر خود را با پنجاه نفر از روساء و کدخدایان مروی خدمت نواب حسام السلطنه حکمران خراسان فرستاده اظهار انقیاد نمایند و مستدعی است حاکمی از برای مرو از جانب اولیای دولت علیه تعیین شود وقتی که با عبدالله خان میر پنجه بلوچستان رفته بود از بمپور قلعه سرباز و تمام خاک بلوچستان تخاوذ کرده بقلعه سور میچ حوالی مکران رسیده و در هر جا طایفه بلوچ از یاد به نشین و غیره بتقدیم خدمات پرداخته اند سردار علیخان سیستانی که همیشه اظهار انقیاد بکارگذاران اینده دولت جاوید شوکت مینمایند از اوضاع کرامر علیخان قاینی و حسنخان جلیل و ندبسیستان وارد شده اند بمرتبه دولت علیه را در سر قلعه کوهکه از قلاع معظمه سیستان و محل توقف خود سردار علیخان است نصب کرده و پسر خود را با پسران دوستمحمدخان و ابراهیم خان سیستانی با هم کرده پسر علیخان سپرده خود را با کبار ده در ظل حمایت و رتبه اطاعت اینده دولت ابد آیت کشید

چون شاهنشاهزاده اعظم سعید الدین میرزا بمنصب ولیعهدی اختصاص یافته بود در این وان رسما این معنی انتشار یافته در تمام ولایات ممالک محروسه جشن گرفتند محمدحسن بیک پسر مرحوم محمدخان مصلحی گذار سابق دولت علیه مقیم اسلامبول بمنصب نیابت مصلحی گذاری اسلامبول سرافراز شد حاجی محمد رحیمخان را مامور بندر عباس و انتظام آن صفحات فرمودند نواب مؤید الدوله را حکمران ولایت همدان دادند و لشکر ارخان ترکمان که از معتبرین رئیس سفیدان طایفه سار و قاسم بایبش نفر دیگر بار مرافقت سر جنده نواب حسام السلطنه آمده مستدعی است که بخدمتگذاری این دولت علیه قبول شود میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی باعطای کلیجه ترنج پوش مبارک مفتخر گردید نواب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بپانصد تومان اضافه مواجب نایل گردید داودخان بحکومت شاماموره و بضابط سرحدات اروس و سلماس و خوی سرافراز گردید سلیمانخان چون خدمات بدولت علیه کرده بود بعد از وفات او ولدان او مورد مرحمت شده جهانگیرخان را بمنصب سرپلچی و نریمانخان را بنیابت او و اجودانباشی مفتخر فرمودند حاجی میرزا علینقی باغمیشه یکلانشی نبریز برقرار شد صد و دوازده نفر از مرضای افواج قاهره این وقات در مریضخانه دولتی باهتمام میرزا محمد ولی حکیمباشی نظام صحت یافتند قشون ظفرمون که بطرف مکران رفته بودند قلعه مکران که از قلاع صعبه مستحکمه است تصرف نموده و سردار بن محمدخان که مقدم بزرگان بلوچستان است بدون اظهار مخالفت از در اطاعت درآمده است تاکنون بتصرف مکران کسی قشون نبرده بود در قلاع و نواحی مکران قریب و بیست هزار نفر ایل تمکن دارند ذوالفقارخان خمسه بسرکردگی سوار خمسه برقرار گردید بمنصب سرتیپی فوج نصاری را بحسنخان پسر حاجی یحیی خان مرحمت کردند مالیات خبیصان ملایر سیزوار را بکلی بخشیدند نواب ارد شیر میرزا را حکومت دارالخلافه باهره دادند بوزارت میرزا موسی مرحوم و بادرداد الخلافه برو ذکر شده است شب چهارشنبه سیصد و پنجم رجب دیه شیراز از زلزله سخت شده و خرابی بادر سانیده و قریب پانزده هزار نفر تلف شدند صاحبمنصبان و آحاد قشونی که همراه عبدالله خان میر پنجه در فتح قلاع کهیج و مکران بلوچستان خدمت کرده بودند بنشان و انعام و خلعت همایونی

سرافراز شدند دیگر بادی از سمت شمال وزیده که ابتدا از دزنک و بعد سرخ و بعد سپیا کشته است دخلخا
و خسته و با بروزکرد آقا اسمعیل بخویلدار عساکر منصوره بخزانه داری کل نظام و لقب خانی سرافراز کردید چراغعلی
خان نایب الحکومه اصفهان مخلع گردید در آخر سامان دشتی کرنا بندر کنکان سه فرسخ است تکرگ عجیبی باریده و خرابی
زیاد بخانه و دانه کوچکتر آن ده سیر وزن داشت یکدانه آن بر سر زنی خورده فی الفور او را هلاک نموده است علیخان
سوادکوهی که فراولی اردوی پادشاهی و خزانه و حفظ و جو مبارک با و مقرر بود مرحوم شد خدمات او را کلا رجوع
بمیرزا کریم خان سرهنگ فوج سوادکوهی فرمودند فضلان آقای سرتیپ توپخانه با توپچیان موقوف دارالخلافه و فوج
قدوی قراگوزلو ابوالجمعی مصطفی قلیخان مرتیپ فراول شهرند بروج شهر کرمان که خرابی داشت تعمیر شد از عجایب آنکه
در کرمان جوجه مرغ خانگی از تخم درآمده کرد و سر داشت دیگر سه چشم و سه منقار و دو سر دیگر نه چشم و نه منقار
و بقیه اعضا آن مشوه الخلقه و چند روز زنده بوده و دانه میخورده بعد از آن مرده است در قم و کاشان و اصفهان
و مازندران نیز ناخوشی و بارو زیاد و مخصوصا در مازندران چند شدت کرد میرعزیزخان دریابیکی باعطای
یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی سرافراز شد آبادی و ابنیه عمارات دولتی و غیره دارالخلافه نسبت بچند سال
قبل مضاعف شده هزار نفر سوار از ترکمن بعزم تاخت و تاراج بطرف شاهرود آمده محمد حسینخان خبر شده با جمعی سوار
و پیاده سر راه بر آنها گرفته چهل نفر را مقتول و پانزده نفر را زنده دستگیر و باقی را هزیمت داد مشیر میرمعلم سوار نظام بعطا
یکقطعه نشان نقره از مرتبه اول با وی نایل و سایرین مرخص شد که با سرعت بوطن خود رود نواب مصطفی قلی میرزا حکمران
مازندران بخلعت همایون سرافراز گردید کالسکه که بصحابت شعبانعلیخان با فتخار صمد محمدخان ظهیر الدوله مرحمت شده
بود چون بیکفر سخی هرات رسید مغزی الیه استقبال نموده شرایط تعظیمات و احترامات را نموده در کالسکه نشسته
داخل شهر هرات شد نواب بضره الدوله حکمران فارس و بعضی اعیان فارس بخلعت همایون مفتخر شدند نواب عماد الدوله
حکمران کرمانشاهان نیز بخلعت همایون سرافراز گردید زکریای اسلامبولی در دارالخلافه در کمال خوبی کار میکند و یکقطعه
جبقه فرنگی ساز حسب الامر ساخته که نهایت ممتاز و پنجاه هزار تومان تمام شده است نواب بضره الدوله از حکمرانی
فارس استعفا نموده و نواب مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب و مخلع شد اسدالله خان امیراخور بحکومت همدان
و خلعت همایون سرافراز گردید جهانسوز خان بمنصب میراخوری مفتخر گشت زنی در کرمانشاهان با انکه شوهر نداشته
بیک شکم چهار طفل آورده از بدو را طفال از او سوال نمودند گفته بود در حمامی که مردانه بود و بعد زنانه شده رفته ام
و در آنجا آبستن شده ام بالجمله آن چهار طفل هیچیک بیش از چهار ساعت زنده نبودند نواب احتشام الدوله
خانلر میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و بختیاری بخلعت همایون سرافراز و امیرزاده جلال الدین میرزا نایب
الحکومه لرستان شد عزیزخان ناجودباشی را منصب میراخوری کل عساکر منصوره عطا فرمودند موکب همایون از واسط
ماه ذیقعده عزیمت همین سلطانیه فرمود ناخوشی وبا از همدان تقریبا شد میرزا محمدخان بیکلربیکی شیراز و لدحاجی
قوام الملک مرحوم شده میرزا علیخان ولدا و را بجای او بیکلربیکی و مخلع فرمودند نیز یکثوب جبه ترمه بحاجی قوام الملک
خلعت مرحمت شد میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه بلقب خانی نایل گردید خان خوی که بر سر مرو آمده بود شکست خورده
علاوه در اردوی او ناخوشی و با افتاده بطرف خوی کوچیده استاد وی همایون در همین سلطانیه وعده ملتزمین
رکاب علیه شصت هفتاد هزار نفر میرسد روز عید قربان سلام عام باشکوهی تمام منعقد گردید و مجنایصدا عظم
در این سلام اظهار مراحم مخصوصه فرمودند عزیزخان سردار کل و اجودباشی یک راس اسب خاصه مرحمت شد

طامس صاحب شارژدافر دولت انگلیس روانه اردوی پادشاهی گردید بدستک مشانه بیرون آوردن باهتمام وتعلیم دکتر پولاک
شایع شد ودر یکسال اخود او بیست و سه مشک در آورد که یکی هلاک شد وباقی بسلامت رسیدند
موکب همایون از چمن سلطانیه عزیمت دارالخلافه باهره فرموده روز بیست و هفتم ذی حجه تشریف فرمای طهران شد
ودر تالار تخت مرمر سلام عام انعقاد یافت حاجب الدوله والد مولف که در این سفر خدمات شایان نموده بود بعطای یکثوب
کلیجه ترنج پوش مبارک مفتخر گردید ذکر اسلامبولی آپلیت کرابهائی که حسب الامر از جواهر خزانه مبارکه ساخته دون عبد
عزیز در چمن سلطانیه بحضور مبارک برده مورد تحسین شد واهل خبره آنرا بیست و پنجهزار تومان قیمت کردند برحسب
استدعای نواب حشمة الدوله حکمران آذربایجان پانصد تومان بصنف شعرباف تبریز تخفیف مرحمت شد حاجی میرزا
محمدخان نایب اول وزارت دول خارجه بلقب پیرمهام خارجه وخلعت همایون سرافراز واز قزوین بآذربایجان رفت میرزا علیخان
که بیکلربیکی وحاکم شهر تبریز بود اخضا واحمدخان نوائی که دیوان بیکی اردوی همایون بود بجای او مامور وروانه شدکاب
حسین خان نایب اول اجودانباشی بلقب امین نظام ملقب وبخلعت همایون سرافراز گردید ارو پا (اسپانیول) شخصی قصد
قتل ملکه اسپانیا نموده او را مجروح ساخت کاستن از معارف اسپانیا یاد رگذشت عزیای اسپانیا که دارای ادیان
مختلفه هستند بموجب حکم سخت دولت بحسب ظاهر جز بطریقه کاتولیکی نمیتوانند عبادت کنند وزرای تازه در اسپانیا
بصدارت رنکابی برقرار شدند در جزیره کوبا وما نیلا زلزله سخت شد (المان) اعلیحضرت امپراطور اطریش بمالکی که در
ایطالیا متصرف بود سفر نمود پرنس بیسمارک صدراعظم اطریش در سن پنجاه ودو سالگی بمرض فجا در گذشت
نیز اعلیحضرت امپراطور بمجارستان سفر نمود عهدنامه تجارتی مابین دولت ودولت عثمانی بسنه شصد وشصت وشش
قمری مجددا در این سال دولت قرض کرد نیز اعلیحضرت امپراطور اطریش بپرلن سفر کرده با اعلیحضرت پادشاهان پروس
هانور وغیره ملاقات نمودند همدر این سال دولتشان متعلق بروس وبابروز کرده واز آنجا بمملکت پروس سرایت نمود
پادشاه ایالت بادشارل اول پلک فردریک بسن شصت و یکسالگی در گذشت وپسر بزرگ او لوی چون که مبتلا بتوبرکلوز
صرع میباشد نیز اکثر اپسر دوم پادشاه مرحوم فردریک بر تخت سلطنت جلوس نمود کرهل هوس واکثر نیز از نقاشهای
معروف المان وفات نمود جمعیت پروس در این سال سی و دو کرور و پنجاه و پانزده نفر میباشد (انکلیس)
ژن روسل صدراعظم دولت انکلیس تکلیف کرد که علاوه بر فشون معمول دولت بایصد و بیستهزار لشکر چریک بطور
ذخیره داشته باشد که هنگام لزوم بآنها اسلحه ولوازم جنگ داده آنها را بخدمت عامو کنند در ای دسته و یک
استعفا کرده وذدای تودی برقرار کردیدند لرد دربی منصب صدارت یافت ولیتن سردار دوزیر معروف انکلیس
در سن هشتاد و سالگی وفات کرد وعزای عام در مملکت انکلیس بجهته فوت او کرفتند مجلس پارلمنت بر ضد دسته
وذدای جدید است ذدای دسته دیک مجددا منصوب شدند جنگ انکلیس با ایالت کافرد رافریقه جنوبی باتمام تر سیده است
دولت انکلیس بیرمان فرستاده وفتوحات در آنمملکت نموده است بجهته انکشاف معادن طلا هشتاد و هفت هزار
نفر از انکلیس بمعدن یکسال باستر الی مهاجرت کردند کشتیهای جنگی انکلیس که در اینوقت موجود میباشد صد و سی و
سه فروند است آنچه در کشتی سازخانه دولتی میسازند بیست و یکفروند است در این تاریخ در جزایر انکلیس یازده
هزار و صد و پنجهزار دزع یعنی هزار و صد و پنج کیلومتر راه آهن دایر است در ظرف یازده ماه بعد از انکشاف معادن
طلا تا اینوقت معادل چهل کرور طلا وارد انکلیس شده تماس مورشاعر معروف ایرلندی در این سال فوت شد (ایطالیا) کونت
کوور بوزارت مالیه بعد بوزارت تجارت برآخر الامر بمنصب صدارت پادشاه پیمن برقرار شد درسار دین و بعضی

اعلیحضرت همایون بمعدن طلا رفته

جاهای

جاهای دیگر شورش نمودند مجلس شورای مملکتی دو دوره منعقد کردید که آشفتگی اتا طغیان نمود (پرتوغال) با
پلنکپانی معاهده نمودند که از لیزبن پای تخت مملکت تا سرحد اسپانیا خط راه آهنی ممتد نمایند (بلژیک) عهدنامه تجارتی
پروسی با فرانسه بست و زرای تازه بصدارت برد کرنام بعیین شدند روزنامه های بلژیک را سخت ممانعت نمودند که
نسبت بشخص سلاطین خارجه الفاظ مستهجن و بد ننویسند و اینفقره بخواهش دولت فرانسه بود و ابتدا قبول نمیشد
ولی آخر موقع قبول یافت (دانمارک) ایالتین اسلشویک و هلشتین دارای وزرای مخصوص و پارلمنت مخصوص هستند
که دخل بوزرا و پارلمنت دانمارک ندارند (روس) اعلیحضرت امپراطور روس با اعلیحضرت امپراطور اطریش در وین
و با اعلیحضرت پادشاه پروس در وجه خود در برلن ملاقات نمودند پرنس دلوشتان برلن داماد اعلیحضرت امپراطور
وفات نمود در اواخر پائیز در سنت پطرزبورغ و بابروز کرد راه آهن دولت روس در این سال سیصد و بیست هزار
ذوع است (عثمانی) رشید پاشا صدر اعظم عثمانی در ظرف سه ماه عزل و نصب شد در شامات دروزی و اهرنی بی
حد است علی پاشا بجای رشید پاشا صدر اعظم شد فواد افندی بمنصب وزارت بحریه سپه سالاری جنگ استقراض دولت
از خلوجه بر معادل ده کرور تومان پول ایران و اینفقره بواسطه عدم رضایت روس اطریش بعضی از اهالی خود عثمانی
انجام نمی یابد با یالت مصر اجازه میدهند که مستقلا از انکلیس قرض کند شورش طایفه دروز در شامات و شورش اهالی
منتگرو و هرزکوین که مالیات نمیدهند مامور بتسخیر پاشا با بیست و پنجهزار از قشون به تنبیه اهالی منتگرو و هرزکوین
(فرانسه) در بیرقهای فرانسه علامت و تمبر عقاب گذاشته اول اختراع کرده و مدتی متروک بود برقرار نمودند سکوکات
باسم و تصویر پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهور منقوش خواهد بود ریاست ده ساله لوی ناپلیون را عموما قبول نمودند
مجلس سنا که عبارت از مجلس اعیان و اشراف و بجای مملکت باشد برقرار کرد بدا ملاک و اموال لوی فلیپ پادشاه سابق
فرانسه و اولاد او را حکم بضبط و فروش نمودند ریاست مجلس سنا با پرنس ژروم عموی رئیس جمهور قرار میگیرد قانون وقف
موسوم بقانون ناپلیون میگردد روز پانزدهم ماه اوگست روز مولود ناپلیون بوده جشن میگیرند رئیس جمهور فرانسه
بایالت جنوب بورژلین بزرگ دوره سفر نموده و مردم او را امپراطور خطاب میکنند امیر عبدالقادر والی الجزایر که
در حبس فرانسه بود رئیس جمهور در عبور از شهر امبواز او را از حبس بیرون آورده بروسا از خاک عثمانی
میفرستند و رود رئیس جمهور بپاریس با کمال شوکت و جلال در عمارت سنت کلو و فرستادن وکلای ملت جمعی را
بحضور او و تمنا کردن که قبول ریاست جمهوری را مادام العمر نماید بالاخره در ماه نوامبر سال اغلب اهالی فرانسه جمع
شده پرنس لوی ناپلیون رئیس جمهوری را ناپلیون سیم امپراطور فرانسه خواندند و پرنس ژروم عموی لوی ناپلیون را
ولیعهد او قرار دادند مارشال ژراو و مارشال اکزمان فوت شدند کشتیهای جنگی فرانسه در این سال بیصد و
هشت فروند بود (هلاند) کشتیهای جنگی هلاند در این سال چهل فروند است (یونان) اهالی یونان تمکین
نمیکنند که مداخلت کشتیهای دول اسلامبول استغاثه بند و بواسطه تکلیفی که دولتها آنها مینمایند در بعضی
ایالات شورش میشود در سواحل یونان طوفان سختی شد اغتشاشی بعضی از سپاهان که در امریکا بودند مهاجرت
نموده برلی برپا که یکی از نقاط افریقا است آمده در این ناحیه یک جمهوری شبیه بجمهوری یکی دنیا تشکیل داده اند
ناحیه بزرگی برپا که در این سال هزار و سیصد و پنجاه و از هر صد هزار نفس یکصد و پنجاه هزار از آن سپاهانی هستند که از یکی دنیا مهاجرت نموده باین ساحل آمده اند دول
اتاتونی و انکلیس و بلژیک و پروس و برزیل و فرانسه بلیانت جمهوری افریقا شناختند امریکا (اتاتونی)

اول کشتی که در ظرف نه روز و سه ربع ساعت از بنکور بنگی دنیا بر لپور پل بندر انگلیس آمد کشتی موسوم بر آرنیک
بود و اینسفر در ماه دلو انفاقا افتاد جهوری اتاتوئی در صدد فرستادن جمعی از دانشمندان انجا ک ژاپن میباشد
و غرض از اینسفر در تکشاف مسائل جدیده میباشد زیرا که بنا در ژاپن تا آن وقت برای هیچ یک از ملل باز نبود
از اهالی چین چند هزار نفر بجهة کار کردن در معدن طلای کالیفرنی از مملکت خود باتاتوئی میآیند کلیسا از معارف اتاتوئی
در کنشت فرانسه و انگلیس هر قدر خواستند اتاتوئی را با خود متحد کنند که دولت اسپانیا را در نکاهداشتن
جزیره کوبا تقویت کنند قبول نکرد کشتیهای جنگی اتاتوئی در اینسال سی و شش فروند بود (بنگی دنیای جنوبی)
ابتدای خیالمردم در حرکت برزخ سوئز اما زن باکشتیهای بخار در اینسال بود خرید و فروش غلام و کنیز در دولت
برزیل بوساطت انگلیس موقوف شد توضیح انکه شط اما زن از تمام شطهای روی زمین عظیمتر و بزرگتر است چنانچه
از نیل سرچشمه این شط از جبال آنداست بعد از طی چهار هزار و پنجصد هزار ذرع مسافت در نخاذی خط استوا
بمحیط اتلانتیک میریزد در حوالی سرچشمه در جاها که عرض این شط خیلی کم است سه الی پنجهزار ذرع است اما نزدیک
بدریا عرض این شط دویست و هشتاد و ششهزار ذرع میباشد و عمقش سیصد و سیست و پنج ذرع زیادی آب
این شط بحدیست که وقتیکه بمحیط میریزد بمسافت صد و سی و پنجهزار ذرع در دریا طعم آبها بهیچوجه تغییر نکرده شیرین است
و مخلوط با آب دریا نمیشود انکشاف این شط در سنه هزار و پانصد عیسوی مطابق نهصد و شش هجری شد

سنه ۱۲۷۰ هجری — سنه ۱۸۵۳ عیسوی

آسیا (ایران) میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی بکتوب کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز کرد بدواین ایام
حکم همایون شرف صدور یافت که قلعه مضبوطه در مرو ساخته بعد ضرورت ساخلو فشونی در آنجا گذارده شود خلیفه
مرو که عریضه مشعر بر اظهار عبودیت بدربار معدلتمدار فرستاده بود از جانب سنی الجوانب خسروانه فرمان همایون مبنی
بر شمول مراحم ملوکانه خطاب بمغربی الیه صادر و یکتوب جیغه ترمه بر سم خلعت و سیصد تومان انعام نقدا افتخار او
مبذول شد و چون خوارزمیها محصولی و زراعتها را جرا نیده و بواسطه کمی غله در صفحات مرو عسرتی حاصل است
امر فرمودند هزار خروار غله بآنها بدهند که از این رهگذر آسوده باشند این اوقات فیمابین دولت روس و عثمانی
بنای جنگ است لهذا سردار کل عساکر منصوره مامور آذربایجان شد که در آن سرحدات اغتشاش و بینظمی حادث نشود
جناب ایت صاحب قنسول دولت انگلیس بمرخصی آن دولت چندی بوطن خود رفته بود این اوقات مجددا ببندر
الخلافه معاودت نمود هادیخان ولد مرحوم عبدالقلیخان میرپنجه را بسرپنجی افواج بنیشابور و تربت سرافراز فرموده
روانه خراسان شد که افواج مزبوره را سرکشی نماید علیخان سرهنگ فوج چهارم تبریز بمنصب سرتیپی و نایب اول
اجودانباشیگری سرافراز شد میرزا زین العابدین سررشته دار مهاجر و سوارهٔ نظام بمنصب لشکرنویسی سید
جبرئیلخان سرآقا لرخان کرجی نایب دوم اجودانباشی گردید علیقلی میرزا پسر نواب عمادالدوله بمنصب سرتیپی
سرافراز و از جانب نواب عمادالدوله بحکومت کلیائی رفت نظام الملک بربنه شخصدوم بمنصب نایب صدارت عظمی
و لقب جنابی و تمثال همایون و حمایل آبی و سبز که مخصوص شخصدوم است نایل و بوزارت شاهنشاهزاده معین
الدین میرزا نیز منصوب گردید عبدالله خان میرپنجه دارای چند مراسله بلوچستان و تسخیر قلعه بافتان بنشان میرپنجگی
سرافراز گشت محمد یوسفخان سرتیپ بپیشکاری میرزا کوچک خان سرهنگ فوج جدید کرمانی از جانب محمد حسن
خان سردار بحکومت بزد رفت سرپرستی اهل شکارد و میرزا بحسنعلیخان پیشخدمت خاصه گذارده فرمودند

اسدالله خان حاکم همدان بلقب معتمد الملک ملقب گردید بقدر پانصد شصت نفر از طایفهٔ ضالهٔ بابیه در نیریز جمع شده
و در کوه نزدیک نیریز سنگرها بجهة خود ساخته بودند نواب والا ولد حکمران فارس میرزا نعیم لشکر نویس و حاکم
نیریز و لطفعلی خان سرتیپ با فوج شقاقی و غیره و چند عراده توپ مامور دفع آنها نموده بعد از جنگی سخت سنگرها
آنها را مستخلص و صد نفر از آنها عرضهٔ شمشیر و باقی را دستگیر کرده قلع ریشهٔ فساد آنها را از آن حدود نمودند حاجی
یوسفخان سرتیپ ایل بیگی مغان مشد عباقلیخان هشترودی حکومت هشترود یافت ناخوشی و بالمره از جمیع بلاد
مالک محروسه مرتفع شد میرزا ابوالقاسم نقرشی دبیر دشته داری دفتر استیفا و دبیرگی قمان اضافه مواجب نایل
گردید میرزا محمد حسین صدر سفیر مخصوص از سفارت سنت پطرزبورغ معاودت کرد قافلهٔ بخارا که عازم مرو و مشهد
مقدس بود میرزا احمدخان چمشیک باهزار نفر سوار او زبک بجلو آنها رفته و قافله مزبوره در چهارجو ماند بهادرخان حسنخان
سبزواری را با سیصد نفر سوار فرستاده سواره میرزا احمدخان را منهزم و برخی را مقتول نمودند و قافله مزبوره بدون
آسیبی عبور آمد بر حسب استدعای خلیفه مرو و بها علاوه بر فشونی که سابقا مامور مرو شده این اوقات نواب حسام السلطنه
والی خراسان سه فوج سرباز و پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ و خمپاره با فوج خانه روانه مرو نمودند که آنجا را از تعرض
ارکبخی محروس دارند نواب حسام السلطنه با عطای یکثوب کلیجه ترمه پوش مبارک مباهی گردیدند و هزار سوار بخارائی
و غیره که در نزدیکی مرو سکنی داشتند دست اندازی باهالی و حال مردم میکردند فراری نمودند چهارشنبه چهاردهم ربیع
الثانی بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عزیضره بجهة امتحان متعلمین بمدرسهٔ دارالفنون تشریف فرما شدند چون مابین
شیرعلیخان دبیر امیرود و ستمحمدخان حاکم کابل و سردار کهندلخان سردار قندهار نقاری حاصل شده بود عبدالله خان
سیستانی را با فرامین و احکام مامور آنصفحات فرمودند که آنها را براه مودت و اتحاد دلالت کند سردار سلطانعلیخان
پسر سردار کهندلخان که بجاکپای مبارک آمده بود او را بلقب مظفرالدوله ملقب و مخلع فرموده بصحابت او خلاع
فاخره و انعامات شاهانه برای سردار کهندلخان و رحمدلخان و مهردلخان و سایر خوانین صندوق داشتند خسروخان
والی حاکم قزوین بعطای یکثوب کلیجه ترمه پوش مبارک سرافراز گردید میرزا محمد حسین صدر هوانجانه ملقب بعضد الملک
گردید کارمند صاحب حکیمباشی آذربایجان بعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجهٔ اول نایل گردید برجیس صاحب
مباشر روزنامه و مترجم دیوان و میرزا عبدالله روزنامه نویس مخلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی بابا پسر مرحوم
آقا حسین ملک التجار بادکوبه بعطای یکقطعه نشان درجهٔ دوم سرهنگی مفتخر گردید یکبیتان زطی صاحبمنصب مهندس
از اهل آستریه و مسیو چارنوطا معلم علم معدن که در خدمت ولیعهد ایران بودند وفات کردند قاسمخان صاحبجمع یکقطعه
نشان سرهنگی از درجهٔ اول و یکرشته حمایل سفید و یکثوب جبهٔ ترمه کرمانی سرافراز شد یکثوب خرقه ترمه بطانه
خزتن پوش مبارک بنواب والا فرزندون میرزا فرمانفرما مرحمت فرمودند امیرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤید
الدوله حکمران فارس مخلعت همایون سرافراز شد عالیجا ملا اکرم مستوفی هرات چندراس اسب پیشکشی از جانب
صدمحمدخان حاکم هرات بجاکپای مبارک آورده مورد تفقدات شاهانه گردید قشون مامور مرو را جمعیتکلی از
تراکمه سرخس و خوانین آنها استقبال کرده و منتهای خدمتگذاری را از آنها نموده و دویست نفر سواره سرخسی تا مرو
همراه اردو و رفتند ترکمانان طرشی نیز خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده و نواب معظم الیه را مستظهر
بمرحمت نموده اند شیرخان ناظر بلقب عزالملک و یکقطعه نشان مرصع مفتخر گردید جهانسوزخان امیرآخور یکثوب کلیجه
ترمه بطانه خزتن پوش مبارک سرافراز شد آقا محمد حسن صندوقدار بعطای یکثوب لبادهٔ ترمه بطانه پوست مباهی

کردید افاضه مهدی قلی خان رحسب الامر بعضی روزها مجلسی از اعیان بخارا در سرای امیر تشکیل داده در ترتیب امر تجارت
مذاکره مینماید محمد علیخان بخیاری هفت لنگ که بدزدی و شرارت معروف و در یکی از قلاع صعبه آنجا محصن بود
باهتمام نواب احتشام الدوله حکمران عرصه شاه ولرستان و بختیاری و برجرد قلع و قمع گردید فتون ماموره رواز سر
شده مرو بها بدیشان واستقبال از آنها نمودند نواب والا مؤید الدوله حکمران فارس بکفطعه نشان امیر تومانی و حمایل
مخصوص این بنده و یکقبضه جبه ترمه از جانب سنی الجوانب مباهی گردیدند نواب فرمانفرما بحکمرانی خراسان
نایل شدند و میرزا فضل الله وزیر نظام را مأمور بامباشی حضرت رضوی سلام الله علیه و پیشکاری خراسان فرمودند
نواب شاهنشاهزاده اعظم امیر قاسمخان را منصب امارت نظام مرحمت فرمودند نواب مضرة الدوله بنیابت نواب مستطاب
ولیعهد دولت علیه مامور بحکومت آذربایجان گردیدند میرزا صادق مستوفی بلقب فخامی مقامی و پیشکاری کل امور آذربایجان
سرافراز گردید سالار مهد یخان و ولد ملوک و سالار الله بلوچستانی نزد محمد حسنخان سردار حکمران کرمان وزیر آمده
عهدنامه تکداری بدولت علیه مینمایند شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران بکفطعه نشان سرتیپی از مرتبه اول
و حمایل آن سرافراز گردید بشآل یاغی کرمان خیلی تمرد کرده است شب سه شنبه بیست و یکم ماه جمادی الثانیه هفت ساعت
و هفده دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص تحویل و سلام عام روز عید نوروز در
پیشگاه حضور مهر ظهور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه منعقد گردید بندر عباس که از بنادر فارس و حکومت آن از جانب
اولیای دولت علیه بعهده شیخ یوسفخان محول بود بعد از شیخ یوسفخان شیخ عبد الرحمن و بعضی از مشایخ دیگر بجای
خود سری افتاده صید تونی پسر امام مسقط را بر بندر آورده با او عهد و میثاق کرده و دو ربته خفته حفر و آذوقه
و توپ و توپخانه و جمعیت از امام مسقط و صید تونی دریافت نموده بیست و هفت فراده توپ بزرگ در برج و بدنه
داشتند سوای توپهائیکه در جهازات متعدده امام مسقط در دریا بود و بسنگر فشون دولت علیه کلولی
انداختند نواب مؤید الدوله امیرزاده ابو القاسمخان را با توپخانه و فوج کلپایگانی ابو الحسنی نصر الله خان فوج شقاقی
لطفعلیخان با مصطفی قلیخان پوزباشی و نفنگچی لاری مامور بمحاصره بندر عباس نموده ابتدا سنگرها و خانه های
شهر را بتصرف درآوردند از آنطرف هم صید محمدخان برادرزاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت زیاده از پنجاه فراده توپ
بامداد آنها آمده نادر روز هشتم ماه جمادی الثانیه فشون ظفر نمون بورش برده بقهر و غلبه شهر را مستخر کردند و
فشونیکه بکمک مشایخ آمده بودند چنان سراسیمه شدند که اغلب از بیم جان نتوانستند خود را بقلعه و جهازها برسانند
و بدریا افتاده غرق شدند همچنین قلعه کهنز که از قلاع صعبه کرمان است و بهمراهی بندر عباس ها تا آن نیز
دم از خود سری میزدند روز ششم همین ماه بتصرف رضا قلیخان عرب و اسماعیلخان عرب و فوج عرب و فوج کرمانی
از جانب محمد حسنخان سردار حاکم یزد و کرمان بکرفتن آن قلعه مامور بودند در آمد

جناب صدر اعظم بکفطعه نشان امیر تومانی اعظم و یکرشته حمایل سبز که اول نشان ایندولت علیه و مخصوص شخص
اول است و تاکنون بهیچیک از وزرای سابق مرحمت نشده و یکرشته سر آبی بندکاغذ مکلل بالماس و مروارید با حمایل
و بلقب نبیل الدوله (اشرف ماجد) سرافراز آمدند حاجی جابر خان از حکومت محمره معزول و حکومت آنجا را بشیخ
حاکم که محصل مالیات شط العرب است مفوض نمودند جناب مسیو انجکوف شارژدافر دولت دوست و یکشانزدهم
رمضان وارد دار الخلافه باهره و دو روز بعد با اجزای سفارت بحضور همایون مشرف شد روز عید فطر سلام
عام در پیش و روان انعقاد یافت حاجی محمد تاجر تبریزی که برحسب امر اولیای دولت علیه با چند نفر از ارباب صنایع

ایران سه سال بود برای اکتساب صنعت بلورسازی و شکرریزی و ریخته گری و نجاری و آهنگری و چلنگری بپطرزبورغ بود رفته ابن اوقاف مراجعت کرده همگی مورد تفقدات امنای دولت ابد آیت شدند و مقرر شد عجالة برای دوستکاه چرخ دستی کاغذسازی که همراه آورده اند کارخانه ساخته و چرخ راه بیندازند و بحمود خان (جناب ناصر الملک) مصلحت گذار مقیم سنت پطرزبورغ نوشتند که دوستکاه دیگر از همان چرخ کاغذسازی از آنجا خریده ارسال نماید و حاج مشارالیه بمازندران رفته کارخانه کاغذسازی دایر نماید و در اینولا ان شکر سفید از مازندران آوردند که هنر از شکر خوب هندی بود عبائی درکاشان از ابریشم بعمل آورده اند که مثل عباهای خوب بجف اشرف و کربلای معلی است و حکم شد از این عباها بیافند حاجی محمد شریفخان قاجار بحکومت اردوی جدید قلیخان شاملو بحکومت اردبیل و اسدالله خان قاجار بحکومت فراجه داغ و یحیی خان ایلخانی بحکومت مراغه نایل گردیدند و وزارت و ظایف و اوقاف را نفوض بمیرزا محمد حسین عضدالملک فرمودند متعلمین دارالفنون از نتیجه علوم خود کتب مفیده علمیه تالیف میکنند سید محمد خان ظهیرالدوله حاکم هرات چند راس اسب بعنوان پیشکش با اتفاق سردار صالح خان بدربار همایون فرستاد امیر دوستمحمد خان حکمران کابل پنج جعفر قلیخان کابلی را چون باعریضه بدربار معدلتمدار فرستاده بود بعد از شمول مراحم کامله و انعامات شامله در حق جعفر قلیخان و همراهان اولو امر خص و یکثوب جبه ترمه پولک دوزشمسه مرصع و یکراس اسب عربی ممتاز از اصطبل خاصه با تمام زین و یراق تمام طلا برای امیر دوستمحمد خان و دو ثوب جبه ترمه زیجره دار برای پسران امیر معزی الیه محمد افضل خان که در سمت رکستانست و غلام حیدر خان بصحابت او انفاذ فرمودند نواب اشرف حشام الدوله حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری را بعطای نشان تمثال بی مثال همایون مفتخر فرمودند ابن اوقاف سالار مهدیخان باعریضه از جانب خوانین بلوچ نزد محمد حسنخان سردار حاکم یزد کرمان آمده از جانب آنها اظهار انقیاد نمود ولی از قرار مذکور امیر علیخان حاکم دزک جمازه سوار نزد ابراهیمخان ضابط و مستحفظ بمبور فرستاده اظهار نموده که آزادخان غلزائی جمعیتی جمع کرده که بسر دزک بیاید ابراهیمخان نیز خوانین بلوچ را بمبور خواسته که در صورت صدق مستعد دفاع باشند بعضی فتوان عرض راه خراسان را جناب صدر اعظم امر بتلغیه فرمودند محمد حسنخان پسر سردار علیخان سیستانی و شاه پسندخان و میرکلاخان ابن اوقاف از سیستان بدربار همایون آمده علی قدر مراتبهم مورد الطاف ملوکانه شدند بعضی خوانین و اشخاصیکه در قلعه بخمین فارس و قلاع بلوچستان خدمت کرده بودند ابن اوقاف خلعت و نشان در حق ایشان علی قدر مراتبهم مرحمت شد ابن اوقاف حسب الامر اسلحه خانه مخصوصی برای اسلحه ممتازه و آلات حربیه سلطنتی بنا کرده و تمام اسلحه سلاطین ماضیه و ابن عهد همایون را که همه ممتاز و مرصع بجواهر و از کارهای اساتید قدیمه و جدیده بود در آنجا بنظم و ترتیب گذاشتند و همچنین کتابخانه مخصوصی برای کتب سلطنتی و قطعات خطوط اساتید بوضع بسیار خوش بنا کردند مبالغی تخفیف مالیاتی بارامنه ساکن جلفا و بلوک فریدن اصفهان مرحمت فرمودند و هم ابن اوقاف از طایفه ترکمانیه پانصد نفر سواره بعزم تاخت و تاز بقریه اوزبه که یکی از قرای سرحدی قوشخانه است آمده اهالی قلعه آنجا را دفع داده پس از پاس ترکمانان از غلبه برآبادی بسوزانیدن و چرانیدن محصولات پرداختند یزدان ویردیخان برادر سلیمخان ایلخانی مخبر شده قدرتالله آقا و غیره و سواره و شقاقچی و غیره را جمع آوری کرده بدفع آنها روانه شد از آنطرف هم ترکمانان ندبیری اندیشیده قریب سه هزار سوار پیاده و کلنگ دار بر سر قلعه خیرآباد که از قلاع سرحدی قوشخانه است آمده که آنجا را تصرف کنند سواره و شقاقچی دولتی حلوا آنها را کرفته و با انکه جمعیت قشون

ظفر نبود زیاده از چهار صد نفر نبود آن سه هزار نفر ترکمان را منهزم و متفرق نمودند نظر باین حسن خدمت یزدان
ویردیخان یکتوب جیغه ترمه و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرهنگی ما حمایل آن برای معرفی الهیار افشار و مرحمت شد میرزا
حسنخان برادر مرحوم میرزا تقیخان بنیابت حکومت عراق منصوب گردید حبیب الله خان پسر خسرو خان کرمانی که دوبار
اشرار بلوچ را بدار الخلافه آورده بود بعطای یکطاقه شال ترمه و یکتوب قبای ترمه مفتخر گردید یکدسته از ترکمانیکه
اتاک نشین در بعضی از حدود خراسان بنای قلعه ساختن گذارده بودند محمد رحیمخان نایب الحکومه بحضور مستحضر
شده بر سر آنها رفته آنها را متفرق ساخته و قلعه که ساخته بودند یکسره خالی ماند جناب احمد وفا افندی ایلچی کبیر
دولت عثمانی از دربار همایون رخصت انصراف حاصل و بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس با حمایل
آبی از طرف همایون شهریاری نایل شده حیدر افندی مستشار خود را در رکاب خود بمصلحت گذاری برقرار نمود
راه کتل بالای فجر که معبر و راه مازندران ولی بسیار سخت و صعب المسلک بود بحکم جناب صدر اعظم بخوبی بسلامت
در اوایل ماه ذیقعده بادی بسیار شدید وطوفانی تیره در صفحات کرمسیر افارس اتفاقا افتاده تقریبا صد هزار
نخل از نخلستانهای قیر و کازرین و لارستان را از ریشه کنده است فتح کلات و دفع جعفر آقای کلاتی که چندی
بود در ظاهر منقاد ولی در باطن مخالف دولت قوی بنیاد بود بامر و اهتمام نواب فرمانفرما حکمران خراسان و
میرزا فضل الله وزیر نظام و بپاداش این خدمت خلاع فاخره برای نواب فرمانفرما و وزیر نظام مرحمت و ارسال شد
دوشنبه دهم ذیحجه که روز عید قربان بود در اردوی جناب صدر اعظم سلام عام در حضور همایون شاهنشاهی
منعقد گردید سنگ مرمری در کمال صفا و زینت با خطوط خوش بجهت مزار مرحوم آثار خاقان خلد آشیان
(فتحعلیشاه) نور الله مضجعه تمام کرده با تشریفات کامل بجناب میرزا اسد الله روانه و اقامت داشتند اسمعیل خان
والد مرحوم بشیر الدوله چاپارچی باشی دربار و مخلع گردیده مواجب و جیره مرحوم بشیر الدوله نیز در حق او برقرار
و مواجب خود اسمعیل خان بنیابت اولاد بشیر الدوله مرحمت شد روز عید عذیر سلام عام نیز در اردوی نبه
منعقد و عموم چاکران بارحضور معدلت ظهور شاهانه یافتند خلیفه طاطاوسی که بزرگ ملت ارامنه جلفا
بدربار همایون آمده عرض کرد بعضی از حکام و عمال و ولایات نسبت بارامنه چنانکه باید برسم عدل و اعتدال
حرکت نمینمایند لهذا فرامین و احکام مؤکده بحکام و ولایات صادر شد که نسبت بجمیع ملل که رعایای دولت علیه اند
رعایت کامل عدل را بنمایند و خلیفه مزبور را مخلع و امیدوار اجازه انصراف دادند (چین) شورشیان از
جنوب بسمت شمال حرکت کردند شهر ناکن را گرفتند و رئیس یاغیان تین نه که خود را از طایفه مغول
و از اولاد قبلای قاآن میداند و سلطنت چین را حق خود شمرده مینماید کان تن شهر دیگر را میگیرد شهر
آموی را ضبط میکند تا حوالی پکن میرانند امروز پیا (توضیح) قبل از اقدام بنگارش اخبار اظهار میدارد که بعد از
این هرجا ذکری از مسئله شرقیه شد مقصود از جنگ دولت روس و دولت عثمانی است که در سنه هزار و
دویست و هفتاد شروع شد و عهدنامه که در صلح منعقد شده و قرار یکدول متحابه عثمانی در حفظ حدود
و ثغور و عدم مداخله دول دیگر بکار داخله عثمانی داده اند و شرط یکه دولت عثمانی نموده است که نسبت
برعایای خود شان کلیة علی الخصوص بعیسویان شعه خود چه قسم رفتار کنند و بعضی مسائل و مطالب دیگر که باز راجع
بدولت عثمانی است اینها را مسئله شرقیه مینامند) و از اینجا که بنای نگارش اخبار ممالک برترتیب که در اسامی آن
مملکت دنیا بیشتر و بنابر اینکه این مسئله تعلق کامل بعثمانی دارد بجای حرف عین نگاشته میشود

حرف نجمی

(اسپانیول) فوت دن ذکر پیش از فصحا و علما که در اینوقت بسمت سفارت کبری در پاریس داشت نارواو تر که جلای وطن یافته بود اجازهٔ مراجعت یافت افتتاح راه آهن از آلان ژوا از بر تا نیلک (المان) فوت ژنرال رادوویتز سر اعالی شهر میلان ایطالیا که جزو اطریش است بتحریک مازینی بنای بی عنیکری میگذارند بکی از اهل بجارستان جان قتل امپراطور را میکند بمهاجرین پیمن که در میلان بودند از طرف دولت اطریش کال سختی میرسد دیگر امانوئل پادشاه سارد بن و پیمن از انیفقره بدول فرنک شکایت میکند قطع مراوده و دوستی ما بین اطریش و سوئیس تاج سلطنت مجارستان و فرقه سن انیین که یکی از ائمهٔ علیسوئیه پیشوایان عیسی مجارد رسال قبل از این شرکت نموده پنهان کرده بودند مکشوف میگردد و بدست دولت اطریش میافتند در مملکت ساکس عروسی پرنس آلبرت ولیعهد آن دولت تفصیل قتل امپراطور اطریش از اینقرار است و این تفصیلی است که از روی روزنامه مصروف کازت دوین در بیستم فوریه هزار و هشتصد و پنجاه و سه مسیحی نوشته شده است

اعلیحضرت امپراطور واجودانش کنار دیوار بالای بوار شهر وین خم شده پائین همان خلق را تماشا میکردند که یکدسته قشون در همان خندق مشغول مشق بود بعد از تماشای مشق امپراطور بالای همان دیوار دور قلعه مشغول گردش شد شخصی از اهل مجار علی الغفله بر دن آمده باکارد ضربتی ثبت کردن امپراطور آطریش زد امپراطور شمشیر خود را کشید که بقاتل زند کنت اندرآسی جوان خود را بر دی و ضارب انداخته کارد را از دست او گرفته بر زمینش افکند جمعی بعجله که از آنجا ممکن نشدند جوان مزبور را کمال نموده قاتل را گرفتند امپراطور بدست خودش دهنه زخم را نگاهداشته بود که خون زیاد از او نرود عمارت رسید ولی آنرا که در آن حوالی بود امپراطور خود را بآنجا رسانید بعد از انکه قدری آرام گرفت بکالسکه نشسته بقصر سلطنتی رفت و بعد از دو سه ساعت طبیب یافت اسم ضارب لیبنی بوده دولت اطریش بکدسته قشون بر حد عثمانی مامور میکند که حمایت منتنگرو و هرزکوینا را بنمایند در حالتیکه عمر پاشا با منتنگرو و هرزکوینا در جنگ است (انکلیس) کشتی آلاندن بورارت خارجه برفراز شدا متداد خط تلگرافی از مملکت انکلیس هلاند و بلژیک از زیر دریا افتتاح اکسپوزیسیون بزرگ در دوبلن طایفه کافر کدر سمت افریقا با دولت انکلیس در جنگ بودند مطالب صلح شدند کشتی جنگی بخاری که صد و سی توپ در آن بود باسم دوک ولینگتن موسوم شد جنگ با برمان در کال شد و کریمیا است افتتاح راه آهن هند و ستان در بمبئی فوت گلادستون که از طرف دولت انکلیس مامور بردن ناپلیون بجزیرهٔ سنت هلن بود و بنی فاتح سند (ایطالیا) سفر برادر پادشاه دوک دژن بپاریس و لندن جزئی شورشی در تورن پای تخت و در آستریا (بلژیک) دوک دبرابانکه الحال لاوپلد دوم است بسن بلوغ رسید که هجده سال باشد رسیده با پدر خود پادشاه بلژیک سفری بپاریس و وین و ساکس نمود آرشدوشس ماری دختر یکی از شاهزاده گان بزرگ مجارستان را بحباله نکاح آورد پادشاه بلژیک و پسر و عروسش با انکلیس سفر کردند (پرتوغال) دنا ماری ملکه پرتوغال در وضع حمل اولاد هشتم پسر پسر بزرگ ملکه دن پدرو پنجم کرسنا نزده سال دارد بجای مادر پادشاه میکردد (دانمارک) بواسطه نداشتن اولاد ذکور پادشاه دانمارک ولایت عهد را بپسر دایرهٔ خود کریستین میدهد (روس) ضبط املاک و بیوتات طستا پهاکه بر ضد دولت هستند افتتاح راه آهن از سنت پطرزبورغ الی ورشو بسط مملکت و فتوحات در ترکستان فتح خیوه و فرار خان خیوه بخارا فوت این ژنرال نویسنده معروف (سوئدونروج) و بای شیلی در نروج علی الخصوص در کریستیانا با بنای پای تخت آن مملکت (سویس) جمهوری سویس مضایقه در بتول

تکلیف

تکلیف بعضی دول مینمایند که روزنامه نویسان آنمملکت را مانع شوند نسبت دنیا بر ملل و سلاطین خارجه بد
ننویسند و روزنامه را آزاد بدانند از برای همین کار لزوم بیست و هشت هزار قشون حاضر میکند (عثمانی)
ابتدای مسئله شرقیه دولت روس در پالتس سر بستان محرک کشتیهای اسلاو است بر ضد الکساندر والی آن
مملکت استعفا پرنس شیکا والی افلاق بغدان بواسطه بودن عساکر روس در آنمملکت اهالی فراداغ عثمانی در
شورش اند بر ضد دولت دولت طرپش حمایت از آنها میکند سفیری مخصوصا باندوین باسلامبول بجهة تکلیف بعضی
مطالب که راجع بفراداغ است میرود دولت عثمانی قبول این تکالیف را مینماید دولت روس طالب آزادی رهائی
تمام عیسویان تابعه دولت عثمانی است پرنس منچیکف در بحر بیه روس مامور باسلامبول و حامل نوشته سخت است
برای سلطان عثمانی دولت انکلیس و فرانسه بمحض اطلاع از این نوشته سخت دولت روس که تهدید بجنگ است سفاین
جنگی خود را بخلیج بزیکا که از آنجا باسلامبول سی و شش ساعت مسافت بیشتر نیست روانه میدارند پرنس کرشاکف سردار روس
از ودخانه پروت که سرحد روس و عثمانی است تجاوز کرده تا بستان ایبسال وارد خاک افلاق بغدان میشود و در وین
پای تخت طرپش مجلس مشاوره دول که عبارتست از کنفرانس باشد تشکیل مینماید سفرای کبار روس و طرپش و فرانسه و
انکلیس در مسئله شرقیه کنفرانس مینمایند لایحه بطور یادداشت از این مجلس نوشته میشود تکالیفی که در این لایحه ضبط
بود دولت روس قبول میکند اما دولت عثمانی رد مینماید کشتیهای جنگی فرانسه و انکلیس که جلب عثمانی در روس
قریب بهم بندر بیزه در دی باسلامبول میکنند قشون عثمانی بسرداری عمر پاشا از دانوب عبور کرده در حوالی
اولتنیزا و تورکائی با قشون روس مقابلی کرده آنها را شکست میدهد و در همان وقت شروع بمخاصمه در اناتولی میشود
در بندر سینوپ یکهفتم عده کشتیهای جنگی عثمانی را در سها شکسته غرق مینمایند در عایت عیسویها که شعبه عثمانی بودند
در روس طالب بود و فی الواقع میخواست آنها را با این اسم در تحت حمایت خود در آورد در این هفتم مملکت فرنکستان
عثمانی که سی کرور جمعیت شمرده میشدند بیست و دو کرور آنها عیسوی و باقی مسلمان یا اهل دیگر اند پرنس منچیکف وزیر
بحریه روس قبل از ورود باسلامبول در سوستاپل بیست و هفت کشتی جنگی روس را سان دید و مسئله عمده که اسباب
نفار شد و اعلان جنگ از طرف پن کردند این بود که دولت عثمانی مصر را بین بود که قشون روس از افلاق بغدان
خارج شوند و دولت روس این فقره را نمیخواست قشون عثمانی در سمت اناتولیا چند شکست خوردند در سمت ارمنستان
طابفه بیتی طرچی بنای زدوخورد گذاشتند عباس پاشا والی مصر بضد روس و حذمتکذار عثمانی است عذر
بلیغ نمود که جوبات از مصر بخارج نبرند دول فرنک بطلان این حکم را از عثمانی خواستند که بمحض تکلیف عباس پاشا
قبول نمود (فرانسه) مزاوجت اعلیحضرت امپراطور ناپلیون با اوژنی صبیه کنت مونتیجو از سرداران و بزرگان اسپانیا بواسطه
بدی حاصل اینسال از اطراف بحکم اعلیحضرت ناپلیون غله زیادی بمملکت فرانسه آوردند سگ که در شرف بورک هفتاد
سال بود بنا کرده بودند تمام شد در استانی نوزدهم کالیدنی بتصرف فرانسه آمد فتوحات ژنرال نیکه و ژنرال
ماکماهون در الجزایر (هلاند) بنا در جزایر ملوک که از متصرفات هلاند است بتجارت جمیع دول باز میشود (یونان)
زلزله سخت در شهر پت میشود امریکا (اناتونی) در بیست و نه جمهوری ژنرال پیرس صد و سی و سه مملکت در
آبادی است نفار جمهوری اناتونی با دولت طرپش بجهة حبس یکنفر از تبعه اناتونی آکسپتو پسیون عمومی در سنورک
(مکزیک) آریستا رئیس جمهوری اضطرارا استعفا نمود از مکزیک خارج میشود سانتا آنا بجای او منصوب و
موانین جدیده ایجاد میکند و قشون را منظم میسازد و تمنای این را از ملت دارد که مادام العمر رئیس بوده و لیعهدش

که باید

که باید بعد از فوت بجای او باشد خود معین کند

سنه ۱۲۷۱ هجری — سنه ۱۸۵۴ مسیحی

آسیا (ایران) چون خاطر همایون پادشاه عالمیان همواره متوجه آسایش عموم اهالی کشور و لشکر است بعد از فتح کلات مقرر فرمودند سپور سان قشون ساخلوی آنجا را در ستاباد برسانند که همیشه آذوقه پنج ششماهه حاضر داشته باشند و باقی کلات بزمستان مرحمت مبذول افتاد در پیش سفیدان و رؤسای تراکمه سرخسی از طایفه آقمش و تکمش که هر طایفه دوازده تبره و هر تبره هزار خانوار اند بخدمت نواب فرمانفرما حکمران خراسان آمده اظهار انقیاد و استدعای خدمتگذاری پادشاه ولی نعمت علیه را نموده قرار و مدار یکه باید داده راه اطاعت میپیمایند قلعه دزبن دزنها و ندارا تعمیر کردند نواب سیف الله میرزا بحکمرانی قزوین برقرار گردید شب عید مولود همایون همه جای ممالک محروسه جشن گرفتند و سلام عام در تالار تخت مرمر اعتقاد باف نواب مصطفی قلیمیرزا حکمران مازندران مرحوم و نواب احمد میرزا بحکومت مازندران و خلعت همایون سرافراز شدند و میرزا اسدالله مستوفی بوزارت مازندران برقرار و مخلع گردید مهرعلیخان سرتیپ افواج فارسی را بلقب شجاع الملکی و خلعت همایون مفتخر و جمیع قشون فارسی را ابواجمع مشارالیه فرمودند میرزا عبدالرحیم اجودان وزارتخانه جهت منصب بنا بت اول سفارت دولت علیه مقیم اسلامبول و لقب خانی سرافراز و مخلع و روانه محل مامور شد میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) کار پرداز سابق بمنصب نیز ال قونسولی ماموریت تفلیس باعطای جبه ترمه از ملابس خاصه سرافراز شد سیف الله خان شاهسون مرحوم شد و سرکردگی سواره شاهسون را برادر او لطف الله خان مرحمت فرمودند و برادر کوچکتر آنمرحوم هدایت الله خان بمنصب ایلبیکی گری طایفه مزبوره برقرار گشت جناب حاجی ملا اسدالله معروف بمجتهد الاسلام از علمای معتبر بورود بمرز مطبقه بجوار رحمت الهی پیوستند در حوض سلطان که آبکم بود بحکم جناب صدر اعظم اسطخرهای آب ساخته عمارات بیوانی اصفهان را تعمیر نمودند نواب فریدون میرزا فرمانفرما بعد از نظم سرحدات و حول و حوش کلات بطرف قاخال رفته که آنحدود را هم نظم دهد شنید بدهند حسنخان باوزنچانه بمنصب سرهنگی توپخانه مبارکه سرافراز گردید حیدرعلیخان سرهنگ که در سفر خراسان خدمات کرده بنیابت اول اجودانباشی سرافراز و مامور آذربایجان شد شنبه چهارم ماه ربیع الاول بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای مدرسه دارالفنون گردیده متعلمین را پس از امتحان مفصلی بفراخور ترقیات اعطای خلعت و انعام با نواب و نشان فرمودند و محمدخان میرپنجه که در تربیت شاگردان مدرسه مراقبت کرده بود بمکتوب کلیجه ترمه ترنج پوش مبارک سرافراز گردید و رضاقلیخان ناظم مدرسه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت کبند مطهر حضرت امامزاده عبدالعظم علیه السلام را حسب الامر تعمیر و طلا کردند نواب فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان که بطرف قاخال و نظم آنحدود رفته بودند نزکمانان اتاک نشین با بعضی از سپاه منصور دوچار و پس از قلعه محاربه مشهور ما فرار کرده نواب والا جمیع اماکن و قلاع آنها را که سی و شش قلعه بود منهدم و خراب و تمام آذوقه و اسباب و تروخشک آنها را نیز با آتش قهر می سوزانند و بنا بر اهتمامات نواب معظم در آنصفحات بمکتوب قبای ترمه ترنج پوش مبارک و بکعبضه کارد دسته مرصع مکلل بالماس از جانب سنی الجوانب همایون برای نواب ملتزم رکاب معظم الیه مرحمت و همراهان فرمانفرما را نیز بعواطف و خلاع فاخره و امیدازات دولتی سرافراز میدارند جناب حاجی میرزا باقر مجتهد و امام جمعه تبریز مرحوم شد در این وقت قافله که از زیارت مشهد مقدس میآمده کرفتار محمد شیخ و اسیر شده اند و خبر بمحمدخان ظهیر الدوله رسیده جمعیتی را باستخلاص آن قافله فرستاده سواره جامی و خوافی و هزاره با مداد جمعیت هراتی رفته با همراهان شیخ ممد جلاد

نموده برخی را مقتول و بسیاری را منهزم و اسرا را خلاص نموده فراریها را تعاقب کردند چون اسرا و کوسفندان
اکراد را پس گرفتند متعلق بر عایای دولت علیه بودند نواب فرمانفرما و وزیر نظام بصید محمد خان نوشته بودند که غدغن
نمایند سواره همراهی اسرا و کوسفندان را اراده ننمایند و چنین کردند محمد علیخان بختیاری چهارلنگ که مدتی بود مفسده
شده و در قلعه دزکه از قلاع محکمه است متحصن گردیده امیرزاده ابراهیم میرزا برای دفع او استعداد فراهم آورده و بر سر
قلعه رفته پس از سه چهار روز کوشش و محاربه قلعه را مسخر کرده و محمد علیخان بنیم شبی فرار و متواری شد و امیرزاده
را بپاداش این خدمت از طرف دولت بیکتوب جیغه ترمه مخلع فرمودند محمد ولیخان بیکلربیکی حکمران استراباد بیکقبضه
شمشیر یراق طلا کار مرصع سرافراز شد جعفرقلی کلانی که بعد از فتح کلات فرار بخنوه کرده بود بقراباب شناخته
باهزار سوار فراباب بقصد کرفتن کلات می آیند سربازان و قراولان خبر شده بنای تشلیک را میگذارند و میرابراهیمخان
سرتیپ را مطلع نموده معزی الیه دسته سربازی بکمک سربازان مزبور فرستاده بعد از پنج شش ساعت زد و خورد با اینکه شب
بوده شکست فاحشی بسواره فراباب داده همه را مفهور و متفرق مینمایند پل خواجوی اصفهان را تعمیر کردند شیلات
مازندران و استراباد و امیر علی اکبرخان دریابیکی و میرعبدالصمدخان سپرده و مشارالیهما را مخلع فرمودند میرزا
حسنخان نایب الحکومه عراق که کاپن شهر سلطان آباد و باغات و عمارات دولتی را مرمت و تعمیر و عرس را شجار کرده
و از بلاد دیگر از هر قبیل اوباب صنایع با نیشهر آورده سکنی داد محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان در قلع و قمع و
اسر اشرار بلوچ که بعضی از حدود کرمان آمده بودند شرط خدمت بجای آورده عیسی خان
والی حکمران کیلان بیکقبضه کارد دسته مرصع و بیکتوب کلیجه ترمه ترنج مبارک مخلع و برای معزی الیه فرستاده شد
منصب تحقق بلداری تورخانه با بیکتوب جیغه ترمه کرمانی بحاجی میرزا موسی خان مرحمت شد در ازای خدمات بندر عباس
بیکقطعه نشان سرتیپی اول با حمایل سرخ و بیکتوب جیغه ترمه با میرزاده عبدالباقی میرزا ولد نواب مؤید الدوله و یک
قطعه نشان میرپنجی و بیکتوب جیغه ترمه بعبدالله خان صارم الدوله مرحمت شد همچنین بسایرها حسب المقام
و امتیاز انکرده بدنظر بخدمات نمایان رضاقلیخان سرهنگ عرب فوج عرب رفیع بندر عباس را در منصب سرتیپی
سرافراز فرمودند محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج اصفهان بخدمت اخذ امیراحمدخان اوزی که از جمله اشرار فارس بود
و بخرابی قلعه او بیکتوب جیغه ترمه خلعت همایون سرافراز کردید لطفعلیخان سرتیپ شقاقی در ازای دفع شر قباد خان
شقاقی کدازسارقین و اشرار بود نیز بیکتوب جیغه ترمه مخلع کردید نواب جهانسوز میرزا بمنصب سرتیپی دو فوج عرب
و عجم و خلعت همایون نایل کردید همدر این اوقات محاربه قشون ظفرمون با محمد امین خان خان خنوه و کشته شدن او
اتفاق افتاد باین تفصیل خوانین و حکام مملکت خوارزم که شهر معبر و مشهور حالیه آن خنوه است از عهود سالفه
همیشه در سلسله اطاعت و انقیاد سلاطین ایران بودند و اکر دفعتی سرکشی و خودسری مینمودند از طرف سلاطین
ایران تنبیه و کوشمالی میدیدند در عهد شاهنشاه مبرور مامنی محمد شاه غازی انار الله برهانه که حکومت محمد امین
خان رسید بواسطه بی اعتنائی امنای دولت ترقی از خدمت نموده سهل است پس از چندی بخیال تصرف مرو کرده عریضه
مخصوص ایران استمداد و هر بد و سه سال یکمرتبه عبور و آمده باسم نکاپ چیزی میکرفت تا در اوایل این دولت ابد مدت
شوکت باز برای اخذ زکات مرو لشکر کشید نواب حسام السلطنه که در اینوقت فرمانفرمای خراسان بود افواج
قاهره را فرستاده او را شکست فاحش و دفع داده اند امین خان با چهار هزار نفر قشون کلان و کنجی و خیوقی
و ترکمان جمع کرده برای تسخیر مرو آمد نواب فرمانفرما هم که بدایه از این واقعه مطلع و قشون ساخلو خراسان را

مستعد

مستعد دفاع او فرموده بودند بعضی از قشون ظفرمون را از پیش بطرف سرخس حرکت داده خود شان نیز از عقب حرکت
کردند خان خیوه که مطلع شد پیش دستی کرده بر سر سرخس آمد بعد از چند روز محاربه با سرخسی و سپاه ظفر همراه
آخر عسا کر دولت فایق آمده قشون محمد امین خان خیوه را منهزم کرده و باکال جلادت دست بر خود او یافته
او را با سود و نفر از بنی اعمام و محارم و خواص بقتل آوردند و آنچه بتحقیق پیوست دویست و هفتاد نفر از صاحب
منصبان خان خیوه کشته شده بودند شب سیزدهم رجب که شب عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب
سلام الله علیه بود خبر ظفر خان خیوه بدار الخلافه باهره رسید و شب پانزدهم رضا قلیخان با سرها وارد گردید و روز شنبه
نوزدهم در سلام عام بعرض خاکپای همایون رسانیدند ذات ملکوتی صفات مقدس پاس خدمات احداد خان خیوه را مبدل الهین
با تمکین ایران و بزرگ زادگی او را منظور فرموده اخضا سر او و کسان او را بحضور همایون اجازه ندادند و امر فرمودند
آنها را باکال احترام تغسیل تکفین نمایند و در جائی مناسب دفن کنند نواب احتشام الدوله خانلر میرزا بپاداش خدمت
بستن سد ناصری در حویزه بکجفه نیمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب مفتخر گردیدند از غرایب اینکه بخلاف شط
العرب بر سر به بمراورد حاجی الدوله والده مؤلف که در تغییر و طلاکردن کبند طهماسب امامزاده عبد العظیم علیه السلام
مساعی واقعه نموده بود مورد مراحم مخصوصه گردید و بیست نیزه سر و شصت نفر اسیر و دو عراده توپ و یکعراده خمپاره
که بفتح قشون کرمانی در بند عباس بود بدار الخلافه آوردند در این اوان محض مزید نظم و انتظام امور قشون
و استقلال سردار کل دستخطی بقلم معجز رقم همایون خطاب بجناب صدر اعظم مشرف صدور یافت

چهارشنبه دویم رجب بکیساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب بحمل و ابتدای سال خیر مآل توشقان
بدل شد و سلام خاص در عمارت کلاه فرنگ و سلام عام در تخت مرمر تشکیل یافت نواب علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه
بکقطعه کلکر مکلل بالماس مفتخر گردیدند میرزا فضل الله وزیر نظام صنوبیاشی و پیشکار خراسان چهار زوج در
نفره که هر یک دو ذرع طول و یکذرع و سه چارک عرض دارد بجهة اطراف حرم محترم رضوی علی مشرفها الله تعالی مزین
بنام همایون تمام و نصب نمود جناب صبوا نیچکاف شارژ دافر دولت روس مبعوث دار الخلافه بکقطعه نشان دو و
الماس مصور بیمثال بی مثال همایون سرافراز گردید در این اوقات که فوت مرحوم امپراطور روس نیکلا و جلوس
اعلیحضرت الکساندر دویم ولیعهد دولت مشارالیها اتفاق افتاد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بتوسط میرزا
محمد حسین عضد الملک جناب صبوا نیچکاف شارژ دافر دولت روس صاحب منصبان سفارت را دعوت بحضور
مهر ظهور مبارک فرموده بعد از اظهار تاسف زیاد از وفات مرحوم اعلیحضرت امپراطور تهنیت جلوس اعلیحضرت
امپراطور الکساندر را بر سریر سلطنت ممالک روس بلفظ کوهر نثار ادا فرموده و پس از تفقدات شاهانه اجزای
سفارت را اجازه انصراف دادند نظر بخدمات میرزا محمد صادق قایم مقام بیکجام آفتابه نمثال همایون که بزرگترین
اسباب مفاخرت معزی الیه را مفتخر فرمودند محمد حسنخان سردار در سمت دروازه ارک و شهر کرمان تازه
باغی موسوم بباغ ناصریه احداث نموده میرزا شفیع نوه پسر کاتی بود از شهر کرمان رفت پل رودخانه قزلاوزن را
که از خاک کروس میکذرد چون خراب بود در کمال استحکام ساخت دکتر بزرگ که از محول اطبا است در
سلک چاکران دربار منسلک گردید حاجی محمد حسین جبه دار باشی مرحوم و میرزا نصر الله ولد مشارالیه جبه دار
باشی و مخلع گردید فوج جدید حسب الامر از شقاق که قشون چهار صد دستا سباب توپ یکسی سوای اسباب توپ
کشتی سابق که در انبار بود حسب الامر در خانه تسلیم انبار قورخانه کردند جناب چارلس آلکزندر مری وزیر مختار انگلیس

مخصوص دولتخانه کلیس کرمانی با قامت دربار دولت علیه بود وارد دارالخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد
در اواخر ماه جمادی الثانیه شش جهاز تجارتی و چند بکاره در بندر لنگر بواسطه وزیدن باد قوس و طوفان
شدید شکسته و غرق شده و تقریبا دویست هزار تومان بتجار خسارت وارد آمد میرزا محمد صادق قایم مقام بیک
قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر و مرخص شده بآذربایجان معاودت کرد میرزا صادق خان ولد مشیر
الدوله بسرهنگی فوج جدید شقاقی و خلعت همایون سرافراز گردید سرهنگی فوج اردبیل و مشکین بحسنعلیخان
پیشخدمت خاصه مرحمت و مرخص شده بآذربایجان رفت پل آق در بندرابد بکمال استحکام ساخته عمارت هزار جریب
اصفهان را تعمیر نمودند باستدعای میرزا محمد صادق قایم مقام بعضی محکومات از ارجاع آذربایجان و مناصب نظامی نایل
گردید میرزا محمد خان سرکشیکچی باشی غلامان سرکاری ابوابجمعی خود را سان داده باعطای یکثوب کلیجه ترمه تن پوش
مفتخر گردید دویست تومان برهواجب محمد اسمعیل خان چاپارچی افزودند نظر بخدمات جناب نظام الملک در ایام
دستور العمل سال نو حکام ولایات بکرشت شرآبه مروارید مرصع و نیزه زمرد بمعزی الیه مرحمت شد میرزا رحیم پیشخدمت
محصل کل محاسبات بیکقطعه نشان از مرهنگی و خلعت همایون نایل شد میرزا فتح الله لشکرنویس باشی را
باعطای یکهزار تومان اضافه مواجب و کلیجه ترمه تن پوش مبارک سرافراز فرمودند کل محمد خان از اشرار و متمردین
بلوچ ستکبر و قلعه ایرندجان کرمان محصن و بوستخر شد نواب الاعبد الصمد میرزا (عزالدوله) بحکومت فیروزین
برقرار و حاجی حسنعلیخان خوئی اجوبا باشی سابق بوزارت نواب معظم منصوب شد حکومت ملایر و تویسرکان را
بنواب سیف الله میرزا مرحمت فرمودند علیقلی خان والی کهلان بیکقطعه نشان تمثال همایون و یکثوب کلیجه ترمه مفتخر
گردید محمد علیخان جوانشیر سرتیپ فوج اول خاصه محاودت عتبات عالیات اختیار کرده محمد قلیخان سرهنگ جوانشیر را
او بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز گردید حاتم خان ولد کلبعلیخان افشار بمنصب سرهنگی فوج اخلاص افشار
منصوب گردید چشمهای جانقلیخان سرهنگ فوج کرندی بسبب امراض مزمنه نابینا شده منصب سرهنگی او بامیلک
بناز خان ولد مشارالیه مرحمت فرمودند محمود خان سرتیپ مصلحت گذار سنندج بطرز بوزغ (جناب ناصر الملک)
بلقب جنابی مفتخر گردید قشون ظفرنمون کرد را بینیال چرم آک محمد آدر فتح بندر عباس خدمت کرده بودند هریک
از سرکرده و صاحبمنصب بقدر خود استحقاق بمنصب و عطائی نایل شدند چون دوازده هزار خانوار از اشرار تراکمه
و اوزبکیه قات نصفحات درقراباب جمع شده و در آن حول و حوش بلکبر کاهی در بجنورد و ولایات خراسان تاخت و تاز
میکردند نواب فریدون میرزا فرمانفرما بقصد تنبیه آنها بسرقراباب که اشرار مزبور در آنجا را استقاق برای خود
قرار داده بودند رفته اشرار چون در خود تاب مقابله ندیدند از در استیمان در آمده نواب فرمانفرما آنها را از
قتل و نهب امان داده حکم بتخریب قلعه و کوچانیدن آنها بمواطن خود دادند و هشتاد خانوار از کوچ از معتبرین
مردکروی کرفته خانسوار سلطان هزاره را در آنجا بحکومت منصوب کرده بمشهد مقدس معاودت نمودند از
جانب سنی الجوانب همایون نواب فرمانفرما و هریک از صاحبمنصبان که در رکاب والا بودند علی قدر مراتبهم
مورد مرحمت و نشان و منصب و خلعت گردیدند بیستم شعبان در دستجستان تکرک شدیدی که هر دانه بقدر نخم مرغ
بوده آمده و تقریبا بیست نفر از اهالی آنجا و بسیاری از دواب و اغنام را تلف نمود دویم شعبان در شیراز
برق بخانه صفر سلطان فوج شیرازی زده یکنفر را بقتل رسانید و دو اسب را هلاک نموده خانه را هم خراب کرد نواب
مؤید الدوله حکمران فارس یکفوج از کرمسیر فارس بسرهنگی باقرخان تنکستانی کرمانیه بندر عباس فرستادند

که با فوج عرب ابو اجمعی رضا قلیخان سرتیپ ساخلو بندر عباس باشند جناب ژنرال بریسبلف که از جانب اعلیحضرت
امپراطور دولت روس با نامه موده ختامه اعلان جلوس اعلیحضرت امپراطور بتخت سلطنت مامور دارالخلافه بود
همراهی بارتولمیو پولکوونیک که او نیز از طرف جناب مرادیف جانشین ممالک قفقاز با مراسله مخالصت بدارالخلافه
باهره ورد دربار همایون آمده با تفاق اجزای سفارت و نامه مودت ختامه بحضور باهر النور مبارک مشرف و مورد
تفقدات خاصه شاهنشاهی گردیدند نواب حشمة الدوله بحکمرانی اصفهان و خلعت همایون مفتخر و میرزا کاظم
بیشکاری اصفهان کما فی السابق برقرار و مخلع گردید اخذ عرایض سواری بعباسخان سرتیپ که از امنای دولتخانه
و در رکاب مبارک سوار میشود رجوع شد عباسقلیخان پیشنا بحکومت شاهرود و بسطام مامور گردید محمد
حسنخان پشخدمت بحکومت کاشان رفت شیخ فارس خان حاکم محمره مخلع و برادر او شیخ حاکم خان بکمپضه شمشیر
مرغلاف گرمله طلا تابل کرمله بدیسیف الملک عباسقلیخان بعد از عطای القاب و نشان و حمایل میرپنجگی و خلعت و
شمشیر قلمرصع و دیگر مرحمتهای شاهان از جانب سنیه الجوانب همایون با نامه مهر علامه برای تعزیت فوت مرحوم
امپراطور بنیکلاویچ و تهنیت جلوس اعلیحضرت الکساندرویچ امپراطور کل ممالک روسیه تسمیت بایلچی گیری بدربار
روسیه رفت و فاسخان کارپرداز سابق تفلیس بمستشاری این سفارت کبری نابل گردید بجناب مسیو باره و ذیر
مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه که مامور بسفارت دربار دولت علیه ایران بود ببندر بوشهر وارد و از آنجا با تفاق
همان دربار مخصوص دولتی بدارالخلافه باهره آمده با اجزای سفارت و نامه مودت ختامه اعلیحضرت امپراطور شرفیاب
حضور مهر ظهور مقدس گردید امیرزاده عبدالباقی میرزا حاکم بندر عباس بمنصب سرتیپی و خلعت همایون سرافراز
گردید علیقلیخان میرپنج دارای خدمات سفر خراسان با عطای نشان و حمایل از درجه اول میرپنجی و خلعت همایون
مفتخر گشت فوج بندر پی جمعی نصرالله خان سرهنگ ساخلو اصفهان و فوج تخته قاپوی فراجه داغی جمعی محمد علیخان
سرتیپ مامور ساخلو فارس گردیدند یازده عراده توپ با قورخانه به بندر بوشهر بردند و چهار عراده توپ با قورخانه
نیز بعربستان مامور گشت کلب حسنخان نایب اول اجودانباشی بسرتیپی قورخانه و خلعت همایون سرافراز گردید
محمد قاسخان که بسمت مستشاری سفارت کبری مامور سنت پطرزبورغ و نیز بربته مصلحی گذاری مامور توقف
در پطرزبورغ شده بود بکمپضه نشان سرتیپی اول با حمایل سرخ سرافراز و عازم محل ماموریت گردید با بابیک
افشار و رضا بیک لک یاوران توپخانه مبارکه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردیدند میرزا ساسشمخان
حاکم سراب گرمرود حکومت خلخال یافت جناب ژنرال بریسبلوفا ایلچی دولت روس معاودت بروس کرد فتح علی
بیک نایب اجودانباشی بسرهنگی فوج بنشا بود و لقب خانی و کرنجان سرهنگ فوج نصارای نیز بسرهنگی فوج تبریز
و خلعت همایون سرافراز گردیدند حاجی شکرالله بیک یاور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه و خلعت همایون نابل
گشت و نهاد تنگاسردار کهندلخان حکمران قندهار با عریضه و پیشکش بدربار همایون رسیدند روز عید اضحی
در قریه باجه که متعلق بجناب صدر اعظم است سلام عام در حضور اقدس همایون شاهنشاهی دام ملکه منعقد شد
میرزا علی اکبر اجودانباشی توپخانه بحجو للداری کل توپخانه و اصطبل توپخانه و صد تومان اضافه مواجب نابل
گردید دهوار حصار بوشهر را که در سمت دریا است باکمال متانت ساخته و جزیره خارک فارس را مرمت کامل نموده
و ساخلو معتبر و استعداد حربی کافی در آنجا گذاشتند محمد حسنخان سردار حکمران یزد و کرمان در ماه ذی حجه
مرحوم شد (چین) باعیها که برضد دولت بودند در صدد رسانیدن صدمه بقونسولخانه فرانسه که در

شانکائی است میشوند و باین واسطه عساکر فرانسه با قشون دولتی شریک شده باعیها را از شانکائی خارج کرده شهر را بتصرف کارکنان چینی میدهند اهالی کانتون که نیز یاغی شده بودند تسلیم دولت چین شدند امروز (اسپانیا) تولد خبری از مملکه اسپانیا و فوتا و بفاصله سه روز اخراج بلدموتون اغلبی از سرداران قشون را بی پول دولت بشدت دو هزار سوار یکه متوقف پای تخت بودند شورش میدهند بیکی از سرداران که اخراج بلد شده بودند میپیوندند شورش را غلب بلاد سرداران را که اخراج کرده بودند معاودت داده اند مادر مملکه را شورشیان بجای وطن داده اند و حرکت او از مادرید پای تخت شورش نهادی در شهر دیگر داد بروز و بادر بعضی از شهرها شورش مختصری در مادرید برخاست دولت شدت و بادر جنوب این مملکت فوت نکارلس (الفان) از دواج اعلیحضرت امپراطور اطریش با الیزابت از بجنابی با و بروز جنگ مملکت پروس اتحاد دولت خود را با روس مصلحت ندانسته از وزارت معزول میشود فوت مزدربان آگوست چهارم پادشاه ساکس بواسطه زمین خوردن از اسب سلطنت را برادر پادشاه بجای او افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در مینیک پای تخت باو برد آخر اینسال اعلیحضرت امپراطور اطریش را دختری متولد شد ابتدای راه آهن از مملکت بوهم بجارستان بتوسط کمپانی فرانسوی (انگلیس) فرستادن یکدسته کشتی جنگی معتبر بدریای بالتیک بسرداری امیرال پنج اجزای مجلس پارلمنت قبول نمیکنند که از طایفه یهود جزو وکلای ملت بشوند مراجعت کاپیتن ماکلور که راهی بد و محیط در سمت شمال و مغربی بنکی دنیا انکشاف کرده بود فوت دکتر بارت و وادنگتن دو مسافر یکه در وسط افریقا سفر کرده و انکشاف تازه نموده بودند (ایطالیا) در پالت پادم والی آنجا را که موسو بدوک دپادم بود مقتول نمودند و وجه او که خواهر کنت شامبرد است طفل شش ساله خود را والی نموده و خود بنا بر سلطنت را اختیار میکند تا کبیر شدن او بروز و بادر ژن و مسین (ساردین از ایطالیا) فوت مادر وزن پادشاه بفاصله روز و دوک دژن برادر پادشاه بفاصله پانزده روز از سایر فوت ژنرال الکساندر مارمارا سردار در سوستاپول بمرض وبا (ناپل از ایطالیا) بروز وبا و مخطی و دزدی و سرادرت و راه زنی بعلاوه تعدد دولت بر تعجب در روم ان طونیلی صدراعظم را میخواهند هلاک سازند اگرچه پادشاه ناپل کال بطرفداری در جنگ روس و سایر دول متحده منظور کرده اما چون باطناً طرفدار دولت روس است دول فرانسه انگلیس کال نارضامندی دارند (پرتوغال) پادشاه جوان این مملکت بسیاحت فرنگ میرود و در مراجعت چون بسن بلوغ رسیده است خود بدون قیم بامور سلطنت رسیدگی مینماید (بلژیک) شورش مردم در تمام مملکت بجهة گرانی ماکولات علی الخصوص گندم اهالی پای تخت هم در شورش اند مسافرت ولیعهد و زوجه او باطریش و بعدها ولیعهد تمام فرنگستان را سیاحت میکنند و تا مصر میروند (دانمارک) عموی پادشاه پرنس فردیناند که هم ولیعهد ولیاست مغضوب میگردد (روس) فوتا علیحضرت امپراطور نیکلا بعد از قلیل مدت مرض در ماه حوت این سال والد ارشد مرحوم امپراطور الکساندر دویم ولیعهد بودند قبل از جلوس بر سریر سلطنت و عدهٔ اجرای خیالات پطر کبیر و سلاطین عظیم الشان روس را الی زمان سلطنت و الدماجد خود مبدهد مربا خصا قشون زیاد از ممالک روس میشود هزار هزار نفر از نفوس دوازده نفر مرد باید باردو ها بفرستند تمام راه آهن روس در اینسال زیاده از هزار و چهل و پنج هزار ذرع شده بود (عثمانی) فرمان اعلیحضرت سلطان عثمانی که با یهودیها هم جزو قشون و سایر ادارات مشغول خدمت باشند دولت عثمانی قبول خیال مسیو لسپس فرانسوی را در حفر برزخ السویز نموده و اجازه اینکار را مبدهد احمد پاشا والی تونس فوت میشود (مسئله شرقیه) کشتیهای جنگی

فرانسه و انکلیس دریاول زمستان وارد قرادنکز میشود در سرحد دانوب عثمانیها بقشون روس حمله میبرند نوشته
شده بامر انکلیس و فرانسه بروس که حتما افلاق بغدان را خالی نموده بتصرف عثمانی بدهد اعلان جنك اعلیحضرت
امپراطور روس بجمیع ممالك خود اظهار بطرفی دولتایران و دول سوید و دانمارك در این جنك نوشتجات مخفی که
مابین روس و انکلیس در باب تقسیم ممالك عثمانی مبادله شده بود انکلیس آن نوشتجات را بطبع رسانیده منتشر میکنند
عهدنامه مابین عثمانی از یکطرف و دول فرانسه و انکلیس از یکطرف که دولت عثمانی من بعد نسبت برعایای خود
رفاهیت منظور دارد و رفع ظلم و تعدی از آنها کند و ایجاد قانونی در ممالك عثمانی شود که همه شعبه اوامن و اسوده
باشند قطع مراوده عثمانی با یونان و روز دیگر دسته قشون فرانسه ببیره بندر یونان فرستادن ماموری از طرف
شامیل اخذ عثمانی با سلاح قشون روس باکمال تسلط در افلاق بغدان زیست میکنند در محاصره قلعه سلیستره
شکست بقشون روس وارد میاید ژنرال سکوبچ سردار روسکاری از پیش نبرده ژنرال کورچاکف در این سمت
دانوب بجای او سردار ری ماموریت میشود قشون فرانسه و انکلیس که در وارنا متوقف بودند وبای سختی در اردوی
آنها افتاده آنها را متفرق مینماید لرد لکران سردار انکلیس و مارشال سنت ارنو سردار قشون فرانسه انکلیس
هستند قشون بعد از مهاجرتها از افلاق بغدان بمیل دول متخابره و انعقاد دولت عثمانی بدسته قشون دولت اطریش
موقتا در آنجا متوقف میشوند شکست عثمانی در باباردغا در ضمن تکلیف صلح مابین روس و عثمانی بوساطت دولت اطریش
قبول نکردن اعلیحضرت امپراطور روس تکالیف صلح را و ورود پنجاه هزار قشون فرانسه و انکلیس در اواخر تابستان بقرم
فتوحات قشون فرانسه در کنار دانوب خانه الماکه با پنجاه هزار قشون روس جنگیده فتح کردند سردار قشون روس پرنس
پنچکف است فوت مارشال سنت ارنو سردار قشون فرانسه از مرض و با نصب ژنرال کان ریز بجای او جنك در بالاخلوا
قتل زیاد سواره انکلیس که با قشون عثمانی متفقا میجنگیدند و بیم اعلیحضرت امپراطور روس کراندوك میشل کراندوك
نیکلا با قشون تازه که پنچکف رفته آورده بود در آنکرمان با عساکر انکلیس و فرانسه در کمال سختی جنك میکنند
فتح قشون فرانسه و انکلیس و شکست روس طوفان سخت در دریا و بیم غرق شدن سفاین جنگی فرانسه و انکلیس دولت
پروس هم باطنا با دول فرانسه و انکلیس و اطریش که بر ضد روس اند موافقت میکند کشتیهای جنگی انکلیس قلعه
سخت بمبارسوندراکه متعلق بروس در جزیره آلاند در دریای بالتیك واقع است باکمال سختی باکلوله توپ و نار بجك
ویران میسازد استحکامات سواستپل بواسطه تعلل شاتوبریان مهندس روس بقدری سخت است که حملهای پی در پی
عساکر فرانسه و انکلیس رد شده بسفاید میکردد انعقاد مجلس کونفرانس در وین دولت پروس میخواهد داخل این مجلس شود
اما دولت اطریش قبول نکرده میگوید چون عساکر خود را بر ضد روس با ما حاضر نکردی حق ورود در این مجلس ندارد
دولت ساردین سی هزار نفر از عساکر خود را بجنك روس و بکمك عساکر فرانسه و انکلیس میفرستد فوت مرحوم
امپراطور نیکلا که در ماه حون اتفاقا افتاده بهیچوجه وضع جنك را تغییر نمیدهد عمر پاشا سردار عثمانی از طرف
دولت خود بکمك عساکر متحده وارد سواستپل میکردد در کونفرانس وین دولت اطریش را مقصود انعقاد مقدمات
صلح مابین دولتین روس و عثمانی بود بواسطه عدم قبول دولت روس که در قرادنکز سفاین جنگی نداشته باشد
کونفرانس وین مثمر ثمری نکردید دولت اطریش یکصد هزار قشون ذخیره که حاضر کرده بود مرخص میکند وضع
خود را در انتظار طور دیگر جلوه میدهد که در مسئله شرقیه نمیخواهد مداخله بکند ژنرال پلیسیر سپهسالار کل
عساکر فرانسه وارد سواستپل میکردد چند سفینه جنگی فرانسه و انکلیس بدریای آزوف و رود میکنند قشونی

نمایان از آنها معروف میشود در اوایل تابستان کار محاصره سواستاپل را نهایت کرده تا طیکه در تصرف عساکر دول متحده است جنگی نزدیک قلعه و بجهه بورش مساعد است و در اکثر ان سپهسالار انگلیس ممرض و باکه شده داد فوت میشود در سواستاپل فتح قلعه معروف نمالاکوف بواسطه عساکر فرانسه بسرداری ژنرال بوسکه و ژنرال ماکماهون کرده الوا فتح سواستاپل از همان شد در اوایل پائیز ژنرال کورچاکف سردار روس بعضی از سفاین جنگی خود را بواسطه اینکه مبادا بتصرف دشمن در آید غرق میسازد ژنرال پلیسیر سردار فرانسه بمنصب مارشالی میرسد قلعه جات و سنگرها و استحکاماتی که در سواستاپل بود تماماً معدوم و باز مین مساوی گشت در کامشاتکا یکی از قلعه جات روس را سفاین جنگی انگلیس و فرانسه خراب میکنند و تا دهنه دردانل مورد تاخت و تاز میشوند در ممالک فنلاند متعلق بروس قلعه را بضرب نار بتصرف میکردند امپراطور جدید روس اعلیحضرت الکساندر دوم بر تخت کلاه میآید زمستان بسیار سخت امسال بجهه عساکر دول متحده اسباب کمال زحمت است فوت امپراطور نیکلا در اثنار بط در دریا از مرض و باموراتیف سردار روس قلعه قارص را که عهد سپن انگلیس محکم ساخته اند محاصره نموده مامور بترک عمرا پاشا بطرف باش آچوق فتح قارص در اوایل زمستان بدست سردار روس افتاد دولت سوید و نروژ با دول انگلیس و فرانسه (فرانسه) بجهه مصارف جنگ دولت فرانسه معادل پنجاه کرور تومان پول ایران استقراض میکنند و ملت زیاده از صد کرور تومان خسارت میکشند مالیات دولتی که عاید خزانه شده است سیصد و بیست کرور تومان پول ایران است و مخارج دولت که وکلا معین کرده اند که باید از آنقرار باشد سیصد و دوازده کرور و کسری تومان پول ایران است هشتصد هزار تومان وجه نقد دولت بمصارف مقرره کرد وصیت نامه ناپلیون اول است در جزیره سنت هلن میرساند شدت و باد در پاریس اعلیحضرت ناپلیون وامپراطورین بلند بیازدید پادشاه انگلستان میروند شخص ایطالیائی که در پاریس قصد قتل ناپلیون است بچنگ آمده مقتول میشود پادشاه ساردین با وزیر اعظم خود کونت کاور بپاریس آمده در عمارت طویله ناپلیون آن پاشا را پذیرفته افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی در پاریس که پنجاه امتداد دارد در پاریس کنسرتی بجهه حفظ مجمع البحرین سوئیز مصر تشکیل یافت (هلاند) منع خرید و فروش غلام و کنیز در جزایر سمت هند و ستان که متعلق باین دولت است عهد نامه تجارتی با دولت ژاپن (یونان) دزدی و راه زنی بشدت در این مملکت رونق گرفته که با دولت روس عداوت دارد بپادشاه خود کدوست روسها ست کلمات مستهجن میگویند افریقا (مصر) عباس پاشا والی مصر بجهه مساوات قلب و میلی که بخونریزی داشت و نفر از غلامهای او را خفه میکنند عموی او سعید پاشا که بزرگترین اولاد محمد علی پاشا و در فرنگستان تربیت شده بود در اثنوت بجای او والی مصر میشود امریکا (اتاتونی) کدورت مابین این دولت و اسپانیا بجهه حبس یکی از کشتیهای اتاتونی در هاوان بدست کارگذاران دولت اسپانیا عهد نامه تجارتی با ژاپن دولت اتاتونی درصدد است که میان دول متحابره و روس واسطه شود دولت انگلیس از اهالی اتاتونی دعوت بجهه مامورین بجنگ مشرق زمین مینماید در مجلس شوری گفتگوی سخت بجهه آزاد کردن غلامان میشود در ایالت دیرژینی تب زرد حالت وبائی بهم رسانیده معادل شش کرور لیره (کنیسه) پنبه از اتاتونی بخارج حمل شده (مکزیک) در حوالی ماقامور وسان لوی فشون بدولت یاغی شده شورش مینمایند فرانسه پس جمهور قرار وضع دولت موقتی (پنکی دینای جنوبی) افتتاح راه آهن جدید در برزیل از جزایر کوچک شنکاس که متعلق بمملکت پرو است که چندین هزار سال بود طیور دریائی آنجا سکنی داشته فعلات خود را آنجا ریخته بودند تا آنزمان فرنگیها این اکتشاف را نکرده بودند و تمامی را صفی اینجزایر بچندین قطار از قصور

طیور

طبوبحری است از برای رشوه زمین خیلی مثمر ثمر میباشد در اینسال انکشاف کرده کشتی کشتی بیلاد فرنگ و سایر بلاد
بنکه دنیا بردند افتتاح راه آهن از شاکرالی پاتا ما بعد از پنجسال از شروع هشتاد هزار دنع با هفتاد کرور تومان
پول ایران بخارج شورش شدید رمونت دید و (بنکی دنیای مرکزی) در شهر سان سال واقع کرد برزیل واقع آت
زلزله سختی شده خرابی زیاد وارد آمد

سنه ۱۲۷۲ هجری — سنه ۱۸۵۵ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون شهریاری رداویه بمهام دولتی توجه میفرمایند جعفرقلیخان ایلخانی بحکومت استراباد
و بکئوبجبه ترمه کشمیری مخلع کردید و میرزا اسمعیل خان مباشر مهام خارجه استراباد به پیشکاری استراباد نیز
نایل و مخلع کشت عبدالله خان میرپنجه ولد مرحوم محمد حسنخان سردار از کرمان بدربار معدلتمدار آمده بخلعت الفات
مفتخر کردید چون صید محمد خان ظهیرالدوله حکمران هرات بنای سوءسلوک با اهالی هرات گذاشته اعالی و ادانی
از خود رنجانیده از جمله کربلا دخان هزاره را بهیوجی قبل رسانیده بود اهالی آنولایت هزاره بشهر کشیده و صید
محمد خان را کرفته و در جزو بیشاهزاده محمد یوسف که در خراسان مشغول خدمت بود نامه نوشته او را بحکومت
خواستار شدند مشارالیه نیز بمحض وصول اینخبر فوراً بدون اینکه نواب فرمانفرما حکمران خراسان یادیکری را مطلع
سازد بهرات شتافته و اهالی او را بحکومت خود اختیار کردند رستمخان سلطان بپاورد توپخانه سرافراز کردید مامور
مامور شد خان مشارالیه بعزم تسخیر هرات از جانب حکومت آذربایجان
بحکومت دنق و انزاب مامور شد شب ششم جشن عید مولود همایون بود در تمام ولایات ممالک محروسه کرفشد و روز
عید رداویه سلام عام در حضور همایون منعقد شد میرعلیخان شجاع الملک را باعطای یکقطعه نشان از مرتبه
سیم میرپنجکی سرافراز فرمودند میرزا اسمعیل خان پیشکار استراباد و مباشر مهام خارجه آنولایت بیکقطعه نشان از درجه
اول سرهنکی سرافراز کردید میرزا نصرالله اردبیلی مشهور بصدرالممالک در کرمانشاهان مرحوم شد نصرالله خان خانوی
اعلیحضرت اقدس شهریاری بمنصب نظام العلمائی و خلعت همایون سرافراز کردید میرزا فضل الله وزیر نظام را از خراسان
بدربار همایون احضار و میرزا محمد قوام الدوله را بوزارت خراسان برقرار و مخلع فرمودند آقاخان سرتیپ ایلات
قزوین بمنصب میرپنجکی و خلعت همایون مفتخر کردید میرزا محمد حسین عضدالملک بمنصب متولیباشی کری حضرت رضوی
سلام الله علیه نایل و مخلع کردید عباقلیخان میرپنجه مامور کرمین بکفوج جدید امیر تپه شد فرمان همایون کرسرافرازی
اراضخان و سایر ترکمانان سرخس شرفصدور یافته بود نهایت مایه امیدواری آنها کردیده پنج شش هزار خانوار با صداقت
در خدمت اطاعت دولت علیه میباشند حکیم کلوکه فراشوی وفات یافت حکیم پولاک بجای او بمنصب حکیمباشکری
حضور همایون برقرار و بیلپ قطعه کراماس و یکطاقه شال کشمیری سرافراز شد محمد تقی بیک پیشخدمت بلقب خانی نایل کردید
روز یکشنبه چهاردهم ربیع الاول بندکان اعلیحضرت همایون بامتحان شاکردان مدرسه دارالفنون تشریف فرما
مدرسه مجدد که شده تشویقا بهم بذل انعام و اظهار مرحمت فرمودند یکطاقه شال هفت رنك بقیمت صد و پنجاه
تومان و طاقه دیکر سیصد و آنی بقیمت صد تومان بدستور العمل مرحوم محمد حسنخان سردار در کرمان بافته بودند
بدارالخلافه آورده باشالهای خوب کشمیری که بهمین قیمت است هیچ فرقی ندارد محمود خان کلانتر بسرکشته جلیل رسید
از مرتبه اول سرهنکی و یکثوب جبه ترمه سرافراز شد محمد قلیخان نوری غلام پیشخدمت بحکومت مغنیت جدید برقرار
کردید امیر قاین بازای خدمت دفع تراکمه که باتحدود آمده بودند مخلع و میرعلیخان میرمشارالیه بنشان از مرتبه اول سرهنکی

سرافراز شد غلامحسینخان سپهدار بحکومت کرمان و مضافات و بکتوب جبه ترمه دوزنجیره و بکتوب بمبای ترمه از
ملابر خاصه مفتخر و میرزا محمد مستوفی سرکارات دابوزارت و پیشکاری کرمان و خلعت هایون سرافراز فرمودند سوار او
اوسانلوی خوار ابوالجمع محمد حسینخان پسر فتحعلیخان مستوفی گردید بعبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسران برادر عباس
قلیخان حاکم شاهرود و بسطام را بسرکردگی سواره و پیاده مزبوره مفتخر فرمودند مهردوستمحمدخان سردار کابل بتحریک
همسایگان قشون برسرقندهار کشیده آنجا را متصرف شده واراده تعرض هرات را دارد میرزا عبدالله خان را
بمنصب استیفای خاصه و خلعت هایون سرافراز فرمودند میرزا جانی لشکرنویس مرحوم و میرزا باقر برادرزاده او بمنصب
لشکرنویسی برقرار و مخلع شد شخصی در فهرج نرماشیر ناخوش بود در حالت نزع وصیت کرد که بعد از مردن
شکم مرا بشکافند جانوری در آن هست بعد از فوت او شکم او را شکافتند جانوری بترکیب چلیپاسه که نخمیناسه چهارپار
وزن داشت از شکم او بیرون آمد میرزا فتح الله لشکرنویسباشی در کرمانشاهان مرحوم شد میرزا محمدعلی آبادی وزیر کرمان
بمنصب استیفا سرافراز شد فرخخان صندوقدار وجوه خاصه بکقطعه کلکر مکلل بالماس سرافراز گردید شیخ
ابوتراب امام جمعه شیراز برحمت الهی پیوست بندی از بندهای بلوک کریال فارس که از بناهای عضدالدوله
دیلمی و بمرور و خرابی بمرمانده و چهل پنجاه پارچه هکده بی آب دلمزرع مانده بود نواب مؤیدالدوله حکمران فارس
در کمال استحکام بسشد نواب مزبور بن میرزا فرمانفرمای خراسان در مشهد مقدس داعی حق را لبیک اجابت
گفت و ایالت مملکت خراسان بنواب حسام السلطنه مفوض و بکتوب جزقه ترمه تن پوش مبارک مخلع گردید شمس
الشعراء میرزا محمدعلی مخاطب بسروش بلقب خانی و خلعت هایون مفتخر گردید میرزا محمدخان دبیرمهام خارجه باعطای
بکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرپیچ و حمایل سرخ سرافراز گردید نواب شاهزاده لطف الله میرزا
بحکومت مازندران و بکتوب جبه ترمه دوزنجیره مفتخر گردید حاجی میرزا محسن اجزای سفارت کبری ماموستند بطرزبورغ
بلقب خانی و خلعت هایون سرافراز شد میرزا عباس (جناب قوام الدوله) منشی اول وزارتخارجه باعطای لقب خانی
و بکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات گردید میرزا عبدالرحیم خان اجودان
وزارتخارجه که بنیابت اول سفارت سلامبول مامور شده بود بکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول
باو سرافراز گردید محمدخان میرپنجه بمنصب امیرتومانی و نزال اجودانی خاصه هایون سرافراز شد امان الله خان
از اجزای سفارت کبری در مسکو مرحوم شد امیرزاده ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان بکقطعه نشان از درجه اول
سرهنگی و حمایل و بکتوب جبه ترمه سرافراز گردید ولیخان سرتیپ فوج سیلاخور مرحوم و رستمخان پسر او بمنصب سرهنگی
فوج مزبور نایل گردید عباقلیخان پسیان حاکم شاهرود و بسطام را در عرض راه شاهرود و بسطام اشرار غفلة مقتول
نمودند لهذا چراغعلیخان نایب الحکومه سابق اصفهان بحکومت شاهرود و بسطام مامور شد عمارت جدید بطرح تازه
در جنب عمارت اندرونی سلطنتی دارالخلافه مشتمل بر هشتاد و دو باب اطاق تحتانی و فوقانی در کمال شکوه و حسن الامر
باهتمام و مباشرت حاجب الدوله والد مؤلف ساخته شد میرزا ملکم سرهنگ مهندس انا ماژور و مرجع دولت علیه
باعطای بکقطعه نشان درجه اول سرهنگی و حمایل سفید قرین مباهات آمد بار وط کوبخانه فرزین که سابقا فراهم
بمرسانیده بود حاجی حسنعلیخان پیشکار فرزین آنرا مرمت کرده و بکصد خروار بار وط تاکنون در آن ساخته اند
بعد از رفتن جناب مستر مورده وزیر مختار دولت انگلیس از دارالخلافه بتبریز بعضی سوانح در افغانستان اتفاق افتاده
که ضرر کلی بجهة داخله خراسان دارد و برای دولت علیه لازم شد که از برای حفظ انضباط حکومت قندهار

دهرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان بود ندا پرلان نمه یکار بر تنکه هم دفع آن فتنه ها نشود و هم آن دو ولایت بکلی
حکومت علیحده برقرار بماند قاتلین عبدالقلیخان پسران کرا از اشرار نوکر کوداری بودند دستگیر و سیاست شدند محمد
رضاخان سرتیپ بمنصب اجودان خاصه گی و یکرشته حمایل مرصع و یکقطعه نشان اول سرتیپی سرافراز شد عبدالعلی
خان سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی مفتخر گردید بشغل براتوپیی و عمل کل اصطبل توپخانه مبارکه میرزا محمد علی توپخانه
سرشته دار توپخانه واگذار شد اصطبل توپخانه را باصلان بیک یاور اول توپخانه واگذار نمودند امیر اصلانخان
بحکومت کیلان مفتخر و بیکتوب جبه ترمه دوزنجیره مخلع گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ بنشان و حمایل سرتیپی اول
سرافراز گردید پادشاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران ابنیه فرح آباد را تعمیر کرده در آنجا استحکامات ساخت
از قرار مذکور کارا و رکنجها بسیار پریشانست و برادر خان چنوه را گمنجایی او در او رکنج حاکم شده بود طایفه
چوت ترکمان متشول نموده و بالفعل چوت بجاعتا و رکنجی فایق و عرصه را بآنها تنگ کرده اند از اتفاقات حسنه
امسال توافق عید نوروز و عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین است در دارالخلافه جشن گرفته چراغان و
آتشبازی نمودند و سلام عید بن سعید بن در کمال شرف و شکوه در حضور همایون شهریاری ابدالله عیشه انعقاد
یافت جناب صدر اعظم را باعطای یکقطعه قلمدان مکلل بالماس بسپاس ممتاز کرده علامت بزرگ صدارت ایران بود
شرف اختصاص عنایت فرمودند میرزا حسنعلیخان دریابیگی بندر بوشهر بنشان دوم سرتیپی سرافراز گردید
نواب عمادالدوله حکمران کرمانشهان بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید حکومت ظهاوند را
بمحمد رحیمخان نیشخی باشی (مرحوم امیر نظام) مرحمت و بیکتوب جبه ترمه مخلع فرمودند و سواره خزل را بنزیعبدالله خان
ولد ایشان ابوابجمع داشتند نواب علیقلی میرزا ملقب باعتضاد السلطنه و مخلع بیکتوب قبای مترصع تن پوش گردید
حاجب الدوله والده مؤلف بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد محمد قلیخان پوزباشی پاداش
حذمات بیکطاقه شال کشمیری و بیکتوب جبای پولک دوزسرافراز آمد یحیخان (جناب مشیر الدوله وزیر علیه اعظم) در بسطام
بمنصب مترجمی و زانخادجه برقرار گردید بتنبیه طایفه تکه ترکمان باهتمام جعفرقلیخان امیر حکمران استرابادعبدالله
خان صارم الدوله بمنصب میرپنجگی و یکتوب یکطیجار زملایر خاصه مفتخر شد امیر اصلانخان حاکم کیلان بلقب عمید
الملکی ملقب گردید معادن کلوله دزهای مازندران خوب کار میکنند و اهالی ولایت نیز در کاشتن تنباکو و عمل آوردن
شکر اهتمام مینمایند جانمحمدخان قاجار بحکومت شاهرود و دسطام سرافراز گردید رضاقلیخان ناظم مدرسه دارالفنون کرانا جلد امراد فضلاست حسب الامر همایون تاریخ روضة الصفای ناصری را که احوال بعد از هفت جلد روضة
الصفا تا این عهد همایون است در سه جلد تالیف و تمام ده جلد سابق و لاحق را بطبع رسانیده میرزا ملکم خان سرهنگ
اتاماژور و مترجم مخصوص مامور بسفارت نخامزد دولت علیه روسیه گردید چراغعلیخان از شاهرود دسطام
احضار و بحکومت همسه مامور و بنشان سیم میرپنجگی مفتخر شد خرابی بسیاری از خانه ها در ساوه از سیل
و شدت باران طفلی در دارالخلافه تولد نمود که سه سر داشت و عمر نیافت در یکربنز در خلف او بود آواز سرش هم
مثل آواز جوجه خروس بیست و چهار ساعت زنده بود و بعد فوت شد مرتضی قلیخان ولد محمد اسمعیل خان
نوری (مرحوم و کیل الملک) بمنصب سرهنگی سرافراز گردید روز عید فطر سلام عام در تالار تخت مرمر انعقاد
یافت میرزا محمد صادق قایم مقام بیکلفه انکشتری الماس گرانبها و بیکتوب جبه ترمه زملایر خاصه و نشان و حمایل امیر
تومانی مفتخر و مرخص شد که معاودت بآذربایجان نماید فرخ خان امین الملک و دلار بلقب جلیل امین الملکی و یک

قطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سفتخر گردید میرزا صادق کاشانی بلقب خانی و درجه سیم سرهنگی و منصب پنجاب
اول کار پرداز خانه بمبئی سرافراز گردید در خطاب من اعمال کرمانشهان تکرار یابد که از قرار مذکور هر دانه بقدر
ناریخی کوچک بوده و بعضی مال و مواشی را تلف نموده سلطانعلیخان مظفر الدوله پسر بزرگ حکمران
قندهار از تعرضات و سوء سلوک امیر دوستمحمدخان با اهل و عیال و جمعی دیگر پناه بدولت علیه آورده با مردم
در خراسان ساکن و متوقف شدند قورخانه شیراز با مرنواب مؤید الدوله توسیع و تجدید شد محمود خان
قراگوزلو (جناب ناصر الملک) بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون سرافراز گردید بدانخود ملاکاظم که از جمله فقها و مجتهدین
دار الخلافه بود برحمت حق پیوست نواب ولیعهد شهریار میرزا حکمران دار الخلافه بکتبی و جمعی ترمه محشی و میرزا موسی وزیر
دار الخلافه بعضا مرصع مفتخر گردیدند محض اتحاد و کمال مودت بین دولتین علیتین ایران و فرانسه از جانب
اعلیحضرت ناپلیون امپراطور فرانسه نشان درجه اول (لژیون دنر) مرصع بالماس که اعظم نشانهای آن دولت است
با حمایل و لوازم آن بجهة اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اهدا گردید در روز یازدهم ذیقعده موکب همایون از ییلاق
بنا وران بسمت ماوند و فیروزکوه نشریف فرما شد جناب نظام الملک بشرابه مکلل بالماس مابین امیر توپانی و امیر
توپانی که مختص درجه شخص دوم است مفتخر گردید جناب امین الملک فرخ خان بسمت ایلچی کبیری از دربار همایون
با نامه مهر علامه مامور دربار دولت فرانسه شده و نیز مفرر شد بعضی مکنونات خاطر همایون را شفاها در اسلامبول
بعضو اعلیحضرت سلطان بتبلیغ نماید ذوالفقارخان حاکم قم و ساوه بمنصب سیفاسرافراز گردید مهرعلیخان
شجاع الملک بکفطعه نشان اول میرپنجگی مفتخر شد عیسی خان بیکلربیکی قاجار بحکومت ملایر و تویسرکان نایل
کشت عمارت شمالی قاپوی اصفهان را حسب الامر نواب حشمة الدوله حکمران اصفهان تعمیر کردند عبدالحسینخان برادر
مؤلف که از شاگردهای پیاده نظام دار الفنون بود بمنصب سرهنگی خارج از فوج و یکصد تومان اضافه مواجب
سرافراز گردید بجناب سیف الملک سفیر کبیر دولت علیه از پطرزبورغ با نشریفات کامله مراجعت کردند ظهور با اجزای سفارت
روشنی برقی مانند در اصفهان در هوای صاف و بعد از سه روز تزلزل و صاعقه سبب ارعظیم و صدای مهیبی در
آسمان میرزا محمد زمان بمنصب امارت دیوانخانه و خلعت همایون سرافراز مثل جعفرقلیخان ایلخانی بیاداش حکمران استرآباد
شکست فاحش بترا که تکه و دفع شر آنها بکفبضه شمشیر مرصع مفتخر گردید محمدشاه خان سیسی و نادرشاه خان
پسرش قلعه محکم سبب را در بلوچستان حصن حصین شمرده دم از خودسری میزدند سپهدار حکمران کرمان اما معلی
خان سرتیپ افواج کرمانی را با فشون کرمانی بمحاصره قلعه فرستاد بجلادت قلعه را تسخیر و محمدشاه خان با نادر
شاه خان و اتباع آنها دستگیر گردیدند پاشاخان پیشخدمت بلقب امین حضره ملقب گردید میرزا محمدتقی مستوفی
متخلص بسپهر که علاوه بر سایر خدمات دیوانی نگارنده کتاب ناسخ التواریخ و صاحب تالیفات دیگر است ملقب
بلسان الملک گردید جناب صدر اعظم را باعطای جبه شمسه یاقوت و عصای مرصع مباهی فرمودند موکب
همایون روز دوشنبه سلخ ذیحجة الحرام از ییلاق آنجه و لواسان نشریف فرمای بنا وران گردید (چین)
زلزله شدید در پوچیلک عمارت سلطنتی و اغلب در پنجفرسخی پای تخت یکی از اولاد خاقان کرد در آنجا متوطن
بود زیرا در رفته تلف میشود امروز پا (اسپانیول) شورش در اغلب از نقاط مملکت علی الخصوص در
مادرید پای تخت انتشار کلمات مستهجنه نسبت بمادر ملکه ضبط املاک مادر ملکه و بعد از چندی رد کردن
برون شورش در مالاگا (المان) تولد دختر اعلیحضرت امپراطور اطریش در بهار مسافرت اعلیحضرت ایران

امپراطور و امپراطریس بایطالیا در ایالت بادن عروسی بزادر والی که بواسطه عدم لیاقت برادر بزرگ ولایت باو
تعلق گرفته است با شاهزاده خانم لویز دختر پادشاه پروس که الحال امپراطور المان است (انگلیس) خبر مصالحه
روس و عثمانی با تمام مملکت انگلیس باکمال میل و رغبت پذیرفتند دوک دکامبریج از مستوپان پادشاه انگلستان
که در جنگ سواستاپل حضور داشته بمنصب سپهسالاری کل عساکر انگلیس برقرار شد مسافرت شاهزاده
فرد دریک پرنس هنری (همین شاهزاده حالا ولیعهد است) با انگلیس بخواستگاری دختر بزرگ پادشاه انگلستان
در همین روزها پادشاه ملکه اسپانیا دولتا انگلیس از سلطنت خلع نموده آنجا را متصرف شده ژنرال اطرم
بحکومت آنجا مامور گردید جمعیت ایالت هشت کرور است اعلان جنگ با دولتا بران در اول نوامبر پائیز
و این مطابق است با اوایل سنه هزار و دویست و هفتاد و سه و شرح آن بیاید لونکستن مسافر و سیاح انگلیس
بعد از سیاحت کامل در داخله افریقا صحیح و سالم بخانه برمورپس معاودت میکند (ایطالیا) سارد بن شش
کرور تومان دولت جبهه بخار جمی که در جنگ سواستاپل نموده است استقراض میخواهد کنت کاوور وزیر اعظم
دولت در مجلس کنگره پارلمنت ایالتی دولت خود بعضی امتیازات مطلبد و میگیرد (توضیح آنکه مقصود از کنگره که از زبان
لاتین اقتباس شده بمعنی انعقاد مجلس شوری است جهة در امورات معظمه است اجزای چنین مجلسی باید شخص سلاطین یا سفرای
کبار ایشان که اقوال و اعمالشان همان اثر اقوال و اعمال سلاطین را داشته باشد) ایجاد اکسپوزیسیون یعنی مخصمی در
جمعی قصد قتل پادشاه ایطالیا نموده ریس این اشخاص که یکی از اهالی سیسیل بود بدست آلده مقتول شد
(پرنس نپال) شوهر دختر دلیزبن پای تخت بجهة کرانی نان افتتاح راه آهن از لیزبن بکارکاد طرف
سرحد اسپانیا (روس) فوت پسکویچ معروف در ورشو در زمستان حکومت پرنس کرچاکف در لهستان بجای
پسکویچ مرحوم کرد کنت ارلف بمنصب صدارت برقرار میشود کنت منسل داز وزارت بحریه استعفا نموده پرنس
الکساندر چاکف بجای او منصوب میشود جشن تاج گذاری اعلیحضرت امپراطور در مسکو در ماه عقرب قرار داد
راه آهن کمپانی معتبر که در چهار نقطه مملکت بنیان راه آهن نمایند اول از ورشو به پطرد دوم از مسکو به نیژنی نوگرد
سیم از مسکو بکاناچهارم از کورسک بسمت مسکو رلاند (سوئد و نروج) افتتاح راه آهن از نژی به ارب در
آزادی عدم هیجان در این مملکت (سوئیس) کشکوی سخت ما بین ایالت جمهوری سوئیس با دولت پروس هفت جنگ
طرفین دولت و وزرای برلک و اطریش ما بین جنگ نیستند (عثمانی) انتشار فرمان اعلیحضرت سلطان که
مشتمل بر بیست و یک فصل است در آزادی و رفاهیت عیسویان بتبعه خود مسلمانهای تبعه عثمانی از این فرمان
کمال نارضائی را دارند و در سمت آسیا خاک عثمانی از پنج زیاد عیسویها از مسلمانان می بینند اهالی ملدای
و والاشی (مقصود افلاق بغدان است) طالبند که یک ایالت شوند در مصر راه آهن از اسکندریه بقاهره
افتتاح میباید مهندسین که بجهة حفر بحر بحیره بحر سوئیز مصر آمده بودند باینطوره قرار دادند که از بندر
سوئیز و اقعه در ساحل بحر سفید الی پلوزیکه در ساحل بحر احمر است خطر مستقیم بدون اعوجاج حفر نمایند در
جزیره قبرس ذلزله سخت روی نمود (مسئله شرقیه) دولت انگلیس مشغول ندارک زیاد است که از دریا به بندد
گورچاکف و روس حمله بر دستور ای عسکریه دول متعاهده در عمارت طوبلری با حضور اعلیحضرت امپراطور ناپلیون
سیم در هفده جنک با دولت روس بر قرار شد پس از دو سال جنگ روس در میان عساکر دول متعاهده دولتا طریش که ابرام زیاد
در مصالحه دارد دولت روس را بر این داشت که مقدمات شروط مصالحه را قبول کنند انعقاد مجلس کنگره در

پاریس و صورت اجزای مجلس از انفراد بود کنت والفسکی وزیر امور خارجه فرانسه که ریاست مجلس هم بر او قرار گرفت
از طرف دولت طریش کنت بوتول و باروون هوبنر از طرف دولت انکلیس لرد کاولی از طرف دولت روس
باروون برونف کنتارلوف از طرف دولت ساردین وایطالیا کنت کاوور از طرف دولت عثمانی عالی پاشا مامور
دولت پروس بعد از چندی قبول شد با بتدا حضور نداشت انعقاد مصالحه مابین دول متعاهده و عثمانی از یکطرف
و دولت روس از طرف دیگر در اواسط بهار دولت عثمانی از این ببعد در تحت حمایت دول معظمه فرنک خواهد بود
قرار نکیر بجهه تجارت جمیع دول آزاد خواهد بود و کشتی جنگی هیچ دولتی در آنجا وارد نخواهد شد در تابستان قشون
متعاهده سواستاپل را تخلیه کرده بتصرف کارکنان دولت روس دادند و از آنطرف عساکر روس قارص را بتصرف
عثمانی عزت عالی پاشا و نصیب شید پاشا دول انکلیس و فرانسه پادشاه ناپل را تهدید براین میکنند که آزادی بریعا را
خوندهد سفاین جنگی ایندو دولت بزودی وبناپل خواهند بود دولت روس در این تهدید متالم شد (فرانسه)
افتتاح مجلس پارلمنت که در بهار واقع شد و نطق اعلیحضرت امپراطور ناپلیون که امید بصلح میدهد سبب خوشحالی
عامه گردید با وجود این نطق صلح آمیز یکصد و چهل هزار قشون علاوه بر معمول حاضر رکاب بشدند تولد پسری از امپراطریس
فرانسه در بهار سرور آورد اینکه بمنصب صارشانی برقرار شدند ژنرال کان رئیس بوسکه راندن که این آخری حاکم الجزایر بود
انعقاد مصالحه مابین دولت روس و عثمانی باطلاع و وساطت دول متعاهده در اواسط بهار گذشته رلف سفیر
کبیر روس با اعلیحضرت امپراطور ناپلیون رسما جلوس اعلیحضرت الکساندر و یم را بتخت سلطنت روس اظهار میدارد
اتحاد و مراوده دوستی مابین دولت روس و فرانسه سفارت گذشته را در مملکت روس بجهه تهنیت جلوس
اعلیحضرت الکساندر دوم امپراطور روس نمود و پنجهزار نفر از قشون فرانسه در این جنگ سواستاپل چهار از زخم
و چهار از امراض مختلفه هلاک گردیدند دولت فرانسه معادل بیست کرور تومان پول ایران با شخاصی وعده میدهد
که اراضی یا تلافی که در مملکت فرانسه است قابل زراعت نیست آنها را خشک کنند و قابل از برای هر نوع زراعت
نمایند و هر کس در اینفقره اختراعی کرده باشد که بآسانی بتواند این قبیل اراضی را خشک نماید علاوه حقی هم داده
خواهد شد کتابچه خرج و دخل دولت که در مجلس خوانده شد دخل تقریبا سیصد و سی و نه کرور تومان پول
ایران و خرج دولت تقریبا سیصد و چهل کرور طغیان در دخانه های رن و لوار در اوایل ابستان و خرابی زیاد
ایالاتیکه در سواحل انهرودخانه ها واقع شده اعلیحضرت امپراطور ناپلیون بشخصه بسرکشی این ایالات میرود سفر
اعلیحضرت امپراطور بدریای شمال نیابت سلطنت در غیبت امپراطور ناپلیون با امپراطریس وجه ابشانست قشون
فرانسه کلیه از خاک عثمانی مهاجرت کرده وارد اوطان خود میشوند قریب بصد هزار نفر قشون فرانسه در سواستاپل
و سایر نقاط خاک عثمانی در این جنگ با روس حاضر بودند مارشال پلیسیه قلعه مالاکف سواستاپل را فتح کرد
بلقب دوک دمالاکف برقرار و ده هزار تومان همه ساله مواجب خواهد داشت در الجزایر زلزله سخت علی الخصوص
در شهر فلیپ ویل (روتمان) کوشش دولت برای دفع راه زنان و اشرار **افریقا** فوت سلطان مسقط سعید نام
که پنجاه سال تمام سلطنت کرده بود در زنکبار این شخص مملکت عمان را در عربستان از دست تغلب طوایف
وهابیه انتزاع داد و بادول انکلیس و فرانسه و اتاتوئی بنکی در بنا معاهدات تجارتی **بست امریکا** (اتاتوئی)
مجادله شدید در مجلس مابین وکلائیکه مایل بآزادی غلامها بودند و آنهائیکه نبودند انتخاب بوکانان نام بریاست
جمهوری که طالب عدم آزادی غلامان میباشند که در بعضی ایالات اتاتوئی بطور وحوش و چهارپایان با آنها

رفتار پیشود و بزنم از پا نرود و زجر سرجانه آنها را بکار دارند و بر جمعیت و امیدوار بوده و بوجه ملوک آنها را مایوس نسازند
برقرار کردید (برزیل) تعداد نفوس آن کرور و دویست و هفتاد و هفت هزار و هشتصد نفر رسیده

سنه ۱۲۷۳ هجری سنه ۱۸۵۶ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال حاجی قوام الملک بپاداش نظم بندر بوشهر بگیطعه نشان تمثال همایون مفتخر گردید
نواب مؤید الدوله حکمران فارس بقاع متبرکه و اماکن مشرفه فارس را مرمت نمود میرزا رفیع وکیل نواب احتشام الدوله
بمنصب سیفا نایل گردید جناب سیف الملک سفیر کبیر ما موسنت پطرزبورغ وارد دار الخلافه شد محمد خان ولد
مرحوم محمد حسنخان سردار بمنصب جلیل میرپنجگی و یکهزار و پانصد تومان مواجب سرافراز آمد و یوسفخان سرتیپ
حاکم یزد ولد دیگر مرحوم مشار الیه نیز هشتصد تومان مواجب و ابنا ابوالفتح خان و عبد الحسین خان ولدان
مرحوم سردار هر یکی بهفتصد و پنجاه تومان مواجب نایل گردیدند سردار سلطانعلیخان مظفر الدوله پسر مرحوم
سردار کهند لخان با عیال از قندهار بعزم خدمتگذاری بارض اقدس آمده محمد اکرم خان دئیس آجکزائی را برکاب
مبارک فرستاده مشار الیه بخلعت همایون نایل و خلعتی هم برای مظفر الدوله و سایر دیش سفیدان آجکزائی مرحمت
و مقرر شد اخراجات آنها را نیز دارض اقدس بدهند و مشغول خدمتگذاری باشند میرزا عنایت الله امین لشکر بلب
قطعه نشان اول میرپنجگی و حمایل مفتخر گردید سید سعید خان امام مسقط که ببندر عباس آمده مشغول عنایت
اولیای دولت قاهره شده و پس از معاودت ببندر مسقط بشکرانه و مباهات بنمراحم امنای دولت علیه عبد کرشه
و تقدیم بعضی خدمات نمود جناب سیف الملک بگیطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید شکر الله خان
نوری بجای معصوم خان برادرش که فوت شد بمنصب پوزباشکری غلامان سرافراز شد شب عید مولود مسعود
همایون در دار الخلافه باهره و تمام ولایات خشکرفتند همه ساله فتح هرات نفاقا فتاد بدین شرح که بعد از
خلع شدن سید محمد خان ظهیر الدوله و نصب شاهزاده محمد یوسف بحکومت و امارت هرات امیر دوست محمد خان امیر کابل بهوای
فتح هرات افتاد شاهزاده محمد یوسف بدولت علیه استغاثت جست نواب حسام السلطنه مشوقی از خراسان با سام
خان ایلخانی بامداد او فرستادند اما افاغنه هرات با غوای امیر دوست محمد خان امیر کابل در صدد مخالفت و منع سام
خان ایلخانی از ورود بهرات برآمدند از اینجا معلوم اولیای دولت علیه شد که امر هرات با غوای دوست محمد خان
امیر کابل قرین بی نظمی و اختلال و شاهزاده محمد یوسف که مطیع و تابع این دولت قوی شوکت بود نیز جهلاً بر سر
خود سرهای هذا بصلاح اولیای دولت قاهره نواب حسام السلطنه فرمانفرمای خراسان عزیمت تسخیر و تصرف
هرات را تصمیم و لشکریان صوب کشیده پس از چندی محاصره شاهزاده محمد یوسف دستگیر و سرتیپ عیسی خان
نیز که پس از شاهزاده محمد یوسف با غوای امیر دوست محمد خان هوای حکومت هرات داشت مطیع و منقاد و شهر
هرات با جمیع ولایات و نقاط تابعه قهراً مفتوح و مسخر سپاه منصور شد و در چهارم ربیع الاول مژده این فتح بزرگ
بدار الخلافه باهره رسید و نظر ببذل اینصا بجناب صدر اعظم که در کار این جنگ کرده بودند یکشو بکانیه سمور با برو
رضائی چهل بند بسیاعلی که بندهای آن مرصع بجواهر ثمینه بود از ملابس خاص همایون بجناب معظم مرحمت فرمودند
بکفیضه عصای مرصع بنواب حاجی محمد ولیمیرزا عطا شد و جمعی دیگر از عواطف و انعامات ملوکانه بهره یاب گشتند
میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویس نظام بیکشو بجبه ترمه کشمیری و یکقطعه نشان اول سرتیپی با حمایل آن
سرافراز گردید میرزا عباسخان منشی اول وزارت امور خارجه نیز بخلعت همایون مفتخر گشت و برای نواب حسام

السلطنه

حسام السلطنه والی خراسان یکقطعه کلکر مرصع بجواهر کرانبها و دشنه با نیام زرین و مبلغی زر بافت و چهار هزار تومان انعام مبذول داشتند و میرزا محمد تقوام الدوله وزیر خراسان و سامخان ایلخانی خراسان را بخلاع قیمتی مفتخر فرمودند و سامخان ملقب بشجاع الدوله گشت و هزار و سیصد و پنجاه قطعه نشان طلا و نقره بنایر و رها و سلطانهای افواج و سربازانی که رشادتی نموده بودند مرحمت شد و امیر حسینخان برادر سامخان ایلخانی و حسینخان پوزباشی را که بحضرت دارالخلافه آمده بودند رسوم و مواجب مضاعف گردید و حسینخان پوزباشی بمنصب سرتیپی مفتخر گردید خوانین و سرداران و فضلا و قضاة هرات نیز بخلعتها و نشانها سربلند شدند و هفتاد هزار تومان وجه نقد بجهة مخارج و انعام و مساعده مردم هرات و سپاه ماموره بهرات نفاذ شد نیز از وقایع ملالت انگیز این سال که در چهار ماه صفر اتفاق افتاد این بود که مرغ روح شاهنشاهزاده معظم و لیعهد دولت ابد مهد علیه معین الدین میرزا شاخصا جان پرواز نمود جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه یکقطعه نشان تمثال بمثال همایون مکلل بالماس قرین مفاخرت گردید حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه نیز بخلعت همایون سرافراز شد نواب حشمة الدوله حکمران اصفهان یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردیدند جناب مشیر الدوله (اجودان) بمنصب صدارت عظمی نایل گردید میرزا داود خان ولد جناب صدر اعظم بمنصب وزارت لشکر و خلعت همایون مفتخر گشت چون تمثال مبارک حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام که در عصر آنحضرت از روی چهره آن بزرگوار ساخته اند از خزاین ملوک سلف بخزینه این دولت جاوید بدعدت انتقال یافته بر حسب امر همایون میرزا ابو الحسنخان نقاشباشی که در این صنعت وحید اعصار است از روی آن تمثالی عدیم المثال ساخته بجواهر آبدار ترصیع کردند و نظر بحسن عقیدت و خلوص توسل شاهانه آن تمثال مبارک را از پیکر خسروانی فرو آویخته همه را بنیسال نظر بکدورتی که فیما بین دولتین ایران و انگلیس حاصل شده در اوایل ماه ربیع الثانی گشتیهای جنگی انگلیس بخلیج فارس و نزدیکی بندر بوشهر آمد و چند کاهی قبل از ورود جهازهای جنگی مذکور سفیر و کارکنان آن دولت از خاک ایران بیرون رفتند و علم دولت خود را خوابانیدند و میرزا محمد خان قاجار کشتکچی باشی باستعداد موجبه ماموریت بوشهر شد و عساکر دولتین مشغول محاربه گردیدند چندی نگذشت که رفع منازعه شد و جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران در پاریس بخواهش اعلیحضرت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه با دولت انگلیس عهد مصالحه جدیده بست جناب غفران مآب شارژ دافر دولت فرانسه وارد دارالخلافه گردید حاجی میرزا احمد خان مصالحتگزار دولت علیه مقیم اسلامبول بمنصب وزیر مختاری دربار دولت عثمانی برقرار گردید بندر نمور را در عراق میرزا حسنخان حاکم عراق بست آقا رضا خان نایب دوم اجودانباشی بنیابت اول اجودانباشی نایل آمد حاجی عبد الله کاشانه امام مسقط با پیشکش و هدایای لایقه بدربار همایون آمد شیخی بن محمد خان حاکم مکران وفات یافته شیخ عبد الله خان پسر شرا بجای او حکومت دادند کلنل شدلاک سفیر دولت آسترید از جانب اعلیحضرت امپراطور دولت آسترید با هدایای نفیسه بدارالخلافه باهره آمد بشاپسندی پذیرفته شد میرزا شفیع وزیر پیشین بمنصب استیفا و خلعت همایون مفتخر گردید بمرتضی قلیخان سرحددار انزلی بمرض فالج مبتلا شده برادرش علیه جعفر قلیخان بسرحدداری انزلی برقرار گردید بمیرزا اسمعیل خان ممتاز آقاسی شیلات گیلان وفات یافته محمود خان پسر او بمباشری شیلات مفتخر شد آزاد خان خارانی نوکر این دولت جاوید بشوکت بجیره تمام زنجیره و یکقبضه شمشیر تمام اسباب طلا سرافراز گردید بمیرزا ابو الحسنخان نقاشباشی خفاری یک جبه ترنک نقاشی طلا که در وسط آن کل الماس کرانبهای نشان است مرحمت فرمودند

میرزا

میرزا محمد رضا متولیباشی حضرت معصومه سلام الله علیها مرحوم و جناب میرزا سید حسین والد ماجد حاجی پدر منصور
میرزا محمد صادق قایم مقام از آذربایجان احضار و میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا در آذربایجان بود مجددا مامور
بملکت گردید نواب محسن میرزا امیر آخور بخلعت همایون سرافراز گردید جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران
شب دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاولی با ابلاغ سفارت کبری و هدایای لایقه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
بجهه اعلیحضرت ناپلیون سیم وارد پاریس شده در کمال شان و شایستگی پذیرفته شد شب شنبه بیست و چهارم
رجب چهل و دو دقیقه از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بمحل تحویل کرده سلام خاص تحویل و سلام عام
عید در پیشگاه همایون شرفانعقاد یافت میرزا اصلانخان عمید الملک بمکفطعه نشان نمثال همایون مکلل حکمران کیلان
بالماس سرافراز شد جناب کنیاز باراتنسکی که تازه از جانب اعلیحضرت امپراطور روس بجانشینی مملکت قفقاز منصوب
گردیده ژنرال کنیاز ملیکوف رایدبار دولت علیه روانه نمود که ماموریت خود را اظهار دارد و مشارالیه
بشایستگی در دارالخلافه پذیرفته شد مهرعلیخان شجاع الملک بنشان امیر تومانی و حمایل آن و یکقبضه شمشیر
مرصع مفتخر گردید محمد قلیخان ایلخانی فارس بنشان از مرتبه سیم میر پنجگی و خلعت همایون سرافراز شد علیخان
سرتیپ فراکوزلو بنشان از مرتبه سیم میر پنجگی نواب غفران مآب والده حضرت شهریار مبرور ماضی (محمد شاه) نا الی آخره
نامالله بر بخانه روز پنجشنبه بیست و پنجم شوال المکرم با ابتهال بغرفات جنان اشتغال نمود نواب کن الدوله
مرزبان آذربایجان سرافراز و نواب والا محمد نبی میرزا بحکمرانی دارالخلافه برقرار گردیدند نواب والا عبد الصمد
میرزا حکمران قزوین شدند جناب مستر موره وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت انگلیس با شرایط اعزاز روز بیست
و یکم ذیقعده با اجرای سفارت خود بدارالخلافه آمد احمدخان نوائی حاکم بندر بوشهر بلقب دریابیگی بحکمرانی فارس
و نشان و حمایل درجه اول سرتیپی سرافراز شد محمدخان امیر تومان بمکفبضه شمشیر مرصع و اسباب طلا و هزار
تومان انعام نایل گردید بحکم سخت مؤکد دارالخلافه که رعیتپناه دولت هستند شد جناب
حیدر افندی سفیر دولت عثمانی که مراجعت بدربار عثمانی میکرد بمکفطعه نشان نمثال همایون از درجه
دوم مکلل بالماس بمعزی الیه مرحمت شد و جناب توفیق افندی بجای مشارالیه مقیم گردید مستشار الملک
خراسان بپانصد تومان اضافه مواجب و استصوابی بعلاوه استیفای خراسان و سررشته داری کل خراسان سرافراز شد جناب مسیو لاغوفسکی شارژ دافر دولت روس را بمکفطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول
و حمایل آن اختصاص دادند فرستادگان ولایات و سرداران کابل و قندهار و غیره باعزاز اجازت آمر خدمت
نواب حسام السلطنه آمدند عسکرخان سرتیپ ارومی مرحوم و یوسفخان برادرش بجای او بمنصب سرتیپی رسید
نرسیانخان نایب جودا باشی حامل عهدنامه مصالحه دولتین ایران و انگلیس بدرجه سرتیپی رسید کنیاز ملیکوف
بمکفطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول و کنسا پرصاحبمنصبان روسی که همراه معزی الیه بودند هریک
علی قدر مراتبهم نشان مرحمت شد و مراجعت کردند میرزا عباسخان فشاول و زارنا و خارجه بمنصب نایب
وزارنا و خارجه سرافراز گردید دروضه مطهره حضرت معصومه سلام الله علیها و منازل و پلهای راه قم همه
مرمت شد اللهوردیخان باوردیخانه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید آقا محمد حسن مهردار بمکفطعه نشان
خورشید مبارک مکلل بالماس مفتخر گردید محمد ابراهیمخان سرتیپ افواج ثلاثه اصفهان بلقب سهام الملکی و خلعت
همایون مفتخر شد خسروخان والی پنجدنی عجم مرحوم شد میرزا حسن برادر میرزا حسین سررشته دار قورخانه

مبارکه

مبارکه بمنصب صبه داری باشیکری سرافراز شد سردار علیخان سیستانی بمضاعرت نواب بهرام میرزا (معزالدوله) مباشی گردید
همدراین سال بر آباد شهر دارالخلافه خیلی افزوده شد (چین) کشتیهای جنگی اینولت باوجود عدم استحکام بعد از
استقامت در مقابل سفاین جنگی انگلیس وحسارت کلی بآنها رسانیدن بالاخره شکست یافته جزیره هونان را
در محاذی کانتن ماموتین فرانسه و انگلیس متصرف شدند و بشهر کانتن حملات پی در پی برده بعضی از سنگرهای
خارج شهر را متصرف شدند ارروپا (اسپانیا) شورش سختی در مالاکا بدست آوردن جمعی از مشورشیان در بادن
پای تخت دراپالت و بیلباو اضاشورش عزل فاروائز و نصب امیرال ارمرتو لندپیری از ملکه بوسو بالفنس دودخانه صدراعظم
ابریاد دولت در صدد است که بعرض و عمقش بیفزاید تا کشتیهای بزرگ بآسانی در آنجا سیر نمایند جمعیت
تمام اسپانیا در این سال بدوکرور و سیصد و چهل هزار نفر میباشد (المان) ایجاد قانون بخاری بجهت تمام
ممالک المان هنگام سفر اعلیحضرت امپراطور اطریش بممالک ایطالیای متصرفی خود ژنرال رادتسکی سردار پیر که فی الواقع
فتوحات اینها بالات بدست او شده بود از منصب حکمرانی استعفا نمود و حکومت ایالات مذکوره منتقل
بماکسیمیلین برادر امپراطور میگردد در مملکت پروس طایفه یهود را منع میکنند که قانون دولت تحصیل ننمایند افتتاح
راه آهن از میلان بورونیز اعلیحضرت پادشاه پروس کرسبشت ناخوش انداخیتار سلطنت را موقتا سرماهه برادر
کهتر خود کرستاد و سال کوچکتر است و ولیعهد میباشد و اکنار میکنند و این سه ماه چندین مرتبه تجدید بانت (انگلیس)
عزل وکلای ملت بواسطه اختلاف کربارجال دولت داشتند تعیین وکلای جدید که اغلب بالرد پالمرستن صدراعظم
خیالشان مطابق است فرمانا علیحضرت پادشاه انگلستان در مجلس فرائت شد که پرنس آلبرت شوهر این پادشاه
بعد از این مخاطب پرنس شوهر خواهد بود کشتی و سایر جنابامین الملک فرخ خان ولرد کولی سفرای
کبار دولتین ایران و انگلیس در پاریس شورش عسکر انگلیس در بنکاله بواسطه خالت دولت در طریقه ملی و مذهبی
آنها این شورش باغلب نقاط هندوستان سرایت نموده قتل و غارت زیاد بعد و حساب نسبت باهالی انگلیس میشود
در دهلی یا عنها یکی از اولاد سلاطین کورکانیه خود شان را بپادشاهی برمیدارند افواج انگلیس را در کلکته براق
چینی میکنند قشون مملکت انگلیس عود و گولیو بدولت انگلیس میشوند در ناحیه گاون پر علی الخصوص من نه صاحب
رئیس آنها کال و حشیکری را نسبت باهالی انگلیس مینمایند جنگ سخت با آنها در حوالی اگره در میگیرد طایفه سیک
از طوایف هند نسبت بانگلیسها نمیشوند شهر دهلی بعد از زحمت زیاد و خونریزی بسیار مفتوح گردیده و در این
جنگ جملی از قشون انگلیس تلف شد پادشاه دهلی که نود سال عمر بود در حین فرار دستگیر شده دو پسرش اسیر و مقتول
گردیده و اغلب شاهزاده های خانواده سلطنت را در دهلی هلاک ساختند بتصرف دولت انگلیس جزیره پرین را در دریا
احمر مابین عدن و مخا موافق عهدنامه که با دولت مارک بسته شده اند دولت حق دارد بعد از این در بنادر داخله
مملکت انگلیس قونسول دوانه کند کشتیهای جنگی انگلیس در این سال هشتاد و چهار فروند بوده است (ایطالیا)
قشون اطریش بعد از هشت سال توقف در ایالت پادم بیرون رفتند در شهر لمبورد مردم بنای شورش
دارند محرک جمیع شورشیان مازینی است صاحب منصب پاپ بفلورانس شروع بکندن دالانی از عرض کوه منسنیس
بجهت راه آهن از خاک فرانسه بایطالیا در افتتاح اینکار بزرگ پادشاه ساردین وکتور امانوئل و پرنس ناپلیون
برادر زاده امپراطور فرانسه حضور داشتند (پرتوغال) پادشاه پدرو پنجم شخصا در افتتاح مجلس بارلمنت میکنند در
لیزبن بای تخت حمای زرد و حصبه رابثبت رسیده جمعیت بادی را میکشند (بلژیک) عروسی دختر پادشاه

شاهزاده

شاهزاده خانم شارلت با برادر امپراطور اطریش ماکسیمیلین (دانمارک) طایفه اسکاندیناوکه بیشتر اهالی سوئد
و نروج و دانمارک از این طایفه هستند میل باتحاد دولت ثلاثه تحت سلطنت یک پادشاه دارند و پادشاه سوئد را
بجهة اینکار انتخاب نمودند و هشت پادشاه دانمارک از اینفقره و نوشتجات رسمی بدربار دولت فرنک فرستادن و
اظهار وحشت نمودن اجزای مجلس شورای ایالت اسلشوبک وضع قانون ایالت خود را بسبک المان طالبند و مقتضا
دردادن مالیات بدولت دانمارک میمانند بهمزدن حاکم اسلشوبک بحکم پادشاه دانمارک مجلس شورای این ایالت را
مطالبه مالیات از رعیت بزور دولت اطریش و پروس از این عمل ناراضی اند دولت روس با پادشاه دانمارک مساعد
خاطر است (روس) امپراطور روس رضا بآزاد کردن رعایای روس است که نسبت بنجبا و ملاکین و ارباب
خود حالت عبودیت داشتند برادر اعلیحضرت امپراطور روس قسطنطین که سمت امارت بحری دارد به بنادر
نظامی دولت فرنک بسیاحت رفت علی الخصوص در تولن و شربورک بنادر جنگی و نظامی فرانسه ملاقات شاهزاده
معزی الیه با اعلیحضرت پادشاه انکلستان عهدنامه تجارتی باژ این عرضی کراندوک میشل برادر کهتر اعلیحضرت
امپراطور با شاهزاده خانم سیسیل دختر والی بادن افتتاح راه آهن از پطربورشو (سوئد) پادشاه اینمملکت بواسطه
مؤمزاج قدرت بسلطنت نداشت پسر خود را کارولیعهد بود بنیابت سلطنت مقرر داشت (سوئس) جنگ با
پروس بواسطه میانجیگری فرانسه مبدل بصلح شد پادشاه پروس از داعیه سلطنت شهر نفشاتل که متعلق
بسوئیس است دست کشیده حتی تخواهی را که از سوئیس مطالبه مینمود از آن تنخواهم صرف نظر نمود عهدنامه را بمقتضا
طرفین و بامضای جمیع دول فرنک در پاریس منعقد گردید (عثمانی) در مصر تغییر وضع وصول مالیات سفر والی
مصر بسمت سوئدان تعیین مخارج معتبر برای تشخص والی و والی باین راضی نشد که یکدسته از علمای انکلیس و فرانسه و المان
که بجهة انکشاف سرچشمه نیل بمصر آمده بودند خلاف خود را در اجرای اینعمل باتمام رسانند در توپس قتل یکنفر
فرنگی که بدین اسلام بی احترامی کرده بود والی قدیم ملداوی شکایت کرد در اینوقت در پاریس بود خود را میکشد
عیسویان باهر زکوین و بشنی و آلیانی که از طرف مسلمانها با آنها صدمه میرسد مشورتند (بقیه مسئله شرقیه)
الحاق بایالت ملداوی بولگراد را و اگذاشتن بدولت عثمانی جزیره ماران را و اختیار مصب دوانوب را
بقرار نکنند بدولت عثمانی تخلیه قشون اطریش ایالات افلاق بغدان را موافق عهدنامه که موسوم بعهدنامه
پاریس است حدود روس و عثمانی در سمت آسیا پایین عرعر خواهد بود سفیر بلژیک مقیم در دربار عثمانی متهم
باین شد که اهالی افلاق بغدان را محرک شده که پسر کهتر پادشاه بلژیک را بسلطنت خود اختیار نمایند عزل
رشید پاشای صدر اعظم صدارت عالی پاشا قطع مراوده ایلچیهای فرانسه انکلیس و اطریش و روس با وزارت
خارجه عثمانی بطوریکه دولت انکلیس و اطریش عهدنامه مخفی میبندند مسافرت ناپلیون امپراطور فرانسه
با انکلیس و ملاقات او با پادشاه انکلستان در قصر اوزبرن بخدیو مراوده سفرای مذکور بقاصله چهارده روز
با وزارت خارجه عثمانی ملاقات ناپلیون و امپراطور روس در استنگاز در پای تخت مملکت دوبنبرگ در عمارت
سلطنتی پادشاه آنجا و ملاقات امپراطور روس و اطریش در رومنار (فرانسه) قتل کشیش بزرگ پاریس
سیبور نام بدست یکی از کشیشها در حجره پشت درز در هنگام عبادت در کلیسا سن اینین ایجاد قانون جدید
نظامی صدهزار نفر قشون ذخیره فرانسه هنگام صلح حاضر خواهد بود هر سه و پنجفر از رعایای فرانسه حق
فرستادن یک وکیل بپارلمان دارند در لندن مانیفی نام ایطالیائی محرک جمعی است که ناپلیون امپراطور

فرانسه را

فرانسه را تقبل رسانند دولت فرانسه مابین دول پروس و سویس میانجی شده پس ناپلیون بسمت میانجیگری بر
پای تخت پروس میرود آمدن برادر امپراطور روس قسطنطین و پادشاه باویر بپاریس و ژنرال کاویناک فجأة
ماموریت بیست و پنجهزار قشون بسرداری ماکاهون بجنب طوایف صحرانشین قبیله امتداد سیم تلگراف بحری از
مارسیل بالجزایر جمعیت الجزایر اینصد و شصت و هفتهزار و ششصد و هفتاد نفر قلمداد شده است در جزیره فرنچ کنوپ
مالک اسکر فرانسه‌ها را از پای تخت آنجزیره اخراج میکنند عهدنامه تجارتی و دوستی با دولت سیام حال ساختن
راهی از دریای مانش مابین فرانسه و انگلیس فوت شاعر معروف الفرد موسی تعداد نفوس جمعیت فرانسه هفتاد
و دو کرور و سی و نه هزار و سیصد و شصت و چهار نفر رسیده امریکا (اتانوتی) خط و غلای سخت در ایالات
مشیگان در شهر نیورک منازعه سخت و خونریزی مابین قشون دولت و احتساب شهری کی پول تجدید بانک نیورک
و بستن از دادن پول بیرات دار مضایقه نمودند (مکزیک) شورش سخت در این ایالات علی الخصوص در واکروس
(سنکی دینای جونی) شدت مرض تب زرد در منتز و بدو

سنه ۱۲۷۴ هجری — سنه ۱۸۵۷ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال کافی السابق کلیته توجه خاطر خطیر همایون بانتظام باموی کشور و لشکر و اشاعه عدالت
میرزا محمد بخشی گری مهام خارجه استراباد و باعطای یکقطعه نشان از درجه دوم سرهنگی سرافراز شد علیقلیخان
بمنصب یکلربیکی تبریز مفتخر گردید قلعه خرم آباد و باغ علی آباد دوباره آباد شد حسنخان سرکرده سواره قراپاپاق
بیکقطعه نشان اول سرهنگی و حمایل آن سرافراز گردید حرم مطهر حضرت رضوی علیه السلام را آیینه کاری کردند
یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس از درجه اول برای جناب کپتان الکساندر بارانک جانشین ملکم قفقاز
اهدا و انفاذ شد در شب ششم شهر صفر المظفر جشن مولود همایونی در همه جا بشاشکی گرفته شد حاجی جابرخان
حاکم محمره بمنصب میرپنجگی و پانصد تومان اضافه مواجب و خلعت همایون سرافراز گردید راه خابان مازندران
حسب الامر تعمیر نمودند میرزا فضل الله وزیر نظام پیشکار آذربایجان بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید
غلامحسینخان سپهدار حکمران کرمان نیز بیکقطعه نشان تمثال بهمثال مفتخر شد علیقلیخان میرپنجه بمنصب
احیوا باشیگری کل عساکر نظام برقرار آمد محمد اسمعیل خان چاپارچی باشی ملقب بشیر الدوله شد میرزا اسدالله
پسر میرزا صادق لشکرنویس بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد در اوایل عشر دوم ربیع الاول نواب مستطاب
شاهنشاهزاده اجداعظم امیر محمد قاسمخان را ولایت عهد ابند ولتابد مهد عنایت فرمودند میرزا حسنخان
حاکم عراق بیکقطعه نشان اول میرپنجگی با حمایل آن مفتخر گردید بیکقطعه نشان اول سرپنجه با حمایل بنواب
محمد رحیم میرزا حاکم خوی و سلماس مرحمت فرمودند آقا محمد حسن مهردار در بیست و یکم ربیع الثانی مرحوم و منصب
او بآقا عبدالله دخدار باشی پسر ش مرحمت و دخدار باشیگری بآقا ابراهیم برادرزاده آنمرحوم اعطا شد
حسینقلیخان سرهنگ فوج عجم مرحوم و محمد علیخان ولدارشد آنمرحوم بسرهنگی فوج مزبور سرافراز شد میرزا
علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قایم مقام بمنصب استیفا مفتخر گردید ریاست کل مدرسه مبارکه دارالفنون را در
ماه جمادی الاولی بنواب اعتضاد السلطنه واگذار و نواب معظم الیه با خلعت همایون سرافراز فرمودند علیخان سرتیپ
افواج قراگوزلو بمنصب میرپنجگی و خلعت همایون مفتخر گردید جعفرقلیخان ایلخانی بیکلربیکی استراباد بیکقبضه شمشیر
مکلل بالماس سرافراز شد بیکقطعه نشان تمثال همایون با فتخار رسید تومنی امام مسقط اعطا و ارسال مسقط گردید

جناب مسیو بنشون وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه مامور باقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه شد
و مسیو فتو شارژ دافر فرانسه کرمرخص و روانه بود بیکقطعه نشان از درجه اول خارجه با حمایل سبز و یکطاقه
شال رضائی نایل گردید بدجیه خانه اصفهان در صنعت نفنگ سازی خیلی ترقی کرده میرزا عبدالوهاب خان شیرازی
(جناب نصیر الدوله) بنیابت وزارت ماموریخارجه خلعت همایونی نایل گردید میرزا سید ضیی سررشته دار کرمان
بنیابت کل کمرک خانهای ممالک محروسه برقرار گردید رکن الدین میرزا امیر توپخانه در ماه رجب مرحوم شد
در این اوقات حسب الاشاره علیه حکمی نظامی جناب صدر اعظم بجهة تعیین بعضی حدود و قوانین برای اهل نظام ترقیم
نموده صدور آن موشح بدستخط جهان مطاع همایون گردید نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مفسدین کانان
سرخس و مرو را تنبیه نمودند

شب یکشنبه پنجم شهر شعبان شش ساعت و سه دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده
مراسم جشن عید از سلام و غیره باکمال شکوه بعمل آمد شب پانزدهم شعبان که مولود مسعود حضرت صاحب الامر
عجل الله تعالی فرجه میباشد بامر همایون مفرد و مرصع شد پانزده روز اعید و جشن و ولیمه بگیرند محمد رضا بیک
پسر حاجی محمد رضا بیک باور توپخانه بمنصب سرهنگی توپخانه سرافراز گردید عیسی خان والی بحکمرانی اصفهان
مامور شد نواب بضرة الدوله را بحکمرانی عراق مفتخر فرمودند میرزا ذوالفقار خان حاکم قم بیکقطعه نشان اول
میرپنجگی با حمایل آن سرافراز گردید و میرزا ابوالقاسم خان ولد مغفرالیه بانشاد یوان اعلی برقرار شد نواب عماد
الدوله حکمران کرمانشهان باعطای یکقطعه کلکر مکلل بالماس مفتخر گردید بعمل چاپارخانه های ممالک محروسه بحسینقلیخان
سرتیپ محول گردید نمونه از تلگرافات عمارت سلطنتی شهر الی باغ لاله زار و میرافت مسیو کریشش معلم توپخانه ایجاد شد
و معلم مشارالیه بیکرشته حمایل سفید سرهنگی و خلعت همایون مفتخر گردید حسینقلیخان بختیاری بیکثوب جبه
ترمه و یکقبضه شمشیر مرصع غلاف طلا مباهی شد حسینقلیخان معتمر الممالک وفات نمود و منصب خزانه داری و معتمر
الممالکی را بدیوسعلیخان ولد آنمرحوم مرحمت فرمودند امیرزاده علیقلی میرزای سرتیپ حاکم سنقر و کلیائی بیکقطعه
نشان اول سرتیپی و بیکرشته حمایل آن سرافراز شد جناب نظام الملک بوزارت و پیشکاری شاهنشاهزاده
اعظم امیرقاسمخان ولیعهد دولت علیه مفتخر گردید آقا عبدالله ولد مرحوم آقا محمد حسن صندوقدار احسب الامر
باسم بدرنامیدند اشرار تراکمه سرخس که دم از خودسری میزدند نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با عساکر
نصرت مآثر آنها را تنبیه و تهدید نموده بر سر اطاعت آوردند نواب رکن الدوله اردشیر میرزا حکمران آذربایجان
بیکقطعه نشان اول امیر تومانی با حمایل آن و یکهزار تومان اضافه مواجب سرافراز شد میرزا فضل الله
وزیر نظام وزیر آذربایجان نیز بیکقطعه نشان اول امیر تومانی و حمایل آن و یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع
مفتخر گردید میرزا مصطفی قلی مشنوچی و پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان اول سرتیپی و حمایل مزین
و خلعت همایون نایل گردید صنف خباز آذربایجان از مالیات معاف فرمودند میرزا فضل الله نایب ایشیک
آقاسی باشی بمنصب بیکلربیکی تبریز و لقب خانی و خلعت همایون مفتخر گشت میرزا نصیر کدخدا باشی سابق تبریز
بمنصب مستوفی گری آذربایجان برقرار شد مسیو کریشش معلم و سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی نایل گردید
میرزا محمد علی مباشر امور خارجه کیلان بیکقطعه نشان دویم سرهنگی و خلعت همایون سرافراز شد
روز هیجدهم ذیقعدة الحرام طایر روح شاهنشاهزاده اعظم امیرقاسمخان ولیعهد دولت علیه پرواز بخلد

برین نمود و در زاویه مقدسه حضرت امامزاده عبد العظیم علیه السلام بقعه مخصوص بنا کرده مدفون نمودند جناب
فرخ خان امین الملک ایلچی کبیر دولت علیه مامور بافامت در آستانه مبول شد بک راس اسب عربی خاصه با یراق مکلل
بجواهر بجناب صدر اعظم مرحمت فرمودند حاجی حسینخان بروجردی بنیابت اول ایشیک آقاسی باشی سرافراز شد
(چین) حاکم ایالت کانتن به نام وسپهسالار چین از طایفه تاتار بدست عساکر انکلیس محبوس گردید حاکم مزبور که
بکلکته بحبس فرستاده میشود معترف باین است که در این چهار سال که از طرف دولت چین مامور بحکومت ایالت
شصت هزار نفر آدم از پا و غیرها را بقتل رسانیده است مامورین فرانسه و انکلیس با میدانیکه بلکه بتوانند با دربار پکن گفتگو
نمایند تا کیانک سو مبرو ند گفتگوی بی فایده در مصالحه بعد از امید از مصالحه عساکر فرانسه و انکلیس در خلیج پیت
شلی وارد میشوند در این خلیج رودخانه پیهو که یکشعبه اش از میان شهر پکن پای تخت میگذرد چینیها در ساحل این
خلیج و دهنه این رودخانه قلعه جات خیلی سخت محکم دارند بعضی از قلعه جات آنها را که صد و سی و هشت توپ پاره
داشتند عساکر متفقه گرفتند دهنه رودخانه بدست آمده بالا رفته شهر تین سین را هم متصرف شدند مامورین روس
در این مقدمه عهدنامه دوستی با دولت چین منعقد کرده جمیع بنادر چین را از برای سفاین روس باز و آزاد دانسته
در سمت شمال تقریبا پانصد میل مسافت از سرحد سیبر ضمیمه مملکت روس شده بعد عهدنامه مزبور تین سین
با فرانسه و انکلیس بستند سفرای انکلیس و فرانسه در پکن و سفرای چین در لندن و پاریس موقوف خواهند بود و
کرور تومان پول ایران خسارت دولت چین بدولت انکلیس خواهد داد و سر کرده فرانسه مسافرین و سیاحان
فرنگ چین آزاد خواهند بود که در جمیع ممالک چین گردش کنند مذهب عیسوی در تمام ممالک چین محترم خواهد
بود تجارت تریاک حق فرنگیها خواهد بود (ژاپن) عهدنامه تجارتی با اتاوئی و انکلیس و روس و فرانسه امضا و با
(اسپانیول) اختلاف آرا مابین دولتین پادشاه انکلستان با کمال سختی با دولت اسپانیا در خرید و فروش سیاهان
گفتگو دارد افتتاح راه آهن از مادرید ببرآی کانت (المان) فوت مارشال زادیشکی قرض دولت طرفین را این
سال معادل هزار و دویست کرور تومان پول ایران است تولد پسری از امپراطور اطریش در میلان ایطالیا منصرف
دولت اطریش اهالی بنای شورش گذاشته آشکارا سلطنت و یکرا مانول پادشاه ساردین را طالبند پسر پادشاه پرتوس
دختر بزرگ پادشاه انکلیس را بازدواج خود درآورد افتتاح راه آهن از کپنهاگ شهر پروس الی سرحد روس پرنس
کبتوم برادر پادشاه پروس مستقلا بدون تردید بدون بتعیین وقت بنیابت سلطنت بواسطه مزاج پادشاه
که برادر بزرگست برقرار میشود (انکلیس) عزل وزراء و بک و نصب وزرای طایفه توری بریاست لرد دربی پادشاه
کورکانی دهلی را حبسا بجزیره آندمان میفرستند حکومت و فرمانفرمائی هندوستان که تا آنزمان متصرف کمپانی
بوده تنها باختیار دولت لرد پالمرستن در آورد اخر صدارت ولرد دربی در اوایل صدارت در ظرف اینسال تکلیف بدولت
میکنند که اینوضع کمپانی را موقوف داشته هندوستان را بکی از ایالات معتبره معظمه انکلیس تصور نمایند و بک وزیری
بسمت وزارت هندوستان در دسته وزرا مقرر شود سپاه کامل با مداد راجه نپال با پنجاه هزار فشون شهر لکهنوی
هندوستان را متصرف در آورد بیست و پنجهزار نفر از پا و غیرها بسمت بارس فرار کردند بجهة فتوحات نمایان
کامل سپهسالاری هند و لقب لرد کلیدی از طرف دولت انکلیس باو داده میشود لرد استنلی کانت که از طرف کمپانی
حکومت هند داشت بسمت فرمانفرمائی و نیابت سلطنت در هندوستان برقرار شده در جزیره نوول کالدونی متعلق
بانکلیس معادن طلای خیلی با مکنت منکشف شد مجلس لرد ها بعد از هفت سال گفتگو بالاخره قبول کردند که از طایفه

بهود در مجلس پارلمنت بسمت وکالت رعیت حضور بهم رسانند رجال معروف بهود در مجلس قبول شد و بنام
از اهالی المان ایجاد روزنامه نکرانی عمومی نمود (ایطالیا) گاریبالدی صدراعظم سابق بر این است که با پدر با فرانسه
اتحادی داشت (پرتوغال) ازدواج پادشاه با یکی از شاهزاده
خانمهای پروس (بلژیک) دولت در صدد ساختن قلعه محکمی در بندر آنورس برآمد (روس) انعقاد مجلس بحکم اعلیحضرت
امپراطور بجهة آزاد نمودن رعایا در مملکت روس آنچه بعداً آمده صد و نه هزار رعایا بابت این عدد هزار و چهار صد
نفر از هزار و ده هزار در نظر دارند که این رعایا بمنزله مملوک هستند و خرید و فروش میشوند و فی الواقع اعلیحضرت
امپراطور روس جمعیتی که مشتمل بر چهل و یک کرور و دویست و پنجاه هزار نفر بود آزاد کرد که در حقیقت رعایای مملوک بحکم
امپراطور آزاد شدند (سوئد) بواسطه پانفین سخنی مشتمل عده از پای تخت منسوخ شد (سوئس) افتتاح راه آهن از
ژانو به تورن (عثمانی) خیال اتحاد با لتین والاشو و ملداوی (اقلاق بغدان) در تحت یک حکومت چون از برای
اقتدار روس در این نواحی بیشتر مفید بود دولت عثمانی قبول ننمود با بنواسطه باز مابین روس و عثمانی نزدیک تبرک
مراوده شد لهذا مجلس شورای مجدد در پاریس از نمایندگان دول مجتمعه تشکیل یافت بعضی قرارها دادند در عمل اتحاد
اقلاق بغدان و قراداغ عثمانی و بعضی جاها که اشاره شد سپرده شد سفارت انگلیس در دربار عثمانی بجای
لرد ریکلیف برقرار شد فوت رشید پاشا فجاءة شورش سخت در بالکان هرزگوین و منتنگرو در بیسنی فتوحات عمر
پاشا با اعراب بدوی در حوالی بغداد باریدن باران سخت در شامات و خرابی ساختمان در جزیره کاندی بجهة زیادی
مالیات اهالی شوریدند مسلمانها عیسوی زیادی در این جزیره بقتل رسانیدند در بندر جده فرنگی زیاد بقتل رسید
من جمله قونسولهای انگلیس و فرانسه بودند کشتیهای جنگی دولتین فرانسه و انگلیس بضرب گلوله نار بخلق خرابی زیادی
بجده وارد می آورند دولت عثمانی جمعی را بجهة تحقیق این فقره مامور بجده نموده ده نفر از مقصرین که محرک مردم بودند
در این قضیه بدست آورده میکشند ایجاد مجلس وکلای ملت در بلگراد و سروستان و وکلای ملت این بالا تعزل
قرار ادرش را طالبند که از طرف دولت عثمانی والی بوده و نصیب نوبچ و لیعهد مصر احمد پاشا پسر ابراهیم پاشا
در بیل عزلی شده هلاک میشود در تونس ایجاد یک بانک ایجاد اول راه آهن در خاک عثمانی از ازمیر به آیدین (فرانسه)
جمعی از اهالی ایطالیا که رئیس آنها ارسینی نام بود قصد قتل ناپلیون امپراطور فرانسه کردند و شبی در مدخل
تماشاخانه بزرگ سه نارنجک بسمت امپراطور انداخته شد صد و پنجاه و شش نفر مجروح و هشت نفر مقتول و
با امپراطور نیز زخمی وارد آمد موافق فرمان امپراطور ناپلیون در زمان غیبت اعلیحضرت ایشان از فرانسه نایب
سلطنت با امپراطریس خواهد بود ژنرال شانگارنیه و ژنرال بدکر از خاک فرانسه اخراج شده بودند اجازه
یافتند که وارد شوند سفارت کبرای دولت دما لاکف با انگلیس برای ده بیست شهر پاریس در ظرف ده سال نفر دست
سرو شش کرور تومان ایران خرج شود که از این مبلغ ده کرور دولت کمک خواهد کرد ما بقی را اهل شهر فوت مادر
کنند پاریس نوه لوی فلیپ پادشاه فرانسه ولیعهد بود در انگلیس وفات الجزایر و تمام ممالکی که دولت فرانسه در
خارج از مملکت فرانسه مالک است سپرده ناپلیون عموزاده امپراطور مقرر شد حکومت ژنرال ماکماهون بر الجزایر مملکت
سیام قبول قونسولی فرانسه را ننمود جزئی کدورتی با دولت پرتوغال تر صنیه خواستن دولت پرتوغال و عفو دولت فرانسه
بجهة حضرت ملک البحرین سویز کمپانی اسمعیل در پاریس افتتاح استمزاج کرد آمدن پادشاه انگلستان بشربرغ بر سند
فرانسه و ملاقات نمودن با امپراطور فرانسه فوت ژاشلباذی که معروف (یونان) ایجاد موزه در آتن پای تخت این

دولت بر و زلزله در آنجا خراب شهر کریت بواسطه زلزله جزیره کرفو را انگلیس مایل بتصرف است لکن اهالی جزیره زیاد تر میل دارند که جزو یونان باشند **افریقا** در شمال و ماغر امید چندین سال قبل از ملل مختلفه فرنگ علی الخصوص هلاندیها در سواحل و خانه نزاندوال سکنی کرفتند و بیست و دو سال بود دولت انگلیس لا ینقطع با آنها در منازعه بود بلکه آنها جزء رعایای خود کند افریقا دارد نمایند ممکن نشد تا در اینسال دولت انگلیس این جمهوری مختص را شناخت جمهوری نزاندوال بسهف نام هلاندی با انتخاب عام اهالی نزاندوال مدت هفت سال ریاست یافت **امریکا** (اناتولی) اختراع وضع تلگراف جدید بتوسط دکتر مرس از اهل اناتولی که باسم همان شخص این تلگراف الحال موسوم است دولت انگلیس چهل هزار تومان انعام وحق السعی باینشخص میدهد (بنکی دنیای جنوب) شورش بنحوی در جمهوری پرو و دفع آن (برزیل) ابتدای راه آهن جدید موسوم براه دن پدرو (بنکی دنیای شمالی) بعد از دو مرتبه تلاش بهبوده در مرتبه ثالث مابین والان شهر ایلندا انگلیس و سنت ژان شهر بنکی دنیائی امتداد سیم تلگراف بحری شد اول مخابره تلگراف هفتاد و پنج آپریل مابین رئیس جمهوری اناتولی و پادشاه انگلستان بود و فتکه در ساعت شهر والان تا دو ساعت و چهل و پنج دقیقه از ظهر گذشته بود و در شهر سنت ژان انگلیس ظهر و اختلاف دقیق با نیمه را اما بزودی این سیم بحری پاره و قطع مراوده مابین اروپ و بنکی دنیا کردید

سنه ۱۲۷۵ هجری **سنه ۱۸۵۸ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال خبر مآل ذات اقدس همایون بنفس نفیس مبارک غور و تعمق در کلیه امور دولتی و ملکی میفرمایند ریاست دفترخانه و وزارت امور خارجه را بمیرزا محمد از اجزای وزارت خارجه داده و با عطای نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنکی با جایل آن مفتخر کردید متعلمین مدرسه دارالفنون ترقی کلی کرده اند جناب مسیو ایخلوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت روس مامور بافامت دربار دولت علیه وارد دارالخلافه شدند برای رسمی از معزی الیه بعمل آمد میرزا زکی معلم و باورتو نخانه بمنصب سرهنکی تو نخانه مفتخر کردید بلبسیم شهر محرم الحرام بموجب دستخط مبارک جناب صدر اعظم از صدارت عظمی و نظام الملک و وزیر لشکر از مناصب خود شان معزول شدند و بعد از عزل صدر اعظم شش وزارت خانه در دربار دولت علیه ترتیب و تشکیل یافت اول وزارت داخله دوم وزارت خارجه سیم وزارت جنگ چهارم وزارت مالیه پنجم وزارت عدلیه ششم وزارت وظایف و اسکا وزراء القاب هریک از ابنفرار است جناب میرزا محمد صادق قایم مقام بلقب امین الدوله وزارت داخله سرافراز شد وزارت خارجه کماکان بعهده جناب مؤمن الملک میرزا سعید خانست جناب میرزا محمد خان کشیکچی باشی بلقب جلیل بیهسالاری وزارت جنگ مفتخر کردید وزارت مالیه بر عهده کفایت جناب اجل آقا میرزا یوسف مستوفی الممالک مفوض آمد جناب عباقلیخان والی جوانشیر ملقب بمعتمد الدوله شده وزارت عدلیه بعهده ایشان محول کشت وزارت وظایف و اوقاف بتعلق میرزا فضل الله بصیر الملک یافت و میرزا عنایت الله امین لشکر کماکان مشغول ضبط و ربط دفتر لشکر خواهد بود در امور مهمه قرار بشوری افتاد و امضای کلیه امور خاص بنفس نفیس همایون کردید و بدون استیذان و اجازه از جانب سنی الجوانب حکمی نفاذ نمییابد حاجی محمد خان پیشخدمت خاصه بجای والد مؤلف منصب فراشباشیکری و لقب حاجب الدوله یافت منصب ریاست مجلس شوری را میرزا جعفر خان مشیر الدوله مرحمت فرمودند میرزا یادگار برادر زاده میرزا جانی بلشکر نویسی فارس مامور شد حساب یزد و برجرد بر عهده میرزا رفیع مستوفی محول کردید یحیی خان (جناب مشیر الدوله) بمنصب جوادان مخصوص و مترجمی حضور

باهر النور وخلعت همایون سرافراز کردید بجشن مولود همایونی در ششم صفر بمبارکی گرفته شد همدرا بسال ارتفاع
قلعه ماوند را گرفته شد ومعلوم شد از سطح دلهران پنجهزار و پانصد و نود ذرع واز سطح دریا ششهزار و ششصد و سیزده
ذرع است حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی از ابستگان خود بدربار همایون آمده بعد از تخصص انصراف بحامل میرزا یحیی
وخلعت همایون نایل و همراهانش نیز بمناصب و خلاع همایونی سرافراز شدند سفیری بسمت شارژدافری دولت بلجیک
بدارالخلافه باهره آمد میرزا ابراهیمخان بمنصب سرتیپی اول و حامل و نشان آن سرافراز شد میرزا حسن للهباشی بمنصب
وپیش سفیدی در بحر مخانه وخلعت همایون سرافراز شد مصطفی قلیخان حاکم سبزوار بخلعت همایون و یکقبضه شمشیر مرصع
غلاف طلا نایل گردید یکثوب عبای ترمه جبهه جناب شیخ عبدالحسین مجتهد ارسال عتبات شد از جناب حاجی سید جواد امام
جمعه کرمان نیز یکقبضه عصای مرصع ارسال گردید جانمحمدخان سرهنگ فوج خلج ساوه بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد
حسینخان نظام الدوله بمنصب امیرتومانی منصوب شد جناب فرنخ خان امین الملک سفارت کبری و ماموریت خود را
بپایان رسانده در ماه ربیع الاول وارد دارالخلافه و شرف حضور همایون شده یکقطعه کل کرمرصع ممتاز و یکثوب
جبه ترمه کشمیر و حاشیه دار از ملابس خاصه مخلع و سرافراز گردید میرزا شفیع شیرازی بمنصب استیفا سرافراز شد دیوانخانها
عدلیه در نظام ولایات برقرار فرمودند یحیی خان امجودان مخصوص و مترجم حضور همایون یکرشته حامل سفید از مرتبه
سرهنگی سرافراز شد میرزا سلیم خان سرهنگ نامزد که بمنصب مستشاری در سفارت جناب امین الملک باو یاماموریت
مشد بمنصب سرتیپی و نشان و حامل مخصوص این دربته مفتخر گردید نواب شاهزاده بهرام میرزا بلقب معزالدوله مفتخر
و بصاحب اختیاری مملکت آذربایجان و یکقطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه امیرتومانی با حامل آن سرافراز فرمودند
وعزیزخان سرتیپ کل را بنشان و حامل و خطابات یکدسته سابقا داشت مجددا برقرار و ریاست کلیه و نظم امور مملکت و قشون
آذربایجان را بعهده معزی الیه موکول فرمودند میرزا ابوالقاسم مستوفی بلقب معین الملکی ملقب گردید میرزا عباسخان
نایب وزارت خارجه بمنصب نیابت اول و لقب معاون وزارت امور خارجه و خلعت همایون سرافراز و ماموریت کارگذاری
بالاستقلال امور خارجه آذربایجان شد عیسیخان والی اگماکه اصفهان با عطای لقب اعتمادالدوله کی سرافراز گردید
ومحمودخان میرپنجه بلقب نبیل ناصرالملکی مفتخر گشت و انتظام مهام سواره نظام ملتزم رکاب معزی الیه تفویض شد
نواب حشمة الدوله را بحکمرانی خراسان و یکثوب عبای مقصل دوزنظامی تن پوش مبارک و یکرشته حامل سبز و آبی که
مخصوص منصب سرداری است سرافراز فرمودند میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان یکرشته حامل سبز و فرمان
مرتبه امیرتومانی نایل گردید میرزا جعفرخان مشیرالدوله را یکقبضه عصای مرصع قرین اعزاز فرمودند فوج خلخال
را بسید الحسینخان برادر مؤلف مرحمت فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان بحکومت مفتخر آمد هنگام
مراجعت جناب امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران بعضی هدایا و تحف لایقه از جانب ناپلیون امپراطور فرانسه و دول
متحده امریکا و ساردین و بلجیک برای حضور باهر النور مبارک اهدا نموده بودند که در این اوان عز وصول
یافت یحیی و لیخان قاجار بیکلربیکی سابق استراباد بمنصب سرداری قشون خراسان مفتخر گردید میرزا احمدخان
پسر مرحوم میرزا تقیخان امیرکبیر بمنصب سرتیپی سرافراز شد جناب فرنخ خان امین الملک بوزارت حضور و مهر
داری حضور مبارک و دبیر سفیدی و ریاست عمله خلوت برقرار گردید میرزا علیخان ولد میرزا مصطفی خان افشار
بمنصب سرهنگی سرافراز شد نظر بموالات و اتحاد دولتین ایران و روس اعلیحضرت امپراطور روس یکقبضه
شمشیر مرصع برای اعلیحضرت همایون اهدا نمودند میرزا هدایت الله پسر نصیر الملک بمنصب استیفای وظایف

ممالک محروسه برقرار کردید حاجی میرزا عبدالله خان والد مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان بمنصب استیفای دیوان اعلی سرافراز شدند بجاده وامتداد سیم تلگراف از دارالخلافه باهره الی عمارت سلطانیه واز آنجا تا تبریز بمباشرت نواب اعتضاد السلطنه چهل و دو نفر از جوانان قابل ایران برپاست عبدالرسولخان نواده مرحوم صدر اصفهانی انتخاب شدند که در مدارس علمیه پاریس مشغول تحصیل فنون مختلفه شوند حسنعلی خان سرتیپ نزال اجودان حضور همایون بمنصب وزیر مختاری و ایلچیگری مخصوص دولت علیه ایران مامور باقامت دربار دولتین انگلیس و فرانسه گردید بخلعت همایونی سرافراز شد و حاجی محسنخان سرهنگ بنیابت اول و میرزا صادقخان بنیابت دوم و نظر آقا اول سفارت مزبوره برقرار گردیدند شاگردان نیز سپرده بجناب حسنعلیخان وزیر مختار هستند میرزا عبدالرحیم بمنصب کاردردازی اول دولت علیه منصوب و باقامت نقلیس مامور گردیده باعطای یکقطعه نشان سرتیپی و حمایل مرصع همایون سرافراز شد و میرزا عبدالوهابخان بمنصب بنیابت اول کاردرداز خانه نقلیس برقرار گردید نصرالله خان سرتیپ یکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی سرافراز شد حکومت کرمانرا بنواب کیومرث میرزا و وزارت کرمانرا بمجدالاسمعیل خان مرحوم فرمودند جناب میرزا حسینخان (سپهسالار اعظم مرحوم) بمنصب وزیر مختاری و اقامت اسلامبول و خلعت همایون سرافراز گردید و اجرای این سفارت را بقرار است

(میرزا یحیی خان سرتیپ مشاور سفارت) (میرزا اسمعیل خان پسر جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه نایب اول) (میرزا حسن نایب دوم) (میرزا زمان خان بمنصب قنسول ژنرالی مامور باقامت مصر) (میرزا مهدی مامور بکاردردازی دولت الروم) (میرزا حسین بمنصب کاردردازی مامور باقامت طرابزن) (حاجی میرهادی الدین بمنصب کاردردازی شام)

یحیی خان پسر جناب حسنعلیخان وزیر مختار در سرهنگی فوج اول کردوس سرافراز شد نواب عمادالدوله یکقطعه نشان امپراتوری و حمایل مرصع سرافراز گردید بقوام الدوله وزیر خراسان نیز یکقطعه نشان امپراتوری مفتخر گردید بدالله وزیر بجای سرهنگ توپخانه بمنصب سرتیپی سیم توپخانه برقرار شد حسنعلی خان سرتیپ نشان یکقطعه نشان دوم سرتیپی و حمایل آن نایل گشت محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم یکقطعه نشان اول سرهنگی و حمایل سفید مباهی شد علیمرادخان پسر اسدالله خان سرتیپ فوج گوران چون ایشان وقات اشرار آن سامان پدرش را غفلة بقتل رسانیدند و قاتلین او را گرفته خود او بمنصب سرهنگی فوج مزبور برقرار شد شاهزاده احمد میرزا بحکومت کلیایگان و خواسار رفت حاجی صمدخان قاجار بوزارت قزوین منصوب گردید کاظمخان سرهنگ فوج ناصریه بمنصب سرتیپی سرافراز گشته راه حاجی علیقلی قراچه داغ راهم بمعزی الیه واگذار فرموده مقرر شد بپناه سوار رشید خوب هم از ایلات قراچه داغ بگیرد و با بوابجمع او باشد روز دوشنبه شانزدهم شعبان قلیلی از طلوع آفتاب گذشته مهر جهانتاب بدرجه حوت بحمل تحویل نمود سلام خاص تحویل در کلاه فرنگی و سلام عام نوروزی در تالار تخت مرصع ایوان واقع شد نواب والا نصرة الدوله را بحکومت دارالخلافه سرافراز فرمودند چون موکب همایون عازم سلطانیه است در ایام غیبت ارد و معلی بپاست شئون متوقف دارالخلافه و قورخانه و جبه خانه را بجناب ناصر الملک تفویض فرمودند میرزا آذربایجان را بمیرزا عبدالرحیم میرزان آقاسی واگذار فرمودند روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان نواب اشرف والا شاهنشاهزاده انجم کامران میرزا را نایب السلطنه امپراتوری و پرنس (نایب) بنیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سربلند فرمودند حکمرانی فارس را بنواب حسام السلطنه تفویض داشتند روز دوشنبه نهم شعبان موکب مسعود همایون از مقر خلافت عظمی بعزم زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و تشریف فرمائی بسلطانیه اشتهاض فرموده با فشابا در محل نزول اردوی معلی گردید جمعه چهاردهم رمضان افریدون

مخیم اردوی همایون شد حاجی میرزا محمد خان کبیر مهام خارجه نایب اول وزارت امور خارجه بجهة انجام خدمات مقرره و
مشوبه فرار داد هائیکه فیمابین ایلچی کبیر دولت علیه و اولیای دولت عثمانی در اسلامبول سمت اتمام یافته بسمت مامور
بخصوصیه مامور بغداد و مخلع گردید و میرزا علیخان (جناب امین الدوله) پسر معزی الیه بمنصب منشیگری وزارت امور
خارجه اعطای مواجب سربلند و باتفاق مشار الیه روانه عراق عرب شد میرزا محمد صادق امین الدوله وزیر داخله نواب
علیه مزاج از منصب و خدمت معاف شد نواب الافخم میرزای نایب الایاله نبشان و حمایل میرزیخی نایل گردیدند
امان الله خان والی کردستان بنشان دویم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید شب چهارشنبه هفدهم رمضان منزل حوض
سلطان مقر موکب همایون بود نواب حسام السلطنه بیکقطعه نشان مکلل بالماس از درجه دویم امیر توپانی و یک
رشته حمایل سبز و آبی و خلعت همایون سرافراز گردیدند جناب فتح خان امین الملک بلقب امین الدوله ملقب و علاوه بر
مناصب سابقه مقرر فرمودند که عرایض و مطالب علما و شاهزادگان عظام را جناب معزی الیه معروض حضور مبارک دارد
و عزل و نصب حکام و ولایات ممالک محروسه هم بمشاورت و صوابدید ایشان باشد روز پنجشنبه دهم رمضان موکب
همایون وارد قم گردیده از راه همدان عزیمت سلطانیه فرمودند میرزا زمان خان کاربرداز مصر بنشان اول سرهنگی
سرافراز شد و محمد یار خان ولد محمد خان امیر توپمان بنز بنشان اول سرهنگی مفتخر گردید بیست و سیم رمضان محلات
محل نزول اجلال موکب معلی بود امیرزاده سلطان حمید میرزا ولد نواب بضرة الدوله بمنصب سرهنگی خارج از فوج
مفتخر گردید مدرسه نظام تبریز باهتمام محمد صادق خان سرهنگ دونوکار یافته امیرزاده ساسان میرزا
بمنصب سرهنگی نایل و بکلر بیکی تبریز شد موکب همایون از راه همدان تشریف فرمای ستنداج شده سه روز
در آنجا توقف فرمودند و چون از عهود سالفه در اینولایت معمول و ولایت بود که صاحبان املاک تصرف مالکانه
در ملک و مایملک خود چنانکه باید نداشتند حکم همایون بر منع این رسم شنیع صادر و مقرر شد عموم رعایا
نسلاً بعد نسل مالک قاطبه اموال موروث و مکتسب خود باشند موکب معلی از ستنداج انتهاض فرموده بساحات
کرمانشان نزول اجلال فرمود و بعد از دو روز توقف عازم سلطانیه شده روز دویم ذیحجه سلطانیه مخیم اردوی
همایون شکوه گشت نواب اعتضاد السلطنه را بپاداش خدمات کشیدن سیم تلگراف تا سلطانیه بیکقطعه نشان
تمثال همایون مکلل بالماس و یکهزار تومان انعام و مفتخر و بمنصب و لقب وزارت علوم منصوب و ملقب فرمودند سلام
عید اضحی در عمارت سلطانیه شرف انعقاد یافت و در اینسلام چهل هزار از عساکر نظام و غیر نظام حاضر بودند
قاسمخان وزیر مقیم دولت علیه متوقف سنت پطرزبورغ بمنصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سرافراز گردید
نواب جهانبانی ولیعهد دولت علیه بمنصب ایلچی مخصوص و وزیر مختاری سلطان احمد میرزا بحکومت بروجرد سرافراز شدند
نواب حشمت الدوله خانلر میرزا بحکومت اصفهان و نواب عضد الدوله احمد میرزا بحکومت بروجرد سرافراز شدند
حکومت لرستان را ضمیمه حکومت مانشها نموده نواب عماد الدوله مرحمت فرمودند والد مؤلف حاجی علیخان را
بلقب ضیاء الملک ملقب و بحکومت ایالت عربستان سرافراز داشتند حکومت ها زندران و استراباد را بنواب حاجی
کیومرث میرزا ایلخانی بایل جلیل فاجار مرحمت فرموده نواب معزی الیه را ملقب بملک آرا نمودند و بنیابت این ایالت
بامیرزاده هوشنگ میرزا پسر نواب ملک آرا تفویض شد محمد مهدیخان پسر جناب سپهسالار بمنصب کشیکچی باشیگری
مفتخر گردید امیر اصلانخان عمید الملک حکمران کیلان بلقب مجد الدوله ملقب شد پاشاخان سرتیپ اول انتجاع
الملک لقب یافت نواب حشمت الدوله حکمران خراسان در سرحسن اجازه علیه قلعه جدید محکم و بزرگ که عبارت
از شهر بیست هزار خانه مسدسه بنا نموده و بقدر سه چهار هزار خانوار از ایلات داخله خراسان برای سکنای آن

قلعه معین و چهار فوج سرباز و پانصد سوار در آنجا ساخلو گذاشته محمد و لیخان سردار خراسانرا برپاست آنجا برقرار کردند (چین) فوشها که کاتن بیرکه اسپرانکلیسها بود در کلکته خفت داده بسفارت انگلیس و فرانسه و بنگ دنبا در این مملکت و پند برفتن خاقان چین بایشانرا در حضور خود (ژاپن) جزیره کوهوما از براى دو سفاین ملل فرنگ باز نبود هنوز بپدپای تخت درود نکرده اند اسپانیول) افتتاح راه آهن از مادرید به ساراگس میل عامه مردم بجنگ با دولت مرفش سرداری اد نل در این جنگ جنگ سخت مابین قشون اسپانیا و مرفش اتلاف قشون اسپانیائی بواسطه امراض وبائی فتح قشون اسپانیا و شکست فاحش قشون مرفش در اوایل زمستان هنگام منازعه اسپانیا با مرفش دولت انگلیس با اسپانیا شرط مینماید که بندقان ژدرا بعد از فتح آنقدر نگاهدارد که امضاء عهدنامه صلح بشود (المان) تزلزل دولت طرابش از برخورد جنگ در اوایل این سال مابین این دولت و ایطالیا و فرانسه فرستادن طرابش یکدسته قشون بسرپنجه خاک عثمانی ابتدا و کدورت مابین دولت فرانسه و طرابش و کلمات سخت ناپلیون امپراطور فرانسه بدولت طرابش در اول ژانویه بتوسط سفیر طرابش دولت طرابش هنوز جنگی در ایالات متصرفی خود در ایطالیا مینماید که شکوی سخت مابین دولت طرابش و ایطالیا دولت روس از برای رفع غائله بدول فرنگ تکلیف انعقاد مجلس کنگره مینماید و مقبول نمیشود دولت طرابش و یکتر امانوئل پادشاه ساردین را تهدید میکند که بطور حتم هفته جنگی که دیده متفرق نماید و عساکر خود را مرخص کند و سه روز مهلت با و میدهد دولت فرانسه از این تهدید متألم شده سردار ان خود را بجانبت ساردین سرحدات ایطالیا ماموریت میدهد شروع منازعه مابین فرانسه و طرابش در مملکت ایطالیا کمک بعضی ایالات کوچک ایطالیا بدولت طرابش و بی طرفی بعضی سلاطین حضرت پاپ در این جنگ و سر و پرو سر هفته جنگ می پیوندد بدون مداخله در جنگ میانجیگری دولت انگلیس کی مرشد اطلق ناپلیون امپراطور فرانسه که مقصود از جنگ اتحاد و آزادی ایطالیا است حرکت ناپلیون از پاریس در اواسط بهار بسمت میدان جنگ و ورود ایشان بزن شهر ایطالیا و قبول کردن سرداری فرانسه و ایطالیا را و یکتر امانوئل پادشاه ساردین بنیابت ناپلیون در این جنگ مقرر است کاسی بالدی در این جنگ خدمات دارد شکست قشون طرابش در اوائل توپی که از فرانسه آورده بودند و کلوله او هزار و ششصد ذرع میرفت سبب فتح شد جنگ سخت چیالدینی سردار و یکتر امانوئل در مرتوا فتح ماژانتا و شکست سخت قشون طرابش بدست قشون فرانسه و شادت ژنرال ماکاهون در این جنگ بیست هزار مقتول و هفتهزار اسیر و چهار توپ و دو بیرق در این جنگ نصیب قشون فرانسه شد در همین جنگ ژنرال ماکاهون بمنصب مارشالی و لقب ماژانتا برقرار کردید و ورود امپراطور و یکتر امانوئل بمیلان در اوایل تابستان شکست سردار طرابش مندک شکست قشون طرابش از هر نقطه و ورود امپراطور طرابش مارد و خود در روداتن نهضت جنگ پرو سر که دویست و پنجاه هزار قشون حاضر میکند شکست یافتن قشون فرانسه و ایطالیا بدست امپراطور طرابش جنگ سخت بزرگ در سلفرین قشون امپراطور طرابش صد و هفتاد هزار و قشون ناپلیون فرانسه و یادشاه ساردین صد و چهل و پنجهزار و در کرمای سخت شانزده ساعت این جنگ طول کشید و قشون فرانسه فتح کرد و سه بیرق و سه توپ و ششهزار اسیر بدست قشون فرانسه افتاد از عساکر فرانسه در این جنگ پانزده هزار و از عساکر ساردین پنجهزار و پانصد نفر تلف شدند ژنرال بنل سردار قشون فرانسه بمنصب مارشالی برقرار شد فرستادن چند کشتی جنگی بسمت و نزاهالی المان از این فتوحات فرانسه چندان مشعوف نیستند شورش در مجارستان بر ضد دولت طرابش دولت پروس را انگلیس و روس را بمیانجیگری میان

(ماچین) قشون دولت فرانسه اسپانیا سواحل دریای نوزان متصرف شده و خود را نزدیک تعریف کرینده

فرانسه

فرانسه و اطریش میطلبد مشارکه مضمون فرانسه و اطریش ملاقات امپراطور فرانسه و امپراطور اطریش در ویلافرانکا و گفتگوی مصالحه عمده شروط مصالحه این بوده است که دولت اطریش حق سلطنتی که در ایالت لمبارد ی ایطالیا دارد با امپراطور فرانسه واگذار نماید و ناپلیون نیز سلطنت لمبارد ی را بویکتر امانوئل پادشاه ساردین تفویض نماید جمیع دول و ملل خاصه اهالی فرانسه تعجب از این داشتند که باوجود فتوحات پی در پی امپراطور فرانسه را چه بر این داشت که تعجیل مصالحه نماید خود امپراطور باین عذر معتذر شدند که بواسطهٔ حرارت هوا و امراض و بائی و بعضی جهات دیگر من جمله شرکت کردن جمهوری طلبان ایطالیا با مادر این جنگ بود من نخواستم امتدادی در این جنگ بدهم علاوه بر این چون جمیع دول فرنگ در ابتدای جنگ بوجه غیر عادلانه با ما حرکت کردند و بعضی مضامین گفتند خواستم بعد از ظاهر نمودن شوکت و قدرت ملت فرانسه را بر اطریش بدون دخالت دول دیگر مصالحه نمایم اضطراب دولت انگلیس از اینکه مبادا این مصالحه فوری فرانسه با اطریش سبب مناقره ما بین فرانسه و انگلیس گردد پنجاه هزار عساکر فرانسه با مارشال وایان سردار متوقف ایطالیا خواهند بود صلح ما بین فرانسه و اطریش و ایطالیا (ساردین) در رودیک منعقد شد عزل کنت دبوال و نصب شیرنگ بجای او بی پولی شدید در مملکت اطریش استقراض سه کرور تومان پول ایران فوت وزیر بزرگ مترنیخ در تابستان بستن پیری تولد پیری در پروس از پسر تا بپا سلطنه فوت الکساندر جنرال عالم متحیر در برلن فوت کال دیر جغرافی دان معروف فرانکلیس مسافرت ولیعهد دولت انگلیس در اقطاع فرنگ الجزایر و مالت بتعیین پنجاب بجهارم ایالت هندوستان در اینجا ایالت چهارم هندوستان که پنجاب و دهلی در جزو این ایالت شمرده میشود چهل و چهار کرور دخل انگلیس دارد عزل وزرای بلژیک نصب وزرای جدید بلژیک صدارت لرد پالمرستن شورش عمله جات دولتی منسوخ نمودن دولت انگلیس تنبیه سربازان مفصر را باشلاق نفار جزئی با اتاوونی بنگی دنیا مسافرت ناکلتر بقطب شمال و انکشاف دریای مفتوح و یقین بر فوت فرانکلن سیاح قطبی کرد در سنه هزار و دویست و شصت و پنج بقطب شمال سفر کرده و مفقود شده بود و تا کنون دولت انگلیس در جستجوی او بود تا اینوقت که یقین بفوت او و همراهان او نمود فوت هلام مورخ و برونل مهندس اهالی جزیره کرفو باوجود اصرار دیگر دولت انگلیس در الحاق آن جزیره بمملکت خود دارد قبول ننموده بتبعیت یونان را اختیار کردند (ایطالیا) قبول نمودن اعلیحضرت ویکتر امانوئل سرداری قشون خود را در جنگ اطریش جمهوری طلبان ایطالیا گاری بالدی را بریاست و سرداری خود اختیار کردند ملکه پارم پسر خود را برداشته بسمت سویس فرار مسکندالی مدین نیز مملکت خود را گذاشته فرار مینماید و از جانب ویکتر امانوئل حاکم آنجا تعیین میشود ایالت شکان نیز جزء مملکت ساردین شد فوت پادشاه ناپل فرزند پنانده دو تیم در سن چهل و نه سالگی که مدتها مریض بود و جلوس آن پادشاه فرانسوای دوم که یکی از خواهرهای ملکه اطریش را در حبالهٔ نکاح دارد استعفا کنت دگاو و وزارت صدارت و نصب کنت دآرزکه یکی از دوستان ناپلیون امپراطور فرانسه است و دوتخ آمیز پادشاه ویکتر امانوئل بشهر مهلان تظلم پیروانی شکان در دربار فرانسه و قبول نکردن امپراطور ناپلیون تظلم او را اهالی ایطالیا عموماً سلطنت جسیمی حضرت پاپ را مانع اند جمیع ایالات ایطالیا سکه و بیرق ساردین ویکتر امانوئل را قبول کردند اخراج نمودن پاپ ایلچی ویکتر امانوئل را از روم اغتشاش سخت در ایالت روم از دواج شاهزاده خانم کلتیلد با پرنس ناپلیون عموزاده امپراطور فرانسه کرده تومان ایران دولت ساردین استقراض نموده برای هیئت جنگ با اطریش احضار کنت دگاو وزارت صدارت اعظم اعلیحضرت ویکتر امانوئل بپاریس و گفتگو و دستور العمل ناپلیون امپراطور فرانسه با او و رؤسای اپل بحار (پروس)

پادشاه

امپراطور

امپراطور روس از شهر ودشو بشهر پرسل آمده با نایب السلطنه پروس خالوی خود ملاقات کرده عهدی مخفی بین دولتین باکمال سخق منعقد میکردد (پرتوغال) فوت ملکه دونا بستان (بلژیک) تولد پسری از ولیعهد این مملکت موسوم بکنت دهین کفتکو در مجلس شوری در استحکام بنیان آن و روس (دوس) عهدنامه جدید دولت روس با چین جلوس شامبل با چهار صد نفر از مرده ما بدست پرتغالی دباسکی (سوئ) فوت اسکاتلند پادشاه این مملکت جلوس شارل پانزدهم ولد اکبر او در ستن سی و سه سالکی (عثمانی) اهالی افلاق بغدان معا پرنس کوزا را برخاست خود منتخب کردند مشارالیه وعده میدهد که از روی قانون حکومت کند دولت عثمانی حکومت پرنس کوزا را امضا نمود در سرهستان میشل پسر میلیش بولایت منصوب و برقرار شد فوت والی تونس سید محمد و ولایت سید صادق بجای او قانون جدید عثمانی که حکم بقتل در حق مقصرین پولیتکی نخواهد شد و بجلای وطن منها اکتفا میشود اول شخصی که بجلای وطن رفت عمر پاشای معروف است عزل قبرسلی پاشا صدر اعظم که مداخله در مخارج حرمخانه و دربار نخواهد نماید و از وجه معینی که سلطان ماخوذ میدارد مبلغ دارد کرو کسر کند در مجلس کنفرانس پاریس که بجهت کفتکوی افلاق بغدان منعقد شده بود ایلچی عثمانی تصریح کفت که دولت عثمانی موافقا پرنس کوزا را بوالیکری دوایالت مستمر شناخت (فرانسه) بعد از ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده ناپلیون امپراطور فرانسه با دختر پادشاه ایطالیا دویست بیست هزار تومان مواجب در حق او برقرار میشود عزل پرنس ناپلیون از وزارت الجزایر و نصب شاسلوب لوبا دولت یکصد کرور تومان پول ایران از عیث استقراض نمود همینکه ملت بمیاد دولت اداره استقراض مزبد مبتلا و از پا بضد کرور وجه نقد بجهة دولت حاضر شد در زمان غیبت امپراطور ناپلیون از فرانسه که مشغول جنگ ایطالیا بود امپراطریس بوجه ایشان بنیابت سلطنت مقرر و پرنس ژرم عموی اعلیحضرت ناپلیون بمستشاری امپراطریس برقرار کردید جشن اهالی پاریس در مراجعت ناپلیون امپراطور از جنگ ایطالیا توسیع شهر پاریس که هفت هزار و هشتصد و دو جریب است در نوزده کالدونی از مضافات فرانسه باغوای سه نفر انکلیسی اهالی بدولت فرانسه شوریدند معاهده دوستی و تجارتی با ژاپن مامور شد پرنس مترنیخ نزد امپراطور فرانسه در آبهای معدنی پادشاه بلجیک بواسطه نسبتی که با خانواده سلطنت اطریش دارد در بندد پیرنه
پیرنه بیاراتیس با اعلیحضرت ناپلیون ملاقات نموده در استحکام مودت دولتین فرانسه و اطریش کفتکو مینمایند

افریقا فوت مولوی عبد الرحمن سلطان مراکش در ستن هشتاد و سالکی و بعد از سی و هفت سال سلطنت پس از این سلطان چهار نفر از کسان او داعیه سلطنت مراکش دارند جنگ داخله امریکا (اتاونی) شورش سپاهها برده در ایالت ورژینی که تقریبا بیست و پنج فرسخ تا پای تخت مسافت دارد داخلان سخت مابین رجال دولت و وکلای ملت که بعضی طالب آزادی غلامها بودند و بعضی بر ضد شورش سپاهها در ایالت سنت لوی و پس هم هوی مساعد طرفی است که آزادی برده ها را طالب نیستند (برزیل) مسافرت ششماهه امپراطور بداخله مملکت برزیل (مکزیک) ژوارژ ژرینی هم هوی تمام موقوفات کلیسا را ضبط میکند جنگ و اغتشاش سخت در داخله (پنکی دنیای جنوبی) خرابی شهر کیتو بلت زلزله سخت شورش در ونزوئلا و در شیلی منازعه اهالی بلاتا و اروگوئه بین

سنه ۱۲۷۶ هجری — سنه ۱۸۵۹ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون در اول محرم در سلطانیه اقامت دارد روز چهاردهم محرم بعزم تشریف فرمائی آذربایجان انتهاض فرموده روز پنجشنبه بیست و پنجم وارد چمن اوجان شدند چراغعلیخان حاکم خمسه بلقب سراج الملکی مفتخر کردید حسنعلیخان شاهسون که در سیستان خدمت کرده بود بیکقطعه نشان دوسر تنبیه دیگر شنه

همایل سرخ و یکقبضه شمشیر براق طلا مفتخر گردید محمد صالح خان کرد بچه که نیز بسیشان یافته بود بمنصب سرتیپی و خلعت
همایون نایل شد جناب مستوفی الممالک بیکقطعه نشان نمثال همایون مکلل بالماس سرافراز شدند موکب همایون روز بیستم
صفر تشریف فرمای بزرگ دید شب بیست و ششم صفر حبش ولادت همایون مفصلاً در همه جا گرفته شد رضا قلیخان ناظم
مدرسه دارالفنون بنیابت وزارت علوم برقرار گردید و علیقلیخان پسر رضا قلیخان (جناب مخبر الدوله) بمنصب سرهنگی
تلگراف سرافراز شد و جعفر قلیخان پسر دیگر معزی الیه بمنصب کتابداری مدرسه دارالفنون نایل گردیده و ستعلیخان
معیر الممالک باعطای یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص این رتبه سرافراز شد در باب طلاق حسب
الامر همایون روضه مقدسه حضرت علیه السلام عضد الملک متولی باشی تمام نموده نصب گردید سردار کل عساکر منصوره بیکقبضه
شمشیر مرصع مفتخر گردید و میرزا احمد خان سرتیپ اول یوزباشی نیز مبارکه بلقب ساعد الملک ملقب و مخلع شد موکب اعلی
از بزرگ تشریف فرمای مراغه گردید میرزا عباسخان معاون وزارت امور خارجه (جناب نواب الدوله) بیکقطعه نشان از مرتبه دوم سرتیپی
و یکرشته حمایل سرخ سرافراز آمد مهمانخانه بجهه زوار در مشهد مقدس حسب الامر باکمال وسعت و عظمت بنا شد میرزا
نصرالله لشکر نویس بمنصب لشکر نویسی اشیکری آقاسی آذربایجان و خلعت همایون سرافراز شد روز دوم ربیع الاول موکب
همایون از مراغه هفت فرسخ راه هشتروود تشریف فرما گردیده روز بیست و دوم دارالخلافه باهره بمقدم
مبارک مزین گردید نواب والا نصرة الدوله حکمران دارالخلافه بیکقطعه نشان نمثال همایون مکلل بالماس و یکثوب
قبای مرصع نظامی دوره کلابتون تکمه طلا سرافراز گردیدند مجلس شورای دولتی برقرار و اجزای مجلس از قرار ذیل است
(نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله حکمران دارالخلافه و عراق و ملایر و تویسرکان) (جناب
سپهسالار) (جناب آقای مستوفی الممالک) (جناب معتمد الدوله عباقلیخان جوانشیر وزیر علیه) (جناب امین
الدوله) (جناب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (سپهدار) (مشیر الدوله) (جناب ناصر الملک وزیر تجارت
وصنایع) (جناب مشیر الملک) یکرشته قنات معتبر برای شهر قم بامر همایون بجهه رفاهیت اهالی آنجا احداث
واجرا گردید حسینخان سرتیپ که چاپارخانه های ممالک محروسه سپرده باو میباشد بلقب شهاب الملک ملقب گردید
همه ساله علاوه بردارالشورای دولتی مصلحتخانه مرکب از جمعی رجال دانشمند محرب دولت برپاست عدیله
خان اعتماد الدوله برقرار شد که همه هفته در مصالح ممالک و ترقی مملکت گفتگو نمایند نواب والا فرهاد میرزا
نایب الایاله بیکقطعه نشان میرپنجگی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شدند محمود خان احتساب آقاسی بلقب
احتساب الملکی و خلعت همایون سرافراز شد میرزا علی اکبر اجودانباشی بلقب خانی و خلعت همایون نایل گردید میرزا عنایت الله
امین لشکر بیکقطعه نشان از مرتبه اول امیر توپمانی و یکرشته حمایل مخصوص آن سرافراز شد جناب محمود خان ناصر الملک
وزیر تجارت وصنایع بیکقطعه نشان نمثال همایون مکلل بالماس از مرتبه دوم مفتخر گردید پاشاخان پیشخدمت خاصه
وامین صره بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و یکرشته حمایل زرد و قرمز که در عرض نظام مخصوص باین مرتبه است نایل آمد
میرزا عبدالرحیم منشی باشی دیوانخانه مبارکه بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی و خلعت همایون سرافراز شد مسیو جان
داود خان سرتیپ مترجم اول دولت علیه که سال سابق حامل نشان نمثال همایون بجهه اعلیحضرت امپراطور معظم شده بود
در اینباب مراجعت کرده بیکقطعه نشان اول فرانسوا ژوزف از طرف اعلیحضرت امپراطور معظم الیه بجهه بندگان اعلیحضرت
همایونی هدیه آورد محمد باقرخان سرهنگ فوج ششم تبریز بنشان سرتیپی سیم و یکرشته حمایل قرمز و سفید نایل شد
محمد خان پسر قاسمخان وزیر مختار دولت علیه مقیم پطرزبورغ بنیابت سفارت معزوبه برقرار گردید بیاداش ثنای

شهر جدید سرخس برای نواب حشمة الدوله حکمران خراسان قمه مرصع وجبه ترمه پولک دوزتن پوش مبارک و فوام الدوله
وزیر خراسان خرقه ترمه تن پوش مبارک و محمد ولیخان سردار خراسان شمشیر کمر مرصع وخلعت همایون و جعفرقلیخان
سرتیپ اول را عنایت لقب نصرة الملک و شمشیر کمر مرصع وخلعت همایون مرحمت و ارسال کردید و سایر ارباب مناصب بانواع
عطایا و مواهب سرافرازی یافتند جناب بیهمتا رسیکقطعه نشان امیر نوبانی از مرتبه اول و یکرشته حمایل سبز
سرافراز شدند عبدالعلی خان پیشخدمت خاصه برادر مؤلف بلقب ادیب الملکی وخلعت همایون مفتخر کردید جناب ترنال
ژنرال و نیز مختار ولیعهد مخصوص دولت انکلیس با نامه مهر علامه اعلیحضرت پادشاه انکلستان وارد دارالخلافه کردید
نواب شاهزاده احمدمیرزا حاکم کلپایکان ملقب بمعین الدوله کردید میرزا محمد ابراهیم بدایع نگار که مشغول نگارش
وقایع این عهد همایون و مردی عالم و فاضل است بمنصب نیابت اول وزارت علوم وخلعت همایون سرافراز کردید میرزا
اسدالله نوائی ولد مرحوم میرزا مهدی لشکرنویس منشی مخصوص و نیابت اموخارجه بمنصب منشیگری اول وزارت
اموخارجه و اعطای یکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد همدر اینسال بامرهایون در نقطه بسیار خوبی
از صفحه شمیران باغ و عمارتی بسیار عالی و مفصل احداث و بنا شده موسوم بسلطنت آباد کردید حاجی محمدخان بمرتبه
یکرشته حمایل سرخ و نشان سرتیپی دوم سرافراز شد عزیزخان سردار کل از اجزای شورای وزرا کردید میرزا یوسف
خان کلهر پرداز مقیم حاجی ترخان با عطای یکقطعه نشان سرتیپی سیم باحمایل آن مفتخر کردید چندین دستگاه قشون
معتبر باصاحبمنصبان در اینایام ماموراخراسان کردیدند مستشارالملک خراسانی برپاست فتر خراسان نایل گشت
اللهیارخان حاکم دره جز معزول و بهادرخان دره جزی که از همان سلسله است بجای او منصوب کردید جوربای
کارخانه ها کاشان ترقی و رونقی دارد علیقلیخان ماکوئی که سالها است در مدرسه دارالفنون مشغول تحصیل
بوده بسرهنگی فوج قرهباغ برقرار شد زین العابدین خان حاکم کردستان یکقطعه نشان سرتیپی و یکرشته حمایل مخصوص
این رتبه سرافراز کردید حاجی محمدخان حاجب الدوله بیکقطعه نشان درجه اول سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد
میرزا محمدعلیخان نایب اجودانباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان کارپرداز سابق بغداد بمنصب کارپردازی بندر بمبئی
و یکقطعه نشان سرهنگی اول و یکرشته حمایل سبز مفتخر کردید در این اوان چون ضیاء الملک والد مؤلف بحکومت
عربستان مشغول بود بندهٔ مؤلف بنیابت حکومت شوشتر راه داشت عمارت سابق دولتی که سابقا محقر بود امسال
حسب الامر عمارت عالی و جدید در کمال استحکام در اینمحل بنا نمودند نواب کن الدوله اردشیر میرزا بحکومت کهلان مفتخر
کردید و میرزا زکی مستوفی دشتی نیز بوزارت برقرار شد اعتماد الدوله عیسی خان والی بحکومت نائین و خلعت همایون
میاهی گشت مجدالدوله امیرتومان خانزاد حکومت ولایت همسه مرحمت فرمودند کارخانه برای ساختن نفنگ خاندار
در طهران حسب الامر بنا شده از ماه ذیقعده مقرر است ماهی یکهزار قبضه نفنگ خاندار دنگی در کارخانه مزبوره بسازند
و نفنگ جمیع افواج خاندار باشد عمل بارود سازی نیز تکمیل شده قرار شد بارود طهابکه از سابق در قورخانه است
دوباره بسبک جدید بکوبند حکومت ممالک لرستان را نیز ضمیمه حکومت عربستان نموده جزو حکمرانی ضیاء الملک والد
مؤلف نمودند نواب همایونی میرزا سرتیپ افواج عرب و عجم یکقطعه نشان دوم سرتیپی باحمایل مخصوص آن سرافراز کردید
میرزا بزرگخان بکارپردازی اول ماموراقامت بغداد کردید یکقطعه نشان اول دولت علیه که مخصوص شخص سلطنت
است از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی بجهة اعلیحضرت سلطان عثمانی و یکقطعه نشان شیر و خورشید مکلل بالماس
از درجه اول باحمایل سبز برای جناب فؤاد پاشا ناظر امور خارجه بمصاحبت یحیی خان اجودان حضور مبارک اهدا و
انفاذ شد اسدالله خان معتمد الملک حاکم همدان مرحوم و محمد حسینخان پسر آنمرحوم را بحکومت همدان برقرار فرمودند

جناب

سوال

جناب صبوبا دون وزیر مفخم دولت پروس بحضور اعلیحضرت پادشاه پروس بجهة حضور همایون روز پانزدهم
وارد دار الخلافه شد میرزا احمد خان نایب وزارت امور خارجه بنیابت اول وزارتخارجه و نشان دوم سر پنجه و حمایل آن
سرافراز کرد پادشاهزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا بمنصب جلیل سرپنجه اول و خلعت همایون مفتخر شد حکومت
بروجرد و ضمیمه حکمران اصفهان نموده بنواب احتشام الدوله مرحمت فرمودند و نواب عضد الدوله را بحکومت ملایر و
تویسرکان مامور فرمودند میرزا محمد علیخان حاکم لاهیجان بلقب امیر دیوانی و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید یکقطعه نشان
امیر نوبانی مکلل بالماس با حمایل آن با فتخار عزیزخان سردار کل انفاذ آذربایجان فرمودند رستمخان و فرضی خان ایل
بیکیان ایل شاهسون اردبیل و مشکین بمواجب و نشان و حمایل سرپنجه سیم نایل شدند میرزا ابو القاسم معین الملک
پیشکار محاسبات آذربایجان بیکقطعه نشان و حمایل سرپنجه اول سرافراز شد محمد اسمعیل خان وزیر کرمان بلقب
وکیل الملکی ملقب آمد محمد رابیسال نواب حشمة الدوله حکمران خراسان بامر دولت برای تنبیه ترکمه مرو شاه جهان
لشکر بمرو کشیده و با قوام الدوله وزیر خراسان بدآنصوب رفته بعد از محاربات و فتح بعضی قلاع و فرار ترکمه مرو جهت
کردند (چین) منازعه مابین چین و دول انکلیس و فرانسه دوازده هزار قشون انکلیس بسرداری امیرال هپ و
ژنرال گران و یکدسته قشون فرانسه بسرداری ژنرال منت در بهار اینسال شروع بجنگ مینمایند و در همین
بین با عنهای بی پنگ بعضی ایالات چین را قتل و غارت مینمودند و تا حوالی شانکای میرانند فتح قلعه پاتانگ بدست
قشون متفقه یورش بقلعه جات پهو و بدست آوردن تونچانه زیاد فتح شهر تین سین که سیصد هزار جمعیت
دارد حرکت قشون متفقه بسمت پکن پای تخت شکست دادن سردار چینی که از طایفه تاتار و موسوم بسان کولین
بود فتح پالی کاو و در یکفرسخی پکن شکست چهل هزار چینی در این نقطه فرار خان چین بسمت مکذن و ورود قشون متفقه
بحوالی پکن مصالحه مابین دولت چین و دول فرانسه و انکلیس در پکن در این مصالحه تین سین مفتوح از برای تجارت
دول مزبوره خواهد بود و از این تاریخ ببعد دول فرانسه و انکلیس حق داشتن ایلچی در شهر پکن خواهند داشت مالیات
خسارت جنگ گرفتن دول متفقه از چین ژنرال اگنا یف هامور و سر از پرنس کنت برادر خاقان که سمت صدارت
داشت بعضی امتیازات از برای دولت خود گرفت (ژاپن) قتل یکی از مترجمین سفارت انکلیس در یکروز هفده نفر بنا بر
السلطنه حمله برده بدن او را مجروح ملبس سازند امپراطور (اسپانیول) منازعه سخت با ایدولت با مرقش سردار قشون
اسپانیول اردنل است فتح شهر تتوان از شهرهای مراقش بدست سردار مذکور ملاقات بنیابه سردار مذکور با برادر
پادشاه مراقش برای صلح حرکت قشون اسپانیا بسمت آن ژنرال اضطراب اهالی مراقش و عجله در صلح و قبول ادای بیست
کرور تومان ایران و قبول پذیرائی یکنفر ایلچی اسپانیائی در فز پای تخت مراقش فتنه و شورش اشخاصیکه طالب سلطنت
دن کارلس که یکی از بنی اعمام ملکه است میباشند حبس بعضی از معاریف که باطنا با دن کارلس مراوده داشتند محبوس نمودن
بجز از کشیشهای پرتستانی که مروج این مذهب در اسپانیول هستند مسافرت ملکه بالایات شرقی افتتاح راه
آهن از والادلید بپورقش طغیان آب در بعضی نقاط و خرابی زیاد در سانتاندر (المان) نایب السلطنه پروس افتتاح
راه آهن ساربوک حضور بهم رسانیده در مجلس جشنی که برای اینکار منعقد شده صراحتا اظهار داشت که ملت المان
متفقا و تماما راضی بر این نمیشوند که بقدر یک بند انگشت از دولتالمان بتصرف خارجی درآید ناپلیون امپراطور فرانسه
بممالک بادن رفته با نایب السلطنه پروس و سلاطین باورد و ورتنبرگ و باد و ساکس و هانوور ملاقات مینماید و اظهار
دوستی میکند ملاقات امپراطور پروس و امپراطور روس و امپراطور اطریش با یکدیگر و ملاقات نایب السلطنه پروس

وفتح قلعه جات پهو

ورود قشون فرانسه بشهر تین سین چوکه چهار صد هزار جمعیت دارد غارت بعضی از عمارات یکی از عمارات بیلاقی سلطنتی را

بپادشاه

با پادشاه انگلستان در آکس لاشاپل ابتدا ملاقات سلاطین ثلاثه روس و پروس و اطریش دوروز شوا اظهار عداوت نمودن
پادشاه باویر با ویکتر امانوئل وحشت پروس از اتحاد یکدیگر دو فرانسه و نظر داشتن در مجلس و کلا بعضی تکالیف که راجع بقشون
است ننمایند و تمام این تکالیف قبول میشود ملاقات پادشاه باویر با بعضی از سلاطین المان و کفتکوی اتحاد در میان
آوردن ملاقات امپراطور اطریش با نایب السلطنه پروس و وحشت اهالی المان از دولت فرانسه و تدارک جنگ دیدن اتفاق
مابین دولتین اطریش و باویر افتتاح راه آهن از وینه بای تخت اطریش بمونیک بای تخت باویر انگلیس آنهام ایلچی
انگلیس لرد کولی که ماموریت در دربار فرانسه بود بدوستی با دولت فرانسه و مکتوم داشتن بعضی اسرار دولتی را که بکلف
اوانظهار ایدا دولت مشبوه عرض خود بود محض دوستی با دولت فرانسه اخضار او بلندن و جواب دادن در مجلس و کلا به لرد نرمانبی
که او متهم ساخته بود و مجاب نمودن لرد نرمانبی و مجددا معاودت بدولت فرانسه نمودن بهمان سمت سفارت همتاد هزار
نفر اوطلب حاضر خدمت دولت انگلیس میشوند اختراع توپ جدید دورزن در مملکت انگلیس سوسو به وینت ورزبان
دینی پادشاه انگلستان اوطلبان جدید را مدرسی از باغات لندن از این حاضر شدن اوطلبان و کفتکوها در مجلس قدری
استشمام کدورت مابین دولتین انگلیس و فرانسه میشود اهالی منچستر نفار دولت انگلیس را با فرانسه صلاح نمیدانند
مسافرت لیعهد انگلیس بحر سفید و مراجعت نمودن با انگلیس و مجددا در ظرف همین سال سفر کردن بکانادای پنکی دنیا
واتاونی مالیات دشتن به تنباکو و نمک در هندوستان سفر اول کشتی بزرگ معروف به بیرتا عظم از سوئت هامتن
بندر انگلیس به نیورک پنکی دنیا در تابستان (ایطالیا) مسیو گاروصدر اعظم و کلای ملت پیمن ولمبارد یا
در پاریس مجلس جمع مینمایند بجای دم با پاپ متفق اند و استقلال جسمانی او را طالیا اهالی تسکان بنجت پادشاه ایطالیا را
طالبند حکومت پرنس گاری نیا از اقوام پادشاه بایالت تسکان اغتشاش در مملکت ناپل لعنت نمودن حضرت پاپ اشخاصی
را که در صدد کرفتن مملکت دوم از اهستند کاوری بالدی از اعلیحضرت ویکتر امانوئل بواسطه واکذاشتن نیس و ساوا بنبرات
بیجند ورود پادشاه شارد بن بپاریس در بهار ژنرال لامرسیر از سرداران فرانسه کمر در ملوس اعلیحضرت ناپلیون
بسلطنت مملکت فرانسه اخراج بلد شده بود قبول سرداری عساکر پاپ را میکند پادشاه ناپل و ویکتر امانوئل را متهم براین
میسازند که کاری بالدی بخیال او بنای اغتشاش در سرحد مملکت ناپل کذاشته پادشاه ناپل از دول فرنک طلب عاپت و
حمایت میکند ولی اضطرارا بتوسط دولت فرانسه قبول بنجت ویکتر امانوئل را مینماید و رنک بیرق این پادشاه قبول نموده
بالای عمارت سلطنتی ناپل بیرق سه رنک و بکتور امانوئل الواشته شد تهدید نمودن عساکر ایطالیا حضرت پاپ که قشون
ملل خارجه را از روم اخراج نمایند کاری بالدی اعلان میکند مادامیکه پادشاه ایطالیا در عمارت کری نال که یکی از عمارات
حضرت پاپ است در شهر روم جلوس ننماید حل و عقد مطالب و مسائلی که راجع باتحاد مملکتی ایطالیا است نخواهد شد
واز اینکلام چنین معلوم میشود کاری بالدی میل بتصرف روم دارد و از هیچ چیز پروا نمینماید مکر ان سلطنت جسمانی پاپ
والحان بمملکت فرانسه فرستادن دو فوج جدید از مملکت فرانسه بجهت حفظ حضرت پاپ روم و بخشش دولت فرانسه از
اینکلمات واحضار سفیر که در ایطالیا داشت پناه جستن پادشاه ناپل در شهر کائت مغلوب شدن عساکر پاپ
بسرداری ژنرال لامرسیر سردار فرانسوی و اسیر شدن ژنرال مزبور بدست سرداران ایطالیا در یکی از جنکهای پادشاه
ناپل مخصوص پادشاه بشهزاده مرد باکاری بالدی جنکیدن سفرای دول خارجه که در دربار ناپل بودند پادشاه ناپل را در کائت
کذاشته در روم نزد ماده پاپ رفتند و ورود فوج آمیز ویکتر امانوئل بشهر ناپل پادشاه ناپل جمیع سلاطین
فرنک اظهار تظلم مینماید ولیکن این تظلم بیفایده میشود محاصره شهر کائت بتوسط چارلز بنی سرداران ایطالیا و ورود

کاری

کاری بالدی و قشون داوطلبی که مطیع او بودند بسپسیل حرکت کاری بالدی بسمت ناپل قشون فرستادن فرانسه در رم
بجهة حفظ حضرت پاپ احضار دولت دوم ایلچی خود را از ایطالیا (بلژیک) رضا نمیدهد از پادشاه خود وعید جلوس او را تا
کال شکوه برپا داشتند (دانمارک) جمعیت این مملکت در ایتسال سه کرور و صد و پنجهزار نفر است (روس) افتتاح
راه آهن از پطرسبورغ تا مسکو هفتصد هزار ذرع فوت مادر امپراطور روس در سن شصت و دو سالگی دولت روس
پنجاه هزار قشون بسواحل پروت سرحد عثمانی روانه میکند عمر پاشا از طرف دولت عثمانی او را استقبال مینماید دولت
فرانسه دولت عثمانی را تهدید میکند که قوانین جدیده در رفاهیت شعبه خود ایجاد سازد (سود و زوج) جلوس شارل پانزدهم
بسلطنت (عثمانی) انعقاد مجلس بریاست محمد پاشا صدر اعظم بجهة قرارداد لازمه که عیسویان را بتبعه عثمانی در رفاهیت
واسودگی باشند در کوه لبنان شام منازعه سخت مابین طایفه دروز و مارونیت دروزها که مسلمان هستند طایفه
مارونیتها را که عیسوی هستند میسوزانند و اهالی را قتل مینمایند و قشون دولتی هیچ در این عمل شنیع با اهالی شریک
در صعید او بیروت و دمشق و دیر القمر نسبت بعیسویها قتل و غارت سختی واقع میشود نسبت بقنسولهای دول فرنگ نیز
بی احترامی سخت وارد می آید در شهر دمشق مدت پنج روز متوالیا مسلمانها هر کجا عیسویان را گیر می آوردند بقتل میرسانند
حتی قنسولها لاند مقتول و قنسول بلژیک در بنا مجروح گردید قشون دولت عثمانی منع غائله نکرده بلکه کمک مینماید امیر عبد القادر
الجزایری که در دمشق سکنی داشت جمعی از عیسویان را از قتل نجات داده در تحت حمایت خود نگاه میدارد اعلیحضرت
سلطان محض شنیدن این اخبار وزیر امور خارجه خود فواد پاشا را مامور دمشق مینماید دولت فرانسه جدا در صدد
تحقیق این عمل است دول فرنگ را بلعموم شریک میسازد و دو فواد پاشا در بیروت و حبس جمعی از اشرار و قتل بعضی
از آنها علی الخصوص خورشید پاشا والی شام که متهم بانعمال است محبوس میشود بعضی از سردارهای بزرگ معتبر که تقریبا
هفتاد نفر میشوند بحکم فواد پاشا بسیاست میرسند و دو دعساکر فرانسه از راه دریا ببیروت مامور و دول فرنگ
از برای تحقیق این مقدمه در تمام ایالت شام گردش میکنند بالاخره بعد از تنبیه اشرار حسابی تکلیف طایفه مارونیت وارد
آمده است علی الجمعین بیشتر کرور تومان ایران مقرر میدارند که چهار کرور دولت عثمانی از خزانه و دو کرور طایفه دروز
بدهند از سی هزار نفر دروز که مرتکب این اعمال شنیعه شدند هزار و دویست نفر بیشتر سبب شرارت و قتل بودند این
مبلغ را این هزار و دویست نفر باید بدهند شورش در ایالت البانی قتل والی منتگرو و اینل نصب میرادر زاده او در سن
نوزده سالگی بجای او فوت والی سریه مبلش و ولایت پسرش مشیل بجای او ایجاد قانون در مملکت تونس افتتاح
راه آهن بقسنطینه کشوف معدن بالتمام در هجده هم ژوئیه او اپل تا بستان که عثمانیها ابزار دلیل شوی دانستند (فرانسه)
استعفای مسیو والفسکی از وزارتخارجه نصب تووِنل که سابقا در اسلامبول سفیر کبیر بود بجای او ورود او اخر سنه
قشون فرانسه بپاریس از ایطالیا با نفاق مارشال وایان فوت کردن دو شیس استفانی از اقوام مادری ناپلیون سیم امپراطور
فرانسه که دختر خوانده ناپلیون اول بود فوت پسر بزرگ ژوم برادر ناپلیون اول و عموی ناپلیون سیم در سن هفتاد و
شش سالگی مسافرت امپراطور به نیس و ساوا و به کرس و به الجزایر ملاقات والی تونس در الجزایر با امپراطور ایجاد قانون
ملح در الجزایر که هم ملت اسلام الجزایر مطیع آن قانون هستند و هم عیسویان در سینگال که پادشاه آنجا بدست
برادر و اهالی خود مقتول میشود و پسر آن پادشاه منصوب شده قاتلین پدر را بدست آورده بسزا میرساند این قتل
و این اغتشاش از شوکت و اقتدار فرانسه در آنسمت میکاهد فوت خواهر امپراطر پس دوشس دالب عهدنامه تجارتی
با برمان فتوحات در ماچین موقوف داشتن تذکره عبور مابین انگلیس و فرانسه ضایع و مداخل شهر پاریس

بنهائد در این سال بسبب کرهٔ دویست هزار تومان ایرانست **افریقا** اغتشاش داخله در مملکت مابین نفوسیه پادشاه واقعی و نادرس شخص اجنبی که داعیهٔ سلطنت دارد و دول سل نام از صاحبمنصبان بحری فرانسه بداخله حبشه وصحیح و سائر مراجعت کردن **امریکا** (اناؤنی) و در دو سفیر ژاپن بواشنگتن نصب ابراهیم لنکلن بریاست جمهور وعزل بوکانان که مدت ریاست او باتمام رسیده بود رئیس جمهوری تازه از آزادی غلامان طالب است بعضی ایالات که غلامان سیاه داشتند از انتخاب رئیس تازه غوغائی ندارند و طالب این هستند که از جرکهٔ متحده اناؤنی خود را خارج کنند از ایالاتی که ابتدا سواشدند و مجلد بر این هستند که نگاهداشتن غلام از واجباشت کار این جنوبست اهالی این ایالت بعضی از اهالیه که مخصوص دولت بود از جبه خانه و چاپارخانه و قورخانه و گمرکخانه منصرف شدند و بنای شورش گذاشتند (تنکی دینای جنوبی) سلطنت یکی از بقعه فرانسه آن توان نام دریالتشار و کانی که خود را بآن توان اول موسوم کرده بود

سنهٔ ۱۲۷۲ هجری **سنهٔ ۱۸۵۶ مسیحی**

آسیا (ایران) امسال تعزیه خوانی دولتی در تکیهٔ مبارکه بنا و رانست حاجی حبیبالله خان سرهنگ توپخانه بسرفضان آقا بمنصب سرتیپی سیم توپخانه سرافراز شد، صمصام الملک را حکمران ماز ندران و استرابادیا بعضی فشونی استرابادی را که در اتباعیه سخنی نمود سید مهرزای کاشانی سرهنگ فوج کوهپایه بجهت انتظام قلعه ناصری و حفظ و حراست سرحدات ماموران آن سامان شده که در دایرهٔ محمد ولیخان سردار عاکر سرحد مشغول خدمت باشد محمد رسید کامل بعرایض ملهوفین و مظلومین روزها یکشنبه را از ذات ملکوتی صفات مقدس مقرر دادند سفرا و حضرات در جائی مخصوص بدیوان مظالم نفیس نفیس همایون حاضر شوند و بارعام بسیار نفیس از هر صنف و ملت در هند در موقع جشن مولود همایون سلام عام در قصر بنا و دان منعقد گردید دریاست دارالخلافه دولتی و طبع و نشر جرائد بمیرزا ابوالحسن خان نقاشباشی عقاری که در این صنعت یگانهٔ زمانست یشنو پنر فرمودند، و در دارالخلافه دولتی مصور شد صفرعلیخان سرتیپ سوار ایتالو را نیز با هفتصد نفر سواره ابوابجمعی خود و یکعراده توپ و تخواهی بهمهٔ عساکر اردوی مرو از دارالخلافه بسرتیپی اول سواره و خلعت همایون سرافراز کردید عباقلیخان معتمد الدوله بیک قطعه نشان نمثال همایون مفتخر شد شاهزاده جلال الدین میرزا بمنصب جودانی مخصوص خصوص مبارک سرافراز کردید کارخانهٔ چاشنی سازی ممتاز و طرقه برای توپ بتوسط مسیو دوسر در دارالخلافه ایجاد و ساخته شد نواب جشم الدوله و نقل مشرخان بسپاه اعلی

وقوام الدوله را از خراسان احضار و نواب حسام السلطنه را بحکمرانی خراسان مامور فرمودند، و محمد ناصرخان ایشیک آقاسی باشی را بلقب ظهیر الدوله ملقب و بسمت پیشکاری و سرداری خراسان مقرر فرمودند، و محمد ابراهیمخان ولد جناب ظهیر الدوله را بنایب اول ایشیک آقاسی باشی دادند نواب مؤید الدوله بحکمرانی فارس منصوب گردید محمد ابراهیمخان بترتیب اول افواج حسنیه بلقب مظفر الدوله سرافراز شد نواب کیومرث میرزا بحکمرانی کرمان ملقب بسعید الدوله گردید بنائی و تعمیرات کلیتهٔ ان وجود دولت در اماکن مشرفهٔ کربلای معلی بتوسط جناب شیخ عبدالحسین مجتهد شد میرزا غفارخان صدیق الملک نایب اول وزارت بخارجه بمنصب دبیر مختاری و ایلچی مخصوص مامور اقامت سنت پطرزبورغ گردید بدیه بیکقبضه شمشیر مرصع و خلعت همایون نایل گشت و میرزا جوادخان ولد مشارالیه مامور رسیدگی امور بخارجهٔ کرمحول بصدیق الملک بود شد جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک بیکقطعه نشان نمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید یحیی خان جودان مخصوص کرا از اسلامبول مراجعت نموده از جانب اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان از درجهٔ اول مجیدیه برای شاهزادگان و امنای

دو بخارجه

وامنای ایند ولت علیه ابلاغ نمود نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم دوازای خدمت کشیدن سیم تلگراف الی تبریز باعطای یکثوب
خرقه زری تن پوش مبارک و یکقبضه قمه مرصع مفتخر گردید علیقلیخان رئیس کل تلگرافخانه ممالک محروسه نایب دویم
وزیر علوم بنشان وحمایل سرهنگی از درجه اول وخلعت همایون سرافراز شد والده مولف ضیاء الملک حکمران عربستان و
لرستان باعطای یکقطعه نشان ویکرشته حمایل امیر تومانی ویکثوب کلیجه ترمه تن پوش مباهی گردید دوز هشتم رمضان وقت غروب
آفتاب بدرج حوت تحویل نمود حضرت اشرف امجد شاهنشاهزاده والاسلطان مسعود میرزا بلقب یمین الدوله
ملقب وبحکمرانی ایالت مازندران استراباد منصوب فرمودند یمین الملک خواننده بیکقطعه نشان نمثال همایون مفتخر گردید
میرزا زکریای بمنصب مستوفی گری دیوان اعلی ووزارت خمسه سرافراز شد ومستعلیخان معین الممالک بیکقطعه نشان
نمثال همایون قرین مفاخر نامدار ابوالقاسم معین الملک بمنصب لشکرنویسباشیگری برقرار گردید بحضور منع ودفع
سیل از دارالخلافه طهران مقرر شد در بالای شهر بندی ببندند که مانع سیل باشد میرزا مصطفی خان افشار بوزارت
مازندران واستراباد برقرار گردید امان الله خان والی سابق کردستان مجدداً بایالت کردستان ویکقطعه نشان
نمثال همایون سرافراز گردید حسینخان شهاب الملک بمنصب سرپیشخدمتی اول ویکقبضه قمه دسته مرصع مفتخر آمد
حضرت اشرف امجد اعظم والاشاهنشاهزاده کامکار مظفر الدین میرزا بایالت آذربایجان منصوب وعزیزخان سردار
کابه پیشکاری حضرت معظم الیه برقرار شد حضرت اشرف امجد افخم شاهنشاهزاده والانایب السلطنه را بحکمرانی داد
الخلافه باهره مامور فرمودند حسبالامر سیم تلگراف از شهر دارالخلافه بشهران کشیدند وزارت تجارت وصنایع ومعادن
را علاوه بروزارت علوم وسایر مشاغل نفوض بنواب اعتضاد السلطنه فرمودند موکب همایون در اینسال بطرف
دماوند بیلاق میشی فرمود (چین) بعد از فرار از پکن هنوز خاقان وارد پای تخت نشده است نفوذ بعضی وزارتخانجات
پرنس کنگ برادر خاقان ودود سفرای کبار فرانسه وانگلیس بپکن دربها وانگلیسها درصدد این هستند که از ثبت راهی
بهند باز کنند لیکن آنها بفایده میشود فتوحات شئون دولتی در بعضی نقاط بلکه باغنها بودند بخصوص در ایالت یچلی شوش
ویا عنبکری در ایالت جنوبی چین زیاد است در حوالی ثبت بخصوص فوت خاقان در شهر ژهل جلوس پسر هفت ساله او بتخت
سلطنت چین بجهة طفولیت خاقان هشت نفر از اعیان ومعتبرین چین متفقا سلطنت چین میکنند پرنس کنگ اگرچه
جزو این هشت نفر نیست ولی مادر خاقان جدیدالورا بسمت مستشاری خود اختیار نموده باز اقوال او در امورات دولت
سند است (ژاپن) قتل یکنفر از هلاندی که مترجم وواسطه انعقاد مصالحه مابین دولت ژاپن وبنکی بنا وانگلیس و روس
بود بدست بعضی از اشرار در یدو بعضی اشرار در صدد قتل اجزاء سفارت انگلیس بودند مروپا (اسپانیول) فوت دو نفر
از اولاد دنکارلس در مدرید کرونت زوجه اش بلافاصله فوت یکی از صبایای ملکه در طفولیت ودود سفیر کبیر مرحوم
بمادرید پای تخت این سفیر برادر سلطان مراکش بود ودود در پس سابقه مکرر با میرامن بمادرید افتتاح راه آهن
از مادرید باسکوبال (المان) فوت پادشاه پروس فردریکیم چهارم در سن شصت وپنجسالگی در زمستان جلوس
برادر او کیم اول بعضی از وکلای ملت پروس در صدد اتحاد ممالک المان وسلطنت بامپراطوری در المان هستند که
همه جهة از اهل المان باشد یکی از مطالب بزرگ که طالب اتحاد المان بود در مملکت بادطپانچه بپادشاه پروس خالی میکنند
چون گلوله بپادشاه نمیخورد عدالتخانه حکم بحبس پانزده سال حبس وصادر میکنند تاجگذاری پادشاه پروس در شهر
کنیزبرگ اهالی مجارستان طالب این هستند که امپراطور اطریش تاج سلطنت مجارها را بر سر گذاشته بالقاب خود پادشاه
مجارستان را الحاق نماید آنگاه نام از اهالی مجار در اضی براین نیست که وکلای ملت مجارستان در پارلمنت وین جلوس

(ماچین) جلوس تخت نشینی فرانسه باعساکر دولت آنام فتوحاتی بعضی از نقاط مملکت آنام علی الخصوص سیفو هنوز عده قشون فرانسه را سپاهیان در این نقطه بدرجه مرسیده اند که بهوه پای تخت بورش برند ع

نمایند شورشی در پراگ افتتاح مجلس پارلمنت در وین در بهار مجلس پارلمنت المان با صد و بیست عراده توپ بقیمت
یازده کرور فلورن ابتیاع نموده که از برای حدود و ثغور مملکت المان لازم میدانند قشون المان بر دو هم چهار صد و پنجاه و دو
هزار خواهد بود فرستادن ایلچی از طرف پادشاه پروس با ایران مقصود از فرستادن این ایلچی علاوه بر بعضی مامورینهای
رسمی تحقیقات بعضی مسائل علمی است (انگلیس) بنائی و پیشانی عملجات کارخانه‌ها ریسمان ریسی که بواسطهٔ بنا مدن
پنبه از نیکی دینار در تعطیل و بی اجرت مانده اند روزنامه‌های انگلیس بعضی طرفدار ریفورم جهوری و بعضی بر ضد او
هستند هیئت دیپلماتیک انگلیس از برای جنگ بحری فوق پرنس البرت شوهر پادشاه انگلستان تعداد نفوسی که در این
سال شده است تمام جمعیت جزایر انگلیس پنجاه و هشت کرور و سی و یکهزار و صد و شصت و چهار نفر است ایجاد
نشان موسوم بستارهٔ هند از راجه‌های هند بکسیکه این نشان داده شد نظام حیدرآباد مهراجه کوالیر مهراجه کشمیر
نواب رامپور کشکوی سخت لرد پالمرستن در مجلس وکلا بر ضد دولت اسپانیا که خرید و فروش غلام و کنیز را در کوبا
منع نکرده است دولت انگلیس خطاب پادشاهی تمام مملکت ایطالیا را بوکیر امانوئل پادشاه پیمون داده بودند می
شناسد اضطراب در مملکت انگلیس که مبادا جزیره ساردین را دولت فرانسه از پادشاه ایطالیا بگیرد (ایطالیا)
حکومت پرنس گاریبالدی پنان از اقوام سلطنت در ناپل بوزارت بنگر افضد تصرف گاریبالدی و مازنی و نیز را محاصره گائت
که پادشاه ناپل در او بود بتوسط امپراطور فرانسه مدت شش روز بتعویق افتاد چون پادشاه ناپل از آنشهر خارج
نشد و تسلیم نکرد بدین جهت بعد از شش روز ژنرال چیالدینی حکم بتوپ زدن داد سفاین جنگی فرانسه که در سمت دریا بحمایت
و رعایت پادشاه ناپل آمده بود بعد از تمکین نمودن او به بضایع دولت فرانسه شراع کشیده رفتند امیرال پریسان امیر
بحری ایطالیا با کشتیهای جنگی ایطالیا از سمت دریا بنرگائت را محاصره نمودند شهر گائت بعد از نورده روز مقاومت
تسلیم شد قشونیکه در آنشهر بود و مرکب از پانزده هزار نفر تسلیم کردیدند قلعهٔ مسینن که یکی از قلاع مستحکمهٔ تونیز
تسلیم شد و این آخر قلعه بود از قلاع پادشاه ناپل که بتصرف سرداران ایطالیا درآمد اول دولتی که قطع مراوده
با دولت ناپل کرد دولت انگلیس بود تفتین و اغتشاش سخت در ناپل و بعضی ایالات مفتوحهٔ گاریبالدی بلدی که بحزیره
کاپرا رفته بود و میل بمداخله کارهای دولت ندارد پادشاه ایطالیا را به بحفوقی نسبت بخود متهم میسازد فوق مسیو وود
صدراعظم در تابستان بعد از فوت کاوور باروپا رفت دیکازی که از معارف و متمولین ایطالیا بود بمنصب صدارت برقرار میشود
افتتاح راه آهن از میلان به پیلزا از نواحی کوه آلپ شمالی و از وادی پاپ (پرتوغال) فوت پادشاه در سن
بیست و چهار سالکی جلوس برادرش لوی اول بجای او (بلژیک) ملاقات پادشاه بلژیک با پادشاه هلاند در لیژ
اهالی بلژیک در شناختن دولت و کزامانوئل را بپادشاهی ایطالیا شکایت دارند (دانمارک) دولت بهیچوجه راضی
بشکستن قانون مملکت المان در اسلیشویک و هلستین چنانکه اهالی المان شایق بر این هستند رواج بگیرد دول فرانسه و
انگلیس در روسیه دولت دانمارک تکلیف میکنند که با هالی ایالتین مهربانی کند (روس) انقلاب و اغتشاش سختی در
ورشو لهستان حکمران لهستان میشل کرچاکف عاجز از نظم مملکتی است تغیر اعلیحضرت امپراطور نسبت باهالی ورشو
لهستان فرستادن قشون بجهة نظم لهستان در ورشو منازعهٔ رعیت با قشون دولتی و قتل معدودی از طرفین
قشون مامور بورشو بهشتاد و پنجهزار نفر رسید و مخارج این قشون را مدت توقف مجبورا اهالی ورشو باید متقبل
بشوند مختصر شورشی در پالرمو از قرار قوت میشل کرچاکف حاکم ورشو و نصبت نزال سوخوزانت بجای او حبس
هزار و ششصد و هفتاد و هشت نفر از اشخاصی که مؤسس شورش بودند در لهستان بعضی را بسیبر

و بعضی را

وبعضی را بقلاع دیگر بحبس فرستادند افتتاح راه آهن از مسکو به ولادیمیر (عثمانی) انقلاب و اغتشاش سخت خونریز
در ایالت هرزکوین کماکان اهالی قراداغ انها را تهدید عرپاشا سردار عثمانی باعیان را منازعه مابین اهالی قراداغ و
عثمانی در کنار دریاچه اسکوتاری در سرحدات شورش مردم بدولت بواسطه سکنه دادن طایفه تاتار قرم در بلغارستان
که نزدیک بانها است والی تونس سید صادق ایجاد قانون جدید کرد در مملکت خود من جمله جزیکزن در حرم خود نخواهد
داشت ماموریین دول فرنک در بیروت بندر شام اجماع کرده بودند و سعید بک رئیس طایفه دروز را که حبس نموده بودند
در محبس مزبور دیر القمر بعد از این بک حاکم عیسوی از طرف عثمانی خواهد بود حکومت او دادند که از عیسویان کاتولیکی
مذهب است به لبنان فوت سلطان عبد المجید در سن سی و هشت سالگی و جلوس سلطان عبد العزیز برادرش بجای او
وزارت خارجه فواد پاشا صدارت عالی پاشا و وزارت علیه کیا میل پاشا در مصر نایب سرباز باجیوب موقوف گردید طغیان آب
نیل و خراب نمودن اغلب ابالات را (فرانسه) حکم ناپلیون که یکسر از قشون فرانسه بجهة حفظ پاپ میباید همیشه
در شهر روم متوقف باشد نصب مسیو مرنی بریاست مجلس بلدیه فرانسه شناختن ناپلیون امپراطور فرانسه یکسر اهالی
را سلطنت ایطالیا معاهده بخارست با بلژیک بواسطه عمل بنامدها صل بقدر کفاف مملکت فرانسه ابتیاع حبوبات
از خارج مینماید و سود سفرای سیام بفرانسه و پذیرفتن امپراطور انها را در عمارت فونتن بلو نقریبا دو بست سال
بود که ایلچی سیام بمملکت فرانسه نیامده بود فوت مارشال سبکه در سن پنجاه سالگی فوت اسکریب شاعر معروف
تعداد نفوس در این سال شصت و چهار کرور و سیصد و هشتاد و دو هزار و دویست و بیست و پنجفر که از این
عدد شصت و شش کرور و نود هزار و پنجاه و نه نفر اهالی پلس و ساوا هستند که تازه الحاق بمملکت فرانسه شده است
جمعیت پاریس بنهائی سه کرور و صد و شصت و هفت هزار و هشتصد و چهل و یکنفر است انعقاد مجلس کنفرانس در پاریس بران
مجلس مقرر شد که قشون فرانسه از برای حفظ عیسویان شام تا مدتی هم باید در شام توقف کنند (یونان)
شورش بعضی از صاحبمنصبان نظامی یکی از طلاب بقصد قتل ملکه نمود در زمانیکه پادشاه بالمان سفر کرده بود
اهالی کرت و جزایر یونان مایل بملحق شدن بیونان هستند و با عساکر انگلیس در جزیره زانت نزاع سخت خونخواری
نمودند افریقا تادرس پاشا در حبشه نفوس پادشاه جوانرا مقتول و خود بجای او بسلطنت حبشه جلوس
کرد فوت ملکه خونخوار جزیره ماداگاسکار بعد از سی و سه سال سلطنت جلوس پیرش را گفت که بر اماداماد دوم موسوم
کرد بلکه دوستر فرانسه ها و عیسویها بود در مرقش پاشای تان رئیس سبد محمد الخنبی که از طرف پادشاه مزبور مامور
براو ده بادول عیسوی مذهب بود و با فرانسه ها در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و یک عیسوی مطابق هزار و دویست
و شصت و هشت هجری عداوت ورزید و در سنه هزار و هشتصد و شصت عیسوی مطابق هزار و دویست و هفتاد و
هفت هجری با اسپانیولی معزول شد امریکا (اتاتونی) هفده ایالت از ایالات اتاتونی که جمعیت الیشان بردیم
سی و هفت کرور میشود و از این سی و هفت کرور هشت کرور غلام و کنیز سیاه بودند بعد از اطلاع از حکم رئیس
جمهور اتاتونی که باید غلام و کنیزها آزاد باشند در مملکت این هفت ایالت از سایر ایالات خود را مجزی کردند و ایجاد
دولتی موقتی از برای خود بریاست یکرئیس کرد مدت ریاست او شش سال باشد نمودند پس این هفده ایالت
ژفرسن داویس است که از سردارهای با علم محرب اتاتونی میباشد رئیس تازه اتاتونی که ابراهم لنکلن باشد
بعضی از معاندین در شهر ماریلان میخواستند بقتل رسانند ایالات اتاتونی دو قسمت شدند جنوبی و شمالی
جنوبی انها که میل بر بندگ غلام و کنیز دارند شمالی انها بنکه میل باز ادی غلام و کنیز دارند هفتاد و پنجهزار

قشون ایالات شمال از برای منازعه ایالات جنوب بهیئت می بینند (مکزیک) فرانسه رئیس سابق میرآمن بسمت هادیان
نصب و آرس بر پاست طمع ژوآرس در پیش تازه در موقوفات معابد و منع نمودن که مدت دو سال اهالی مکزیک منافع
تنخواه استقراضی از دول فرنک را ندهند در پای تخت مکزیک استرار در صدد قتل سفیر فرانسه و بعضی از اعیان
انکلیس هستند اخراج نمودن با کمال بی احترامی سفیر اسپانیول را از مکزیک چون در مملکت مکزیک جمعیتی یاری از
بتعه فرانسه و اسپانیول هستند اینحرکات بی ادبانه مکزیک سبب انعقاد عهدنامه لندن مابین دول فرانسه و رئیس ازده
انکلیس و اسپانیا بر ضد دولت مکزیک گردید بخلیج نمودن فرانسه و انکلیس بتوسط سفرای خود به ژوآرس
ورود قشون اسپانیول بسرداری ژنرال پرین در ورا کروز و تصرف شهر و قلعه سنت ثانت

سنه ۱۲۷۸ هجری — سنه ۱۸۶۱ مسیحی

آسیا (ایران) امسال در دهه عاشورا مختصر تغریبه داری در ییلاق شهر سنانک و در عشر دوم ماه صفر
در تکیه جدید البنای سلطنت آباد بمثل هر سال تغریبه خوانی کردند نواب والا فرهاد میرزا باعطای نشان تمثال همایون
مباهی و ملقب بمعتمد الدوله گردیدند میرزا هاشمخان بخویلداری صرف جیب مبارک بلقب امین خلوت ملقب گردید
روز عید مولود همایونی در قصر سلطنت آباد سلام عام منعقد گردید نواب مؤید الدوله حکمران فارس پارچه بسیار
معتبری محکم برسم رود خانه سنوبید در هشت فرسخی شهر شیراز کشیدند حاجی محمد شریف خان سرتیپ بلقب مستشار
لشکری سرافراز شد نواب احمد میرزای معین الدوله را بحکومت و لایت استرابادسرافراز فرمودند که در اطاعت
حضرت والا یمین الدوله بوده باشد نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مترصد بین و اشرار تر آنکه را تنبیه کردند میرزا سلطان
محمد خان بهبهانی که خیال خودسری داشت نواب مؤید الدوله حکمران فارس او را کرفتار نمودند چون بعضی عمارات دیوانی
فارس در ایام زلزله خرابی بسر سانیده بود شش هزار تومان بتوسط نواب مؤید الدوله صرف تعمیر عمارات فارس شد
چون اعلیحضرت سلطان عبد المجید خان سلطان عثمانی در هفدهم ذی حجه هزار و دویست و هفتاد و هفت رحلت
نموده و اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان بر سریر سلطنت جلوس فرمود در این ایام اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری
محمد حسینخان نسنیجی باشی دربار را برای تعزیت و تهنیت بسمت سفارت کبری مامور دربار دولت عثمانی فرموده و
مغزی الیه را در اینموقع بلقب علاء الدوله ملقب و باعطای یکقبضه شمشیر مرصع و یکقطعه نشان درجه اول برتبه
باحمایل آن سرافراز فرمودند انکشاف معدن زغال سنک و کوکرد و مس و زرنیخ در قریه جوشقان شد فورخانه
و توپخانه محمره را که مدتی خراب کرده بود حسب الامر ضیاء الملک حکمران عربستان والد مؤلف بخوبی مجددا بنا کرد
یکرشته قنات در صحرای دوشان تپه در اثنای احداث و جاری شد یکنفر باغبان ماهر برای تربیت بعضی باغین
و بناتات از پاریس احضار فرمودند انبار غله دیوانی ابوالجمع رحمت الله خان غلام پیشخدمت خاصه مشد جناب امیر الملک را
مامور باتمام ساختن راه کیلان فرمودند ضیاء الملک والد مؤلف حکمران عربستان و لرستان بشدت مریض و
سلیمانخان سرتیپ افشار را مامور این دو ایالت فرمودند که معاون ضیاء الملک باشد هم ربیع الثانی شاگردان دار
الفنون را امتحان کاملی فرموده نظر بر و نق و ترقی کامل مدرسه نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکقطعه نشان
از مرتبه اول امیر تومانی با یکرشته حمایل مخصوص آن از داخل نظام و اعطای یکهزار تومان انعام نایل و مفتخر
فرمودند و نواب والا فرهاد میرزای معتمد الدوله نیز که در امتحان مدرسه حاضر بودند باعطای یکقطعه نشان طلا از
مرتبه اول مدرسه و یکرشته حمایل امیر تومانی خارج از نظام سرافراز داشتند رضا قلیخان رئیس مدرسه بخلعت همایون

وجوه

وجعفرقلیخان ولد رضاقلیخان با عطای یکقطعه نشان سرهنگی و یکرشته حمایل خارج از نظام و خلعت همایون و پنجاه تومان
انعام سرافراز شد محمدحسینخان اصفهانی بمنصب جودانی مدرسه و اعطای نشان طلا و هفتاد تومان اضافه مواجب
و بیست تومان انعام مفتخر گردید و سایر اجزای مدرسه معلمین و متعلمین و غیرهم نیز هریک بقدر رتبه و استحقاق
بانعام و نشان و خلعت همایون سرافراز شدند همدانیها وقتیکه نواب حسام السلطنه حکمران خراسان با ترکمانان نکده مروکتی معاودت
هزار سوار بودند جنگ صعبی کرده تمام هزار نفر را مقتول و اسیر نمودند نفنگ بسیاری از فراشها ابتیاع شد قلعه شهر
طهران را از داخل و خارج مرمت کامل کردند عباسقلیخان جوانشیر معتمدالدوله وزیر دیوانخانه مرحوم و برادر او محمد
ابراهیمخان بریاست دیوانخانه مبارکه و لقب امیر دیوانی سرافراز گردید پاشاخان امین شوری بیکقطعه نشان نمثال
همایون مفتخر شد امان الله خان والی کردستان بیکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی و حمایل آن نایل آمد حسینخان حاکم
همدان را احضار فرموده محمدحسینخان پیشخدمت مخاصر بحکومت آن نواحی سرافراز شد میرزا علینقی طبیب پسر آقا اسماعیل
پیشخدمت باشی سلام که برای تکمیل علوم خود بپاریس رفته بود معاودت نمود جبه خانه و قورخانه دارالخلافه باهتمام
مسیو روس و نفی دارد و دواخانه چاشنی سازی طهران نیز سالیده کرده چاشنی ساخته میشود نواب رکن الدوله
حکمران کیلان بیکقطعه نشان نمثال همایون سرافراز و نواب معین الدوله حاکم استراباد بیکقطعه نشان از درجه اول
سرتیپی با حمایل آن مفتخر گردید درعنبا جناب علاء الدوله مشاغل و خدمات مرجوعه بمعزی الیه را بغلامعلیخان
نایب تسقی باشی واگذار فرمودند از شهر دشت تا منجیل راکه همیشه بشدت کل و لجن بود بامر دولت ساختند محاذی
میشا نصرت همراه خراسانی با ترکمانی که بقصد تاخت جلگه مشهد مقدس آمده بودند و کشته شدن شیخ محمد کرد جل
اشرار ترکمانی بود با جمعی دیگر از ترکمانی و انهزام باقی آنها نیز در اینوقات اتفاق افتاد و سرداران همه بپاداش انجدمت
بانعامات و مناصب و خلایع ملوکانه سربلند شدند عیسیخان اعتمادالدوله مرحوم شد و حسینقلیخان پسر آنمرحوم که نایب
الحکومه یزد بود بحکومت یزد مفتخر گردید چنانکه در سابق دول رسم است مقرر شد کلیه احکام و اسناد دولتی که بامضای همایون
مقرون میگردد روی و نقره دولتی نوشته شود و نشان مخصوص و نقره دولتی سپرده بامین شوری شد اصطبل توپخانه را
بمیرزا علی اکبرخان اجودانباشی توپخانه سپردند کاغذکرخانه دارالخلافه کاغذهای سپیدی خوش قلم ممتاز میسازد پل
شوشتر راکه انطغیان آب خراب شده بود ضیاالملک والد مولف حکمران عربستان و لرستان بخوبی تعمیر نمود حسب
الامر دانرله مناره سرحد (فانوس بحری) ساخته شد معین الملک لشکرنویسباشی باعطای یکقطعه نشان نمثال
همایون از مرتبه سیم سرافراز شد میرزا محمدعلی کارکنار مهام خارجه فارس بلقب خانی سرافراز گردید میرزا مهدی همدانی
منشی مهام خارجه بلقب خانی و ناظمی مهام خارجه بندر بوشهر و سایر جزایر بحرالعجم و خلعت همایون نایل گشت زین
العابدین خان حاکم کردستان با سرکردگی افواج کردستان مأمور شد اخلوکلات بود مرحوم شد و علیرضاخان پسر او بحکومت
کردستان و خلعت همایون مباهی گردید آقا محمدحسن صندوقدار بلقب اعتمادالملک و خلعت همایون سرافراز شد میرزا مصطفی
لشکرنویس بلقب وکیل لشکری مفتخر گردید اینوقات محض مزید انتظام امور دیوانخانه عدلیه دستخطی مبارک خطاب
بمحمدابراهیمخان امیر دیوان شرف صدور یافت جناب میرزا جعفرخان مشیرالدوله که در سال قبل بسمت سفارت کبری
مأموریت انگلیس گردید و بپاریس پای تخت فرانسه و اسلامبول و آتن پای تخت یونان و بسیاری از جاهای دیگر نیز
رفته و سیاحت کامل نموده در اینوقات مراجعت کرده بحضور همایون شهریاری مشرف و باعطای یکقطعه نشان
امیر نویانی با حمایل آن مفتخر گردید و علیخان نایب دوم سفارت کبری بمنصب نایب اولی سفارت برقرار گردید و میرزا

اسحق خان مشیر بمنصب کاردازی مهام خارجه استرآباد مامور و بکقطعه نشان اول سرهنگ با همایل آن نایل گشت جنت علی
خان سرتیپ افشار بمنصب ایشاغل اجودانی حضور مبارک و خلعت همایون سرافراز شد راه بیوتن و واه شریف آباد بمشهد
مقدس کرهر چه بیشتر صعب و دشوار و اسباب زحمت عابرین بود بامر همایون ساخته و هموار کردند نواب والا فرهاد میرزا
معتمد الدوله بحکومت عربستان و لرستان مامور گردیدند میر عطاء الله خان یموت بمنصب سرتیپی سرافراز آمد جناب علی
الدوله ایلچی کبیر که مامور دربار دولت عثمانی بود مامور شد خبر را با نجام رسانیده روز ششم رمضان المبارک وارد دار
الخلافه شد در ماه شعبان اینسال موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده پلنگ بسیار بزرگ شکار شست
مبارک شد فیر علیخان سعد الملک بمنصب سرتیپی اول و خلعت همایون سرافراز گردید میرزا سید نقی تقرب سرپشمدار سابق
آذربایجان بمنصب لشکرنویسی و خلعت همایون نایل آمد حاجی میر علی اصغر شیخ الاسلام تبریز بزیارت ایزدی پیوسته
میرزا ابو القاسم پسر آمرحوم بمنصب شیخ الاسلامی منصوب و مخلع گردید جناب مسیو کوبنو که بسمت وزیر مختاری از جانب
دولت فرانسه مامور دربار دولت علیه بود بدار الخلافه باهره وارد و بحضور همایون نایل گردید میرزا علیخان پسر دبیر
مهام خارجه (جناب امین الدوله) که باحداثت سن در اکثر علوم از فرط ذکاوت بارع شده و خط را در کمال خوشی
مینویسد بخلعت همایون سرافراز و مقرر شد سفراً حضراً در رکاب اعلی ملتزم خدمت باشد شب بیستم رمضان فریب شش
ساعت از شب گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص بتحویل در پیشگاه حضور مهر ظهور خبر وانه
منعقد گردید حاجی میرزا محمد رضا مستوفی خراسان بمنصب استیفای دیوان همایون سرافراز شد میرزا جعفر خان مشیر
الدوله وزیر امور خارجه را با بقای ریاست دارالشوری بمنصب منوچهری شیرگی حضرت رضوی سلام الله علیه سرافراز
فرمودند نواب احتشام الدوله مرحوم گردید جناب مظهر الدوله ایشیک آقاسی باشی بحکومت استرآباد سرافراز شد میرزا
عبد الوهاب خان نایب اول وزارت خارجه (جناب نصیر الدوله وزیر مختار) مامور اداره انتظام مهام خارجه آذربایجان
و بخلعت همایون و نشان و حمایل سرافراز گردید میرزا هاشم خان امین خلوت بکقطعه نشان سرتیپی اول سرافراز شد
نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت مشتر شیر برقرار گردید محمد قاسم خان وزیر مختار سابق سنت پطرزبورغ بحکومت کیلان
و لقب والیگری ملقب و سرافراز گردید نصر الله میرزا ولد حاجی سیف الدوله میرزا بنیابت دویم وزارت علوم و خلعت
همایون سرافراز و بهمراهی نواب حسام السلطنه حکمران خراسان مامور آن مملکت گردید نواب والا شاهنشاهزاده اجل
امجد سلطان حسین میرزا بلقب جلال الدوله ملقب و بحکمرانی اصفهان منصوب فرمودند و قوام الدوله بوزارت و پیشکاری
شاهنشاهزاده معظم الیه سرافراز شد علیخان قراگوزلو سرتیپ اول بلقب نصرة الملک مفتخر گردید بکقطعه نشان نمثال پیشکار
همایون برای حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم مظفر الدین میرزا حکمران آذربایجان انفاذ آن مملکت فرمودند شرحی در وقایع
نشان شیر و خورشید باشاره علیه همایونی نگاشته شد که صورتش آن در جلد دویم مرآت البلدان مرسوم بماثر السلطان
ثبت افتاده است نواب والا عبد الصمد میرزا بلقب عز الدوله ملقب و بحکومت همدان منصوب گردیدند و حاجی میرزا
عبد الله خان بوزارت و پیشکاری آنولایت سرافراز شد نواب حاجی کیومرث میرزای ملک آرا در سلک اجزای دار
الشوری منسلک و مخلع گردید نواب حشمة الدوله بحکمرانی یزد و خلعت همایون سرافراز شدند ضیاء الملک والد
مؤلف که از عربستان بدربار معدلتمدار آمده در سلک وزرای عظام و اجزای دارالشوری داخل و بخلعت همایون
نایل آمد و بعد از آن بوزارت عدلیه اعظم منصوب گردید و محمد ابراهیم خان امیر دیوان بلقب معتمد الملک سرافراز
شد محمد مهدیخان کشیکچی باشی بکقطعه نشان سرتیپی اول و خلعت همایون مفتخر گردید نواب والا نصرة الدوله

حکمران

حکمران عراق وملایر بسرداری افواج وقشون عراق برقرار کردیدند مرتضی قلیخان وکیل الملک سرهنگ فوج ملایر
بیکقطعه نشان از درجهٔ اول سرهنگی سرافراز شد بهبودخان پسر محمدخان امیر تومان بمنصب سرهنگی فوج ششم تبریز سرافراز
وفوج مزبور ملقب بفوج اقبال کردید اواخر ماه ذی الحجهٔ الحرام حضرت مستطاب اجل اعظم شاهنشاهزاده کامکار مظفر
الدین میرزا حکمران آذربایجان را بولیعهدی ایران دولت جاوید شوکت سرافراز و بیکقطعه نشان تمثال بهمثال اقدس نشانهٔ
ولایت عهد و بیکثوب جبهٔ مرصع کشمیری و مروارید موشح بلآلی وجواهر گرانبها فرین افتخار و اختصاص فرمودند و
وزارت مخصوصه حضرت مستطاب معظم الیه را بعزیزخان سردار کل تفویض و واگذار کردند و یحیی خان امجد ان مخصوص
حضور همایون حامل این نشان وخلعت مبارک کردیده روانه آذربایجان شد (چین) در حوالی شانکای جنگ مابین باغیها
نای تنگ و عساکر فرانسه و انکلیس شکست یافتند عنها زخمی شدند امپراتور پرنس سردار فرانسه که بهمان زخم هلاک کردید و
عقب نشاندن یاغیها را تقریبا سی فرسخ (ژاپن) بعد نسبت بانکلیسها خروج سفرای خارجه از بندر پای تخت و دوستان
بهم یکها ما و نرضیه خواستن از دولت ژاپن امروپا (اسپانیا) در مجلس شورا و ایند ولت و کلا رجال دولت را متهم بر
این میکنند که در فقرهٔ مکزیک با اتحاد یکه باد ولت فرانسه داشتند بچه جهته بهم زدند (المان) عهدنامه تجارتی پروس با
بافرانسه شناختن دولت پروس و بکر اماتول را بسلطنت تمام ایطالیا استقراض دولت از برای هزینه جنگ و کلای ملت
در اینمسئله مساعد باد ولت نبستند نفار مابین پادشاه و وکلای ملت ورود مسیو بیزمارک سفیر پروس را بنوعی که مامور
فرانسه بود و قبل الظهور این سمت در بیطرز بورغ بود در جرکه وزرای دولت وذیرهای دولت و وزیر خارجه هرود بعد از ورود بیزمارک
بمجمع وزرا استعفا از کار خود نمودند و در مدت چند روز مسیو بیزمارک بمنصب صدارت برقرار کردیده باتحاد وزیر بحری دو
مملکت طرفین تمام سفاین جنگی اطریش از شراعی و بخاری عبارت از صد و بیست و نه کشتی است که دارای هفصد و نود و شش
توپ و هجده هزار و صد و هشتاد و پنج عمله کشتی و قشون بحری است اتحاد پلی در رود خانه رن در حوالی ناسی بجهته
عبور راه آهن (انکلیس) در این سال بهمه جهات پارچه های پنبه که صد و هشتاد و سه کرور و لیره قیمت داشت زیاده
از مملکت انکلیس بخارج برده نشد در صورتیکه سنوات سابقه معادل سیصد و پنجاه و شش کرور و لیره کارخانجات انکلیس
پارچه پنبه بخارج میفروخت و این نبود مکر بواسطه جنگی که در ینکی دنیا واقع شده بود که بقدر لزوم حمل پنبه از ینکی دنیا
بانکلیس نمیشد بخارج زیاد دولت در اینسال بجهته اداره قشون لرد الزن بفرمانفرمائی هند منصوب شد عدد قشون
هند و سنان که در سال قبل سیصد و پنجاه هزار قشون بومی بود بصد و هزار قرار دادند و عدد قشون انکلیسی
که از انکلیس فرستاده میشد و نود هزار بود بهفتاد هزار قرار دادند فوت پادشاه دهلی در انکون مسافرت
ولیعهد انکلیس باسلامبول و یونان عروسی دختر دوم پادشاه انکلستان شاهزاده خانم الیس با شاهزاده حسن
فوت سیرجم رئیس مسافری که در قطب شمال چندین دفعه سفر کرده بود (ایطالیا) اصلاح بهوده دولت فرانسه
مابین پاپ و پادشاه ایطالیا فوت برنس کابوئیکه از اعمام پادشاه سابق ناپل صلاقات والی مصر با پادشاه
ایطالیا در ناپل ایجاد بندر نازه در ناپل با حضور پادشاه جنال راه آهن بناپل استقراض دولت مبلغ بجهته مخارج
انکار از صرافان رجل شورش در بعضی نقاط بجهته هواخواهان کاری بالدی نفار کاری بالدی یا پادشاه خطیب
حضرت پاپ بر ضد پادشاه ایطالیا شناختن دولت روس و بکر اماتول را بسلطنت تمام ایطالیا کاری بالدی اشکارا
بیکوید پادشاه ما یادم و اینکلام کاری بالدی بر ضد دولت فرانسه و بر ضد پادشاه جدید ایطالیا ست که اولی محاربت
رم را در عهده کرفته و ثانی عهد کرده است که در دم مداخله ننماید عروسی دختر دوم پادشاه ایطالیا با پادشا

سیصد و پنج

پرتوغال

پرتوغال افتتاح راه آهن از ناپل برم (پرتوغال) شورش در بعضی نقاط بجهة کرانی جویات (دانمارک)
دولت دانمارک مسلح شده بجهة جنگ می بندد وحشتی دارد از بعضی ادعاهای پروس با لتین ایلشوبک و هلشتین
وبدول فرانسه وانکلیس و روس سوء شکایت مبنا باز وضع طرزی که دولت پروس پیش گرفته است (روس)
فوج صدباعظم کنت ینلرد امتداد دسیم تلگراف از لندن به سپرد ظرف چهل و دو ساعت از بطرزبورغ بر بن
پای تخت پروس بتوسط راه آهن میشود رفت تسلیم حکومت هلشتان بر گراندوک برادر قسطنطین امپراطور در ظرف یکساعت
چهارده هزار و هشتصد و سی و سه نفر از متمردین هلشتان محبوس شدند حکومت گراندوک میشل برادر دیگر
امپراطور بمملکت قفقاز (سوئد) ملاقات سلاطین سوئد و دانمارک (عثمانی) صدارت فواد پاشا و زائر تخارجه عالی
پاشا شورش در حلب دسیسه طاهر در روز در حوران خالد بیک ادای مالیات مضایقه دارد و دزدی و شرارت
را تا بدروازه امتداد میدهد افتتاح مجلس با لتین ملداوی و والاشی بدست پرنس کوزای والی جنگ عمر پاشا با
اهالی فراداغ مجلس کنفرانس از دول در اسلامبول تشکیل میشود و اصلاح میان عثمانی و سربی میکنند معاهده
تجارتی عثمانی با روس و با اغلب دول فرنگ والی مصر سعید پاشا بسیاحت فرنگ میرود در حضور هز مجمع البحرین
اهتمامی کامل بعمل میاورند و علمیات جدا مشغول کار هستند (فرانسه) مواجب شهزاد منلبان سردار فرانسه
که در چین فتوحات کرده بود به پنجهزار تومان مقرر شد که مثلا بعد نسل باولاد ذکور او داده شود ایجاد مالیات
جدیده علاوه بر معمول بر کاسکه و اسپ و نمک غدغن اکید بود از اکه علاوه بر مواجب و مرسوی که هنگام وزارت مقرر است
خرج نکنند در مجلس وکلا از فشون کنتو بسمت مکزیک گفتگو شد وکلای دولت جواب دادند که مقصود از فرستادن
بقای نام وحفظ آبروی فرانسه است و قراری در نخواهی که اهالی مکزیک استقراض از اهالی فرانسه نمودند ملقب
شدن مسیو دمرنی بلقب دوک (دوک بمنزله امیرالامراست) نصب دروان دلوئیس بوناپارت بخارجه (یونان) شورش
در پنلی که فوج خانه دولت انجا واقع شده است جنگ فشون دولتی با یاغیان شورش در اغلب نقاط مملکت بر ضد
سلطنت شورش بر ضد خانواده سلطنت اجتماع مردم بر عزل پادشاه که از شاهزاده ها باو پیوسته اند انجا فشون
باشورشیان استعفای پادشاه اتن از سلطنت ایجاد دولت موقتی خزانه دولت خالی است انقلاب
اغتشاش در جمیع نقاط فشون بی نظم و بی سردار افریقا در سودان مرکزی جامی عمر که در سنگال فرانسه ها او را
دوانیده بودند مالک تنبکتو کارتا و تمام سواحل دو دینژر کردید جنگ سخت مابین پادشاه دهمه و پادشاه
ابوکوتاه امریکا (اتاونی) جنگ مابین با لتین شمال و جنوب در کالیفرنیا شدید بود ذا یالات کادلین و فرد ریخ
علی الخصوص بعضی از یالات جنوبی برضد ابراهیم لنکلن رئیس
نه ایستاده بودند رئیس مزبور غلامها انها را آزاد و بکمیابی باسم خسارت با نها عوض داد جنگ سختی که معروف شد
بجنگ پیرس بورگ در حوالی شط میسی سیپی فتح شمالی در این جنگ فتوحات بعضی قلعجات
شمالی بدست جنوبی شکست یافتن عساکر شمالی در نول آن کلان نسبت بتبعه هلاند انکلیس و فرانسه کمال بی
احترامی و صدمه از عساکر جنوبی وارد میاید و تا آنزمان که بکمیال از ابتدای جنگ گذشته بود شمالی به نها
سیصد و پنجاه کرور تومان ایران مخارج کرده بود ایجاد راه آهن از سان فرانسیسکو بکالی فرنی (برزیل) نقار
با دولت انکلیس که بعد مبدل بصلح میشود (مکزیک) عساکر انکلیس و اسپانیا و فرانسه که باهم متفق بودند در مسئله
تغییر وضع دولت مکزیک بنا بنی مابین سردارهای دول ثلاثه پیدا شد با اینکه ژوارز رئیس جمهوری مکزیک در همان

تتمه
وقایع سنوات اسپانیولی در خاک مکزیک آمده بودند بالنسبه بر عایای اسپانیولی کال تعدی را نموده دوکرور تومان از آنها جریمه گرفته و باتمام جزئی جمعی از آنها را بقتل رسانیدند باوجود این سردار اسپانیولی ژنرال پرپنا نفاق با سردار فرانسه را مصلحت ندیده تنها قشون فرانسه را در محصر انداخته دوچار مجادله باژدار بتنهائی نموده سرداران اسپانیول وانگلیس بکشتی نشسته باوطان خود مراجعت نمودند و از آن ببعد دولت فرانسه مصمم براین شد که جمهوری مکزیک را دولت امپراطوری نموده ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بر تخت سلطنت مکزیک جلوس دهد

سنه ۱۲۷۹ هجری — سنه ۱۸۶۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال نغز بهاری دولتی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد جناب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه باعطای یکرشته شهابی مرصع بجواهر ثمینه نایل گردیدند خاقان صاحبقران در این بهمن رحمت الله خان ساری اصلان واگذار شد یکصد باب کارخانه شال بافی در شیراز و شصت باب در یزد دایر گردید ضیاء الملک وزیر عدلیه اعظم والد مؤلف بلقب جنابی سربلند گردید جناب ظهیر الدوله محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی حاکم استراباد و شاهرود و بسطام و غیره بیکقبضه قمه مرصع مباهی آمد حکومت بندر بوشهر باحمد خان نوائی مفوض شد میرزا حسین وزیر سابق دار الخلافه بمنصب استیفا نایل گردید میرزا محمد ولد میرزا بابای حکیمباشی بمنصب استیفا و میرزا علی برادر معزی الیه بمنصب لشکرنویسی برقرار گردیدند بعضی از دیگر سفیدان تزلکه سارق و سالور با بعض اقدس خدمت نواب حسام السلطنه والی خراسان آمده برحسب استدعای خود شان داخل در نوکر و سواره خراسانی شدند موکب همایون عزیمت کجور فرموده و از کجور بسیاحت کنار دریای مازندران روانه شده از راه بلده نور و کلار معاودت بقصبه بنا ورزان فرمودند جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر مختار مقیم دربار عثمانی بیکقطعه نشان نمثال مبارک مکلل بالماس مفتخر گردید ضیاء الملک والد مؤلف وزیر عدلیه عظمی بلقب نبیل اعتماد السلطنه ملقب آمد حاجی میرزا محمد خان دبیر مهام خارجه بوزارت وظایف و اوقاف کل ممالک محروسه سرافراز شد و میرزا علیخان ولد معزی الیه (جناب امین الدوله) بنیابت اول وزارت امور خارجه برقرار گردید خط تلگراف از دار الخلافه تا کیلان امتداد یافت روز بیست و یکم محرم در استراباد از سمت قبله ابری ظاهر شده بزمین می آید بعد هوا صعود میکند و در بین صعود صدائی مهیب از آن بسمعها میرسد و پس از یکساعت از هم پاشیده آتشی از آن نمایان میگردد و آن روز هوای استراباد بطوری گرم میشود که اغلب از گرما بیحال میشوند جناب مستوجردی وزیر مختار دولت ایطالیا با نشان دوجبره اول سلطنتی از دولت برای اهدای حضور همایون این اوقات وارد دار الخلافه شد میرزا قهرمان مستوفی نظام آذربایجان بیکقطعه نشان از درجه سیم سربلند و ریاست فوج لشکر آذربایجان سرافراز شد محمد رحیمخان سرتیپ سواره ایلات قزوین بمنصب سرتیپی اول مفتخر گردید حاجی قوام الملک شیرازی بیکقطعه نشان از درجه اول امیر تومانی با حمایل آن سرافراز شد آقا محمد ابراهیم معمار باشی بیکقبضه کارد مرصع و لقب خانی نایل گردید محمد اسمعیل خان وکیل الملک در معابر کرمان و شهر و بلوک باط و حمامهای خوب و کاروانسرا و بازار بنا کرد این اوقات ایام هفته را بشش قسم کرده در هر روزی ذات ملکوتی صفات مقدس بعرایض یکی از وزرا رسیدگی میفرمایند میرزا هدایت شیر مرحوم نصیر الملک بمنصب مستوفیگری سرافراز شد میرزا اسدالله از اجزای وزارت علوم بنیابت حکومت ملایر و توپسرکان و لقب خانی سرافراز شد میرزا احمد ابراهیم پسر مرحوم میرزا احمد استرابادی بمنصب لشکرنویسی و دوبیست تومان مواجب نایل آمد محمد اسمعیل خان وکیل الملک باعطای یکقطعه نشان نمثال همایون مفتخر گردید حاجی

میرزا علی بیشخدمت بلقب مشکوة الملک ملقب شد جهانگیر خان سرتیپ توپخانه مرحمت شد حاجی علیقلیخان نایب اول اجودان مخصوص بریاست قورخانه مبارکه سرافراز گردید علیقلیخان نایب اول اجودانباشی بیکقطعه نشان از مرتبه سرتیپی و حمایل آن مفتخر گردید علیقلیخان سرهنگ (جناب مخبر الدوله) که در امتداد سیم تلگراف کبلان خدمت کرده بمنصب سرتیپی سیم و دویست تومان اضافه مواجب سرافراز شد نواب حاجی محمد ولیمیرزا بمنصب وزارت دارالشورای کبری سرافراز گردید بنده مؤلف بمنصب شتر اجودانی و تشریف همایون سربلند آمد جناب ناصر الملک مشیر خاص حضور همایون بر سم وزیر مختاری مأمور بافامت دربار دولت انگلیس شد امان الله خان سرتیپ بمستشاری سفارت مزبوره و بیکقطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با حمایل آن فرین افتخار آمد محمد مهدیخان سرکشیکچی باشی بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز شد عبد العلی خان ادیب الملک بیشخدمت خاصه محکومت نائم مفتخر گردید سواره مقدم مراغه سپرده بحسام الدوله شد ابو الفتح خان پسر مرحوم عبد الحسین خان جوانشیر بمنصب سرهنگی فوج اول خاصه سرافراز گردید محمد باقر خان ولد محمد خان امیر توپمان لبر تیپی سیم و فوج جدید و قدیم قزوین برقرار شد باقر خان که در کارخانه شماعی خدمات کرده بود بمنصب سرهنگی مفتخر شد نواب علیقلی میرزا ولد نواب عماد الدوله ملقب بصارم الدوله کشت و باعطای یکقبضه شمشیر کل مرصع او را مفتخر فرمودند جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان بیکقطعه نشان امیر توپمانی و یکرشته حمایل آن سرافراز شد میرزا احمد خان ساعد الملک ولد مرحوم امیر ارتباب اعظم باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز گردید در کارخانه شماعی دار الخلافه چند هزار شمع در کمال خوبی بسبک شمعهای فرنگی میریزند این اوقات کتابچه دستور العملی بحکم همایون برای تعیین تکالیف و انتظامات و ترتیبات مأمورین بوانخانه عدلیه عظمی نوشته و صدر آن موشح بدستخط همایون شد حاجی رجبعلیخان سرتیپ سیم توپخانه بمنصب سرتیپی دوم توپخانه برقرار گردید حاجی آقا بابای حکیمباشی بلقب ملک الاطبائی و بیکقطعه نشان از درجه دوم سرتیپی با حمایل آن سرافراز گردید میرزا ابو الحسنخان صنیع الملک باعطای بیکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن مباهی آمد معدن فیروزه در نزدیک ساوه با هتمام حاجی علی اکبر امین معادن پیدا شده که فیروزه آن در کمال صفا است کلیه عمارات مبارکات دولتی را بحاجی محمد خان حاجب الدوله سپردند محض مزید نظم و انتظام امور فشون دستخطی مبارک بافتخار جناب سپهسالار شرفصدور یافت جناب سپهسالار را باعطای بیکقطعه کلکر مکلل بالماس مفتخر فرمودند صبح شنبه غره شهر شوال المکرم نیمساعت بطلوع آفتاب مانده نیر اعظم از برج حوت بمجمل بخویش نمود و سلام خاص و عام در پیشگاه حضور مبارک منعقد گردید پاشاخان امین شورای بیکقطعه نشان از درجه امیر توپمانی مفتخر گردید حاجی میرزا عبد الله خان مستوفی بیکقطعه نشان سرتیپی سرافراز شده و حکومت همدان را نیز بعهده او واگذار فرمودند تراکمه متمرده استراباد تنبیه کامل شدند کلب حسینخان امین نظام بریاست قشون خراسان و سرتیپی اول سرافراز شد محمد باقر خان سرهنگ بمنصب سرتیپی سیم نایل گردید میرزا عبد الرحیم خان کارپرداز اول مقیم تفلیس بمنصب شارژدافری و اقامت دربار دولت روس مفتخر گردید برای مراکب مجرتبه تبعه دولت علیه وضع علم مخصوصی نمودند که اسباب امتیاز و تشخیص آنها باشد حکومت استراباد و مازندران را بعهده کفایت عین الملک خواهرزاده واگذار فرمودند و محمد علیخان برادر معزی الیه بنیابت حکومت میرزا مصطفی خان بهاء الملک بمباشری امور مازندران سرافراز شدند و ستعلیخان معیر الممالک را باعطای بیکقطعه نشان از درجه امیر توپمانی قرین مفاخرت فرمودند میرزا رضای مستوفی خاصه پسر معین الملک بیکقطعه نشان سرتیپی با حمایل آن سربلند آمد نواب حسام السلطنه

حکمران خراسان که بجهة بعضی عرایض لازمه ببلاد الخلافه آمده بمجلس حکمرانی خود معاودت نمود حضرت شاهنشاده امجد والایمین الدوله (ظل السلطان) دام اقباله بحکمرانی مملکت فارس منصوب و ظهیر الدوله بوزارت حضرت معظم الیه مفتخر گردید حیدر قلیخان ایلخانی و حکمران بجنورد بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سرافراز آمد امیر حسنخان ایلخانی زعفرانلو بخدمت تنبیه و تادیب مهراشرار تراکمه خراسان بیکقبضه شمشیر کل و کرملک مرصع مباهی شد محمد علیخان ایلخانی فارس بیکقطعه نشان تمثال همایون مکلل بالماس سربلند گشت حاجی قوام الملک بمنصب متولیباشی گری آستانه حضرت ثامن الائمه علیه السلام و لقب جنابی مفتخر گردید میرزا عبد الله خان مشیر حاکم همدان ملقب بعلاء الملک شد نواب الامعتمد الدوله حکمران عربستان و لرستان بیکقطعه نشان تمثال همایون مباهی گردید و سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه رئیس دیوان نظامی لرستان بیکقطعه نشان از درجهٔ اول سرهنگ نایل آمد جلال الدین میرزا پسر مرحوم احتشام الدوله ملقب باحتشام الملک شد و آیات ملایر و توسرکان را بنواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم واگذار و مالیات آنجا را از بابت مخارج و مصارف مدرسه دار الفنون مقرر فرمودند چراغعلیخان سراج الملک بمنصب بیکلربیکی گری و ریاست دیوان نظامی اصفهان برقرار گردید (افغانستان) فوت امیر دوست محمد خان در بهار نصیب امیر شیر علیخان ولد امیر مرحوم بجای پدر نگار مابین امیر شیر علیخان و برادر او محمد شریفخان جنگ داخله و شورش در هرات و کابل (چین) شانیانو سردار چینی که با باعنها در جنگ بود متهم باین شد که شلکنی که یافته است از راه خیانت بوده و با وجود خدمتهای چندین ساله که بدولت کرده بود او را محبوس نمودند و حکمی با وصادر شد که در حبس خود را بکشد و بعد از صدور این حکم او خود را بدست خود کشت بنیاد یک کلیسیا کاتولیکی در شهر کانتن (ژاپن) نهادند نامه از انگلیس باینجا رسید که استرضای قتل جمعی از انگلیسها در ژاپن بی فایده میماند امرای انگلیس یکی از شهرهای ساحل کانتن را بضرب گلوله توپ منهدم میسازند (ماچین) وبای سخت در هوگه امروپا (اسپانیول) ژان پسر دن کارلس از بلاد ملکه اسپانیول را شناخته و حقوقیکه بدو رشوطایفه اش در سلطنت اسپانیول داشتند ژان دست از آن حقوق میکشد زلزله سخت مابین که مورث خرابی بنیاد شد نزاع مابین سپاهها و سفید هادر هابتی باعث هایتی را در هابتی سوزانیدند (المان) اتفاق آرا در ایجاد مجلس پارلمنت واحد در تمام مملکت ملاقات امپراطور اطریش و پادشاه پروس در گاستین در سر حد اطریش و تکلیف کردن امپراطور اطریش پادشاه پروس را بیک مجلس شورائی مرکب از سلاطین و ولات المان در فرانکفرت منعقد شود که در این مجلس حل و عقد امورات کلیه المان بشود پادشاه پروس قبول حضور آنمجلس را نکند لیکن مجلس مزبور در اواخر تابستان این سال منعقد شده سلاطین جزو باوزرای خارجه که دارند حضور بهم میرسانند این مجلس آنطوریکه مقصود بود فایده نبخشید افتتاح مجلس پارلمنت پروس کرد در تابستان امسال شد و از مضمون خطبهٔ که در افتتاح این مجلس مسیو بیزمارک صدر اعظم قرائت کرد معنی صلح و سلامت مفهوم نمیگردد در پروس بواسطهٔ تباین رایکه مابین مسیو بیزمارک و وزرا و وکلای ملت است مجلس وکلا عزل شده وکلای جدید منصوب میشوند افتتاح مجلس جدید را اعلیحضرت پادشاه پروس بشخصه خود استقراض وجه معتدبه برای هزینهٔ جنگ در مملکت پروس بر هندا مارک (انگلیس) از مخارج وزارت جنگ ده کرور لیره کسر میشود توپ جدیدیکه آدم اس ترنگ نام اختراع کرده بود دولت قبول میکند جنگ در تونکن لاند با طایفه مالایو مالیات دولت بواسطه تریاک و نمک در هندوستان زیاده از سال قبل است در هندوستان فی شکر و پنبه را آفت

سلطنت اسپانیا

ملح جوا رکی ضرر زیاد رسانیده است این ملحها از سمت سند آمده و بیشتر از زراعتهای سواحل رودخانه کنک را خراب کرده اند جنگ دولت با طایفه کوهستان لاهور نصیب سپرژان لاورانس بفرمانفرمای هندوستان فوت حاکم سابق لرد الژن ایجاد راه آهن در پنجاب شهر لندن (پرتوغال) ترک قتل مقصر بن یعنی دولت از این ببعد اشخاصی را که واجب القتل هستند بقتل نمیرساند بلکه بجای قتل حبس مؤبد میکند (دانمارک) در دانمارک ولیعهد آن دولت فردریک فردیناند عموی پادشاه بدون وارث فوت میکند و بفاصله چندی پادشاه دانمارک فردریک هفتم بسن پنجاه و پنج سالگی پنروفات مینماید کرهستان هم که از اقوام دور پادشاه مزبور بود بجای او جلوس میکند پادشاه تازه چهل و پنجسال داشت یکی از عمهای ایشان زوجه ولیعهد دولت انگلیس است و پسر بزرگ ایشان ژرژ اول پادشاه یونان میشود شورشی در ایالت هلستن که مجزی از دانمارک بشود دولتین پروس و اطریش هفت روز بدانمارک مهلت میدهند که عساکری که بجهة تنبیه باغیان هلستن فرستاده احضار نماید والا شروع بجنگ خواهد شد (روس) شورش در لهستان نه تنها در ورشو بلکه در سایر شهرهای دیگر نیز قطع سیم تلگراف و خط راه آهن شورشیان ریاست خود را به مجلس اقتصادی واگذار میکنند دولتین پروس و روس معاهده میکنند که باغیهای لهستانی اگر بخاک پروس پناه ببرند عساکر روس تخلی نموده در خاک پروس آنها را تعاقب نمایند نوشتجات سخنی که دولت فرانسه بدولتین روس و پروس در باب قضیه مینویسد بفایده نمیماند صدور فرمان امپراطور روس که هرکس در ظرف بیست روز از باغیان اسلحه خود را زمین گذاشته قبول خدمت کند دولت روس از جرم و جرم او خواهد گذشت فراریهای لهستان که بایطالیا و فرانسه رفته بودند بوطن مراجعت نموده با باغیان شریک و همدست میشوند فی الواقع جمیع لهستان در شورش است ژنرال برک سردار روس مامور تنبیه اشرار است و هم چنین ژنرال مراویف و جمعیت زیادی که از بحبا و کشیشها و کسبه و غیره که در زمره باغیان بودند و سرداران مزبور آنها را بچنگ آوردند با فی المجلس کشتند یا بسیبری بحبس فرستادند حکم امپراطور روس باحضار قشون زیاد که تقریبا سیصد هزار باشد برای دفع باغیان ژمستان قطع جنگ نکرد کراندوک قسطنطین برادر اعلیحضرت امپراطور روس که نیابت سلطنت لهستان او را بود خود را از این خدمت معاف میدارد ژنرال برک مستقلا از طرف اعلیحضرت امپراطور روس فرمانفرمای لهستان میگردد در تفقد از محتشر شورش در میان طایفه لزگی سفاین جنگی روس در این سال صد و بیست و دو فروند است که در آن کشتیها دو هزار و دو بیست و چهل و شش توپ و بیست هزار و یا نصد نفر قشون بحری بودند (عثمان) اعلیحضرت سلطان از وزرای خود در مسایلی که راجع بسربستان و قرابانغ بود نارضائی حاصل نموده تغییر و تبدیل کلی در دایره وزرا داده شد فؤاد پاشا از صدارت عزل و در مجلس شورای وزرا مالیه گردید ولیکن بعد از دو ماه باز بصدارت منصوب شد فوت سعید پاشا والی مصر در ژمستان و نصب اسمعیل پاشا برادرزش بجای او سفر سلطان بمصر در بها راول بحر بر کنا بحر جمع ذخیره دولت در این سال که مالیات دولت را غیر از فروعات شصت و نه کرور و دو صد هزار تومان معین کرده اند و مخارج را شصت و هشت کرور و دویست و شصت هزار تومان (فرانسه) ورود سفرای انام ماچین بپاریس افتتاح مجلس دارالشورای در فرانسه جنگ عساکر فرانسه در حوالی شهر فوابلای مکزیک با هواخواهان ژوآرز رئیس جمهوری مکزیک و فتح این شهر بدست ژنرال بازن و ورود سردار فرانسه بمکزیکو پایتخت مکزیک و فرار ژوآرز با ششصد هزار قشون بسانلوی مجلس شورای مکزیک که تازه در مکزیکو پایتخت تشکیل یافته است بالاتفاق ارشیدوک ماکسیمیلین برادر امپراطور اطریش را بامپراطوری خود منتخب مینمایند و در این مجلس ذکر میشود که چنانکه

مشار

مشارالیه قبول سلطنت ایشان را نمایند هرکه را امپراطور فرانسه انتخاب کند آنها با اتفاق او را قبول خواهند نمود (یونان)
دول فرنگ درصدد تعیین پادشاهی از برای یونان هستند و بچند نفر از شاهزادگان المان که تکلیف کردند
آنها را نمودند بالاخره رژژ پسر دوم لیعهد دانمارک که در اینوقت هفده ساله بود قبول نمود و سلطنت یونان
باسم ژرژ اول برقرار شد مشروط که خود و اولادش بعد از این طریقه و مذهب یونانی را اختیار کنند با وجود
تعیین پادشاه باز در آن فرقه مختلفه در شورش و باهم مشغول منازعه میباشند در این مورد دولت انگلیس
وعده میدهد که بعضی جزایر یونان را که در تصرف داشت بدولت جدید یونان رد کند پادشاه تازه یونان
بلندن رفته از آنجا بپاریس و از آنجا بوینه بعد با تن پای تخت یونان ورود میکند **افریقا** (ماداگاسکار) شورش
اهالی بر ضد رداو خواص پادشاه و بعد از چندی قتل پادشاه و نصب و جبر اشتجای او **امریکا** (اناتونی)
جنك با ایالات جنوبی با شمالی در کمال سختی است اگرچه فتح غالبا با عساکر شمالی است لکن هنوز نتیجه که فایده از آن بر
دارند حاصل نشده ژنرال گران سردار شمالی دو سه قلعه معتبر از جنوبیها بزور اسلحه گرفته و متصرف شده است لکن
رئیس جمهوری اناتونی که حالا بواسطه این اختلاف که در میان شمالی و جنوبی است فقط ریاست ایالات شمالی را دارد
حکم باحضار صد و بیست هزار فشون علاوه بر فشون معمولی خود میکند دولت فرانسه در صدد میانجیگری است که
در میان ایالات جنوبی و شمالی اصلاح نماید لکن وساطت ایشان دولت بی فایده میماند (برزیل) برزو بای سخت
در اغلب ممالک برزیل

سنه ۱۲۸۰ هجری — سنه ۱۸۶۳ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال امور ملك و مملکت بتوجهات خاطر خطیر همایون قرین انتظام کامل است حکومت
لرستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشاهان و نهاوند نموده بنواب عماد الدوله واگذار فرمودند حکمرانی عربستان را
بنواب حشمة الدوله تفویض داشتند عبدالعلی خان ادیب الملك حاکم قم بکفطعه نشان از درجه سیم سرتیپی با
حمایل آن سرافراز شد آقاخان پسر مرحوم عبدالصمدخان افشار بمنصب سرتیپی سیم و ریاست پوانخانه مازندران
نایل گردید عسکرخان سرهنگ سرپرست امنا دومی و سلمان بمنصب سرتیپی سیم سرافراز شد نظر باتحاد دولتین
ایران و عثمانی از جانب دولت علیه باسمعیل افندی نایب اول سفارت عثمانی نشان دوم از درجه شیر و خورشید
مرحمت شد تبیه و تدمیر تراکمه سالور و سارو و قه که بقصد دستبرد بمرو و خراسان آمده بودند موکب همایون
شهریاری در ماه صفر تشریف فرمای نور و کجور شد میرزا هاشمخان امین خلوت با عطای یکقطعه نشان تمثال
همایون هکلن بالماس سرافراز و میرزا محمدخان پسر مشارالیه بمنصب نیابت ریاست خلوت برقرار آمد ریاست امور
نظامی عربستان بعهده عبدالله میرزا زنگنه اجودان واگذار شد حاجی محمدبیک مقدم چی باشی با عطای یکقطعه
نشان شیر و خورشید از درجه سرهنگی سرافراز آمد حبیب الله خان تنکابنی (ساعدالدوله) بمنصب سرتیپی اول
مفتخر گردید عمارات مبارکات سلطنتی دارالخلافه را حسب الامر مرمت نموده بر صحت و نزهت آنها افزودند میرزا
احمدخان ساعدالملك سرتیپ اول بریاست امرتومانی سرافراز گردید آقاخان سرتیپ اول بسرتیپی دو فوج مراغه
مباهی آمد محمدحسینخان صدرالدوله ایشیك آقاسی باشی حضرت اعظم والا و لیعهد دولت علیه ایران بیك
قطعه نشان و حمایل سرتیپی سرافراز شد محمدعلیخان برادر عین الملك بمنصب یکسرتیپی کرمانشاهان قرین افتخار
گردید حضرت اکرم والا نایب السلطنة العلیة چون در قواعد نظامی درجه کمال را یافته اند در نظام دارای

منصب

منصب سرهنگی از درجهٔ اول گردیدند محمد مهدیخان کشیکچی باشی باعطای یکقطعه نشان امیر تومانی و یکرشته
حمایل آن مفتخر گردیدند امیرزاده انوشیروان میرزا از نژاد اجودان خاصه بسرتیپی فوج سربند عراق سرافراز شد
نواب الامعتمد الدوله را در جزو اجزای محترم دارالشورای اکبری منسلک فرمودند محمدقلیخان شاطر باشی بیک
قطعه نشان درجهٔ سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز آمد محمدقاسمخان والی کبلان باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون
قرین افتخار آمد جعفرقلیخان سرتیپ اول بمنصب امیر تومانی نایل گشت در دارالخلافه باهره در خارج دروازهٔ دولت
در جنب میدان مشق جبه خانه بسیار خوبی بنا نمودند میرزا طاهر سررشته دار کاشانی بمنصب استیفا دفتر نایل گردید
از ولایات ممالک محروسه باشاره علیه سواره رد بفاخذ و انتخاب شده و میشود حشمت خانرا بمنصب سرتیپی
توپخانه سرافراز کردند سیم تلگراف از سرحد از سرتاسر بوشهر امتداد مییابد حاجی محسنخان سرهنگ مستشار
سفارت دولت علیه مقیم پاریس بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل این رتبه سرافراز شد و روز دهم جمادی
الثانیه امسال باتفاق سنه مؤلف کرد را بتوقف بنیابت دویم سفارت برقرار شده روانه پاریس گردید یم نواب
عمادالدوله بیکتوب جبه برزمه شمسه مرصع مخلع و امیرزاده صارم الدوله ولد نواب معظم الیه بپاداش تنبیه طایفه
سکوند لرستان بیکقطعه شمشیر براق مرصع نایل آمد آقا رضای پیشخدمت حضور همایون بلقب عکاسباشیگری
سرافراز گردید و صنعت عکاسی در این عهد همایون در ایران خیلی رواج و ترقی یافت محمد امین السلطان جناب حاجی میرزا
حسینخان وزیر مختار دولت علیه مقیم دربار عثمانی با میرزا حسن نایب دویم سفارت از اسلامبول بدارالخلافه
طهران آمده مورد مراحم خاصه ملوکانه گردیده در سلک اجزای دارالشورای اکبری منسلک گردید و میرزا حسن نایب
دویم سفارت بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سیم و لقب خانی و نیابت اول سفارت و دویست تومان
اضافه مواجب سرافراز شد و میرزا حسین کاردار اطرا بزن بلقب خانی و بژنرال قونسولی سرافراز آمد همدر این سال
نظر بکمال وداد و اتحاد بین دولتین علیتین ایران و عثمانی از جانب اعلیحضرت همایون بیکقطعه نشان شیر و خورشید
مکلل بالماس گرانبها با حمایل آبی که از علایم اولیه خاصه سلطنتی است برای اعلیحضرت سلطان عبدالعزیزخان
سلطان عثمانی هدیه و انفاذ فرمودند و برای جناب فواد پاشا وزیر جنگ و صدراعظم عثمانی و جناب عالی پاشا
وزیر امور خارجه آن دولت نیز نشان تمثال همایون مکلل بالماس ارسال داشتند و جناب حاجی میرزا حسینخان وزیر
مختار مجدداً با اجزای سفارت کبری روانه اسلامبول شدند میرزا محمدعلی سررشته دار توپخانه بمنصب لشکرنویسی
سرافراز گردید میرزا نصرالله مستوفی پیشکار اصفهان باعطای یکقطعه نشان اول سرتیپی و یکرشته حمایل
مفتخر شد میرزا مصطفیخان بهاءالملک وزیر مازندران و استرآباد بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز
آمد وزارت مالیه را مستقلاً بعهدهٔ جناب اجل آقای مستوفی الممالک واگذار و ایشانرا مخاطب بوزیر مالیه
فرموده در مجلس شورای دولتی قلمدانی که محبرهٔ آن مکلل بالماس بود از جانب سنی الجوانب بجناب معزی الیه مرحمت
شد عین الملک خوانسالار و حکمران مازندران و استرآباد بمنصب ایلخانی گری و ریاست ایل جلیل قاجار سر
افراز گردید از خط سرحد خانقین تا دارالخلافه نیز شروع بکشیدن سیم تلگراف شد غلامحسین خان پسر علیقلی
خان نایب اول اجودانباشی بمنصب نیابت اجودانباشی سرافراز آمد جناب فرخ خان امین الدوله باعطای
یکقطعه نشان امیر تومانی قرین مفاخرت گردید جناب میرزا زین العابدین ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم امام
جمعهٔ دارالخلافه بمنصب امام جمعگی دارالخلافه برقرار شده باعطای یکقبضه عصای مرصع قرین مباهات

آمدند

آمدند وجناب میرزا مرتضی عموی جناب معزی الیه ملقب بصدر العلماء گردیدند چون جناب محمد ناصر خان ظهیر الدوله ایشیك آقاسی باشی اغلب در ایالات ممالک محروسه مشغول انجام خدمتی نزدیک میباشد ایشیك آقاسی باشوکری را بامیر اصلانخان مجد الدوله مرحمت و بیکقبضه عصای مرصع و خلعت هایون ایشانرا سربلند فرمودند جناب مسیو کرمر که بسمت وزیر مختاری و ایلچیگری از جانب دولت روس ماموریت اقامت دربار دولت ایران شده بود در روز چهاردهم رجب وارد دار الخلافه گردید میرزا محمد علیخان کارگذار خارجه فارس با عطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول سرهنگی با حمایل آن مباهی شد محمد علیخان بیکلربیکی و حاکم استراباد بپاداش شایسته اشرار ترکمه یموت بیکقطعه نشان از درجه اول سرهنگی سرافراز شد و بعد ها جعفر قلیخان امیر تومان مامور شد که بوجه اکمل طوایف طاغیه را تنبیه نماید نواب حشمة الدوله حکمران عربستان و بختیاری بیکطوق و کمکل بالماس بپاس امتیاز قرین مفاخرت آمد اعتماد السلطنه وزیر علیه عظمی والده مؤلف بیکقبضه عصای مرصع سربلند شد حاجی رحیمخان پیشخدمت خاصه بمنصب جلیل صندوقداری و رختداری ملبوس مبارک برقرار و بیکقطعه کمر الماس و یکثوب جبه ترصیع سرافراز گشت آقا علی پیشخدمت خاصه حاکم ولایات ساوه و اویل شاهسون بغدادی بیك طوق و کمکل بالماس مباهی گردید محمد الدوله به پیشکاری اصفهان و میرزا محمد قوام الدوله به پیشکاری فارس مامور شدند میرزا صادقخان کارگذار خارجه سابق کیلان بکارگذاری خارجه استراباد مامور شد برای نظم کلیه سرحدات استراباد اردوئی تجهیز کرد کی جناب میرزا محمد خان سپهسالار کل عساکر منصوره نظام و غیر نظام مامور آنسامان گردید و جناب معظم الیه را با عطای یك دستار ترمه اصطبل مبارك بازین و یراق مرصع مفتخر فرمودند و جعفر قلیخان امیر تومان که مامور تنبیه اشرار ترکمه طاغیه آنصفحات بود تدبیر کاملی از اشرار آن نواحی ننمود در جناب سپهسالار پاشاخان امین سوری و محمد خان امیر تومان مامور فشون رسید که میباید میرزا محمد حسین دبیر الملك با عطای یکرشته شرابند کاغذ مرصع سرافراز گردید آفریطرف از دار الخلافه تا کنار بحر خزر که از کوه البرز بگذرد و از آنجا بکنار دریاچه که سی و دو فرسخ مسافت دارد چون راهش خیلی سخت و صعب بود بامر دولت مسیو کاستیکر مهندس نمساوی در کمال خوبی شروع بساختن نمود صادقخان پوز باشی برادر شهاب الملك با عطای منصب سرتیپی از درجه سیم سرافراز شد (چین) غدغن سخت در بنادر چین که کشتیهای انا ئونی نیکه دنیا عبور نکنند چینی ها بعساکر فرانسه ملحق شده با عنهای تای پیك را شکست دادند شهر نانکن را که مرکز با عنها بود فشون زیاد چینی فتح کرد (ژاپن) عهدنامه با هلاند و سوئد و بخارا با این دولت با دول فرنك و نیکه دنیا با مضا میکاد که پادشاه روحانیست و حقیقت سلطنت با او است امارتی نمیشود و طیقون پادشاه جزیره ایکه که فی الواقع صدر اعظم مستقلی است بدون امضای میکاد نمیتواند عهدنامه را امضا نماید منازعه سفاپن جنگ انگلیس و فرانسه در جزیره نیفون که متعلق باین است و بعد از جنگ و شکست دادن شاهزاده که والی آنجزیره بود دول متحده معادل سه کرور و سیصد هزار تومان پول ایران بطور تر ضیه و خسارت از دولت ژاپن مطالبه میکنند امریکا (اسپانیول) چهل و چهار هزار ذرع راه آهن که وصل میکند راه آهن اسپانیا را براه آهن فرانسه از دره های کوه پیرنه امسال باتمام رسید و مسافر میتواند از پاریس بمادرید پای تخت اسپانیا مستقلاً سفر نماید (المان) فوت پادشاه باویر ماکسیمیلین دویم در سن پنجاه و دو سالگی و جلوس پیرش لوی دویم در سن هیجده سالگی فوت پادشاه وورتن برك کیم اول و جلوس پیرش شارل بجای او ایجاد تفنك سوزنی جدید در ملکت پروس

معروف بفشنك در بر كه بواسطهٔ اختراع اين تفنك اول اميد بفتح و غلبه برد شمن ميدهد سوء ظن و بظلمي
در مجارستان و در اغلب نقاط ممالك طرابش مسافرت امپراطور طرابش و شاهزاده گان خانواده سلطنت بمجارو نظم
دادن آنجا را بشخصه و كلاي ملت طرابش بدولت بي وفائي دولت پروس را اثبات ميكند كه چون جنال دولت پروس
بزرك شد نسبت بخداوند و منعم اوبنا بيداعتماد نمود (انكليس) تولد پرنس لبعهد در زمستان و رود كاري بالدي مملكت
انكليس با نشر بيانات كاملي كه براي او فراهم آوردند بطوريكه ولیعهد انكليس بمنزل او رفته او را ملاقات نمود ملت
انكليس ايرادها سخت بود زيرا كه فهمانده اند كه چرا در فقرهٔ دانمارك نسكوشكذ رانيده اند صد و پنجاه هزار نفر از عساكر
انكليس بواسطهٔ نرسيدن پنبه از بنكي دينا بيكار مانده اند از مهاجرين انكليس در ظرف اينسال نهانود و چهار هزار
و صد و چهل و هفت نفر با ثاوني نيكي دينا رفته اند انعقاد مجلس در ۲۱ در لاهور بتوسط سير لوريس فرمانفرماي هند
كه ششصد نفر از سلاطين هند و راجه و نواب و ولاة هند و افغانستان حتي از خوقند حضور بهم رسانيدند افتتاح
راه آهن از بمبئي بداخلهٔ هند ابتداي تلكراف بحري از خليج فارس كه سواحل هندوستان و عربستان را بهم وصل ميكند
چيت و پنبه كه از كارخانجات انكليس در ظرف اينسال بخارج برده اند معادل نود و يك كرور و بيست و شصت
هزار ليرهٔ انكليسي است و هر ليره معادل دو تومان و پنجهزار ايران ميباشد (ايطاليا) مسافرت گاري بالدي با دو
پسر خود با انكليس جنال بغير پاي تخت و نقل آن تورن بفلورانس نفار اشكار ما بين پاپ و دولت معاهده ما بين
پادشاه ايطاليا و امپراطور فرانسه كه دولت فرانسه عساكر خود را كه بحفظ سلطنت ظاهري پاپ در روم
گذاشته بود از اين تاريخ بعد از انقضاي دو سال بردارد و پادشاه ايطاليا متعهد است كه هيچوجه در صدد تصرف
روم و حدود معينهٔ سلطنت ظاهري پاپ برنيايد شورش و تغير اهالي تورن كه چرا بايد پاي تخت از آنجا عوض شود
دو روز دو شب قتل و غارت و جنك در تورن تغير اغلبي از وكلاي ملت ايطاليا بدولت فرانسه كه بچه جهة مانع
است كه دوصد جزو ايطاليا بشود (بلژيك) معادل يك كرور تومان پول ايران دولت بلژيك از اهالي مملكت خود
ماخوذ داشته كه بندر آنورس را محكم نموده قلعجات در آنجا بنا نمايد (دانمارك) نامزد نمودن پرنسس دگاردختر
پادشاه دانمارك را براي كراندوك نيكلا پسر امپراطور روس و ولیعهد اينده دولت (روس) شورش سخت و خونيزي
زياد در لهستان پناه ندادن دولت پروس و اطريش باغيهاي لهستان را كه دولت عابين دولتين روس و فرانسه
كه اهالي فرانسه باغيهاي لهستان را اغوا ميكنند جلوگيري دادن اغلب باغيهاي لهستان را بسبب بي وسياستي سخت باينها
نمودن پاپ در خطبه ها و موعظه ها نسبت بدولت روس سبب بد ميگويد بواسطه بيرحمي كه بلهستانيها ميشود
رعاياي لهستان كمال رضايت را از اعمال دولت روس دارند كه دفع شر ملاكين و بيجا و بي اعتدالي كه باينها ميشد شد
در ايالت قازان بعضي طلاب مدارس نسبت بد دولت بنماي شورش را گذاشته مقصرين قتل و تنبيه شدند طايفه
نهيليست كه طبقهٔ تازه هستند و بر ضد دين و دولت و نظم عقيده دارند سبب حرق شهر سامبر شد شد
طايفه چراكسه بواسطهٔ قحط و غلا شكايت آنها بروز كرده و روي داده هزار هزار دسته شده با اهل و الوس
بخاك عثماني پناه ميبرند در بين راه جمعيت بادي از آنها تلف ميشود فتوحات قشون روس در خوقند و فتح
شهر تخن از شهرهاي خوقند نامزد نمودن دختر پادشاه دانمارك را براي ولیعهد دولت روس اعانت باطني
دولت روس بدولت دانمارك (سوئيس) ايجاد مجلس معظمي در ژنو و حضور مامورين اغلب دول فرنك در
آنمجلس مقصود از انعقاد اينمجلس ايجاد بعضي از قوانين و قواعد لازمه است بجهة پرستاري و رعايت زخمداران

ومرضای فشون دول فرنگ که از هرطایفه و هر ملتی باشند که با هم درصدد مخاصمه و مقاتله برمیآیند (عثمانی) در
افلاق بغدان علاوه برحق معمول که دولت عثمانی قرار داده والی آنجا فشون میگیرد شورش و انقلاب در ایالت تونس نارضائی
رعیت از والی بواسطهٔ ایجاد بعضی مالیات فوق العاده برقرار داشتن دوازده هزار فشون همیشه زیر بیرق و بجهة
نرسیدن مواجب یا غیکری همین دوازده هزار فشون برضد والی شورش و انقلاب بجدی است که کشتیهای جنگی انکلیس و
فرانسه و ایطالیا بجهة حفظ تبعهٔ خود از شر اعراب در سواحل تونس لنگر انداخته اند طغیان رود نیل در مصر خسارات
زیاد بزراعت امتداد خط تلگراف از مصر به پیروت نیز امتداد خط تلگراف از بغداد بمبئی و از بغداد باسلامبول بغیر
اهالی بلغارستان از ورود طوایف چرکسه بایالت آنها و سکنی دادن دولت عثمانی اسطوایف را در این ایالت شورش
اعراب در بغداد و شامات قحطی پول در اسلامبول (فرانسه) حبس چهل نفر از اهالی ایطالیا که قصد قتل امپراطور
فرانسه را داشتند و نفرهٔ فرستادن فشون بمکزیک در مجلس پارلمنت فرانسه ایرادات سختی بدولت وارد آورده اند
ملاقات و لیعهد هلاند و لیعهد بلژیک با امپراطور فرانسه در قصر فونتن بلو و ملاقات پادشاه بلژیک در
ویشی آمدن وزیر جنگ پروس و دون در اردوی شالن نزد امپراطور فرانسه حکومت مارشال ماکماهون بالجزایر
شورش و یا غیکری بعضی شهرهای الجزایر بخصوص در میان قبایل عرب قحطی و کاومیری سخت در ماچین منصرف فرانسه
ورود سفرای ژاپن بپاریس فوت مارشال پلی سیه ملقب بدوک دمالاکف برقرار شدن ژنرال بازن سردار فرانسه
که در مکزیک بود بمنصب مارشالی فوت پیر معلم معروف علم موسیقی و فوت هاسر فیلوس جنگ مابین عساکر فرانسه
و ملت مکزیک بانهایت نشده برقرار است (هلاند) در جزایر سوماترا و برنئو زراعت شکر و تنباکو و قهوه زاید
الوصف بشده است برق و باد شدید در باتاویه (یونان) شورش در اغلب شهرها علی الخصوص در پای تخت نافرمانی اغلب
افواج فشون بضاجمنصبان که در بعضی شهرها ساخلو بودند انهدام قلعهٔ جزیرهٔ کرفو رفتن عساکر انکلیس از انجا و ورود
عساکر یونان و تصرف نمودن آنجزیره را دولت پروس و اطریش دولت جدید یونان را بسلطنت گرز اول شناختند و اهالی
و شرارت قاطعان طریق در اغلب نقاط بی پولی خزانه **افریقا** (مراکش) قتل و نهب طایفه بنی اسرائیل در اغلب شهرها
مراکش مراوده تجارتی اینولت با تمام دول فرنگ **امریکا** (اتاونی) رئیس جمهوری لنکلن یک کرور فشون از برای
جنگ با ایالات جنوبی حاضر مینماید جنگ سخت مابین ایالات شمالی و جنوبی جنگ بزرگ شش روزه که طرفین دو بست
و بیست هزار فشون در مقابل هم داشتند سردار شمالی ژنرال گراند و سردار جنوبی ژنرال لی با یکدیگر مخاصمه نمودند
و جمعیت بادی یکدیگر را دادند بدون اینکه ثمری ببخشد مکرر در سواحل رودخانه جمس مختصر شکستی بعساکر جنوبی
داده شد چون موعد پنجسال ریاست لنکلن منقضی شده بود در انتخابات پنجساله مجددا او را برقرار کردند ۷

(یعنی دریای جنوبی) در مملکت شیلی شهر لیما پایتخت بواسطهٔ زلزلهٔ سخت معلوم و مشهور مرکز کوه آتشفشان جدید ملبین شیلی و بولیوی مانند همه مابین دولت برزیل و اکوادور

سنه ۱۲۸۱ هجری — سنه ۱۸۶۴ مسیحی

آسیا (ایران) در این سال خاطر خطیر همایون متوجه کلیه امور و ترقی جمهور و آبادی ولایات و رعیت پرور
رعایا بود تعزیه داری و لئی در تکیه مبارکه سلطنت آباد میشود محمد ولیخان سردار کرمانی مامور سرداری قشون
خراسان بود بحکم ولیعهد باسرافراز گردید میرزا محمد علیخان وکیل فارس پسر حاجی قوام الملک بلقطعه
نشان از درجه دوم سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد اهالی قلعه ابرافشان از قلاع بلوچستان نظر باستحکامی که آن قلعه
داشت دم از خودسری میزدند محمد اسمعیل خان وکیل الملک ابراهیمخان سرهنگ بلوچ را با فشون مامور کرده
قلعه مزبوره را تصرف و خراب نمودند پاشاخان امین شوری ملقب بامین الملک شد شب ششم ماه صفر

عید مولود همایون را در تمام بلاد ممالک محروسه باشکوهی تمام گرفتند و سکانر اکه ککلان و بموت از بیم شوکت و باس سپاه منصور بچین کالیوش نزد جناب سپهسالار آمده طلب عفو و قبول ادای مالیات پیش افتاده خود را نمودند صندوقچه حساب الامر وضع و در مبدا ارک آنرا قرار دادند که هر کس عریضه بخصوص همایون دارد در آن صندوق بیندازد خانعلیخان سرتیپ بحکومت دارجزین و سرتیپی فوج مخبران فراکوزلو سرافراز شده دربرز بقاع مبارکه را مرمت نمودند میرزا احمد ابن مرحوم میرزا عبدالکریم شیخ الاسلام بشیخ الاسلامی دارالخلافه منصوب گشت محمد حسنخان پیشخدمت خاصه بحکومت کلپایگان و خوانسار برقرار آمد جناب سپهسالار با سرداران و سپاه ظفر همراه مشغول نظم حدود استراباد و تنبیه ترکمه هستند و فتوحات نمایان کرده اند آقا رجب منصب خانی البیگی حاصل سرافراز کردید عبدالعلیخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه بنیابت و زارت عدلیه عظمی مفتخر آمد راه مازندران را که مسیو کاستکر مهندس نمساوی مشغول ساختن آن بود با تمام رسید موکب همایون در ماه ربیع الثانی تشریف فرمای صفحات کجور و سواحل بحر خزر شدند دو راجحت از راه کلاردشت که راه مسیو کاستکر بآنجا تقاطع مینماید قطع منازل نموده در هشتم ماه جمادی الاولی ببلطف آباد نزول اجلال فرمودند در باچیر دریاچه در میدان توپخانه قدیم حسب الامر ساخته که همیشه چند سنگ آب از عمارات سلطنتی خارج و داخل دریاچه شده بساير محلات شهر میرود و تمام فضای این میدان حسب الامر عزسر اشجار و کلکاری میشود یک حلقه انگشتری الماس بیلیان بسپهسالار انفاذ استراباد فرمودند میرزا مصطفی خان بهاء الملک بوزارت دیوان عدالت منصوب کردید میرزا مصطفی وکیل لشکر یکقطعه نشان از درجه سیم سرافراز کردید جناب محمود خان ناصر الملک در بخارا مقیم لندن موقتا اجازه شرفیابی یافت در بارهمایون حاصل نموده میرزا سلیمانخان مستشار سفارت پاریس بسمت شارژدافری مقیم پاریس و بنده مؤلف بمنصب نیابت دویم سفارت خانه دولت علیه مقیم دربار دولت فرانسه خواهد بود سیم تلگرافخانه از طهران باستراباد کشیده شد نواب ملک آرا بحکومت بربرد و هوشنگ میرزا پسر نواب معزی الیه بنیابت حکومت رفت میرزا یوسفخان کارپرداز دولت علیه در حاجی ترخان یکقطعه نشان از درجه دویم سرتیپی و حمایل مخصوص آن سرافراز شد عزیزخان سردار کل پیشکار آذربایجان در چمن کاوکان که از بلوکات مراغه است دوئی مرکب از ششهزار نفر سرباز تشکیل داده که هر دو روزه مشغول تعلیم و مشق هستند حضرت شاهنشاهزاده والا ولیعهد ادام الله اقباله العالی هم در اردوی مزبور تشریف فرما هستند یکشب بنای نظامی سردشت چقه مرواريد از ملابس ترین پوشش مبارک با فتخار سردار کل انفاذ شد بعد از آنکه تمام حدود استراباد مصفا کردید بجانب سپهسالار بدارالخلافه باهره معاودت نموده شرفیاب حضور خاکپای مبارک گشته باعطای یکقطعه نشان اقدس مکلل بالماس با حمایل آن سربلند و مخاطب بخطاب سپهسالار اعظم کردیدند چون اغلب خطوط تلگرافی ممتد شده از بندر بوشهر الی سرحد خانقین بمعیت و استادی مهندس شامپین و سایر صاحبمنصبان انگلیسی باتمام رسیده و بهم وصل شده قرار دادند مهندس مشمل بچهار فصل بتاریخ شهر جمادی الثانیه باقتضا وزارت علوم و سفارت انگلیس بین الطرفین مبادله شده که صورت آن در نمبر جلد سیم مرآت البلدان موسیو بمباشر السلطان نگارش یافته است حضرت شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد الدوله حکمران فارس یکقطعه کل مرصع بالماس بیلیان مفتخر و در نظام بمنصب نشان سرهنگی مخصوص و میرزا محمد قوام الدوله پیشکار حضرت اسعد معظم الیه بخطاب و لقب جنابی سرافراز آمد میرزا عبدالوهاب مشوق کیلان بمنصب استیفای دیوان همایون برقرار آمد میرزا مسیح وزیر مازندران باعطای یکقطعه نشان سرتیپی با حمایل آن مباهی کشت قنات سابق بهبهان که شهر را مشروب میداشت و چند باب بروخراب شده بود بهتر خواه دولت ابروجاری

شد

شد بتاریخ بیست و چهارم شوال رای صوابنمای مُلوکانه بعضی تغییرات در امورات دولتی داده که حاصل آن استحکام وزارتخانهای ثلاثه عسکریه و مالیه و خارجه و بعلاوه تفویض مشاغل دولتی که راجع بنفس نفیس همایون بود بعهدهٔ کفالت و کفایت جناب سپهسالار اعظم بود و دستخطی آفتاب نمط حاوی اینمطالب بود شرفصدور یافت و بکتوب جبه ترمه و مروارید شمسه مرصع بجناب میرزا محمدخان سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند و جناب مشتوفی الممالک وجناب وزیر امور خارجه نیز هریک باعطای یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع و یکرشته شال ابریشم مکلل بالماس اختصاص یافتند حضرت شاهنشاهزاده اجل و الاجلال الدوله را از حکومت اصفهان احضار و بحکمرانی مملکت خراسان برقرار فرمودند ونواب مؤیدالدوله بکارگذاری مملکت خراسان مامور گردید حاجی رحیمخان صندوقدار باعطای یکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان که از اجله آقایان قاجاران دولت جاوید قرائت بحکومت مازندران برقرار گردید چراغعلیخان سراج الملک بریاست احتساب دارالخلافه مامور آمد میرزا حسن لشکرنویس مستوفی کرمی نظام سرافراز شد سررشته داری کُل معاملات خراسان را بعهدهٔ کفایت حاجی میرزا محمدرضا مستوفی دیوان اعلی واگذار فرمودند میرزا اسحق از اجزای وزارتخارجه باعطای لقب خانی و منصب کارپردازی حاجی ترخان سرافراز شد میرزا اسدالله خان نایب الحکومه ملایر و تویسرکان بنیابت عمو وزارت علوم و خطاب مقربالخاقانی مخاطب گشت چون پرنس کلنل از اقوام سلطنت که سمت صدارت داشت در مدت شش ماه مغضوب میگردد باعنکری سخت در سمت شمال چین قلعه ناکو که عساکر انگلیس و فرانسه کرهٔ خصارت (جلن) نگاهداشته بودند تخلیه مینمایند (ژاپن) سفرای انگلیس و فرانسه و هلاند و اتاتوی بطیقوت اصراری مینمایند که امضای عهدنامه کرده سال قبل از این دول مذکوره با ژاپن بسته اند از میکادو پادشاه حقیقی و دولتی مطالبه نماید و چون نمیدهد ثمری نمیبخشد سفرای مزبوره با سفاین جنگی خود شان بندر اوزاکا را مسکر قرار داده بزور اسلحه امضای عهدنامه مذکوره را مطالبه مینمودند طیقوت جمعی از نجبای اهل بلد را که از محارم میکادو مانع امضای عهدنامه بودند گرفته حبس نمود تا امضای عهدنامه مزبوره را گرفت و بعد از گرفتن آن سفرای دول مزاحمت بسفارتخانهای خود نمودند امپراطور پا (اسپانیول) بی پولی دولت در نهایت شدت استقراض اجباری از رعیت که سیکدورت رعایا شده است مملکه سه قسمت از چهار قسمت املاک خالصه خود را بملت واگذار مینماید که بفروشند و حاصل آنرا بقرض عمومی دهند شورش در مانند و در ایالت والاتین جلای وطن دادن ژنرال پرین و دو باده اورا احضار کردن مسافرت ملکه در ایالات شمالی و خوبند پذیرفتن رعیت او را و بای سخت در جزیره مادرید (المان) دولتین اطریش و پروس بواسطه تصرف ایالتین اسلشویك و هلستین که تازه از دانمارك گرفته اند با یکدیگر در مقام منازعه هستند پروس خیال دارد که تماماً را خود متصرف شود اطریش بواسطه بعد مسافت از مملکت خود چون نمیتواند تصرف کند باین خیال است که ایالتین مذکورتین را یکی از دول مستقله المان محسوب دارد پرنس فردریك شارل و ژنرال مالتکه از طرف دولت پروس برای قرار و مدار این فقره بوین پای تخت اطریش میروند کیل که یکی از بنادر ایالتین مذکورتین است بندر نظامی پروس میشود مسیو بیزمارك و ژنرال رون در مجلس شورای پروس بطور صراحت میگویند باید کیل در تصرف دولت پروس باشد و حفظ حدود و ثغور المان را دولت پروس از این سمت بنماید و دولت پروس را قصد این است حاصل که از دانمارك با اشراکه با اطریش برده بتمامه را خود متصرف شود و چون دولت اطریش تمکین باینمسئله نمیکند پروس رخنه می بیند که با او جنگ کند بعد از وساطت و میانجیگری دول ساکسن و باویر و غیرهما عهدنامه کاستن منعقد میشود و در سال بعد دول سلاطین اطریش و پروس

با یکدیگر ملاقات نموده مقرر داشتند که ایالتین را باین قسم تقسیم کنند ایالت اسلشویک تمام از پروس و هلستین از
اطریش باشد و الواقع بعد از این تقسیم منافع کلیه دولتین پروس بر مملک سسویگ ملحق گشت شد (کنت بسمارک خان اول)
و بفرانسه سفر کرده با ناپلیون سیم ملاقات نمود (انکلیس) در مجلس پارلمنت بدولت تکلیف میکنند که مداخله در امور
فرنک و نیکه دنیا هیچوجه نکند از زیاد عدد سفاین جنگی انکلیس مختصر شورشی در اولند مالک مرکی در انکلیس بطور سخت که ایسمت
روسیه و مجارستان سرایت کرده است بدیهی ذاعت و اغلب نفاط بر هر طایفه فنیان در اولند که بمنزله کمونیستها و با
باشد حبس اکثری از ایشان و قتل بعضی فوت لرد پالمرستن صدر اعظم در سن هشتاد سالگی صدارت لرد رسل سن
هفتاد و سه سالگی وزارت موخار جه لرد کلارندن و حشت دولت انکلیس کم مبادا کانادا که از متصرفات واسعه در
بنکی دنیا بر او بشورند شورش سیاپوستان در ژماییک منجر بانکلیس حبس و قتل اغلب ایشان سیاهها ایجاد چراغ گاز
در کوچه ها بمبئی جنگ دایالت بوتان هند شورش مردم در نول زلاند امالک جزایر ساندویچ مسافرت بانکلیس
میتاید (ایطالیا) تغیر پاپی تخت و نقل از تورن بفلورانس جنبی سیب کد در تاهالی تورن شده است افتتاح راه
آهن که از تورن مستقیما بسند در بندپزی میرود بندر وزوبا در طرف شرقی و جنوبی ایطالیا (پرتوغال) ایجاد
اکسپوزیسیون عمومی در اپورت یکی از شهرها (بلژیک) مابین وزیر جنگ و یکی از وکلا بر سر مسئله اختلاف شد
کار بجنگ طپانچه رسیده دولت هر دو را بحبس و نقد و جریمه تنبیه مینماید تا خوشی سخت لوئیلت پادشاه وفوت
او در سن هفتاد و پنجسالگی جلوس لوئیلت دویم پسرش در سن سی سالگی بروز تاخوشی طیفوس بطور وبائی
وشیوع در این مملکت و سرایتش از هلاند (دانمارک) ملاقات سلاطین دانمارک و سود با یکدیگر اهالی دانمارک
بپادشاه سوء انظور که باید و شاید مهربانی نمیکنند و جهة کمک نکردن در جنگ اطریش و پروس است (روس) شورش
لهستان مبدل بنظم گردیده و از آن ببعد جمیع اموات که راجع بلهستان است انمالیه و غیره بجای اینکه مثل سابق در روسیه
مجلس معینی ابرای تحقیق و اجرای آنمطالب باشد در پطرزبورغ مرکز دولت روس خواهد بود مسافرتها پراطرین به
نپسربندر فرانسه و فوت گراندوک نیکلا پسر امپراطور که بعهد دولت داداشت در سن بیست و سه سالگی
در این بندر فتوحات عساکر روس در سمت خوقند که جزو پای تخت خان خوقند سابرا باکان و ابجیطه تصرف در آورده اند
فتح تاشکند و سمرقند عساکر روس با امپراطور آمده تلگرافی از نقلیس بایران و بخوان برود زینی لهجت و بائی
در سمت سیبر و بروز و با در سمت جنوب قفقاز (عثمانی) شورای خاصه از وزرا که در هر هفته یکبار در حضور اجرای این شورا
سلطان حاضر شوند بروز و با بواسطه رود ولگا و ارمکه در تمام ممالک عثمانی و مراتبش از راه بغداد با ایران فقط در
اسلامبول در ظرف هفتاد روز سی و پنجهزار نفر تلف میشوند و بواسطه پانصد هزار و پانصد خانه طعمه آتش میشود
والی منتنگر و بوپن سفر نموده دوستی دولت اطریش را برای خود مطلبید (فرانسه) طبع جلد اول از تاریخ ژول سزار
قیصر روم از تالیفات ناپلیون امپراطور فرانسه امضا و ولی و پرنس یکی از وکلای دستچپ و برضد دولت بود مابل بطرف
داری دولت میشود گفتگوی سخت مسیو طرد در مجلس پارلمنت برضد دولت که چرا حمایت از ایطالیا نمود فروش قشون پاپ
از جنگلهای فرانسه که متعلق بدولت بود خیال دولت در ایجاد بلک اکسپوزیسیونی برای دو سال بعد مسافرت امپراطور
بالجزایر و نیابت سلطنت امپراطرین در وجه او و دو امیر عبدالقادر والی سابق الجزایر که در شام مات مسکن داشت
بمملکت فرانسه مسافرت امپراطور بالجزایر چهل و دو روز طول کشید مسافرت امپراطور و امپراطرین بسویس ملاقات خانوادگی
سلاطین فرانسه و اسپانیا در سنت سباستین ملاقات پادشاه پرتوغال و اعلیحضرت امپراطور در بیاریتز (پرتوغال)

یکی از اعمام پادشاه پرتغال بواسطه بد رفتاری که عملش کرده بود دولتش او را از پای تخت جلای وطن میکند
تغییر و تبدیل وزرا بحدیکه دول فرنگ یونان را تهدید کردند که اگر اینقدره را ترک نکنند در امور داخله او مداخله خواهند
کرد ایجاد اول کلیسیای کاتولیکی در پای تخت افریقا صدمه در اثبات نسبت بطایفه هود در مملکت مرقش شورش
سخت در مادا گاسکار در زمان پادشاه حبشه کاپیتن کارن قونسول انگلیس و جمعی از متعلقان انگلیس را که در حبشه بودند
محبوس و مغلول مینماید امر یکا (اتاتونی) برقرار بودن جنگ مابین لنین جنوبی و شمالی یم نفاق در جنگ با دولت انگلیس
فتوحات ژنرال گرانت سردار ایالات شمال و تسخیر اغلب ایالات و قلعجات جنوبی لنکلن رئیس جمهور در چهاردهم ماه
آوریل که تقریبا بیست و دو روز از عید نوروز گذشته باشد در یکی از تماشاخانه ها واشنگتن پای تخت بدست یکنفر
از بازیکرهای سابق تماشاخانه کشته شد همدستان او نیز میبایست در همین حین ژنرال گرانت سردار کل را بقتل رسانند ولی
مجال نکردند تا الحال و افسوس جمیع مردمان آزرومند چه در یکی و بنا چه در فرنگستان از اینفقره ژنرال که در عنفوان جوانی
بصنعت حاطت مشهور بود رئیس جمهور شد جنگ سخت بین الطرفین بدست آوردن ژفرسند و پس رئیس ایالات جنوبی که
یاغی بر ایالات شمالی شده بودند شناختن دولت اتاتونی ماکسیملین برادر امپراطور اطریش را بامپراطوری مکزیک
اتمام جنگ بین ایالات جنوبی و شمالی مرخص کردن لشکر بری و بحری ایالات شمالی در این مدت جنگ چه از صدمه جنگ و چه از
امراض مخالفه سیصد و بیست پنجهزار نفر آدم بکشتن داده بودند منازعه مابین سیاهها و سفیدها در اغلب از نقاط
باغوای بعضی اشرار حبس و قید شدید ژفرسند و پس رئیس ایالات جنوبی نقارد دولت اتاتونی با انگلیس بواسطه اعانتهائی
که بایالات جنوبی شده است (برزیل) اتحاد دولت برزیل و جمهوری اوروگای بضد لوپز رئیس جمهوری پاراگای که این
ضدیتها ابتدای جنگ پنجساله است جنگ سخت بین الطرفین امپراطور برزیل داماد خود کنت دئو لوی فلیپ پادشاه
سابق فرانسه را سردار کل مینماید شورش اهالی مملکت پرو بر رئیس خود و عزل او جنگ ایندو با اسپانیا اتحاد اغلب از
اهالی پنکی دنیای جنوبی بر ضد اسپانیول (مکزیک) ایجاد نشانی موسو بعفا بمکزیک ایجاد یکدسته قشون داوطلب
اطریشی و یکدسته قشون داوطلب بلژیکی در مکزیک جنگ هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری سابق مکزیک با امپراطور مکزیک
در اغلب نقاط ژوارس اعلان رسمی میکند و خود همیشه در رئیس جمهوری میماند و وضع سلطنتی مکزیک را قبول ندارد تا
انکه تمام ملت بدون استثنا ضد بوضع سلطنتی او و ابنمایند ماتیات مکزیک در اینسال صد و دوازده ملیان فرانک که
معادل بیست و دو کرور و دویست هزار تومان پول ایران باشد بوده و مخارج دویست و بیست و پنج ملیان که معادل چهل
و پنجکرور تومان ایران باشد دولت اتاتونی و سلطنت فرانسه را هیچوجه قبول نمیکند که وضع سلطنتی را در مکزیک تثبیت
(پنکی دنیای مرکزی) شورش سخت در سانسالوادور و هندوراس

آسیا سنه ۱۲۸۲ هجری سنه ۱۸۶۵ عیسوی

آسیا (ایران) در اینسال نیز تغیر بر خوانی در تکیه مبارکه سلطنت آباد شد چون بازار اکسپوزیسیونی در بندد
بیستی افتتاح میابد دولت علیه در این باب استمداد مینمایند و تعهد دولت در سر انتقال نموده و بواسطه تلگراف
اعلیحضرت همایون اعلیحضرت امپراطور روس را مستحضر کشته و از جانب اعلیحضرت امپراطوری جوابهای مودتآمیز
اظهار شده بود و وحوش که برای تعلیم و تعلم علوم طبیعی در باغ لاله زار ساخته بودند افزوده در تغیر
دارد پانصد نفر سوار ترکمن مروی بعزم دست برد حدود خراسان آمده قشون ظفر نمون ساخلوی آنحدود آنها را
تارومار و دویست نفر را اسیر نموده و آنهائی که از بیم جان بآب بضمه غرقه شده و یا خود غارت کرده بودند و از خود نیز داشتند

بنصرت عساکر منصوره درآمد در نصرت آباد کرمان زلزله شدید شد قلعه قدیم آنجا را منهدم ساخته ولی قلعه جدید بنا
بر زانی که دارد محفوظ مانده است موکب همایون روز بیست و پنجم محرم چون هوای این صفحات گرم شده بود بطرف لار و
نیرز که انتها فرمودند نواب عضد الدوله را بحکومت قزوین مامور فرمودند میرزا موسی وزیر دار الخلافه درستن هشتاد
و چهار سالگی مرحوم شد از این اوقات دستخطی بافتخار جناب پسهسالار اعظم میرزا محمد خان مبنی بر تفویض نظم دار الخلافه و توابع
بجناب معظم الیه شرف صدور یافت چون حاجی قوام الملک متولیباشی مشهد مقدس رضوی در اینا وقات مرحوم شد میرزا محمد حسین
عضد الملک که باین خدمت مسبوق بود بمنصب متولیباشیگری آن آستانه متبرکه مفتخر گردید جناب میرزا حسینخان وزیر مختار
مقیم دربار عثمانی بالقاب نیل مشیر الدوله ملقب فرمودند بحویلداری وجوه صرف جیب مبارک یحیی خان اجودان مخصوص
مرحمت شد نقشکاری درپیش سفید و ریاست خلوت بعلاوه منصب مهرداری باعتماد الملک آقا محمد حسن صندقدار سابق
اختصاص یافت اسلحخانه و کتابخانه مبارکه بحاجی رحیمخان صندقدار خالصه سپرده شد بحویلداری ورقه دولتی مخصوص
آقا علی (امین حضور) پیشخدمت خاصه گردید موکب همایون از فیروزکوه معاودت بنیاوران فرمودند اعتضاد السلطنه وزیر
علوم بکفیضه شمشیر مرصع مفتخر گردید بحکومت خوی با سکندرخان سردار مرحمت فرمودند نواب حسام السلطنه مامور
حکمرانی مملکت فارس گردید و حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا عمید الدوله بجهة عروسی و انجام امر خیر ایشان لحضار
بدار الخلافه شدند حاجی محمد قلیخان قاجار بمنادمت حضور همایون مباهی گردید درپیش سفید عملخلوت همایون بحاجی محمد
خان حاجب الدوله اختصاص یافت منصب امام جمعه کبیر مشهد مقدس را میرزا هدایت الله ولد حاجی ملا عسکری امام جمعه مرحوم
فرمودند جناب پسهسالار اعظم حسب الامر فوقانی حدیده در امر نظام مقرر داشت حکومت شاد و می با نواب شاهزاده معین
الدوله واگذار فرمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک از کرمان بلقب جلیل سرداری ملقب گردید یحیی خان اجودان مخصوص
حضور بامحای یکقطعه نشان از درجه اول سرپنجه سرافراز آمد میرزا فهرمان مستوفی نظام آذربایجان بلقب مشیر لشکری
مفتخر گردید ملخ زیادی بکرمان آمده اوراقا شیما را بکلی خوردند ولی عجب آنکه درختهای عرعر و بارمرک و شکوفه آوردند
بعد از وضع میدان ارک و طرح حوض و سبیل در آن و غرس درخت و باغ در دو طرف حوض و نصب ستونهای سنگی بفاصله چهار
ذرع جلو باغها و مجرا چوبی در فواصل ستونها محض اینکه ساحت چنین میدانی زار آمد و شد و اب که حمل اجناس میکنند
مصون باشد حکم شد در جانب شرقی ارک همایون دروازه از خاک صحرا بشهر قرار دهند و خندق شرقی ارک را ابنا شته
با سطح زمین برابر کنند و خیابانی عریض تا دهنه بازار تشکیل دهند و اینا وقات این جمله صورت انجام یافته است جناب
خیر الله افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی وارد دار الخلافه باهره گردید مصطفی خان سرپنجه اول که در سفر
کرمان خدمت کرده بود بمنصب امیر تومانی سرافراز شد نواب شاهزاده عضد الدوله حکمران قزوین بیکقطعه نشان
از درجه دوم سرپنجه نایل گردید محمد صالح خان سرپنجه پسر پنجم بسرپنجه دوم سواره برقرار آمد علیخان پسر نظام الدوله
بمنصب سرپنجه سیم مفتخر گردید باحداث قنات و آب جاری در شهر رشت شد میرزا برزک خان بکارپردازی بغداد
مامور گردید اعتماد السلطنه حاجی علیخان را بوزارت موقوفات و وظایف سرافراز و منصوب فرمودند محمد ابراهیم خان
سهام الملک سرپنجه اول مفتخر گردید یوسفخان سرپنجه اول که در سفر کرمان خدمت کرده بود ملقب بشجاع الدوله
شده باعطای نشان و حمایل سرپنجه اول مباهی آمد محمد حسنخان سرهنگ فوج کلهر بمنصب سرپنجه سیم نایل شد
احمد میرزا پسر تیمور میرزا بمنصب نایب اجودانی مرتبه دوم مفتخر گشته رطوبات کرادر عراق زنبی مولود اورد سکه
دارای دوسر و چهار دست و سایر غرایب خلقت بود جناب مسیو لکونت دماسیناک وزیر مختار دولت فرانسه ماسود

[illegible] دربار ایران وارد دارالخلافه گردید بمجلس تحقیق دیوان نظام برپاست نواب معزالدوله بهرام میرزا برقرار شد
عسکرخان کرد لوازم مهمانداری سفرای دول پیوسته مراقبت نموده باعطای نشان سرپیچی از درجه سیم با حمایل ان
سرافراز شد میرزا اصادق مخارکذار خارجه استراباد بکقطعه نشان از درجه سیم سرپیچ و حمایل آن نایل گردید
حسینخان پسر جناب سپهسالار اعظم بنیابت جناب معظم برپاست توپخانه مبارکه مفتخر آمد حاجی میرزا یحیی خان نایب الحکومه
بلده نور و کجور باعطای یکقطعه نشان سیم سرپیچ مباهی گردید میرزا علیخان پسر مرحوم میرزا حسنخان منصب سرهنگی
توپخانه مبارکه برقرار آمد در ماه شعبان از متعلمین مدرسه دارالفنون امتحانی مفصل نموده بهریک از دوسا و معلمین
و شاگردیان بذل مناصب و امتیازات سرپیچ و سرهنگی و خلعت و نشان و اضافه مواجب فرمودند عین الملک خواننسار
منصب بیوتات داری قشون مازندران و استراباد وکیلان سرافراز شد حسینخان شهاب الملک بمنصب امیر تومانی قرین افتخار
آمد میرزا عبدالله منشی اول و نایب دوم سفارت پاریس باعطای یکقطعه نشان سرهنگی از درجه دوم سرافراز شد
مصطفی قلیخان از عمر غلام پیشخدمت بنیابت اردشتان برقرار گشت در راه کرمان بنای یاغیگری و تمرد باطان گذارده
راکردند مساجد و مدارس و سایر ابنیه همدان و شوشتر و غیره را مرمت کامل نمودند نواب والا عبدالصمد میرزا عزالدوله
حکومت همدان منصوب فرمودند و میرزا زکی مستوفی بوزارت ایشان برقرار آمد جناب حسنعلیخان وزیر مختار
و ایلچی مخصوص مقیم دربار فرانسه باعطای یکقطعه نشان مرصع سرافراز شده بپاریس مراجعت کرد نصرالله خان
زنبورکچی باشی بسرپیچی سیم برقرار گشت و میرزا تقی لشکرنویس تفرشی بمنصب لشکرنویسی سپاه لشکری خراسان مامور آمد
اللهوردیخان بمنصب سرپیچی اول توپخانه مبارکه نایل گردید محمدخان حاکم یزد بکقطعه نشان از درجه سرپیچ با حمایل آن
سرافراز شد اکبرخان سرهنگ فوج نهاوند بمنصب سرپیچی از درجه سیم مفتخر گردید میرزا علی تفرشی بمنصب لشکرنویسی
نایل گشت شب چهارشنبه سیم ذیقعدة الحرام یخبندان عظیم شبکه شش آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده مراسم جشن
و سلام عید در حضور همایون بعمل آمد چون حضرت اشرف افخم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه در تحصیل فنون
نظامی بکمال رسیدند بکقطعه نشان از درجه سرپیچ اول و حمایل مخصوص آن اختصاص یافت منصب جلیل کشیکچی باشی
گری با محمد میرزا پسر محمد مهدیخان مفوض فرمودند و مصطفی خان امیر تومان بنیابت کشیکخانه مبارکه مقرر گردید
میرزا تقی پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب لشکرنویسی سرافراز شد ایوان طلای ناصری که در روضه مقدسه رضویه
سلام الله علیه حسب الامر بنا کرده و باهتمام عضدالملک متولی باشی زیور اتمام یافته معزی الیه را با زای اینخدمت بزرگ
باعطای یکقطعه عصای مرصع مفتخر فرمودند محمودخان پسر میرزا فضل الله وزیر نظام بمنصب سرپیچی از درجه سیم
سرافراز شد محمدبافرخان سرتیپ سیم ولد محمدخان امیر تومان بسرپیچی دوم سرافراز گردید حسینقلیخان سرتیپ
تورت بیکلو بنشان و حمایل سرپیچی دوم نایل آمد موکب همایون در اواخر شهر ذیقعدة الحرام عزیمت سفر مازندران
نموده روز عید اضحی در شهر ساری نزول اجلال فرمود و از آنجا بساحات و نقاط مازندران تشریف فرما شدند
بعد بفرح آباد و بندر مهانکاله و کنار دریا تشریف برده سفاین و مامورین دولت دوس که از طرف محض احترام
و تعظیم ذات همایون پادشاهانه در کنار دریا حاضر شده بودند بحضور همایونی مشرف شده درباره هریک از آنها بذل
مرحمت و اعطای نشان علی قدر مراتبهم فرمودند و اعتمادالسلطنه از طرف دولت ضیافت شاهانی از آنها نمود
بالجمله موکب همایون تا آخر ایسال تشریف فرمای ساحات مازندران بود (چین) [illegible] سخنها باعیان بیان فی عزله
فرمانفرمای مان کن که با فرنگیها عداوت [illegible] شاه مقصد کانونیکه بتوسط فراشها در پکن پای تخت (تا این

بازشدن بساد راساکاوهنگ برای اهالی خارجه بموجب عهدنامه‌ها مامورین دولت فرانسه را در پدپای تخت درکمال
احترام پذیرفتند قرارنامه اینده دولت بادولت انکلیس و فرانسه و اتانوئی و پئی دربارب دربارمنصدپنج ازقعت اجناس
وارده مانها برزاپین ودربارب تعیین نرخ مسکوکات دولت مزبوره وتعیین حقوق اهالی ازاپین دردولت خارجه معاهده
تجارتی با ایطالیا جنك داخله نقارمابین باموسها که عبارت ازاعیان وبجای مملکت باشد جنك مابین طیقوین پادشاه
جنطلن وشاهزاده شواچوفوت طیقوین وبرقرارشدن شاهزاده مباشی بجای او زلزله وبانفین درپوکوهوما
امریکا (اسپانیول) شورش دراغلب افواج نظامی علی الخصوص درافواج سواره ساخلوآن زوارتر پناه بردن زنرال
پریم که محرك شورشیانست قرارا بمملکت پرتوغال شورش سخت درمادرید پای تخت ایندولت مرتا بستان نخم برداشتن
نارضائی ازدجال دولت کدرمقام اطفاء نایره شرارت شراره بود شورش وانقلاب بعضی نقاط جزیره کوبا افتتاح راه
آهن ازشهرمادرید بشهر کردوامتداد خط راه آهن ازمادرید بلیزبن پای تخت پرتوغال حبس مارشال سترانو (للان)
بنابرعهدنامه گاستین دولت پروس حکمرانی ایالت سلشویك و دولت طرپش حکمرانی ایالت هلستین را برعهده میگیرد ابتدای
نقارمابین دولتین طرپش و پروس درهمین فقره درشورای خاصه مملکت پروس حکم بتدارك وجنك جنك پیشو بالاخره دولتین
پروس بالصراحه میل خودرا درتصرف ایالتین بدون شراکت طرپش آشکارا مینماید دولت طرپش هم آشکارا اهبه جنك می بیند
دولتین باوپروساکس میخواهند طرف دولت پروس را منطور دارند اتحاد مخفی دولت ایطالیا با دولت پروس برضد طرپش
شورش وانقلاب درونیز که آنوقت متعلق بدولت طرپش بود میل اهالی وینزا اینست که جزو ایطالیا شوند دولت ایطالیا
نیز معجلا اهبه جنك می بیند ورود ژنرال مانتوفل سردار پروس با عساکر آن دولت با ایالت هلستین که متعلق با طرپش بود
ابتدای جنك دولت پروس با دولت ساکس و هانوور و دولت طرپش و رود قشون پروس پای تخت هانوور و ساکس در
تابستان دولت طرپش بسرداری بنیدك سیصد و شصت هزار قشون درمقابل پروس دارد دولت باوپروقتیکه
متعهد کمك باطرپش شده بودند از جای خود حرکت نمیکنند ورود قشون پروس بسرداری ولیعهد و پرنس فردریك
شارل برادرزاده پادشاه پروس بسوهم خاك اطرپش سرداری کل قشون را پادشاه پروس کلیو بتخصیص قبول
مینماید از طرف دیگر دولت ایطالیا بسرداری خود پادشاه ایطالیا درسرحدات شمالی شرقی ایطالیا اردوئی میزنند
منازعه قشون ایطالیا با ارشدوك البرث سردار اطرپش و شکست قشون ایطالیا لیکن سردار اطرپش بعد از این فتح
بواسطه جنگی که پروس میکند جرات ورود بخاك ایطالیا را نمینماید جنك سخت مابین عساکر پروس و اطرپش در بوهم دربوهم
مقتول شدن جمعیت زیادی از قشون اطرپش بواسطه تفنك سوزنی جدید یکه عساکر پروس بدان مسلح و دارا شدند
آن مسلط بودند فتح نمایان قشون پروس بعد از جنك سخت در سادوا در این جنك از طرفین دویست هزار نفر مقتول
میشوند قشون اطرپش فرارا بطرف وینه پای تخت میرود در این بین بتوسط ناپلیون سیم امپراطور فرانسه ایالت ونیز را
اطرپش از خود مجزی نموده جزو دولت ایطالیا میشناسد دولت فرانسه مابین دولتین پروس و اطرپش میانجی میشود
(انکلیس) استشداد مالیه در مملکت انکلیس بدرجه که در ظرف مدت یکماه صد و بیست هزار و هفتصد و چهل و پنج
گاو و گوسفند تلف میشود شورش و انقلاب طایفه فنیان در ارلند افتتاح مجلس پارلمنت انکلیس بعد از فوت پرنس
البرث شوهر پادشاه انکلستان پادشاه معظم الیها تا افتتاح این مجلس در افتتاح مجالس بشخصه حضور بهمرسانیده بودند
صدارت و وزارت طایفه تودی در پارلمنت رد و قبول نمودن امور خارجه به لرد استانلی پیرلرد در پی شورش و انقلاب
در شهر لندن و اغتشاش نقاط ابتیاع صد و پنجاه هزار قبضه تفنك تپر معروف تفنك شینیدد و بای سخت در اینوز پل

ودر لندن شورش اهالی فینان در ارلند سبب حبس چند بن هزار نفر پیشوا (ایطالیا و روس) قرارداد دولت فرانسه با ایطالیا
در باب وجود دولت مستقله در آن مملکت که یکی سلطنت پاپ در روم باشد باجلد دیگر سلطنت ایطالیا معاهده
مخفی ایطالیا با پروس بجهة جنگ با اطریش جنگ در کوستنا با اطریش و شکست ایطالیا در این جنگ جنگ بحری دیگر ایضا
با دولت اطریش در لیسا که در این جنگ نیز برای عساکر ایطالیا پیشرفتی نمیباشد و بهمین جهة باوجود فتوحات پروس
در ساد و با دولت اطریش مصالحه دارد که ونیز را بتصرف ایطالیا دهد عهدنامه ونیز مابین پروس و ایطالیا و اطریش
در پاگ بر ایتسال منعقد شده بموجب این عهدنامه ونیز با جمیع قلاع آن و اکناف با ایطالیا میشود بمال المصالحه و بنجا
ملیان فرانک که معادل پنجاه کرور تومان ایران باشد (بلژیک) اهالی بلژیک کمال وحشت را از عظمت و شوکت
پروس دارند و از این میترسند که فرانسه نیز بواسطه هم چشمی با پروس در مقام توسعه مملکت خود برآید و بلژیک را ملحق
بمملکت خود نماید (دانمارک) ازدواج پرنسس دانمارک با شاهزاده خانم این مملکت با و لیعهد دولت روس در پاگ ایتسال
(روس) تادیب کردن دولت روس کشتیهای کانولیکی را در لهستان و حرفهای سخت پاپ در اینوقع نسبت بوزیر مختار دولت
روس و قطع نمودن وزیر مختار مراوده را با پاپ و عزیمت اعازه روم یکی از نجیب زادگان روسی موسوم بکارا کزف بسن بست
وینجسا الکی در شهر سنت پطرزبورغ در بهار فصل قتل امپراطور را مینماید ولی بقصد خود نرسید مجلسی برای تحقیق اینعمل
برپاست نزال مورا و بف منعقد و گفتگوهای طولانی میشود و حدس کلی میزنند در شرکت لهستانیها در این عمل اما عهدستان
و دفقای بیسیا از این مقصر بدست میآیند که همگونیستهای روسی میباشند پرنس گاگارین برپاست مجلس آخری این تحقیق
برقرار شده حکم قتل این مقصر صادر و در پانزدهم ماه سپامبر بقتل میرسد حرکت ناگهانی چراکسه بتصرف نمودن آنها سخوم
قلعه را جنگ روس با امپراطور ایبهانه اینکه یکی از سفرای ایشان دولت را نگاهداشته و غلبه دولت روس (سوئیس) در دژنواز
جانب یکصد و شصت هزار نفر عساکر مجلسی از وکلا .. برای بعضی مذاکرات منعقد شده و اغلب اجزای اینمجلس اهالی فرانسه و
انگلیس هستند و کنز المان و ایطالیائی این وکلا شکایت اندزنها از بابت کار کردن آنها در کارخانه ها و مدعیکری
آنها با مردها در این باب دارند (عثمانی) شورش طایفه مارونیت در محال اذهن در سمت جنوب بیروت تپلی بسرداری
یوسف کارام داود پاشا حاکم عینتوب لشکر امدادی زیاد از بیروت کرفته باوجود این نمیتوانند این طغیان را رفع نمایند
یوسف کارام فرار مینماید ولی باز طغیان را محرک است امداد سیدهد و ابتدا پناه بحاکر شام کرد باداود پاشا عداوتی دارد
میبرد ولی بی ثمر است بعد ملیتی بقنسولهای اروپائی میشود آنهم مفید فایده نمیکرد آخر الامر بالجزایر میرود و مدتی در آنجا اقامت
میکند در توتن علی بن غذام رئیس شورش طغیان آخری کرفتار و محبوس میشود و مالیات پس افتاده را نزد را سلحه دریافت
مینماید خدیو مصر از سلطان عثمانی اجازه حاصل میکند که بعد از او پسرش مستقیما وارث و جانشین او باشد چونکه در
دولت عثمانی و خانواده ولاة مصر سلطنت و ولایت بارشد طایفه میرسد نه مستقیما باولاد برقرار شدن مجلس وکلای ملت
در مصر تصدیق اعلیحضرت سلطان عثمانی قرارداد آخری خدیو مصر را باکمپانی نهر مجمع البحرین سویز انعقاد مجالس منعقده در کل
ممالک یونان بجهة معاونت بهم وطنان و برادران دینی خود که تبعه عثمانی هستند تکلیف نمودن بترک الکالرژ بس که دیکرش
منولد شده است بپاست قنسول را و منع کردن پادشاه یونان او را از قبول این ریاست بجنبش آوردن یاغیان اسلحه متفرقه
از راه شامات جزایر بحر سفید و مملکت یمن در تزلزل و اضطراب است دولت عثمانی قشون زیادی که اکثر آنها مصری میباشند
جمع آوری مینمایند نهاد سردار سپهم پاشای مصر یا اسمعیل پاشا حکمران جزیره سفارت بجنرال مصطفی پاشا حاکم قدیم کاندی
از اسلامبول بجهة دلالت یاغیان بصلح و ماموریت همین سفر بسر کردکی قشون حمایت سفرای مختار فرانسه و انگلیس از

سفیر عثمانی در آن پای تخت یونان و نیز مختار روس مقیم آن و الجمله از سفیر مزبور حمایت مینماید سفیر فرانسه و موسیو مبارک
دو بیشتر مقیم در اسلامبول که بعدها و نیز امور خارجه شد مانع اتفاق یونانیها شدند از اول ماه شباط هر روز در بالای دشت
کانه جنگها و خونریزیها میشود چندین هزار خانوادهای یونانی بواسطه سفاین روسی از انکلیس از اوطان خود که خاک عثمانی است
مهاجرت کرده بجزایر و بلاد یونان میروند و در آنجا با کمال عسرت تحصیل معاش خود را مینمایند بسیاری نیز بانتظار کشتیها
متحمل گرسنگی و سرما سخت میشوند جنگ پاسامپریونانیها کرت با عثمانی دول انکلیس و فرانسه مایل بحرکات و رفتار یاغیان
نیستند بلکه برضد آنها میباشند کشتی بخار یونانی موسوم بپاهلنین در فعه هفتم است که از میان سفاین عثمانی که دو جزیره را
گرفته کذشته آذوقه و ماکولات بیونانیها میرسانند نفاق دولت فرانسه و دولت روس در تعمیر و پا نمودن کنیسه موسوم
بمقبره حضرت عیسی در اورشلیم بپولی خزانه عثمانی که بدینواسطه منافع قرض ششماهه را که باید در ماه ژوییه ادا کند
از عهده برنیامدند صدارت محمد رشدی پاشا بجای فواد پاشا منعقد شدن مجلس حفظ الصحه در اسلامبول که اجزای
این مجلس از دول خارجه میباشند یکی از تدابیر و قرارداهای این مجلس اینست که حاج در صوبه کره و بادر میان آنها باشد
مراجعت از راه دریا ننمایند بروز و باد در آسیای عثمانی و سرایت آن باد و پا در تمام مرکز و شمال این اقلیم ناهلاند و بلژیک
و فرانسه و انکلیس و رسیدن آن بانانوئی و جزایر انتیل (فرانسه) در افتتاح مجلس شوری امپراطور وعده میدهد
که بجهة دفع مغایرت مابین فرانسه و اتانوئی عساکر خود را از مکزیک کلیه احضار ننماید در مجلس وکلای دولت پرسش کرد
یکی از وزراست بالصراحه تکلیف میکند از طرف امپراطور که از برای نظم و آسودکی ملت اقتدار کامل بایس دولت لازم
است اشتهار اتحاد باطنی روس و ایطالیا با فرانسه بر ضد دولت انکلیس که در حوض دولت پروس از سرحدات المان
که طرف دودخانه رین است بتصرف دولت فرانسه در آید یا اکر دولت فرانسه بلژیک را بخواهد متصرف کردد دولت پروس
و ایطالیا بطرف بوده سکوت کنند بنده دانی که سفیر کبیر فرانسه است در برلن با مسیو بیزمارک صدراعظم ملاقات نموده
برای دولت فرانسه حقی مطالبه میکند و جواب یاس میدهند استعفا دوران دلوئیس از وزارت خارجه و نصب
ملرکیدوویه سفیر کبیر دولت فرانسه در اسلامبول بوزارت امور خارجه ناخوشی سخت امپراطور که سه ماه متوالیا بستر
بود مسلح نمودن فشون فرانسه را بتفنک جدید یکه مسمی بتفنک شاسپو است عدد فشون فرانسه را اسما آنچه اعلان
نموده اند دو کرور و دویست و سی و دو هزار و دویست و پنجاه نفر بوده در جنک مکزیک غیر از قورخانه موجودی
که دولت در جبه خانه ها معتده داشت و جه نقد یکه بمصارف این فشون رسید معادل شش کرور تومان پول ایران
بود جمعیت فرانسه بموجب تعداد نفوس اینسال هفتاد و شش کرور و شصت و هفت هزار و نود و چهار نفر بود
بروز و بای سخت در پاریس و در نقاط دیکر طغیان اغلب دخانه ها در داخله مملکت و خرابی ساختمانها و در
سفرای مارک بپاریس شورش رسید لولودر الجزایر ملخ خوار کی سخت در الجزایر فوت ماری املی زوجه لوی فلیپ پادشاه
سابق فرانسه در انکلیس فوت تونل از معارف رجال دولت صدور فرمان بواسطه فرانسه و انکلیس در باب علائم مخصوصه
از الوان بیرقها بجهة تکلم در دریا و قبول فوری دول آن اسیم تلکراف بحری خط مخابره مابین ارلند و ترنوو را معتبر
مینماید بنابراین افتتاح سیم تلکراف بحری از دماغ عیق بدینای جدید که از نیورک پای تخت اتانوئی در ظرف هشت
ساعت مخابره بپاریس میرسد (هلاند) شورش اهالی شهر امستردام نسبت باجرای حکومتی در اوقات هیضه
ناخوشی و با مال بری شدید در مرکز اروپا و هلاند و سویس (یونان) اجماع قشون یونان در سرحدات پروس و نمسا
سرحدات دولت عثمانی و پرشت دولت عثمانی بمطلب امریکا (اتانوئی) تفویض سپهسالاری کل عساکر اتحاد

برشنوال

بژنرال گران برقراری ژنرال شرمان بمنصب سرداری کل اند و نفر سردار در جنگ شمالی و جنوبی خدمات نمایان کردند
رئیس ایالات جنوبی فرستند و بس که علانیه حکم قتل او را صادر نموده رئیس جمهوری انا ئونی از حبس و قتل او گذشته فقط بحبس
نظر و بیرون نرفتن او از شهر مُن رُء اکتفا نمودند قرض دولتی بسال معادل دو هزار و ششصد و چهل کرور پوند ایران است
مراد موهوشیاند دولتی انگلیس نیز با فرانسه غایت منزل است بر خلاف اتحاد انا ئونی با دولت روسطنیان سیلها
در ودخانها (مکزیک) در دیگران که سرحد انا ئونی و مکزیک است سرداران جمهوری طلب که هواخواهان ژوارس رئیس جمهوری
سابق مکزیک میباشند اجماع کرده از عساکر انا ئونی با خود شریک نموده بر ضد ماکسیلین امپراطور مصمم اند و قوی دارند
وزیر امور خارجه فرانسه در وین بتوسط سفیر انا ئونی از دولت مشارالیها تمنا میکند که دولت انا ئونی بطرف بماند و مداخله
در امور مکزیک نکند این تمنا بی جواب مانده دولت انا ئونی تمکین نمیکند بنابراین نوشته رسمی از طرف وزارت امور خارجه
فرانسه بسفیر فرانسه متوقف در مکزیک فرستاده میشود که از این بعد وجهاً من الوجوه صرف خود ما نزاد در حمایت ظاهری
دولت مکزیک نمیدانیم و مجبوریم که عساکری را که بکمک امپراطور ماکسیلین فرستاده بودیم احضار کنیم بعد از انتشار این
خبر در مکزیک سرداران جمهوری طلب قوی دل شده بیشتر از پیشتر در صدد بهم زدن دولت امپراطور ماکسیلین میباشند
و ایالات شمالی بلکه بعضی از ایالات مرکزی را بتصرف در می آورند ژنرال دوسردار فرانسه نیز در سمت شمال حمله بانها می آورد
دولت انا ئونی یادداشت رسمی بپاریس مبنی بر سند که اگر فرانسه عساکر خود را کلیتاً از مکزیک احضار نماید و نیز بطرف خواهد بود
و کمک ظاهری بجمهوری طلبان مکزیک نخواهد نمود مشهور شخصی ماکسیلین که مرکب از اهالی بلژیک و اطریش بودند و عدد آنها
زیاد نشده در اینوقت خواستند که بعد از رفتن قشون فرانسه بلکه کاری از پیش ببرند ما مجلک و حملات ایشان بی نتیجه و فایده ماند
امپراطور ماکسیلین از هر جهت خود را بدبخت دیده چنانکه دوستان و هواخواهان او را میکشند و کمک فرانسه با امپراطور مکزیک
از هر جهت بی ثمر بود و در تمام مکزیک یکسر شورش و بی نظمی شد حتی از محارم و نوکرهای شخصی امپراطور باو شوریدند

(هایتی) دولت جمهوری سنت دمینیک که سابقاً جزو هایتی بود و در سنه هزار و هشتصد و بیست و چهار از هایتی جدا
شده دولت انا ئونی تاکنون او را نشناخته در اینسال شناخت بکمشت از شهر گنایبورا باعنان آتش زدند با نفتین های
شدید در پرت پرنس (پرنبل) جنگ مابین پرنبل و لوبزد بس جمهوری پارا گای باکمال شدت باوجود زیادی قشون پرنبل
ژنرال لوبز با نهایت شادمانی جنگ کرده جمعیت زیادی از آنها را هلاک میسازد در ریو نیزویای نخست پرنبل افتتاح
اکسپوزیسیون صنایع اتحاد شیلی باپرو بر ضد اسپانیا و مبانجی شدن دول فرانسه و انگلیس در اینفقره

سنه ۱۲۸۳ هجری — سنه ۱۸۶۶ مسیحی

آسیا (ایران) موکب همایون پس از تفرج و سیر ساحات مازندران از طرف فکلار دشت و راه هزارچم عزیمت معاودت
فرموده روز بیست و هشتم محرم تشریف فرمای سلطنت آباد گردید نظر بترقی و تکمیل اداره تلگراف ممالک محروسه هر
یک از صاحبمنصبان که در حین این خدمت بودند از قرار مسطور در ذیل بذل عنایت فرمودند علیقلیخان سرتیپ تلگراف
منصب و نشان و حمایل سرتیپی اول میرزا جعفرخان منصب سرهنگی و نشان و حمایل از این درجه میرزا جوادخان نشان
و حمایل سرهنگی میرزا احمد رعلی یاور تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی میرزا فضل الله خان یاور منصب و نشان و حمایل
سرهنگی میرزا حسن حکیم سامانی ولد مرحوم حکیم فاآنی نشان و حمایل و منصب سرهنگی نصرالله خان یاور منصب و نشان
و حمایل سرهنگی محمد ابراهیمخان ناظم تلگراف منصب و نشان و حمایل سرهنگی بر حسب اراده سنیه در هذه السنه بارس پل
سعادت تبدیل قرار و تهیم کارها و طرز اداره مهام دولتی را بوزارتخانهای متعدده داده و کفالت هر شعبه از امور را

بملاحظه لیاقت اشخاص بعهده یکی از چاکران مجرب دربار ی از قرار تفصیل ذیل محوّل و مرجوع فرمودند

تقسیم وزارتخانها و خدمات و ولایات از این قرار است

وزارت جنگ و ریاست قشون کما فی السابق (ادارهٔ والیگری و حکومت اینولایات (خراسان) (سیستان) (استراباد) (شاهرود و بسطام) (دماوند) (فیروزکوه) (لکرد) (جاجرم) (نردین) (خوار) (سمنان) (دامغان) (خدمات مرقومه در حکومت و ولایات مفصله بعهده سپهسالار اعظم میرزا محمدخان محوّل و مفوض است

وزارتخانه مالیات و رتق و فتق محاسبات و معاملات دیوانی) (ادارهٔ امور آذربایجان و کردستان و قم و ساوه و زرند) (حساب دفتر دولتی) (ادارهٔ رختدارخانه و صندوقخانه و اصطبل خاصه و سایر بیوتات دولتی و دواب دیوانی) بعهدهٔ جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک مقرر است

(وزارت علوم و صنایع و تجارت) (مدرسهٔ دارالفنون و تلگرافخانها) (معادن) (روزنامه دولتی و علمی) باسم خانهای دارالخلافه و ولایات) (کارخانجات) (حکومت ملایر و تویسرکان) برعهده اعتضادالسلطنه علیقلی میرزا مفوض و محوّل خواهد بود

وزارت امور خارجه (اداره حکومت کرمانشاهان) (لرستان) (نهاوند) (خرقان) (تذکرهٔ سرحدات) (راه سازی) (حفظ و آسایش ملل مختلفه که رعایای دولت علیه هستند) بعهدهٔ وزیر امور خارجه میرزا سعیدخان است

(وزارت حضور همایون) (اداره حکومت و ولایات مفصله (کاشان) (اصفهان) (فارس) (نطنز) (ادارهٔ کمرکخانهای ولایات ممالک محروسه محوّل بامین الدوله فرخ خان خواهد بود

وزارت عدلیه بعهده حاجی محمدقلیخان محوّل و مفوض است

وزارت دربار بعلاوه ایشیک آقاسیباشیگری (شاهزادگان درباری و ولایات) (علما و سادات دارالخلافه و ولایات) (اعیان و اشراف دارالخلافه و ولایات) (غربا و مهمانان ولایات در دربار) (انتظام امور خاصه و محرم و خواجه سرایان) (عملجات) (چاپارخانها) (مواظبت ساندن غله دیوانی دارالخلافه) (حکومت جوشقان) (حکومت کلیایکان و خوانسار) بعهدهٔ محمدناصرخان ظهیرالدوله خواهد بود

(ایلخانیگری خوانین و آقایان قاجار) (دارالنظاره (حکومت و سرداری قشون مازندران) (ادارهٔ حکومت قزوین و عربستان) (حکومت محلات) بعهده اعتضادالدوله انوشیروانخان که تازه باین لقب سرافراز و ملقب شده است خواهد بود

(طهران و توابع و خالصجات و ایلات و اجارات و غیره) (حکومت کرمان و عراق و درجزین) (چاپارخانهای راه آذربایجان) بعلاوه وزارت دارالانشا بعهدهٔ دبیرالملک میرزا محمدحسین محوّل و مفوض فرمودند

(وزارت وظایف و اوقاف) (ادارهٔ حکومت همدان برعهدهٔ اعتمادالسلطنه حاجی علیخان است

(نظم خزانه و مالیات عایدهٔ خزانه) (جمع آوری وجوه مخصوص خزانه درون) (وصول مالیات و اقساط) (رساندن وجوه برات داران از قرار حواله دیوان) (ضرابخانهای ممالک محروسه) (کالسکهخانه) (زنبورکخانه) (حکومت کهلان و بردسیر) بعهدهٔ دوستعلیخان معیرالممالک محوّل است

(مهردار مهر مبارک) (ادارهٔ حکومت برجرد و جمسه) بعلاوه احضار و ورود و رساندن اجزا جواب سنی الجوانب همایون بعهدهٔ امین الملک یاشاخان محوّل است

(دنبش

(ردیف سیم کلوت) (ردیاست تفنگداران سرکاری) کما فی السابق بعهده میرزا هاشم خان امین خلوت مرجوع گردید
بپاداش خدمات در راه مازندران محمد علیخان برادر اعتضاد الدوله بمنصب بیکلربیکی گری و میرزا مسیح بمنصب استیفا از درجه
چهارم و خلعت همایون نایل گردیدند حبیب الله خان سرتیپ تکابنی بنشان و حمایل از مرتبه اول سرتیپی مفتخر آمد محمد قلیخان
شاطر باشی بنشان و حمایل از درجه دوم سرتیپی نایل شد تنبیه و تعزیر بوطواپف ترکمن و تخریب محکمه و مساکن آنها که در
حدود خراسان مایه فتنه و شر و بی نظمی بودند بمأموریت شهاب الملک امیر تومان سردار قشون خراسان نواب حشمت الدوله
بحکمرانی بروجرد و عرب ستان منصوب شدند عزیز خان سردار کل سپهداری کل مشهور بظفر همون و وزارت جنگ برقرار گردید
منصب پیشکاری باشیگری مجدد بامحمد مهدیخان واگذار و مرحمت شد حکومت مملکت خراسان را بعلاوه حکمرانی خوار و سمنان
و دامغان و شاهرود و شبطام و استرآباد و سیستان بعهده کفایت جناب پیشکار موکول فرمودند و بعد از چند
روز جناب معزی الیه روانه بجوار ماوی و پناه خود گردید بواسطه بروز ناخوشی وبا در دیر حضرت مستطاب اجل اعظم مظفر الدین
میرزا ولیعهد دولت علیه بار دبیل تشریف بردند دهم جمادی الثانیه موکب همایون از ییلاق تشریف فرمای دار الخلافه گردید
مراقبت کلیه امور دار الخلافه را بعهده جناب آقای مشیر الممالک موکول فرمودند و بصوابدید جناب معظم الیه جناب علاء الدوله را
به بیکلربیکی طهران و میرزا عیسی پسر مرحوم میرزا موسی بمستصدی گری کل خالصجات طهران انتخاب نمودند محض تزیین خلق و
مراعات تجار کرک بسیاری از اجناس را معاف کردند بعضی دشتانها از جانب ولیعهد و رؤسای ایلات و اکابر اسبد ولیعهد هوهب
شد و باجازه اعلیحضرت همایون قبول و زیور پیکر خود نمودند محمد اسمعیل خان وکیل الملک سردار باعطای عصای مرصع
سرافراز و مستقلاً بحکومت کرمان و بلوچستان مفتخر آمد و مرتضی قلیخان سرهنگ فوج ملایر و لقب معزی الیه سرتیپی دو
فوج کرمان نایل گردید حاجی رشید خان بیکلربیکی بمنصب استیفا از درجه سیم فرزند مفاخرت کشت نظر بکثرت مخابرات تلگرافی
داخله و خارجه بنواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم حکم فرمودند بخط سیم بگذارد سرحد بوشهر الی سرحد جلفا بر همان پایه ها
سابق امتداد دهند فوجی مرکب از دو پشت و پنجاه نفر بتوسط نواب اعتضاد السلطنه از ملایر گرفته و بذوالفقار خان
سرهنگ همدان سپرده شد که آنها را مشق دهد در این ایام سیم تلگرافی ایران باسیم تلگرافی دولت روس و انگلیس اتصال
یافت نظر باتحاد دولتین علیتین ایران و عثمانی اعلیحضرت سلطان عثمانی این اوقات نشان سلطنتی دولت خویش را
که مکلل بالماس میباشد برسم هدیه مصحوب حاجی عصمت افندی مبعوث باشی برای اعلیحضرت شاهنشاهی بادکار فرستادند نبذه
مؤلف منصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز شد حکومت استرآباد را بنواب حاجی کوچک میرزای ملک آرا مرحمت فرمودند
چون میرزا ابراهیم خان مظفر الدوله سرتیپ اول در سیستان خدمت کرده بود او را بمنصب امیر تومانی مفتخر فرمودند
شب پنجشنبه چهاردهم ذیقعدة الحرام ده ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته آفتاب از برج حوت بحمل تحویل کرد و سلام
خاص و عام تحویل و عید در حضور همایون منعقد شد خشتهای طلا که برای کنیدا مامین هما مین عسکرین علیهما السلام
حسب الامر همایون ساخته اند در ماه ذیقعده بأموریت علی رضا خان پیشخدمت خاصه (جناب عضد الملک) حمل بعراق عرب
شد نواب والا محمد تقی میرزا حکمران ولایت خمسه را ملقب بکن الدوله ملقب فرمودند میرزا زکی مستوفی بسر پیشکاری خمسه
مرافق شد و زیانزدهم ذیحجة الحرام موکب همایون بعزم سفر سعادت اثر خراسان و زیارت رضا قدس سره از کشتی آن
مملکت از دار الخلافه باهره بعسکر و شان پیاده نقل مکان فرموده روز بیست و سیم دوانه مقصد شدند میرزا عیسی
پسر مرحوم میرزا موسی بوزارت دار الخلافه و پیشکاری حضرت اجل افخم والا نایب السلطنه مفتخر گردید و وزارت کرمانشاهان
مالک محروسه میرزا محمد قوام الدوله تفویض شد علیقلیخان نایب اول اجوداباشی بمنصب سرتیپی دوم مباهی گردید غلامعلی

خان

خان سرتیپ نشان وحمایل سرتیپی فرنگستان افتخار گشت حاجی حسینخان شهاب الملک امیر تومان بکفطعه نشان امیر تومانی
وحمایل آن سربلند گردید میرزا آقاخان نایب دویم وزارت خارجه باعطای نیابت اول ونشان وحمایل سرتیپی دویم وکفالت
مهام خارجه آذربایجان سرافراز وماموریت شد میرزا محمد علیخان کاردار اول دولت علیه مقیم حاجی ترخان باعطای نشان
سرتیپی سیم وحمایل آن مفتخر گشت سید سلطان محمد ملقب بشاهزاده جهان برادر حکمران جزیره کمرود که جزیره ایست نزدیک
ببندر کاسکر واقع در جنب فرضه بندر هرموز آمده مقارن انتهاض موکب معلی بسفر خراسان شرفیاب حضور مبارک
ومورد تفقدات گردیده از جانب دولت علیه برای مشارالیه منزل ومخارج منزل معین شد حسنعلیخان وزیر مختار و
ایلچی مقیم پاریس ومیرزا سلیمانخان شارژدافر وسایر اجزای سفارت احضار ببارهامیون شده میرزا یوسفخان سرتیپ
بسمت سارژدافری ماموریت سفارت پاریس گردید وعلیخان سرتیپ پسر مرحوم حسینخان نظام الدوله برسم کاردار اول
ماموریت اقامت تفلیس شد حاجی محسنخان سرتیپ اول بسمت شارژدافری ماموریت لندن گردید (چین) باوجود ضدیت
علمای مذهبی ایجاد مدرسه بجهة تعلیم وتعلم السنه فرنگ در پکن پای تخت (ژاپن) فرستادن برادر طیقون را بسن نابالغه
سالکه باجمعی از معارف بسمت سفارت در دربار دول فرنگ انعقاد مجلس شوری در آنمملکت امروپا (اسپانیول) شورش
ایالات کاتالن وسارا گس وملاقات پادشاه پرتغال باعلکه (اطریش) ملاقات امپراطور فرانسه با امپراطور اطریش در
سالسبورگ که نتیجه ملاقات اسباب خیال وسوظن عزیمت برادر دولتین پروس گردید صدارت مسیو بیست شدن امپراطور
در اوایل تابستان خبر فوت برادر خود ماکسمیلین امپراطور مکزیک را که بدست جمهوریان دستگیر مکزیک بقتل رسید
ملاقات امپراطور با پادشاه با وپرملاقات امپراطور با پادشاه پروس در مملکت باویر و مسافرتش بپاریس ولندن (المان)
دول جنوبی حضوصا باویر مایل براین اندکه وضع قشون خود را بسبک عساکر پروس نمایند واتحاد معنوی با او پیدا کنند
ساکسن ووتنبرگ هم با باویر در اینمسئله متحد اند وپادشاه پروس را بسمت سردار اعظمی کل عساکر المان اعم از دول شمالی و
جنوبی میشناسند ملاقات پادشاه پروس با پادشاه ساکسن در درزدن پای تخت پادشاه ساکسن افتتاح مجلس پارلمنت کنفدراسیون
شمالی بدست پادشاه پروس بشخصه باحضور جمیع شاهزادگان وبعضی سلاطین ووزرای تمام المان قرنها بود که چنین تجلی از
برای هیچیک از سلاطین المان دست نداده بود دول المان بوحشت اینکه مبادا الوکسابنوز بدست فرانسه بیفتد بالاتفاق
با پروس سازش باطنی نمودند واین سازش ودوستی باطنی که سالها مخفی بود آشکار گردید وبرای جنگ آتیه با فرانسه که
قریب الظهور میدیدند مدبر ومدبر عساکر پروس مشیر الملک وزیر الدرون ووزیر جنگ بعضی قواعد وقوانین جدیده ایجاد
میکنند عده نفوس دول شمالی که خود را در تحت سلطنت پادشاه پروس قرار داده بودند بشصت کرور رسیده است ودر
هنگام صلح این شصت کرور نفوس با یدسیصد هزار نفر قشون مستعد آماده داشته باشند (انگلیس) بروز قحط وغلا
در اغلب شهرهای اینمملکت بیتاب واضطراب افتاده اند در این فقره تدارک جنگ دیدند دولت انگلیس بر ضد پادشاه
حبشه تاد بدوسکه باوجود شورش داخله اینمملکت مصمم مقاتله با عساکر انگلیس است برای تدارک این جنگ معادل نه کرور
تومان ایران استقراض میکند سیر دوبر نیر سپسها را بقشون استدارکات این جنگ از هر حیثیت کمال اشکال را دارد
زیرا که حمل ونقل آذوقه وقورخانه را بواسطه چهار پایان تا داخله حبشه نمودند دود عبد القادر خان سلطان عثمانی
والی مصر با انگلیس در تابستان (ایطالیا) عروسی دولک داوستنپیر دویم پادشاه دوسسیل بیست ودوسالگی و
لزدواج او با یکی از بنجای اهل مملکت (روس) استعفای پرنس دادیان از والی گری ایالت منگرلی وداد نحقوق خود را
باعلیحضرت امپراطور روس برنس کرچاکف بلقب صدارت عظمی ملقب گردیدند ازدواج دختر گراندوک قسطنطین الکاپیاد شاه

مبنی باعطای منصب سرتیپی
دویم ونشان وحمایل بهرمن
صاحبان آقا میرزا معصوم
خان کاردار مخصوص دولت
علیه مقیم

یونان بعضی فتوحات در بخارا (عثمانی) بعضی جوانها که از بخای مملکت بودند در چنان آزادی افتادند که اغلب آنها را دولت مجبور کرد و جلای وطن داد صدارت عالی پاشا وزارت خارجه فؤاد پاشا مدت غیبت اعلیحضرت سلطان که بفرنگستان رفته بود چهل روز شورش سخت اهالی قندی و حمایت آشکارای دولت یونان از آنها مسافرت عالیجاه پاشای صدراعظم بقندی برای استمالت یا عنان سرداری عمر پاشا بجهة تدمیر یا عنان تفویض لفت خدیوی بوالی مصر عبور سفاین تجارتی از نهر سویز شورش اهالی بلغارستان و آرام کردن آنها برداشتن دولت عثمانی قشون خود را از قلعه بلگراد سرحدات (فرانسه) اعلیحضرت امپراطور ناپلیون از برای جذب قلوب اهالی فرانسه بواسطهٔ خبطی که از رجال دولت در مسئلهٔ مکزیک ظهور رسیده بود مسیو امیل الیوی سر را که یکی از وکلای دست چپ بود بمسند خود استمالت داده وعدهٔ وزارت باو میدهد آزادی روزنامه ها در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور در خطبهٔ خود استعداد قشون از وکلای ملت برای حفظ و حراست حدود و ثغور مملکت فرانسه مطلبد باحتیاط اینکه مبادا دولت مجبور بمبارزه با پروس شود هفتاد هزار قشون علاوه بر معمول حاضر نمودند و بعد از چندی که اطمینانی حاصل شد مرخص خانه شدند نفار و ضدیت کلی بعیت و وکلای ملت با دولت در فقره مکزیک در مدت شش سال که دولت قشون بمکزیک فرستاد ست صد شصت ملیون فرانک که معادل هفتاد و دو کرور تومان ایران است مخارج بیفایده برای دولت بهرسید مسیو طیر مخصوصاً با کمال تشدد قباحت اعمال دولت را آشکار امیدارد افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در پاریس و دعوت اغلب سلاطین اروپ سلطان عثمانی بپاریس از برای تماشای اکسپوزیسیون از سلاطین که بپاریس و تماشای این اکسپوزیسیون بیامدند پادشاه انگلستان و پادشاه اسپانیا و پادشاه ایطالیا بودند هنگام بودن امپراطور روس در پاریس دوسان قشون کرنا پلیون امپراطور فرانسه بجهة تشریفات سلاطین حاضر در پاریس که از جمله پادشاه پروس بود در حوالی پاریس مبلغ قابل از وصول بمبلغ مشوق شخصی هستانی تا پانچ بطرف امپراطور روس خالی میکنند و این که کلوله با علیحضرت معظم بخورد رفتن امپراطور ناپلیون بتعزیت بملکت انگلیس علت مزاج امپراطور ناپلیون و رفتن ایشان بپاریس یکی از بنادر فرانسه بمالجه شهرت اتحاد باطنی دولت ایطالیا با پروس غلاوه شعرای آن در پاریس و سایر بلاد شکایت و فنا رضائی مردم از دولت و اغلب نقاط دولت فرانسه بواسطهٔ عظمت پروس کال تحیر دارد و در صدد این است که ایالت لوکسامبورگ را که جزو ایالات المان محسوب شده ولیکن سلطنت آنجا با پادشاه هلاند است متصرف گردد و اجرای اینعمل را برضایت پادشاه هلاند طالب است پادشاه هلاند بحسب ظاهر تمکین نموده اما باطنا پادشاه پروس را از این مقاصد اطلاع میدهد بتغیر سخت پادشاه پروس از این مقدمه و اتحاد دولت جنوبی و شمالی المان بیکدیگر بر ضد فرانسه هیچ جنگ چه از طرف دولت فرانسه و چه از طرف دول المان علی الخصوص پروس (هلاند) و بای سخت در اغلب بلاد (یونان) تحریک دولت مخفیا و آشکارا اهالی جزیره قندی را بشورش نسبت بدولت عثمانی مسافرت پادشاه یونان واز نمودن بایکی از شاهزاده خانمهای روس

امریکا (اتاتونی) ابتیاع دولت اتاتونی بعضی اراضی را که در حوالی این مملکت دولت روس متصرف بود کسر عدد قشون بری و بحری نفار و کدورت ظاهری با انگلیس بواسطه حمایت از یاغی جنوبی که یاغی بودند مشاد سیم تلگراف بحری از فلوریدا بجزیره کوبا.

آسیا (ایران) چنانکه در اواخر سال قبل اشارت شد موکب همایون روز بیست و سیم ذیحجه از دوشان تپه بمنزل حاتونآباد تشریف فرما شدند. حضرت شاهنشاهزاده اعجد والا نایب السلطنه حکمران دارالخلافه را در غیاب موکب همایون بنیابت سلطنت کبری مخصوص فرموده جناب آقای مشیرالممالک بوزارت مالیه انتظام خزانه و

وصول

سنه ۱۲۸۳ هجری

سنه ۱۸۶۷ مسیحی

وصول وایصال مالیات برقرار ند وسایر وزارتخانهای جلیله نیز بهتر تبیات سابقه استسازهمراهان اینسفر خجسته اثر
نواب مستطاب مهد علیا وجمعی ازخادمان حرم جلالت واز شاهزادگان فخام ملک منصور میرزا وسلطان احمد میرزای
عضدالدوله وغیرهما واز وزرا وچاکران بزرگ ملتزم رکاب اعلی جناب فرخ خان امین الدوله وافوشیروانخان اعتضاد
الدوله وحاجی علیخان اعتماد السلطنه ومحمد ناصرخان ظهیر الدوله ومیرزا محمد حسین دبیر الملک وپاشاخان امین الملک
وجمعی از مستوفیان عظام وامراء کرام وصاحبمنصبان عسکریه وارباب مناصب خلوت همایون مثل میرزاهاشمخان امین
خلوت ویحیی خان اجودان محضوص وغیرهم هستند ودوشنبه غره ماه محرم موکب همایون تشریف فرمای لاسجرد گردید
دویم محرم بشهر سمنان شرف ورود ارزانی فرمودند روز پنجم از سمنان انتهاض فرموده تشریف فرمای آهوان شدند
روز ششم از آهوان نهضت فرموده بقوشه نزول اجلال نمودند روز هفتم امیرآباد منزلگاه موکب همایون گردید
روز هشتم شهر دامغان بمقدم مبارک مزین آمد روز دوازدهم محرم تشریف فرمای قریه مهمان دوست شدند
روز سیزدهم قریه ملاء مضرب خیام سلطنتی گردید روز چهاردهم ساحت بسطام منزلگاه موکب همایون آمد در این
وقت جهانسوز میرزا بحکومت شاهرود وبسطام منصوب شد میرزا سید کاظم مشرف اصطبل خاصه در بسطام بمنصب
مستوفی گری سرافراز شد روز هفدهم از بسطام بخیرآباد تشریف فرما گردیدند روز هجدهم قریه امیرآباد منزلگاه
موکب اعلی بود روز نوزدهم تشریف فرمای منزل میامی شدند روز بیستم منزل میاندشت مضرب خیام معلی گردید
روز بیست و یکم از میان دشت بمنزل عباس آباد تشریف فرما شدند روز بیست و دویم اشتربند مضرب خیام
اردوی همایون شد روز بیست و سیم بمنزل داورزن نزول اجلال فرمودند روز بیست و پنجم از داورزن بمنزل مهر
توجه فرمودند روز بیست و ششم قریه رسید منزلگاه موکب همایون گردید روز بیست و هفتم سبزوار بمن
قدوم ملوکانه مزین آمد جناب سپهسالار حکمران مملکت خراسان از مشهد مقدس تا اینجا موکب اعلی را استقبال
کرد چون ارک شهر سبزوار بمرور دهور خرابی بهم رسانیده بود جناب سپهسالار امر فرمودند که آنرا مرمت نمایند
روز غره ماه صفر موکب همایون از سبزوار بر باط زعفرانی تشریف فرما گردید دویم صفر از زعفرانی بزمان آباد
توجه فرمودند روز سیم صفر بنیشابور ورود موکب منصور مزین شد روز هشتم از نیشابور بقدمگاه تشریف
فرما گردیدند روز یازدهم تشریف فرمای میرآباد شدند روز دوازدهم بشریف آباد نزول اجلال فرمودند روز
سیزدهم بجانب طرق نهضت فرما شدند در بین راه در محل موسوم بریته سلام حضرت شاهنشاهزاده اجل والا اجلال الدوله
فرمانفرمای مملکت خراسان وحاجیها الدوله وسایر چاکران واعیان خراسان برسم استقبال بتقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند
روز چهاردهم موکب مسعود بمشهد مقدس ورود فرمود ولدی الورود ذات اقدس همایون بزیارت روضه مقدسه رضویه
سلام الله علیه مشرف جسته جبهه مبارک را که علامت خاصه سلطنتی است محض احترام پیشکش آستانه مشرف حضرت
فرمودند منزل خاص وجود مبارک در ارک مشهد بود وارد و معلی در خارج ارک سکنی گرفت وشرح حضرات ابا وابنیه و
آثار ارض اقدس مفصلا در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است روز شانزدهم
خوانین وسرکردگان وصاحبمنصبان خراسانی بتوسط جناب سپهسالار شرفیاب خاکپای فرمانفرما گردیدند نیز میرزا
مسیح سایر صاحبمنصبان وسرکردگان مازندرانی بتوسط اعتضاد الدوله شرفیابی حاصل نمودند روز هفدهم
وقت نماز صبح جناب سپهسالار داعی حق را لبیک اجابت گفت وخاطر مهر مظاهر از این جهت متألم گردید از استراباد
خبر رسید که مراد ملیف با یشان بسمنان قلعه تاخته وبا نواب ملک آراجنگ در انداخته وجناب حاجی ملا رضای

بالجمله روز بیست و پنجم از خانآباد بشریف آباد واز آنجا با تو ان کب واز ایوان کب بشتلاق واز شتلاق بمنزل پاده هفت ملوکانه فرمودند در آنمنزل میرزا علینقی لسان الملک منشی خاصه ملقب بحکیم الممالک گردید روز بیست و نهم بده نمک نزول اجلال فرمودند

وپس ازعلما در این جنگ بدرجهٔ شهادت فایز گردیده وخود ملک آرا با معدودی در خانهٔ آمینه خان که از خدمتگذاران دولت است محصن گردیده محمد میرزا پسر نواب مغزی الیه زخم کاوله وشمشیر برداشته وچون جمعیت نواب ملک آرا کم وتراکمه چندین هزار نفر اند پیش رفتن برای او نشده است دو ساعت از شب فتنه چیا پاری از دار الخلافه رسیده مژده داد که نواب ملک آرا غالب وتراکمه منهزم وایشان بتیر خود نواب معظم کشته شده است امیر شاهنواز خان پسر مرحوم سلطان احمد خان حاکم هرات با عبد الله خان برادرش وچند اندوسای علکدای وخوزائی ودیگر طوایف افغان که از راه سیستان همراهی مظفر الدوله بحضرت شرفیاب آستان همایون آمده بودند نیز بقفقاز خسروانه مباهی گردیدند ومبلغی در اینروز باهل استحقاق مشهد مقدس از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بذل وانعام فرمودند وجمعی را بوظیفه ومستمری داخل درجرگهٔ دعاگویان واسوده نمودند سردار یعقوبخان والی هرات پسر سردار امیر شیر علیخان که بعزم شرفیابی آستان مبارک آمده بود باتمام ارکان واعیان هرات وافغانستان بتوسط ظهیر الدوله بار حضور همایون یافت وعرض پیشکشها نمود حاجی میرزا رضای مستوفی خواجه مان بلقب مستشار الملکی وحمایل ونشان از درجهٔ دوم سرافراز شد حاجی محمد باقرخان وکیل طبس عماد الملک لقب یافت ومحمد حسینخان ولد مشار الیه بمنصب سرهنگی نایل گردید دوز هیجدهم ربیع الثانی آستان عرش نشان حضرت روح الله علیه السلام را وداع فرموده موکب معلی تشریف فرمای چمن فهفهه گردید دوز نوزدهم بحشمت کلاس نزول اجلال فرمودند نواب پرویز میرزا حاکم سبزوار ملقب بمنیر الدوله شده از خاکپای مبارک اجازه انصراف بمحل حکمرانی خود یافت دوز بیستم چمن کوباغ منزلگاه موکب معلی گردید دوز بیست ویکم ببلده رادکان تشریف فرما گردیدند دوز بیست وسیم نزادکان بمنزل سوهان نزول اجلال فرمودند دوز بیست وچهارم بعلی آباد که اول خاک قوچانست تشریف فرما گردیدند دوز بیست وپنجم قوچان بورود مسعود خسروانه مزین آمد امیر حسینخان ایلخانی را شجاع الدوله لقب دادند وبابو الحسنخان پسر مشار الیه شمشیر کل مرصع مرحمت شد بیست ونهم موکب همایون تشریف فرمای چمن ایلی گردید دوز غره ربیع الثانی بمنزل فضل آباد نزول اجلال فرمودند دوز دوم ربیع الثانی شهر شیروان بورود مسعود شاهانه مزین گردید دوز سیم منزل عبد آباد مضرب خیام شد دوز چهارم بقریه نوده تشریف فرما شدند دوز پنجم ربیع الثانی بلده بجنورد بمقدم مبارک مزین آمد چون تلپنه وتدمیر تراکمه طاغیه بجنورد ککلان مکنون خاطر همایون بود از اینجا جعفر قلیخان سهام الدوله ایلخانی را با جمعی قشون ظفر مقرون وسواره خراسانی وغیره را مامور باینخدمت فرمودند دوز هشتم موکب فیروز از بجنورد تشریف فرمای فیروزه گردیده ونهم از فیروزه بچقابیدر نزول اجلال فرمودند دوز دهم چهارده سنخاص مضرب خیام معلی گردید دوز غالب نقاط خطا بین راه مفرق شد فراوانخانه ها وقلعه جات بنا نمایند دوز یازدهم موکب معلی بجاجرم تشریف فرما گردید دوز سیزدهم از جاجرم بقریه ابور ودره تشریف فرما شدند دوز چهاردهم نردین بمقدم مبارک مزین آمد دوز شانزدهم موکب همایون از نردین بکاشمر وارد نهضت فرما گردید در این منزل اعتضاد الدوله بحکومت استراباد سرافراز فرمودند ونواب جهانسوز میرزا بنیابت جناب ایشان مجددا باستراباد رفت وخود اعتضاد الدوله از منزل خوش ییلاق از حضور همایون مرخص ودوانه مفر حکومت شد دوز هفدهم ییلاق ومنزلگاه اردوی همایون گردید دوز هیجدهم از ییلاق وبخوش ییلاق نهاضت فرمودند امیر حسینخان شجاع الدوله بخلعت همایونی سرافراز واجازه انصراف بمحل حکمرانی خود یافت دوز نوزدهم از خوش ییلاق بکلاته خیج بسطام تشریف فرما شدند حیدر قلیخان سهام الدوله بخلعت همایون ونشان امیر تومانی سرافراز ورخصت معاودت بجنورد یافت دوز بیستم از کلاته خیج بکرمه وقلعه نو نهضت فرما شدند دوز بیست وسیم بقریه ابر سیج

شب هشتم وقت سحر از صحرای شوخان بسمت مقصود روانه گردیده بعد از نماز صبح روز چهاردهم بر الاچیقهای تراکمه تاخته زیاده از هزار اسیر ودو شتر نر وسه رأس الجه باد بدست آوردند

بسطام

بسطام نزول اجلال فرمودند روز بیست و چهارم (بالاش) تشریف فرما شدند روز بیست و پنجم شاهکوه مضرب خیام معلی گردید
روز بیست و ششم چهارده کلاته مزرکاه اردوی همایون بود روز بیست و هشتم بچشمه عمارت امغان تشریف فرما گردید
غره جمادی الاولی تشریف فرمای سرخه شدند روز دوم فولاد محله مضرب خیام مبارک گردید روز سیم بمنزل
خوند توجه فرمودند روز چهارم تشریف فرمای سران شدند در اینمنزل از دار الخلافه خبر رسید که ناخوشی وبا
در ماه ربیع الاول اشتداد داشته و تا روز هفتصد نفر تلف میکرده است و اینک تخفیف کلی یافته و اسمعیل خان
خزانه دار نظام با نیم ضرب رکن شده بالجمله روز پنجم بچمن کور سفید نزول اجلال فرمودند روز ششم اردوی همایون
بسمت شورستان و جلگه فیروزکوه انتهاض فرمود روز هفتم شکار واشی مقرار دوی معلی گردید بچی خان ترکمان
اجودان مخصوص حضور همایون بیکقطعه نشان و حمایل از درجه امیر تومانی سرافراز شد آقا علی آشپانی پیشخدمت
خاصه بلقب امین حضور ملقب گردید علیرضا خان قاجار پیشخدمت خاصه که حامل خشتهای طلای کنبد مطهر امامین
همامین عسکریین علیهما السلام بود بعد از انجام این ماموریت بزیارت مرا جعت کرده در اینمحل بخاکپای مبارک مشرف
شد روز یازدهم بقریه لرزه تشریف فرما گردیدند و دوازدهم بمنزل ارجمند و در اینمنزل میرزا علیخان پیشخدمت
و منشی حضور همایون مخلع گردید مرخص و روانه دار الخلافه شد روز سیزدهم بزرنا تشریف فرما شدند روز
چهاردهم بسر چشمه انکار و روز پانزدهم بخاک لاریجان توجه فرمودند روز شانزدهم چشمه لای دماوند بقدوم
مبارک مزین گردید روز نوزدهم بسمت مبارک آباد دماوند حرکت فرمودند از قرار عریضه محمد اسمعیل خان وکیل
الملک حکمران کرمان و میر علیخان حشمة الملک امیر افین و سیستان قطعه نادعلی را که آنسمت و دهرمند و از قلاع محکمه است
فشون ظفرمون بعد از محاصره و محاربه از ابراهیمخان بلوچ انتزاع نموده و متصرف شده اند روز بیستم بر سنان مرحال
لواسان نزول اجلال فرمودند روز بیست و یکم لیتان و کنار رود جاجرود محل ارد وی همایون بود یکشنبه بیست و دوم
جمادی الاولی با ایمن و استعداد وارد سلطنت آباد گردیدند روز دوم جمادی الثانیه تشریف فرمای قصر دوشان پته
گردیدند روز پانزدهم شهر دار الخلافه بمقدم مهجت شیم مقدس مزین گردید جناب آقای مستوفی الممالک در اینروز بزیارت
و زدا سرافراز و باعطای نیلمان مرصع و جیغه شمسه الماس کرامت علامات این منصب جلیل است مفتخر گردیدند حضرت شاهنشاه
اعظم و لیعهد دولت علیه ایران فرمانفرمای آذربایجان و حضرت شاهنشاهزاده اعظم یمین الدوله حکمران اصفهان را
بدربار همایون احضار فرمودند همدر اینسال سیلی عظیم در دار الخلافه آمده بعضی ابنیه و بیوتات را خراب کرد میرزا فهرمان
مشیر لشکر امین لشکری یافته و بنشان سرپیچی از درجه اول با حمایل آن سرافراز آمد میرزا علی اکبر خان اجودانباشی
تو پخانه بنشان و حمایل سرهنگی مفتخر گردید میرزا حبیب الله لشکر نویس ملقب بمشیر لشکر شد چون در عراق عرب با خوشی
طاعون بروز کرده حکم شد در سرحدات قرانتین بکذارند وزارت خراسان را بعهده جناب ظهیر الدوله واگذار و وکالت
آن ایالت را بپاشاخان امین الملک مفوض فرمودند حاجی میرزا محمد خان بلقب مجد الملکی ملقب و بمنصب جلیل منوط باشکوه
حضرت امام ثامن علیه السلام سرافراز گردید حکومت بلوک خوار بجناب دبیر الملک و مهام فیروزکوه و دماوند میرزا هاشم خان
امین خلوت واگذار شد پیشکاری حضرت شاهنشاهزاده اعظم و لیعهد دولت علیه واگذاری ملکت آذربایجان و انتوان
والا نخبة الدوله واگذار فرمودند امین لشکر بجهة رتق و فتق امور ماایانی ورسیدکی بکارها نظام ماموا آذربایجان
کردیدند در ماه جمادی الاخره در تبریز هفت شبانه روز بجشن عروسی حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم و لیعهد دولت
علیه با صبیه مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر اعظم از نواب علیه عالیه عزة الدوله اشتغال نمودند میرزا عیسی وزیر دار الخلافه

بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد محاسبه دارالخلافه طهران و توابع را بعهده میرزا عباسخان معاون الملک
واگذار فرمودند مدرسه دارالفنون ترقی کلی کرده و کتب مفیده علمیه زیاد معلمین و متعلمین ترجمه و تالیف کرده اند
محمد اسمعیل خان وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان داعی حق را لبیک اجابت گفت و حسینخان شهاب الملک امیر توما
بحکومت کرمان منصوب گردید جناب مسیو دبون بروز پنجشنبه وایلچی محفوص در آن فرانسه مامور با قامت دربار دولت
علیه باشرفیابی وارد دارالخلافه شد نصرالله خان سرتیپ بنورکخانه باعطای بیکقطعه نشان سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد
نواب حشمة الدوله را بحکومت عربستان و بروجرد منصوب فرمودند میرزا سید حسین سررشته دار چاپارخانه به پیشکاری کرمان
برقرار گردید چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نهایت رو بازدیاد نهاده و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد مقرر فرمودند
که شهر طهران را از سمت دروازه شمیران یکهزار و هشتصد ذرع و از سمت دروازه دولاب یکهزار ذرع وسعت
دهند و کفالت این امر را بعهده جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و روز یکشنبه
یازدهم شعبان شروع باین امر نموده محض تیمن سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کلنگ بر زمین زده و حضرت اجل شاهنشاده
والا نایب السلطنه نیز اقتدا بوجود مسعود همایون کرده کلنگ بر زمین زدند از آن پس مامورین بحفر خندق مشغول گردیدند
دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این پس شهر طهران
موسوم بدارالخلافه ناصری گردید نواب الامعتمد الدوله فرهاد میرزا بنشان امیر توپانی سرافراز شدند آقاخان محلاتی
که چندین سال است که در صفحات هندوستان متوقف میباشد سنه بحفر پل و بلک کردن بدربار معدلت احضار شدند
همه ساله بنای عمارت مبارکه شمس العماره که به پنج مرتبه ساخته شده و نظیر بناهای عالی فرنگستان است صورت
اتمام یافت دروازه مبارکه ناصری در انتهای خیابان ناصریه نیز بهمان تمام پذیرفت میرزا محمد صادق مقام
بر پیشکاری حضرت اجل شاهنشاهزاده والا ولیعهد دولت علیه دوازدهم شوال آذربایجان برقرار گردید که چون میرزا
حضرت شاهنشاهزاده اعظم والا در ملازمت ایشان روانه آذربایجان گردد و نواب ضرغام الدوله را بحکمرانی
قزوین منصوب فرمودند در این اوان ایام هفته باشاره علیه بنحو مخصوصی بمشاغل دولتی مشغول محمود آقای سرهنگ
و معلم پیاده نظام دبستان فوج خلج قم سرافراز گردید میرزا اسحق خان بمنصب کاپردازی دارالزنه الروم مامور شدند و
چهاردهم شوال موکب همایون عزیمت شکارگاه مسیله و زیارت بقعه منوره حضرت معصومه فرمود حضرت شاهنشاهزاده
اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران را اجازه انصراف بمحل حکمرانی خود داده روانه آذربایجان شدند و قایم مقام که بریاست
و پیشکاری آذربایجان برقرار شده بود در خدمت حضرت معظم روانه گردید نواب الامعتمد الدوله را بحکمرانی کردستان
منصوب و مامور فرمودند در بیستم این اوقات تکرکی بارید که دانهای آن بیضه کبوتر بود اعتضاد الدوله حکمران
و سردار استرآباد بعد از نظم آمد و سرکشی بمازندران بخاکپای مبارک مشرف شده بنشان امیر توپانی سرافراز گردید
میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان بوزارت حضرت اجل شاهنشاهزاده والا یمین الدوله برقرار و در خدمت حضرت
معظم روانه اصفهان شد میرزا کاظمخان للرباشی مرحوم جلالة الدوله بنشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل آمد
حاجی محمدخان پسر مرحوم وکیل الملک بمنصب پیشخدمتی مفتخر شد میرزا سید کاظم سررشته دار صندوقخانه بمنصب استیفا
سرافراز گشت علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب اعتضاد الدوله بنشان و حمایل امیر توپانی سرافراز گردید علیقلیخان
نایب جوادبانباشی بیکقطعه نشان از درجه دوم سرپیچی و حمایل آن مباهی آمد میرزا محمد حسین ولد میرزا محمد باقر لشکر
نویس بمنصب لشکرنویسی برقرار گردید روز بیست و پنجم ذیقعدة الحرام چهار ساعت و دو دقیقه از طلوع آفتاب گذشته

از نقره بدست مبارک

روز بیست و دوم شوال موکب همایون از شکارگاه مسیله وقوع معاودت فرمود

مهر جهانتاب از برج خوشحال تحویل نمود و سلام خاص و دعا لازم بود شمس العماره در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید
یحیی خان اجودان مخصوص ملقب بنیل معتمد الملکی ملقب گردید میرزا زمان بمنصب کلانتری شهر دار الخلافه سرافراز شد
عبد الرزاق خان سرهنگ فوج حرفانی بمنصب سرتیپی فوج مزبور نایل آمد چون میرزا ابراهیم خان مظفر الدوله مرحوم
شد منصب سرتیپی فوج خمسه را بآقا خان پسر آن مرحوم مرحمت فرمودند اسبان اصطبل توپخانه مبارکه را بمرافقت محمد تقی
خان افشار واگذار نمودند دو ذی آخر ماه ذیحجه یکشو جبه برمه کشمیری شمسه دار مکلل بالماس که مخصوص وزیر
اعظم و شخص اول است بجناب اجل آقای مستوفی الممالک مرحمت فرمودند پاشاخان شجاع الملک ملقب بمظفر الدوله گردید
دو فوج خمسه با نصد سوار آبجارا ابو الفتح حاجی مهر علیخان شجاع الملک فرمودند استرآباد و مازندران و شاهرود
و بسطام که بحکمرانی اعتضاد الدوله مقرر است از قرار ذیل نواب برای آن ولایات تعیین شد
(حکومت مازندران باعتماد الدوله پسر اعتضاد الدوله به پیشکاری حاجی میرزا یحیی خان سرتیپ توپخانی) (نیابت حکومت استرآباد
بمحمد علیخان بیکلربیکی واگذار شد) (نیابت حکومت شاهرود و بسطام بمحمد حسنخان پسر شریفخان واگذار آمد (افغانستان)
منازعه بخارا با امیر شیر علیخان و فتح بلخ بدست امیر شیر علیخان (چین) فرستادن یکدسته از رجال دولت بسمت
سفارت بانگلیس بلاد فرنگ بواسطه شخصی بنکی نامی (ژاپن) جنگ و مشورش در داخله خاک ژاپن که مبادا که
پادشاه حقیقی است بدون مداخله طبقون مستقلا بامور سلطنت برسد و دست شدند بموسها یعنی بخای مملکت
غلبه هواخواهان میکادو بر هواخواهان طبقون امریکا (اسپانیول) مشورش در بالنگرناد نارضائی مردم
از دولت اخراج آبزابل ملکه همشیره خود و شوهر او را باتهام سازش با یاغیان ضدیت سردارهای قشون با ملکه برهذ
کینه و عداوت تمام اهالی اسپانیا بدون استثنا با ملکه ایجاد و تشکیل دولت موقتی بریاست سردار اهالی اسپانیا
در صدد باین هستند که وضع دولت را جمهوری قرار بدهند خروج دنکارلس که یکی از اقوام ملکه سابق بود جمعی از اهالی
اسپانیا در خیال این هستند که پادشاهی از خارج برای خود انتخاب کنند و وضع جمهوری را قبول ندارند شناختن دولت
اتالونی جمهوری اسپانیول را و بعد از آن شناختن تمام دول متمدنه جا این جمهوری را برهذ شورش در جزیره کوبا منطق
باسپانیا که همین شورش مقدمه یک جنگ طولانی خونریزی شدیدی که در آتیه ذکر خواهیم نمود فرار ملکه ایزابل بمملکت فرانسه
و پناه بافتن در آن مملکت (اطریش) عقد قشون تمام ممالک اطریش در خیال صلح ششصد هزار مقرر شد (المان)
کوشش پادشاه پروس و مسیو بیزمارک صدر اعظم در اتحاد و اتفاق دول المان آنها پادشاه پروس را بریاست خود (شناختن)
آوردن مجسمه لوتر رئیس مذهب پروتستانی المان در حضور پادشاه پروس هیئت جنگ پروس و فرانسه
بکمال دقت و سختی در المان دیده شده است خیال میکنی دولتانکلیس را مابین پروس و فرانسه که بلکه احتراز از
این جنگ قریب الظهور بشود اغلب دولتها المان نمیپسندند (انگلیس) صدارت بنسرائیلی شورش و انقلاب
سخت در ارلند استعفای بنسرائیلی بعد از چند ماه و صدارت گلادستن رئیس طایفه ویلفوخان قشون انگلیس
بسرداری پیپر در حبشه با وجود مخاطرات و موانع طبیعی در این نقطه جنگ سخت در حوالی مالک پای تخت حبشه
بپیشرفت عساکر انگلیس از بدی هوا و امراض مختلفه تلف شدند تا بالاخره در اواسط حمل پورش پای تخت برده آنجا را
متصرف نموده تادروس پادشاه در بین جنگ خود را بدست خود کشت پیپر سردار بعد از این فتح بلقب لردی نامیده شد
اختراع تفنگ مارتینی و توپهای نوی در مملکت انگلیس و قبول کردن دولتها این اسلحه را و تقسیم نمودن آنرا بقشون خود (ایطالیا)
ازدواج ولیعهد با صبیه دوک دژن موسوم بمارگریت طغیان کوه آتشفشان اتنا (پرتوغال) ضدیت مردم با یکدیگر

در مسئله اتحاد اسپانیول و پرتوغال و تفویض سلطنت اسپانیا بپادشاه پرتوغال (دانمارك) ازدواج و تعهد اینها و دولت
بادخترپادشاه سوئد (روس) دوچار شدن ایالات شمال بخط و غلا و بروز ناخوشی طیفوس در فلاندر تقسیم تفنگ
تهیه بعساکر دوس فتوحات در ترکستان بخارا فتح سمرقند بدست ازبک کفمان (سوئیس) طغیان رودخانه ها که
از کوه آلپ جریان دارد طغیان آب دریاچه ها خرابی غلیان آبادیها اتلاف مال و آدم زیاد و رسیدن خسارت بمبلغ
زیاده از سه کرور (عثمانی) قتل والی سرعسکر پیشین در کردستان خارج شهر بلکراد و نصب صدراعظم برادرزاده او بسن چهارده
سالگی شورش سخت در جزیره فنگ حرکت یونانیها بر ضد عثمانی در خاك دول فرنك در کار یونان و عثمانی صلاح دولتهای
اعلیحضرت سلطان که ولایتعهد حق پیرخدیو است بر خلاف قانونیکه رسم بوده کرار شد او لاد بخلافت نمیرسیده است
(فرانسه) شورش آشکار بعضی از شهرها بدولت بعد از پانزده سال امنیت و آسودگی اغوا نمودن شورشیان مردم را بواسطه
روزنامه و غیره نطقهای سخت و خطبه های خشن در مجلس و کلا از جانب مسیو طیر و ژولفاور تقسیم تفنگ موسو بشاسپو
بقشون فرانسه باکمال عجله فوت والفسکی از معارف رکن شدن در سینه معلم معروف علم موسیقی فوت باروت مبرد چل در
سن هفتاد و شش سالگی در عالمگیر اول شخص با ملکت مردم دنیا بود **افریقا** (مرغش) آفتداری سلطان سیدمولا
محمد با عنکری بعضی ایلات عرب خاصه طایفه ظهیر و غارت اطراف شهرها بروز وبای سخت در زمان انطایفه و پراکنده کردن
انطایفه را **امریکا** (مکزیك) شناختن دولت اتاتوئی دولت جمهوری مکزیك را برپاست ژوارز (سنگی دنیای جنوبی)
بروز وبای سخت در این مملکت منازعه سخت بر زیل با پادگای بروز تحمای زرد در مملکت بروز زلزله سخت در پاییز انبساط
در اغلب نقاط روی زمین و بواسطه این زلزله در حوالی کالبرنی و سیلی طغیان آب دریا سبب خرابی اغلب آبادیها و
هلاکت مردم گردید

سنه ۱۲۸۵ هجری — سنه ۱۸۶۸ مسیحی

آسیا (ایران) از ابتدای ایندسال ذات بیهمال همایون بتعمیم مکارم و مراحم شاهانه در باره خاص و عام متوجه
بود علیرضاخان پیشخدمت خاصه حضور همایون ملقب بعضدالملك گردید نواب مؤیدالدوله بپیشکاری و کارگذاری
مملکت آذربایجان مامور و باعطای جبه بشمسه دار مفتخر گردیدند سردار کل عزیزخان وزیر جنگ باعطای یکرشته جاپل
لایق درجه اول امپریونانی سرافراز آمد نواب شاهزاده محمد امین میرزا برحسب استدعا نواب اعتضادالسلطنه وزیر علوم
بنیابت ملایر و تویسرکان مفتخر گردید جناب صنابیك وزیر مختار دولت عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه و اداره
دارالخلافه شد نواب حسام السلطنه فرمانفرمای مملکت فارس بیك را مراسب خاصه با یراق مرصع جواهرنشان مفتخر گردید
کاظمخان سرتیپ بمنصب فراشباشیگری سرافراز آمد مرتضی قلیخان قوللرآقاسی باشی بمنصب کشیکچی باشیگری مباهی شد
جدد قلیخان پسر مرحوم محمدولیخان قاجار از اجزای نیوانخانه گردید بخلعت همایون سرافراز گشت حاجی بهاءالدوله
به سیکلربیکی گری بیرجند برقرار گردید موکب همایون از مقر خلافت عزیمت ییلاقات لار و غیره فرمود مسیو کاسترهندس
نمساوی بپاداش ساختن راه هزار چم مازندران بلیفت خانی سرافراز آمدهم در این اوقات شاهنشاهزاده معظم
جلال الدوله حکمران خراسان داعی حق را لبیك اجابت گفتند در بازدهم جمادی الاولی موکب همایون از ییلاقات بقصر سلطنت
آباد مراجعت فرمود شب یازدهم جمادی الاولی تقریبا بپنجساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در طهران و کاشان
وقم و فیروزکوه شد حاجی علیخان اعتمادالسلطنه والد مولف در سلخ ربیع الاول داعی حق را لبیك اجابت گفت و شرح
احوال مرحوم مفصلا در جلد دویم مرآت البلدان موسوم بمآثر السلطان نگارش یافته است عجدالدوله امیر

اصلانخان بحکومت کیلان منصوب آمد ناصرقلیخان نایب الحکومه خمسه بلقب عمدالملکی سرافراز شد نظر بمراتب
ترقیات و مراسم قابلیت حضرت شاهنشاهزاده امجد افخم والا نایب السلطنه ایشانرا بمنصب جلیل و لقب نبیل سرداری کل
قشون سرافراز و باعطای یکقبضه شمشیر مرصع و یکقبضه شمشیر مکلل بالماس و طلای ذی بهائی
فرمودند و نواب حشمة الدوله بنیابت اول وزارت جلگ و مراقبت دانشائی و انتظام امور لشکر مامور و بیکقبضه
سرداری شمسه مرصع مفتخر گردیدند امارت و ریاست توپخانه مبارکه را مرید سپاه پرمشاغل انوشیروانخان اعتضاد
الدوله فرموده بیکقبضه سرداری شمسه مرصع معزی الیه قرین افتخار آمد و خانخانان پسر اعتضاد الدوله بمنصب
نظارت و خواناسالاری درجه اختصاص یافت جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک بمنصب متولیباشیگری حضرت رضوی
سلام الله علیه سرافراز آمد علیرضاخان عضد الملک بمنصب خازنی مهر مهمات آثار درجه افتخار یافت عبد العلیخان ادیب
الملک بپیشخدمت خاصه بمنصب جلیل وزارت وظایف اوقاف مفتخر گردید حاجی الدوله حاجی محمدخان بحکومت خرقانین و خلعت
همایون سرافراز شد مسجد ملک در بلده کرمان که از بناهای قاورد بن چغربیک بن میکائیل بن سلجوق است حسب الامر
باهتمام شهاب الملک حکمران کرمان بتعمیر شد مدرسه نیز بامر علی در کرمان بجهة تلامذه جناب حاجی سید جواد مجتهد
کرمانی از نو ساخته اند میرزا سید حسین وزیر کرمان بمنصب استیفا و خلعت همایون نایل شدند و هشتم رجب شاگردان
مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرموده مراتب ترقیات هریک مشهود با نعامات شاهانه سرافراز گردیدند ابن اوقات
قرار و ترتیب جدید در امر قشون ظفر نمون دادند که مبتنی بر انتظامات کلیه و منبع ترقیات آتیه بود میرزا کاظمخان لله باشی
مرحوم جلال الدوله بمنصب استیفا از درجه چهارم نایل گردید آقا سید ابو طالب وضه خوان ملقب بصدر الذاکرین شد
میرزا محمد رئیس دفتر وزارتخارجه بنشان شیر و خورشید از درجه اول سرتیپی و حمایل آن مفتخر آمد حاجی رجبعلیخان
سرتیپ توپخانه بر پاسنگل توپخانه آذربایجان برقرار گردید جناب میرزا حسینخان مشیر الدوله از درجه وزیرمختاری
و ایلچی گری مخصوص اراد تفأ و بتفویض درجه سفارت کبری اعتلا داده بیکقبضه جبه ترمه شمسه مرصع مخلع فرمودند
جناب علاء الدوله رئیس قورخانه را باعطای نشان نمثال بی مثال همایون سرافراز داشتند حیدرقلیخان ایلخانی
سهام الدوله بر سر ترکمانان طایفه جلدو خراسان ایلغار و بعد از چندی سخت آنها را تنبیه و تنبیه کامل نمود
نواب مؤید الدوله پیشکار آذربایجان بیکقطعه نشان امیر نوبانی قرین افتخار آمدند غلامحسینخان پسر مرحوم
علیقلیخان نایب آجودانباشی بهمین منصب سرافراز گردید باین اوقات اعتضاد الدوله داعی حق را لبیک اجابت گفته حکومت
استرابادرا بعهده اعتماد الدوله پسر آنمرحوم واگذار فرمودند و محمدعلیخان بیکلربیکی بنیابت حکومت استراباد
برقرار گردید و عین الملوک پسر دیگر مرحوم اعتضاد الدوله بمنصب نظارت و خواناسالاری و لقب عین الملکی سرافراز شد
و حاجی میرزا یحیی خان کافی السابق بنیابت حکومت مازندران مباهی میباشد نواب بهرام میرزا معز الدوله بحکمرانی
ولایت عربستان و بروجرد و اعطای یکقبضه شمشیر مرصع سربلند آمدند و میرزا زکی مستوفی بوزارت نواب معزی
الیه و خلعت همایون نایل آمد نواب والا فرهاد میرزا معتمد الدوله حکمران کردستان بیکقطعه نشان امیر نوبانی
مکلل بالماس قرین اختصاص گردیدند علیخان پیشخدمت خاصه بمنصب نحو طلایداری وجوه نظام سرافراز آمد محمد
مهدیخان که بمنصب کشیکچی باشی گری مسبوق بود مجددا باین منصب مفتخر گشتند این اوقات مجددا شجاع الدوله امیر
حسینخان شادلو و حیدرقلیخان سهام الدوله ایلخانی زعفرانلو در صحرای اتلاق آخال بر طایفه تکه مروی آخال
دشمن ناخته یکلی این طایفه طاغیه را مقهور بلکه نابود نمودند احتشام الملک پسر مرحوم احتشام الدوله بحکومت

وخلعت همایون

کاشان

کاشان سرافراز آمد سلیمانخان سرتیپ اول افشار بحکومت و سرداری استراباد سرافراز گردید میرزا علی اکبرخان زادارهٔ وزیر علوم بنیابت حکومت ملایر و توپسرکان و لقب مقربالخاقانی و مفتخر گشت نواب حشمة الدوله نایب وزیر فلک بلقب جلیل میرجنگی درجه اختصاص یافته میرزا عبدالرحیمخان وزیر مختار دولت علیه کرمقیم پطرزبورغ بود ملقب بسپاهدار الملک شد حاجی میرزا علی مشکوة الملک بحکومت همدان منصوب گردید محمد تقیخان افشار پیشخدمت خاصهٔ امپراطور اصطبل توپخانه سیکقطعه نشان دوم سرتیپی و حمایل آن سرافراز آمد روز شنبه ششم پنجده ساعت و سی دقیقه و چهل و سه ثانیه از روز گذشته نیر اعظم از برج حوت بحمل بحوت نزول و سلام خاصه در تالار شمس العماره انعقاد یافت حضرت شاهنشاه زاده افخم اکرم والا نایب السلطنه را بمنصب جلیل و لقب نبیل امیرکبیر درجه اول نیشان عنایت و با عطای یکثوب سرداری شمسه مرصع و یکقطعه کل کرمکلل بالماس مباهی فرمودند نواب حشمة الدوله بحکمرانی مملکت خراسان منصوب و عزیزخان سردار کل کافی السابق سرداری کل نظام و غیر نظام سرافراز گردید محمد آقای سرهنگ نایب اول سفارت دولت علیه در دربار دولت انگلیس با عطای منصب سرتیپی از درجهٔ سیم حمایل مخصوص آن سیر بلند آمده که بحمل ها مورتبت خود روانه گردد میرزا محمد علیخان اصفهانی شمس الشعرا مرحوم شد (ژانویه) اجرای قواعد و قوانین جدیده اجازه دخول فرنگیها در اغلب بنادر قرار داده شد در این سال پدرو دوم پای تخت دولت سفرای فرانسه و انگلیس و ایطالیا و هلاند و پروس و اتاتونی در این پای تخت من بعد سفارتخانه خواهند داشت بمجلس شورای ولتی که اجزای آن تمام دموسها (یعنی نجبا و اعیان) هستند امریکا (اسپانیول) بنیابت سلطنت اختیار کل دولت را عهده دار شال سرانه کذا شد شورش اهالی کوبا باکمال شدت و با وبا نیز در این جزیره شایع است (انگلیس) مخارج جنگ حبشه که بمجلس وکلای ملت عرضه داشتند بهجده کرور لیره که هر لیره عبارت از بیست و پنجهزار است رسیده است فوقالعاده در بی رئیس طایفهٔ توپیها در سن هفتاد و سالگی (ایطالیا) تولد پسر و بعهد در شهر ناپل و ملقب نمودن او را بشاهزاده ناپل (بلژیک) فوت و بعهد پسر واحد پادشاه در سن نه سالگی (روس) شورش طایفهٔ قالموق و قرقیز و تصرف نمودن آنها شهر اوکار کس را در حوالی دشت و بعد از تعاقب نمودن قشون روس آنها را پناه بردن آنها بخان خوقند فرستادن امپراطور اسفر و پسر خود را بطور کردی بپطرزبورغ و کاستن شوکت امپراطور بواسطه تصرف روس تقریبا نصف مملکت او را و هر سال نیز مجبور است بجهة مخارج جنگ مبلغی بکارکذاران روس تسلیم نماید و پسر بزرگش نیز با او باغی است بخشش اعلیحضرت امپراطور تقصیرات شمسیل را

امریکا (اتاتونی) انتخاب رئیس جمهور از اقران گران را تر باست

سنه ۱۲۸۶ هجری **سنه ۱۸۶۹ مسیحی**

آسیا (ایران) در این سال امور ملک و دولت را از پرتو نظر عنایت سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری سروسامان بکمال است حکومت اصفهان را مستقلا میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان مفوض و معزی الیه را بخطاب جانبی و عطای یکثوب جبه ترمه پولک دوزشمسه مرصع سرافراز فرمودند نظر بخدمات مرحوم محمد اسمعیل خان وکیل الملک مرضی قلیخان پسر آنمرحوم را بلقب وکیل الملکی و حکمرانی کرمان و بلوچستان مفتخر داشته مستشار دیوان خراسان بنشان و حمایل از درجهٔ اول سرتیپی و پیشکاری کل خراسان سرافراز آمد میرزا خانلر قاجار مستشار امور خارجه بکارکذاری مهام خارجه کیلان و نشان و حمایل از درجهٔ سرهنگی سرافراز شد شاهزاده

سام میرزا کمر از مدحت سرایان ایندولت است بلقب شمس الشعرائی سرافراز کردید نواب الاعضد الدوله که با شقا
امور فوقدخانه برقرار بودند بمنصب نیابت وزارت جناب سرافراز شدند لقب و منصب معیر الممالکی بر حسب استدعا امیر
دوستعلیخان معیر الممالک بامیر دوستمحمد خان ولد مشار الیه مرحمت فرمودند علیقلیخان پیشخدمت خاصه ملقب باین
صره کردید آقاخان سرتیپ ملقب بمصبا الدوله فرمودند حبیب الله خان سرتیپ اول تنکابنی بلقب ساعد الدوله
سرافراز آمد علیقلیخان سرتیپ رئیس تلگرافخانه ها ممالک محروسه ملقب بمخبر الدوله کردید میرزا حسینخان پسر
مرحوم میرزا مسعود وزیر دولخارجه سابق بنیابت امور خارجه یافت موکب همایون تشریف فرمای شهر شانک و فریم
دونا و کچسر میباشد میرزا زکیخان سرهنگ فوجدخانه مبارکه بمنصب سرتیپی سرافراز شد علیخان سرتیپ کارپرداز اول
دولت علیه مقیم نمسا بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز کردید میرزا مهدیخان منشی وزارت امور خارجه باعطای
یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه سرتیپی با حمایل آن مباهی آمد موکب همایون روز هشتم جمادی الثانیه
از شهر شانک بسلطنت آباد نزول اجلال فرمود جناب مسیو بکر کمیسر و زیر مختاری از جانب دولت روس
ماموا قامت دربار دولت علیه بود وارد دار الخلافه و شرفیاب حضور مبارک شد آقا ابراهیم آبدارباشی خاصه
بلقب امین السلطانی و خلعت همایون سرافراز کردید علینقی خان پسر کاظمخان فراشباشی بسرهنگی فوج قهرمانیه
شقاقی برقرار آمد همدر اینسال فتح اورامان کردستان باهتمام نواب الاعضد الدوله حکمران کردستان اتفاق
افتاد و طوایف طاغیه اکراد کروزکاری در سرحدها بین دولتین علیتین ایران و عثمانی بقطع طرق و بی اطاعتی
و لاتکردستان عادت کرده بودند بتنبیهی نبرادیده محذول و مندفع الشر شدند مرتضی قلیخان وکیل الملک
حکمران کرمان و بلوچستان باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید با حمایل از درجه اول سرتیپی قرین مفاخر شد آمد
جناب حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم اسلامبول باعطای یکرشته حمایل آبی و یکرشته
بند کاغذ مرصع قرین اختصاص آمد نواب ضیاء الدوله باعطای یکقطعه نشان شمائل همایون سرافراز کردید حاج
میرزا یحیی خان نایب الحکومه مازندران بیکقطعه نشان شیر و خورشید و یکرشته حمایل از درجه سرتیپی مفتخر
شد روز بیست و سیم رجب مدرسه مبارکه دار الفنون را امتحان فرمودند مراتب ترقیات آنها مشهود
افتاد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکشو و بسرداری شمسه مرصع سرافراز فرمودند چون محمد ابراهیمخان
معمار باشی عمارتی جدید حسب الامر در جاجرود بنا نموده که پسند خاطر اقدس ملوکانه افتاد مشار الیه باعطای یک
قطعه کلاه و نشان و حمایل از درجه سرتیپی سرافراز شد نصر الله خان سرتیپ فوج فراهانی بلقب نصر الملکی مفتخر
کردید میرزا محمد علی مستوفی ولد مرحوم میرزا محمد حسین عضد الملک ملقب بصدر دیوانخانه شد حاجی شریفخان
مستشار لشکر حاکم ترشیز و تربت بر حسب استدعا نواب حشمة الدوله حکمران خراسان بلقب مستشار الدوله
مباهی آمد حاجی محسنخان سارز افراز دولت علیه ایران مقیم لندن باعطای منصب و زر مفتخر در بار دولت
انگلیس برقرار کردید محمد آقای سرتیپ نایب اول سفارت دولت علیه مقیم لندن بود و بدار الخلافه باهره
احضار شده بمنصب مستشاری سفارت و خلعت همایون سرافراز و روانه محل ماموریت خود کردید نواب
عماد الدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نهاوند را احضار بدار الخلافه نمودند در روز عید فطر نواب
معظم الیه را بنشان از درجه اول سرتیپی سرافراز نمودند کاظمخان فراشباشی ملقب بحاجب الدوله کردید حاجی
میرزا علی مشکوة الملک بمنصب وکیل الرعایائی کل ممالک محروسه برقرار گشت دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص

وطن آموان

مزبوره

حضور همایون سبکفطرت نشان نمثال بی مثال مبارک فرین افتخار کردیدا مین حضور پیشخدمت خاصه را مامور بتنظیفات
وانتظامات شهر دارالخلافه وحوالی فرمودند نواب حشمة الدوله خمکران خراسان در تدمیر طوایف ترکمه
اهتمامات نموده وقلاع قلعه وطرزن وقلعه موسوم بقوشه که از قلاع بزرک طایفه طاغیه است فتح نموده اند غلام
حسینخان سپهدار بوزارت عدلیه برقرار ومنصوب کردید چون بجهه برخی مواد سرحدیه دایره مابین دولتین
علیتین ایران وعثمانی باید کیفیتی از طرفین مامور ودر انسرحد شود میرزا مجیعلی ناظم دفترخانه وزارتخارجه
باعطای خلعت همایون سرافراز وبجهه مقصود مزبور مامور سرحد شد نظر آقا بمنصب شاردفری واقامت دربار
دولت فرانسه وخلعت همایون ونشان شیر وخورشید از درجه سیم سربلیچ باحمایل ان سرافراز شد میرزا عبدالله
نایب اول سفارت بلقب خانی ومشاورالسفارت برقرار کردید میرزا احمدخان نایب دوم سفارت بنیابت اول
نایل آمد بعضی بنا بتهای عمده درحدود وقلاع سرحد بمراستر اباد بامر دولت کردند میرزا زنکی پیشکار عرضبیکی
ویروجرد ملقب بضیاء الملک شد نواب شجاع السلطنه فتح الله میرزا ابن خاقان مغفور داعی حق را لبیک اجابت
کفت جناب شیخ عبدالحسین مجتهد نیز در عتبات عالیات بجوار رحمت الهی پیوست موکب همایون روز یکشنبه
بیستم شهر شوال از دارالخلافه بعزم سفر خجسته اثر کیلان انتهاض فرمود در عنبا بموکب مسعود شاهانه
حضرت شاهنشاه زاده امجد اکرم نایب السلطنه امیر کبیر وجناب اجل آقای مستوفی الممالک بهمام ملکی پیوستند
از وزرای عظام نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم ووزیر امور خارجه وظهیر الدوله ملتزم رکاب اعلی میباشند
موکب مقدس دو روز در کن ودو روز در عمارت سلطانی کرج اقامت فرمود روز بیست و پنجم شوال سفرآباد
مضرب خیام اجلال کردید روز بیست و هفتم بفشلاقی وروز بیست و هشتم بعبدل آباد وروز بیست و نهم ساحت
هزار جریب بقدوم اوزانی فرمودند سلخ شوال بقزوین وغره ذیقعده از قزوین بقریه آقابابا ودویم
بقریه یکندی وروز چهارم بدره ملاعلی توجه فرمودند روز ششم پل اوشان که اول خاک کیلان است محل اردوئی
همایون بود وروز هفتم امابرسم آباد تشریف فرما شدند پل منجیل بتوسط جناب حاجی ملا رفیع مجتهد رکال آستکاری منجیل دو روز نهم
ساخته شده است روز دهم جنکل امامزاده هاشم وکنار رودخانه سفید رود بورود مسعود شاهانه زینت
یافت روز یکشنبه یازدهم شهر دارالمرز دشت ابقدوم بهجت لزوم مبارک آراستند ودر انروز نزال
قول یکین حاکم بادکوبه وتوابع که از جانب اعلیحضرت امپراطور روس باجمعی از حکام وصاحبمنصبان قفقازیه
بخدمت رسیده بود موکب همایون عزیمت انزلی فرمود مجدالدوله از حکمرانی کیلان استعفا نموده زمام حکومت این ایالت
را بکفایت جناب مؤتمن الملک وزیر امور خارجه واکذار فرمودند علما واعیان انزلی وارد بیل وغیره کردند
انزلی شرفیاب شده بودند بجلادع همایون سرافراز کردیدند ژنرال قولی یکین بنشان شمال همایون مکلل بالماس
سرافراز وسایر صاحبمنصبان روسی نیز هریک بنشان وحمایل از درجه کمتر خور بود مفتخر کردیده مرخص
شدند سیف الملک حاکم طوالش بنشان شیر وخورشید وخلعت همایون مباهی آمد میرعلی اکبرخان دریابیکی
بنشان سرهنکی وخلعت همایون نایل کردید لطفعلی بیک میرزا سرهنک توپخانه بنشان وحمایل سرهنکی سرافراز شد
نصرالله خان سرهنک خارج از فوج بنشان وحمایل سرهنکی وشمشیر کل ونشر طلا وحکومت مشکرکان روضه مفتخر

کشت

کشت امان الله خان بحکومت طالش و لاهیجان و اعطای شمشیر مرصع طلا سربلند شد و همچنان بحکومت شاندرمن و شمیران
مرصع طلا سرافراز آمد سایر اعیان و بزرگان و صاحب منصبان نظام و غیره نیز بمراحم شاهنشاهی نوازش کردیدند روز
بیست و ششم از راه منکوده که کنار رود خانه مبارک آباد واقع است و براه پیر بازار وصل شتیو موکب همایون عازم
رشت کردید و روز بیست و هفتم علما و اعیان رشت و غیرهم را بعواطف و خلایع و انعامات ملوکانه قرین اختصاص و
مباهات فرمودند و زسلخ فوسنولهای خارجه را بخلایع فاخره و اشیا نفیسه مفتخر داشتند روز غره شهر ذیحجه بالیمن
والسعاد از شهر دارالمرز استخلاص و عزیمت صوب دارالخلافه فرمودند روز پانزدهم مقر سلطنت کبری و دارالخلافه ناصری
بفرق دوم هجیت لزوم شاهنشاهی دام ملکه مزین کردید شب دوشنبه هجدهم بنراعظم از برج حوت بحمل تحویل نمود
سلام خاصه در پیشگاه حضور اقدس انعقاد یافت همدر این سال حضرت اجل اکرم شاهنشاهزاده کامکار
یمین الدوله حکمران فارس بلقب جلیل ظل السلطان ملقب کردیدند میرزا رضا پسر مرحوم میرزا زین العابدین البرزند
بمنصب مستوفی کی مباهی کشت میرزا شفیع منشی وزارت خارجه بلقب خانی سرافراز آمد محمد کاظمخان ولد مرتضی خان
قاجار دیر هنکی فوج و تیم خاصه برقرار کردید محمد صادقخان سرتیپ پدر شهاب الملک که بمکه معظمه مشرف
شده بود در عرض راه برحمت ایزدی پیوست آقا سید محمد باقر مجتهد و پنجی داعی حق را لبیک اجابت گفت امروز (اطریش)
مسافرتنامه راطور اطریش بسمت مشرق زمین که از راه رسجق و وارنا باسلامبول و از آنجا ببوغاز و از بوغاز بژانا
و از آنجا ببیت المقدس و از اینشهر بمصر آمده و در افتتاح نهر مجمع البحرین سویز حضور بهمرسانیده بعد مراجعت بفرنگ
نمودند انعقاد معاهده بخارجه با پاشاه سپاهام و خاقان چین (عثمانی) خشنودی اعلیحضرت سلطان از اینکه دولت
فرنگ رفع مخاصمه را با یونان نمودند فوت فواد پاشا وزیر امور خارجه در نیس از بنا در فرانسه تفویض وزارت
جنگ بحسین عونی پاشا که حاکم جزیره قندی بود بتوسط عالی پاشا صدر اعظم مسافرت والی منتظر و بدون اجازه
اعلیحضرت سلطان بتمام فرنگستان و برود سیه مراجعت نمودن بولایت خود با پرنس دالفرد که یکی از اجودانهای
خاصه امپراطور دوس است مسافرت والی افلاق بغدان نیز بفرنگستان و مراجعت با پرنس الیزابت در سوئیز خدیو مصر
که مغرور بالطاف اعلیحضرت سلطان شده بود بدون اجازه واذن بابعالی در قاهره افتتاح مجلس شورائی مبنا بدینیز
بی خصوصت بفرنگستان سفر نموده سلاطین عظام انشان را دعوت با فتتاح نهر مجمع البحرین سویز میکنند (هشتاد کرور
و دویست هزار و هفتصد و هشتاد تومان و دو قران مخارج این بوغاز شده و طول بوغاز بیست و هشت
فرسخ و یکصد ذرع عرض و هشت ذرع عمق دارد) و در اینمورد حلم پاشا عموی خدیو و مصطفی پاشای برادرش که
از خواص اعلیحضرت سلطان هستند سعایت از خدیو میکنند بنابراین عمل اعظم عثمانی تهدید بنامه بخدیو مصر مینویسد
که اولا عدد قشون خود را کم کند ثانیا بر عدد سفاین جنگی نیفزاید ثالثا هر سال کتابچه خرج دخل خود را بباب عالی
اسلامبول ارسال دارد رابعا بدون اجازه اعلیحضرت سلطان نمراوده بخارجه و نه پولیتیکی با هیچ دولتی از دول فرنگ
نداشته باشد خامسا بدون اذن اعلیحضرت سلطان استقراضی ننماید بالجمله بعد از ده سال کار بریاست فردیناند
دلیسپس فرانسوی در هفدهم نوامبر امسال افتتاح نهر مجمع البحرین سویز کردید حضور اغلب از سلاطین و شاهزاده های
بزرگ فرنگ در جشن افتتاح نهر مزبور غیر شاهزاده های خانواده انگلیس (فرانسه) فوت کلامارتین شاعر معروف
در اواسط زمستان فوت مارشال پیل و وزارت جنگ ژنرال بولوف چون امسال صد تولد ناپلیون اول
بود برای بترک و جشن در این خانواده ملکه ویکتوریه کوشش که موطن و مولد ناپلیون اول میباشد سفر میکند

که شب عید غدیر بود بعد از گذشتن چهار ساعت و بیست دقیقه و سی ثانیه صح

مثلث برض امپراطور ناپلیون سیم و با نواسطه هرج و مرج امورات خطبه ها شورش انکیز خواندن پرنس ناپلیون ابن
اعم اعلیحضرت ناپلیون بروز و باد رکمال شدت در متصرفات فرانسه در ماچین مسافرت امپراطرشین بمشرق زمین و حضور
ایشان در مصر بموقع افتتاح نهر مجمع البحرین (پونان) مخاصمه مابین ایندولت و دولت عثمانی که بدو از ابتدای شورش
اهالی قندی بود و تا اینزمان امتداد داشت و بواسطه یکمجلس کنفرانس که در پاریس منعقد کردید مامورین دول فرنک که
در انمجلس جلوس نمودند رفع مخاصمه شد معدوم شدن شهر سنت مُر بواسطه زلزله

سنه ۱۲۸۷ هجری — سنه ۱۸۷۰ مسیحی

آسیا (ایران) جناب مؤتمن الملک که حسب الامر چند روزی بر کیلان اقامت داشت بنام انتظام آن ولایت را
بر عهده میرزا عبد الوهاب خان نایب الوزاره (جناب نصیر الدوله) واکذار نموده خود بخاکپای مبارک مشرف آمد
حکمرانی بزرد را بنواب حسام السلطنه تفویض فرمودند و امیرزاده ابو الفتح میرزا (مؤید الدوله) ولد نواب معظم الیه بوزارت
میرزا محمد حسین مستوفی بنیابت حکومت آنولایت و فتعلیخان سردار کل بوزارت و پیشکاری آذربایجان سرافراز
کشت میرزا ابو القاسم معین الملک بمنصب متولیباشی کری حضرت رضوی علیه السلام سربلند آمد محمد قلیخان شاطر
باشی ملقب بصارم الملک شد سرایدار باشی بدرجه سر پنجی سیم و نشان و حمایل آن نایل کردید نقشه اراضی شهر
جدید دار الخلافه ناصری را جعفر قلیخان رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون و میرزا عبد الغفار معلم کل علوم ریاضی
با بیست نفر مهندس کشیده بتوسط نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم بحضور مبارک برده بسه هزار تومان
انعام سرافراز شدند مجد الدوله بمنصب امیر آخوری اصطبل مبارک سرافراز کردید علیرضا خان عضد الملک باعطای
نشان تمثال همایون درجه اختصاص یافت حکومت همدان اراضیه حکومت کردستان فرموده بنواب والا معتمد الدوله
واکذار فرمودند و امیرزاده سلطان اویس میرزا ولد نواب معظم الیه از جانب ایشان بحکومت همدان رفت اقا مهدی
ملک التجار مرحوم شد آقا محمد کاظم ولد آنمرحوم بمنصب ملک التجاری ایران مفتخر کشت علیقلیخان سرتیپ فوج کرزانی
ملقب بمعتمد الملک شد محمد حسینخان قراکوزلو پسر مرحوم علیخان نصرة الملک بلقب حسام الملکی مباهی کردید
میرزا محمد حسینخان نایب الحکومه اصفهان ولد صاحبدیوان بنشان و حمایل سرتیپی سرافراز آمد حاجی محمد قلیخان آصف
الدوله وزیر فارس بیکقطعه نشان تمثال همایون مباهی کردید امیرزاده اسمعیل میرزا ولد نواب معز الدوله بنشان
و حمایل سرتیپی سرافرازی حاصل نمود میرزا ابو طالبخان نایب الحکومه لرستان مرحوم شد محمد حسینخان حاکم
سمنان و دامغان بلقب اعتضاد الملکی مفتخر کردید یوسفخان شجاع الدوله حاکم خوی و سلماس و ارومی باعطای یک
قطعه نشان از درجه اول امیر توماني با حمایل آن قرین مفاخرت آمد و فوج خوی را نیز علاوه بر سه فوج افشار
ابو الجمع مشار الیه فرمودند نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم بیکقطعه نشان امیر توانی مکلل بالماس با حمایل
آن درجه اختصاص یافت میرزا سید احمد مستوفی بحکومت ولایت عراق منصوب آمد میرزا علیخان منشی حضور
و نایب اول وزارت خارجه (جناب امین الدوله) بنشان از درجه ثانیه خارجه مباهی کردیدند بنده مؤلف بعطای
یکقطعه کلکر مکلل بالماس سربلند شد میرزا سید ابراهیم سررشته دار مالیات خراسان بمنصب استیفا از درجه
چهارم و میرزا محمد حسین پیشکار خمسه نیز همین منصب سرافراز شد مستشار الملک خراسان در ازای راه
آزاحتن تذکار مشارالیه و ادای قلعه و التزام نواب حشمت الدوله حمزه میرزا بنشان تمثال همایون مفتخر کردید
مان الله خان سرتیپ بهاء الملک لقب یافت علیخان پسر سلیمانخان صاحب اختیار حکمران استراباد بمنصب سرهنگی

فوج اخلاص افشار اسد آبادی مباهی گردید میرزا حسنخان پسر رستم مرحوم میرزا مسعود وزیر امور خارجه سابق
بنیابت اول وزارت خارجه نایل آمد میرزا اسدالله خان نایب اول سفارت دولت علیه مقیم پطرزبورغ بکار پردازی اول
تغلیس مامور شد میرزا عبدالله بامور بیت مخصوص بلند عباس سرافراز و بنشان و حمایل اول سرهنگی نایل گشت
جناب صاحبدیوان حکمران اصفهان بکرشته حمایل آبی سپر فرق بامتیاز آمد از وقایع معظمه اینسال مسافرت بندگان اعلیحضرت
شهریاری بنساحت عراق عرب و زیارت عتبات عالیات است چنانکه در سفرنامه مخصوص همایونی بشرح درج افتاده است
روز بیستم ماه جمادی الثانیه از دارالخلافه الباهره حرکت فرمودند رباست وجراست اردوی معلی با نواب حسام السلطنه
در غیاب موکب همایون حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه و جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر
اول بمهام ملکی رسیدگی مینمایند غلبات رجال دولت و خواص علیه خلوت ملتزم رکاب اعلی میباشند ناظم افندی
شارژدافر عثمانی و مسیو کربل نایب اول سفارت دوس نیز همراه هستند روز سیزدهم رجب که عید مولود حضرت
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود شهر همدان بقدوم بهجت لزوم مبارک مزین آمد روز غره شعبان عمارت
عمادیه مرسکفر سنگ کرمانشهان واقع در کنار رودخانه قراسو بقدوم مبارک مزین گردید روز بیست و یکم تشریف فرمای
خانقین شدند از طرف دولت عثمانی رودی مفصل با تشریفات شایان و مدحت پاشا والی بغداد و کامل پاشا و غیره
در سرحد حاضر بودند روز بیست و هشتم شعبان در حالیکه طبقات ملتزمین رکاب اعلی با البسه رسمیه حاضر شده بودند
بدارالسلام بغداد هفتم فرمانشدند تلگرام اخبار ورود همایونی و جواب تبریک ورود مسعود باکمال گرمی مبادله اعلیحضرت
همایونی و اعلیحضرت سلطان عثمانی در همان ساعت گذشته شد روز بیست و نهم شعبان عزیمت زیارت کاظمین علیهما السلام فرمودند
و همچنین از طرف قرین الشرف همایون ملوکانه بذل انعامات شایان میشد روز هفتم رمضان المبارک وارد کربلای معلی
گردیدند و اولی الورود بزیارت خامس آل عبا حضرت سید الشهدا ارواح العالمین له الفدا و بعد بزیارت حضرت عباس
و سایر شهدا علیهم السلام استسعاد فرمودند روز سیزدهم برای تیمن درگاه عرش اشتباه حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه عزیمت نجف اشرف فرمودند هنگامیکه بروضه مطهره علوی فایز شدند جبهه الماس بر بالین
گنبد مبارک داشتند پیشکش آستان ملایک پاسبان حضرت کردند روز بیستم معاودت بکربلای معلی نمودند
روز بیست و چهارم رمضان عزیمت معاودت بصوب ایران فرمودند و همچنین انعامات و عطایای وافره و خلایع فاخره بطبقات
خدام و دعاگویان و عزیمهم مبذول داشتند روز دوم شوال بعزم سرمن رای انتهاض فرموده روز ششم وارد
آنشهر منور شده بزیارت عسکریین علیهما السلام و مقام غیبت حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه فایز گردیدند
و روز هشتم شوال عزیمت معاودت فرمودند روز پانزدهم بخانقین نزول اجلال نمودند در اینروز برای پاشایان
و مامورین که از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی آمده بودند و تصدیعاتی شده انعامات درخور مرصع و انگشتری و شال
و وجه نقد بقدر یکریشه بوار مسال داشتند روز بیست و ششم عمادیه کرمانشهان بمقدم مبارک مزین گردید
روز بیست و سیم ذیقعده شهر قرین بمقدم مبارک مزین آمد روز سه شنبه غره ذیحجه بامیامن سعادت و اقبال بدارالخلافه
باهره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند همدران اوقات وزارت عدلیه اعظم و وزارت اوقات و وظایف را
بعهده کفایت و کفالت جناب مشیرالدوله میرزا حسینخان مفوض و مرحمت فرموده معظم الیه با عطای یکقبوت جبه
شمشیر مرصع و یکفلکه انگشتری الماس سرافراز داشتند همدران سال نواب والا معتمدالدوله حکمران کردستان را بعطا
یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس قرین اختصاص فرمودند حاجی رحیمخان صدر وفادار خاصه ملقب بخازن الملک گردید

جان محمد خان سرتیپ فوج خلجستان بلقب سیف السلطنه ملقب آمد همدرا بنسال شاهنشاهزاده امجد اعظم ظل السلطان
را باری تعالی و لدی ذکور عطا فرموده بلقب جلیل جلال الدوله و اسم گرامی سلطان محمود ملقب گردید سلیمانخان صاحب اختیار
بنشان و حمایل امیر تومانی مفتخر گشت میرزا محمد حسین مستوفی وزیر امیرزاده ابوالفتح میرزا حکمران یزد بلقب ناظم الملکی
مباهی آمد میرزا جعفر نایب الحکومه ملایر و میرزا ابوالقاسم نایب الحکومه تویسرکان بلقب خانی و خطاب مقرب الخاقانی سر
افراز آمدند میرزا عبدالوهابخان ولد مرحوم میرزا محمدعلیخان وزیر اموخارجه سابق بنیابت اول وزارت علوم با قت
جناب مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر اموخارجه بکمقطعه دوات مرصع بالماس نایل گشت میرزا عبدالوهابخان
نایب الوزاره حکمران کیلان (جناب بضیاء الدوله) باعطای یکقطعه نشان نمثال همایون مکلل بالماس مفتخر گردید میرزا عبد
الوهاب مستوفی کیلان بنشان سرتیپی دوم و حمایل آن مباهی آمد میرزا زکی ضیاء الملک بنشان و حمایل از درجه سرتیپی
دوم سرافراز و روانه عربستان شد و میرزا زین العابدین پسر مشارالیه بمنصب لشکر نویسی قاجاریه برقرار گردید میرزا
هدایت پسر بزرگ لسان الملک بمنصب استیفا سرافراز آمد و میرزا عباسقلی پسر دیگر مشارالیه بمنصب انشای مخصوص مبا
کشت نصرالله خان پسر امین الدوله مرحوم شد میرزا اسدالله مستوفی پسر مرحوم میرزا موسی نایب بمرض سکته وفات کرد
لطفالله میرزا حاکم سبزوار ملقب بشعاع الدوله گردید حکومت کرمه را بنواب محمدامین میرزا مرحمت فرمودند همدراین
سال قبل از حرکت موکب همایون بصوب عراق عرب راه از دارالخلافه تا خانقین بتوسط مسیو کاستکر خان مهندس نمساوی
در کمال خوبی ساخته و همه جا کالسکه رو شد امروز پا (اسپانیا) استعفای ملکه ایزابل از حقوق سلطنتی باسم پسرش
دن آلفنس در پاریس شاهزاده هوهنزلرن بواسطه ضدیت فرانسه که نتیجه جنگ پروس و فرانسه شد بسلطنت
نرسید بروز هواخواهان دن کارلس که داعیه سلطنت داشت مرا بالنوار داوطلب شدن دوک داوستپرم
پادشاه ایطالیا برای سلطنت اسپانیا نصدیق نمودن دولت اطریش و پروس این خیال او را و پادشاه شدن او با
مملکت قبلا نرود و بپای تخت ژنرال پریم که دوک داوستپرم پادشاه شده بود بدست چند نفر اجنبی مقتول
میگردد و بعد از ورود بپای تخت و کذاشتن تاج سلطنت بر سر موسو با مید و بیم میکردد (اطریش) تعداد نفوس تمام
ممالک اطریش در اینسال هفتاد و یک کرور و چهارصد و چهل و سه هزار و پانصد و نود و دو نفر مسیحیه است
(اللان و فرانسه) اضطراب دولت فرانسه از انتخاب ملت اسپانیا پرنس لئوپلد هوهنزلرن بنی عم پادشاه پروس را
بسلطنت خود و جود یک نسبتی که مابین خانواده سلطنت فرانسه و این شاهزاده برقرار است بخیال اینکه مبادا
از یکسمت هم با یکی از شاهزاده کمای خانواده سلطنت پروس هم سرحد بشوند که بالمآل برای فرانسه مضر است دولت
فرانسه با کمال سختی و شدت بدولت پروس تکلیف میکند که شاهزاده مزبور را مانع از قبول این سلطنت
ابتدای کفتکو معلوم بود که کار بین دولتین پروس و فرانسه بمنازعه خواهد کشید وقوع انکلیس و ایطالیا و
اطریش هم بجنکی میکشد ولی بی ثمر میشود با وجودیکه شاهزاده مزبور بطیب خاطر استعفا از این عمل مینماید مسیو
بندتی سفیر کبیر فرانسه مقیم دربار پروس در مشهر امس در کرد شکاه خاصه پادشاه پروس را ملاقات نموده مستقیما
بامیشان تکلیف میکند که او لا بحظ خودشان عذرخواهی از دولت فرانسه بکنند ثانیا ضمانت کند که شاهزاده هوهنزلرن
منصرف شود و بدرآینده وجها من الوجوه بخیال سلطنت اسپانیا نباشد اعلیحضرت پادشاه پروس اعتنائی بسفیر فرانسه
نکرده مطلقا او را مغتنم میشمارد که بحضور پادشاه بیاید و مطالب خود را مستقیما معروض دارد بعد از فرستادن این
خبر بپاریس چه در دربار و چه در مجالس دولتی و ملتی جز کفتکوی جنک نیست و کلای سمت چپ خاصه مسیو طیر هر قدر

۸ از
نیمروز
دانیم

بدولت

بدولت فرانسه تکلیف میکنند که اسناد صحیحه که سبب این جنگ است بیابند بعد اقدام بجنگ کنند دولت عثمانی با بنجر فها نکرده
قشون بری و بحری خود را حاضر میکند و بعضی جهال پاریس بخیال رفتن بسفارتخانه پروس و غارت نمودن آنجا هستند
و مسبوط بر که بر ضد این جنگ است بد میگویند و کره وجه مسکوک برای مخارج قشون بری و سه کرور و صد هزار
تومان بجهة مخارج عساکر بحری در ظرف سه روز برای دولت حاضر میشود و از آنطرف پادشاه پروس بسلاطین
دول شمالی و جنوبی المان مقاصد و منظورات دولت فرانسه را تلقین میکند که غرض اینست که بیجهتی و
جهة از مابها نه بگیرد و با ما جنگ کند و تفرقه در میان جمعیت ما بیندازد و شوکت و قدرت ما را بکاهد بنا بر این
دول جنوبی از قبیل باویر و وتنبرگ و بادکرنا از زمان اتحادی با پروس نداشتند متفق شده فی الواقع یک المان تمام با اینده ولت
بر ضد فرانسه برخاسته و تمام دول بدون استثنا سرداری قشون خود را بپادشاه پروس واگذار کردند دولت
انگلیس مجدداً وساطت و میانجیگری کرده ولی مثمر ثمر نشده و از آنطرف ناپلیون امپراطور فرانسه سرداری عساکر
فرانسه را قبول نموده پسر خود ولیعهد ولیف و زیر جنگ بسرحد پروس حرکت میکنند ناپلیون امپراطور فرانسه دول فرانسه بدون استثنا بطرح اختیار میکنند
تصور مینمایند که اگر با یکدسته قشون منتخبه خود را معجلا بشهر برلن رسانیده همین قدر تخطی نموده دو سه شهر کوچک
از ممالک المان متصرف شود و از طرف دیگر دولت انگلیس و سایر دول معظمه را میانجی قرار دهد هم شکستی بالمان
علی الخصوص بپروس وارد آورده و هم اعتبار دولت فرانسه را زیاد کرده است نیز بعضی شهرها را از اینطرف
بمملکت خود افزوده است ولی غافل از اینکه در مقابل سیصد و پنجاه هزار نفر قشون فرانسه یکصد و شصت هزار نفر قشون پروس
پانصد و هفتاد هزار لشکر و هزار و پانصد عراده توپ حاضر کرده است با سرداریهای معتبر از قبیل فردریک شارل
نبیره پادشاه پروس و ولیعهد خود پروس و سایر سرداریها مجرب از قبیل استن منس و ملک و غیرهم علاوه بر قشون
معمول پنجاه هزار سواره اوهلان جلو قشون المان بطور پیش قراولی حرکت میکردند سار بروک از شهرهای پروس در
اول حمله با حضور امپراطور بتصرف قشون فرانسه درآمد و از آنطرف در و بسا بنورگ یکدسته قشون عمده فرانسه برداشته
مارشال ماکماهون شکست خورده معدوم و متفرق شد سرداری قشون پروس با ولیعهد پروس بود و دوزیکر
مارشال ماکماهون با مختصر قشونیکه داشت و زیاده از سی و پنجهزار نفیشد با یکصد هزار قشون پروس سرداری
ولیعهد پروس مقابلی کرده و تفصیل جنگ و خونریزی و دقت چون زیاد معروف است ما بنکارش آن نمیپردازیم مجملا بعد از
این شکست واه مملکت فرانسه برای قشون پروس باز شد پادشاه پروس که تا آنوقت در وی بخاک فرانسه نگذارده بود
وارد شد و شهر استراسبورگ را که از قلعجات سرحدی معظم فرانسه است قشون باد محاصره نمود و بعد از چندی شهر
متشرکه یکی از قلعجات معظمه است بسرداری فردریک شارل محصور شد مارشال بازن سردار فرانسه با صد و
بیست هزار قشون در متس محصور شد و اغلب قلاع فرانسه نیز محصور گردید امپراطور ناپلیون از حوالی متس
بطرف شالن بعقب نشست و عساکر پروس امپراطور را تعاقب میکنند از ابتدای جنگ تا اینوقت از قشون المان
صد و پنجاه هزار مقتول شده و از کار افتاده است لیکن علی الاتصال از ممالک المان کمک میرسد تعاقب ولیعهد
پروس از دو ماشال ماکماهون و اعلیحضرت ناپلیون را از طرف دیگر مامور کردن یکدسته از قشون پروس
بمحاصره پاریس مارشال ماکماهون هر قدر میخواهد با مارشال بازن وصل شده کاری از پیش ببرند نمیشود عقب
نشستن یکدسته از قشون فرانسه با ناپلیون بطرف سدان در مقابل این قشون که امپراطور ناپلیون در آنست شخصا
پادشاه پروس حرکت میکند جنگ سخت و خونریزی زیاد در حوالی سدان رخ منکر برداشتن مارشال ماکماهون

قشون

قشون فرانسه تسلیم و زیاده از پنجاه هزار نفر اسیر شدند اعلیحضرت ناپلیون نیز تسلیم کردید با قشون متوقف قلعه سدان هشتاد و پنجهزار قشون و چهارصد عراده توپ یاردوی و صد و پنجاه توپ قلعه و ده هزار اسب بچنگ پادشاه پروس افتاد حبس و اسر ناپلیون سبب امپراطور فرانسه و فرستادن او را بکی از قلعجات در حوالی کاسل قرار و بعهد پسر ناپلیون بجای پدرش حرکت دادن او و معتبر از قشون پروس بمحاصره پاریس خلع اهالی پاریس ناپلیون و خانواده او را از سلطنت و ایجاد دولت موقتی نمودن فرار ملکه امپراطریس از پاریس اعلان دولت جمهوری در پاریس برپاست تروشو عزلت و وزرای سابق و نصب وزرای جمهوری طلب مسافرت مسیو طر بلندن و وینه و پطرزبورغ و ملحق شدن بدول مذکوره بجهة میانجیگری میانه فرانسه و پروس و مراجعت بی نیل مقصد شهر ورسایل که در حوالی پاریس است معسکر مخصوص پادشاه پروس کردیدن محاصره پاریس از هر سمت تغییر دادن فرانسه ها مرکز دولت را از پاریس بشهر تور آتش کردن عمارت سلطنتی کلو در حوالی پاریس تسلیم شدن مارشال بازن با تمام قشون و توپخانه خود و واکذاشتن قلعه متز را بپروسها تصرف قشون پروس اغلب قلاع و شهرهای شمالی فرانسه را کما سختی نمستان و سخت کذشتن بمحصورین و بنودن آذوقه در پاریس تا جکذاری پادشاه پروس در ورسایل که امپراطوری تمام مملکت المان باشد و اتمام این سال در حالیکه پاریس هنوز در بند محاصره است دولت روس مهل باطنی خود را در فتوحات پروس ظاهر میسازد و نشان سنت ژرژ که نشان جنکی دولت روس است برای سرداره‌های قشون پروس انفاذ میدارد و بارضایت و اتفاق پروس بعضی از فصول عهدنامه هزار و ششصد و پنجاه و شش را که در مجلس کنکره پاریس منعقد نمودند مهم میزند دیکر فرانسه نیست که حامی و حارس عثمانی و ضامن آن عهدنامه باشد و در نفاطبکه در سواحل قرار دنکیز ممنوع بود قلعه بسازد بعد از این خواهد ساخت و مستحکم خواهد نمود چون دولت پروس اطریش تمکین این احوال روس را کردند دولت انکلیس هم لابد تمکین نمود مراد و رجال دولت جمهوری که در شهر تور متوقف بودند با اهالی پاریس بواسطه بالون و کبوتر حلبکار از کمی آذوقه طوری بحصورین پاریس سخت شده بود که زیاده از سه سیر کوشت نان در یکشبانه روز قسمت یکنفر نمیشد دفعتاً اجزای دولت جمهوری موقتی از شهر تور بشهر برده و مصمم شدن اهالی فرانسه برای جهاد (انکلیس) قوت لایموت بکلاو انداختن و زیر امر و خارجه در سر همه امور سالکی بنصب دکرانوبل بجای او و دولت انکلیس جد کامل برای منع مناقشه ما بین فرانسه و پروس نموده ولی مثمر نشد یکی از کشتیهای دولتی در سمت غربی اسپانیا با پانصد نفر آدم که در آن بود غرق شد (ایطالیا) بمحض اینکه اعلان جنک ما بین فرانسه و پروس میشود با وجود اینکه پاپ در مجلس شورای بزرک و کشیشها و قسیسین اثبات معصومیت خود را نمود چون از بحث حفظ و حمایت سلطنت فرانسه خارج شد و اینک دولت بواسطه جنک با پروس بخود مشغول کردید و عساکر خود را از دور و مرکز پادشاه ایطالیا بدفع و مخاصمه پادری از طرف عساکر پاپ متصرف کردید بکوه معروف بمونسینی که حد وسط ما بین فرانسه و مملکت ایطالیا است و بیست و هفت سال تمام بود که آن کوه را سوراخ میکردند در اوایل زمستان اینسال با تمام رسیده کالسکه‌های راه آهن از دو مملکت از این سوراخ کوه عبور و مرور میکنند (دانمارک) تفنکداران نفوس تمام این مملکت در اینسال بسه کرور و دویست و هشتاد و سه هزار و پانصد و شصت و پنجنفر رسیده است (عثمانی) اجازه دادن اعلیحضرت سلطان که هنکام شب کشتی از هر دولتی باشد بدون ممانعت وارد دوبغاز بسفور و دارد انا شود یا نفتین سخت در اسلامبول و محله ارامنه و فرنکیها که هزار و دویست نفر تلف شدند و شصت هزار نفر بیخانمان ماندند شورش اعراب در حوالی بغداد (یونان) تفنکداران نفوس این مملکت در این سال دو کرور و دویست و پنجاه و هفت هزار و هشتصد و نود و چهار نفر میباشد

امریکا

امریکا (اناتونی) تعداد نفوس اهالی اناتونی هفتاد و هفت کرور و چهل و شش هزار نفر میباشد چهارده شهر در اناتونی مستکه هر شهری علاوه بر صد هزار سکنه دارد

سنه ۱۲۸۸ هجری **سنه ۱۸۷۱ مسیحی**

آسیا (ایران) در اوایل این سال خبر مآل دای صوابنمای ملوکانه براین علاقه یافت که شاهزادگان عظام و وزرای کرام مسطور در ذیل هفته در روز شنبه و سه شنبه باشد در دارالشورای اکبری حضور بهم رسانیده در مهام ملکی مشاوره نمایند (نواب همایون ولیعهد) (نواب ملک آرا) (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب والا نصرة الدوله وزیر جنگ) (مجد الدوله) (جناب هومن الملک میرزا سعید خان وزیر امور خارجه) (جناب میرزا حسینخان مشیر الدوله وزیر عدلیه و وظایف اوقاف) (جناب نظام الملک) (جناب قوام الدوله) (غلام حسینخان سپهدار) (جناب بدیع الملک) (دو ستعلیخان معیر الممالک) (جناب علاء الدوله) (پاشاخان امین الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب حسنعلیخان وزیر مختار) جناب علاء الدوله رفیقی باشی بمنصب جلیل فراشباشیگری سرافراز شد اداره روزنامجات دولت علیه و دارالطباعه های ممالک محروسه دارالترجمه دولتی را بر بنده مؤلف واگذار و دو نامه دولتی را باسم ایران موشح فرمودند حکمرانی خراسان علاوه بر حکومت هزد بر عهده کفایت نواب حسام السلطنه موکول داشتند امیرزاده محسن میرزا بمنصب میراخوری سرافراز گردید غلامحسینخان سپهدار حکومت قزوین یافت حکومت هازندران را بجناب عضد الملک مرحمت فرمودند حکومت عراق وکره بجناب معتمد الملک تفویض شد حکومت شاهرود و بسطام و نردین با مین خلوت میرزا هاشمخان واگذار فرمودند پاشاخان امین الملک بمنصب وزارت حضور شاهنشاهزاده اجل اعظم نایب السلطنه و پیشکاری دارالخلافه برقرار گردید اداره چاپارخانهای کل ممالک محروسه را بمیرزا علیخان منشی حضور (جناب امین الدوله) سپردند دفتر لشکر که مجزی از اداره وزارت جنگ بود باین اداره ملحق گردید جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک از وزارت اول و وزارت مالیه استعفا نمود محاسبات کل ممالک محروسه را بعهده جناب نظام الملک میرزا کاظمخان موکول و معزی الیه را مخلع فرمودند و میرزا داودخان برادر معزی الیه بنیابت ایشان برقرار گردید حکیم الممالک پیشخدمت خاصه ناظم دفتر خانه مبارکه شد جناب بدیع الملک بوزارت رسایل مخصوصه هما یونی که مسبوق بآن بود سرافراز گردید عمل حبس ممالک محروسه را بکفالت حاجی میرزا محمدخان مجد الملک واگذار فرمودند مملکت آذربایجان را بعد از فوت عزیزخان سردار کل بهمان حکمرانی حضرت اجل اعظم ولیعهد دولت ایران و پیشکاری امین لشکر میرزا مهرمان ابقا فرمودند امیرزاده عبد الحمید میرزا ماموریت نظامی آذربایجان شد محمد علیخان زنگنه آذربایجانی بلقب امین السلطنه سرافراز آمد جناب حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی که چندی در نجف اشرف متوقف بود از قرار دستخط همایونی امام جمعه آذربایجان گردید محمد تاسخان والی بوزارت حضرت شاهنشاهزاده اکرم افخم ظل السلطان حکمران فارس سرافراز شد میرزا هاشمخان امین خلوت از اجزای دارالشورای اکبری گردید جناب حسنعلیخان وزیر مختار سابق فرانسه مامور بوزیر مختاری اسلامبول شد منصب خواننسالاری بعهده کفایت عضد الملک مهردار و حکمران مازندران واگذار گردید امین السلطان بمنصب صاحبجمعی سرافراز شد میرزا علیخان سرهنگ بجایل و نشان از درجه سیم سرتیپی نایل آمد حکومت کاشان و اعلاوه مشاغل و مناصب میرزا هاشمخان امین خلوت فرمودند مجلس شورای نظامی مجددا برقرار شد میرزا مهدیخان ولد مرحوم میرزا محمدخان سپهدار اعظم بلقب اعتضاد الدوله ملقب و برحسب استدعا معزی الیه منصب کشیکچی باشیگری را بمحمد میرزا ولد معزی الیه مرحمت فرمودند امیرزاده بدیع الملک میرزا ولد نواب عماد الدوله بحکومت

وفشان وحمایل از درجهٔ دوم سرتیپی سرافراز شد میرزا محمدخان پیشخدمت خاصه و لله امین خلوت بمنصب تفنگداری باشیگری
برقرار گردید روز دوشنبه سیم ماه صفر امیر اصلانخان مجدالدوله بجوار رحمت الهی پیوست حکومت عربستان و بروجرد را
علاوه بر عراق و کمره بجناب معتمدالملک مرحمت فرمودند حاجی میرزا محمدخان محبالملک درسلک وزرای دارالشوری
منسلک گردید عبدالعلیخان ادیبالملک پیشخدمت خاصه بحکومت کلپایگان و خوانسار سرافراز شد حکومت
اصفهان را علاوه بر حکمرانی خراسان بنواب حسامالسلطنه واگذار فرمودند و امیرزاده ابوالفتح میرزا (مؤیدالدوله)
بایشیکاغاسی میرزا محمدحسین ناظمالملک روانهٔ اصفهان گردید حاجی میرزا رضای کدخدا منصب وکیل الرعایائی یافت
بعد از فوت مرحوم فرخخان امینالدوله میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب بامینالدوله گردید و میرزا محمدخان
تفنگدارباشی ولد میرزا هاشمخان امین خلوت ملقب بافت حکومت یزد را بامیرداد سلیمخان ولد معزالممالک واگذار
فرمودند میرزا محمدعلیخان سرتیپ که مدتی کار پرداز بمبئی بود بلقب معین التوزاره و نیابت حکومت کلپایگان سر
افراز شد میرزا هاشمخان امینالدوله منصب وزارت حضور یافت دری آذربایجان برای دروازه جنابان بابهاپون
ریخته اند که کمال امتیاز و تشریف را دارد و این اول بنجرخ بخار است که بکارخانه دارالخلافه وارد گردیده
میرزا اسدالله خان کارپرداز تفلیس بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ سرتیپی دوم و حمایل آن سرافراز
شد میرزا اسحق خان کارپرداز سابق ارزنةالروم بمنصب کارپردازی اول مامور و اقامت بغداد گردید و باعطای
یکقطعه نشان و حمایل از درجهٔ دوم سرتیپی سرافراز شد چدر قلیخان سهامالدوله ایلخانی سردار کل خراسان
ایشان سردار ترکمان را با هفتصد نفر سواره ترکمان خیوه که بعزم دستبرد حدود خراسان آمده بودند مقتول
نموده معدودی از آنها فرار کردند نواب صاحبقران الدوله علیقلی میرزا که بدربار همایون احضار شده بود بحکومت ها وند
و مضافات برقرار گردید محمدعلیخان سرتیپ نزال اجودان بسرتیپی فوج نظمیهٔ دارالخلافه که بمنزلهٔ پلیس است سرافراز
شد نواب علیقلی میرزا بمنصب کشیکچی باشیگری برقرار آمد جناب معتمدالملک بمنصب وزارت مخصوص مفتخر گردید در
خراسان کار وسعر غله بالا گرفته است بنده مؤلف بلقب صنیع الدوله و صدور دستخط همایون سرافراز گردید
میرزا زکی ضیاءالملک بحکومت عربستان و بختیاری سرافراز آمد رضاقلیخان لله باشی امیر الشعرا متخلص بهدایت
در اواسط ربیع الثانی برحمت ایزدی پیوست میرزا زمان مستوفی نوری بدرجهٔ اول منصب پیشخدمتی مفتخر آمد
در پوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی بوزارت مشیرالدوله کمال نفوذ را یافته و حکمی در این اداره معطل و غیر مجری نمیماند ابوالحسنخان
ولد امیرحسینخان شجاع الدوله زعفرانلوحاکم قوچان تدمیری شیرازی است که قصیدهٔ ثاث و نازابن بان و آن حدود را
دایشیر اند نمود میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزاره که در ماموریت خارجه از آذربایجان و حکومت کلیان خدمات
نمایان نموده بلقب جلیل نصیرالدوله ملقب گردید دارالترجمهٔ مرکب از مترجمین السنهٔ خارجه برقرار و بنیهٔ مؤلف
بریاست اینمجلس مامور و مبانی آمد امیرخان ولد محمد صالح خان کرد بجیه سرتیپی بسرکردگی سواره کرد بجیه برقرار گردید
حکومت همدان را علاوه سایر مشاغل و مناصب جناب علاءالدوله فرمودند بعد از فوت مرحوم میرزا محمدحسین ناظمالملک
حسینقلیخان مافی سرپیشکاری اصفهان سرافراز شد میرزا حبیباللهٔ مرحوم میرزا شکرالله لشکرنویس بمنصب لشکر
نویسی مفتخر گردید جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان سرپیشکاری آذربایجان و وزارت حضرت شاهنشاهزادهٔ
اعظم ولیعهد دولت علیه ایران مباهی شد امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم بروجرد احتشام السلطنه لقب یافت محمد
تقیخان سرتیپ ملقب بشجاع السلطنه گردید مرتضی قلیخان وکیلالملک حکمران کرمان و بلوچستان بعطای نشان

تمثال همایون مفتخر گردیدند چون اعلیحضرت امپراطور روس بسمت تفلیس تصمیم عزم داده اند اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه
برای تبریک وصول اعلیحضرت امپراطور با تخت و نواب حشمة الدوله امیر جنگ را جمعی از صاحبمنصبان بزرگ و نامدار مهم
علامرد و انفار تفلیس فرمودند این اوان دو مرتبه در تبریز بسیل آمده است مبلغ هفتاد هزار تومان نقد و یکصد و پنجاه خروار جنس
در هذه السنه بر عیت مختار ای قم تخفیف دادند همچنین ششهزار و هفتصد تومان بعضی زمناهای دارالخلافه تخفیف مبذول
فرمودند میرزا صبح الله خان سرهنگ از متعلمین مدرسه دارالفنون بمعلمی کل افواج توپخانه قاهره برقرار کردید میرزا یوسفخان
مستشارالوزارت علیه بر تبه سرتیپی اول خارج از فشون و حمایل و نشان شیر و خورشید از آن رتبه سرافراز آمد زحرانیه
تبلیه قدیمه طایفه ترکانیه باهتمام سهام الدوله ایلخانی و قتل و اسر اکثری از ترکمانان اراوزسیز رجب کرد عبد مولود مسعود
حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است سلام عام منعقد و ذات ملکوت صفات همایون در تالار تخت مرصع
بر سریر حضروانی جلوس فرموده و در همین موقع سلام جناب مشیر الدوله حاجی میرزا حسینخان ملقب بسپهسالار اعظم و بمنصب
وزارت اعظم عسکریه سرافراز فرمودند و همدا بنوروز مبارک معیر الممالک وزیر خزانه عامره را بلقب نظام الدوله و بمنصب وزارت
مالیه ممالک محروسه ایران مفتخر فرمودند حضرت شاهنشاهزاده اجلال اعظم ظل السلطان حکمران فارس که اخیرا بدربار همایون
شتافته بودند روز پانزدهم رجب وارد دارالخلافه شدند درداه عربستان حسب الامر بعضی قلعه ها و احکامات ساختند
مسیو بل شارژ دافر فرانسه مامورا قامت دربار دولت علیه وارد دارالخلافه و بحضور همایون مشرف شد حاجی ظهیر الدوله
ایشیک آقاسی باشی بوزارت علیه سرافراز کردید فقرای اطراف که بواسطه خشکسالی ببارالخلافه آمده بودند همه را
در قلعه نصرت آباد جمع کرده قوت یومیه برای آنها مقرر داشتند همچنین اطفال فقرا که بی معین و پرستار بودند بجهة
هریک لباس نظامی ترتیب داده و در مدرسه مخصوص بجهة ایشان اجزاجات معین کرده برپاست و مراقبت میرزا حسینخان
کاویرداز مشغول تحصیل آداب و علوم هستند حبشی عروسی حضرت اجلال اعظم والا نایب السلطنه امیر کبیر که صبیه نواب حشام
السلطنه عم اعلیحضرت همایون شهریاری بعقد مزاوجت حضرت معظم درمی آوردند در ماه شعبان امسال بود یکفیشه
شمشیر مکلل بالماس کرده هزار تومان قیمت داشت بجناب سپهسالار اعظم مبذول و مرحمت فرمودند حاجی سعد الدوله قبر
چلخان بمنصب امیر تومانی سرافراز کردید روز بیست و نهم شعبان امسال جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم را
بمنصب بدرک صدارت اعظمی دولت علیه برقرار و منصوب فرموده یکفیشه جیغه مرصع شمسه مرصع که از لباسهای خاصه همایون
بود با دستخط مبارک که حاوی شرح شئون و اعمال صدارت عظمی بود بتوسط جناب معتمد الملک وزیر مخصوص با افتخار جناب معظم
اعطا و ارسال نمودند محمد مهدیخان اعتضاد الدوله ایلخانی کرمی ایل جلیل قاجار سرافراز شد امین حضور پیشخدمت خاصه
خان نصرف جیغه همایون کردید حکومت سمنان و دامغان را بعهده ادیب الملک پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند جناب مسیو الفونس
وزیر مختار دولت انکلیس مسیو ابله را که از طرف دولت انکلیس بسمت قنسولکری ماموریت توقف دربار همایون است بحضور
مبارک آورده معرفی نمود عبد الحسینخان سرهنگ پیر مرحوم اعتماد السلطنه در سن سی و هفت سالکی بمرض مطبقه و محرقه
برحمت ایزدی پیوست نواب حشمة الدوله امیر جنگ که بجهة تهنیت مقدم اعلیحضرت امپراطور روس وارد شده بود سلخ ماه
شعبان مراجعت بدارالخلافه نمود حاجی محسنخان وزیر مقیم دولت علیه ماموریت دربار دولت انکلیس یافت بعطای لقب و منصب
وزیر مختاری سربلند کردید بدایرا وقاف امیخانی از متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون نموده هریک از معلمین و متعلمین و مبتدیان
را بعطای منصب و اضافه مواجب و انعام و خلعتی که لایق شناخته سرافراز فرمودند شخص اعتضاد السلطنه وزیر علوم رابلک
قطعه کلکر الماس و جعفرقلیخان رئیس مدرسه نشان و حمایل سرتیپی اول و مسیو دیشار معلم رالقب خانی و میرزا علی اکبر کاشانی را

لقب

لقب نقابت شیاشیکری اعطا فرمودند حاجی محمد کی بجان کرمانی از اجلهٔ علمای شیخیه در راه عتبات عالیات برحمت الهی رفت جناب
استدعای نواب مخبر السلطنه محسن میرزای امیر آخور محمد حسین میرزای ولد معزی الیه بمنصب امیر آخوری منصوب شد ماهی چندین هزار تومان
از دولت بفقرا و ضعفا بنگه بواسطهٔ قحطی از اطراف ممالک بحر و بر شاه بدار الخلافه آورده اند مرحمت میشود در مجلس اعانه
برقرار شده است بحال دولت نیز بقدر الامکان دستگیری و احیای نفوس فقرا مینمایند فوج نظم پرا باللهیار خان سرتیپ
فوج دوازده خرقانی و اکذار فرمودند میرزا حسنخان منشی تبریزی از اجزای سابق سفارت کبرای اسلامبول بمنصب منشی اسراری
صدارت عظمی نایل آمد حکمرانی دار الخلافه طهران را مستقلا بعهدهٔ کفایت حضرت شاهنشاهزاده اعظم نایب السلطنه سپرده
عوض فرمودند و پیشکاری حضرت معظم و وزارت دار الخلافه بمحول بمیرزا عیسی وزیر کرد بحکومت سواد کوه راضم بحکومت
مازندران نموده بجناب عضد الملک مرحمت فرمودند ریاست قراولی وجود مسعود هما یون که با فوج سوار کوهی است خاص جناب
مستطاب صدر اعظم کردید محمود خان سرتیپ فومنی با عطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از درجهٔ ثالث خار جه سرافراز و
بمهمانداری سفرا کبار از سمت کیلان ببدربار معدلتمدار می آیند برقرار کردید میرزا ابو القاسم معین الملک متولیباشی حضرت رضوی
سلام الله علیه در رمضان امسال رحلت شد حاجی سلطان محمد میرزای سیف الدوله بتولیت آستانه مقدسه حضرت رضوی
علیه السلام سرافراز کردید بنای بنیهٔ معتبرهٔ دولتی بکنار خیابان الماسیه موسوم بباب همایون است که بتوسط جناب علاء الدوله
ودیکری آبسای بخارا است که بتوسط جهانگیر خان سرتیپ احداث شده تورخانه تمام اسباب نو از تورخانه دولتی ساخته
در امسال باتمام رسیده است اداره باغات مبارکات سلطنتی را تماما بامین حضور پیشخدمت خاصه واکذار فرمودند نواب
اللهقلیخان ایلخانی که سالها در خارجه سر میبرد بر حسب تمنای جناب مستطاب صدر اعظم اخیرا بدار الخلافه رشده در ثانی
ذیقعده بآستان مبارک آمد عبد الرسولخان سرتیپ بحکومت ملایر و تویسرکان سرافراز شد محمد حسنخان پیشخدمت خاصه
بحکومت بلدار نظام کردید جناب معتمد الملک بمنصب جلیل سرکشیکی باشیکری مباهی آمد نواب جهانسوز میرزا سرتیپ اول بحکومت
شاهرود و بسطام سفتخر کشت پاشاخان امین الملک بوزارت جلیلهٔ علیهٔ عظمی منصوب کردید حاجی میرزا علی مستوفی الملک
بحکومت همدان سرافراز شد (چین) معاهده مابین چین و ژاپن در الفت و دوستی (ژاپن) ایجاد مدرسه دار الفنون
برای تعلیمات علوم فرنگ در پای تخت اروپا (اطریش) نفوس و زارت خارجه کنکاش داد راسوکه یکی از اهالی بحار ستان
(المان و فرانسه) پذیرائی رسمی پادشاه پروس در قصر سلطنتی ورسای حوالی پاریس در اول عید فرنگیان که مقارن اواسط
زمستان است محاصرهٔ پاریس و قلعجات اطراف آن با کمال شدت بسته و کرو زها تمام ناریجات توپخانه پروس بشهر پاریس میبارید
نفوس بیشمار اطراف تمام ممالک المان بمیل اهالی آنمملکت بپادشاه پروس واکذار ی ایشان اهالی شهر پاریس یعنی جمهوریهٔ
سخت در صدد انهدام و حرقت دار الحکومهٔ شهر پاریس هستند مراوده مسیو ژولفا و در با مسیو بیزمارک و در سایل و خواهش
مشارکه نمودن از مسیو بیزمارک و قبول او و بشرط اینکه اهالی فرانسه وضع دولت معینی اختیار کنند انتخاب و کلای ملت در ولایات
فرانسه برای چینی قشون در پاریس بتوسط عساکر المان و جمع نمودن امپراطور المان اهل شهر پاریس را بجهل کرور تومان باید
عده عساکر یکه در اینوقت دول المان در خاک فرانسه حاضر کرده بودند نهصد و شصت هزار مرد و دویست هزار اسب سیل
بود و از ابتدای جنک تاکنون صد و صفده هزار و بیست و نه هزار قشون المان تلف شده بودند هفتاد و نه بیرق و پنجهزار و هشتصد
هفده توپ و صد و هفتاد و یکعراده توپ میدانی تنز و چهار صد هزار اسیر از قشون فرانسه بتصرف عساکر المان در آمده بود
تغییر وضع دولت جمهوری در مملکت فرانسه بریاست مسیو طیر بیت مسیو ژولفا و در بوزارت خارجه و کفتکوی او با مسیو بیزمارک
بجهت عمل مصالحه بالاخره در بیست و ششم فوریه انقضاء عهد مصالحه از طرفین در و رسای شد بشروط مفصله ذیل

اولا واگذاشتن بالتین الساس و لرن بامپراطور المان ثانیا معادل هزار کرور تومان ایران خسارت جنگ دادن ثالثا طاعت
متنی و اشراف بورگ را ملک مطلق دولت المان دانستن بعد از انعقاد مصالحه جمیع سلاطین کوچک المان از حمایت فرانسه معاودت
باوطان خود نمودند امپراطور المان بپاریز در بهاء بعد از اینهمه فتوحات نمایان بپاریز پای تخت خود وارد گردید و ناپلیون سیم امپراطور
سابق فرانسه را از حبس خلاصی داده بجزیرت انگلیس روانه کردید و در قصر اسلیش هوز حوالی لندن اقامت جست افتتاح مجلس
پارلمنت المان بتوسط امپراطور بتخصه دادن لقب شاهزادگی بسمارک از طرف اعلیحضرت امپراطور المان واگذاشتن
دولت المان اختیار عساکر بری و بحری خود را بامپراطور جدید گیلیوم پادشاه پروس جمعیت تمام ممالک المان در اینسال هشتاد
و دو کرور و صد و هفتهزار و هشتصد و چهل و نه نفر است (انگلیس) در مجلس کلای دولت لرد گرنویل وزیر امور خارجه چندان
اهمیتی برای خیالات دولت دوس در اینکه دریای سیاه برای عبور و مرور کشتیهای او آزاد شود قرار نداده کنی الواقع یکی از
فصول عهدنامه موسوم بپاریس که بعد از جنگ فزم منعقد شده بود دولت دوس باطل میسازد تا خوشی سخت و لیعهد دولت
انگلیس در زمستان اینسال بعداد نفوس سیمبرزیه انگلیس در اینسال بشصت و سه کرور و سیصد و هفده هزار و صد و هشت
نفر رسیده است (ایطالیا) در دولت و لیعهد اینده دولت و زوجه او بشهر رومه رفته توطن نمودن در اینشهر تعهد نمودن پادشاه
ایطالیا که مداخله در افتدار دوحانی پاپ ننماید و در سال سیصد و بیست و دو هزار و پانصد تومان از خزانه دولت مواجب
حقوق پاپ برقرار کردید لکن پاپ قبول ننمود و دو پادشاه ایطالیا بشهر رومه رفته تا بستان او این شهر را پای تخت دولت ایطالیا نمودن
و در قصر کیرینال که از پاپها بود منزل کردن در اینوقت راه آهن مسینیه که یکشعبه از کوه آلپ را سوراخ نموده بطور دالان و راه آهن
مملکت فرانسه را براه آهن مملکت ایطالیا اتصال دادند طول دالان مزبور دوازده هزار و دویست و بیست متر است و عرض
آن بقدر یک یکا لسکه میرود و یکی میاید (روس) مراوده تلگرافی اینده دولت با ژاپن از راه ژاپن تا بطرزبورغ یازده هزار هزار
ذرع مسافت است و اول مخابره مکالمه از ژاپن ببطرزبورغ رسیده در مدت ده ساعت و پنج دقیقه بود جمعیت مملکت روس در اینسال
بصد و شصت و چهار کرور و نفتر رسیده است (عثمانی) فوت عمر پاشا سردار اکرم فوت عالی پاشای صدر اعظم افتدار کامل
سفیر روس نزال اکبا تنفذ در اسلامبول اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان خیال دارد که بر خلاف قانونیکه در سلسله جلیله
سلاطین عثمانیه است که ولایت عهد بارشد اولاد میرسیده را افتد ولد عبد المجید خان مرحوم را که ولایت عهد را خلع نماید و
پسر سیزده ساله خود عز الدین افتد را ولیعهد سازد (فرانسه) بعد از معاودت قشون المان از اطراف پاریس و رؤسا و
وکلای ملت در ئیس جمهوری حدید بوروسایل جمعی از جمهوری طلبان سخت در پاریس اسم خود را کمونیست گذاشته بر ضد این
دولت جمهوری برپاست مسیو طیر که در روسایل است مردم شهر پاریس را اغوا نموده اغلب ابنیه عالیه شهر را مثل عمارت سلطنتی
تویلری دار الحکومه و عمارت وزارت مالیه و دار الشوری و اخاصه و عمارت وزارت عدلیه و غیرها را آتش زده و چند نفر از معاندین
را که یکی از آنها کشیش بزرک پاریس بود بقتل رسانیدند تفویض سپهسالاری کل عساکر فرانسه بمارشال ماکماهون
خراب کردن کوشکها خانه مسیو طیر داد در شهر جنگ سخت کوشکهای شهری با فشون دولتی غلبه فشون دولتی بالغ بر
وکر فشون سیهزار نفر اسیر از آنها و قبول نمودن جمعی از دعایا دو نفر از شاهزاده ها اولادهای فلیپ پادشاه سابق فرانسه را
فوت الکساندر دوما نویسنده و شاعر معروف در سن شصت و هشت سالکی در زمستان سخت اینسال در پاریس که نود سال
بود در زمستانی باین سختی ندیده بودند نود و دو هزار نفر از اهالی فرانسه رخت هستی بر بسته و تقریبا همینقدر
در ایام اسیری از کرسنکی و بیماری تلف شدند علاوه بر یکهزار کرور و جه نقد یکه دو شهر فرانسه متقبل شدکه بدولت المان
تسلیم کنند معادل هزار کرور تومان ایران خسارات دیکر بر او وارد شد سپاه کرور و نود و هفتهزار و دویست و بیست

هشت نفر سکنه السارو لرن از بعیت فرانسه خارج شده جزو دولت المان شدند **امریکا** (اتاونن) شهر شیکاگه که سیصد و ده هزار سکنه داشت در مدت پنجشبانه روز علی الاتصال مشتعل و بواسطه پانصد پنجاه سنجی محترق و بیش و پانصد نفر آدم تلف شده و زیاده از صد کرور تومان ایران خسارت بمردم وارد می آید (برزیل) مسافرت امپراطور و امپراطریس بممالک فرنگ و تفویض نیابت سلطنت در زمان غیبت ایشان بدختر امپراطور (پرو) در مملکت پرو یکشهری موسوم بهوپ بواسطه طغیان آب معدوم گردید بمصالحه ما بین پرو و اسپانیا بوساطت دولت برزیل

سنه ۱۲۸۹ هجری **سنه ۱۸۷۲ مسیحی**

آسیا (ایران) از بدو این سال خجسته مآل بمیامن اقبال بیزوال همایون اسباب مزید ترقی و انتظام در کار دولت فرا هم است حکومت خمسه بنواب والا محمد تقی میرزا رکن الدوله مرحمت فرمودند حکومت قزوین را بنواب الله قلی میرزای ایلخانی مفوض داشتند بلحاجی واقع ما بین استراباد و آق قلعه را باکمال استحکام ساخته اداره و نقره دولتی را باین چاکر سپرده و باعطای یکقطعه کل مکرم سرافراز فرمودند محمد کاظمخان ولد مرتضی خان قاجار منصب سرتیپی یتیم یافت قاسمخان والی حکمران فارس شب یازدهم محرم بمرض حصبه درگذشت جلال الدین میرزا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) مرحوم شد علیقلی میرزا صارم الدوله ولد نواب عماد الدوله وفات نمود جناب آقا عبد الله مجتهد کرمانشاهانی برحمت الهی پیوست کلب حسینخان امین نظام داعی حق را لبیک اجابت گفت حکومت کرمانشاهان و توابع را بعهده نواب مؤید الدوله واگذار فرمودند حکمرانی خوزستان و لرستان را بنواب حشمة الدوله حمزه میرزا امیر جنبه مرحمت فرمودند چون جناب مشطاب صدر اعظم جشن مولود همایون را در دوشیزه پکره ذی الحجه ماکان باجلوه و شکوه گرفتند و مبلغ پانزده هزار تومان بخارج این جشن سعید رسانیدند پاسر خدمات جناب معظم الیه یکعدد قلمدان طلا مکلل بالماس بریلیان بجناب معظم مرحمت فرمودند حکومت بروجرد و توابع بعهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم مرحمت شد حکومت ایالت کبلان را بدوستعلیخان نظام الدوله وزیر مالیه تفویض فرمودند فوجی سرباز نظام کرمان که بادو هزار سوار تراکمه بعزم تاخت و تاز بسرحدات خراسان آمده بود خود او و اکثری از همراهانش مقتول و اسیر سپاه منصور شدند مستر الیسون مزبور مختار دولت انگلیس در دارالخلافه طهران وفات نمود رکیب خانه مبارکه را بعهده غلامحسینخان پیشخدمت خاصه واگذار فرمودند امر کشیکخانه مبارکه و منصب جلیل کشیکچی باشیگری را بجناب علاء الدوله واگذار نمودند میرزا صادق قایم مقام که چندسال بود بنا خوشی فلج و امراض دیگر مبتلا بود در اینوان برحمت الهی پیوست در ماه ربیع الاول اینسال را پورته جناب مشطاب صدر اعظم بجهة بعضی تغییرات و ابداع رسوم جدیده نوشته موشح و ممضی بامضای همایونی داشت منصب ایلخانی گری ایل جلیل قاجار را بنواب الاعز الدوله عبد الصمد میرزا مرحمت فرمودند محمد تقیخان افشار پیشخدمت خاصه کرکه اصطبل توپخانه مبارکه نیز بعهده معزی الیه است بلقب حاجب الدوله و منصب قراشباشیگری برقرار و باعطای یکقبضه شمشیر مرصع سرافراز گردید نواب ملک آرا ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) برحمت الهی رفت حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ظل السلطان حکمران فارس باعطای یکقطعه نشان امیر نوبانی از درجه اول مباهی گردید بمقر حکمرانی فرمودند محمد صالح خان سرتیپ کرد بچه مرحوم شد میرزا مصطفی قلیخان مستوفی در گذشت میرزا اسمعیل کلانتر سابوکه زیاده از هفتاد سال داشت وفات نمود جناب ناصر الملک محمود خان رئیس مجلس شورای عسکریه بمنصب امیر تومانی سرافراز شد میرزا فضل الله نوری وزیر نظام سابوکه تقریبا هشتاد سال داشت مرحوم شد میرزا رضای نجم الملک نیز برحمت ایزدی پیوست مرحومبن اینسا اغلب بمرض حصبه که بعد از

غلا بروز کرده بود مبتلا بوده اند حکومت ساردبیل را بمحمد رحیمخان سرتیپ شاهسیانی محول فرمودند جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی ماموریت دربار دولت علیه در عشر آخر ربیع الثانی وارد دارالخلافه شده بحضور مبارک مشرف گشت و در غره جمادی الاولی موکب همایون عزیمت ییلاق لار فرمود جناب اخوند ملا زین العابدین مجتهد کلپایکانی که هشتاد سال از سنشان گذشته بود بجوار رحمت الهی پیوستند حاجی میرزا رحیم پیشخدمت و ناظم دفتر خانه مبارکه مرحوم شد امسال برخلاف سال قبل آبها زیاد و زراعتها خوب محصولات و افر انواع نعمتها و ارزاق فراوان وارزان و قاطبه مردم مرفه و شاکر هستند قتل و اسر و نهب طایفه ترکمان طاغیه در حدود خراسان راه از آمل بدارالخلافه را با سر همایون مسدود ساختند میرزا ملکم خان ناظم الملک لقب یافت بشیر خان آغاباشی مرحوم شد و حاجی آغا جوهر بمنصب خواجه باشیگری سرافراز شد موکب همایون از لار تشریف فرمای ساحت نور و کجور و ساحل دریای خزر شده مراجعت بشهر رستاق فرمودند محمد حسینخان ولد محمد تقیخان حاجب الدوله بمنصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و محمد خان ولد دیگر حاجب الدوله بنیابت معزی الیه بریاست اصطبل توپخانه مبارکه برقرار آمد بشوک خان سرتیپ ولد افشار یلقی افشار ملقب شد نواب نهر الدوله مجددا بحکمرانی ترشیز برقرار گردید عبدالباقی خان افشار مجددا بحکومت جام و باخرز نایل آمد عبدالله خان ولد جناب علاء الدوله بمنصب قورالرآقاسی باشیگری مفتخر گردید محمد حسنخان ولد دیگر جناب علاء الدوله بمنصب پیشخدمتی باشیگری سرافراز شد میرزا کاظم کیلانی که از تحول احکام و اطبا است بلقب ملک الاطبائی سربلند آمد حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم ولیعهد دولت علیه ایران سلطان مظفر الدین میرزا ادام الله افنا له العالی که اخیرا بدارالخلافه رشده بودند روز هشتم شعبان وارد شدند موکب همایون روز چهاردهم شعبان تشریف فرمای عمارات سلطنتی دارالخلافه گردیدند و در اینروز یکتوپ بجیه ترمه و مرواریدشمسه مرصع بجناب مستطاب مشیر الدوله صدر اعظم مرحمت و اعطا فرمودند میرزا ملکم خان ناظم الملک مستشار صدارت عظمی بنشان تمثال همایون درجه افتخار یافت مکتب تجاتی از برای تحصیل السنه خارجه و علوم متنوعه باهتمام مولف دایر شد ناظم الملک میرزا ملکم خان بوزارت مختار روما موبت یافت و اعلان عزیمت موکب اعلا در سال آینده بفرنگستان در نیمه رمضان روانه فرنگستان شد گزارش طولوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت همایون که موقتا رخصت مسافرت بفرانسه یافته بود اینوقات معاودت کرده بخاکپای همایون مشرف و بکفتوطی انفیه دان مرصع بالماس سرافرازی حاصل نمود جناب حسنعلیخان که سابقا از جانب دولت علیه در فرانسه و بعد در اسلامبول وزیر مختار بودند بوزارت فواید عامه منصوب گردیدند حضرت شاهنشاهزاده اجل اعظم کامکار ولیعهد دولت ابد آیت دبکفطعه نشان از درجه اول امپریوپانی مکلل بالماس بریلیان فرنما عزاز فرموده و پس از رخصت علوکانه معاودت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند جناب اشرف پاشا وزیر مختار دولت عثمانی بباب عالی احضار و جناب صنیفا افندی بجای او برقرار گردید و همین روزها نکی اشرف پاشا جناب معزی الیه را بنشان اول شیر و خورشید و حمایل سبز و عطای یکقطعه فوطی انفیه مکلل بالماس با طغرای علوکانه مباهی فرمودند و فوطی مزبور صله قصیده غرائی بود که در مدح اعلیحضرت همایون انشاد کرده بود حاجی شهاب الملک امیر توپخانه مبارکه بحکومت خراسان سرافرازی حاصل نمود در اوایل ماه ذیقعده الحرام لایحه جناب مستطاب مشیر الدوله صدر اعظم در باب تشکیل دربار اعظم نوشته بعرض حضور همایون رسانیدند و صدور آن لایحه بدستخط مبارک موشح گردید و در آن لایحه ترتیب و تعداد وزارتخانهای دربار دولت را بقرار بود (وزارت داخله) (وزارت خارجه) (وزارت جنگ) (وزارت مالیات) (وزارت عدلیه) (وزارت علوم) (وزارت

نوابد) (وزارت تجارت و زراعت) (وزارت دربار) (صدارت عظمی) که مسئولیت کل وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی بر عهدهٔ صدر اعظم است نواب معز الدوله بحکمرانی ولایت مازندران منصوب گردیدند ایجاد مسالنامه در دولت علیه شد ایجاد چراغهای پایه چوبی برای خیابان ناصریه و غیره بنزاز مخترعات این سال است جناب کنت دوبسکی وزیر مختار دولت آسترید که علاوه بر ماموریت واقامت دربار همایون مامور بدعوت اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی بمملکت آسترید و تماشای بازار اکسپوزیسیون وینه بود بیشتم بقعده وارد دار الخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردید و نامه اعلیحضرت امپراطور را با بعضی هدایا تبلیغ کرد میرزا یوسفخان مستشار سابق دیوان عدالت بنیابت و وزارتخارجه مباشرت مهام خارجه آذربایجان برقرار گردید میرزا نصرالله خان مشیر خاصه وزارتخارجه بنیابت و وزارتخارجه بلیل آمد میرزا محمود خان وکیل بکار پردازی حاجی ترخان مامور گردید بنزد یک آخر امسال خبر مآل حقوق دیوانی عموم طبقات نوکر از جیره و مواجب علیق الدواب باهتمام جناب صدر اعظم پرداخته شد در ماه ذیحجه امسال امتحانی از متعلمین مکتب مجانی که باهتمام بندهٔ مولف دایر است بعمل آمده بعد از تجدیدات شایسته جناب صدر اعظم مکتب مزبور را بلیت خود موسوم و مکتب مشیریه نامیدند و بسیاری از متعلمین را بمدال و نشان نقره و مسی انعامات مفتخر داشتند یکقطعه نشان اقدسی که اول نشان ایندولت ابد آیات است بجناب مستطاب صدر اعظم اعطا و مرحمت شد پاشاخان امین الملک وزیر عدلیه در بین راه حضرت شاهزاده عبد العظیم علیه السلام روز هیجدهم ذیحجه از درشکه برت شده و بتاریخ صدم روز نوزدهم مرحوم شد نواب والا معتمد الدوله حکمران کردستان را موقتا از محل حکمرانی خود بدار الخلافه احضار فرمودند که در غیاب موکب همایون واوان تشریف فرمائی بفرنگستان بمعاونت حضرت اجلال اعظم شاهنشاهزاده والاتبار السلطنه امیر کبیر بمهام کشوری و لشکری رسیدگی نمایند (ژانویه) یا نفین سخت در شهر پدر پای تخت فوت سیصد و پنجاه نفر و بمسکن و ماوی ماندن سی هزار نفر اقتدار سلطنت جسمی و روحانی میکاود و فرستادن جمعی از جوانان بمملکت فرنگ بجهة تحصیل امریکا (اسپانیا) در ایالات بسکاری و ناوارد و نکارلس نامی از شاهزاده های اسپانیا ادعای سلطنت نموده جمعی را بدور خود جمع مینماید در یکی از شبهای تابستان جمعی قصد قتل پادشاه و ملکه را مینمایند ولی صدمه و آسیبی بآنها وارد نمیآید (المان) در دویم ماه مارس که مقارن باروز امضای عهدنامه صلح مابین المان و فرانسه منعقده در سال قبل بود جشنی در برلن و سایر ممالک و بلاد المان گرفتند بیست نفر از سرداران بزرگ که در آن معرکه جلادت و رشادتی بروز داده بودند از طرف امپراطور علی قدر مراتبهم انعامات بذل و اعطا شد از جمله بیرپنس فردریک شارل وکنت دملک وژنرال درون وژنرال مستفل معادل چهارصد هزار تومان پول ایران که هر نفری صد هزار تومان باشد انعام داده شد مسافرت امپراطور المان بممالک جنوبی المان بجهة سرکشی فشون آن ممالک ملاقات امپراطور روس و امپراطور اطریش با امپراطور المان در برلن و مستحکم نمودن مبانی دوستی فیمابین را (انکلیس) نزاع عساکر هند و ستان با طایفه یاغی در طرف شمال شرقی آن مملکت قتل عام بوفرمانفرمای هند بدست شخصی از مسلمانان نصیر دولت بفرمانفرمائی هند جشنها ئی انکلیس بجهة سلامتی مزاج ولیعهد طمانچه انداختن بسمت پادشاه انکلستان و محفوظ ماندن اعلیحضرت معظم الیها از آن ابتیاع نمودن دولتا انکلیس بعضی از متصرفات هلاند را دو فریضه راجعت استیلی و خبر دادن از سلامتی لونکستن مسافر معروف دولتا انکلیس شش کرور و دویست و پنجاه هزار تومان بدولتا نانوئی نیکی دهنا خسارتی کشتی موسوم بآلاباما که در بنادر انکلیس ساخته شده و در جنگ مابین ایالتین شمال و جنوب بتانوئی نیکی جنوبی آن کشتی را ابتیاع نموده و بمعاونت آن خسارات

کلی با یالات شمال رسانیدند بدهد (ایطالیا) فوت مازینی از معارف طغیان کوه آتش فشان وزوو (روس) افتتاح راه آهن نقلیس بر بندر پوطی انعقاد عهدنامه دوستی با خان کاشغر تزلزل واندیشه خان خیوه از عساکر روس بر وز و باد در ایالات جنوب و مرکز مملکت (سوویز و ج) فوت شارل پانزدهم پادشاه آن مملکت و نصب اسکار دوم برادر او بجای او (عثمانی) عزل و نصب کلی در این مملکت تغییر صدر و وزرای جنبک بتوار صدارت مدحت پاشا انتها محمود پاشای صدر اعظم سابق با خذ پول زیاد از صرافان فرنک فتح عساکر عثمانی قلعه سخت صنعا را در عربستان اختیار نام دادن در جمیع امور از طرف اعلیحضرت سلطان نجد بو مصر منازعه عساکر مصری با امپراطور حبشه (فرانسه) فوت مارشال وایان از سرداران خیالات رئیس جمهور و در انتظامات داخله و دادن وجه مقرر خسارت جنبک را بدولت المان که نود و پنج ممالک فرانسه را تخلیه نمایند **امریکا** (اتاتون) در ظرف مدت سیزده سال هفصد و ده هزار و چهار صد و بیست و پنج نفر از اهالی المان و یک کرور و شصت هزار و هشتصد و سی و یک نفر از مردم ارلند و هفتصد و پنجاه و یک هزار و هفتصد و شصت و نه نفر انگلیس بخاک اتاتون مهاجرت نموده در آنجا سکنی و جا گرفتند خشکسالی و بارندگی نشدن در ایالات پنسورک هلاک جمع کثیری از حدت حرارت آفتاب در این سال شصت هزار و هشتصد و پنجاه و دو میل امتداد راه آهن اتاتون است (مکزیک) فوت ژوارز رئیس جمهور و نصب لردو از جای او

سنه ۱۲۹۰ هجری **سنه ۱۸۷۳ مسیحی**

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی در این سال خیر مآل بتوجهات خاطر خطیر همایون منظم است حاجی محمد قلیخان آصف الدوله بوزارت عدلیه عظمی منصوب گردید میرزا محمد قوام الدوله وزیر محاسبات مرحوم شد و جناب میرزا هدایت الله وزیر لشکر سابق بوزارت دفتر برقرار آمد جناب میرزا محمد حسین دبیر الملک علاوه بر وزارت رسائل بوزارت داخله مباهی و نائل گشت امور چاپارخانهای ممالک محروسه با میرزاده مهدیقلیمیرزا ولد مرحوم حاجی محمد ولیمیرزا واگذار فرمودند جناب مسیو طامسن وزیر مختار دولت انگلیس مأمور اقامت دربار دولت علیه وارد دار الخلافه گردید جشن عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی جناب مستطاب اجل اعظم با کمال شکوه مانند سال قبل گرفته بندهٔ مولف با عطای یکقطعه نشان از درجه ثانیه شیر و خورشید سرافراز شد جناب نظام الملک بحکومت یزد منصوب گردید و مستعلیخان نظام الدوله در سن پنجاه و چهار سالگی بمرض محرقه مرحوم شد محمد اسمخان پسر مرحوم فتحعلیخان ملک الشعرا بر حمت ایزدی پیوست این اوقات که عزیمت سفر فرنگستان نزدیک شده فشون ظفر نمون حاضر رکاب اعلی تماما یکروز بامرهایون در بیرون دروازه دولت حاضر شده سان دادند و موکب ظفر و نفقات و معاینات ملوکانه مشاهده گردید حاجی شهاب الملک والی خراسان بعضی از اشرار ترکمن را تنبیه نموده است میرزا رضاخان اجودان صدارت بمنصب سرتیپی سیم مفتخر گردید محمد آقای سرتیپ شاهرودی بتوپخانه دولت علیه مقیم لندن بنیابت اول وزارت فوایدبرقرار گردید از وقایع معظم این سال سفر چهارم اعلیحضرت همایون شاهنشاه بفرنگستان که سابقا بتفصیل اشاره نموده ایم و شرح این سفر سعادت اثر نیز چون سایر اسفار ملوکانه بقلم معجز رقم حسن وانسر مرقوم شده است ولی ما باز خلاصه این سفر عظیم را مسطور میداریم

دوز بیست و یکم صفر المظفر این سال از دار الخلافه باهره اشعاص فرموده شب بیست و دوازدهم ربیع الاول شهر شب بود و مسعود همایون مزین گردید بامروز پرنس مونیکوف وکلنل هیز اک که از جانب دولت دوست ما مأموریت دارند موکب معلی هستند از بطرزبورغ با میرزا عبد الرحیمخان ساعد الملک سفیر دولت علیه مقیم پطرزبورغ قبل از ورود بر شش بار دو همایونی پیوستند روز یکشنبه سیزدهم بعزم ارتحال انتهاض فرموده دوشنبه چهاردهم

میرزا کاظم

بکشتی مخصوص دولت روس نشسته بطرف حاجی ترخان وروسیه حرکت فرمودند ملازمین رکاب اعلی در سفر خیر اثر فرنگستان
از اینقرار هستند

در کشتی مخصوص همایونی

(جناب مستطاب صدر اعظم حاجی میرزا حسینخان) (جناب معتمد الملک) (جناب عضد الملک) (منشی حضور) (امین السلطان)
(امین السلطنه) (مهدیقلیخان پیشخدمت خاصه) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص) (عکاسباشی) (غلامحسینخان ذیندار باشی)
(محمدحسینخان محقق) (امین خلوت) (فرخ خان) (امیرزاده وجیه الله میرزا) (جعفرقلیخان) (حاجی محمدخان قهوه چی باشی) (آقا رضا
ده باشی) (میرزا عبدالله فراشخلوت) (میرزا عبدالرحیمخان ساعد الملک) (سلطان حسین میرزا) (آقا محمد علی) (آقا حسینعلی
آبدار) (آقا باقر) (چیار قهوه چی) (بنده مؤلف)

در کشتی دیگر

(نواب الاعز الدوله عبدالصمد میرزا) (نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب حسام السلطنه) (نواب الانضر الدوله)
(نواب عماد الدوله) (جناب علاء الدوله) (جناب حسینقلیخان وزیر فواید) (جناب الله قلیخان الیخانی) (میرزا فخر امین لشکر)
(امیرزاده احتشام الدوله سلطان اویس میرزا) (حکیم الممالک) (نصر الملک سرتیپ اول) (جناب مجیر الدوله) (محمد باقرخان شجاع
السلطنه) (حسینعلیخان ژنرال اجودان) (میرزا رضاخان سرتیپ اجودان صدارت) (ابراهیمخان نایب) (میرزا احمدخان ولد
جناب علاء الدوله)

از فرنگیها که در کشتی ثانی بودند

(جناب مسیو دبسکی وزیر مختار نمسه) (جناب مسیو طومسن نایب سفارت انگلیس) (مسیو پکسن حکیم انگلیسی)

روز چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول حاجی ترخان بوجود مسعود حضرت همایونی مزین آمد و شرایط تشریفات قدوم همایونی را
کاملا فراهم آورده بودند پرنس میچکوف و کلنل بزاک با تفاق جناب صدر اعظم از حاجی ترخان باجازه همایونی از خلیج مسکو
رفتند روز پنجشنبه هفدهم پس از توقف و تماشای اماکن متنزهه و آثار قدیمه حاجی ترخان از دریا وارد ولگا بوا سطه کشتی
عزیمت ساراتسف فرمودند عصر روز هجدهم بشهر ساراتسف نزول اجلال فرمودند در اینجا نیز تشریفات مقرره قدوم
سلطنت بعمل آمده بود از اینجا بکالسکه بخار نشسته وارد مسکو شدند پرنس دالغورکی حاکم شهر مسکو با استقبال موکب
همایون آمد و با تشریفات تمام بشهر مسکو ورود فرمودند منزل اعلیحضرت همایون و ملازمین رکاب در عمارت کرملین بود
که مزین بانواع اسباب گرانبهای نفیس و از ابنیه عالیه سلطنتی و مقر سلاطین قدیم روسیه است یکشنبه هم در خانه پرنس دالغورکی
بیالی تشریف فرما شدند روز بیست و سیم عزیمت پطرزبورغ فرموده روز بیست و چهارم بشهر پطرزبورغ نزول
فرمودند اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه اکساندر دویم با نواب ولیعهد و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت در کارواسپا
حاضر بودند و اعلیحضرت شاهنشاه ایران را با کمال گرمی پذیرفته با تشریفات تمام بعمارت سلطنتی ورود دادند و نشان
سنت آندره که اعظم نشانهای دولت روس و مکلل بالماس است باحمایل آبی از جانب اعلیحضرت امپراطور آورده باعلیحضرت
شاهنشاه ایران اهدا و تقدیم نمودند و از بدو ورود قدوم مبارک تا زمان رخصت کنار نکردند بندگان همایون یکروز بمیدان مشق
و یکروز بتماشای موزه ارمی تاج و یکروز بتماشای مشق سواره نظام و جلد بالک و ضرب توپ و یکروز بتماشای
بطرهوف و یکروز بکشتاد و یکشب در شهر سارسکو سلو بدعوت شام تشریف فرما شده و در این شب اعلیحضرت امپراطور
بجمیع ملازمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاهی عطای نشانها و انگشتری و ساعت مرحمت فرموده روز دویم ربیع الثانی

ضرابخانه

اعلیحضرت

اعلیحضرت همایونی بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور از راه ویانا که شهر دوسم کونیکس بورغ که شهر پروس است عزیمت
پروس فرموده و روز چهارم عازم برلن گردیدند عصر وارد کاریرلن شده اعلیحضرت امپراطور کلبوم و نواب ولیعهد
پسران ایشان و سایر شاهزادگان خانواده سلطنت و وزرا و ارکان دولت همه سرا حاضر بودند اعلیحضرت همایون با
اعلیحضرت امپراطور در کالسکه سربازی نشسته بقصر سلطنتی تشریف فرما گردیدند روز پنجم بسیاحت شهر پتسدام که خارج
برلن است تشریف فرما گردیده و روز ششم بسیاحت باغ وحش برلن و بعضی اماکن دیگر شهر و روز هفتم بسیر آکوار یوم
یعنی جائیکه حیوانات و نباتات دریائی را بجهة تماشا نگاه میدارند و روز هشتم بتماشای میدان مشق و افواج و سوار
و بازدید بدیبه خانه تشریف فرما شده و روز نهم نشان اکل نوار مکلل بالماس با حمایل زردا از جانب اعلیحضرت امپراطور با اعلیحضرت
شاهنشاهی تقدیم شد آنگاه با کالسکه بخار تشریف فرمای شهر پتسدام شدند روز دهم بپارلمنت تشریف برده و بعد از آن
با اعلیحضرت امپراطور وداع فرموده روز یازدهم عازم شهر کلون و وبیسبا شدند یکساعت بغروب مانده بکارخانه کریه
رسیدند مسیو کریه صاحب کارخانه بکراده تو پیر شتن بوند بسیار اعلی پیشکش قدم مبارک نمود شب شهر کلون منزل موکب
همایون بود روز دوازدهم بعد از تماشای باغ نباتات و باغ وحش کلون حرکت فرموده تا بشهر بن رسیدند از آن گذشته بشهر
کوبلنس وارد آنجا عبور کرده بعد از طی مسافت زیاد بشهر وبسبا وود فرمودند روز سیزدهم قصبه اِرِس تین و قصبه اِرِنش
بمقدم همایون مزین آمد روز چهاردهم عزیمت شهر فرانکفورت فرمودند و بعد از سیاحت باز دیدا بنشهر بوپزبادن مراجعت نموده
شب را بنشهر بسر بردند روز پانزدهم بعزم بادن بادن انتهاض فرمودند و از شهر ماینس و فرانکفورت و دارمشتاعبور نموده
بشهر هیدلبرغ که اولخاك کراندوك بادن است رسیدند پس از آن بشهر کارلسروه که پای تخت کراندوك بادن است ورود فرمودند
کراندوك با جمیع بزرگان مملکت در کار حاضر بودند در اینجا صرف غذا و قدری کردش فرموده آنگاه با راه آهن ببادن بادن
تشریف بردند روز شانزدهم کراندوك ببادن بادن آمده ورا اینجا تماما بسیار خوبی نمود از آنجا بوپزبادن معاودت فرمودند
روز هفدهم با کشتی بخار از دریا و رودرن عزیمت مملکت بلژیك فرموده اول بشهر کولونز و بعد بشهر بون رسیده از کشتی
بیرون آمده تا بشهر کولن راندند و از آنجا در بیرحد بلژیك نموده از شهر دورتن و بعد از شهر اکسلاشاپل گذشته تا اینجا از
شهرهای المان است گذشته سپندند بروخانه گوچکی که سرحد بلژیك و المان است از آنجا نیز بجاوز نموده وارد شهر
اسپاکه اولخاك بلژیك است گردیده بعد از دو روز توقف روز سیم عزیمت و کسل پای تخت بلژیك فرمودند بعد از سه
بشهر لیژ که کارخانهای تفنگ سازی و کالسکه بخار ساز معتبر دارد رسیدند از آنجا گذشته بعد از دو ساعت بشهر ورو و کسل
ورود فرمودند اعلیحضرت پادشاه و برادر ایشان گشت فلاندر و غیرها حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت لئوپولد
کالسکه نشسته بعمارت دولتی رفته بعد از ساعتی اعلیحضرت همایون نشان صورت خدر وانه را برای پادشاه بلژیك فرستادند
کالسکه تشریف از مقدم همایون بعمل آمده لارد سن صاحب و کامبل صاحب و طمسن صاحب و چند نفر دیگر از اعیان انگلیس که برای
مهمانداری آمده بودند در بر و کسل بحضور همایون مشرف شدند بعد از دو ساعت توقف تماشای مجاوا هدای نشان
آفتاب با حمایل بملکه بلژیك روز بیست و دوم با اعلیحضرت پادشاه وداع فرموده از راه بندر اُستاند عازم انگلیس شدند
و در بندر مملکت فلاندر از کالسکه پیاده و بکشتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان داخل شده راندند از بندر اُستاند تا دوور
که اولخاك انگلیس است بخساعت راه بود پسرهای اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزرای دولت و اشراف لندن و تشریفات
دولتی زیاد تا بندر دوور باستقبال آمده بودند پسر وسطی اعلیحضرت پادشاه دولندا دیمبورغ و پسر سیمی پرنس آرتور نام
دارد بعد از ورود با سکله بکالسکه بخار نشسته عزیمت لندن نمودند در حوالی شهر لندن نواب ولیعهد دولت انگلیس

پرنس دوگال با جمعیتی زیاده از حد از اهل نظام وغیره حاضر شده بودند اعلیحضرت همایون پیاده شده با نواب پرنس
در کالسکه دوباز نشسته داخل عمارت بوکنگام که عمارت مخصوص پادشاهی است شدند اعلیحضرت پادشاه انگلستان
در قصر ویندزور که در شش فرسخی شهر است بودند روز بیست و چهارم که سیم دوز و رود بود با جمیع ملتزمین رکاب اعلی
بقصر ویندزور بدیدن اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشریف بردند اعلیحضرت پادشاه تا پای پله قصر اعلیحضرت همایون را
استقبال کردند و جمیع شرایط مودت و اعزاز ملحوظ شد بعد همالردن امبرلاند وزیر دربار پادشاهی نشان تارتر مکلل بالماس
را که مزین بصورت معروف و سوای اعلیحضرت پادشاه انگلستان اکرر پیس اداره این نشان اند و شاهزادگان انگلیس و سلاطین خارجه
کسوت ارای آن نیست بجای اعلیحضرت شاهنشاهی آورده اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطر پرس هندوستان برخاسته
بدست خود شان نشان را بر پیکر انور ملوکانه زدند و همایون را انداختند اعلیحضرت همایون هم نشان و حمایل آفتاب مکلل
بالماس را بانشان تصویر بی نظیر مقدس همایون باعلیحضرت پادشاه انگلستان دادند بعد از صرف نهار و تفرج مراجعت
بشهر شد روز بیست و پنجم بتماشای کارخانجات و لوچ که جبه خانه و توپخانه و آهنگر خانه دولت انگلیس است و بتماشای
مشق توپخانه تشریف فرما شدند یکصد و پنج توپ بپیشکش حضور مبارک کردند روز بیست و ششم بسیاحت باغ وحش کنه
روز بیست و هفتم برای سان کشتیها بنگ عزیمت بندر پرتسموث فرمودند و شب را بمجلس کنسرت یعنی ساز و آواز گذرد
عمارت البرهال است تشریف بردند روز بیست و هشتم بجهة سان قشون که اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواستند باهند
عازم قصر ویندزور شدند روز بیست و نهم بگرینچ بجهة تماشای مدرسه بحری انگلیس تشریف برده روز سلخ ربیع
الثانی بسیاحت شهر لیورپول و قصر ترنتام و روز غره جمادی الاولی عازم شهر منچستر که کارخانجات پارچه بافی وغیره آنجا
شدند روز دویم تشریف فرمای لندن شده باز هر روز و شبی بتماشای محلی و دعوت بحضور صاحب اوقات همایونی گذشته
روز ششم برای وداع با اعلیحضرت پادشاه انگلستان بویندزور تشریف بردند روز هفتم بعمارت بلور و روز هشتم
بتماشای مریخانه تشریف فرما شده روز نهم جمادی الاولی عزیمت بندر پرتسموث فرانسه نموده درگاروکیور با نواب و غره
وداع کرده باکالسکه بخار حرکت فرمودند و بعد از سه ساعت وارد بندر پرتسموث شده و از اینجا با کشتی فرانسه بلند
شربورغ تشریف بردند روز دهم باکالسکه بخار نشسته از مملکت نورماندی عبور و نیم ساعت در شهر کان پای تخت
نورماندی توقف کرده یکساعت بغروب مانده بپاریس رسیدند مگاریا مارشال ماکماهون رئیس دولت جمهوری و دولت
دیگر و کلای تازه و وزرا موبحا جمع شده تعارف فرمودند عمارت تکرلز پیلاس قصر اکاه اعلیحضرت همایونست روز بیست
و سیم موکب معلی در پاریس اقامت داشته روز بتماشای عمارت و باغ و رساپل و دوروی بر انوالید که مقبره ناپلیون اول
وغیره است و روزی بلونشان برای سان قشون و روز دیگر برای اسب دوانی بلونشان و شبی بتماشای سیرک
رفتند و همکذا هر شب و روز بتماشای محلی و دعوت کاهی تشریف فرما شده روز بیست و سیم جمادی الاولی از پاریس
عازم دیژون که یکی از شهرهای فرانسه است شده باکالسکه بخار بانجا تشریف بردند روز بیست و چهارم از دیژون حرکت
فرموده غرره بشهر ژنو که از شهرهای سویس است سیدند روز بیست و پنجم و بیست و ششم بسیر دو دریاچه ژنو
گذشته روز بیست و هفتم در مهمانخانه هوتل دلایه بنهار موعود دولت سویس بودند روز بیست و هشتم از ژنو
بشهر تورن پای تخت قدیم مملکت ساردن و پیمونت تشریف فرما کردیدند اعلیحضرت ویکتور امانوئل ثانی پادشاه
ایطالیا و نواب پرنس هومبرتو لیعهد دولت و سایر شاهزادگان و رجال دولت ایطالیا دم گار موکب معلی را پذیرفتند
و اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در کالسکه دوباز نشسته بعمارت دولتی که برای منزلگاه اعلیحضرت

همایون است و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا در همین عمارت منزل دارند تشریف بردند روز بیست و نهم و سلخ جمادی الاولی
در تورن اقامت شد و بتماشای ابنیه و اماکن و نزهتگاهها گذشت و غره جمادی الثانیه از تورن بعد از وداع اعلیحضرت
پادشاه ایطالیا عازم شهر میلان شدند روز دوم از میلان عزیمت شهر سانسبوغ که جزء مملکت طریش است فرمودند
در استاسیون آلاکه سرحد دولتین ایطالیا و طریش است معتمدان آن شهر به حاضر بودند از آنجا رانده روز سیم نزدیک
غروب آفتاب باستاسیون ماپزنک که در دو فرسخی شهر وینه بود رسیده کالسکه اعلیحضرت امپراطور بمنزه فرانسوا اوزف
با نواب ولیعهد و شاهزادگان آن مملکت تا آنجا باستقبال منتظر بودند پائین آمده اعلیحضرت امپراطور شرایط مودت
بجا آورده با کالسکه بخار روانه منزل که قصر لاکسانبورغ است شدند روز چهارم بقصر شونبرون بیازدید اعلیحضرت
امپراطور تشریف برده مراجعت فرمودند روز هفتم بتماشای شهر وینه و بازار اکسپوزیسیون پرداختند و تا روز دوازدهم
خاطر مبارک بتفرج و تماشای محلی مشغول بود و کالسکه پذیرائی تشریفات قدوم همایون منظور داشتند روز سیزدهم
بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور بشهر سالسبورغ تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم شهر انسبروک پرورد مسعود
همایون شاهانه مزین شد روز پانزدهم عزیمت شهر بولون ایطالیا فرمودند روز شانزدهم در بولون توقف شد و
بگردش اینشهر و نواحی پرداختند روز هفدهم عازم برندیزی که آخر بندر ایطالیاست شده روز هیجدهم بر بندر مزبور
وارد فرمودند و کشتی از دولت عثمانی با اشرف پاشا معتمدان حاضر بودند روز نوزدهم عازم اسلامبول گردیده روز
بیست و دوم ببغاز داردانل رسیدند محمد رشدی پاشای صدر اعظم با رجال و صاحبمنصبان بزرگ دولت عثمانی
از اسلامبول از جانب اعلیحضرت سلطان بخیاق قلعه باستقبال موکب همایون آمده بودند روز بیست و سیم کشتی آمد
نامحاذی عمارت مشهور به بیکلر بیکی که برای منزل اعلیحضرت همایون تعیین شده بود اعلیحضرت سلطان که در عمارت
بیکلر بیکی بودند سوار قایق مخصوص که برای اعلیحضرت همایون حاضر کرده بودند شده بکشتی سلطانیه آمده از اعلیحضرت
شاهنشاهی پذیرائی شایان نموده و متفقا در قایق نشسته با سکله تشریف فرما شده بعمارت صعود فرمودند و مراسم
تشریفات مقدم مبارک کاملا بعمل آمد و تا روز بیست و نهم اعلیحضرت همایون شهریاری در شهر اسلامبول اقامت و هر
روز و شبی بتماشای محلی تشریف فرما شده و در هر موقعی از ذات همایون پذیرائی شایان نموده روز غره رجب بعد از
وداع اعلیحضرت سلطان در کشتی سلطانیه نشسته عزیمت پوطی فرمودند روز چهارم به بندر پوطی رسیده پرنس
میخیکوف و کلنل بیزاک مهماندار سابق دولت روس باز از اینجا آمده مشغول پذیرائی مقدم مبارک شدند و از
کشتی سلطانیه بکشتی بخار کوچکی که از طرف پوطی آمده نقل مکان کردند نوابکراندوک میشل برادر اعلیحضرت
امپراطور روس که جانشین و فرمانفرمای قفقازاست با صاحبمنصبان دم اسکله حاضر بودند بعد از تعارفات با کالسکه
بخار براه افتادند و فردا صبح بتفلیس رسیدند در اینجا نیز تشریفات کامله بعمل آمد روز هفتم از تفلیس عزیمت باطوم
فرمودند روز هشتم تشریف فرمای کنجه و روز نهم بطرف توپان چای و روز یازدهم دو ساعت از شب گذشته بشهر باطوم
ورود فرموده و بکشتی نشسته بطرف انزلی حرکت فرمودند روز چهاردهم رجب بانزلی شرف ورود ارزانی فرموده عموم
اهالی ممالک محروسه از سلامت و معاودت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی قرین شکر کامل گردیدند و روز سلخ رجب
المرجب داخل خلافه باهره طهران بمقدم مبارک مزین و مشرف شد

هم از وقایع حزن انگیز اینسال رحلت نواب علیه عالیه مهد علیا والده محترمه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی است که روز
ششم ربیع الثانی در داخل خلافه طهران بجوار رحمت الهی پیوستند عباقلیخان سردار لاهیجانی بیست و هفتم صبح

الاول مرحوم شد نواب فخر الدوله عمه محترمه اعلیحضرت همایون شب بیستم شهر جمادی الاولی برحمت ایزدی پیوست
جناب حاجی سید اسدالله مجتهد اصفهانی والد مرحوم حاجی سید محمد باقر از اجله علمای اصفهان داعی حق را لبیک اجابت گفت جناب
حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله صدر اعظم بعد از ورود موکب مسعود بخاک ایران از این منصب استعفا کرده در رشت
متوقف گردید وزارت جنگ و امارت توپخانه مبارکه و قورخانه کما فی السابق بعهده کفایت نواب الاشرف الدوله مقرر
آمد مجلس دربار با اجزای مسطوره در ذیل تشکیل یافت (جناب اجل میرزا یوسف مستوفی الممالک وزیر داخله و رئیس
کل دفاتر و محاسبات و خزانه و غیره و رئیس دارالشوری و ناظم دارالخلافه و خالصجات) (نواب والا اشرف الدوله وزیر جنگ)
(نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب عماد الدوله وزیر علیه اعظم که تازه باین منصب نبیل نایل شده) (جناب میرزا
سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه) (جناب نصیر الدوله وزیر تجارت) (جناب مجلل الملک وزیر وظایف) (جناب
میرزا علیخان منشی حضور و وزیر رسایل) جناب اجل آقای مستوفی الممالک باعطای قلمدانی مرصع بجواهر مباهی گردیدند
جناب علاء الدوله که علاوه بر منصب کشیکچی باشیگری در سفر فرنگستان موفقا بسمت ایشیک آقاسی باشیگری معزی شدند
در این اوان اداره فراشخانه مبارکه و باغات و عمارات دولتی بامر پدر بزرگوار جناب معزی الیه نموده باعطای یکقبضه
عصای مکلل بالماس سربلیان مباهی آمدند آقا رضای عکاسباشی و پیشخدمت مخصوص خازن صرفجیب و اجودان مخصوص
حضور همایون گردید بنده مؤلف بمنصب معاونت دیوانخانه علیه اعظم مفتخر و سرافراز آمد برای هر یک از ولایات
ممالک محروسه پنج مقرر شد عدالتخانه موضوع و برقرار شود و پس آن از طرف وزارت علیه دارالخلافه معین گردد
روز هیجدهم شعبان موکب معلی تشریف فرمای مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی شده وضع انتظام این دو دایره
جلیله پسند خاطر مبارک اقدس نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم را بیکشو بسربازی ملبوس مبارک مفتخر فرمودند حکمرانی
عراق را بجناب بیر الملک واگذار فرمودند جناب میرزا علیخان وزیر رسایل بلقب جلیل امین الملکی ملقب گردید حسنعلیخان ژنرال
اجودان را بحکومت ولایات اردبیل و مشکین و ایلات شاهسون آنجا منصوب فرمودند جناب عضد الملک را علاوه بر منصب
جلیل خوانسالاری و خازنی مهر مهر آثار بمنصب ایشیکآقاسی گری با جلیل تاجار سرافراز فرمودند جناب کنت پسکی وزیر مختار
دولت نمسه بدربار دولت علیه عود کرده روز پنجم رمضان وارد دارالخلافه گردید بمحض مرحمت مخصوص از جانب سنی
الجوانب همایون در باره حضرت مستطاب اجل شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی یکقبضه شمشیر
مکلل بالماس گرانبها با فتخار حضرت معظم مرحمت فرمودند جناب صاحبدیوان بمنصب جلیل وزیر نظامی و بکشو بجیره
شمسه مرصع خلعت سرافراز گردیده معاودت بآذربایجان کرد ایلغار اوامر علیه بمجلس شورای کبری و عرض عرایض و ذرای نخام
بخاکپای مبارک بر عهده امین السلطنه پیشخدمت خاصه مقرر آمد جناب مسیو ملینه که از جانب دولت فرانسه بسمت وزیر مختاری
مامور دربار دولت علیه بود وارد دارالخلافه گردید نواب شعاع الدوله بحکومت همدان سرافراز آمد نواب محمد امین میرزا
بحکومت کلپایگان و خوانسار مباهی گردید انجام خدمات مسطوره در ذیل بعهده میرزا مقرر مان امین لشکر موکول گشت
(وصول وجوه نظام از ولایات ممالک محروسه) (نصب امر ملبوس کل قشون) (رسیدگی باموردجام خانه نظام و رسیدگی باموری
محاسبه مخزن خانه ممالک محروسه) حاجی میرزا یحیی خان نایب نوه دایکی از نوکرهای او بزخم چاریاره از پا درآورد امیر علیخان
حشمة الملک امیر توپخان که در سبستان خدمت کرده بود بیکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس مفتخر گردید فوج بهادران
نیز بر او علاوه بر فوج ششم اقبال جمعی محمد باقرخان شجاع السلطنه معزی الیه ابواجمع فرمودند وزارت عسکریه باهتمام
حضرت جلیل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی و نواب حسام السلطنه و نواب

معین الدوله وجناب ناصر الملک ومیرزا موسی پسر فتر لشکر نهایت منظم است وزارت امور خارجه بر عهده کفایت جناب حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله مفوض فرمودند امیرزاده هوشنگ میرزا ولد مرحوم ملک آرا بایلخانی کرمی کهزاد سوار افشار ودوبران وغیره ولقب ایلخانی سرافراز فرمودند نصر الله خان حاکم کرمان رود بمنصب سرتیپی سیم اللهیار خان حاکم اسالم بمنصب سرهنگی مباهی آمد خدمت تولیت آستان ملایک پاسبان حضرت رضوی سلام الله علیه با جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملک رجوع فرمودند میرزا عبد الغفار معلم کل علوم ریاضی بمنصب منجم باشیگری ولقب نجم الملکی وخلعت همایون سرافراز شد عبد الحسین خان ولد مرحوم خانبابا خان سردار بلقب ومنصب زالا جودانی واعطای یکقطعه نشان وحمایل از درجه دوم سرتیپی مباهی گردید بنده مؤلف بلقب ومنصب مقدم السفرائی سرافراز آمد اداره عمارات وباغات مبارکات را باعلم احتشام نیز بجا گردانند فرمودند حاجی میرزا محسن خان وزیر بحار اسلامبول بلقب نبیل معین الملکی سرافراز آمد (چین) خاقان چین که طفل بود وبسن بلوغ رسیده خود کفیل امور سلطنت میشود (ژاپن) مسافرت نوآگراندوک اکسه پسر اعلیحضرت شاه امپراطور روس با بمملکت میکادو عبور نمود وزرنکیها را حشمتی کرفته سفرای را که در دربار او هستند بپذیرائی میکنند امریکا (اسپانیا) شورش هواخواهان دون کارلس قوت وامتداد یافته بر سایندو دولت هیئت نیابتی بجهة دفع باغیان می بینند همچنین شورش اهالی جزیره کوبا استعفا آمده دویم پادشاه جدید از سلطنت ورفتن پادشاه با خانواده خود بپرتغال تجدید وضع جمهوری نمودن فتوحات دون کارلس در اغلب نقاط (اطریش) فوت امپراطور پسکار ولین کوستا از اقوام امپراطور مقرر داشتن قشون دولت اطریش را هشتصد هزار افتتاح اکسپوزیسیون صنایع در اول ماه مه در وین ودر ۲۰ اعلیحضرت امپراطور روس ولیعهد ایندولت بنمایشای اکسپوزیسیون در اول ماه ژوئن ورود امپراطریس المان در اواخر همین ماه ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران بوین در سی ویکم ژوئیه ملاقات امپراطور ایطالیا وامپراطور اطریش در وین اختتام اکسپوزیسیون در دویم نوامبر شش سال بیست وپنجم جلوس اعلیحضرت امپراطور در اغلب نقاط کرفشد (المان) ورود سفرای ژاپن در برلن شورش در فرانکفورت کراستعمال حربه برای دفع شورشیان لازم شد مسافرت اعلیحضرت امپراطور بپطرزبورغ ازدواج شاهزاده ولیعهد با پرنسس نزل دختر امپراطور اطریش ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در برلن در سلخ ماه مرحوم منصور [illegible] بجنات فرانسه داده شد قلعه بلفورت که آخر نقاط متصرفی بود وبطور کرکان نکاهداشته بودند عساکر روس خالی کرده رفتند ملاقات پادشاه ایطالیا وامپراطور المان در برلن وملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در وین فوت ژان پادشاه ساکس (انکلیس) بعضی از رجال دولت از تبعات وپیشرفت قشون روس در فتوحات آنها در سمت خوف متغیر بنابراین دولت روس نزال شوالفا جودان مخصوص امپراطور را بجهة اطمینان دولت انکلیس بلندن مبفرستند فوت ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه در قصر اسلشهو در ۹ ست من توابع لندن در نهم ژانویه یکساعت ونیم قبل از ظهر در افتتاح مجلس پارلمنت لرد کرانویل وزیر امور خارجه وکلای ملت را اطمینان میدهد که دولت روس هیچوجه در خیال نکاهداشتن خوقند نیست اعلیحضرت پادشاه انکلستان بفرنچ وسلیت بقصر اسلشهو رفت بدین امپراطر هیرانی رفتند ابتدای منازعه مابین پادشاه آشانتی که یکی از سلاطین افریقا است با دولت انکلیس نزال ولسنی مامور بمنازعه با پادشاه آشانتی است فتوحات سردار مذکور در سلطان مملکت (ایطالیا) طغیان رود خانه پو وخرابی سایندن باغلب نقاط تاسف اغلب مردم از فوت ناپلیون سیم وجه کردن مردم در وین با خود نخواهی برای ساختن مجسمه ناپلیون سیم ورود اعلیحضرت شهریار ایران در بیست وپنجم ژوئیه بایطالیا (روس) فوت عمه امپراطور کران دوشس هلن ورود جمعی از خارف فرنچ بپطرزبورغ وتظلم نمودن از نعدیات خان خوق

بنابراین ژنرال کفمان با دوازده هزار قشون بر سر بیک خان خیوق ما مور شد و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در شانزدهم ماه مه بحاجی رحمان نیز رود و اعلیحضرت شاهنشاه معظم در بیست و یکم همین ماه بطرف بورغ عساکر روس را اول از بشان ازد و نقطه وارد خیوق شده شهر خیوه را متصرف شدند بعد از تصرف شهر خیوق در بیست و پنجم ذوالحجه انعقاد مصالحه مابین سردار روس و خان خیوه شد مشروط بر اینکه یکهشتم از مملکت خود را بتصرف سردار روس و یکهشتم را بتصرف سردار بخارا دهد و خود مثل سابق بر خوارزم و ترکستان در تحت سلطنت روس بشناسد بعد از انعقاد این صلح طایفه یموت خیوقی بخان خیوق شوریدند و خان مجبور شد که از سرداران روس استعانت جوید با انعقاد عهدنامه مابین دولت روس و امیر بخارا کشتی رانی در رود اموی آزاد خواهد گردید و بازرگانان بخارا و روس با کمال آزادی در تمام خاک بخارا میتوانند تجارت کنند عزبا بدون اینکه دارای باشن بتوانند روس باشند حق توقف در بخارا ندارند خرید و فروش برده و بنده ممنوع است (سوپس) فوت دولت دیبر و ترویک در شهر ژنو و بخشیدن معادل چهار کرور ایران املاک خود را باهالی شهر (عثمانی) نصب اسعد پاشا صدارت و عزل محمد شد پاشا و ورود اعلیحضرت شاهنشاه ایران در هجدهم ماه او باسلامبول (فرانسه) ایجاد مجلس وکلای دولت که در سال سلطنت بسم بوده موسوم بمجلس سنا استعفا مسیو طیر از ریاست جمهوری و وزارتیکه شعبه او بودند در اواخر آوریل و نصب مارشال ماکاهون بریاست و ورود اعلیحضرت پادشاه ایران در دهم ماه ذوالحجه بپاریس مدت ریاست مارشال ماکاهون هفت سال مقرر شده مارشال بازن که در قلعه متش محصور بود و آنقعله را بتصرف عساکر روس داده بود حکم عزل او از سرداری یا حکم قتل او از شورای عسکریه صادر شده مارشال ماکاهون بواسطه حق عفو یکه دارد از قتل او درگذشت لکن مقرر شد مدت بیست سال تمام در جزیره سن ماگریت که نزدیک بسواحل فرانسه است محبوس باشد (هلاند) ابتدای منازعه مابین ایالات و سلطان ایچین که در یکهشتم از جزایر سوماترا سلطنت دارد با ممالک مذهب اسلام دارند شکست قشون هلاندی از قشون ایچین بواسطه زخم خوردن ژنرال کلهر سردار عساکر هلاندی امریکا (مکزیک) لرد ژنرال دارئیس جمهوری در اقتتاح مجلس در صدد اینست که بلکه بتواند رشته الفت و دوستی که سابقا با فرانسه داشتند محکم کند اهالی ملت دوزفوت ژوآرز رئیس سابق را دوزعزاداری دوزنوالدا و را مقرر داشتند روز عیش برای تمام ملت باشد برای ولادت با سعادت او وظیفه قرار دادند

سنه ۱۲۹۱ هجری — سنه ۱۸۷۴ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور و مهمات دولتی از توجهات خاصه همایون در اینسال قرین انتظام کامل است میرزا ابراهیم خان سهام الملک ملقب بسهام الدوله گردید میرزا سید رضی برادر مرحوم میرزا سید عبدالله ناظم میزان بمنصب استیفا از درجه سیم نایل آمد حکمرانی دارالعباد یزد را بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص مرحمت فرمودند و حسینقلیخان مافی از جانب جناب معظم الیه بنیابت حکومت دفتر حاجی حسینخان شهاب الملک ملقب بجلیل نظام الدوله و خطاب جنابی سرافراز آمد میرزا جواد خان سرهنگ ورنیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی مفتخر گشت والی گری ایالت کردستان را ضمیمه حکمرانی کرمانشهان فرموده بنواب مؤید الدوله مرحمت کردند حکمرانی عراق و بروجرد را بعهده کفالت نواب والا عضد الدوله واگذار فرمودند مستشار الملک خراسانی بمنصب استیفا اول دیوان اعلی و عضو مرجع سرافراز شد مهام و امور دولتی کلیتا راجع بوزرای سته ذیل گردیده و معظم الیهم را وزرای مختار دربار اعظم نامیدند (جناب آقای مشیر الممالک) (جناب مشیر الدوله) نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب عماد الدوله وزیر عدلیه) (جناب علاء الدوله وزیر جنگ) (جناب عضد الملک ایلخانی وخازن مهر مبارک) رسم تنظیمات حسنه در ولایات محروسه معمول و اجرای آن بعهده نواب اعتضاد السلطنه

موکول آمد جناب علاء الدوله محمد رحیمخان چنانکه اشارت شد بوزارت جنگ سرافراز آمد میرزا ابوالقاسمخان سرهنگ
پسر میرزا محمدصادقخان دریابیکی نیابت دریابیکی یافت نواب بهمور میرزا حسام الدوله که زیاده از هشتاد سال زندگانی کرده
بود برحمت الهی پیوستند تا که مرد وغیره که عزیمت تاخت وتاز خراسان داشتند شجاع الدوله امیرحسینخان حاکم قوچان
وغیره آنها را تنبیهی نمودند آقا رضا اجودان مخصوص بیکقطعه نشان شیر وخورشید از درجه دوم و پانصد تومان
اضافه مواجب سرافراز آمد اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکقطعه عکس شمایل خود را برسم یادگاری برای اعلیحضرت شاهنشاهی
دام ملکه فرستادند نصرتخان قاجار ملقب بشهاب الدوله شد میرزا موسیخان سرهنگ فوج سوادکوهی بیکقطعه نشان
شیر وخورشید با حمایل سرهنگی تا پل آمد از جانب ولیعهد سپهسالار سفارت با نامه و هدایا بدربار معدلتمدار آمد حکمرانی
کرمانشاهان وکردستان را بنواب حسامالدوله مرحمت فرمودند جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بوزارت علیه اعظم منصوب
ومباهی شد حاجی جعفرخان سرتیپ دوم بمنصب سرتیپی اول توپخانه سرافراز آمد جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر پست
خاصه باعطای نشان نشان همایون مکلل بالماس سرافراز شد میرزا موسی رئیس دفتر لشکر بمنصب جلیل وزیر لشکری مفتخر آمد
حسینقلیخان سرتیپ سوار شاهسون قورت بیکلو بمنصب سرتیپی اول مباهی گشت نواب بدیع الملک میرزا ولد نواب حسامالدوله
بلقب جلیل حشمة السلطنه ملقب و از جانب نواب معظم الیه بحکومت کردستان منصوب شد جناب آقا میرسید محمد امام جمعه اصفهان
ملقب بسلطان العلما مرحوم شد اداره تلگرافخانه را بلاواسطه تیمورالدوله واگذار فرمودند عبدالرسولخان نایب الحکومه کبلان
بمنصب سرتیپی اول سرافراز آمد حسینقلیخان ماکوئی وزیر دیلقب معدالملکی مباهی گردید آقا رضای دهباشی بلقب ناظم خلوت
واعطای یکقطعه نشان شیر وخورشید از درجه سیم سرافراز آمد میرزا علی اکبر دبیر میرزا محمدحسن عریضه باشی دفترخانه مباهی
منصب عریضه باشی یافت حاجی میرزا صفا از اجله عرفا در دارالخلافه مرحوم و نزد یکی چشمه علی طهران مدفون شد پنجاه هزار
قبضه تفنگ ابنبائی از دولت ایران بدربار الخلافه میرسد در ماه شوال ایشسال امور مالیه و مهام کشوری مستقلا بجناب آقای مشیر
الممالک و امور عسکری و وزارت جنگ بالقب سپهسالار اعظم بجناب مشیرالدوله واگذار و مرحمت شد روز بیست و هشتم
شوال ایشسال چون طرح باغ عشرتآباد ریخته شده و دیوار دور ساختن بنای مشجر نمودن آنش بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
دام ملکه تشریف فرمای این باغ که درمیان قصر قاجار و نگارستان واقع است شدند و چهار اصله درخت بدست مبارک خود از
غرس فرمودند میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی که منشی دوزنامه دولتی بود در صحبت مؤلف است قطعه تاریخ این درخت
کاری عرض کرده با انعامات و مراحم ملوکانه سرافراز شد و سوای آن قطعه که عیناً در ذیل ثبت میشود بامرهمایون کتیبه شده
بدیوار قصر عشرتآباد نصب کردند

بادست خویش خسرو دریا و بر و بحر — فرمود از عنایت رای درختکاری — ای باغبان فردوس نام خوش تو رضوان
کوثر بیارکاینک شد وقت آبیاری — اصلش بود عدالت فرعش بود کرامت — شاخی که سر فشاند بادست شهریاری
تا برفلک کشند سر اینشاخ عدل امشا — یکچند دور باش ای ابر نوبهاری — شاخ ملک نشان را صد بار بر توان کفت
از دوحه بهشتی از سرو جوی باری — از این بیشه مرغها بینند اهل عالم — بر برز بختیاری بهر زکامکاری
زود آکه عشرتآباد چون بسپهر کرد — هم مشرق کواکب هم مطلع دراری — برجای مهر خورشید آرند اینچنان رخشان
از فرشهریاری از فرط بختیاری — تا اصله کرامت بار آورد فتوت — دست ملک نشاند شاخ بزرکواری
اصلست ذات قدسش فرع از جمله عالم — از اصل فرع زاید پیوسته شود آری — در باغ عشرتآباد از یمن دست خسرو
باد اشکفته دایم کلهای تاجداری — شعرا دعا بخوانند در مدح شاه شاهان — چون آفتاب روشن مانند آب جاری

شاخ نشاط کی کشت تاریخ فرخ سرو کی خسرو انشا ندی شاخ امید وار ی سعی صیع دولتا مرخذ بواعظم

بخشید این بار ا آئین استواری

میرزا محمد حسین ادیب اصفهانی ملقب بفروغی فرمودند حضرت اجل اعظم والا ظل السلطان حکمران اصفهان و مضافات بعز تقبیل آستان معلی بار الخلافه آمدند اداره صدور تهاعدالت و لایات داجناب عضد الملک تفویض فرمودند و دستخط همایونی مبنی بر دستور العمل و تعیین تکالیف این اداره خطیره شرف صدور یافت (چین) نفاق و کدورت سخت مابین اینولت و ژاپن بحدیه رسانیده اند ژاپنی ها چند فروند کشتی جنگی بتسخیر جزیره فرمز بواسطه طوفانهای سخت که در دریا واقع شده بود در اوایل پائیز امسال در سواحل جنوبی چین و سواحل ژاپن بنه سیاه و کشتی زیاد حتی کشتیهای آتشی زره دار غرق شد در مسئله جزیره فرمز بین ولیتن چین و ژاپن کار بمصالحه انجامید عساکر ژاپنی جزیره را تخلیه کرده رفتند (ژاپن) پدر اقیامپراطور بن وجات سفرای کبار ا که در اینولت بودند فرستادن یکدسته قشون سربازی سائگو و متصرف جزیره فرمز که جزء مملکت چین است **اسپانیا** (اسپانیا) تفویض یاست ولت جمهوری اسپانیول را بمارشال میرانه فتوحات کارلس در بیلبائو قتل مارشال کنشا یکی از سرداران معتبر که بدفع دنکارلس رفته بود بضرب گلوله قبول نمودن مارشال سرانه رئیس جمهوری سربازی قشون را بجهة دفع دنکارلس جمیع از معارف و بزرگان مملکت طالب سلطنت دن آلفنس پسر ایزابل ملکه سابق میباشند تغییر وضع جمهوری و مسافرت مارشال سرانه بفرانسه تمام قشون بدون استثنا دن الفنس را پادشاهی میخواهند (اطریش) مسافرت اعلیحضرت امپراطور اطریش بپطرزبورغ و ملاقات ایشان با اعلیحضرت امپراطور روس (المان) آمدن و بعهده دولتا انگلیس دن وجه ایشان برلن خطبه پردن بزمارک در افتتاح مجلس و حضور جمعی از وکلای ملت و ختم کردن نطق خود را با بیمطلب که یکی از شرافات من اینست که اول شخصیکه طرف تفرت تمام اهالی اروپ هست بواسطه حب وطن و خدمتگذاری بدولت خود منم مسافرت امپراطور اطریش بپای تخت باویر مسافرت امپراطور اطریش نیز بباویر و ملاقات صبیه خود عدد قشون المان در وقت صلح از صاحبمنصبان و نایبن بچهار صد و پنجهزار و ششصد و پنجاه و نه نفر مقرر گردید مارشال ملت در مجلس اظهار میکند که فتوحات ما در مملکت فرانسه اسباب جدیت قلوب ما بر دولتا نشد بلکه کینه و عداوت آنها زیاد تر گردید بنابرین پنجاه سال دیگر آنچه را حالا بزور داسلحه تحصیل کردیم باید باعانت اسلحه حفظ کنیم امپراطور روس که بمملکت انگلیس سفر میکردند در برلن با امپراطور المان ملاقات نمودند ایضا ملاقات دو امپراطور در شهر اوس شخصی موسو بکولمان بسمت مستوبزمارک طپانچه خالی کرد که جزئی نالمی بدست او وارد آمد ملاقات امپراطور اطریش و امپراطور المان در اپشل جلس کنت دارنیم سفیر سابق دولتا المان در پاریس باتهام اینکه بعضی توشیحات دولتی رسمی که در سفارتخانه پاریس بوده مخفی داشته استعفا موقتی بردن بزمارک و قبول نشدن آن (انگلیس) حرکت عساکر انگلیس بمستکو و ماسوهای تخت طایفه آشانتی که پادشاه آنجا اعلان جنگ با انگلیس کرده بود در افریقا از دواج دوک دادینبورگ پسر دویم پادشاه انگلستان با گران دوشس ماری صبیه امپراطور روس قحط و غلای سخت در بنگاله هندوستان چندین کرور نفوس سردار قشون انگلیس شهر کوماسی را که پای تخت آشانتی بود فتح نموده قسمتی از آن شهر را آتش زده کار بمصالحه انجامید عزل وزرای پرتغال و نصب وزرای جدید و ورود امپراطور روس بلندن دو ایالات بنگاله سوکرد و نفوس کرد و چهار محط بودند باعانت دولتا انگلیس از هلاکت خلاص شدند یادداشت فرستادن دولت عثمانی بدول المان و اطریش و روس که وجها من الوجوه خواهان انعقاد عهدنامه جدید با ایالاتیکه در تصرف عثمانی است از افراد جدان و سرحدی و منتنگرو ندارند فتح دار فور از ممالک افریقا بدست قشون مصر جمعیت دارفور که بتصرف

مصری

مصر آمده رد کرد و رفت است (ایطالیا) جشن بزرگ کرفتن مردم بجهة سال بیست و پنجم جلوس پادشاه (بلژیک) پذیرائی نمودن پادشاه بلژیک از امپراطور روس با تشریفات لازمه و قبلکه امپراطور معظم از انکلیس مراجعت میکردند (دانمارک) استعفای تمام وزرای ایندولت مستافرت پادشاه بجزیره ایرلند که جشن سال هزارم الحاق این جزیره بمملکت دانمارک کرفته شد (روس) ایجاد قانون نظامی ممالک روسیا در وضع کرفتن آحاد قشون واجبا خدمت نظامی بتمام رعیت بدون استثنا در این مملکت ورود ولیعهد انکلیس و زوجهٔ ایشان بپطرزبورغ مستافرت اعلیحضرت امپراطور بالمان و بعد با انکلیس یکی از برادرهای خان خوق در جزو قشون روس بتوا خدمت میکنند (عثمانی) عزل رشدی پاشای صدر اعظم و نصب حسین عوونی پاشا و زیر جنک بجای او و ورود پرنس میلان والی سرب با اسلامبول (فرانسه) مدت ریاست مارشال ماکماهون بدون تردید بهفت سال مقرر شد فرار مارشال بازن از جزیره سن مارگریت (هلاند) فتح کراتن یکی از قلعجات انچین بدست سردار هلاندی چشن اهالی هلاند در موقع سال بیست و پنجم جلوس پادشاه **امریکا** (اتاونی) عدد قشون دولت را بهمه جهته به بیست هزار مقرر داشتند (برزیل) صلح حقیقی دائمی مابین ایندولت و پاراکای

سنه ۱۲۹۲ هجری **سنه ۱۸۷۵ مسیحی**

آسیا (ایران) جناب مظهر الدوله محمد ناصرخان مامور حکمرانی و والیکری خراسان و سیستان کردید حاجی سلیمانخان نایب بیشیک آقاسی باشی مامور حکومت فراجه داغ شد بعضی ولایات که سهم تلکراف ندارد مقرر شد تلکراف کشیده شود احتشام الملک بمنصب سرتیپی سهم سرافراز شد حیدرقلیخان ولد حاجی آصف الدوله بمنصب سرتیپی سهم نایل آمد ریاست مدرسه جدید نظامی و صاحبمنصبان اتمام ژ بعهدهٔ میرزا عباسخان سرتیپ مهندس واکذار کردید میرزا موسی وزیر لشکر باعطای نشان نمثال همایون از درجهٔ دویم سرافراز شد حاجی حسینخان نظام الدوله روز بیست و سیم محرم مرحوم شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والاظل السلطان حکمران اصفهان و توابع ادام الله اقباله العالی بکفطعه نشان افتخار مکلل بالماس درجهٔ خصاص یافته از آستان همایون بمجل حکمرانی خود معاودت فرمودند وزارت داخله اعظم را بعهدهٔ جناب علاء الدوله مفوض داشتند وزارت عدلیه اعظم را بجناب عضد الملک موکول فرمودند حکمرانی عربستان و لرستان را بنواب معز الدوله بهرام میرزا واکذار نمودند حکمرانی فارس را بعهدهٔ کفایت جناب معتمد الملک موکول داشتند حکمرانی کیلان بر عهدهٔ جناب ناصر الملک مقرر آمد والیکری یزد را بمحمد خان والی سرتیپ اول مرحمت فرمودند نواب عماد الدوله در نتیجهٔ رجعت داعی حق را لبیک اجابت کفت و نواب حشمة السلطنه بدیع الملک میرزا ولد آنمرحوم بحکومت مکران و کردستان سرافراز شد وزارت کرمخانه ممالک محروسه را بمیرزا فرهمان امین لشکر مفوض فرمودند روز هفتم شهر شعبان بجهة امتحان قشون ظفر نمون و ترتیبات اداره جنک در صحرای دوشان تپه در حضور همایون مشق بزرک عمده شد و بکفیضه شمشیر مرصع بجناب سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند میرزا فرهمان امین لشکر باعطای نشان نمثال همایون و لقب جلیل جانبی سرافراز آمده موکب فرخنده کوکب مبارک عزیمت سفر خجسته اثر مازندران فرموده روز بیست و چهارم شعبان از اقامتکاه بهرپهٔ اوشان تشریف فرما شدند و از آنجا بشهرستانک و از شهرستانک بطرف قلعه کجور و دشت نظر و اماکن متنزهه و نقاط و اماکن ییلاقی مازندران الی فرح آباد و آخر رمضان المبارک و اوایل شوال المکرم را در مشهد سر و فرح آباد و سواحل بحر خزر تشریف فرما بودند روز نوزدهم بشهریار فروش نزول اجلال فرموده و تا بیست و دویم در آنجا اقامت شد روز بیست و سیم با مل و از آمل بطرف بلوک لاریجان و از آنجا هفت فرسخی دماوند شده چهار شنبه دویم ذیقعدهٔ الحرام از چشمه لای دماوند بصوب دار الخلافه

روز سیزدهم شوال بشهریار عزیمت ارزانی فرموده تا هیجدهم در آنجا توقف بودند

حرکت

حرکت فرموده شنبه پنجم مقر خلافت عظمی را بمقدم مبارک آراستند جناب عضد الملک حکمران مازندران را بپاداش خدمات
لایقه در بلوک لاریجان بکشوب سرداری ترمه شمسه مرصع مفتخر فرمودند دارالشوری اکبری و مجلس وزرا مجددا افتتاح
شده و بنفس نفیس همایون در مجلس افتتاح تشریف فرما گردیده و نطقی مفصل فرمودند و بنز دستخطی مبارک مشعر بر حدود
و حقوق این مجلس خطاب بجناب امین الملک وزیر مسایل خاصه شرف صدور یافت میرزا عبدالوهاب خان پسر جناب نظام
الملک بمنصب سیفا از درجه دویم نایل آمد پستخانه ممالک محروسه ایران در این سال بوضع پستخانه های فرنگستان
گردید خوجه سرداری که با جمعیت زیاد بتاخت سرحدات خراسان آمده بود خود با جمعی از همراهان او بدست پیشامنصر
مقتول و بقیة السیف متفرق شدند جناب بالله بلیخان ایلخانی را بحکومت همدان سربلند فرمودند (چین) فوت خاقان
چین در دوازدهم ژانویه امروپا (اسپانیا) در جزیره کوبا نزال کوزامردم را دعوت به نصب پادشاه جدید الفتنه
مینماید و رود پادشاه جدید در نهم ژانویه ببندد بارسلن از بنادر اسپانیا منازعه سخت هواخواهان دنکار لشر
باعساکر پادشاه نفاق مابین کارلیستها و تفرقه میان آنها فتوحات عساکر پادشاه در ممالکی که کارلیستها متفرق
بودند (اطریش) مسافرت امپراطور بمملکت دالماسی ملاقات اعلیحضرت امپراطور با پادشاه ایطالیا در شهر ونیز ملاقات
والی منتنگرو با اعلیحضرت امپراطور در کاتارو افتتاح کشتی رانی در شعبه رز دانوب که بحکم امپراطور تازه حفر نموده از وسط
شهر وینه عبور داده اند ملاقات امپراطور اطریش و اعلیحضرت امپراطور روس در اژدفوت امپراطور آلمان و پسر امپراطور
حالیه که از سلطنت استعفا نموده و سلطنت را باین امپراطور تسلیم کرده در بیست و نهم ژوئن در شهر برلن پناه
حسین پاشا خان مملکت عثمانی بخاک اطریش (المان) مخالفت آشکار با پاپ بر ضد باب دولت صدور احکام از رم بکشیشها
کاتولیکی مذهب که تمکین و اطاعت قوانین جدیده که دولت میخواهد در مذهب ایجاد نمایند نمایند غلغله در دولت در بیرون بردن اسب
از مملکت پرتغال بمارک با الصراحه در مجلس شوری میگویند که در مسئله مذهب طبرانی است که شخص بخالق معتقد باشد نه بمخلوق و
مقصود از انحراف کنایه بپاپ است ملاقات ولیعهد المان و پادشاه ایطالیا در شهر نابل در هفتم ماه مه کشتی موسوم به سیلوکه
از هامبورگ عادة به بندگی دینامیر فته و مراجعت میکرده است و سیصد و پنجاه نفر اجامل بوده غرق میشود و از این جمعیت
سیصد و دوازده نفر هلاک میشوند ملاقات امپراطور المان و امپراطور روس در برلن ملاقات پادشاه سوید و ملکه این مملکت
با امپراطور المان در برلن ملاقات رشید دوک البرت سپهسالار عساکر اطریش با امپراطور المان دوامش مسافرت ولیعهد
دولت المان بمملکت اطریش ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در اشتل کشتیش شهر کلن که بر خلاف حکم دولت رفتار
نموده بود اخراج بلد میشود ملاقات امپراطور المان با پادشاه ایطالیا در میلان (انگلیس) صد و بیست هزار نفر عمله جاتیکه
در معدن زغال سنگ کار میکردند یکمرتبه شورش نموده تعطیل از کار میکنند الحاق جزایر فیجی بمملکت انگلیس و زیر امور
خارجه در مجلس بوکلا اطلاع میدهد که دول روس و المان و اطریش با هم متحد شده اند که با ایالات سربی و افلاق بغدان که جزو
مملکت عثمانی هستند بدون استیذان و اطلاع دولت عثمانی معاهده بخارنی به بندند مامور بتکمیل سنه از علما بریاست کلنل
برون برای تحقیق و انکشاف علی بمملکت چین مغربی و بمقصود نرسیدن و در اوایل ورود بخاک چین صدمه کلی دیدن و کشته
شدن جمعی از آنها و مراجعت نمودن بخاک برمان نفار ما بین دولت انگلیس و دولت برمان عزل والی بارودا از ایالات هند
بحکم دولت انگلیس بریاست ولیعهد انگلیس بمجمع فراموشخانهای آن دولت مسافرت جمعی از علما و دانشمندان بقطب شمالی در هجدهم
ماه اوکشتی موسوم به البرتا که پادشاه انگلستان در آن کشتی بود و از آن بر بر به پرتسموث میآمد در عرض راه علی الغفله بکشتی
مبتلی تصادم خورده قسمتی از آن کشتی را شکسته سه نفر را غرق میکند کاپیتن و یاز بندر دوور انگلیس بیندر کاله فرانسه

باشنا

باشنا از دریا عبور کرده بیست و چهار ساعت تمام در روی آب میماند دریازدهم اکبر و لیعهد انگلیس بقصد مسافرت هندوستان از بندر دوور حرکت کرده در هشتم نوامبر وارد بندر بمبئی میشود ابتیاع دولت انگلیس سهامی را که هند بو ممر در ظهر مجمع البحرین سوئز داشت طبشکر و دلیره انگلیسی راول دسامبر و لیعهد انگلیس بسیلان میرسد و دریازدهم همین ماه بمدرس و در بیست و سیم بکلکته (ایطالیا) گاری بلدی در مجلس کلا بدولت تکلیف میکند که رودخانه تیبر را که از وسط شهر رم میگذرد مصب دریاست قابل کشتی رانی نمایند بر ذمه اهالی رم (روس) نقاره دولت با خان خوقند و رود عساکر روس بسیر دریای شرقی کنار خوقند ناصر الدین خان والی خوقند مطیع میگردد لیکن عبد الرحمن نامی بر ضد روسها بر خاسته علم عناد میکند شرقی اسکیلف ماموریت میرعبد الرحمن شده تمام خوقند را متصرف میشود اگرچه دولت نامهای طرف صلح را دارند و از جمله حرف نمیزنند دولت روس شورش بعضی ایالات عثمانی را بدیده حقارت نمی نگرد و سهل نگرفته بهیئت و تدارک جنگ میپردازد و آشکارا اعانت و رعایت بادی بیا عنبان عثمان مینماید (عثمانی) باغیهای هرزگوین جدا با فشون دولت در جنگ هستند اهالی ایالات منتظر و سرعتی با آنها اعانت میکنند باغیان شهر تربنیز را محاصره کرده اند استعفای اسعد پاشا از صدارت و نصب محمود پاشا ماموریت کمیسیونی از طرف دولت عثمانی با معیت قونسولهای دول فرنک نزد باغیان هرزگوین برای تحقیق شکایات آنها از دولت عثمانی بعد از ورود بشهر مستار هرزگوین در روسیا باغیان را دعوت کرده حاضر شده کفتگو نمایند آنها قبول نمیکنند و ماموریت بی نیل مقصود مراجعت مینمایند دسرعتی وکلای ملت بوالی تکلیف میکنند که باید رعایت اعانت باغیهای سربی را نموده با آنها حمایت کرد دولت عثمانی اعلان بطلبکاران خود مینماید که نصف طلبی که از دولت عثمانی دارند را بابت نزع نخواهد داد ازدواج والی سرب با پرنسس نانی کوشک و ورود عساکر مصری بجبشه و شکست یافتن از حبشه و مراجعت کردن آنها بمصر شورشهای هرزگوین و بسنی بنهایت استد و زیر و زبر و نزدیک میباشد عزل حسین عونی پاشای صدر اعظم و نصب اسعد پاشا بجای او زلزله سخت در ازمیر و حوالی آنجا در دوازدهم مارس که بیشتر از دو هزار نفر هلاک گشته میرسند (فرانسه) فوت کنت دونوفا از وزرا و از رجال معتبر فرانسه طغیان آب و دخانه ها جنوب فرانسه و خرابی رسانیدند باغلب احتمال کمتر دویست هزار تومان دولت از خزانه باشخاصی که اموال و املاکشان تلف شده است مجانا بخشش میکند (هلاند) فتوحات فشون اینده دولت در اچین امریکا (اناتون) فوت ژنرال سن ریبس سابق (بنگی دیبای جنوبی) شهر الیانه بواسطه زلزله کلیه خراب میشود

سنه ۱۲۹۳ هجری — سنه ۱۸۷۶ مسیحی

اسپیا (ایران) در این سال امور مملکت خراسان را از هر جهة بجناب مشیر الدوله سپهسالار اعظم واگذار فرمودند جناب حاجی ظهیر الدوله بامر اعلی عازم دربار اعلی بجهة محل سکنای ولاة و حکمرانان خراسان در شهر مشهد مقدس بنا نموده اند جشن میلاد سعادت بنیاد همایون را جناب سپهسالار اعظم باعلی درجه کمال گرفته شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن مفصل گرفته شد جنابی کوستین محترم ارشیوک هر کلا از طرف حضرت پاپ با هدایا و نامه بحضور مبارک شرف جشنه جواب آن نامه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی منی بر کمال موودت ترقیم و تبلیغ شد حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا ولیعهد کردون مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی احضا بدار الخلافه شده روز بیست و دویم صفر وارد دار الخلافه گردیده در باغ دولتی موسوم بباغ ایلخانی منزل برای حضرت اجل معظم معین گردید علیقلیخان مخبر الدوله رئیس اداره تلگرافخانه بوزارت تلگراف و اعطای لقب جنابی سرافراز شد روز دوشنبه بیست و سیم شهر صفر سه ساعت و سی و هشت دقیقه و چهل ثانیه از روز گذشته آفتاب عالمتاب از برج حوت بحمل تحویل نمود حکیم

الممالک پیشخدمت باشی سلام بحکومت هرو مجرد منصوب کردید نواب والا رکن الدوله بحکمرانی ایالات خراسان و سپهسالار
مفخر کردیدند ادیب الملک پیشخدمت خاصه بحکومت قم و ساوه سرافراز شد حاجی میرزا نقی وکیل الرعایا بمنصب کلانتری دار الخلافه
برقرار کردید و میرزا محمد حسین پسر معزی الیه بکدخدائی محله عودلاجان مباهی آمد محض ظهور عواطف خاصه خسروانه درباره حضرت
اجل اعظم شاهنشاهزاده امجد اکرم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی یکقبضه شمشیر مرصع بجواهر ثمینه و
فیروزه از شمشیرهای خاصه سلطنتی بدست مبارک همایونی بحضرت مستطاب معظم مرحمت فرموده و پس از رخصت علوکانه
معاودت بآذربایجان فرمودند حکمرانی ایالات عربستان و لرستان را بنواب جشمة الدوله مفوض داشتند امین حضور
پیشخدمت خاصه بحکومت کاشان سرافراز شد میرزا اسدالله مستوفی اول به پیشکاری مازندران مفتخر آمد نواب والا معتمد
الدوله فرهاد میرزا که بمکه معظمه مشرف شده بودند عزه ربیع الثانی بدار الخلافه ورود نموده بخاکپای مبارک شرفیاب و مورد مرحمت
مخصوص گردیدند حاجی میرزا محمد رضای مستشار الملک پیشکار خراسان بیک قلمدان دوات مرصع و خلعت همایون سرافراز آمد
حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک بکقطعه نشان تمثال مبارک مفتخر گردید بجمیعتی از ترکمانیه باغا شود لتلک که یکی از سرداران
ترکمانست و ادعای نفس که او نیز از رؤسای ترکمانان میباشد بتاخت و تاز سرحدات خراسان آمده مصطفی قلیخان میرپنج رئیس
اردوی خراسان با قشون ظفرمقرون سر راه بر آنها گرفته جمعی را مقتول و علیشود لتلک را کشته و ادعای نفس را باده نفر سوار
دستگیر کرده باقی متفرق گردیدند حکمرانی و فرمانفرمائی مملکت فارس را مزید بسایر مشاغل جناب سپهسالار اعظم فرمودند
وزارت معادن ممالک محروسه را مجددا برعهده نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول داشتند ریاست اصطبل
توپخانه مبارکه را بنواب جهانسوز میرزا مرحمت فرمودند یار محمد خان ایلخانی شادلو بتنبیه و سرحدات بجنود از ترکمانیه
نموده است محمد خان والی حکمران یزد بخطاب جنابی سرافراز آمد لشکرنویسی افواج اصفهان بمیرزا محمد حسین لشکرنویس ولد
میرزا باقر لشکرنویس راجع شد میرزا حسینعلی طبیب از اطبای حضور همایون بلقب شیخ الاطبائی ملقب گردید موکب همایون
در ماه جمادی الثانیه عزیمت ییلاق و کلار فرمود حکومت و فرمانفرمائی فارس را بنواب والا معتمد الدوله واگذار فرمودند
محمد حسنخان ولد جناب علاء الدوله وزیر دربار اعظم بمنصب فراشباشیگری سرافراز شد سیم تلگراف خراسان بمشهد مقدس
وصل آمد اداره ملبوس و جیم خانه نظام را بعهده مراقبت حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک موکول داشتند جناب
سپهسالار اعظم را بکتوب سرداری مفتول دوزنظامی شمسه مرصع از ملابس خاصه سرافراز فرمودند مجلس بحقیقی علاوه
بر مجلس شوری اکبری و مجلس خاص وزرا برقرار و دایر گردیده و اجزای این مجلس از قرار ذیل است

(نواب والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم) (نواب جشمة السلطنه) (نواب والا نصرة الدوله) (جناب حاجی ظهیر الدوله)
(جناب نظام الملک) (جناب حاجی مدبر الملک) (جناب حسنعلیخان) (جناب نصیر الدوله) (جناب امین لشکر) (جناب مخبر الدوله)
(جناب امین الملک وزیر رسائل خاصه مدیر مجلس) (میرزا محمودخان منشی اسرار و کاتب مجلس)

بعضی بناهای بدیع رفیع برابنیه سلطنتی دار الخلافه افزوده شد نواب والا نصرة الدوله بحکومت ایالت مرکزی که عبارت از عراق
و همدان و ملایر و تویسرکان و کلیایکان و خوانسار و نهاوند و بروجرد باشد منصوب و بلقب فرمانفرمائی ملقب گردیدند
حکمرانی ایالت کرمانشاهان و کردستان را بعهده نواب جشمة السلطنه مفوض داشتند روز نوزدهم ماه شوال جناب
منیف افندی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی که حامل اعلان نامه رسمی جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان بر
تخت سلطنت عثمانی بود بحضور مهر ظهور مبارک مشرف شد ایالات قم و کاشان و ساوه و زرندیه ضمیمه و مزید مشاغل
حکمرانی حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه حکمران دار الخلافه ادام الله اقباله العالی

فرمودند

فرمودند وزارت عدلیه اعظم را بجناب میرزا کاظمخان نظام الملک که مسبوق باین امر بود تفویض فرمودند بنده مؤلف بکرمانشاهان
سرخ ونشان سرتیپی سرافراز آمد چون اوایل عشر سیم ذیقعدة الحرام اینسال اول سال سی ام سلطنت اعلیحضرت شاهنشاهی
جمجاه بود وانیقرن سعید باقرن صد سالهٔ سلطنت سلسلهٔ ابد پیوند قاجاریه افتران داشت جناب سپهسالار اعظم جشن این
قرن همایون را در چند روز وچند شب بوجه اکمل گرفتند جناب مسیو نیوف وزیر مختار دولت روس ایلچی مخصوص دولت دوست مأمور
باقامت دربار دولت علیه با تشریفات معموله در شانزدهم ذیحجه وارد دار الخلافه گردید (چین) فتوحات عساکر چنیه
در کاشغر گرفتن شهر ارمتسی را از یعقوب بیک امیر کاشغر (ژاپن) مسافرت میکادو پادشاه اینمملکت باسفاین جنگی
باطراف جزیرهٔ خود موقوف داشتن شکنجه را نسبت بمقصرین در اینمملکت شورشهای ایالات مغربی قتل باغیان امریکا و اروپا
(اسپانیول) تمام نقاطیکه عساکر باغی دنکارلس گرفته بودند فشون دولتی بجبلهٔ تصرف در آورد شانزده هزار از فشون
باغی کارلیست اسلحهٔ خود را زمین گذاشته مطیع پادشاه اسپانیا شدند فرار دنکارلس بمملکت فرانسه ورود پادشاه
اسپانیا با فتح ونصرت بمادرید (اطریش) مسافرت امپراطور اینکلیس ملاقات پادشاه یونان ومملکت اینمملکت با امپراطور
اطریش در رونیه ملاقات امپراطور روس با امپراطور اطریش در دریاچهٔ شتاد در حالیکه صدر اعظم دولت دوست صدر اعظم
دولت اطریش حضور داشتند ملاقات امپراطور اطریش در رونیه با پادشاه ساکس ورود پادشاه یونان بوینه (المان)
منع دولت فرانسه از بکسانیکه میخواهند آنها را بخارج ببرند فوت ژنرال پوکر از معارف دیرلن طغیان اغلب ولایات و خانه ها
علی الخصوص در شهر فرانکفورد دیرزد مسافرت پادشاه انکلستان بشهر بادن ملاقات پادشاه انکلستان وامپراطور المان
در شهر کوبورک ملاقات امپراطور روس وامپراطور المان در برلن ملاقات وزرای دول ثلاثهٔ روس والمان واطریش (برلن
کرجاکف) (پرنس بزمارک) (کنشتاندتی) ملاقات ریشبدوک البرت سپهسالار اعظم دولت اطریش با امپراطور المان وامپراطور
اطریش در شهر امس مسافرت ولیعهد دولت بطالیا با زوجه خود بیرلن ملاقات امپراطور اطریش وامپراطور المان در سالزبورگ
ورود امپراطور برزیل وامپراطریس برزیل بالمان (انکلیس) لرد دربی وزیر امور خارجه مدتها از وضع سلطنت وحکمرانی دولت
عثمانی میکند ملقب شدن دیسرائیلی صدر اعظم بلقب کنت دبوکوندن فلاذ بعدتی وظلم عثمانیها نسبت باهالی بلغارستان با
کمال نفرت در انکلیس پده میشود مسیو کلادستون کتابچه در مذمت دولت عثمانی انشا میکند سان دادن فشون هندوستان
دهلی با حضور ولیعهد افتتاح پارلمنت با حضور شخصی پادشاه انکلستان تلقیب دیسرائیلی صدر اعظم بوکلاکه بالقاب اعلیحضرت
پادشاه انکلستان امپراطریس هندوستان افزوده شود ابتیاع بقیه سهام خدیو مصر از شرکت حفر نهر مجمع البحرین سوئز
بواسطهٔ دولت انکلیس مسافرت پادشاه انکلستان بالمان ومراجعت بانکلیس معاودت کامرون سیاح معروف از افریقا بانکلیس
مراجعت ولیعهد از هندوستان بانکلیس فرستادن کشتیهای جنگی انکلیس باسلامبول بجهة رعایت دولت عثمانی (ایطالیا)
مسافرت ولیعهد با زوجه خود بپطرزبورغ ورود سفرای مرغش بتورن وبحضور پادشاه رفتن اهالی ایطالیا از صدها بتکرار
طرفه دولت عثمانی با هالی بلغارستان میرسد مشار الیها شنیدند فوت کاردینال انتونلی معروف صدر اعظم پاپ پیوس فرادی کاردینال
سیمونی بجای او وزوجه دوک دا وُنْ پسر دوم پادشاه ایطالیا فوت مینماید مسافرت ثانی امپراطور سابق فرانسه بشهر دوم
(بلژیک) ورود پادشاه یونان ومملکه باین مملکت نیز ورود امپراطور برزیل وامپراطریس بهبلژیک ملاقات پادشاه بلژیک
ومملکه در شهر ویسبادن شورش مردم در شهر بروکسیل پای تخت ودر آنورس (دانمارک) مسافرت پادشاه با زوجهٔ
خود بپطرزبورغ (روس) در دهم نوامبر اینسال که مطابق است با جمعه بیست دویم شوال خطبه اعلیحضرت امپراطور در مسکو
باحضور رجال دولت واعیان واشراف مملکت قرائت کرده آشکارا بیان مینماید که اگر اجماع دول فرنگ نتوانستند قراردادی در

رفاهیت عیسوئیان بارعیت عثمانی بدهند من مسلما بشخصه حاضر هستم که کمال رعایت با آنها بنمایم و سه روز بعد عساکر اردوهای جنوبی
ما موقوف دایالت دساکر بدند نواب کراندوک بنکلا برادر امپراطور سردار اینرا دکر دیدار دوی مذکور عبارتست از
دویست و شانزده هزار پیاده و چهل و نه هزار دو یست نفر سواره و ششصد و چهل و هشت عراده توپ و دویست
کرد رمنات عجالة از برای تدارک جنك ولشار داخله مملکت استقراض نمودند و مقرر شد که از آن بعد وجه کرك رزمسکو
باشد نه پول دیگر تمام اهالی روسیان از هر مملکت و هر نقطه عریضه ها بامپراطور روس نوشته دعای خیر با علیحضرت معظم میبنند
که بجان آزادی عیسویها عثمانیست در اول دسامبر که مطابق با جمعه چهارم ذیقعده است نواب کراندوك بنکلای سپهسالار
برادر امپراطور که سردار عساکر جنوبی بود بسمت کشین رفت که معسکر اردوی روس بود حرکت کرد فوتا مپراطور و وزیر
جنگ در زمستان فوت کراندوك دوشس مادر خواهر اعلیحضرت امپراطور الحاق مملکت خوقند بتصرفات روس در ترکستان
و موسو نمودن این ایالت را با یالت فرغانه فتوحات و غلبه نزال اسکبلف سردار بر طایفه قراقیز (سو و نروج) فوت
مادر پادشاه دانمارک (سویس) دخل این مملکت دایسال هشتاد کرور و دویست چهل و یکهزار و پانصد و پنجاه
و دو تومان و ششهزار و دینار است خرج هشتاد کرور و چهارصد و بیست و هفت هزار و شصت تومان (عثمانی) جنك سخت
دولت با یاغیان هرزکوین و بوسنی کنت اندراسی صدراعظم اطریش دستور العمل و یادداشتی برای استمالت یاغیان
هرزکوین و بوسنی که با عضای دول روس و المان و انگلیس داده است با سلامبول دوانه میشود و اصول اینده دستور العمل
و یادداشت مبنی بر این بود (آزادی تام و تمام اهالی و مذهبی که پیروی میکنند) (قانون در وضع احترامیاتی که تعدی
با آنها نشود) (تشویق ذاتین و ملاحان) (یکقسمتی از مالیات معینه که اینوقت دایالت یاغیه بدولت عثمانی میدهند همه
ساله خرج خود آن ایالت شود یعنی بمصرف ساختن مدارس و راهها و مریضخانها و غیره برسد) (ایجاد مجلسی در این دو ایالت
مرکب از عیسوی و مسلمانان که معاندات آن مجلس نشسته و قرارهای لازم برای رفاهیت عیت بدهند) دولت عثمانی قبول
این تکالیف را مینماید و چهار هفته بیاغیان مهلت میدهد که اگر در ظرف اینمدت اسلحه بزمین گذاشته اهلیت اختیار کنند
آنها را عفو کرده نیز سلطان برای خرابی که باهالی رسیده مقرر میدارد که در ظرف دو سال تخفیف کلی در مالیات آنها
داده شود ملاقات ژنرال ربیچ حاکم الماسی من ایالات اطریش با عالی پاشا و مختار پاشا سرداران عثمانی در شهر راگوز
باغیهای بوسنی بانهایت شدت بر ضد دولت هستند مختار پاشا با هفده هزار قشون با یاغیهای هرزکوین و بوسنی در
جنگ است ابتدای شورش در بلغارستان استعفای محمود پاشای صدراعظم و نصب محمد رشدی پاشا بجای او و برداشتن آودن
قائد این قونسولهای فرانسه و المان که در سالونیك بقتل عثمانی مقتول شده بودند و تقتل رسانیدن آنها را در اسلامبول
خلع سلطان عبدالعزیز خانرا از سلطنت در سنه ۱۲۹۳ که سه شنبه ششم جمادی الاولی باشد و نصب سلطان مراد پنجم بجای او در چهارم

پنجشنبه یازدهم جمادی الاولی ۲
باشد عبدالعزیز خان شریان
خود را با مقراض در بدن خود
هلاك میسازد در شانزدهم
تموز کرم

ماه تموز که شنبه بیست و چهارم جمادی الاولی باشد حسین عوونی پاشای وزیر جنگ و رشید پاشای وزیر امور خارجه را
حسن نام چرکس در خانه مدحت پاشای صدراعظم بقتل میرسانند در حینی که در بلغارستان و هرزکوین و بوسنی قشون
دولتی باطفا نایره شرارت یاغیان مشغول بودند و آن ایالات را منظم کرده ایالت سربی بهانه اینکه میخواهند حدود
و سنوی خود را محفوظ از دستبرد و تخطی یاغیان یا قشون منظم دولت عثمانی نمایند عساکر زیادی حاضر میکنند و پرنس
میلان والی سربی بسرداری این قشون را بشخصه قبول میکند در اول تموز که شنبه نهم جمادی الاخری باشد منتنگرو و سربی
بعثمانی اعلان جنك میکنند سردار عساکر سربی ژنرال چرنایف میباشد فتوحات مختار پاشا در منتنگرو و از طرف
دیگر شکست دادن قشون منتنگرو عساکر عثمانی را و حبس کردن عثمان پاشا عساکر عثمانی بسرداری سردار اکرم

عبدالکریم پاشا و روی بخاک سربستان میمانند فتوحات عبدالکریم پاشا در سربستان مبانجی کری دولت انگلیس کرا سباب اصلاح
میان سربی و عثمانی را فراهم آورد در بیست و یکم ماه او که دوشنبه نهم رجب باشد بفتوای شیخ الاسلام که سلطان مراد خان پنجم
مریض و مجنون شده قابل سلطنت نیست از سلطنت خلع شده برادرش عبدالحمید خان بجای او منصوب گردید در هفتم
سپتامبر که پنجشنبه هیجدهم شعبان باشد سلطان عبدالحمید خان رسما جلوس بتخت سلطنت میکند تکلیف صلح نمودن دولت
انگلیس دولت عثمانی را با سربی و منتنگرو با شراکت سایر دول فرنگ و جواب بهم دادن دولت عثمانی و ورود امپراطور
برزیل باسلامبول ایجاد پارلمنت عثمانی مرکب از صد و بیست نفر فتوحات عبدالکریم پاشا در سربی و استمالا نمودن سربی
از دولت روس و دو بصاحبمنصبی و سرباز زیادی و باسم داوطلبی مملکت سربی بسلطنتی اختیار کردن افلاق بغدانی قبول
کردن دولت عثمانی یک مجلس کنفرانسی که اجزای این مجلس سفرای کبار دولت فرنگ باشند بجهة قرارداد های جدید
در داخله عثمانی استعفای از نزال جزایها از سرداری عساکر سربی دولت روس بتهائی مطالبه یک ضمانتی از طرف
دولت عثمانی میکند که بوعده تنها اکتفا ننموده باید ضامن شود که قرارهای جدیده با دول فرنگ خواهد گذاشت از
عهده برآید و ماموریت با وجود اینکه این مجلس برای او منعقد است حق حضور در این مجلس را نداشته باشد دولت عثمانی جدا
پاشا و ادهم پاشا را از طرف خود مامور نموده با این مجلس میفرستد افتتاح مجلس کنفرانس در دوازدهم دسامبر که سه شنبه بیست
و پنجم ذیقعده باشد بدون قبول حضور مامورین عثمانی بریاست نزال اکنایف سفیر کبیر روس عزل رشدی پاشای
صدر اعظم و نصب محمد پاشا بجای او دولت عثمانی پنج تکالیف از تکالیف مجلس کنفرانس را قبول نمیکند (فرانسه)
ریاست صبوگردی مجلس پارلمنت و رؤسای پادشاه انگلستان به بندر شربورغ و ورود بپاریس و ملاقات با مارشال ماکماهون و ورود
سفرای مرغش بپاریس (هلاند) آزاد کردن غلام و کنیز را دولت هلاندی در جزیره سوماترا (یونان) ورود امپراطور برزیل
در این مملکت مراجعت پادشاه یونان بعد از گردش و سیاحت تمام فرنگستان بمملکت خود استقراض دولت برای تدارک قشون
فرستادن چند کشتی جنگی به بندر سالونیک امریکا (اتاتونی) در چهارم ژوییه که سه شنبه دوازدهم جمادی الثانیه باشد
جشن سال صدم آزادی اتاتونی را تمام آن مملکت گرفتند (مخفی نماناد که قبل از صد سال ممالک فسیح المسالک اتاتونی
جزو مملکت انگلیس بوده و از آن تاریخ ببعد آزاد شده دولت مستقل بزرگی گردیده است) ورود امپراطور برزیل در
بهار این سال به بندر لیورپول پای تخت مجارستان که بشخص رئیس اتاتونی میدادند از طرف دولتان مجارستان را از نزال کران رئیس تشریف
نمود افتتاح اکسپوزیسیون صنایع عمومی برای جمیع دول و ملل روی زمین در شهر فیلادلفی در اتاتونی (برزیل) مسافرت
امپراطور به بنکی دنیای شمالی (شیلی) بنسوان حق داده شده که مثل رجال آنها در مجلس پارلمنت حق تعیین وکیل دارند
(مکزیک) شورشهای داخلی دیگر اند تحریک ژنرال دیاز و شکست یافتن باعیان از قشون دولت (بنکی دنیای جنوبی)
ژنرال پراد بریاست جمهوری منتخب گردید

سنه ۱۲۹۴ هجری — سنه ۱۸۷۷ مسیحی

آسیا (ایران) ابتدای این سال خبر مآل محض مزید نظم و انتظام امور دولت و رفاه و آسایش حال رعیت جناب سپهسالار اعظم
با شاره علیه ملوکانه قانونی برای تعیین حدود و تکالیف حکام و رؤسا قشون که در ولایات ممالک محروسه هستند موشح
بامضا ملوکانه موشح داشتند میرزا اسکلاخ که تقریبا یکصد و ده سال عمر کرده شب جمعه هفدهم صفر در تبریز داعی حق را
لبیک اجابت گفت مولود مسعود شاهنشاهی دام ملکه را جناب سپهسالار اعظم با شکوهی و زینتی تمام کرفتند در تمام ممالک
محروسه جشن کامل کرفته شد بعضی اسخوانهای ماموت را در اصفهان میرزا تقی خان حکیمباشی حضرت اجل اعظم شاهنشاهی

والاظلال السلطان حکمران اصفهان و مضافات انکشاف کرده است (ماموت حیوانیست که قبل از طوفان آخری در کره ارض وجود داشته شبیه بفیل ولی بزرگتر بعد از طوفان دیگر این جنس حیوان وجود نیافته است) روز سه شنبه چهارم ربیع الاول بعد از نه ساعت و سی و هفت دقیقه و سی و شش ثانیه از روز گذشته میرزا اعظم از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام خاص در عمارت عالی در پیشگاه حضور همایون منعقد گردید و سلام عام در تالار تخت مرصع انعقاد یافت حکمرانی مازندران را بعهده جناب معتمد الملک وزیر مخصوص موکول داشته میرزا اعظم در اثنای مراجعت از سفر ترکستان که برای تحصیل رفته بود از اطبای حضور همایون و بمنصب معلمی علم طب مدرسه مبارکه دار الفنون سرافراز آمد و سمت کتابت او رسنان را بعهده کفایت جناب علاء الدوله وزیر مالیه و دربار اعظم موکول داشته میرزا داره کیلان را مرتبا سایر مشاغل جناب معظم فرمودند وضیاء الملک بحکومت کیلان منصوب شد حکمرانی همسه دابنواب والاعز الدوله عبد الصمد میرزا واگذار فرمودند میرزا محمد حسین پسر میرزا جعفر وقایع نگار بمنصب شیفاسر افراز آمد موکب همایون پانزدهم جمادی الاولی تشریف فرمای ییلاق لاو نماز شام گردید چرخ سکه و ضرابخانه دولتی در محلی که مشهور بکارخانه دیسمان ریسی است بر پا شد جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر رسایل خاصه و مباشری مسیو پخن نمسوی تکمیل و دایر شد آقا محمد ابراهیم امین السلطان بلقب جنابی ملقب و از اجرای دار الشورای اکبری گردید مهام و امور دولتی را در تخت دو وزارتخانه قرار داده جناب اجل آقای مشیر الممالک را وزیر امور کشور و جناب سپهسالار اعظم را وزیر امور لشکر خواندند میرزا درکی رشتی و نیر در جرم جلالت بخطاب جنابی مفتخر آمد در سلخ رجب شهر سنه ثمان مضرب بختام معلی گردید بعد از معاودت سفرای پیرمان از دار الخلافه بآن مملکت میرزا فضل الله خان کارپرداز بمبئی را مامور بسایلجی گری و سفیر پیرمان قرار دادند مشار الیه این مامورت را از روی کفایت بانجام رسانیده معاودت کرده این اوقات عریضه از مسافرت و شرح سفارت خود بجاکپای همایون ارسال داشت میرزا هاشمخان امین الدوله مرحوم شد میرزا محمد خان امین خلوت لدی المرحوم میرزا هاشمخان علاوه بر ریاست تفنگداران خاصه بریاست خلوت همایون سرافراز گردید مسیو نکلا اسپنوا از جانب مسیو پدرو پس کل پستخانها بنیابت کلیه بافت میرزا اسحق خان بکارپردازی مهام خارجه استرابادبرقرار گردید در ماه رمضان ابنسال تکیه دولتی محل وجایگاه تعزیه داری و استماع مواعظ شد و در غرفات آن جواهر فروشان دار الخلافه و بجار و ارباب صناعت و محترفه منزل نموده بکسب و حرفه خود مشغولند نصر الله خان نصر الملک سرتیپ اول بیکقطعه نشان تمثال همایون سرافراز گردید میرزا شیخعلی جناب منصب نیابت نظام العلماء یافت نواب والا جهانبانو میرزای امیر تومان حکمران استرابادبا عطای نشان تمثال همایون مفتخر آمد حسینعلی خان ولد جناب علاء الدوله بمنصب غلامپیشخدمتباشیگری مباهی گردید میرزا جواد خان که ماموریت حمل اسعده و اجناس ایران باکسیون نمسوی پاریس میباشد بمنصب سرتیپی دویم مباهی آمد میرزا محمد علی ناظم پستخانه بعطای یکرشته حمایل و نشان از درجه سرهنگی نایل گشت بعضی از تراکمه ساروق که بخاک خراسان بتاخت و تاز آمده بودند مصطفی قلیخان سرهنگ رئیس نظام خراسان آنها را تنبیه نموده مراجعت محمد علیخان امین السلطنه جامه دار خاص بعطای یکقطعه نشان و حمایل سرخ از درجه دویم سرتیپی سرافراز آمد میرزا اسد الله خان وزیر مختار دولت علیه مقیم نمسه بانعام نشان و حمایل سرتیپی اول مباهی گشت (چین) فوتو لیتهدرسن بیست و هشت سانتیمتر (ژاپن) ایجاد راه آهن جدید و افتتاح آن با حضور پادشاه از اوزاکا به کیتو (اسپانیا) هواخواهان دن کارلس که بخارجه فرار کرده بودند بحکم پادشاه باوطان خود برمیگردند تمام یاغیهای جزیره کوبا مطیع و منقاد دولت شدند (اطریش) ملاقات پرنس بیزمارک صدر اعظم المان و کنت اندراسی صدر اعظم اطریش در شهر سالسبورگ (المان) کوفتن امپراطور چشم در موقع سان هفتادم داخلشدن ایشان بخدمت فتوتی و سال هشتاد مین اعلیحضرت معظم

پرنس بیزمارک بواسطهٔ علت مزاج موقتاً چند کنار کناره جوید ملاقات امپراطور المان با امپراطور اطریش در شهر اشتل
(انگلیس) و دو وزیر خارجهٔ چین بلندن گفتگوی سخت در مجلس پارلمنت در مسائلی که راجع بعثمانیست الحاق جمهوری ترانسوال
فرمیه امپراطور فرانسه بمصر فرانکلیس در آن ناحیه سفاین جنگی انگلیس در دو بخلیج بنکازی نزدیکی اسلامبول میکند (ایطالیا) پنجم
پادشاه جشن سال پنجاهم سلطنت و حیاتی و جشنهای خود را میگیرد (پرتوغال) بیطرفی اپندولت در جنگ روس و عثمانی (روس)
صدراعظم اپندولت پرنس گرچاکف بدول للان و اطریش و فرانسه و ایطالیا یادداشتی میفرستد که دولت عثمانی بهیچوجه تکالیف
دولت روس را در مسائلی که راجع برفاهیت عیسویان آنمملکت است قبول ننموده و باین جهته دولت روس در تهیه قشون است
آمدن اعلیحضرت امپراطور به کشینو باتفاق ولیعهد و سان دیدن قشون و در آنجا اعلان جنگ کردن بعثمانی شارژدافر عثمانی
با تمام اجزای سفارت خود از پطرزبورغ بسمت مملکت خود حرکت میکند امپراطور با ولیعهد بتخصه بعساکر روس که بخاک عثمانی رو
میکنند حاضر هستند (عثمانی) سرداری سلیمان پاشا بجای مختار پاشا در هرزکوین صفوت پاشا در مجلس وکلا از طرف سلطان
اظهار میدارد که تکالیف مجلس کنفرانس دول را که در اسلامبول منعقد شده بود چون بشان و شوکت عثمانی خللی وارد می آورد سلطان
قبول نکرده رد نموده اند مجلس وکلای دولت عثمانی تمام تکالیف مجلس کنفرانس دول فرانک را رد کردند رفتن مامورین دول که در
مجلس کنفرانس حاضر شده بودند از اسلامبول عزل مدحت پاشا از صدارت و نصب ادهم پاشا بجای او انعقاد مصالحه مابین سربستان
و عثمانی سرداری کل سفاین جنگی عثمانی به هربر پاشا نام که اصلا انگلیسی است تفویض شد شارژدافر روس با اتباع سفارتی بپرق خود را
خوابانیده از اسلامبول خارج شدند در بیست و چهارم آوریل مطابق سه شنبه دهم ربیع الثانی عساکر روس در دو جا از حدود عثمانی
عبور نمودند ایالت افلاق بغدان بقشون روس اجازه میدهد که از مملکت او عبور نموده بخاک عثمانی بروند و والی افلاق بغدان
پرنس شارل سرداری عساکر خود را قبول کرده بر ضد عثمانی بر میخیزد تصرف عساکر عثمانی سخنم قلعه را از بنادر روس در هفدهم
مطابق پنجشنبه سیم جمادی الاولی شهر اردهان را روس متصرف شد شیخ الاسلام فتوای جهاد میدهد در چهارم ژوئن مطابق
دوشنبه بیست و یکم جمادی الاولی عساکر روس شهر قارص را محاصره میکنند در بیست و دوم همان ماه عساکر روس اندو
را نوب عبور مینماید و دو عساکر روس در سمت اردوپه بر نواخاک عثمانی پیش قراول قشون روس سرداری ژنرال
کوزکو از کوه بالکان عبور میکند شهر بنکلی بتصرف عساکر روس در می آید شکست اردوم روس بدست عثمان پاشا سردار
عثمانی محمد علی پاشا بجای عبدالکریم پاشا پهسالار کل عساکر عثمانی در سمت اردوپه میشود عثمان پاشا در پلونا محصور شده
حمله اول عساکر روس بآن نقطه ده هزار نفر قشون روس کشته میشود شکستی بژنرال کوزکو در حوالی قازان لق روی میدهد سلیمان
پاشا در یک حمله بار و سها بجهه بخیلتا آوردن در ده شبیکا دو هزار نفر بکشتن میدهد عساکر افلاق بغدان با عساکر روس متفق
شده در محاصره پلونا اجتماع مشغولند و سردار این دسته قشون با پرنس شارل حاکم افلاق بغدانست لفچا بتصرف روس در آمد
در حمله دوم عساکر روس و افلاق بغدان به پلونا بیست هزار نفر از عساکر روس کشته میشود شکست مختار پاشا در آلشکر دو
خود را بقلعهٔ قارص انتاخت در هجدهم نوامبر مطابق یکشنبه یازدهم ذیقعدة الحرام قلعهٔ قارص بتصرف قشون روس در آمد
و عساکر روس بسمت ارزنة الروم حرکت کردند در دهم دسامبر مطابق دوشنبه چهارم ذیحجه عثمان پاشا با قشون ابوابجمعی
خود در پلونا تسلیم عساکر روس میشود و در همان وقت با لشکریان وجوه عقد مصالحه با دولت عثمانی نقض عهد نموده با قشون
روس متفق میشود با وجود سرمای سخت و برف زیاد عساکر روس از چند نقطه کوه بالکان عبور میکند (فرانسه) ریاست
مشورتی مجلس وکلای ملت فوت ژنرال شانگارنیه از سرداران معروف در سیم سپتامبر که دوشنبه بیست و چهارم
شعبان باشد مشورتی پس سابق دولت جمهوری فرانسه وفات میکند (هلاند) فتوحات عساکر دولت در اینچین فوت ملکه

این مملکت در تابستان (یونان) باکمال عجله و دقت در نهضت حاضر کردن قشون است و کارخانجات اسلحه سازی ایجاد میشود
بیست هزار قشون علاوه بر قشون معمولی حاضر میکنند و دو دستگاه توپ و لبعهده دولت انگلیس میرآتش پای تخت یونان امریکا (اتاتونی)
در بهار این سال دویست دستگاه ابریشم جهودی برقرار و ذرّال گران از اینعمل خلع کرد بدساتی پنجاه هزار دلار بر تبیین جدید مواجب
مرسوم داده میشود (هر یک دلار معادل است با پنجهزار پول ایران) پیغمبر طایفه مورمن که مذهبی است جدید الاحداث و شهرتی نام
پیغمبر مزبور است بحکم دولت تقبل میرسد تمام قشون اتاتونی برّی و بحری بیست و پنجهزار است مسافرت در پیش سابق ذرّال
گران بسمت فرنک و دو او به لیورپول بندر انگلیس شکست عساکر دولتی از طایفه سیوکس کرازوحشیهای قدیم نیکه در دنیا میباشند
(برزیل) بواسطه خشکسالی و نیامدن باران در پایان سال مردم ببلیه محطی مبتلا میشوند (مکزیک) ریاست جمهوری نام دو
مکزیک

سنه ۱۲۹۵ هجری — سنه ۱۸۷۸ مسیحی

آسیا (ایران) کلیه امور دولتی در اینسال فرخنده فال از توجهات کامله بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه و ابدا
ماکان قرین انتظام است جشن میلاد همایون را جناب صدر اعظم بوجه اکمل گرفت کتاب مستطاب منتخب مثنوی که بقلم
معجز رقم مبارک انتخاب شده باهتمام محمد حسنخان محقق بطبع رسیده است حکومت کرمان و بلوچستان را بحاجی غلامرضاخان
شهاب الملک مفوض فرمودند میرزا محمد مستوفی ولد مرحوم حاجی میرزا باقای حکیمباشی بمنصب استیفا نظام سرافراز شد شب یکشنبه
شانزدهم ربیع الاول بعد از گذشتن سه ساعت و پانزده دقیقه و دو ثانیه آفتاب از برج حوت بحمل تحویل نموده سلام خاص
در عمارت عاج و سلام عام در تالار تخت مرمر منعقد گردید اداره امور بنائی دارالخلافه باهره و سایر ممالک محروسه را بعهده
نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم موکول فرمودند حکمرانی کلپایگان و خوانسار و بروجرد را ضمیمه حکمرانی اصفهان نمودند حضرت
اعظم اجل شاهنشاهزاده والاظل السلطان و اکذار فرمودند نواب والا عباس میرزا که چندین سال در عتبات عالیات و
عراق عرب بسر میبرد عواطف و مراحم ملوکانه را بیشتر از پیش بدربار همایون اختصاص فرموده مبلغ شش هزار تومان وجه نقد از خزانه
عامره بر سم سیورغال و مواجب در حق نواب معظم و یکهزار و پانصد تومان در حق نواب محمد میرزا ولد ایشان برقرار و نواب
معظم الیه را بلقب جلیل ملک آرائی و حکومت خمسه مباهی فرمودند نواب عزّ الدوله بهرام میرزا را بوزارت عدلیه عظمی مفتخر
فرمودند حکمرانی ملایر و نهاوند و توپسرکان را بعهده کفالت نواب مؤید الدوله موکول داشتند جناب آقا شیخ فضل الله نوری را بحکومت
همدان مباهی گشت حاجی محمد رحیمخان قاجار شاهپاقی بریاست مجلس مظالم عامره برقرار آمد امیر دوشیمخان معتمر
الممالک باعطای نشان نمثال همایون سرافراز گردید میرزا حسن بوذری و ولد میرزا ابراهیم بمنصب استیفا از درجه سیم نایل آمد
حاجی میرزا علینقی منشی باشی نظام بلقب مشیر لشکری سرافراز گردید حاجی آغا جوهر خواجه باشی بلقب معتمد الحرم مفتخر
گردید بکل فراشخانه ها دارالخلافه را بعهده کفالت میرزا ده وجیه الله میرزا پیشخدمت خاصه و خزانه دار کل وجوه نظام
و اکذار فرمودند آقارضای آجودان مخصوص حضور همایون و خازن وجوه صرف چپ مبارک باعطای یکقطعه نشان از درجه
اول شیر و خورشید با حمایل سبز مفتخر آمد اسفندیارخان مهرتیپ یکقطعه نشان شیر و خورشید یکرشته حمایل مخصوص
آن مباهی شد از وقایع عمده اینسال خیر مآل مسافرت اعلیحضرت همایون بفرنگستان است که شرح آن در سفرنامه مبارکه
بقلم معجز رقم مبارک مرقوم است و در اینجا نیز بر سبیل اجمال نگارش میپابد و مقدمتاً اظهار میداریم که چون مقصود
و خیال حقایق توأمان الحضرة از اینسفر خیر اثر استدراک دقایق و نکات عمده علوم و فنون و صنایع و بدایع اقالیم اروپا
بود و اینسفر مبارک را بدین سمت و سمیت قرار دادند تا تشریفات سلاطین و وزرا و بزرگان دول و ولیعهدهای ممالک

بذل مقصد اعلی و مطلب منظور اهم نگردد
هنگام عزیمت این سفر خیر اثر بنا بمخصوص وجود مسعود شاهانه را در مدت غیبت ذات ملکوتی صفات اقدس بحضرت
اجل اعظم شاهنشاهزاده افخم والا نایب السلطنه امیر کبیر ادام الله اقباله العالی مفوض و جناب اجل آقای مشتوفی الممالک را
در کلیه کارهای کشوری مشارک رای و جنابات حضرت اشرف معظم قرار دادند و جناب معتمد الملک وزیر مخصوص نیز از
جانب سپهسالار اعظم مشغول رسیدگی بکار لشکری و نظامی امور باره وزارتخانه جات گردید و بعد از وضع این ترتیبات
روز پنجشنبه سلخ ربیع الاول که پانزده روز از عید نوروز گذشته بود موکب همایون از دار الخلافه باهره اشتهاض
فرموده دوشنبه چهارم ربیع الثانی بظاهر قزوین نزول اجلال فرمودند و پس از سه روز توقف عزیمت آذربایجان
نموده ضیاء الملک حکمران کیلان در عرض راه بنشان تمثال همایون مفتخر آمد روز یازدهم بسلطانیه نزول اجلال فرمودند
روز چهاردهم نهضت فرموده هیجدهم مباغ مضرب اردوی کیوان شکوه گردید بین راه حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده
والا ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار و حکمران مملکت آذربایجان و جناب صاحبدیوان وزیر نظام و پیشکار آذربایجان
بخاکپای مبارک مشرف شدند دوشنبه بیست و پنجم شهر تیر بزرود مسعود خسروانه مزین گردید در باغ شمال نزول
اجلال فرمودند و پس از ورود مسعود سلام عام منعقد گردید نواب والا حسنعلی میرزا ولدار جمند حضرت مستطاب
ولیعهد دولت علیه که تا این روز بحضور مهر ظهور مبارک مشرف نشده از تقبیل آستان اعلی مستسعد و مباهی آمد بیست
و ششم جناب مخبر الدوله سفیر کبیر عثمانی که از راه حلب و دیار بکر و وان بتبریز آمده و سه روز پیشتر ما بتبریز رسیده
بحضور باهر النور مقدس مشرف گردید دوز بیست و نهم از شهر تیر بزراشتهاض فرموده روز سیم جمادی الاولی بکنار رود
ارس تشریف فرما گردیدند روز سه شنبه چهارم از رود ارس عبور فرموده عازم قفقاز شدند پرنس میخیلوف که از
جانب دولت روس مهماندار بود با صاحبمنصبان زیادی لب رودخانه حاضر و بشرف حضور همایون نایل شدند

اسامی ملتزمین رکاب اعلی در این سفر فرنگستان از قرار ذیل است

(جناب سپهسالار اعظم) (جناب عضد الملک) (جناب ناصر الملک) (جناب امین السلطان) (دکتر طولوزان حکیمباشی مخصوص
اعلیحضرت همایون) (حکیم الممالک) (مهد قلیخان پیشخدمت خاصه) (آقا رضا اجودان مخصوص و خازن صرفجیب همایون)
(محمد علیخان امین السلطنه) (امیرزاده سلطان حسین میرزا) (غلامحسینخان آبدارباشی) (محمد حسنخان محقق) (فرج خان
پیشخدمت) (جعفر قلیخان غلام بچه باشی) (آقا رضای ناظم خلوت) (آقا محمد علی آبدارباشی) (آقا میرزا محمد) (حاجی حسن ایلبار)
(حاجی جبدر) (بنده مؤلف نیز بشرف التزام رکاب مبارک سرافراز بود)
جمعه هفتم تشریف فرمای ایروان شدند دوازدهم بعد از آنکه بجمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی و حاکم شهر ایروان علی قدر
مراتبهم نشانها مرحمت فرمودند و همگی مشمول عواطف ملوکانه گردیدند از اینشهر عزیمت قفلیس فرمودند سه شنبه پانزدهم
شهر قفلیس را بقدوم مبارک مشرف ساختند در بین راه جناب امین الملک که چند ماه قبل هامور فرنگستان شده بود
با تزلل فنسول ایران میرزا محمود خان مقیم قفلیس بتقبیل رکاب اعلی فایز گردیدند تشریفات زیاد در ورود مسعود شاهانه
بشهر قفلیس بعمل آوردند پرنس میرسکی جانشین جمیع صاحبمنصبان نظامی و قلمی قفلیس را در حضور باهر النور اقدس
معرفی کرد نواب کرانه وک مشیل جانشین قفقاز اینجا بودند ولی دو سه روز پیش از ایشان که در اینشهر توقف داشتند بحضور مهر
ظهور مقدس مشرف جستند روز سیزدهم بعد از آنکه بشاهزادگان پرنس جانشین نشان و حمایل ایران عطا فرمودند
و سایر صاحبمنصبان را نیز بقدر مرتبه مشمول مکارم ملوکانه داشتند از قفلیس استهاض فرموده بمنزل ایلیت

تشریف

تشریف فرما گردیدند روز چهاردهم تشریف فرمای شهر و کاد فقفاز شد از وسط شهر عبور فرموده دم گاریباده
شده بکالسکه بخار نشستند نظر آقا وزیر مختار ایران مقیم پاریس هم از پاریس آمده بحضور مبارک مشرف شد تا سه
شبانروز از کالسکه بیرون نیامده متصل در حرکت بودند عصر روز هفدهم جمادی الاولی بشهر مسکو ورود فرمودند
در این روز قاماز وف مترجم خاص اعلیحضرت امپراطور که از پطرزبورغ مأمور شده بود و میرزا ملکم خان ناظم الملک ایلچی مقیم لندن
بحضور همایون مشرف شدند در ورود بگاریپرنس دالغورکی حاکم مسکو با همرصاحبمنصبان و وزرا لها باستقبال آمده بودند
منزلگاه همایون در مسکو قصر کرملین است تا غروب روز چهارشنبه نوزدهم در مسکو توقف فرموده بعد از صرف شام
براه آهن تشریف فرما شده عازم پطرزبورغ گردیدند روز دیگر چون بگاریپطرزبورغ ورود فرمودند اعلیحضرت
امپراطور و همه شاهزادگان خانوادهٔ سلطنت و جمیع صاحبمنصبان ناگاریا باستقبال آمده بودند در اینمحل بعد از ادای
مراسم مودت اعلیحضرت امپراطور و اعضای شاهزادگان خانواده خود شان را معرفی کردند آنگاه با اعلیحضرت شاهنشاهی
در یک درشکه سرباز نشسته بعمارت زمستانی قصر که منزل اعلیحضرت همایون است ورود فرمودند و زیاده از
آنچه بتصور بیاید اعلیحضرت امپراطور اسباب احترام و پذیرائی موکب همایون را فراهم آورده اند جمعه بیست و یکم در پطرز
اقامت شد در اینروز اعلیحضرت امپراطور و نوابان برادران اعلیحضرت معظم باز دید نمودند شام را امشب مخصوصاً
در منزل اعلیحضرت امپراطور موعود بودند شنبه بیست و دویم در همان اشان دو مارپسان بسیار خوبی از قشون متوقف
در پطرزبورغ داده شد و در اینسان جمیع فرامزاخود اعلیحضرت امپراطور میدادند امشب را نیز در منزل مخصوص
اعلیحضرت امپراطور بشام رسمی دعوت شدند یکشنبه بیست و سیم بگردش کلدان چینی بسیار ممتاز اعلیحضرت امپراطور
برای اعلیحضرت همایون فرستادند شب اینروز در خانه نوابی لیعهد دولت روس بشام رسمی مهمان بودند و در اینشب
نشان نمثال همایون مکلل بالماس را برای نوابگاندوک الکسی اهدا فرمودند دوشنبه بیست و چهارم تشریف فرمای پطرهوف
که بیلاق بسیار باصفائی است شدند روز بیست و پنجم بعد از وداع با اعلیحضرت امپراطور و جمیع خانواده امپراطوری
باکالسکه بخار عزیمت و رشاو فرمودند روز بیست و ششم یکساعت و نیم بغروب مانده وارد شهر شدند منزل اعلیحضرت
همایون در اینشهر قصر لازنسکی است حاکم و صاحبمنصبان متوقف این بلد و اعیان در پذیرائی موکب اعلی کمال اهتمام را
بعمل آوردند شب چهارشنبه بیست و ششم و پنجشنبه بیست و هفتم در ورشاو اقامت شد و موزه و سیرک و بعضی مواضع
دیگر این شهر را تماشا فرمودند جمعه بیست و هشتم عازم برلن شدند و شب یکشنبه سلخ جمادی الاولی وارد برلن گردیدند
و تشریفات کامله از مقدم مبارک بعمل آمد روز سلخ اعلیحضرت امپراطور کلیوم بدیدن اعلیحضرت همایون آمدند و ظهار
مخالصت و وداد کامل از جانبین شد منزل اعلیحضرت همایون همان عمارت دولتی است که در سفر سابق فرنکستان در آنمنزل
داشتند بعد از یمساعت اعلیحضرت همایون بباز دید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند عصر اینروز در حالیکه اعلیحضرت
امپراطور در کالسکه بود بازی نشسته کردش میکردند شخصی دکتر شارل بنلینک نام از خاندان معروفی از طبقه موسوم
به مسبا لیست مکرات با تفنگ که با چهار پاره زیادی پر کرده بود دو پتر بطرف اعلیحضرت معظم خالی نموده چون
کلاً خود بر داشتند سر ایشان محفوظ ماند ولی حوالی شانه و کردن ایشان مجروح گردید و این سانحه زیاد مایهٔ
تألم اعلیحضرت همایون و جمیع ناس شد سه هفته پیش از این هم یکنفر از طبقهٔ مذکوره طپانچه بسوی اعلیحضرت
امپراطور انداخته اما آسیبی بایشان نرسانده شنبه غره جمادی الثانیه دو ساعت بغروب مانده بعزم بادن باد
انتهاض فرمودند روز دویم باینشهر وارد گردیدند و پس از پنج روز توقف در اینجا و سیر و تفرج و شکار و تماشای

اماکن متنزهه روز یکشنبه هفتم یکساعت بظهر مانده باکالسکه بخار عازم پاریس شده ودرین راه شهر
استراز بورغ را تماشا فرمودند وشنبه هشتم صبح ببیناز ود وارد دارالملک پاریس گردیدند درکراند هوتل یعنی
مهمانخانه بزرگ منازل واطاقهای خوب برای اعلیحضرت همایون وملتزمین رکاب اعلی اجاره ومعین شده بود همه
پادشاهان که بپاریس میآیند درهمین مهمانخانه منزل میکنند جناب مارشال ماکماهون رئیس جمهوری بدیدن اعلیحضرت
همایون آمد بعد ازآن ببازدید اکسیلنس بسیون تشریف فرما شدند روز دیم ورود مسعود ببازدید جناب مارشال بعمارت الیزه
ماکماهون رفتند بعد رسما باکسیلنس بسیون تشریف ورود بخشیدند وهمچنان اکردش وبازدید فرموده ازجمله بناهائیکه
بحکم همایون بسبک ایران درنهایت خوبی ساخته اند با امتعهٔ ممتازه ایران که دراینعمارت گذاشته بودند
ملحوظ نظر انور گردید بخلاصه یکروز بباغ بولن یکروز باکسیلنس بسیون روزی ببوت دشومون که تفرجگاه بسیار
خوبیست روزی بآنگن که قصبه بزرگیست تشریف فرما گردیدند ازسوانح این ایام آنکه پادشاه سابق هانور
که مملکتش آزاد دولت المان تصرف کرده وعمومی نبی اعلیحضرت پادشاه انگلستان است مدتی درپاریس بوده
غفلة وفات میابد دوشنبه سیزدهم نواب ولیعهد دولت انگلیس از اعلیحضرت همایون دیدن نمود روز چهاردهم
درلندن شان اسبدوانی بود واعلیحضرت همایون باجناب مارشال ماکماهون بتماشای اسبدوانی تشریف فرما گردیدند
شب شانزدهم را برای شام مهمان مارشال ماکماهون بودند بالجمله بیست ودو روز موکب همایون درداراالملک پاریس
اقامت داشت وذات همایون هر روز بتماشا وتفرج وبازدید محلی اهتزاز خاطر فرموده روز دوشنبه بیست ونهم
جمادی الثانیه تشریف فرمای الیزه شده جناب مارشال ماکماهون را وداع فرمودند بعد ازآن باکسیلنس بسیون توجه نموده
قدری گردش کردند روز سه شنبه غره رجب بالیمن والسعاده عازم ایران شدند مارشال ماکماهون واعاظم
آن مملکت موکب اعلی را بدرقه کردند وقت شب بانی استراز بورغ عبور شد فردا عصر بشهر سالسبورغ ورود فرمودند نواب ولیعهد
ویکتوریا را علیحضرت امپراطور اطریش که ازجانب اعلیحضرت امپراطور باستقبال آمده بود درانجا بحضور مبارک تشرف
جستند وتشریفات کامله ازقدوم همیمنت لزوم مقدس بعمل آمد روز سیم درانجا توقف شد امشب درعمارت ییلاقی خارج از
شهر مهمان نواب ارشد ویکتوریا بودند روز جمعه چهارم عزیمت وبنه فرمودند وچون بگاروبنه رسیدند اعلیحضرت
امپراطور وهمه صاحبمنصبان وغیره دم گاربالباس رسمی حاضر بودند اعلیحضرت همایون با اعلیحضرت امپراطور باکمال
خصوصیت ومهربانی ومودت دست دادند وبعد ازتقدیم رسوم وتشریفات با اعلیحضرت امپراطور درکالسکه دو
بازی نشسته بعمارت دولتی موسوم بپالاد بورق تشریف فرما شدند منزل اعلیحضرت امپراطور هم درهمین عمارت شد
بعد ازدقیقه اعلیحضرت همایون ببازدید اعلیحضرت امپراطور تشریف بردند روز پنجم بتماشای همین عمارت وخزانه
وموزه وغیره گذشت شام را مهمان اعلیحضرت امپراطور بودند روز ششم بتماشای بعضی ابنیه وعکس وپرده ها نقاشی
وغیره مشغول گردیدند روز هفتم بعضی ازوزرای مختار ووزرکاء وبنه بحضور مهر ظهور مشرف شدند بالجمله تا روز
دوازدهم رجب بندگان اعلیحضرت همایون در وینه متوقف ومشغول ملاقاتهای دوستانه با اعلیحضرت امپراطور وتفرج
وتماشای اماکن متنزهه بودند روز مزبور اعلیحضرت امپراطور را وداع فرموده بعد بقصر شونبرون تشریف فرما
گردیدند وبتماشای باغ وحش آنجا روز سیزدهم که عید مولود مسعود حضرت امیرالمومنین علیه السلام
است وبنه بطرف ایران حرکت فرمودند واعلیحضرت امپراطور بمنزل اعلیحضرت همایون آمده بعد ازقدری صحبت
باتفاق درکالسکه نشسته بطرف گار مشرف راندند ودرگار مجددا اعلیحضرت امپراطور را وداع کرده روانه شدند

وفردا قبل از ظهر وارد سرحد و سرکرده در انشا سپنود و سها مهمانداران و صاحبمنصبان دو سرحا ضر بودند و
از آنجا بکا لسکه های مخصوص اعلیحضرت امپراطور روس داخل و روانه راه کرده به روز پنجشنبه هفدهم رجب بولادقفقاز
شرف ورود ارزانی داشتند و شب در ولادقفقاز توقف شد و شرفیاب کامله از چراغانی وغیره بعمل آمد شنبه نوزدهم
از ولادقفقاز حرکت فرمودند بیشتم بکروز نواي دبیت و یکم از اینجا استقبال فرموده با کا لسکه تا بند ربیطر و فسکی طی
شد از اینجا در کشتی موسوم بالکساندر سوار بیوچ و دو فرموده روز چهارشنبه بیست و پنجم رجب از لنکی بقدم فرخنده
شیم مبارک مزین آمد و باینسفر خیر اثر بهمان اقبال حسن و اتم بسعادت اختتام یافت دوز دهم شهر شعبان المعظم بدار
الخلافه ناصره و مقر خلافت عظمی نزول اجلال فرمودند و عموم اهالی بزیارت جمال مهر مثال مقدس سربلند آمدند
و سه شبانه در الخلافه چراغانی و جشن بود

همدانیشا میرزا عباسخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه آذربایجان بمنصب سرتیپی سرافراز شد حاجی آغا جوهر معتمد الحرم بمنصب
سرتیپی دوم و نشان و حمایل مخصوص مباهی گردید تو پچیان همدانی و نهاوندی و شرابی کرمانشاهانی با میرزا علی اکبرخان
اجودانباشی توپخانه مبارکه ابواب جمع نمودند چون خط تلگراف عربستان کشیده شد جناب مخبر الدوله وزیر تلگراف با عطای یکقطعه
نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل سبز که مخصوص آنست مفتخر فرمودند و حسینقلیخان سرهنگ و رئیس تلگرافخانه
ولیجناب معزی الیه بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل آن مباهی گردیدند و پنجشنبه چهارم جمادی الثانیه جناب فخری
بیک سفیر کبیر عثمانی مامور اقامت دربار دولت علیه با شرایط معموله وارد دار الخلافه گردید امیرزاده وجیه الله میرزا
سرتیپ اول با عطای نشان تمثال همایون سرافراز گردید یدالله و یزدانخان سرتیپ اول توپخانه با عطای نشان همایون مفتخر آمد
موسیخان سرهنگ فوج سواد کوهی بمنصب سرتیپی سیم مباهی گشت با قرخان سرهنگ افشار قراول مخصوص بمنصب سرتیپی
سیم نایل شد اسمعیلخان سرهنگ فوج فیروزکوهی را بمنصب سرتیپی سیم سربلند فرمودند هنگام اقامت موکب همایون در
بطرزبورغ یکقطعه نشان سنت استانیسلاس از درجه دوم باستاره و یلاك از جانب دولت دوست مربوطه مولفا عطا شد
دو قطعه نشان طغرای غرای نامی مبارک مکلل بالماس که از بزرگترین نشانهای اینده دولت جاوید شوکت است بجناب
سپهسالار اعظم مرحمت فرمودند مهدیقلیخان پیشخدمتخاصه بنشان تمثال همایون سرافراز شد عمید الملك و المرحوم
مجد الدوله بحکومت همسه سرافراز آمد یکقطعه نشان قدر مکلل بالماس که از برترین نشانهای دولت علیه است بجناب
اجل آقای مشتوفی الممالك مرحمت فرمودند عمارت سلطنتی که در یلاق شهرستانك نهایت عالی و مزین بامر همایون جناب
امین السلطان بنا نموده زیور اتمام یافت حضرت اجل اعظم شاهنشاهزاده والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله
العالی بکقبضه شمشیر مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه سلطنتی مباهی گردیدند میرزا محمود مشتوفی دیوان دار الخلافه
بلقب جنابی سرافراز شد محمد حسینخان رئیس علمیات حکومت دار الخلافه بنشان سرتیپی از درجه سیم نایل آمد این اوقات
اراده علیه همایونی اقتضا فرمود که ترتیب شاسابقه ادارات دولتی را تکمیل فرمایند و تکالیف هر دایره مستقلا محدود
باشد و در این حسن ترتیب نتایج و فوایدیکه همیشه مقصود خاطر خطیر همایونست بهلترین وجه حاصل شود نواب
اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقباله العالی و جناب اجل آقای مشتوفی الممالك و جناب اشرف سپهسالار اعظم را
بحضور مهر ظهور مبارک احضار و بدینگونه خطاب فرمودند که انتظام مهام مملکت اگرچه بر اقبال دولتخواهی وزرا
و کارکنان دولت مقصور نمیدارد لیکن هنوز خاطر ما راضی و قانع نیست که معاذیر و بطی اقدامات شما اصلاحات فوریه
امور را تاخیر کرده و منظورات بلند ما را بمقام انجام نیاورده است

چون نایب السلطنه را در مبادی عمر و شوق و شور جوانی برجوع خطهات امتحان کرده ایم و می بینیم بفطرت و دانش فطری چه
قدر بخلافت و ولیعهدی قابل است در رتبهٔ شاهزادگی پایهٔ وزارت هم داده و در این خطاب با شما شریک میکنیم و ادارهٔ امور مملکت
چنانکه بود با چندین مرابتا سیلا و استقلال بشما تفویض میشود شرایط و حدود دیگر خواهیم نوشت و شما سه نفر را
باجرای این تکالیف مامور و مسئول قرار میدهیم باید وزرای ما متفق و متحد باشند باید در کارها طرز و اسلوب کهنه قانع نشوند
بایداز دستگاه وزرا اسباب نفرقه حواس و مفسدهٔ وسواس منسوخ شود کذلک در حضور ما وسایل و وسایط مخلف اشخاص
احکام و عرایض را مختل نکنند تمام نوشتجات از هر قبیل و هر قسم باین الملک برسد و او بحضور آورده عرض کند و جواب هر
اداره را او بفرستد دستور العمل و تکالیف شما را مینویسم و باید خود را بتمام آنچه معین و مقرر کرده ایم مکلف بدانند
پس از رخصت و زدای نخام جناب امین الملک را بحضور خواسته و از روی یادداشتی که مشروحا بدستخط همایون مرقوم
شده بود حدود و تکالیف اداراتِ مستقله را تقریر فرمودند جناب معزی الیه منصوصات او امر علیه را ثبت با مضای ملوکانه توشیح
داد و خطاب بهر یک از وزرای مسئول سه کاینه دستخط مخصوص در باب شرح اداره و توضیح تکالیف معظم الیهم صادر نمود و هر
کدام یکه رونویس دیگری تمام چاکران و رجال دولت و شاهزادگان و اعاظم دولت الاترتخت هر روز حاضر شده دستور العمل و تکالیف
وزرا مسئول در مجمع عام قرائت و دستخطها مطاعه که با فتخار هر یک شرف صدور یافته در همان مجلس ابلاغ شود
روز سه شنبهٔ هفدهم شوال حسب الامر الاعلی مجلسی مشحون بتمام شاهزادگان و وزرا و رجال و اعاظم ترتیب شده دستور
العمل ادارات مستقله را لسان الملک قرائت نمود چون بعضی از تالیفات بندهٔ مولف در پاریس بمطالعهٔ جناب صبوشفر
مزرجم باشی دولت جمهوری فرانسه و رئیس مدرسه السنهٔ شرقیه و سایر علما و دانشمندان اخیر و بصیر آن مملکت که وقوفی کامل در
مهارت تمام بزبان فارسی و عربی دارند رسیده زایدالوصف تحسین نمودند و جناب اجل الاکرم نسیبهٔ نوری رئیس مجلس جغرافیای
فرانسه این بنده را اجزا و اجزاء آنمجلس محترم شمرده جناب صبو بارد وزیر علوم و صنایع و مذاهب آن دولت فخیمه پس از اظهار
برجال دولت جمهوری فرانسه نشانی از مرتبهٔ اول مجمع العلوم که بالاترین علایم و نشان فضل و دانش است با فرمان مخصوص آن
از طرف وزارت علوم دولت جمهوری فرانسه برای این بنده ایصال داشتند و از خاکپای همایون اجازه استعمال آن یافت
میرزا محمد رئیس دفتر وزارت خارجه ملقب بصدیق الملک کرد بدست محمدعلیخان امین السلطنه جامه دار خاصهٔ شریفه و خازن
مخزن تذارکات عسکریه بمنصب صندوقداری صندوقخانهٔ مبارکه سرافراز شد (افغانستان) قبول نکردن امیر شیرعلی
خان امیر افغانستان مامورین انگلیس را در مزار مضان و قبول نمودن مامورین روس را در کابل انتشار اینخبر در لندن سبب
اضطراب گردید فتن امیر شیرعلیخان از کابل بسمت ترکستان و زمام اختیار سلطنت را بپسر خود مراد یعقوبخان دادن در دوازدهم
اروپا (اسپانیا) عروسی پادشاه با برنس مریدهٔ دختر دوک دمونت پانسیه که خاله زاده اعلیحضرت معظم الیه شورش
اهالی کوبا بر ضد دولت رفع شده آنجزیره بکلی مطیع میشود فوت ملکه جدید و جهه پادشاه در بیست و سیم ژوئن
این ملکه که بیماه و اندی بود عروسی کرده در هزار و هشتصد و شصت و سه میلادی متولد شده بود جمعه بیست و هفتم شوال
شخص جلیل ساز طیاچه بطرف پادشاه خالی کرد ولی با دیشان نخورد (اطریش) کنت اندراسی وزیر اعظم اطریش بدربار
المان و انگلیس و فرانسه و ایطالیا اعلان نمود که مامورین در مجلس کنگره که از برای قرار مسائل شرقیه منعقد
خواهد شد بوینه پای تخت اطریش وارد دارند دولت المان تکلیف میکند که محل انعقاد این مجلس در برلن باشد فصول
عهدنامه رسان استفان مابین روس و عثمانی را کنت اندراسی قبول نمیکند و دو دسته عساکر اطریش بهرزگوین و بسنی
ایالات عثمانی بجهه تصرف نمودن ایندولت و راضی نبودن اهالی در هشتم رمضان ایسال عساکر اطریش شهر ترین را

در هر زکوین و بسینے تصرف نمود و با بنوا سطه دولت اطریش از تصرف کردن اینده ایالت وجنك با اهالی آسوده کردید
سفارت کبرای مسیو بتسانی طرف دولت اطریش بفرانسه آتش کوه من کشتی موسو با سفنکس در محیط تلف شدن پانصد
نفر استقراض دولت معادل دوازده کرور ایران بجهت مخارج لازمه فشون منصرف شدن عساکر اطریش شهر بیراجو را

هر زکوین کرشو شهان و بسینے در آنجا جمع بودند (المان) در افتتاح مجلس پارلمنت امپراطور بشخصه خطبه خوانده وکوشش خود را
در انعقاد مصالحه بین روس و عثمانی و حفظ صلح در تمام دول فرنك اظهار میدارند در بکی از کوچه های برلن معروف به

در هشتم جمادی الاولی نیل امپراطور با صبیه خود والیه باید در کالسکه روباز ی از کردش مراجعت میکرده هدف نام دونپر طپانچه بسمت اعلیحضرت معظم
خالی میکند ولی هیچکدام بایشان نمیخورد کشتی جنکی زده دار بزرك المان موسو بکرش کوروفورشت در حوالی انکلیس بکشتی

در نهم جمادی الاولی جنکی موسو بیه کینك دیل هلم برخورده باسیصد نفر عمله که در آن کشتی بودند غرق میشود نیز در کوچه نیل برلن هنکام رفتن
امپراطور بکردش دو پنر نفنك بسمت اعلیحضرت معظم خالی میشود و چند چار پاره بباز و و شانهای امپراطور میخورد ضارب که
موسو بیه بنیلنگ است با طپانچه قصد هلاکت خود را کرد لیکن زخم شدیدی باو نرسیده و نمیرد بواسطه جراحات سختی که
ببدن امپراطور رسیده زمام اختیار سلطنت را موقتا بولیعهد میدهند مجلس کنکره دول در برلن افتتاح شده و مامورین
دول المان و اطریش و فرانسه و انکلیس و روس و عثمانی و ایطالیا در مجلس جلوس کرده و در پاسخ مجلس بین پنر مارك داد
میشود مامورین دول عهدنامه برلن را امضا مینمایند اختتام مجلس کنکره دهم ذیحجه امپراطور سالمًا از بیلاقات و شهرهای
آب معدنی که چندی در آنجاها سفر کرده بودند برلن مراجعت و دو نموده بشخصه مشغول رسیدکی باموور سلطنت شدند فوت
ژوزف پادشاه هانوور در پاریس (انکلیس) مابین اینده و دولت روس اتارکدورت پیدا راست در اغلب بلاد انکلیس
اهالی با دولت موافق و بجنك با روس نیستند و در دولت روس در حوالی اسلامبول اسباب کمال وحشت جالد و دولت انکلیس
و باین جهة کشتیهای جنکی انکلیس از سمت دریا بحوالی اسلامبول میاید استعفای لرد درپی از وزارتخانه چه که بهیئة فشون انکلیس
راضی نبود از خطبه کپادشاه انکلستان در افتتاح مجلس پارلمنت میخواستند و نوشتجات بنکه لرد سالیس بوری که تازه بوزارت امور
خارجه انکلیس منصوب شده چنین معلوم میشود که دولت انکلیس هیچوجه راضی بفصول عهدنامه منعقده سان استفانو
مابین دولت روس و عثمانی نیست و باکمال شدت دولت انکلیس همه جنك می بیند استقراض دولت دوازده کرور لیره برای حاضر
کردن عساکر بری و بحری و وزرای عثمانی اظهار کمال امتنان را از دعایت و حمایت انکلیس دارند نامزد نمودن پرنس آدیو تور پیر
پادشاه انکلستان پرنسس مارگریت بصبیه فرزند بزرك شارل بنی عم امپراطور المان را در مجلس کنکره برلن کنت بوکشت صدر اعظم
اظهار میدارد که بنا بر این عهدنامه مخفی مخصوصی که مابین دولت انکلیس و دولت عثمانی منعقد شده عساکر انکلیس جزیره
قبرس من جزا بر عثمانی را متصرف میکردند لرد سالیس بوری بعد از مراجعت از مجلس کنکره برلن بمجلس ات زیاد از نتایج انجلس میکند
بجهة اینکه عهدنامه سان استفانو را برهم زد مرخص نمودن دولت انکلیس عساکر یکه تازه جمع کرده بود کشتی موسو بیر پرنس الیس
در چهارم رمضان با کشتی دیکر بنوی رود طمس که از وسط شهر لندن میکذرد بر خورده کشتی پرنس الیس در آن واحد غرق شده
ششصد نفر مسافر هلاك میشوند فرستادن عهدنامه از طرف فرمانفرمای هند با میر شیر علیخان امیر کابل در ماه ذیقعده
بنجشنبه بیست و پنجم ذیقعده عساکر انکلیس از چند نقطه وارد بخاك افغانستان شد و فردای آن روز قلعه علی مسجد را
کرد و هنوز خبر است منصرف شدند فتح قلعه و دره پیوار افغانستان بدست قزاق روسها انکلیس فوت کنت دوسل
از معارف (ایطالیا) فوت ویکتور امانوئل دوم پادشاه اینملکت و جلوس هومبرت ولیعهد شدن آن پادشاه بتخت سلطنت ایطا
فوت پیه نهم پاپ اعظم انعقاد مجلس کنکلاو یعنی شورای بزرك کشیشان بجهة انتخاب نمودن پاپ تازه و انتخاب نمودن کشیشان

کاردینال

کار دنیا پیچی را بپا پی و ریاست کاتولیکی او را ملقب بلئون سیزدهم نمودن صدارت مسیو کیشوئی در ایطالیا در شهر ناپل شخصی باسانانت نام باکارد حمله بپادشاه کرده ولی بایشان نمیخورد اما کیشوئی صدر اعظم که در صندلی جلو کالسکه نشسته بود در اثنی ازآن ضربت مجروح میگردد بعد از اینمقدمه در چند شهر از بلاد ایطالیا مردم شورش میکنند (بلژیک) اهالی بلژیک جشن سال بیست و پنجم عروسی پادشاه و ملکه را گرفتند (روس) دولت روس اعلان میکند که اگر کشتیهای جنگی انگلیس در حوالی اسلامبول بماند او نیز شهر اسلامبول را متصرف میگردد لهذا هفتمی از سفاین جنگی انگلیس بحوالی کالی پولی رفتند شهر صوفیا از ممالک روپای عثمانی بتصرف عساکر روس در آمد سرمای شدید را که بلا نهایت بود قشون روس مرتخود ساخته از تنگه شیپکای کوه بالکان که شش ماه قشون عثمانی بواسطه برودت هوا تخلیه کرده بودند گذشته مراجعت امپراطور بعد از فتوحات نمایان در خاک عثمانی بپطرزبورغ ورود عساکر روس بشهر رنه نواب کراندوک نیکلا سردار عساکر روس در قریه سان استیفان بنیم فرسخی اسلامبول وارد و زد نواب کراندوک نیکلا بشهر اسلامبول رفته و با اعلیحضرت سلطان ملاقات مینماید ژنرال اکناتیف که از طرف دولت روس مأمور بعضی گفتگوها ما بین دولت روس و اطریش بود بوینه رفته بی نیل مقصود مراجعت میکند معاودت کراندوک نیکلا از خاک عثمانی و تعیین نمودن ژنرال ستلین را بجای خود تصرف نمودن عساکر روس بندر و شهر باطوم را تصرف قشون روس شهر عثمان بازار و دسچق و وارزنه الروم را از تصرف قشون روس در آمدن قشون روس از سان استیفان بحوالی اسلامبول مجروح ساختن ژنرال ترپوف حاکم شهر پطرزبورغ را شخصی از طایفه نهیلیست ژنرال مزنتسف زود تر بسیاری احتساب مخفی روس را در یکی از کوچهای پطرزبورغ در روز روشن بقتل رسانیدند و قاتل مخفی گردید سان دادن قشون در پطرزبورغ باحضور اعلیحضرت شاهنشاه ایران (عثمانی) اضطراب اهالی اسلامبول و عریضه دادن باعلیحضرت سلطان قرار دادن بعضی از اصول مصالحه را در شهرادرنه فتوحات منتگرو و عساکر سربی در نزدیکی فتح شهر فلیپ پلی قشون افلاق بغدانی و دبرجی را متصرف میگردد انعقاد مصالحه بین عثمانی و روس در سان استفانو این عهدنامه مبنی بر بیست و نه فصل است موقوف داشتن منصب صدارت در مملکت عثمانی سفرای عثمانی در لندن و وینه بدولتهای انگلیس و اطریش رسما اطلاع میدهند که اصول عهدنامه صلح بین عثمانی و روس ممضی شد سفاین جنگی عثمانی در محاذی پیره بندر یونان لنگر انداخته دولت یونان را تهدید میکنند که اگر عساکر خود را از خاک عثمانی تخلی ننموده اند مطلب آن بندر را بضرب گلوله معدوم سازند جمیع دول انعقاد مجلس کنگره را بجهة حل مسائل شرقیه قبول مینمایند مکرر دولت روس و المان که در محل انعقاد این مجلس گفتگو دارند و راضی نیستند که این مجلس در وینه منعقد شود بتعیین خسارت جنگی که دولت عثمانی بعهده گرفته که موافق عهدنامه سان استفانو بدولت روس بدهد دو هزار و هشتصد و بیست کرور منات است و ایالات بلغارستان و دبرجه را از مملکت روپ خود مجزی دانسته و در سمت آسیا قارص و باطوم و اردهان را از مملک مطلق دولت روس میدانند جمعی از معارف اسلامبول در خیال این هستند که سلطان مراد را مجددا بر تخت سلطنت جلوس داده و سلطان عبد الحمید خان را خلع نمایند حتی جرات نموده خواستند این قصد را بموقع اجرا درسانند مقصرین گرفتار شده مورد تنبیهات سخت گردیدند مسلمانهای یاغی در ملی در ظرف دو ماه و نیم چهارده جنگ سخت با عساکر روس نموده و اغلب فتح و ظفر با ایشان بود دولت بلغارستان که بموجب عهدنامه سان استفانو از خاک عثمانی مجزی شده بود با بندولت برگشته و قرار دنکیز از برای عبور و مرور سفاین جمیع دول آزاد شد و با بزیدبد دولت عثمانی مسترد گردید و با پنجهزار لیره تجارت با ایران آزاد و باز شد یا نفین سخت در بابعالی (فرانسه) افتتاح اکسپوزیسیون عمومی صنایع با تشریفات زیاد در اول ماه مه در تمام ممالک فرانسه علی الخصوص در پاریس در سی ام ماه ژوئن باسم عید و جشن جمهوری جشن بزرگ گرفتند قیمت مخابرات تلگرافی

در فرانسه کلمه پنج سانتیم مقرر شد (یکهزار تلگراف صد سانتیم است) ادارات تلگراف و چاپارخانه را در فرانسه یکی نموده در تحت وزارت مالیه قرار دادند شورش اهالی بولگاد و فرانسه و کشتن جمعی از اهالی فرانسه را در آنجا بروسفارت کبرای مسیو فورنیه از طرف دولت فرانسه با قاضی اسلامبول انتخاب و کلای ملت در دولت فرانسه مساعد وضع جمهوری بود اغلب وکلای ملت جمهوری طلبند نه سلطنت (هلاند) مزاوجت با بعهد ایند دولت با یکی از شاهزادگان نمسا پروس (یونان) با غیرها ایالات مقدونیه که بر ضد عثمانی هستند میل به تبعیت یونان دارند دولت یونان بدولت عثمانی اطلاع میدهد که الجاء عساکر خود را با یالات اپیروتسالی و مقدونیه من ایالات عثمانی خواهد فرستاد

صورت تعهدنامه مفصله منعقده در مجلس کنگره برلن که در اینسال سمت اختتام یافته بود و در اینجا موقع درج آنست چون در جلد بیستم کتاب مستطاب مرآت البلدان مستمیم بمآثر السلطان بعینها مندرج شده است لهذا در اینجا اعاده و تکرار نشد امریکا (اناتون) بر وزبنه رد بانهایت شدت در بعضی ایالات اناتون

سنه ۱۲۹۶ هجری — سنه ۱۸۷۹ مسیحی

آسیا (ایران) امور دولت در اینسال بمیمنت و جهات اعلیحضرت همایون شهریاری قرین انتظام و آرامشکی تمام است در ماه محرم اینسال با مر همایون و از وجوه خاصه دولت و مباشری جناب امین السلطان شروع بساختن راه شوسه (کالسکه رو) و منازل و اقامتگاهها از دارالخلافه طهران الی آذربایجان و سرحد ارس شد که بعد ها نیز تند بجانشینا راههای ایران الی سرحدات بهمین طور ساخته شود دسته از قشون سواره ایران را بوضع سوار و قزاق روس و بریاست و معلمی کلنل دمنت و پنج صاحبمنصب روسی ترتیب و برقرار کردند و نیز هفت فوج از قشون عراق را با شش صد نفر توپچی عجالة بطور نمونه انتخاب و بسبک و وضع قشون اطریش مرتب کرده یکدسته صاحبمنصب با سرکلنل شیوو نوسکی و شیونو و تپسن برای تعلیم و ریاست افواج مزبوره از دولت اطریش استخدام نمودند جشن ولادت همایون را در ششم صفر المظفر بر سم معمول همه ساله جناب سپهسالار اعظم با شکوهی تمام کرفته با عطای یکجلقه انکشتری الماس بریلیان از طرف اعلیحضرت همایون مفتخر شدند تولیت دربای نور و نوشیجات و اسناد و نامهای عظیم الشان دولتی بعهدهٔ جناب حاجی محمد رحیمخان خازن الملک که از خدمت صندوقداری استعفا نموده بود مفوض شد مهدقلیخان پیشخدمت خاصه بمنصب میرآخوری اصطبل مبارکه سرافراز کردید حکومت عراق و مضافات بعهدهٔ حکیم الممالک پیشخدمتباشی سلام موکول آمد در صفحه خراسان بکنج سردار ترکمان با جمعی سواره و پیاده از او بر خود کجزم تاخت و دست برد حدود خراسان آمده سیاه منصور ساخلو سرحدآنها را تنبیه و کیفری بسزا دادند رحمت الله خان سرکرده اصلان با عطای یکقطعه نشان نمثال همایون مفتخر آمد جناب میرزا عباسخان معاون الملک بیکجلقه انکشتری الماس سرافراز کردید جناب امین لشکر و زیرکرک با عطای یکثوب خلعت فاخره از ملابس مخصوصه مباهی شد ساعدالدوله حبیب الله خان سرتیپ اول با عطای یکقطعه نشان نمثال همایون مفتخر کردید سهام الدوله سرتیپ اول نیز بیکقطعه نشان نمثال مبارک و شجاع الملک عبدالقادرخان بمنصب سرتیپی اولی سرافراز شدند حاجی ملا محمد جعفر چالبیانی از اجله علمای دارالخلافه شب بیستم صفر برحمت ایزدی پیوست حاجی محمد قلیخان صارم الملک شاطر باشی در سلخ همین ماه نیز داعی حق را اجابت کفت سواق و خانات و مدارس و بقاع دارالخلافه طهران را عموما مرمت و تعمیر کردند در روز بیست و هفتم صفر در پنجه جناب امین الملک شصت صندوق و سی پوت خالی از نفت بغته افتاد در آنها

افتاده میسوزد و نیز در شب بیست و هشتم دکان نفت فروشی بشارنام در چهارسوق بزرگ دارالخلافه آتش گرفته قریب
پانزده دکان دیگر نیز آتش گرفته تمام متاعش میسوزد و بچهار سوق نیز خرابی وارد می آورد عید مولود مسعود
حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم رادر هفدهم ربیع الثانی جشن کامل گرفتند نواب اشرف والا شاهنشاهزاده
اعظم ولیعهد جاوید مهد دولت علیه ادام الله اقباله العالی از محل حکومتی آذربایجان موقتا احضار بدربار همایون
وارد دارالخلافه شده شرفیاب حضور مبارک گردیدند یازده ساعت و سی و نه دقیقه از شب مجیء بیست و هفتم ربیع
الاول گذشته آفتاب جهانتاب از برج حوت بحمل تحویل کرده مراسم جشن عید و سلام در پیشگاه همایون کاملا بعمل
آمد نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی بیکقطعه نشان تمثال اقدس که از اختراعات
جدیده ذات همایون است مفتخر و مخصوص گردیدند امین خلوت در موقع سان نفنگداران خاصه باعطای یکثوب بردوش
خلعت همایون مباهی شد ضرابخانه جدیدالبنای دولتی بامر دولت و بتوسط جناب امین السلطان دایر شده مسکوکات
ایران عیار صحیحی هم رسانده مصنوعات مخل و غش کرده و عیار قران نقره در بیست و چهار نخود که یکمثقال تمام باشد و تومان
طلا بهمین نسبت دریافته نخود قرار گرفت بر حسب استدعای نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران
حکومت ملایر و تویسرکان و نهاوند مستقلا بنواب الاعز الدوله و حکومت مانندران بامیرزاده نورالله میرزا مرحمت شد
محمدباقرخان شجاع السلطنه بنشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز گردید فضل الله خان پسر مرحوم حاجی صارم الملک بمنصب
شاطرباشی گری که بدان مسبوق بود سرافراز گردید فتح الله خان پسر دیگر آنمرحوم بمنصب ناظمی دیوان عدالت مباهی آمد حسب
الارادهٔ علیه همایونی اداره پلیس بجهه امنیت شهر بتوسط نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی
وبریاست مسیو لکنت مفتش در دارالخلافه طهران برقرار گردید در اردبیل و بعضی بلاد دیگر آذربایجان چند
روز متوالی زلزله شد نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی
باعطای یکقطعه نشان ذی شان اقدس مکلل بالماس قرین اعزاز آمده پس از رخصت ملوکانه رحمت آذربایجان فرمودند
بنده مؤلف پیش از تقدیم مجلد ثانی مآثر السلطان بجایگاه همایون و نایل شدن آن بشرف قبول باعطای یکقطعه نشان
از درجه اول این دولت ابد مدت سرافراز گردید بمجد و حیجهان از جانب نواب اشرف والا ظل السلطان دولت
علیه ایران ادام الله اقباله العالی بحکومت مشیر وجرد منصوب شد علیخان از جانب جناب اعتضاد الدوله حکمران قم و کاشان
بنیابت حکومتکاشان برقرار گردید نواب والا نصرة الدوله فرمانفرما بحکومت یالت کرمان و بلوچستان
واعطای یکثوب سردوزی مرصع منصوب و مخلع گردیدند نظام دفترخانه مبارکه استیفا علاوه برخدمت
محصلی بقایا بعهدهٔ آقا علی امین خلوت محول شد ایام شنبه و سه شنبه حسب المقرر جمیع وزرای عظام در مجلس
شوری اکبری که در عمارت دولتی موسوم بخلوت کریمخانی است حاضر شده در امور دولتی مشاوره نموده پس از انقضای
مجلس و ساعت بعد از ظهر بحضور همایون شرفیاب میشوند در آذربایجان چون بواسطهٔ اختلاف دواج امپریال
وخمس مناقاخلالی در امر معاملات بهم رسیده بود مقرر شد در دارالخلافه امپریال از قرار دو تومان و دو هزار و
خمس مناث روسی یا نزده عدد یکتومان رواج خزانه و غیره باشد و اهالی آذربایجان هم از همین قرار داد و ستد نمایند
از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه دو قطعه نشان سنت آندره مکلل بالماس بیکی بجهه نواب اشرف والا
ظل السلطان دولت علیه دیگری برای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر ادام الله اقبالهما العالی انفاذ گردید
نواب پرویز میرزا نیرالدوله بعلاوه حکومت سبزوار بحکومت نیشابور و یکقطعه نشان سرتیپی اول با حمایل آن نایل شد

متعلقین دارالفنون را امتحان نمودند جناب میرزا قهرمان امین لشکر بوزارت و پیشکاری آذربایجان و مصطفی قلیخان
اعتمادالسلطنه بریاست فشون آذربایجان و جناب میرزا عبدالرحیمخان ساعدالملک بادارهٔ مهام خارجهٔ آذربایجان
وحاجی علیقلیخان پازکی بتحویلداری و تحصیلداری و جوّ نظام آنمملکت مامور شدند نواب والا احمد میرزا معین الدوله بحکومت
اردبیل و نواب حاجی سیف الدوله میرزا بحکومت اردبیل و مشکین و حاجی محمودخان بحکومت ساوجبلاغ و علیخان پسر
مرحوم والی بپیشخدمتی حضور همایون بحکومت مراغه و مهدقلیخان سرتیپ بنیابت بحکومت مرند و آقاخان سرتیپ
افشار بسرحلداری و حکومت قراجه داغ منصوب گردیدند نواب والا اعضدالدوله حکمران قزوین باعطای یکقطعه نشان
و یکرشته حمایل امیرتومانی مباهی آمد حکیم الممالک بپیشخدمتباشی سلام حکمران عراق بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل
سرتیپی اول سربلند گردید جناب آقا شیخعلی نایب نظام العلماء بلقب فاظم العلمائی ملقب شد محاسبات بازدارالخلافه
وغله دیوانی کل ممالک محروسه برات نویسی ادارهٔ نظمیه و احتساب و حساب گرمسیر و نخوار و براتنویسی و محاسبهٔ علیراه
سازی از هرجهته میرزا عبدالله خان مستوفی نوری محول گردید میرزا محمدعلی لشکرنویس توپخانه باعطای نشان و حمایل
سرتیپی سیم سرافراز شد مهدقلیخان با فوج هفتم افشار اردوی مأموریت فارس مراجعت کرده بنشان و منصب سرهنگی
خارج از فوج سرافراز و محمدقلیخان ولد مشارالیه بمنصب سلطانی نایل گردید براتنویسی کل اتباع وزارتخانهٔ جهاد
میرزا محمدحسین مستوفی آشتیانی محول شد ریاست کل فشون خراسان بسلیمانخان صاحباختیار مفوض آمد گرمخانه
بوشهر از طرف دولت تعمیر کامل شد یکقطعه تمثال همایون باعزاز نواب والا جهانبانو میرزا امیرتومان حکمران استرآباد
مرحمت گردید امانالله خان بهاءالملک قراگوزلو بمرحمت ایزدی پیوست مرتضی قلیخان وکیلالملک سرتیپ اول داعی
حق را اجابت کفت از غره شهر رجب بموجب اعلان دولتی اعطای نشان بتصویر همایون غدغن و متروک شد موکب
همایون عزیمت ییلاق لار و فیروزکوه فرمود میرزا حسین پیرجناب دبیر دفتر بنیابت وزارت دفتر و خلعت همایون
نایل و مخلع گردید کنت دمنشفرت رئیس ادارهٔ نظمیه و احتسابیه شهر دارالخلافه بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل
سرتیپی اول سرافراز شد حاجی میرزا علینقی مشیرلشکر باعطای نشان و حمایل از رشته سرتیپی اول مفتخر گردید نواب
اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد ادام الله اقباله العالی حکومت شهر بتر بزرا بنواب شعاع الدوله مفوض
داشتند عمارات دیوانی ساری مرمت شد نوغان کیلان ترقی و امتیاز یافت روز بیست و هشتم رجب کسوف
اتفاقا افتاده ثلث قطر آفتاب منکسف شد محمدتقیخان حاجب الدوله میرآخوری اصطبل توپخانه برقرار گردید
جناب میرزا موسی وزیر لشکر بنشان و حمایل امیرتومانی سرافراز آمد اللهیارخان امیرتومان جوانبانی بکهزار تومان
اضافه مواجب نایل شد اعطای لقب جنابی برحسب اعلان دولتی موقوف و متروک گردید مکرر دحق کسیکه دبیرهٔ
وزارت داشته باشد آقازین العابدین اشرف الکتاب نسخ نویس اصفهانی در سن یکصد سالگی برحمت ایزدی
پیوست نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی محمدحسینخان را از حکومت بروجرد معزول و محمدعلیخان را
بجای او منصوب نمودند موکب همایون ملوکانه شنبه هشتم رمضان از ییلاق شهرستانک تشریف فرمای قصر نیاوران
شد جناب مستر رالف طامسن بوزارت مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه انکلیس مأمور بافامت دربار دولت
ایران شد و شنبه یازدهم رمضان در سلطنت آباد بحضور همایون شهریاری نایل و مورد مرحمت گردید
قدیم کرچیدان عالی و وسیع بنود باستاد عماراتی که در دروازهٔ آن و مابین دو حیاط باغ همایونی واقع بنو خراب
و بجای آن در ظرف چهار سال طویل عریض ساخته و موزه بسیار وسیع عالی مشتمل موزه های معتبر دولت اروپ

در یک ضلع سمت شمالی عمارت باغ مبارک بنا کردند سبزی میدان و امامزاده زید و مسجد جامع سلطانی و بازارها
دارالخلافه را مرمت کامل کردند ایجاد و افتتاح کارخانه چراغ الکتریسیته در مجمع الصنایع جنب خیابان باب همایون بتوسط مسیو
فابیوس معلم در هفدهم رمضان همین سال شد کارخانه چراغ گازگی اسباب آنرا جناب سپهسالار اعظم از فرنگستان
خواسته و آورده اند بتوسط همین مسیو فابیوس را پر میشود از غرایبا نیکه سکی در شیراز یک شکم پانزده بچه آورده
است و نیز بچه گربه ایست که دو دست ندارد و جای دستها صاف و حرکتا و شیه بچست و خیز است
سلام عید فطر در باغ لاله زار منعقد شد نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ایران باعطای یک
حلقه انگشتری الماس بریلیان اختصاص یافت سیم تلگراف بیرد و کرمان اتصال یافت نواب اللهقلیمیرزای ایلخانی
در سلک وزرای شورای کبری منسلک گردید در خزانه دولتی که سپرده بجناب امین السلطان است در ظرف مدت
هفت ماه بیست و زیاد کرده و هفتاد و دو هزار و صد تومان پول طلا و نقره و مس با چرخ بخار سکه جدید
مسکوک شد قوام الملک در سنه فرسنگ شیراز قناتی بجهة شرب اهالی شهر احداث کرده و سنگ تمام آب آورد
محال قطور که از نقاط سرحد ایران و از محالات مخصوصه بخوی است و در زمان فشر سالار در حدود خراسان سرحد داران
دولت عثمانی فرصت غنیمت شمرده آنجارا خصبا تصرف کرده بودند و تا بحال در رد و استرداد آن از طرفین علیتین
ایران و عثمانی مسامحه شده بود در اینوقات که مجلس کنگره برلن منعقد شد موافق فصل ششم عهدنامه کنگره برلن
بدولتا ایران مسترد و واگذار شد و محمد صادقخان امین نظام از طرف دولت علیه ایران برای قبض و تصرف محال
مظوره ماموریت آنجا شتافته نوزده قریه را تصرف کرد یکحلقه انگشتری الماس بریلیان نیز باو ممتاز در بارهٔ نواب اشرف والا
ظل السلطان دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی مرحمت شد میرزا محمد علیخان معین الوزاره کاردار اول دولت
علیه مقیم بغداد باعطای نشان و حمایل سرتیپی اول نایل گردید روزنامه اسفهان موسو بفرهنگ بتوجه نواب اشرف
والا ظل السلطان ایجاد شد عمارت عالی بجهة دفترخانه مبارکه دولتی در جنب باغ ارک قدیم ساخته و تمام کردید
در حوالی قریه کاوندا زقرای همسه و سه سال قبل یاری نام قطعه سنگ طلائی پیدا کرده بود معدنچیان مشغول کاوش
و کاوشتند و باز خاک طلائی از حوالی کوه آنجا بدست آورده اند علاوه بر این معدن نیز کوه دیگر منکشف شده است
که دارای معدن طلا است اعلیحضرت ملکه اسپانیول یکقبضه شمشیر مکلل بالماس کرانبها برای اعلیحضرت همایون صاحبقران
اهدا و ارسال داشته موکب همایون یکباره از ییلاق تشریف فرمای شهر شدا این بنده مولف باعطای یکقبضه
قمه مرصع گردیدند شجاع السلطنه محمد باقرخان سرتیپ اول باعطای یکثوب سردارتی مرصع سرافراز گردید میرزا تقیخان
پیشخدمت خاصه در جناب مجدالملک بمنصب منشی حضوری و نیابت جناب امین الملک سرافراز شد در دهم ذیحجة الحرام
مراسم تبریک عید اضحی و انعقاد سلام در حضور مبارک بعمل آمد هفدهم اینماه بندگان اعلیحضرت همایون بجهة امتحان
متعلمین مدرسه دارالفنون تشریف فرمای مدرسه مبارکه شدند و روز هجدهم مراسم جشن و تبریک عید غدیر بعمل
آمد روزنامه شرفیه موسو بتبریز بتوجه وارد نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران مملکت آذربایجان
ادام الله اقباله العالی وارد و طبع شد (چین) شورش عام و انقلاب عظیمی در شهر پکن و شهرستان کائی حادث شده است
اسپانیا (اسپانیول) ملاقات پادشاه اسپانیول با پادشاه پرتوگال در شهر لساسن مجمع و وزرا استعفای خود را
عمل کرده و در نزد پادشاه قبول افتاد مجلس شورای کورتس (وکلای ملتی) استعفا از عمل کردند پرنس دولف
ولیعهد دولت نمسه و اردماد بدکشت کنتس دمن تیژ و مادر امپراطریس قدیم فرانسه وفات کرد عروسی اعلیحضرت

(الفونس پاشاهزاده خانم منسوب ماری کریستین (اطریش) قرارداد مستحفظین و قراولین بجهة حفظ مملکت نسبة از طاقو
در روسیه بروز کرده است پرنس اوزسپورک رئیس وزرا و وزرای مجاستان از عمل استعفا نمودند استری ماپر
بجای او رئیس وزرا گشتند آقی بوزارت داخله نایل آمد اعلیحضرت امپراطور بشهر شردم که از سیل بالمره خراب شده
بود در فشد جشنهای باشکوه در اینموقع سال بیست و پنجم مزاوجت امپراطور و امپراطریس که عید بزرگی شمرده میشود برپا
گشت عقد معاهده و قرارداد اتحاد مابین اینبند ولت و دولتهای المان پارلمنت اطریش و مجار برای استعداد حربی افزود
عدد قشون را بهشتصد هزار نفر قرارداد (المان) مزاوجت پادشاه هلاند با والی زاده والدک پرنس اما از شاهزاده
خانمهای المان افتتاح مجلس پارلمنت در برلن با حضور امپراطور گلیوم که خطبهٔ افتتاح را امپراطور بشخصه قرائت نمودند
پرنس ولیعهد المان پرنس هانری که جزو عساکر بحریه است در کشتی آدالبرت مشغول تعلیم و تعلم است به بندر بوکا ماخاک ژاپن
رسیده و از طرف میکادو پادشاه ژاپن نهایت احترام درباره او مرعی شد جشن مفصل باشکوه در برلن و اغلب مملکت
المان بجهة تبریک و تهنیت امپراطور اطریش که سال پنجاهم مزاوجت ایشان بود و است هلاقات امپراطور نمسه امپراطور
المان را در شهر کاستین برد ذخصوصیت و مشاجره سخت در میان دو نامه های روسیه و المان پرنس گرچاکف وزیر اعظم
روس وارد برلن شد (انگلیس) رفتن قشون انگلیس و تفنگها رود رود ژنرال روبرت مائن و روز بعد از ورود
شکست دادن و متفرق ساختن طایفه مالیك راکه برد و را و احاطه کرده بودند خان کما ربرای اظهار عقیدت و تمکین
با انگلیس وارد جلال آباد گشت و دولت انگلیس در کار جنگ با پادشاه زولوس (سیتوایو) است بلنارد و انگلیس راکه
مرکب از نهصد و پنجفر تا بین و هفتاد و دو نفر صاحبمنصب بوده در اهاند و لاز زولوسها بالمره معدوم و مقتول کردند
از دولت انگلیس کمك بجماعت قشون کابل فرستادند در مجلس ملعی در مسئله پولتیك افغانستان مشاوره دارند لرد
ناپیر ماگدالا رایش اینست که جلال آباد و قندهار را از افغانستان منتزع و جزو ولایات مخصه با انگلیس کرد قرار
مصالحه با امیر یعقوب خان امیر افغانستان داده شد و قشون انگلیس ما موز تخلیه کابل گردید پادشاه انگلستان از سفر ایطالیا
کمتر برسم رفته بود ندمراجعت نمودند دولت انگلیس را مدت پولتیك دولت انگلیس را میکند معاهدهٔ صلح افغانستان
بهر و امضا رسید و نقاطی که در تصرف قشون انگلیس بود بامیر مسترد داشتند باستثنای معابر تنگه خیبر و خرم و
پیشن و سبی که در تصرف قشون انگلیس ماند سالی یکصد و بیست هزار لیره انگلیسی از دولت انگلیس برای امیر استمراد مقرر
شد و لت سفارت خانه انگلیس هم در کابل مقیم و برقرار گردید پرنس ناپلیون پسر ناپلیون سیم امپراطور سابق فرانسه
که بعد از مهاجرت با انگلستان جزو عساکر اند ولت شده بود با قشون انگلیس بجنك زولوسها رفته و در مقدمة الجیش
بود مقتول شد و کفن و دفن و غزای او بعمل آمد غلبه ژنرال نود کا از نقاط عدیده بر زولوسها و تصرف قلعهٔ
شلمفرا ماژور کاوانیاك سفیر انگلیس در دربار امیر افغانستان بار یافته و مجلاً پدین برائی شد سیتوایو پادشاه
زولوس چند نفر را واسطه بار دوی انگلیس فرستاده که در صورت امکان صلح کند و اگر نشد تسلیم شود ماژور مارتن
سیتوایو پادشاه زولوس را اسیر و دستگیر کرد ایلچی انگلیس را با هم لجزاء سفارت در کابل افغانستان بقتل رسانیدند
ژنرال رابرسرداد انگلیس که هنوز از سرحد افغانستان نرفته بود بعد از مقتضی قتل سفیر از طرف دولت حکم باو
صادر شد که معجلاً بجهة ندمیر امیر افغانستان وارد کابل شود قشون انگلیس مجدداً قندهار را مسخر کردند جلال آباد را
نیز بحیطه تصرف در آوردند قشون انگلیس فاتحانه وارد کابل شد ژنرال روبرت در ملأ عام با هل کابل و دیگران این
فقرات را اعلان کرده بود (قلعه بالاحصار که ارك کابل بود خراب خواهد شد و علاوه بر فصل قتل سفارت سابق سکنهٔ

کامل

کابل بایداز عهدهٔ حسارت قشون کشی انکلیس برآیند امیر یعقوبخان از والیگری افغانستان استعفا نمود انبار بارود زیادی در بالاحصار کابل آتش گرفته است یکفشون بیشتر بندی برای مواقع اهمه داخله وخارجه خود دولت انکلیس در کابل بجهز و ترتیب داده است جنگهای سخت عظیم مابین قشون انکلیس و افغان در کار است (ایطالیا) معاهدهٔ تجارتی با دولت نمسه را مضا نموده مبادله کردند پادشاه وملکه ایطالیا بدیدن پادشاه انکلستان که در فنزا از شهرهای ایطالیا آمده بودند رفتند مجمع وزرای دولت استعفا نموده وزرای جدید مرکب شد مفرز کشت (بلغاری) مجلس شورا ملتی مزدک وبکلی موقوف شد (هلاند) عروسی پادشاه با شاهزاده خانم امادو والدهٔ کلنل تر تیز حصن حصین آنچنان را که موسوم بگلنگ است بحیطه تصرف درآورد پادشاه استعفای وزارتخانه ودارالشورا را قبول نکرده از اینفقره تحاشی دارد (دانمارک) وزارت جنگ وبحریه که بدست یکنفر بود از یکدیگر مجزی گردیده دو وزارت خاصه شد (روس) در قریه ولیبانکا من اعمال حاجی طرخان رسماً خبر دادند که یکصد وچهل وشش نفر از طاعون تلف شده اند اهالی روس از امپراطور مستدعی شده اند که آنچه از شرایط حفظ وضع استانفراسیون وغیره معمول فرموده نگذارند مرض طاعون در تمام مملکت نشر کند مصالحه نامه وعهدنامه ختم عمل با عثمانی که مدتی بود نوشته وتمام شده بود از جانبین با مضا ومهر هردو پادشاه رسیده ومبادله گردید طایفهٔ نهیلیست سر بسیار سوار و پطرز بورغ و ونددران تلن را مصمم قتل شدند بموجب دستخط اعلیحضرت امپراطور بحکام مقتدر موقتی چندی بجهه پطرز بورغ وخرکف وادسا ومسکو وکیف وواارسو معین شده است که با کمال تسلط واختیار طایفهٔ نیهیلیست را دفع دهند اعلیحضرت امپراطور وامپراطریس از پطرزبلیوادی دشت بکفسمت بندرگاه شهر اودنبورغ بواسطهٔ آتشی که طایفهٔ نهیلیست بآنجا زده بودند سوخت خبر رسید دولتی از حاجی ترخان رسید که مرض طاعون در آنجا تمام شده است آتش زدن طایفهٔ نهیلیست در شهر اودسک آتش زدن طایفهٔ نهیلیست شهر اپریپت را بطوریکه تمام آن شهر خراب وبرانه شد آتش زدن طایفهٔ مزبوره در دو فقره ثانیه شهر اودنبورغ را شهر پنج نوواسکی را نیز آتش عظیمی زدند شهر پطرپافلوفسکی را آتش بزرگ در انداخت که خرابی وخسران زیادی بار آورد در چندین نقطه وموضع از شهر بارم بفاصله آتش زدند ژنرال کفمان مجلل ماموریت خود که حکومت ترکستان باشد مجدداً معاودت نمود اخبار چندی انتشار یافته است که بین دولتین انکلیس و روس در مسئله آسیای مرکزی مخاصمت ومخالفتی بروز کرده است دولت روسیه استعداد خود را در ترکستان زیاد کرده است وزنامه گولوس تا ملت پنجاه ممنوع از طبع وانتشار شد طایفهٔ نهیلیست نفتی بزیر خط راه آهن نزدیک مسکو در سر راه عبور امپراطور زده وآن حفره را بدینا میت که یکقسم باروط بسیار شدید انباشته بودند که هنگام عبور محترق شده بوجود آن اعلیحضرت آسیبی نرسانند فقط بجرد عبور ایشان نرکیده وهمینکه اندکی از آن دام بلا سلامت ورد شده بودند احتراق دست داده بود (سویس) انقلاب و اغتشاش زیادی در هر نقطه از این مملکت رو داد (عثمانی) با بعالی فرانسه در سر حد طرف روس کذا شته است که طاعون سرایت بداخله خاک عثمانی نکند میانه با بعالی ومسکو روس و یونان خیلی کشمکشهای دولتی مربوط باصلاح امور ولایات سرحدیه ونظم وقرار آنها وتعیین حدود وغیره رد وبدل شده است مهر وامضای عهدنامه رد وبدل آن با دولت روس با بعالی بعهده ماموربن خود کرد در خارجه میباشند اعلان نمود که ولایاتی که میبایستی واگذار به منتنگرو شود از مطالبه دیناتها تسلیم شد اجتماع عمال واعیان بلغار در خدمت شاهزاده دندوکف کرا از کف ماموربن روس برای

بهتبین والی بجهه بلغارستان اعلیحضرت سلطان بدولت انکلیس قول صریح داد تا نکه برای عزل خدیو و مصر کمر رفتارش
مرضی خاطر فرانسه و انکلیس نبوده و عمل مایات را نیز خوب اداره و ادا ننموده است آماده و حاضر ند و حلیم پاشا را بجای او
خدیو خواهند نمود عمال و رجال بلغاری پرنس الکساندر باتمبرغ را بولایت خود انتخاب و قبول نمودند اسمعیل پاشا
خدیو مصر بنا بخواست دول معظمه فرنکستان و خصوصاً بحکم المان از خدیوی استعفا نموده و توفیق پاشای پسرش در
عوض بخدیوی مصر منصوب شد خیرالدین پاشا از صدارت معاف و معزول و عارف پاشا بجای او منصوب شد انقلاب و
اغتشاش نهادی در بلغاری و روملی شرقی فراهم آمده است و سبها " روملی را بالمره تخلیه کرده اند کشتی جنکی انکلیس
محض اظهار مخالفت و نفار با عثمانی در خلیج و دردلا نما پیشی و دو کرد رونامه ها دوس اظهار کرده اند که هرگاه
کشتی جنکی انکلیس در خلیج و دردلا لنکر انداخته و توقف نماید یک کشتیهای دوس نیز داخل دریمرمارا خواهند شد
رونامه های انکلیس اظهار کرده اند که کشتی جنکی انکلیس با حکم و امری بدخول دردنل در خلیج مزبور نشده است
اعلیحضرت سلطان بکر پاشا را برای آبادی و قرار داد حدود ناطولی ماموریت داده اند قسمتی از اکراد ایران بر سنکر و
واکذار نموده اند تمکین بر تبعیت و جیشی منتکر و ندارند والی منتکر و مکرر بسر آنقسمت سرکش طاغی شوش فرستاده
و آنها را مجبور بتمکین میدارد (فرانسه) دوهزار و دویست و پنجنفر از مقصرین فرانسه را که بطرف نوکالدونی
جلای وطن داده بودند و مدتها در آنجا اقامت داشتند مرخص کردند که با وطن خودشان مراجعت نمایند ماکماهون
رئیس جمهوری فرانسه از ریاست استعفا نمود و جهة استعفا بعضی تغییرات در اداره فشونی بوده که شیرف
وشان فشون خلل وارد آورده است و کلا برخلاف رای و میل ماکماهون رئیس جمهوری فرانسه را که بطرف نوکالدونی
ماکماهون از ریاست استعفا نمود که بدستیاری این شکست با فتخار فشون وارد نیاید و ژول گروی بریاست جمهوری
فرانسه و کامبتا بریاست مجلس شوری منتخب و برقرار شدند بواسطه طوفان شدید یک کشتی جنکی دولتی آورکانند در دریا
سفید غرق شد ملاقات رئیس جمهوری فرانسه با پادشاه انکلستان در سفارتخانه انکلیس در پاریس هنکام
عبور پادشاه معظم الیها از پاریس بقصد مسافرت بایطالیا سی هزار نفر از نومان و کلای مجلس سنا بجهة مخارج مراجعت
مقصرین از نوکالدونی بدولت میدهند چنانکه در طی وقایع انکلیس نیز ذکر شد پرنس ناپلیون ولد ناپلیون سیم
پادشاه سابق فرانسه که قبل از اعلان جمهوری ولیعهد آن دولت بود و بعد بمملکت انکلیس رفته در آنجا سکنی و اقامت
جست در اوقات خیلی انکلیس با طایفه زولوس با عساکر انکلیس بدماغره امبد رفته در ماموریت پیشقراولی
اردوی انکلیسها بدست طایفه زولوس مقتول کردید مقدمه شورش میان مسلمین الجزایر کردید دولت بجبوتیا دولت
حرب و اسلحه کردید الجزایر شورش و بلوای عامی کرده اند در شهر نانسی مجسمه مسیو طیر رئیس سابق فرانسه را
برپا نمودند جمعی از معفوین کومونها و مقصرین از نوکالدونی حدید که مجلس آنها بود مراجعت کرده به بندر وارد شدند
افتتاح مجلس و کلا از کامبتا رئیس دارالشوری نمود شدت و کثرت سرما و برف و یخ در فرانسه بحدیست که در هیچ قرنی
بدین درجه برف و سرما کسی در آن مملکت خاطر ندا شته است (مجارستان) در کنکاش و مشاوره جدیدیکه برای قرار
داد مجلس و کلا کرده اند طرفدار آزادی طلب بیشتر استنباط ظفر منکی نموده و بعبارة اخری طرف قوی واقع شده اند.
بواسطه طغیان آب خرابی عمده و خسارت کلی در این مملکت روی داده است (یونان) ماموریکه برای تعیین حدود
سرحدی یونان و عثمانی انتخاب شده بودند حرکت کرده بشهر پانینه که مقاکاه همه اجزاء کمیسیون خواسته وارد شدند
پادشاه یونان در جواب عریضه اهالی پیرنکاشته بوکه امیدوارم دول معظمه حمایتی از ما فرموده در اجرای قرارداد

معاهده ایستادگی و بوعده وفا کنا و نمودن اپیر پیونان وفا نمایند و همچنین نسبتی و ژاپنیها را تلاقی شورشیان و طاغیان

گرک با یکصد و چهار فانواری افریقا (مصر) مخالفت و منافقت بین مصر و حبشه مبدل بسلم و صفا شد فشون مصر فشون عثمانی

شهر ماسوا را مسخر کردند امریکا (اتاونی) دولت اتاونی در صدد تجدید عهدنامه با چین است در مجلس شوری

عدد فشون حاضر رکاب پرپرف اتاونی به بیست و پنجهزار نفر مقرر شد (پرو) اعلان جنگ ما بین دولتین پرو و شیلی

(شیلی) استعداد نظامی و بحری جمهوری شیلی را استعداد دادند دولتین متفقتین پرو و بولیوی غلبه نموده آنها را دایکپک

شکست داد و کشتی جنگی پروها را که موسوم به پلکوما بود اسیر نموده و فشون شیلی فاتحانه داخل ایکیک شد

(هائیتی) بلوای عام و شورش تمامی در شهر هائیتی برخاسته در مجلس وکلا و امنای دولت یکی از اهل شورش و طغیان

طپانچه شش لوله از بغل کشیده و دو برادر در پیش جمهوری خالی کرده بود

سنه ۱۲۹۷ هجری — سنه ۱۸۸۰ مسیحی

آسیا (ایران) در اینسال کلیه امور دولت قویشوکت از توجهات نظر انور همایون شهریاری قرین کمال نظم و آراستگی

استتباری بجهه غلبه بوای جناب بتوسط جناب امین السلطان نزدیک دروازه شاهزاده عبد العظیم بنا شد که کنجایش صد

هزار خروار غله دارد میرزا علی ولد جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر منصب لشکر بندی و خلعت همایون مفتخر شد

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت علیه ایران صاحب اختیار مملکت آذربایجان ادام الله اقباله العالی

را با عطای یکحلقه انگشتری الماس بریلیان بسیار ممتاز معزز فرمودند جناب مسیو نریکوا از جانب دولت فخیمه فرانسه سمت

وزیر مختاری ما مور با قامت دربار دولت علیه شد تو پچیان جدید که بعلمی کابتین واکنر اطریشی مشق میکنند با توپهای

تر پر جدیدا لابتباع در حضور همایون امتحان دادند نواب اشرف والا ظل السلطان دولت علیه ایران حکمران ولایات

اصفهان و یزد و غیرها ادام الله اقباله العالی موقتا بدربار همایون احضار و روز بیست و هشتم محرم وارد دار الخلافه شدند

جناب اجل آقای مستوفی الممالک میرزا یوسف وزیر اعظم داخله با عطای یکقبضه جغه ترمه شمسه مرصع بطانه خز مباهی گردیدند

حاجی میرزا محمد حسین صدر الملک فراهانی در سن هفتاد و دو سالگی برحمت الهی پیوست حاجی ملا محمد مجتهد نراقی پسر

مرحوم فاضل نراقی علی الله مقامهما در ولایت کاشان بجوار رحمت حق شتافت جشن مولود مسعود همایون در ششم ماه

صفر در تمام ممالک محروسه خاصه در دار الخلافه باهره بتوسط جناب سپهسالار اعظم گرفته شد حکومت ایالات عربستان

و لرستان و عراق علاوه بر حکومت ولایات اصفهان و یزد و بروجرد و کلپایگان و خوانسار بعهده کفایت نواب اشرف

والا ظل السلطان دولت علیه ادام الله اقباله العالی مفوض شد موکب همایون تشریف فرمای شکارگاه جاجرود شده در

عرضراه پلنگی شکار شست مبارک اعلیحضرت همایون صاحبقرانی کردید هفدهم ربیع الاول مراسم جشن و تبریک عید

مولود مسعود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله کاملا بعمل آمد نواب اشرف والا ظل السلطان را بکمپضه شمشیر

مرصع بسیار ممتاز و نواب والا جلال الدوله ولدارشد نواب اشرف معظم دام اجلاله را بکمپضه کل مکرا بها معزز

فرمودند فضل الله خان شاطر باشی بنشان و حمایل از درجه ستم سر پیچه نایل آمد بر حسب استدعا نواب اشرف والا

امیر کبیر نایب السلطنه دولت علیه ادام الله اقباله العالی عباقلیخان نایب کل اداره جلیله نظمیه بنشان و حمایل سر پیچی

سیم و عبد الحسینخان مستشار اداره مزبوره بنشان و حمایل سر همکی مفتخر شدند جناب حاجی رحیمخان خازن الملک

در سلک اجزای محترم دار الشوری دولتی منسلک کردید حسینقلیخان سر پیچ فورت بیکلو مرحوم امیرخان سر تیپ را

برادر کهتر غیر بطنی و مرتضی قلیخان و مصطفی قلیخان بذخیره خ[illegible] می کرد در سر ارشه با او دا شتید زخم زده بقتل

رسانیدند

رسانیدند مرتضی قلیخان که در حقیقت قاتل بود کرفتار و بامر دولت قضا صادر شد و اسم منصب و مواجب و مرسوم آنمرحوم
در حق پاشاخان پسرش مرحمت فرمودند در هشتم ربیع الثانی دو ساعت و نیم کسری از طلوع شمس کذشته آفتاب از
برج حوت بحمل تحویل کرد و مراسم جشن عید و سلام در پیشکاه حضور همایون بعمل آمد نواب اشرف والا اظل السلطان احمد
اصفهان و یزد و بروجرد و عراق عرب سنان ولد سلمان ادام الله اقباله العالی کمر انعطای یکقطعه نشان دنیشان الماس
که برترین نشان ایندولت ابد قرار است مرحمت فرموده نواب اشرف معظم از قضیه طبیه حضرت عبدالعظیم علیه السلام
روز غره جمادی الاولی عزیمت اصفهان و مقر حکومت فرمودند جناب میرزا فهرمان امین لشکر از آذربایجان مراجعت کرده کما
فی السابق منصب وزارت کرکخانه های ممالک محروسه برقرار کردید میرعلیخان حشمة الملک با عطای یکقبضه شمشیر مرصع
سرافراز شده وزارت دیوانی کل ممالک محروسه بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص اعطا فرمودند نواب حشمة السلطنه
بدیع الملک میرزا را بحکمرانی کرمانشاهان منصوب فرمودند میرزاده وجیه الله میرزا سرتیپ لودخزانه دار و جوقه نظام با عطای یکقبضه
شمشیر مرصع مفتخر کردید میرزا رضای مهندسباشی را بکهزار تومان انعام و بکجلقه انکشتری الماس مباهی فرمودند و
میرزا حسینخان ولد معزی الیه را بدرجه سیم استیفا سرافراز ساختند نواب اشرف والا ولیعهد دولت علیه ایران حکمران
آذربایجان ادام الله اقباله العالی با عطای یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس از شمشیرهای خاصه قرین مباهات فرمودند
پس از فراغ از امتحان متعلمین مدرسه مبارکه دارالفنون روز چهاردهم جمادی الاولی سلام عام در دارالفنون منعقد و
صورت مساعی معلمین و ترقیات متعلمین ملحوظ نظر اقدس کردید نواب والا اعتضاد السلطنه را با عطای یکثوب سردوزی
ترمه شمسه مرصع و یکهزار تومان انعام مباهی فرمودند و محمد حسن میرزا ولد نواب وزیر علوم بمنصب سرتیپی سیم و نشان مطلا
و سی تومان انعام نایل شد سایرین نیز از اینقرار مورد مراحم و امتیازات کردیدند

جناب میرزا موسی وزیر لشکر که کتابچه درجات تحصیل و اندازه استعدادها ئی مدرسه را بعرض حضور مبارک میرسانید
خرقه ترمه ایرانی بطانه سنجاب دکمه طولو زان حکمباشی مخصوص حضور همایون که در مجالس امتحان حاضر بود بکطاقه شال
بسیار ممتاز جعفرقلیخان رئیس مدرسه نشان شیر و خورشید از درجه اول با حمایل آن و دویست تومان انعام محمد
حسینخان ناظم منصب سرتیپی دوم و حمایل و نشان محضوص آن و دویست تومان اضافه مواجب پنجاه تومان انعام محمد
تقی میرزای جودان نشان و حمایل سرتیپی سیم و شصت و پنجتومان اضافه مواجب و بیست تومان انعام
حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی نشان و حمایل سرتیپی دوم و پنجاه تومان اضافه مواجب و چهل
تومان انعام میرزا ابوالقاسم معلم طب ایرانی جبه ترمه حاشیه دار ثوب انعام سی تومان میرزا علی دکتر معلم طب فرنکی جبه
ترمه حاشیه دار ثوب انعام میرزا کاظم معلم شیمی و فزیک نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه
مواجب و بیست و پنجتومان انعام میرزا علی اکبرخان نقاشباشی نشان شیر و خورشید از درجه سیم و شصت تومان اضافه
مواجب میرزا علیخان معلم طب مجانی نشان و حمایل سرهنکی میرزا ابوالحسن معلم طب مهندسخانه دویم لقب خانی و سی تومان اضافه
مواجب و بیست تومان انعام علیخان معلم توپخانه منصب سرهنکی خارج از فوج و صد تومان اضافه مواجب
مسیو بشار معلم زبان فرانسه و انکلیسی نشان و حمایل سرتیپی دویم و سی تومان انعام مستر طار نشان شیر و خورشید از
درجه سیم شال ترمه ایرانی طاقه مسیو پرو سکی سرتیپ معلم زبان فرانسه و علم جغوانی شال ترمه ایرانی و لقب خانی مسیو
دوبله شال ترمه کشمیری و نشان طلای علمی مسیو لرشال ترمه ایرانی و نشان طلای علمی و صد تومان اضافه مواجب مادروخان
معلم زبان روسی ترمه زمان روسی و فرانسه نشان شیر و خورشید از درجه چهارم و شال ترمه ایرانی

میرزا

میرزا اسحق مستوفی مدرسه منصب پیشخدمتی از درجه دوم و دویست تومان اضافه مواجب و جبه ترمه ابرانی حاشیه دار محمد
ابراهیم خان سرهنگ بخواجه باشی مدرسه نشان و حمایل سرتیپی سیم انعام چهل تومان اضافه مواجب هشتاد تومان میرزا محمد علی
خان منشی باشی وزارت علوم یکصد تومان اضافه مواجب و خطاب مقرب الخاقانی و جبه ترمه ابرانی حاشیه دار و متعلقین
بنزدیکان بقدر رتبه خود باضافه مواجب و انعام نایل شدند

میرزا جعفر وقایع نگار پسر مرحوم میرزا صادق وقایع نگار در بیست و پنجم جمادی الاولی مرحوم شد میرزا عباسخان
رئیس مدرسه دولتی تبریز باعطای یکقطعه نشان با حمایل از درجه سرتیپی سیم سرافراز شد و صوابجی بند میرزا قلیچ
مذکور خان حاکم کلهر و کاکاوند با ابناع او از فارس که متمرد و منشاء شرارت و فساد در حدود فارس شده بود باهتمام
نواب والا معتمد الدوله فرمانفرما و حکمران فارس زمام دل تکرک درشت دز فرای نظر که نیمه زرع تکرک در دنیا نمانشت و
هر دانه تگرگی بدرشتی فندق بود میرزا محمد علیخان پسر میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب پیشخدمتی از درجه سیم نایل
گردید نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه حکمران دار الخلافه و غیرها ادام الله اقباله العالی را باعطای یکقبضه
شمشیر مرصع از شمشیرهای خاصه سلطنتی قرین مفاخرت فرمودند بموجب دستخط همایون خطاب بنواب اعتضاد السلطنه وزیر
علوم در باب آبله کوبی اطفال بتمام ممالک محروسه غفرنا و تاکید اکید شد اداره نظیفیه و احتساب به دار الخلافه را بموجب
دستخط همایون بمرتبهٔ مولف و اگذار فرمودند بمحض اشاعه قسم عدل و انصاف ملوکانه دستخطی مبارک بنواب معز الدوله
وزیر عدلیه اعظم صدور یافت و بتاکید نظم دیوانخانه و رسیدگی بعرایض متظلمین و ملهوفین و اجرای احکام حقه شرعیه فصدور یافت
حاجی محمد حسینخان ولد مرحوم احمد خان عمید الملک بمنصب پیشخدمتی اول دیوانخانه عدلیه عظمی برقرار گردید روز یکشنبه هجدهم
رجب موکب مسعود همایونی از سلطنت آباد انتهاض فرموده بسمت کلاردشت و ساحات ییلاقیه مازندران تشریف فرما
گردیدند نواب حاجی ها الدوله سرتیپ اول بیکقبضه شمشیر مکلل بجواهر از درجه دوم سرافراز شد چندی قبل مابین
اشتهارد و بوعین در نزدیکی قشلاق شاهیشو بغلدی سنگی بزمین افتاده که تقریبا پانزده من تبریز وزن آن میباشد
این اوقات سنگ مزبور را امتحان کردند و معلوم شد چهارعشر آهن در صورتیکه خالص بودن داشته و علاوه بر آهن فلز
موسومه بنیکل در آن یافت میشده و از این جهة سنگ درخشنده باد زات نقره نما بنظر میآمد دانه ها آهن خالص آن مخلوط
باسنگ سیاهی بوده که آنرا الوپینو سیلیکات مینامند گردنه های سبز نزدیک آن مشاهده نموده اند که نظر آن در
اغلب سنگهای آسمانی دیده میشود سرکردگان و صاحبمنصبان و یوزباشیان کشیکخانه خاصه سپرده بجناب علاء الدوله
وزیر دربار اعظم بعد از سان دادن در حضور مبارک و ثبوت استحقاق آنها علی قدر مراتبهم بعواطف و مراحم و خلاع
و امتیازات ملوکانه مباهی گردیدند موکب همایون شاهنشاهی عز نضره از کلاردشت معاودت فرموده روز بیست و پنجم
شعبان بییلاق شهرستانک شرف نزول ارزانی داشت نواب والا عضد الدوله حکمران قزوین باعطای یکجلغه
انکشتری الماس برلیان سرافراز گردید موکب همایونی سه شنبه هفدهم رمضان المبارک بقصر سلطنت آباد نزول اجلال
فرمود نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و غیرها ادام الله
اقباله العالی این اوقات از اصفهان بقصد سرکشی عربستان و لرستان حرکت فرمودند مورد مراحم ملوکانه گردیده بکتوب
مرادی تره شمسه مرصع از ملابس خاصه افتخار ایشان ارسال فرمودند جناب حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم
رادداوایل شوال از اداره امور عسکریه و وزارت امور خارجه معاف داشته بحکمرانی قزوین برقرار نمودند نزلزله شدید
دوکره و اتفاق افتاد ترتیب مهام مملکت آذربایجان علاوه مشاغل جناب اجل آقای مستوفی الممالک وزیر اعظم داخله فرمودند

همدانی اوقات دولت ژاپن که از دول مشرق زمینی و در قسمتی از اقلیم آسیا واقع است محض فتح باب مراوده و دوستی واستحکام روابط مودت با دولت علیه ایران مأمور مخصوص موسوبه (یوشیدا مستحرو) همراهی (یوکوهاما کوئی جی رو) شرحم د (نوکاروانولوپش) سلطان مهندس و چهار نفر تاجر ژاپنی بدربار دولت علیه فرستاده در ماه شوال وارد الخلافه شدند و بحضور همایون شهریاری تا بلکرده بدله تقدیم نامه و تبلیغ پیام مودت آمیز اعلیحضرت امپراطور ژاپن را نموده استدعا جواب نظر فرمودند در ریاست اداره جلیله عسکریه و شئون ظفر مقرون را که عبارت از وزارت جنگ باشد بعهده کفایت و کفالت نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه ادام الله اقباله العالی تفویض فرمودند بکتوب صدارتی نمره ۱۰۰۱ مورخ ۲۱ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰ از دارالخلافه طهران بنواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند جناب میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه سابق که چندی در آستانه مقدسه حضرت رضا سلام الله علیه بمنصب متولیباشیگری مستسعد بودند بدربار همایون احضار شده مجددا بمنصب جلیل وزارت امور خارجه برقرار گردیده و بکتوب جنبه نمره ۱۰۰۲ مورخ ۲۱ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۰ از دارالخلافه بمنصب سپهسالار اعظم و اکرم ایالی قزوین داشته بپیشکاری تمام مملکت آذربایجان برقرار فرمودند جناب کتب زالوسکی وزیر مختار دولت اطریش هامود بامامت دربار دولت علیه که موقتا بوطن خود رفته بود باین اوقات بدارالخلافه معاودت نمود میرزا رضای صدیق الدوله بوزارت دارالخلافه برقرار گردید مسبوکتب مفتخرت رئیس بالبس شهریار دارالخلافه بمنصب سرتیپی دویم سرافراز شدند جناب حاجی میرزا محمدخان مجدالملک وزیر وظایف و اوقات مرحوم شد و وزارت وظایف اوقات بموجب شنجوف جهانمطاع مبارک بر عهده جناب میرزا علیخان امین الملک موکول آمد همدرایینسال فتنه شیخ عبیدالله کرد در بدا شد و دفع شر او کردید تبیین آنکه شیخ عبیدالله که از قدیم در سلک تصوف بپیشوه عوام فریبی بسر میبرد و در ناحیه هکاری میان اکراد شعبه دولت عثمانی مطاعیتی داشت در اوقات جنگ دولتین روس و عثمانی بعضی تفنگ و اسلحه جنگ بدست آورد و بخیال واهی افتاده که اکراد سرحد نشین دولتین ایران و عثمانی را در تحت ریاست خود در آورد در اواخر این سال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ کریزان شده بشیخ عبیدالله پیوست و خیالات او را تایید و تحریک نمود لهذا در حدود کردستان دولت علیه بنای قتل و نهب و حرکات وحشیانه که ناشی از فطرت ناپاک میباشد گذاشت اولیای دولت علیه که از غائله باخبر شدند در عرض بیست روز بیست و پنجهزار نفر از عساکر موجوده را بریاست نواب حشمة الدوله حمزه میرزا برای دفع این شر در نقاط مهمه حاضر ساختند و قبل از وصول او بزرگ دولت ساوجبلاغ و اورومی و آن صفحات اعتماد السلطنه مصطفی قلیخان که ریاست قشون آذربایجان داشت با سایر سرکردگان و عساکر منصوره در حدود مراغه و بناب و هزار نفر از باغبانان طعمه توپ و تفنگ نموده شکستهای فاحش بآنها دادند و ششصد نفر از اکراد حسنانلو سنیمذهب اورومی کرده بودند بقتل رسانیدند و در سه فرسنگی اورومی نیز جمعی از اکراد کهنه شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند براه عدم فرستاده و با قیماندگان را هزیمت داده تا دو فرسنگ تعاقب نمودند و علیخان پشیخدمت حضور پسر مرحوم محمدتاسمخان والی که در اینوقت بحکومت مراغه منصوب بود نیز از دیگران بعزت و همت و شجاعت در دفع اکراد کوششها کرد و حدود حوزه حکومت خود را از تطاول و شورش اشرار بخوبی حفظ نمود در اینحال نواب حشمة الدوله رئیس اردو بزرگ در حوالی صاحبقلعه بمرض طبیعی مبتلا شده مرحوم شد و نعش مرحوم شاهزاده را معاودت دادند و مقرر شد که موقتا محمدتقیخان حسام الدوله رئیس اردو باشد تا جناب سپهسالار اعظم بارد و ملحق شوند و عبدالقادرخان شجاع الملک برای ابلاغ احکام لازمه بسرکردگان اردو روانه شد خلاصه از آنطرف شیخ قادر و حمزه آقا با بعضی اعوان خود که فرار

بطرف ساوجبلاغ مرفته باز بهر دو برگه میرسیدند آنرا با آتش بی رحمی میسوختند تا جناب حسنعلیخان وزیر مع الخیر با فوج کرس
وسوار شاهسون و پرن بارده و اعتماد السلطنه پوسته و بالیدکر بطرف ساوجبلاغ حرکت کردند و بدینواسطه شیخ
قادر و حمزه آقا مجال زیست ندیده بسمت اشنویه گریختند شیخ عبدالله نیز در حدود اروومی از عساکر منصوره شکست
خورده با اعوان خود بقطعه اسمعیل آقا در دو فرسخی شهر اروومی که جای محکمی است گریخت روز شانزدهم ذیحجه جناب
سپهسالار اعظم وارد ساوجبلاغ شدند و مستوحش از اکراد را تامین کرده عساکر و توپخانه برای گرفتن شیخ عبدالله
و تبعه او در بیست و یکم ذیحجه بطرف سرحد محال مرکور فرستادند بموجب خبر تلگرافی که در سلخ ذیحجه رسید عرصه
ساوجبلاغ و اروومی یکلا از وجود اشرار پاک و امنیت و آسایش دایر شد و محمد آقا رئیس طایفه مامش بلباس از نزد کان
کرد با صطبل توپخانه پناه برده معفو گردید و شیخ قادر پسر شیخ عبدالله با معدودی از تبعه خود بنوجه که مسکن
شیخ عبدالله بود در خاک دولت عثمانیست گریختند امروز (المان) اعلیحضرت امپراطور در وقت انعقاد پارلمنت
المان در یکی از نطقهای سلطنتی از دیاد استعداد قشون خود را بملاحظه استعداد ارکان حربیه همجوار لازم و اهم شمرده
و در اینمسئله اصرار و مبالغت فرموده اند اختتام مجلس پارلمنت مقارن اتمام امپراطور المان و امپراطور اطریش در شهر ایشل
و زارت بخارت علاوه بر سایر مشاغل بیزمارک گردید (انگلیس) لرد و اسبلی پس از اتمام کردن نزدیکها و فراغ از
کار آنها با انگلیس مراجعت نمود انگلیسها همینکه افاغنه را خیره دیده و در کار خصومت و خلاف و دشمنی و نفاق ثابت و راسخ
یافتند مجددا در مقام تنبیه و هدیه آنها برآمده ثانیا کابل و بالاحصار را تصرف کردند ژنرال برینغ فتح آباد افغانستان
را که واقع در جلگه لغمانست فتح نمود قشون انگلیس در افغانستان هستند و افغانها باکمال سختی خود سر میکنند
مابین دولتین انگلیس و المان در باب منع آوردن برده و عدم منع بیع و شرای غلام و کنیز در طرف مشرق زمین معاهده منعقد
شده است چندین مجلس عامه برای اصلاح امور ارلند دایر نموده اند لرد در بی آخرین عقیده و نیت و مکنون ضمیر خود را
که میل و علاقه بطرف آزادی طلبان باشد تصریحا بروز داده و توضیحا اعلان نموده است معادل مبلغ پنجاه هزار لیره
انگلیسی الماس از پیشخانه کاپ بسرقت برده اند ژنرال رابرتس که در افغانستان بود کاغذی از موسی خان و سایر امرای
افغان که در غزنین جمع شده بودند با و رسیده در این کاغذ خواتین مشار الیهم بتبعیت خود شانرا بدولتین انگلیس اظهار
میکنند بسته شدن مجلس پارلمنت انگلیس با یکخطبه از پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان مسافرت اعلیحضرت
معظم لها بسمت المان جنگهای سخت متوالی افاغنه با قشون انگلیس در افغانستان مقاتلات شدیده و هجومهای
بسیار سخت مابین شهر کابل و کندهار و ورود عبدالرحمن خان از ترکستان بافغانستان انتخاب و کلای تازه برای
مجلس پارلمنت مساعد پلیتیک و زوال و بلک و کلادستون میباشد اجزای مجلس پارلمنت مرکبند از سیصد و چهل
و نه نفر هواخواهان و زوال و بلک و دویست و سی و پنج نفر هواخواه و زوال تووری و شصت و سه نفر از لندی تغییر
و زوال در انگلیس و صدارت کلادستون قشون ابوابجمعی ژنرال استوارت در حوالی غزنین سی هزار نفر سوار افغان
برخورده و جنگ سختی مابین قشون واقع میشود دولت در مجلس پارلمنت اظهار میکند که احکام سخت برای فرمانفرمای
هندوستان صادر شده است که عساکر انگلیس را از افغانستان احضار کنند تخلیه قشون انگلیس کابل را و شناختن
دولت انگلیس عبدالرحمن خان را بسمت امیر افغانستان عبور کردن ایوبخان از رود هیرمند و حرکت کردن او بطرف
قندهار قشون انگلیس بسرداری ژنرال بوروکه در قندهار بود اغلب مقتول شدند و بقیة السیف آنها بارک قندهار
پناه بردند قشون ایوبخان که این شکست سخت را بعساکر انگلیس مقیم در قندهار داده مرکب بود از دوازده هزار مرد

(افغانستان) شورش مابین
عساکر عبدالرحمن خان شورش
سخت در هرات قتل حاکم هرات
ایوبخان کرد زمین داد و بود
خود را بعجله بهرات میرساند
(چین) مراوده پلیتیکی این دو
دولت و سن نزدیک
بانقطاع است

وبیست و شش عراده توپ زلزله سخت در منیل که جمع کثیری را هلاک و مجروح کرد و بیوت بسیاری منهدم نمود ابتدای
شورش در باسوتو لاند در افریقای جنوبی بر ضد ولتا انگلیس ژنرال دُبرت سردار کل قشون انگلیس در افغانستان
باده هزاره ریزیده بکمک قشون انگلیس کدر قندهار محصور بودند حرکت نمود مسلمانهای هندوستان در صدد
شورش بر ضد ولتا انگلیس میباشند هالی ارلند نیز بر ضد ولتا انگلیس اشتهار علم شورش افراخت فوت لرد
ریدکلیف از معارف محاصره نمودن ابوبخان قندهار را و در ژنرال دُبرت بقندهار عقب نشستن ابوبخان
از حوالی قندهار و ارغنداب شکست یافتن او از ژنرال دُبرت جنگ باستسن با عساکر انگلیس و شکست باستسها
اما اخبار یکه از راس لمید میرسد دلیل بر ضعف قشون انگلیس است تمام طوایف بابوبرها بر ضد ولتا انگلیس اتفاق
نمودند شورش ارلندها روز بروز زیاد است (ایطالیا) یکی از توپهای صد پوندی که شنیده پوش موسوم به
دو بلاد ربند رسیز با ترکیده است محاجره نفار پن پاپ المان تمام شد عزل وکلای ملت بحکم پادشاه ایطالیا
و نصب وکلای جدید کوه آتش فشان وزوو بانهایت شدت آتش فشانی میکند (اطریش) طغیان آب رود خانه
در اپالتس مراوی که ضرر کلی بزراعت رسانید جشن سال پنجاهم تولد اعلیحضرت امپراطور ژنرال سخت در ویانه در پیش آنرام
ورسیدن خسارت زیادی بردم (اسپانیول) یکی از بلهائیکه بر روی دو والب بود در موقع حرکت قشون از روی آن
شکسته و صد نفر غرق میشوند تولد دختری از پادشاه که مسماة به مرسیدس میگردد و ولایت عهد او راست در مالاگا
طغیان آبها خسارت و خرابی زیاد وارد می آورد (بلژیک) افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر بروکسل بواسطهٔ
کدورتی که مابین دولت بلژیک و پاپ رو داد دولت بلژیک ایلچی خود را از دربار پاپا احضار نمود (روس)
کارکنان نظامی روس اسلحه و آلات حربیه بسیاری خریداری مینمایند و در سرحد المان و اطریش قشون جمع آوری میکنند
یک زد و خورد و غائلهٔ عظیمه مابین طلاب طایفه نیهیلیست و پلیس در پطرزبورغ رو داد طایفه نیهیلیست ملقب
نداعات و جنگلها را در مسکو آتش زدند ژنرال میلکف بجای ژنرال گورکو بریاست اداره امنیت برقرار گشت
برای قلع و قمع طایفه نیهیلیست اسباب نظم و نسق فراهم آورده و اهتمامی تمام دارند روسها کمال احتیاط را قشون را
دارند که مبادا در روز سیم ماه مارس که سال بیست و پنجم تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور و روز عید و جشن
تزار است طایفه نیهیلیست فرصتی یافته غفلة مرتکب فتنه و شرارتی شوند و عیش را بر مردم منغص کنند طایفه نیهیلیست
تیری برای ژنرال ملیکف خالی کرده ولی خطا شده بود اعلان آشکارائی از طایفه مزبوره در تمام ولایات
روسیه منتشر شده و یک مجلس عامه و اجتماع ملتی در شهر ورشو طایفه مزبوره منعقد کرده اند پرنس ارلف
ایلچی روس مقیم فرانسه بواسطه اینکه فرانسه ها در ترتیار نام که بقلب در راه آهن مسکو زده و از نیهیلیست
بود تمکین نکرده بود ندا زد ولت فرانسه بخشش داد کاغذیکه از طرف امپراطور المان با امپراطور روس رسیده
و مضامین آن مشعر بر دوستی و مودت مابین دولتین المان و روس بود در تمام مملکت روس انتشار میابد
ژنرال لرپس ملیکف از اعاظم و زرای اینمملکت که رفتکانی او بدست طایفه نیهیلیست در معرض خطر بود بدون صدمه
نجات یافت فوت امپراطور پس این مملکت عساکر چینی خود را فتح نموده اند پیش رفتن ژنرال اسکوبلیف بسمت
کوک پته شروع بساختن راه آهن از تفلیس بباد کوبه ژنرال لرپس ملیکف وزیر داخله میشود پادشاه و ملکه
یونان وارد پطرزبورغ میگردند رسیدگی با عمال طایفهٔ نیهیلیست که در زیر عمارت مخصوص اعلیحضرت امپراطور
نقبی کنده و آتش زده بودند و جمعی مقتول و مجروح شده جداً میشود نیز نقبی در راه آهن که محل عبور کالسکه

اعلیحضرت امپراطور بوده منکشف میشود اعلیحضرت امپراطور پرنس دلغورکی دامنه مینماید منازعه سخت فیما
بین اهالی بلیس و طلاب مدارس در مسکو (فرانسه) مجلس امناء وکلا قرار داده است که هر مطلب مسئله که راجع و
متعلق باموی معقوین باشد هیچ جمعیتی ندارند و معتنا به نشمارند مجلس وکلاء قانون جدیدی از برای فشون ایجاد کرده
وجرکه اتا مازور را منظم میکنند انتشار حکم ریشبرن جهودی در اخراج نمودن سلسلهٔ ژزویت که یکی از شعب مذهب کاتولیکی
میباشد از مملکت فرانسه و شروع کردن باینعمل بخشیدن تقصیرات هشتاد و سه نفر از اهالی کمون را که محبوس بودند ملحوظ شد
جزایر تاهیتی بمملکت فرانسه نصب میشود بار طلی سنت هیلن بوزارت بحار جهت (سود و بزوت) پارلمنت اینمملکت خدمت نظامی را
برای تمام افراد و احاد رعیت اینده دولت تا سن چهل سالگی حتم و واجب میداند اشعقاء و زرای اینمملکت نزد سنگر لذا از
علماء راه وصول بحوالی قطب شمالی را از نقطه غربی مفتوح میدانند (عثمانی) شدت و شیوع مخط و غلاد بلاد عثمانی
خصوصا در مدینه که از همه جا اشتداد و امتداد بیشتر است دول معظمه فرنکستان هریک رسما موری از جانب خود برای
تعیین حدود یونان و عثمانی مشخص کرده خواهند فرستاد شریف اعظم مکه را در جده بقتل میرسانند دولت مضایقه
دارد که بندر دولسپینو را به منتنگرو واگذار کند حسین حسنی پاشا بجای عثمان پاشای غازی وزیر جنگ میشود
مصلحت کذا منتنگرو مقیم اسلامبول بطور تهران اینشهر خارج میشود زلزله سخت در ازمیر از طرف اعلیحضرت سلطان
حکم ماموتی بودیر جنگ صادر شد که معجلا بدولسپینو فته و انشهر را تسلیم منتنگرو نمایند دول فرنک دولت عثمانی را تهدید
میکنند که اگر دولسپینو را معجلا بمنتنگرو واگذار نکنند باسفاین جنگی با او منازعه خواهند کرد سفیر کبیر دولت المان که
اقدم بر سایر سفراء است از طرف تمام دول فرنک یادداشتی بباب عالی اظهار داشته وعده را که در کنگرهٔ برلن در ترضیهٔ
یونان داده بود بخاطر دولت مشارالیها می آورد اهالی البانی باد دولت عثمانی در منازعه هستند که چرا دولسپینو را
بمنتنگرو واگذار مینماید بتغییر وزارت صدارت سعید پاشا و زارت بحریه عاصم پاشا سفاین جنگی دول فرنک برای تهدید عثمانی
در بندر اکوز جمع میشود تسلیم نمودن دولت عثمانی دولسپینو را بوالی منتنگرو (افلاق بغدان) مسافرت والی افلاق
بغدان و وجه ایشان باطریش بشهر استنبل و ملاقات با اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس پرنس شارلانتوان
پسر لئوپلد همهن زلرن که برادرزاده والی حالیه است بواسطهٔ نداشتن اولاد از طرف عم خود بولایتعهدی افلاق
بغدان منصوب میشود (بلغارستان) افتتاح مجلس پارلمنت اینیالت (هلاند) تولد یکدختر از پادشاه مشتاق بولیعهد
(یونان) دولت یونان در صدد اینست که مراودهٔ پلیتیکیه را با دولت عثمانی در باب تعیین حدود بهم بزند و روابط مشارالیها را
قطع کند و اینعزم را کوشزد همه دول معظمه کرده است پادشاه سفری بفرنک مینماید امریکا (شیلی دهنای جنوبی)
سفاین جنگی شیلی بندر گالانو را بضرب توپ منهدم مینماید جنگ تا گنا فتح فشون شیلی و غلبهٔ اینفشون بر عساکر متفقه
پرو و بلیوی فشون شیلی شهر آریکا را فتح نمودند بر وزشورش در بنزد کهشکوی مصالحه مابین پرو و شیلی شیلی و پرو قبول
میابجیگری اتا نوی را میکنند در حوالی لیما جنگ سختی مابین شیلی و پرو رو میدهد و قریب پنجاه هزار نفر در اینجنگ
از طرفین مشغول مقاتله میباشند افتتاح مجلس پارلمنت دولت برزیل با خطبهٔ مفصل امپراطور و ایجاد قانون وازادی
انتخاب وکلا دکتر تانر نام که شرط کرده و نذر بشبه بود مدت چهل روز غذا نخورد در هفتم ماه او منقضی شده و وعده او وفا
نذر بشبه بود برد اسپانی افتتاح اکسپوزیسیون عمومی در شهر ملبورن استرالی

سنه ۱۲۹۸ هجری — سنه ۱۸۸۱ مسیحی

آسیا (ایران) از میامن اقبال بیزوال اعلیحضرت همایون شهریاری خلد الله ملکه کلیهٔ امور دولتی نظم و انتظام

وما بعدها

کامل یار دلجانی شیخ علی خان وزیر فوایل بسمت حکمرانی ساوه سبیلغ بوقرار کرده باسرا بکه از آن نواحی وغیره نزد طغاه اکراد بوکلیه مستخلص شده نزد ما مورد بتفقد عشیره منگور بسرداری عزیز الله خان سرتیپ محل خود اصابت کرده بقتل منگور رسیده حمزه آقا خود را آماده جنگ نموده سنگر خود را استحکام داده با طایفه خود که بر شادت معروفند در مقابل عساکر منصوره خیلی ایستادگی مینماید و زیاده از شش ساعت جنگ طول میکشد و خونریزی زیاد میشود و حمزه آقا فرار از اشرار مقتول شده حمزه آقا دیگر مجال زیست ندیده بطرف حدود دولت عثمانی که پیش از دو فرسخ فاصله نیست سنگر بخت حسینعلی بیک یاور فوج پنجم و دسته جمعی او قلعه نعلین و عمارت جدیدالبنای حمزه آقا را که مامن و پناگاه فساد آن حدود بوده بخاک یکسان کردند شب غره محرم زاویه کرمانیه صحاه ثبات خانم که زیاده از پانزده سال زمین گیر و فالج بود در روضه مقدسه حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثناء بحسن توسل شفا یافت تغریر داری دهه عاشورا در فکیه دولتی با کمال شکوه بعمل آمد جناب عضد الملک خوانسالار و خازن مهر مهر آثار مبارک ببکتوب جزقه نوه از ملابس خاص در حجره اختصاص یافتند و محمد قلیخان نایب النظاره باعطای یکقبضه قمه مرصع مفتخر آمد نواب اعتضاد السلطنه وزیر علوم شب عاشورا برحمت الهی پیوست و ریاست مدرسه مبارکه دارالفنون دولتی و کتابخانه را بجناب مخبرالدوله علیقلیخان وزیر کل تلگرافخانه ها مما لک محروسه واگذار فرمودند مجلس تانیف کتاب نامه دانشوران ناصری را بمرافقت مولف مفوض داشتند جناب میرزا فهرمان امین لشکر بموجب دستخط همایون مقرر شده هر روزه در مجلس وزرا حضور یافته معلومات و مخابرات خود را در شعب امور دولت اظهار دارد جشن عید مولود اعلیحضرت همایون خلدالله ملکه را نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی در کمال شکوه باعلی درجه خوبی گرفتند در موقع این عید سعید اشخاصی که بنشان و حمایل سرافراز شدند از اینقرار است (جمخان سرتیپ فوج دویم نصرت نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (میرزا زکیخان سرتیپ ادیبل و مشکین نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی) (کلنل شمبل اطریشی رئیس سابق موزیکانچی اطریش نشان و حمایل از درجه اول سرتیپی) (بارون نرمان مترجم دارالترجمه همایونی نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا عباسعلیخان پیشخدمتباشی نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکته نشان و حمایل سرهنگی) (میرزا علی دکتر طبیب خصوصی همایونی و حکیمباشی نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دام الله اقباله العالی نشان و حمایل از درجه سیم سرتیپی) همه در این اوقات دستخطی مبارک مبنی بر حسن ترتیب و تکمیل امور دولت از قرار شرح ذیل شرف صدور یافت

سواد دستخط همایون

چون اعظم مهام امور دولت نظم ممالک و سرحد و آسودگی رعایا و رفع ظلم و ستم شریکی در میان آنها و انتظام مهام قشون و لشکر خانه و مهمات عسکریه و سایر شعب اداراتست در ایجاد و انتظام این مهام دو خارج و تشکیل قوانین و تدبیراتی لازمه آن منوط باجرای سریعه نافذه احکام مفیده و تشبثات صحیحه دولتست و آن اجرای احکام و استحکام مبانی افکار صایبه هم منوط بوجود وزرا و نوکرهای صاحب تجربه دولتخواه عاقل کامل باغیرتست لهذا بموجب این دستخط که خودمان مینویسیم اخیتا و وافتدار کامل مهیمن بوزرای منتخبین حالیه دولتیکه در مجلس دربار اعظم حکم بجلوس فرموده ایم که از این تاریخ ببعد در هر قسم از امور دولت از جزئی و کلی بمختار و مجاز و قادر خواهند بود که قراردهائیکه متضمن خیر و صلاح دولت و ملت باشد بگذارند و آنچه را که آنها صلاح دانسته و بعرض برسانند قبول فرموده و در تنفیذ آنها هم کرد و نفاذ امر و قدرت سلطنت را بهیئت این مجلس اعطا میفرمائیم که انشاء الله تعالی آنچه منظورات و مقصودات دولت در ترقی امور ملک و ملت متصور است در اجرای احکام بعرصه ظهور و برهنه آورده خاطر ما را از حسن خدمات و خیراندیشیهای خود شان خرسند و مسرور نمایند

وحسن

وحسن ظن والتفات ما را نسبت بخود شان دو زیرو زبار نکرده اعمال نیک خود را بر همه ظاهر نمایند تحریرا ۹۸
ادارهٔ معادن ممالک محروسه را بمیرزا علینقی حکیم الممالک واگذار فرمودند نواب اشرف والا ولیعهد بدو مهد دولت علیه ایران
حکمران آذربایجان ومضافات دام الله اقباله العالی که در تنسیق امور عسکریه و ادارجها آذربایجان مساعی جمیله مبذول
داشته بودند باعطای یکقبضه سمور داری مفتول دوزشمسه مرصع تن پوش مبارک قرین اختصاص واعزاز فرمودند در شکار گاه
جاجرود پلنگی شکار شست مبارک کرده بدست محمد تقیخان حاجب الدوله مرحوم شد محمد حسنخان قراشباشی ولد جناب علاء
الدوله بلقب جلیل حاجب الدوله ملقب گردید آقا محمد علی آبدارباشی ولد جناب امین السلطان بلقب امین حضرتی مفتخر آمد
امیرزاده محمد حسن میرزا ولد مرحوم عضدالسلطنه بمنصب جلیل پیشخدمتی حضور مبارک برقرار شد عبدالله خان حکمران
کیلان بموجب استدعا نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر خلیل دام الله اقباله العالی بمراحم افزا آمد نصرالله خان بلقب والا
سرتیپ حاکم کرکان دویست سرتیپ دویم مباهی گردید محمد باقر اوقات رای جهان آرای صوابنمای بندگان اعلیحضرت همایون صاحب
قران خلد الله سلطانه بر این علاقه گرفته که احدی از اشخاصی که در سلک هر طبقه از طبقات نوکر منسلک هستند در صورت
صحت بدن وسلامت مزاج بیکار نباشند وعاری از خدمت و شغل نکردند وسوای طبقه دعاگویان و اهل شریعت و ارباب علم که
محض توقیر شریعت بادعاگویی دولت باقیه وظیفه و مستمری مرحمت میشود دیگر هر کس زیاده از پنجاه تومان مواجب و مرسوم
داشته باشد بشغل وخدمتی مناسب حال مامور ومشغول ومتقلد شود ورسیدگی باین امر و ریاست این اشخاص را هم بعهدهٔ
مراقبت جناب عضدالملک خواننده لازم و خازن مهر مهر آثار و ایلخانی ایل جلیل قاجار موکول فرمودند جناب نریمانخان
وزیر مختار دولت علیه مقیم وینه که موقتا بدربار معدلتمدار همایون احضار شده بود بدارالخلافه باهره وارد گردیده بود
اشرف والا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان وغیرها ادام الله اقباله العالی
که موقتا بحضور مبارک احضار شده بودند روز دهم ربیع الاول وارد دارالخلافه گردیدند جناب علاء الدوله وزیر دربار
اعظم و سرکشیکچی باشی را بالقب امیر نظامی و اختیارات تامه با اجزای لازمه مرکب از نوکرهای کاردیده کافی مامور آذربایجان
فرمودند که مجددا باین مملکت رفته مشغول انتظام امور گردد نواب والا عباس میرزا ملک آرا بحکومت قزوین و مضافات
منصوب گردیدند و امیرزاده محمد میرزا ولد نواب معظم له باعطای منصب سرتیپی سیم سرافراز شد نواب اللهقلی میرزای
ایلخانی بحکومت ولایات همسنبر قرار گردید چون میرزا رضا صدیق الدوله وزیر دارالخلافه همراهی امیر نظام مامور آذربایجان
شد خالصجات طهران که اعظم املاک دولتی است بمیرزا محمد باقر پسر صدیق الدوله سپرده شد که بنیابت صدیق الدوله
متصدی امر خالصجات معزی الیه باشد و داود سدمالیاتی و ارباب و سایر مستغلات طهران و بلوکات متعلقه آن بر عهدهٔ محمد
ابراهیمخان کرانی مجرب پیر مردان در نجا مرنواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ حکمران دارالخلافه وغیرها
ادام الله اقباله العالی میباشد موکول شد روز دهم ربیع الثانی تلگرامی از جناب معین الملک سفیر کبیر دولت علیه مقیم
اسلامبول رسید بدین مضمون که اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان اطمینان داده بودند که دیگر شیخ عبیدالله و اکراد
طاغی جسارتی نخواهند نمود و اسباب امنیت حدود را دولت عثمانی با تفاق دولتین ایران فراهم خواهند آورد نواب اشرف
والا شاهنشاهزاده معظم ولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان ومضافات که بدربار معدلتمدار همایون احضار
شده بودند بدارالخلافه باهره ورود فرمودند روز یکشنبه نوزدهم ماه ربیع الثانی بعد از گذشتن هشت ساعت و سه
دقیقه و کسری از طلوع آفتاب آفتاب بجهانتاب بنقطه اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت بحمل تحویل کرد و مراسم جشن
عید و سال نو در پیشگاه حضور همایون معمول افتاد بمقدار دو هزار نوکر سوار و جلدیا زعراقی و آذربایجانی بامر همایونی

بلقب والا

جناب علاء الدوله امیر نظام گرفته و مرتب داشته باسم غلام منصور موسوم و در این ایام بتوسط میرزا احمد خان پیشخدمت
خاصه سرتیپ اول ولد جناب امیر نظام از سان حضور همایون گذشته و مقرر گشته ده هزار نفر بهمین اسم و وضع و هیئت
نوکر سواره گرفته شود عبد الحسین خان ولد مرحوم حاجی باباخان سردار بنشان و حمایل سرتیپ اول نایل گردید پدر سیمان طفلی شوخ
شد که چهار چشم و دو ابرو و شاخ داشت و باقی اعضایش درست بود و پس از تولد بمرد بموجب تلگراف جناب معین الملک
سفیر کبیر دولت علیه مقیم استانبول اعلیحضرت سلطان وعده صریح بتعمید شیخ عبید الله و میرزا از سر جهد کردشان و اعضا
باسلامبول فرمودند و نظامی مرکب از پنج فوج و یکهزار سواره و دوازده عراده توپ یکده عراده از آن از توپهای جدید
اختراعی است نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ ادام الله اقبالهٔ العالی بریاست میرزاده ناصر الدوله
سرتیپ اول تجهیز نموده علاوه بر اردوی سابق روانه آذربایجان داشتند حکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس را بنبای
ابنسال مرحوم ایالات و ولایات اصفهان و یزد و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و خوانسار و کلیایگان
بکف کفایت نواب اشرف والا شاهنشاهزاده ظل السلطان ادام الله اقبالهٔ العالی تفویض کردید و برحسب استدعای خود
نواب اشرف معظم له بنبایان ایالات بنواب والا جلال الدوله فرزند ارشد ایشان و کارگذاری امور آنمملکت بجناب میرزا
فتحعلیخان صاحبدیوان مرجوع شده و نواب والا جلال الدوله بکیتوی سردار ی نوزدهمین مرصع از ملابس خاصه و جناب
صاحبدیوان بکیتوی بجیغه دوم و مفتول دوزشمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع شدند میرزا محمدخان امین خلوت و
نقنگدار باشی ولد مرحوم میرزا هاشمخان امین الدوله بخطاب جنابی مخاطب آمد جناب یپهسالار اعظم از طرف شخص همایون
سلطنت برای تعزیت قتل امپراطور الکساندر دوم و تهنیت جلوس اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم بر تخت سلطنت
روسیه بسفارت دربار آن دولت مامور و باهدایای لایقه برای اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روانه کردید
و خود یپهسالار اعظم بکیتوی سرداری مفتول دوزشمسه مرصع ممتاز مخلع کردید و اجزای ملتزم سفارت (امیرزاده
وجیه الله میرزا سرتیپ اول) (عزیز الله خان صارم الملک سرتیپ اول) (میرزا رضاخان مترجم سرتیپ دوم) (میرزا
حسنخان سرتیپ دفتر اسرار) بودند و وزارت علوم بجناب علیقلیخان مخبر الدوله مرحمت شد لتبع الدوله بخطاب
نبیل جنابی مخاطب و سرافراز آمد میرزا محمد حسین ولد دوم سپهسالار اعظم بنصب استیفای دیوان اعلی برقرار کردید یحیی میرزا
نایب الایاله خدمات دیوانی کلان و وزارت آستانمان مرافقت نموده بنشان و حمایل سرهنگی سرافراز شد و در
همین سال نشان شیر و خورشید از درجه سیم بآقا میرزا مرحوم فرمودند میرزا کاظمخان للرباشی مرحوم جلال الدوله به پیشکاری
شاهرود و دامغان برقرار کردیدند نواب ابو الفتح میرزای مؤید الدوله حکمران کردستان بنشان و حمایل سرتیپی اول نایل آمد
و در همین سال چون در فتنه شیخ عبید الله و لایت کردستان را خوبی نگاهداری نموده بود بلقب مؤید الدوله ملقب کردید
میرزا هدایت الله مستوفی ولد مرحوم میرزا محمدتقی لسان الملک بعد از فوت پدر بلقب لسان الملکی نایل شد محمد حسنخان پیشخدمت
حضور بحکومت دلایتکاشان مامور و بخلعت همایونی مخلع کردید عمل تذکره وارد و صادر ممالک محروسه که از قدیم مقرر
و معمول بود بتوسط وزارت جلیله خارجه مستحکم و منضبط شد نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقبالهٔ العالی با
اشرف خاصه از حضور همایون مرخص شده باصفهان که مقر حکومت و فرمانفرمائی ایشان است معاودت فرمودند فرار
اشرار طایفه احمدوند چلبی از حدود و خاک کرمانشاهان بحدود و خاک عثمانی و عراق عرب بواسطه حرکت اردوی نظامی
حاجی شهاب الملک حکمران کرمانشاهان بطرف سرحد یکقبضه عصا مرصع از درجه اول محض مزید تکریم و اعزاز جناب مشیر
حجة الاسلام آقای حاجی ملا علی سلمه الله تعالی از طرف همایون ملوکانه اهدا شد جناب میرزا کاظمخان نظام الملک بعد از

فوت میرزا موسی وزیر لشکر بر حسب انتخاب بنواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بوفارت
لشکر که از مشاغل مورونی احداثی جناب معزی الیه بود سرافراز و بکبوب جیغه شمسه مرصع مخلع گردید نامه موثت خنامه
اعلیحضرت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه الکساندر سیم مبنی بر اعلام حادثه حزن انگیز اعلیحضرت امپراطور مرحوم و جلوس خود شان
بتخت امپراطوری با علیحضرت همایون کل ممالک محروسه بتوسط جناب مسیو نیلوف وزیر مختار دولت روس مقیم دربار دولت علیه
بحضور همایون موصول گشت مهد علیا خان امپراطور بیکقبضه شمشیر مرصع از درجه سیم مفتخر گردید بکقطعه انغه دان مکلل
بالماس که دوی آن مزین بتمثال همایون بود در حق گشت و منث فرث رئیس اداره پلیس دارالخلافه اعطا شد فضل الله خان شاطر
باشی بلقب بشیر الملک ملقب و سرافراز گشت دوز بیست و چهارم جمادی الاخری در دربار اعظم که نواب اشرف والا ولیعهد جاوید
مهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقبالهما العالی و جمیع وزراء و وکلای عظام
دولت حضار و حاضر شده بودند تخت همایون اعلیحضرت قدس مثهر یاری دام سلطانه در ترتیب جدید و انتظام اداره
دولت فرانت و کوشش داولیای دولت شد جناب یکپارچه زر و بیکوی که از طرف دولت بهیه روس بشما برای انهای امر
سلطنت بالوراثه اعلیحضرت امپراطور الکساندر سیم بسمت سفارت با نامه موثت علامه ماموریت دربار دولت علیه بود روز
بیست و سیم جمادی الاخری بکمال احترام و تشریفات معموله دولتی وارد و شرفیاب حضور همایون شد و هنگام معاودت
درباره جناب معزی الیه و همراهان او از طرف دولت علیه نشان و حمایل شد (بجناب یکپارچه زر و بیکوی بیکقطعه نشان نمثال
همایون مکلل بالماس) و بسایر همراهان علی قدر مراتبهم از نشان درجه دوم شیر و خورشید تا درجه پنجم و بعضی که رتبه
نازل تر بودند مدال طلا و نقره بذل و مرحمت گردید جناب سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی هم که از طرف
اعلیحضرت سلطان با نامه موثت خنامه برای ازدیاد اسم دوستی و انهای بعضی مقاصد دولتی با تفاق نواب حاجی حسام
السلطنه وارد دربار دولت علیه ایران بود روز بیست و چهارم همین ماه با تشریفات شایسته دولتی وارد و بحضور همایون
ملوکانه نایل و ششم رجب خلعت معاودت حاصل شد و خود جناب معزی الیه بنشان شیر و خورشید از درجه اول
خارجه با حمایل مخصوص آن و همراهان معزی الیه نیز بنشانهای امتیاز از طرف دولت علیه اختصاص یافتند ساعد الدوله
سرتیپ اول بحکومت استرابادماموریت و سرداری تره خلعت ملوکانه مخلع و مباهی گردید میرزا اسدالله خان شارژدافر
دولت علیه مقیم پطرزبورغ بودنج بودنج و اقامت همان دربار اختصاص یافت امیرزاده سلطان محمد میرزا ولد نواب
عضد الدوله بنشان و حمایل سرتیپی دوم و منصب نزال اجودانی خاصه حضور مبارک نایل گردید میرزا محمد تقی لشکر
نویس پسر مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر بلقب وکیل لشکری و تقلد مشاغل پدر و خلعت همایون امتیاز یافت جناب
سپهسالار اعظم بعد از مراجعت از سفارت روس بفرمانفرمائی مملکت خراسان و سیستان بعلاوه امر تولیت آستانه مقدسه
حضرت رضا علیه السلام منصوب و بیکقبضه شمشیر مرصع از درجه اول مباهی و روانه خراسان شدند نواب عضد الدوله
و جناب حاجی خازن الملک و امیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک و صارم الملک عزیز الله خان سرتیپ شاهسون و محمد صادق خان
امین نظام و حاجی میرزا علینقی مشیر لشکر و نصیر الله خان نایب اول زاده هم در معیت جناب سپهسالار اعظم ماموریت یافتند
و بیکقبضه سرعضای مرصع بجناب حاجی خازن الملک نیز اعطا شد معاودت نواب والا حاجی معتمد الدوله از فارس که
بنحو استقلال بفرمانفرمائی آن مملکت منصوب بودند منع اعطای القاب و مناصب و نشان و حمایل و امتیازات نظامی
مگر تحقیق لیاقت کامل و تصدیق شخص نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و جناب وزیر لشکر و بیست نفر
از امرای عسکریه فوت نامه محمد حسین داصفهانی که از اجله علما و آقایان محترم سلسله امام جمعه خوئی نیز چندی منصب

بذل امتیازات

ع

نظر بوفور کفایت و لیاقت نواب اشرف والا ظل السلطان حکمرانی اصفهان و فارس و کردستان و عراق و لرستان و عربستان و
عربها حکومت ایالات مزبوره بنواب اشرف والا ولیعهد جاوید مهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه
معظم له تفویض شد بحضور نواب اشرف والا ولیعهد جاوید مهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه معظم له
و احترام جناب یکپارچه الاسلام آقا سید صادق طباطبائی تحقیقات لنکرانی للناس من یلیه الطرف ملوکانه برای
ایشان اعطا شد منع اعطای القاب مناصب نشان و حمایل و امتیازات نظامی مگر تحقیق لیاقت کامل و تصدیق شخص نواب اشرف والا
ولیعهد جاوید مهد دولت علیه و نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه معظم له و جناب وزیر جنگ و جناب وزیر لشکر و بیست نفر
از امرای عسکریه فوت نامه محمد حسین داصفهانی که از اجله علما و آقایان محترم سلسله امام جمعه خوئی نیز چندی منصب

بیکقبضه شمشیر مرصع بنواب عضد الدوله

امام

امام جمعه منصوب بودند جناب آقای سید آقای پیشنماز رومیه بتوسط جناب امیر نظام علاء الدوله شیخ الاسلامی رومیه
منصوب شدند رسم موسومه رسمهایون که در اصفهان بامر نواب اشرف والا اظل السلطان بامضا و فکر آن بنا
شده در اینسال باتمام رسیده دایر گردید اتمام عمارت اندرون سلطنتی شهر بستانک و اعطای بکنیت سرداری قریه
کشمیری از ملاکین خاصه بجناب معتمد الملک وزیر مخصوص و وزیر بنائی و برقراری یکصد تومان اضافه مواجب در حق حاجی
ابو الحسن پسر معمار ان قتل حمزه آقای باباسر منگوی و سواد آقا و خضر آقا و علی آقا کرد از معتبرین اقوام حمزه آقا و همسر جلیل
اشرار اکراد و خاتمان دولت بودند و سواد جیلاغ بحسن بیگ پسر و اهتمام جناب حسنعلیخان وزیر فوائد میرزا اسمعیل ولد
جناب امین السلطان کرد از جانب جناب معزی الیه با ستخراج عامره داود بمنصب پیشخدمتی حضور مبارک و بکنیت سرداری
خلعت همایون مرافراز شد نواب عبد الله میرزا کرد از جانب نواب اشرف والا اظل السلطان ادام الله اقباله العالی بحکومت
کرمانشهان منصوب است بصدیق شاهنشاهزاده معظم له بلقب جلیل حشمة الدوله ملقب و سرافراز داشت نواب
اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بحکومت

بلغارستان بوینه فوت ژنرال بندک عهد بخارنی با سربستان پادشاه و ملکه بلژیک با پرنسس استفانی صبیه خود
که نامزد نواب ولیعهد اطریش است وارد وینه میشوند در دهم ماه مه عروسی زفاف نواب ولیعهد و شاهزاده خانم بلژیک
اتفاق می افتد پادشاه جزایر سن دوینج بوینه میرود فوت باون همبرلی وزیر امور خارجه بطور فجاه اعلیحضرت پادشاه
ایطالیا و ملکه بجهه ملاقات اعلیحضرت امپراطور اطریش بوینه می آیند کنت کالنکی بوزارت امور خارجه منصوب میشود
(اسپانیا) افتتاح مجلس شوری ملاقات سلاطین اسپانیول و پرتوغال (اخلاق بغدان) اهالی این مملکت والی خود را پادشاه
و مملکت خود را دولت و سلطنت اعلان داشتند در بیست و دیم ماه مه پادشاه و زوجه اش تاج سلطنت اخلاق بغدان را
بسر میگذارند (المان) نیس نواب ولیعهد المان با یکی از شاهزاده خانمهای اسلشویک هلستن اعلیحضرت امپراطور المان
و اعلیحضرت امپراطور اطریش در شهر گستن ملاقات مینمایند ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان و اعلیحضرت امپراطور روس
در دانزیک (انکلیس) شکست عساکر انکلیس در باسترا از طایفه بوئر در جنوب افریقا سکنی دارند فرستادن کمک
از انکلیس بجهه منقاد نمودن بوئرها و کلای ولندی از مجلس پارلمنت اخراج میشوند ایضا شکست عساکر انکلیس در حوالی دا
امید از طایفه بوئر و قتل ژنرال کولی سردار انکلیس بدست طایفه بوئر مامور بت ژنرال رابرت از انکلیس براس امید با قشون
زیاد بجهه ندمیر طایفه بوئر انعقاد مصالحه مابین انکلیس و طایفه بوئر و در اینعهد نامه انکلیس آزادی تام و تمام جمهوری
ترانسوال را میشناسد لرد بیکنسفیلد صدر اعظم سابق انکلیس در پانزدهم آوریل وفات میکند عساکر انکلیس قندهار را
تخلیه میکنند سی هزار نفر از عساکر انکلیس بجهه دفع اغتشاش و تامین ولند بانجا میروند کالاکو پادشاه جزایر
سن دوینج وارد ولند میشود شورش و انقلاب سخت در ولند (ایطالیا) اعلیحضرت پادشاه ایطالیا و ملکه بجزایر
سیسیل سفر مینمایند در سیسیل از طرف بلژیک تورنن جمعی از اعیان تورنن بجهه تبریک ورود اعلیحضرت پادشاه ایطالیا
می آیند زلزله شدید در شهر نایل و خرابی و خسارت زیاد در مجلس پارلمنت گفتگوهای بسیار سخت بر ضد دولت مینمایند
که چرا در مسئله تورنن دولت ایطالیا سکوت کرده اقدام بجنگ بر ضد فرانسه نمیکند (دانمارک) فوت ملکه مادر
اعلیحضرت پادشاه فوت پرنس کالین زوجه ولیعهد سابق (روس) انکشاف نفتی در راه آهن بجهه قتل اعلیحضرت امپراطور
روس انعقاد مصالحه مابین روس و چین فتح کوک پته بدست ژنرال اسکیلف در بیست و چهارم ژانویه کشته شدن
اعلیحضرت امپراطور روس الکساندر دوم بدست نیهیلیستها در پطرزبورغ در سیزدهم مارس و جلوس اعلیحضرت
الکساندر سیم ولیعهد با امپراطوری تمام مملکت روس تحقیق در اعمال قاتلین امپراطور مرحوم روساکف و چهار نفر از
همدستان او که قتل امپراطور مرحوم را سبب بودند بدار آویخته شدند در شهر کیو طایفه یهود را قبل میرسانند فوت
پرنس دالدنبورگ استعفای ژنرال ملوتین از وزارت جنگ پانفین بسیار سخت در مسکو نواب گراندوک قسطنطین
از ریاست شورای دولتی و از وزارت بحریه معزول میشود اعلیحضرتین امپراطور و امپراطریس بسمت مکاره سفر میکنند
پادشاه و ملکه دانمارک بجهه ملاقات صبیه خود که امپراطریس روس است به پطرزبورغ می آیند اعلیحضرت امپراطور قصر
کچینای را برای سکنای خود شان انتخاب میکنند جمعی که قصد قتل اعلیحضرت امپراطور را داشتند و بواسطه دینامیت
میخواستند عمارت سلطنتی را خراب کنند گرفتار شدند و عجب اینست که بعد از استنطاق از مقصرین معلوم شد که رئیس
پلیس پطرزبورغ با مقصرین همدست و شریک بوده است (سویس) کوه سن گتارد که سالها مشغول سوراخ کردن آن
بودند سوراخ شده و راه آهن از این سوراخ عبور میکند (عثمانی) دولت عثمانی قبول حکمیت دول فرنک را در مسئله خو
بونان نمینماید عثمان پاشا غازی بوزارت جنگ برقرار میشود برو ز طاعون یا مرض شبیه بطاعون در عراق عرب اشاع

سفرای کبار در اسلامبول برای رفع منازعه مابین عثمانی و یونان جزیره شیو (کیو) (سقز) بواسطه زلزله زیر و زبر شد
دول مابین دولت عثمانی و یونان میانجی شده تعیین حدود طرفین را میکنند و دولت عثمانی را در اینمسئله مجبور مینمایند
درویش پاشا سردار عثمانی با باقیهای البانی تصادف کرده چهار هزار نفر از آنها را مقتول مینماید اسشنطاوقدحت
پاشا و سایر اعاظم که متهم بقتل مرحوم سلطان عبدالعزیز خان بودند و مدحت پاشا و هشت نفر از همدستهای او را
حکم قتل و دو نفر را بحبس مؤبد دادند تمام سفرائیکه در عثمانی هستند شکایت خود شانرا بباب عالی در باب حکم
قتل مدحت پاشا اظهار میکنند و بتوسط سفرا اعلیحضرت سلطان از قتل او و سایرین کذشته حکم بحبس ابدی او مینمایند
اصطبل سلطانی تماما آتش میگیرد شورش طوایف اعراب در حجاز زلزله سخت در بابنی که بسیاری از مردم تلف شدند
برروز و باد در مکه معظمه و جده (فرانسه) فوت زوجه مسیو طیر فوت بلانکی جمهوری طلب مشهور فوت در وین و اوس
طایفه کردها از طوایف اعراب تونس در سرحد الجزایر با قشون فرانسه در جنک اند دولت فرانسه هفته قشونی دیده
عساکر زیادی بسرحدات تونس مامور میکند و از آنطرف والی تونس را دولت فرانسه متهم مینماید که با طایفه کردها
همدست است و عساکر فرانسه جزیره تابا کار را از تونس متصرف میشود دولت عثمانی حق سلطنت خود را در تونس اظهار
میکند و باد داشتی در این باب بوزارتخارجه فرانسه میفرستد و در جنک فرانسه سه کرور تومان دیکر از برای امداد
قشون کشی در تونس مطلب زلزله در شهر ایون فوت رئیس اداره معروف فیغارو از شهرهای تونس
بدست عساکر فرانسه هانری بیسن بریاست مجلس وکلای دولت برقرار میشود و زوال فرانسه معزول و مسیو گامبتا
بصدارت منصوب و مامور تشکیل وزارتخانه آنها (یونان) منازعه مابین یونان و عثمانی قریب بظهور است سفرای
دولخارجه که در یونان هستند اینوقت را مانع از جنک با عثمانی میباشند عساکر یونان بقصد تصرف نقاطی که
از دولت عثمانی بآنها واکذار شده بسرحد میروند و تمام نقاطی که عثمانی میبایست موافق عهدنامه بیونان واکذارد
تفویض نمود بروز مطیفه وبائی در اینمملکت بانها بیست ثلث افریقا (تونس) عساکر فرانسه شهر صفاقس را
کلوله باران میکنند جنک سخت در حمامه مابین دوازده هزار عرب و قشون فرانسه و فتوحات قشون فرانسه در
تونس (مارک) بروز طاعون در این مملکت (مصر) بروز اغتشاش در اینمملکت و شورش قشون مصر بر ضد
خدیو و محاصره نمودن آنها قصر خدیو را امریکا طغیان رودخانه ها در این اقلیم که موجب خرابی ابنیه و هلاک
بسیاری از نفوس میکردد (اتاتونی) انعقاد عهد تجارتی و دوستی مابین اتاتونی و چین در دوم ماه ژوئیه
کیتو نام طپانچه بطرف مسیو گارنیه رئیس جمهوری اتاتونی خالی میکند و ذخم مهلکی باو وارد آمده اطباء از معالجه
مایوس میشوند و پس از چند وفات مینماید ارتوکر باست جمهوری برقرار میکردد در ششم اکتبر جشن بزرکی در
اتاتونی در موقع سالکرد آزادی جنوبی اینمملکت از تبعیت و تصرف انکلیس میکریزند با نفس بسیار سخت در شهر نویک
(پرو) رئیس جمهوری اینمملکت و وزیر امور خارجه او و اعساکر شیلی محبوس کرده بمملکت خود میفرستد (مکسیک)
طوفان سختی که در اینمملکت شده باعث خرابی چندین هزار خانه و هلاکت چندین هزار نفس میشود

سنه ۱۲۹۹ هجری الی دهم جمادی الاولی سنه هجری — سنه ۱۸۸۲ مسیحی الی بیست و یکم مارس سنه ۱۸۸۳ مسیحی

آسیا (ایران) امور دولت در اینسال میمون و همایون بمرور اقبال همایون شهریاری نظم و ترتیب و شکوه و شوکتی تمام دارد
نواب والا شاهزاده رکن الدوله که مسبوق بولایت مملکت خراسان و سیستان بود قبل از فوت مرحوم سپهسالار اعظم
دوباره بحکومت خراسان و سیستان علاوه اختیار امر تولیت منصوب و بخلعت تن پوش مبارک مخلع شدند مهدیقلیخان

امیر

امراخور را با عطای یکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مفتخر فرمودند عبدالله خان قوللر آقاسی باشی و لدجناب امیر نظام علاء الدوله را بمنصب کشیکچی باشی گری و خلعت مهر طلعت مباهی داشتند ماموریت حاجی میرزا عبدالغفار نجم الملک معلم کل علوم ریاضی و دیگر مهندسین برای برآورد مخارج بستن سدا هواز بامر دولت علیه بیکقبضه شمشیر مرصع بسپاه ممتاز از شمشیرهای خاصه سلطنتی در باره نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی محض کمال انتظام وزارت جنگ دکتر طولوزان حکیمباشی حضور همایون بخطاب جنابی مخاطب و سرافراز شد نشان مجیدی از طرف دولت علیه عثمانی برای اشخاص مرقومه ذیل اعطا و ارسال گردید (کنت دمنتفرت رئیس پلیس دارالخلافه نشان درجه سیم مجیدی) (عباقلیخان سرتیپ مترجم درجه چهارم) (میرزا علیمحمد خان سرهنگ منشی و ناظم دارالطباعه دولتی و عبدالحسینخان سرهنگ مستشار اداره پلیس نشان درجه پنجم مجیدی) اعطای یکقطعه انگشتری الماس بپلیان بسپاه ممتاز در موقع عید مولود همایونی و عرض فشون در حق نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی محمد ابراهیمخان وزیر دارالخلافه بخطاب جنابی مخاطب و مباهی گردید میرزا کاظم ملک الاطباء حکیمباشی حضور همایون با عطای یکقطعه نشان ممتاز همایون مکلل بالماس مفتخر شد وزارت کرک با قتضای حسن اداره جناب امین السلطان باز بخود ایشان استقرار و اختصاص یافت امین حضور بمحصل محاسبات و نظم و ترتیب امور دفتر خانه استیفا که مسبوق بآن بود منصوب گردید بیکثوب سرداری ترمه تن پوش مخلع گردید جناب صنیع الدوله بر حسب اراده علیه و دستخط همایونی جزو وزرا و اعضای مجلس شورای کبرای دولتی شد باغ و عمارت دوشان تپه و باغ وحش آنجا مستقلاً با میرزاده سلطانحسین میرزا پیشخدمت حضور و اگذار و بیکثوب سرداری ترمه در باره مغفرله میرزا شمس الشعراء سام میرزا شمس الشعراء بیکثوب جبه ترمه خلعت همایون مخلع شد میرزا عباسقلیخان سرتیپ مهندس مخصوص حضور همایون بیکقطعه نشان شیر و خورشید از درجه دوم خارجه امتیاز یافت میرزا رضاقلیخان پروانی کاشته نواب اشرف والا ظل السلطان بلقب سراج الملکی و منصب استیفا از درجه سیم سرافراز شد میرزا علیرضای مستوفی بیکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع گردید میرزا حسنخان ولد مرحوم میرزا مصطفی وکیل لشکر بمنصب لشکر نویسی نایل آمد حاجی میرزا حسین میر بیکثوب جبه ترمه ایرانی سربلند شد میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی منشی روزنامه در صلهٔ مدیحه مولود همایون بیکطاقه شال ترمه مخلع گردید بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی شهریار خلد الله ملکه یکهزار تومان از وجوه صرف جیب مبارک برسم اعانت برای بازماندگان و ایتام محترقین تماشاخانه وینه مرسوم بر نیک اعطا فرمودند بامیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک مقرر گردید هزار نفر سوار جدید از بلک زادها و خانه زادها معتبر گردند با سلاح و لباس ممتاز از سان حضور مبارک گذرانده و با جمیع خود معزی الیه موسو سواران نامی باشند حاجی مصطفی قلیخان میر شکار بیکثوب کلجه بطانه سنجاب مخلع گردید جناب میرزا حسن ثانی فرزند جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه بمنصب جلیل شغل بنبل مستوفی الممالکی که منصب و شغل موروثی ایشان بود با جمیع مواجب و مرسوم آن منصب نایل و بیکثوب جبه ترمه مزدوزه مفتول دوزشمسه مرصع مخلع گردیدند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ممالک و ولایات فارس و اصفهان و یزد و عراق و بروجرد لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی برسم همه ساله برای شرفیابی حضور همایون از مقر حکومت موفتا احضار بدربار همایون و هشتم ربیع الاول وارد دارالخلافه و فورا شرفیاب حضور همایون شدند اعلان دولتی در باب صحت عیار مسکوکات جدیده و ترفیع ضرابخانه دولتی که الحال پنج دستگاه چرخ سکه در ایران است در روز یکصد هزار عدد پول طلا و نقره نسبهولت صنوان سکه نماید و حکم صریح بجمیع ولایات ممالک محروسه که جمیع سکه های قدیم را از اشرفی و قران بضرابخانه دولتی فرستاده بفاصله ده روز پول جدید الضرب بگیرند

ناپید و نقوشته بوضاخانه علیه عظمی موجب دستخط اکید همایونی

وهر کس از تاریخ ماه ربیع الاول الی الغایت شش ماه دیگر پول کهنه از طلا و نقره داشته باشد و مبدل بپول جدید الضرب نکرده باشد خزانه عامره دیگر آنرا در عوض پول رواج قبول خواهد کرد و بقیمت جنس که فتر خواهد شد و الهای دولتی از طلا و نقره و مسکوک بصنار و فامیازات دولتی مهر بهد تمام در ضرابخانه مبارکه ضرب و اخراج میشود بنابکان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقران خلد الله ملکه بکرور تجهه تشویق اهالی مدرسه دار الفنون تشریف فرمای مدرسه شده جناب مخبر الدوله وزیر علوم بعتبه بوسی و نقشه جائیکه در این اوقات در مدرسه تالیف و ترجمه و بعضی از آنها هم منطبع شده بود از لحاظ نظر همایون گذرانیدند و ورود مسعود با لواء وزیر مختار دولت فخیمه جمهوری فرانسه ماموریت فائمه دربار دولت علیه بدار الخلافه باهره باشرفیابی لازمه دولتی و شرفیاب شدن بحضور مبارک میرزا محمد صدیق الملک پسر فرهنگ وزارت جلیله خارجه بیکتوبیگی قرمه حاشیه دار مخلع کردیدن میرزا سلطان ابراهیم میرزا ولد رحوم عماد الدوله بمنصب ژنرال جوادی حضور مبارک سرافراز آمدن از طرف دولت جمهوری فرانسه بجهه اشتغال مرمصله دنبال نشانها علی حسب مراتبهم داده شد (صدیق الملک میرزا محمد پسر فرهنگ وزارت خارجه نشان کوماندور درجه سیم لژیون دنور) (میرزا مصطفی خان نایب اول وزارت او فیسیه درجه چهارم) (میرزا عبد الله خان سر نیب پست نشان اول وزارت او فیسیه درجه چهارم) (میرزا مهدیخان حامل پیغامات وزارت خارجه بسفارتخانه ها او فیسیه درجه پنجم) (میرزا نصر الله خان منشی و میرزا شکر الله نامنکار او فیسیه درجه پنجم) فوت آقا محمد ابراهیم نواب بدایع نگار دولت علیه در نهم ماه ربیع الاول بمرض سکته نواب اشرف والا اظل السلطان فرمانفرما و حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان وغیرها ادام الله اقباله العالی لباسی مرصع و نادبشی از برای سربازان تحت باستخود شان بعتبه فرموده نداز اقمشه و منسوجات خود ایران در کمال نفاست خوبی و دوام و مرغوبی که از نظر مبارک نیز گذشته و مطبوع افتاده مقرر فرمودند مرور ابرای کلیه افشون ظفرنمون دولت علیه از همین جنس و نوع لباس ترتیب داده شود حکومت ایالت کردستان ایران و کلیه افواج و فشون و ولایات محکومه نواب اشرف والا اظل السلطان ادام الله اقباله العالی را باتمام تمامات عسکریه و لوازم حربیه آن باداره و ریاست خود نواب اشرف معظم له واگذار و ضمیمه حکومت سایر ولایات ممالک محکومه ایشان فرمودند نظر بکمال توجه بنابکان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی ادام ملکه باداره فشون و انتظام این وزارت معظمه و شخطی مبارک برای مزید اقتدار و اختیار نواب اشرف و والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی را نخصاً جمیع شعبات این وزارت جلیله باداره شخص خود نواب معظم له صادر و مرحمت فرمودند نواب امیرزاده موئید الدوله ولد نواب حاجی حسام السلطنه از ولایت کردستان بحکومت ولایت خمسه منصوب و روانه شد محمد حسنخان پیشخدمت حاکم کاشان بیکتوبیگی سرداری قرمه ایرانی خلعت همایون گذرانیدند مفتخر گردید نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی جناب ناصر الملک محمود خان را که از وزرا و حکمرانان بزرگ دولت است برای حکومت ایالتین کرمانشاهان و کردستان انتخاب و پس از تحصیل اجازت از خاکپای همایون بصوب ایالتین مزبورتین روانه فرمودند فوج مسعود طهران برحسب استدعای نواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی کما فی السابق با میرزاده سیف الملک وجیه الله میرزا سرتیپ دوا بجمع شد محمد حسنخان پیشخدمت خاصه و امیر آخور اصطبل توپخانه مبارکه بیکتوبیگی سرداری قرمه ایرانی مخلع گردید شنبه شبنه غره جمادی الاولی بعد از گذشتن دو ساعت و چهار دقیقه و کسری از غروب آفتاب آفتاب بنقطه اعتدال ربیعی رسیده از برج حوت بحمل تحویل کرد سلام تحویل در عمارت جدید البنای رفیع البنیان موزه شرف تشکیل یافته مراسم سلام و جشن عید نوروز نیز کاملا بعمل آمد نواب اشرف والا ولیعهد ابد مهد دولت علیه ایران ادام الله اقباله العالی حکمران و صاحب اختیار مملکت آذربایجان که سال قبل بجهه اصلاح بعضی فرمایشات شفاهی ملوکانه در باب اعمال و مهام حکمرانی آذربایجان مخصوصا بدربار همایون مشده بودند در این اوقات لقای آن مقاصد و فرمایشات بانجام رسیده معززاً و مکرماً

از حضور همایون رخصت انصراف حاصل و رجعت بمقر حکومت آذربایجان فرمودند و هنگام دوانکی از دار الخلافه محض تکمیل
ظهور الطاف خفیه ملوکانه و مزید توقیر و اعزاز جانب شاهنشاهزاده اعظم یکقبضه شمشیر مرصع مکلل بالماس بلیان از
شمشیرهای اکرابنها و یکثوب سردوشی مفتول دوزشمسه مرصع از ملابس خاصه ملوکانه درباره نواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند
و نواب الامجد علیمرزا ولد نواب اشرف معظم له را بلقب نبیل اعتضاد السلطنه ملقب و بکقطعه نشان تمثال همایون مباهی و مشار
و محض تکمیل و تتمیم مراحم ملوکانه درباره نواب اشرف والاشاهنشاهزاده معظم له که در دفعه سیر طریشت نقل مکان کرده بودند
ذات همایونی بقدوم مبارک منزل ایشانرا مشرف فرمودند جناب امیرنظام علاء الدوله مقرر است که کماکان در آذربایجان برتق و
فتق مهام و اشتغال شاغله خود مشغول باشند علیخان ایشیک آقاسی باشی باعطای نشان تمثال همایون مکلل بالماس
اختصاص یافت نواب الاجلال الدوله ولد نواب اشرف والاظل السلطان ادام الله اقباله العالی مشمول مرحمت خاص فرموده
بکقطعه نشان تمثال بهمثال اقدس مکلل بالماس سرافراز فرمودند میرزا علی قایم مقام و حاجی میرزا یحیی صاحب الیافه در سلک اجزای
مجلس محترم دار الشورای دولتی منسلک داشتند جناب میرزا محمدخان امین خلوت باعطای نشان تمثال مبارک مکلل بالماس مفتخر
گردید حکیم الممالک بمنصب و مباشی سلام بخلعت و ساطت ابلاغ احکام همایونی بدیوانخانه عدلیه عظمی و مراقبت ختم اعمال دیوانخانه مباهی
ماموریت حاجی غلامرضاخان شهاب الملک از جانب نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقباله العالی بحکومت
مازندران و اعطای یکقطعه نشان تمثال خورشید تمثال همایون نایل گردید عبدالله خان والی کیلان باستدعای نواب والا
امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ باعطای یکقطعه نشان از درجه اول افتخار حاصل و یکرشته حمایل سبز مفتخر شدند ذوالفقارخان
سرهنگ فوج مهندس بمنصب سرتیپی نایل مباهی گشت جناب حاجی شیخ علی مجتهد مازندرانی بمرض سکته مرحوم شد برادر جمع
و خرج هذه السنه دولت علیه شده بعد از وضع جمیع مخارج مبلغ هشتصد و شصت و سه هزار و نهصد و نود و یکتومان
نقدا و جنسا فاضل دخل بر خرج آمده بعد از آنکه جناب اجل آقا وزیر اعظم داخله و مالیه کتابچه جمع و خرج را بملاحظه نظر انور
همایون رسانند مرقوم آن فاضل عصر ابتیاع اسلحه و انتظامات فوق العاده قورخانه و قشون بوسد و پنجشنبه
پانزدهم جمادی الاولی بر سم معمول اسب دوانی شد جناب نظام الملک وزیر لشکر که اسامی اسبهای سوغاتی را معروض خصوص مبارک
میداشتند یکثوب جبه ترمه حاشیه دار مخلع کردند مهدیقلیخان میرآخور اصطبل خاصه را یکثوب سردوشی مرصع خلعت همایونی
مخلع فرمودند از طرف اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه یکقطعه نشان سنت استانیسلاس با حمایل آن برای جناب
صنیع الدوله اعطا و ارسال گردید میرزا اعلی دکتر طبیب حضور همایون و حکیمباشی نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه
وزیر جنگ و معلم علم طب و تشریح فرنگی مدرسه مبارکه دار الفنون باقتضای مرتبت علم و حذاقت بلقب معتمد الاطبائی ملقب
شد جمیع کوچه ها شهر تبریز باهتمام جناب امیرنظام سنگفرش میشود نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و
سیستان از مشهد مقدس بجهة مهام سرحدیه عزیمت سفر سرخس و کلات فرمودند نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران
اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان و غیرها ادام الله اقباله العالی از
حضور همایون شهریار با استرداد مراحم مخصوصه رخصت انصراف بمقر حکومت حاصل نموده روز دوشنبه بیست و هشتم
جمادی الاولی از دار الخلافه باهره عزیمت اصفهان و بحضرت عبد العظیم علیه السلام نقل مکان فرمودند و محض مزید اعزاز و تکریم
جانب نواب اشرف معظم له بندگان اعلیحضرت همایون یکروز در حضرت عبد العظیم تشریف فرما منزل شاهنشاهزاده معظم
له شدند و روز چهارم جمادی الثانیه از راه بیه مقدسه رود دولت مقر حکومت مرکز فرمودند جناب اعتضاد الدوله حکمران قم
و شاهسون بغدادی باستدعای خود شان شرفیاب خاکپای مبارک شده باقتضای کفایت جناب معزی الیه و استدعای

نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقبالهٔ العالی حکومت ساوه و اضمیمه حکومت جناب اعتضاد الدوله
فرموده و معزی الیه را با عطای یکثوب سرداری ترمه مشمسه مرصع مخلع و مباهی داشتند میرزا محمد علیخان مستوفی ولد جناب معاون
الملک بمنصب شیفای خاصه از درجهٔ اول نایل شد از طرف دولت روس چند قطعه نشان بجهة اشخاص مفصله اعطا گردید
(میرزا جوادخان سرتیپ نشان سنت آنا از درجهٔ دویم) (میرزا نصرالله خان صاحبمنصب مخصوص وزارتخانهٔ جنگ و میرزا
شکرالله نامه نگار نشان سنت آنا از درجهٔ سیم) که چهار شهر شیراز را عموماً با اهتمام جناب صاحبدیوان شروع بساختن
و سنگ فرش کردند از جانب نواب والا رکن الدوله حکمران خراسان و سیستان حکومت تربت از حاجی میرزا محمود خان
منتزع و بحاجی محمد میرزا واگذار و حکومت جوین و اسفراین از نواب بزرگ الدوله موضوع شد جوین بموسی خان و اسفراین
بحسینعلی خان نخواهد رسایق تفویض گردید و حکومت بشنکوه را نیز از محل ابراهیم خان قاجار گرفته بسپهام الملک دادند
باوند کی زیاد در جمیع ولایات خاصه در فارس شب سه شنبه چهاردهم جمادی الثانیه خداوند تعالی بهمنت و مبارکی
فرزندی به بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری از بطن نواب علیه عزیزة السلطنه کرامت فرموده بنام نامی بضمیمه
الدین میرزا موسوم داشتند و شکرانهٔ این موهبت عظمی جشنی بزرگ گرفتند و علی الرسم نامه ها بسلاطین دول معظمه مخابره بتولد
تولد شاهنشاهزاده نصرة الدین میرزا را اعلام نمودند جناب معتمد الملک بلقب نبیل مشیر الدوله وزارت علیه اعظم
که از مهام خطیره است ملقب و منصوب و بیکثوب سرداری ترمه مشمسه مرصع از ملابس خاصه مخلع گردیدند و میرزا حسینخان
ولد جناب معزی الیه را بلقب معتمد الملکی و بیکثوب سرداری ترمه خلعت همایونی مفتخر فرمودند نواب والا اعزالدوله بحکومت
ولایت همدان منصوب و با عطای یکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه مخلع شدند میرزا احمدخان پیشخدمت خاصه و مرتبت
اول ولد جناب امیرنظام علاءالدوله غلامان مهدیه و منصوبو ابواجمعی خود را که بسبک سواره قزاق مشق میکنند باکمال
آراستگی در حضور همایون سان داده بیکثوب سرداری ترمه خلعت همایونی سرافراز شدند در قریه بیدکل کاشان زنی بیک
شکم سه دختر آورد محمد علیخان پسر خانلرخان از جانب احتشام الملک حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند بنیابت حکومت
نهاوند برقرار شد روز بیستم جمادی الثانیه که عید ولادت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است
نواب علیه عالیه عزیزة السلطنه والده نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ ادام الله اقبالهٔ العالی برسم معمول
جشن بزرگ گرفته و ضیافت عام از تسوان محترمه و غیرها کردند و عصر این روز ذات همایون شهریاری ابدالله علیشه
نیز تشریف فرمای میرزا نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ شدند مدرسه مجمع الصنایع واقعه در جنب خیابان
باب همایون را نواب اشرف والا امیرکبیر نایب السلطنه وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه و غیرها ادام الله اقبالهم العالی
حسب الامر همایون بارباب حرف و صنایع متنوعه دایر فرموده و هم صنعتگرانرا بدءاً محض تشویق از خود شان دست ماهیه
دادند و پس از ترتیب و تکمیل مجمع الصنایع یکروز ببندگان اعلیحضرت همایونی محض افتخار و تشویق اهل صنعت تشریف
فرمای آنجا شده همه را بتحسینات و انعامات و تشویقات ملوکانه نایل و سربلند فرمودند میرابوتراب پسر مرحوم امیر
شیرعلیخان امیرافغانستان با همراهان از خراسان بدارالخلافه آمده بحضور همایون مشرف و با عطای یکثوب سرداری
کلابتون دوز از ملابس خاصه سرافراز شد جناب میرزا محمدخان امین خلوت در موقع سان دادن تفنگداران سرکاری
بیکثوب سرداری ترمه از ملابس خاصه سلطنتی مخلع و حاجی میرزا شفیع مستوفی نیز در این موقع بیکثوب جبر ترمه خلعت
همایونی مباهی آمد محمد حسنخان پیشخدمت حضور پس از مراجعت از حکومت همدان بحکومت کاشان سرافراز و بخلعت مفاخر مخلع گردید میرزا ابوصفخان مستشار وزارتخانهٔ جنگ با انتخاب اشرف جناب مشیر الدوله وزیر علیه اعظم

بمستشاری

بستشاری وزارت علیه برقرار شد میرزا علیرضا مستوفی سیم بمنصب استیفا از درجه دویم و یکتوب جیغه مرصع ایرانی حمایل دار
منصوب و مخلع گشت میرزا احمد سررشته دار کل وزارت دربار اعظم بمنصب استیفا از درجه سیم و اعطای یکتوب جیغه مرصع
ایرانی نایل گردید روز چهارشنبه بیست و نهم ماه جمادی الثانیه تمام جرم آفتاب در عقده ذنب منکسف شد نواب اشرف والا
ولیعهد جاوید مهد دولت علیه ایران ادام الله تعالی المعالی روز نهم جمادی الثانیه با نشریفات تمام وارد شهر تبریز و
مقر حکومت آذربایجان شده و روز دیگر در سلام زمام کلیه امور و مهام ولایتی بجناب امیر نظام علاء الدوله واگذار و
شش شب تمام فیروزه مکلل بجواهر محض تکمیل انتفاعات ذکر خود شان باز کرده بجناب امیر نظام مرحمت فرمودند روز سیزدهم
رجب عید مولود مسعود حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود در تالار عمارت باغ گرنشکیل سلام درخصوص
همایون شد و مراسم جشن عید کاملا بعمل آمد دختر اصفهانیه که هم کره هم لال بود در نهم متوسل بحضرت معصوم سلام
الله علیها شده شفا یافت رساله علیه فارسی از جناب حجة الاسلام حاجی ملا محمد حسین مجتهد کاشانی بطبع رسیده
مجانا منتشر گردید موکب همایون صاحبقرانی روز هجدهم رجب تشریف فرمای ییلاق صاحبقرانیه شمیران گردید نیابت
ایالت خراسان و نظم امور شهر مشهد مقدس در غیاب نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان گردیده
و ترتیب امور سرحدات خراسان رفته اند با نواب معین الدوله احمد میرزا ست جناب میرزا ملکم خان ناظم الملک و وزیر مختار
و سفیر دولت علیه مقیم دربار انگلیس که بجهة بعضی مشاغل و مهام شخصیه خود استدعای مرخصی نموده بایران بخاکپای مبارک را
کرده و این اوقات بدار الخلافه رود و دربار همایون آمد علاوه بر سفارت دربار دولت انگلیس سفارت دربار دولتین
المان و هلاند را نیز بعهده کفایت جناب معزی الیه موکول و معزی الیه را بلقب نبیل ناظم الدوله ملقب فرموده و هنگام مرخصی
و حرکت از دار الخلافه نیز معزی الیه را بیکتوب سرداری مرصع از ملابس خاصه مخلع و مباهی فرمودند میرزا یوسفخان مستشار
الوزاره بلقب مستشار الدوله ملقب گردید جناب امین السلطان چون در زمان رجوع وزارت کرک معزی الیه دو
خدمت بزرگ کرده یکی اینکه مبالغی بحسن مراقبت بر وجوه مالیات کرک افزوده و دیگر تعیین متعهد اردبیل از خارجه باخله
ایران و مال التجاره داخله ایران بممالک خارجه که در ظرف یکسال چند وجه قرار است از روی دقت و صحت نموده و صورت
آنرا بعرض خاکپای همایون رساند بیکتوب سرداری مرصع از ملابس خاصه مخلع و مباهی گردید بخفقلیخان قاجار
رئیس طایفه حاجی مهدیقلیخانی بنشان و حمایل از درجه سیم سرتیپ سرافراز شد محمود خان ولد محمد ابراهیم خان قاجار
کرد و سال هزار و دویست و هشتاد و پنج بریاست طایفه شاه بود اغلو برقرار گردیده بود در اینسال بنشان و حمایل
سرهنگی نایل آمد میرزا ولیقلی سررشته دار قورخانه مبارکه بمنصب لشکرنویسی قورخانه مفتخر شد از طرف نواب اشرف والا
شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان حکومت بروشهر هم جزو بهبهان و بجای نصیر الملک تفویض گردید در کازرون فارس
زلزله شدید بنا و نفت در شهر رشت طرف بیرون بازار آتش گرفت در استرآباد زلزله شد موکب همایون شهریاری
از صاحبقرانیه شمیران روز سه شنبه دهم شعبان عزیمت ییلاق لار فرمود جناب میرزا علیخان امین الملک وزیر وظایف
و اوقاف و پستخانه های ممالک محروسه مدیر دار الشورای دولتی بلقب جلیل امین الدوله ملقب و مباهی شدند جناب
جلالتمآب عضد الملک خواهر زاده ایلخانی ایل جلیل قاجار وخازن مهر مهر آثار مبارک جمیع طوایف خوانین و امیر
زادگان ایل جلیل قاجار را باکمال نظم در حضور مبارک سان داده مورد مرحمت گردیدند غلامان کشیکخانه مبارکه را
عبد الله خان سرکشیکچی باشی و غلامان مهدیه و منصوره امیرزا احمد خان پیشخدمت خاصه سرتیپ اول نیز یکروز با
کمال آراستگی با برانقهای طلا و نقره و لباسهای مباهوت تازه ممتاز سان داده مورد تحسینات و الطاف ملوکانه

اسپند نواب والا عضد الدوله بریاست دربخانه نواب اشرف والا ولیعهد گردون مهد دام اقبالها العالی منصوب
میرزا نصرالله خان منشی باشیگری حضرت والا ولیعهد مباهی گردیدند میرزا ابوالقاسمخان مستوفی نوری حاکم
سابق خلخال بحکومت مراغه و خانبابا خان پیشخدمت خاصه حضرت ولایت عهد بحکومت محوار قان از طرف نواب اشرف
معظم له انتخاب شدند در خوی زلزله شدیدی شد حسینقلیخان ایلخانی بختیاری در اصفهان بدرود جهان کرد در چهار
باغ اصفهان بحکم نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقبالها العالی سربازخانه بسیار بزرگی بنا کردند در نیمه شعبان
کهعیده مولود مسعود حضرت صاحب الامر امام عصر عجل الله تعالی فرجه است در دوی هما یون در ساحت لارجشنی
بزرگ کرفتند میرزا یوسفخان مستشار الدوله مستشار وزارت علیه عظمی بکفتوب بسرداری ترمه ایرانی خلعت
همایونی مخلع کردید حاجی میرزا مرتضی طبیب بلقب شریف الاطبائی ملقب شد تمام بازارهای شهر شیراز را مثل بازار وکیل
با نقش آجری با شکوه میسازند نواب والا رکن الدوله حکمران مملکت خراسان و سیستان دار السیاده حضرت رضوی
علیه الصلوه والسلام را آئینه کاری میکنند و سه هزار تومان مخارج آن را معین و از منافع موقوفات حضرت دادند
در کرمان بامر و مشورت و دستور العمل نواب نامبرده الدوله حکمران کرمان و بلوچستان اقمشه خوب مناسب برای لباس تمام
افواج میبافند و از جنس نمدکرکی پالتوهای نظامی بسیار نفیس خوب مثل ماهوت درست میکنند در بقعه امامزاده جعفر
پسر دختر فاجی شفا یافته موکب اعلای شهریاری از کار بساحت عزار ستاق مازندران وحدود بلده و نور تشریف فرما
کردید جناب حاجی سید حسین ترک از اجله علماء درعتبات عالیات بجوار رحمت حق ایزد متعال غفور خداوند واهب العطایا
رفت شوال و ذیقعده مولود مسعود باعلیحضرت اقدس همایون شهریاری کرامت فرموده موسوم بمنصور الدین میرزا
کردید جناب امین السلطان پانصد نفر سواره خواجه و ندرا که ساکن کجور هستند درحدود نور بآستانی از سان حضور
مبارک کنند جناب جهانگیرخان امجد بنا شی سرتیپ اول و رئیس قورخانه مبارکه در سلک و زرای دولت منسلک و
بوزارت صنایع منصوب کردید میرزا محمدخان نوری حاکم بلوک اُرود بکفتوب بجبه ترمه ایرانی حاشیه دار مخلع شد
میرزا عبدالله خان پیشخدمت خاصه بکفتوب بسرداری از جامه خانه خاص خلعت یافت حاجی شها بالملک حکمران مازندران که
در اردوی بلاغ شرفیاب خاکپای مبارک شده بکفتوب بسرداری ترمه خلعت مهر طلعت مخلع کردید موکب همایون روز سه
شنبه سلخ رمضان بشهرستانک نزول اجلال فرمود جناب امین السلطان را باعطای یکقبضه انکشتری الماس سربلندی بخشیدند
مباهی فرمودند آقا علی اصغرخان صاحبجمع لدی جناب امین السلطان بلقب امین الملکی و آقا محمد قاسم ولد کهتر جناب بمعزی الیه
بلقب خانی نایل و سرافراز شدند محمد حسنخان حاجب الدوله فراشباشی و نسقچی باشی باعطای یکقطعه نشان نمثال بی
مثال همایون مفتخر کردید حاجی مصطفی قلیخان میرشکار را بکفتوب بکلیجه ترمه بطانه سنجاب مخلع فرمودند جناب
مُنسیو کلوزل که از علما و فیزیسین بزرک مذهب کاتولیک مسیحی و اصلا فرانسوی و سالها ساکن دارالخلافه آباد اردو می بود
بود و مشارالیه اعلان دولتی در منع قاچاق اسلحه در روزنامه دولتی مکرر از برای شاهنشاهزاد کان عظام نواب والا و نوادها
و اخوان و اعمام بزرک سلطنت نواب بنهائی نوشته خواهد شد اللهقلی میرزای ایلخانی باعطای یکفتوب بسرداری از جامه خانه
خاص مخلع کردید بکفتوب بسرداری ترمه شمسه مرصع از ملابس خاصه با فتخار اعتضاد الملک حکمران سمنان و دامغان اعطا
و ارسال سمنان فرمودند و شنبه بیستم شوال موکب همایون از شهرستانک تشریف فرمای قصر صاحقرانیه شد
و فات تا بستان را بر سم هر سال اردوی نظامی مرکب از تمام قشون ساخلو دار الخلافه طهران در بالای قصر قاجار
نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر و زیر جنک با کمال نظم و آراستکی ترتیب داده بودند بنکاه اعلیحضرت اقدس

شهریار دعا بالله جلسه بعد از مراجعت از سفر ییلاق بکرو ذ بارد و مزبور تشریف فرما شده با قضای کمال خوستدار
نظم اردو و رتق مشق افواج و سواره بکفیضه قدار مکلل بالماس از دست مبارک بنواب اشرف معظم له مرحمت فرمودند
میرزا یوسف نوری لشکر نویس و لد مرحوم میرزا محمد حسین مرحوم داماد اول دولت خاقان مغفور تا اواسط دولت شاهنشاه مبرور
بوزارت و حکومت ولایات مامور میشد و در اواخر عمرش شصت سال در جزو مستوفیان دیوان اعلی منسلک بود بعد از
فوت او منصب مستیفا موافق فرمان شاهنشاه ماضی محمد شاه غازی طاب الله ثراه بمیرزا یوسف مرحمت شد تا در اوائل
این دولت روز افزون که مدرسه مبارکه دار الفنون ایجاد کرده بدر مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم خواست یکی از ارباب
قلم که از اهل کمال باشد تتق و فتق عمل مدرسه دار الفنون را کفیل شود میرزا یوسف را انتخاب کرده امور مدرسه را
بود جوع نمود و چون مدرسه دار الفنون مدرسه نظامی بود موافق فرمان مبارک منصب لشکر نویسی دیوان اعلی با و مرحمت
و تا بیست سال با صدق و راستکاری امور مدرسه سدید که مینمود تا در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج از عمل مدرسه
استعفا کرده در عوض عمل چند فوج چند دسته سوار با و رجوع شد بعلاوه مقرر کردند که مجلس شورای عسکریه حاضر
شده با مور آنجا رسیدگی کنند و سال قبل مقرر شد که نیز از اجزای مجلس ترتیبات تفنگچی باشد و در هذه السنه بعلاوه
آنها اجزاء امتیازات تفنگچی کردید بتنبیه کردن ساعد الدوله حکمران استرابادکسان قلیچ خان ترکمان را که دست
بشرارت و هرزگی دراز کرده بودند در حوالی آق قلعه استراباد فرار شیخ عبید الله کرد از اسلامبول آمدن بخانه خود
برای تجدید فتنه و اغتشاش در سرحدات آذربایجان و دوباره ماموریت شدن ماموری دولت عثمانی برای اخذ و تبعید او
از سرحد و فرستادن باقصی بلاد عثمانی شیوع و شدت در دکلو و مرض نوبه در مرند آذربایجان و رفع آن میرزا احمد خان
سرتیپ اول ولد امیر نظام حامل یکزوج سر دوشی مرصع از طرف قرین الشرف همایون با افتخار نواب الاولیعهد کردون
مهد دولت علیه و نشان مرصع امپر نوپانی اعظم با حمایل آن بجهة امیر نظام وزیر دربار اعظم شده روانه آذربایجان
کردید سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی که حامل هدیه کرانبهائی و نامه مخصوصی از قبل اعلیحضرت سلطان
عبد الحمید خان بود در ماه ذیقعده وارد دار الخلافه شده و شرفیاب حضور مبارک کردید منزل معزی الیه مثل سفرسابق
در باغ لاله زار و مهماندار او نیز بنده مؤلف بود مسجد رفیع البنای حاجی میرزا حسینخان سپهسالار اعظم مرحوم را که معروف
بمسجد سلطانی و در جنب باغ آنمرحوم بنا شده است بامر همایون ملوکانه مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم از وجوه خود آن
مرحوم سریعا مشغول اتمام است زمین وسیع وسط میدان است دوانی را که بطول ندو پنج ذرع تمام محیط آن است
و سابقا از اراضی خشک لم یزرع بود بامر دولت و مراقبت امین السلطان وزیر خزانه و کرک و غیره قناتی که منجاوز از
چهار سنگ آب دارد برای شرب آنجا جاری و احداث و در ظرف شش ماه آنجا را مشجر و آباد و باغی در کمال حضرت و صفا
نموده موسوم بباغ شاه کردند و عمارت عالی در طرف شمالی این باغ واقع است که منظر باغ دارد موکب همایون از ضلع قبله
تشریف فرمای سلطنت آباد شد شب شنبه سلخ ذی القعده علاء الدوله امیر نظام در اردو می بمرض سکته مرحوم شد
میرزا احمد خان ولد آنمرحوم را بلقب علاء الدوله ملقب فرمودند حسنعلیخان وزیر فوائد بدربار ثبت وقوع آذربایجان و میرزا
رضای صدیق الدوله برسیدکی امور مالیاتی و داخله آنمملکت منصوب و مامور شده و خود نواب الاولیعهد کردون مهد
من بعد جمیع امور آن مملکت را مستقلا اداره مینمایند در امسال بمباشرت امین السلطان وزیر خزانه و کرک و غیره
عمارات و بیوت متعدده اندرونی سلطنتی را که کهنه و قدیم شده بود در ظرف شش هفت ماه تماما از بنیاد خراب کرده
بجای آنها عمارت و حیاطهای بسیار عالی و وسیع و باشکوه که حیاط آن یکصد و بیست ذرع طول و یکصد و دو ذرع

عرض

عرض و چهار سمت آنند و مرتبه عمارت و مشتمل بر حوضها و جداول متعدده است و زوایای آن نیز خلوتها و جاهای کوچک خوشوضع متعدد دارد تماما با آجر و صاروج و گچ و سنگ بنا کرده و با تمام رسانیدند تالار خانه عالی خوبی نیز در جنب خیابان ناصریه در جوار مدرسه مبارکه دارالفنون که مشتمل بر منازل متعدده فوقانی و تحتانی است و جود دولت بمباشرت مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف ممالک محروسه بنا شد خیابانی وسیع و عالی نیز از طرف شرقی باب همایون بخیابان ناصریه ساخته و مفتوح گردید حکومت محوآقان از طرف نواب الاولیعهد دولت علیه حکمران مملکت آذربایجان بجانب حسامالدوله مفوض شد صاحبمنصبان جدیدیکه برپاست کلنل چارکوو سکوی بجهة مشق سواره سبک قزاق از دولت بهیه روسیه خواسته بودند وارد دارالخلافه شده بتوسط نواب الاناب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ بحضور همایون مشرف و معرفی شدند سلیمان پاشا مامور مخصوص دولت علیه عثمانی هنگام مرخصی و مراجعت باسلامبول بکفطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول مکلل بالماس و همراهان معزی الیه نیز بنشانهای امتیاز سرافراز شدند حسنعلیخان وزیر نوایدبلیغ سالار عسکری و بکفیضه شمشیر مرصع و ریاست قشون مملکت آذربایجان منصوب و مفتخر گردید میرزا رضای صدیق الدوله بکشوی جبه شمسه مرصع و خطاب وجنابی و وزارت مالیه داخله آذربایجان سرافراز شد امین لشکر بمنصب وزارت نوایدعامه مفتخر گردید معزالدوله بهرام از اعمام عظام سلطنت بکشیک هشتم ذیحجة الحرام بمرض فجاءه برحمت الهی پیوست چون امر و اراده علیه همایونی بمجلس امتیازی بجهة ترفیعات و ترفیع مناصب و اعطای امتیازات بافراد عساکر منصوره نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ مرکب آن وزیر لشکر و امرای توپمان و صاحبمنصبان بزرگ عسکریه و غیرهم ترتیب و تشکیل دادند تزوزنامه موسوم بایران که از ابتدای ریاست این بنده مؤلف تا این سال در زیر سایه سلطنت سنیه همایونی بنمره پانصد رسیده بتوپ چسب سم میمون آرو پاپانصد نمره را در یکجلد جلد کرده تقدیم خاکپای مبارک داشته دستخطی مبنی بر اظهار کمال رحمت و رضایت با افتخار این بنده شرفصدور یافت اینبنده دیوانی و دولتی شهر کرمانشاهان از ناصرالملک حکمران کرمانشهان و کردستان بامر دولت و اجازت مخصوص نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق برو جرد و لرستان و عربستان و کرمانشهان و کردستان و غیرها مرمت و تعمیر کامل کرد موکب همایون در این اوان مقیم و تشریف فرمای عشرت آباد است این ترتیبات جدیده که باتاکید شاه ملوکانه در امور دولت مرتب و مؤکد شده است کل وزرا مشغول را از قرار تفصیل ذیل در مشاغل و اعمال خودشان مسئولیت کلیه داده و حدود تکالیف آنها را معین فرموده ایشان را وزرای مسئول خواندند (نواب والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ) (جناب آقا رئیس وزرا وزیر داخله و مالیه) (مؤتمن الملک میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه) (مشیرالدوله وزیر علمیه عظمی) (امین السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه و کمرک) (امین الدوله مدیر مجلس وزراء و وزیر وظایف و اوقاف و پست) (نظام الملک وزیر دفتر لشکر) (نصیرالدوله وزیر فلاحت و تجارت) (مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف و معادن) (میرزا قهرمان امین لشکر وزیر فوایدعامه) (امین حضور وزیر بقایا) (جهانگیرخان وزیر صنایع) (صنیع الدوله (بنده مؤلف) وزیر انطباعات و دارالترجمه خاصه بجهة مزید رونق کارخانه های شاهانه ایران از غره محرم سنه هزار و سیصد غره دولتی شد که تمام خلاعی که از صندوقخانه مبارکه مرحمت میشود بلا استثنا شال کرمانی باشد موکب همایون صاحبقران بکباد از عشرت آباد تشریف فرمای عمارت زمستانی سلطنتی شهر شد تکیه دولت را باکمال شکوه بسته در دهه عاشورای شب و روز مشغول روضه و تعزیه حضرت خامس آل عبا صلوات الله علیه هستند ایام هفته بین ترتیب ذیل برای سید ذات همایون ملوکانه بمشاغل و امور دولتی تقسیم شد شنبه مطالب و زارت عدلیه و علوم و معادن و تلگراف و تجارت

و فلاحت

وفلاحت یکشنبه مطالب دیوان جملک و دفتر لشکر و وزارت صنایع دوشنبه تعطیل سه شنبه مطالب وزارت داخله و مالیه و دفتر استیفا و وزارت بقایا و وزارت خزانه و دربار و کرک وغیره چهارشنبه وزارت تجارت حجره و وزارت وظایف اوقاف وغیره و وزارت تنظیمات و وزارت فواید پنجشنبه مخصوص باحضار وزرا و شاهزادگان است جمعه تعطیل نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان وغیرها برسم معمول همه ساله برای شرفیابی حضور همایون از مقر حکومت عزیمت دارالخلافه فرموده در ماه محرم وارد و شرفیاب حضور مبارک شدند و جمعی از اعیان حوزه حکومت و فرمانفرمائی خودشان را نیز شرفیاب جاکپای مبارک نموده معرفی کردند اجزای جمیع وزارتخانه‌ها جلیله نیز حسب الامر هر روز دسته بتوسط مدیر و وزیر آن اداره و وزارتخانه بحضور همایون شاهنشاهی مشرف و معرفی شدند غدغن و منع رواج و داد و ستد اسکناس در تمام ممالک محروسه از طرف وزارت تجارت و نیز منع طرح و نقش و رنگ فرنگی در قالی ایران که موجب کساد رواج آن شده است از جانب وزارت مزبوره ایجاد روزنامه مصور موسوم بشرف از اول محرم سنه هزار و سیصد بتوسط بنده مؤلف حسین عبده مولود مسعود همایونی را در شب و روز ششم صفر المظفر نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ کاملا کرفته و در پیشگاه حضور مبارک انعقاد سلام خاص و عام شد جمیع سلاطین دول معظمه متحابه تلگرامهای تبریک و تهنیت کفته و از طرف همایون ملوکانه جوابهای مقتضی داده شد در تمام بلاد ممالک محروسه نیز جشن کامل کرفته شد بندکان همایون شکارگاه جاجرود تشریف فرما شده پس از ده شبانروز اقامت بعزم سلطنت فرمودند پلنکی قوی پنجه در انیسفر صید شست مبارک شد شدت و شیوع مرض در کلوا و آبله در کرمان و بلوچستان حاجی ابوالحسن رئیس معماران بتوسط واسطه‌ها امین السلطان وزیر دربار اعظم بمنصب معاونت باشیکری سرافراز کردید شنبه هفدهم ربیع الاول که عید ولادت باسعادت حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اجمعین است مراسم انعقاد سلام در تالار بلور و جشن و تبریک کاملا مرعی شد از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی یکقطعه نشان درجه اول عثمانیه مکلل بالماس با حمایل مخصوص آن محض مزید اعزاز نواب والا ظل السلطان حکمران اصفهان و فارس و یزد و عراق و بروجرد و لرستان و عربستان و کرمانشاهان و کردستان وغیرها و اصل دربار همایون کردید اللهقلیخان ایلخانی باعطای یکقبضه عصای مرصع مفتخر شد میرزا یوسفخان مستشارالدوله بیکتوب سرداری مرصع ایرانی مخلع کشت دکتر میرزا احسنخان ولد میرزا یوسفخان مستشارالدوله که فارغ التحصیل از لندن مراجعت کرده بود در سلک اطبای حضور مبارک منسلک کردید میرزا ابراهیمخان سهام الدوله سرتیپ فوج حسب استدعای نواب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بحکومت بالانماز دان منصوب شد و نیز حسب استدعای

ظل السلطان شدند روز دوم جمادی الاولی شاهزاده حاجی حسام السلطنه برحمت الهی پیوست حکومت و فرمانفرمائی
ایالتین خراسان و سیستان دوباره بنواب رکن الدوله تفویض شد کتابی مشتمل بر لغت هم‌نیم فرانسه یعنی الفاظ متشابهه
باترجمه فارسی این بنده نگارنده جمع و تالیف نموده بطبع رسانیدند (چین) شورش سختی در مملکت کرده روی میدهد بلکه
واولاد او کشته میشوند پادشاه فرار میکنند وجمعی مقتول میکردند دولت ژاپن سفاین جنگی و قشون باینمملکت میفرستد
امریکا (آستریه) مابین اطریش و اقلاق بغدان و سربی کدورتست دولت انکلیس میان اطریش و اقلاق بغدان
میانجی است دهشتم شعبان دسامبر حرقه در تماشاخانه رینگ سرو سیرزیاده از هزار نفر را تلف نمود بروز شورش در
ایالت هرسک و بوسنی و شکست دادن باغیان عساکر اطریش را سخت شدت شورش ایالتین مزبورتین عساکر اطریش از
باغیان شکستها سخت میخورند باغیهای هرسک مایل باصلاح هستند برای دفع شورشیها اکثر نفوس دولت بیست و
چهار ملیون فرانک استقراض مینماید دولت اطریش در هرزگوین و بوسنی قشون میکرد در شهر ایشل اعلیحضرت امپراطور
اطریش و اعلیحضرت امپراطور المان ملاقات مینمایند از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان امتیاز برای اعلیحضرت
امپراطور اطریش ارسال میشود مسافرت اعلیحضرت امپراطور بمرتبت برای تماشای اکسپوزیسیون نواب ولیعهد اطریش
ملاقات اعلیحضرت امپراطور المان ببرلن میرود و زمستان جدید در برلن در ماه ژانویه وارد اینمملکت میشود (اسپانیا) مطبعها
این مملکت چند روز بسته شد بعضی که در این چند روزه در تمام مملکت اسپانیول نشر روزنامه نشد انعقاد عهدنامه تجارت
مابین این دولت و دولت فرانسه تولد دختری از ملکه اسپانیا (المان) بجهت دوستی این دولت با دولت عثمانی تمثال
را در پول جاملی نشان از طرف اعلیحضرت امپراطور المان برای اعلیحضرت سلطان عثمانی شد سفیری از جانب دولت
المان برم پای تخت ایطالیا رفته مراودائی که سابقا با پاپ در کار بود و چندگاهی مقطوع گردیده مجددا برقرار مینماید و اینتائ
مابین حاصل میشود افتتاح مجلس پارلمنت المان مجادله وکلای ملت با وزرا در مجلس پارلمنت برضد دولت که میخواهد
بیع و شرای دخانیات را خاصه دولت کند با وجود خطبه پرنس بیزمارک در مسئله دخانیات وکلای ملت قبول نمیکنند
که بیع و شرای آن مخصوص دولت باشد مسافرت اعلیحضرت امپراطور بپترسبورغ مابین آن اعلیحضرت با پرنس و جمعیت
المان در این سال از اینقرار است پنجاه و شش کرور و سیصد و چهل هزار پرتستان و سی و دو کرور و بیست و
سه و چهار هزار کاتولیک و یک کرور و شصت هزار یهود و سی هزار نفر از ادیان مختلفه و هفتاد و سه هزار نفر بی
مذهب پرنس شاکل برادر اعلیحضرت امپراطور فوت میشود (انکلیس) شورش سخت در ارلند و سوزانیدن باغیها
اکثر اینجا دولتی را موافق توجیهی که اعیان پیش خود نمودند معادل شش کرور تومان وجه نقد حاضر کرده برسم
اعانت برای یهودیها که در مملکت دوسر طرف صدمه شده بودند میفرستند در ارلند شورش برضد دولت و
تبرا جاست و هر روز چند قتل نفس اتفاق می افتد دیوانه بطرف اعلیحضرت پادشاه انکلستان و امپراطریس هند و شاه
طپانچه خالی میکند بدون اینکه کلوله باعلیحضرت معظم لها بخورد مسافرت اعلیحضرت معظم لها بفرانسه و مراجعت بانکلیس
منصوب شدن لرد اسپانسر بفرمانفرمائی ارلند لرد کوندیش فرمانفرمای ارلند و بورک وزیرش در شهر دوبلن
پای تخت ارلند بدست اعیان مقتول میکردد سفاین جنگی انکلیس بهمراهی کشتیهای جنگی فرانسه بطرف مصر حرکت
میکنند که خدیو را از شر عوانی پاشا حفظ نمایند امیرالبحر سمور سردار سفاین جنگی انکلیس مصر بها را تهدید میکنند
که اگر دست از سلطنت استحکامات نکشند شهر اسکندریه را کلوله باران خواهد کرد سیتوایو پادشاه سابق زولو
وارد انکلیس میشود و با شرعیات زیاد او را پذیرفتند انقلاب ارلند و شورش اشرار برقرار است شورش مردم

برضد

ولایات ممالک محروسه سوای دار الخلافه طهران که در جزو اداراتی زیارتی نوشته شده است

مملکت آذربایجان وغیره

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد جاوید مهد دولت علیه فرمانفرما و حکمران مملکت آذربایجان ادام الله اقبال العالی

نواب والا اعتضاد السلطنه

جناب حسنعلیخان سالار لشکر نواب حاجی سیف الدوله رئیس دیوانخانه عدلیه نواب حاجی بهاء الدوله رئیس قشون آذربایجان جناب صدیق الدوله کارکذار و وزیر مالیه دولت علیه آذربایجان عبد الدوله حکمران مراغه امیرزاده اکبر میرزا حکمران اردبیل و مشکین سایر حکام و کارکذاران جزو آذربایجان هریک در طبقه خود نوشته شده اند در اینجا حاجت بتکرار نیست

کارکذاران و عمله جات مخصوص

در بخانه نواب اشرف والا ولیعهد

امیرزادکان و ارباب مناصب و باشیان

نواب شعاع السلطنه ناظر و مهردار نواب اسعد میرزا امیرآخور نواب لطفعلیخان کشیکچی باشی حاجی محمد حسین خان صندالدوله ایشیک آقاسی باشی میرزا محمد فخر الاطبا میرزا ابو الحسن حکیمباشی میرزا شفیع مستوفی خاصه محمد اسمعیل خان صندوقدار حاجی احمد خان شاطرباشی محمد صادق خان اجودان باشی محمد حسینخان بخیاری قوللر آقاسی باشی پاشاخان یوزباشی محمد خان سرهنک یزدی حبیب الله خان صاحبجمع ابن مرحوم فتح الله خان کلهر علی خان مهرشکار

منشیان و مستوفیان

میرزا فضل الله خان منشی باشی میرزا سلیمانعلی مستوفی میرزا محمد مستوفی سواد کوهی میرزا صادقخان سررشته دار مخصوص میرزا محمد علی منشی ولد جناب میرزا علیمحمد ملا باشی میرزا آقا منشی کرمرودی

عمله خلوت

خانبابا خان نایب پیشخدمت باشی امیرزاده علی بخش میرزا پیشخدمت امیرزاده عباسقلی میرزا پیشخدمت و رئیس سوارهای آذربایجان میرزا عیسیخان پیشخدمت کتابدار مرتضی خان ولد جناب مخبر الدوله میرزا علی اکبرخان ولد فخر الاطباء میرزا محمد علیخان کاشی حاجی میرزا حسنخان ولد حاجی میرزا علی وکیل الرعایا حاجی محمد تقی خان ولد قطعه بیکی تبریز میرزا جواد نواده جناب وزیر دفتر امیرزاده محمد قلیمیرزا احمدخان برادر حاجی خانزن لنبلک میرزا احسنعلی ولد مرحوم حاجی میرزا رحیم حسنخان نواده جناب صاحبدیوان سلطانعلیخان فراشخلوتان چهار نفر

حاجی رضا قلیخان

عمله صندوقخانه

میرزا مهدی سررشته دار عزیز الله خان کرکبراق وغیره پنجنفر

قهوهخانه و آبدارخانه

کربلائی حسین سقاباشی اسد الله خان قهوهچی باشی سایر اجزاء پنجنفر

عمله اصطبل

عبد المجید میرزا ناپب سایر سه نفر

عمله فراشخانه

حسینخان نایب فراشان وغیره سی نفر

عمله کادخانه

امیرزاده مغفور میرزا نایب ناظر میرزا تقیخان نایب ناظر سایر عمله جات بیست نفر

نفتکداران

اسد الله خان نایب نفتکدار باشی سایر نفتکداران ده نفر

نایبان اجودانها

مهدیقلیخان اجودان حضور والا حمزه خان پیشان میرزا محمد خان

ممالک و ولایات متصله ذیل بحکومت و فرمانفرمائی جناب اشرف نواب والا شاهزاده

معظم ظل السلطان ادام الله اقباله العالی بعلاوه ریاست فنون و افواج ولایات متصله ذیل

ولایت اصفهان ممالک فارس ایالت کرمانشهان ایالت کردستان ایالت عربستان ایالت لرستان ولایت بروجرد و بختیاری ولایت یزد ایالت عراق کلپایگان خوانسار کرم محلات

اصفهان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران و فرمانفرما ادام الله اقباله العالی

اجزای حکومت

امیر الامرا العظام صارم الدوله امیر نومان رئیس کل جناب مولوی ملا باشی میرزا سلیمانخان منشی باشی نایب الحکومه اصفهان مظفر الملک حاجی میرزا محسنخان سرتیپ محمد اسمعیل خان میرآخور سراج الملک میرزا رضا قلیخان مستوفی پیشکار میرزا فتحخان سرتیپ دیوانچکیباشی علیخان رئیس مدرسه همایون میرزا موسیخان ناظم الاطباء

ارباب قلم

مستوفیان و اعمال دفترخانه

میرزا حبیب الله خان مستوفی بیان الملک میرزا حسینخان سررشته دار میرزا محمد حسن مستوفی میرزا علی مستوفی میرزا زین العابدین میرزا رضا صاحب جمع خزانه میرزا جعفر مستوفی مخصوص

ارباب قلم مخصوص در بخانه حضرت والا

میرزا نصر الله خان مستوفی میرزا رضا حکیم منشی مخصوص حاجی میرزا ابراهیمخان مستوفی میرزا حسنعلیخان منشی میرزا فتحخان منشی

ممالک فارس

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرمای ممالک فارس ادام الله اقباله العالی نواب الاجلال الدوله نایب الایاله ممالک فارس جناب صاحبدیوان کارکنان و کل ممالک فارس جناب غلام الملک حاجی نصیر الملک مؤید الملک میرزا احسنخان محمد رضاخان بیکلربیکی حاجی میرزا آقاخان وکیل بیان الملک جناب میرزا علی محمد لاباشی میرزا محمد حسین لاباشی میرزا علیمحمدخان منشی باشی حاجی میرزا جعفر حکیمباشی

کرمانشهان و کردستان

نواب اشرف والا ظل السلطان فرمانفرما ادام الله اقباله العالی جناب نامر الملک حکمران کرمانشهان و کردستان جناب میرزا محمد اقبال الملک نایب الایاله کردستان مصطفی قلیخان نایب الحکومه کرمانشهان

عربستان

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی امیرزاده احتشام السلطنه نایب الایاله عربستان شیخ مرغشی خان نایب الحکومه محمره آقا رضای مستوفی و سررشته دار

لرستان و بروجرد

نواب اشرف والا ظل السلطان ادام الله اقباله العالی حکمران

لرستان

امیرزاده حشمة الدوله نایب الایاله لرستان شاهرخ میرزا نایب الحکومه خرم آباد میرزا عبد الله منشی میرزا جعفر قلی میرزا سید رضا مستوفی و سررشته دار

بروجرد

امیرزاده حشمة الدوله نایب الایاله بروجرد میرزا سید ابراهیم سررشته دار

یزد

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی ابراهیم خلیلخان نایب الحکومه محمود آقا میرزا محمد مستوفی میرزا ابو القاسم منشی

عراق و غیره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی میرزا علی اکبرخان نایب الحکومه میرزا سید رضا سررشته دار محمد صادقخان

کلپایگان و خوانسار و کره

نواب اشرف والا ظل السلطان حکمران ادام الله اقباله العالی

نایب الحکومه کلپایکان نایب الحکومه خوانسار نایب الحکومه مکره
قشون و افواج جمعی نواب اشرف ولاظل السلطان
ادام الله اقباله العالی

افواج

افواج ثلثه اصفهان افواج خمسه عراق افواج اربعه کرمانشاهان
فوج کمره فوج سیلاخور فوج کلپایکان فوج امرائی
فوج پشتکوهی

سواره

دوهزار و پانصد نفر
سوار منتخبه اصفهان پانصد نفر سواره ایلات فارس پانصد نفر
سواره ایلات بروجرد پانصد نفر سواره ایلات کرمانشاهان
پانصد نفر سواره لرستانی وغیره پانصد نفر

صاحبمنصبان افواج

افواج ثلثه اصفهان

فوج جلالی

حاجی میرزا عبدالوهاب سرتیپ نواب الاجلال الدوله
سرهنگ حاجی میرزا محمدعلی مشرف

فوج فریدن

حاجی مصطفی قلیخان سرتیپ میرزا احمدخان سرهنگ
میرزا سلیمان مشرف

فوج چهارمحالی

میرزا عبدالحسینخان سرهنگ
میرزا محسن مشرف

افواج خمسهٔ عراق

فوج بزچلو

محمدخان سرتیپ میرزا محمدعلی مشرف

فوج خلج قمر

میرزا محمدحسین مشرف

فوج کرازی

حاجی معصوم الملک سرتیپ ذوالفقارخان سرهنگ
میرزا فتحی مشرف

فوج سربندی

مصطفی خان سرهنگ میرزا فتح الله
مشرف

فوج فراهان

نواب ناصرالدوله سرتیپ محمدطاهرخان سرهنگ
میرزا اسمعیل مشرف

افواج اربعه کرمانشاهان

جزآن معین نشده است

افواج کمره وغیره

فوج کلپایکان

بافرخان سرهنگ میرزا آقاجان مشرف

فوج کمره

جزء ندارد

فوج سیلاخوری

رضاخان سرهنگ میرزا فضل الله مشرف

افواج لرستانی

فوج امرائی فوج پشتکوهی

ولایات و ایالات که حکومت آنها در اداره

نواب اشرف الاناب السلطنه امیرکبیر دزپرجنب ادام
الله اقباله العالی است

ایالت کیلان

جناب عبدالله خان والی حکمران کیلان وطوالش
میرزا سیدتقی لشکرنویس پیشکار کیلان

ایالت دارالمرز مازندران

امیرالامراء العظام محمدابراهیمخان سهام الدوله سرتیپ
اول حکمران مازندران

استراباد و کرکان و ترکمان

امیرالامرا العظام ساعدالدوله امیرتومان حکمران
استراباد و کرکان وغیره

قم و ساوه و شاهسون بغدادی

جناب اعتضادالدوله حکمران قم و ساوه و شاهسون بغدادی

اجزای حکومت و معارف قم

امیرزاده عباس میرزا نایب الایاله نصرالله خان پیشکار
جناب متولیباشی جناب حاجی سیدجواد مجتهد

اداره ساوه

علیخان نایب الحکومه حاجی میرزا احمد مجتهد

اداره شاهسون بغدادی

میرزا محمد حسین نایب الحکومه

ملایر و تویسرکان و نهاوند

نواب والا عضد الدوله حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند

اسد الله خان نایب الحکومه نهاوند

دماوند

حاجی میرزا یحیی خان حکمران دماوند

فیروزکوه

میرزا فضل الله خان حاکم فیروزکوه

سایر ممالک و ولایات محروسه ایران

مملکت خراسان و سیستان

نواب والا رکن الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان

نواب معین الدوله نایب التولیه نواب نیر الدوله پروین

میرزا امیرزاده علیقلی میرزا نایب الحکومه جناب حاجی

مستشار الملک مستوفی اول و پیشکار مملکت خراسان

مملکت کرمان و بلوچستان

نواب ناصر الدوله حکمران کرمان و بلوچستان میرزا سید

کاظم مستوفی و پیشکار مالیاتی

قزوین

نواب والا ملک آرا حکمران قزوین و توابع

ولایات خمسه

نواب مؤید الدوله حکمران ولایات خمسه میرزا محمد حسین

مستوفی و پیشکار

همدان

نواب والا عز الدوله حکمران همدان امیرزاده

حسینقلی میرزا نایب الحکومه میرزا احمد پیشکار همدان

کاشان

حاجی عباسقلیخان قاجار حکمران ولایت کاشان

میرزا سید حسن پیشکار کاشان میرزا حسن

سررشته دار

سمنان و دامغان

امیرزاده ابو شهروان میرزا ضیاء الدوله حکمران سمنان و دامغان

شاهرود و بسطام

محمد خان نایب ایشیک آقاسی باشی حکمران شاهرود و بسطام

کردس

جناب حسنعلیخان سالار لشکر حاکم اردوی و سلماس و کردس و غیره

لطفعلیخان نایب الحکومه کردس

خرقان بن

بحکومت امیر الامراء العظام اللهیار خان آجودانباشی امیر نوما

کنکاور

بحکومت رحمت الله خان ساری اصلان

اسدآباد

بحکومت خانبابا خان سرتیپ پسر امیر الامراء العظام سلیمانخان

صاحب اختیار

نطنز

در حکومت نواب مؤید الدوله و حاجی حسام السلطنه میرزا

محمدنبی حکمران نطنز

جوشقان

بحکومت کاشتکان امیرزاده معز الدوله

طارم

آقا باقر نایب الحکومه طارم از جانب جناب

امین السلطان

سواد کوه

حاجی ولیخان نایب الحکومه سواد کوه از جانب جناب

امین السلطان

ممالک خارجه

اروپ

دولت آستریه و مجارستان

امپراطور فرانسواشارل ژزف در ۱۲۴۶ هجری متولد شده ولیعهد آرشی دوک رودلف فرانسواشارل ژزف پایتخت وینه صدراعظم وزیر دول خارجه کنت کالنکی مذهب ولتی کاتولیک و پروتستان هم دارد جمعیت هفتاد کرور

دولت اسپانیا

پادشاه الفونس دوازدهم سنش بیست و شش سال وزیر اعظم گانوا دل کاستیلو مذهب ولتی کاتولیک جمعیت سی و سه کرور و سیصد و سی و پنجهزار نفر پایتخت مادرید

دولت معتبره المان

جمعیت کلیه هشتاد و چهار کرور مذهب ولتی پروتستان و بعضی کاتولیک هستند

اولاباد

فرمانفرما فردریک گیلیوم لوی سنش پنجاه و هفت سال ولیعهد فردریک گیلیوم لوی پالاگوست سنش بیست و شش سال پایتخت کارلسروه مذهب پروتستان

باویر

شاه لوی دویم اُن فردریک گیلیوم سنش سی و هشت سال پایتخت مونیک مذهب کاتولیک

پروس

امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک گیلیوم اول در ۱۲۱۲ هجری متولد شده و در ۱۲۸۱ بامپراطوری المان برقرار گردید و سنش هشتاد و شش سال است ولیعهد فردریک گیلیوم نیکلا شارل سنش پنجاه و دو سال وزیر اعظم پرنس بیزمارک مذهب ولتی پروتستان و بعضی هم کاتولیک هستند پایتخت برلن

دولت ساکس

شاه آلبر فردریک آگوست آن توان فردیناند ژزف شارل ماریا باپتیست نپوموسن گیلیوم کزاویه ژوزف مندل سنش پنجاه و پنج سال پایتخت درسد مذهب ولتی کاتولیک و قدری کاتولیک

وورتمبرغ

شاه شارل اول فردریک الکساندر سنش شصت سال پایتخت اشتوتکارت مذهب ولتی پروتستان و قدری کاتولیک

دولت انکلستان و ارلند و اسکاتلند

پادشاه ملکه ویکتوریا الکساندرین سنش شصت و سه سال ولیعهد پرنس البرت ملقب به پرنس دوگال سنش چهل و دو سال وزیر اعظم مسیو گلادستون پایتخت لندن جمعیت تمام این مملکت از انکلیس و ارلند و اسکاتلند از قرار سنه ماضیه شصت و هفت کرور و سیصد هزار نفر و جمعیت تمام ممالک متصرفه انکلیس از هند و سیلان و غیره چهارصد و هفتاد و شش کرور مذهب ولتی پروتستان و مذهب مملکت ارلند کاتولیک فرمانفرمای هندوستان لرد اسپنسر

دولت ایطالیا

پادشاه هومبرتول سنش سی و هشت سال ولیعهد ویکتور امانوئل پرنس ناپل سنش چهارده سال وزیر اعظم مسیو پرتیس مذهب کاتولیک جمعیت پنجاه و چهار کرور و چهارصد و هشتاد و دو هزار نفر پایتخت رُم

دولت بلژیک

پادشاه لئوپلد دویم سنش چهل و هشت سال پایتخت بروکسل جمعیت ده کرور و سیصد و سی و شش هزار نفر مذهب ولتی کاتولیک

دولت پرتوغال

پادشاه لوی فیلیپ ماری فردیناند پدرو سنش چهل و پنج سال ولیعهد شارل فردیناند لوی ماری وزیر اعظم رُدریکس سامپای پایتخت لیزبن جمعیت دار و پ نه کرور و یکصد هفتاد و دو هزار نفر خارج از اروپ شش کرور و دویست و هشتاد و یکهزار نفر

دولت هلاند

که هلاند نیز نامند

دولت بلجیا

پادشاه گیلیوم ستیم الکساندر یک فردریک لوی سنش شصت

شش سال ولیعهد گیلیو الکساندر شارل فردریک سنش سی و پنجسال پای تخت لاهه جمعیت هفت کرور و سیصد و نه هزار نفر مذهب دولتی پروتستان

دولت دانمارک

پادشاه کریستیان نهم سنش شصت و پنجسال ولیعهد کریستیان فردریک گیلیو شارل سنش سی و هشت سال وزیر اعظم یعنی رئیس وزرا استروپ پای تخت کپنهاگ مذهب دولتی پروتستان جمعیت سه کرور و چهارصد و سه هزار نفر

دولت روس

امپراطور دوم الکساندر دوم سنش سی و هشت سال ولیعهد گراندوک نیکلا الکساندرویچ سنش پانزده سال مسبو وکبرس وزیر مختار جمعیت صد و هفتاد و هفت کرور و دویست هزار نفر مذهب اورتودکس یونانی و مذاهب متفرقه دارد پای تخت سنت پطرزبورغ

دولت رومانی

پادشاه شارل اول سنش چهل و چهارسال پای تخت بوکارست وزیر اعظم اسنا ایشلک جمعیت دو کرور و سیصد و هفتاد و ششهزار نفر مذهب اورتودکس یونانی

دولت سربی

پادشاه میلان اول پای تخت بلگراد ولیعهد کبس هشت سال پرنس الکساندر وزیر اعظم پیرت شانانش جمعیت سه کرور و یکصد و هشتاد و دوهزار و پانصد نفر مذهب کاتولیک و یونانی

دولت سوئیس

رئیس جمهوری مسیو کاپلر وزیر اول شپس پای تخت برن مذهب نصف پروتستان و نصف کاتولیک جمعیت پنج کرور و سیصد هزار نفر

دولت عثمانی

سلطان عبدالحمید خان سنش چهل سال ولیعهد وزیر اول سعید پاشا پای تخت اسلامبول مذهب دولتی مسلمان شئ عیسوی وغیره پنزداد جمعیت انزار سنه ماضیه تحقیقاً معلوم نیست

دولت فرانسه

رئیس جمهوری ژول گری وزیر اعظم و وزیر امور خارجه فرنی پای تخت پاریس مذهب دولتی کاتولیک جمعیت هفتاد و دو کرور و صد و دو هزار نفر

ایالت منتنگرو

پرنس نیکلای اول سنش چهل و دوسال ولیعهد پرنس ورکا سنش نوزده سال وزیر اول پتروویچ پای تخت ستین جمعیت یک کرور و سی و شش هزار نفر مذهب اورتودکس یونانی کلی هم کاتولیک و مسلمان هم دارد

دولت یونان

پادشاه ژورژ اول سنش سی و هشت سال ولیعهد قسطنطین پای تخت آتن جمعیت نزدیکا سه کرور و چهارصد و شصت هزار نفر مذهب عیسوی یونانیست

آسیا

هفت کرور

دولت چین

امپراطور کوانگ سو سنش دوازده سال وزیر اعظم شامزاده کنگ پای تخت پکن مذهب دولتی بودا مذهب هشتصد مسلمان هم دارد جمعیت کلیه هشتصد و شصت و هفت کرور جمعیت ریعیه هشتصد و نه کرور و چهارصد و چهل و شش هزار و صد و چهار نفر جمعیتیکه زیر حمایت هستند پنجاه و

دولت ژاپن

امپراطور (میکادو) موتسوهیتو سنش سی و یکسال ولیعهد چکاشی فوشیمی نامی وزیر اعظم ساغو پای تخت یدو مذهب بودا مذهب جمعیت شصت و شش کرور و صد و دو هزار نفر

دولت سیام

پادشاه

پادشاه بتان — پای تخت بان کاک — مذهب بودا مذهب
وزیر اوڈ نیا بوفرا باسور بونگ سی — جمعیت دوازده کرور و سیصد هزار نفر

افریقیه

ایالت تونس

والی سیدی علی بیک — پای تخت تونس — جمعیت چهار کرور

دولت حبشستان

امپراطور که نگوس منا مداشمرژان — پای تخت گندار — جمعیت دو کرور مذهب دولتی کاتولیک مسلمان وغیره هم دارد

دولت زنکبار

سلطان سید برگش بن سعید — پای تخت زنکبار — جمعیت جزیرهٔ زنکبار صد هزار نفر اما تمام جمعیت آنمملکت مشخص نیست — مذهب مسلمان

جزیرهٔ ماداکاسکار

پادشاه ملکه رانا والو دوتیم — پای تخت تاناناف — جمعیت پنج کرور

دولت مراکش

سلطان ملا حسن — پای تخت طانجه — جمعیت دوازده کرور — مذهب مسلمان

ایالت مصر که جزو سلطنت عثمانی است

خدیو توفیق پاشا — پای تخت قاهره — مذهب اسلام ستنی — جمعیت تمام مصر سی و شش کرور

امریکا

بینکی دنیای شمالی

جمهوری اناتونی

رئیس جمهوری اراتور — پای تخت واشنتون — مذهب اغلب پروتستان وغیره — جمعیت هفتاد و هفت کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری مکسیک

رئیس جمهوری اسشر پودیو پاسر — پای تخت مکزیک — مذهب کاتولیک — جمعیت هجده کرور و بیست و هفتاد و ششهزار نفر

بینکی دنیای مرکزی

جمعیت کل پنج کرور و صد هزار نفر

جمهوری سان سالوادر

رئیس جمهوری — پای تخت سان سالوادر — جمعیت چهل هزار نفر

جمهوری کاستاریکا

رئیس جمهوری گواردیا — پای تخت سان ژوزه — جمعیت بیست و پنج هزار نفر

جمهوری گواتمالا

رئیس جمهوری ژزه روفینو باریس — پای تخت گواتمالا — جمعیت سه کرور و صد هزار نفر — مذهب کاتولیک

جمهوری نیکاراگوا

رئیس جمهوری دن پدرو شامرو — پای تخت ماناگوا

جمهوری اوندورا

رئیس جمهوری مرکوار پاپوستو — پای تخت کوماپایکا

بینکی دنیای جنوبی

جمهوری ارژانتین

رئیس جمهوری نیکلا اولانذا — پای تخت بنوس — جمعیت دو کرور و سیصد هزار نفر

جمهوری اکوادر

رئیس جمهوری اپن سیوانیلا — پای تخت کیتو — جمعیت دو کرور و چهل هزار و سیصد و هفتاد و یکنفر

جمهوری اوروگوی

رئیس جمهوری دن لوزولاژ — پای تخت منتویدیو — جمعیت چهار صد هزار نفر

برزیل

امپراطور پدرو دوم — پای تخت ریوژانیرو — جمعیت بیست

کرور و صد و هشتهزار نفر

جمهوری بولیوی

رئیس جمهوری دون تومافرباس پای تخت چوکی ساکا
جمعیت چهار کرور

جمهوری پاراگوی

رئیس جمهوری اوژینو واورباث پای تخت اسمسیون
جمعیت انفرار سنوات ماضیه دو کرور نفر

جمهوری پیرو

رئیس جمهوری مسیو گارسیا کالدرن پای تخت لیما جمعیت پنج
کرور مذهب کاتولیک

جمهوری شیلی از قرار سنه ماضیه

رئیس جمهوری بالماسیدا پنتو پای تخت سان تیاکو جمعیت چهار
کرور نفر چون بنک جمهوری شیلی با جمهوری پرو تمام نکرده
و هنوز کار شیلی یکطرفی نشده است وضع و هیئت دولتی
درستی ندارد و بنابراین حالش معلوم نیست

جمهوری دول متحده کولمبی

رئیس جمهوری تونیس پای تخت بگوتا جمعیت کل دول متحده
کولمبی دوازده کرور

جمهوری ونزوئلا

رئیس جمهوری گوسمان بلانک پای تخت کاراکاس

جزایر

جزیره ساندویچ

پادشاه لنکا محا محا (خامس) (پنجم) پای تخت انونو

جزیره سندویچ

رئیس جمهوری کوبزالس پای تخت سندویچ جمعیت
چهارده هزار نفر

جزیره هائیتی

رئیس جمهوری سالومن پای تخت
پرنس پرنس جمعیت هشتصد
هزار نفر